

سیاق نامه کتاب‌گزار

«کتاب‌گزار» در تمام عرصه‌های علوم انسانی با محوریت فرهنگ و تمدن اسلامی و در ساحت‌های تراث‌پژوهی، بررسی‌های متن‌محور، گزاره‌شناسی، نقد، تحلیل و معرفی میراث و دستاوردهای معاصران - به معنای گسترده آن - از مقالات و نوشته‌های محققان استقبال می‌کند. لازم به ذکر است که این مجله علاوه بر مقالات بلند و نیمه‌بلند، از تک‌نگاشت‌ها، یادداشت‌ها و فیش‌نوشته‌های کوتاه - حتی در حجم یک پاراگراف - نیز استقبال می‌کند. این از آن‌روست که امروزه با تخصصی شدن مجلات موجود در فضای فرهنگی کشورمان، بسیاری از نگاشته‌های کوتاه دانشجویان محقق - که در قالب حتی چند سطر، دست‌آوردی علمی ارائه می‌دهند یا به مسئله‌ای مغفول در حوزه متن‌شناسی یا گزاره‌شناسی اشاره می‌کنند - هیچ‌گاه عرصه بروز نمی‌یابند.

بدیهی است که بسیاری از دانشوران ما، امروزه از فرصت کافی برای تدوین کتاب یا مقاله برای طرح نکته دست‌یاب خویش، برخوردار نیستند. در همین حال، بسیاری از مجلات تخصصی - با توجه به قواعد مرسوم مطبوعات علمی/ پژوهی - از انتشار کوتاه‌نگاشته‌ها خودداری می‌کنند و همین، فرصت بروز را از چنین نوشته‌های ارزشمندی - که گاه حاصل برهه‌ای تفکر و تأمل هستند - خواهد گرفت. کتاب‌گزار با عنایت به این مطلب و اصرار بر لزوم نشر این دست‌نگاشته‌ها، از تمام مختصرنوشته‌هایی که در قالب حتی چند سطر، نکته‌ای ویژه و جدید ارائه می‌دهند، استقبال می‌کند. صورت حروف‌نگاری مجله نیز بر اساس همین رویکرد تنظیم شده است تا با جداسازی متن از حاشیه، بستری مناسب جهت انتشار این‌گونه یادداشت‌های کوتاه فراهم آید.

این فصلنامه، از مقالات بلند - که در دو یا چند شماره عرضه می‌شوند - نیز استقبال می‌کند. این ساحت برای بازسازی متون از دست‌رفته در حوزه تراثی ما فراهم شده است تا طی چند شماره، متنی از دست‌رفته بازسازی و ارائه شود.

از حیث صورت و ظاهر، متن ارسالی برای انتشار، در قالب تمام نرم‌افزارهای مرسوم حروف‌نگاری - همچون زرنگار، ورد و این‌دیزاین - و در همه نسخه‌های این

برنامه‌ها، پذیرفته می‌شود. استفاده از انواع حروف و قلم‌های موجود در این نرم‌افزارها آزاد بوده و محققان گران قدر می‌توانند نگاشته‌های خود را در محیط هر برنامه‌ای که در اختیار دارند، تدوین کنند. این از آن روست که زمان محققان گرامی را بهایی بیش از آن است که در ساحت مسائلی صوری همچون حروف نگاری به کار رود. کتاب‌گزار یکسان‌سازی نگاشته‌ها را بر اساس قالب مختار خود - که در همین شماره فراروی خواننده ارجمند قرار گرفته است - بر عهده خواهد داشت.

در ساحت زبان اما، پرواضح است که این مجله در شمار مجلات فارسی زبان قرار دارد؛ از این رو، بدنه آن را متونی به همین زبان شیوای شیرین تشکیل می‌دهند و ویراستاری مجله نیز بر اساس قواعد رایج زبان فارسی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، می‌دانیم که عموم محققان در حوزه علوم اسلامی و تراث پژوهی، با زبان عربی کلاسیک چندان آشنا و همنشین هستند که تألیف متون عربی را - با مسامحه‌ای در تعبیر - همچون نگارش پارسی، آسان‌یاب می‌دانند؛ از این رو، استفاده از مقاله‌ها و نگاشته‌های عربی نیز بسیار ضروری و مفید است. می‌دانیم که زبان عربی در میان زبان‌های جاری در حوزه تمدن اسلامی، نقشی یگانه داشته است؛ چنان‌که علی‌رغم اهمیت والای دو زبان فارسی و ترکی در این میان، باز بیشترین حجم تراث عالم اسلامی در قالب زبان عربی پدید آمده است. علاوه بر این، در روزگار کنونی، توجه بسیاری از محققان خارجی به تراث اسلامی معطوف شده است و مقالات مختلفی در عرصه‌های گوناگون تراث و علوم اسلامی به زبان‌های اروپایی - همچون انگلیسی، فرانسوی و آلمانی - تألیف می‌شوند؛ لذا و با اینکه کتاب‌گزار مجله‌ای دو زبانه محسوب نمی‌شود، بخشی از حجم خود را به نگاشته‌های عربی و انگلیسی اختصاص خواهد داد.

گذشته از درون‌مایه مجله، لازم است به زیبایی ظاهری آن نیز اشاره کنیم. کتاب‌گزار امید می‌برد با استفاده از ساحت غنی هنر اسلامی - که پیوندی تام و تمام با تمدن کرامند اسلامی دارد - از ظاهری چشم‌نواز برخوردار باشد. بدیهی است که استفاده از صفحات تمام‌رنگی تنها در بخش کوچکی از مجله ممکن است؛ با این همه، تلاش می‌کنیم با استفاده از عناصر هنر اسلامی، بر طراوت صفحات مجله افزوده و در حد مقدور، آن را آراسته و چشم‌نواز ارائه کنیم.

امید به رحمت و اسعه حضرت حق که این چراغ روشن بماند و شماری از دست‌آورد‌های بیش‌بهای دانشوران این مُلک گرامی را به شایستگی ارائه کند؛ و ما ذلك علی الله بعزیز.

فهرست

جامع المقدمات

.....

سخن سردبیر..... ۹

جام جهان بین

.....

شناخت نامه

میرداماد در آینه تحقیقات ایرانی (معرفی آثار فارسی:

از آغاز تا پایان پاییز سال ۱۴۰۱ هجری شمسی) /

آرزو سلیمانی..... ۱۵

میرداماد در حدیث دیگران (معرفی آثار

غیرپارسی: از آغاز تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی) /

سعید مهاجر..... ۲۶۵

میرداماد در آینه تک‌نگاری‌ها (معرفی انتقادی

آثار پارسی: از آغاز تا پایان پاییز سال ۱۴۰۱

هجری شمسی) / سید سعید موسوی..... ۴۱۵

میرداماد در آینه منابع تاریخ فلسفه (معرفی

آثار فارسی: از آغاز تا پایان پاییز سال ۱۴۰۱

هجری شمسی) / مریم مهدوی‌مژده..... ۴۷۹

فهرست

فهرست کتاب‌های چاپ سنگی از آثار میرداماد /

مجید غلامی جلیسه..... ۵۴۷





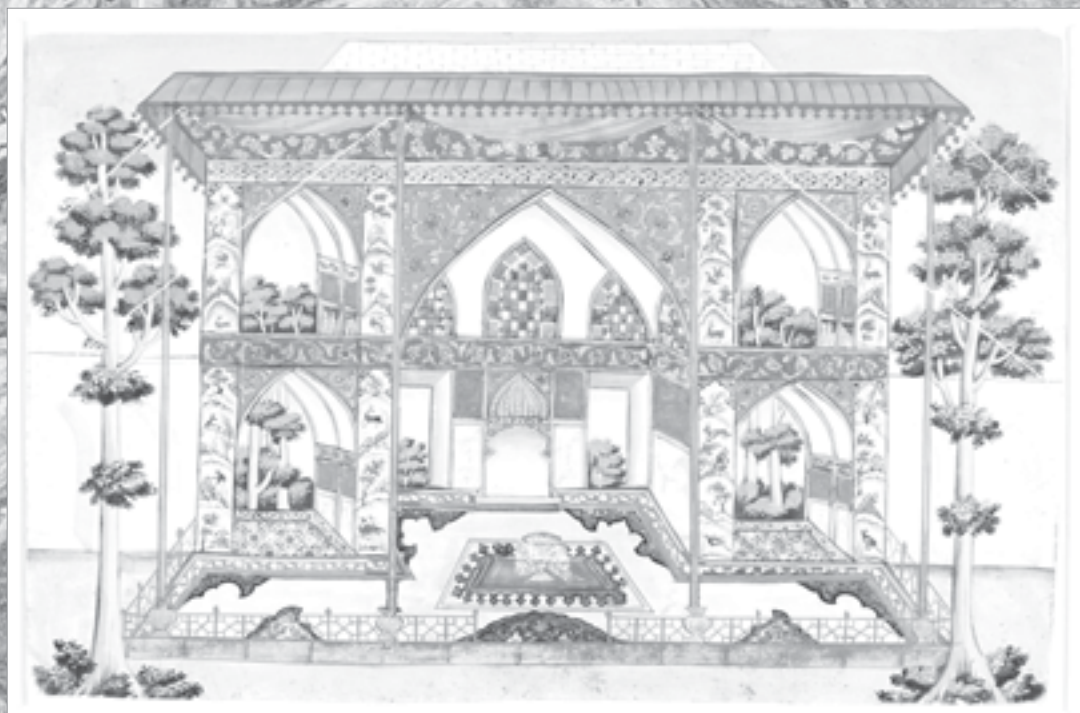
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۖ لِيَغْفِرَ
لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا
تَأَخَّرَ وَبَشِّرْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِكَ
صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۖ وَبَصِّرْكَ
اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۖ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ
السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَيَزِيدُوا

سرلوح نفیس پاره‌ای از قرآن کریم، آیات آغازین سوره مبارکه «الفتح»

منسوب به میرزا احمد نیریزی

حراجی سابتیز (لندن)

جامع المسلمات



نقاشی از کوشک شاه صفی صفوی در باغ‌های اصفهان
موزه رایکس (آمستردام)

سخن سردبیر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لواهب العقل والصَّلاة والسَّلام على النَّبِيِّ والأهل

چهارسال پیش از این، آنگاه که در پیش‌نوشت چهارمین دفتر از دفاتر کتاب‌گزار، از پی به سامان رسیدنِ ویژه‌نامه سیدنا الأجلّ الموسوی المرتضی - که نخستین گام در نگارش ارج‌نامه‌های ناموران بیش‌بهای حوزه تمدن اسلامی، به شمار بود - قلم شوق و رقم اشتیاق بر کاغذ دوانیدم که: «و امید که دومین گام در این راستا - که به پاس داشت و ارج‌گزاری سیدنا العالم العیلم حضرت میرمحمدباقر حسینی، میرداماد، پرداخته است - نیز، در همین ایام تقدیم یاران بیش‌بهای این مجله، گردد»؛

بر آن بودم که به تعبیر آن بزرگ، به همراه یاران همدل خود در کتاب‌گزار، هرچند به «پالوده‌خواری» نخواهم رفت؛ اما به کشیدن و برکشیدن سوزن بر تخم چشم نیز نخواهم شد؛ و افسوس که آن احتمال نخست، صائب؛ و این دومین احتمال، سخت ناروا نمود؛ و چنان شد «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها»!

در آغازین ایام سال ۱۴۳۹ هجری قمری (۱۳۹۶ هجری شمسی) که دو سال تا گذر چهار قرن بر ایام رحلت حضرت سیدمحمدباقر حسینی، میرداماد، باقی بود، بر خاطر افسرده این ضعیف گذشت - که نه روا، بل از مقوله فرض است - تا دفتری ویژه آن میرامیر پدید آورد؛ و بهره‌ای هرچند خُرد از حقّی که آن مردانه‌مرد روزگار را برگردن ماست، به گزاردن گیرد. چنین شد که تدوین این دفتر و طرح و چگونگی آن بر خاطر یاران نشست و سر در پی سامان آن نهادند.

افسوس اما که تا آنچه بر صحیفه ذهن است بر صفحه کاغذ آید، راهی است مردافکن؛ که همّتی مردانه می‌خواهد و تلاشی جانانه. سپاس خدای را - جلّ و عزّ - که در همان ایام، قائد توفیق دست این ضعیف را بر دست دانشی مرد همدل فاضلِ فرزانه، آقای دکتر حسین نجفی، نهاد تا او این بار را بر دوش گیرد و راه را چنان که رهروان سترگ همّت پیشین رفته‌اند، رود؛ و آن فکر، چنین در قالب ۶ دفتر و نزدیک به ۲۸۰۰ صفحه، جامه فعلیت پوشد؛ والحمد له، ثمّ الحمد له، ثمّ الحمد له.

هرچند از احتیاط علمی سخت به دور است؛ در اینجا می‌خواهم بدون هیچ محاملت، از این باور خویش سخن گویم که در تمامی جغرافیای جهان اسلام و اسلامی و در تمامی پهنه تاریخی

آن، حتی به عدد انگشتان یک دست نیز نمی‌توان کسانی در طرازی چنان بهره‌مند از دانش و بینش سراغ گرفت - که نه فراتر - که در سطح حضرت میرامیر قرارگیرند. حوزه تمدنی جهان اسلام / اسلامی نوادر ناپیدا کرانه‌ای همچون ابن سینا، ابوریحان، ابن حزم، محمد غزالی و فیض کاشانی را به خویش دیده است؛ اما به راستی کدامین ریزاندیش جامع الأطراف و العلومی در همین حوزه می‌توان دست‌یاب کرد که:

الف. در حوزه خدمت‌گزاری به متن وحی و بهره‌گیری از آن نور مجسم، سدره‌المنتهی^۱ را به سامان آورد؛ ب. و در حوزه حکمت مصطلح، گذشته از آنکه مدرسه‌ای ویژه خود ابداع فرمود، آثاری در طراز القبسات و تقویم‌الایمان پرداخته باشد؛

ج. و در حوزه علم کلام / عقائد، به تدوین نبی‌الضیاء دست برده باشد؛

د. و در حوزه علوم فقه و مقدمات لازم آن، ضوابط الرضاع را نگاشته باشد؛

ق. و در حوزه علوم ادب - به معنای عام آن - گذشته از دیوان بس ارزشمندی که از سروده‌های او به دست دادند، چنان به تدقیقات و ژرف‌نگری‌های لغوی، نحوی و بلاغی پرداخته که بتوان ادیب‌الحکماء و حکیم‌الأدبایش خواند؛

ک. و در حوزه علم حدیث، به تحشیه و تعلیق مام‌نامه‌های سترگی همچون کتاب فقیه من لا یحضره الفقیه و الکافی دست برد؛

ل. و در حوزه دانش رجال، پرداخته‌های گران‌ارج کشی، نجاشی و شیخ طوسی را به مذاقه گیرد؛

ن. و در حوزه دانش درایه، التّواشع السّماویّة را از آسمان فضل به ارض فضیلت، به هدیت آورد؛ ی. و در ساحت ادعیه و أورداد، أربعة ائیام را به دست داده باشد.

آری، می‌گویم و می‌آیمش از عهده برون که راقم این حروف، اکنون که این نگاشته بر کاغذ می‌رود، هیچ‌کس را فرا خاطر خود ندارد که:

الف. در چنین وسعتی از پهنه دانش و سرزمین آن، به تکاپو پرداخته باشد؛

ب. و در یکایک آن علوم، به غوررسی، تأمل، نگرستن و بازنگریستن دست برده باشد؛

ج. و چنین آثار مایه‌دار ماندگاری در هر یک از دانش‌های آن حوزه پهنار، به دست داده باشد. هم از این روست که می‌پندارم گلستانی که بوعلی و مفید و مرتضی و ابن حزم و شیخ طوسی و حاکم نیشابوری و غزالی و طبری را به خود دید، چندان بخت‌یار نبوده است تا دیگر کسانی هم‌أفق با آن مردانه‌مرد روزگار، در دامن خود پرورانیده باشد.

و به راستی آیا خواننده ارجمند که اکنون سوی چشم در کار این نبشته می‌کند و زیت دماغ بر این ادعای سترگ می‌سوزاند - و کان الله له و فی عونہ فی النّشأتین - چون به خزانه خیال خود رجوع فرماید، می‌تواند علامه جامع‌العلوم مدقق و ژرف‌اندیش دیگری را در کنار نام بشکوه و هراس‌آمیز حضرت میرامیر، سید محمدباقر حسینی داماد، نهد و او را هم‌پای این امام ائمة العلم و الحکمة بشؤونها و فنونها، به شمار آورد؟

۱. درباره چیستی و چگونگی و سرانجام این تفسیر، در همین دفتر به تفصیل سخن خواهیم داشت.

رفاقت توفیق و کام‌گاری اندیشه نخستین تکریم میرامیر را که دانشمند جوان بخت کهن‌رای، دکتر حسین نجفی، که سال‌هاست تا مُهر ارادت حضرت میرامیر را در ذهن و ضمیر خود دارد و گاه از پی این ارادت، آثاری از دست اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد را به عرصه نشر آورده - و بسیاری همچون صاحب این قلم، در آن به دیده تکریم و بل‌عجاب نگریسته بودند - سامان این طرح را بر عهده همت گرفت و کوشید و کوشید و کوشید تا این جزء از کتاب‌گزار، در قالب ۶ دفتر و ۱۲ شماره، به عرصه آید؛ و بر دست‌ان خواننده ارجمندی که اکنون از سر لطف این مجموعه را در دست دارد، بوسه نهد. از همین روست که در صفحه معرفی‌نامه این شماره‌ها، آن دوست فاضل را «دبیر این دفتر» خوانده‌ام؛ و ناگفته پیداست که طوق منت آن عزیز بر گردن این مجله آمده و از این رو، محبت او را از دل بیرون نمی‌توان کرد، حتی به روزگاران!

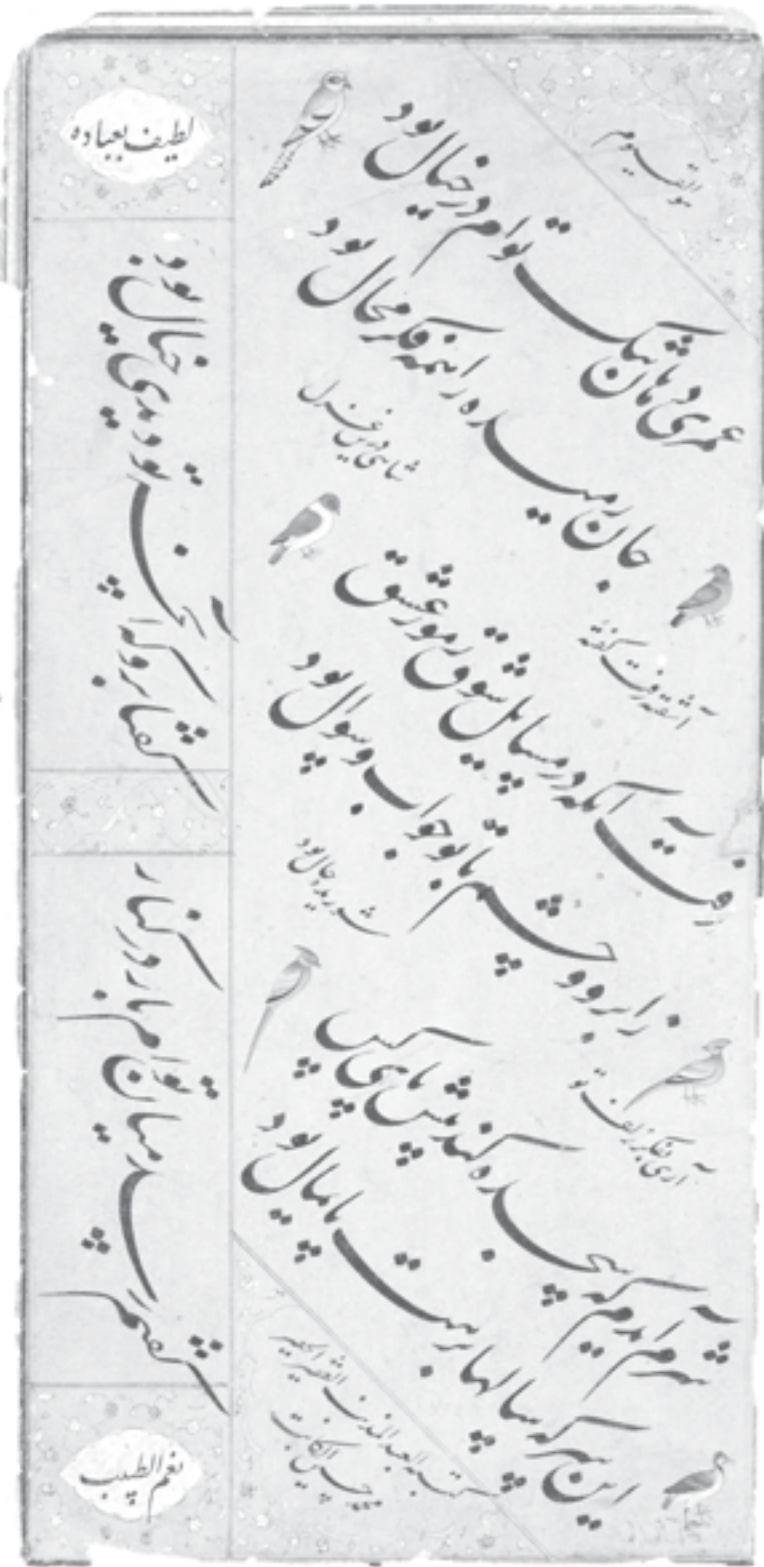
در خصوص این دفتر که پاره ششم از ویژه‌نامه بزرگداشت حضرت میرامیر - و دو شماره هجدهم و نوزدهم از سلسله شماره‌های فصل‌نامه بین‌المللی تراث پژوهانه کتاب‌گزار - است، تنها به همین سخن بسنده می‌کنم که در این دفتر، به معرفی و شناخت میرداماد، آراء و مکتوبات او در قالب تحقیقات ایرانی، تکیه‌نگاری‌ها و منابع تاریخی در بستر بخش «جام جهان‌بین» پرداخته‌ایم؛ و در مجموع، در ۱ بخش با ۵ اثر، سخن از معرفی و شناخت میرداماد، آراء و مکتوبات مربوط به آن یگانه روزگاران را به پایان برده‌ایم.

بدین ترتیب، در مجموع این ۶ دفتر، در قالب ۷ بخش و ۵۹ نگاهشته، به ۴ زبان از آن مسندنشین ساحت دانش و بینش، سخن داشته‌ایم.

مُشک آن است که خود ببوید؛ و امید که حاصل این تلاش، چنان باشد تا کام خوانندگان بیش‌بهای مجله را به عطر تلاشی عالمانه و جهدی عمیق، معطر سازد؛ ایدون باد!

و سپاس در آغاز و انجام خدای راست.

سردبیر



قطعه نستعلیق مرگب، رقم محمدحسین کشمیری (زرین قلم)
موزه متروپولیتن (نیویورک)

طہارۃ النبی



قطعه چلیپای نستعلیق، رقم سید احمد حسینی مشهدی
کتابخانه ملی فرانسه (پاریس)

شناخت‌نامه

میرداماد در آینه تحقیقات ایرانی

(معرفی آثار فارسی: از آغاز تا پایان پاییز سال ۱۴۰۱ هجری شمسی)

آرزو سلیمانی*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه فردوسی (مشهد)

مقدمه

-۱-

درآمد

سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی، مشهور به «میرداماد» (درگذشته ۱۰۴۰ هجری قمری)، از مفاخر علوم عقلی و نقلی و نماینده تام حکمت معنوی تشیع در عصر صفویه است. به گواهی تاریخ، از استعداد های ویژه ای برخوردار بوده و در عتفوان جوانی، به اجتهاد در علوم منقول و معقول دست یافته است. میرداماد را مؤسس «مکتب فلسفی اصفهان» دانسته‌اند؛ مکتبی پرشور و نشاط که با ظهور در اصفهان عصر صفوی، دوره جدیدی در تاریخ فلسفه اسلامی رقم زد. این مکتب نقطه عطفی در پرورش و درخشش حکماء اسلامی به شمار می‌رود و از حیث تنوع مدارس و مشارب، شمار ابداعات فلسفی و حجم آثار تألیف شده، در صدر مکاتب فکری در دوره اسلامی قرار دارد.

میرداماد کرسی استادی در علوم عقلی و نقلی را در اختیار داشته و در بیشتر شاخه‌های علوم و معارف اسلامی، صاحب نظر بوده است. جامعیت میر در معقول و منقول، تلاش وی در تدریس و تألیف، حضورش در پهنه اجتماع و سیاست و شخصیت معنوی اش، همه و همه، او را به چهره‌ای ممتاز و مرجعی کم نظیر تبدیل کرده‌اند. افزون بر این، آثار درخشانی که میرداماد در حوزه‌های مختلف، اعم از فلسفه و کلام، فقه و اصول، تفسیر و علوم قرآنی، علوم ادبی و شعر پدید آورده، همواره برای پژوهشگران علوم اسلامی درخور توجه و اعتنا بوده است؛ لذا، مقارن با ظهور پژوهش‌های دانشگاهی در ایران، تحقیقات مربوط به حوزه «میردامادشناسی»^۲ جایگاه ویژه‌ای

* رایانامه: soleymani.arezoo@yahoo.com

۲. مراد ما از این اصطلاح که بعدها نیز تکرار خواهد شد، مجموعه تحقیقاتی است که در عین تنوع در ساختار و

در پژوهش‌های علوم انسانی یافته و در سال‌های اخیر، آهنگی شتابان به خود گرفته‌اند. نتیجه این تکاپو، تحقیقات فراوانی است که در قالب رساله دکتری، پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد، مقاله‌های پژوهشی و ترویجی و مداخل دایرةالمعارفی به جامعه علمی عرضه شده‌اند. اقبال چشمگیر پژوهشگران علوم انسانی به شخصیت، آراء و آثار میرداماد در کنار کثرت روزافزون آثار پدیدآمده درباره این دانشمند نامدار، نگارنده را بر آن داشت که شناخت‌نامه‌ای توصیفی درباره مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مرتبط با میرداماد فراهم کند.

پوشیده نیست که در تمام مراحل تحقیق و پژوهش، مطالعات مآخذشناختی جایگاهی کلیدی دارند؛ زیرا از طرح ایده آغازین تا پایان پژوهش، همه مراحل به آگاهی از تحقیقات پیشین وابسته‌اند و بی‌اطلاعی از آن‌ها، پژوهشگر را با مشکلاتی همچون موازی‌کاری یا نقصان دامنه پژوهش مواجه خواهند کرد. همچنین، تدوین این شناخت‌نامه‌ها، علاوه بر بازغود طیف و تنوع سوابق تحقیقاتی، افق نیازهای پژوهش‌های آتی را برای اهل تحقیق روشن‌تر می‌سازد.

امروزه ابزارهای اطلاع‌رسانی فراوانی در دسترس محققان قرار دارد و بازیابی داده‌های مدنظر ایشان، به سرعت انجام می‌پذیرد؛ با این همه، روش‌ها و امکانات جست‌وجو در فضای مجازی چنان کامل و دقیق نیستند که محققان را از مراجعه به منابع کتاب‌شناختی بی‌نیاز کنند. علاوه بر این، خطای پایگاه‌های داده در ضبط عناوین، اسامی و دسته‌بندی‌ها چنان زیاد است که عملاً بسیاری از نگاشته‌های علمی از دید و دسترس محققان پنهان می‌مانند. این کاستی‌ها، برخی محققان را بر آن داشته است که فهرست‌ها و شناخت‌نامه‌هایی به صورت «شخصیت‌محور»^۱ - به‌ویژه درباره چهره‌های فلسفی - تدوین کنند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:^۲

- کتاب‌شناسی جامع ملاصدرا، ناهید باقری خرم‌دشتی؛ فاطمه عسگری، چ، ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا [و] انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸ ش.
- کتاب‌شناسی عمر خیّام، فاطمه انگورانی؛ زهرا انگورانی، چ، ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.
- کتاب‌شناسی توصیفی فارابی، جعفر آقایانی چاوشی، مقدمه: ژان ژولیوه، چ، ۱، تهران: هرمس، ۱۳۸۳ ش.
- کتاب‌شناسی جامع حکیم ناصر خسرو قبادیانی، لیلا آجرلو؛ رحیم مسلمانیان قبادیانی، چ، ۱، تهران: نشر فرزانه روز، ۱۳۸۴ ش.

محتوا، به‌نحوی با شخصیت، حیات، آراء و آثار میرداماد مرتبط هستند.

۱. تدوین کتاب‌شناسی شخصیت‌محور، سابقه‌ای طولانی دارد که یکی از نمونه‌های کهن آن، فهرستی است که محمدبن زکریای رازی (درگذشته ۳۱۳ هجری قمری) از آثار جالینوس (درگذشته ۲۱۶ پیش از میلاد) فراهم کرده است.

۲. ناگفته نماند که چند شناخت‌نامه در قالب فهارس «موضوع‌محور» پدید آمده‌اند که درخشان‌ترین آن‌ها، مآخذشناسی علوم عقلی (از ابتدا تا ۱۳۷۵)، نگاشته محمد نوری و محسن کدیور، است. برخی منابع نیز رویکردی «مکتب‌محور» دارند؛ همچون کتاب‌شناسی مکتب فلسفی شیراز تألیف محمد برکت، و کتاب‌شناسی مکتب اصفهان، اثر محمدجواد صافیان.

- کتاب‌شناسی شیخ بهایی، سید محسن ناجی نصرآبادی، چ ۱، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ ش.
- کتاب‌شناسی فیض کاشانی، سید محسن ناجی نصرآبادی، چ ۱، مشهد [و] تهران: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی [و] انتشارات مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷ ش.
- کتاب‌شناسی ابن سینا (به زبان انگلیسی)، رامین خانگی، چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹ ش.
- کتاب‌شناسی جامع خواجه نصیرالدین طوسی، سید حجت‌الحق حسینی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۵ ش.
- کتاب‌شناسی علامه سید محمد حسین طباطبائی رحمته الله علیه، حسین کلباسی اشتری؛ آریا یونسی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی رحمته الله علیه [و] انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۶ ش.

در بیشتر منابع پیش‌گفته، بخش‌های مربوط به پژوهش‌های دانشگاهی، خصوصاً رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها، شامل فهرست‌هایی است که به شیوه‌های مختلف نمایه‌سازی - همچون SC و APA و Turabian و...- تدوین شده‌اند. این فهرس، بهترین راه بازشناسی سوابق پژوهشی به شمار می‌روند؛ اما شرح و خلاصه‌ای از محتوای این سوابق به دست نمی‌دهند و داده‌های آن‌ها به عنوان آثار، نام پدیدآور و اطلاعات نشر آن‌ها محدود می‌شود. در نوشتار پیش‌رو، تلاش کرده‌ایم با رفع این نقیصه، شناخت‌نامه‌ای توصیفی از پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی/ پژوهشی، مقالات علمی/ ترویجی، مداخل دایرةالمعارفی، مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های منتشرشده در نشریات غیردانشگاهی (جراید) ارائه دهیم تا بازشناسی این تحقیقات و دسترسی دانش‌پژوهان به محتوای آن‌ها، اندکی تسهیل شود.

-۲-

روش تدوین و ارائه شناخت‌نامه

همه تحقیقاتی که در این مجموعه معرفی شده‌اند، به نحوی با شخصیت، حیات، آراء و آثار میرداماد مرتبط هستند؛ اما ذکر چند نکته در خصوص شیوه گردآوری مطالب، حیطه و چینش آن‌ها بایسته است:

۲.۱. حیطه مداخل شناخت‌نامه

الف) میرداماد مؤلفی پُرکار بوده که آثار گوناگونی در علوم عقلی و نقلی تألیف کرده است. بازشناسی و معرفی این آثار، موضوع پژوهشی مستقل و میان‌رشته‌ای است که حاجتمند قرائت کامل متون تألیفات میرداماد و مراجعه به برخی نسخه‌های خطی است. با توجه به اهمیت، گستردگی و حساسیت این موضوع، از معرفی آثار شخص میرداماد چشم پوشیده‌ایم.^۱

۱. در عین حال، پیشنهاد می‌کنیم که تحقیق مستقل درباره آثار میرداماد، نسخ خطی این آثار، تاریخ، ترتیب و محل نگارش آن‌ها و کم‌وکیف انتشارشان انجام شود.

ب) با عنایت به گستردگی حوزه میردامادشناسی و تک‌نگاری‌های فراوانی که درباره شخصیت میرداماد تألیف شده‌اند، از معرفی و بررسی این تک‌نگاری‌ها نیز پرهیز کرده‌ایم. با این توضیح، دایره شناخت‌نامه پیش‌رو، در آثار پژوهشی، دانشگاهی و همایشی منحصر خواهد بود.

ج) در پی تلاش‌های محققانی همچون هنری کربن (درگذشته ۱۹۷۸ میلادی) در معرفی میرداماد به جوامع علمی غرب، تحقیقات غیرفارسی‌فراوانی - خصوصاً به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، عربی و ترکی - درباره میرداماد صورت گرفته‌اند. پرداختن به این تحقیقات، علاوه بر افزایش حجم این نوشتار، از دقت و یکدستی کار ما می‌کاست؛ لذا، این شناخت‌نامه را به معرفی آثاری اختصاص داده‌ایم که به زبان پارسی نگاشته شده و در سرزمین ایران به انتشار رسیده‌اند.^۱ همچنین، مقالات ترجمه‌شده به زبان فارسی را نیز معرفی کرده‌ایم.

د) مداخل این نوشتار، بازه‌ای تاریخی از آغاز فعالیت‌های دانشگاهی تا پایان تابستان سال ۱۴۰۱ هجری شمسی را در بر می‌گیرند. برای پژوهش‌های دانشگاهی در ایران، نمی‌توان آغاز دقیق تعیین کرد؛ اما مراد ما از این مبدأ، اولین پایان‌نامه، اولین مقاله و اولین مدخل دایره‌المعارفی است که درباره میرداماد به رشته تحریر درآمده‌اند.^۲

۲.۲. شیوه گردآوری

الف) برای گردآوری عناوین رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی، ابتدا به سامانه «گنج» پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) مراجعه کرده‌ایم؛ اما با توجه به اینکه مبدأ زمانی در معرفی پایان‌نامه‌های این سامانه، سال ۱۳۸۴ هجری شمسی است، برای دسترسی به اطلاعات پایان‌نامه‌های قدیمی، از وبگاه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بهره بردیم. با همه تلاش‌ها، به این نتیجه رسیدیم که اطلاعات همه رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در این دو سامانه درج نشده‌اند؛ از این‌رو، اطلاعات اولیه شناخت‌نامه را از برخی پایگاه‌های اختصاصی، همچون، سامانه پایان‌نامه‌های دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور، کتابخانه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، کتابخانه مؤسسه پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله و... تکمیل کردیم.

گام دوم ما در تکمیل اطلاعات این شناخت‌نامه، تلاش برای دسترسی به متن کامل رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها بود تا معرفی و توصیف مناسبی از محتوای این تحقیقات دانشگاهی ارائه کنیم. با توجه به قوانین سختگیرانه در انتشار و اشتراک‌گذاری متن رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و شیوه خاص هر دانشگاه برای صیانت از این منابع علمی، فرآیند گردآوری متن رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها - به صورت کامل یا گزیده - چیزی در حدود دو سال به طول انجامید. این زمان طولانی، در مراجعه حضوری نگارنده به بسیاری از کتابخانه‌ها - همچون کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مشهد)، کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی (واحد نجف‌آباد)، کتابخانه دانشگاه دارالحديث، کتابخانه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، کتابخانه

۱. به استثناء مقاله «تاریخ مختصری از سیر تفکر در عصر صفویه» (۲، ۲۲) که در کشور پاکستان منتشر شده است.

۲. اطلاعات مربوط به اولین تحقیقات میردامادشناسی، در ادامه ذکر خواهند شد.

مرکزی جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیة و... و مذاکره با مسئولان آن‌ها برای مساعدت در دسترسی به منابع تحقیقاتی صرف شد.

ب) اطلاعات مقالات از دو پایگاه «مگیران» و «سامانه مجلات نور» استخراج شده‌اند. این پایگاه‌ها نیز اطلاعات مقالات قدیمی و مقالات همایشی را پوشش نمی‌دهند؛ لذا برای تکمیل اطلاعات مقالات، منشورات همایش‌های مربوط به میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان و جشن‌نامه‌ها را به‌دقت واریسی کردیم. در گام دوم، سعی کردیم متن کامل این مقالات را گردآوری کنیم؛ زیرا مقالات منتشرشده در سال‌های پیش از دهه هشتاد هجری شمسی، عموماً فاقد چکیده‌اند و برای معرفی دقیق، مطالعه کامل آن‌ها ضروری است. در این مرحله نیز زمان زیادی برای دسترسی به آرشیو قدیمی مجلات و مقالات همایشی صرف شد.

ج) مداخل دایرةالمعارفی از نظر ساختار، شبیه مقالات هستند؛ اما از نظر حجم و ادبیات، با آن‌ها متفاوت‌اند. بر این اساس، با بررسی فهرس و نمایه‌های منابع مرجع، فهرست نسبتاً کاملی از مداخل مرتبط با میرداماد تهیه کرده و سپس، متن کامل این مداخل را گردآوری کردیم.

د) در میان سخنرانی‌های چهره‌های سرشناس علوم اسلامی و مصاحبه‌های انجام‌شده با ایشان، تعدادی گفت‌وگو با موضوع میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان وجود دارد که سرنخ‌های جالبی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. این سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها به حالت نوشتار درآمده و در برخی مجلات علوم انسانی یا کتب مستقل منتشر شده‌اند. اطلاعات نشر و مشروح این مصاحبه‌ها را با استقراء ناقص و به‌مدد جست‌و‌ج‌های اینترنتی به دست آوردیم.

ه) در جریان واریسی نشریه‌ها، به این نتیجه رسیدیم که در برخی جراید، اطلاعات تاریخی مفید و دست‌اولی درباره میرداماد به چشم می‌خورند که برای پژوهشگران مفید هستند. این نگاشته‌ها بیشتر در قالب مقاله‌های روزنامه‌ای نگاشته شده‌اند که از حیث حجم و عمق مطلب، با مقالات علمی فاصله دارند؛ از این رو، عناوین و اطلاعات نشر آن‌ها را از طریق سامانه «ایران نمایه» استخراج کرده، در فهرستی جداگانه ثبت کردیم.

۲.۳. شیوه ارائه

اطلاعات پژوهش‌های میردامادشناسی در این شناخت‌نامه، به تفکیک ساختار و در چند بخش کلی ارائه شده‌اند:

الف) رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی: رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها^۱ به حسب موضوع دسته‌بندی

۱. برخی دانشجویان جامعه المصطفیٰ ﷺ، پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی به زبان عربی درباره میرداماد نگاشته‌اند. همان‌طور که پیش‌تر گذشت، در این شناخت‌نامه به معرفی آثار فارسی بسنده کرده‌ایم. تحقیقات غیرفارسی درباره میرداماد، در مجموعه‌ای مستقل معرفی خواهند شد.

۲. پایان‌نامه تحصیلی، تحقیقی پرسش‌محور (آموزشی) است که برای اتمام مقطع کارشناسی ارشد صورت می‌گیرد و رساله تحصیلی، تحقیقی مسئله‌محور (پژوهشی) است که برای اخذ درجه دکتری نگاشته می‌شود. البته، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هجری شمسی، ارائه پایان‌نامه برای مقطع کارشناسی نیز در برخی رشته‌ها مرسوم بوده است؛ از این رو، برخی پایان‌نامه‌های این شناخت‌نامه - همچون «ابطال زمان موهوم» (۱۳۲۱) و «شرح حال و افکار

شده و موضوعات آن‌ها عبارت‌اند از: فلسفه، کلام و عرفان؛ تصحیح متون؛ زندگی‌نامه و تراجم؛ تاریخ فلسفه؛ منطق؛ فقه و اصول؛ مطالعات میان‌رشته‌ای. هرکدام از این موضوعات، تعدادی از مداخل را در بر می‌گیرند و ترتیب آن‌ها بر اساس تعداد پایان‌نامه‌هایی است که ذیل هر موضوع معرفی شده‌اند. در این بخش، پنجاه و هفت رساله و پایان‌نامه معرفی شده‌اند که از این تعداد، بیشترین اثر به حوزه «فلسفه و کلام» و کمترین اثر به مباحث «منطق»، «فقه و اصول» و «مطالعات میان‌رشته‌ای» اختصاص دارد.

ذیل هرکدام از این موضوعات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها را به ترتیب حروف الفباء عناوین آن‌ها مرتب کرده‌ایم. بعد از عنوان هر اثر، نام دانشجو و نام اساتید راهنما و مشاور آمده و سپس، توضیحاتی درباره محتوای آن ارائه شده است. در پایان هر مدخل، اطلاعات ثبت، شامل نام دانشگاه، دانشکده و تاریخ دفاع و مقطع تحصیلی، آمده است. همچنین، اطلاعات پایان‌نامه‌هایی که بعدها در قالب کتاب منتشر شده یا دارای مقاله مستخرج هستند، با علامت «+» در انتهای مداخل مربوط به آن‌ها ذکر شده است. البته معرفی مقالات مستخرج نیز، به ارتباط آن‌ها با شخصیت و آراء میرداماد محدود است. قدیمی‌ترین پایان‌نامه‌ای که در این بخش معرفی شده، در سال تحصیلی ۴۶-۱۳۴۵ و جدیدترین آن‌ها، در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ دفاع و ثبت شده است. تعدادی از رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها، ارتباط مستقیمی با آراء و اندیشه‌های میرداماد ندارند و یادکرد آن‌ها از میر، به نحو استطرادی، حاشیه‌ای و گذراست. مشخصات این دست منابع را در قالب «ضمیمه» ای در پایان این بخش ذکر کرده‌ایم.

ب) مقالات: معرفی مقالات نیز بر اساس موضوع آن‌ها صورت گرفته که عبارت‌اند از: فلسفه و کلام؛ تاریخ فلسفه؛ کتاب‌شناسی و نقد؛ زندگی‌نامه و تراجم؛ تصحیح و ترجمه متون؛ ادبیات فارسی؛ علوم حدیث؛ فقه و اصول؛ مطالعات میان‌رشته‌ای؛ عرفان و اخلاق؛ منطق؛ ادبیات عربی؛ طب. همچون بخش پیشین، ترتیب چینش موضوع مقاله‌ها بر اساس تعداد مقالاتی است که ذیل هر موضوع قرار دارند. از مجموع دویست و بیست و دو مقاله معرفی شده در این بخش، بیشترین مقاله به موضوع «فلسفه و کلام» و کمترین آن‌ها، به مطالعات «ادبیات عربی» و «طب» اختصاص دارد. ترتیب ارائه مقالات ذیل هر موضوع، بر اساس حروف الفباء عناوین آن‌هاست. در معرفی مقالات، ابتدا عنوان مقاله و نام نویسنده - یا نویسندگان - آن را ذکر کرده و سپس، گزارشی از محتوای آن ارائه داده‌ایم. در پایان نیز اطلاعات نشر مقاله آورده شده است.^۲ چنانچه مقاله‌ای بیش از یک بار منتشر شده باشد، تاریخ و مشخصات بازنشر آن را با علامت «+» ذکر کرده‌ایم. مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی نیز

حکیم فارابی، شیخ ابن سینا، محقق دوانی، سیدالحکماء میرداماد» (۱/۴۲) - به مقطع کارشناسی اختصاص دارند.
۱. از این تعداد، دسترسی به متن کامل سه پایان‌نامه «حدوث دهری در حکمت یمانی و مقایسه آن با نظرگاه حدوث در حکمت متعالیه» (۱/۱۳۲)، «نفس و قوای ادراکی آن از منظر میرداماد» (۱/۱۳۷) و «زمینه‌های شکوفایی تفکر فلسفی در اندیشه شیعی» (۱/۳۲) فراهم نشد که در پانویس معرفی هریک از آن‌ها، به این مطلب اشاره کرده‌ایم.

۲. در این بخش، علاوه بر نام هر نشریه، صاحب امتیاز آن نیز در میان کمانک ذکر شده است.

با علامت «+» مشخص شده‌اند. قدیمی‌ترین مقاله معرفی شده در این بخش، در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی و جدیدترین آن‌ها در تابستان ۱۴۰۱ هجری شمسی منتشر شده است. همچون بخش پیشین، مشخصات مقاله‌هایی که ارتباط اندکی با میرداماد و اندیشه‌های او دارند، در «ضمیمه»ی این بخش ذکر شده است.

ج) پیوست‌ها: به منظور تکمیل اطلاعات منابع میردامادشناسی، سه پیوست به این شناخت‌نامه اضافه شده که عبارت‌اند از: مداخل دایرةالمعارفی؛ سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها؛ جراید. در بخش «مداخل دایرةالمعارفی»، مداخل مربوط به میرداماد در برخی دایرةالمعارف‌ها، فرهنگ‌ها یا منابعی که رویکرد دایرةالمعارفی دارند، گردآوری شده‌اند. چنین مداخل در این بخش، به ترتیب حروف الفباء عناوین دایرةالمعارف‌هاست. بعد از عنوان مدخل و منبع آن، نام مؤلف یا مؤلفان دایرةالمعارف یا نویسنده مدخل مدنظر ذکر شده و سپس، توضیحاتی درباره مطالب آن مدخل ارائه شده است. در پایان معرفی هر مدخل، اطلاعات نشر دایرةالمعارف آمده است. در این بخش، پنجاه مدخل دایرةالمعارفی معرفی شده‌اند که قدیمی‌ترین آن‌ها در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی انتشار یافته است.

بخش‌های «سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها» و «جراید» نیز به فهرست مقالات روزنامه‌ها و مجلات غیردانشگاهی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مربوط به میرداماد اختصاص دارند. برای پرهیز از تکرار و اطناب، مطالب این دو بخش را فهرست‌وار بیان کرده و به ذکر عنوان مقاله (مصاحبه/ سخنرانی)، نام نویسنده (ارائه‌دهنده/ مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده) و اطلاعات نشر اکتفا کرده‌ایم. در این بخش، بیست‌وشش مقاله از جراید و هشت مصاحبه فهرست شده‌اند. ذکر این نکته نیز ضروری است که نگارنده در معرفی رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات، تلاش کرده است تا فهرستی جامع و خلاصه‌ای دقیق از پژوهش‌ها فراهم آورد؛ اما اذعان می‌کند که فهرست مقالات جراید و مصاحبه‌ها، جامع و کامل نیست؛ زیرا دسترسی به آرشیو قدیمی برخی جراید و مجلات، دشوار و در برخی مواقع غیرممکن بود.

د) ضمائم تصویری: در انتهای شناخت‌نامه، مجموعه‌ای از تصاویر پژوهش‌های قدیمی درباره میرداماد درج شده است که هریک از آن‌ها سندی از تاریخ میردامادشناسی در ایران به شمار می‌روند. ذیل تصویر هریک از این اسناد، توضیح مختصری درباره آن ارائه شده است. علاوه بر مطالب مذکور، اشاره به چند نکته درباره این شناخت‌نامه ضروری است:

۱. حجم مداخل این شناخت‌نامه یک‌دست نبوده و تابع محتواست. چنان‌که گذشت، ملاک ما برای معرفی تحقیق‌ها و مقالات، میزان ارتباط آن‌ها با شخصیت و اندیشه میرداماد بوده است؛ از این رو، در «معرفی» هریک از مداخل این شناخت‌نامه - خصوصاً مداخل مربوط به رساله‌ها، پایان‌نامه و مقالات تطبیقی - مطالب مربوط به میرداماد را به تفصیل بررسی کرده و از جزئیات دیگر، به اختصار عبور کرده‌ایم.
۲. برخی از پژوهش‌های میردامادشناسی در سال‌های پیش از دهه ۸۰ هجری شمسی انجام شده‌اند. در آن روزگار، چکیده‌نویسی در مقالات و پایان‌نامه‌ها چندان مرسوم نبوده است؛ از این رو، با مطالعه این دست منابع، خلاصه‌ای تمام‌نما از محتوای آن‌ها فراهم کرده‌ایم. همچنین،

درباره مقالات و پایان نامه های منتشر شده در سال های دهه ۸۰ هجری شمسی و پس از آن، به چکیده آن ها اکتفا نکرده و کوشیده ایم با مطالعه این منابع، خلاصه ای دقیق و کامل از محتوای آن ها ارائه کنیم. با عنایت به این نکته، خلاصه مداخل این شناخت نامه را ذیل عنوان «معرفی» آورده و از کاربرست اصطلاح «چکیده» پرهیز کرده ایم.

۳. هدف اصلی نگارنده از تدوین این شناخت نامه، ارائه فهرست و تلخیصی از پژوهش های میرداماد شناسی - خصوصاً تحقیقات دانشگاهی - بوده است. با عنایت به این نکته، از نقد و بررسی محتوای پژوهش ها خودداری کرده ایم. حاجت به تذکار نیست که معرفی و تلخیص این تحقیقات، به معنای تأیید محتوای آن ها نیست؛ بلکه گامی ابتدایی در راه آشنایی با سوابق پژوهش های دانشگاهی در حوزه میردامادشناسی به شمار می رود.

۴. این شناخت نامه با ادبیات دایرة المعارفی تدوین شده و بسآمد آرایه های ادبی در آن بسیار اندک است.

-۳-

آمار و جداول

چنان که پیش تر گذشت، در بخش نخست این شناخت نامه، ۵۷ رساله و پایان نامه معرفی شده اند. از این تعداد، ۲۰ اثر به طور کامل به شخصیت یا اندیشه میرداماد اختصاص دارند، ۸ تحقیق با رویکرد تطبیق آراء میرداماد با دیگر اندیشه مندان انجام شده اند و ۲۹ اثر باقی مانده، تنها در برخی فصول خود به آراء میرداماد پرداخته اند. همچنین، ۲ رساله دکتری و ۱ پایان نامه کارشناسی ارشد به صورت کتاب بازنشر شده اند. علاوه بر این، از ۷ رساله دکتری و ۷ پایان نامه کارشناسی ارشد نیز، مقالاتی استخراج شده و در بخش «مقالات» معرفی شده اند. اطلاعات پراکندگی رساله ها و پایان نامه ها بدین ترتیب است:

موضوع	تعداد (از ۵۷)	فراوانی (به درصد)
فلسفه، کلام و عرفان	۴۳	۷۳٫۶۸
تصحیح، ترجمه و شرح متون	۸	۱۴٫۰۳
تاریخ فلسفه و کلام	۳	۳٫۵۰
تراجم نگاری و شرح حال	۳	۳٫۵۰
فقه و اصول	۱	۱٫۷۵
منطق	۱	۱٫۷۵
مطالعات میان رشته ای	۱	۱٫۷۵

جدول شماره ۱: پراکندگی رساله ها و پایان نامه های دانشگاهی به تفکیک موضوع

دانشگاه/ مؤسسه آموزش عالی	تعداد (از ۵۷)	فراوانی (به درصد)
دانشگاه تهران	۱۵	۲۶,۳۱
دانشگاه قم	۵	۸,۷۷
دانشگاه فردوسی (مشهد)	۵	۸,۷۷
دانشگاه تربیت مدرس (تهران)	۴	۷,۰۱
جامعه المصطفی ﷺ العالمیة (قم)	۳	۵,۲۶
دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات/ تهران)	۳	۵,۲۶
دانشگاه معارف اسلامی (قم)	۳	۵,۲۶
دانشگاه آزاد اسلامی (واحد نجف آباد)	۲	۳,۵۰
دانشگاه اصفهان	۲	۳,۵۰
دانشگاه علامه طباطبائی ﷺ (تهران)	۲	۳,۵۰
دانشگاه آزاد اسلامی (واحد گرگان)	۱	۱,۷۵
دانشگاه ادیان و مذاهب (قم)	۱	۱,۷۵
دانشگاه باقر العلوم ﷺ (قم)	۱	۱,۷۵
دانشگاه پیام نور (واحد اندیمشک)	۱	۱,۷۵
دانشگاه تبریز	۱	۱,۷۵
دانشگاه شهید بهشتی (تهران)	۱	۱,۷۵
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (تبریز)	۱	۱,۷۵
دانشگاه شیراز	۱	۱,۷۵
دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد)	۱	۱,۷۵
دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران)	۱	۱,۷۵
دانشگاه کاشان	۱	۱,۷۵
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ	۱	۱,۷۵
مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران	۱	۱,۷۵

جدول شماره ۲: پراکندگی رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی به تفکیک دانشگاه

مقطع تحصیلی	تعداد (از ۵۷)	فراوانی (به درصد)
کارشناسی ارشد	۴۰	۷۰٫۱۷
دکتری	۱۵	۲۶٫۳۱
کارشناسی	۲	۳٫۵۰

جدول شماره ۳: پراکندگی رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی به تفکیک مقطع تحصیلی

در بخش مقالات نیز، ۲۲۳ مقاله معرفی شده‌اند. از این میان، ۱۱۵ مقاله به طور کامل به میرداماد اختصاص دارند و ۱۰۸ مقاله دیگر، در بخشی از محتوای خود به میرداماد و آراء او پرداخته‌اند. همچنین، ۱۵۵ مقاله در مجلات (اعم از علمی / پژوهشی و علمی / ترویجی)، ۴۴ مقاله در کتاب‌ها و ۲۴ مقاله در منشورات همایش‌ها منتشر شده‌اند. ۱۹ مقاله نیز از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های بخش نخست استخراج شده‌اند. برخی از مقالات نیز پس از ارائه در مجلات، کتاب‌ها یا همایش‌ها، در صورت‌های دیگر بازنشر شده‌اند. اطلاعات پراکندگی مقالات از این قرار است:

موضوع	تعداد (از ۲۲۳)	فراوانی (به درصد)
فلسفه و کلام	۱۲۳	۵۵٫۱۵
تاریخ فلسفه	۲۱	۹٫۴۱
کتاب‌شناسی و نقد	۲۰	۸٫۹۶
زندگی‌نامه و تراجم	۱۷	۷٫۶۳
تصحیح و ترجمه متون	۱۱	۴٫۹۳
ادبیات فارسی	۸	۳٫۵۸
علوم حدیث	۷	۳٫۱۳
فقه و اصول	۵	۲٫۲۴
مطالعات میان‌رشته‌ای	۴	۱٫۷۹
عرفان و اخلاق	۳	۱٫۳۴
منطق	۲	۰٫۸۹
ادبیات عربی	۱	۰٫۴۴
طب	۱	۰٫۴۴

جدول شماره ۴: پراکندگی مقالات به تفکیک موضوع

-۴-

سپاسگزاری

بر خود بایسته می‌دانم از کسانی که در مسیر دسترسی به موادّ این شناخت‌نامه (اعمّ از پایان‌نامه‌ها، مقالات، مداخل دایرة‌المعارفی و جراید) مرا یاری کردند، سپاسگزاری کنم؛ و بیش از همه، از آقای دکتر حسین نجفی که در فراهم‌آوری اسناد و مدارک و تدوین این شناخت‌نامه، یاری‌رسان من بودند. همچنین، از خانم‌ها نوشین سلیمانی و فائزۀ نجفی و آقایان محمدجواد اکبرپور و برکت‌الله سینوی و نیز، مسئولان محترم کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد، کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، کتابخانه مرکزی دانشگاه علامۀ طباطبائی رحمۀ الله علیه، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه دارالحديث (شهری) و کتابخانه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد نجف‌آباد) که هریک به نحوی راه تدوین این مجموعه را برای نگارنده هموار کرده‌اند، قدردانی می‌کنم.

۱. بخش نخست: رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی

۱،۱. فلسفه و کلام

۱،۱،۱. آثار و لوازم اصالت ماهیت ابن‌سینا، سهروردی و میرداماد در مقایسه با اصالت وجود ملاًصدرا

نگارنده (دانشجو): جلیل محمدی خائفه / استاد راهنما: عبدالله نصری / استادان مشاور: قاسم پورحسن؛ حوران اکبرزاده / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: این رساله در هفت فصل تدوین شده است. فصل اول شامل کلیّات تحقیق است و نویسنده در آن، تاریخچه‌ای از ورود بحث اصالت وجود و اصالت ماهیت به فلسفۀ اسلامی بیان کرده و از تأثیرات حاصل از اعتقاد به هریک از طرفین این نزاع، به اختصار سخن گفته است. در فصل دوم که «تحلیل و تبیین اصالت ماهیت و اصالت وجود» نام دارد، نظر فارابی، شیخ اشراق، میرداماد و صدرالمتألهین درباره موضوع مذکور را بررسی کرده است. نویسنده در صفحات ۲۹ و ۳۰ به بیان رأی میرداماد پرداخته و خاطر نشان کرده است که میرداماد مانند دیگر حکماء، موضوع فلسفه را «وجود بما هو وجود» قرار داده است و لذا، نمی‌توان او را فیلسوف اصالت ماهیتی - همچون شیخ اشراق - دانست؛ اما در این نزاع، میرداماد بی‌شک به اصالت ماهیت باور داشته است.

نگارنده در فصل سوم، تشکیک ماهیت یا تشکیک وجود را بررسی کرده و در فصل چهارم، از مباحث «امور عامۀ» سخن گفته است. او در بخش مربوط به «موادّ ثلاث» به دیدگاه میرداماد اشاره کرده و ورود به مبحث علیّت از طریق موادّ ثلاث را در زمرۀ نظرات خاصّ میرداماد دانسته است. نویسنده متذکّر شده که میرداماد در مبحث «علیّت»، شیوه‌ای اصالت ماهیتی دارد؛ درحالی‌که رویکرد او در بحث «جعل»، با نگرش اصالت وجودی متناسب است. او سپس، از تفاوت «وجود رابط» و «وجود رابطی» در نظر میرداماد و نوآوری او در این باره سخن گفته و خاطر نشان کرده که دیدگاه میرداماد در مساوقت «تشخص» با «وجود»، در مواضع بسیاری به نفع نظریۀ اصالت وجود است. نویسنده ذیل بحث از قاعدۀ «امکان اشرف»، میرداماد را در

زمره مدافعان این قاعده معرفتی کرده و بر این باور است که میرداماد در این باره، مطلبی بیش از شیخ اشراق بیان نکرده است.

او میرداماد را در کنار شیخ اشراق و ملاصدرا، از مدافعان نظریه «مثل افلاطونی» دانسته است. همچنین ذیل عنوان «صرف شیء تعدّد ندارد و تکرارپذیر نیست»، خاطرنشان کرده که میرداماد صرف و بحث بودن واجب را با وجوب و تشخص او مساوق دانسته و از این طریق توحید واجب تعالی را اثبات کرده است. نویسنده در ادامه، به اقسام تقدّم و تأخّر پرداخته و متذکر شده است که تقدّم و تأخّر تا پیش از میرداماد، شش قسم بوده‌اند. میرداماد تقدّم و تأخّر دهری و صدرالمتهلّین تقدّم و تأخّر بالحقیقه و بالحق را به اقسام پیشین اضافه کرده و آن‌ها را به سه قسم افزایش داده‌اند.

فصل پنجم رساله به مباحث «الهیات بالمعنی الأخصّ» اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای این فصل یادآور می‌شود که نزد میرداماد، قاعده «ماهیت واجب الوجود همان انیت اوست» در زمره قطعیات و مسلّمات است و او برای اثبات توحید در «وجوب وجود»، از برهان «صرف الوجود» بهره برده است. نویسنده در مباحث مربوط به علم حضوری و علم حصولی، متذکر شده که عبارات میرداماد درباره علم حضوری، به مبنای اصالت وجودی نزدیک‌تر است و دیدگاه او درباره علم حصولی، همان نظر ابن‌سیناست. او سپس، اشاره کرده که علم خداوند به مخلوقات در نظر میرداماد، از قبیل علم اشراقی حضوری است.

نگارنده در فصل ششم رساله، از «علم النفس» و «معرفت‌شناسی» سخن گفته و در صفحه ۲۳۹، نظر میرداماد را درباره علم خداوند به ذات خویش بازخوانی کرده است. از دیدگاه میر، حق تعالی وجود صرف و بحتی است که از هرگونه ترکیبی مبرا بوده و در نهایت مراتب تجرّد قرار دارد. ذات او برای خودش ظاهر و منکشف است؛ لذا، او ذات خود را تعقل کرده و به نحو علم حضوری، به خود عالم است.

فصل هفتم به «طبیعیات» اختصاص دارد و نویسنده در آن، به اشاره به دیدگاه میرداماد درباره «حرکت»، بر این باور است که میر حرکت را از مقوله «أن يفعل» یا «أن ینفعل» دانسته است. نگارنده در بخش نتیجه‌گیری - همچون دیگر مواضع رساله - خاطرنشان کرده است که «میرداماد حکمی اصالت ماهیتی در سطح سه‌رودی نبوده است».

اطلاعات ثبت: دانشگاه: علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه (تهران) / دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی (گروه فلسفه) / تاریخ دفاع: زمستان ۱۳۹۸ ش.

۱.۱.۲. اصل ارسطویی «تشخص» نزد ملاصدرا

نگارنده (دانشجو): امیرحسین پورنامدارسرچشمه / استاد راهنما: مهدی عظیمی / استاد مشاور: علی مطهری / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه که به بررسی تطوّر مسئله «تشخص» در فلسفه اسلامی اختصاص دارد، در پنج فصل تدوین شده است. فصل اول، مقدمه پایان‌نامه است. فصل دوم به افلاطون و ارسطو و نظریات آن‌ها اختصاص دارد. نویسنده در فصل سوم پیشینه بحث در سنت پیش از اسلام را مطرح کرده و چهارچوبی برای مواجهه با مسئله تشخص و معانی مرتبط با آن ارائه داده است.

فصل چهارم به بررسی مسئله تشخص در سنت اسلامی اختصاص یافته و نگارنده در این فصل به تبیین آراء فارابی، ابن سینا، سهروردی، میرداماد و ملاصدرا پرداخته است. وی پانزده صفحه (از صفحات ۱۵۰ تا ۱۶۶) از پایان‌نامه خود را به بیان نظریات میرداماد اختصاص داده است. او دو دلیل برای بررسی آراء میرداماد در این پایان‌نامه طرح کرده است: یکی هماهنگی کامل نظرات میر با ابتکارات ابن سینا؛ و دیگری، تأثیر ژرف او بر اندیشه ملاصدرا. نگارنده با اشاره به اینکه میرداماد مباحث مربوط به «تشخص» را «المقام الغامض» نامیده، با نقل عباراتی از آثار گوناگون میر، به شرح دیدگاه وی پرداخته است. او بر این باور است که در نظر میرداماد، تشخص برای موجودات مادی، در ساحت اعراض - به‌ویژه «این»، «متی» و «وضع» - به وقوع می‌پیوندد و این ساحت، همان ساحت وجود است. او همچنین، اشاره کرده است که میرداماد وجود و تشخص را در سه ساحت زمان، دهر و سرمد مساوق یکدیگر می‌داند.

نگارنده در ادامه به بیان معنای «وجود» نزد میرداماد پرداخته است. او با بررسی کلیدواژه «تشخص» در عبارات آثار میر - از جمله «ایماض» سی‌ودوم از کتاب الإیماضات - دیدگاه وی را درباره مساوقت تشخص و وجود و مباحث مربوط به آن، با نظرات ابن سینا و شیخ اشراق مقایسه کرده است. نتیجه این تطبیق آن است که میرداماد در عین پابندی به مبانی مشائی، رویکردی عرفانی به این مسئله داشته؛ رویکردی که در عبارات ملاصدرا نیز کاملاً مشهود است.

مؤلف در فصل آخر (فصل پنجم)، نتیجه‌گیری نهایی خود را از مباحث همه فصول مطرح کرده است. او بر این باور است که میرداماد مانند ابن سینا و سهروردی در پی راه یافتن به حاق امور بوده است. میرداماد در جایگاه زمینه‌ساز ظهور حکمت متعالیه، پیش از ملاصدرا به مساوقت وجود و تشخص باور داشته و از ماهیات متقرر و متحصّل خارجی سخن گفته است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران/ دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۵ ش.

۱، ۱، ۳. اضافه اشراقیه سهروردی و تأثیر آن بر محقق دوانی، میرداماد و ملاصدرا
نگارنده (دانشجو): نفیسه نجبا/ استاد راهنما: رضا اکبریان/ استاد مشاور: محمد سعیدی مهر/
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه که به بررسی سیر تاریخی/ تکاملی نظریه «اضافه اشراقیه» در تبیین رابطه علت و معلول اختصاص دارد، دارای چهار فصل است.

فصل اول مشتمل بر مقدمه و کلیات است. در فصل دوم نظریه اضافه اشراقیه سهروردی و ابداعی بودن آن بررسی شده است. نگارنده با اشاره به اینکه موضع هر فیلسوف در مواجهه با اصالت یا اعتباریت وجود و ماهیت، تأثیری شگرف در دیدگاه او درباره رابطه علت دارد، به بازخوانی دیدگاه سهروردی در این باره پرداخته است. پیامدهای نظریه اضافه اشراقیه در بحث علت در حکمت اشراق، تفاوت نظر سهروردی با دیدگاه فیلسوفان پیش از خود (افلاطون، ارسطو، فلوپین، ابن سینا) و همچنین، علت مخالفت سهروردی با دیدگاه ابن سینا، از جمله مباحث مطرح شده در این فصل هستند.

فصل سوم به بررسی تأثیر نظریه اضافه اشراقیه بر محقق دوانی و میرداماد اختصاص یافته است. نویسندگان با اشاره به ارتباط بحث جعل با مبحث علیّت، ابتدا به بیان مسئله جعل و تقسیمات آن پرداخته و سپس، آراء محقق دوانی و میرداماد را درباره وجود و ماهیت و علت و معلول بررسی کرده است. وی بعد از اشاره به رأی میرداماد درباره اصالت یا اعتباریت وجود و ماهیت، محلّ نزاع را در بحث اصالت ماهیت یا اصالت وجود بررسی کرده و سپس، به بیان نظر میرداماد در بحث معمولیت ماهیت و رابطه علیّت پرداخته و نظریه «حدوث دهری» و تفاوت‌های واجب و ممکن را تحلیل کرده است.

نگارنده در ادامه این فصل دیدگاه محقق دوانی و میرداماد را با دیدگاه سهروردی مقایسه کرده است. او در این مقایسه، ابتدا با بیان وجه تشابه این سه دیدگاه، خاطرنشان کرده است که میرداماد مانند دوانی در بحث علیّت، و تفسیر آن، پیرو آموزه‌های شیخ اشراق بوده است. در ادامه، به انگیزه فیلسوفان پس از سهروردی در تبعیت از وی اشاره کرده و فضای دینی حاکم بر حوزه فلسفی اصفهان و شیراز و انتقادات متکلمان را بر فلاسفه، از جمله عوامل پیروی حکماء از دیدگاه‌های سهرودی درباره رابطه علیّت - که در نهایت به چگونگی رابطه خدا و ممکنات ختم می‌شود - معرفی کرده است.

نویسنده در ادامه مباحث، به تبیین تفاوت نظر محقق دوانی و میرداماد با دیدگاه سهروردی درباره کیفیت ربط و تعلق معلول به علت پرداخته و علت این اختلاف نظر را بررسی کرده است. وی در این بخش، از اختلاف نظر میرداماد با سهروردی و دوانی در خصوص وجود و ماهیت و همچنین اختلاف رأی میرداماد با سهروردی در مسئله «سنخیت» سخن گفته است. نقد دیدگاه محقق دوانی و میرداماد از سوی ملاصدرا، بحث دیگری است که نگارنده در این فصل به آن پرداخته است. وی در ابتدا استدلال میرداماد را در اثبات معمولیت ماهیت - که در کتاب الأفق المبین طرح شده - بررسی کرده و سپس، اشکالات ملاصدرا بر آن و براهین وی در اثبات عدم معمولیت ماهیت را ذکر کرده است.

نگارنده در انتهای این فصل، خلاصه بررسی‌های خود را آورده و معتقد است که بر اساس آراء میرداماد، وجود حقیقی وراء مفهوم مصدري نداشته و امری اعتباری است. میر در بحث علیّت نیز، به جعل بسیط ماهیت معتقد بوده و دنباله‌رو اندیشه سهروردی است. در باب ملاک تفاوت واجب و ممکن نیز، میرداماد نه امکان ماهوی و حدوث ذاتی مشائیان را پذیرفته و نه حدوث زمانی متکلمان را؛ بلکه خود نظریه حدوث دهری را بنا نهاده و تفاوت‌های واجب و ممکن را بر اساس آن تبیین کرده است.

فصل چهارم به تبیین علیّت در اندیشه ملاصدرا و تأثیرپذیری او از نظر سهروردی اختصاص یافته است. نویسندگان با طرح برخی اصول و مبانی حکمت متعالیه، دیدگاه ملاصدرا را درباره علیّت و رابطه علت و معلول تحلیل کرده و سپس، از تمایز دیدگاه او با سهروردی - در عین پذیرش نظریه اضافه اشراقیه در باب علیّت - سخن گفته است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تربیت مدرس (تهران) / دانشکده: علوم انسانی (گروه فلسفه و حکمت) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۸۸ ش.

+ مقاله مستخرج: «نظریه سهروردی در باب علیّت و تأثیر آن بر محقق دوانی و میرداماد» (۲، ۱، ۱۱۳).

۱، ۱، ۴. اندیشه‌های کلامی میرداماد

نگارنده (دانشجو): قاسم جوادی / استاد راهنما: مصطفی ملکیان / استاد مشاور: غلامرضا فیاضی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل است.^۱ نویسنده مباحث خود را در مقدمه، با ارائه گزارشی از زندگی میرداماد آغاز کرده و سپس، به معرفی آثار و نگاشته‌های وی پرداخته است.

در بخش بعدی این سؤال را مطرح کرده است که «آیا میرداماد متکلم است یا خیر؟». این پرسش بر سراسر متن پایان‌نامه سایه افکنده و تلاش نویسنده نیز به اثبات متکلم بودن میرداماد معطوف است؛ از این رو، ابتدا با نقل سخنان برخی اندیشه‌مندان و مورخان، به تبخیر میرداماد در علم کلام اشاره و با ارائه تعاریف مشهور از علم کلام و بیان دیدگاه‌هایی درباره موضوع کلام، سعی کرده است تا مدّعی خود را ثابت کند. نویسنده سه عامل برای رکود علم کلام در دوران حیات میرداماد برشمرده و سپس نظر او را درباره اندیشه‌های کلامی و سازگاری آراء خود با این اندیشه‌ها مطرح کرده است. همچنین، تعریف فلسفه را از زبان میرداماد نقل کرده و بر این باور است که تعریف وی، با رویکرد کلامی سازگارتر است تا اندیشه‌های مرسوم فلسفی. نگارنده تمسک فراوان میرداماد به آیات و روایات را دلیل دیگری بر نزدیکی و هماهنگی اندیشه‌های وی با اندیشه و روش کلامی دانسته است.

او در ادامه، با اشاره به عباراتی از کتاب شارع النجاة، چهار نکته از بیان میرداماد استخراج کرده و تذکر داده است که میر همین مطالب را در مقدمه کتاب تقویم‌الایمان نیز آورده و تأکید کرده است که سخنان او، موضوع «ربوبیات» را در بر می‌گیرد. نویسنده این مباحث را دلیل محکمی بر متکلم بودن میرداماد قلمداد کرده است. او بر این باور است که بیشتر مباحث مطرح شده از سوی میرداماد، با تعریف علم کلام سازگار است. حتی نظریه «حدوث دهری» نیز، بیش از آنکه با مباحث فلسفی مرتبط باشد، با اندیشه کلامی پیوند دارد. او همچنین، اشاره کرده است که مراد میرداماد از حکمت، تنها تفکر عقلانی نیست؛ بلکه از نظر او، فهم مباحث خداشناسی و معاد از طریق تعالیم و حیانی نیز امکان‌پذیر است. از نظر نویسنده، برخی عبارات میرداماد نشان می‌دهند که او کلام و متکلم را در عالم اهل سنت منحصر دانسته، اصل این اصطلاحات را غیرشیعی قلمداد کرده است.

نگارنده تبیین مباحث خاص کلامی در آثار میرداماد را با بررسی مقدمه شارع النجاة - که آن را دوره‌ای از اعتقادات شیعی دانسته - آغاز کرده و مطالب خود را در چهار فصل بیان کرده است. فصول این پایان‌نامه عبارت‌اند از:

۱. توحید و مباحث مرتبط با آن: در بخش اول مباحث مربوط به توحید، دلایل میرداماد درباره

۱. این پایان‌نامه - با توجه به تاریخ نگارش آن - فاقد نتیجه‌گیری و تحلیل نهایی است.

توحید خداوند تبیین شده است. به عقیده نویسنده، میرداماد بیش از هر بحثی، مسئله توحید را بررسی کرده و کتاب التقدیسات را به طور کامل به آن اختصاص داده است. همچنین، بیش از هر برهانی، برهان صدیقین و برهان امکان و وجوب فقری را برای اثبات خداوند مطرح کرده و بیش از اثبات وجود خداوند، به بحث وحدت خداوند پرداخته است. نفی وحدت عددی، اقسام توحید، توصیف خداوند، خروج از حد تعطیل و تشبیه، توفیق بودن اسماء خداوند، از مباحث مطرح شده در این بخش هستند.

در بخش دوم مجموعه مباحث مربوط به توحید، آراء میرداماد در خصوص صفات خداوند، شامل صفات سلبیه (از جمله نفی رؤیت خداوند) و صفات ثبوتیه (از جمله علم خداوند، قدرت خداوند متعال، قدرت خداوند و آفرینش محال، اراده، اختیار و مشیت، اراده از صفات ذات و فعل، تفاوت اراده انسان ها با اراده خداوند، رابطه قدرت و اختیار، حکیم، مبدع، قائم بذات، الأول و الآخر و مجید) را بررسی کرده است. وی متذکر شده که میرداماد در نگرش خود به صفات خداوند، از واصل بن عطا متأثر بوده است.

نویسنده در بخش بعدی با عنوان «الله تعالی خالق»، به تبیین مباحثی همچون خالقیت اضافی و حقیقی، تقدّم خداوند بر جهان، خلق «لا من شيء»، نظام احسن، حدوث عالم، دیدگاه ها و اشکالات مختلف درباره حدوث عالم و نظریه حدوث دهری پرداخته است.

در بخش پایانی مباحث توحید که عنوان آن «جبر و اختیار یا خلق اعمال» است، این مسائل بررسی شده اند: دیدگاه میرداماد درباره جبر و اختیار؛ اشکال ثواب و عقاب؛ تفسیر آیه «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ»؛ اندیشه معتزله در باب جبر و اختیار؛ نظریه اشاعره در باب جبر و اختیار؛ قضاء و قدر؛ تحلیل مسئله «بداء»؛ بحث لغوی درباره «بداء»؛ ارتباط دعا با قضاء و قدر؛ زیارت قبور اولیاء؛ رضایت به کفر و رضایت به قضای خداوند؛ چگونگی دخول شرور در قضاء الهی؛ شرور مختص جهان ماده.

۲. نبوت: مسئله نبوت و اثبات آن، تفاوت نبی و محدث، وظیفه و مسئولیت پیامبر، معراج، اقسام وحی و تفسیر آن، فرشتگان و جنّ، مباحثی هستند که در این فصل بررسی شده اند.

۳. امامت: نویسنده بر این باور است که میرداماد در تألیفات خود، هیچ یک از مباحث اعتقادی را همچون توحید بسط نداده است. با این پیش فرض، دیدگاه های میر را درباره امامت و اثبات آن، تفسیر باطنی امامت، سرّ حرمت تسمیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، علت پرهیز پیشوایان شیعی از قیام در برابر حاکمان و تقیه در اندیشه شیعه را در این بخش تبیین کرده است.

۴. معاد: نویسنده در بخش پایانی، آراء میرداماد درباره معاد و مباحث مربوط به آن، تجرّد نفس، مرگ، برزخ و وضعیت انسان در آن، معاد جسمانی و ثواب و عقاب را بررسی کرده است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه (قم) (گروه کلام) / تاریخ دفاع: بهار ۱۳۷۸ ش.

۱،۱،۵. انسان در اندیشه میرداماد

نگارنده (دانشجو): محمدیاسین احمدی / استاد راهنما: حسن معلمی / استاد مشاور: احمد غفاری / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف تشریح دیدگاه‌های انسان‌شناختی میرداماد تألیف شده و دربردارنده سه فصل است. فصل اول آن به کلیات پژوهش اختصاص یافته و در بخشی از آن، زیست‌نامه نسبی، اخلاقی و علمی میرداماد و مباحثی همچون چیستی حکمت‌یانی و تأثیر حکمت‌مشاء، حکمت اشراق و آموزه‌های دینی بر آن بیان شده است. همچنین، نقش میرداماد در تحکیم مبانی حکمت متعالیه و نیز، آفاق فلسفه و عرفان در شعر میرداماد، در این بخش بررسی شده‌اند.

در فصل دوم، مبانی عقلی انسان‌شناسی میرداماد مطرح شده است. نویسنده ذیل پنج عنوان، این مطالب را تبیین کرده است: مراتب نفس انسانی؛ جایگاه انسان (واژه «انسان» در نگاه اهل لغت و در نگاه دانشمندان، بُعد جسمانی، بُعد روحانی، دیدگاه میرداماد درباره امور زمانی و غیرزمانی)؛ مجرد و مادی (ویژگی‌های مادیات و مجردات)؛ ثابت و متغیر (ربط ثابت و متغیر از دیدگاه میرداماد)؛ حرکت (مفهوم حرکت، وجود حرکت، حرکت توسّطیه و قطعیه).

فصل سوم که دارای شش بخش است، به انسان‌شناسی میرداماد اختصاص دارد. نگارنده در بخش اول، حقیقت انسان را بررسی کرده و از تشبیه نظام جهان و اجزاء آن به انسان سخن گفته است. سپس، از قوس نزول و صعود سخن گفته و واژگان «روح»، «نفس»، «جسم» و «بدن» را در لغت و اصطلاح فیلسوفان بررسی کرده است. در بخش دوم، تجرّد روح و نفس مطرح شده و نویسنده به تعریف نفس و چیستی حقیقت آن پرداخته و ادّله تجرّد نفس (درک کثرت، وحدت شخصیه، استحاله انطباق کبیر در صغیر) و مراتب تجرّد آن را بیان کرده است. وی در بخش سوم، به بررسی حدوث نفس پرداخته و دیدگاه‌ها و ادّله گوناگون را درباره حدوث و قدم نفس بیان کرده است.

در بخش چهارم، حرکت و تکامل نفس بررسی شده است. نگارنده ابتدا به تعریف «حرکت» و «کمال» و رابطه این دو با یکدیگر پرداخته است. سپس، نحوه کسب کمالات را در موجودات سافل و عالی بررسی کرده و دیدگاه فلاسفه مشاء و ملاصدرا را درباره غایت حرکت (ثبات نفس و حرکت جوهری نفس) بیان کرده است. در پایان نیز به تبیین رابطه نفس و بدن از دیدگاه میرداماد پرداخته است. در بخش پنجم، آموزه «خلود نفس» طرح شده و نگارنده با بیان انواع خلود، دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره جاودانگی نفس و همچنین ادّله منکران خلود نفس را بررسی کرده است. بخش ششم و پایانی فصل سوم، به تبیین جایگاه انسان در هستی و هدف نهایی او اختصاص دارد. نگارنده با اشاره به هدف خلقت انسان از دیدگاه میرداماد، از دو اصل مهم حکمت‌یانی سخن گفته و نحوه اتصال نفس به عقل فعال و کمال نهایی انسان را بررسی کرده است.

نگارنده در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، نتایج پژوهش خود را در قالب چهل و پنج فقره ارائه کرده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. مهم‌ترین عنصر حکمت‌یانی، نظریه «حدوث دهری» است و مهم‌ترین نتیجه آن، صدور یکباره و اجمالی جمیع موجودات است.

۲. از نظر میرداماد، انسان دارای حقیقتی دو بُعدی (جسم و روح) است؛ اما در این میان، اصالت

- با نفس است و نفس انسانی به دلیل نطق و تعقل، از سایر نفوس برتر است. وجه تمایز او با سایر موجودات همین قوه خرد است.
۳. در نظر میرداماد روح بر سه قسم است: روح طبیعی؛ روح حیوانی؛ روح نفسانی.
۴. میرداماد نفس را حادث به حدوث بدن دانسته است.
۵. از نظر میرداماد، انسان کامل «نبی» است.
۶. وجود انسان در قوس نزول به وجود آمده و در مراحل کمال، قوس صعود را طی می‌کند. همچنین، شامل قوای مختلف بوده و مراتبی از فعلیت، کمال و سعادت را نیز داراست.
۷. میرداماد بر این باور است که تکامل انسان در اثر حرکت است و انسان آنگاه به هویت انسانی و الهی خود دست می‌یابد که بتواند در پرتو ارتباط با عالم قدس، به حیات معنوی و قدسی نائل شود.
۸. در نگاه میرداماد، جایگاه و مقام نهایی انسان همان غیوبت از نفس و ترک هر آن چیزی است که او را از قرب الهی باز می‌دارد.
۹. کمال انسان در بُعد نظری آن است که به مبادی عالی وجود تشبّه یابد و به جهانی علمی مضاهمی با عالم عینی تبدیل شود. کمال او در بُعد عملی نیز این است که به ملکه عدالت و خیر آراسته شود. لذت و بهجت حاصل از ادراک این کمالات همان سعادت حقیقی انسان است.
۱۰. کمال نهایی نوع انسان و سعادت او، حقیقت محمدیه است و نبوت، کمال قوه قدسی برای نفس انسانی است.
- اطلاعات ثبت: دانشگاه: جامعه المصطفی ص العالمیه (قم) / دانشکده: مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمته الله علیه (مدرسه عالی حکمت و دین پژوهی) / تاریخ دفاع: پاییز ۱۳۹۳ ش.
- ۱۰/۱/۶. بررسی ادله منکران وجود ذهنی (ملارجبعلی تبریزی و علیقلی بن قرچغای خان) و موافقان آن (میرداماد و ملاصدرا)
- نگارنده (دانشجو): مسلم بالویی / استاد راهنما: حمیدرضا خادمی / استادان مشاور: رضا اکبری؛ رضا اکبری / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
- معرفی: نویسنده در مقدمه پایان نامه، به وجود دو مدرسه متفاوت در مکتب فلسفی اصفهان اشاره کرده: مدرسه‌ای که استادی آن بر عهده میرداماد بوده و مدرسه‌ای که ریاست آن را ملارجبعلی تبریزی به عهده داشته است. نمایندگان این دو مدرسه در مسائل فراوانی با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند؛ از جمله: اصالت وجود؛ وجود ذهنی؛ حرکت جوهری و حدوث و بقاء نفس که از سوی ملاصدرا، شاگرد مکتب میرداماد، به شکل مبسوط مطرح شده است. نگارنده از میان این موضوعات اختلافی، مبحث «وجود ذهنی» را برگزیده و به بررسی تطبیقی آراء میرداماد و ملاصدرا - در مقام مُبْتَنان این نظریه - با دیدگاه‌های ملارجبعلی تبریزی و قرچغای خان - در جایگاه منکران و مخالفان نظریه وجود ذهنی - پرداخته است.
- این پایان نامه در پنج فصل تدوین شده که فصل اول آن شامل کلیات بحث و مفاهیم مرتبط است. فصل دوم به نظرات میرداماد درباره وجود ذهنی اختصاص یافته است. در فصل سوم،

وجود ذهنی از منظر ملاصدرا بررسی شده است که شامل ادله صدرا در اثبات وجود ذهنی و همچنین پاسخ‌های وی به اشکالات این رأی است. در فصل چهارم، دیدگاه ملارجبعلی تبریزی نقد و تفسیر شده و در فصل پنجم نیز، وجود ذهنی از منظر علیقلی بن قرقچای خان تحلیل و بررسی شده است.

نگارنده در فصل دوم، ابتدا مختصری از شرح احوال و آثار میرداماد و شاگردان او ارائه داده و سپس، نظری وی را درباره وجود ذهنی و اثبات آن از طریق حمل تبیین کرده است. او در ادامه، از حمل، اقسام آن و تفکیکی که میرداماد بین حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی قائل شده، سخن گفته؛ سپس، متذکر شده است که حملی که در نظر میرداماد دلیل وجود ذهنی به شمار می‌رود، از قبیل حمل شایع صناعی است. در ادامه، اشکال معروف وجود ذهنی و پاسخ میرداماد را به آن طرح و تبیین کرده و بر این باور است که پاسخ میرداماد، این معضل را حل نمی‌کند. در پایان و در بخش نتیجه‌گیری، نویسنده با اشاره به خلاصه دیدگاه‌های این چهار اندیشه‌مند، آن‌ها را نقد کرده و رأی خود را درباره هریک از این آراء بیان کرده است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: ادیان و مذاهب (قم) / دانشکده: فلسفه (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: تابستان ۱۳۹۸ ش.

۱،۱،۷. بررسی تاریخی و محتوایی «حدوث دهری» میرداماد

نگارنده (دانشجو): رباب ملایی / استاد راهنما: سهراب حقیقت / استاد مشاور: سیداحمد حسینی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
معرفی: این پایان‌نامه در چهار بخش تنظیم شده است. نویسنده در بخش اول - که به کلیات اختصاص دارد - اشاره کرده که میرداماد در طرح نظریه «حدوث دهری»، به دیدگاه‌های شیخ اشراق توجه ویژه داشته؛ اما در تحلیل‌های علمی خود بر آراء ابن‌سینا و تعلیمات مشائی متکی بوده است. او در ادامه، تعریفی از مفاهیم «حدوث دهری»، «عدم مجامع»، «عدم مقابل» و «دهر» ارائه کرده است.

نگارنده در بخش دوم، به سیر تاریخی حدوث و قدم عالم پرداخته و ابتدا پیشینه یونانی و سپس، پیشینه اسلامی این مسئله را بررسی کرده است. وی در بررسی پیشینه یونانی به دیدگاه‌های افلاطون، ارسطو و افلوطین پرداخته و در بازخوانی پیشینه اسلامی، آراء کندی، اخوان‌الصفاء، زکریای رازی، فارابی، ابن‌سینا، غزالی، شهرستانی، سهروردی، فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی را تبیین کرده است. نویسنده پس از این بررسی تاریخی، نتیجه گرفته است که تنها ارکان و مقدمات نظریه حدوث دهری را می‌توان در آراء گذشتگان یافت و تفصیل و تقریر آن، ابداع میرداماد است. میر با تحلیل و تفسیر دیدگاه‌های پیشینیان، آراء ایشان را شاهی بر مدعای خود برشمرده است.

در بخش سوم، منابع میرداماد را در طرح نظریه حدوث دهری بررسی کرده است. وی در این بخش، با مقایسه متن آثار میرداماد با منابعی که در طرح نظریه خود از آن‌ها استفاده کرده، میزان تأثیرپذیری او را از فیلسوفان گذشته تحلیل کرده است. او ارجاعات میرداماد را به منابعی همچون

آثار ارسطو، اثولوجیا، آثار فارابی، التوحید شیخ صدوق، آثار ابن سینا (از جمله الهیات و طبیعیات الشفاء، التعليقات، النجاة، الإشارات و التنبیها، عیون الحکمة، رسالته «حدود»)، التحصیل بهمینار، المعبر ابوالبرکات، آثار شهرستانی، آثار شیخ اشراق، آثار فخر رازی، آثار خواجه نصیرالدین طوسی و المحاکمات قطب الدین رازی، به تفصیل بررسی کرده است.

از نظر نگارنده، میرداماد کوشیده است تا ارکان نظریه حدوث دهری را از عبارات سایر فیلسوفان استخراج کند. هم‌سویی اندیشه‌های میرداماد با سایر فیلسوفان پیش از خود در نظراتی همچون اثبات مراتب طولی در عالم و بهره‌گیری از اصطلاحاتی مانند «سرمد»، «دهر» و «زمان»، مؤیدی بر تأثیرپذیری میرداماد از حکماء سابق است.

بخش چهارم شامل سه فصل است. فصل اول به تقریر میرداماد از حدوث دهری اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، ابتدا تقریر میرداماد را از محل نزاع متکلمان و فلاسفه درباره حدوث و قدم عالم مطرح کرده است. سپس، مقدمات نظریه میرداماد را بر اساس تقریر حکیم سبزواری بیان کرده و در نهایت، استدلال‌های آن را تبیین کرده است. در فصل دوم، به لوازم و نتایج حدوث دهری میرداماد (از جمله حل معضل حدوث یا قدم عالم، ربط حادث به قدیم، عدم تناهی زمان و اثبات علم واجب تعالی به جزئیات) پرداخته است. فصل سوم را نیز به بیان اشکالات و انتقادات نظریه حدوث دهری میرداماد اختصاص داده است. مطالبی که نگارنده در این فصل بررسی و تبیین کرده، عبارت‌اند از: شبهات برقلس و پاسخ میرداماد به آن‌ها؛ سکوت ملاصدرا درباره حدوث دهری؛ محمدبن علی رضا آقاجانی و رد حدوث دهری؛ انتقاد محقق لاهیجی از حدوث دهری؛ انتقاد آقاجمال خوانساری از حدوث دهری؛ انتقاد مهدی الهی قمشه‌ای از حدوث دهری؛ انتقادات استاد آشتیانی از حدوث دهری میرداماد. نویسنده در پایان اشاره کرده است که مهم‌ترین اشکال منتقدان بر نظریه حدوث دهری، آن است که نظریه میرداماد چیزی جز نظریه حدوث ذاتی فلاسفه نیست.

او در نهایت بر این باور است که میرداماد با نظم دادن به بیانات گذشتگان درباره برخی مقدمات حدوث دهری، نظریه‌ای بدیع، منسجم و فلسفی ارائه کرده است که بسیاری از معضلات را بر اساس مبانی استوار عقلی حل می‌کند.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: شهید مدنی آذربایجان (تبریز) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت اسلامی) / تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۹۱ ش.

۱/۱/۸. بررسی سازواری «وحدت شخصی وجود» در نظام فلسفی میرداماد در مقایسه با ابن‌ترکه نگارنده (دانشجو): خدیجه قاسمی مقدم / استاد راهنما: لاله حقیقت / استادان مشاور: قاسم کاکایی؛ عبدالعلی شکر / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: این رساله، پژوهشی تطبیقی میان مبانی میرداماد و ابن‌ترکه در اثبات نظریه «وحدت شخصی وجود» است. نگارنده به منظور بررسی سازگاری یا ناسازگاری مبانی این دو اندیشه‌مند در تبیین مسئله مذکور، رساله خود را در پنج فصل تدوین کرده است.

فصل نخست به کلیات اختصاص دارد. مؤلف ابن‌ترکه و میرداماد را از جمله اندیشه‌مندانی

معرفی کرده است که به تلفیق فلسفه و عرفان پرداخته و کوشیده‌اند تا بر اساس مبانی فکری / فلسفی خود تصویری معقول از هماهنگی دیدگاه‌های عرفاء و فلاسفه ارائه کنند. او معرفی کوتاهی از ابن‌ترکه و اندیشه‌ها و آثار او ارائه داده و به تلاش‌های میرداماد برای احیاء فلسفه و پیوند آن با دین اشاره کرده است. وی همچنین، خاطرنشان کرده است که پیش از تلاش ملاًصدرا برای برهانی کردن وحدت شخصی وجود، ابن‌ترکه و میرداماد کوشیدند تا مبانی عقلانی لازم را برای تبیین اندیشه وحدت شخصی وجود در فلسفه فراهم کنند. نویسنده تذکر داده است که میرداماد مؤسس نظام فکری / فلسفی حکمت یمانی است؛ لذا، اگر مسئله وحدت شخصی وجود را به درستی با نظام فلسفی خود مطابقت نداده باشد، کل منظومه فکری او دچار لطمه می‌شود.

نگارنده در فصل دوم، به مبانی ابن‌ترکه در اثبات وحدت شخصی وجود پرداخته و این مبانی را بدین ترتیب معرفی کرده است: اشتراک معنوی وجود (در جایگاه نخستین مبنا برای التزام به نظریه وحدت شخصی وجود)؛ اصالت وجود؛ وحدت اطلاق وجود؛ تحقق وجود مطلق در خارج؛ وجوب حقیقت وجود. عناوین و مطالب این فصل نیز از این قرارند: معنی وجود، اصالت وجود و دلایل آن (شش دلیل)؛ اثبات اشتراک معنوی وجود؛ اثبات تحقق «وجود مطلق» در خارج و دلایل آن (سه استدلال)؛ اثبات وحدت اطلاق وجود و نفی تشکیک (سه دلیل)؛ اثبات وجوب حقیقت وجود و دلایل آن (شش استدلال)؛ بیان نحوه وجود کثرات (اسماء و صفات، اعیان ثابتة [تعیّن نخست (احدیت / واحدیت)، تعین ثانی (نفس رحمانی یا فیض مقدّس)، تعین سوم: عالم عقول (عالم ملکوت)، تعین چهارم: عالم مثال، تعین پنجم: عالم اجسام]).

فصل سوم به تبیین آراء میرداماد اختصاص دارد. نویسنده تذکر داده که میرداماد برخی از مبانی ابن‌ترکه را مردود دانسته و خود به ارائه مبانی عقلانی برای مستدل کردن وحدت شخصی وجود پرداخته است. مبانی اساسی میرداماد عبارت‌اند از: اصالت ماهیت؛ اثبات وعاء دهر؛ رابطی بودن وجود معالیل؛ قواعد فلسفی مانند «بسیط الحقیقة». عناوین و مطالب بررسی شده در فصل سوم از این قرارند: اصالت ماهیت و اشکالات آن (پنج اشکال)؛ وعاء دهر (چیستی دهر و کارکردهای آن در مباحث جهان‌شناختی (تبیین خلقت، نفی وساطت عقول طولی و عرضی در خلقت، نفی وساطت حرکت افلاک در حدوث موجودات، نفی هرگونه تقدّم و تأخّر (رتبی یا زمانی) میان موجودات، تصویر انفصال حقیقی میان واجب‌الوجود و موجودات و اعتبار وجود زمان و مکان به مثابه حقایق مستقلّ در وعاء دهر) و کاربرد وعاء دهر در مباحث خداشناسی (تبیین علم واجب‌الوجود به ممکنات)؛ رابطی دانستن حقیقت موجودات؛ قاعده «صرف الشیء لایثتی و لایتکّر»؛ قاعده «بسیط الحقیقة».

فصل چهارم با عنوان «مقایسه مبانی میرداماد در تطبیق با اندیشه وحدت شخصی وجود» دربردارنده این مطالب است: ایراد نخست: اصالت ماهیت با وحدت شخصی وجود ناسازگار است؛ ایراد دوم: وعاء «دهر» تفسیر مناسبی برای «وجود منبسط» عرفاء نیست؛ ایراد سوم: رابطی دانستن حقیقت موجودات با «وحدت شخصی وجود» ناسازگار نیست؛ ایراد چهارم: رابطی دانستن معالیل با قاعده «صرف الشیء لایثتی و لایتکّر» منافات دارد؛ ایراد پنجم: میان «وحدت شخصی وجود» و شناخت حقیقت اشیاء (به صورت حدّی) تلازم برقرار است؛ ایراد

ششم: تباین علت و معلول با «وحدت شخصی» سازگار نیست؛ ایراد هفتم: تباین علت و معلول با قاعده «بسیط الحقیقه» هماهنگ نیست؛ ایراد هشتم: بر مبنای وحدت شخصی وجود، رابطه علت و معلول رابطه ای دوسویه است؛ ایراد نهم: التزام میرداماد به قاعده «الواحد» با اعتقاد به «وحدت شخصی وجود» سازگار نیست؛ ایراد دهم: ترکیب انضمامی میان ماده و صورت با «وحدت شخصی وجود» سازگار نیست؛ ایراد یازدهم: باور به اختلاف مقولی با «وحدت شخصی وجود» سازگار نیست.

نگارنده در فصل پنجم، یافته های خود را مرور کرده و به نتیجه گیری از آن ها پرداخته است. خلاصه یافته های نویسنده از این قرارند:

۱. تلاش میرداماد در ارائه مبانی فلسفی لازم در طرح اندیشه وحدت شخصی در حکمت یمانی، دارای ناسازگاری و تناقض است.

۲. باور به وعاء دهر، اعتقادی متناقض است؛ چنان که رابطی دانستن وجود معالیل با وحدت شخصی وجود در تعارض است.

۳. قواعدی مانند «بسیط الحقیقه» در حکمت یمانی با برخی مبانی فلسفی مانند التزام به ترکیب انضمامی میان ماده و صورت، قاعده «الواحد»، غیریت حق و خلق و... در تعارض هستند. به سبب وجود همین تعارضات است که ملامدرا از فلسفی استاد خود پیروی نکرده و نظام جدیدی پایه نهاده است. نویسنده در ادامه اشاره کرده است که مبانی ابن ترکه با یکدیگر سازگاری دارند و می توان بر اساس این مبانی، نظریه وحدت شخصی وجود را تبیین و استوار کرد. اطلاعات ثبت: دانشگاه: شیراز/ دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۹ ش.

+ مقاله مستخرج: «ایرادهای «وعاء دهر» میرداماد از منظر ملامدرا و جایگاه آن نزد حکیم سبزواری» (۲، ۱۹)

۱، ۱۹. بررسی سیر تاریخی مسئله اصالت وجود در فلسفه اسلامی

نگارنده (دانشجو): فریبا مؤمنی / استاد راهنما: احمد احمدی / استاد مشاور: رضا اکبریان / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان نامه شامل یک مدخل، هفت فصل و بخش نتیجه گیری است و نویسنده در پایان، طرحی نموداری از سیر تاریخی مسئله «اصالت وجود» ارائه داده است. مدخل پایان نامه شامل کلیات (اعم از مقدمه، بیان مسئله، سوابق پژوهش، فرضیات، هدف تحقیق و روش کار) است. در فصل اول، منابع و ریشه های بحث اصالت وجود یا اصالت ماهیت در دو حیطه بررسی شده اند:

۱. منابع کلامی (تأثیر متکلمان در پیدایش نظریه اصالت وجود و شبهاتی که با طرح آن، زمینه ظهور نظریه اصالت ماهیت و مجعولیت ماهیت را فراهم کردند)؛

۲. منابع عرفانی (بررسی اقوال عرفاء از جمله نظریه وحدت وجود که تأثیر بسزایی در پیدایش نظریه اصالت وجود داشته است).

در فصل دوم، مسئله اصالت وجود در آثار فارابی بررسی شده است. نویسندگان در نهایت به این نتیجه رسیده که مسئله اصالت وجود مسئله مستقلی در فلسفه فارابی نبوده؛ اما گرایش به اصالت وجود در اندیشه او مشهود است.

در فصل سوم مسئله اصالت وجود در آثار ابن سینا و پیروان او تبیین شده است. نویسندگان در پایان این فصل متذکر شده که در آثار ابن سینا، بهمنیار، محقق طوسی و سایر پیروان فلسفه مشائی، شواهدی یافت می‌شود که با اصالت وجود سازگار است.

نگارنده در فصل چهارم با اشاره به اهمیت آراء شیخ اشراق درباره وجود و ماهیت در تاریخ مسئله اصالت وجود، به بررسی نشانه‌های اصالت وجود و اصالت ماهیت در حکمت اشراق و آثار سهروردی پرداخته و در پایان، چنین نتیجه گرفته که انتساب اصالت ماهیت به شیخ اشراق، پذیرفتنی نیست و مسئله اصالت ماهیت بدان شکل که در حکمت متعالیه در مقابل اصالت وجود قرار گرفته، در حکمت اشراق مطرح نبوده است.

در فصل پنجم دیدگاه دوانی و دشتکی درباره مسئله اصالت وجود بررسی شده و نویسندگان خاطر نشان کرده است که آن‌ها به اعتباریت وجود حکم کرده‌اند؛ اما همان تزلزل و ناستواری که در حکمت اشراق درباره مسئله اصالت ماهیت وجود دارد، در مکتوبات این دو حکیم نیز به چشم می‌خورد.

فصل ششم به تبیین مسئله اصالت وجود در مکتب فلسفی میرداماد اختصاص یافته است. نویسندگان ابتدا توضیحاتی در باب فلسفه میرداماد - که آن را تلفیقی از اصول عقلانی و احوال عرفانی دانسته - بیان کرده و در ادامه، با بررسی تأثیرات ابن سینا و شیخ اشراق بر میرداماد، اشاره کرده که میر در تحلیل‌های فلسفی خود از این دو حکیم متأثر بوده است. سپس، با توجه به مباحث کتاب القبسات، به ویژه قبس دوم، برخی اصول فلسفی میرداماد از جمله رأی او در باب نحوه اتصاف ماهیت به وجود، تقدّم ذات بر وجود، اصالت ماهیت در تحقق و اعتباریت وجود و اصالت ماهیت در جعل را بررسی کرده است. نگارنده دیدگاه صریح میرداماد را درباره اصالت ماهیت در تحقق و جعل، دلیل اهمیت وی در سیر تاریخی اصالت وجود دانسته و متذکر شده که میرداماد علاوه بر تصریح به اعتباریت وجود، از اصالت ماهیت دفاع کرده است؛ از این رو، آغاز رسمی نزاع اصالت وجود یا اصالت ماهیت، به فلسفه میرداماد باز می‌گردد.

دیدگاه ملاصدرا در باب اصالت وجود، در فصل هفتم بررسی شده است. نگارنده با اشاره به طرح این نظریه در جایگاه مسئله مستقل فلسفی در حکمت متعالیه و تبیین استدلال‌های ملاصدرا در اثبات آن، خاطر نشان کرده است که نظریه اصالت وجود، از مسائل ابتکاری حکمت متعالیه به شمار می‌رود.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تربیت مدرس (تهران) / دانشکده: علوم انسانی (گروه فلسفه و حکمت) / تاریخ دفاع: تابستان ۱۳۷۳ ش.

۱۰/۱۰۱. بررسی مسئله «مهدویت» در فلسفه و کلام اسلامی

نگارنده (دانشجو): اصغر پور بهرامی / استاد راهنما: علی افضلی / استاد مشاور: شهرام پازوکی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان نامه در چهارده فصل تدوین شده که فصل دوازدهم آن به میرداماد اختصاص دارد. نویسنده دوازده نظام فلسفی و کلامی را در نظر گرفته و در هریک از این نظام ها، اعتقاد به منجی و ضرورت آن را بررسی کرده است. او سپس، اعتقاد به منجی را در این نظام ها با یکدیگر مقایسه و در نهایت، نظامی که بیشترین ضرورت را برای اعتقاد به منجی قائل شده، مشخص کرده است. نگارنده فصول پایان نامه خود را ذیل پنج بخش تنظیم کرده و بخش اول را «درآمد» نامیده و فصل اول را ذیل آن آورده است. در این فصل پیشینه تاریخی اعتقاد به منجی در اسلام بررسی شده است.

بخش دوم که شامل فصل دوم، سوم و چهارم است، «اعتقاد به منجی از دیدگاه امامیه» نامیده شده و در فصول آن، آراء شیخ مفید، سیدمرتضی و خواجه نصیرالدین طوسی، به ترتیب بررسی شده اند.

بخش سوم، «اعتقاد به منجی از دیدگاه معتزله» بوده و مشتمل بر فصل پنجم و ششم است. در فصل پنجم، نظریات قاضی عبدالجبار معتزلی بازخوانی شده و در فصل ششم، دیدگاه های ابن ابی الحدید تبیین شده اند.

بخش چهارم، «اعتقاد به منجی از دیدگاه اشاعره» نام دارد و شامل فصل هفتم و هشتم است. فصل هفتم به بررسی آراء فخرالدین رازی و فصل هشتم به بررسی آراء میرسید شریف جرجانی اختصاص یافته است.

بخش پنجم، «اعتقاد به منجی از دیدگاه فیلسوفان اسلامی» است. ذیل این عنوان، فصل های نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم آمده اند. در فصل نهم دیدگاه ابونصر فارابی، در فصل دهم دیدگاه ابن سینا، در فصل یازدهم دیدگاه شیخ اشراق، در فصل دوازدهم دیدگاه میرداماد و در فصل سیزدهم دیدگاه ملاصدرا تحلیل و بررسی شده اند.

فصل دوازدهم که در آن آراء میرداماد بررسی شده، از صفحه ۲۳۳ آغاز شده و در صفحه ۲۴۸ پایان یافته است. نویسنده اشاره کرده که مکتب فلسفی اصفهان، نقطه اوج حکمت معنوی شیعی است و میرداماد برجسته ترین نماینده این مکتب به شمار می رود. وی متذکر شده که از نظر میرداماد، امامت از نبوت جدا نیست و از طرف دیگر، نبی به عالم ملکوت متصل است. نگارنده ابتدا مراتب عالم (سرمد، دهر و زمان) را در اندیشه میرداماد تبیین کرده، سپس، نظر وی را در خصوص نبوت بررسی کرده است. نتیجه اینکه که موضع میرداماد درباره نبوت، مطابق با نظر ابن سینا است.

او در ادامه، دیدگاه میرداماد را درباره وجوب بعثت انبیاء، اوصاف سه گانه نبی [اتصال نفس نبی به عقل فعال و در نتیجه: ۱. احاطه نبی به همه علوم که حصول آن برای انسان ممکن است؛ ۲. شنیدن کلام خداوند (اعجاز قولی و اخبار غیبی) و رؤیت فرشتگان در بیداری؛ ۳. قدرت تصرف در عالم ماده (اعجاز فعلی و خوارق عادات)] و جایگاه خاتم النبیین ﷺ، بررسی کرده است.

نویسنده در ادامه، نظر میرداماد را درباره امامت تبیین کرده و متذکر شده است که به نظر میر، میان نبوت و امامت تفاوت اساسی وجود ندارد. وی با اشاره به تنها تفاوتی که میرداماد میان وصی و نبی قائل شده، طریق نصب امام و تعیین اشخاص امامان را از نظر او بررسی کرده است. پس از آن، دیدگاه میرداماد را درباره ضرورت اعتقاد به منجی روایت کرده و استدلال‌های نقلی و عقلی وی را در این باره ارائه کرده است. در پایان، آورده است که میرداماد دوران فاقد حضور امام را مقتضی خلق عبث دانسته و صدور چنین فعلی از خداوند حکیم محال است؛ لذا، در آثار فلسفی خود از اعتقاد به منجی سخن گفته است.

فصل چهاردهم نیز به نتیجه‌گیری و بررسی مقایسه‌ای ضرورت اعتقاد به منجی اختصاص یافته است. نگارنده بعد از تعیین ملاک و معیار مشترک برای مقایسه هریک از نظام‌های دوازدهگانه‌ای که ترسیم کرده، به سنجش و داوری آن‌ها پرداخته است. ملاک وی، فایده وجودی منجی از دیدگاه اندیشه‌مندانی است که رأی ایشان در این پایان‌نامه روایت شده است. نویسنده بر اساس این ملاک، متذکر شده که در نظام فلسفی میرداماد، هم فایده تشریعی و هم فایده تکوینی غایی برای وجود نبی و امام لحاظ شده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران (تهران) (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۸۳ ش.

۱/۱/۱۱. بررسی مقایسه‌ای عوالم وجود از نگاه میرداماد و ملاصدرا

نگارنده (دانشجو): محمدهادی کمالی / استاد راهنما: علی اله‌بداشتی / استاد مشاور: احمد عابدی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه به مقایسه مبانی فکری و آراء فلسفی میرداماد و ملاصدرا درباره نظام آفرینش و عوالم وجود اختصاص یافته است. در مقدمه پایان‌نامه، مباحث معمول از جمله بیان مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و محورهای عمده آن ذکر شده‌اند.

فصل اول به بیان کلیات اختصاص دارد و شامل دو بخش است: در بخش اول معنای لغوی و اصطلاحی مفاهیم اصلی این پایان‌نامه - از جمله «عالم» و «وجود» - بیان شده و در بخش دوم، پیشینه تاریخی مسئله آفرینش و عوالم وجود - از اساطیر یونان تا بعد از ظهور مسیحیت و همچنین در جهان اسلام و نزد فلاسفه و عرفاء اسلامی - بررسی شده است.

نگارنده فصل دوم را به میرداماد و بیان آراء او اختصاص داده و مطالب آن را در چهار بخش کلی تقسیم کرده است: در بخش اول، اجمالی از شرح حال میرداماد و مشرب فلسفی او ذکر شده است. در بخش دوم، ویژگی‌های حکمت یمانی و برخی مبانی اصلی آن - از جمله دیدگاه میرداماد درباره «اصالت ماهیت»، انحصار مقولات در دو مقوله و نظریه «حدوث دهری» - معرفی شده‌اند. در بخش سوم، مراتب هستی و ترتیب صدور عالم از دیدگاه میرداماد به شکل اجمالی بررسی شده است. در بخش چهارم، دیدگاه میرداماد درباره عوالم وجود به شکل تفصیلی تبیین شده است. مطالبی که نگارنده در دو بخش اخیر به آن‌ها پرداخته، عبارت‌اند از: سلسله بدو و عود و مراتب و مراحل هریک از آن‌ها؛ رابطه بین عوالم و اصل تطابق؛ دیدگاه میرداماد درباره مرتبه وجودی

حقّ تعالی؛ عالم عقل؛ عالم مثال؛ دیدگاه میرداماد دربارهٔ مُثُل افلاطونی؛ حقیقت انسان و حالات او (مرگ، ادراک و...)؛ جسم و عالم طبیعت؛ حرکت قطعیه و توسّطیه؛ ربط ثابت به متغیر.

فصل سوم که به بررسیِ عوالم وجود از نگاه مَلّاصدرا اختصاص یافته، شامل چهار بخش است: در بخش اول، مشرب فلسفی مَلّاصدرا و شرح حال و آثار او آمده است. در بخش دوم، ویژگی‌های حکمت متعالیه و برخی مبانی کلیدی آن بیان شده است. بخش سوم، «نگاهی اجمالی به مراتب وجود و ترتیب صدور عالم از دیدگاه مَلّاصدرا» نام دارد. در بخش چهارم نیز، دیدگاه مَلّاصدرا دربارهٔ عوالم وجود به تفصیل بررسی شده است.

در فصل چهارم، آراء میرداماد و مَلّاصدرا دربارهٔ عوالم وجود مقایسه شده‌اند. نگارنده در ابتدا به شباهت‌های حکمت یمانی با حکمت متعالیه (باور به قوس نزول و صعودِ عالم هستی و اعتبار مراتب متفاوت برای هریک از این قوس‌ها) اشاره کرده و سپس، برخی از تفات‌های مهمّ این دو نظام فلسفی را برشمرده است؛ مسائلی همچون: تفاوت دیدگاه میرداماد و مَلّاصدرا دربارهٔ اصالت و اعتباریّت وجود و ماهیّت؛ تعداد مقولات؛ عالم اله؛ چیسّتی صادرِ اوّل؛ مُثُل افلاطونی؛ عالم مثال؛ مباحث نفس‌شناختی (حقیقت نفس و استکمال آن، موت و ادراک)؛ مسائل مربوط به عالم مادّه و طبیعت (حرکت جوهری، ربط متغیر به حادث و رابطهٔ مادّه با صورت).

نویسنده در بخش نتیجه‌گیری و پاسخ به مسئلهٔ تحقیق، اختلافات دو نظام فلسفی میرداماد و مَلّاصدرا را ناشی از نوع نگاه هستی‌شناختی آن‌ها - به‌ویژه در باب مسئلهٔ اصالت یا اعتباریّت وجود - دانسته است. وی در ادامه، اشاره کرده که برخی مسائل فلسفی در پرتو باور به اصالت ماهیّت، اعتبار را خود از دست داده و میرداماد از عهدهٔ حلّ آن‌ها برنیامده است. این مسائل عبارت‌اند از: سنخیت علّت و معلول؛ نفی ماهیّت از واجب‌الوجود؛ بساطت واجب در عین اتّصاف به همهٔ صفات کمالی؛ جعل و ملاک مجعولیّت؛ تشخّص؛ ملاک احتیاج معلول به علّت؛ اثبات حقیقت واحد مشکک؛ حرکت جوهری؛ کیفیت اتّحاد مادّه با صورت و نفس با بدن؛ وجود ذهنی و فقدان آثار؛ سلسلهٔ علّیّت و رابطهٔ طولی عالم؛ چگونگی پیدایش کثرت در عالم هستی؛ اثبات علم تفصیلی حقّ تعالی در مقام ذات و طرح قاعدهٔ «بسیط الحقیقه»؛ اثبات معاد جسمانی و مسئلهٔ حشر. اطلاعات ثبت: دانشگاه قم/ دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۲ ش.

۱،۱،۱۲. بررسی منطقی/ معناشناختی وجود در حکمت متعالیه از دیدگاه فلسفهٔ تحلیلی

نگارنده (دانشجو)؛ مرتضی کربلایی‌لو/ استاد راهنما: محمّد سعیدی‌مهر/ استاد مشاور: رضا اکبریان/ مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: فرضیه‌های نویسندهٔ این پایان‌نامه عبارت‌اند از:

۱. مَلّاصدرا با استفاده از عکس‌الحمل، وجود را از محمول به موضوع تبدیل کرده است؛
 ۲. وجود لزوماً محمول درجه دو نیست؛ بلکه گاهی شاخصی معناشناختی بوده و حاکی از این است که موضوع، مصداق در عالم خارج دارد و مفهومی و همانی نیست.
- نگارنده برای پیگیری این فرضیه‌ها، پایان‌نامهٔ تحلیلی خود را در سه فصل تدوین کرده است.

وی با اشاره به دو نوع نگاه میردامادی (مقوله ثبوت شیء لشیء) و نگاه صدرایی (مقوله ثبوت الشیء) در باب مسئله «وجود»، تلاش کرده است تا تفاوت آن‌ها را برای خواننده تبیین کند. فصل اول این پایان‌نامه شامل مقدمه و کلیات طرح تحقیق است.

در فصل دوم، مفهوم «وجود» و کاربردهای «است» بررسی شده است. نگارنده برای نشان دادن تفاوت دیدگاه ملاصدرا با نظر ارسطو در باب وجود، آراء پارمنیدس و ارسطو را بیان کرده است. وی در این فصل، ذیل عنوان «وجود انتزاعی در ملاصدرا» برای روشن ترشدن معنای صدرایی وجود و همچنین تفاوت آن با دیدگاه ماهوی میرداماد، معناشناسی وجود را از دیدگاه میرداماد روایت کرده است. نگارنده با اشاره به اینکه در حکمت متعالیه، «وجود» دارای دو معنای انتزاعی و حقیقی است، بر این باور است که برای فهم وجود انتزاعی، می‌توان از دیدگاه‌های میرداماد بهره گرفت. او مهم‌ترین و محوری‌ترین ویژگی وجودشناسی میرداماد را «باور به معنای مصدری وجود» دانسته و با توجه به متن آثار میرداماد، شش ویژگی برای این معنا برشمرده است. نویسنده در نهایت خاطر نشان کرده است که وجود حقیقی ملاصدرا با هیچ‌یک از این ویژگی‌ها هم‌خوان نیست. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. وجود اولین معنایی است که از شیء انتزاع می‌شود؛
 ۲. وجود معنایی عام است و بدون اضافه به موضوعش (ماهیت)، خاص نمی‌شود؛
 ۳. وجود فرد ندارد؛
 ۴. این معنا از ماهیت قرار یافته در خارج انتزاع می‌شود؛ لذا، همیشه متأخر از ماهیت و تابع آن است؛
 ۵. این معنا را فقط آنگاه می‌توان از ماهیت انتزاع یا بر آن حمل کرد که فاعل، آن را در عالم خارج جعل کرده باشد؛
 ۶. نسبت وجود با «ماهیت متقرّر»، مثل نسبت معنای مصدری «انسانیت» با «انسان» و «حیوانیت» با «حیوان» است.
- نویسنده سپس، چگونگی انتزاع مفهوم وجود را از نظر میرداماد، چنین بیان کرده: مفهوم وجود را می‌توان از هر آنچه در عالم خارج قرار یافته است، انتزاع کرد. وی در ادامه، ویژه‌بودن مفهوم وجود را در فلسفه میرداماد، از جمله امتیازات آن دانسته و به تفاوت معنای «موجود» با عرضیات و تفاوت معنای «وجود» با اعراض نزد میرداماد اشاره کرده است.
- مطلب دیگری که در این بخش بیان شده، تفاوت میان تقرّر و وجود است. نگارنده با استناد به عباراتی از کتاب الأفق المبین، خاطر نشان کرده که معنای «وجود» از نظر میر، «موجودشدن چیزی در» است. به عبارت دیگر، نزد میرداماد «وجود» از سنخ مقوله «شدن» و «نسبی» است؛ این در حالی است که «تقرّر» معنایی مطلق داشته و از سنخ مقوله «همانی» است. بیان دیدگاه میرداماد درباره هلیئه بسیطه حقیقی و مشهوری نیز در ادامه این بخش آمده است.
- فصل سوم به تبیین وجود محمولی اختصاص یافته است. نگارنده در این فصل نظرات کانت، برنتانو، فرگه و راسل را درباره مفهوم وجود بررسی و با آراء ملاصدار مقایسه کرده است. در انتهای پایان‌نامه نیز، جمع‌بندی مطالب بیان شده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تربیت مدرس (تهران) / دانشکده: علوم انسانی (گروه فلسفه و حکمت) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۸۶ ش.

۱۳/۱/۱۲. بررسی نحوه ارتباط بین عالم حادث و عالم قدیم از دیدگاه میرداماد و ملاصدرا نگارنده (دانشجو): المیرا رسول زاده / استاد راهنما: ناصر فروهی / استاد مشاور: قربانعلی کریم زاده قراملکی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: نویسنده با ذکر این نکته که میرداماد مسئله حدوث و قدم را از مسائل «جدلی الطرفین» دانسته، خاطر نشان کرده که او با طرح نظریه «حدوث دهری» و تقسیم عالم به سه ساحت وجودی زمان، دهر و سرمد، تلاش کرده است تا برای هر ساحت نسبت به ساحت مقدم بر آن، نوعی عدم واقعی ترسیم کند. ملاصدرا نیز با نظریه «حدوث طبیعی» و تقسیم هستی به دو ساحت ربوبی و زمانی، موجودات مجرد را از ساحت عالم خارج کرده، زمان را یکی از ابعاد وجودی هر شیء مادی قلمداد کرده و جهان مادی را جهانی سیال، متحرک و زمان مند دانسته است.

نگارنده برای بررسی و مقایسه آراء میرداماد و ملاصدرا در خصوص حدوث و قدم عالم، پایان نامه خود را در سه فصل تدوین کرده است. او بعد از بیان مسئله، پرسش ها، فرضیات تحقیق، پیشینه و... در فصل اول به مفاهیم و کلیات پرداخته است. ذیل مفهوم شناسی، معنای لغوی و اصطلاحی «حادث» و «قدیم» و «عالم» را بیان کرده و سپس، به مقایسه حدوث دهری میرداماد و حدوث دهری فلاسفه پیشین پرداخته است. در ادامه، سیر تاریخی بحث را ارائه کرده و از انواع حدوث و قدم سخن گفته و دیدگاه حکیمانی همچون افلاطون، ارسطو، کندی، فخر رازی، ابن سینا، غزالی و ابن رشد را درباره حدوث و قدم بیان کرده است. در پایان این فصل نیز به تعریف دهر پرداخته و مقدمات حدوث دهری را تبیین کرده است.

نویسنده در فصل دوم، ارتباط عالم حادث با عالم قدیم را از دیدگاه میرداماد روایت کرده است. او ابتدا به طرح مسئله پرداخته و سپس، معنای حدوث دهری و عدم دهری را بیان کرده است. بعد از آن، اصول و مبانی فکری میرداماد و نظر او درباره عالم دهر، عالم زمان، سلسله عرضی و طولی و مرجح حدوث عالم را تبیین کرده است. در ادامه، دیدگاه خواجهی، حاجی سبزواری و علامه رفیعی قزوینی را درباره حدوث دهری بیان کرده است.

نگارنده سپس، به بررسی مفهوم زمان از منظر میرداماد، تفاوت حدوث دهری با حدوث زمانی، تشبیه امتداد زمانی موهوم به امتداد امکانی موهوم و زمان موهوم پرداخته است. او باور به وعاء دهر را مسئله بنیادین در فلسفه میرداماد دانسته و چستی دهر و سرمد و نسبت آن دو را با زمان تبیین کرده است. نویسنده در ادامه این فصل، با اشاره به سه نظریه در تبیین حدوث اشیاء، مسئله ربط متغیر به حادث را بررسی کرده و اشکالات غزالی را بر نظریه قدم عالم مرور کرده است. وی در جمع بندی این فصل، متذکر شده که میرداماد برای رفع اختلاف متکلمان با فیلسوفان، نظریه «حدوث دهری» را ابداع کرده است؛ نظریه ای که مهم ترین عنصر حکمت یانی بوده و میرداماد بسیاری از مسائل فلسفی را بر آن استوار کرده است.

فصل سوم و پایانی این پایان نامه به ملاصدرا اختصاص دارد و نویسنده در آن، حدوث و

قدم عالم را از دیدگاه مَلّاصدرا تبیین کرده است. او ابتدا استحاله حدوث زمانی عالم و سپس، حدوث زمانی جهان مادی را بررسی کرده و پس از اشاره به دیدگاه فخرالدین رازی درباره حدوث عالم، به نقل و نقد دیدگاه‌های رایج در این باره پرداخته است. او در ادامه، با اشاره به دشواری مسئله حدوث عالم، ارتباط میان تناهی و حدوث عالم را بررسی کرده است.

پس از آن، به دیدگاه‌های صدرالمتألهین پرداخته و نظریه حرکت جوهری و براهین آن را مرور کرده است. در ادامه، حدوث عالم از نظر مَلّاصدرا و حدوث زمانی مبتنی بر حرکت جوهری را تبیین کرده است. اقوال فلاسفه را درباره اقسام تغییر بازخوانی کرده و نظریه حدوث ذاتی عالم طبیعت، زمان و حدوث آن را بیان کرده است. نویسنده در انتهای این فصل، وجه افتراق و اشتراک دیدگاه‌های میرداماد و مَلّاصدرا را برشمرده است. او در این بخش، از دلایل سکوت مَلّاصدرا در برابر نظریه حدوث دهری استاد خویش سخن گفته و خاطرنشان کرده که هنوز تفسیر درستی از حدوث دهری - به شکلی که ابتکار میرداماد باشد - ارائه نشده است؛ از این رو، اشکالاتی که بر آن مطرح شده، از طوابع نقد خارج هستند.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تبریز/ دانشکده: الهیات و علوم اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: بهمن ۱۳۹۶ ش.

۱/۱/۱۴. پیشینه تاریخی و مبانی معرفتی نظریه «حدوث و قدم دهری»

نگارنده (دانشجو): حسین نجفی / استاد راهنما: حامد ناجی اصفهانی / استاد مشاور: سید محمد موسوی بایگی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف بررسی جایگاه سه منبع معرفتی عقل، نقل و شهود در تدوین نظریه «حدوث دهری» و همچنین، نقش آراء پیشینیان در تحلیل‌های فلسفی میرداماد در گردآوری این نظریه، در پنج بخش به رشته تحریر درآمده است.

بخش اول به اشارات تاریخی، مفهوم‌شناسی و کلیات اختصاص دارد و مشتمل بر دو مبحث «پیدایش جهان در آینه تاریخ فلسفه» و «بازخوانی نظریه حدوث دهری میرداماد» است. نگارنده در این بخش، علاوه بر پیشینه یونانی، پیشینه حدیثی/ کلامی و فلسفی مسئله پیدایش جهان را بررسی کرده و درباره انگیزه میرداماد از طرح نظریه حدوث دهری سخن گفته است.

وی در بخش دوم، جایگاه ادله نقلی را در طرح نظریه حدوث دهری، در دو فصل «نظریه حدوث دهری در آیات قرآن» و «نظریه حدوث دهری در احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)» بررسی کرده است.

بخش سوم به بازخوانی ارجاعات میرداماد به آثار حکماء پیشین در تدوین نظریه حدوث دهری اختصاص یافته است. اثرپذیری میرداماد از فارابی و ابن سینا، از جمله مطالب این بخش است.

نگارنده در بخش چهارم انتساب نظریه حدوث دهری به دیگر شخصیت‌های تاریخی، از جمله محمد بن زکریای رازی، محمد بن مسعود مسعودی، افضل الدین غیلانی و جلال الدین دوانی را بررسی کرده و در نهایت، به این نتیجه رسیده که انتساب حدوث دهری به این اندیشه‌مندان

صحیح نبوده و در اثر برخی سوءفهم‌های تاریخی رخ داده است.

در بخش پنجم، جایگاه دریافت عرفانی در طرح نظریه حدوث دهری بیان شده است. زهد، عرفان و تعبّد در حکمت یمانی، نقش پرهیزگاری در ادراک عقلانی و بهره‌مندی میرداماد از تجارب روحانی در اثبات نظریه حدوث دهری، از جمله مطالبی است که نگارنده در این بخش، به بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته است.

نتیجه‌گیری نهایی نگارنده آن است که میرداماد در طرح نظریه حدوث دهری، از هر سه منبع معرفتی بهره برده؛ اما در تبیین و تحلیل آن، هرگز از روش فلسفی عدول نکرده است. دیدگاه نویسنده درباره منابع نقلی این است که میرداماد در مقدمه استدلال‌های خود برای اثبات حدوث دهری، از آیات و احادیث استفاده نکرده؛ بلکه با پایبندی کامل به شیوه فلسفی، از چهارچوب کلی دیدگاه دین درباره پیدایش جهان بهره برده و در آثار خود، به منابع دینی تنها استشهاد کرده است. نگارنده در خصوص نقش آراء پیشینیان در طرح حدوث دهری نیز متذکر شده که مسئله پیدایش جهان در حکمت یمانی و مبانی میرداماد در تدوین نظریه حدوث دهری، حاصل پیرایش و گسترش نظام فکری/فلسفی منشائی است؛ به گونه‌ای که با صرف نظر از توسعه‌ها و تغییرات میرداماد در این نظام فکری، راه برای باور به حدوث دهری بسته خواهد شد.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: علوم اسلامی رضوی (مشهد) (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۷ ش.

+ مقالات مستخرج: «تأملی در انتساب رساله «نورالهدایه» به جلال الدین دوانی (مطالعه‌ای متن محور بر بنیاد نظریه «حدوث دهری» و آثار میرداماد)» (۲/۱،۴۲) / «تأملی در انتساب نظریه «حدوث دهری» به جلال الدین دوانی» (۲/۱،۴۳).

۱/۱،۱۵. تبیین ارتباط نظام علی و دعا از منظر سه فیلسوف مسلمان (ابن سینا، میرداماد و ابوالحسن جلوه اصفهانی)

نگارنده (دانشجو): فائزه شاه‌نظری / استاد راهنما: جعفر شانظری / استاد مشاور: پروین نییان / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه مشتمل بر سه فصل است: در فصل اول، نگارنده بعد از بیان کلیات، به تعریف مفهوم «دعا» و بیان نظرات برخی حکماء از جمله ملاصدرا، علامه طباطبائی و آیه‌الله جوادی آملی درباره دعا پرداخته است. وی سپس، مفهوم «علّت» و اصل «علّیت» را بررسی کرده و در شرح آن، به آراء شهید مطهری، علامه طباطبائی و آیه‌الله مصباح‌یزدی استناد کرده است. او در ادامه همین فصل، شرح مختصری از احوال، آراء و آثار ابن سینا، میرداماد و ابوالحسن جلوه اصفهانی ارائه کرده است.

نویسنده در فصل دوم، به تبیین نظام علی و مسئله دعا از منظر ابن سینا، میرداماد و جلوه اصفهانی پرداخته است. در این فصل، مباحث مربوط به میر با «بررسی علّیت از منظر میرداماد» آغاز شده است. نویسنده ذیل این عنوان، متذکر شده که میرداماد علّت را به دو قسم حقیقی و عرضی تقسیم کرده؛ اما علّیت را به همان شکلی که ابن سینا بیان کرده، پذیرفته است.

سپس، نظام طولی را از منظر میرداماد تبیین کرده و به مراتب پنج‌گانه زنجیره بازگشت هستی اشاره کرده است.

وی در ادامه، خاطرنشان کرده که از منظر میرداماد، صادر نخستین در نظام علی، عقل است. همچنین، به دیدگاه میرداماد درباره حرکت نفوس سماوی در نظام طولی اشاره کرده و رأی وی را در خصوص حرکت دوار اتصالی نفوس سماوی مرور کرده است. سپس، متذکر شده که به باور میرداماد، نفس ناطقه در نظام طولی، در جسم مندرج نیست؛ بلکه ذاتی مستقل بوده و جسم برای او در حکم وسیله است. نگارنده در ادامه همین فصل، به بررسی کلیات آموزه دعا از منظر میرداماد پرداخته و از چگونگی تأثیر دعاها و اذکار برای حصول خواسته‌ها، توصیف حمد و ستایشی که میرداماد آن را ویژه خالق دانسته و همچنین منطق دعا سخن گفته است.

فصل سوم به بررسی نسبت نظام علی با دعا بر اساس اصول فلسفی ابن‌سینا، میرداماد و جلوه‌اصفهان‌ی اختصاص دارد. در این بخش نگارنده مبانی میرداماد را درباره ارتباط نظام علی با دعا تبیین کرده است. او ابتدا به مسئله قضاء و قدر الهی و ارتباط آن‌ها با دعا پرداخته و در همین راستا، دیدگاه میرداماد را درباره قضاء و قدر علمی و قضاء و قدر عینی بررسی کرده است. مبحث دیگری که در این بخش بیان شده، مسئله خیر و شرّ و دخول شرّ در قضاء الهی و اقسام شرّ (شرّ ذاتی و شرّ عرضی) است. نویسنده متذکر شده که در نظر میرداماد، شرّ امر اضافی عرضی است. مقدمه دیگر در بیان نظر میرداماد، تعلق همه نظام وجودی به قضاء و قدر الهی و استناد همه موجودات به قدرت و اراده و حکمت و عنایت خداوند است. نگارنده بعد از طرح و توضیح این مبانی، دیدگاه میرداماد را درباره نسبت دعا با نظام علی به تفصیل بیان کرده، جایگاه دعا را در قضاء و قدر الهی بررسی کرده و در نهایت، از نقش نفس ناطقه در استجابت دعا و علل مستجاب نشدن دعا سخن گفته است.

نویسنده در بخش مربوط به نتیجه‌گیری و ارزیابی متذکر شده است که:

۱. میرداماد نیز مانند دیگر حکماء اسلامی، وقوع پدیده‌ها را از طریق دعا، خلاف نظام علّیت و اسباب نمی‌داند.

۲. میرداماد جایگاه دعا را در نظام علی، بر اساس این مبانی تبیین کرده است: ذومراتب بودن عالم؛ نقش نفوس ناطقه و نفوس سماوی؛ قضاء و قدر الهی؛ وجود خیر و شرّ؛ بازگشت همه علّت‌ها به خداوند.

۳. از نظر میرداماد دعا منافاتی با نظام علی ندارد؛ بلکه مؤید آن است.

۴. اثربخشی دعا مانند هر علّت و سبب دیگری، نشئت گرفته از تأثیر ذات الهی است.

۵. هماهنگی اسباب و همراهی شرایط، از جمله عوامل استجابت دعا هستند.

۶. قدرت و اراده نفس در جایگاه شرط و سبب در قضاء و قدر الهی، در بحث استجابت دعا مطرح است؛ زیرا نفس در فرآیند استجابت دعا، منفعل است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: اصفهان/ دانشکده: الهیات و معارف اهل بیت (ع) (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: دی ۱۳۹۷ ش.

۱۶/۱۸. تبیین حدوث و قدم عالم از دیدگاه متون دینی و مقایسه آن با دیدگاه علامه حلی، میرداماد و ملاصدرا

نگارنده (دانشجو): سید جواد احمدی / استاد راهنما: ابوالفضل کیاشمشکی / استادان مشاور: حمیدرضا رضانیا، محمدحسن قدردان قراملکی / مقطع تحصیلی: دکتری
معرفی: در این رساله دیدگاه کلامی علامه حلی درباره حدوث و قدم عالم، نظریه حدوث دهری میرداماد و حدوث زمانی ملاصدرا تبیین شده و هریک از آن‌ها با مفاد آیات و روایات مقایسه شده‌اند. این رساله دارای پنج بخش است و هریک از بخش‌ها، فصولی دربردارند.
بخش اول شامل کلیات، مفاهیم و تعاریفات (از جمله: مفهوم‌شناسی «عالم»، مفهوم لغوی «حدوث و قدم»، تعریف اصطلاحی و اقسام آن‌ها) است.

بخش دوم دارای دو فصل است: در فصل اول آیات و روایات ناظر بر آفرینش عالم بررسی شده‌اند. در این فصل، ابتدا مفهوم «خلقت» و پیوند آن با مفاهیمی مانند «ابداع»، «إنشاء» و «فطر» بررسی شده است. سپس، احادیث دال بر تلازم مخلوقیت با مسبوقیت به عدم واقعی، استدلال روایی بر خلقت ابداعی از عدم واقعی، آفرینش عالم طبیعت در شش روز، خلقت انوار معصومین علیهم‌السلام، امکان تغییر و حرکت در برزخ و آخرت و ملازمت هستی امکانی با تغییر مرور شده‌اند. در فصل دوم اصطلاح‌شناسی حدوث و قدم در آیات و روایات بررسی شده است. در این فصل روایات مربوط به استدلال بر حدوث عالم برای اثبات صانع، استدلال بر حدوث عالم با تمسک به حدوث انسان و حدوث سایر حیوانات، استدلال بر حدوث اجسام، رابطه حدوث و قدم با قبول انقسام و عدم آن و چگونگی استفاده از حدوث مخلوقات در مقام واسطه‌ای در اثبات نیاز آن‌ها به خالق بررسی شده‌اند. مباحثی همچون دلالت حدوث خلق بر قدمت خالق، لغت‌شناسی لفظ «ازل» و «ازلی»، ازلیت خداوند در متون دینی و تعریف «قدمت» بر اساس روایت و ازلیت فیض الهی در روایات نیز در این فصل واکاوی شده‌اند.

در فصل اول از بخش سوم، حدوث و قدم عالم از دیدگاه علامه حلی تبیین شده و در فصل دوم از این بخش، دیدگاه علامه حلی با متون دینی مقایسه شده است.

بخش چهارم به میرداماد اختصاص یافته و در فصل اول، دیدگاه او درباره حدوث و قدم عالم تبیین شده است. در این فصل، تعریف میرداماد از حدوث و قدم، اوعیه سه‌گانه وجود، انحاء سبق و لحوق انفکاک، اقسام و حدوث و قدم و تعیین محل نزاع در این مسئله، حدوث و قدم زمانی، حدوث و قدم ذاتی، حدوث و قدم دهری و سرمدی، ادله حدوث دهری، نتایج و فروعات نظریه حدوث دهری، تقدم سرمدی و انفکاک خداوند بر جمیع ممکنات، تناهی امتداد زمان و بدایت و سرآغاز برای وجود عالم بررسی شده‌اند. همچنین، برخی پاسخ‌های میرداماد به نقدها و اشکالات وارد بر نظریه حدوث دهری، در همین فصل تبیین شده‌اند. نویسنده در انتهای این فصل، تقریر محقق سبزواری و علامه طباطبائی از این نظریه را ارائه کرده و ضمن نقد آن‌ها، به نارسایی این دو تقریر اشاره کرده است. وی بر این باور است که تقریر این دو اندیشه‌مند با آنچه مدنظر میرداماد بوده، ناسازگار است.

نگارنده در فصل دوم از بخش چهارم، میزان تطابق و هماهنگی نظریه حدوث دهری میرداماد

را با مضامین آیات و روایات سنجدیده است. مطالب بررسی شده در این فصل عبارت‌اند از: تقدّم عدم دهری بر وجود ممکنات، انفصال وجودی عالم از حقّ تعالی، تناهی زمان و اثبات بدایت برای عالم طبیعت، نفی ازلیّت غیری از محجّرات و نفی حدوث ذاتی و حدوث زمانی. نویسنده در پایان، نظریّه حدوث دهری میرداماد را در هفت محور، سازگار و هماهنگ با آموزه‌های دینی دانسته است. بخش پنجم نیز شامل دو فصل است: در فصل اوّل، حدوث و قدم عالم از دیدگاه صدرالمُتألّهین تبیین شده و در فصل دوم، دیدگاه وی با متون دینی مقایسه شده است.

نگارنده در خاتمه رساله خود، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی پرداخته است. وی بر این باور است که سه دیدگاه مذکور، در هفت محور با آیات و روایات سازگاری دارند. این هفت محور عبارت‌اند از: ۱. نفی حدوث ذاتی؛ ۲. نفی ازلیّت غیری عالم؛ ۳. مردود دانستن حدوث زمانی منسوب به متکلمان؛ ۴. مسبوّقیت وجود عالم به عدم مقابل؛ ۵. تأخّر انفکاکِ مخلوقات از وجود خالق؛ ۶. ابداعی بودنِ فاعلیّت خداوند؛ ۷. پیراستگی وجود پروردگار از زمان یا هرگونه امتداد وهمی و متوهم.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: معارف اسلامی (قم) / دانشکده: مطالعات اسلامی (گروه مدرّسی معارف اسلامی) / تاریخ دفاع: ۱۳۹۳ ش.

+ مقاله مستخرج: «بازخوانی نظریّه حدوث دهری میرداماد» (۲/۱۲).

۱/۱/۱۷. تبیین و تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه میرداماد و قاضی سعید قمی در مسئله نسبت سنخ وجود خدا و ممکنات

نگارنده (دانشجو): محمّد مصطفائی / استادان راهنما: عبدالحسین خسروپناه؛ رضا برنجکار / استاد مشاور: سیّد محمدعلی دیباجی / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: تبیین چستی سنخ وجود ممکنات و سنخ حقّ تعالی (هم‌سنخی یا ناهم‌سنخی وجود خدا و وجود ممکنات) از نظر نمایندگان دو جریان فکری / فلسفی مکتب اصفهان، یعنی میرداماد و قاضی سعید قمی، و بررسی سازگاری دیدگاه این دو اندیشه‌مند با کلیّت مبانی نظام فکری آن‌ها، موضوع این رساله است که در چهار فصل به رشته تحریر درآمده است

نویسنده در فصل اوّل، بعد از بیان کلیّات، دو مفهوم «سنخ» و «سنخیت» را در لغت و اصطلاح بررسی کرده و پیشینه فلسفی اصل سنخیت را مرور کرده است. وی پس از معرفی حوزه فلسفی / کلامی اصفهان و جریان‌های فلسفی آن، به شخصیت میرداماد و قاضی سعید قمی و شرح احوال و آثار آن‌ها پرداخته است.

فصل دوم که «مبانی فلسفی میرداماد و قاضی سعید قمی» نام دارد، شامل سه بخش است: در بخش نخست، مبانی فلسفی میرداماد درباره سنخ وجود خدا و ممکنات بررسی شده و در بخش دوم، مبانی فلسفی قاضی سعید قمی در این باره تبیین شده است. بخش سوم به مقایسه مبانی فلسفی این دو اندیشه‌مند درباره سنخ وجود خدا و ممکنات اختصاص یافته است.

همان‌گونه که اشاره شد، نویسنده در بخش اوّل این فصل، مبانی فکری / فلسفی میرداماد را درباره مبحث سنخیت بررسی کرده است. این مبانی عبارت‌اند از: دیدگاه وی درباره اصلت یا

اعتباریت وجود؛ وحدت وجود؛ سنخیت معلول و علت؛ قاعده «معطی شیء فاقد شیء نیست»؛ قاعده «الواحد لا یصدر عنه إلا الواحد»؛ قرب و بُعد از خداوند؛ علم الهی و اتحاد عالم و معلوم. وی در پایان این بخش نیز هستی‌شناسی میرداماد و نظرات او در باب نحوه آفرینش، صدور و جعل اشیاء و همچنین، رابطه مخلوقات با یکدیگر و نظریه حدوث دهری را بررسی کرده است.

فصل سوم به بررسی نسبت سنخ وجود خدا با ممکنات از دیدگاه میرداماد و قاضی سعید قی و تضارب دیدگاه آن‌ها اختصاص دارد. نگارنده در این فصل دیدگاه میرداماد را درباره معیت خدا با خلق و نسبت سنخ این دو با یکدیگر، بر اساس مبانی ذکرشده در بخش اول از فصل دوم، تحلیل و تبیین کرده است. او در نهایت متذکر شده که به باور میرداماد، میان حق تعالی و موجودات ممکن هم‌سنخی وجود دارد و در نظر وی، تباین مطلق مردود است؛ اگرچه میرداماد در برخی مبانی خود - از جمله بحث اصالت ماهیت و وحدت شخصی وجود - به نظریه تباین سنخ خداوند از ممکنات نزدیک شده است.

در بخش سوم این فصل که دیدگاه میرداماد و قاضی سعید قی درباره نسبت سنخ وجود خدا و ممکنات بررسی شده، نویسنده خاطرنشان کرده که دیدگاه میرداماد درباره نسبت سنخ حق تعالی و ممکنات - که طبق آن، میان وجود حق تعالی و ممکنات سنخیت برقرار است - با مبانی فلسفی وی سازگار است؛ درحالی که دیدگاه قاضی سعید قی - که طبق آن، بین سنخ خداوند و ممکنات تباین مطلق و تأم برقرار است - با برخی مبانی نظام فکری وی هم‌خوانی ندارد.

در فصل چهارم، لوازم هم‌سنخی خدا و ممکنات نزد میرداماد و لوازم عدم سنخیت خدا و ممکنات نزد قاضی سعید قی تبیین شده‌اند. نویسنده تأثیر رأی میرداماد را در مسئله جبر و اختیار، صفات الهی و نحوه شناخت خداوند بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که:

۱. باور به هم‌سنخی خداوند و ممکنات، به‌ویژه در برداشت وحدت وجودی آن، سبب جبرگرایی می‌شود.

۲. این دیدگاه در بحث صفات الهی و معنای آن‌ها، به الهیات ایجابی منجر می‌شود.

۳. در بحث شناخت خداوند، از آنجا که بین خالق و مخلوق سنخیت وجود دارد، امکان شناخت نسبی خالق برای مخلوق فراهم می‌شود.

وی در ادامه این بخش، با اشاره به اینکه میرداماد امکان شناخت حسی و عقلی کُنه ذات الهی را منتفی دانسته، استدلال‌های وی را بر استحالة شناخت عقلی کُنه ذات الهی تبیین کرده است.

در پایان فصول رساله نیز نتیجه‌گیری نگارنده آمده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران (پردیس فارابی) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: مرداد ۱۳۹۶ ش.

+ مقاله مستخرج: «نسبت سنخ وجود خدا و ممکنات: بررسی دیدگاه میرداماد» (۲۰۱۹، ۲).

۱۸/۱. تحلیل مقایسه‌ای آراء میرداماد، میرزامهدی آشتیانی، فخر رازی و میرزامهدی

اصفهانی درباره قاعده «الواحد»

نگارنده (دانشجو): علی اسدیان شمس / استاد راهنما: حبیب‌الله دانش‌شهرکی / استاد مشاور:

عسکر دیرباز / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: نگارنده پایان‌نامه خود را به تبیین و مقایسه آراء موافقان و مخالفان قاعده «الواحد» اختصاص داده و آن را در سه فصل تدوین کرده است. او از میان موافقان این قاعده، میرداماد را در جایگاه نماینده حکماء و میرزامهدی آشتیانی را به نمایندگی از عرفاء برگزیده است. همچنین از میان مخالفان این قاعده، فخرالدین رازی را از متکلمان اشاعره و میرزامهدی اصفهانی را از اصحاب مکتب تفکیک انتخاب کرده است.

فصل اول که کلیات نام دارد، شامل چهار بخش است: بخش اول آن همان مطالب ابتدایی هر تحقیق (بیان مسئله، سؤالات، فرضیه‌ها، روش، پیشینه، ساختار، جنبه‌های نوآوری تحقیق و...) را در بردارد. در بخش دوم، گزارشی از زندگی‌نامه، سیر تحصیلات، استادان، شاگردان مشهور و آثار هریک از این چهار اندیشه‌مند ارائه شده است.

در بخش سوم، مواجهه آن‌ها با مبادی تصویری قاعده الواحد، روش ایشان در مباحث عقلی و میزان و چگونگی استفاده آن‌ها از منابع نقلی در تبیین قاعده الواحد بررسی شده است. نویسندگان متذکر شده که میرداماد در مباحث عقلی مربوط به قاعده الواحد پیرو حکماء مشاء بوده و با رویکردی مشائی و استدلالی درباره قاعده الواحد بحث کرده است. وی در اصل این قاعده، هیچ دلیل نقلی مطرح نکرده است؛ هرچند در برخی فروع آن - از جمله مرتبه خاتم النبیین ﷺ و مراتب ملائکه - به برخی دلایل نقلی استناد کرده است.

بخش چهارم از فصل اول به مفهوم‌شناسی قاعده الواحد (وحدت و اقسام آن، بساطت، صدور و...) اختصاص یافته است.

در فصل دوم، قاعده الواحد از نظر میرداماد و میرزامهدی آشتیانی - یعنی موافقان این قاعده - بررسی شده است. نگارنده در بخش اول از این فصل، ادله عقلی و نقلی این دو اندیشه‌مند را در اثبات قاعده الواحد، تبیین کرده است.

نویسندگان در بخش دوم، با اشاره به اختلاف نظر حکماء و عرفاء در خصوص صادر اول، به بیان آراء میرداماد و میرزامهدی آشتیانی درباره صادر اول پرداخته و سپس آن‌ها را نقد کرده است. وی متذکر شده که میرداماد بنابر نگرش مشائی خود، صادر اول را عقل اول قلمداد کرده و میرزامهدی آشتیانی بنابر نگرش عرفانی، نور محمدی را صادر اول دانسته است؛ از این رو، این اختلاف نظر موجب اختلاف رأی درباره نحوه تحقق کثرت عرضی شده است.

او در بخش سوم، نحوه تحقق کثرت عرضی را از دیدگاه میرداماد و میرزامهدی آشتیانی تبیین و مقایسه کرده است. حاصل این مقایسه آن است که میرداماد کثرت عرضی را ناشی از جهات متعدد عقل اول دانسته و میرزامهدی آشتیانی، تحقق کثرت عرضی را با تعینات فیض مقدس و نور محمدی مرتبط می‌داند.

در بخش چهارم از این فصل، فروع قاعده الواحد از - جمله قاعده «امکان اشرف» و اثبات عقول مفارقه - بررسی شده‌اند.

در فصل سوم، قاعده الواحد از منظر فخر رازی و میرزامهدی اصفهانی - که آن را منافی با قدرت مطلق خداوند می‌دانند - تحلیل و بررسی شده است. نویسندگان ابتدا اشکالات و نقض‌های فخر رازی را بر دلایل حکماء در اثبات قاعده الواحد و پاسخ حکماء را به این انتقادات - از جمله اشکال او

درباره علم الهی و پاسخ میرداماد - بیان کرده است. او همچنین، اشکالات فخر رازی بر نحوه تحقق کثرت عرضی و پاسخ‌های محقق طوسی و مرحوم آشتیانی را به این اشکالات بررسی کرده است. در بخش دوم این فصل، دیدگاه میرزامهدی اصفهانی در باب صادر اول و قاعده الواحد و چگونگی وقوع کثرت عرضی تبیین و تحلیل شده است.

نگارنده در پایان خاطرنشان کرده است که میرداماد و میرزامهدی آشتیانی قاعده الواحد را از بدیهیات و اتمات اصول عقلی دانسته‌اند؛ اما براهین عقلی فراوانی در اثبات آن ارائه کرده‌اند. همچنین، در باب چستی صادر اول و با توجه به قاعده امکان اشرف، رأی میرزامهدی آشتیانی صحیح و دیدگاه میرداماد مردود است؛ بر این اساس، نگارنده معتقد است که صادر اول، فیض مقدس است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: قم / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: تابستان ۱۳۹۱ ش.

۱۰/۱/۱۹. تحلیل نظریه «موجود» در فلسفه میرداماد

نگارنده (دانشجو): سید محمد منافیان / استاد راهنما: نصرالله حکمت / استاد مشاور: سید حسن احمدی / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: این رساله با هدف شناخت نظر میرداماد درباره چستی «موجود» و رابطه آن با وجود و ماهیت - یا همان نظریه وجود - تدوین شده است. نگارنده بدین منظور، آراء میرداماد را درباره وحدت وجود، جعل بسیط ماهیت، اشتراک معنوی موجود، نسبت علت با معلول، نحوه جمع میان وحدت و کثرت موجود، در سه فصل (فصل اول: مبانی نظریه جعل ماهیت در اندیشه میرداماد؛ فصل دوم: نظریه جعل بسیط ماهیت در نگارش میرداماد؛ فصل سوم: نظریه جعل بسیط ماهیت در نظام حکمت یمانی میرداماد) بررسی کرده است.

وی در پیشگفتار رساله خود، متذکر شده که میرداماد با جمع میان آموزه‌های فلسفی، تعالیم عرفانی و معارف دینی، نظریات بدیعی در حکمت و فلسفه ارائه کرده است؛ از این رو، بررسی آراء او، به ویژه نظریه اصالت ماهیت، در فهم برخی ابهامات تاریخ فلسفه اسلامی نقش بسزایی دارد. همچنین، شناخت دقیق اندیشه‌های وی، موجب فهم بهتر فلسفه صدرایی است.

او در مقدمه، پیشینه تاریخی کاربرد و معنای واژه «وجود» و «موجود» و مصادیق آن‌ها را بیان کرده و نظرات حکمای مانند ارسطو، فارابی و ابن سینا را در این باره بررسی کرده است. در ادامه، با اشاره به اهمیت مسئله اصالت وجود یا ماهیت در فلسفه اسلامی، به تبیین سیر تاریخی مسئله زیادت خارجی وجود بر ماهیت و وحدت هستی در آراء ابن سینا، ابن عربی، سهروردی، محقق دوانی و ملاصدرا پرداخته است. وی در انتهای مقدمه، مفاهیم بنیادی بحث خود را از جمله ماهیت (ماهیت تقدیری و تحقیقی)، مرتبه تقرر ماهیت و مرتبه موجودیت، با توجه به متن آثار میرداماد تبیین کرده است.

نویسنده در پایان هر فصل، بخشی با عنوان «نتیجه‌گیری» آورده و جمع‌بندی مطالب خود را در آن ذکر کرده است. وی یادآور شده است که برای شناخت و فهم رأی میرداماد درباره اصالت

ماهیت و وجود، باید پیشینه این مسئله تا زمان وی بررسی شود. او با اشاره به تأکید میرداماد بر عینیت حق تعالی با وجود و گرایش وی به نظریه وحدت وجود، خاطرنشان کرده که میرداماد خداوند را مصداق حقیقی «موجود» و ممکن‌الوجودها را مصداق مجازی «موجود» دانسته است. همچنین، با توجهی ویژه به نظریه جعل بسیط ماهیت، نظریه اصالت ماهیت خود را طرح کرده است. نویسنده متذکر شده که فلسفه میرداماد، دربردارنده نوعی نظریه اصالت ماهیت تاریخی است، نه اصالت ماهیت منطقی که در برابر اصالت وجود صدرایی قرار می‌گیرد. وی خاطرنشان کرده که میرداماد در معرفی هویت ممکنات، بر ربط و استناد آن‌ها به علت تأکید داشته و آن‌ها را مصداق بالذات ربط دانسته است. همچنین، بر این باور بوده که آنچه مجعول واقع می‌شود، ماهیت ممکن‌الوجود است.

میرداماد نظریه وحدت شخصی وجود را با قرائتی خاص پذیرفته، تنها رابطه میان ممکنات و واجب‌الوجود را علّیت معرفی کرده و هویت ممکن‌الوجود را چیزی غیر از معلولیت او ندانسته است. نگارنده خاطرنشان کرده که از نظر میرداماد، واقعیت بیرونی، فعلیت محض و وجود تامّ بوده و آنچه با عنوان نظریه اصالت ماهیت به میرداماد نسبت داده شده، بیانگر افتقار کامل و استناد معلول به علت حقیقی است. وی همچنین، درباره جعل بسیط ماهیت متذکر شده که مقصود میرداماد از ماهیت در این نظریه، ماهیت به حمل اولی است. معنا و مفهوم این نظریه نزد میرداماد این است که تنها آنچه در علم ذاتی حق تعالی رقم خورده، فعلیت می‌یابد؛ زیرا جعل و علّیت خداوند مبتنی بر علم ذاتی اوست و هیچ امری از حیطه قهاریت و ایجاد حق تعالی خارج نیست.

نویسنده درباره نسبت رأی میرداماد با دیدگاه محقق دوانی و نظریه ذوق تالّه - که بر اساس آن، وجود در حق تعالی منحصر است - بر این باور است که دیدگاه میرداماد در چهارچوب نظریه ذوق تالّه طرح شده و او سعی داشته تا آن را اصلاح کند. میرداماد درحالی که از اشتراک معنوی موجود دفاع کرده، رکن حقیقت ممکن‌الوجود را انتساب او به وجود محض دانسته و معتقد است که نمی‌توان آن را زائد بر ذات پنداشت.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: شهید بهشتی (تهران) / دانشکده: ادبیات و علوم انسانی (گروه فلسفه) / تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۹۳ ش.

+ مقالات مستخرج: «معناشناسی «ماهیت» در مابعدالطبیعه میرداماد» (۲، ۱، ۱۰۲) / «نظریه «جعل بسیط ماهیت» در اندیشه میرداماد» (۲، ۱، ۱۱۲).

* برگزیده هشتمین جشنواره بین‌المللی فارابی

۱، ۱، ۲۰. تشخیص در فلسفه اسلامی

نگارنده (دانشجو): سهراب غلامی دیزبچه / استاد راهنما: سیدمهدی امامی جمعه / استاد مشاور: علی ارشد ریاحی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه شامل پیشگفتار و هفت فصل است. نویسنده در پیشگفتار، با اشاره به اینکه سازواره هر نظام فلسفی با نگرش آن به مسئله تشخص، تعریف و و مناط آن مرتبط است، هدف تحقیق خود را بررسی و تحلیل مسئله «تشخص» و رابطه «اصالت وجود» با «تشخص به

وجود» در مکاتب فلسفی اسلامی معرفی کرده است.

نگارنده در فصل اول، با بررسی رابطه تشخص با وجود از دیدگاه فارابی، استدلال وی را در اثبات وحدانیت واجب الوجود از طریق تشخص، مرور کرده است.

در فصل دوم، ضمن تعریف تشخص از منظر ابن سینا، آراء او را درباره تشخص واجب الوجود، تشخص وضع، تشخص مکان، رابطه تشخص با وضع، ادراک حسی، هیولی و صورت بررسی کرده است.

در فصل سوم به بررسی دیدگاه بهمنیار درباره تشخص و اقسام آن پرداخته است. در فصل چهارم دیدگاه شیخ اشراق را درباره تفاوت تمیز و تشخص و اقسام تمیز تبیین کرده است.

فصل پنجم شامل مباحث مربوط به اعتباریت تشخص از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی است. فصل ششم به میرداماد اختصاص دارد. نویسندگان در این فصل ابتدا تعریف میرداماد را از تشخص ارائه کرده و سپس، به بیان رابطه تشخص با وجود پرداخته است. وی خاطر نشان کرده که میرداماد میان تشخص ذهنی و تشخص عینی تفکیک قائل شده و سرچشمه تشخص را وجود دانسته است. میر درباره تشخص حق تعالی بر این باور است که تشخص و وجود او، از جهت ذات اوست. نگارنده با نقل عباراتی از میرداماد، نتیجه گرفته که وجود که نزد او، مفهومی انتزاعی، مصدری و تبعاً اعتباری است؛ درحالی که حقیقت وجود اصیل بوده و تشخص به وجود است.

در فصل هفتم معانی تشخص از دیدگاه ملاصدرا (تشخص به معنای «صدق بر کثیرین» و تشخص به معنای «تمیز») و مباحث مربوط به هریک از آنها تبیین و تفسیر شده اند. همچنین در این فصل، نگرش ملاصدرا به اقوال و نظرات فلاسفه دیگر در باب تشخص، بررسی شده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه/ اصفهان/ دانشکده: الهیات و معارف اهل بیت (ع) (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ ش.

۱،۱،۲۱. حدوث دهری، اصالت وجود و ماهیت و بداء در اندیشه میرداماد

نگارنده (دانشجو): سیده راضیه قریشی/ استاد راهنما: مهدی دشت بزرگی/ استاد مشاور: حسن رضا زاده/ مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: فرضیه های این پایان نامه از این قرارند:

۱. فلسفه میرداماد بر اصالت ماهیت مبتنی بوده و او با استفاده از قاعده امکان اشرف، مخلوقات متغیر را به خالق ثابت ربط داده است.

۲. او به قرائت خاصی از آموزه «بداء» اعتقاد داشته است.

۳. نظریه حدوث دهری میرداماد از نظر مفهوم با حدوث ذاتی مغایر بوده؛ ولی از نظر مصداق، همان حدوث ذاتی فلاسفه است.

نگارنده برای بررسی این فرضیه ها، پایان نامه خود را در پنج فصل تدوین کرده که فصل اول آن به کلیات تحقیق مربوط است.

فصل دوم به زندگی‌نامه میرداماد اختصاص دارد و نویسنده، توضیحاتی درباره استادان و شاگردان میرداماد، زندگی عارفانه، مقام علمی و سبک نگارش او ارائه داده، برخی آثار وی را معرفی کرده و مبانی کلی حکمت یمانی را تبیین کرده است.

فصل سوم به بررسی حدوث دهری اختصاص یافته و در دو بخش تنظیم شده است. نگارنده با ذکر این نکته که مسئله حدوث دهری با تقدّم و تأخّر رابطه‌ای تنگاتنگ دارد، در بخش اول، تقدّم و تأخّر و اقسام آن را بررسی کرده است.

بخش دوم مربوط به حدوث و قدم و اقسام آن است. نویسنده پس از طرح مباحث مقدماتی، نظریه حدوث دهری میرداماد را بررسی کرده است. مطالب این بخش عبارت‌اند از: حادث و قدیم در عرف و اصطلاح فلسفی؛ اقسام حادث؛ اثبات حدوث از طریق عقل و نقل؛ اقسام عدم؛ اختلاف میان اقسام حادث؛ اقسام قدیم؛ حدوث عالم؛ حدوث عالم از نظر ابن سینا؛ حدوث عالم از نظر شیخ اشراق؛ حدوث عالم از نظر ملاصدرا؛ اشکال حدوثی ذاتی فلاسفه و حدوث زمانی متکلمان از نظر میرداماد؛ بیان اجمالی حدوث دهری؛ اقسام وعاء؛ اثبات حدوث دهری از طریق امکان استعدادی؛ اثبات حدوث دهری از طریق ماهیت ممکنات؛ تفاوت عدم در حدوث دهری، ذاتی و زمانی؛ دلایل عقلی اثبات حدوث دهری؛ دلایل نقلی بر حدوث دهری؛ احادیث نبوی و سخنان ائمّه علیهم‌السلام؛ نتایج نظریه حدوث دهری؛ حلّ مشکل ارتباط متغیّر با ثابت؛ ابطال مثل افلاطونی؛ تفسیر نظریه «کمون و بروز»؛ اصالت حرکت قطعیّه؛ علم الهی؛ ابطال علم واجب به اشیاء از طریق اشیاء؛ بداء؛ اشکالات مطرح شده بر حدوث دهری؛ اشکال در تقدّم سرمدی و پاسخ آن؛ اشکال محقق لاهیجی بر حدوث دهری؛ اشکالات سیدجلال الدین آشتیانی بر حدوث دهری؛ انتقاد به وعاء دهر.

نگارنده در نتیجه‌گیری این فصل، بیان کرده است که حکماء اسلامی بر سه اصل کلی متفق هستند:

۱. همه موجودات به وعاء و جایگاهی برای تحقّق و حصول نیاز دارند؛
۲. سلسله مراتب طولی و عرضی میان موجودات عالم برقرار است.
۳. وجود راسم عدم است.

به باور او، میرداماد با اتکا بر این سه اصل، نظریه حدوث دهری را بنیان نهاده و توانسته است معضل ربط متغیّر با ثابت و حادث با قدیم را حلّ کند؛ اما عبارات پرتکلف میرداماد سبب شده تا فهم درستی از نظریه حدوث دهری حاصل نشود. همچنین، تلاش میرتنها در جهت اثبات نظریه مذکور از طریق عقل و نقل بوده و هیچ توضیح و تبیینی درخصوص چیستی و ماهیت حدوث دهری ارائه نکرده است.

مطالب فصل چهارم در باب مسئله بداء است. نویسنده با اشاره به اهمیت این مسئله نزد میرداماد و اختصاص رساله نبراس الضیاء به تبیین آن، مباحث این فصل را به بررسی ماهیت بداء از دیدگاه میرداماد اختصاص داده است. وی متذکّر شده که نزد میرداماد، بداء با حدوث دهری مرتبط است.

در فصل پنجم، اصالت ماهیت از دیدگاه میرداماد تحلیل و بررسی شده است. نگارنده بحث

خود را از تعریف اصطلاحات آغاز کرده و بعد از طرح مسئله، سیر تاریخی اصالت وجود و ماهیت را بیان کرده است. عناوین مطالب وی در ادامه عبارت‌اند از: اصالت ماهیت از نظر میرداماد؛ دلایل اعتباریت وجود از نظر میرداماد؛ اصالت ماهیت از دیدگاه قائلان به آن؛ اصالت وجود از نظر ملاصدرا. نویسنده در پایان این فصل، به این نتیجه رسیده که از دیدگاه میرداماد - و البته، سایر قائلان به اصالت ماهیت - حقیقت هستی و آنچه اصیل است ماهیت موجود است و نه ماهیت بدون وجود. همچنین، نظریه حدوث دهری میرداماد بر مبنای اعتقاد او به اصالت ماهیت ارائه شده است. مؤلف همین مسئله را دلیل مخالفت ملاصدرا با نظریه حدوث دهری دانسته است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: کاشان/ دانشکده: علوم انسانی (گروه فلسفه و ادیان)/ تاریخ دفاع: بهمن ۱۳۸۸ ش.

۱،۱،۲۲. حدوث دهری در حکمت یمانی و مقایسه آن با نظرگاه حدوث در حکمت متعالیه نگارنده (دانشجو): سیده سکینه احمدی/ استاد راهنما: عبدالرضا صفری حلاوی/ استاد مشاور: مهدی خادمی/ مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
معرفی: نگارنده در چکیده پایان‌نامه آورده است که «حدوث دهری» زائد بر «حدوث ذاتی» نیست؛ بلکه میرداماد می‌خواهد مسبوقیت عالم را به عدم دهری (عدم به معنای قدم دهری نه مقابل با وجود زمانی) ثابت کند. جایگاه حدوث دهری در حکمت متعالیه به دلایلی - از جمله ابتدای نظام فلسفی ملاصدرا بر اصالت وجود و ابتدای حدوث دهری بر اصالت ماهیت - مسکوت مانده است.

این پایان‌نامه در چهار فصل تدوین شده که فصل اول آن شامل کلیات است. فصل دوم دارای دو بخش است: نویسنده در بخش اول به شخصیت‌شناسی میرداماد و ملاصدرا و بازخوانی مشرب ایشان پرداخته است. وی از نظام فلسفی میرداماد (حکمت یمانی)، آثار و تألیفات و تاریخ وفات وی و همچنین، مشرب فلسفی ملاصدرا (حکمت متعالیه) و جامعیت علمی و تاریخ وفاتش سخن گفته است. در بخش دوم، به بررسی حدوث عالم از منظر میرداماد و ملاصدرا پرداخته است. او معنای واژگان «حدوث» و «قدم» را در لغت و اصطلاح فلسفی تبیین کرده و به اقسام آن‌ها اشاره کرده است. سپس، سیر تاریخی مسئله حدوث را تا پیش از میرداماد بررسی کرده و در ادامه، به تبیین حدوث عالم از نظر میرداماد و زمینه‌های طرح نظریه حدوث دهری پرداخته است. وی در پایان، حدوث عالم را از منظر ملاصدرا تبیین کرده است.

فصل سوم که «تطبیق حدوث دهری در حکمت یمانی و مقایسه آن با نظرگاه حدوث در حکمت متعالیه» نام دارد، شامل سه بخش است. نگارنده در بخش اول، اصول کلی حکمت یمانی و مبانی نظری حدوث دهری را بیان کرده است. در بخش دوم، با اشاره به اقسام تقدم و تأخر و اقسام معیت، نظریه حدوث دهری را به اختصار تبیین کرده است. او در این بخش درباره حدوث عالم از دیدگاه عقل و نقل، اختلاف حدوث دهری با حدوث زمانی و ذاتی، دلایل عقلی و نقلی

۱. متأسفانه تا لحظه نگارش این مدخل، دسترسی به متن این پایان‌نامه میسر نشد و آنچه در ادامه می‌آید، برگرفته از مطالبی است که در وبگاه «کتابخانه مجازی الفبا» بارگزاری شده است.

حدوث دهری و ثمرات و نتایج این نظریه سخن گفته است. نویسنده در بخش سوم از فصل سوم، نظر میرداماد را در باب حدوث عالم با عقیده ملاصدرا مقایسه کرده است. سپس، از باور میرداماد به اصالت ماهیت و تقابل اصالت وجود صدرایی با آن سخن گفته است. در ادامه، دیدگاه میرداماد و ملاصدرا را درباره اوعیه سه گانه وجود (زمان، دهر و سرمد) و نسبت آن‌ها با یکدیگر، بررسی کرده است. نویسنده در پایان این فصل، از جایگاه نظریه حدوث دهری در حکمت متعالیه و فلسفه ملاصدرا سخن گفته است.

فصل چهارم پایان‌نامه به نقد نظریه حدوث دهری اختصاص دارد و نگارنده در این فصل، آراء مخالفان و موافقان این نظریه را تبیین کرده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: دانشگاه پیام نور استان خوزستان (واحد اندیشک) / دانشکده علوم انسانی (گروه الهیات و علوم اسلامی) / تاریخ دفاع: تیر ۱۳۹۸ ش.

۱،۱،۲۳. حدوث و قدم

نگارنده (دانشجو): اسماعیل واعظ جوادی / استاد راهنما: جواد مصلح / مقطع تحصیلی: دکتری
معرفی: فهرست کلی مباحث این رساله عبارت‌اند از: حدوث و قدم و اقسام آن (زمانی، ذاتی، دهری، اسمی)؛ قوه و فعل؛ امتناع تأخر معلول از علت تامه؛ امکان؛ حرکت و سکون؛ حرکت در جوهر و اثبات حدوث زمانی عالم؛ ربط حادث با قدیم.

مباحث مربوط به میرداماد، با توضیح و تفسیر نظریه «حدوث دهری» از صفحه ۶۹ این رساله آغاز شده و تا صفحه ۹۵ ادامه یافته است. نگارنده در مقدمه این بخش، مسائل فلسفه الهی را به دو بخش (مسائلی که موضوعات آن‌ها همان موضوع علم (فلسفه کلی) و مسائلی که موضوع آن‌ها قسمی از اقسام موضوع علم است) تقسیم کرده و مسئله «حدوث و قدم» را در قسم دوم مسائل فلسفی جای داده است. بعد از این مقدمه، معنای حدوث و قدم را بیان کرده و تفاوت میان عدم ذاتی، زمانی، دهری و سرمدی را بررسی کرده است. در ادامه، با ذکر این نکته که مرکز و محور سخن میرداماد در حدوث و قدم عالم، نظریه حدوث دهری است، به تبیین و توضیح این نظریه پرداخته است. نگارنده برای تبیین نظریه حدوث دهری، مبحث اول را به اثبات وعاء دهر و بحث دوم را به اثبات عدم وجود مجرد و مادی در وعاء دهر اختصاص داده است. وی در پایان هریک از این مباحث و پس از ارائه استدلال میرداماد در اثبات حدوث دهری، بر دیدگاه‌های میرداماد انتقاداتی وارد کرده است.

او در پایان بحث حدوث دهری، آیات و روایاتی که میرداماد در مستدل کردن نظریه خویش از آن‌ها بهره برده، بررسی و تفسیر میرداماد را نقد کرده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: علوم معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) / تاریخ دفاع: ۱۳۴۶ ش.

+ بازنشر به صورت کتاب: حدوث و قدم، اسماعیل واعظ جوادی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ ش.

۱،۱،۲۴. حدوث و قدم

نگارنده (دانشجو): مسلم نجفی / استاد راهنما: سید جلال الدین آشتیانی / استاد مشاور: پرویز ضیاء شهابی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان نامه مشتمل بر یک مقدمه و دو بخش است. نویسنده در مقدمه، به بررسی ریشه‌های تاریخی بحث حدوث و قدم و تحریر محل نزاع پرداخته است. همچنین، آثار مهم حکیمان و متکلمان را در این باره - از جمله کتاب حدوث العالم ذاتاً و قدمه زماناً از میرداماد - معرفی کرده است. وی متذکر شده که میرداماد رأی ارسطو را تأیید کرده و دیدگاه افلاطون را مردود دانسته است. همچنین، دیدگاه فارابی را درباره تقریب نظرات ارسطو و افلاطون، نقد کرده است. در بخش اول، مباحثی همچون سبق و لحوق یا تقدم و تأخر، ارتباط تقدم و تأخر با حدوث و قدم، اقسام تقدم و تأخر، ملاک‌های تقدم و تأخر، معیت و اقسام آن، رابطه تقدم و تأخر با توطی و تشکیک و اشتراک معنوی یا لفظی تقدم و تأخر بررسی شده‌اند. همچنین، نظر ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا درباره تشکیک کلی عرضی و ذاتی تبیین شده است.

بخش دوم به حدوث و قدم اختصاص یافته و مشتمل بر هشت فصل است. فصل اول شامل کلیات است و در آن، مباحثی همچون معنای حدوث و قدم، حدوث و قدم اضافی و حقیقی، اقسام حدوث و قدم، حدوث زمانی و حدوث ذاتی بررسی شده‌اند.

فصل دوم با عنوان «حدوث و قدم دهری»، به تبیین نظریه حدوث دهری میرداماد اختصاص یافته است. نویسنده ابتدا مقدمه‌ای تاریخی درباره نظریه ابتکاری میرداماد بیان کرده و سپس، به تشریح نظریه حدوث دهری پرداخته است. وی برای توضیح این نظریه از تقریر حاجی سبزواری در شرح منظومه بهره گرفته و آن را با بیان سه مقدمه تبیین کرده است. او با اشاره به بطلان برخی مباحث که بر اساس هیئت بظلمیوسی مطرح شده‌اند، مقدمه دوم را واکاوی کرده و نکاتی در نقد آن بیان کرده است. سپس، به توضیح اصطلاحی واژه «دهر» پرداخته است.

نگارنده در ادامه، پس از طرح مدّعی اصلی میرداماد در بحث حدوث دهری، یک اشکال و پاسخ میر را به آن بررسی کرده است. وی موضع میرداماد را در باب حدوث زمانی و حدوث ذاتی مطرح کرده و سپس، به روایت آراء موافقان و مخالفان نظریه حدوث دهری پرداخته است. او در این بخش، نظرات ملاصدرا، حاجی سبزواری، علامه طباطبائی، استاد سید جلال الدین آشتیانی، فضل الرحمان و توشی هیکو ایزتوسو را مرور کرده است.

فصل سوم درباره «حدوث و قدم اسمی» است. نویسنده در این فصل مدّعی حاجی سبزواری را در شرح منظومه تبیین کرده و مبنای عرفانی نظریه حدوث اسمی را بررسی کرده است. مراتب حقیقت وجود (مرتبه غیب الغیوب، تجلی یا تعین اول، تجلی یا تعین دوم)، دیدگاه ملاصدرا درباره تجلی اسماء و ظهور کثرت، تفاوت حدوث اسمی با دیگر اقسام حدوث، اشکالات حدوث اسمی و پاسخ به آن‌ها، از جمله مطالب این فصل هستند.

۱. مقدمه اول: وجود هر موجودی، ظرف خاصی دارد؛

مقدمه دوم: وجود دارای دو سلسله عرضی و طولی است؛

مقدمه سوم: عدم در احکام خود، تابع وجود است.

در فصل چهارم، «حدوث و قدم بالحق» و تفاوت اصلی حدوث و قدم ذاتی و حدوث بالحق بررسی شده است.

فصل پنجم به تبیین «حدوث و قدم زمانی» اختصاص یافته است. نگارنده ابتدا ماهیت زمان و اقوال مختلف را درباره آن - از جمله ابتکار ملاحظه در مبحث زمان - بررسی کرده و سپس، برهان علماء طبیعی و الهی بر اثبات وجود زمان و ادله منکران آن را بیان کرده است. وی در ادامه، درباره حدوث زمانی عالم سخن گفته و آراء بزرگان حکمت و کلام (از جمله: پارمنیدس، ارسطو، افلاطون، کندی، ابن سینا، فارابی، ابن رشد، غزالی، ملاحظه، لاهیجی، فرقه اسماعیلیه، اخوان الصفا و...) را درباره حدوث یا قدم زمانی عالم بررسی کرده است. بعد از آن، دلایل نقلی و عقلی بر اثبات حدوث زمانی و رد حکماء بر این دلایل را مطرح کرده و نظریات کعبی، معتزله، اشاعره، غزالی و ملاحظه را درباره مرتجع حدوث عالم مرور کرده است. وی همچنین، با اشاره به دلایل نقلی و عقلی بر قدم زمان، نظر علامه طباطبائی و استاد مصباح‌یزدی را در رد این دلایل بررسی کرده است. در انتهای این فصل، صحت یا بطلان بحث عقلی از حدوث یا قدم زمانی و امکان اثبات یکی از آن‌ها واکاوی شده است.

نگارنده در فصل ششم، نظریه حدوث و قدم ذاتی را تشریح کرده است. وی ابتدا حدوث ذاتی را تعریف کرده و سپس، براهین آن را با ارائه پنج مقدمه، مرور کرده است. در فصل هفتم، حدوث جوهری یا تجدیدی تبیین شده است. قوه و فعل، حرکت و مباحث مربوط به آن، حرکت جوهری و براهین اثبات آن، حدوث تجدیدی در قرآن کریم و اقوال حکماء سلف، تفاوت حدوث زمانی متکلمان با حدوث زمانی ملاحظه، از جمله مطالب طرح شده در این فصل هستند.

فصل هشتم و پایانی این پایان‌نامه، به بررسی ربط متغیر به حادث یا حادث به قدیم اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، ابتدا محل نزاع را تحریر کرده و سپس، راه حل‌های حکماء را تبیین کرده است. وی علاوه بر نظرات افلاطون و برخی حکماء یونان، به بیان نظر میرداماد و راه حل این موضوع بر اساس حرکت جوهری نیز پرداخته است. وی متذکر شده که میرداماد برای حل معضل ربط متغیر به حادث یا حادث به قدیم، از راه حدوث دهری وارد شده و وعاء دهر را رابط و واسطه جهان حادث با جهان ثابت معرفی کرده است. اطلاعات ثبت: دانشگاه فردوسی (مشهد) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت اسلامی) / تاریخ دفاع: بهمن ۱۳۷۷ ش.

۱۸۱۲۵. حدوث و قدم

نگارنده (دانشجو): سیده لیدا مصطفوی / استاد راهنما: مرتضی شجاری / استاد مشاور: طوبی کرمانی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
معرفی: این پایان‌نامه با هدف بررسی مسئله حدوث و قدم و برخی مباحث مربوط به آن از جمله زمان، امکان و حرکت، در پنج فصل تدوین شده است. نویسنده بعد از پیشگفتار، فصل اول را به بحث از تقدم و تأخر، ملاک و اقسام آن اختصاص داده است.

با توجه به اینکه ملاًصدرا مسئله ربط حادث به قدیم را بر اساس نظریه حرکت جوهری پاسخ داده، نویسنده در فصل دوم، حرکت و مباحث مربوط به آن، مانند حرکت قطعی و متوسط، نسبت حرکت با مقولات، معنای وقوع حرکت در مقولات و... را طرح کرده است. همچنین با توجه به اینکه یکی از اقسام حدوث، حدوث زمانی است، نویسنده در فصل سوم، به تبیین مسئله زمان از حیث وجود و اثبات آن به روش حکماء طبیعی و الهی پرداخته است.

وی در فصل چهارم، اقسام حدوث (زمانی، ذاتی) و اقسام عدم (مقابل، مجامع، دهری) را معرفی کرده و به بررسی نظریه «حدوث دهری» میرداماد، «حدوث اسمی» حکیم سبزواری و «حدوث زمانی» ملاًصدرا پرداخته است. نگارنده مطالب مربوط به میرداماد را با توضیح درباره اوجیه سرمد، دهر و زمان، آغاز کرده و سپس، مدعا و استدلال میرداماد را به اجمال بررسی کرده است. این مطالب از صفحه ۶۸ این پایان نامه آغاز شده و در صفحه ۷۹ به پایان رسیده است. فصل پنجم «معنای ربط حادث به قدیم» نام داشته و شامل این مطالب است: تبیین قاعده «الواحد»؛ بررسی حدوث مجموع عالم یا حدوث اجزاء عالم؛ راه حل معما. نگارنده با نقد دیدگاه مشائیان، متکلمان و عرفاء و همچنین، رد نظریه حدوث دهری میرداماد و حدوث اسمی سبزواری، تنها راه حل معضل ربط حادث به قدیم را نظریه حرکت جوهری ملاًصدرا دانسته است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران/ دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت)/ تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۸۳ ش.

۱.۱.۲۶. حدوث یا قدم عالم از نظر میرداماد و ملاًصدرا، با توجه بر شبهات جدید

نگارنده (دانشجو): سلمان لطفی / استاد راهنما: عسکر دیرباز / استاد مشاور: احمد عابدی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: در مقدمه این پایان نامه مطالب معمول (همچون بیان مسئله و موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، سؤالات اصلی، فرضیات، پیشینه و روش تحقیق) بیان شده است. نویسنده در این مقدمه، خاطرنشان کرده که پایان نامه خود را با هدف تبیین و بررسی آراء میرداماد و ملاًصدرا درباره مسئله حدوث و قدم عالم تدوین کرده است.

فصل اول به کلیات اختصاص یافته و مشتمل بر سه بخش است: در بخش اول احوال، آراء و مشرب فلسفی میرداماد و برخی از مهم ترین آثار و برخی از مهم ترین شاگردان وی معرفی شده است. در بخش دوم نیز احوال، آثار و آراء و روش فلسفی ملاًصدرا معرفی شده است. نویسنده در بخش سوم، معانی اصطلاحی و لغوی مفاهیم مرتبط با مسئله حدوث و قدم عالم - از جمله عالم، حدوث، قدم، صنع، ابداع، تکوین، احداث - را تبیین کرده و اقسام حدوث و قدم را برشمرده است. در فصل دوم نیز حدوث یا قدم عالم از نظر ارسطو، ابن سینا و غزالی بررسی شده است.

نگارنده فصل سوم و چهارم را به ترتیب به بررسی و تبیین دیدگاه میرداماد و ملاًصدرا درباره حدوث عالم اختصاص داده است. فصل سوم که به میرداماد اختصاص دارد، شامل دو بخش است: نویسنده در بخش نخست اصول و مبانی فکری میرداماد را در طرح نظریه «حدوث دهری» بیان کرده و سپس، تفاوت حدوث دهری با حدوث ذاتی و زمانی را بررسی کرده است. در بخش دوم از فصل سوم، استدلال

میرداماد را بر حدوث دهری از طریق تقدّم بر عالم زمانی و تحلیل امکان استعدادی بازخوانی کرده و سپس، پنج اشکال نظریّه حدوث دهری و پاسخ آن‌ها را تبیین کرده است.

او در پایان، بخشی با عنوان «تکمله» آورده و در آن نظریّه انفجار و انبساط عالم و نتایج آن را بررسی کرده و از ناسازگاری این نظریّه با دیدگاه متکلمان و مطابقت آن با دیدگاه حکماء - از جمله نظریّه حدوث دهری میرداماد - سخن گفته است.

در بخش نتیجه‌گیری، با مقایسه آراء میرداماد و ملاصدرا، اشتراک‌ها و امتیازها و مبانی جهان‌شناختی آن‌ها را بررسی کرده است. نگارنده مبانی جهان‌شناختی دیدگاه ملاصدرا را محکم‌تر از مبانی میرداماد دانسته و دیدگاه ملاصدرا (حدوث زمانی بر مبنای حرکت جوهری) را بر نظریّه حدوث دهری میرداماد ترجیح داده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: قم / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: بهار ۱۳۸۸ ش.

۱،۱،۲۷. حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله

نگارنده (دانشجو): حوریه عظیمی / استاد راهنما: احمد عابدی / استاد مشاور: عباس ایزدپناه / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف تبیین اندیشه‌های فلسفی امام خمینی رحمته‌الله، در دو بخش امور عامّه (الهیات به معنای اعم) و الهیات به معنای اخصّ تدوین شده و هر بخش از آن، شامل چندین فصل است. نگارنده خاطرنشان کرده که امام خمینی رحمته‌الله، علاوه بر تمجید و تجلیل حکماء گذشته - از جمله میرداماد، ملاصدرا، شیخ اشراق و ابن سینا - برخی آراء آن‌ها را نقد کرده است. او در این پایان‌نامه، تلاش کرده است تا نظریات ابتکاری امام رحمته‌الله را در مقایسه با حکماء دیگر تبیین کند. بخش اوّل که به دیدگاه‌های امام خمینی رحمته‌الله درباره مسائل الهیات بمعنی الأعم اختصاص دارد، حاوی هفت فصل است. فصل اوّل به تبیین کلیات مباحث وجود اختصاص دارد و نگارنده ذیل عنوان «اصالت وجود»، به رأی میرداماد در این باره اشاره کرده و او را معتقد به اصالت ماهیت دانسته است. همچنین، یادآور شده که میرداماد همچون محقق دوانی، در حقّ تعالی وجود را اصیل و در ممکنات، ماهیت را اصیل دانسته است. وی در این فصل و در توضیحات مربوط به «وجود رابط»، متذکر شده که نخستین بار میرداماد در کتاب الأفق المبین اصطلاح وجود رابط و رابطی را از یکدیگر تفکیک کرده است.

نویسنده در فصل پنجم که به بررسی سبق و لحوق و حدوث و قدم اختصاص دارد، به سبق دهری و نظریّه حدوث دهری اشاره کرده و آن‌ها را از جمله ابداعات و نوآوری‌های میرداماد دانسته است. وی در ادامه، مقدّماتی را که حاجی سبزواری برای اثبات نظریّه میرداماد ذکر کرده، به همراه توضیحات امام خمینی رحمته‌الله تبیین کرده است.

بخش دوم این پایان‌نامه به دیدگاه‌های امام خمینی رحمته‌الله در موضوعات الهیات بمعنی الأخصّ اختصاص یافته و دربردارنده هشت فصل است. نگارنده در فصل سوم و در توضیح قاعده «بسیط الحقیقه کلّ الأشياء» متذکر شده که حضرت امام رحمته‌الله در شرح دعاء السحربه قولی از میرداماد

در تأیید سخن خود مبنی بر اینکه «کُلُّ الْأَشْيَاء» به معنای «کُلُّ الْكَمَال» است، استناد کرده است. همچنین، در فصل هفتم که به نظرات امام رحمته الله علیه دربارهٔ صادرِ اوّل اختصاص یافته، خاطرنشان کرده که میرداماد و ملاصدرا اوّلین وجودی که در عالم ظهور یافته، عقل یا صادرِ اوّل معرفی کرده و از آنجا که عقل واسطه‌ای برای تصویر کلام و ترتیب ارقام است، از آن به «قلم» تعبیر کرده‌اند. نویسندگان در بخش نتیجه‌گیری، آورده است که امام خمینی رحمته الله علیه در بیشتر نظریات خود پیرو روش فکری ملاصدرا بوده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: قم / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: تابستان ۱۳۸۱ ش.

+ بازنشر به صورت کتاب: حکمت متعالیه از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، حوریه عظیمی، چ ۱، تهران: انتشارات عروج (وابسته به دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه)، ۱۳۹۲ ش.

۱،۱،۲۸. رابطه «وجود» و «ماهیت» در فلسفه میرداماد و تحلیل و نقد آن

نگارنده (دانشجو): غزاله نویسی / استاد راهنما: رضا اکبریان / استاد مشاور: محمد سعیدی مهر / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف تبیین موضع اصالت ماهوی میرداماد و نقد آن بر اساس حکمت متعالیه در چهار فصل تدوین شده است. نگارنده به منظور ترسیم سیر تکاملی بحث اصالت وجود و ماهیت، در هر فصل به نظرات ابن سینا و سهروردی اشاره و آن‌ها را با آراء میرداماد مقایسه کرده است.

فصل اوّل شامل مقدمه و کلیات است. نگارنده در این بخش متذکر شده که میرداماد اوّلین کسی است که مسئله اصالت وجود یا ماهیت را به شکل دورانی مطرح کرده است. وی با اشاره به نظریه «حدوث دهی»، خاطرنشان کرده که میرداماد در تبیین آن، از اصالت ماهیت و تقدّم آن بر وجود بهره گرفته است.

فصل دوم به معنائشناسی وجود، ماهیت و اصالت اختصاص یافته است. نویسندگان ابتدا مفهوم و حقیقت وجود را در فلسفه میرداماد بررسی کرده و سپس، دیدگاه میرداماد را با ابن سینا و سهروردی در خصوص معنائشناسی وجود مقایسه کرده است. وی در انتهای این بخش، نتیجه گرفته که میرداماد در مباحث خود، وجود را تنها در معنای مصدری انتزاعی مدنظر داشته؛ درحالی که وجود در فلسفه ابن سینا و سهروردی دارای دو اطلاق است.

در ادامه این فصل، معنائشناسی ماهیت تبیین شده است. نگارنده ضمن بررسی دیدگاه میرداماد در خصوص ماهیت، تعریف ماهیت و اعتبارات ماهیت، تفاوت نگاه میرداماد را با ابن سینا و سهروردی دربارهٔ ماهیت، تعریف و اعتبارات آن بیان کرده و از توابع معرفت‌شناختی این مباحث سخن گفته است. در پایان مباحث، آورده است که ماهیت در نظام فلسفی میرداماد، تمام حقیقت شیء است که یا متقرّر بنفسه بوده یا به جعل بسیط از جاعل متقرّر بنفسه صادر شده است. همچنین، میرداماد برای ماهیت - در نسبت با ظرف تحقّق - چهار اعتبار (به شرط شیء، به شرط لا، لا بشرط، ماهیت من حیث هی یا کُلّی طبیعی) لحاظ کرده؛ درحالی که ابن سینا سه

اعتبار و سه‌روردی دو اعتبار برای ماهیت - در نسبت با ظرف تحقق - لحاظ کرده‌اند. نویسندگان در خصوص نظام ادراکی میرداماد که آن را مٔکی بر علم حصولی دانسته، بر این باور است که میر توانسته از اشکالات وارد بر ابن‌سینا دربارهٔ عروض‌رهای یابد.

در فصل سوم، رابطهٔ وجود با ماهیت و جایگاه هستی‌شناختی ماهیت در فلسفهٔ میرداماد بررسی شده است. نگارنده ابتدا رابطهٔ وجود با ماهیت در ذهن و در خارج را از نظر میرداماد بررسی کرده و سپس، آن را با دیدگاه ابن‌سینا و سه‌روردی مقایسه کرده است.

نویسندگان فصل چهارم را «خاتمه» نامیده و آن را به جمع‌بندی مطالب فصول پیشین اختصاص داده است. وی در پایان این فصل متذکر شده که باور به اصالت ماهیت در جای‌جای نظام فلسفی میرداماد آشکار است. همچنین، طرح دورانی مسئلهٔ اصالت ماهیت یا اصالت وجود از سوی میر سبب شده تا راهی مقابل شاگرد وی (ملاصدرا) در بناء نظام فلسفی بر اساس اصالت وجود و اعتباریت ماهیت گشوده شود.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تربیت مدرس / دانشکده: علوم انسانی (گروه فلسفه و حکمت) / تاریخ دفاع: آذر ۱۳۹۰ ش.

+ مقالهٔ مستخرج: «میرداماد و وجود و ماهیت» (۱۳۹۰/۲).

۱۳۹۰/۱/۲۹. زمان و دهر و سرمد در اندیشهٔ میرداماد

نگارنده (دانشجو): ژاله لطیفی / استاد راهنما: سیدعباس ذهی / استاد مشاور: سیدعطاءالله افتخاری / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه دارای چهار فصل است که فصل اول آن شامل کلیات تحقیق (از جمله بیان مسئله، اصطلاح‌شناسی، سؤالات، فرضیه‌ها، اهمیت و ضرورت پژوهش و نحوهٔ سامان‌دهی مطالب) است.

نویسندگان در فصل دوم، بعد از ارائهٔ شرح کوتاهی از زندگی‌نامهٔ میرداماد، منابع و ارجاعاتی که میرداماد در اثبات نظریهٔ «حدوث دهری» از آن‌ها بهره برده، بازشمرده است. ارجاعات میرداماد به آثار ارسطو، اثولوجیا، التوحید شیخ صدوق، آثار ابن‌سینا (از جمله: الشفاء، التعليقات، النجاة، الإشارات و التنبيهات، عیون الحکمة، رسالهٔ «الحدود»)، التحصیل بهمنیار، المعتبر ابوالبرکات، آثار شهرستانی و شیخ اشراق و همچنین، محاکمات قطب‌الدین رازی در این فصل بررسی شده‌اند. نگارنده با مقایسهٔ عبارات میرداماد با منابع مذکور، میزان اثرپذیری وی را از متفکران پیشین سنجیده است.

فصل سوم به تبیین نظریهٔ حدوث دهری، لوازم و نتایج آن اختصاص یافته است. نویسندگان با اشاره به زمان و سرمدیت در جایگاه لوازم این نظریه، ابتدا زمان و سپس، سرمد را در اندیشهٔ میرداماد بررسی کرده و بعد از آن، تقریر میرداماد را از نظریهٔ حدوث دهری بیان کرده است. وی در پایان، نتایج حاصل از این نظریه (از جمله: حلّ معضل حدوث یا قدم عالم، ربط حادث به قدیم، جایگزینی حدوث ذاتی، نفی مُثُل افلاطونی، تفسیر قضایای مطلقهٔ عامه، عدم تناهی زمان، میانه‌روی میان تشبیه و تنزیه، تفسیر حدوث زمانی، تفسیر آیات مربوط به خلقت، تفسیر نسخ

احکام الهی و بداء و تفسیر روایات مربوط به خلقت) را برشمرده و مهم‌ترین نتیجه آن را خلق جمعی عالم دانسته است. او در این بخش، آثار خلق جمعی عالم را تبیین کرده است.

در فصل چهارم، اشکالات و انتقاداتی که فیلسوفان پس از میرداماد به نظریه حدوث دهری وارد کرده‌اند، تبیین و تحلیل شده است. مطالب این فصل شامل بررسی شبهات برقلس و پاسخ میرداماد به این شبهات، سکوت ملاصدرا درباره نظریه حدوث دهری و رد نظریه حدوث دهری از سوی محمدبن علی رضا آقاجانی است. همچنین، انتقادات محقق لاهیجی، آقاجمال خوانساری، مهدی الهی قشه‌ای و مرحوم آشتیانی نیز در این فصل بیان شده‌اند.

اطلاعات ثبت: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات/تهران)/ دانشکده: حقوق، الهیات و علوم سیاسی (گروه الهیات و معارف اسلامی)/ تاریخ دفاع: زمستان ۱۳۹۳ ش.

۱/۱/۳۰. سیر تاریخی تقدّم و تأخّر در فلسفه اسلامی

نگارنده (دانشجو): احمد عبدالمحمّدی / استاد راهنما: احمد بهشتی / استاد مشاور: قاسم علی کوچنایی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف تبیین و توضیح آراء و نظریات فلاسفه مسلمان درباره تقدّم و تأخّر در پنج فصل تدوین شده است. فصل اول مربوط به کلیات بحث (از جمله تاریخچه بحث تقدّم و تأخّر و تعریف آن‌ها) است. در فصل دوم، چگونگی رهیافت مبحث تقدّم و تأخّر به فلسفه اسلامی بررسی شده است.

فصل سوم به استقصاء آراء فلاسفه مسلمان (کندی، ابن سینا، شیخ اشراق، میرداماد، خواجه نصیر، صدرالمتألهین شیرازی، حاج ملاهادی سبزواری و علامه طباطبائی) درباره تقدّم و تأخّر اختصاص یافته است. نویسنده در این فصل، در صفحات ۵۷ تا ۶۵ به نظرات میرداماد در این خصوص پرداخته است. وی به دیدگاه میر درباره تشکیک مفهوم تقدّم و تأخّر اشاره کرده و سپس، ملاک انواع تقدّم و تأخّر را از نظر میرداماد تبیین کرده است. در ادامه، با بررسی دیدگاه میر در خصوص انواع تقدّم و تأخّر، خاطر نشان کرده که او تقدّم و تأخّر سرمدی یا دهری را به اقسام پنج‌گانه تقدّم و تأخّر نزد قدما افزوده است. نگارنده در پایان، مقصود میرداماد از تقدّم و تأخّر دهری را به تفصیل بیان کرده است.

در فصل چهارم، ملاک سبق و لحوق در هریک از اقسام آن تبیین شده است.

در فصل پنجم، معیّت و اقسام آن (معیّت در رتبه، معیّت در شرف، معیّت در زمان، معیّت طبعی، معیّت علی، معیّت به حقیقت و مجاز، معیّت به حق و معیّت دهری) بررسی شده‌اند. اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران/ دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی)/ تاریخ دفاع: خرداد ۱۳۸۳ ش.

۱/۱/۳۱. سیر تطوّر معرفتی مسئله بداء نزد متکلمان شیعه و تحلیل آن، همراه با پاسخ به شبهات نگارنده (دانشجو): رمضان پای برجای / استاد راهنما: محمدجعفر طبسی / استادان مشاور: عبدالحسین خسروپناه؛ عزالدین رضائزاد/ مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: در این رساله تطوّر معرفتی مسئله بداء بررسی شده است. نگارنده گرایش‌های رایج در

بین متکلمان شیعه را در چهار گروه دسته‌بندی کرده و سپس، نگرش صاحبان این رویکردها و گرایش‌ها را به مسئله بداء، در شش فصل تبیین کرده است. این چهار رویکرد عبارت‌اند از: نص‌گرایی، عقل‌گرایی تأویلی، خردگرایی فلسفی، رویکرد ترکیبی (عقل، نقل و شهود).

فصل اول شامل کلیات و مفاهیم است. در این فصل معنای لغوی و اصطلاحی مفهوم بداء و رابطه آن با نسخ، قضاء و قدر الهی، لوح محفوظ و لوح محو و اثبات بررسی شده و محل نزاع در این مسئله تبیین شده است.

در فصل دوم، بداء نزد متکلمان نص‌گرا (از شیخ کلینی تا علامه مجلسی) تحلیل و تبیین شده است. در فصل سوم، بداء در آراء متکلمان عقل‌گرای تأویلی (از شیخ مفید تا آیه‌الله مکارم شیرازی) واکاوی شده است.

فصل چهارم به بازخوانی نظرات متکلمان خردگرایی فلسفی (از خواجه نصیرالدین طوسی تا سید عبدالله شبّر) درباره بداء اختصاص یافته است. نگارنده با اشاره به اینکه تنها میرداماد توانسته از اصول و قواعد فلسفی در تحلیل مسئله بداء بهره برده و تبیینی متفاوت از آن ارائه دهد، دیدگاه وی را در این فصل بررسی کرده است. میرداماد اصل دیدگاه خود را در باب بداء، در رساله نبراس الضیاء بیان کرده؛ از این رو، نویسنده ابتدا گزارشی مختصر از این رساله ارائه داده و سپس، دیدگاه میرداماد را بررسی کرده است.

در فصل پنجم، بداء نزد متکلمان صاحب رویکرد ترکیبی (عقل، نقل و شهود) تبیین شده است. این فصل با دیدگاه ملاصدرا آغاز شده و به نظر آیه‌الله سبحانی ختم می‌شود.

فصل ششم که مشتمل بر سه نوشتار است، به پاسخ به شبهات بداء اختصاص دارد. در نوشتار اول، مسئله بداء و تغییر علم ازلی و ذاتی الهی و در نوشتار دوم، بداء و علم غیب امامان معصوم (علیهم‌السلام) و در نوشتار سوم، تعارض روایات بداء با نصوص امامت تبیین شده‌اند. نگارنده بعد از این فصل، به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث مطرح شده پرداخته است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: معارف اسلامی (قم) / دانشکده: مطالعات اسلامی (گروه مدرّسی معارف اسلامی) / تاریخ دفاع: ۱۳۹۵ش.

۱،۱،۳۲. شبهه «ابن کّمونه»: پیشینه و تحلیل پاسخ‌ها

نگارنده (دانشجو): محمدحسین صفایی / استاد راهنما: سعید انواری / استاد مشاور: غلامرضا ذکیانی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: در این پایان‌نامه، سیزده پاسخ از حکماء مشائی، اشراقی و پیروان حکمت متعالیه به شبهه «ابن کّمونه» تبیین شده است. نویسنده دلیل انتخاب این موضوع را چالشی دانسته که توجه حکماء را به خود جلب کرده است. وی در تأیید اهمیت و دشواری این شبهه، به عبارتی از کتاب التقدیسات اشاره کرده که میرداماد در آن، شبهه مذکور را معنایی پیچیده و دشوار معرفی کرده است. در این پایان‌نامه، بعد از کلیات تحقیق، سه بخش تدوین شده است. بخش اول دارای سه فصل است که فصل اول آن به شرح حال و معرفی آثار ابن کّمونه اختصاص دارد. در فصل دوم پیشینه شبهه ابن کّمونه مطرح شده و در فصل سوم، این شبهه که براهین توحید واجب‌الوجود را

با چالش جدی مواجه کرده، تبیین و تقریر شده است. بخش دوم پایان نامه به بررسی پاسخ‌های ارائه شده به این شبهه اختصاص یافته است. نگارنده در این بخش، پاسخ‌ها را بر اساس دیدگاه مکاتب فلسفی در باب وجود دسته‌بندی کرده که به ترتیب از این قرارند:

فصل اول: پاسخ بر اساس باور به اصالت ماهیت؛

فصل دوم: پاسخ بر اساس باور به اصالت وجود مثالی؛

فصل سوم: پاسخ بر اساس باور به اصالت وجود حکمت متعالیه.

در ادامه این بخش، چهار فصل دیگر نیز وجود دارند که به پاسخ‌های ملاصدرا بدون در نظر داشت اصالت وجود، پاسخ‌های عام، برهان تعیین ابن سینا و پاسخ‌های کلامی اختصاص یافته‌اند.

نویسنده در فصل اول این بخش که به پاسخ‌های شبهه بر اساس اصالت ماهیت اختصاص دارد، به بررسی تحقق وجوب وجود در خارج پرداخته و سه پاسخ بر اساس این مبنا ارائه کرده است. وی از طریق بطلان اعتباریت وجوب در برهان اول^۱، اعتباریت وجود در برهان دوم^۲ و تفاوت ذاتی هریک از واجب‌الوجودها در برهان سوم^۳، ابطال شبهه این‌گونه را تبیین کرده است. وی در این بخش، برهان میرداماد را در نفی تعدد واجب‌الوجود، از کتاب التقدیسات نقل کرده است. همچنین، پاسخ علامه طباطبائی را که بر مبنای اصالت ماهیت ارائه شده، با عباراتی از میرداماد تأیید کرده است.

نویسنده در فصل سوم که پاسخ به شبهه را بر اساس اصالت وجود (بر اساس مبانی حکمت متعالیه) بررسی کرده، در تبیین استدلالی که بر پایه قاعده «بسیط الحقیقه» شکل گرفته، به بیان میرداماد درباره اینکه کمال خداوند مطلق و شامل هر چیزی است، استناد کرده است.

بخش سوم، به جمع‌بندی مطالب اختصاص دارد. نگارنده در بخش مربوط به ارزیابی شبهه و نفی ماهیت واجب، برهان میرداماد را در نفی ماهیت از واجب‌الوجود، از کتاب القبسات نقل کرده است.

۱. برای اینکه دو واجب‌الوجود هیچ ترکیبی نداشته باشند، باید وجوب وجود معنای انتزاعی صرف باشد؛ و اگر چنین باشد، امکان هم امری اعتباری خواهد بود. این در حالی است که دو واجب‌الوجود به دلیل معیت خارجی با یکدیگر و امتناع دخالت‌نداشتن در خلقت جهان، نوعی امکان خواهند داشت. این امکان از خارج انتزاع می‌شود و در این صورت، وجوب هم باید امری خارجی باشد؛ آنگاه وجوب امر مشترک در ذات دو واجب‌الوجود خواهد بود و در نتیجه، ترکیب در ذات آن دو را در پی خواهد داشت.

۲. از نظر معتقدان به اصالت ماهیت، وجود امری انتزاعی بوده و به واسطه اتصاف ماهیات به واجب‌الوجود، معنای وجود به آن‌ها سرایت می‌کند. پس اگر واجب‌الوجود متعدد باشد، لازم است که هریک به حسب ذات خود منشأ برداشت مفهومی مانند مفهوم منتزع از دیگری باشد. این امر، طبع مشترک واجب‌الوجودهاست که یا نفس ماهیت است یا جزئی از آن. هر دو فرض مذکور به دلیل تلازم با ترکیب در ذات واجب‌الوجودها، باطل هستند.

۳. با توجه به اینکه ماهیت خداوند، کامل مطلق است، اگر دو واجب‌الوجود متباین به تمام ذات باشند، واجب‌الوجود دوم به دلیل تباین با واجب اول و تنزه از ترکیب در ذات، باید مخالف واجب اول و تبعاً ناقص باشد.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: علامه طباطبائی رحمته الله علیه (تهران) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: بهمن ۱۳۹۳ ش.

۱،۱،۳۳. علم الهی به جزئیات در فلسفه اسلامی (فارابی، ابن سینا، بغدادی، ابن رشد، شیخ اشراق، فخر رازی، خواجه نصیر، میرداماد، ملاصدرا و تابعان ملاصدرا) و مقایسه آن با نصوص دینی

نگارنده (دانشجو): ابراهیم رستمی / استاد راهنما: عسکری سلیمانی امیری / استادان مشاور: ابوالفضل کیاشمشکی؛ حسن معلّی / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: این رساله با هدف بررسی علم الهی به جزئیات در دو مقام ذات (و قبل از ایجاد) و مقام فعل (و بعد از ایجاد) نزد فلاسفه مشائی، اشراقی و صدرایی و سپس، مقایسه دیدگاه آن‌ها با نصوص دینی در پنج فصل تدوین شده است. نگارنده در هر فصل، استدلال حکماء و رأی آن‌ها را درباره ماهیت و چیستی علم، نحوه علم خداوند به جزئیات در مقام ذات و چگونگی علم خداوند به جزئیات در مقام فعل بررسی کرده و پس از آن، اشکالات این آراء و پاسخ‌های آن‌ها را بیان کرده است.

فصل اول شامل کلیات تحقیق است.

در فصل دوم، علم الهی به جزئیات در فلسفه مشاء تبیین شده است. در این فصل، آراء فارابی، ابن سینا، ابوالبرکات بغدادی و ابن رشد درباره علم الهی، به شکل مبسوط و مفصل بررسی و ارزیابی شده‌اند.

فصل سوم به علم الهی به جزئیات در فلسفه اشراقی اختصاص دارد. دیدگاه‌های شیخ اشراق، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی و میرداماد در این فصل تبیین شده‌اند. دیدگاه میرداماد در صفحات ۱۱۵ تا ۱۲۸ و تحت این عناوین بررسی شده است: «ماهیت و اقسام علم و ادراک»؛ «اثبات علم و عینیت آن با ذات قیوم حق»؛ «علم قیوم حق به مجموعه‌ات - اعم از معقولات و محسوسات - در مقام ذات»؛ «فعلی بودن علم جاعل تام»؛ «ابطال صور مرتسمه بوعلی و صور افلاطونی»؛ «علم جاعل تام به مجموعه‌ات زمانی در مقام فعل».

نگارنده در پایان، با ارائه چکیده‌ای از نظر میرداماد، خاطرنشان کرده که دیدگاه میر در باب علم خداوند به جزئیات، همان دیدگاه شیخ اشراق است و مهم‌ترین اشکال این قول، ناتوانی آن در تبیین و اثبات علم تفصیلی حق تعالی در مقام ذات است.

فصل چهارم به دیدگاه فلاسفه صدرایی اختصاص یافته است. در این فصل آراء ملاصدرا و پیروان وی (ملا عبدالله مدرّس زنوزی، ملاهادی سبزواری، علامه طباطبائی، آیه الله جوادی آملی) درباره علم الهی به جزئیات بیان شده است.

در فصل پنجم، رأی نهایی فلاسفه اسلامی با نصوص دینی مقایسه شده است. نگارنده ابتدا، مقایسه‌ای تاریخی / تطبیقی درباره علم خداوند به جزئیات میان سه مکتب مشائی، اشراقی و صدرایی به عمل آورده و سپس، آراء نمایندگان آن‌ها را در دو مقام علم به جزئیات در مقام ذات و در مقام فعل، با آیات و روایت مقایسه کرده است. وی در نهایت، با دسته‌بندی اقوال فلاسفه

نتایج این مقایسه را بیان کرده است. نویسنده درباره ماهیت و حقیقت علم، چهار قول بیان کرده است: قول اول نظر فارابی، ابن سینا و ابن رشد است؛ قول دوم دیدگاه ابوالبرکات بغدادی، فخر رازی و غزالی است؛ قول سوم از سوی شیخ اشراق، میرداماد، حاجی سبزواری و مدرّس زنوزی پذیرفته شده و عبارت است از اینکه: علم و ادراک حضور شیء (اعم از مجرّد و مادّی) نزد موجود مجرّد قائم به ذات است. قول چهارم هم از آن خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالمُتأهّلین و علامه طباطبائی است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: معارف اسلامی (قم) / دانشکده: مطالعات اسلامی (گروه مدرّسی معارف اسلامی) / تاریخ دفاع: ۱۳۹۳ ش.

۱/۱/۳۴. مبانی فلسفی وحی در فلسفه اسلامی، با تأکید بر دیدگاه حکمت منشاء

نگارنده (دانشجو): علیرضا حاج حسینی / استاد راهنما: سلیمان خاکبان / استاد مشاور: عباس ایزدپناه / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: در این پایان نامه، مبانی و رهیافت فیلسوفان مشائی مسلمان - از کندی تا میرداماد - درباره حقیقت وحی، تبیین شده است. پایان نامه حاوی پنج فصل است و نویسنده بعد از مقدمه، فصل اول را به کلیات اختصاص داده و در آن، به مفهوم شناسی واژه «وحی» (وحی در لغت، در قرآن و روایات، در اصطلاح کلام و فلسفه اسلامی) پرداخته است. وی تذکر داده که نظام فلسفی حکماء بر سه اصل هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی مبتنی است و همین سه اصل مبانی فلسفی وحی را از نظر آن ها سامان می دهد؛ از این رو، ذیل نام هر فیلسوف، این سه مبنا را تبیین کرده و سپس، به بررسی آراء آن حکیم در باب وحی پرداخته است.

در فصل دوم، آراء کندی، فارابی، اخوان الصفاء، ابوالحسن عامری نیشابوری، ابوسلیمان سجستانی منطقی و ابن مسکویه رازی درباره وحی بررسی شده اند.

در فصل سوم، مسئله وحی از بوعلی تا قبل از ابن باجه طرح شده است.

در فصل چهارم، مسئله وحی از ابن باجه تا میرداماد بررسی شده است. جایگاه وحی و نبوت نزد میرداماد، شرح مبانی فلسفی وی (هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی)، تبیین فلسفی میرداماد از وحی، در صفحات ۱۰۹ تا ۱۱۸ این پایان نامه آمده است. نگارنده متذکر شده که نظریه میرداماد در باب نبوت، مشابه با نظریه ابن سینا است.

فصل پنجم به جمع بندی و مقایسه اجمالی آراء مهم فیلسوفان مشائی درباره وحی اختصاص داده شده است.

نگارنده در بخش نتیجه گیری، خاطرنشان کرده است که مبانی فلسفی میرداماد در تبیین وحی، وی را به کسب نتیجه ای مشابه با نظریه ابن سینا درباره نبوت رهنمون شدند؛ با این تفاوت که میرداماد حد کمال متخیله و عقل قدسی را فراتر از ابن سینا قلمداد کرده و بر این باور است که قوت یافتن این دو ویژگی در انبیاء علیهم السلام، در نهایت به مقام خاتمیت منجر می شود.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: قم / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: بهار ۱۳۹۱ ش.

۱/۱/۳۵. مقایسه دیدگاه‌های قوشچی در شرح تجرید الاعتقاد و مولی محمد مهدی نراقی در جامع‌الافکار در مبحث الهیات (ذات و صفات باری تعالی)

نگارنده (دانشجو): گلاره قزل بیگلر / استاد راهنما: قاسم علی کوچانی / استاد مشاور: احمد بهشتی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه در سه بخش تدوین شده و بخش اول آن به کلیات و شرح حال و آثار قوشچی و نراقی اختصاص دارد.

در بخش دوم، آراء قوشچی بررسی شده و این بخش خود شامل ده فصل است.

در بخش سوم، آراء نراقی تبیین شده و این بخش نیز دارای ده فصل است.

نگارنده در فصل دوم از این بخش، آراء نراقی درباره قدرت واجب تعالی را بررسی و ذیل این عنوان، از کیفیت حدوث عالم سخن گفته و دیدگاه نراقی را در این باره بیان کرده است. وی بعد از توضیحات مختصر و اجمالی درباره حدوث عالم و نظریه «حدوث دهری» میرداماد، تفاوت حدوث دهری را با حدوث ذاتی و حدوث زمانی بیان کرده و در پایان، متذکر شده که نراقی نظریه حدوث دهری را قول حق و درست درباره پیدایش جهان دانسته است (برخلاف قوشچی که به حدوث زمانی عالم و نظریه زمان موهوم باور داشته است). همچنین، او بر این باور است که حدوث دهری از ابداعات میرداماد نبوده و بسیاری از حکماء و محققان و متکلمان پیش از وی، به این نظریه باور داشته‌اند.

نویسنده در ادامه، به نزاع حکماء و متکلمان در مسئله حدوث عالم پرداخته و از موضع میرداماد در این نزاع سخن گفته است. از نظر میرداماد، نزاع میان حکماء و دیگران، تنها در حدوث دهری است، نه در حدوث ذاتی و زمانی. نراقی نیز بر این باور است که نزاع حکماء در حدوث ذاتی و زمانی نیست.

بخش چهارم این پایان‌نامه، به مقایسه و تطبیق آراء قوشچی و نراقی که در فصول پیشین بررسی شده‌اند (اثبات واجب الوجود لذاته؛ قدرت الهی؛ علم الهی؛ حیات الهی؛ اراده الهی؛ سمع و بصر واجب تعالی؛ کلام الهی و صدق آن؛ سرمدیت واجب الوجود؛ صفات سلویه) اختصاص یافته است.

در پایان و بعد از نتیجه‌گیری، جدولی از مواضع وفاق و خلاف قوشچی و نراقی ارائه شده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: بهمن ۱۳۸۸ ش.

۱/۱/۳۶. مکان و زمان (مکان و زمان از نظر ارسطو و تأثیر آن در حکمای مشاء اسلام و اخوان الصفا، ناصر خسرو، شهاب‌الدین سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی و متکلمان اسلامی، میرداماد و ملاصدرا با حدوث دهری میرداماد و حرکت جوهری ملاصدرا)

نگارنده (دانشجو): مصطفی ستاریان / استاد راهنما: سید حسین نصر / مقطع تحصیلی: دکتری / معرفت: این رساله بر اساس نظریات ارسطو درباره زمان و مکان تدوین شده است.

نگارنده بحث خود را با تحلیل ارتباط زمان و مکان با وجود آغاز کرده و نسبت واجب الوجود با زمان و مکان، نسبت موجودات طبیعی (عالم ناسوت) و موجودات ریاضی با زمان و مکان، نسبت عالم لاهوت، جبروت و ملکوت (عالم غیب) با زمان و مکان را بررسی کرده است. در ادامه، نظر نمایندگان برخی مکاتب فلسفی یونان باستان را دربارهٔ مکان و زمان تبیین کرده است. وی دیدگاه فیثاغوریان، اصحاب اتم، مکتب اشراق (به‌ویژه آراء افلاطون) و مکتب مشاء (به‌ویژه آراء ارسطو) را در این خصوص بیان کرده است. نگارنده سپس، به دیدگاه‌های مکاتب اسلامی که آن‌ها را متناظر با مکاتب یونانی دانسته، پرداخته است. ابتدا دیدگاه اخوان الصفا را در جایگاه فلاسفه متأثر از فیثاغوریان بررسی کرده و در ادامه، آراء متکلمان دربارهٔ زمان و مکان و نقد ابوالبرکات بغدادی را بر نظریهٔ ارسطو تبیین کرده است.

بعد از بیان دیدگاه متکلمان، موضع مکتب اشراق (به‌ویژه آراء سهروردی در مقام فیلسوف اشراق اسلامی) را دربارهٔ زمان و مکان و موضع مکتب مشاء (به‌ویژه آراء ابن سینا در جایگاه فیلسوف مشائی در شرق اسلام و ابن رشد در مقام فیلسوف مشائی در غرب اسلام) را بیان کرده است. سپس، آراء میرداماد و ملاصدرا را در جایگاه حکماء متأخر اسلامی در باب زمان و مکان بررسی کرده است. وی به نظریهٔ حدوث دهری میرداماد اشاره کرده و اهمیت دیدگاه میر را در آن دانسته که او نیز مانند مشائیان، بر این باور است که زمان و مکان از طبیعت جسمانی مجزا هستند. نویسنده در ادامه، رابطهٔ زمان و مکان را با علوم دیگر از جمله علوم ریاضی، علوم طبیعی، روان‌شناسی بررسی کرده است.

وی فصل نهم از رسالهٔ خود را به بررسی نظریهٔ میرداماد در باب مکان، زمان، حرکت و حدوث دهری اختصاص داده است. ابتدا به شیوهٔ فلسفی میرداماد اشاره کرده و آن را باب جدیدی در فلسفهٔ اسلامی معرفی کرده است؛ شیوه‌ای که در آن، مکتب اشراق با فلسفهٔ مشاء، اندیشه‌های عرفانی، تعلیمات دین و آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام تلفیق شده است. وی در ادامه، شرح حال مختصری از میرداماد (از جمله استادان، شاگردان و معاصران او) بیان کرده، برخی تألیفات وی را نام برده و سپس، به تبیین نظریات وی پرداخته است. نگارنده دیدگاه میرداماد را دربارهٔ مکان و زمان، بر پایهٔ دو کتاب القبسات و جذوات و مواقیت روایت کرده و متذکر شده است که وی فصل مستقلاً به تبیین زمان و مکان اختصاص نداده؛ بلکه ضمن بحث از حدوث دهری، از مکان و زمان نیز سخن گفته است.

در ادامه، رأی میرداماد را در باب اتصال زمان و حرکت و طریق اثبات این اتصال ذکر کرده و به تبیین نظریهٔ حدوث دهری پرداخته است. وی خاطر نشان کرده است که میرداماد در کتاب القبسات، ابتدا نظر ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیرالدین طوسی را در خصوص حدوث مطرح کرده و سپس به اثبات نظریهٔ حدوث دهری پرداخته است. نویسنده پس از اشاره به عبارات میرداماد و منقولات وی از ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه طوسی، نظریهٔ حدوث دهری را به اجمال تبیین کرده است.

نگارنده در فصل دوازدهم، نتایج بررسی‌های خود را ارائه کرده است. وی در این بخش دربارهٔ نقش میرداماد در ایجاد مشرب فلسفی جدید سخن گفته است؛ مشربی که در آن، فلسفه

با اندیشه‌های حکماء مشاء و افکار عرفانی ابن عربی و تعالیم شیعی و آموزه‌های دینی درآمیخته شده‌اند. همچنین، تذکر داده است میرداماد در تبیین فلسفی مکان و زمان، پیرو ارسطو بوده و تنها ابتکار وی، طرح نظریه حدوث دهری است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران/ دانشکده: ادبیات و علوم انسانی (گروه فلسفه)/ تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ ش.

+ مقاله مستخرج: «حدوث دهری میرداماد (ب)» (۲، ۱، ۶۶).

۱، ۱، ۳۷. نفس و قوای ادراکی آن از منظر میرداماد

نگارنده (دانشجو): ریحانه داودی کهکی / استاد راهنما: سیدعباس ذهبی / استاد مشاور: محمد سعیدی مهر/ مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف بررسی دیدگاه‌های نفس‌شناختی میرداماد، در چهار فصل تدوین شده است. نویسنده در پیشگفتار، به کلیات و مقدمات مباحث پرداخته است. او در هر فصل از این پایان‌نامه، با بررسی عبارات آثار میرداماد و طبقه‌بندی آن‌ها، کوشیده است تا دیدگاه وی را بازخوانی کند.

فصل اول که «نفس و احکام کلی آن» نام دارد، به مباحثی همچون جایگاه نفس در علوم از منظر میرداماد، تعریف نفس، ادله اثبات نفس و جوهریت نفس، تجرد و حدوث نفس، رابطه نفس و بدن به لحاظ افعال و به لحاظ ذات و وحدت نفس و قوای نفس اختصاص دارد.

فصل دوم «ادراک و علم» نام گرفته و نویسنده در آن، به کیفیت و مراتب ادراک از نظر میرداماد پرداخته است. وی مباحثی همچون علم حضوری و حصولی، مقسم تصور و تصدیق، علم بالذات و معلوم حقیقی، نسبت علم با تجرد، نحوه ادراک در قوس صعود و نزول، اتحاد عقل و عاقل و معقول، عینیت علم با معلول، علم به علت تامه، تقسیم علم به فعلی و انفعالی و وجوب عقل کل را از دیدگاه میرداماد مرور کرده است.

فصل سوم، به بررسی «استکمال نفس» و کیفیت آن در دیدگاه میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، از موضوعاتی همچون حقیقت انسان، مقام عقل و نفس در شناخت، رابطه ادراک نفس و استکمال نفس، تفاوت عارف ربّانی با عارف جسمانی، نحوه طریقت برای رسیدن به انسان کامل، انسان در اسماء الحسنی، انسان در هستی، وحدت وجودی نفس و معنای «فوق تجرّد بودن نفس» در دیدگاه میرداماد سخن گفته است. بخشی از این فصل نیز به مباحث مربوط به مرگ و جاودانگی از نظر میرداماد اختصاص دارد.

در فصل چهارم، مباحث تطبیق و مقایسه آراء نفس‌شناختی ملاصدرا با دیدگاه‌های ابن سینا و ملاصدرا بیان شده است. نویسنده در این فصل، دیدگاه این سه حکیم را درباره نفس‌شناسی، ادراک، اتحاد عقل و عاقل و معقول، تصور و تصدیق، علم حصولی و حضوری، مرگ و جاودانگی و... بررسی کرده است.

۱. تا لحظه نگارش این مدخل، دسترسی به متن این پایان‌نامه میسر نشد و آنچه در ادامه می‌آید، برگرفته از صفحات ابتدایی پایان‌نامه در وبگاه «کتابخانه دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات)» است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات/ تهران)/ دانشکده: حقوق، الهیات و علوم سیاسی (گروه الهیات و معارف اسلامی)/ تاریخ دفاع: زمستان ۱۳۹۲ ش.
+ مقاله مستخرج: «مرگ و جاودانگی در اندیشه میرداماد» (۲، ۱۹۵).

۱، ۱/۳۸. نقد سازگاریِ نظریه‌های معقول ثانی با مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن نظریه‌ها و پیامدهای معقول دوم‌انگاری مفهوم وجود

نگارنده (دانشجو): مرتضی جعفریان/ استادان راهنما: احد فرامرز قراملکی؛ نادیا مفتونی/ استاد مشاور: حسن ابراهیمی/ مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: مسئله اصلی این رساله، بررسی تعریف‌های ارائه شده از معقول ثانی و مبانی مرتبط با آن و همچنین، ارزیابی معقول دوم‌بودن مفهوم وجود بر اساس آن تعاریف است. نگارنده دیدگاه میرداماد و ملاصدرا را درباره مفهوم معقول دوم و معقول دوم‌بودن مفهوم وجود بررسی کرده و پیش‌زمینه‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظرات این دو حکیم را تحلیل کرده است. او همچنین، از دیدگاه‌های آقاعلی مدرس‌تهرانی و ملاهادی سبزواری درباره موضوع رساله خود، به اجمال سخن گفته و در ادامه، رابطه نظریه اصالت ماهیت و اصالت وجود با نحوه دلالت مفهوم وجود را بررسی کرده است.

در فصل اول، کلیات مباحث معمول این بخش (از جمله: معرفی رساله، تعریف موضوع رساله، طرح مسائل پژوهش، فرضیات پژوهش و...) بیان شده است.

فصل دوم به بررسی نظریه مفاهیم معقول اول و دوم در فلسفه فارابی اختصاص یافته است. مباحث فصل سوم مربوط به میرداماد است. نویسنده در این فصل، معنای اصطلاحی معقول اول، معقول دوم و مفهوم وجود را از دیدگاه میرداماد بررسی کرده است. وی با اشاره به اینکه دیدگاه‌های میرداماد، در میان نظریه‌پردازان پس از شیخ طوسی، از اهمیت بسیاری برخوردار است، مباحث خود را در این فصل، با بیان اجمالی پیشینه تعریف‌های مفاهیم معقول اول و معقول ثانی آغاز کرده و مسائلی را که میرداماد در طبقه‌بندی مفاهیم با آن مواجه بوده، بررسی کرده است. سپس، به تحلیل و ارزیابی تعبیر میرداماد از قید «ذهنی بودن» یا «عروض ذهنی» برای گنجانیدن مفاهیم فلسفی در تعریف مفاهیم درجه دوم پرداخته است.

نویسنده خاطرنشان کرده که تعریف میرداماد از جهتی با تعریف فارابی شباهت دارد؛ اما طبقه‌بندی او از مفاهیم با نظریه فارابی مغایر است. وی در ادامه، به تبیین معانی وجود و معقول دوم‌انگاری آن در فلسفه میرداماد پرداخته و ناسازگاری درونی نظریه معناشناختی وی را بررسی کرده است.

به‌باور نویسنده، نظریه اصالت ماهیت در نظام فلسفی میرداماد نقشی بنیادین دارد و هر نظریه دیگر - از جمله تفسیر وی از مفاهیم معقول اول و دوم - از اصالت ماهیت متأثر بوده و با آن سازگار است. او تذکر داده که فلسفه میرداماد بر پایه دستگاه‌های متعدد فلسفی - مانند فلسفه ابن‌سینا و حکمت اشراق و آراء شیخ طوسی و احتمالاً عرفان نظری - بنا شده است. این گستردگی و تنوع در منابع فکری، امکان حل برخی مسائل و ارائه تفسیرها و تعبیرهای بدیع را

برای او فراهم کرده؛ اما همین امر سبب ظهور ناسازگاری‌های زبانی و معنایی متعددی در آثار میرداماد شده است.

فصل چهارم این رساله، دربردارنده نظریه ملاصدرا درباره معقول اول و دوم و جایگاه مفهوم وجود نزد اوست. در این فصل، علاوه بر دیدگاه صدرالمتألهین، نظرات حکیم سبزواری و آقاعلی مدرّس زنوزی بررسی شده‌اند.

فصل پنجم نیز به ارائه نتایج پژوهش اختصاص دارد.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۶ ش.

+ مقاله مستخرج: «تحلیل میرداماد از «معقول ثانی» و رابطه آن با اعتباری‌انگاری وجود» (۲۰/۵۰).

۱،۱،۳۹. نقد و بررسیِ تقریرهای «أمر بین الأمرین» در مدرسه اصفهان (با تأکید بر آراء میرداماد، فیاض‌لاهیجی، قاضی سعید و علامه مجلسی)

نگارنده (دانشجو): محسن طاهری صحنه / استادان راهنما: سید محمدعلی دیباجی؛ محمدحسن قدردان قراملکی / استاد مشاور: سیدلطف‌الله جلالی / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: در این رساله، تقریرهای فلسفی میرداماد، فیاض‌لاهیجی، قاضی سعید قی و تقریر کلامی علامه مجلسی از آموزه «أمر بین الأمرین» در پنج فصل تحلیل و تبیین شده است. نگارنده با اشاره به اینکه میرداماد، فیاض‌لاهیجی و قاضی سعید هریک نماینده یکی از جریان‌های کلام فلسفی مدرسه اصفهان به شمار می‌روند، خاطرنشان کرده که تقریرهای آن‌ها از اندیشه‌های فلسفی آن‌ها متأثر است؛ لذا، در فصول مربوط به این حکماء، ابتدا مبانی و دیدگاه‌های هستی‌شناختی آن‌ها مطرح شده است.

در فصل اول، مفاهیم و کلیات و مسائل مربوط به جبر و اختیار در تفکر کلامی و فلسفی شیعه بیان شده است. همچنین، مطالبی درباره مدرسه اصفهان و جریان‌های کلامی و فلسفی آن ارائه شده و نویسنده جایگاه علمی چهار اندیشه‌مند مدنظر خود - از جمله میرداماد - را بررسی کرده است. وی ذیل توضیحات مربوط به میرداماد، خاطرنشان کرده که هنری کرین عنوان «مکتب فلسفی اصفهان» را تنها شایسته میرداماد و ملاصدرا دانسته است. وی در بخش دیگری از این فصل، روش این چهار اندیشه‌مند را در باب مسئله جبر و اختیار تبیین کرده و یادآور شده که میرداماد بعد از ردّ جبر و تفویض، به تبیین فلسفی آموزه «أمر بین الأمرین» پرداخته است. به‌باور نویسنده، تقریر میرداماد از این آموزه، از ابداعات او و مختصات حکمت یمانی به شمار می‌رود.

فصل دوم با عنوان «أمر بین الأمرین: اختیار فاعل و جعل جاعل» به بررسی تقریر میرداماد اختصاص یافته که شامل ده عنوان است. همان‌گونه که اشاره شد، نگارنده ابتدا مبانی هستی‌شناختی میرداماد را تبیین کرده و بعد از بررسی مسئله اصالت ماهیت و اعتباریت وجود با قرائت دورانی، مسئله جعل را از دیدگاه میرداماد تبیین کرده است. وی در ادامه، معناشناسی «کمالات الهی» را در نظام فکری میرداماد بازخوانی کرده است. سپس، تحلیلی هستی‌شناختی از اختیار بر اساس حکمت یمانی ارائه داده و مبادی فعل اختیاری انسان، قدرت، اراده و صدور

افعال اختیاری را از نظر میرداماد تحلیل کرده است. پس از آن، تقریر میرداماد را از آموزه «أمر بین الأمرین» آورده و مسئله تسلسل اراده‌ها و راه حل میر برای این مسئله را تبیین کرده است. مطالب دیگری که در فصل مربوط به تقریر میرداماد آمده‌اند، عبارت‌اند از: علم پیشین الهی و اراده انسان؛ مسئله شرّ و قضاء و قدر (قضاء علمی و عینی در نگاه میرداماد، تقریر استدلال میرداماد در اثبات اکملیت نظام کلّ، مساوقت وجود با خیر و عدم با شرّ)؛ نظریه میرداماد در عقوبات اخروی در معاد (پاسخ به اشکالات فخر رازی بر دیدگاه ابن سینا)؛ اشکالات وارد شده بر تقریر میرداماد از «أمر بین الأمرین» (فعل انسان در محدوده فعل خدا، اشکال بر راه حل میرداماد در تسلسل اراده‌ها، اشکال بر پاسخ میرداماد درباره استحقاق انسان برای عقوبات اخروی، اشکال بر دیدگاه کلّ نگرانیه میرداماد در نفی شرّ).

نگارنده متذکر شده که میرداماد در تبیین رابطه فاعلیت الهی و انتساب فعل به انسان، بین فاعل مختار و جاعل که به فاعل و فعل وجود بخشیده، تمایز قائل شده و فاعل را در طول جاعل تامّ فعل قلمداد کرده است.

در فصل سوم که «أمر بین الأمرین: همراهی علّت قریب با علّت بعید» نام دارد، تقریر عبدالرزاق لاهیجی بررسی شده است.

فصل چهارم با عنوان «أمر بین الأمرین: نفی انتساب فعل خداوند، مظهریت مشیت انسان»، به تقریر قاضی سعید قمی اختصاص یافته است.

نویسنده با اشاره به اینکه علامه مجلسی به جریان حدیث‌گرای مدرسه اصفهان تعلّق دارد، در فصل پنجم که «أمر بین الأمرین: هدایت الهی، ارائه طریق» نام دارد، تقریر علامه مجلسی را طرح و بررسی کرده است.

بخش پایانی رساله نیز به جمع‌بندی، ارزیابی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد. نگارنده علاوه بر مقایسه و ارزیابی تقریرهای مطرح شده در فصول پیشین، مواجهه این تقریرها را با مسئله ضرورت علیّ تبیین کرده است. به باور او، از میان تقریرهای ارائه شده، تقریر لاهیجی همان تقریر خواجه نصیرالدین طوسی است و تقریر علامه مجلسی، از روایات استخراج شده و برگرفته از تقریرهای متکلمان و محدثانی مانند فاضل استرآبادی است. تنها تقریر میرداماد و تاحدودی تقریر قاضی سعید قمی از آموزه «أمر بین الأمرین»، بدیع و ویژه است.

وی علاوه بر طرح اشکالات مبتنی بر ضرورت علیّ، پاسخ لاهیجی، میرداماد و قاضی سعید قمی را به این اشکالات بررسی و ارزیابی کرده است. بنا بر نظر میرداماد، خداوند جاعل ذات و حقیقت انسان است؛ لذا، صفت اراده و اختیار انسان به علّت نیازمند نیست و شبهه ضرورت علیّ درباره آن مطرح نمی‌شود (عدم نیاز اراده انسان به علّت خارجی). نویسنده در ارزیابی تقریرات مذکور، اشاره کرده است که رأی میرداماد (و همچنین قاضی سعید قمی) در مواجهه با اصل ضرورت علیّ، با اشکالات کمتری مواجه بوده و توجیه فلسفی مقبولی از مسئله اختیار و آزادی اراده و قانون علیّت ارائه می‌دهد.

نگارنده همچنین، مسئله تسلسل اراده‌ها و اختیار انسان را نیز تحلیل و بررسی کرده است. وی با اشاره به دیدگاه میرداماد که تسلسل اراده‌ها را ناشی از اعتبار ذهنی دانسته، به برخی

اشکالات وارد شده بر این دیدگاه، از جمله اشکال امام خمینی رحمته الله علیه، اشاره کرده است. وی در باب علم پیشین الهی و اختیار انسان نیز میرداماد را در زمره متفکرانی معرفی کرده که به سازگاری علم پیشین الهی با اراده و اختیار انسان قائل هستند.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران (پردیس فارابی) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: بهمن ۱۳۹۴ ش.

+ مقاله مستخرج: «تقریر حکیم میرداماد از نظریه اختیار انسان» (۲/۱/۵۵).

۱/۱/۴۰. وجود رابط در فلسفه اسلامی

نگارنده (دانشجو): رحمت الله باهنر / استاد راهنما: حسین دیبا / استاد مشاور: عبدالله مصباحی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف تبیین و بررسی «وجود رابط»، در جایگاه مفهومی پیونددهنده در قلمرو قضایا و مفاهیم ذهنی و همچنین، گونه‌ای از وجود که هستی‌اش عین ربط و وابستگی به وجود مستقل است، نگاشته شده است. حیطه این تحقیق، فلسفه اسلامی - با تأکید بر حکمت متعالیه - بوده و مطالب آن، مشتمل بر بخش کلیات و چهار فصل مستقل است.

نویسنده در بخش کلیات، متذکر شده که پیش از میرداماد تصویر روشنی از دو اصطلاح «وجود رابط» و «وجود رابطی»، وجود نداشته و میرداماد برای نخستین بار، در کتاب الأفق المبین تمایز این دو مفهوم را تبیین کرده است. پس از میر، شاگرد او، ملاصدار، و پیروان حکمت متعالیه به این بحث توجه کرده‌اند.

در فصل اول، تاریخچه و سیر تکامل مبانی و لوازم وجود رابط در فلسفه اسلامی مطرح شده است. نویسنده در این سیر تاریخی، دو صفحه را به میرداماد اختصاص داده و به چند نکته اشاره کرده است که به اختصار از این قرارند:

۱. بسیاری بر این باورند میرداماد نخستین کسی است که درباره وجود رابط تحقیق کرده و دو اصطلاح «رابط» و «رابطی» را از یکدیگر تمایز داده است.
۲. میرداماد موجودات ممکن را در زمره روابط قرار داده و وجود مستقلی برای آن‌ها قائل نیست.
۳. هستی‌های ممکن، سایه وجود حق تعالی هستند.
۴. همه ممکنات، وجودهای رابط متعلق به مبدأ هستی به شمار می‌روند؛ اگرچه وجود ممکنات و وجود واجب در جهان عینی، با یکدیگر تباین و تخالف سخی دارند.

در فصل دوم، اصطلاح «وجود رابط» و مفاهیم مرتبط با آن - از جمله اصطلاح «رابط» و «رابطی» - بررسی شده‌اند. بنا بر قول مشهور، نخستین حکیمی که به تمایز این دو اصطلاح توجه کرده و کاربرد هریک را به شکل جداگانه تبیین کرده، میرداماد بوده است. نویسنده عباراتی از میرداماد نقل کرده و دیدگاه وی را در تقسیم وجود رابطی به دو قسم «وجود فی‌غیره در مقابل وجود محمولی و فی‌نفسه» و «وجود رابطی به معنای وجود ناعتی» تبیین کرده است. همچنین، به تصریح میرداماد بر تفاوت این دو مفهوم و پرهیز از خلط آن‌ها اشاره کرده و نمونه‌ای از اختلاط این دو مفهوم در بیانات خود میرداماد را آورده است. وی در ادامه، از تأثیر باور به اصالت ماهیت

در تعریف و تبیین این دو اصطلاح نزد میرداماد سخن گفته است.

فصل سوم به تبیین و نحوه اثبات وجود رابط در فلسفه اسلامی اختصاص یافته و شامل دو بخش «تبیین وجود رابط از طریق قضایا و جهان ذهن» و «تبیین وجود رابط از راه اصل علیت و چگونگی ارتباط معلول به علت» است.

در فصل چهارم، برخی کاربردهای وجود رابط در فلسفه اسلامی بررسی شده است که عبارت‌اند از: نقش وجود رابط و معانی حرفی در حصول شناخت، اثبات اصالت وجود از طریق وجود رابط، قاعده تلازم وجودی علت و معلول، اصل امتناع دور و تسلسل علل و اثبات واجب و...

نگارنده در پایان و در بخش نتیجه‌گیری، متذکر شده که وجود رابط نه یک اصطلاح، بلکه اصلی مهم در حکمت متعالیه است که ملاًصدرا با اتکا بر آن، بسیاری از مسائل فلسفی را تبیین کرده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: جامعه الصطفی علیه السلام العالمیه (قم) / دانشکده: مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمته الله علیه (گروه فلسفه و کلام) / تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۸۹ ش.

۱/۱/۴۱. وجودشناسی از دیدگاه میرداماد و ملاًصدرا

نگارنده (دانشجو): شهین اسلامی / استاد راهنما: سیدهاشم گلستانی / استاد مشاور: نادعلی عاشوری / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف تبیین دیدگاه میرداماد و ملاًصدرا در باب وجود و بررسی دلیل اختلاف نظر آن‌ها در این باره، در چهار فصل تدوین شده است. فصل اول مشتمل بر کلیات تحقیق است و در فصل دوم، آراء فارابی، ابن سینا، شیخ اشراق و ابن عربی در باب وجود، به اجمال بیان شده است.

نویسنده در فصل سوم، ابتدا شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و آثار وی را معرفی کرده و سپس، اندیشه‌های میرداماد را درباره وجود، تبیین و تحلیل کرده است. وی به دو ویژگی میرداماد اشاره کرده و آن‌ها را سبب تمایز وی از سایر حکماء هم‌عصرش قلمداد کرده است: یکی سبک نگارش او و دیگری، ابداع نظریه «حدوث دهری». نگارنده در این فصل، دیدگاه میرداماد را درباره اصالت ماهیت و اعتباریت وجود، حدوث دهری، مراتب و سلسله‌های طولی و عرضی وجود، وحدت و کثرت وجود و رابطه وجود با ثبوت، بررسی کرده است.

فصل چهارم به تبیین آراء ملاًصدرا درباره وجود، اصالت وجود و وحدت وجود اختصاص یافته است. مؤلف در پایان این فصل، نظرات میرداماد و ملاًصدرا در باب وجود را در دو بخش با یکدیگر مقایسه کرده است. خصوصیتی که وی برای فلسفه میرداماد ذکر کرده از این قرارند: ابداع نظریه حدوث دهری؛ باور به اصالت ماهیت. مهم‌ترین ویژگی حکمت متعالیه نیز باور به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت است. به باور نویسنده، ملاًصدرا با اتکا بر این نظریه، توانسته مسائل فلسفی فراوانی را حل کند. ویژگی دیگر حکمت متعالیه، باور به وحدت حقیقت وجود است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: آزاد اسلامی (واحد نجف‌آباد) / دانشکده: علوم انسانی (گروه الهیات و معارف اسلامی) / تاریخ دفاع: زمستان ۱۳۸۱ ش.

۱/۱/۴۲. وحی و نبوت از دیدگاه ابن سینا و مقایسه آن با نظر میرداماد

نگارنده (دانشجو): عزیزالله افشارکرمانی / استاد راهنما: غلامحسین ابراهیمی دینانی / استاد مشاور: علی مهدی‌زاده / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: نویسنده با هدف بررسی تفسیر ابن سینا و میرداماد از وحی و نبوت و همچنین تحلیل مبانی عقلی تفاسیر این دو حکیم، رساله خود را در هفت فصل تدوین کرده است. وی در مقدمه، از پیشینه بحث نبوت و ضرورت پرداختن به آن سخن گفته و در فصل اول، به بررسی وحی و نبوت و ارتباط آن با معارف بشری پرداخته و وحی را از نظر ابن سینا و میرداماد تعریف کرده است. وی ذیل عنوان «وحی از نظر میرداماد»، متذکر شده که او وحی را عین کلام الهی قلمداد کرده و بر این باور است که آنچه پیامبر می‌گوید، همه از سوی خداوند است. نویسنده همچنین، به تقسیم‌بندی سه‌گانه میرداماد از سخنان الهی - اعجاز قولی، حدیث قدسی و حدیث نبوی - اشاره کرده است. وی در ادامه، از نبوت و کمال نهایی بشر سخن گفته و بعد از بیان دیدگاه ابن سینا در این باره، رأی میرداماد را مطرح کرده است که بر اساس آن، اگر انسانی بخواهد به کمالات انسانی خود دست یابد و استعدادهای خود را به فعلیت برساند، چاره‌ای جز تبعیت از انبیاء الهی علیهم‌السلام ندارد. نویسنده در فصل دوم، به مبانی انسان‌شناختی پرداخته و دیدگاه میرداماد را در باب حقیقت آدمی و رابطه نفس با بدن بیان کرده است. وی در باب کمال و سعادت بشر اشاره کرده است که از نظر میرداماد، انسان‌ها در هر کاری ذات خود را می‌جویند و به دنبال خیر و کمال خود هستند. فصل سوم به مبانی هستی‌شناختی وحی و نبوت اختصاص یافته است. نگارنده در این فصل، ضمن ارائه تفسیر میرداماد از هستی، اشاره کرده است که او کل نظام هستی را نشئت گرفته از علم الهی می‌داند. وی در ادامه، از دیدگاه میرداماد در باب اجمال و تفصیل در علم، مراتب هستی و رابطه وحی با مراتب هستی سخن گفته است. از نظر میرداماد، ذات حق اول و آخر و مبدأ و منتهای همه مراتب هستی بوده و همه مراتب هستی و اجزاء آن، رو به سوی حق دارند. نویسنده همچنین، رأی میرداماد را درباره عقل فعال، وساطت آن در فیض باری تعالی و نقش آن در درمان روح و نفس آدمی بیان کرده و متذکر شده که دیدگاه میرداماد درباره عقل فعال، مشابه با آراء ابن سینا است.

در فصل چهارم، مبانی معرفت‌شناختی وحی و نبوت بررسی شده‌اند. نویسنده در این فصل، با بررسی آراء میرداماد درباره مراتب ادراک، اشاره کرده که در نظر او، انسان دارای حیات دوگانه حسی و عقلی است و پذیرش وحی و نبوت، بر پذیرش این حیات دوگانه (یا مراتب ظاهر و باطن) در نظام هستی مبتنی است. ظاهر و باطنی دو وجه از حقیقتی واحد هستند و فهم موازنه آن‌ها، از جمله اسرار ادیان الهی است؛ سری که پیامبران و اولیاء الهی آن را درک کرده‌اند. نگارنده سپس، متذکر شده که دیدگاه میرداماد درباره عقل قدسی و رابطه آن با حدس و شدت و ضعف این قوه در انسان‌ها، برگرفته از دیدگاه ابن سیناست.

وی همچنین، دیدگاه میرداماد را درباره حقیقت نفس و ارتباط آن با عالم ماوراء بیان کرده است. از نظر میرداماد، تا وقتی انسان در عالم جسم و حس محصور بوده در بند سعادت‌های حسی است، نمی‌تواند به عالم عقل برسد؛ از این رو، اولین شرط رسیدن به عالم ماوراء، رهایی از

ادراکات حسی و عبور از عالم جسم است. نگارنده در ادامه، دیدگاه میرداماد را درباره تفاوت حاکم و عالم و نبی مرور کرده است.

فصل پنجم به اختصاصات انبیاء علیهم السلام مربوط است. در این فصل، آراء میرداماد درباره نحوه اتصال پیامبر با عالم ماوراء و کیفیت نزول وحی بر ایشان بیان شده است. نگارنده متذکر شده که دیدگاه ابن سینا و میرداماد درباره چگونگی نزول وحی، برگرفته از متن قرآن و احادیث است و ایشان وحی را در سه قسم منحصر دانسته‌اند: ۱. الهام و القاء در خواب؛ ۲. خلق صوت؛ ۳. ارسال ملک.

در ادامه، دیدگاه میرداماد درباره ویژگی‌های سه‌گانه انبیاء (یعنی معجزه قوه عاقله، معجزه قوه متخیله و معجزه قوه متصرفه) بیان شده است. به‌باور میر، نفس نبی از تاریکی‌های عالم طبیعت و مزاج عبور کرده و روشنائی عالم قدس را دریافته است؛ لذا، بر این ویژگی‌ها دست می‌یابد. دیدگاه میرداماد درباره مراتب و انواع مختلف وحی، علت اختلاف این مراتب با انواع، بی‌نیازی از وحی جدید و دلیل ختم رسالت، نسبت عقل و وحی یا عقل و نقل نیز در این فصل ارائه شده‌اند. نگارنده در پایان متذکر شده است که از نظر میرداماد، وحی میزان عقلانیت عقل را افزایش داده و سبب تکمیل آن می‌شود.

در فصل ششم مبانی زبان شناختی وحی و نبوت بررسی شده است. نویسنده با اشاره به استشادهای میرداماد به متون دینی و احادیث اصول کافی، یادآور شده که در نظری، زبان دین و معرفت قدسی و وحیانی، زبان رمز است. او در ادامه، توضیحات میرداماد را درباره کاربرد زبان رمز در متون دینی مرور کرده است.

فصل هفتم به اثبات نبوت از نظر ابن سینا و میرداماد اختصاص یافته است. نگارنده به تلاش‌های میرداماد برای مستدل کردن وحی از منظر عقل، شهود و نقل اشاره کرده و سپس، استدلال‌های فلسفی وی را از مقدمه کتاب شارع النجاة و استدلال کلامی وی را از الرواشح السماویة نقل و تحلیل کرده است. وی در بازخوانی رأی میرداماد متذکر شده که نهایت عقلانیت در انبیاء علیهم السلام ظهور یافته است و ایشان نمونه والای فهم کلام خداوند و اسوه سلوک باطنی انسان‌ها به شمار می‌روند. اطلاعات ثبت: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات/تهران)/ دانشکده: حقوق، الهیات و علوم سیاسی (گروه الهیات و معارف اسلامی)/ تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ ش.

۱.۲. تصحیح، ترجمه و شرح متون

۱.۲.۱. ابطال زمان موهوم

نگارنده (دانشجو): اصغر ترابی مقدم / استاد راهنما: سید جلال الدین آشتیانی / مقطع تحصیلی: کارشناسی

معرفی: این پایان‌نامه، به تصحیح رساله «ابطال الزمان الموهوم»، تألیف ملا اسماعیل خواجوی، اختصاص دارد. نگارنده علاوه بر تصحیح این اثر، مقدمه و تعلیقاتی بر آن نگاشته است. وی در مقدمه خاطرنشان کرده که خواجوی رساله «ابطال الزمان الموهوم» را در دفاع از میرداماد و

ردّ اعتراضات آقا جمال خوانساری بر نظریه «حدوث دهری» نوشته است. همچنین، متذکر شده که عبارات این رساله بسیار روان و ساده بوده و استفاده خواجویی از آیات و روایات و بیان دیدگاه‌های سایر اندیشه‌مندان، آن را در زمره آثار برجسته علمی/فلسفی قرار داده است. وی در ادامه، با اشاره به نسخه‌های شناخته شده از این رساله و مشخصات آن‌ها، تصریح کرده که نسخه کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی (دانشگاه فردوسی مشهد) را اساس تصحیح خود قرار داده است.

نویسنده سپس، به شرح حال ملا اسماعیل خواجویی پرداخته و به اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران حیات وی اشاره کرده است. وی تألیفات خواجویی را بیش از صدوپنجاه عنوان دانسته و پس از معرفی شاگردان وی، از تاریخ وفات و مدفن خواجویی سخن گفته است. او میرداماد و فاضل هندی را از اساتید خواجویی قلمداد کرده است.

نگارنده در ادامه مقدمه، برخی مسائل طرح شده در رساله «ابطال الزمان الموهوم» را مرور کرده که یکی از این مسائل، چستی زمان است. وی در بیان ماهیت و حقیقت زمان، آراء و اقوال اندیشه‌مندان و حکامی از جمله اینشتین، سمویل الکساندر ایتالیایی، افلاطون، ارسطو، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوالبرکات بغدادی و ملاصدرا را تبیین کرده است. پس از این مقدمه، متن رساله «ابطال الزمان الموهوم» را آورده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: فردوسی (مشهد)/ دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت اسلامی)/ تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۱۳۵۰-۵۱ ش.

۱/۲/۲. ترجمه و شرح رساله «حدوث دهری» میرداماد

نگارنده (دانشجو): اسماعیل شریعت زاده/ استاد راهنما: رحمت الله شریعتی/ استادان مشاور: سیدکمال موسوی؛ نادعلی عاشوری/ مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: نگارنده در این پایان نامه، پس از نقل مختصری از زندگی نامه و احوالات عارفانه میرداماد، آثار وی را معرفی کرده و اوضاع عصر حیات میرداماد را به اختصار شرح داده است. سپس، به ترجمه و شرح رساله «حدوث دهری» پرداخته و در پایان، نظرات و انتقادات استاد سیدجلال الدین آشتیانی بر دیدگاه میرداماد را نقل کرده است.

نویسنده ذیل عنوان «خلاصه رساله حدوث دهری»، به دو طریق میرداماد در اثبات حدوث دهری اشاره کرده است: اثبات حدوث دهری از رهگذر تقدّم بر عالم زمانی؛ اثبات حدوث دهری از رهگذر تحلیل امکان استعدادی. وی در ادامه، به دو نمونه از مسائلی که میرداماد از رهگذر حدوث دهری و سرمدی تحلیل کرده، اشاره کرده است: حقّ تعالی و علم او به جزئیات؛ انتساب حدوث زمان به علّت فاعلی از رهگذر حدوث دهری. سپس، آیات و احادیثی که میرداماد در اثبات نظریه حدوث دهری به آن‌ها استشهاد کرده و همچنین، استنادات وی را به اقوال حکماء پیشین مرور کرده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: آزاد اسلامی (واحد نجف آباد)/ دانشکده: علوم انسانی (گروه الهیات و معارف اسلامی)/ تاریخ دفاع: مهر ۱۳۸۱ ش.

۱.۲.۳. تصحیح کتاب تقویم الإیمان (بخش نخست)

نگارنده (دانشجو): روح الله عالمی / استاد راهنما: غلامحسین ابراهیمی دینانی / استادان مشاور: رضا داوری اردکانی؛ محسن جهانگیری؛ مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان نامه که به تصحیح بخش اول از متن کتاب تقویم الإیمان میرداماد اختصاص دارد، شامل مقدمه، راهنمای مطالعه جزوه و سپس، متن بخش نخست از تقویم الإیمان است. مقدمه تصحیح، به شرح حال میرداماد و گزارشی اجمالی از مطالب کتاب تقویم الإیمان اختصاص دارد. نویسنده در این مقدمه، از حیات میرداماد، جایگاه علمی و آثار وی و اوضاع عصر زندگی او سخن گفته است. سپس، با اشاره به نسخه های موجود از کتاب تقویم الإیمان و مشخصات آن ها، تصریح کرده که تصحیح خود را بر اساس نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - که دربردارنده اصلاحاتی در حاشیه است - انجام داده است. وی از نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان نسخه دوم استفاده کرده؛ بنابراین، تصحیح او حاصل تطبیق نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و حواشی آن با نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.

نگارنده در پایان، از علائم اختصاری و اعداد به کاررفته در تصحیح سخن گفته و نکاتی با عنوان «راهنمای مطالعه» ذکر کرده است. همچنین، فهرستی از مطالب کتاب تقویم الإیمان، بر اساس صفحه بندی نسخه اساس تصحیح ارائه کرده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: ادبیات و علوم انسانی (گروه فلسفه) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۶۷ ش.

۱.۲.۴. تصحیح کتاب تقویم الإیمان (بخش دوم)

نگارنده (دانشجو): مرتضی میرباقری / استاد راهنما: غلامحسین ابراهیمی دینانی / استادان مشاور: محسن جهانگیری؛ رضا داوری اردکانی؛ مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان نامه، به تصحیح بخش دوم از متن کتاب تقویم الإیمان اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه تصحیح، به شرح حال میرداماد پرداخته و از مطالبی همچون نام و نسب میر، رؤیای ولادت وی، جوانی میرداماد، زبان و سبک نگارش میرداماد، میرداماد در لسان صدر المتألهین، انس و الفت میرداماد و شیخ بهایی و اشعار میرداماد سخن گفته است. همچنین، تلفیق هماهنگ بین تفکر برهان و احوال عرفانی را مشخصه اصلی تفکر میرداماد دانسته است. وی در ادامه، نظرهانی کربن را درباره میرداماد بیان کرده و به دو نمونه از تجارب عرفانی میر اشاره کرده است. در پایان این بخش، استادان و شاگردان میرداماد و آثار وی - از جمله کتاب تقویم الإیمان - را معرفی کرده است.

نگارنده متذکر شده که نسخه اساس وی در تصحیح تقویم الإیمان، دست نوشته کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که با نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی تطبیق داده شده است. او همچنین، از نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی یاد کرده و آن را با نسخه اول (نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) تقریباً یکسان دانسته است.

وی سپس، نکاتی در قالب «راهنمای مطالعه جزوه»، بیان کرده و از علائم اختصاری و اعداد به کاررفته در تصحیح سخن گفته است. نویسنده خاطرنشان کرده که قسمت دوم کتاب

تقویم‌الایمان در این پایان‌نامه، از مبحث «انواع وحدت و کثرت» آغاز شده است. وی با اشاره به عناوین بخش نخست متن تقویم‌الایمان که توسط روح‌الله عالمی تصحیح شده، فهرستی برای ادامه مطالب تدوین کرده است.

پس از این مقدمه، متن تصحیح‌شده بخش دوم کتاب تقویم‌الایمان آمده است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: ادبیات و علوم انسانی (گروه فلسفه) / تاریخ دفاع: بی‌تا.

۱،۲/۵. تصحیح و تعلیق و مقدمه بر کشف‌الحقایق، اثر سیداحمد بن زین‌العابدین العلوی‌العالمی رحمته‌الله‌علیه: شرحی بر تقویم‌الایمان، اثر میرمحمدباقر میرداماد

نگارنده (دانشجو): سیدخلیل علاقه‌بندی حسینی طوسی / استاد راهنما: سیدجلال‌الدین آشتیانی / استاد مشاور: پرویز ضیاءشهابی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: نویسنده مقدمه خود را با شرح حال مؤلف، سیداحمد علوی‌عالمی اصفهانی، آغاز کرده و تذکر داده که او خاله‌زاده، داماد و شاگرد میرداماد است که برخی کتب استاد را شرح داده و تا پایان عمر به آراء میرداماد وفادار بوده است. علوی‌عالمی در روش فلسفی تابع استاد خود بوده و به افکار و عقاید او احاطه کامل داشته است؛ چنان‌که میرداماد به وی امر کرده تا بر کتاب القبسات شرح و حاشیه بنویسد. نگارنده در ادامه، آثار و تألیفات سیداحمد علوی‌عالمی را نام برده و از تسلط او بر مبانی حکمت منشاء سخن گفته است. از نظر نویسنده، همین امر سبب شده تا علوی بهترین مفسر آثار میرداماد شناخته شود.

او سپس، به معرفی کتاب تقویم‌الایمان پرداخته و آن را اثری موجز در بیان مبانی اصول اعتقادی دانسته است. از نظر نگارنده، تقویم‌الایمان اثری کلامی است؛ اما همه ابواب رایج فلسفی در آن ذکر شده است. وی با اشاره به ساختار و محتوای مطالب کتاب، خاطرنشان کرده که سبک نگارش و شیوه فلسفی میرداماد در این اثر، با شیوه حکمت منشاء مغایرت ندارد؛ اما روح فلسفه اشراق بر کتاب حاکم است. او فهم مطالب کتاب تقویم‌الایمان را بسیار دشوار دانسته؛ زیرا ایجاز و اختصار - که شیوه بیان و نگارش میرداماد بوده - در آن بارز است. سیداحمد علوی‌عالمی نیز در مقدمه شرح خود، به این نکته اشاره کرده است.

نگارنده در ادامه، از نسخه‌های کتاب کشف‌الحقایق و روش تصحیح خود سخن گفته است. نسخه اساس این تصحیح، نسخه اصل اثر است که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. همچنین، از روش شارح و ساختار «قال / أقول» در شرح وی سخن گفته است. علوی‌عالمی ابتدا عبارتی از کتاب تقویم‌الایمان آورده و آن را شرح و تبیین کرده؛ سپس، برای تأیید آراء میرداماد، عباراتی از حکماء پیشین، به ویژه مشائیان و ابن‌سینا و شیخ اشراق، بیان کرده و به توضیح و مقایسه دیدگاه‌های شیخ اشراق با مشائیان پرداخته است. بنا بر توضیح مصحح، شارح در بیشتر مسائل، رأی میرداماد را پذیرفته و به ندرت نظر خود را مطرح کرده است.

نویسنده در ادامه مقدمه، برخی مباحث مهم کتاب کشف‌الحقایق را به اجمال مرور کرده و عبارات میرداماد و شارح را آورده است. مباحثی که در این مقدمه بررسی شده‌اند عبارت‌اند از: مناط حاجت به علت؛ قاعده «الشیء ما لم یجب تجوهره لم یوجد»؛ براهین اثبات واجب‌الوجود؛

مسئله ضرور در عالم؛ صفات واجب الوجود؛ بساطت واجب الوجود؛ وحدت واجب الوجود؛ قاعده «الواحد لا یصدر عنه إلا الواحد»؛ مسئله «رؤية الله»؛ نسبت صفات با ذات حق تعالی؛ علم واجب به ذات و به ماسوی الذات؛ مثل افلاطونی.

بعد از این مقدمه، متن تصحیح شده کتاب کشف الحقایق آمده است. در پایان نیز، نمایه ای از اسامی اشخاص و کتب به چشم می خورد. اطلاعات ثبت: دانشگاه: فردوسی (مشهد) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت اسلامی) / تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳ ش.

۱،۲،۶. التقدیسات میر محمد باقر داماد

نگارنده (دانشجو): عبدالعظیم فریدون / استاد راهنما: سید جلال الدین آشتیانی / استاد مشاور: غلامحسین ابراهیمی دینانی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
معرفی: این پایان نامه، تصحیح و ترجمه ای مختصر از کتاب التقدیسات میرداماد است. نویسنده در مقدمه پایان نامه آورده است که این اثر فاقد فصل بندی مدون و مرسوم در کتب فلسفی بوده و فصول آن، «تقدیس» و «تشریق» نام دارند؛ لذا، برای دسترسی آسان تر به متن، ذیل این عناوین، به محتوای هریک از فصول نیز اشاره کرده است.

این پایان نامه از دو بخش تشکیل شده: نگارنده در بخش اول، بعد از مرور اجمالی تاریخ فلسفه اسلامی و اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر میرداماد، شخصیت های برجسته مکتب اصفهان را معرفی کرده است؛ چهره هایی همچون: میرداماد، شیخ بهاء الدین عاملی، میرابوالقاسم فندرسکی، ملاصدرای شیرازی، ملامحسن فیض کاشانی و ملامحمدباقر مجلسی. در ادامه، به شرح حال و مقام علمی میرداماد (نام و نسب، تحصیلات، اخلاق و عبادت، مرتبه علمی، بی مهری به آثار میرداماد، شاگردان و معاصران میرداماد) اشاره کرده و آثار وی را در دو دسته کلی «آثاری که نسخه دارند» و «آثاری که نسخه ندارند»، معرفی کرده است.

نویسنده پس از آن، از روش تصحیح و تحقیق متن سخن گفته، به نسخه های شناخته شده از التقدیسات اشاره کرده و نسخه های اساس و بدل در تصحیح خود را مشخص کرده است. همچنین، توضیحاتی در باب استنساخ و مقابله نسخه ها، صحت و اختلاف نسخه ها، رسم الخط، نقطه گذاری و علائم اختصاری ارائه کرده است.

وی سپس، محتوای کتاب التقدیسات را مرور کرده است. میرداماد این اثر را درباره پاسخ به شبهه ابن کمونه در توحید ذاتی حق و پاسخ به آن تألیف کرده؛ از این رو، مصحح مطالبی درباره تاریخچه شبهه ابن کمونه ارائه داده و پاسخ های ملاصدرای حاجی سبزواری را به این شبهه، تقریر کرده است. او در پایان این بخش، از وجه تسمیه کتاب سخن گفته و برای آشناساختن خواننده با متن کتاب التقدیسات، گزارشی اجمالی و ترجمه وار از مطالب آن ارائه داده است.

بخش دوم پایان نامه، به ارائه متن تصحیح شده التقدیسات اختصاص یافته و در پایان نیز، تصاویر نسخه های خطی و سپس، نمایه های آیات و احادیث، آیین ها و جماعات، اماکن، اعلام و کتاب ها آمده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: فردوسی (مشهد) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت اسلامی) / تاریخ دفاع: تابستان ۱۳۷۴ ش.

۱،۲،۷. مقابله و تصحیح کتاب الصراط المستقیم

نگارنده (دانشجو): احمد خالدی / استاد راهنما: غلامحسین ابراهیمی دینانی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: نویسنده در مقدمه تصحیح، ابتدا توضیحاتی درباره موضوع و محتوای کتاب الصراط المستقیم ارائه کرده است. سپس، با معرفی و بررسی نسخه‌های موجود از کتاب، تصریح کرده که تصحیح وی، در وهله نخست بر اساس نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (شماره ۲۷۹) و بعد از آن، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (شماره ۴۹۵۳) صورت گرفته است.

نگارنده در ادامه مقدمه، مفاهیمی را که میرداماد در این کتاب از آن‌ها استفاده کرده، تبیین کرده است. مباحث این بخش، ذیل دو عنوان ارائه شده‌اند:

۱. «پاسخ میرداماد به اشکال امام فخر رازی در مورد تعریف حرکت» که شامل این مطالب است: پاسخ بهمنیار به اشکال امام فخر رازی؛ پاسخ مرحوم میرداماد به اشکال امام فخر رازی؛ «آن» و «ابتدا».

۲. «حدوث دهری» که شامل این مطالب است: تعریف حدوث و قدم؛ انواع حدوث و قدم؛ حدوث و قدم حقیقی یا اضافی؛ حدوث و قدم زمانی؛ حدوث و قدم ذاتی؛ عدم مجامع یا لیسیت ذات یا امکان؛ ملاک احتیاج به علت؛ حدوث دهری؛ ابداع؛ احداث یا صنع؛ تکوین؛ زمان، دهر و سرمد.

بخش دوم پایان‌نامه نیز به ارائه متن تصحیح شده کتاب الصراط المستقیم اختصاص دارد. اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: ادبیات و علوم انسانی (گروه فلسفه) / تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ ش.

۱،۲،۸. مقدمه و شرح و تصحیح و تحشیه کتاب جذوات میرداماد استرآبادی

نگارنده (دانشجو): اغناطیوس الصیصی / استاد راهنما: حسین مینوچهر / مقطع تحصیلی: دکتری معرفتی: نویسنده بعد از بیان مباحث مقدماتی، رساله خود را در پنج فصل تدوین کرده است. فصل اول که «محیط سیاسی و مذهبی و علمی» نام دارد، شامل این مطالب است: الف) اوضاع سیاسی ایران در عهد میرداماد؛ ب) اوضاع دینی ایران در عهد میرداماد: تشیع، تصوف، فرق و ادیان دیگر، حروفیه؛ ج) اوضاع علمی و ادبی ایران در عهد میرداماد: ادبیات و شعر؛ علوم دینی و علماء و فقهاء؛ فلسفه و علوم عقلی.

فصل دوم به چند بخش تقسیم شده است. نگارنده در بخش اول به زندگی‌نامه میرداماد اشاره کرده و از مطالبی همچون نام، لقب، تخلص، نسب، پدر و مادر، ولادت، مولد، تحصیلات، استادان، رحلات و اسفار، شاگردان میرداماد (ملاصدرا، زلالی خوانساری، ملاخلیل قزوینی، سیداحمد علوی عاملی، میرزا محمد قاسم گیلانی)، معاصران وی (سلاطین، علماء و ادباء و

شعراء؛ از جمله شیخ بهایی و میرابوالقاسم فندرسکی و ملا محمد تقی مجلسی)، وفات، زهد و تقوا و افسانه‌های مربوط به میرداماد سخن گفته است. در بخش دوم از فصل دوم نیز، تألیفات و شاعرانگی میرداماد را بررسی کرده است. بخش سوم از این فصل، به بیان افکار و عقاید فلسفی میرداماد اختصاص دارد. مطالب این بخش عبارت‌اند از: خدا؛ وجود، اصالت وجود یا اصالت ماهیت؛ جواهر و اعراض؛ حدوث و قدم؛ عالم و آدم؛ عقول و نفوس؛ افلاک؛ عالم مثال؛ تحقیقات لفظی و کتبی و اسماء و حروف؛ تصوّف و عرفان.

فصل سوم به معرفی کتاب جذوات و مواقیت اختصاص دارد. نگارنده در این فصل، محتوای کتاب و مباحث مطرح شده در هر «جذوه» و «مقیات» را بررسی کرده است. همچنین، درباره شیوه نگارش میرداماد در این اثر و خصایص دستوری و لغوی آن (از جمله نحوه کاربرد فعل، وجوه وصفی و صفات، استفاده از جمع‌ها و ترکیبات عربی، تمزیج کلمات عربی و فارسی) سخن گفته و طولانی بودن جملات را از خصایص متن جذوات دانسته است.

وی سپس، با معرفی نسخه‌های کتاب، متذکر شده که نسخه استفاده شده در این تصحیح، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که با نسخه چاپ سنگی بمبئی مقابله شده است. وی در ادامه، خاطرنشان کرده که این تصحیح با شیوه التقاطی انجام شده است. تبیین اختصارات و علائم تصحیح، پایان بخش این فصل است.

در فصل چهارم، متن تصحیح شده کتاب جذوات و مواقیت آمده است.

فصل پنجم «تعلیقات و فهراس» نام داشته و شامل دو قسمت است: ۱. تعلیقات و توضیحات؛ ۲. فهرست‌های متن جذوات (آیات، احادیث و اخبار، اشعار عربی، اشعار فارسی، نام‌های کسان، نام جای‌ها، نام کتاب‌ها، اصطلاحات حکمی و عرفانی، لغات و ترکیبات). اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: ادبیات و علوم انسانی (گروه زبان و ادبیات فارسی) / تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۴۶-۴۵ ش ۱۳۴۵ (۱۹۶۷ م).

+ مقاله مستخرج: «شرح احوال و آثار میرداماد استرآبادی» (۲، ۴، ۹).

۱.۳. تاریخ فلسفه و کلام

۱.۳.۱. بررسی تاریخی جریان شکل‌گیری مدرسه کلامی اصفهان در عصر صفویه

نگارنده (دانشجو): محمّد باقر اسعدی / استاد راهنما: ابراهیم نزهت / استاد مشاور: حسین هاشم نژاد / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: نویسنده در این پایان‌نامه، با رویکردی تاریخی، شکل‌گیری علم کلام شیعی در اصفهان عصر صفوی را تبیین کرده است. وی با اشاره به این نکته که مکتب کلامی اصفهان جهت تکامل بخشیدن به کلام شیعی و مقابله با افکار انحرافی و پاسخ به چالش‌های کلامی پدید آمد، از نقش دولت صفویان و تلاش حکماء شیعه در پایه‌گذاری مدرسه کلامی اصفهان سخن گفته و سایر عوامل مؤثر در تأسیس و تثبیت این مدرسه را بررسی کرده است.

نگارنده پایان‌نامه خود را در چهار فصل تدوین کرده است. وی فصل اول را به کلیات اختصاص داده و در آن، ادوار تاریخی کلام شیعی را برشمرده و به معرفی حوزه اصفهان پرداخته

است. در فصل دوم، عوامل بنیادی شکل‌گیری مکتب اصفهان را تبیین کرده است. نویسندگان به عوامل متعددی از جمله عوامل سیاسی - مانند تشکیل دولت صفویان - عوامل فرهنگی - مانند ظهور شبهات جدید - و عوامل بنیادین - مانند مهاجرت متکلمان به اصفهان - اشاره کرده و به تبیین و توضیح هریک از آنها پرداخته است.

فصل سوم به معرفی متکلمان مؤثر در شکل‌گیری و شکوفایی مدرسه اصفهان اختصاص یافته است. نگارنده این فصل را با معرفی میرداماد آغاز کرده و بعد از ارائه زندگی‌نامه او، حیات وی را به دو دوره تقسیم کرده است: ۱. دوره‌ای که در قزوین و پایتخت شاه طهماسب صفوی و سلطان محمد خدابنده حضور داشته است؛ ۲. دوره مربوط به اقامت میرداماد در اصفهان. نویسندگان خاطر نشان کرده است که حضور سه مکتب فکری و علمی در قزوین^۱ در شکل‌گیری شخصیت علمی میرداماد نقش بسزایی داشته است. وی در ادامه، به دوره اقامت میر در اصفهان و ملازمت وی با دربار شاه عباس صفوی پرداخته است. نویسندگان با اشاره به اینکه میرداماد یکی از مؤسسان حوزه علمی اصفهان بوده و شاگردان فراوانی تربیت کرده، برخی شاگردان او و آثار آنها را معرفی کرده است؛ چهره‌هایی همچون: ملاشمسای گیلانی، ملاخلیل غازی قزوینی، قطب‌الدین محمد اشکوری، سید محمدتقی حسینی استرآبادی، ملاصدرا و سیداحمد بن زین‌العابدین علوی عاملی.

در ادامه، از برخی آثار کلامی / فلسفی میرداماد (از جمله: القبسات، تقویم‌الایمان، خلق الأعمال، الإیقاظات و...) و موضوعات آنها سخن گفته و ابداعات کلامی میرداماد و مشرب فلسفی او را بررسی کرده است. وی با ذکر این مطلب که میرداماد تحت تأثیر اندیشه‌های کلامی و فلسفی حوزه شیراز قرار داشته، برخی آراء او از جمله نظریه «حدوث دهری»، رأی میرداماد در باب مسئله تقیه و بداء و همچنین، دیدگاهش درباره اصالت وجود و اصالت ماهیت را بازخوانی کرده است. در ادامه این فصل، شخصیت‌هایی نظیر ملاصدرا، ملامحسن فیض‌کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی، قاضی سعید قی، علامه محمدباقر مجلسی و نیز، خاندان خوانساری و استرآبادی معرفی شده و روش فلسفی / کلامی، آثار و شاگردان هریک از آنها بررسی شده‌اند.

نویسندگان در فصل چهارم، آثار شکل‌گیری مدرسه کلامی اصفهان را در حوزه‌های مذهبی، علمی و ادبی بررسی کرده است. از جمله نتایج مذهبی تأسیس این مکتب، شکوفایی فرهنگ تشیع است. نگارندگان ابداعات حکمی میرداماد و تلاش وی را در پیوند فلسفه با دین، از عوامل رونق و اعتلاء فرهنگ تشیع معرفی کرده است. او همچنین، از نقش چشمگیر برخی شاگردان میرداماد - از جمله میرسیداحمد علوی عاملی - در روند توسعه علم کلام سخن گفته است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی) / تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۹۰ ش.

۱. مکتب فلسفی اشرافی که از سوی خاندان دشتکی ارائه شده بود؛ مشرب فلسفی محقق دوانی که به واسطه شاگردان او به قزوین منتقل شده بود؛ جریان فکری حوزه قزوین که از سوی علماء مهاجر لبنان و به رهبری محقق کرکی ایجاد شده بود.

۱۳۲. زمینه‌های شکوفایی تفکر فلسفی در اندیشه شیعی

نگارنده (دانشجو): حبیب‌الله (حسیب) احسانی / استاد راهنما: محسن غروی‌ان / استاد مشاور: محمد رضاپور / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: موضوع این پایان‌نامه، بررسی نقش آموزه‌های شیعی و فیلسوفان شیعه در شکوفایی فلسفه اسلامی است. نگارنده بر این باور است که معارف شیعی در شکوفایی و بسط فلسفه اسلامی / شیعی از جهات مختلف نقش محوری داشته‌اند و یکی از عوامل این رشد و شکوفایی، وام‌گیری مستقیم و غیرمستقیم از سرچشمه وحی و تعالیم امامان معصوم علیهم‌السلام است؛ لذا، کوشیده است زمینه‌های تفکر فلسفی را در اندیشه شیعه بررسی کند. وی برخلاف نظر برخی که تصور می‌کنند آنچه فلسفه اسلامی، صورت و شرحی از فلسفه یونان است، معتقد است که فلسفه اسلامی به لحاظ صورت، ماده و محتوا، تفاوت‌هایی بنیادین با فلسفه یونان دارد. نویسنده بر این باور است که از لحاظ تاریخی، بیشتر فیلسوفانی که در رشد فلسفه اسلامی نقش داشته‌اند، شیعی بوده یا تمایلات شیعی داشته‌اند.

وی پس از ارائه این مقدمه، پایان‌نامه خود را در دو بخش کلی سامان داده است: بخش اول، «تاریخ فلسفه و فلاسفه شیعه» نام دارد و بر مباحثی همچون نقش نهضت ترجمه، نقش ائمه علیهم‌السلام و نقش دوره‌های پس از عصر امامان علیهم‌السلام در شکل‌گیری فکر فلسفی اشتهال دارد. نویسنده در این بخش، سیر فلسفه اسلامی را پس از امامان معصوم علیهم‌السلام، به سه دوره کلی تقسیم کرده است: ۱. دوره تأسیس (از کندی تا ابن‌سینا)؛ ۲. دوره فترت (از خواجه طوسی تا میرداماد)؛ ۳. دوره شکوفایی (از ملاصدرا تا عصر حاضر).

نگارنده در خلال بررسی این سه دوره، شرح مختصری از زندگانی و اندیشه چهل نفر از فیلسوفان مؤثر شیعی ارائه داده است. آخرین مدخل از دوره دوم، به میرداماد اختصاص دارد. او بر این باور است که بعد از میرداماد، فلسفه اسلامی از حالت بی‌سروسامانی و رکود ناشی از حملات مغول خارج شده و در مسیر تکامل قرار گرفته است. در نظر نویسنده، ظهور میرداماد سرآغاز شکوفایی فکر فلسفی در عصر صفویه و تأسیس مکتب اصفهان است. وی ضمن مقایسه دشوارنویسی میرداماد با هگل (فیلسوف مشهور آلمانی)، خاطرنشان کرده که به اعتقاد برخی، پرداختن میرداماد به فقه و حدیث، پوششی برای فعالیت‌های فلسفی او بوده است. نگارنده ضمن اشاره به تأثیر عقاید فلسفی میرداماد - از جمله اصالت ماهیت و نظریه «حدوث دهری» - بر فیلسوفان متأخر، تصریح کرده که در تطبیق اندیشه فلسفی با متون معارفی شیعی، میرداماد نخستین گام را برداشته است. وی در ادامه، از نقش میرداماد در احیاء فلسفه سینوی و حکمت اشراقی و همچنین، شکل‌گیری فلسفه ملاصدرا سخن گفته است.

فصل دوم این پایان‌نامه، «سرچشمه‌ها، دست‌آوردها، آسیب‌ها و افق آینده فلسفه شیعه» نام دارد. نویسنده در این بخش، هماهنگی حکمت با شریعت، هماهنگی برهان با عرفان، تبیین

۱. دسترسی به متن و محتوای این پایان‌نامه، تا زمان نگارش این مدخل فراهم نشد. معرفی این پایان‌نامه، برگرفته از مطالب درج‌شده در وبگاه کتابخانه جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه و مقاله مستخرج از آن است.

صحیح رابطه عقل و نقل، شکل‌گیری کلام فلسفی و شکل‌گیری فلسفه سیاسی را از دست‌آوردهای برجسته تفکر فلسفی شیعه قلمداد کرده است. وی در پایان، آسیب‌های فلسفه شیعی را برشمرده و شمایی از آینده آن ترسیم کرده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: جامعه الصطفی سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ (قم) / دانشکده: مجتمع آموزش عالی امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ (مدرسه عالی حکمت و دین‌پژوهی) / تاریخ دفاع: زمستان ۱۳۹۰ ش.

۱/۴. تراجم‌نگاری و شرح حال

۱/۴/۱. شرح حال و آثار و عقاید میرداماد

نگارنده (دانشجو): سیدعلی مدرّس موسوی / استاد راهنما: غلامحسین صدّیق / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: این رساله مشتمل بر یک مقدمه، سه باب و یک خاتمه است. مقدمه رساله شامل چهار فصل است: در فصل اول، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران قبل از میرداماد، در فصل دوم، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در عصر میرداماد، در فصل سوم، سیر فکر فلسفی و علوم عقلی (در دو بخش «سیر فکر فلسفی از آغاز تا زمان محقق داماد» و «تاریخ علم کلام در میان مسلمانان») و در فصل چهارم، شرح احوال و اخلاق محقق داماد بررسی شده‌اند.

نویسنده در فصل چهارم از مقدمه که به شرح حال میرداماد اختصاص دارد، از این موضوعات سخن گفته است: نام؛ نسب و القاب؛ تولّد و وفات؛ دوران کودکی و تربیت؛ وضع تعلیم و تربیت در عصر میرداماد؛ کتب درسی عصر او؛ زبان و سبک نگارش؛ شخصیت علمی و اجتماعی او؛ شخصیت افسانه‌ای او؛ تأثیر دیگران در میر؛ تأثیر او در دیگران؛ مناصب و مشاغل؛ رفتار و اخلاق او؛ برنامه روزانه او؛ معاصران میرداماد.

نگارنده بعد از این مقدمه مبسوط، سه باب گشوده است:

در باب اول، آثار میرداماد بررسی شده که مشتمل بر این عناوین است: فهرست الفبایی، فهرست موضوعی (شامل فهرست کتب چاپی و فهرست کتب فارسی)، فهرست تفصیلی تمام آثار میر (اعم از نامه، اجازه، رساله، کتاب). نویسنده در این فهرست تفصیلی، نسخ خطی هریک از آثار را معرفی کرده و درباره موضوعات و ابواب هریک از آن‌ها سخن گفته است.

باب دوم به شرح آراء و عقاید خاص میرداماد اختصاص یافته است. مطالب این باب در دو فصل تدوین شده‌اند. فصل اول به آراء خاص فلسفی و کلامی میرداماد اختصاص دارد که عبارت‌اند از: مسئله «حدوث دهری»؛ جبر و اختیار یا خلق الأعمال؛ ربط حادث به قدیم و چگونگی صدور کثرت از وحدت؛ مسئله «بداء» و رفع اشکال‌های وارد بر آن؛ مسئله «اصالت ماهیت». در فصل دوم، آراء و عقاید دینی میرداماد از جمله اصول اعتقادات، تقلید، اجتهاد و آراء خاص فقهی وی تحلیل و تبیین شده‌اند.

در باب سوم، برخی آثار میرداماد در چهار فصل تحلیل شده‌اند: القبسات (فهرست اجمالی ابواب و فصول؛ شرح مسائل کتاب؛ ذکر ردود و شروح و حواشی)، جذوات و مواقیت (تحلیل مقدمه کتاب؛ تحلیل موضوع و محتوای کتاب)، الإیقاظات (تحلیل موضوعات و مسائل طرح‌شده

در کتاب)، شارع النجاة (تحلیل مقدمه؛ ابواب؛ فصول و مسائل کتاب). نگارنده در پایان، خاتمه‌ای طرح کرده و در آن، دو رساله «امانت الهیة (در تفسیر آیه امانت به فارسی)» و «رساله در نفی وحدت عددی از باری تعالی» را بررسی کرده است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: علوم معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) / تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۱۳۴۶-۴۷ ش.

+ مقاله مستخرج: «میرداماد: فلسفه و شرح حال و نقد آثار او» (۲، ۴، ۱۱) + باز نشر به صورت کتاب:

۱. حکیم استرآباد: میرداماد، سیدعلی موسوی مدرّس بهبهانی، چ ۱، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.
۲. حکیم استرآباد: میرداماد، سیدعلی موسوی مدرّس بهبهانی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱، ۴، ۲. شرح حال و افکار حکیم فارابی، شیخ ابن سینا، محقق دوانی، سیدالحکماء میرداماد (از روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السادات، تألیف علامه میرزا محمد باقر خوانساری اصفهانی)

نگارنده (دانشجو): حسین قرشی الحسینی / استاد راهنما: زین الدین جعفر زاهدی / مقطع تحصیلی: کارشناسی

معرفی: این پایان نامه، به بازخوانی و ترجمه شرح حال فارابی، ابن سینا، جلال الدین دوانی و میرداماد از کتاب روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السادات اختصاص دارد و شامل یک مقدمه و چهار بخش است. بخش نخست به فارابی، بخش دوم به ابن سینا، بخش سوم به دوانی و بخش چهارم به میرداماد اختصاص دارد.

بخش مربوط به میرداماد از صفحه ۵۸ و با این جملات آغاز شده است: «سیدفاضل، سخنگوی دانا و نیرومند جامع و کنجکاو، فهیم، میرمحمدباقر، پسر سید دانشمند بزرگوار...». این بخش در صفحه ۷۱ پایان یافته است.

در این بخش، مطالبی همچون ولادت میر، نسب خاندان او، ماجرای همراهی میرداماد و شیخ بهایی با شاه عباس و سنجش صفای باطن آن‌ها از سوی شاه صفوی نقل شده است. همچنین، به شاگرد وی، صدرالدین شیرازی اشاره شده و متن اجازه شیخ عبدالعلی کرکی (دایی میرداماد) و شیخ حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ بهایی) به میرداماد آمده است. سپس، برخی آثار میرداماد معرفی شده که عبارت‌اند از: القبسات و الصراط المستقیم (در حکمت)، شارع النجاة (در فقه)، حاشیه میر بر اصول کافی، رساله‌ای در نهی از نامیدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، نبراس الضیاء، خلصة الملکوت، تقویم ایمان، الأفق المبین، رساله‌هایی در جواب مسائل، اشعار و... .

مترجم به تبع مصنف، وفات میرداماد را در سال ۱۰۴۱ هجری دانسته و خاطرنشان کرده که وی کتابی با عنوان عیون المسائل داشته که توفیق اتمام آن را نیافته است. همچنین، از شب بیداری‌ها، عبادات و فضائل اخلاقی میرداماد سخن گفته و به قرب وی نزد شاه عباس صفوی و شاه صفی

اشاره کرده است. نگارنده در پایان، نمونه‌هایی از اشعار فارسی و عربی میرداماد آورده است. اطلاعات ثبت: دانشگاه: فردوسی (مشهد) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت اسلامی) / تاریخ دفاع: سال تحصیلی ۱۳۴۹-۵۰ ش.

۱،۵. فقه و اصول

۱،۵،۱. بررسی نظرات فقهی میرداماد

نگارنده (دانشجو): محمد انصار / استاد راهنما: سوسن نریمانی / استاد مشاور: زهرا تجری مؤذنی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه که به تبیین دیدگاه‌های فقهی میرداماد اختصاص یافته، شامل چهار فصل است. نویسنده بعد از بیان کلیات، در فصل اول آثار فقهی میرداماد را معرفی کرده و ویژگی‌های هریک را برشمرده است. وی روش فقهی میرداماد را بر اساس کتاب ضوابط الرضاع - که آن را شاهکار فقهی میرداماد دانسته - و ارائه برخی مثال‌ها، بررسی کرده است. آثار بررسی شده در این فصل عبارت‌اند از: السبع الشداد، شارع النجاة فی أبواب العبادات، ضوابط الرضاع و عیون المسائل. بررسی نظرات و ادله فقهاء گذشته، گرایش به احتیاط در فتوا و اختلاط مباحث فقهی با سایر علوم، از جمله ویژگی‌هایی است که نگارنده برای آثار فقهی میرداماد برشمرده است. فصل دوم، به بررسی مبادی و مبانی علم فقه از دیدگاه میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، تعریف میرداماد را از برخی اصطلاحات از جمله «علم فقه»، «فقه اصغر و فقه اکبر»، «غریب الفقه» و «اخباری»، مرور کرده است. همچنین، از نحوه مواجهه میرداماد با منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی (قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل) و استفاده او از این منابع، سخن گفته است. در فصل سوم، نظرات فقهی میرداماد در باب عبادات طرح و بررسی شده‌اند. نگارنده در این فصل، آراء میرداماد را در موضوعاتی همچون برخورد نجاست با آب قلیل، مشروعیت عبادت کودک، وجوب تخییری نماز جمعه، شرط طهارت در صحت روزه، حکم حاکم در رؤیت هلال و...، با آراء فقیهان گذشته و معاصر شیعه و اهل سنت مقایسه کرده و مبانی فقهی برخی از این فتاوا را توضیح داده است.

فصل چهارم نیز مانند فصل سوم و به همان شیوه، به تبیین دیدگاه‌های فقهی میرداماد درباره معاملات اختصاص دارد. در این فصل فتاوی میرداماد در دو بخش عقود (نکاح، محارم سببی، محارم رضاعی، مهریه، حضانت، طهار و...) و احکام (فتوای جهاد، حرمت نام بردن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با نام اصلی، ثبوت سیادت از سوی مادر، ریش تراشی و...) تحلیل و بررسی شده‌اند. نویسنده در پایان، جمع‌بندی مطالب فصول مذکور را ارائه کرده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: آزاد اسلامی (واحد گرگان) / دانشکده: علوم انسانی (گروه الهیات و معارف اسلامی) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۶ ش.

+ مقالات مستخرج: «نگاهی به کتاب السبع الشداد میرداماد» (۲/۳، ۱۸) / «نگاهی به کتاب شارع النجاة میرداماد» (۲/۳، ۱۹) / «نگاهی به کتاب ضوابط الرضاع میرداماد» (۲/۳، ۲۰) / «مسئله حضانت و شروط آن: نگاهی به نظر فقهی میرداماد استرآبادی» (۲/۵، ۹).

۱،۶. منطق

۱،۶،۱. آراء منطقی میرداماد

نگارنده (دانشجو): سعید احمدی / استاد راهنما: عسکری سلیمانی امیری / استاد مشاور: یارعلی کرد فیروز جایی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان نامه، به بررسی آراء میرداماد در حوزه منطق اختصاص دارد. مطالب این تحقیق، شامل همه مباحثی است که میرداماد به پیروی از منطق دانان پیش از خود مطرح کرده یا از ابداعات او به شمار می روند. پایان نامه از پنج فصل تشکیل شده است که فصل اول آن به بیان کلیات اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، با اشاره به اهمیت و ضرورت تحقیق، متذکر شده که آراء منطقی میرداماد، نقطه اتصال مباحث منطقی حکماء مشائی با مباحث منطقی حکمت متعالیه است؛ از این رو، بررسی آراء میرداماد، روند تکاملی مباحث منطق را نشان داده و همچنین، سبب فهم بهتر منطق صدرایی می شود.

در فصل دوم، مباحث مقدماتی منطق (یا به تعبیر قدما: رئوس ثمانية) از دیدگاه میرداماد بررسی شده است. این مباحث عبارت اند از: تعریف، غرض و موضوع منطق، دلالت (انحاء تحقیق یک شیء، نحوه وضع الفاظ، تعریف دلالت، اقسام دلالت)، علم (علم صوری و حصولی، تصور و تصدیق و حقیقت آن ها، مطابقت در تصورات و اینکه مفرد، مفید تصدیق نیست)، تقابل (تناقض، عدم و ملکه، تضاد، تضایف، ویژگی ها و اشکالات باب تضایف)، مطالب (شامل مطالب ما، آی، هل، لم، ترتیب مطالب اصلی و فروع مطالب).

نویسنده در فصل سوم، مباحث مربوط به تصورات را تبیین کرده است. وی در این بخش، با بررسی دیدگاه میرداماد درباره «کلیات خمس»، تعریف و رابطه حد و محدود (یا معرف و معرف)، متذکر شده است که از دیدگاه میرداماد، نمی توان به کنه و حقیقت اشیاء پی برد و آنچه به عنوان جنس و فصل در تعریف اشیاء آورده می شود، تنها لوازم و عناوین هستند.

فصل چهارم به بررسی تصدیقات اختصاص دارد. نگارنده در این فصل، آراء میرداماد را در خصوص مباحث ذیل تبیین کرده است: تعریف حمل و اقسام آن (موافات و اشتقاق، حمل ذاتی اولی و شایع صناعی، اقسام حمل شایع)؛ معیار صحت حمل، قضیه حملیه و اجزاء آن؛ عقدالوضع و حقیقت و جهت آن؛ وجود رابط در قضیه؛ مفاد سالبه (تمایز سالبه و معدوله المحمول و سالبه المحمول، معنای اعمیت موضوع سالبه از موجه و اشکالات وارد بر آن)؛ اقسام حملیه (بتیه و غیربتیه، تمایز بین حملیه بتیه و مشروطه، پارادوکس حمل بر ممتنعات و پاسخ آن، غیریتی بودن احکام واجب الوجود)؛ شخصیه؛ حاصره؛ طبیعیه و مهمله؛ حقیقیه؛ خارجیّه و ذهنیه؛ ملاک صدق در قضایا؛ ماده و جهت (بدهات مفهوم مواد، رکنیت یا ضمنیت مواد، جایگاه جهت در قضیه، تقسیم حملیه به مطلقه و موجهه)؛ اقسام امکان (شامل امکان عام، خاص، اخص، استقبالی، استعدادی)؛ ضرورت و اقسام آن (ضرورت ذاتیه، وصفیه، ازلیّه، سالبه ضروریّه و سالبه الضرورة).

در فصل پنجم، برهان و مباحث مربوط به آن مطرح شده است؛ مباحث این فصل عبارت اند از: تعریف برهان؛ تعریف یقین؛ اقسام برهان (برهان إنّ و برهان لم)، ملاک علیّت در حدّ وسط؛ قاعده «ذوات الأسباب»؛ برهان لم و إنّ در قیاسات استثنایی اتّصالی و انفصالی؛ برهان در

قیاس‌های خلف و مقسّم؛ اجزاء علوم.

نگارنده در پایان، نتایج تحقیق خود را درباره آراء منطقی میرداماد، در سی‌ویک بند ارائه کرده است. از جمله نتایج این تحقیق، آن است که میرداماد هیچ تعریفی برای منطق ارائه نکرده و این مطلب از موافقت او با تعاریف پیشینیان خبر می‌دهد. همچنین، تمایز بین معقولات ثانیه (معقولات ثانیة منطق و فلسفی) از ابداعات میرداماد است. وی معتقد است که تصوّر و تصدیق دو نوع ادراک هستند که حقیقت و متعلّق آن‌ها با یکدیگر متفاوت است.

میرداماد همچنین، با تحلیل اقسام تقابل، به اشکالات آن پاسخ داده و در حلّ این اشکالات، توجّه ویژه‌ای به حیثیات داشته است. میرداماد مطلب «هل» را به دو قسم بسیط و مرکّب و هل بسیط را به دو قسم حقیقی و مشهوری تقسیم کرده است. وی بر این باور است که هل بسیط حقیقی، پرسش از خود شیء به حسب حقیقت و تقرّر آن در ماهیتش است. او به وجود دو نوع تعریف در منطق باور دارد: یکی حدّ تامّ که در پاسخ به «مای حقیقیّه» استفاده می‌شود؛ و دیگری تعریف شرح‌الاسمی یا تعریف غیرحقیقی.

از نظر میرداماد، حمل جزئی حقیقی بر جزئی حقیقی صحیح است. همچنین، او اعمّیت موضوع سالبه از موجه را اعتباری می‌داند، نه به حسب شمول و عموم افراد. میرداماد برهان لمّ و إنّ را علاوه بر قیاس‌های اقترانی مرکّب، در قیاس‌های استثنائی نیز جاری می‌داند. وی معتقد است که قیاس خلف تنها بر اساس برهان إنّ منعقد می‌شود؛ مگر اینکه قیاس خلف به قیاس مستقیم باز گردد. همچنین، برهان لمّ در قیاس مقسّم جایی ندارد.

اطلاعات ثبت: دانشگاه باقرالعلوم (قم) / دانشکده فلسفه و اخلاق (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۰ ش.

+ مقاله مستخرج: «برخی از ملاحظات منطقی میرداماد» (۲، ۱۱، ۱).

۱.۷. مطالعات میان‌رشته‌ای

۱.۷.۱. بررسی ماهیت «عرش» و «کرسی» و کارکردهای جهان‌شناختی آن‌ها از منظر دو

مدرسه فلسفی و کلامی اصفهان و سنجش آن‌ها با آموزه‌های نقلی

نگارنده (دانشجو): مرجان درستی مطلق / استاد راهنما: موسی ملایری / استاد مشاور: محمّد پارچه‌باف دولتی / مقطع تحصیلی: دکتری

معرفی: در این رساله آراء پنج نفر از حکماء و متکلمان مکتب اصفهان درباره دو مفهوم «عرش» و «کرسی» بررسی و با آموزه‌های دینی مقایسه شده است. نگارنده از میان حکماء مکتب اصفهان، میرداماد، ملاصدرا و قاضی سعید قی و از میان متکلمان این مکتب، مولی صالح مازندرانی و علامه مجلسی را برگزیده است.

فصل اوّل به بیان کلیات اختصاص دارد که در آن، علاوه بر بررسی معنای لغوی و اصطلاحی عرش و کرسی، توضیحاتی اجمالی در معرفی این پنج اندیشه‌مند ارائه شده است.

در فصل دوم، ماهیت و کارکرد عرش و کرسی از منظر فلاسفه مکتب اصفهان بررسی شده و نگارنده ابتدا به بیان دیدگاه میرداماد در این خصوص پرداخته است. مطالب مربوط به میرداماد

تحت عناوین «مشروح دیدگاه‌های میرداماد» و «جمع‌بندی دیدگاه میرداماد درباره ماهیت و کارکرد عرش و کرسی»، در صفحات ۳۱ تا ۳۵ بیان شده است. نویسنده معتقد است که دیدگاه میرداماد درباره چستی عرش و کرسی در ذکر روایات و بررسی کوتاه آن‌ها، خلاصه شده است.

نگارنده ماهیت عرش را از نظر میرداماد چنین بیان کرده است: «۱. عرش جسمانی؛ فلک اقصی؛ ۲. اسم علم و قدرت؛ ۳. عرش عقلانی؛ عقل فلک اقصی؛ ۴. عقل اول؛ لوح کل نظام وجود؛ ۵. مجرّد؛ ۶. ماء؛ علم و عقل قدسی حامل علم».

همچنین، دیدگاه میرداماد را در بیان ماهیت کرسی چنین خلاصه کرده است: «۱. جسمی غیر از آسمان‌ها و زمین، در مقابل عرش؛ ۲. تصویر عظمت خدا با تمثیل آوردن از یک امر حسی؛ ۳. تعبیری مجازی از علم خدا؛ ۴. تعبیری مجازی از ملک و سلطنت».

وی سپس، به کارکرد جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی عرش اشاره کرده است. بعد از بیان نظرات میرداماد، به تبیین آراء ملاصدرا و قاضی سعید قی درباره ماهیت و کارکرد عرش و کرسی پرداخته و در پایان این فصل چکیده‌ای از دیدگاه میرداماد، ملاصدرا و قاضی سعید قی ارائه کرده است.

فصل سوم به بررسی ماهیت و کارکرد عرش و کرسی از دیدگاه متکلمان مکتب اصفهان (مولی صالح مازندرانی و علامه مجلسی) اختصاص یافته است. نویسنده در پایان این فصل، با مقایسه دیدگاه متکلمان با آراء فلاسفه، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را بیان کرده است.

در فصل چهارم، ماهیت و کارکرد عرش و کرسی در آموزه‌های دینی (آیات قرآن کریم و روایات) تبیین شده است. در پایان این فصل، نگارنده به مقایسه و سنجش دیدگاه فیلسوفان و متکلمان مکتب اصفهان با آموزه‌های دینی پرداخته و به تعابیر مشترک و انحصاری آن‌ها در برداشت از این آموزه‌ها اشاره کرده است. وی در این بخش خاطرنشان کرده است که دیدگاه میرداماد و ملاصدرا، به ظاهر آیات و روایات نزدیک بوده و ایشان در بیشتر مواضع، کلام معصوم (علیه السلام) را تکرار کرده‌اند. نگارنده در بخش نتیجه‌گیری، از مقایسه نظرات میرداماد و ملاصدرا و همچنین، سنجش آراء ایشان با قاضی سعید قی نتایجی استخراج کرده است؛ از جمله اینکه مبنای استنباط ایشان در تبیین عرش و کرسی و سایر مفاهیم مرتبط با عرش و کرسی - مانند «ماء» - عقل، نقل و علومی مانند هیئت بطلمیوسی بوده و در تحلیل این مفاهیم، از تأویل و تمثیل بهره برده‌اند. وی همچنین، دیدگاه‌های پنج اندیشه‌مند نام‌برده در این تحقیق را درباره عرش و کرسی و ماء با یکدیگر مقایسه کرده و دیدگاه‌های ایشان را بر آموزه‌های دینی عرضه کرده است. او در پایان این بخش، متذکر شده که نظرات فلاسفه مکتب اصفهان، همان محتوای آموزه‌های دینی است که به زبان و اصطلاحات فلسفی بیان شده‌اند. اطلاعات ثبت: دانشگاه: قرآن و حدیث (پردیس تهران) / دانشکده: علوم و معارف اسلامی (گروه کلام و عقاید امامیه) / تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۹۶ ش.

۱،۸. ضمیمه رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی

در این بخش رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی معرفی خواهند شد که ارتباط مستقیمی با میرداماد، شخصیت، آراء و آثار او ندارند؛ اما حاوی سرنخ‌ها و اطلاعاتی هستند که برای تحقیقات میردامادشناسی مفید خواهند بود.

۱/۸/۱. استقصای ادله اصالت وجود و اصالت ماهیت و نقدی بر هر یک

نگارنده (دانشجو): مهدی داودی / استاد راهنما: عزیزالله فیاض صابری / استاد مشاور: سیدمرتضی حسینی شاهرودی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: در این پایان‌نامه، ادله حکماء و اندیشه‌مندان اسلامی در قول به اصالت وجود یا اصالت ماهیت تبیین و نقد شده‌اند. عمده مباحث مربوط به اصالت وجود، بر محور آراء ملاصدرا و بیشتر مباحث مربوط به اصالت ماهیت، با اتکا بر آراء شیخ اشراق مطرح شده‌اند. نویسنده تنها در سه موضع به دیدگاه میرداماد اشاره کرده است:

در صفحه ۲۱ و ذیل عنوان «سیر تاریخی اصالت وجود یا اصالت ماهیت»، خاطرنشان کرده که بحث از اصالت وجود یا ماهیت، نخستین بار در زمان میرداماد و ملاصدرا به صورت دورانی مطرح شده و میرداماد با وجود مسلک مشائی‌اش، به اصالت ماهیت قائل شده است. در صفحه ۲۷ و ذیل عنوان «مراد از اصالت وجود و اعتباریت ماهیت و بالعکس» اشاره کرده که برای نخستین بار میرداماد از دو تعبیر اصالت و اعتباریت در فلسفه خود استفاده کرده است. همچنین، در صفحه ۸۴ متذکر شده که میان حکماء پیش از ملاصدرا و میرداماد، بحث مستقلاً در باب اصالت وجود یا ماهیت مطرح نبوده است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: فردوسی (مشهد) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و حکمت اسلامی) / تاریخ دفاع: تیر ۱۳۹۰ ش.

۱/۸/۲. اندیشه سیاسی فارابی و ارتباط آن با مذهب تشیع

نگارنده (دانشجو): بهرام منتظری / استاد راهنما: علی اصغر حلبی / استادان مشاور: حمید بهرامی؛ سیدحسن سعادت مصطفوی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: فصل اول این پایان‌نامه به شرح حال فارابی و معرفی آثار، استادان و شاگردان وی اختصاص دارد. از جمله مطالب این فصل، تأثیر فارابی بر حکماء متأخر است. نویسنده ذیل توضیحات مربوط به عنوان «معلم ثانی» که از القاب مشهور فارابی است، به لقب «معلم ثالث» که برای میرداماد استعمال شده، اشاره کرده است (صص ۶-۸).

نام میرداماد در زمره حکمایی که از فارابی اثر پذیرفته‌اند، در این فصل ذکر شده است. نگارنده در اشاره‌ای بسیار کوتاه در این باره (ص ۲۷)، به تعبیر «شریکنا فی الریاسة» و تعبیر «شریکنا فی التعلیم» که میرداماد آن‌ها را برای ابن‌سینا و فارابی به کار برده، استناد کرده و از توجه و التفات میرداماد به کتاب الجمع بین رأی الحکیمین فارابی سخن گفته است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: امام صادق (تهران) / دانشکده: معارف اسلامی و علوم سیاسی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: مرداد ۱۳۶۸ ش.

۱/۸/۳. اندیشه‌های کلامی قاضی سعید قمی

نگارنده (دانشجو): مهدی فرمانیان / استاد راهنما: نجفقلی حبیبی / استاد مشاور: قاسم جوادی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: در این پایان‌نامه، زندگی، آثار و اندیشه‌های کلامی قاضی سعید قمی تبیین شده است.

نگارنده در فصل سوم از این پایان نامه که به نظرات قاضی سعید قمی درباره خداوند و صفات او و مباحث مرتبط با آن اختصاص دارد، در صفحه ۴۹، خاطر نشان کرده است که در اصفهان عصر صفوی، سه مکتب حکمی وجود داشت: اول، مکتب میرداماد یا قائلان به اصالت ماهیت؛ دوم، مکتب ملاصدرا و سوم، مکتب ملارجبعلی تبریزی. وی متذکر شده که قاضی سعید، شاگرد ملارجبعلی، کاملاً تحت تأثیر افکار استاد خود بوده و آن‌ها را پذیرفته است.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: قم / دانشکده: مرکز تربیت مدرّس (گروه معارف و الهیات اسلامی) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۸۱ ش.

۱،۸،۴. بررسی آراء منتسب به رواقیان در فلسفه اسلامی و ریشه‌یابی آن

نگارنده (دانشجو): حامده راستایی جهرمی / استاد راهنما: سعید انواری / استاد مشاور: رضا سلیمان حشمت / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: نگارنده این پایان نامه در پی پاسخ به این سؤال است که کدام یک از مباحث رواقیان و افکار آن‌ها در فلسفه اسلامی تأثیر داشته است. تنها مطلب مرتبط با میرداماد در این رساله، در فصل سوم آمده است. در این فصل، آراء منسوب به رواقیان در جهان اسلام بررسی شده است. نویسنده ذیل عنوان «آراء خاص در طبیعیات» و درباره عقول، در صفحه ۵۸، از جذوات و مواقیت نقل کرده است که رواقیان و اشراقیان، تعداد عقول و نفوس مجرّد را به تعداد کرات و افلاک و کواکب می‌دانند.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: علامه طباطبائی رحمته الله علیه (تهران) / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: شهریور ۱۳۹۳ ش.

+ مقاله مستخرج: «بررسی تأثیر آراء رواقیان بر مکتب اشراقی سهروردی» (۲،۱۴،۶)

۱،۸،۵. تجرّد برزخی

نگارنده (دانشجو): ابوالقاسم شکوری / استاد راهنما: زهرا مصطفوی / استاد مشاور: احمد بهشتی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: موضوع این پایان نامه، بررسی چیهستی «تجرّد برزخی» نزد حکیمان مسلمان است. نگارنده برای تبیین این مسئله، موضوعاتی همچون مراتب تجرّد نفس نزد فیلسوفان، آراء حکیمان مسلمان درباره تجرّد یا مادی بودن قوه خیال و راه‌های اثبات آن، بررسی تمایز «برزخ سعودی» با «برزخ نزولی» و همچنین، نتایج باور به تجرّد برزخی در دو حیطه مثال متّصل و مثال منفصل را به تفصیل بررسی کرده است.

فصل چهارم که به مثال منفصل (برزخ نزولی) و احکام آن اختصاص دارد، شامل شش گفتار است: تجرّد برزخی عالم مثال؛ صور معلّقه نزد سهروردی؛ مثال منفصل در عرفان اسلامی؛ عالم مثال در حکمت متعالیه؛ عالم مثال نزد متأخران؛ بررسی ادله منکران عالم مثال. در گفتار ششم این فصل، ادله منکران عالم مثال بررسی شده و بخشی از آن، به ادله میرداماد در نفی عالم مثال و پاسخ به آن‌ها اختصاص دارد. نگارنده متذکر شده که میرداماد به پیروی از فلاسفه متّشاء، عالم مثال را نفی کرده و آن را فاقد صورت برهانی دانسته است. وی عبارتی از کتاب جذوات و مواقیت درباره

دیدگاه میرداماد نقل کرده و سپس، کلام استاد آشتیانی را در ردّ و ابطال استدلال میرداماد بیان کرده است. این مطالب در صفحات ۹۳ تا ۹۴ این رساله درج شده‌اند.
اطلاعات ثبت: دانشگاه: تهران / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه فلسفه و کلام اسلامی) / تاریخ دفاع: اردیبهشت ۱۳۸۵ ش.

۱/۸/۶. تصحیح و تحقیق نسخه خطی کتاب الجواهر المنثورة في الأدعية الماثورة
نگارنده (دانشجو): محمود نصیری / استاد راهنما: علی احمد ناصح / استاد مشاور: محمدعلی تجرّی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
معرفی: این پایان‌نامه، به تصحیح رساله الجواهر المنثورة في الأدعية الماثورة اختصاص دارد که از آثار عبدالحسیب علوی عاملی، نواده دختری میرداماد، است. او در این اثر، ادعیه فراوانی از جد خویش نقل کرده که در منابع دیگر به چشم نمی‌خورند. مصحح رساله در ابتدا، مقدمه مختصری درباره دعا و فلسفه نیایش ارائه کرده و درباره سیر کلی ادعیه‌نگاری سخن گفته است. سپس، شرح حالی از مؤلف اثر، عبدالحسیب علوی عاملی، و خاندان وی آورده و آثار او را معرفی کرده است. در ادامه، علاوه بر معرفی نسخه‌های کتاب، دست‌نوشته‌های استفاده‌شده در این تصحیح را مشخص کرده است. نگارنده تذکر داده که این رساله، بر ادعیه غیرمأثوره نیز اشمال دارد؛ از این رو، محتمل است که برخی ادعیه و همچنین، خلسه‌ای که از میرداماد نقل شده، تقریرات و مناجات مؤلف یا میرداماد با خداوند باشند. وی در تقسیم‌بندی محتویات کتاب بر اساس انتساب آن‌ها به معصوم یا غیرمعصوم، خاطرنشان کرده که در این رساله، چهارده دعا از میرداماد نقل شده است.

او پس از این مقدمه، متن تصحیح‌شده کتاب الجواهر المنثورة في الأدعية الماثورة را آورده است که بر صدوپنجاه دعا، طلسم، عقد و بیان خواص سور قرآنی اشمال دارد.
اطلاعات ثبت: دانشگاه: قم / دانشکده: الهیات و معارف اسلامی (گروه علوم قرآنی و حدیث) / تاریخ دفاع: اسفند ۱۳۸۵ ش.

۱/۸/۷. تفسیر وجودشناختی ماهیت در فلسفه ملاصدرا
نگارنده (دانشجو): مرتضی کربلایی لو / استاد راهنما: محمد سعیدی مهر / استادان مشاور: رضا اکبری؛ رضا اکبریان / مقطع تحصیلی: دکتری
معرفی: موضوع این رساله، تبیین مفهوم ماهیت بر اساس مبانی فلسفی صدرالمتهلین است. نگارنده در سه موضع به دیدگاه‌های میرداماد اشاره کرده است:
وی در صفحه ۱ و بخش «کلیات» خاطرنشان کرده است که وقتی ملاصدرا از مفهوم «ماهیت» استفاده می‌کند، کاربرد وی در همان معنایی نیست که فیلسوفان پیش از وی همچون ابن‌سینا و سهروردی و میرداماد - که اصالت وجودی نبودند - از آن اراده می‌کرده‌اند.
در صفحه ۲۲ و ذیل عنوان «معنای اول ماهیت در آثار ملاصدرا» آورده است که فیلسوفان متأخر - همچون میرداماد - به برکت باریک‌اندیشی سهروردی و تأکید وی بر نقش فعال ذهن در مفهوم‌سازی - یا به اصطلاح خودش: «اعتبار» - بر مفهوم «انتزاع» تکیه کردند: ما از اشیاء

پیش‌رو دو مفهوم انتزاع می‌کنیم نه اینکه لزوماً این دو مفهوم در آن‌ها هست. در صفحه ۲۲۰ و ذیل عنوان «تعریف عین ثابت» اشاره کرده است که پیش از ملاًصدرا، اصالت وجود به این صراحت تبیین نشده بود و در عرف فیلسوفان، «ماهیت» این معنای روشن اعتباری را نداشت. چگونه می‌توان به آن فیلسوفان - همچون میرداماد و خواجه و ابن‌سینا و سهروردی و قطب شیرازی - چنین کاربردی از ماهیت نسبت داد؟ این کاربردی ویژه صدر است و انتساب آن به عرف حکماء، اعتبار چندانی ندارد. اطلاعات ثبت: دانشگاه تربیت مدرس (تهران) / دانشکده: علوم انسانی (گروه فلسفه و حکمت) / تاریخ دفاع: تیر ۱۳۹۱ ش.

۱/۸/۸. دین و عرفان صفویان از دیدگاه موافقان و مخالفان

نگارنده (دانشجو): طاهر درخشان / استاد راهنما: علی غفاری / استاد مشاور: بهمن زاهدی / مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

معرفی: این پایان‌نامه با هدف بررسی رابطه دین و عرفان در عصر صفویه (از دیدگاه موافقان و مخالفان) و همچنین، واکاوی نسبت عرفان با تصوف در این عصر، نگاشته شده است. به‌باور نویسنده، در دوران صفویه، عرفان و تصوف برای دخالت در اوضاع سیاسی، محالی به دست آورد و همین امر به استحکام وحدت سیاسی، فرهنگی و معنوی ایران منجر شد. وی به معرفی سه جریان عمده در نظام سیاسی، دینی و عرفانی حکومت صفویان پرداخته است که عبارت‌اند از: جریان اول: عارفان اصیل و حکیمان و صوفیان جامع که به سازگاری کامل و توافق عرفان و دین باور دارند. ایشان معتقدند که عارف مسلمان برای وصول به حقیقت، راهی جز طریقت و شریعت ندارد. رفتار و عمل سیاسی این دسته نیز در بستر شریعت سازمان یافته است.

جریان دوم: صوفیان ظاهری و فرقه‌هایی که نگارنده از آن‌ها با تعبیر «درویشیسم» یاد کرده است. ایشان اغلب در پی اهداف سیاسی و اجتماعی خاصی خود بوده‌اند.

جریان سوم: علماء قشری که انحرافات دسته دوم را بهانه‌ای برای مخالفت با عرفان و تصوف قرار داده و به تعارض بنیادین عرفان با سیاست حکم کرده‌اند.

نویسنده در فصل چهارم، درباره موافقان و مخالفان عرفان صفوی سخن گفته و سه جریان مذکور و شیوه آن‌ها را در باب رویارویی عرفان با دین بررسی کرده است. او میرداماد، شیخ بهایی، میرفندرسکی، ملاًصدرا، محمدباقر سبزواری، صائب تبریزی، عبدالرزاق لاهیجی و فیض‌کاشانی را در زمره عارفان و صوفیان اصیل و راستین (جریان اول) دانسته و خاطرنشان کرده است که آن‌ها همواره با دو گروه علماء قشری و صوفی‌نمایان مبارزه می‌کرده و علوم خود را در راه اهداف عرفانی عرضه و استفاده می‌کردند.

وی فصل سوم و ذیل عنوان «ارتباط عرفان و دین»، در صفحه ۴۸، اشاره کرده است که در دوره صفویه با وجود مخالفت سخت و پیگیر علماء شیعه با صوفیان، علماء نامداری چون شیخ بهایی، میرداماد، ملاًحسن فیض‌کاشانی و فیاض‌لاهیجی، دارای گرایش‌های عرفانی آشکار بوده‌اند. در صفحه ۱۰۱ و ذیل عنوان «عارفان و صوفیان اصیل و راستین»، آورده است که عارفان بزرگ

و مشهور در دوره صفوی فراوان بوده و شخصیت‌هایی چون شیخ بهایی، میرداماد، میرفندرسکی، ملاصدرا، محمدباقر سبزواری، صائب تبریزی، عبدالرزاق لاهیجی و فیض کاشانی که در دو جبهه هم با علماء قشری و هم با صوفیه می‌جنگیدند.

در صفحه ۱۰۳ متذکر شده است که بزرگ‌ترین چهره‌های مکتب اصفهان، شیخ بهایی، میرداماد و میرفندرسکی بودند که هر سه تمایلات شدید عرفانی، صوفیانه و اشراقی داشتند.

در صفحه ۱۱۱، به نقل از محمدکریم شریف‌قی، نویسنده تحفة العشاق، آورده است که دانشمندانی همچون شیخ بهایی، میرداماد، عبدالرزاق لاهیجی، ملارجبعلی تبریزی، فیض کاشانی، محمود عبدالعظیمی، شیخ حسین تنکابنی، محمدتقی مجلسی و محمدباقر خراسانی، به مشرب تصوف تمایل داشته‌اند.

اطلاعات ثبت: دانشگاه: محقق اردبیلی (اردبیل) / دانشکده: ادبیات و علوم انسانی (گروه ادیان و عرفان اسلامی) / تاریخ دفاع: تابستان ۱۳۹۶ ش.

۲. بخش دوم: مقالات

۲/۱. فلسفه و کلام

۲/۱/۱. آثار نظریه «دهر» و «حدوث دهری» در حکمت یمانی میرداماد

نگارنده: زهرا مصطفوی

معرفی: نگارنده با اشاره به جایگاه بنیادی نظریه «حدوث دهری» در نظام حکمی / فلسفی میرداماد، تأثیر این نظریه را در تبیین وی از مسائل گوناگون فلسفی، بررسی کرده است. او بعد از ارائه توضیحاتی درباره «حکمت یمانی» و اشاره به تلاش‌های میرداماد برای ایجاد سازگاری و هماهنگی میان فلسفه و عرفان، خاطرنشان کرده است که اگر نوآوری‌های ملاصدرا و شهرت وی، تا این اندازه نبود، شاید اکنون همه ما در زمره پیروان حکمت یمانی بودیم. نویسنده سپس، به بررسی اهمیت نظریه حدوث دهری در حکمت یمانی پرداخته و مسئله «دهر» را مسئله آغازین و بنیادین در فلسفه میرداماد دانسته است. وی خاطرنشان کرده که میرداماد دهر را وسیله‌ای برای پردازش دیگر مباحث فلسفی قرار داده است. در ادامه، نتایج نظریه حدوث دهری و تأثیر آن بر دیگر آراء و نظرات فلسفی میرداماد را برشمرده است که از این قرارند: جایگزینی حدوث ذاتی با حدوث دهری؛ نفی مثل افلاطونی؛ تفسیر قضایای مطلقه عامه؛ عدم تناهی زمان؛ راهی میان تشبیه و تنزیه در اعتقادات؛ تفسیری جدید از حدوث زمانی؛ تفسیر آیات قرآنی و روایات در موضوعات مختلف؛ تفسیر نسخ احکام الهی و آموزه «بداء»؛ تبیین خلق جمعی عالم. وی مهم‌ترین نتیجه حدوث دهری را آموزه خلق جمعی عالم معرفی کرده و تأثیرات این باور را در فلسفه میرداماد رصد کرده است. به اعتقاد نگارنده، این دیدگاه - که خود از نتایج نظریه حدوث دهری است - در تفاسیر میرداماد از مسائلی مانند علم باری تعالی، معیت قیومی حق، تفسیر قضاء و قدر و کیفیت وقوع شرور مؤثر بوده است.

نگارنده در بخش نتیجه‌گیری متذکر شده که نظریه حدوث دهری اثرات مهم و فراوانی در فلسفه میرداماد داشته؛ اما مهم‌ترین اثر آن، آموزه خلق جمعی عالم ممکنات است؛ زیرا این آموزه، مسیر

میرداماد و حکمت یمانی را برای ارائه فلسفه‌ای هماهنگ با قرآن و عرفان، هموارتر کرده است. اطلاعات نشر: فصلنامه اندیشه دینی (دانشگاه شیراز)، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۶ش، صص ۴۰-۲۱.

۲،۱،۲. آموزه «بداء» و کتاب‌شناسی آن

نگارنده: محمدرضا زادهوش

معرفی: نویسنده در ابتدا توضیحاتی درباره مسئله «بداء» بیان کرده و آن را یکی از اختصاصات کلام شیعی دانسته است. او در ادامه، معنای لغوی «بداء» را بررسی کرده و با استناد با آیات قرآن، روایات شیعیان و روایات اهل سنت، آموزه بداء را اثبات کرده است. ناهمسازی نسخ و بداء، بداء در تکوینیات، تحلیل نقلی و عقلی «لوح محو و اثبات»، نظریه «نفس فلکی» از جمله مطالبی است که نگارنده درباره آن‌ها سخن گفته است.

وی در قسمت بعدی مقاله، کتاب‌شناسی توصیفی مسئله بداء را در دو بخش ارائه کرده است: در بخش اول، به معرفی و توصیف کتاب‌هایی پرداخته است که به شکل غیرمستقیم از مسئله بداء سخن گفته‌اند. این بخش شامل معرفی بیست کتاب است. در بخش دوم نیز به معرفی و توصیف کتبی پرداخته است که به طور مستقل و مستقیم به آموزه بداء اختصاص دارند. در این بخش نیز شصت و سه کتاب معرفی شده‌اند.

از جمله کتبی که در بخش دوم از قسمت کتاب‌شناسی معرفی شده، نبراس الضیاء و تسوا السواء فی شرح باب البداء و اثبات جدوی است که مهم‌ترین اثر میرداماد درباره آموزه بداء به شمار می‌رود. اثر دیگر، کتاب الحروف و الأعداد میرداماد است که به تصریح نویسنده، بخشی از کتاب نبراس الضیاء بوده و اثر مستقلی نیست. اثر دیگری که در این بخش معرفی شده «بداء» نام دارد که به گفته نگارنده، رساله مختصری است که «قواعد و تحقیقات فی عدم تبعّض العبادة بالوجوب و الاستحباب و فی العبادة الکاملة» نیز خوانده می‌شود.

اطلاعات نشر: کتاب ماه دین (خانه کتاب)، شماره ۶۸ و ۶۹، خرداد و تیر ۱۳۸۲ش، صص ۸۸-۶۶.

۲،۱،۳. از حدوث ذاتی تا حدوث دهری و سرمدی

نگارنده: احمد بهشتی

معرفی: این مقاله به بررسی آراء اندیشه‌مندان اسلامی درخصوص حدوث و قدم عالم اختصاص دارد. نویسنده پس از تحلیل رأی فلاسفه درباره حدوث ذاتی عالم و رأی متکلمان درخصوص حدوث زمانی عالم، نقدهای این دو گروه را درباره دیدگاه‌های یکدیگر تبیین کرده است. پس از آن، پاسخ‌های فلاسفه را به مسئله حدوث عالم بررسی کرده و بعد از تبیین نظریه «حدوث طبعی» صدرالمتألهین و نظریه «حدوث اسمی» حکیم سبزواری، به تحلیل نظریه «حدوث دهری» میرداماد پرداخته است.

تقریری که در این مقاله از حدوث دهری ارائه شده، برگرفته از عبارات حکیم سبزواری در شرح منظومه است. نگارنده خلاصه تلاش میرداماد را در طرح نظریه حدوث دهری، جایگزینی عدم واقعی با عدم وهمی متکلمان و عدم اعتباری فیلسوفان دانسته است. به باور وی، بر اساس نظریه میرداماد، در حدیث مشهور «کان الله و لم یکن معه شیء»، سخن از انفصال عالم از خدا

یا جدایی فعل از فاعل نیست؛ بلکه این جدایی و مفارقت در سلسله طولی تحقق می‌یابد و هر عالمی به عدم خود در سلسله طولی مسبوق است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۰۹-۱۲۶.

+ باز نشر: زلال حکمت (مجموعه مقالات فلسفی)، احمد بهشتی، چ ۱، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۱ ش، صص ۲۵۵-۲۷۲.

۲،۱،۴. اصالت ماهیت از میرداماد تا عصر حاضر

نگارنده: غلامحسین ابراهیمی دینانی

معرفی: نویسنده پس از اشاره به باور حکماء به ترکیب موجودات ممکن از دو حیث وجود و ماهیت و تلاش ایشان در اثبات اصالت یکی از این دو حیث، بحث خود را از دیدگاه میرداماد آغاز کرده است. به اعتقاد وی، میرداماد به اصالت ماهیت قائل بوده و طرفداران این قول - از جمله عبدالرزاق لاهیجی، قاضی سعید قی و... - نتوانسته‌اند دلایلی برتر از آنچه میرداماد در اثبات این رأی ارائه کرده است، بیاورند. وی بعد از اشاره به دیدگاه‌های ملاصدرا و قاضی سعید قی، به تبیین نظر میرداماد پرداخته است. از نظر نویسنده، میرداماد در هر دو مقام جعل و تحقق، به اصالت ماهیت باور داشته است. وی در ادامه، خاطرنشان کرده که میرداماد در ارائه برخی استدلال‌ها در اثبات اصالت ماهیت، تحت تأثیر اندیشه‌های شیخ اشراق بوده است.

نگارنده بر این باور است که مسئله اصالت ماهیت در آثار حکماء پیش از میرداماد به شکل منسجم مطرح نشده؛ چنان‌که مسئله اصالت وجود نیز پیش از ملاصدرا به شکل نظام‌مند مطرح نبوده است. پس از این دو حکیم، دو نظریه اصالت وجود یا اصالت ماهیت، به دو جریان فکری متقابل تبدیل شدند، میرداماد و ملاصدرا در جایگاه نمایندگان اصلی این دو جریان قرار گرفتند و هریک طرفداران و منتقدانی پیدا کردند. نویسنده در پایان، به آراء برخی پیروان و منتقدان این دو جریان - از جمله حکیم مدرّس زنوزی، علامه حائری مازندرانی، میرزا جواد آقا تهرانی و میرزامهدی اصفهانی - اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: گلچرخ، سال ۱، شماره ۳، تیر و مرداد ۱۳۷۱ ش، صص ۱۵۷-۱۶۲.

۲،۱،۵. اصالت وجود: از مسئله تا مبنا

نگارندگان: روح‌الله نادر علی؛ ناصر محمدی؛ محمدحسین مهدوی نژاد؛ علیرضا پارسا

معرفی: در این مقاله، نحوه شکل‌گیری و مبنای مسئله اصالت وجود و تلاش‌های ملاصدرا در تبیین و اثبات این نظریه بررسی شده‌اند. نویسندگان در واکاوی زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری نظریه اصالت وجود، متذکر شده‌اند که میرداماد نخستین کسی است که پرسش دو وجهی از اصالت وجود یا اصالت ماهیت را مطرح کرده است؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از اندیشه‌مندان قبل از وی را نمی‌توان طرفدار نظریه اصالت وجود یا اصالت ماهیت - به معنای کنونی آن - محسوب کرد. ایشان همچنین، خاطرنشان کرده‌اند که آنچه سبب پیدایش این پرسش در ذهن میرداماد

شده، بحث اعتباریات در آثار شیخ اشراق - به ویژه دو مبحث «وجود کلی طبیعی در خارج» و «مغایز نبودن وجود و ماهیت شیء در خارج» - بوده است. نویسندگان بر این باورند که اگر پرسش از اصالت وجود یا ماهیت برای اولین بار از سوی میرداماد طرح نمی شد، دیدگاه امروزی ملاًصدرا در این باره، هرگز شکل نمی گرفت. اطلاعات نشر: حکمت صدرایی (دانشگاه پیام نور/ واحد تهران)، سال ۴، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش، صص ۱۴۵-۱۵۴.

۲،۱،۶. اکوان ثلاثه یا نظام هستی از دیدگاه میرداماد

نگارنده: مقصود محمدی

معرفی: میرداماد نظریه حدوث زمانی متکلمان و حدوث ذاتی فلاسفه را در تبیین پیدایش عالم و ارتباط واجب الوجود با ممکن الوجود ناکافی دانسته است؛ از این رو، سه ساحت سرمد، دهر و زمان را برای ساختار وجودی عالم در نظر گرفته و با تحلیل این اکوان سه گانه، «حدوث دهری» را برای حل مشکل ارتباط قدیم با حادث مطرح کرده است. نویسنده با این توضیح، خاطر نشان کرده که میرداماد بخش های فراوانی از کتاب القبسات را به تبیین نظریه حدوث دهری اختصاص داده است. وی سپس، به بررسی این نظریه از دیدگاه متأخران (حکیم سبزواری و استاد سید جلال الدین آشتیانی) پرداخته است.

نویسنده بر این باور است که نثر پیچیده و متکلف میرداماد سبب شده تا نظریه وی همچنان در ابهام باقی بماند؛ اما مهم ترین ابهام درباره نظریه حدوث دهری، مخالفت برجسته ترین شاگرد میر، ملاًصدرا، با اصول و مبانی فلسفی استاد خود و سکوت او در برابر این نظریه است. او در ادامه، عبارات حاجی سبزواری و مرحوم آشتیانی را درباره حدوث دهری نقل کرده است. سپس، با تحلیل دلایل سه گانه میرداماد در اثبات این نظریه، متذکر شده که میرداماد حدوث دهری را از طریق ملازمه مراتب هستی با یکدیگر اثبات کرده است. او در پایان چنین نتیجه گرفته است که اکوان ثلاثه در آثار پیشینیان نیز مطرح بوده اند؛ اما میرداماد معنایی متفاوت با مقصود ایشان از آن ها اراده کرده است. نگارنده معتقد است که نظریه حدوث دهری تنها راه حل تبیین ربط حادث به قدیم به شمار می رود.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سید مصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۴۳-۱۵۷.

۲،۱،۷. امکان و تبیین آغازمندی زمانی عالم با قرائتی جدید از نظریه حدوث دهری

نگارندگان: محمد صادق کاویانی؛ غلامرضا فیاضی

معرفی: این مقاله به بررسی آراء فلاسفه و متکلمان مسلمان درباره مسئله حدوث عالم اختصاص دارد. نویسندگان کوشیده اند با ایجاد تغییراتی در مقدمات نظریه حدوث دهری، تبیین جدیدی از آغازمندی زمانی عالم ارائه کنند. در این نوشتار، ابتدا تقریر منطقی استدلال های فیلسوفان بر استحاله ذاتی آغازمندی زمانی عالم بیان شده و سپس، دیدگاه متکلمان درباره حدوث عالم بررسی

شده است. در ادامه، نظریه «حدوث دهری» میرداماد، ادله وی در ردّ مدّعی فلاسفه - یعنی نفی استحاله ذاتی آغازمندی زمانی عالم - و هریک از اصطلاحات و ملزومات نظریه حدوث دهری (از جمله نظر میرداماد درباره اصلت ماهیت، ازلیت الهی، امتناع تخلف معلول از علت تاّمه، ظرف تقررّ عدم عالم (دهر و سرمد) عدم تداخل سرمیت الهی با دهر و زمان و تقسیم‌ناپذیری وهمی دهر و سرمد) تبیین شده است. پس از آن، نویسندگان با اصلاح و تغییر مبادی مذکور، تقریر دیگری از نظریه حدوث دهری ارائه کرده و براساس آن، نشان داده‌اند که آغازمندی زمانی عالم، استحاله ذاتی ندارد. ایشان همچنین، به تفاوت‌های قرائت خود از حدوث عالم با نظریه حدوث دهری اشاره کرده‌اند.

اطلاعات نشر: حکمت اسلامی (مجمع عالی حکمت اسلامی)، سال ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶ش، صص ۹۷-۱۲۴.

۲،۱،۸. انسان در عالم اظله و ارواح: بررسی آراء دانشمندان قرن ۱۱ تا ۱۳

نگارنده: محمد بیابانی اسکویی

معرفی: این مقاله، از مجموعه نگاشته‌هایی است که مؤلف درباره کیفیت خلقت روح قبل از بدن براساس احادیث و کلمات گزیده دانشمندان سده‌های چهارم تا دهم به قلم آورده است. وی در این نوشتار، دیدگاه‌های دوازده اندیشه‌مند از اعلام سده‌های یازده تا سیزده هجری قمری (میرداماد، صدرالدین شیرازی، مرادبن علی خان تفرشی، ملاصالح مازندرانی، آقاعلی نوری، آقاعلی بهبهانی، قاضی سعید قمی، علامه مجلسی، سید نعمت‌الله جزائری، ملا محمد صادق اردستانی، محمد اسماعیل خواجوی و ملاهادی سبزواری) را بررسی کرده است.

نویسنده دیدگاه میرداماد را درخصوص خلقت روح و بدن، با توجه به توضیحات وی ذیل روایت «خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِأَلْفِي عَامٍ» در تعلیقات اختیار معرفة الرجال بیان کرده است. او پس از نقل عبارت میرداماد، سه نکته مهم از آن استخراج کرده است: نکته اول اینکه عالم امر و عالم خلق (عالم عقول و نفوس) و مراتب عرضی و طولی و مراتب نقص و کمال در مجزّذات، در زمره مسائل فلسفی هستند و احادیث خلقت ارواح قبل از ابدان، هیچ ارتباطی با این مسائل ندارند. همچنین، مراد از عالم خلق، مادّیات نیست و مراد از عالم ارواح هم عالم عقول و نفوس مجزّذ نیست؛ زیرا این مسائل و اصطلاحات فلسفی، در زمان اهل بیت علیهم‌السلام مطرح نبوده‌اند. نکته دوم اینکه با وجود شیوع فلسفه و آموزه‌های فلسفی در جهان اسلام، اندیشه‌مندان مسلمان هم اکنون نیز فهمی فلسفی از روایات مذکور ندارند. نکته سوم اینکه مباحث و مسائل فلسفی پیوسته در تغییرند و به همین دلیل، نمی‌توان روایات اهل بیت علیهم‌السلام را بر اموری حمل کرد که با فهم عرفی متفاوت‌اند.

اطلاعات نشر: سفینه (مؤسسه فرهنگی نبأ امین)، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۶ش، صص ۱۰-۲۹.

۲،۱،۹. ایرادهای «وعاء دهر» میرداماد از منظر ملاصدرا و جایگاه آن نزد حکیم سبزواری

نگارندگان: خدیجه قاسمی مقدّم؛ لاله حقیقت

معرفی: نویسندگان در ابتدا، علت توجه میرداماد به وعاء دهر را بررسی کرده و از حقیقت دهر و کارکردهای آن در فلسفه میرداماد سخن گفته‌اند. کارکرد دهر در مباحث جهان‌شناختی با این

عناوین بررسی شده است: تعطیل واسطه‌گری در خلقت؛ موجودات حادث در وعاء دهر بدون واسطه حرکت افلاک به وجود آمده‌اند؛ موجودات در وعاء دهر بدون هیچ‌گونه تقدّم و تأخّری و در عرضی واحد از واجب‌الوجود به وجود آمده‌اند؛ نفی تقدّم و تأخّرتبی. کاربرد وعاء دهر در مباحث خداشناسی نیز با تبیین مسئله علم واجب‌الوجود به ماسوی، نشان داده شده است. نویسندگان سپس، با بررسی آثار ملاًصدرا، اشکالات سه‌گانه وی را بر دیدگاه میرداماد درباره وعاء دهر، با این عناوین بیان کرده‌اند: تناقض آمیزبودن تحقّق زمان و موجودات زمان‌مند در وعاء دهر؛ منطبق نبودن آن بر آموزه مُثُل افلاطونی، استحاله انفکاک و ویژگی زمان‌مند و مکان‌مند بودن از اشیاء زمان‌مند و مکان‌مند.

نگارندگان در پایان، اشاره کرده‌اند که با وجود اشکالات ملاًصدرا بر وعاء دهر، حکیم سبزواری کوشیده است تا از این رأی دفاع کند و از آن در تبیین برخی مسائل و معضلات فلسفی - از جمله معاد جسمانی - بهره ببرد. ایشان در ادامه، تلاش حکیم سبزواری را در تلفیق وعاء دهر میرداماد با مبانی حکمت متعالیه و در نتیجه، ارائه تفسیری متفاوت از معاد جسمانی، از ابتکارات فلسفی وی برشمرده‌اند.

اطلاعات نشر: فصلنامه اندیشه دینی (دانشگاه شیراز)، شماره ۷۶ (دوره ۲۰، سری ۳)، پاییز ۱۳۹۹ ش، صص ۹۷-۱۱۸.

+ مستخرج از رساله: «بررسی سازواری «وحدت شخصی وجود» در نظام فلسفی میرداماد در مقایسه با ابن‌تُرکه» (۱/۸)

۲/۱/۱۰. بازبینی شروط و براهین استحاله تسلسل

نگارندگان: عسکر دیرباز؛ محمود صیدی

معرفی: تسلسل (به معنای ترتّب شیء بر شیء دیگر)، بر سه قسم است: تسلسل در ناحیه علل (صعودی)؛ تسلسل در معلول‌ها (نزولی)؛ تسلسل در ناحیه علل و معلول (دو جانب نزول و صعود). برای تحقّق یکی از حالات سه‌گانه تسلسل در هر مجموعه و اجزاء حکم آن، وجود سه شرط الزامی است؛ به گونه‌ای که با فقدان یکی از آن‌ها، تسلسل هم رخ نخواهد داد. سه شرط لازم برای وقوع تسلسل از این قرارند: ۱. اجزاء مجموعه بالفعل موجود باشند؛ ۲. اجزاء مجموعه با هم موجود باشند؛ ۳. میان اجزاء مجموعه، ترتّب باشد. فلاسفه اسلامی برای ابطال هر سه قسم از تسلسل، چهار برهان اقامه کرده‌اند که عبارت‌اند از: برهان وسط و طرف؛ برهان اسد و اخصر؛ برهان تطبیق و وجود؛ برهان رابط و مستقل.

این مقاله به بررسی دیدگاه میرداماد درباره استدلال‌های فلاسفه در ابطال تسلسل پرداخته است. بر اساس نظر میرداماد، براهین اقامه شده بر بطلان تسلسل تنها تنهایی سلسله صعودی را به اثبات می‌رسانند، نه تنهایی نزولی. نویسندگان این مقاله همچنین، دیدگاه‌های علامه طباطبائی و حکیم سبزواری را با رأی میرداماد در خصوص شروط تسلسل محال مقایسه کرده‌اند. از نظر میرداماد، وجود رابطه علیّ میان اجزاء یک مجموعه (ترتّب) و اجتماع در وجود، از جمله شروط تسلسل محال است. نگارندگان معتقدند که اختلاف این اندیشه‌مندان بر سر شرط اجتماع در

وجود بوده که ناشی از اختلاف در منشأ شرط است و میرداماد به دلیل اکتفا به دو شرط مذکور، تسلسل را در تنها در سلسله علل تامه محال می‌داند.

اطلاعات نشر: پژوهش‌های فلسفی/کلامی (دانشگاه قم)، سال ۱۵، شماره ۴ (پیاپی ۶۰)، تابستان ۱۳۹۳ش، صص ۷-۲۱.

۲۰۱۱. بازخوانی چیستی حیثیات و چگونگی دلالت آن‌ها بر ترکیب موضوع متحیث (با محوریت آراء میرداماد)

نگارنده: محمدهادی توگلی

معرفی: این مقاله به بررسی مسئله فلسفی/منطقی حیثیات و مبانی و فروع آن اخصاص دارد. نویسنده در ابتدا، مقدمه‌ای درباره اهمیت حیثیات در فلسفه و آراء برخی دانشمندان درباره حیثیات و اقسام آن‌ها آورده است. سپس، متذکر شده که میرداماد برای نخستین بار به بررسی دقیق و مبسوط مبحث حیثیات و مباحثی همچون حصر و تقسیم‌بندی صریح آن‌ها پرداخته و اصطلاحاتی نیز در این زمینه وضع کرده است.

وی خاطر نشان کرده که نظرات میرداماد در مبحث حیثیات، از دیدگاه وی در باب اصالت ماهیت در ممکنات تأثیر پذیرفته؛ زیرا مدلول حیثیات تقییدیه، تکثر بوده که امری اعم از ترکیب است. بر مبنای اصالت ماهیت و در غیر از تکثرهای مفهومی، تکثر شیء خارجی در عین وحدت حقیقی یا اعتباری آن، ذیل عنوان ترکیب پدیدار می‌شود. حاصل این نگرش، دستیابی به ترکیب‌های متعدد مدلول حیثیات تقییدیه و همچنین حیثیات تقییدیه دال بر کثرت لفظی صرف، بوده است. دیدگاه میرداماد درباره انواع حیثیات (حیثیات تعلیلیه، حیثیات تقییدیه، حیثیات ترکیبیه، حیثیات تحلیلیه و اقسام هریک از آن‌ها) و ملاک حصر حیثیات، از جمله مباحثی است که در این نوشتار تبیین و بررسی شده‌اند.

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۸۱، پاییز ۱۳۹۴ش، صص ۹۳-۱۰۶.

۲۰۱۲. بازخوانی نظریه حدوث دهری میرداماد

نگارنده: سیدجواد احمدی

معرفی: به‌باور نویسنده مقاله، قرائت حکیم سبزواری و علامه طباطبائی از نظریه «حدوث دهری»، با مفاد حقیقی این نظریه مغایر است و دیدگاه واقعی میرداماد، از تقریرهای این دو حکیم متأخر، عمیق‌تر و دقیق‌تر است. وی برای اثبات مدعای خود، به بازخوانی نظریه حدوث دهری بر اساس متن آثار میرداماد پرداخته است. نگارنده در ابتدا، تعریف میرداماد را از حدوث و قدم بیان کرده و سپس، اوعیه سه‌گانه وجود (زمان، دهر، سرمد) و انحاء سبق و لحوق را بررسی کرده است. او از اقسام حدوث و قدم و محل نزاع در این مسئله سخن گفته و ادله میرداماد (دلایل نقلی و عقلی) را در اثبات نظریه حدوث دهری، تبیین و تحلیل کرده است. در ادامه، نتایج اعتقاد به حدوث دهری عالم را بر شمرده است؛ از جمله: تقدّم سرمدی و انفکاک‌پذیری خداوند بر جمیع ممکنات؛ تنهایی امتداد زمان؛ بدایت و سرآغاز حقیقی برای وجود عالم.

نویسنده در نهایت به این نتیجه رسیده است که تفاسیر رایج از این نظریه، با مقصود اصلی میرداماد، سازگاری ندارند؛ چنان که میرداماد مسبوقیت عالم به عدم دهری - که عدم مقابل واقعی است - را از متن دین مأخوذ دانسته؛ در حالی که حکیم سبزواری نظریه حدوث دهری میرداماد را بر اساس سلسله طولی مراتب وجود و ترتب علی و معلولی آن ها، تفسیر کرده است. نگارنده متذکر شده است که میرداماد بر اشکالات نظریه حدوث دهری واقف بوده و تلاش کرده تا بر اساس مبانی فلسفی خود به این اشکالات پاسخ دهد.

اطلاعات نشر: پژوهش های فلسفی / کلامی (دانشگاه قم)، سال ۱۹، شماره ۳ (پیاپی ۷۳)، پاییز ۱۳۸۶ ش، صص ۱۹۳-۲۱۴.

+ مستخرج از رساله: «تبيين حدوث و قدم عالم از دیدگاه متون دینی و مقایسه آن با دیدگاه علامه حلی، میرداماد و ملاصدرا» (۱/۱،۱۶).

۲۰۱/۱۳. بداء

نگارنده: غلامرضا ذکیانی

معرفی: این مقاله، به بررسی مسئله بداء در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، در اندیشه اهل سنت و در آثار صاحب نظرانی مانند ملاصدرا، میرداماد و علامه طباطبائی اختصاص دارد. نویسنده برای بیان نظر میرداماد، به متن رساله نبراس الضیاء استناد کرده است. بداء یکی از مصادیق ربط حادث به متغیر است؛ از این رو، تبیین های ارائه شده از زمان و حدوث زمانی، نمی توانند مسئله بداء را تحلیل کنند. بر این اساس، نگارنده معتقد است که نظریه حدوث دهری میرداماد و آموزه واسطه های روحانی ملاصدرا در قیاس با سایر نظریات، سازگاری بیشتری با حقیقت بداء دارند. اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۲۴۳-۲۶۳.

۲۰۱/۱۴. بداء در نصوص وحیانی و آرای فلسفیان: پژوهشی تطبیقی

نگارنده: علیرضا بهشادفر

معرفی: موضوع این نوشتار، بررسی تطبیقی آموزه بداء در نصوص وحیانی با مکاتب فلسفی است. نویسنده ابتدا درباره معنای اصطلاحی بداء، اهمیت باور به این آموزه و ادله قرآنی آن سخن گفته است. در ادامه، خاطرنشان کرده که دیدگاه میرداماد درباره بداء، از سوی ملاصدرا و پیروان او نقد و رد شده است؛ از این رو، امروزه توجه چندانی به آن نمی شود. نظریه نسخ در وقوع بداء، علم الهی در بحث بداء، ارتباط دعا با بداء و ایمان به سعه قدرت الهی - که مهم ترین نتیجه آموزه بداء است - از جمله محورهای این پژوهش تطبیقی هستند که ذیل هریک از آن ها به بیانات و آراء میرداماد اشاره شده است. نگارنده دیدگاه میرداماد را درباره بداء و نسخ، از کتاب نبراس الضیاء - که چپستی و ماهیت بداء در آن به تفصیل بیان شده - استخراج کرده است. او در پایان، به تلاش میرداماد برای تطبیق تفسیر فلسفی بداء با آموزه های شیعی و روایات اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است. اطلاعات نشر: سفینه (مؤسسه فرهنگی نبأ امین)، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۹۶ ش، صص ۱۵۰-۱۸۱.

۲/۱/۱۵. بداء در نظام فلسفی میرداماد

نگارندگان: رحمان عشریه؛ محمدعلی اسماعیلی؛ حسن رضایی هفتادر
معرفی: این مقاله به بازخوانی مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره مسئله بداء اختصاص دارد. نویسندگان ابتدا حقیقت بداء را در آثار اندیشه‌مندی مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدمرتضی، شیخ طوسی، فیض کاشانی و ابن‌اثیر بیان کرده‌اند. پس از آن، به تبیین آموزه بداء در نظام فلسفی میرداماد پرداخته و خاطر نشان کرده‌اند که در حکمت یمانی، بداء بیانگر کیفیت ارتباط حادث با قدیم (متغیر با ثابت) است. میرداماد نیز ضمن تبیین آموزه بداء و رابطه آن با نسخ، دیدگاه دیگران را در این خصوص نقد و بررسی کرده است. مؤلفان پس از نقل این دیدگاه‌ها، موضع میرداماد در باب رابطه بداء با نسخ و نقدهای وی بر سایر دیدگاه‌ها را واکاوی کرده‌اند.

نویسندگان سپس، به قلمرو بداء (بداء در ذات الهی، بداء در قضاء علمی و عینی الهی، بداء در قدر علمی و عینی، بداء در عالم سرمد، دهر و زمان)، نظرات و تفاسیر طرح شده در این باره و نقدهای میرداماد بر این آراء پرداخته‌اند. ایشان در ادامه، چگونگی اسناد بداء به خداوند را در نظام فلسفی میرداماد تحلیل کرده‌اند. نگارندگان بعد از تحلیل و بررسی دیدگاه میرداماد درباره بداء، اشکالاتی بر آن وارد کرده‌اند؛ از جمله:

۱. مطابق دیدگاه میرداماد، بداء عبارت است از هر تغییر و تبدلی که در عالم ماده رخ می‌دهد و برخلاف عادت و طبیعت است؛ اما این تفسیر، فاقد ارائه ملاک برای بداء است.
 ۲. دیدگاه میرداماد درباره تفاوت نسخ با بداء نیز پذیرفتنی نیست. صدرالمتألهین دیدگاه میرداماد را نپذیرفته و دو اشکال اساسی بر آن وارد کرده است.
 ۳. میرداماد و برخی حکماء دیگر - همچون صدرالمتألهین و حکیم سبزواری - قضاء را از بداء مصون می‌داند؛ اما این مطلب با روایات ناسازگار است.
 ۴. میرداماد در تبیین نحوه اسناد بداء به خداوند، وجهی برای حقیق یا مجازی بودن این اسناد ذکر نکرده و دیدگاه وی از این جهت ناقص است.
- نویسندگان در بخش نتیجه‌گیری خاطر نشان کرده‌اند که در نظام حکمی / فلسفی میرداماد بداء و نسخ از یک واقعیت برخوردارند و تنها تفاوت، در کاربرد آن‌هاست.
- اطلاعات نشر: معرفت کلامی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله)، سال ۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش، صص ۱۱۱-۱۲۸.

۲/۱/۱۶. بدایع حکمی معلّم ثالث در مکتب فلسفی اصفهان

نگارنده: مهدی دهباشی

معرفی: میرداماد در مقام بنیان‌گذار مکتب فلسفی اصفهان، کوشیده است تا اندیشه‌های بدیعی در حکمت و فلسفه اسلامی عرضه کند. از جمله تلاش‌های فکری وی، پیوند مباحث حکمی با تعالیم دینی بوده که یکی از نتایج آن، نظریه بدیع «حدوث دهری» است. این رأی را نخستین بار، میرداماد درباره مسئله «زمان دهری» مطرح کرده است و همچنان از سوی صاحب‌نظران نقد و بررسی می‌شود.

نویسنده مقاله، ابتدا نظریه حدوث ذاتی حکماء و حدوث زمانی متکلمان و سپس، نظریه حدوث دهری میرداماد را تبیین کرده است. همچنین، به بیان تفاوت حدوث دهری با دو دیدگاه دیگر - رأی حکماء و رأی متکلمان - پرداخته و به این نتیجه دست یافته که میرداماد با ایجاد پیوند میان رأی حکماء و متکلمان و همچنین الهام از آیات و احادیث و تقریب عقل و شرع، نظر جامع‌تری درباره کیفیت خلقت و مناط نیازمندی معلول به علت ارائه کرده است. اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، مجموعه مؤلفان، گردآوری: مرتضی دهقان نژاد، چ ۱، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۶ش)، ج ۱، صص ۲۳۳-۲۴۵.

۲۰۱/۱۷. بررسی انتقادی پاسخ میرداماد به شبهه حدوث عالم و دیدگاه فیلسوفان صدرایی پیرامون آن

نگارنده: منیره سیدمظهری

معرفی: در این مقاله، ابتدا نظر متکلمان مبنی بر حدوث زمانی عالم و نظر فلاسفه مبنی بر حدوث ذاتی عالم بررسی شده و سپس، نظریه حدوث دهری میرداماد و مبانی آن (از جمله تقسیمات سه‌گانه ساحت‌های وجودی، یعنی زمان، دهر و سرمد) و دو استدلال میر در اثبات این نظریه تبیین شده‌اند. نویسنده در ادامه، آراء اندیشه‌مندان صدرایی متأخر - از جمله حکیم سبزواری، علامه رفیعی قزوینی و استاد آشتیانی - را درباره حدوث دهری بیان کرده است. وی از رهگذر بیان دیدگاه حکماء مذکور، نقدهای ایشان را بر نظریه میرداماد مطرح کرده و در پایان، به این نتیجه رسیده است که نظریه حدوث دهری میرداماد چیزی غیر از نظریه حدوث ذاتی فلاسفه نیست و هیچ‌یک از عبارات اندیشه‌مندی که میرداماد جهت اثبات رأی خود به آن‌ها استناد جسته است، نظریه حدوث دهری را تأیید نمی‌کنند.

اطلاعات نشر: حکمت صدرایی (دانشگاه پیام نور/ واحد تهران)، سال ۴، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش، صص ۶۹-۷۹.

۲۰۱/۱۸. بررسی انتقادی جبر و اختیار در اندیشه میرداماد

نگارنده: محمدعلی اسماعیلی

معرفی: موضوع این نوشتار، بررسی توصیفی/تحلیلی آراء میرداماد درباره جبر و اختیار است. نویسنده پس از تبیین مسئله جبر و اختیار، به بیان دیدگاه میرداماد در خصوص جبرگرایی در دو حوزه تسلسل اراده‌ها و قضاء و قدر و نیز، راه‌حل‌های وی در حل این مسائل پرداخته است. او پس از بررسی پاسخ‌های میرداماد به جبرگرایی در حوزه تسلسل اراده‌ها، آن‌ها را رد و نقد کرده است. از نظر نویسنده، پاسخ میرداماد به جبرگرایی در حوزه قضاء و قدر صحیح است؛ اما تکمیل آن، حاجتمند مراجعه به یافته‌های ملاصدرا در تبیین علم الهی است. وی در بخش دیگری از این مقاله، تفسیر میرداماد را از آموزه «أمر بین الأمرین» تبیین کرده و اشکالاتی - همچون ناتوانی از توضیح کامل حقیقت رابطه علیت - بر آن وارد کرده است. نگارنده در ادامه، کیفیت استحقاق ثواب و عقاب، ارتباط آن با تسلسل اراده‌ها، راه‌حل میرداماد در این مسئله و اشکالات وارد بر آن را نقد و بررسی کرده است.

اطلاعات نشر: معارف عقلی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله)، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، صص ۳۵-۶۴.

۲۰۱/۱۹. بررسی تطبیقی حدوث و قدم عالم از منظر فیلسوفان و متکلمان اسلامی

نگارنده: مهدی عبدالمهدی

معرفی: نگارنده مقاله خود را با مفهوم‌شناسی حدوث و قدم در لغت و در اصطلاح و همچنین، ذکر معنای عدم آغاز کرده است. سپس، به تبیین نظریه حدوث و قدم زمانی عالم، یعنی رأی متکلمان، پرداخته و اشکال فیلسوفان اسلامی را بر این نظریه بیان کرده است. در ادامه، مبانی دیدگاه متکلمان و فیلسوفان را درباره حدوث و قدم عالم تبیین کرده است.

پس از آن، استدلال متکلمان بر حدوث عالم و همچنین پاسخ‌ها و انتقادهای فلاسفه را به این استدلال‌ها بررسی کرده است. به گزارش نگارنده، عده‌ای تعداد این استدلال‌ها را سی‌وسه دانسته‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: استدلال بر حدوث زمانی عالم از راه حدوث عوارض؛ استدلال بر حدوث زمانی عالم از راه اختصاص جسم به جهت؛ استدلال بر حدوث زمانی عالم از راه استناد به تنهایی مقدار اجسام؛ استدلال بر حدوث زمانی عالم از راه امکان ذاتی عالم؛ استدلال بر حدوث زمانی عالم از راه حدوث تک‌تک اجزاء عالم؛ استدلال بر نفی قدم زمانی بر اساس امتناع توقف یک حادث بر حوادث نامتناهی؛ استدلال بر نفی قدم زمانی عالم از راه لزوم افزایش در نامتناهی.

نویسنده بعد از بررسی استدلال‌های متکلمان، به تبیین استدلال‌های فیلسوفان بر نفی حدوث زمانی عالم پرداخته است؛ از جمله: استدلال بر قدم زمانی عالم از راه قوه و فعل؛ استدلال بر قدم زمانی عالم از راه ضرورت ازلی فاعلیت خداوند؛ استدلال بر قدم زمانی عالم از راه استحالة اسناد خلق حادث به واجب قدیم؛ استدلال بر نفی حدوث زمانی جهان از راه تناقض آمیز بودن حدوث زمانی زمان.

وی در ادامه، نظرات فلاسفه را درباره حدوث عالم تبیین کرده و بعد از بررسی نظریه حدوث و قدم ذاتی، نظریه حدوث و قدم دهری را به دوانی و میرداماد نسبت داده است. نگارنده، پس از اشاره به مفهوم حدوث دهری، به تبیین ظرف‌های سه‌گانه زمان، دهر و سرمد و همچنین، تقدّم و تأخر زمانی، دهری و سرمدی پرداخته است. سپس، استدلال دوانی و میرداماد را بر اثبات حدوث دهری، در پنج بند بیان کرده است.

وی در ادامه، تفسیر ملاصدار از حدوث و قدم زمانی و بعد از آن، حدوث و قدم بالحقّ وی را بررسی کرده است. نگارنده، مقاله خود را با تبیین دیدگاه حکیم سبزواری، یعنی حدوث و قدم اسمی، به اتمام رسانده است. او در بخش نتیجه‌گیری خاطرنشان کرده که دیدگاه حکیم سبزواری درباره مسئله حدوث و عالم، بازگویی نظر عرفاست و سه نظریه حدوث ذاتی، حدوث دهری و حدوث بالحقّ، آموزه‌هایی پذیرفتنی برای تبیین پیدایش جهان هستند.

اطلاعات نشر: اندیشه‌نامه علوم عقلی اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: مهدی عبدالمهدی، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۰ ش، صص ۵۳۹-۵۶۰.

۲۰/۲۱. بررسی تطبیقی زمان نزد میرداماد و ویلیام کریگ

نگارندگان: مهدی منفرد؛ ملیحه آقایی

معرفی: نویسندگان این مقاله، با اعتقاد به قرابت برخی آراء ویلیام لین کریگ، فیلسوف معاصر آمریکایی، با آراء میرداماد در باب زمان، به مقایسه دیدگاه این دو اندیشه‌مند پرداخته‌اند. ایشان ابتدا درباره اهمیت مبحث زمان و ماهیت آن در طول تاریخ، دیدگاه فلاسفه یونان و حکماء مسلمان و همچنین، دیدگاه فیلسوفان معاصر در این باره سخن گفته‌اند. در ادامه و پس از معرفی کوتاه میرداماد و کریگ، خاطر نشان کرده‌اند که میرداماد با طرح نظریه «حدوث دهری»، نظرات نوینی درباره ماهیت زمان و ارتباط آن با موجودات و رخدادها ارائه کرده است. همچنین، ویلیام کریگ با استفاده از نظریات فیزیک جدید و فیزیک کوانتوم و فلسفه زمان، زمان را امری نسبی و وابسته به حوادث دانسته و آغازمندی زمانی جهان را اثبات کرده است.

نویسندگان سپس، ماهیت زمان را در فلسفه میرداماد و اندیشه ویلیام کریگ تبیین کرده و به مقایسه تطبیقی دیدگاه آن‌ها پرداخته‌اند. ایشان در بخش نتیجه‌گیری خاطر نشان کرده‌اند که دیدگاه میرداماد و کریگ درباره زمان، دارای شباهت و قرابت هستند؛ زیرا هر دو معتقدند زمان وجودی مستقل ندارد؛ اما امری واقعی است. همچنین، به بدایت گذشته و تناهی زمان باور دارند و برای اثبات آن استدلال کرده‌اند. نگارندگان، دیدگاه نیوتنی تقسیم زمان به فیزیکی و متافیزیکی - که کریگ در زمره قائلان به آن است - را با ساحت زمان و دهر که میرداماد بدان باور دارد، مقارن دانسته‌اند. ایشان، تمایز بنیادین دیدگاه میرداماد با کریگ را در تبیین نسبت زمان با وجود دانسته‌اند؛ چنان‌که از نظر کریگ، هیچ موجودی از زمان جدا نیست و وجود و زمان همواره مقارن یکدیگر هستند؛ اما در نظام فکری/ فلسفی میرداماد، زمان در وعاء دهر و سرمد، وجود ندارد و به موجودات مادی اختصاص دارد.

اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه)، سال ۱۹، شماره ۳ (پیاپی ۷۵)، بهار ۱۴۰۱ش، صص ۸۵-۹۶.

۲۱/۲۱. بررسی تطبیقی مسئله «بداء» در آراء میرداماد، ملاصدرا و سید محمد کاظم عصار،

با تکیه بر وجه عرفانی این مسئله

نگارندگان: احسان منصوری؛ مرتضی بیات؛ محمود صیدی

معرفی: موضوع این مقاله، بررسی تطبیقی آراء میرداماد، ملاصدرا و سید محمد کاظم عصار و تأثیر مبانی فلسفی و عرفانی ایشان در تبیین مسئله «بداء» است. نویسندگان بر این باورند که میرداماد نخستین فیلسوف شیعی است که اثر مستقلی درباره مسئله بداء تألیف کرده است. ایشان ابتدا دیدگاه میرداماد، پاسخ وی به اشکال فخر رازی و نقد او بر نظر خواجه نصیرالدین طوسی را در باب بداء تبیین کرده‌اند. سپس، به بازخوانی آموزه بداء از منظر ملاصدرا و سید محمد کاظم عصار پرداخته و اشکالات عصار بر میرداماد و ملاصدرا را مرور کرده‌اند. نتایجی که نویسندگان از بررسی دیدگاه‌های این سه حکیم به دست آورده‌اند چنین است: نزد میرداماد، بداء به نسخ شبیه است؛ اما ملاصدرا این رأی را با دو دلیل و مرحوم عصار با یک دلیل مردود دانسته‌اند.

همچنین، میرداماد بدون توجه به مبانی عرفانی و با تکیه بر نظام فلسفی و دیدگاه‌های خود - از جمله نظریه حدوث دهری - بداء را تبیین کرده است؛ در صورتی که ملاصدرا در تبیین مسئله بداء، بیشتر متوجه مبانی عرفان ابن عربی بوده است. مرحوم عصّار نیز در تبیین خود به حکمت متعالیه و مبانی عرفان نظری التفات داشته است.

اطلاعات نشر: پژوهش‌های اعتقادی / کلامی (دانشگاه آزاد اسلامی / واحد ساوه)، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۴ش، صص ۱۳۵-۱۵۲.

۲/۱۸۲۲. بررسی تطبیقی مواجهه میرداماد و ملاصدرا با مسئله حدوث عالم

نگارنده: حجّت‌اله مرزانی

معرفی: این مقاله به تحلیل نظریه «حدوث دهری» میرداماد و حدوث زمانی ملاصدرا (بر اساس حرکت جوهری) و نیز، بررسی علت سکوت ملاصدرا در مواجهه با نظریه استاد خود اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه مقاله، از تاریخچه مسئله حدوث و قدم عالم و پاسخ متکلمان و فیلسوفان غربی و مسلمان به آن، به اختصار سخن گفته است. به باور او، میرداماد در مقام نخستین فیلسوف مکتب فلسفی اصفهان، در پاسخ به این مسئله و با بهره‌گیری از آیات و روایات، نظریه حدوث دهری را ارائه کرده و بیشتر آثار خود را به شرح و تفصیل آن اختصاص داده است.

نگارنده پیش از ورود به بحث اصلی، معنای «حدوث» را در لغت و اصطلاح بیان کرده و سپس، حدوث زمانی متکلمان، حدوث ذاتی فیلسوفان و ویژگی‌های هریک از این دیدگاه‌ها را بررسی کرده است. در ادامه، با ارائه توضیحاتی درباره اوعیه سه‌گانه زمان و دهر و سرمد و همچنین، دیدگاه میرداماد درباره تقدّم و تأخّر، سبق و لحوق، اقسام عدم، و اقسام حدوث و قدم، به تبیین نظریه حدوث دهری پرداخته است. او سپس، ملاک حدوث ذاتی و زمانی و دهری و رابطه بین این سه حدوث را از دیدگاه میرداماد بررسی کرده و اقسام موجودات را بر مبنای نظریه وی تبیین کرده است. پایان بخش مباحث مربوط به میرداماد، بررسی نحوه تحقق عالم طبیعت و موجودات طبیعی و نسبت واجب‌الوجود با عالم بر اساس نظریه حدوث دهری است.

بخش دوم این مقاله به بازخوانی نظر ملاصدرا درباره مسئله حدوث و قدم اختصاص دارد. نویسنده پس از تبیین دیدگاه ملاصدرا، موضع او را با آراء پیشینیان - از جمله میرداماد - مقایسه کرده و از علت سکوت وی در مواجهه با نظریه استادش سخن گفته است. وی در قسمت نتیجه‌گیری خاطرنشان کرده است که با توجه به آموزه‌های حکمت متعالیه، نظریه حدوث دهری در حل مسئله حدوث و قدم عالم وجه معقولی ندارد. علاوه بر این، نظریه میرداماد مطلبی اضافه بر نظریه حدوث ذاتی فلاسفه در خود ندارد.

اطلاعات نشر: اندیشه‌های فلسفی و کلامی (دانشگاه آزاد اسلامی / واحد کرج)، دوره ۱، شماره ۱ (پیاپی ۱)، فروردین ۱۴۰۰ش، صص ۳۳-۶۱.

+ بازنشر: حکمت صدرایی در جهان اسلام (یادگارنامه آیه‌الله سیدمصطفی محقق داماد)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: میثم کرمی، ج ۱، تهران: نگاه معاصر، ۱۴۰۱ش، ج ۴، صص ۱۱۳-۱۴۶.

۲۰۱،۲۳. بررسی تطبیقی وجود خارجی حرکت از نظر میرداماد و ملاصدرا

نگارنده: سعید نظری توکلی

معرفی: به باور نگارنده، میرداماد نخستین فیلسوف مسلمان است که به وضوح از تحقق خارجی حرکت قطعی و توسّطی سخن گفته و ملاصدرا هم به نوعی از این نظریه دفاع کرده است. وی با این پیش فرض، مقاله خود را به بررسی دیدگاه میرداماد و ملاصدرا درباره چستی و وجود حرکت و مقایسه آراء آنها اختصاص داده است. نویسنده ابتدا تعاریف ارائه شده از سوی اندیشه‌مندان در باب حرکت (دیدگاه فیثاغورث، دیدگاه افلاطون، دیدگاه ارسطو و دیدگاه ملاصدرا) را آورده و سپس، اشکالات این تعاریف و پاسخ‌های ملاصدرا و میرداماد به این اشکالات را بررسی کرده است. وی در ادامه، آراء میرداماد و ملاصدرا را درباره وجود حرکت، انواع آن، وجود خارجی انواع حرکت و وجود یا عدم وجود حرکت قطعی و حرکت توسّطی در خارج تبیین کرده است. نویسنده پس از اشاره به دلایل میرداماد در اثبات وجود حرکت قطعی و حرکت توسّطی در جهان خارج (دلیل اول: انطباق بر معدوم؛ دلیل دوم: تبعیت مرتسم از راسم؛ دلیل سوم: وجود در دهر؛ دلیل چهارم: لزوم طفره)، خاطرنشان کرده است که پس از میرداماد نیز دانشمندانی همچون علامه طباطبائی به واقعیت داشتن دو نوع حرکت در جهان خارج قائل شده‌اند؛ گرچه اختلافاتی در اعتبار حرکت میان ایشان وجود دارد.

وی در پایان، یافته‌های تحقیق خود را در چهار بند بیان کرده و بر این باور است که در نظام فلسفی میرداماد (حکمت یانی) و همچنین حکمت متعالیه، تعریف تازه‌ای از حرکت ارائه نشده؛ بلکه تعاریف و عبارات آنها متضمّن همان تعریف مشهور حرکت، یعنی «خروج تدریجی از قوه به فعلیت»، است.

اطلاعات نشر: فصلنامه اندیشه دینی (دانشگاه شیراز)، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۸۹ ش، صص ۶۳-۸۴.

۲۰۱،۲۴. بررسی تفاوت دیدگاه شیخ اشراق و میرداماد درباره اصلت ماهیت

نگارنده: محمدحسین جمال‌زاده

معرفی: نویسنده در این مقاله با تحلیل آراء میرداماد و شیخ اشراق درباره اصلت ماهیت، به بیان تفاوت‌های موجود در تقریر این دو اندیشه‌مند از نظریه مذکور پرداخته است. او با ذکر این نکته که اختلاف تقریر اصلت ماهیت سبب بروز اختلاف در فروعات این نظریه و تأثیر متفاوت بر نظام مسائل فلسفی می‌شود، تفاوت‌های دیدگاه شیخ اشراق و میرداماد را بیان کرده است. نگارنده نخست از مفهوم دو اصطلاح «ماهیت» و «اصلت» سخن گفته و سپس، تفاوت مسئله «اصلت» و «جعل» را بررسی کرده است. پس از آن، دیدگاه شیخ اشراق و سپس، نظر میرداماد را درباره اصلت ماهیت تبیین کرده است. وی اختلاف دیدگاه شیخ اشراق و میرداماد را در مسئله مجعولیت، در دو مقام بررسی کرده است. سپس، به تبیین اختلاف نظرهای شیخ اشراق و میرداماد در فروع مسئله ماهیت پرداخته است؛ فروعی همچون اصلت یا اعتباریت وجود در واجب‌الوجود؛ تشکیک در ماهیت؛ تقدّم علّت بر معلول؛ موضوع فلسفه.

نویسنده در بخش نتیجه‌گیری خاطرنشان کرده است که شیخ اشراق و میرداماد در زمره

قائلان به اصالت و معمولیت ماهیت جای دارند؛ اما در تقریر این مسئله و فروع آن، اختلاف بسیاری بین ایشان وجود دارد.

اطلاعات نشر: معارف عقلی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه)، سال ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۴۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ش، صص ۳۳-۵۰.

۲۰۱/۲۵. بررسی تقدّم و تأخّر بالتجوهر و سیر تاریخی آن در فلسفه اسلامی

نگارندگان: سعید انواری؛ خدیجه هاشمی عطار

معرفی: نویسندگان با اشاره به اینکه تقدّم و تأخّر بالتجوهر یا بالماهیه بیشتر در نظام اصالت ماهیت کاربرد دارد، علّت توجّه میرداماد را به این نوع تقدّم و تأخّر بررسی کرده‌اند. همچنین، به نحوه شکل‌گیری این اصطلاح و تفکیک آن از تقدّم و تأخّر بالطبع اشاره کرده‌اند. سپس، چگونگی جایگزینی تقدّم و تأخّر بالحقیقه در نظام فلسفی اصالت وجود را با این نوع از تقدّم و تأخّر تبیین کرده‌اند. ایشان متذکر شده‌اند که پیش از میرداماد، شیخ اشراق از این نوع تقدّم و تأخّر سخن گفته؛ اما میرداماد تقدّم و تأخّر بالتجوهر را از تقدّم و تأخّر بالطبع (به معنای عام) تفکیک کرده است. در ادامه، معانی اصطلاحات «تقوم»، «تقرّر» و «تجوهر» را در فلسفه میرداماد بیان کرده و به تأکید میرداماد بر تفاوت جوهر با تجوهر اشاره کرده‌اند. همچنین، تعریف و ملاک تقدّم و تأخّر بالتجوهر، مصادیق تقدّم و تأخّر بالتجوهر و اقسام آن را بیان کرده‌اند.

نویسندگان شیخ اشراق را مبتکر تقدّم بالماهیه معرفی کرده و متذکر شده‌اند که آموزه تقدّم بالتجوهر یا بالماهیه و حتّی اصطلاح آن، احتمالاً هنگام بررسی آراء شیخ اشراق در باب وجود تشکیک در جواهر، در ذهن میرداماد ایجاد شده است. ایشان در ادامه، تاریخچه تفکیک تقدّم بالتجوهر را از تقدّم بالطبع بیان کرده و تذکر داده‌اند که جایگاه میرداماد در این سیر تاریخی، ابتکار او در تفکیک دقیق این دو تقدّم از یکدیگر است. تفاوت تقدّم بالتجوهر با انواع دیگر تقدّم ذاتی و بررسی وجود تقدّم و تأخّر در جوهر یا تجوهر، مسائل دیگری است که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است. نگارندگان همچنین، به رأی میرداماد درباره وجود تشکیک در تجوهر - نه در جوهر - و سبق و لحوق بالتجوهر اشاره کرده‌اند.

نویسندگان در پایان مقاله، با بررسی سازگاری یا ناسازگاری تقدّم و تأخّر بالتجوهر با نظام فلسفی اصالت وجود، خاطرنشان کرده‌اند که میرداماد تقدّم ماهیت را بر وجود، تقدّم بالتجوهر دانسته و در مقابل، ملاصدرا تقدّم وجود را بر ماهیت، تقدّم بالحقیقه دانسته است. بر این اساس، کاربرد و مصادیق تقدّم بالتجوهر در نظام اصالت ماهیت به تقدّم بالحقیقه در نظام اصالت وجود منتقل شده است.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۸ش، صص ۱۱۳-۱۴۲.

۲۰۱/۲۶. بررسی دیدگاه ابن‌سینا، علامه دوانی، میرداماد و ملاصدرا در مورد رابط یا

رابطی بودن معلول

نگارندگان: صائب محمدی ساردوئی؛ حسین کرمشاهی‌امجزی؛ علی اکبر نصیری

معرفی: آیا معلول وجود فی نفسه للعلّة دارد یا وجود للعلّة؟ به عبارت دیگر، آیا وجود معلول وجود رابطی است یا رابط؟ پاسخ به پرسش مذکور از دیدگاه چهار فیلسوف اسلامی، موضوع این مقاله است. نویسندگان ابتدا تقسیمات وجود (وجود فی نفسه، فی غیره، لنفسه، لغيره و رابط) را بررسی کرده و سپس، به تبیین نظرات فلاسفه درباره پرسش مذکور پرداخته‌اند. ایشان با اشاره به اینکه طبق باور عموم فلاسفه، هر معلول نسبت به علّت فاعلی خود، وجود رابطی ست، ابتدا پاسخ ابن سینا و دوانی و پس از آن، پاسخ میرداماد و ملاصدرا را تفسیر کرده‌اند. نگارندگان متذکر شده‌اند که میرداماد در بستر باور به اصالت ماهیت، درصدد اثبات رابط بودن وجود معلول برآمده است. اطلاعات نشر: مجموعه مقالات کنگره ملی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی (کرج)، تیر ۱۳۹۷ش، نشر الکترونیک، بدون شماره صفحه.

۲۰۱،۲۷. بررسی مسئله «جعل» در فلسفه اسلامی

نگارندگان: لاله حقیقت؛ صدیقه میرزایی

معرفی: این مقاله به بررسی مسئله «جعل» و اقسام آن اختصاص دارد. نویسندگان با اشاره به اینکه میرداماد نخستین کسی است که به طور متقن به این مسئله پرداخته، سیر تاریخی بحث جعل را مطرح کرده‌اند. ایشان در خلال بررسی پیشینه تاریخی جعل، متذکر شده‌اند که میرداماد در کتاب القبسات به این بحث پرداخته و یک فصل از کتاب الأفق المبین را به مسئله جعل و اقسام آن اختصاص داده است. نویسندگان، تقسیم جعل به دو قسم بسیط و مؤلف را از جمله ابداعات میرداماد دانسته‌اند. دیدگاه‌های ملاصدرا، حکیم سبزواری و شهید مطهری نیز در این نوشتار بررسی شده‌اند.

اطلاعات نشر: آینه معرفت (دانشگاه شهید بهشتی/ دانشکده الهیات و ادیان)، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۸۹ش، صص ۱-۲۳.

۲۰۱،۲۸. بررسی معانی و مصادیق دهر و سرمد از منظر ابن سینا، میرداماد و ملاصدرا

نگارندگان: محمدرضا فرهنگدیا؛ رضا حصاری؛ علی محمد ساجدی

معرفی: نویسندگان این مقاله، با نگاهی تاریخی، نظر ابن سینا، میرداماد و ملاصدرا را درباره معانی و مصادیق دهر و سرمد بررسی کرده‌اند. ایشان با اشاره به وجود نقاط مشترک در کیفیت تفسیر این مفاهیم در میان فلیسوفان سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه، بر این باورند که آن‌ها در معناکردن و تعیین مصادیق این مفاهیم اختلاف فراوانی با هم دارند؛ از این رو، به مقایسه و تطبیق آراء این سه اندیشه‌مند، در جایگاه نماینده مکاتب فلسفی مذکور، پرداخته‌اند.

نگارندگان نخست معنای لغوی دهر و سرمد را ذکر کرده و سپس، دیدگاه ابن سینا را درباره دهر و سرمد، اوصاف این دو مفهوم و ویژگی‌های مشترک آن‌ها تبیین کرده‌اند. ایشان برای بیان ویژگی‌های مشترک دهر و سرمد از منظر ابن سینا، به تفسیرها و نقل قول‌های میرداماد مراجعه کرده‌اند. پس از آن، دیدگاه میرداماد را درباره کیفیت وعاء بودن دهر و سرمد برای موجودات دهری و سرمدی تبیین کرده‌اند. نویسندگان با اشاره به تأثیر میرداماد از ابن سینا درباره معانی و مصادیق دهر و سرمد، خاطر نشان کرده‌اند که وی این دو اصطلاح را توسعه داده و تفسیر متفاوتی از آن‌ها ارائه کرده است.

میرداماد از این دو اصلاح در نظام فکری / فلسفی خویش بهره فراوان برده است؛ چنان که معیت دهری و سرمدی را ابداع کرده و نظریه حدوث دهری را طبق تفسیر خاص خود از این دو اصطلاح و کارکرد آن‌ها بنا نهاده است. تعبیر میرداماد از اصطلاح دهر، مصادیق دهر، ویژگی‌های دهر نزد میرداماد، مصادیق دهر و سرمد در دیدگاه میرداماد، معیت دهری و سرمدی و مصادیق معیت دهری، از جمله مطالبی است که در این بخش از مقاله بررسی شده‌اند.

نویسندگان بعد از بیان دیدگاه میرداماد، به تبیین معانی دهر و سرمد نزد ملاصدرا و تفسیر وی از دیدگاه حکماء درباره این دو اصطلاح پرداخته و سپس، مصادیق دهر و سرمد را از نظر صدرا المتألهین بیان کرده‌اند. ایشان در ادامه، به بررسی و تطبیق دیدگاه ابن‌سینا، میرداماد و ملاصدرا پرداخته و نتیجه این مقایسه را در هفت بند ذکر کرده‌اند. پس از این مقایسه، به برخی مبانی این سه اندیشه‌مند که سبب تفاوت تفاسیر ایشان از دو اصطلاح دهر و سرمد شده، اشاره کرده‌اند. مبانی ذکرشده عبارت‌اند از: ۱. پذیرش یا رد عالم مثال؛ ۲. بهره‌گیری از آموزه‌های عرفانی؛ ۳. ماهیت زمان.

اطلاعات نشر: فصلنامه اندیشه دینی (دانشگاه شیراز)، دوره ۲۱، شماره ۳ (پیاپی ۸۰)، پاییز ۱۴۰۰، صص ۶۹-۹۰.

۲۰۲۹/۲. بررسی نقش اصالت وجود یا ماهیت در نظریه پیدایش جهان: از مکتب شیراز تا مکتب خراسان

نگارنده: مریم خوشدل روحانی

معرفی: نویسنده مقاله، آموزه حدوث عالم را در آراء سه اندیشه‌مند شهیر مکتب شیراز، اصفهان و خراسان - یعنی محقق دوانی، ملاصدرا و ملاهادی سبزواری - با تکیه بر دیدگاه ایشان در باب اصالت وجود یا ماهیت بررسی کرده است. وی در بخشی از این مقاله، دیدگاه دوانی و میرداماد را در خصوص نظریه اصالت ماهیت بررسی و مقایسه کرده است. وی در ادامه، اشاره کرده که طبق رأی مشهور، میرداماد نخستین فیلسوفی است که به طور مفصل درباره «حدوث دهری» سخن گفته و درباره آن کتاب نوشته است؛ اما از نظر نویسنده، این رأی مشهور صحیح نیست. وی با استناد به عبارتی از ملا اسماعیل خواجه‌نوی در رساله ابطال زمان موهوم، معتقد است که محقق دوانی، پیش از میرداماد نظریه حدوث دهری را مطرح کرده است. نگارنده در ادامه، دیدگاه دوانی را درباره حدوث دهری، بر اساس متن دو رساله آئین‌العلوم و نورالهدایه تبیین کرده است. او همچنین، حدوث و قدم از دیدگاه ملاصدرا و نظریه «حدوث اسمی» حکیم سبزواری را بررسی و مقایسه کرده است.

اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه)، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۳۷-۱۶۵.

۲۰۳۰/۲. بررسی و تحلیل اراده الهی از دیدگاه میرداماد

نگارندگان: محمود صیدی؛ سیدمصطفی موسوی اعظم

معرفی: این مقاله به تبیین آراء میرداماد درباره اراده الهی اختصاص یافته و نظرات وی را در سه بخش کلی بررسی کرده است:

۱. تعریف میرداماد از اراده و نوآوری های وی در این بحث. نویسندگان به این نکته اشاره کرده اند که میرداماد مانند بیشتر فلاسفه مسلمان، بحث خود را از طریق تبیین تفاوت اراده خداوند با اراده انسان آغاز کرده و سپس، به تحلیل اراده خداوند پرداخته است. ایشان همچنین، تعریف میرداماد را از اراده الهی نقد کرده و آن را با مبانی فلسفی وی ناسازگار دانسته اند.
 ۲. تبیین دو دلیل عقلی که از سوی میرداماد در اثبات ذاتی بودن صفت اراده، ارائه شده است. نگارندگان در این بخش، علاوه بر بازخوانی استدلال های میرداماد، از نقد وی بر رأی شیخ کلینی در خصوص فعلی دانستن اراده سخن گفته اند.
 ۳. بررسی تحلیل ها و تفاسیر میرداماد از روایاتی که بر فعلی بودن و حدوث اراده دلالت می کنند. نویسندگان در این قسمت به تلاش های میرداماد در جمع ادله عقلی و روایی در خصوص ذاتی بودن صفت اراده اشاره کرده اند.
- اطلاعات نشر: پژوهش نامه فلسفه دین / نامه حکمت (دانشگاه امام صادق علیه السلام)، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ش، صص ۱۸۵-۲۰۰.

۲۰۱/۳۱. بررسی و تحلیل پاسخ میرداماد به شبهه «ارادی بودن اراده»

نگارندگان: محمدصفر جبرئیلی؛ سیدمرتضی حسینی کاشانی

معرفی: در این مقاله شبهه ارادی بودن اراده در مسئله جبر و اختیار، پاسخ میرداماد به این شبهه و اشکالات پاسخ وی، بررسی شده اند. نگارندگان اشاره کرده اند که میرداماد پاسخ این شبهه را به شکل مجمل در کتاب الإیقاضات و به شکل مفصل در کتاب القبسات بیان کرده است. ایشان ابتدا نظر وی درباره چستی اراده را بیان کرده و سپس، نقش اعتبار عقلی را در تفصیل اراده به اراده های متعدّد بیان کرده اند. به باور ایشان، میرداماد بر اعتباری بودن اراده ها تأکید داشته است. نویسندگان در ادامه، ارادی بودن اراده های متکثر را تبیین کرده و از رابطه اراده های تفصیلی با اراده فعل سخن گفته اند. ایشان با جمع بندی پاسخ میرداماد به شبهه مذکور، آن را راه حلّی ترکیبی دانسته است.

نگارندگان خاطرنشان کرده اند که میرداماد «ارادی بودن اراده» را با مسائلی همچون «حرکت قطعیّه»، «علم انسان به اشیاء دیگر»، «علم انسان به ذات خویش»، «لزوم لزوم»، «نیت» و «امکان» همانند قلمداد کرده است. ایشان با هدف ارائه تصویر روشن تر از دیدگاه میرداماد، تنظیم های وی را در همانندی اراده با علم انسان به اشیاء دیگر، همانندی اراده با علم انسان به خودش، همانندی اراده با نیت، همانندی اراده با لزوم، همانندی اراده با اراده مصافت متصل و همانندی اراده با امکان، تحلیل و تبیین کرده اند.

در ادامه، به نقد و بررسی پاسخ میرداماد پرداخته و اشکالات حکیمان پس از او، از جمله ملاصدرا و امام خمینی رحمتهما الله، بر این پاسخ را مرور کرده اند؛ اشکالاتی همچون: عدم پشتوانه برای تحلیل اراده در نفس الامر؛ لزوم اجتماع مثلین در موضوع واحد؛ ارادی یا جبری بودن اراده واحد اجماعی / اجمالی؛ عدم انحلال حقیقت بسیط به علّت و معلول واقعی؛ نفی علیّت اراده اعتباری برای اراده حقیقی.

نویسندگان در پایان متذکر شده اند که پاسخ میرداماد به شبهه ارادی بودن اراده، بر تحلیل

خود اراده متمرکز است و به علت حقیقی آن توجه ندارد؛ از این رو، شبهه مذکور مذکور را حل نمی‌کند؛ زیرا محور اصلی این شبهه، علت حقیقی اراده است.
اطلاعات نشر: کلام اسلامی (مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام)، سال ۲۸، شماره ۱۱۰، تابستان ۱۳۹۸ ش، صص ۲۵-۵۲.

۲/۱۳۲. بررسی و تحلیل نظریه حرکت توسطیه و قطعیه

نگارندگان: محمود صیدی؛ سید محمد موسوی بایگی
معرفی: در این نوشتار چستی حقیقت حرکت توسطیه و قطعیه و خارجیت یا ذهنیت آن‌ها در آراء فیلسوفان مسلمان بررسی شده است. عمده مباحث این مقاله بر آراء ابن سینا مبتنی هستند؛ اما نگارندگان به دیدگاه میرداماد در باب حرکت توسطیه و قطعیه و پاسخ وی به اشکال فخر رازی نیز، اشاره کرده‌اند. ایشان به بررسی و نقد دیدگاه ابن سینا و بهمینار در خصوص حرکت توسطیه و قطعیه پرداخته و سپس، اشکال فخر رازی را بر وجود خارجی حرکت را بیان کرده‌اند. بعد از بیان دیدگاه میرداماد درباره حرکت توسطیه و قطعیه، پاسخ وی را به اشکال فخر رازی نقل کرده و بر دیدگاه میرداماد نیز نقدهایی وارد کرده‌اند. نگارندگان در ادامه، دیدگاه ملاصدرا، حکیم سبزواری و علامه طباطبائی را بررسی و نقد کرده‌اند.

در نتیجه‌گیری مقاله آمده است که میرداماد، ملاصدرا و علامه طباطبائی به وجود خارجی حرکت توسطیه و قطعیه باور دارند.

اطلاعات نشر: جاویدان خرد (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش، صص ۱۱۹-۱۳۶.

۲/۱۳۳. پژوهشی پیرامون «حدوث و قدم جهان»

نگارنده: عبدالحواد ابراهیمی

معرفی: این مقاله به بررسی مسئله حدوث و قدم، با تأکید بر دیدگاه شیخ مفید و ملاصدرا، اختصاص یافته است. نویسنده ابتدا نظر شیخ مفید را در خصوص حدوث عالم بیان کرده و سپس، به بررسی جایگاه بحث حدوث و قدم در منظومه فکری اندیشه‌مندان اسلامی پرداخته است. همچنین، از خاستگاه این موضوع سخن گفته و به نظرات فیلسوفان یونانی در این باره اشاره کرده است. وی در بخش تقدّم و تأخّر (سبق و لحوق) و اقسام آن، از تقدّم و تأخّر بالدهر - که قسم ابدایی میرداماد است - نام برده است. سپس، به تبیین اقسام حدوث و قدم پرداخته و توضیح مختصری درباره حدوث و قدم دهری ارائه کرده است.

نگارنده در ادامه، قول مشهور متکلمان و نظر فلاسفه را در باب حدوث قدم عالم را بیان کرده و به بررسی رأی شیخ مفید، علامه طباطبائی، میرداماد و صدرالمتألهین پرداخته و محل نزاع صاحب نظران را تقریر کرده است. او در پایان، مسئله ربط حادث به قدیم را با تکیه بر آراء ملاصدرا و نظریه حرکت جوهری، تبیین کرده است.

اطلاعات نشر: المقالات و الرسائل (مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید رحمته الله علیه)، دوره ۱، چ ۱، قم: انتشارات کنگره بین‌المللی شیخ مفید رحمته الله علیه، ج ۴، صص ۳-۲۶.

۲۰۱۳۴. پژوهشی در تفسیر قضاء و قدر و بداء در نظام فلسفی میرداماد

نگارنده: محمدعلی اسماعیلی

معرفی: موضوع این نوشتار، بررسی توصیفی/تحلیلی قضاء و قدر و ارتباط آن با مسئله بداء از دیدگاه میرداماد است. نویسنده نخست به واژه‌شناسی قضاء و قدر پرداخته و سپس، دیدگاه‌های مهم درباره قضاء و قدر را در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرده است. وی غالب متکلمان را در دسته اول جای داده و دیدگاه دوم را از آن فلاسفه مشائی و اشراقی دانسته است. نویسنده بر این باور است که دیدگاه سوم که قضاء و قدر را به دو قسم علمی و عینی تقسیم می‌کند، جامع‌تر از دو دیدگاه قبلی است. وی خاطرنشان کرده که دیدگاه میرداماد در تفسیر قضاء و قدر، به دیدگاه فلاسفه مشاء نزدیک است.

در ادامه، به بررسی و نقد تفسیر میرداماد از قضاء و قدر الهی پرداخته و انتقادات وی را بر نظر فلاسفه مشاء بیان کرده است. سپس، ویژگی‌های اصلی قضاء و قدر را در اندیشه میرداماد برشمرده در بخش بعد، حقیقت بداء، دایره وقوع بداء و ارتباط آن با نسخ را از نظر میرداماد بررسی کرده است. نگارنده در نتیجه‌گیری متذکر شده که قضاء و قدر در نظام فکری/فلسفی میرداماد دارای دو قسم علمی و عینی است. همچنین، میرداماد به وجود ارتباطی وثیق میان بداء با قضاء و قدر معتقد است. از نظر وی، بداء و نسخ دارای یک واقعیت هستند که حوزه کاربردی متفاوتی دارند؛ نسخ به حوزه امور تشریعی اختصاص دارد و بداء به امور تکوینی. نویسنده خاطرنشان کرده است که از نظر میرداماد، بداء در عالم سرمد و دهر رخ نمی‌دهد و تنها به عالم زمان (قدر عینی الهی) اختصاص دارد.

اطلاعات نشر: معرفت (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله)، شماره ۲۳۴، خرداد ۱۳۹۶ش، صص ۳۳-۴۸.

۲۰۱۳۵. پیش‌درآمدی بر فلسفه میرداماد

نگارنده: حسن رضا خاوری

معرفی: نگارنده با اشاره به اینکه میرداماد در نظام فلسفی خویش بیش از هرکس تحت تأثیر آراء ابن سینا بوده، وی را در زمره اندیشه‌مندان ممتاز جهان اسلامی دانسته است. وی متذکر شده که در این مقاله، خطوط اصلی فلسفه میرداماد را به اجمال و اختصار بررسی کرده است. او مباحث خود را با هستی‌شناسی و بررسی آراء میرداماد در باب نظام کلی وجود، با عناوینی همچون «حقیقت وجود» و «جایگاه حقیقی انسان در نظام کلی وجود و جهان» آغاز کرده است. سپس، به بررسی تعالیم جهان‌شناختی میرداماد پرداخته، توضیحاتی درباره نظریه حدوث دهری ارائه کرده و دیدگاه میرداماد را درباره حرکت قطعیه و توسطیه، زمان، خیال، چگونگی وصول انسان به کمال، سعادت و قرب قدسی حضرت احدیت تبیین کرده است.

اطلاعات نشر: پرتو خرد (جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه)، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ش، صص ۶-۲۴.

۲۰۱۳۶. تأثیر ابن سینا بر میرداماد

نگارنده: مهدی محقق

معرفی: نویسنده در این نوشتار، اثرپذیری میرداماد را از مبانی فکری / فلسفی ابن سینا با محوریت کتاب القبسات و مسئله حدوث و قدم عالم بررسی کرده است. وی با اشاره به توجه ویژه میرداماد به شیخ اشراق، از جمله در نام‌گذاری آثارش و برگزیدن تخلص «اشراق» برای خود، خاطرنشان کرده که میرداماد در تدوین نظام فکری خود به آراء ابن سینا توجه داشته است. نگارنده همچنین، به القابی که میرداماد در وصف ابن سینا و فارابی به کار برده، اشاره کرده و از کتب ابن سینا که میرداماد در کتابت القبسات از آن‌ها استفاده کرده، نام برده است. سپس، به بازخوانی نظریه حدوث دهری میرداماد پرداخته و ردپای آراء ابن سینا را در این نظریه رصد کرده است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات و سخنرانی‌های هزاره ابن سینا، چ ۱، تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، اسفند ۱۳۵۹ ش، صص ۲۷۳-۲۸۶.

+ باز نشر: القبسات، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] سید ابراهیم دیباجی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ ش)، مقدمه، صص صد و چهل و چهار- صد و پنجاه و شش.

۲،۱،۳۷. تأثیر اندیشه سهروردی بر آراء فیلسوفان مسلمان

نگارنده: محمد بهشتی

معرفی: موضوع این مقاله، تأثیرپذیری حکماء و اندیشه‌مندان از شیخ اشراق و تمایل ایشان به وی در محتوا و شیوه فلسفی است. نویسنده این اندیشه‌مندان را به دو گروه پیروان مکتب اشراق و تأثیرپذیرفتگان از مکتب اشراق تقسیم کرده و ذیل پیروان مکتب اشراق، از میرداماد نام برده است. او عنصر اشراق، کشف و شهود و تجارب درونی و ذوقی را عناصر شاخص حکمت یمانی دانسته و کاربست واژه‌های اشراقی مانند «القبسات»، «جذوات»، «الإیماضات» و... و همچنین، نقل دعای نور را در پایان کتاب القبسات، نشانه تأثیر میرداماد از حکمت اشراقی دانسته است. نگارنده بر این باور است که میرداماد نظام فلسفی خود را بر اساس شیوه اشراقی - که بر کشف و شهود و توجه به مقامات درونی و دستیابی به تجربه‌های معنوی تأکید دارد - ترسیم کرده است. وی همچنین، به تبخیر میرداماد در علم حدیث، توجه ویژه او به آیات قرآنی و احادیث معصومان علیهم‌السلام و حضور وی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹ ش، صص ۱۱-۳۰.

۲،۱،۳۸. تأثیر حکمت اشراق و فلسفه میرداماد و ملاصدرا در شبه‌قاره هند و پاکستان

نگارنده: سید اطهر عباس رضوی

معرفی: این نوشتار به بررسی تأثیر آثار و آراء حکماء ایرانی بر اندیشه متفکران هند و پاکستان اختصاص دارد. نویسنده با ذکر این نکته که در هند و پاکستان نیز، چهار گروه متکلمان، فلاسفه، صوفیه و باطنیه حضور و نفوذ داشتند، رونق و اشاعه حکمت اشراقی و آثار سهروردی را حاصل نشر آثار و افکار جلال‌الدین دوائی توسط شاگردانش دانسته است. وی اشاره کرده است که دانش‌پژوهان و طلاب هندی در قرون یازده و دوازده هجری قمری به اصفهان سفر می‌کرده و از مجالس درس میرداماد، ملاصدرا و شاگردان ایشان بهره‌مند می‌شدند. این طلاب پس از بازگشت به هند، به زادگاه خود یا شهرهای

علمی هندوستان بازگشته و افکار استادان ایرانی خود - از جمله میرداماد - را در آن شهرها آموزش می دادند. نویسنده در ادامه، اسامی برخی از این شهرها را ذکر کرده است.

او به نظریه حدوث دهری میرداماد و التفات ویژه اندیشه مندان هندوستان به افکار و عقاید وی اشاره کرده و از مباحثه و مذاکرات علمی ملامحمد جونیوری با میرداماد سخن گفته است. بنا بر گزارش نویسنده، جونیوری با افکار میرداماد مخالف بوده؛ اما در آثار خود، همواره به دانش و بزرگی میرداماد اعتراف کرده است. همچنین، توجه اندیشه مندان متأخر به کتب جونیوری، از جمله الشمس البازغة که شامل مباحث منطق و طبیعیات و حکمت است، سبب شده تا اهل علم و حکمت در هندوستان، با اندیشه های میرداماد بیشتر آشنا شوند. نگارنده در ادامه، از دانشمندی مثانی مسلک به نام «حکیم دستور» یاد کرده که در لاهور می زیسته و در سفر خود به اصفهان، از مجالس درس میرداماد، شیخ بهایی و میرفندرسکی بهره مند شده است.

اطلاعات نشر: جاویدان خرد (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)، سال ۴، شماره ۲، پاییز ۱۳۶۰، صص ۲۷-۳۹.

۲،۱،۳۹. تأمل در اشکال اساسی وارد بر عالم «هورقلیا»

نگارنده: منوچهر صدوقی سها

معرفی: این مقاله کوتاه، تأمل و بسطی در اشکال معروف بر وجود عالم برزخ (هورقلیا) است. نویسنده مبحث خویش را با نقل عبارتی از جذوات میرداماد در توصف عالم برزخ، آغاز کرده و با اشاره به سخنان ابن عربی و فیاض لاهیجی، این اشکال معروف را بسط داده است. به باور وی، اشکال مزبور در ویژگی های مقوله «کم» ریشه دارد. توضیح آنکه بر اساس باور اشرقیان و عرفاء، عالم برزخ ویژگی های ماده - از جمله مقدار - را داراست. از سوی دیگر، هرچه قسمت پذیر باشد، به وجود ماده محتاج است؛ بنابراین، وجود برزخی که داری مقدار و فاقد ماده باشد، عقلاً جایز نیست. نگارنده در پاسخ به این اشکال دشوار، با استناد به عبارات حکیم سبزواری در شرح منظومه، خاطرنشان کرده که صورت های مثالی قسمت ناپذیرند و انقسام آن ها بر جعل و انشاء نفس مبتنی است؛ چنان که درباره قیام تعلیمات بر ذات خویش مشهور است.

اطلاعات نشر: کیهان اندیشه (مؤسسه کیهان)، شماره ۶۲، مهر و آبان ۱۳۷۴، صص ۱۳۴-۱۳۷.

+ بازنشر: فوائد در عرفان و فلسفه و تصوف و تاریخ آن، منوچهر صدوقی سها، چ ۱، تهران: انتشارات آفرینش، ۱۳۸۲، صص ۹۵-۱۰۰.

۲،۱،۴۰. تأملی بر تفاسیر حرکت قطعی و متوسطی

نگارندگان: محمود فتحعلی؛ رحمت الله رضایی

معرفی: موضوع این مقاله، بررسی تفاسیر گوناگون از حرکت قطعی و متوسطی و خوانش میرداماد و ملاصدرا از دیدگاه ابن سینا درباره حرکت قطعی و متوسطی است. نویسندگان معتقدند با تحلیل و بررسی دوباره رأی ابن سینا و مخالفان وی، می توان راه حل دیگری درخصوص مسئله حرکت ارائه کرد. میرداماد نیز سعی داشته تا تبیین درستی از بحث مذکور بیان کند. نگارندگان خاطرنشان کرده اند که میرداماد برخلاف ابن سینا، به وجود خارجی هر دو حرکت قطعی و متوسطی باور دارد.

ایشان در ادامه، استدلال میرداماد را بر وجود حرکت قطعیّه بررسی و نقد کرده و به علل شکل‌گیری دیدگاه او و ملامت‌درا و مخالفت ایشان با ابن‌سینا پرداخته‌اند.

زمینه‌های شکل‌گیری بحث حرکت قطعیّه، تصویر واقعی ابن‌سینا از حرکت قطعیّه و توسّطیّه و استدلال‌های وی در انکار وجود خارجی حرکت قطعیّه و رابطه زمان با حرکت، از دیگر مباحث مطرح‌شده در این مقاله است. نویسندگان با اشاره به تکلف دیدگاه میرداماد و ملامت‌درا، رأی ایشان را با نظر ابن‌سینا مقایسه کرده و اشکالات میر را بر نظریّه ابن‌سینا، مردود دانسته‌اند. اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله)، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۷ ش، صص ۹۹-۱۳۳.

۲/۱/۴۱. تأملی بر رویکرد میرداماد نسبت به دیدگاه سهروردی درباره ارجاع «تقدّم زمانی» به «تقدّم طبعی»

نگارنده: حمیدرضا خادمی

معرفی: این مقاله به بررسی اشکالات میرداماد بر یکی از آراء شیخ اشراق اختصاص دارد. شیخ اشراق بر این باور است که تقدّم و تأخّر اجزاء زمان - که ابن‌سینا و اتباع وی آن را از سنخ تقدّم و تأخّر زمانی دانسته‌اند - از سنخ تقدّم بالطبع است. نویسنده شیخ اشراق را نخستین حکیمی دانسته که در آثار خود، تقدّم زمانی را به تقدّم بالطبع ارجاع داده است. همچنین، میرداماد نخستین حکیمی است که این رأی شیخ اشراق را به نقد کشیده و ملامت‌درا نیز از او پیروی کرده است.

نگارنده در ابتدا به جایگاه بحث تقدّم و تأخّر در نظام فکری / فلسفی اندیشه‌مندان اسلامی و پیشینه آن اشاره کرده و سپس، به تحلیل مفاهیم «تقدّم طبعی»، «تقدّم زمانی»، «علّت معدّ» و «علّت ناقصه» پرداخته است. وی در ادامه، دیدگاه شیخ اشراق را تبیین کرده و سپس، انتقادات میرداماد را بر رویکرد شیخ اشراق مرور کرده است. میرداماد در دو کتاب القبسات و الأفق المبین دیدگاه شیخ اشراق را بررسی کرده و دو نقد بر آن وارد کرده است. به‌باور نویسنده، دو مبنای میرداماد در انتقاد به شیخ اشراق از این قرارند: ۱. وحدت ماهوی اجزاء زمان؛ ۲. اعتبار انفکاک خارجی در تقدّم و تأخّر زمانی. او در ادامه، از تلاش میرداماد برای ترسیم تقدّم و تأخّر زمانی و بالطبع در میان اجزاء زمان - بدون تنافی این دو سنخ از تقدّم و تأخّر با یکدیگر - سخن گفته است. نگارنده در انتها، به بررسی و نقد دیدگاه میرداماد پرداخته و و ذیل دو مطلب، به کاستی‌های اشکالات وی بر نظر شیخ اشراق اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، سال ۱۲، شماره ۴، بهار ۱۴۰۱ ش، صص ۷۴-۵۹.

۲/۱/۴۲. تأملی در انتساب رساله «نورالهدایه» به جلال‌الدین دوانی (مطالعه‌ای متن‌محور بر بنیاد نظریّه «حدوث دهری» و آثار میرداماد)

نگارندگان: حسین نجفی؛ حامد ناجی‌اصفهانی

معرفی: نویسندگان در این نوشتار با رویکردی تاریخی / متن‌شناختی ادعای ملامحمد اسماعیل خواجه‌وبی را در انتساب نظریّه «حدوث دهری» به جلال‌الدین دوانی بررسی کرده‌اند. ایشان

با ذکر این نکته که انتساب نظریه حدوث دهری به دوانی در رساله ابطال الزمان الموهوم مطرح شده، خاطرنشان کرده‌اند که این دیدگاه خواجویی بر دو بنیاد استوار بوده که می‌توان آن را با دو رویکرد فلسفی (بررسی ملازمه تحلیلی زمان تقدیری با حدوث دهری) و رویکرد تاریخی/ متن شناختی (سنجش انتساب نورالهدایه به دوانی) تحلیل کرد.

ایشان با پیگیری رویکرد دوم، ابتدا نظریه حدوث دهری را در رساله نورالهدایه بررسی کرده و متذکر شده‌اند که خواجویی با پذیرش انتساب این رساله به دوانی، او را قائل به نظریه حدوث دهری دانسته است. سپس، قرائن تاریخی/ متن شناختی انتساب نورالهدایه را به دوانی بررسی کرده و از وجوه گوناگون در این انتساب تشکیک کرده‌اند؛ از جمله: ناسازگاری این رساله با مختصات سایر آثار دوانی، جای خالی نام و محتوای آن در تذکرها و مراجع کتاب شناختی نزدیک به حیات دوانی و پراکندگی نسخه‌های خطی این رساله. ایشان همچنین، مقایسه‌ای میان متن نورالهدایه با آثار میرداماد انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال قوی، رساله نورالهدایه تحت تأثیر آثار و آراء میرداماد نگاشته شده است. همچنین، با اشاره به امانت‌داری میرداماد در نقل قول از پیشینیان، متذکر شده‌اند که هیچ نقل‌قولی از متن این رساله در آثار میرداماد وجود ندارد. نویسندگان در پایان، به این نتیجه دست یافته‌اند که انتساب رساله نورالهدایه به جلال‌الدین دوانی - و تبعاً انتساب نظریه حدوث دهری به وی - با موانع جدی مواجه است.

اطلاعات نشر: آینه میراث (مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب)، دوره ۱۷، شماره ۶۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش، صص ۱۲۳-۱۴۳.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «پیشینه تاریخی و مبانی معرفتی نظریه حدوث و قدم دهری» (۱۴/۱/۱۴).

۲/۱/۴۳. تأملی در انتساب نظریه «حدوث دهری» به جلال‌الدین دوانی

نگارندگان: حسین نجفی؛ حامد ناجی اصفهانی

معرفی: در این نوشتار، صحت انتساب نظریه «حدوث دهری» به جلال‌الدین دوانی که ملامحمد اسماعیل خواجویی در رساله ابطال الزمان الموهوم مطرح کرده، بررسی شده است. نویسندگان بعد از بیان مقدمه و اشاره به منازعات اندیشه‌مندان پس از میرداماد در ردّ یا اثبات آراء وی که تا زمان مرحوم جلال‌الدین آشتیانی نیز ادامه داشته، متذکر شده‌اند که ملامحمد اسماعیل خواجویی در رساله ابطال الزمان الموهوم از میرداماد و رأی او در باب حدوث عالم جانبداری کرده است؛ اما در عین حال تفسیری از زمان تقدیری ارائه کرده که با معنای عام حدوث دهری مطابقت داشته و همین امر سبب شده تا جلال‌الدین دوانی نیز در زمره قائلان به نظریه حدوث دهری قرار گیرد.

نگارندگان در ابتدا به بازخوانی مدّعی خواجویی در تلازم زمان تقدیری با حدوث دهری پرداخته و بعد از تبیین جایگاه کلامی نظریه «زمان تقدیری» نزد خواجویی و اتباع وی، مبانی و لوازم این رأی را تقریر کرده‌اند. در ادامه، به بررسی دیدگاه جلال‌الدین دوانی درباره حدوث عالم پرداخته و وی را در زمره قائلان به «زمان متوهم» قرار داده و خاطرنشان کرده‌اند که خواجویی و دوانی در مواجهه با مسئله حدوث، موضع واحدی داشته‌اند. سپس، موضع میرداماد را در مواجهه با

زمان تقدیری و زمان متوهم، با توجه به آراء فلسفی وی دربارهٔ زمان و حرکت و حدوث مرور کرده‌اند. ایشان با اشاره به اینکه میرداماد و شاگردان او همواره در آثار خود نظریهٔ زمان تقدیری (یا متوهم) را نقد کرده‌اند، خلاصه‌ای از هم‌سنجی دیدگاه میرداماد با نظریهٔ زمان تقدیری و زمان متوهم ارائه کرده‌اند. به‌باور نویسندگان، خواجه‌وی در تلاش بوده است تا میان نظریهٔ زمان تقدیری و حدوث دهری میرداماد پیوند برقرار کند؛ پیوندی که بر اساس دیدگاه‌های میرداماد چندان پذیرفتنی نیست. نگارندگان در پایان متذکر شده‌اند که انتساب نظریهٔ زمان تقدیری به میرداماد، ناشی از فقدان نگاهی فراگیر به تعالیم حکمت یمانی است و نظریهٔ حدوث دهری، کماکان از ابداعات میرداماد به شمار می‌رود.

اطلاعات نشر: خردنامهٔ صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شمارهٔ ۹۷، پاییز ۱۳۹۸ش، صص ۸۱-۹۶.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «پیشینهٔ تاریخی و مبانی معرفتی نظریهٔ حدوث و قدم دهری» (۱۴/۱۸).

۲۰۱/۴۴. تأملی در این همانی «حیثیت تقییدی» و «واسطه در عروض»

نگارنده: محمدهادی توگلی

معرفی: در آثار صدر المتألهین و میرداماد، حیثیات با ملاک جزئیت در موضوع یا خروج از موضوع، با حصر عقلی به دو قسم «حیثیت تعلیلی» و «حیثیت تقییدی» تقسیم می‌شوند. نویسندهٔ مقاله بر این باور است که اصطلاح حیثیت تقییدی در دوره‌های بعدی، دستخوش تحریف شده و در معنای «واسطه در عروض» به کار رفته است.

وی برای اثبات این مدعا، به عباراتی از آثار میرداماد و ملا صدرا استشهاد کرده و کوشیده است فرضیهٔ خود را به اثبات برساند. عمدهٔ تمرکز نویسنده بر آثار و آراء ملا صدرا و پیروان اوست؛ در عین حال او با تعقیب مباحثی همچون «قاعدهٔ الواحد»، «عدم تغایر اعتباری علم و معلوم در علم ذات الهی به خود»، «نفی جهت امکانی از ذات الهی»، «عینیت صفات کمالی با ذات حق» و «حیثیات تقییدی در صدر اول» در آثار میرداماد، به این نتیجه دست یافته است که در مصطلحات فلسفی میرداماد و شارحان وی - همچون سید احمد علوی عاملی - واسطه در عروض، حیثیتی از موضوع به شمار نمی‌رود. علاوه بر این، در آثار میرداماد، سخنی از «حیثیت اطلاقی» در جایگاه قسم سوم حیثیات به چشم نمی‌خورد.

نگارنده در ادامه، به بررسی ملاک طبقه‌بندی حیثیات و دیدگاه ملا صدرا و حکیم سبزواری در این باره پرداخته است.

اطلاعات نشر: فلسفه و کلام اسلامی (دانشگاه تهران/ دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی)، سال ۴۹، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش، صص ۱-۱۸.

۲۰۱/۴۵. تأملی در نظریهٔ «حدوث دهری»

نگارنده: روح‌الله شاکری زواردهی

معرفی: میرداماد نظریهٔ حدوث دهری را برای تبیین ارتباط حادث با قدیم و پایان دادن به نزاع فیلسوفان و متکلمان در مسئلهٔ حدوث و قدم جهان مطرح کرده است. در این نوشتار آموزهٔ

حدوث دهری با توجه به آراء مخالفان این نظریه نقد و بررسی شده است. نویسنده پس از ارائه تقریر مختصری از نظریه حدوث دهری و معرفی موافقان و مخالفان این نظریه، دیدگاه‌های افرادی همچون ملاصدرا، عبدالرزاق لاهیجی، محمدبن علی رضا آقاجانی، آقا جمال خوانساری، آقاعلی مدرّس و مهدی الهی قمشه‌ای را در ردّ و نقد نظریه میرداماد بازخوانی کرده است.

وی پس از مرور و توضیح پنج نقد اصلی که از سوی منتقدان نظریه حدوث دهری مطرح شده است، اشاره می‌کند که برخی از این نقدها بر دیدگاه میرداماد وارد هستند و دفاعیات او، این اشکالات را مرتفع نکرده‌اند.

نگارنده در بخش نتیجه‌گیری تصریح کرده که نظریه حدوث دهری، چیزی جز نظریه حدوث ذاتی نیست که در قالب الفاظی جدید مطرح شده است. به بیان دیگر، خلاصه کلام میرداماد در این باره، از چند سطر تجاوز نمی‌کند و مابقی سخنان وی، تکرار مکررات است. نویسنده با تذکر استحاله رفع قدم زمانی از عالم، خاطرنشان کرده که نظریه میرداماد در حلّ مسئله حدوث، ناکام و ناکافی است.

اطلاعات نشر: اندیشه نوین دینی (دانشگاه معارف اسلامی)، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۷ش، صص ۱۴۹-۱۶۹.

۲۰۱/۴۶. تأملی معناشناختی در توصیف خداوند به «عقل بسیط» در حکمت سینوی (با نگاهی به تفسیر متفاوت از فخر رازی، میرداماد و ملاصدرا)

نگارنده: سید محمد انتظام

معرفی: تعبیر «عقل بسیط» درباره خداوند، نخستین بار از سوی ابن سینا مطرح شده است. فیلسوفان متأخر - همچون فخر رازی، میرداماد و ملاصدرا - بر آن شدند تا این تعبیر را تفسیر و تبیین کنند. این مقاله، به بررسی درستی یا نادرستی تفسیر این سه اندیشه‌مند از عقل بسیط در فلسفه ابن سینا اختصاص یافته است.

نویسنده بعد از بیان تفسیر ملاصدرا و فخر رازی از مفهوم عقل بسیط در نظام فلسفی ابن سینا، به تفسیر میرداماد پرداخته است. بنا بر گزارش او، میرداماد در مسئله علم خداوند، با ابن سینا موافق بوده و بر این باور است که بهترین تفسیر را از آراء شیخ ارائه داده است. از نظر میرداماد، منظور ابن سینا از عقل بسیط، علم خداوند به موجودات در مرتبه ذات است که با ذات الهی عینیت دارد. میر این علم را مقابل علم حضوری خداوند به موجودات دانسته و بر این باور است که انتساب علم تفصیلی حصولی (پیش از ایجاد) به ابن سینا، از لغزش‌های شیخ اشراق است. نویسنده در پایان این بخش، سه شاهد از متن آثار میرداماد بر صحت این تفسیر ارائه داده است.

وی در انتهای مقاله، تفاسیر فخر رازی، میرداماد و ملاصدرا را با یکدیگر مقایسه کرده و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را بر شمرده است. در بخش نتیجه‌گیری، اشاره کرده است که اختلاف تفاسیر، دو منشأ اصلی دارد: ۱. اجمال و ابهام عبارات ابن سینا؛ ۲. اختلاف مبنای مفسران. نگارنده در این بخش متذکر شده است که مخالفت میرداماد با انتساب علم تفصیلی حصولی (پیش از ایجاد) به ابن سینا، وجهی ندارد.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، سال ۹، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۷ ش، صص ۲۵-۴۶.

۲، ۱/۴۷. تبیین ساختار هستی‌شناختی اعیان: گفت‌وگوی تطبیقی حکمای مکتب اصفهان و فیلسوفان معاصر

نگارنده: رضا ماحوزی

معرفی: موضوع این مقاله، تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه فیلسوفان تحلیلی معاصر با حکماء مکتب اصفهان در باب ساختار وجودی اعیان است. نویسنده بر این باور است که در میان تبیین‌های حدّاقی از هستی‌اعیان در فلسفه معاصر غرب، می‌توان بین نظریه «اساس» (Substratum Theory) و دیدگاه‌های فلسفی میرداماد و ملاصدرا در این باره، مطالعه تطبیقی انجام داد.

او در ابتدا به چیستی و چرایی باور به ماده نخستین پرداخته و خاطرنشان کرده که در آثار حکمایی مانند ابن سینا و میرداماد و ملاصدرا، هستنده اولیه با استفاده از برهان «قوه و فعل» و «فصل و وصل» اثبات شده است. وی توضیحاتی دربارهٔ تقریر میرداماد و ملاصدرا از این دو برهان ارائه کرده است. سپس، به دیدگاه‌های میرداماد و ملاصدرا در خصوص خلق اعراض و کیفیات اعیان پرداخته است. پس از اشاره‌ای گذرا به دیدگاه میرداماد دربارهٔ جعل بسیط و جعل مرکب، تذکر داده است که رویکرد میرداماد و ملاصدرا از چند جهت بر مواضع نظریه اساس دربارهٔ کیفیات برتری دارد. نویسنده بعد از بیان این امتیازات، در باب صورت جوهری سخن گفته و خاطرنشان کرده است که اصلی‌ترین وجه تمایز نظریه اساس با نظریه میرداماد و ملاصدرا دربارهٔ ساختار هستی‌شناختی اعیان، به صورت یا ماهیت عین بازمی‌گردد. وی در این بخش از مقاله، دیدگاه میرداماد دربارهٔ صورت و خلق آن به جعل بسیط و همچنین، نظریه حرکت جوهری ملاصدرا را تبیین کرده است. او در ادامه، به مشکلاتی که در اثر فقدان هستنده ضروری (صورت) برای نظریه اساس پیش آمده، اشاره کرده است.

نگارنده در پایان این تحقیق تطبیقی، وجوه اشتراک و افتراق نظریه میرداماد و ملاصدرا را دربارهٔ ساختار وجودی اعیان با نظریه اساس برشمرده و در نهایت، به برتری رویکرد میرداماد و ملاصدرا در قیاس با نظریه اساس تصریح کرده است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی‌زاده اصفهانی، چ، ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، صص ۳۵۵-۳۶۹.

۲، ۱/۴۸. تحلیل انتقادی تأویل ابن سینا و میرداماد از نظریه «مَثَل افلاطونی» از منظر سیداحمد علوی و ملا محمد آقاجانی

نگارنده: ابوالحسن غفاری

معرفی: این نوشتار به بررسی نظرات سیداحمد علوی (در جایگاه منتقد ابن سینا و مدافع میرداماد) و ملا محمد آقاجانی (در جایگاه منتقد ابن سینا و مدافع ملاصدرا) دربارهٔ تفاسیر ابن سینا و میرداماد از نظریه «مَثَل افلاطونی» اختصاص دارد. نویسنده ابتدا خوانش ابن سینا را از مَثَل

افلاطونی تبیین کرده و سپس، اشکالات سیداحمد علوی بر تفسیر ابن سینا را از تعلیقات علوی بر الهیات الشفاء و شرح وی بر تقویم الإیمان نقل کرده است. در ادامه، فصلی با عنوان «مُثُل و مسئله حدوث دهری» گشوده و پس از تبیین نظر میرداماد بر اساس ارتباط سه آموزه مثل افلاطونی، اصالت ماهیت و حدوث دهری، به دیدگاه سیداحمد علوی درباره رأی استاد پرداخته است. بنا بر گزارش نویسنده، علوی تبیین میرداماد از مثل افلاطونی و تأویل آن‌ها را به وجود دهری اشیاء پذیرفته است. وی در ادامه، به بررسی دیدگاه ملامحمد آقاجانی درباره مُثُل افلاطونی و انتقادات وی بر تفسیر ابن سینا و تأویل میرداماد از این نظریه و همچنین، نقدهای آقاجانی بر نظریه حدوث دهری پرداخته است.

اطلاعات نشر: فلسفه دین (دانشگاه تهران/ دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، دوره ۱۵، شماره ۱ (پیاپی ۳۸)، بهار ۱۳۹۷ش، صص ۲۷۵-۲۹۱.

۲۰۱/۴۹. تحلیل انتقادی نظریه «بداء» بر پایه باور به هیولا

نگارندگان: محمدمهدی منتصری؛ احد فرامرز قراملکی

معرفی: نویسندگان این مقاله معتقدند که فلاسفه مسلمان به دلیل باور به هیولا - که جهان بینی متداول در فلسفه اسلامی است - نتوانسته اند تبیین دقیقی از مسئله «بداء» ارائه دهند. ایشان تبیین های میرداماد، ملاصدرا و حکیم سبزواری را در جایگاه سه فیلسوف صاحب نظر درباره «بداء»، تحلیل و نقد کرده اند.

نگارندگان اشاره کرده اند که میرداماد بنیان گذار بحث فلسفی درباره بداء بوده و طرح این مسئله در آثار فلسفی، نخستین بار در کتاب نبراس الضیاء صورت گرفته است. ایشان تبیین و تحلیل میرداماد را از آموزه بداء، با وجود کاستی ها و نقایص، ارزشمند و دقیق دانسته اند. نویسندگان در تحلیل و نقد آراء سه فیلسوف نامبرده، چهار اشکال بر دیدگاه میرداماد وارد کرده اند. از نظر ایشان، اشکال مشترک هر سه دیدگاه آن است که مسئله بداء را بر اساس هیئت بطلمیوسی - که امروزه بطلان آن ثابت شده - تبیین کرده اند. نگارندگان در پایان مقاله، تبیینی از «لوح محو و اثبات» و «بداء» بر اساس جهان بینی غیرمبتنی بر هیولا ارائه داده اند.

اطلاعات نشر: آموزه های فلسفه اسلامی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷ش، صص ۱۲۷-۱۴۸.

۲۰۱/۵۰. تحلیل میرداماد از «معقول ثانی» و رابطه آن با اعتباری انگاری وجود

نگارندگان: مرتضی جعفریان؛ احد فرامرز قراملکی

معرفی: این مقاله به تبیین نظر میرداماد درباره مفاهیم معقول اول و ثانی فلسفی (تعاریف، دلالت ها و مابه ازاء آن ها در خارج و در ذهن) و ارتباط نظریه اعتباریت وجود با این مفاهیم اختصاص دارد. نویسندگان در پیشینه تاریخی بحث درباره مفاهیم معقول اول و ثانی و ارتباط آن ها با مفاهیم فلسفی، به تأثیر دوانی بر میرداماد اشاره کرده اند. ایشان بر این باورند که میرداماد برای نخستین بار تعریفی از معقول ثانی ارائه داده که همه مفاهیم فلسفی را در بر می گیرد. نویسندگان در ادامه، تقسیم معقول ثانی را به دو قسم فلسفی و منطقی، از ابتکارات و میرداماد دانسته و به تفاوت دیدگاه

میر با تقسیم‌بندی مشهور اشاره کرده‌اند. سپس، تعریف میرداماد را از معقول اول و دوم ثانی بیان کرده و به دیدگاه وی درباره رابطه مفهوم با مصداق (واقعیت خارجی) و نحوه انتزاع معقولات ثانی فلسفی پرداخته‌اند.

نگارندگان در ادامه، نظر میرداماد را درباره مفهوم وجود و اعتباریت آن، بررسی و نقد کرده‌اند. ایشان در پایان متذکر شده‌اند که در نظر میرداماد، معقول اول به معنای اصیل و معقول ثانی به معنای غیراصیل و اعتباری است. میرداماد میان سه معنا از وجود - وجود مستقل و بالذات عینی، وجود رابط عینی و وجود رابط بین عین و ذهن - تفکیکی قائل نیست؛ لذا، از یک سو وجود را منتزع از امور عینی (ماهیات) و از سوی دیگر دال بر امر اعتباری و غیراصیل دانسته است. اطلاعات نشر: حکمت معاصر (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، سال ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵ ش، صص ۸۱-۱۰۵.

+ مستخرج از رساله: «نقد سازگاری نظریه‌های معقول ثانی با مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن نظریه‌ها و پیامدهای معقول دوم‌انگاری مفهوم وجود» (۱۳۸/۱).

۲،۱،۵۱. تحلیل وجودشناختی رابطه خدا و جهان از دیدگاه میرداماد

نگارنده: مرضیه صادقی

معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه میرداماد درباره رابطه خدا با جهان (نظریه «حدوث دهری» و چگونگی ربط حادث به قدیم) اختصاص دارد. نویسنده ابتدا ویژگی‌های نظام فلسفی میرداماد را برشمرده است. وی روش نگارش میرداماد را دشوار ارزیابی کرده و به تعقید زبان فلسفی او اشاره کرده است. از روش ارسطویی (یعنی اثبات مسائل از طریق براهین عقلی) در حکمت یمانی سخن گفته و از استنادات میرداماد به آثار ابن‌سینا شواهدی نقل کرده است. همچنین، نمونه‌هایی از گرایش‌های اشراقی میرداماد ارائه داده است. به باور وی، پیوند عقل و دین و ارتباط حکمت با عرفان، دو ویژگی مهم حکمت یمانی میرداماد به شمار می‌روند. نگارنده در ادامه، به جایگاه حدوث دهری در حکمت یمانی و کیفیت ربط حادث به قدیم اشاره کرده و به معنا و اقسام حدوث - از جمله حدوث و قدم دهری - پرداخته است. سپس، مبانی فلسفی نظریه حدوث دهری را بررسی کرده و به تحلیل ادله میرداماد در اثبات آن پرداخته است. همچنین، به راه حل ملاصدرا در مسئله حدوث عالم - که بر اساس نظریه «حرکت جوهری» و بر مبنای اصالت وجود طراحی شده - اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: فصلنامه اندیشه دینی (دانشگاه شیراز)، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۷ ش، صص ۴۱-۵۸.

۲،۱،۵۲. تسلسل تنازلی در حکمت یمانی

نگارنده: سید محمد موسوی بایگی

معرفی: تسلسل یکی از مسائل مهم فلسفی است که به سه صورت تصویر می‌شود: در جهت تصاعد؛ در جهت تنازل؛ در دو جهت تنازل و تصاعد. حکماء بطلان تسلسل را به تحقق دو شرط منوط دانسته‌اند: ترتب آحاد سلسله بر یکدیگر؛ اجتماع بالفعل همه افراد سلسله در وجود. به باور نویسنده، میرداماد معتقد است که شرط اجتماع بالفعل افراد، در جهت تنازل برقرار نیست

و بدین جهت، تسلسل تنازلی را محال نمی‌داند. برخی حکماء متأخر - همچون حکیم سبزواری و علامه طباطبائی - با مدّعی میرداماد مخالفت کرده‌اند.

نگارنده با بررسی مباحثی همچون «شرایط بطلان تسلسل»، «معنای ماده»، «بطلان تسلسل در همه علل و امور مترتب» و «اطلاقات قضاء و قدر»، نشان داده است که دیدگاه میرداماد به قصد تبیین نسبت اشیاء متغیر با مبدأ کلّ شکل گرفته است. او با پذیرش عدم تناهی بالفعل عددی اشیاء مادی به حسب مرتبه دهر و نیز، تقدّم بالطبع ماده بر ذوالماده در این مرتبه، تسلسل تنازلی را باطل نمی‌داند. نویسنده بر این باور است که نقدهای برخی حکماء متأخر صدرایی بر نظر میرداماد، از فقدان نظر فراگیر به حکمت یمانی نشئت گرفته و از قوّت و استحکام کافی برخوردار نیستند.

اطلاعات نشر: فلسفه و کلام (دانشگاه فردوسی / دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، شماره ۹۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش، صص ۱۳۹-۱۴۷.

۲،۱،۵۳. تسلسل تنازلی در فلسفه میرداماد و نقد آن در حکمت متعالیه

نگارندگان: مرتضی بیات؛ احسان منصوری

معرفی: میرداماد بر اساس شروطی که برای ابطال تسلسل تعریف کرده، معتقد است که تسلسل در جانب تنازل محال نیست. در این مقاله دیدگاه میرداماد در باب تسلسل تنازلی و نقد حکماء صدرایی بر دیدگاه وی، بررسی شده است. نویسندگان ابتدا تسلسل و استحاله آن را نزد حکماء قبل از میرداماد بررسی کرده‌اند. سپس، با اشاره به نظر خاصّ میر درباره شروط امتناع تسلسل - که با نظر مشهور فلاسفه اسلامی متفاوت است - دیدگاه وی را در خصوص استحاله تسلسل تبیین کرده‌اند. ایشان در تبیین دیدگاه میرداماد، به تقریر وی از براهین ابطال تسلسل تصاعدی در کتاب القبسات و توضیحات او درباره تسلسل تنازلی در این کتاب و تقویم ایمان اشاره کرده‌اند.

نویسندگان در ادامه، اهمّ واکنش‌های حکماء به دیدگاه میرداماد را تبیین و بررسی کرده‌اند. ایشان نقدهای چهره‌هایی همچون ملاصدرا، حکیم سبزواری، علامه طباطبائی و استاد مصباح‌یزدی را بر میرداماد مرور کرده و در پایان، به این نتیجه رسیده‌اند که این نقدها، از مجموعه اختلافات مبنایی منتقدان با میرداماد سرچشمه گرفته است.

اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله)، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۳ ش، صص ۸۱-۹۶.

۲،۱،۵۴. تفسیری نوین از رابطه عالم ماده و عالم دهر و نقش آن در حلّ معضل «ربط ثابت

و سیال»

نگارندگان: ابراهیم خانی؛ رضا محمدزاده

معرفی: نویسندگان مقاله با هدف تبیین کیفیت رابطه ثابت با متحرک (سیال)، به بررسی نسبت عالم ماده با عالم دهر و مسئله ثبات طبایع در عالم دهر با تکیه بر آراء میرداماد و ملاصدرا پرداخته‌اند. ایشان دیدگاه‌های هر دو حکیم را درباره عالم دهر و حیثیت ثبات طبایع مطرح کرده و سپس، نظرات‌شان را در اثبات حقیقی نبودن دوگانگی عالم دهر با عالم ماده بررسی کرده‌اند.

نگارندگان در ادامه، تفاسیر موجود از این آموزه (تفسیر میرداماد، ملّاصدار و حکیم سبزواری) را مرور کرده و ابهامات و اشکالات آن‌ها را برشمرده‌اند. ایشان در پایان، با استفاده از تعبیر عرفانی «ظهور»، تفسیر جدیدی ارائه کرده‌اند. به‌باور نویسندگان، با این تفسیر از رابطه عالم مادّه با دهر، معضل ربط ثابت به متحرک (سیّال) حلّ می‌شود.

اطلاعات نشر: فلسفه و کلام اسلامی (دانشگاه تهران/ دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش، صص ۴۷-۶۱.

۲،۱،۵۵. تقریر حکیم میرداماد از نظریه اختیار انسان

نگارندگان: سید محمد علی دیباجی؛ محسن طاهری صحنه

معرفی: این نوشتار به بررسی دیدگاه میرداماد درباره اختیار انسان و نظریه «أمر بین الأمرین» اختصاص دارد. نویسندگان بر این باورند که توجه به دیدگاه میرداماد درباره جعل - بر اساس اصالت ماهیت - در فهم تقریر او از اختیار انسان بسیار مؤثر است. نگارندگان در این مقاله، آراء میرداماد را درباره موضوعاتی همچون «اختیار انسان»، «تفاوت فاعل با جاعل فعل»، «مسئله تسلسل اراده‌ها و راه حلّ آن»، «سازگاری عقوبات اخروی در معاد با اختیار انسان» و «علم پیشین الهی و اراده انسان» بررسی کرده‌اند.

بنا بر گزارش نویسندگان، میرداماد در تبیین فاعلیت الهی، میان فاعل مختار با جاعل فعل و فاعل تمایز نهاده و فاعل را در طول جاعل تامّ فعل ترسیم می‌کند. بر این اساس، اختیار فاعل مباشر، محبّوب تمام شدن سلسله علل می‌شود و در نتیجه، از نظر لغوی و اصطلاحی، فعل به او استناد می‌یابد. با این همه، فاعل، جاعل فعل خود نیست و قدرت و شوق و اراده انسان که از علل ظهور فعل‌اند، در نظام طولی تحت سیطره جاعل و علّت کلّ هستند. ایشان بر این باورند که مخالفت برخی دانشمندان با دیدگاه میرداماد، ناشی از بی‌توجهی به دیدگاه وی درباره جعل و متعلّق آن است.

اطلاعات نشر: قبسات (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، شماره ۷۷، پاییز ۱۳۹۴ش، صص ۹۷-۱۲۰.

+ مستخرج از رساله: «نقد و بررسی تقریرهای «أمر بین الأمرین» در مدرسه اصفهان (با تأکید بر آراء میرداماد، فیاض لاهیجی، قاضی سعید و علامه مجلسی)» (۱،۱،۳۹).

۲،۱،۵۶. جاودانگی نفس از منظر برخی از فلاسفه

نگارندگان: فرحانه اطهر؛ طاهره آل بویه

معرفی: نویسندگان با تأکید بر نقش آموزه جاودانگی نفس و حیات پس از مرگ در انسان‌شناسی فلسفی، این مقاله را به بررسی آراء برخی از حکماء اسلامی درباره خلود نفس اختصاص داده‌اند. ایشان ابتدا به مفهوم‌شناسی موضوع مقاله پرداخته و معنا و مفهوم جاودانگی را در لغت و اصطلاح، در ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی و در مباحث فلسفی بیان کرده‌اند. سپس، به تبیین دیدگاه ابن سینا، میرداماد (در مقام فیلسوفی مشائی)، شیخ اشراق، ملّاصدرا و علامه طباطبائی (در مقام فیلسوفی صدرایی) درباره جاودانگی نفس پرداخته‌اند.

نگارندگان ذیل توضیحات مربوط به دیدگاه میرداماد درباره جاودانگی نفس، به رویکرد فلسفی، عرفانی و دینی میرداماد در تفسیر مرگ و جاودانگی اشاره کرده‌اند. به‌باور ایشان، میرداماد در رویکرد فلسفی، نفس‌شناسی ابن‌سینا را پذیرفته و ریشه‌های افلاطونی و نوافلاطونی رأی خود را در رویکرد عرفانی، با استفاده از آیات و روایات تکمیل کرده است. میرداماد مباحث نفس‌شناسی خود را با مبانی فلسفی آغاز کرده؛ ولی در نهایت، این مباحث را با آموزه‌های عرفانی و مضامین دینی تکمیل کرده است. نویسندگان خاطرنشان کرده‌اند که بر اساس رویکرد کلی آثار میرداماد، عبارات وی درباره مرگ و جاودانگی در هریک از این آثار، با یکدیگر متفاوت‌اند. اطلاعات نشر: کلام حکمت (جامعه المصطفی ﷺ العالمیة)، سال ۴، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۵۳-۶۸.

۲،۱،۵۷. جایگاه «حدوث دهری» و «حرکت جوهری» در دو نظام متفاوت فلسفی

نگارنده: مقصود محمدی

معرفی: نویسنده بر این باور است که نظریه «حدوث دهری» میرداماد و آموزه «حرکت جوهری» ملاًصدرا، هر دو برای تبیین ساختار متافیزیکی جهان هستی و توضیح چگونگی ارتباط حادث با قدیم ارائه شده‌اند. او با این پیش‌فرض، در پی یافتن دلیل سکوت ملاًصدرا درباره نظریه حدوث دهری استادش و همچنین، بی‌توجهی میرداماد به آموزه حرکت جوهری است. وی ابتدا به بررسی زمینه تاریخی نظریه حدوث دهری و بیان نظرات متکلمان و فلاسفه در باب حل معضل حدوث یا قدم عالم پرداخته است. سپس، نظریه حدوث دهری و مفاهیم «وعاء»، «دهر» و «سرمد» را تبیین کرده است. نگارنده خاطرنشان کرده که میرداماد نظریه خود را از دو طریق اثبات کرده است: نقل آراء و اندیشه‌های حکماء پیشین و اثبات سابقه تاریخی این رأی؛ استدلال از راه ملازمه حدوث ذاتی با حدوث دهری.

نویسنده در ادامه، دیدگاه ملاًصدرا را تبیین کرده و تذکر داده است که حدوث زمانی عالم در حکمت متعالیه با حدوث زمانی متکلمان، تفاوت اساسی دارد. وی در پایان درباره دلیل سکوت ملاًصدرا در قبال نظریه میرداماد سخن گفته است. به‌باور نگارنده، نظریه حدوث دهری در نظام فلسفی مبتنی بر اصالت ماهیت مطرح شده و با نظام فلسفی مبتنی بر اصالت وجود سازگار نیست. همین امر سبب شده است تا ملاًصدرا در هیچ‌یک از آثار خود به حدوث دهری اشاره نکند. اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۸ش، صص ۲۸-۳۳.

۲،۱،۵۸. «جبر و اختیار» از نظر میرداماد

نگارنده: حامد ناجی اصفهانی

معرفی: «جبر و اختیار» یکی از معضلات و مسائل مهم عقلانی است که همواره نظر اندیشه‌مندان و حکماء را به خود معطوف کرده است. نویسنده در این مقاله، دیدگاه میرداماد را درباره مسئله جبر و اختیار، بر اساس متن کتاب الإیفاظات بررسی کرده است. به‌باور نگارنده، میرداماد با اتکا بر اندیشه‌های مشائی و تلاش برای تقریب عقل و شرع، در حل مسئله جبر و اختیار، به آموزه

شیعی «أمر بین الأمرین» گرایش داشته است. وی مقاله را با بررسی پیشینه نظرات گوناگون درباره جبر و اختیار - از جمله ادله معتزله و مولوی در اثبات اختیار و نظرات اشاعره - آغاز کرده و سپس، شبهات نظریه اختیار و پاسخ میرداماد به آن‌ها (پاسخ به شبهه اراده و علّیت، پاسخ به شبهه علم در اثبات نظریه جبر و پاسخ به شبهه چگونگی استناد شرور به خداوند) را تحلیل و تبیین کرده است. او در پایان، گزارشی از مطالب کتاب الإیقاظات ارائه داده است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۲۴۱-۲۲۳.

۲،۱،۵۹. جعل و وجود: بررسی دیدگاه میرداماد

نگارنده: داود حسینی

معرفی: در این مقاله، دیدگاه میرداماد درباره وجود و ارتباط آن با مسئله جعل بررسی شده است. نویسنده دو استدلال میرداماد را در ردّ انضمامیت وجود، از القبسات و الأفق المبین نقل کرده است. استدلال اول بر اساس تمایز «هل مرکّب» با «هل بسیط» اقامه شده و استدلال دوم، از طریق سلسله نامتناهی یا تمایز بی وجه، مطلوب میرداماد را اثبات می‌کند. نگارنده در ادامه، اصلاحاتی در ساختار و محتوای این دو استدلال اعمال کرده و سپس، نتایج دیدگاه میرداماد را در سه موضوع «اشتقاق موجود» (با طرح نظریه‌های رقیب)، «جعل و تقرّر» و «مطلب هل» بررسی کرده است. وی پیشنهادهایی برای اصلاح ناسازگاری ظاهری دیدگاه میرداماد در باب «مطلب هل» ارائه داده است.

به باور نویسنده، «موجود» در نظر میرداماد واژه‌ای جامد است و وجود چیزی جز موجودیت مصدری نیست؛ چنان‌که نه وصف است و نه به صورت «هوهو» بر موضوعی حمل می‌شود. نتیجه این سخن آن است که متعلّق جعل بسیط، ماهیت است. بدین ترتیب، مرتبه تقرّر ماهیت، از مرتبه موجودیت آن متمایز بوده و بر آن مقدّم است. متناظر با این دو مرتبه از واقعیت، دو مطلب «هل بسیط حقیقی» و «هل بسیط مشهوری» مطرح می‌شود. متعلّق جعل بسیط در دیدگاه میرداماد، واقعیتی است که در قالب گزاره نمی‌گنجد و تنها می‌توان به آن ارجاع داد. با این وصف، در زبان متافیزیکی میرداماد، تنها ماهیت و جعل جا دارند و نمی‌توان به گونه‌ای منسجم جایی برای وجود و تقرّر باز کرد.

اطلاعات نشر: فلسفه و کلام اسلامی (دانشگاه تهران / دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش، صص ۱۶۷-۱۸۵.

۲،۱،۶۰. جهان‌شناسی میرداماد و ملاصدرا

نگارنده: علی اله‌بداشتی

معرفی: در این مقاله، جهان‌شناسی میرداماد و ملاصدرا بر پایه مبانی فلسفی ایشان بررسی و مقایسه شده است. نویسنده پس از بیان تاریخچه مباحث جهان‌شناختی، خاطرنشان کرده است که قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) - به ویژه نهج البلاغه - دو منبع مهم جهان‌شناسی در فلسفه

اسلامی به شمار می‌روند. سپس، بر اساس اصول و مبانی فکری میرداماد - از جمله دیدگاه وی دربارهٔ اصالت ماهیت، جعل و اثر جاعل، اقسام تقدّم و تأخّر، حدوث دهری، رابطهٔ سرمد، دهر و زمان و... - رئوس آموزه‌های جهان‌شناختی وی را ترسیم کرده است.

نویسنده همچنین، بر اساس مبانی ملاًصدر - از جمله اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری و اقسام تقدّم و تأخّر - آراء جهان‌شناختی وی را بررسی کرده است. به‌باور او، برخی دیدگاه‌های میرداماد و ملاًصدر - به‌تبع وحدت نظر ایشان در مبانی و اصول فکری - مشابه بوده و برخی دیگر - به‌دلیل تفاوت در مبانی و اصول فکری - متفاوت هستند. نگارنده در پایان، دیدگاه‌های جهان‌شناختی این دو اندیشه‌مند را مقایسه کرده و پس از برشمردن تفاوت و شباهت‌های آن‌ها، میان آراء میرداماد و ملاًصدر داوری کرده است.

اطلاعات نشر: پژوهش‌های فلسفی/کلامی (دانشگاه قم)، شمارهٔ ۲ و ۳، زمستان ۱۳۸۳ش، صص ۲۷-۳.

۲.۱.۶۱. حدوث دهری

نگارنده: حسین عشاق

معرفی: نویسنده مقاله، نظریهٔ حدوث دهری را بر اساس چهار مقدمهٔ تقریر کرده است. طبق مقدمهٔ اول و سوم، همهٔ موجودات عالم امکان حادث دهری هستند. بر اساس مقدمهٔ دوم، عدم سابق در حدوث دهری، مقابل وجود است. طبق مقدمهٔ چهارم، لازمهٔ حدوث دهری، تقدّم و تأخّر عالم امکانی است.

نگارنده بعد از بیان این مقدمات و تقریر نظریهٔ حدوث دهری، تفسیر حکیم سبزواری را از این نظریه، از کتاب شرح المنظومة نقل کرده است. در ادامه، تفسیر علامهٔ رفیعی قزوینی را از نظریهٔ حدوث دهری ارائه کرده و پس از تبیین و شرح این دو تفسیر، به مقایسهٔ آن‌ها پرداخته است. او در پایان، اشکالاتی بر نظریهٔ میرداماد وارد کرده و کاستی‌هایی برای آن برشمرده است. از نظر نویسنده، همان اشکالی که میرداماد - بر اساس دقت در مفهوم «حدوث» و «سبق» - به حدوث زمانی وارد می‌کند تا نشان دهد نظریه‌ای ضعیف و ناکارآمد است، بر حدوث دهری نیز وارد است. به‌باور میرداماد، وجود لاحق در حدوث زمانی، به‌معنای حقیق رافع عدم سابق نیست. نگارنده متذکر شده است که این اشکال در حدوث دهری نیز مطرح می‌شود؛ زیرا بر اساس توضیحات میرداماد، مرتبهٔ وجود لاحق و عدم سابق، یکسان نیست.

اطلاعات نشر: رفعت حکمت: اندیشه‌نامهٔ آیت‌الله علامه سیدابوالحسن رفیعی قزوینی رحمته‌الله، مجموعهٔ مؤلفان، گردآوری: محمدعلی اردستانی، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی، ۱۳۸۸ش، صص ۲۲۷-۲۵۳.

۲.۱.۶۲. حدوث دهری در آثار میرداماد

نگارنده: سیدعلی موسوی بهبهانی

معرفی: نویسنده در ابتدای این مقاله، شرح حال مختصری از میرداماد بر اساس منابعی همچون تاریخ عالم‌آرای عباسی، خلاصة الشعراء و الذریعة ارائه داده و دربارهٔ تاریخ تولّد، دوران تحصیل،

اساتید و اجازات میرداماد سخن گفته است. سپس، به تبیین مسئله «حدوث دهری» در آثار میرداماد پرداخته است. وی خاطرنشان کرده که میرداماد در بیشتر مصنفات خود از نظریه حدوث دهری سخن گفته؛ اما به شکل خاص، کتاب القبسات را به تبیین این نظریه اختصاص داده است. نگارنده برپایه عبارات القبسات، نظریه حدوث دهری را تقریر کرده و استدلال‌های میرداماد را قدم به قدم بررسی کرده است.

وی بر این باور است که نظریه ابداعی میرداماد حاصل جمع میان آراء متکلمان و فلاسفه بوده و بر آموزه‌های آیات و روایات مبتنی است. میرداماد در حل این نزاع کهن، علاوه بر تلاش‌های علمی فراوان، به سلوک و مجاهدات نفسانی توجه خاصی داشته است. اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ، ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۹۷-۱۰۷.

۲،۱،۶۳. حدوث دهری در حکمت یمانی میرداماد

نگارنده: احمد رضا کفّاش تهرانی

معرفی: نویسنده بر این باور است که بازخوانی نظریه «حدوث دهری»، بر آگاهی از مفاهیمی همچون «سرمد»، «دهر» و «زمان» مبتنی است. در تاریخ فلسفه اسلامی، بعد از ابن سینا، میرداماد نخستین کسی بوده که به این مفاهیم به تفصیل توجه کرده است.

نگارنده با این مقدمه، ابتدا از معنای اصطلاحی زمان، دهر و سرمد سخن گفته است. سپس، بحث خویش را با بررسی مفهوم «حدوث» دنبال کرده است. او در ادامه، از نظریه حدوث زمانی متکلمان و حدوث زمانی فلاسفه سخن گفته است. به باور نویسنده، جلال‌الدین دوانی پیش از میرداماد نظریه حدوث دهری را مطرح کرده؛ اما آن را بسط نداده و در حل مسئله حدوث از آن استفاده نکرده است. وی در ادامه، از معنای عدم و موطن وجود و عدم در حدوث دهری سخن گفته و با نقل عبارتی از علامه طباطبائی، تذکر داده است که تفاسیر حکماء متأخر از نظریه حدوث دهری، با عبارات میرداماد سازگار نیستند. او همچنین، به تلاش‌های میرداماد در حل برخی مشکلات نظریه حدوث ذاتی - از جمله ناتوانی این آموزه در تفسیر صحیح آیات و روایات مربوط به حدوث عالم - اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: مجله فلسفه (ویژه‌نامه خلاصه مقالات سومین همایش سالانه دانشجویی فلسفه در ایران)، نشر الکترونیک، تهران: انجمن علمی فلسفه دانشگاه تربیت مدرس، آبان ۱۳۹۵ش، صص ۲۳-۲۷.

۲،۱،۶۴. حدوث دهری در فلسفه میرداماد

نگارنده: علی اصغر حق‌دار

معرفی: نویسنده در ابتدای مقاله با نقل عبارتی از میرزամهدی آشتیانی، خاطرنشان کرده که بحث از حدوث و قدم عالم به منزله احوال در سلوک علمی است؛ زیرا حدوث و قدم در زمره مسائلی است که هم متکلمان و هم فلاسفه به آن پرداخته و هریک، نظری بیان داشته‌اند. او با نقل

عبارتی از محمد بن علی رضا آقا جانی نظریه «حدوث دهری» را عاری از اوهام و خیالات شخصی و در زمره آراء متقن فلسفه اسلامی معرفی کرده است. سپس، خاطر نشان کرده است که در این مقاله، با توجه به عبارات قبس اول از کتاب القبسات، مقدمات و لوازم نظریه حدوث دهری و استدلال های میرداماد را بازخوانی خواهد کرد. وی همچنین، تذکر داده است که بررسی و واکاوی افکار و عقاید فلسفی میرداماد در فهم آراء ملا صدرا و حکمت متعالیه مؤثر و راهگشاست. نگارنده در ادامه، از تعریف حدوث و اقسام آن سخن گفته و به بررسی حدوث و قدم ذاتی و حدوث و قدم زمانی و سپس، حدوث و قدم دهری پرداخته است. وی پس از بازخوانی مقدمات نظریه میرداماد، استدلال های او را مرور کرده است. نویسنده در پایان، عبارتی از میرداماد نقل کرده که مفاد آن، تلاش برای جمع میان آراء مشائیان و اشراقیان در بحث حدوث عالم و اشاره به وجه مشترک حدوث ذاتی و دهری و هماهنگی آن با دلایل نقلی و کلام انبیاء علیهم السلام است. اطلاعات نشر: اندیشه حوزه (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، سال ۱، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۴ ش، صص ۱۹۷-۲۰۷.

۲،۱،۶۵. حدوث دهری میرداماد (الف)

نگارنده: فضل الرحمن؛ مترجم: کامران فانی

معرفی: نویسنده در این مقاله به تحلیل دقیق نظریه «حدوث دهری» پرداخته است. وی خاطر نشان کرده که میرداماد در تدوین این نظریه، برخی عبارات ابن سینا را درباره حدوث و قدم عالم و مسئله زمان، مبنا قرار داده و به تفصیل و بسط آن ها پرداخته است. نگارنده بر این باور است که فهم نظریه حدوث دهری میرداماد در گرو فهم آراء ابن سینا در برخی مباحث تاریخی و مقدماتی است. بر این اساس، ابتدا نظرات ابن سینا را در باب سرمد، دهر و زمان بررسی کرده و سپس، عبارات وی را در خصوص صدور عالم به اعتبار امکان و حدوث نقل کرده است. به باور نویسنده، میرداماد بر آن بوده تا نشان دهد حدوث ذاتی ابن سینا، حدوثی عینی و واقعی در وعاء دهر است؛ حدوثی که هنری کربن با واژه «رویداد ازلی» از آن یاد کرده است. او در ادامه، به تبیین معنای دهر و عدم نزد میرداماد پرداخته است. نگارنده با اشاره به نظر استاد سید جلال الدین آشتیانی در باب تکلف نظریه حدوث دهری، معتقد است که دیدگاه میرداماد، نظریه ای معقول بوده و از نظر فلسفی، بدیع و پرمعناست؛ آموزه ای که همچنان درخور تبیین و بررسی بیشتر است.

اطلاعات نشر: شیعه در حدیث دیگران، گردآوری: مهدی محقق، چ ۱، تهران: انتشارات دایرة المعارف تشیع (وابسته به بنیاد اسلامی طاهر)، ۱۳۶۲ ش، صص ۱۸۳-۲۰۵.

+ باز نشر: القبسات، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] سید ابراهیم دیباجی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ ش)، مقدمه، صص صدویست و یک- صد و چهل و سه.

۲،۱،۶۶. حدوث دهری میرداماد (ب)

نگارنده: مصطفی ستاریان

معرفی: نویسنده در این نوشتار، پس از اشاره‌ای مختصر به زندگی علمی و اجتماعی میرداماد و ذکر عناوین برخی آثار وی، به بیان معنای حدوث و قدم و اقسام آن پرداخته است. سپس، محتوای نظریه «حدوث دهري» میرداماد را بیان کرده و استدلال‌های وی را در اثبات این نظریه بر اساس تقرير محقق لاهیجی در حواشی شوارق الإلهام و حکیم سبزواری در شرح المنظومة تبیین کرده است. او در ادامه، نقد محقق لاهیجی را بر رأی میرداماد نقل کرده و به آن پاسخ داده است. اطلاعات نشر: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، سال ۱، شماره ۵، ۱۳۴۸ش، صص ۱۴۵-۱۵۴.

+ مستخرج از رساله: «مکان و زمان (مکان و زمان از نظر ارسطو و تأثیر آن در حکمای مشاء اسلام و اخوان الصفا، ناصر خسرو، شهاب‌الدین سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی و متکلمان اسلامی، میرداماد و ملاصدرا با حدوث دهري میرداماد و حرکت جوهری ملاصدرا)» (۱/۱، ۳۶).

۲، ۱، ۶۷. حدوث دهري و حکمت متعالیه ملاصدرا

نگارنده: سید محمد خامنه‌ای

معرفی: نویسنده در این مقاله، ضمن بررسی نظریه «حدوث دهري» میرداماد، تفاوت‌های آن را با دیدگاه ملاصدرا بر شمرده است. وی در مقدمه مقاله متذکر شده که میرداماد نظریه حدوث دهري را بر مبنای تصویری خاص از سبق انفکاکي غیرمتکتم - در مقابل سبق انفکاکي متقدّر و متکتم - و با حدّ وسط قراردادن وعاء دهر، مطرح کرده است. در این تصویر، ذات باری تعالی از هر تغییر منزه است و مجموعه متغیّرات، درون عالم دهر جای می‌گیرند. در مقابل، ملاصدرا به دلایلی - از جمله تعبّد به ظواهر ادله نقلی و اصل دوام فیض و اعتقاد به حرکت جوهری - دیدگاه میرداماد را نپسندیده است.

نگارنده در ادامه، از معنای اصطلاحی اوعیه سه‌گانه (زمان و دهر و سرمد) سخن گفته و نسبت آن‌ها را تبیین کرده است. سپس، توضیحاتی درباره دیگر مفهوم محوری این نظریه، یعنی «حدوث»، ارائه داده و انواع حدوث (حدوث زمانی و حدوث ذاتی و دهري) را بر شمرده است. پس از آن، درباره عدم و جایگاه آن در نظریه حدوث دهري سخن گفته است.

نویسنده با استناد به عبارتی از حکیم سبزواری، نظریه حدوث دهري را «کارساز و همساز با دیگر اصول فلسفی» دانسته و سپس، از دلایل بی‌توجهی ملاصدرا به این نظریه سخن گفته است. وی در ادامه، تعریف ملاصدرا از دهر و سرمد و تفسیر وی را از آن‌ها را بیان کرده و همچنین، نحوه ربط حادث به قدیم را در حکمت متعالیه بررسی کرده است. در پایان، درباره اختلاف نظر ملاصدرا با میرداماد در هریک از موضوعات یادشده سخن گفته است.

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۴ش، صص ۵-۱۳.
+ باز نشر:

۱. میرداماد، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۴ش، صص ۱۱۷-۱۳۴ (حدوث دهري).

۲. جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان،

گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۵۹-۱۷۰.

۲،۱،۶۸. حدوث و قدم در جهان‌شناختی

نگارنده: جعفر سبحانی

معرفی: نویسنده بر این باور است که بحث دربارهٔ حدوث و قدم جهان را از دو زاویه هستی‌شناختی و جهان‌شناختی می‌توان پی گرفت. او با این مقدمه، حدوث و قدم را از منظر جهان‌شناختی بررسی کرده است. وی ابتدا به تبیین اقسام حدوث - حدوث زمانی، ذاتی، دهری، حدوث ماده و حدوث اسمی - پرداخته و سپس، حدوث زمانی را از دیدگاه ملاحدرا بررسی کرده است. نگارنده در تبیین حدوث ذاتی، به نقد میرداماد بر این نظریه اشاره کرده و به آن پاسخ داده است. همچنین، نظریهٔ «حدوث دهری» را بر اساس تقریر حکیم سبزواری و عبارات میرداماد در کتاب القبسات تبیین کرده است.

نویسنده در پایان، اشاره کرده است که تلاش‌های فلاسفه و متکلمان در تبیین حدوث و قدم جهان ستودنی است؛ اما دیدگاه‌های ایشان، نظر پیروان شرایع آسمانی را تأمین نمی‌کند. بر این اساس، او دیدگاه خاص خود را دربارهٔ حدوث زمانی جهان، با دو بیان مختلف مطرح کرده است. اطلاعات نشر: کلام اسلامی (مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام)، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰ ش، صص ۴-۲۱.

۲،۱،۶۹. حدوث و قدم عالم از منظر فیلسوفان اسلامی

نگارنده: عبدالله محمدی

معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه‌های فیلسوفان مسلمان دربارهٔ پیدایش جهان و تلاش ایشان در تطبیق نظرات خود با آموزه‌های وحیانی اختصاص دارد. نویسنده ابتدا مفاهیم «حدوث» و «قدم» را در لغت اصطلاح بررسی کرده و سپس، دربارهٔ اقسام حدوث و قدم - یعنی حدوث و قدم زمانی (با دو تفسیر حدوث و قدم بر پایهٔ تفسیر مشهور از زمان و تفسیر صدرایی از زمان)، حدوث و قدم ذاتی، حدوث و قدم دهری، حدوث و قدم بالحق و حدوث و قدم اسمی - سخن گفته است. در ادامه، مبحث حدوث و قدم عالم را در فلسفهٔ یونان و نزد فیلسوفان مسلمان (فیلسوفان مشائی، فیلسوفان اشراقی و مکتب شیراز) بررسی کرده است.

نگارنده با ذکر این نکته که محقق دوانی و میرداماد اولین مبدعان و طرفداران نظریهٔ «حدوث دهری» هستند، به تشریح این نظریه پرداخته است. بدین منظور، ابتدا از معنای حدوث نزد میرداماد سخن گفته و سپس، دیدگاه وی را دربارهٔ مراتب نفس الامر (زمان، دهر، سرمد)، اقسام تقدّم و تأخّر و حدوث و قدم زمانی مرور کرده است. او پس از تقریر نظریهٔ میرداماد، ذیل عنوان «حکمت متعالیه» آراء ملاحدرا، ملاحادی سبزواری و علامه طباطبائی را در باب حدوث عالم بررسی کرده است.

نویسنده در بخش بعدی مقاله، استدلال‌های فیلسوفان را بر نفي حدوث زمانی و اثبات قدم عالم (از جمله استدلال از راه ضرورت ازلی فاعلیت خداوند، استدلال از راه قوه و فعل، استدلال از

راه استحاله ترجیح بدون مرجح و استدلال از راه تناقض حدوث زمانی تحلیل کرده است. در ادامه، پاسخ‌های فیلسوفان را به اشکالات متکلمان (اشکال بی‌نهایت شدن پدیده‌ها، اشکال مجبور شدن خداوند و اشکال برپایه تلازم حدوث زمانی و معلولیت) مرور کرده است. وی در همین بخش، علاوه بر تقریر استدلال دوانی و میرداماد در اثبات حدوث دهری، به استشادهای میرداماد به آیات و روایات اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: اندیشه‌نامه علوم عقلی اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: مهدی عبدالمی، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۰ش، صص ۴۷۱-۵۰۶.

۲۰۱/۷۰. حقیقت نفس در مدرسه کلامی اصفهان و بازتاب آن در جنسیت‌مندی نفس

نگارندگان: زینب تاجیک؛ محمد رنجبرحسینی؛ احمد کریمی

معرفی: نویسندگان در ابتدای مقاله اشاره کرده‌اند که بحث از رابطه حقیقت انسان و جنسیت، از مباحث فلسفی/کلامی جدید است که به دنبال برخی مسائل فینیسیتی مطرح شده است؛ اما با بررسی مبانی فلسفی و انسان‌شناختی حکماء اسلامی، می‌توان به رأی ایشان درباره جنسیت‌مندی نفس پی برد. نفس در نحوه حدوث، تشخیص، فعلیت و کارکرد دنیوی، دارای ویژگی‌های جنسیتی است. نگارندگان با بررسی این مباحث در آثار چهار اندیشه‌مند مکتب اصفهان، از جمله میرداماد، ملاصدرا، فیض‌کاشانی و علامه مجلسی، به تبیین رابطه حقیقت نفس با جنسیت‌مندی آن پرداخته‌اند.

نویسندگان ابتدا درباره دو اصطلاح «جنسیت» و «نفس» سخن گفته و سپس، آراء میرداماد، ملاصدرا، فیض‌کاشانی و علامه مجلسی را درباره نفس بیان کرده است. ایشان متذکر شده‌اند که میرداماد اثر مستقلی درباره نفس ندارد؛ اما با بررسی عبارات او، می‌توان آراء وی را در باب نفس، به سه حوزه فلسفی، عرفانی و نقلی تقسیم کرد. نویسندگان نفس‌شناسی میرداماد را در حوزه فلسفی، متأثر از ابن‌سینا دانسته‌اند. به‌باور میرداماد، حقیقت نفس، مجرد و حادث بوده و دارای دو جهت مادی (هنگام همراهی با بدن) و مجرد (بعد از مفارقت از عالم ماده) است. نگارندگان در ادامه، با بررسی آراء نفس‌شناسی چهار متکلم حوزه فلسفی/کلامی اصفهان (حدوث نفس، هویت حقیقی انسان در عوالم مختلف، رابطه نفس و بدن در دنیا)، کوشیده‌اند تا دیدگاه آنان را درباره جنسیت‌مندی نفس کشف کنند. به نظر ایشان، از آراء میرداماد درخصوص احاطه کامل نفس بر بدن و تعلق طبیعی و اتصال قوی نفس با بدن، می‌توان شراکت نفس در همه ویژگی‌های بدن، اثرپذیری نفس و بدن از یکدیگر و در نتیجه، جنسیت‌مندی نفس در عالم ماده را استنباط کرد.

نویسندگان در بخش نتیجه‌گیری خاطرنشان کرده‌اند که بر اساس مبانی نفس‌شناختی اندیشه‌مندان مذکور، اختلاف تمایلات، احساسات و ادراکات زنانه و مردانه، به نفس - در مقام مدرک اصلی همه ادراکات و احساسات - سرایت می‌کند.

اطلاعات نشر: فلسفه دین (دانشگاه تهران/ پردیس فارابی)، دوره ۱۹، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱ش، صص ۲۲۳-۲۴۶.

۲۸/۷۱. حقیقت، وجود و تقرّر: تأملی تاریخی درباره نظر صدرا در باب تحقق وجود در برابر

نظر میرداماد

نگارنده: داود حسینی

معرفی: یکی از استدلال‌های ملاًصدرا برای نظریه‌ای که امروزه با عنوان «اصالت وجود» شناخته می‌شود، چنین است: حقیقت هرچیز همان وجودش است که به واسطه آن وجود، احکام و آثار آن چیز بر آن حمل می‌شود؛ پس، وجود نسبت به آن چیز، اولی به تحقق است. نویسنده در این مقاله کوشیده است تا نشان دهد تنها مقدمه این استدلال در تقابل با نظر میرداماد شکل گرفته است. از نظر او، مقدمه استدلال ملاًصدرا به سه پرسش تحویل می‌شود: نخست اینکه تعبیر «حقیقت شیء وجودش است»، به چه معناست؟ دوم اینکه دایره آثار، احکام و حقوق چیست؟ و سوم اینکه چرا ترتب آثار و احکام و حقوق به واسطه وجود است؟

نگارنده برای پاسخ به این سه پرسش، به بستر تاریخی نظریه ملاًصدرا و تقابل او با میرداماد مراجعه کرده است. بدین منظور، ابتدا نظریه میرداماد را در چهار محور «جعل بسیط ماهیت و تقرّر»، «انتزاعیت وجود»، «تقدّم تقرّر بر وجود» و «تقدّم وجود بر احکام غیر ذاتی در عین عدم مدخلیت» بررسی کرده است. سپس، مخالفت ملاًصدرا را با این چهار اصل روایت کرده است. نویسنده در پایان، به پرسش‌های مقاله چنین پاسخ داده است: ۱. ادعای عینیت حقیقت با وجود، در برابر نظریه میرداماد درباره دوگانگی حقیقت و وجود مطرح شده است؛ ۲. ادعای تقدّم وجود بر همه احکام ماهیت و مدخلیت وجود در آن‌ها، در مقابل دیدگاه میرداماد است که موجودیت را از ذات و ذاتیات مؤخّر دانسته و برای آن، مدخلیتی در حمل لوازم و لواحق قائل نیست؛ ۳. مسئله «موجودیت»، مستقلّ از مسئله «مجبولیت» پاسخ داده می‌شود. برای میرداماد موجودیت امری انتزاعی است که در جهان اثری ندارد؛ ولی در نظر ملاًصدرا، بنیادی‌ترین واقعیت است که همه آثار به آن وابسته‌اند.

اطلاعات نشر: حکمت معاصر (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵ ش، صص ۸۵-۱۰۶.

۲۸/۷۲. حکمت یمانی در هند

نگارنده: علی اوجی

معرفی: این نوشتار به رصد ردّ پای میرداماد در کتاب فیلسوف شیرازی در هند، اثر اکبر ثبوت، اختصاص دارد. نگارنده مقاله با بازخوانی مداخل کتاب مذکور، فهرستی از بیست و شش دانشمند هندی فراهم آورده که در ردّ یا تأیید دیدگاه‌های میرداماد سخن گفته یا اثری تألیف کرده‌اند. برخی از این دانشمندان ارادت فراوانی به میرد داشته و با القابی همچون «باقر العلماء»، «باقر العلوم»، «باقر الحکماء» و «المحقق الباقر» از وی یاد کرده‌اند. برخی دیگر نیز به شدّت با نظریات میرداماد مخالف کرده و حتّی به تندّی درباره وی سخن گفته‌اند.

به باور نویسنده، محققان هندی به آثاری مانند الأفق المبین، تقویم ایمان، القبسات، الإیماضات، التقديسات و خلسة الملکوت التفات بیشتری داشته؛ اما از کتاب جذوات و مواقیت - که میرداماد

آن را در پاسخ به سؤال علماء هند نگاشته - هیچ نامی نبرده‌اند.

اطلاعات نشر: آینه میراث (مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب)، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵ ش، صص ۷۸-۹۲.

۲،۱،۷۳. حکمت یمانی و نوآوری‌های فلسفی میرداماد

نگارنده: علی اوجی

معرفی: نویسنده حکمت یمانی و حکمت متعالیه را نمودی از اوج جریان فلسفه اسلامی دانسته است. وی با اشاره به شباهت‌ها و اختلافات این دو نظام فلسفی، خاطرنشان کرده که حکمت یمانی سرچشمه حکمت متعالیه و حکمت متعالیه، مرتبه تکامل یافته حکمت یمانی است.

نگارنده نخست به معرفی مؤلفه‌هایی پرداخته که ساختار حکمت یمانی را شکل داده‌اند. او حکمت مشاء، روش و ارکان آن، حکمت اشراق و آموزه‌های دینی و تعالیم شیعی را عناصر اصلی حکمت یمانی میرداماد دانسته است. به باور او، یکی از کاستی‌های حکمت مشاء که میرداماد سعی بر رفع آن داشته، عقل‌گرایی و بی‌توجهی به روش‌های اشراقی و ناکامی در سازگاری میان آموزه‌های دینی و اصول فلسفی بوده است. میرداماد همچنین، با تتبع در حکمت اشراق به کاستی‌های این نظام نیز پی برد و کوشید تا ضعف‌های آن را رفع کند. نویسنده از مهارت میرداماد در تفسیر آیات و روایات سخن گفته و استشهادات فراوان او را به منابع نقلی، شاهد تلاش وی در ایجاد هماهنگی میان عقل و شرع دانسته است.

نگارنده در ادامه مقاله، آراء و اندیشه‌های خاص میرداماد را در برخی مسائل فلسفی - از جمله «وحدت حمل»، «نظریه حدود و قدم فرازمانی (دهری)»، «مسئله بداء و تناسب آن با نسخ»، «جبر و اختیار»، «اصالت ماهیت»، «تعداد مقولات»، «پیدایش کثرت از وحدت» و «اقلیم هشتم (عالم خیال منفصل)» - به اختصار مرور کرده است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان: دو مکتب فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدعلی اصغر میرباقری فرد [و] فاطمه بستان شیرین، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش، صص ۳۱-۴۸.

۲،۱،۷۴. «حمل اولی ذاتی» و «حمل شایع صناعی» و کاربرد آن نزد میرداماد در مسئله

«وجود ذهنی»

نگارنده: مهدی عسگری

معرفی: در این مقاله جایگاه حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی در نظر میرداماد و تأثیر آن در مسئله «وجود ذهنی» بررسی شده است. به باور نویسنده، میرداماد بر اساس تمایز حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی، کوشیده تا هم اصل وجود ذهنی را اثبات کند و هم به اشکال معروف وجود ذهنی، یعنی اجتماع جوهر و عرض، پاسخ دهد. نگارنده ابتدا تاریخچه مختصری از مسئله وجود ذهنی و دو اصطلاح «حمل اولی ذاتی» و «حمل شایع صناعی» بیان کرده است. سپس، اقسام وجود و اعتبارات وجود ذهنی را نزد میرداماد تبیین کرده و استدلال وی را در اثبات وجود ذهنی تقریر کرده است.

نویسنده در بخش بعدی، به اشکال مشهور وجود ذهنی و منشأ بروز آن پرداخته است.

سپس، پاسخ میرداماد را به این اشکال، در بستری تاریخی مرور کرده است. وی در پایان، متذکر شده است که مفاد عبارات مَلّاصدرا در حلّ اشکال وجود ذهنی، چیزی بیش از پاسخ میرداماد نیست. به بیان دیگر، این میرداماد است که برای نخستین بار با دقت در مسئله حمل و تمایز ذات با تقرر آن در ذهن، اشکال وجود ذهنی را حلّ کرده است، نه مَلّاصدرا.

اطلاعات نشر: منطق پژوهی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش، صص ۱۵۹-۱۷۲.

۲،۱،۷۵. ختام بحث از «مُثل»

نگارنده: حسن حسن زاده آملی

معرفی: این نوشتار، فصلی از کتاب نگارنده است که می توان آن را مقاله ای مستقلّ به حساب آورد. نویسنده بر اساس عبارات مفصل میرداماد در الأفق المبین، دیدگاه وی را درباره نظریّه «مُثل افلاطونی»، بازخوانی و بررسی کرده است. او علاوه بر تبیین تأویل میرداماد از نظریّه مُثل، به برخی دیدگاه های وی درباره مباحث «قضاء و قدر» و «حدوث دهری» نیز اشاره کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، مَلّاصدار کلام استاد خود را درباره مُثل، در اوایل فصل نهم از مرحله چهارم الأسفار الأربعة تبیین کرده است. نگارنده با طرفداری از دیدگاه مَلّاصدرا، اشکالاتی بر تأویل میرداماد وارد کرده است. او در ادامه، به توضیح مفاهیم «سرمَد، دهر و زمان» و نسبت آن ها با یکدیگر پرداخته و جایگاه دو مفهوم «دهر» و «حادث» را در نظریّه حدوث دهری میرداماد تشریح کرده است. نویسنده در تبیین این مفاهیم، به عباراتی از آثار ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، مَلّاصدار، حکیم سبزواری و... مراجعه کرده است. او در پایان، نظریّه حدوث دهری را بر اساس تقریر حکیم سبزواری تبیین کرده و تذکر داده که معنای دهر در فلسفه میرداماد، با معنای آن در اصطلاح رایج حکماء متفاوت است.

اطلاعات نشر: دو رساله مُثل و مثال، حسن حسن زاده آملی، چ ۱، تهران: نشر طوبی، ۱۳۸۲ ش، صص ۱۵۷-۱۸۲.

+ بازنشر: هزارویک کلمه، ج ۶، حسن حسن زاده آملی، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش (تجدید چاپ تا نوبت هشتم، ۱۳۹۹ ش)، صص ۱۷۷-۱۹۹ (کلمه ۵۷۴).

۲،۱،۷۶. داوری فیاض لاهیجی میان میرداماد و مَلّاصدرا در مسئله «اصالت وجود»

نگارنده: حمید عطایی نظری

معرفی: فیاض لاهیجی در کتاب الکلمة الطیبة آراء میرداماد و مَلّاصدرا را درباره مسئله اصالت وجود و اصالت ماهیت بررسی کرده است. وی با داوری میان نظرات این دو اندیشه مند، تلاش کرده است تا به نزاع ایشان خاتمه دهد. این مقاله به بررسی دیدگاه مَلّاعبدالرزاق لاهیجی در این مسئله اختصاص دارد. نویسنده در ابتدا، دیدگاه لاهیجی را در باب اصالت وجود یا ماهیت، بر اساس کتاب الکلمة الطیبة بیان کرده است. وی با نقل عبارات لاهیجی به پرسش و پاسخی که میان مَلّاصدرا و میرداماد صورت گرفته، اشاره کرده است. بنا بر گزارش نگارنده، لاهیجی با استاد خود، مَلّاصدرا، درباره این مسئله به گفت و گو پرداخته و دو اشکال بر دیدگاه استاد وارد کرده

است. نتیجه این گفت‌وگوها، تلاش لاهیجی برای جمع دیدگاه میرداماد و ملاصدراست. نویسندگان بر این باور است که دیدگاه لاهیجی، با دقت در دو مفهوم «ماهیت» و «حقیقت» شکل گرفته است. وی حقیقت را نزد میرداماد و ملاصدرا و دیگران یکسان دانسته و خاطر نشان کرده که میرداماد و حکماء پیشین حقیقت را اخصّ از ماهیت می‌دانند؛ درحالی‌که ملاصدرا واقعیت را حقیقت وجود نامیده است. لاهیجی تأکید کرده که میان میرداماد و ملاصدرا درباره «حقیقت» اختلافی وجود ندارد و نزاع ایشان تنها در اصطلاح است.

نگارنده در ادامه، کوشیده است تا دیدگاه نهایی لاهیجی را درباره اصالت وجود یا ماهیت تبیین کند. نتیجه اینکه لاهیجی در آثاری مانند الکلمة الطیبة و گوهرماد، به اصالت ماهیت گرایش داشته و در شوارق الإلهام اصالت وجود را تأیید کرده است. البته، دیدگاه آشتی‌جویانه‌ای نیز مطرح کرده تا اختلاف رأی میرداماد و ملاصدرا را در مسئله اصالت وجود یا اصالت ماهیت، اختلافی لفظی نشان دهد.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی زاده اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، ج ۳، صص ۱۹۳-۲۱۰.

۲۰۱۷۷. درباره تاریخ مشهور مسئله «اصالت وجود»

نگارندگان: هما رنجبر؛ داود حسینی

معرفی: این مقاله به بازخوانی روایت معاصران از تاریخ مسئله «اصالت وجود» اختصاص دارد. نگارندگان بر این باورند که در این روایت، نقش‌های اصلی بر عهده ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدراست و میرداماد نیز نقش مکمل را بازی می‌کند. ابن‌سینا در مواجهه با متکلمان اشعری، به زیادت ذهنی وجود بر ماهیت قائل شده است. سهروردی این تمایز را در خارج انکار کرده و میرداماد این مسئله را به شکل دوران اصالت میان وجود و ماهیت مطرح کرده است. ملاصدرا نیز در فصل پایانی این روایت، نظریه اصالت وجود را پدید آورده است.

نویسندگان این سیر تاریخی را «روایت مشهور» نامیده و نشان داده‌اند که این روایت در همه بخش‌هایش به نقص‌ها و اشتباهات تاریخی دچار است. اولاً، به لحاظ تاریخی مشخص نیست که آیا ابن‌سینا مدعی زیادت ذهنی وجود و ماهیت بوده یا خیر. ثانیاً، نزاع تاریخی بر سر زیادت خارجی یا ذهنی وجود در میان شارحان و مفسران ابن‌سینا، دامنه وسیعی داشته است. ثالثاً، سهروردی تنها یکی از فیلسوفانی است که در این نزاع داخل شده و عیله پیروان مشائیان استدلال کرده‌اند. رابعاً، تنها متنی که بر اساس آن، طرح مسئله اصالت وجود به میرداماد منسوب شده، منحول است. خامساً، میرداماد و ملاصدرا در همین نزاع کهن وارد شده و بر سر حل آن اختلاف نظر داشته‌اند. دیدگاه نگارندگان این است که مسئله «دوران» تنها در رساله «مفهوم الوجود و الماهیة» مطرح شده است و انتساب این رساله به میرداماد، از جهات گوناگون پذیرفتنی نیست؛ از جمله ضعف سندی و ناسازگاری‌های محتوایی و تاریخی. ایشان در پایان اشاره کرده‌اند که این روش تاریخ‌نگاری، کامل و فراگیر نیست؛ زیرا تحولات فکری در تاریخ فلسفه، معمولاً پیچیده‌تر از آن هستند که توسط سه یا چهار نفر رقم بخورند.

اطلاعات نشر: فلسفه (دانشگاه تهران/ دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، سال ۴۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش، صص ۱۰۷-۱۳۳.

۲،۱،۷۸. دورنمایی از اندیشه‌ها و نظریات فلسفی میرداماد

نگارنده: علی اوجی

معرفی: نویسنده در این مقاله، آراء میرداماد را به سه دسته آراء ابداعی، آراء شاذ و راه‌حل‌های ارائه‌شده برای برخی معضلات تقسیم کرده و بعضی از آن‌ها را بررسی کرده است. از جمله دیدگاه‌های میرداماد که در این نوشتار تبیین شده، نظریه «حدوث دهری» است. نگارنده بر این باور است که میرداماد برای اثبات اینکه حدوث دهری از لوازم ماهیات ممکنات است، در کتاب تقویم‌الایمان برهانی اقامه کرده که در هیچ‌یک از آثار وی مطرح نشده است.

مطلب دیگری که نویسنده به آن پرداخته، دیدگاه میرداماد درباره مسئله «بداء» است. به باور وی، رساله نبراس الضیاء عمیق‌ترین و گران‌بهاء‌ترین اثری است که در طول تاریخ اسلام درباره بداء به رشته تحریر درآمده است. وی همچنین، دیدگاه میرداماد را درباره جبر و اختیار، بر اساس متن رساله الإیقاظات - که به مسئله خلق افعال و جبر و اختیار و شبهات مربوط به آن اختصاص دارد - بررسی کرده است.

مبحث دیگر، دیدگاه میرداماد در باب اصالت ماهیت است. نگارنده خاطرنشان کرده است که بررسی دقیق آثار میرداماد نشان می‌دهد که جای دادن وی در زمره پیروان اصالت ماهیت، توجیه‌پذیر نیست. او برای اثبات مدعای خود، به عباراتی از کتاب القبسات اشاره کرده و آن‌ها را با دیدگاه اصالت وجود سازگار دانسته است. نظر میرداماد در خصوص تعداد مقولات و انحصار آن‌ها در دو مقوله جوهر و عرض و افزودن «وحدت حمل» به وحدت‌های هشتگانه در شروط تناقض، از دیگر مباحثی است که در این مقاله تبیین شده‌اند.

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۷ش، صص ۶۴-۷۰.

۲،۱،۷۹. رابطه عقل و شرع از دیدگاه میرداماد و فیض‌کاشانی

نگارندگان: مجتبی سرگزی‌پور؛ نادر مختاری؛ امیر بارانی‌بیرانوند

معرفی: در این نوشتار دیدگاه میرداماد و فیض‌کاشانی درباره توانایی عقل بشری در ادراک معارف و احکام دینی، قلمرو عقل و شرع در جایگاه دو منبع معرفتی و سازگاری یا ناسازگاری عقل و دین با یکدیگر، به روش توصیفی/تحلیلی بررسی و مقایسه شده است.

نویسندگان در ابتدا، مفاهیم اصطلاحی «عقل»، «شرع» و «دین» را بررسی کرده و سپس، به مباحثی همچون انواع رابطه میان عقل و شرع، نسبت عقل و شرع در تاریخ تفکر اسلامی (نظریه خردگرایی افراطی، نظریه خردگرایی معتدل و نظریه ظاهرگرایی) پرداخته‌اند. ایشان بعد از بیان این مقدمات، اشاره کرده‌اند که فهم رابطه عقل و دین در آثار متکلمان، در گرو آگاهی از آنان در مسئله «حُسن و قبح» است. به باور نویسندگان، نخستین کسی که عنوان رابطه و ملازمه بین حکم شرع و عقل را به کار برده، فاضل‌تونی است.

نگارندگان در ادامه، به مسئله حسن و قبح و دیدگاه‌های گوناگون درباره آن پرداخته‌اند. ایشان با استناد به عبارات میرداماد در باب حسن و قبح، خاطرنشان کرده‌اند که وی هم به حسن و قبح فعلی توجه داشته است و هم به حسن و قبح فاعلی. نویسندگان این مطلب را به معنای ملازمه عقل و شرع در نظر میرداماد قلمداد کرده‌اند. در نظر ایشان، میرداماد یکی از طرفداران سرسخت تحسین و تقبیح عقلانی افعال است؛ ازاین رو، می‌توان گفت: او عقل را یکی از منابع شناخت و معرفت انسان دانسته و بر این باور است که عقل و دین هر دو از یک حقیقت خارجی و عینی اخبار می‌کنند. همین امر سبب شده تا آموزه‌های شرع و عقل، هماهنگ با یکدیگر و سازگار با ذات حقیقت باشند.

نویسندگان در ادامه، به تبیین آراء فیض کاشانی - که در تاریخ فقه در زمره اخباریان قلمداد شده است - پرداخته‌اند. ایشان با استناد به عبارات فیض کاشانی، خاطرنشان کرده‌اند که نزد وی، عقل در فهم کتاب و سنت جایگاهی برجسته دارد؛ اما فیض کاشانی عقل را منبع مستقلی در عرض کتاب و سنت ندانسته است. این در حالی است که نوع نگرش او به عقل و کاربرد آن، با سایر اخباریان متفاوت بوده و وی را به مجتهدان نزدیک کرده است.

نگارندگان در نتیجه‌گیری مقاله، با اشاره به نظریات متفکران اسلامی درباره نسبت عقل و دین، میرداماد را در دسته عقل‌گرایان معتدل قرار داده‌اند. از نظر میرداماد آنچه در شرع وجود دارد با آنچه از عقل حاصل می‌شود، یکسان و متلازم است و این یعنی تلازم حکم عقل با شرع. اطلاعات نشر: عقل و دین (مؤسسه دین پژوهی علوی)، سال ۱۱، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸ش، صص ۲۰۳-۲۳۰.

۲۰۱۸۰. زمان و زمانی

نگارنده: سید محمد خامنه‌ای

معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه اندیشه‌مندان اسلامی درباره ماهیت زمان اختصاص دارد. نویسندگان در ابتدا پیشینه تاریخی تفکر در باب زمان و اشیاء زمانی را بررسی کرده و به نظریات فلاسفه یونان باستان - از جمله ارسطو، افلاطون، افلوپین، فیثاغوریان و رواقیان - اشاره کرده است. سپس، دیدگاه‌های فلاسفه دوران تجدّد اروپا - مانند کانت و هایدگر - را بررسی کرده است. وی در ادامه، به دیدگاه فلاسفه اسلامی در باب دو جهان مادی و غیرمادی پرداخته و خاطرنشان کرده که میرداماد به جهان‌های سه‌گانه (سرمد، دهر و زمان) باور داشته است. سپس، توضیحاتی درباره این عوالم سه‌گانه، نسبت آن‌ها با یکدیگر و نظر میرداماد درباره موجودات زمانی ارائه کرده است. پس از آن، با اشاره به تفسیر میرداماد از عقیده ابوالبرکات بغدادی درباره زمان، متذکر شده که میر وجود جهان متغیر را به جهان دهر و موجودات ثابت دهری منتسب کرده است. نگارنده در ادامه مقاله، به دیدگاه ملاصدرا پرداخته و رأی فلسفی او را درباره زمان و اشیاء زمانی - که بر اساس نظریه حرکت جوهری تبیین شده - منطقی‌تر و محکم‌تر از سایر آراء دانسته است. اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۴ش، صص ۷-۳.

۲/۱/۸۱. سخن در حدوث دهری و تفسیر دهر و سرمد و زمان

نگارنده: سیدابوالحسن رفیعی قزوینی

معرفی: نویسنده در این یادداشت مختصر، ابتدا به تعاریف حکماء از زمان پرداخته و آن‌ها را، تعریف مفهوم «زمانی بودن» دانسته است، نه تعریف خود زمان. وی سپس، از مفهوم «دهر» سخن گفته و آن را رابطه‌ای دانسته است که در یک سوی آن جوهر عقلی ثابت و در سوی دیگرش، نوع جسمانی متغیر قرار دارد (نسبت متغیر با ثابت). او در ادامه، از معنای اصطلاح «سرمد» سخن گفته و در نهایت، توضیحاتی درباره «حدوث دهری» ارائه کرده است. نگارنده متذکر شده که عالم جسمانی، حادث دهری است؛ به این معنا که وجود متغیّرات به عدم در دهر مسبوق است.

مجموعه رسائل و مقالات فلسفی مجموعه‌ای از رسائل، تعلیقات و نگاشته‌های کوتاه سیدابوالحسن رفیعی قزوینی است که این مقاله کوتاه نیز در آن بازنشر شده است. مصحح در مقدمه خود بر این مجموعه و در توضیح نظر رفیعی قزوینی درباره حقیقت زمان، دهر و سرمد، خاطرنشان کرده که یکی از ویژگی‌های رفیعی قزوینی، واکاوی دقیق تعاریف علمی و مصطلحات فلسفی حکماء بوده است.

اطلاعات نشر: جاویدان خرد (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)، شماره ۵، بهار ۱۳۵۶ش، صص ۲۵-۲۶.

+ بازنشر:

۱. مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، میرزاابوالحسن رفیعی قزوینی، تصحیح: غلامحسین رضائزاد (نوشین)، چ، ۱، تهران: انتشارات الزهراء (ع)، ۱۳۶۷ش، صص ۶۵-۶۹.

۲. مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، میرزاابوالحسن رفیعی قزوینی، تصحیح: غلامحسین رضائزاد (نوشین)، چ، ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۶ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۳ش)، صص ۱۳۹-۱۴۱.

۲/۱/۸۲. سریان عدم در عوالم طولی هستی‌شناسی میرداماد

نگارنده: مهدی دهباشی

معرفی: نویسنده در ابتدای مقاله خاطرنشان کرده که توجه به مفهوم عدم، در بحث از مناظ نیازمندی معلول به علت و حدوث - که به معنای مسبقیت شیء به غیر یا عدم است - بسیار تأثیرگذار است. او با این مقدمه، به بررسی عدم در نظریه «حدوث دهری» میرداماد پرداخته است. نگارنده با اشاره به توضیحات میرداماد درباره عوالم سه‌گانه، از عدم صریح و واقعی و فی‌نفسه و عدم ذاتی سخن گفته است. به باور وی، میرداماد در تلاش بوده است تا با استفاده از برهان و تمسک به آیات و روایات، مسبقیت ممکنات به عدم صریح دهری را اثبات کند.

نویسنده عدم صریح مأخوذ در نظریه حدوث دهری را از ابتکارات میرداماد دانسته و متذکر شده که این عدم، در دیدگاه هیچ‌یک از فلاسفه قبل و بعد از میرداماد (در شرق و غرب) مطرح نشده است؛ اما شبیه به چیزی است که عرفاء آن را «عدم نسبی» و «خزانه صنع» خوانده‌اند.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۱۲۷-۱۴۱.

۲،۱،۸۳. سیر تطوّر ایده زمان در فلسفه

نگارنده: لطف الله نبوی

معرفی: این مقاله به تبیین تحلیل‌های فلاسفه از مفهوم و ماهیت زمان اختصاص دارد. نویسنده بعد از بررسی چستی زمان در دیدگاه اندیشه‌مندان و فلاسفه غرب - از پیشاسقراطیان تا دوره معاصر - به تبیین دیدگاه حکماء اسلامی در این باره پرداخته است. به عقیده نگارنده، اکثر حکماء مسلمان رأی ارسطو را درباره ماهیت زمان پذیرفته؛ اما دقایق و نکاتی به آن افزوده‌اند. او در این بخش از مقاله، اشکال فخر رازی را بر اتصال حرکت مطرح کرده و پاسخ اندیشه‌مندی همچون بهمنیار و میرداماد را به این شبهه، بررسی کرده است. به گزارش نویسنده، میرداماد بر این باور است که فخر رازی دو معنای «ابتدا» را خلط کرده است. او سپس، با تبیین پاسخ حلی میرداماد به این اشکال، آراء وی را درباره موجود تدریجی الحدوث، وقوع حرکت قطعی در خارج و واقعیت خارجی زمان، مرور کرده است.

اطلاعات نشر: مدرّس علوم انسانی (دانشگاه تربیت مدرّس / دانشکده علوم انسانی)، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ش، صص ۱۱۱-۱۳۸.

۲،۱،۸۴. سیر و تطوّر نظریه «زمان» در مکتب فلسفی اصفهان

نگارنده: مهدی دهباشی

معرفی: نویسنده در ابتدای مقاله اشاره کرده که در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری قمری، چندین نظریه در باب زمان و حدوث عالم از سوی حکماء مطرح شده است. او این مقاله را به بررسی و مقایسه دیدگاه‌های ملاصدرا و میرداماد در این باره اختصاص داده است. نگارنده ابتدا نظریه زمان دهري میرداماد و سپس، نظریه «زمان موهوم» متکلمان را بررسی کرده است. پس از آن، به دلایل مخالفت ملاصدرا با نظریه حدوث دهري میرداماد اشاره کرده است. او در ادامه، نظریه ابتکاری ملاصدرا را درباره زمان و حدوث عالم - بر اساس حرکت جوهری - تحلیل کرده است. نویسنده بر این باور است که دیدگاه میرداماد درباره زمان و حدوث دهري، دارای ویژگی‌های خاص و درخور توجه است؛ اما رأی ملاصدرا بر آن برتری دارد.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان: دو مکتب فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدعلی اصغر میرباقری فرد [و] فاطمه بستان شیرین، چ، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ش، صص ۲۵۳-۲۶۶.

۲،۱،۸۵. سیری در مسئله حدوث و قدم زمانی عالم در تاریخ فلسفه

نگارندگان: محمدحسین فاریاب؛ رضا برنجکار

معرفی: نویسندگان در این مقاله، سیر تاریخی آراء فلاسفه و متکلمان اسلامی را درباره حدوث و

قدم زمانی عالم بررسی کرده‌اند. ایشان پس از اشاره به مفهوم دو اصطلاح «حدوث» و «قدم»، نزاع فلاسفه و متکلمان را در بحث حدوث زمانی عالم تشریح کرده‌اند. سپس، به نظرات فلاسفه یونان، حکیمان مسلمان در سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه و برخی فلاسفه معاصر اشاره کرده‌اند. نگارندگان دیدگاه میرداماد را - در جایگاه حکیمی مشائی - درباره مسئله حدوث و قدم عالم بررسی کرده و نظریه «حدوث دهری» را به اختصار تقریر کرده‌اند. به گزارش ایشان، پس از میرداماد، کسانی مانند ملامهدی نراقی از نظریه حدوث دهری استقبال کرده و برخی مانند استاد سید جلال الدین آشتیانی آن را متکلفانه و ناکافی دانسته‌اند. اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه)، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰، صص ۷۳-۱۰۴.

۲،۱،۸۶. شناخت یقینی مبدأ هستی: بازخوانی دیدگاه میرداماد

نگارندگان: سید محمد منافیان؛ نصرالله حکمت

معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه میرداماد درباره امکان شناخت یقینی خداوند اختصاص دارد. نویسندگان براین باورند که میرداماد امکان اقامه برهان بر وجود خدا را نفی کرده؛ اما از سوی دیگر، شناخت لمّی خداوند - یعنی اقامه برهان لمّی بر وجود خداوند که ذیل برهان صدیقین مطرح شده - را پذیرفته است. ایشان با این مقدمه، از براهین اِتی بسیط و مرکب و نحوه استفاده میرداماد از این براهین در حصول شناخت یقینی خداوند سخن گفته‌اند. سپس، مسئله شناخت یقینی مبدأ هستی و امکان یا استحاله اقامه برهان بر وجود مبدأ را به صورت تاریخی و انتقادی بررسی کرده‌اند. نگارندگان از تأثیر ابن سینا و محقق دوانی بر میرداماد و همچنین تأثیر دیدگاه میرداماد بر ملامهدی نراقی سخن گفته و آراء برخی فیلسوفان معاصر - مانند علامه طباطبائی، استاد مصباح یزدی و آیه الله جوادی آملی - را درباره برهان اِتی مرکب و چگونگی افاده یقین بررسی کرده‌اند.

نویسندگان بر این باورند که ابتکار میرداماد در تقسیم برهان اِتی به دو دسته بسیط و مرکب و چگونگی حصول یقین در براهین اِتی، محصول تأملات دقیق وی در عبارات ابن سینا است. دیدگاه میرداماد علاوه بر اینکه شناخت یقینی مبدأ هستی را ممکن می‌کند، در کیفیت اقامه برهان فلسفی و شیوه دستیابی به شناخت یقینی در مابعدالطبیعه نیز راهگشاست.

اطلاعات نشر: پژوهش نامه فلسفه دین / نامه حکمت (دانشگاه امام صادق علیه السلام)، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۷۱-۱۰۲.

۲،۱،۸۷. «عالم مثال» از منظر میرداماد

نگارنده: سهراب حقیقت

معرفی: در این مقاله، «عالم مثال» نزد میرداماد و تأثیر آموزه‌های فلسفه مشائی و اشراقی بر دیدگاه وی بررسی شده است. نویسنده ابتدا بر اساس آراء شیخ اشراق، ماهیت عالم مثال را تبیین کرده است. سپس، متذکر شده که عالم مثال - به معنای عالم واسطه که حکماء اشراقی و پیروان حکمت متعالیه به آن باور دارند - در نظر میرداماد مردود است. نگارنده در ادامه، استدلال‌های میرداماد را در ردّ عالم مثال و صور معلقه مثالی مرور کرده است. او در نهایت، تفسیر خاص میرداماد را از

عالم مثال بیان کرده است. بر اساس این تفسیر، عالم مثال لطیف‌ترین مرتبه عالم ماده است، نه عالمی مستقل و میانی. نویسنده همچنین، به منابع احتمالی دیدگاه میرداماد - از جمله آموزه‌های فلسفه مشائی و آراء اندیشه‌مندان مکتب شیراز - اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: پژوهش‌های فلسفی / کلامی (دانشگاه قم)، سال ۲۰، شماره ۲ (پیاپی ۷۶)، تابستان ۱۳۹۷ ش، صص ۱۶۳-۱۸۶.

۲۰۱/۸۸. فلسفه میرداماد

نگارنده: توشی هیکو ایزوتسو؛ مترجم: بهاء‌الدین خرّم‌شاهی

معرفی: نویسنده در این مقاله، به بررسی اجمالی آراء میرداماد درباره زمان نظریه «حدوث دهری» - یا ساخت متافیزیکی جهان - و اصالت ماهیت پرداخته است. او ابتدا به اهمیت شناخت فلسفه میرداماد اشاره کرده و متذکر شده که فهم عقاید فلسفی مکتب اصفهان - به‌ویژه نظام فلسفی ملاصدرا - در گرو شناخت جایگاه علمی میرداماد است. او لقب «معلم ثالث» را حاکی از جایگاه والای علمی میرداماد دانسته و از تسلط وی بر همه دانش‌های رایج در روزگار خود - از جمله فلسفه، کلام، طبیعیات، فقه، اصول، حدیث و تفسیر - سخن گفته است. نویسنده همچنین، روش فلسفی میرداماد را نوعی تلفیق هماهنگ بین تفکر برهانی و احوال عرفانی دانسته و میر را در تفکر عقلی پیرو مکتب ابن‌سینا معرفی کرده است. به‌باور نگارنده، روش عقلانی میرداماد - مانند سایر ارسطوئیان اسلامی - به آیین نوافلاطونی آمیخته است؛ چنان‌که مشرب عرفانی وی، به روش سهروردی و مکتب اشراقی نزدیک است.

نویسنده کتاب القبسات را شاهکار فلسفی میرداماد دانسته و خاطرنشان کرده است که ورای عبارات مغلق و پیچیده آن، تجارب شهودی عارفانه وجود دارد؛ ازاین‌رو، با اشاره به نظرات ابن عربی و سهروردی، میرداماد را تجسم کامل اصل اساسی حکمت یا نمونه تمام‌عیار حکیم دانسته است. وی سپس، به بررسی دیدگاه میرداماد درباره مسئله زمان و ساحت‌های سه‌گانه وجودی عالم و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و مسئله اصالت ماهیت پرداخته است. به‌باور نگارنده، میرداماد در مسئله اصالت ماهیت، پیرو وفادار سهروردی بوده است.

اطلاعات نشر: شیعه در حدیث دیگران، گردآوری: مهدی محقق، چ ۱، تهران: انتشارات دایرة المعارف تشیع (وابسته به بنیاد اسلامی طاهر)، ۱۳۶۲ ش، صص ۱۶۷-۱۸۱.

+ باز نشر: القبسات، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] سید ابراهیم دیباجی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ ش)، مقدمه، صص صد و هفت - صد و بیست.

۲۰۱/۸۹. قاعده «امکان اشرف» از دیدگاه فیلسوف عالیقدر، میرداماد

نگارنده: سید احمد توپس‌رکانی

معرفی: نگارنده ابتدا شرح حال مختصری از میرداماد آورده و بعد از آن، عبارتی از قبس نهم کتاب القبسات (ومیض ۱۳) درباره قاعده «امکان اشرف» نقل کرده است. سپس، به تبیین جایگاه فلسفی این قاعده بر اساس عبارات کتاب اثولوجیا و آثار شیخ اشراق - از جمله پرتونامه، المشارع

و المطارحات و حکمة الاشراق - پرداخته است. در ادامه، با نقل عباراتی از آثار میرداماد - به ویژه القبسات - نظری را دربارهٔ قاعدهٔ امکان اشرف تبیین کرده است. به گزارش نگارنده، میرداماد بعد از نقل ادلهٔ دیگران در اثبات این قاعده و حل اشکالات آن‌ها، خود دو دلیل دیگر به این براین افزوده که یکی در ومیض پانزدهم و دیگری در ومیض شانزدهم از قبس نهم بیان شده‌اند. نویسنده همچنین، نمونه‌هایی از استناد به قاعدهٔ امکان اشرف در آثار شیخ اشراق، میرداماد و ملاصدرا ارائه داده و نوشتار خود را با عبارتی از مرحوم سبزواری در کتاب اُسرارالحکم به اتمام رسانده است؛ عبارتی که از نظر نویسنده، خلاصهٔ نظر فلاسفهٔ متقدم دربارهٔ قاعدهٔ امکان اشرف است. اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعهٔ مقالات و گفتارها)، مجموعهٔ مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۱۸۹-۲۱۰.

۲،۱،۹۰. لوازم معنایی اصالت وجود و نقش آن در تمایز اندیشه‌های میرداماد و ملاصدرا

نگارندگان: محمد مهدی کمالی؛ محمد هادی کمالی؛ سید محمد موسوی بایگی
معرفی: در این نوشتار، علت اختلاف نظر ملاصدرا با استاد خود، میرداماد، در برخی اصول و مبانی فکری/ فلسفی بررسی شده است. نویسندگان بر این باورند که علت اصلی این نزاع‌ها، اختلاف این دو اندیشه‌مند در مسئلهٔ اصالت وجود یا اصالت ماهیت است. ایشان در این مقاله، لوازم معنایی اصالت وجود را بررسی کرده‌اند؛ از جمله: جعل و مجعول، منشأ تکثر در عالم هستی، مسئلهٔ تشخص، علم و ادراک، حدوث عالم، ربط ثابت به متغیر، رابطهٔ ماده و صورت و جوهر و عرض، علّیت و سنخیت بین علت و معلول، نفی ماهیت از واجب، بساطت واجب تعالی در عین اتّصاف به صفات کمالی، علم تفصیلی حق تعالی و طرح قاعدهٔ بسیط الحقیقه، صادر اول، کیفیت ارتباط کثرت به وحدت، رابطهٔ نفس و بدن، معاد جسمانی و حشر. نگارندگان در هریک از مسائل مذکور، تأثیر باور به اصالت وجود و اصالت ماهیت را رصد کرده و اختلاف دیدگاه‌های میرداماد و ملاصدرا را تشریح کرده‌اند.

اطلاعات نشر: پژوهش‌های هستی‌شناختی (دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی)، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش، صص ۶۳-۸۴.

۲،۱،۹۱. ماهیت و بن‌مایه‌های معرفتی حکمت یمانی

نگارنده: علی اوجی

معرفی: نویسنده ابتدا به نقش میرداماد و نظام فلسفی وی در رشد و پیشرفت فلسفهٔ اسلامی و همچنین، تأثیر میر بر تکوین اندیشه‌های فلسفی صدر المتألهین اشاره کرده است. وی بر این باور است که از تحلیل اندیشه‌های میرداماد، می‌توان دریافت که ملاصدرا ادامه‌دهندهٔ حرکتی بوده که میرداماد آن را آغاز کرده است. نگارنده با اشاره به مکاتبات میرداماد با ملاصدرا، از نفوذ و تأثیر میر بر اندیشه‌های ملاصدرا سخن گفته است. وی دلیل بی‌توجهی و بی‌مهری متأخران به میرداماد و اندیشه‌های او را نثر پیچیده و مغلق میر دانسته است.

نویسنده سپس، به چستی حکمت یمانی، جایگاه آن در تاریخ فلسفهٔ اسلامی و بن‌مایه‌های

معرفتی این نظام فلسفی پرداخته است. او با اشاره به اقتباس عنوان «حکمت یمانی» از حدیث نبوی، تصریح کرده است که نظام فلسفی میرداماد بر شهود عرفانی مبتنی بوده و در مسیر هماهنگی و تطبیق گزاره‌های عقلانی با آموزه‌های وحیانی گام برمی‌دارد. به‌باور نگارنده، آموزه‌های حکمت مشاء، حکمت اشراق، کلام شیعی، آموزه‌های شیعی (کتاب و سنت) و اندیشه‌های حکماء یونان، بن‌مایه‌های حکمت یمانی را تشکیل می‌دهند. وی هریک از این عناصر و جایگاه آن‌ها را در اندیشه میرداماد، به‌اختصار بررسی کرده است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۸۷-۹۵.

۲،۱،۹۲. ماهیت و جعل از دیدگاه میرداماد: بررسی و نقد

نگارنده: احمد احمدی

معرفی: نویسنده در مقدمه، به چند نکته مهم اشاره کرده است: میرداماد کتاب القبسات را در مدت چهارماه و بیست روز به رشته تحریر در آورده است؛ میر همانند ابن سینا و سهروردی، تأکید و اصرار داشته است که آثار وی را از دسترس ناهلان در امان نگه دارند؛ میرداماد، مانند ملاصدرا، کتاب اثولوجیای افلوطین را به اشتباه از ارسطو دانسته است. نگارنده بعد از ذکر این نکات، به مباحث وجود و ماهیت پرداخته است. او ابتدا از معنای «ماهیت» و «وجود» پرداخته و سپس، از پیشینه این بحث سخن گفته است. در نظر وی، فارابی آغازگر این مبحث در فلسفه اسلامی بوده است.

نویسنده در ادامه، نظر میرداماد، شیخ اشراق و عبدالرزاق لاهیجی را درخصوص معنای وجود و ماهیت بررسی کرده است. سپس، دیدگاه میرداماد را درباره جعل، براساس عبارات القبسات تبیین کرده و از جعل ماهیات در اندیشه سهروردی سخن گفته است. نگارنده در پایان مقاله خاطرنشان کرده است که شیخ اشراق، میرداماد و لاهیجی ماهیت را اصیل و منشأ تأثیر دانسته و هر سه بر این باورند که جعل بسیط به ماهیات تعلق می‌گیرد.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۷۹-۱۸۷.

۲،۱،۹۳. مبانی کلامی اندیشه سیاسی شیعه از منظر میرداماد

نگارنده: قاسم جوادی

معرفی: نویسنده با اشاره به جایگاه مهم میرداماد در رشد و شکوفایی علم و دانش در پرتو آموزه‌های شیعی در عصر صفوی، خاطرنشان کرده که آثار وی دربردارنده رؤس آموزه‌های کلامی شیعه است. بر این اساس، مقاله خود را به بررسی آموزه‌های کلامی شیعه با محوریت آثار میرداماد اختصاص داده است. وی ابتدا شانزده عنوان از آثار میرداماد را معرفی کرده و سپس، آراء کلامی او را در این آثار رصد کرده است.

نگارنده با اشاره به توجّه فراوان میرداماد به دو بحث توحید و امامت حضرت علی (علیه السلام)، آراء وی را درباره مسائل گوناگون کلامی بررسی کرده است؛ مباحثی همچون: توحید و براهین اثبات وجود خدا، جبر و اختیار و نظریه شیعی «أمر بین الأمرین»، قضاء و قدر، مسئله بداء، دعا و شرایط آن، بحث شرور، نبوت و تعریف و مراتب آن و خصوصیات نبی، امامت، تقیّه و معاد. او ذیل مبحث امامت تصریح کرده که میرداماد در این بحث، برخلاف مبحث توحید، بیشتر به تعالیم نقلی توجّه داشته است. همچنین، ذیل بحث معاد تذکر داده که میرداماد در هیچ یک از آثار خود، مبحث معاد را به شکل مستقل و مبسوط بررسی نکرده؛ اما از برخی مباحث مربوط به آن - مانند تجرّد نفس، تعریف مرگ، تعریف برزخ و شرایط انسان در برزخ، معاد جسمانی، ثواب و عقاب و عقوبت - به صورت پراکنده سخن گفته است.

نویسنده معتقد است که برای بررسی و تبیین تفکر و رفتارهای سیاسی میرداماد و دیگر اندیشه‌مندان شیعی، باید به آراء و باورهای ایشان درباره مبانی کلامی تشیع - یعنی توحید، نبوت، امامت و معاد - توجّه و التفات داشت. اطلاعات نشر: علوم سیاسی (دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام))، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۲ش، صص ۲۱۳-۲۳۰.

۲،۱،۹۴. متعلّق جعل و ملاک مجعولیت در آرای حکمای مسلمان

نگارندگان: عبدالعلی شکر؛ صدّیقه میرزایی
معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره مسئله جعل اختصاص دارد. نگارندگان ابتدا به دیدگاه حکماء پیش از ملاصدرا پرداخته‌اند. سپس، بر مبنای جایگاه و تعریف وجود رابط در حکمت متعالیه، تحلیل جدیدی از مسئله مذکور ارائه داده‌اند. ایشان، قائلان به مجعولیت ماهیت به جعل بسیط را به سه دسته تقسیم کرده میرداماد و پیروان وی را در دسته نخست جای داده‌اند. سپس، دیدگاه میرداماد درباره مجعولیت ماهیت و اشکالات ملاصدرا را بر این دیدگاه بررسی کرده‌اند.

نویسندگان، به دوگانگی کلام برخی حکماء - از جمله میرداماد - در باب اصالت ماهیت و اعتباریت وجود و ارتباط آن با موضوع جعل و مجعولیت اشاره کرده‌اند. به باور نگارندگان، این دوگانگی از معنای خاص وجود و ماهیت در نظر این حکماء حکایت دارد؛ بنابراین، باید کلام ایشان را تأویل کرد. به بیان دیگر، به نظر می‌آید که اختلاف نظر این حکماء در اعتباریت وجود و مجعولیت ماهیت، ناشی از اشتراک لفظی بوده است. نویسندگان در ادامه، به مباحثی همچون مجعولیت اتّصاف و ردّ آن از سوی ملاصدرا، اثبات مجعولیت وجود و نفی مجعولیت ماهیت با توجّه به آراء ملاصدرا، ملاک مجعولیت، جعل تألیفی و جعل بسیط پرداخته‌اند. اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام))، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰ش، صص ۱۶۷-۱۸۷.

۲،۱،۹۵. مرگ و جاودانگی در اندیشه میرداماد

نگارندگان: ریحانه داوودی کهکی؛ سیدعباس ذهبی

معرفی: در این مقاله، دیدگاه میرداماد دربارهٔ مفارقت نفس از بدن (مرگ) و جاودانگی نفس بر اساس اندیشه‌های فلسفی، عرفانی و کلامی وی، بررسی شده است. نویسندگان ابتدا دیدگاه فلسفی میرداماد دربارهٔ چگونگی پیدایش نفس و تعلق و ارتباط آن با بدن را بیان کرده‌اند. ایشان بر این باورند که میرداماد در نگرش فلسفی خود به نفس، تحت تأثیر آراء ابن سیناست. سپس، به تبیین رویکرد عرفانی میرداماد پرداخته و دیدگاه وی را دربارهٔ مباحثی همچون جایگاه نفس و انسان در قوس صعود و نزول، جایگاه جوهر نفس در هستی، عالم کبیر و عالم صغیر، مرگ ارادی و مرگ طبیعی بررسی کرده‌اند.

نگارندگان در نهایت، رویکرد نقلی و کلامی میرداماد را در مواجهه با حقیقت انسان، جاودانگی و مرگ تبیین کرده‌اند. ایشان نمونه‌هایی از بهره‌گیری میرداماد از آیات و روایات را در تفسیر مسائلی مانند حدوث و جاودانگی نفس، طریقهٔ وصول به مقام انسان کامل، جایگاه انسان در هستی و نقش و مقام عقل و نفس در شناخت، ارائه کرده‌اند.

اطلاعات نشر: انسان‌پژوهی دینی (مجمع آموزش عالی شهید محلاتی)، سال ۱۴، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش، صص ۲۴-۵.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «نفس و قوای ادراکی آن از منظر میرداماد» (۱۳۷، ۱).

۲،۱،۹۶. مسئله «بداء» از منظر حکیم استرآباد، امیر محمدباقر داماد

نگارنده: حامد ناجی اصفهانی

معرفی: نویسنده در این مقاله، با تأکید بر رسالهٔ نبراس الضیاء، رأی میرداماد را دربارهٔ آموزهٔ «بداء» بررسی کرده است. وی نخست معنای لغوی بداء را بیان کرده و سپس، از ادلهٔ اثبات این آموزه سخن گفته است. نگارنده خاطر نشان کرده است که این ادله بر دو محور آیات قرآن و احادیث مأثور مبتنی هستند. او در ادامه، آیات و احادیث مرتبط با این مسئله را (از منابع عامه و خاصه) نقل کرده و به تفصیل دربارهٔ آن‌ها سخن گفته است.

نویسنده سپس، گزارشی از رسالهٔ نبراس الضیاء ارائه کرده و تذکر داده است که اکثر محققان و محدثان پس از میرداماد، رأی او را در خصوص بداء پذیرفته‌اند. در ادامه، به تبیین نظریهٔ همانندی نسخ و بداء پرداخته، از معنای لغوی و اصطلاحی «نسخ» سخن گفته و ادلهٔ امتناع نسخ را بررسی کرده است. نگارنده در پایان، تذکر شده است که بر اساس تحلیل میرداماد، اولاً، حصول بداء در موجودات مکون - که حالت منتظره دارند - مفروض است؛ و ثانیاً، حصول مکونات در ظرف زمان و وجه ارتباط این موجودات متغیر به ثابت علی‌الاطلاق، ظرف دهر است؛ گرچه چیزی که در ظرف زمان هر لحظه نو می‌شود، در دهر ثابت است.

اطلاعات نشر: مجموعهٔ مقالات همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان: دو مکتب فلسفهٔ اسلامی، مجموعهٔ مؤلفان، گردآوری: سید علی اصغر میرباقری فرد [و] فاطمه بستان شیرین، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش، صص ۴۸۱-۵۰۲.

۲،۱،۹۷. مسئلهٔ حدوث دهری در نزد رازی

نگارنده: پرویز اذکائی

معرفی: این مقاله که بخشی از کتاب مفصل نگارنده است، به بررسی دیدگاه محمدبن زکریای رازی درباره پیدایش جهان اختصاص دارد. به باور نویسنده، رازی صدها سال پیش از میرداماد به نظریه حدوث دهری و مفاد آن اشاره کرده است. او برای تبیین این مدعا، مباحث خود را در سه باب «مدت و زمان»، «دهر و سرمد» و «حدوث دهری» سامان داده است. از نظر نگارنده اولاً، مسئله حدوث دهری بیش از آنکه به حکمت الهی مربوط باشد، به فیزیک نظری «فضاء/ زمان» و نگره بی نهایت ها و مکانیک سماوی راجع بوده و در واقع، از مباحث حکمت طبیعی است؛ ثانیاً، مفهوم «مدت» یا «دهر» در ادبیات زروان گرایی و حکیمان طبیعی - از جمله رازی - با اصطلاح «دهر» در حکمت یمانی مطابق است.

نویسنده بر این باور است که حکیم رازی در پیروی از افلاطون، دیدگاه خاصی درباره زمان و دهر داشته که نتیجه آن، چیزی جز نظریه حدوث دهری نیست؛ نظریه ای که افتخار تنسیق و تدوین آن، به میرداماد تعلق دارد. وی در پایان خاطرنشان کرده است که دیگر حکیمان ری و خوارزم - همچون ابن مسکویه رازی و فخرالدین رازی - نیز به همین نظریه تمایل داشته اند. اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۸ ش، صص ۲۹-۳۹.

+ بازنشر: حکیم رازی، پرویز اذکائی، چ ۱، تهران: طرح نو، ۱۳۸۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۵ ش)، صص ۴۶-۶۸.

۲،۱،۹۸. مطالعه تطبیقی آموزه «بداء» در اندیشه میرداماد و صدرالمتألهین

نگارندگان: علیرضا کاوند؛ حسن رضایی هفتادر؛ محمدعلی اسماعیلی

معرفی: این پژوهش به بررسی توصیفی/ تحلیلی مسئله «بداء» در نظام فلسفی میرداماد و ملاصدرا و مقایسه اندیشه های این دو حکیم با یکدیگر اختصاص دارد. نگارندگان حقیقت بداء و کیفیت وقوع محو و اثبات، رابطه بداء با نسخ، قلمرو بداء و کیفیت استناد بداء به خداوند را در نظام فکری/ فلسفی میرداماد و ملاصدرا بررسی و تبیین کرده اند.

در ادامه، به ارزیابی دیدگاه میرداماد و ملاصدرا در چهار محور پرداخته و ذیل هر محور، آراء ایشان را مقایسه کرده اند. این چهار محور عبارت اند از: حقیقت بداء؛ رابطه بداء با نسخ؛ قلمرو بداء؛ کیفیت استناد بداء به خدا. نویسندگان در پایان، خاطرنشان کرده اند که دیدگاه ملاصدرا در باب بداء کامل تر از دیدگاه میرداماد است.

اطلاعات نشر: تحقیقات کلامی (انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه)، سال ۶، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۷ ش، صص ۷-۲۶.

۲،۱،۹۹. معجزه از دیدگاه میرداماد

نگارنده: سیدمصطفی محقق داماد

معرفی: در بخش نخست این مقاله، نظرات دانشمندانی همچون علامه حلی، فخرالدین رازی، غزالی، ملاصدرا و علامه طباطبائی درباره معجزه، شروط آن و شبهه های مطرح شده درباره این شروط بررسی شده است. نویسنده در بخش دوم، به دیدگاه میرداماد پرداخته است. به نظر او،

متکلمان معتقدند که تنها راه اثبات نبوت، ارائه معجزه است؛ اما میرداماد بر این باور است که آنچه سبب ایمان به انبیاء علیهم‌السلام می‌شود، تأمل در آموزه‌های ایشان است، نه معجزات و خوارق عادات که برخی از آن‌ها صرفاً حاصل تصرف در حس مشترک مخاطب است. نگارنده با استناد به عبارات میرداماد در دو کتاب جذوات و القسات در باب معجزه، خاطرنشان کرده که میرداماد قرآن را معجزه‌ای عظیم‌تر از معجزات دیگر انبیاء علیهم‌السلام دانسته است. همچنین، مخلوقات جهان هستی را بسیار شگفت‌انگیزتر از معجزاتی می‌داند که برآمده از تصرف در حس مشترک هستند. اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۲۱۱-۲۲۲.

۲/۱/۱۰۰. معقول ثانی فلسفی در فلسفه مشائی / اشراقی: از خواجه نصیر تا میرداماد

نگارندگان: زهرا شریف؛ محسن جوادی

معرفی: نویسندگان بر این باورند که جریانی مشائی / اشراقی از زمان خواجه نصیر آغاز شده و تا دوره میرداماد ادامه داشته است؛ جریانی که چهره‌های برجسته آن، در تحلیل‌های مشائی خود، از مکتب اشراقی نیز متأثر بوده‌اند. در این نوشتار، آراء چهره‌های برجسته این جریان درباره معقول ثانی فلسفی بررسی شده است. نگارندگان ابتدا نظر خواجه نصیر را در باب مصادیق معقول ثانی و اعتباری، معنای اصطلاحی معقول ثانی و اعتباری، ذهنیت مفاهیم فلسفی، رابطه مفاهیم فلسفی با خارج و تبیین چگونگی این ارتباط و صحت حمل مفاهیم فلسفی بر امور خارجی تبیین کرده‌اند. سپس، حکماء پس از خواجه نصیر را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: پیروان دیدگاه شیخ اشراق که تقریر خواجه را پذیرفته‌اند؛ کسانی که مفاهیم فلسفی را امور خارجی دانسته؛ اما تغییری بنیادی در آن‌ها اعمال کرده‌اند (طرفداران دیدگاه‌های جدید).

نویسندگان، میرداماد را در دسته دوم جای داده و به بررسی آراء وی درباره معقول ثانی فلسفی و منطقی و تفاوت این مفاهیم با یکدیگر پرداخته‌اند. همچنین، تعریف او را از برخی مفاهیم فلسفی از جمله وجود، تشخص، وحدت، هویت و خصوصیت بررسی کرده و از دیدگاه او درباره مسائلی همچون مفهوم قیاسی و اضافی فلسفی، نحوه اتصاف و عروض آن‌ها در خارج و ذهن سخن گفته‌اند. ایشان بر این باورند که میرداماد در آراء خود درباره معقول ثانی، تقسیم آن به دو دسته منطقی و فلسفی و عروض و اتصاف خارجی و ذهنی آن‌ها، از دیدگاه‌های محقق دوانی اثر پذیرفته است. اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله)، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۸ش، صص ۳۷-۷۹.

۲/۱/۱۰۱. معمای «جذر اصم» نزد حکمای دوره اصفهان

نگارنده: احد فرامرز قراملکی

معرفی: موضوع این مقاله، بررسی نگرش حکماء مکتب فلسفی اصفهان به مسئله «جذر اصم» و راه حل‌های ارائه شده از سوی ایشان است. به باور نویسنده، اندیشه‌مندان این مکتب، نگرشی تطبیقی / تاریخی به این مسئله داشته و با رویکردی کلامی / فلسفی به آن پاسخ داده‌اند. میرداماد

نیز در کتاب الأفق المبین به تحلیل و تبیین این معما پرداخته و به آن پاسخ داده است. دیدگاه میرداماد، بر اساس تأمل در کیفیت خودارجاعی و خودستیزی گزاره «کَل کلامی کاذب» شکل گرفته است. خودارجاعی این گزاره - یعنی اینکه خود گزاره فردی غیر از موضوع خود و حتی تنها فرد آن باشد و حکم خود را به خود سرایت دهد - زمانی است که گزاره را بدون خصوصیت محمول آن لحاظ کنیم؛ اما با لحاظ محمول آن، خودارجاعی گزاره منتفی می شود و با توجه به ویژگی محمول این گزاره، نه از صدقش، کذبش لازم می آید و نه کذبش مستلزم صدقش می شود.

نگارنده علاوه بر میرداماد، از پاسخ های دیگر چهره های مکتب اصفهان به این شبهه سخن گفته است؛ حکمائی همچون مراد بن علی خان تفرشی، میرفضل الله استرآبادی، آقا حسین خوانساری، محمد بن عبدالفتاح تنکابنی (محمد سراب)، زاهدی اصفهانی، شیخ عبدالله گیلانی و محمد بن حسین (فخرالدین الحسینی).

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۱۱، بهار ۱۳۷۷ ش، صص ۴۰-۴۵.

۲،۱،۱۰۲. معناشناسی «ماهیت» در مابعدالطبیعه میرداماد

نگارنده: سید محمد منافیان

معرفی: نگارنده در آغاز مقاله اشاره کرده است که برای دستبایی به فهم درست از هر متن، باید به معنا و کاربرد خاص واژه ها نزد نویسندگان آن متن توجه داشت. او با این مقدمه، به واکاوی مفهوم و کاربرد اصطلاح «ماهیت» و برخی اصطلاحات مرتبط با آن در آثار فلسفی میرداماد پرداخته است. وی با اشاره به پیوند خاص اصطلاح «ماهیت» با نام میرداماد، خاطرنشان کرده که این پیوند، به دنبال پذیرش جعل بسیط ماهیت و نظریه اصالت ماهیت حاصل شده است. در ادامه، واژه «ماهیت» را از نظر لغوی و اصطلاحی بررسی کرده است. سپس، به معنای این اصطلاح در متن آثار میرداماد اشاره کرده و نتیجه گرفته که واژه ماهیت در آثار فلسفی میرداماد، ملاک این همافی و خودبودن شیء است.

نگارنده در ادامه، به دو کاربرد متفاوت واژه ماهیت در آثار میرداماد اشاره کرده است. به باور وی، واژه ماهیت در نگاشته های میر، گاه در معنای «ماهیت تقدیری» (تخمینی/ فرضی) و گاه در معنای «ماهیت تحقیق» (حقیقی) به کار رفته است. نویسنده در این بخش، معنا و تفاوت این دو کاربرد را تبیین کرده است. همچنین، مقصود میرداماد را از «تقرّر ماهیت»، «مرتبه تقرّر ماهیت»، «مرتبه وجود یا موجودیت ماهیت» و «مرتبه صدور ماهیت» تبیین کرده و به تفاوت اصطلاحی مرتبه تقرّر ماهیت (مرتبه تجوهر) با مرتبه وجود و تشخیص ماهیت اشاره کرده است. اطلاعات نشر: آموزه های فلسفه اسلامی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش، صص ۱۲۹-۱۵۰.

+ مستخرج از رساله: «تحلیل نظریه «وجود» در فلسفه میرداماد» (۱،۱،۱۹).

۲،۱،۱۰۳. معنای «وجود» در نزاع اصالت یا اعتباریت وجود

نگارنده: مرتضی کربلایی لو

معرفی: در این مقاله، معنای اصطلاحی «وجود» در نزاع اصالت یا اعتباریت وجود بررسی شده

است. نویسنده ابتدا به مفهوم «اصالت» پرداخته و دو قید برای آن ذکر کرده است. سپس، از معنای مصدری و اسمی «وجود» سخن گفته و متذکر شده که میرداماد همواره به معنای مصدری وجود التفات داشته و سه ویژگی برای آن مطرح کرده است. نویسنده پس از تبیین برخی لوازم معنای مصدری وجود، با نقل عبارتی از میرداماد، به نظری دربارۀ وجودات خاصه اشاره کرده است. همچنین، از اختلاف نظر میرداماد با ملاصدرا در تفسیر کلام ابن‌سینا از معنای وجود اشاره کرده است. به‌باور نگارنده، میرداماد وجود را در کلام شیخ، به معنای مصدری دانسته و ملاصدرا آن را به معنای اسمی تفسیر کرده است. در ادامه، برخی لوازم باور به معنای مصدری وجود را مطرح کرده و شواهدی بر دوگانگی معنای وجود (معنای مصدری و اسمی) ارائه داده است. پس از آن، به بررسی خاستگاه نزاع اصالت وجود و ماهیت پرداخته و با استنادات مختلف، مدّعی شهید مطهری را مبنی بر آغاز مسئله دورانی اصالت وجود یا ماهیت از دوران میرداماد، مردود دانسته است.

به نظر نویسنده، تعبیر میرداماد از وجود در بسیاری مواضع، به دیدگاه طرفداران اصالت وجود شباهت دارد. وی همچنین، بر این باور است که پیروان اصالت ماهیت، وجود را تنها دارای معنای مصدری می‌دانند؛ اما طرفداران اصالت وجود، علاوه بر معنای مصدری، به معنای اسمی وجود نیز باور دارند. وی در ادامه، نظر برخی اندیشه‌مندان - همچون ملااحمد اردکانی - را مبنی بر لفظی بودن نزاع در مسئله اصالت وجود و اصالت ماهیت بیان کرده و به نقد آقاعلی مدرّس بر این دیدگاه اشاره کرده است. نگارنده در نتیجه‌گیری مقاله متذکر شده که از نظر میرداماد، معنای مصدری وجود اعتباری است؛ اما او درباره معنای اسمی وجود سخن نگفته است. اطلاعات نشر: فصلنامه علمی / پژوهشی انجمن معارف اسلامی (انجمن معارف اسلامی ایران)، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۴ ش، صص ۱۴۱-۱۶۲.

۲۰۱/۱۰۴. مفهوم «عقل» و حدود کارایی آن در دو شرح الکافی: شرح الکافی ملاصالح مازندرانی و علامه مجلسی

نگارنده: فاضله میرغفوریان

معرفی: در این مقاله، ماهیت عقل و تأثیر و نقش آن در کسب معرفت، با توجّه به آراء علامه مجلسی در کتاب مرآة العقول و آراء ملاصالح مازندرانی در شرح الکافی تحلیل و بررسی شده است. نویسنده بعد از بیان اهمیت و جایگاه تعقل در تفکر شیعه، خاطرنشان کرده که علامه مجلسی دارای تمایلات اخباری و ملاصالح مازندرانی دارای تمایلات فلسفی بوده است؛ اختلافی که در تعریف این دو اندیشه‌مند از عقل و تبیین حدود و کارایی آن تأثیر داشته است.

نگارنده دیدگاه ملاصالح مازندرانی را درباره ماهیت عقل، برگرفته از شرح میرداماد بر روایتی از امام صادق (ع) درباره جنود عقل و جهل دانسته است. وی بر این باور است که مازندرانی در تعریف عقل، تبیین مراتب و حالات نفس و به‌طور کلی در دیدگاه‌های فلسفی‌اش، بیشتر تحت تأثیر تفکر میرداماد بوده است، نه مشرب فلسفی ملاصدرا؛ چنان‌که در شرح خود بر الکافی بارها از میرداماد با تعبیری همچون «سید الحكماء الإلهیین» و «السید الداماد» یاد کرده است. بخش دوم مقاله به بررسی محدوده کارایی عقل و نقش آن در شناخت خداوند از دیدگاه

دو اندیشه مند مذکور اختصاص دارد. نویسنده در این بخش خاطرنشان کرده که ملاصالح مازندرانی به پیروی از فلاسفه‌ای مانند میرداماد، معرفت و شناخت خداوند را امری موهبی و فطری - و نه استدلالی و برهانی - دانسته است.

اطلاعات نشر: علوم حدیث (پژوهشگاه قرآن و حدیث)، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲ ش، صص ۶۷-۹۳.

۲،۱،۱۰۵. منشأ اختلاف اشیاء: پژوهش تطبیقی

نگارنده: محمد بیابانی اسکویی

معرفی: نویسنده در این مقاله به بررسی آراء میرزامهدی اصفهانی درباره عرضی بودن اختلاف اشیاء و جایگاه و نقش اطاعت و عصیان فاعل مختار در این اختلاف پرداخته است. سپس، دیدگاه‌های برخی حکماء - از جمله میرداماد، ملاصدرا، فیض کاشانی، حکیم سبزواری و ملاصالح مازندرانی - را در این باره مطرح کرده است. نگارنده در توضیح دیدگاه میرداماد، خاطرنشان کرده که او - همچون، ملاصدرا و حکیم سبزواری - اختلاف اشیاء را ذاتی دانسته و فاعلیت خداوند را به معنای ایجادکننده اختلافات، باطل شمرده است. وی در ادامه، عبارتی از میرداماد نقل کرده که مضمون آن چنین است: «پس خدای فاعل مختار چیزی را اختیار نمی‌کند جز اینکه استحقاقی در میان باشد تا مرجح و مخصّص اختیار او گردد». نویسنده در نقد این عبارت، متذکر شده که میرداماد اختیار را از معنای واقعی خود دور کرده است. بهتر بود در این مقام، به جای «اختیار»، از واژه «صدور» و امثال آن استفاده می‌شد.

اطلاعات نشر: سفینه (مؤسسه فرهنگی نبأ امین)، سال ۱۳، شماره ۵۱ (ویژه‌نامه «عدل الهی»)، تابستان ۱۳۹۵ ش، صص ۵۴-۸۶.

۲،۱،۱۰۶. میرداماد و فلسفه مثناء

نگارنده: مهدی محقق

معرفی: نویسنده نخست شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و سپس، با استناد به کتابی از عبدالعلی بجرالعلوم، از شهرت میرداماد در شبه‌قاره هندوستان سخن گفته است. او با اشاره به نظر منفی بجرالعلوم درباره میرداماد، عباراتی از وی نقل کرده که حاکی از علاقه دانشمندان هندی به میرداماد و آثار وی - از جمله الأفق المبین و القبسات - است.

نگارنده در ادامه، از توجه خاص میرداماد به شیخ اشراق و اندیشه‌های اشراقی سخن گفته است. سپس، تأثیر آموزه‌های فلسفه مثناء - به‌ویژه آراء ارسطو و ابن‌سینا - را بر نظریات فلسفی میرداماد - از جمله نظریه «حدوث دهری» - به اجمال تبیین کرده است. وی در انتها متذکر شده است که میرداماد علاوه بر تمسک به اندیشه‌های مثنائی در تحلیل‌های فلسفی، در تلاش بوده تا بین دو نظام فلسفی مثنائی و اشراقی پیوند برقرار کند.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۷۱-۱۷۸.

+ بازنشر: اطلاعات حکمت و معرفت (مؤسسه فرهنگی اطلاعات)، شماره ۲۳۷۰۸، شهریور ۱۳۸۵ ش، صص ۱۸۸-۱۸۹.

۲،۱،۱۰۷. میرداماد و وجود و ماهیت

نگارندگان: رضا اکبریان؛ غزاله نویسی

معرفی: در این نوشتار، دیدگاه میرداماد درباره وجود و ماهیت و ارتباط آن‌ها بررسی شده است. نگارندگان ابتدا معنا و جایگاه هستی‌شناختی وجود - از جمله عرض، عرضی، لازم ماهیت و متعلق جعل بودن آن - را در فلسفه میرداماد بررسی کرده‌اند. سپس، به تبیین معنای ماهیت و جایگاه هستی‌شناسانه آن - از جمله بررسی اعتبارات ماهیت، رابطه ماهیت با وجود در ذهن و در خارج و تقدم ماهیت - پرداخته‌اند. ایشان در ادامه، دیدگاه میرداماد را درباره جعل و تقسیمات آن مرور کرده‌اند.

نگارندگان اشاره کرده‌اند که دیدگاه میرداماد درباره معقول ثانی فلسفی، بر موضع وی در نزاع اصالت وجود یا ماهیت تأثیر بسزایی داشته است. ایشان با این مقدمه، به بررسی نظر میرداماد درباره معقول ثانی فلسفی پرداخته‌اند. سپس، دلایل اثبات اصالت ماهیت را با توجه به عبارات میرداماد تقریر کرده‌اند. نویسندگان بر این باورند که برخی عبارات میرداماد، با اصطلاحات نظریه اصالت وجود قرابت دارند. ایشان با ذکر نمونه‌هایی از این عبارات، از لوازم و نتایج باور به اصالت ماهیت سخن گفته و نقدهای ملاحظه‌را بر دیدگاه میرداماد ذکر کرده‌اند.

نگارندگان در نتیجه‌گیری مقاله، با استناد به کلام شهید مظهری، خاطرنشان کرده‌اند که میرداماد برای نخستین بار مسئله اصالت وجود یا ماهیت را به شکل دورانی مطرح کرده است. به‌باور ایشان، رویکرد میرداماد به بیشتر مسائل فلسفی، «نگاه ناب اصالت ماهوی» است؛ درحالی‌که این رویکرد در فلسفه ملاحظه‌را به رویکردی «مشابه با نگاه ماهوی» تقلی یافته است. با توجه به این نکته، بررسی نظرات میرداماد درباره موضوعات و مسائل مختلف فلسفی، زمینه‌ساز فهم صحیح موضوعاتی است که در فلسفه ملاحظه‌را با رویکردی مشابه با نگاه ماهوی تبیین شده‌اند.

اطلاعات نشر: آینه معرفت (دانشگاه شهید بهشتی / دانشکده الهیات و ادیان)، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱-۳۲.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «رابطه «وجود» و «ماهیت» در فلسفه میرداماد و تحلیل و نقد آن» (۱،۱،۲۸).

۲،۱،۱۰۸. نحوه تحقق مفاهیم فلسفی از دیدگاه شیخ اشراق، محقق طوسی، دوانی و

میرداماد

نگارندگان: محمد فارسیات؛ مرتضی رضایی

معرفی: در این مقاله، دیدگاه شیخ اشراق و فیلسوفان پس از او در خصوص مفاهیم فلسفی و نحوه تحقق خارجی آن‌ها بررسی شده است. نویسندگان ابتدا به دیدگاه شیخ اشراق و استدلال‌های او را در این باره پرداخته و خاطرنشان کرده‌اند که از نظر وی، تحقق مفاهیم فلسفی در خارج محال است. به‌باور ایشان، شیخ اشراق مفاهیمی همچون «وجود» و «وحدت» و «امکان» را در زمره مفاهیم منطقی دانسته است. در ادامه، به تحلیل آراء حکماء متأخر از سهروردی پرداخته‌اند که با وجود اثرپذیری از شیخ اشراق، تلاش کرده‌اند تا تحقق خارجی مفاهیم فلسفی را به اثبات برسانند.

نگارندگان پس از تحلیل دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، نحوه تحقق مفاهیم فلسفی را از دیدگاه دوانی و میرداماد تبیین کرده‌اند. ایشان بر این باورند که دیدگاه میرداماد و دوانی در این مسئله، به هم نزدیک است. به بیان دیگر، دیدگاه این دو اندیشه‌مند علاوه بر اثرپذیری از فلسفه مشائی و اشراقی و آراء محقق طوسی، از نظریه «ذوق تالّه» نیز متأثر است. نویسندگان ابتدا تأثیر فلسفه مشاء و اشراق را بر نظریه ذوق تالّه بررسی کرده و به دیدگاه میرداماد درباره این نظریه اشاره کرده‌اند. سپس، به تبیین دیدگاه میرداماد و دوانی درباره مفاهیم فلسفی و نحوه تحقق آن‌ها پرداخته‌اند. بنا بر گزارش نگارندگان، میرداماد با استفاده از نظریه ذوق تالّه، صورت منسجمی از نحوه تحقق تمام مفاهیم فلسفی در واجب تعالی و ممکنات ارائه داده است؛ اما این تصویر اشکالاتی در بردارد. ایشان سه اشکال بر دیدگاه میرداماد وارد کرده‌اند؛ از جمله اینکه نظریه ذوق تالّه بر پایه اصالت ماهیت بنا شده است.

اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه)، سال ۱۸، شماره ۳، شماره ۷۱، بهار ۱۴۰۰ش، صص ۷-۳۶.

۲۰۱۸/۹. نسبت سنخ وجود خدا و ممکنات: بررسی دیدگاه میرداماد

نگارنده: محمد مصطفایی

معرفی: این مقاله به بررسی نسبت سنخ وجود خدا و وجود ممکنات از نظر میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه خاطر نشان کرده است که بر اساس برخی مبانی فکری/ فلسفی میرداماد، می‌توان وی را قائل به هم‌سنخی وجود خداوند با وجود ممکنات محسوب کرد؛ در عین حال، بر اساس برخی مبانی فکری او - از جمله اصالت ماهیت - این هم‌سنخی ناممکن است. نگارنده برای تعیین دقیق موضع میرداماد در این مسئله فلسفی/ کلامی، ابتدا هشت مبنا از مبانی فکری میرداماد را بدین ترتیب تبیین کرده است: هستی‌شناسی میرداماد؛ اصالت ماهیت یا وجود؛ وحدت وجود؛ تناسب عینی علت و معلول؛ اصل «معطی شیء فاقد شیء نیست»؛ قاعده «الواحد لا یصدر عنه إلا الواحد»؛ قرب و بُعد موجودات نسبت به خداوند؛ علم الهی و اتحاد عالم و معلوم. نویسنده در بخش بعدی مقاله، ارتباط هریک از مبانی بررسی شده را با مسئله سنخ وجود خدا و ممکنات تبیین کرده است. وی در نهایت، نتیجه گرفته که میرداماد به هم‌سنخی وجود خدا و وجود ممکنات باور داشته و تباین مطلق را نپذیرفته است. به بیان دیگر، میرداماد میان سنخ وجودی ممکنات و سنخ وجودی خداوند اشتراکی قائل نیست. به باور نگارنده، این دیدگاه بر اساس اعتقاد میرداماد به اصالت وجود شکل گرفته (این مسئله در بخش بررسی مبانی فلسفی میرداماد به اثبات رسیده است) و فقط بر اساس آموزه وحدت شخصی وجود اثبات پذیر است. اطلاعات نشر: پژوهش‌نامه فلسفه (دانشگاه ادیان و مذاهب)، سال ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰ش، صص ۱۸۷-۲۰۶.

+ مستخرج از رساله: «تبیین و تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه میرداماد و قاضی سعید قمی در مسئله نسبت سنخ وجود خدا و ممکنات» (۱/۱، ۱۷).

۲/۱/۱۱۰. نظر میرداماد و ملاصدرا در مسئله حدوث و قدم عالم

نگارنده: سیدعلی موسوی بهبهانی

معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه میرداماد و ملاصدرا درباره حدوث و قدم عالم اختصاص دارد. نویسنده ابتدا معانی «حدوث» و «قدم» را بر اساس دو کتاب انوارالهدایه و دستورالعلماء بیان کرده و سپس، به تبیین رأی میرداماد در این باره پرداخته است. او پس از اشاره به معنای اصطلاحی «زمان»، «دهر» و «سرمد» بر اساس عبارات میرداماد، نظریه «حدوث دهری» را بر اساس دیدگاه حکیم سبزواری تقریر کرده است. نویسنده در ادامه، به دیدگاه ملاصدرا درباره حدوث عالم پرداخته و پس بیان چند مقدمه - از جمله نظریه «حرکت جوهری» - نظریه وی را تقریر کرده است. نویسنده در بخش بعدی خاطر نشان کرده است که علی‌رغم اختلاف نظر میرداماد و ملاصدرا درباره مسئله حدوث جهان، دیدگاه‌های ایشان بسیار مشابه و در جهات اساسی، یکسان هستند. به‌باور نگارنده، اختلاف آراء میرداماد و ملاصدرا به اختلاف ایشان در تعبیر و اصطلاح باز می‌گردد. وی در پایان برخی انتقادات و اشکالات وارد شده بر دیدگاه این دو اندیشه‌مند را مرور کرده است.

اطلاعات نشر: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران/ دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، سال ۲۳، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۵۵ ش، صص ۲۳۱-۲۴۵.

۲/۱/۱۱۱. نظریه میرداماد درباره چگونگی تحقق خارجی حرکت و معانی آن

نگارندگان: محمود صیدی؛ سیدمحمد موسوی بایگی

معرفی: در این مقاله، دیدگاه خاص میرداماد درباره حرکت قطعی و توسطی بررسی و نقادی شده است. نویسندگان در ابتدا، نظر ابن‌سینا را درباره این دو گونه حرکت بررسی کرده‌اند. سپس، به تعریف میرداماد از حرکت قطعی و توسطی و نظر او درباره نسبت این دو نوع حرکت پرداخته‌اند. ایشان دیدگاه میرداماد درباره نحوه وجود حرکت قطعی و توسطی (ذهنیت یا خارجیت هریک از آن‌ها) و استدلال‌های وی را در اثبات وجود خارجی حرکت قطعی و زمان متصل مرور کرده‌اند. پس از آن، سه اشکال جدی بر استدلال‌های میرداماد وارد کرده‌اند. نویسندگان در ادامه، از وجود خارجی حرکت قطعی نزد سایر حکماء بر اساس برداشت میرداماد سخن گفته و تفسیر وی را از عبارات حکماء نقد کرده‌اند.

مؤلفان در بخش پایانی مقاله، سرنوشت حرکت قطعی ابن‌سینا را در نظر میرداماد بررسی کرده‌اند. میر با نقل عباراتی از ابن‌سینا، کوشیده است تا نظر خود را درباره وجود خارجی حرکت قطعی و زمان متصل، تأیید کند؛ اما نگارندگان بر این باورند که عبارات ابن‌سینا مدعای میرداماد را ثابت نمی‌کنند. بر این اساس، میرداماد نخستین فیلسوفی است که به وجود خارجی حرکت قطعی باور داشته است.

اطلاعات نشر: فلسفه (دانشگاه تهران/ دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش، صص ۱۳۸-۱۴۵.

۲،۱/۱۱۲. نظریه «جعل بسیط ماهیت» در اندیشه میرداماد

نگارنده: سید محمد منافیان

معرفی: نویسنده با اشاره به جایگاه ویژه میرداماد در میان حکامی که به جعل ماهیت باور دارند و همچنین، اهمیت بحث «جعل» به دلیل ارتباط آن با نزاع اصالت وجود یا ماهیت، این مقاله را به تبیین مسئله جعل از نظر میرداماد اختصاص داده است. وی ابتدا به تاریخچه بحث جعل در میان حکماء اسلامی پرداخته و خاطرنشان کرده که میرداماد در طرح نظریه خود درباره جعل بسیط ماهیت، از سهروردی و دوانی تأثیر پذیرفته و همچنین، ناقد دیدگاه‌های آن‌ها نیز بوده است. وی در ادامه متذکر شده که میرداماد در همه آثار خود به این نظریه توجه داشته و آن را مبنای بسیاری از دیدگاه‌های خود قرار داده؛ اما بنیادهای نظریه جعل بسیط ماهیت و استدلال‌های آن را در کتاب الأفق المبین طرح کرده است؛ از این رو، تبیین این نظریه مستلزم توجه محوری به این کتاب است. نویسنده خاطرنشان کرده که فهم نظریه جعل بسیط ماهیت و استدلال‌های آن، در گرو آگاهی از برخی آراء میرداماد در جایگاه مبانی و مقدمات است. به همین دلیل، بحث خود را با تبیین ماهیت در اندیشه میرداماد و معناشناسی آن در متون وی آغاز کرده است. سپس، به بررسی «موجود» و «وجود» و مفهوم آن‌ها پرداخته و پس از آن، دیدگاه میرداماد را درباره عینیت امکان با ماهیت تحلیل کرده است.

نگارنده در ادامه، به تبیین نظریه جعل بسیط پرداخته است. او نقد میرداماد بر نظریه اتصاف و سپس، استدلال وی را بر اثبات جعل بسیط ماهیت تبیین کرده است. بعد از آن، به بررسی و تحلیل انگیزه میرداماد از طرح نظریه جعل بسیط ماهیت و مفاد این نظریه پرداخته و پرسش‌ها و ابهامات این نظریه را بررسی کرده است. نویسنده در بخش نتیجه‌گیری اشاره کرده که جعل در نظر میرداماد، اتصاف ماهیت به فعلیت است و این دیدگاه، با نظریه اصالت ماهیت (به معنای مصطلح آن در حکمت متعالیه) نسبتی ندارد.

اطلاعات نشر: حکمت صدرانی (دانشگاه پیام نور/ واحد تهران)، سال ۳، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، صص ۱۱۷-۱۳۳.

+ مستخرج از رساله: «تحلیل نظریه «موجود» در فلسفه میرداماد» (۱/۱/۱۹).

۲،۱/۱۱۳. نظریه سهروردی در باب علیت و تأثیر آن بر محقق دوانی و میرداماد

نگارندگان: رضا اکبریان؛ نفیسه نجبا

معرفی: در این مقاله، رابطه علت و معلول از دیدگاه شیخ اشراق بررسی شده و سپس، تأثیر آراء وی بر دیدگاه محقق دوانی و میرداماد در مسئله علیت تبیین شده است. نویسندگان برای تحلیل رابطه علیت بر اساس نظام فلسفی شیخ اشراق، به بیان مبانی ابداعی و تأثیرگذار وی - از جمله نظریه «اضافه اشراقی»، محمولیت ماهیت، جوهر و عرض و انکار ماده و صورت - پرداخته‌اند. سپس، تفاوت دیدگاه ابن سینا را با شیخ اشراق بررسی کرده و علیت از نگاه دوانی و میرداماد و اثرپذیری ایشان از شیخ اشراق را تبیین کرده‌اند. در نهایت، دیدگاه محقق دوانی و میرداماد را با آراء سهروردی مقایسه کرده و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی برای آن‌ها برشمرده‌اند. نگارندگان معتقدند

که علی‌رغم تفاوت اندیشه فلسفی محقق دوانی و میرداماد با نظام فکری / فلسفی شیخ اشراق، ایشان در تبیین چگونگی رابطه علیت، پیرو اندیشه اشراقی بوده‌اند؛ هرچند در تفاسیر این سه اندیشه‌مند از علیت، اختلافاتی به چشم می‌خورد.

اطلاعات نشر: آینه معرفت (دانشگاه شهید بهشتی / دانشکده الهیات و ادیان)، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۰ ش، صص ۳۳-۵۸.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «اضافه اشراقیه سهروردی و تأثیر آن بر محقق دوانی، میرداماد و ملاصدرا» (۱/۱۳).

۲/۱/۱۱۴. نظریه «مُثل افلاطونی» و سیر آن در فلسفه اسلامی

نگارنده: حسین صابری ورزنده

معرفی: در این مقاله، سیر تاریخی نظریه «مُثل افلاطونی» در میان اندیشه‌مندان اسلامی - از جمله میرداماد - بررسی شده است. نویسنده پس از معرفی و تبیین نظریه مُثل افلاطونی، دیدگاه حکماء اسلامی - مانند فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، میرداماد و ملاصدرا - را درباره این نظریه مرور کرده است. وی با استناد به کتاب القبسات، رأی میرداماد را درباره نظریه مُثل افلاطونی تبیین کرده و آن را با تقسیم موجودات به سه مرتبه زمانی، دهری و سرمدی مرتبط دانسته است. به‌باور نگارنده، مُثل افلاطونی نزد میرداماد، طبایع مرسله ضمن افراد محسوس هستند؛ از این رو، می‌توان گفت که میرداماد برخی وجوه نظریه مُثل افلاطونی را با نظریه «صورت» ارسطویی ترکیب کرده و آن را در قرائتی مثالی عرضه کرده است.

اطلاعات نشر: حکمت اسراء (پژوهشگاه علوم و حیاتی معارج)، دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۱۸)، زمستان ۱۳۹۳ ش، صص ۹۷-۱۲۴.

۲/۱/۱۱۵. نقد دیدگاه فلاسفه در مورد انواع حدوث عالم

نگارنده: حسین عشاقی

معرفی: این مقاله به بررسی و نقد نظریات فلاسفه اسلامی درباره حدوث عالم اختصاص دارد. نویسنده تقسیم موجود را به حادث و قدیم در دیدگاه‌های رایج فلسفی (یعنی تقسیم موجود به حادث ذاتی و قدیم ذاتی، حادث زمانی و قدیم زمانی، و حادث دهری و قدیم دهری) بررسی کرده و هریک از این دیدگاه‌ها را به تفصیل نقد کرده است. وی ذیل عنوان «انقسام موجود به حادث دهری و قدیم دهری»، نظریه «حدوث دهری» میرداماد را با طرح چهار مقدمه تحلیل و تبیین کرده است. سپس، این نظریه را - مانند آراء حکماء دیگر درباره حدوث عالم - باطل دانسته و کاستی‌های آن را به تفصیل تبیین کرده است. نگارنده بر این باور است که آموزه حدوث عالم باید بر اساس ظهور کثرات طرح و اثبات شود.

اطلاعات نشر: قبسات (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، سال ۲۱، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۵ ش، صص ۱۲۵-۱۵۰.

۲،۱،۱۱۶. نقد و بررسی تفسیر میرداماد از روایات «خلقت نوری»

نگارندگان: سیده زهرا موسوی بایگی؛ سید محمد موسوی بایگی
معرفی: نویسندگان بر این باورند که میرداماد نخستین اندیشه‌مندی است که به تبیین و تفسیر عقلانی روایات خلقت نوری و تقدّم آفرینش حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله بر جمیع مخلوقات پرداخته است؛ از این رو، این مقاله را به بررسی، تحلیل و نقد تفسیر میرداماد از روایات مذکور و واکاوی تأویل فلسفی وی از مسئله کینونت سابق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص داده‌اند. ایشان مقاله خود را با روایاتی که درباره صادر نخستین نقل شده، آغاز کرده‌اند. سپس، برای فهم تفسیر و تأویل میرداماد از روایت مشهور «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي»، دیدگاه وی را درباره این مباحث فلسفی بررسی کرده‌اند: ۱. مراتب نظام وجود؛ ۲. برتری علّت مفیض وجود بر معلول و عدم تغییر این نسبت؛ ۳. حدوث نفس؛ ۴. نفوس قدسی.

نگارندگان بعد از این مقدمات، به دیدگاه میرداماد درباره روایات خلقت نوری پرداخته و دو تأویل از وی ارائه و نقد کرده‌اند. ایشان دو نقد بر حیثیت نقلی تأویل نخست و هفت نقد بر جنبه عقلی آن وارد کرده‌اند. به باور ایشان، تأویل دوم میرداماد اشکال عقلی ندارد؛ اما با ظاهر روایت سازگار نیست. نویسندگان در بخش نتیجه‌گیری خاطرنشان کرده‌اند که هیچ‌یک از تأویل‌های میرداماد از روایات خلقت نوری و تقدّم آفرینش حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، پذیرفتنی نیست؛ زیرا تأویل نخست میرداماد به برابری و تکافؤ منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سلسله عود با مرتبه عقل اول در سلسله بدو منجر می‌شود. تأویل دوم نیز با روایات مذکور سازگار نیست. از نظر ایشان، با جمع مبانی فلسفی و عرفانی می‌توان تفسیر صحیحی از روایات خلقت نوری ارائه کرد.
اطلاعات نشر: پژوهش‌های عقلی نوین (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)، سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ش، صص ۱۳۳-۱۵۳.

۲،۱،۱۱۷. نقد و بررسی دیدگاه میرداماد در اصالت یا اعتباری بودن وجود

نگارندگان: محمد مصطفایی؛ عبدالحسین خسروپناه
معرفی: در این مقاله باورمندی میرداماد به اصالت وجود یا اصالت ماهیت بررسی شده است. نویسندگان پیشینه بحث اصالت وجود یا ماهیت را بیان کرده و به نظر شهید مظهری مبنی بر ابداع مسئله مذکور از سوی میرداماد، اشاره کرده‌اند؛ اما خود بر این باورند که این مسئله به صراحتی که در آثار ملاصدرا مطرح شده است، در مصنفات میرداماد به چشم نمی‌خورد. ایشان در ادامه، عباراتی از میرداماد آورده‌اند که با اعتقاد به اصالت ماهیت تناسب دارند. سپس، به عباراتی اشاره کرده‌اند که بر باور میرداماد به اصالت وجود دلالت می‌کنند. این مباحث شامل عباراتی از آثار میرداماد در مسائل وجود ذهنی و عینی، وجود خداوند، مفاض بودن وجود از خداوند، هم‌سنخی وجود خداوند با وجود ممکنات، برهان صدیقین، تساوق وجود و تشخص، رابطی بودن وجود ممکنات، وعاء بودن دهر برای وجود، محمولیت وجود، نظام وحدانی موجودات عالم، تقسیم موجود به واجب و ممکن، منشأ و ملاک و مناط و مطابق مفهوم وجود و تشکیک در وجود است. نگارندگان در نهایت خاطرنشان کرده‌اند که «تقرّر» در نظام فلسفی میرداماد، همان «وجود»

در نظام فلسفی ملاصدرا است. آن‌ها با اشاره به معنای ماهیت و وجود و تبیین اعتبارات ماهیت نزد میرداماد، نزاع اصالت وجود یا ماهیت را نزاعی لفظی دانسته‌اند. اطلاعات نشر: جاویدان خرد (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)، سال ۱۳، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش، صص ۱۴۸-۱۳۵.

۲۰۱/۱۱۸. نگرشی جدید بر معنای «السمعیات الطاف فی العقلیات»

نگارنده: پروین نبیان

معرفی: نویسنده با اعتقاد به اینکه عقل و سمعیات، منابعی کلیدی برای فهم حقیقت دین هستند، مقاله خود را به تبیین معنا و مراتب عقل و نسبت بین عقلیات با سمعیات و منقولات اختصاص داده است. وی در بازخوانی آراء برخی اندیشه‌مندان درباره رابطه عقل و نقل، به دیدگاه میرداماد در این باره اشاره کرده است. نگارنده با استناد به برخی عبارات میرداماد متذکر شده است که از نظر او، سمعیات الطاف الهی در عقلیات هستند. به باور نویسنده، میرداماد خود را به پذیرش مفهوم عقل در معنای مسألی آن محصور نکرده و مفهوم جدید «عقل مضاعف» را مطرح کرده است. علاوه بر این، میرداماد در کتاب جذوات و مواقیت شرط افزایش معرفت را تجلی اشراقات و انوار الهی در قوه عقل دانسته است. اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۸ ش، صص ۷۸-۷۸.

۲۰۱/۱۱۹. نوآوری‌های فیلسوفان اسلامی در پاسخ به شبهه «شر»

نگارنده: نفیسه فیاض بخش

معرفی: در این مقاله ابتکارات اندیشه‌مندانی مانند ابن‌سینا، شیخ اشراق، میرداماد و ملاصدرا در ارائه راه‌حلی مناسب برای مسئله شر بررسی شده است. نگارنده ابتدا، تحلیل ابن‌سینا را درباره انواع شرور در عالم طبیعت تبیین کرده و سپس، به تحلیل موطن شرور بر اساس مراتب عالم وجود پرداخته است. وی در ادامه، به مسئله تعطیلی فیض خدا در صورت نفی عالم تضاد اشاره کرده و تذکر داده که ریشه اتصاف به خیر و شر، نگرش انسان‌محوری است.

نویسنده در ادامه، دیدگاه میرداماد را در خصوص عرضی بودن شرور، تحلیل کرده است. بنا بر گزارش او، در نظر میرداماد، اولاً، هیچ شری در جهان خلقت (در نگاه کلان) وجود ندارد؛ و ثانیاً، شرور مقصود بالذات حضرت حق نبوده و بالعرض در قضاء الهی داخل شده‌اند. نگارنده در ادامه، به رفع ابهام از کلام ارسطو درباره عدمیت شرور پرداخته و با نقل عبارتی از میرداماد، خاطر نشان کرده که او به شکلی واضح، نظر ارسطو را درباره عدمی بودن شرور اثبات کرده و آن را تمکیل‌کننده رأی افلاطون دانسته است.

نویسنده سپس، به بازخوانی استدلال‌های حکماء در اثبات عدمیت شرور پرداخته و با نقل فرمایشی از حضرت علی (ع) در خصوص مرگ و زندگی، تضاد ناسوتی در مبدأ صعود ملکوتی را بررسی کرده است. وی در انتها، با استناد به آیات قرآنی، درباره ناتوانی انسان‌ها در تشخیص و شناخت خیر و شر واقعی سخن گفته است.

اطلاعات نشر: قبسات (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۸۸ ش، صص ۱۴۷-۱۶۶.

۲۰/۱۲۰. وجوه هرمنوتیکی رمز در فلسفه اسلامی

نگارنده: سید مهدی امامی جمعه

معرفی: نویسنده بر این باور است که از بررسی آثار اندیشه‌مندانی مانند ابن سینا، سهروردی، شهرزوری، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و ملاصدرا، تصویر جامعی از وجودشناسی و هرمنوتیک‌شناسی رمز حاصل می‌شود؛ از این رو، در این مقاله به تبیین مبانی فلسفی رمز در فلسفه اسلامی و ابعاد مختلف فهم انسان از رمز پرداخته است. مقصود نویسنده از «هرمنوتیک» همان نظریه فهم متون رمزی است؛ متونی که به لحاظ معنا، لایه‌لایه بوده و «رمز» نه تنها وصف آن‌هاست؛ بلکه به حقیقت و نحوه وجود آن‌ها هم ناظر است.

او ابتدا از رمزشناسی سهروردی و شهرزوری و نمادشناسی پل ریکور سخن گفته و رمز را در هرمنوتیک مدرن بررسی کرده است. با استناد به متون شیخ اشراق، از ارتباط حکمت و رمز (به مثابه شیوه بیان) سخن گفته و با نقل عباراتی از میرداماد خاطر نشان کرده که میر (مانند شیخ اشراق و شهرزوری و ملاصدرا) بر بیان حقایق به زبان رمز تأکید داشته و آن را سنت انبیاء علیهم‌السلام دانسته است. همچنین، در پاسخ به فلسفه رمزی بودن کلام الهی و انبیاء الهی، با استناد به عبارتی از کتاب جذوات و موافقت متذکر شده است که از نظر میرداماد، میان «رمزگونی متون» و «تعبیرکردن حقایق به اندازه فهم عقول» رابطه مستقیم وجود دارد. به بیان دیگر، رمز و تعبیر رمزی حقیقت، همان انتقال معرفت حقیقت از ساحت اصل حقیقت به ساحت عقول یا مخاطبان است. نگارنده پس از بیان دیدگاه شهرزوری، میرداماد و ملاصدرا در باب فهم متون نبوی و حکمی، به بررسی آنتولوژی حقیقت و تعبیر رمزی آن نزد فلاسفه و حکماء اسلامی پرداخته است. پس از آن، وجه عقلانیت رمز در فلسفه اسلامی را تحلیل کرده و از مشابهت و مابینت (در جایگاه دو تأویل رمز) سخن گفته است. در پایان، نتایج تحقیق خود را ضمن هشت نکته بیان کرده است. اطلاعات نشر: پژوهش‌های فلسفی / کلامی (دانشگاه قم)، شماره ۳ و ۴، بهار ۱۳۸۲ ش، صص ۲-۱۳.

۲۰/۱۲۱. وجود، انضمام و اشتقاق: تأملی در نظریه میرداماد درباره موجودیت و اشتقاق

نگارنده: داود حسینی

معرفی: نویسنده با اشاره به اینکه میرداماد در القبسات و الأفق المبین استدلال‌هایی در رد انضمامیت وجود ارائه کرده، در مقاله پیش رو این استدلال‌ها را بررسی کرده است. استدلال نخست را تحت عنوان «هل بسیط و در جهان بودن» از کتاب القبسات نقل کرده و استدلال دوم را با عنوان «تسلسل وجودها» بر اساس متن القبسات و الأفق المبین تقریر کرده است. پس از آن، تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو استدلال را تبیین کرده و استدلال نخست را بر استدلال دوم ترجیح داده است.

نگارنده در ادامه، استدلال‌های شارح المقاصد و استدلال مشهور سهروردی (تسلسل وجودها) را در این باره تقریر کرده است. سپس، تفاوت و برتری استدلال‌های میرداماد را از نظر جدلی و منطقی در مقایسه با دو استدلال پیش‌گفته تبیین کرده است. بعد از آن، از تأثیر این استدلال‌ها بر نظریه

میرداماد در باب اشتقاق «موجود» سخن گفته و در پایان، متذکر شده است که با توجه به نظریه میرداماد درباره عدم سبق وجود بر شیء، انضمامی نبودن وجود سبب عدم اشتقاق موجود می‌شود. اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۶ ش، صص ۵-۱۴.

۲۰۱/۱۲۲. وحدت متعالی مشرب‌های معرفت در مکتب اصفهان

نگارنده: محمد فنائی اشکوری

معرفی: نویسنده بر این باور است که حضور فلاسفه و اندیشه‌مندان در تاریخ و جغرافیای مشترک، سبب ایجاد مکتب فلسفی نمی‌شود؛ بلکه به اعتبار وجود متدلوژی واحد می‌توان مجموعه‌ای از فعالیت‌های فلسفی را «مکتب» نامید. این همان نکته‌ای است که درباره مکتب اصفهان صادق است؛ به گونه‌ای که با وجود تفاوت آراء و دیدگاه‌های حکمایی مانند میرداماد و ملاصدرا، به دلیل پابندی ایشان به روش تلفیق آموزه‌های دینی با قوانین عقلی و احکام نقلی با مشرب ذوقی، می‌توان آن را مکتب فلسفی به شمار آورد.

نگارنده برای اثبات مدّعی خود، روش فکر فلسفی میرداماد و ملاصدرا را بررسی کرده و با ارائه نمونه‌هایی از گرایش‌های عرفانی میرداماد و بهره‌جویی وی از آیات و روایات در پاسخ به برخی مسائل عقلانی - از جمله اثبات حدوث دهری عالم - او را برجسته‌ترین چهره عصر صفویه در کاربست روش جمع عقل و نقل و ذوق دانسته است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان: دو مکتب فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدعلی اصغر میرباقری فرد [و] فاطمه بستان شیرین، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش، صص ۳۵۱-۳۷۱.

۲۰۱/۱۲۳. هل بسیط و موجودیت ماهیت: ملاصدرا در برابر میرداماد

نگارنده: داود حسینی

معرفی: نویسنده در این مقاله، استدلال میرداماد را مبنی بر نفی عینیت وصف وجود برای ماهیات - که در کتاب القبسات آمده - بررسی کرده است. وی بر این باور است که در صورت صحت این استدلال، وجود در جهان تحقق نخواهد داشت. او همچنین، گزارشی از تقابل ملاصدرا با میرداماد در این مسئله در سه محور مهم ارائه کرده است. سپس، با مقایسه دیدگاه میرداماد و ملاصدرا در این سه محور، قوت و اتقان منطقی آن‌ها را بررسی کرده است.

نگارنده ابتدا استدلال میرداماد را تقریر کرده و نتایج آن را بیان کرده است. پس از آن، رئوس دیدگاه ملاصدرا را درباره اتّصاف وجود به ماهیت، ذیل عناوین «اتّصاف تحلیلی ماهیت به وجود»، «عدم اتّصاف ماهیت به وجود» و «اتّصاف عینی وجود به ماهیت» تبیین کرده است. وی در ادامه، استدلال میرداماد را با استدلال ملاصدرا مقایسه کرده و به این نتیجه دست یافته که نظر اول ملاصدرا با استدلال میرداماد مردود می‌شود و نظر دوم او با استدلال میرداماد همسو است؛ اما نظر سوم ملاصدرا (که مبتنی بر تحقق وجود و تقدّم آن بر ماهیت است) با اعمال چند اصلاح، استدلال میرداماد را ابطال می‌کند.

اطلاعات نشر: پژوهش‌های فلسفی (دانشگاه تبریز)، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۷ ش، صص ۹۵-۱۱۲.

۲،۲. تاریخ فلسفه

۲،۲،۱. بررسی تحلیلی دوره فلسفی اصفهان و دو مکتب فلسفی آن

نگارنده: سیدمهدی امامی جمعه

معرفی: به باور نویسنده، میرفندرسکی و میرداماد دو جریان فلسفی در حوزه اصفهان به وجود آوردند که در ابتدا، مکتب فلسفی مستقل نبودند؛ اما بسط و توسعه تعالیم این دو اندیشه مند به همت شاگردان ایشان، سبب ایجاد دو مکتب حکمی متفاوت شد. وی این مقاله را به بررسی مبادی، وجوه اشتراک و اختصاصات دو جریان فلسفی میرفندرسکی و میرداماد اختصاص داده است.

نگارنده با استناد به میراث مکتب اصفهان، خاطرنشان کرده است که این دو جریان، علی رغم اختلافات بنیادین، دارای اشتراکات اساسی هستند. او سپس، با بررسی تحلیلی آثار ملامتدرا و قاضی سعید قمی در مقام نمایندگان این دو نهضت فلسفی، اشتراکات و افتراقات آن‌ها را برشمرده است. از جمله اشتراکات اندیشه ایشان، نقش اساسی حکمت و فلسفه در رستگاری انسان و مراجعه و توجه بسیار - و به تعبیر نویسنده: رجوع سیستماتیک - به آیات و روایات و آموزه‌های شیعی در حل مسائل فلسفی است.

نویسنده در ادامه، از تفاوت‌های جریان فلسفی میرفندرسکی با مکتب میرداماد سخن گفته است. الهیات تنزیهی و سلبی از شاخصه‌های جریان فلسفی میرفندرسکی است که در آثار شاگردان وی، از جمله قاضی سعید قمی و رجبعلی تبریزی ظهور یافته است. از جمله شاخصه‌های جریان فلسفی میرداماد، قدرت ابداع و تلاش برای ایجاد و تأسیس نظام حکمی نوینی است که در حل مسائل فلسفی از تفکر عقلانی، آموزه‌های وحیانی و شیعی و از سلوک نفسانی و مکاشفات شهودی بهره می‌گیرد. همچنین، طرح دورانی اصالت وجود و ماهیت در جایگاه مسئله اساسی مباحث فکری، ویژگی خاص جریان میرداماد است.

نگارنده در پایان به این نتیجه رسیده که میرداماد با استفاده از قدرت ابداع و ابتکار و روحیه خاص علمی، فلسفه‌ای وجودی بر اساس عقل‌گرایی فلسفی بنا نهاده؛ نظامی که بر مبنای آن، ابعاد جدیدی از حکمت شیعی را کشف و عرضه کرده است.

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۳ش، صص ۴۷-۵۴.

+ بازنشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش‌پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌شوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۳۷-۵۱.

۲،۲،۲. تاریخ مختصری از سیر تفکر در عصر صفویه

نگارنده: اویس صالح صدیقی

معرفی: نویسنده دوره صفویه را یکی از ادوار درخشان تاریخ ایران بعد از اسلام قلمداد کرده و درباره سلسله صفوی و زمینه‌های ظهور آن سخن گفته است. وی چگونگی رواج تشیع را در ایران تحلیل کرده و در ادامه، به ظهور مکتب فلسفی اصفهان اشاره کرده است. به باور نگارنده،

مکتب اصفهان دوره ارتقاء علوم عقلی و حکمت است. او با این مقدمه، شرح مختصری از احوال و آثار و افکار اندیشه‌مندان این مکتب - از جمله میرداماد - ارائه کرده است. وی به تلاش‌های میرداماد در احیاء حکمت و فلسفه اشاره کرده و نقش او را در تأسیس مکتب فلسفی اصفهان، بسیار مؤثر دانسته است.

اطلاعات نشر: هلال (اداره مطبوعات پاکستان)، شماره ۷۸، فروردین ۱۳۴۷ ش، صص ۳۶-۳۳.

۲،۲،۳. تجدید حیات معنوی در عصر صفوی

نگارنده: علی کرباسی‌زاده اصفهانی

معرفی: نویسنده در این مقاله ابتدا زمینه‌ها و پیشینه‌های مکتب اصفهان و سپس، علل ایجاد و پشتوانه‌های فرهنگی و سیاسی آن را بررسی کرده است. وی همچنین، برخی چهره‌های ممتاز و مؤثر این مکتب را معرفی کرده و درباره ویژگی‌ها و پیامدهای آن سخن گفته است. نگارنده در بخش «سیر تاریخی فلسفه اسلامی» و نحوه شکل‌گیری اندیشه‌های فلسفی حکیمان مسلمان، به مکتب فلسفی اصفهان پرداخته و میرداماد را مؤسس این مکتب معرفی کرده است. وی در این بخش، خاطرنشان کرده که میرداماد تجسم عینی پیوند شیوه‌های متفاوت فلسفی در جهان اسلام است؛ چنان‌که بهره‌وری او از آیات، روایات و احادیث در کنار تأملات فلسفی، به ایجاد حکمت معنوی تشیع منجر شده است.

نگارنده در بخش دیگری از این پژوهش که به معرفی چهره‌های شاخص مکتب فلسفی اصفهان اختصاص یافته، به شخصیت علمی و ویژگی‌های ممتاز میرداماد به اختصار اشاره کرده و تذکر داده است که بدون شناخت احوال، افکار و نظام فلسفی معلم ثالث، نمی‌توان معرفتی صحیح از مکتب اصفهان به دست آورد؛ زیرا میرداماد تجلی عینی مکتب اصفهان است. اطلاعات نشر: مجموعه مقالات حکمی / هنری (گردهمایی بین‌المللی مکتب اصفهان)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدجواد صافیان، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی (متن)، ۱۳۸۸ ش، صص ۴۵-۳۱.

۲،۲،۴. تحولات فکری و عقلانی دوره صفوی: فلسفه و علوم عقلی

نگارنده: زهرا قاسمی

معرفی: نویسنده در این مقاله مختصر، درباره وضعیت علوم عقلی و چگونگی رشد آن‌ها در دوران صفوی، حضور دانشمندان متعدد در شهر اصفهان و نفوذ و جایگاه ایشان سخن گفته است. به باور او، میرداماد یکی از عالمان شاخص در سلسله حکماء عهد صفوی است؛ لذا در این نوشتار، حیات علمی و شخصیت او را به اختصار بررسی کرده است. نگارنده با اشاره به توانایی‌های میرداماد در علوم مختلف و تبخرویی در فلسفه، اخلاق و آداب دینی، دو ویژگی برای افکار و اندیشه‌های وی ذکر کرده است: ۱. نظم و ترتیب خاص آثار وی؛ ۲. تصور میرداماد درباره زمان که به ارائه نظریه «حدوث دهری» منجر شد. نویسنده معتقد است که میرداماد بیش از همگان در احیاء فلسفه مشائی و اشراقی و مطابقت آن‌ها با آموزه‌های شیعی، نقش داشته است. وی به حضور جدی میرداماد در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی عصر صفوی و دربار شاه عباس

کبیر نیز اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: حافظ، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۸۵ ش، صص ۸۰-۸۴.

۲،۲،۵. تطوّر روشی تفکر تأویلی در اسلام: از کندی تا میرداماد

نگارنده: سید محمد حسین میردامادی

معرفی: این مقاله به بررسی سیر تاریخی تفکر تأویلی در میان حکماء پیش از ملاحدرا و ویژگی‌های نظریه هریک از آن‌ها اختصاص دارد. نگارنده خاطر نشان کرده که سیر تاریخی تفکر تأویلی در میان این حکماء، نشان‌دهنده تاریخ فلسفه تأویل در این بازه زمانی است. وی مقاله را با بررسی روش تأویلی کندی آغاز کرده و بعد از تبیین دیدگاه فارابی، ابن سینا، غزالی، ابن رشد، سهروردی، ابن عربی، خواجه نصیرالدین طوسی، به دیدگاه میرداماد درباره تعامل دین با فلسفه پرداخته است.

نویسنده خاطر نشان کرده که وجه تسمیه نظام فلسفی میرداماد (یعنی حکمت یانی) حاکی از تفکر تأویلی میر در قالب تمثیل و بر اساس شهود است. وی با بررسی تفسیر میرداماد از آیاتی همچون آیه ۷۲ سوره «الأحزاب» (آیه امانت الهی)، آیه ۲۵۵ سوره «البقرة»، آیه ۵۹ سوره «الأنعام»، آیه ۲۴ سوره «عبس»، آیه ۳۹ سوره «الرعد»، آیه ۲۱ سوره «الحجر» و...، شاخصه‌های روش تأویلی میرداماد را از این قرار دانسته است: تأویل عقلی / اشرافی با منشأ الهام از منابع قرآن و احادیث شیعی؛ اعتقاد به اقتباس حکمت از مشکات نبوت و تأخر زمانی حکماء از انبیاء علیهم السلام؛ رعایت جانب احتمال همراه تحقیق؛ اعتقاد به دلالت ذاتی الفاظ؛ تأویل عقلی و شهودی؛ التفات به تأویل تمثیلی در مقام بیان بر اساس شهود در مقام دریافت؛ توجه به باطن آیات در معنای معقول و فلسفی؛ التفات به لوازم عقلی، تغییر زمینه، روح معنی، تناسب حکم و موضوع؛ اعتقاد به غایت محوری نه ساختار محوری قرآن.

وی در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری متذکر شده که میرداماد روش تأویل عقلی و اشرافی را در پرتو منابع وحیانی، به شکلی محققانه به کار برده و درصدد ارائه روشی جامع و دربردارنده روش‌های پیشین بوده است.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز ۱۴۰۰ ش، صص ۱۴۷-۱۷۶.

۲،۲،۶. سیر تاریخی مکتب فلسفی اصفهان (از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار ۱۱۳۵-۱۲۱۰ ق)

نگارنده: سید احمد عقیلی

معرفی: نویسنده بر این باور است که پیوستگی سلسله حکماء و اندیشه‌مندان، یکی از امتیازات مکتب فلسفی اصفهان است. او با این پیش‌فرض، دلایل وقفه و تأخیر رواج تفکر صدرایی را بررسی کرده است. بدین منظور، آثار و اندیشه‌های حکماء و فلاسفه مکتب اصفهان در قرن دوازدهم و دو جریان مهم فلسفی اصفهان را در آن زمان - یعنی مکتب تبریزی و مکتب ملاحدرا - تبیین کرده و به بیان ویژگی‌ها و تفاوت‌های این دو مکتب پرداخته است.

نگارنده در ابتدا، فضای تاریخی شکل‌گیری مکتب فلسفی اصفهان را بررسی کرده و در تبیین ویژگی‌های اصلی آن، بر نقش محوری میرداماد در بنانهادن این مکتب فکری / فلسفی تأکید کرده

است. اولقب «معلم ثالث» را حاکی از جایگاه رفیع میرداماد در تاریخ فلسفه اسلامی دانسته است. وی با اشاره به ویژگی‌های عقلی و شهودی نظام فکری میرداماد، محور اصلی حکمت یمانی را توجه به روایات و احادیث ائمه علیهم‌السلام معرفی کرده و میرداماد را زمینه‌ساز ظهور حکمت متعالیه دانسته است. نویسنده در ادامه، به ویژگی‌های مکتب اصفهان (نظام تألیفی، خلافت، جامعیت، مخالفت با صوفیه و ظاهرگرایان تندرو، رویارویی اندیشه‌های فلسفی) اشاره کرده و از چهار جریان فکری متفاوت در حوزه فلسفی اصفهان نام برده است: مشرب فکری میرداماد (این مشرب به شاگردان میرداماد از جمله میرسیداحمد علوی و ملاشمسای گیلانی منتقل شده؛ اما در سیر تاریخ فلسفه اسلامی تداوم نیافته و محدود مانده است)؛ گروه مدرسان حکمت مشائی؛ مکتب فلسفی صدرالمتهلین؛ حوزه فلسفی ملارجبعلی تبریزی. وی در ادامه، به چالش‌ها و موانع پیش‌روی مکتب فلسفی اصفهان در اواخر دوره صفوی پرداخته است. همچنین، وجوه اشتراک و افتراق مکتب فلسفی ملاصدرا و ملارجبعلی تبریزی را تبیین کرده و پیامدهای مشرب فلسفی حکیم تبریزی را بررسی کرده است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی‌زاده اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۲۷۷-۳۰۹.

۲،۲،۷. عوامل تکوین و شکوفایی «مکتب حکمی اصفهان» از دیدگاه هانری کربن

نگارنده: محمدامین شاهجویی

معرفی: کربن نام «مکتب الهی و معنوی اصفهان» را برای تعدادی از اندیشه‌مندی که در دوره حکومت صفویه در شهر اصفهان حضور داشتند، برگزیده است. در این مقاله عوامل ایجاد و ظهور این مکتب با توجه به نظر هنری کربن بررسی شده است. کربن برای آشنایی بیشتر و عمیق‌تر با «مکتب الهی اصفهان»، میرداماد - بنیان‌گذار نهضت فلسفی حکمت الهی - را پیشوا و هادی مکتب دانسته است. نویسنده بر این باور است که علت توجه محوری کربن به میرداماد، نظام فلسفی / فکری میر است که ترکیبی از دستگاه فکری ابن‌سینا، حکمت سهروردی، آموزه‌های شیعی و ادراکات شهودی و ذوقی است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات حکمی / هنری (گردهمایی بین‌المللی مکتب اصفهان)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدجواد صافیان، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی (متن)، ۱۳۸۸ش، صص ۴۷-۶۲.

۲،۲،۸. فاضل سراب و رویارویی مدرسه ملارجبعلی تبریزی با مدرسه ملاصدرا

نگارنده: علی کرباسی‌زاده اصفهانی

معرفی: این مقاله به معرفی ملامحمد تنکابنی، مشهور به «فاضل سراب»، فقیه، محدث، متکلم و حکیم مکتب اصفهان و و بازخوانی مشرب فلسفی او اختصاص دارد. نویسنده در معرفی مکتب اصفهان و جریان‌های مختلف آن، خاطرنشان کرده که حوزه فلسفی اصفهان با اندیشه‌های میرداماد آغاز شده و با ظهور این مکتب فلسفی، دوران جدیدی در تاریخ فلسفه اسلامی رقم

خورده است. نگارنده دلیل قوت اندیشه‌های میرداماد و برجستگی نقش او را در این حوزه فکری، توجه ویژه وی به آیات و روایات دانسته است. او با اشاره به جامعیت میرداماد در علوم مختلف، خاطر نشان کرده که میرداماد بیش از هرکس دیگری در احیاء فلسفه مشائی و اشراقی کوشیده و فلسفه او، تلفیقی از تفکر برهانی و احوال عرفانی و تأمل ویژه در آیات و احادیث است. نویسنده لقب «معلم ثالث» را نشانگر شهرت عظیم و بی معارض میرداماد دانسته و شاهکار فلسفی وی را کتاب القبسات معرفی کرده است.

نگارنده به پیروی از هنری کربن، تفکر فلسفی میرداماد را مصداق «حکمت معنوی تشیع» دانسته؛ حکمتی که تفکر عقلی ابن سینا، اندیشه‌های اشراقی و عرفانی ابن عربی و حکمت سهروردی را در بستر تشیع هماهنگ کرده است. وی در ادامه، با تقسیم‌بندی کلی جریان‌های تفکر فلسفی، جریان میرداماد و ملاصدرا را از هم متمایز کرده است. او میرداماد را نماینده تفکر اصالت ماهیتی و ملاصدرا را نماینده تفکر اصالت وجودی دانسته است. همچنین، از جریان ملارجبعلی تبریزی نام برده و خاطر نشان کرده است که این جریان نیز به واسطه میرفندرسکی، به میرداماد می‌پیوندد.

نویسنده سپس، با اشاره به اوصاف سه مشرب فکری مذکور، متذکر شده که جریان میرداماد با وجود ویژگی‌های حکمی و عرفانی و دینی، در سیر تاریخ فلسفه اسلامی تداوم نیافته است. وی در ادامه، درباره شخصیت علمی ملارجبعلی تبریزی، حوزه تدریس و شاگردان وی سخن گفته و مشرب فکری او را تبیین کرده است. همچنین، به وجوه اشتراک و نقاط اختلاف حکمت تنزیهی تبریزی با حکمت متعالیه صدرایی اشاره کرده است. سپس، به معرفی شارحان مبانی فلسفی تبریزی و آثار و اندیشه‌های فاضل سراب پرداخته است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: اصغر منتظرالقائم، چ ۱، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳ ش، صص ۳۸۱-۴۲۰. + باز نشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، صص ۱۵۲-۲۰۰.

۲.۲.۹. فلسفه اسلامی: از میرداماد تا عصر حاضر

نگارنده: مرتضی مطهری

معرفی: بر اساس آنچه در پانویس ابتدای این مقاله آمده، بیشتر مطالب آن برگرفته از مباحث مربوط به «سیر فلسفه در اسلام: از میرداماد تا عصر حاضر» است که در ترم سوم دوره دکتری دانشکده الهیات، در سال تحصیلی ۱۳۵۱-۵۲ تدریس شده است.

اولین مسئله مطرح شده در مقاله، نظریه «حدوث دهری» است. نویسنده این نظریه را مهم‌ترین مسئله در نظام فلسفی میرداماد دانسته و به سکوت ملاصدرا در مواجهه با آن اشاره کرده است. به باور وی، ملاصدرا این نظریه را نپذیرفته؛ اما چون قصد مقابله با استاد خود را نداشته، درباره آن سخن نگفته است. نگارنده در ادامه، به بررسی مفهوم حدوث، نحوه انتزاع عقلی آن، رأی متکلمان، حکماء و میرداماد درباره حدوث و همچنین، چستی عدم از نظر میرداماد

پرداخته است. به باور او، میرداماد حدوثی غیر از حدوث ذاتی حکماء و حدوث زمانی متکلمان برای اشیاء اثبات کرده است. مسئله بعدی، دیدگاه میرداماد درباره تحقق عینی حرکت قطعی و هویت تدریجی زمان در خارج است. نویسندگان بر این باور است که آراء میرداماد در این باره، بر دیدگاه‌های متفکران متأخر اثری شگرف نهاده است. وی پس از بررسی معانی و اعتبارات حرکت، به تبیین دیدگاه ملاصدرا در باب زمان و حرکت پرداخته است.

مسئله سوم، تقسیم وجود به نفسی، رابطی و رابط است. نگارنده در این بخش خاطر نشان کرده که این تقسیم‌بندی در آثار ابن سینا و حکماء پیشین وجود نداشته و برای نخستین بار در کتاب الأفق المبین میرداماد مطرح شده است. وی در ادامه به رساله الإیقاظات و نظر خاص میرداماد درباره قضاء و قدر و جبر و اختیار اشاره کرده است. همچنین، با اشاره به «رسالة في مذهب أرسطاطاليس» و مباحث آن تذکر داده که میرداماد در این رساله، اختلاف افلاطون و ارسطو را درباره قدم ماده، حل کرده است.

اطلاعات نشر: مقالات فلسفی، مرتضی مطهری، چ، ۱، تهران: صدرا، ۱۳۷۳ش (تجدید چاپ تا نوبت بیست و یکم، ۱۳۹۹ش)، صص ۲۲۴-۲۲۹.

۲۰۲۱. مکتب اصفهان

نگارنده: سیدحسین نصر؛ مترجم: عبدالحسین آذرنگ

معرفی: نویسنده در این مقاله با بررسی تأثیر حاکمیت شیعه در پیشرفت حکمت و سایر علوم سنتی - از جمله فقه و اصول، کلام، صرف و نحو، تاریخ حدیث و تفسیر قرآن - و ترسیم ابعاد گوناگون حیات عقلی در دوره صفویه، به معرفی چهره‌های شاخص حوزه‌های مختلف دانش در مکتب اصفهان پرداخته است. اندیشه‌مندانی که در این نوشتار معرفی شده‌اند، به ترتیب عبارت‌اند از: شیخ بهایی؛ میرداماد؛ میرفندرسکی؛ ملامحسن فیض کاشانی؛ ملامحمدباقر مجلسی (مجلسی دوم).

نگارنده میرداماد را چهره‌ای ممتاز و مؤثر در مکتب اصفهان دانسته و گزارش مختصری از حیات وی ارائه داده است. در این زندگی‌نامه، به تحصیلات، اساتید، جامعیت میر در علوم مختلف و شاگردان او (ملاصدرا و سیداحمد علوی، ملاخلیل قزوینی و قطب‌الدین اشکوری) اشاره شده است. نویسنده در ادامه، از تلاش میرداماد برای احیاء فلسفه مشائی و اشراقی در بستری شیعی سخن گفته و به مبانی حکمت یمانی، جهد بلیغ میر در قوام بخشیدن به آن و تلقیب وی به «معلم ثالث» اشاره کرده است. همچنین، پس از برشمردن برخی آثار میرداماد، متذکر شده که دو ویژگی سبب امتیاز میرداماد از سایر حکماء هم عصر او شده است: اول، کیفیت نظم و نسق آثار میرداماد؛ و دوم، رأی خاص او در مسئله حدوث دهری. نگارنده توضیحاتی در خصوص نظریه حدوث دهری ارائه کرده و در پایان، به بررسی محتوای کتاب جذوات پرداخته و توضیحات مبسوطی درباره آن بیان کرده است.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه در اسلام، مجموعه مؤلفان، گردآوری: میان محمد شریف، ترجمه: مجموعه مترجمان، چ، ۱، تهران: ستاد انقلاب فرهنگی [و] مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ش (تجدید

چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۲ش)، صص ۴۴۳-۴۵۷.

+ بازنشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۳۱۵-۳۵۳.

۲،۲،۱۱. مکتب فلسفی اصفهان و چالش‌های عصر صفوی

نگارنده: سیدمهدی امامی جمعه

معرفی: این مقاله به بررسی کارکردهای مکتب فلسفی اصفهان در مواجهه با چالش‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی در عصر صفوی - از جمله تعارض و تقابل فقاہت با تصوّف و رواج اخباری‌گری و در نتیجه، رویارویی اخباریان با فلاسفه و فقهاء - و حلّ آن‌ها اختصاص یافته است. هدف اصلی نویسنده، بررسی مواجهه نظام فکری/فلسفی ملاصدرا با چالش‌های مذکور است؛ اما در عین حال، از میرداماد و دیدگاه‌های وی نیز سخن گفته است؛ زیرا میر و اندیشه‌های او را زمینه‌ساز پیدایش حکمت متعالیه می‌داند.

او در معرفی میرداماد، به مقدمه هنری کربن بر کتاب القبسات و تعبیر «شور و هیجان در عالم خلوت و عزلت» اشاره کرده است. به باور نویسنده، میرداماد در عزلت خویش به معارفی دست یافته است که در حلقه‌ای از سلسله استادی و شاگردی، به مکتبی عظیم و نوین با ابعاد گوناگون منتهی می‌شود. این مکتب فلسفی نوین، همان حکمت متعالیه است که نویسنده در ادامه مقاله، مختصات و ویژگی‌های آن را بیان کرده است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، مجموعه مؤلفان، گردآوری: مرتضی دهقان‌نژاد، چ ۱، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۶ش)، ج ۱، صص ۷۷-۵۹.

+ بازنشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۱۵-۳۶.

۲،۲،۱۲. مکتب فلسفی اصفهان و نوآوری‌های آن

نگارنده: علی کرباسی‌زاده اصفهانی

معرفی: نویسنده ابتدا درباره چگونگی پیدایش اصطلاح «مکتب فلسفی اصفهان» توضیحاتی ارائه کرده و شماری از اندیشه‌مندان و بزرگان این مکتب را نام برده است. از نظر نگارنده، نقطه اشتراک همه آن‌ها باور به تشیع و بهره‌مندی از احادیث امامان و تعالیم دینی در تأملات فلسفی است. وی سپس، حوزه اصفهان را با سایر حوزه‌های علمی شیعه - از جمله بغداد، نجف، حله و جبل عامل - مقایسه کرده و پس از تبیین آموزه‌های اصلی و ویژگی‌های مهم مکتب اصفهان، فهرستی از نوآوری‌ها و ابتکارات حکماء این مکتب ارائه کرده است. رؤس ابتکارات فیلسوفان مکتب اصفهان به روایت نویسنده از این قرار است: عرضه روش و شیوه نوین، تجدید حیات عقلی و فلسفی، طرد افکار التقاطی، حاشیه‌نگاری و تعلیقه‌نویسی بر آثار ابن‌سینا، طرح موضوعات جدید و ارائه پاسخ‌های ابتکاری.

نگارنده با اشاره به نقش میرداماد در تأسیس مکتب اصفهان، وی را آغازگر شیوه تألیفی، یعنی

«حکمت معنوی تشیع»، دانسته و خاطرنشان کرده است که در این شیوه، تفکر حکمی اصیل ایرانی با سنت‌های عرفانی و اشرافی و استدلال‌های عقلانی در کنار روایات و تعلیمات شیعی قرار گرفته‌اند. وی بر این باور است که معلّم ثانی، فارابی، آغازگر رویکرد هماهنگی دین و فلسفه بوده و معلّم ثالث، میرداماد، پایان‌دهنده و تکمیل‌کننده آن است. نویسنده بعد از بررسی ویژگی‌های مهم مکتب اصفهان، شاخصه اصلی این مکتب را تشیع و سنت تأویلی آن معرفی کرده و سپس، در ادامه مقاله خود به بیان ابتکارات و نوآوری‌های فیلسوفان مکتب اصفهان پرداخته است.

از نظر نگارنده، میرداماد به اصالت و استقلال فلسفه اسلامی قائل بوده و حکمت یمانی را به مثابه مسلک ملت اسلام در برابر فلسفه یونانی مطرح کرده است. وی در ادامه، از موضع خاص میرداماد درباره برخی مسائل فلسفی و کلامی سخن گفته و مهم‌ترین آراء ابتکاری وی را برشمرده است. او در پایان مقاله خود، تداوم حیات فلسفه اسلامی را مدیون تلاش‌های بی‌وقفه حکیمان حوزه اصفهان دانسته و خاطرنشان کرده است که ایشان راه نوینی در حوزه فلسفه و کلام پیش روی اندیشه‌مندان شیعی گشودند.

اطلاعات نشر: نقش شیعه در پیشرفت منطق و مکاتب حکمت اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: عبدالحسین خسروپناه، چ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۹۷ ش، صص ۱۲۵-۱۷۵.

۲،۲،۱۳. میرداماد: فیلسوف مشهور و گمنام

نگارنده: علی اوجی

معرفی: نویسنده با اشاره به توانایی‌های میرداماد در فلسفه، پایه‌گذاری حکمت یمانی و تأثیر آن بر حکمت متعالیه، از فراوانی کتاب‌ها و مقالات درباره ملاصدرا و بی‌توجهی محققان به میرداماد و اندیشه‌های وی سخن گفته است. او به برخی عناوین که ملاصدرا برای استاد خود به کار برده (از جمله: حکیم کبیر، بدر منیر، علامه زمان، اعجوبه دوران، نور عقلانی، هدایت روحانی، کوکب قدسی و...) اشاره کرده و نمونه‌ای از نامه‌های ملاصدرا به میرداماد را آورده است. وی در ادامه، از کم‌توجهی محققان به میرداماد و آراء فلسفی او سخن گفته و دو علت برای آن برشمرده است: اول، عمق و پیچیدگی اندیشه‌های میرداماد؛ و دوم، تکلف و پیچیدگی زبان او.

وی میرداماد را دشوارنویس‌ترین فیلسوف مسلمان دانسته و به نمونه‌هایی از سخنان دیگران درباره سبک نگارش میرداماد اشاره کرده است. او برای نشان دادن تعقید در نشر میرداماد، سطوری از کتاب جذوات نقل کرده و پیچیدگی آن را در سه محور توضیح داده است: واژگان، مفردات و ترکیب‌ها؛ ساختار جمله‌ها و قواعد دستوری؛ تطویل. نگارنده در ادامه، به دلایل گرایش میرداماد به این سبک نگارشی پرداخته و با استناد به عبارات او، این امر را تعمّدی دانسته است.

اطلاعات نشر: آینه میراث (مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب)، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳ ش، صص ۵۸-۶۴.

۲،۲،۱۴. میرداماد و تأسیس مکتب اصفهان

نگارندگان: حمید دباشی؛ حسن فتحی

معرفی: بنیان‌گذاران دولت صفوی با تمسک به مکتب شیعه و ایجاد مشروعیت مذهبی و شیعی

برای خود، سعی کردند تا حکومت شیعی قدرتمندی بنا نهند. از جمله نیازهای آن‌ها در وصول به این هدف، جلب حمایت عالمان، فقیهان، مبلّغان و واعظان بود. در این دوره که فقهاء قدرت بسیاری داشتند، شرایط نامساعدی برای فعالیت‌های عقل محور وجود داشت؛ با این حال تلاش‌های بی‌وقفه برخی حکیمان، به پیدایش مکتب فکری اصفهان و رونق مباحث فلسفی منجر شد.

از جمله کسانی که در این دوره، به مباحث فلسفی پرداخته، میرداماد است. در این مقاله، مقام علمی و برخی آثار حکمی میرداماد مانند القیسات و جذوات بررسی شده است. نویسندگان همچنین، به مباحث هستی‌شناختی در فلسفه میرداماد و رأی او درباره حدوث دهری و مسئله خلج بدن پرداخته‌اند. از آنجا که میرداماد به استفاده از عبارت‌های دشوار و پیچیده شهرت دارد، نگارندگان درباره سبک نوشتاری وی سخن گفته و ابیاتی از سروده‌های فلسفی و عرفانی وی را بررسی کرده‌اند. ایشان بر این باورند که علاوه بر تألیف آثار علمی، پیگیری مباحث گسترده فلسفی و تعلیم شاگردانی مانند ملاصدرا، کار اصلی میرداماد در مکتب اصفهان، تلفیق و تطبیق رویکرد فلسفه مشائی با نوعی عرفان عملی پذیرفته شده از سوی اشرافیان بوده است.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، با اشراف: سید حسین نصر [و] الیور لیمن، ترجمه: مجموعه مترجمان، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۸۸ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۳ ش)، صص ۱۲۰-۱۷۴.

+ باز نشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زادهوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، صص ۵۳-۱۰۴.

۲/۲/۱۵. میرداماد و میرفندرسکی: متکلم یا فیلسوف؟ (بررسی مبانی برجسته آراء آنان)

نگارنده: محمدرضا بندرچی

معرفی: برخی مستشرقان بر این باورند که از میان سه اندیشه‌مند برجسته مکتب اصفهان، یعنی میرداماد، میرفندرسکی و ملاصدرا، تنها ملاصدرا را می‌توان فیلسوف دانست و دو تن دیگر در زمره متکلمان قرار دارند. این مقاله به قصد ابطال این مدعا نگاشته شده است. نویسنده ابتدا به فرق فیلسوف با متکلم اشاره کرده و سپس، با بررسی نظریات فلسفی میرداماد و میرفندرسکی، کوشیده است تا فیلسوف بودن ایشان را اثبات کند.

نگارنده اشاره کرده که مکتب فلسفی اصفهان با اندیشه‌های حکمی میرداماد ایجاد شده است. سپس، خاطرنشان کرده که میرداماد در نظام حکمی خود که آن را «حکمت یمانی» نامیده، مسائل فلسفی بسیاری را بررسی کرده است. نویسنده برای اثبات مدعای خود، به تبیین دو رأی مشهور میرداماد درباره حدوث دهری عالم و اصالت ماهیت و اعتباریت وجود پرداخته است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۴۵-۶۰.

۲/۲/۱۶. میرداماد یا معلّم ثالث: مکتب الهی اصفهان^۱

نگارنده: هنری کربن؛ مترجم: عیسی سپهبدی

معرفی: نویسنده با اشاره به ناآگاهی مستشرقان از احوال و افکار اندیشه‌مندان ایرانی و چرایی این کاستی، به معرفی عناصر و مؤلفه‌های مکتب اصفهان پرداخته است. وی نظام فلسفی میرداماد، احوال، آثار و آنچه را «اعترافات روحانی» وی نامیده، بررسی کرده و او را مظهر آیت و طلیعه فکر و نبوغ ایرانی دانسته است. او با اشاره به آثار میرداماد و پیچیدگی قلم او، دشوارنویسی میر را با توجه به اوضاع اجتماعی در عصر صفوی توجیه کرده است.

نگارنده در این مقاله کوشیده است تا با تأکید بر وجوه معنوی شخصیت میرداماد و پیرنگ‌های صوفیانه در یافته‌های معرفتی وی، جایگاه او را در تاریخ اندیشه شیعی آشکار کند. بدین جهت، از شخصیت فلسفی میر فاصله گرفته و دو خلسه عرفانی وی را که به ترتیب در سال‌های ۱۰۱۱ و ۱۰۲۳ هجری قمری رخ داده‌اند، بررسی کرده است. او در بازخوانی خلسه‌های میرداماد، با روشی بدیع، به رمزگشایی از وجوه نمادین آن‌ها پرداخته و تقریری جدید از این مواجید عرفانی ارائه داده است. به‌باور نویسنده، در دستیابی به اعماق مدینه فاضله معنوی اصفهان و مکتب الهی آن، میرداماد بهترین هادی و مرشد است.

اطلاعات نشر: القبسات، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] سیدابراهیم دیباجی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ش)، مقدمه، صص هشتاد و یک - صد و شش.
+ باز نشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش‌پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌وش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۲۸۷-۳۱۴.

۲/۲/۱۷. میرفندرسکی و میرداماد: بنیان‌گذاران مکتب فلسفی اصفهان

نگارنده: سید محمد دامادی

معرفی: نویسنده در این نوشتار شخصیت علمی و روش حکمی میرداماد و میرفندرسکی را به اختصار معرفی کرده است. او خاطر نشان کرده که میرداماد در آثار خود با استشهاد به آیات و الهام از احادیث نبوی، مباحث عقلی را با دقت بسیار تحلیل کرده و به طرح معضلات فلسفی و بیان راه‌حل آن‌ها، پرداخته است. وی در ادامه اشاره کرده که بر اساس اسناد موجود، میرداماد شاگردانی از خطه هندوستان داشته است؛ کسانی که برای تحصیل علوم عقلی به اصفهان سفر کرده و از تعلیمات وی بهره گرفته، سپس به هند بازگشته‌اند و علاوه بر تدریس آثار میرداماد، آن‌ها را شرح داده‌اند. منزلت والای میرداماد در حکمت عملی و مکارم اخلاقی در کنار جایگاه خاص و منحصر به فردش در علوم حکمی/فلسفی، از جمله مطالب دیگری است که نگارنده به

۱. این مقاله، پیش‌تر با ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تحت عنوان «حکمت الهی شیعه در عصر صفویه» و با مشخصات زیر به انتشار رسیده است:

- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران/ دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، سال ۶، شماره ۱، مهر ۱۳۳۷ش، صص ۵۸-۶۳.

آن‌ها پرداخته است. وی همچنین، از صعوبت و دشواری بیان میرداماد در مسائل حکمی سخن گفته و حکایتی از کتاب قصص الحکماء و سروده‌ای از نیما یوشیج در این باره نقل کرده است. اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۳۷-۴۳.

۲،۲،۱۸. نقش فیلسوفان شیعه در روش‌شناسی حکمت اسلامی

نگارندگان: عبدالحسین خسروپناه؛ حسام‌الدین مؤمنی شهرکی
معرفی: در این نوشتار، نقش حکماء تأثیرگذار شیعه، از جمله میرداماد، در روش‌شناسی حکمت اسلامی بررسی شده است. نویسندگان ابتدا درباره اصطلاح «روش‌شناسی» توضیحاتی ارائه کرده و سپس، مباحث خود را با تبیین روش‌شناسی فارابی آغاز کرده و روش اصلی او را روش برهانی و عقلی اقناعی / مجابی دانسته‌اند. ایشان در ادامه، روش‌شناسی ابن‌سینا، سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد، ملاصدرا و علامه طباطبائی را تبیین و بررسی کرده‌اند. آنان روش ابن‌سینا را برهان فکری و برهان حدسی، روش سهروردی را شهودی و برهانی، روش خواجه نصیرالدین طوسی و میرداماد را روش برهانی، روش ملاصدرا را شهودی نقلی و برهانی و روش علامه طباطبائی را روش برهانی معرفی کرده‌اند. به‌باور نگارندگان، رویکردهای مختلف هریک از این اندیشه‌مندان سبب شده تا روش‌شناسی و نظام‌های فلسفی آن‌ها متفاوت باشد. ایشان در توضیح روش‌شناسی میرداماد، نخست با استناد به عبارتی از کتاب جذوات و مواقیت خاطرنشان کرده‌اند که میر به برهان و روش عقلی کاملاً پایبند بوده و روش فلسفه را در روش عقلی منحصر دانسته است. سپس، با اشاره به رویکرد نقلی میرداماد و نظری درباره سمعیات، خاطرنشان کرده‌اند که او رویکرد نقلی را به نحو گسترده به روش حکمت اسلامی وارد کرده است. نویسندگان در توضیح رویکرد اشراقی میرداماد تذکر داده‌اند که او برای صفای باطن و تلطیف قریحه، اهمیت فراوانی قائل بوده و آن را یکی از شرایط فهم مطالب فلسفی می‌دانسته است. ایشان در ادامه، به خلسه‌ها و مکاشفات میرداماد اشاره کرده و نمونه‌هایی از انس وی با رویکرد اشراقی و رمزی ارائه داده‌اند. نگارندگان در پایان، از تلاش میرداماد در ایجاد هماهنگی میان فلسفه و دین و عرفان و همچنین، پایان دادن به نزاع فلاسفه و فقهاء و عرفاء زمان خود سخن گفته‌اند. اطلاعات نشر: نقش شیعه در گسترش علوم عقلی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: عبدالحسین خسروپناه، چ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، ۱۳۹۷ ش، صص ۱۱۹-۱۴۸.

۲،۲،۱۹. نگاهی به زمینه‌ها، اوصاف و پیامدهای مکتب اصفهان

نگارنده: علی کرباسی زاده اصفهانی
معرفی: نویسنده در این مقاله، با بررسی پیشینه تاریخی، عوامل و پشتوانه‌های فرهنگی و سیاسی مکتب فلسفی اصفهان، به معرفی چهره‌های شاخص آن پرداخته است. وی با اشاره به اینکه تلفیق مبانی فلسفه یونانی با آموزه‌های شیعی و دینی، یکی از ویژگی‌های بارز در نظام‌های فلسفی اندیشه‌مندان مسلمان است، اوج خلاقیت در این تلفیق و تطبیق را در مکتب فلسفی اصفهان

دانسته است. او سپس، نمونه‌هایی از خلاقیت نمایندگان مکتب اصفهان در تلفیق آموزه‌های دینی با مبانی عقلانی ارائه کرده است.

از جمله شخصیت‌هایی که نگارنده به معرفتی آن‌ها پرداخته، میرداماد است. به‌باور وی، میرداماد مؤسس مکتب اصفهان بوده و لقب «معلم ثالث» حاکی از شأن و منزلت والای اوست. میرداماد برای تدوین مشرب فلسفی خاص خود که آن را «حکمت یمانی» یا «حکمت انبیاء» نامیده، بسیار تلاش کرده است. از دیدگاه نویسنده، میرداماد توجه ویژه‌ای به احادیث و روایات داشته و درصدد بوده است تا فلسفه مشائی و حکمت اشراقی و عرفان ابن عربی را در بستر تشیع احیاء و تلفیق کند.

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، سال ۱، پاییز ۱۳۸۹ش، شماره ۲، صص ۲۳-۵۲.

+ باز نشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش‌پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۲۴۱-۲۳۴.

۲،۲،۲۰. نهضت علمی دوران صفویه

نگارنده: نصرالله شاملی

معرفی: در این مقاله، تحولات علمی و شخصیت‌های تأثیرگذار در عرصه علوم عقلی و نقلی در دوران صفویه بررسی شده است. نهضت فلسفی در دوران حکومت صفویان با نام میرداماد گره خورده است؛ از این رو، نویسنده ذیل بررسی نهضت فلسفی و عقلی در این عصر، به معرفتی شخصیت علمی میرداماد پرداخته است. وی معتقد است که دوران صفویه، دوره تجدید حیات فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ زیرا اندیشه‌مندانی مانند میرداماد - که نظریات بدیع او تأثیر عمیق بر آراء فلسفی حکماء متأخر داشته - سبب شده‌اند تا نهضت عقلی/فلسفی، رشد و توسعه فراوانی یابد. نگارنده همچنین، خاطرنشان کرده که ابداعات میرداماد - از جمله نظریه «حدوث دهری» - و شیوه فلسفی او که تلفیق براهین عقلی و احوال عرفانی و تطبیق آموزه‌های شیعی بر مباحث حکمی بوده، موجب شده است تا میرداماد به یکی از چهره‌های برجسته فلسفه اسلامی در دوره صفویه تبدیل شود.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، مجموعه مؤلفان، گردآوری: مرتضی دهقان‌نژاد، چ ۱، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۶ش)، ج ۱، صص ۳۳۳-۳۵۰.

۲،۲،۲۱. واکاوی مکتب فلسفی اصفهان با تأکید بر جایگاه میرداماد

نگارندگان: ابوالفضل کاکویی؛ مراد کیان‌پور

معرفی: نویسندگان این مقاله ابتدا به مفهوم‌شناسی اصطلاحاتی مانند «فرهنگ»، «تمدن»، «فلسفه» و «اسلام»، پرداخته و سپس، تاریخچه مختصری از شکل‌گیری فلسفه اسلامی و ارتباط آن با فرهنگ و تمدن اسلامی ارائه داده‌اند. ایشان بر این باورند که فلسفه اسلامی نقش مؤثری در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. نگارندگان مکتب فلسفی اصفهان را به مثابه نمونه‌ای

از نقش فلسفه در ترویج و اشاعه تمدن اسلامی، بررسی کرده‌اند. تمام حکماء مکتب فلسفی اصفهان، شیعه دوازده امامی بوده‌اند و شهر اصفهان، هم حوزه فقهی و هم حوزه فلسفی در خود داشته است؛ از این رو، نویسندگان معتقدند که مکتب اصفهان، مکتبی جامع در علوم اسلامی است. ایشان همچنین، به نقش میرداماد در پایه‌گذاری مکتب فلسفی اصفهان و جایگاه وی نزد شاه عباس صفوی اشاره کرده‌اند. سپس، با استناد به سخنان اندیشه‌مندی مانند توشی‌هیکو ایزوتسو و استاد سید جلال‌الدین آشتیانی، از سهم چشمگیر میرداماد در تحکیم مبانی فلسفه اسلامی و ارتقاء سطح فکری، علمی و فرهنگی جامعه عصر صفوی سخن گفته‌اند. اطلاعات نشر: تاریخ‌نامه خوارزمی (انجمن علمی/ دانشجویی تاریخ دانشگاه خوارزمی)، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۶ش، صص ۱۵۴-۱۶۵.

۲،۳. کتاب‌شناسی و نقد

۲،۳،۱. «اخگرها»ی بی‌سامانی در خرمن حکمت یمانی (نقد ترجمه‌ای ناستوار از القبسات

میرداماد)

نگارنده: حسین نجفی

معرفی: نگارنده در این مقاله به نقد ترجمه جهان‌شاه ناصر از کتاب القبسات - که ویراستاری آن به عهده طه حجازی بوده - پرداخته است. وی این ترجمه را سست و ناستوار دانسته و مقاله خود را با نقد مقدمه مترجم آغاز کرده است. او با ارائه عباراتی از مقدمه، برداشت ناصحیح مترجم از فلسفه میرداماد و مواجهه سهل‌انگارانه او را با القبسات نشان داده است. به‌باور نگارنده، مترجم در مواجهه با عبارات میرداماد، به فهم الفاظ اکتفا کرده است.

وی در ادامه، به شرح کاستی‌های روش مترجم پرداخته و برای هریک از این کاستی‌ها، نمونه‌هایی از ترجمه ارائه کرده است. نقدهای نگارنده به اخگرها عبارت‌اند از: اصرار مترجم بر سره‌نویسی و پرهیز از کاربرد واژگان عربی و افراط در معادل‌یابی برای همه اصطلاحات فنی، فروانداختن عامدانه قسمت‌هایی از عبارات میرداماد در ترجمه، نایکدستی در تقسیم‌بندی‌های متن ترجمه، یکسان‌نبودن روش مترجم در نقل عبارات عربی، پایبندنبودن به روشی واحد در مواجهه با نقل‌قول‌های میرداماد، نایکدستی ساختار ترجمه افعال و... نویسنده با اشاره به این کاستی‌ها، آن‌ها را سبب بی‌اعتباری ترجمه دانسته و برای بررسی توانایی فلسفی و زبان‌دانی مترجم، نمونه‌هایی از متن ترجمه شده را با عبارات اصلی میرداماد مقایسه کرده است.

نگارنده همچنین، ویراستاری کتاب مذکور را نقد کرده است. کاستی‌هایی که در این بخش به آن‌ها اشاره شده از این قرارند: استفاده نادرست از علائم سجاوندی، استفاده از حروف وصل و فصل در کنار هم، حشونویسی، نارسایی‌های آوایی، فاصله‌گذاری بی‌جا، چسبیده‌نویسی بی‌جا، غلط‌های املایی، غلط‌های حروف چینی و... نویسنده بعد از نقد مفصل این ترجمه، بر این باور است که اخگرها جایگاه علمی میرداماد و القبسات را مخدوش و متزلزل کرده است.

اطلاعات نشر: کتاب‌گزار (مؤسسه آموزش‌های تخصصی حوزه علمی اصفهان)، سال ۱ و ۲، شماره ۴ و ۵، زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶ش، صص ۲۵۳-۲۸۴.

۲،۳،۲. تعلیقۀ میرداماد بر استبصارِ شیخ طوسی

نگارنده: سیدعلی موسوی بهبهانی

معرفی: در این نوشتار، تعلیقۀ میرداماد بر کتاب الاستبصارِ شیخ طوسی معرفی شده است. نگارنده ابتدا اطلاعاتی دربارهٔ زندگی میرداماد (تاریخ تولّد و وفات، القاب و تخلص شعری و دلیل شهرت وی به داماد) ارائه کرده است. وی میر را مؤسس و بنیان‌گذار فلسفه‌ای خاص دانسته که از تلفیق و پیوند فلسفۀ مشاء، حکمت اشراق، کلام و تصوف اسلامی حاصل شده است. سپس، خاطرنشان کرده است که میرداماد در برخی مصتفات خود، فلسفه‌اش را «حکمت متعالیه» نامیده؛ چنان‌که میرسیداحمد عاملی نیز در شرح خود بر القبسات، از فلسفۀ میر با نام «حکمت متعالیه» یاد کرده است. به‌باور نویسنده، ملاصدرا در نام‌گذاری نظام فلسفی خود، از میرداماد پیروی کرده است. وی در ادامه، به نظریۀ «حدوث دهری» اشاره کرده و از موافقان و مخالفان این نظریۀ (آقا جمال خوانساری و ملا محمد اسماعیل خواجه‌وی) نام برده است. سپس، از جامعیت میرداماد در علوم مختلف و تلقیب وی به «معلم ثالث» سخن گفته و برای نشان دادن جامعیت و مرتبۀ علمی بی‌مانند میر، عباراتی از کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی نقل کرده است.

نویسنده در ادامه، تعلیقۀ میرداماد را بر کتاب الاستبصار، بر اساس نسخه خطی شماره ۱۱۰ کتابخانه مدرسۀ سپهسالار (تهران)، معرفی کرده است. او پس از ذکر اوصاف ظاهری نسخه، اشاره کرده است که این تعلیقات به خط نوادۀ میرداماد کتابت شده‌اند و به بخش‌هایی از کتاب الاستبصار (از ابتدای کتاب تا مبحث «صوم») اختصاص دارند، نه تمام آن. نگارنده در ادامه، اشاره کرده است که میرداماد در این تعلیقه، دربارهٔ رجال احادیث الاستبصار بحث کرده و به بیان مطالب ادبی، علمی، فقهی، کلامی و فلسفی در شرح احادیث پرداخته است. وی در پایان، برای آشنایی خوانندگان با این اثر، متن برخی تعلیقات میرداماد را نقل کرده است.

اطلاعات نشر: یادنامۀ شیخ طوسی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمد واعظ‌زاده خراسانی، چ ۱، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی (مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، بهمن ۱۳۵۴ ش، ج ۳، صص ۷۴۰-۷۴۸.

۲،۳،۳. تک‌نگاری‌های میرداماد

نگارنده: محمد انصار

معرفی: این مقاله به معرفی تک‌نگاری‌های مرتبط با میرداماد اختصاص دارد. نگارنده این آثار را به دو دسته تقسیم کرده است: ۱. منابعی که به معرفی چند شخصیت اختصاص دارد و میرداماد نیز در زمرۀ آن‌هاست؛ ۲. منابعی که اختصاصاً زندگی، آثار و افکار میرداماد را معرفی کرده‌اند. او آثار دسته اول را به ترتیب سال انتشار معرفی کرده و از منابع دسته دوم، گزارش توصیفی ارائه کرده است. آثار دسته اول از این قرارند: ۱. شرح حال میرفندرسکی و میرداماد (اکبرهای حسین آبادی)؛ ۲. دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد (محمد رضا دوستی دیلمی)؛ ۳. نظریۀ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه (سعید نظری توکلی)؛ ۴. میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی (یوسف افتخاری).

آثار دسته دوم نیز عبارت‌اند از: ۱. اثنی عشر رساله (میرداماد)؛ ۲. حکیم استرآباد: میرداماد (سیدعلی موسوی بهبهانی)؛ ۳. سایه اشراق (عباس عبیری)؛ ۴. میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی (علی اوجبی)؛ ۵. میرداماد (سیدمحمد خامنه‌ای)؛ ۶. مصنفات میرداماد (میرداماد؛ عبدالله نورانی)؛ ۷. معلم ثالث (جویا جهانبخش)؛ ۸. میرداماد (علی اوجبی)؛ ۹. میرداماد (علی اکبر ولایتی)؛ ۱۰. انفاس رحمانی بر حکمت یمانی (منوچهر پزشکی)؛ ۱۱. میرداماد (علی رزاقی شانی)؛ ۱۲. اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد (میرداماد؛ حسین نجفی).

نویسنده پس از معرفی این منابع، خاطرنشان کرده که آنچه بیش از زندگی میرداماد، شایسته توجه پژوهشگران است، معرفی آثار و بررسی آراء و اندیشه‌های میرداماد و مهم‌تر از آن‌ها، تبیین عوامل پیدایش تفکر اوست. اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گریان)، سال ۳، شماره ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش، صص ۶۷-۷۴.

۲،۳/۴. حکمت یمانی در دام اقتباس: نقدی بر کتاب نظریه پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه

نگارنده: شهناز شایان‌فر

معرفی: در این نوشتار فصل سوم از کتاب نظریه پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه، نوشته سعید نظری توگلی، نقد شده است. فصل مذکور به بررسی آراء خاص میرداماد در فلسفه اختصاص دارند و مطالب آن عبارت‌اند از: حدوث دهری عالم؛ اصالت ماهیت؛ وجود رابط و رابطی؛ صدور کثرت از وحدت؛ اصالت حرکت قطعی؛ اقلیم هشتم؛ بداء در علم الهی؛ جبر و اختیار؛ مقولات دهگانه؛ وحدت حمل.

نویسنده خاطرنشان کرده که عناوین این فصل، از بخش دوم مقدمه کتاب تقویم ایمان و فصل چهارم کتاب میرداماد (نگاشته علی اوجبی) اقتباس شده و محتوای آن‌ها نیز برگرفته از مقدمه تقویم ایمان و کتاب میرداماد است؛ درحالی‌که نویسنده کتاب، به این اقتباس تصریح نکرده است. او برای اثبات مدعای خود، چند نمونه مختلف ارائه کرده است. در ادامه، به دیگر خطاهای نویسنده کتاب - از جمله خوانش مبهم از وحدت حمل در تناقض، قرائت نادرست از زیادت وجود بر ماهیت، ارجاع غلط به نظر عمر بن سهلان ساوی در باب انحصار مقولات و اشتباه در معرفی میرداماد به عنوان آغازگر مسئله اصالت ماهیت - اشاره کرده است. اطلاعات نشر: کتاب ماه فلسفه (مؤسسه خانه کتاب)، شماره ۴۷، مرداد ۱۳۹۰ش، صص ۷۰-۷۵.

۲،۳/۵. حکیم استرآباد

نگارنده: علیرضا ذکاوتی قراگزلو

معرفی: در این نوشتار کوتاه، کتاب حکیم استرآباد: میرداماد، اثر سیدعلی موسوی بهبهانی، معرفی و نقد شده است. نویسنده با اشاره به مهاجرت حکماء متأخر ایرانی در میان عرب‌زبانان و غربیان، خاطرنشان کرده که تا پیش از انتشار کتاب مذکور، بیشتر اطلاعات مربوط به میرداماد برگرفته از شایعاتی همچون اتصاف میر به مغلق‌گویی بوده است. نگارنده تنها تحقیق درخور توجه

درباره میرداماد را تصحیح انتقادی القبسات دانسته و متذکر شده است که کتاب حکیم استرآباد، نخستین اثر مستقل درباره میرداماد به شمار می‌رود.

وی در ادامه، به معرفی کتاب پرداخته و برخی کاستی‌های آن را بر شمرده است؛ از جمله:

۱. برخی مطالب، به ویژه مطالب بخش اول (شرح حال، سیر تفکر فلسفی از آغاز تا عصر میرداماد، شرح مؤلفات و آثار میرداماد، عقاید و آراء خاص او، تحلیل و بررسی بعضی آثار میر) در سایر فصول کتاب تکرار شده‌اند؛ ۲. بخش‌های زیادی از مقدمه کتاب که در بیان تاریخ عصر صفوی است، برگرفته از کتاب زندگی شاه عباس اول، تألیف نصرالله فلسفی، است؛ ۳. در برخی مواضع کتاب، مطالبی نقل شده که هیچ مأخذ روشنی ندارند؛ ۴. برخی اغلاط املائی و چاپی کتاب تصحیح نشده‌اند (نویسنده به برخی از این اغلاط اشاره کرده است).

اطلاعات نشر: ماجرا در ماجرا (سیر عقل و نقل در پانزده قرن هجری)، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، چ ۱، تهران، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۱ ش، صص ۳۹۵-۳۹۶.

۲،۳،۶. خوانش صدرایی در احیای آثار حکمای ایرانی

نگارنده: محمود هدایت‌افزا

معرفی: این مقاله، به نقد مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، نوشته سیدجلال‌الدین آشتیانی، اختصاص دارد. به باور نویسنده، استاد آشتیانی در این اثر، آراء و اندیشه‌های هر فیلسوف را با اندیشه‌های ملاصدرا مقایسه کرده و در نقد اندیشه‌های فیلسوفان، همواره ملاک و معیاری صدرایی در نظر داشته است. همین روش سبب مهجوریت حکماء غیرصدرایی در سال‌های اخیر شده است. نگارنده ابتدا توضیحاتی درباره مجموعه مذکور بیان کرده و به نقش هنری کربن در ترغیب استاد آشتیانی برای احیاء آثار حکماء ایرانی و گردآوری مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران اشاره کرده است. سپس، با نقل عبارتی از استاد آشتیانی، درباره هدف او از گردآوری این مجموعه و اتخاذ رویکردی نقادانه سخن گفته است.

نویسنده پس از این مقدمه، به بررسی مجلد اول منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران پرداخته است. این مجلد به بازخوانی متن محور آراء هفت متفکر عصر صفوی اختصاص دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: میرداماد، میرفندرسکی، ملاصدرا، ملارجبعلی تبریزی، ملاعبدالرزاق لاهیجی، آقا حسین خوانساری و ملاشمس‌گیلانی. متون منتخب از آثار میرداماد، با موضوعاتی همچون حدوث دهری، نحوه اتصاف ماهیت به وجود، علم حق تعالی و عالم برزخ مرتبط هستند.

نویسنده در این بخش، درباره مواجهه مرحوم آشتیانی با آراء و آثار این هفت شخصیت، شیوه وی در گزینش و چینش متون و میزان همدلی او با هریک از آن‌ها سخن گفته است. سپس، تحلیل‌های وی را از متون میرداماد در دو مسئله حدوث دهری و نحوه اتصاف ماهیت به وجود بررسی کرده است. بنا بر گزارش نگارنده، استاد آشتیانی میرداماد را عالمی متبحر و جامع در علوم مختلف معرفی کرده؛ اما تنها شاهد عظمت وی را استادی صدرالمآلهین دانسته است. نویسنده در تحلیل سخنان مرحوم آشتیانی درباره نظریه حدوث دهری، با ارائه شواهد متعدد، رویکرد صدرایی وی را در مواجهه با آراء میرداماد نشان داده است؛ برای نمونه، استاد آشتیانی

نظر میرداماد را دربارهٔ حدوث عالم، بر دیدگاه متکلمان ترجیح داده؛ اما به سبب اعتقاد میرداماد به اصالت ماهیت و تباین موجودات، دیدگاه وی را تضعیف کرده است. اطلاعات نشر: نقد کتاب حکمت (مؤسسهٔ خانهٔ کتاب)، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش، صص ۱۰۷-۱۲۲.

۲،۳،۷. دیوان اشراق

نگارنده: سیدعلی میرافضلی

معرفی: این نوشتار نقدی است بر تصحیح سمیرا پوستین دوز از دیوان اشراق که در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است. نویسنده با استناد به کتاب تذکره نصرآبادی، دربارهٔ طبع شعری و اشعار به جامانده از میرداماد سخن گفته و سپس، از چاپ‌های پیشین دیوان میرداماد (دیوان اشراق) یاد کرده است. پس از آن، نسخه‌های استفاده شده در تصحیح خانم پوستین دوز و مقدمهٔ جامع جویا جهانبخش را بر این تصحیح بررسی کرده است. نویسنده بعد از اشاره به تعداد رباعیات در نسخه‌های موجود از اشعار میرداماد و مقایسهٔ آن‌ها با نسخهٔ چاپی، خاطرنشان کرده که برخی رباعیات مندرج در تصحیح پوستین دوز از دیوان اشراق، سرودهٔ شاعران دیگری است و مصحح بدون انجام تحقیقات و مطالعات لازم، آن‌ها را به میرداماد نسبت داده است.

اطلاعات نشر: گزارش میراث (مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب)، دوره ۲، سال ۳، شماره ۲۹ و ۳۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۷ش، صص ۴۷-۵۲.

۲،۳،۸. سبک نوشتار و سیاههٔ آثار میرداماد در زمینهٔ علوم نقلی (فقه، اصول، علوم حدیث

و رجال): قسمت اول

نگارنده: امیر بارانی بیرانوند

معرفی: نویسنده در بخش نخست این مقاله، سبک نگارش و ویژگی‌های آثار میرداماد را بررسی کرده و در بخش دوم، فهرستی از آثار میرداماد در علوم نقلی ارائه داده است. وی ابتدا چند ویژگی ساختاری و محتوایی برای آثار میرداماد برشمرده و برای هریک از آن‌ها نمونه‌هایی عرضه کرده است. خصوصیات آثار میرداماد به روایت نویسنده از این قرارند:

۱. نظم و سامان مطالب: رسم معمول در آثار فلسفی چنین است که بعد از ایراد خطبه، کتاب با علم منطق آغاز شود و به دنبال آن، فصول مربوط به طبیعیات، ریاضیات و الهیات قرار گیرند؛ در صورتی که میرداماد در برخی آثار خود مباحث را با الهیات آغاز کرده است.
۲. سبک نگارش: به باور نگارنده، عوامل گوناگونی در بروز تکلف و تعقید در متون میرداماد مؤثرند؛ از جمله: استعمال فراوان از کلمات نامأنوس و غریب؛ تخطی از قواعد ادبی در ترکیب کلمات؛ استعمال تعابیر عربی مآبانه؛ احاطهٔ میرداماد بر فنون ادبیات عرب و علم لغت؛ تأثیر برخی احوالات و جنبه‌های شخصیتی میرداماد.

نویسنده در بخش دوم، فهرستی از آثار میرداماد در علوم نقلی (فقه، اصول و علوم حدیث) ارائه کرده است. او میرداماد را اندیشه‌مندی کثیرالتألیف دانسته و خاطرنشان کرده که این فهرست

حاصل بررسی فهرس نسخه‌های خطی، منابع چاپ‌سنگی، کتاب‌های مرجع و تذکره‌هایی است که مطالبی درباره آثار میرداماد ارائه کرده‌اند. این بخش شامل چند گفتار است که تنها گفتار نخست آن - که به معرفی کتاب‌ها و رسائل مستقل میرداماد اختصاص دارد - در این مقاله آمده است. نگارنده در این گفتار، علاوه بر معرفی موضوع و ساختار آثار، درباره وضعیت چاپ و نسخه‌های خطی هریک از آن‌ها نیز اطلاعات مفیدی ارائه داده است. آثار معرفی شده در این گفتار عبارت‌اند از: ضوابط الرضاع، شارع النجاة في أبواب العبادات، عیون المسائل (الاثنا عشریة / خلعیة / الأفق المبین).

اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، سال ۵، شماره ۱۹ و ۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۹ش، صص ۷-۲۵.

۲،۳،۹. سبک نوشتار و فهرست نوشتجات میرداماد در زمینه علوم نقلی (فقه، اصول، علوم حدیث و رجال): قسمت دوم

نگارنده: امیر بارانی بیرانوند

معرفی: این مقاله، دنباله مقاله پیشین است. مؤلف در این بخش به معرفی ده اثر فقهی میرداماد و بررسی سبک نوشتار وی در این آثار پرداخته است. وی علاوه بر معرفی این آثار و تبیین موضوع، ساختار و تاریخ نگارش آن‌ها، نظرات برخی تذکره‌نویسان و مورخان را درباره کتب و رسائل مذکور نقل کرده و در پایان، به وضعیت نشر و نسخه‌های خطی آن‌ها اشاره کرده است. نویسنده برای آشنایی خوانندگان با سبک نگارش و قلم میرداماد، نمونه‌هایی از متون این آثار نقل کرده است. فهرست کتاب‌ها و رساله‌هایی که در این نوشتار معرفی و توصیف شده‌اند، از این قرار است:

۱. السبع الشداد؛ ۲. شرعة التسمية؛ ۳. الإعضالات العویصة في فنون العلوم والصناعات (حل الإعضالات/ الإعضالات العشرینیة/ رسالة في فنون العلوم والصناعات)؛ ۴. رسالة في وجوب صلاة الجمعة (رسالة في صلاة الجمعة)؛ ۵. خطب جمعة لصلاة الجمعة (الخطب للجمعة والأعیاد)؛ ۶. رسالة في أن المنتسب بالأم كان سیّداً (اثبات سیادة المنتسب بالأم إلى هاشم/ یا رسالة في أن المنتسب بالأم هاشمی)؛ ۷. رسالة في تنازع الزوجین قبل الدخول في قدر المهر (جواب السؤال عن تنازع الزوجین قبل الدخول في قدر المهر و تصدیق وکیل الزوجة للزوج)؛ ۸. رضاع؛ ۹. قواعد و تحقیقات في عدم تبعیض العبادة بالوجوب و الاستحباب و في العبادة الكاملة؛ ۱۰. خطب النکاح. متن رساله‌های چهارم و هشتم این فهرست، به سبب اختصار، تصحیح و ارائه شده‌اند.
- اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، سال ۵، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۹ش، صص ۷۱-۸۲.

۲،۳،۱۰. شرعة التسمية

نگارنده: رضا استادی

معرفی: این مقاله، باز نشر مقدمه نویسنده بر کتاب شرعة التسمية است. وی در ابتدا با استناد به کتاب الذریعة، از تألیفاتی با موضوع جواز یا حرمت تصریح به نام اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت نام برده و سپس، با اشاره به سخنان محدث قمی، حاجی نوری، قطب‌الدین

اشکوری و میلوحی (صاحب کفایة المهدی) درباره کتاب شرعة التسمیة سخن گفته است. در ادامه، نسخه‌های خطی شرعة التسمیة را معرفی کرده و شرح حال کوتاهی از میرداماد و گزارشی از آثار منتشرشده او ارائه داده است. به باور او، بهترین شرح حال درباره میرداماد، کتاب حکیم استرآباد، اثر سیدعلی موسوی بهبهانی است.

نگارنده در ادامه خاطر نشان کرده است که آنچه حاج میرزا حسین نوری در کتاب نجم الثاقب و حاج میرزا محمدتقی موسوی در کتاب مکیال المکارم درباره «حکم تسمیة صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف» نوشته‌اند، از جمله تحقیقات شایسته در این موضوع به شمار می‌روند. وی بر این باور است که عبارات محدث نوری، خلاصه‌ای از کتاب شرعة التسمیة به زبان فارسی است؛ لذا، بخشی از این عبارات را نقل کرده است.

اطلاعات نشر: چهل مقاله، رضا استادی، چ ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش، صص ۲۳۸-۲۵۲.

+ باز نشر:

۱. شرعة التسمیة، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: رضا استادی، چ ۱، اصفهان: انتشارات مهدیه میرداماد، ۱۴۰۳ق، مقدمه، صص ۱۹-۳.
۲. نوزده ستاره و یک ماه، رضا استادی، چ ۱، قم: نشر قدس، ۱۳۸۲ ش، صص ۷۱-۸۴.
۳. دائرة المعارف یا مجموعه آثار، رضا استادی، به کوشش: کاظم استادی، چ ۱، قم: تولید و پخش کتاب ارزشمند، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۵، صص ۵۴۴-۵۵۵.

۲/۳/۱۱. الصراط المستقیم

نگارنده: عبدالله صلواتی

معرفی: این مقاله به نقد و بررسی تصحیح علی اوجبی از کتاب الصراط المستقیم - که در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی از سوی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است - اختصاص دارد. نویسنده ابتدا ساختار و محتوای الصراط المستقیم را بررسی کرده و سپس، نکاتی درباره عملکرد مصحح این اثر بیان کرده است.

به باور نگارنده، کتاب الصراط المستقیم نمونه‌ای کامل از تلاش برای ارائه تفاسیر هستی‌شناختی مطابق با شریعت است. میرداماد در این اثر، بر اساس مبانی حکمت یمانی، چگونگی ارتباط حادث با قدیم را تحلیل کرده و به این مسئله جنجالی کهن پاسخ داده است. میرداماد الصراط المستقیم را با یک «وصیت» آغاز کرده و در آن، از اهمیت سفر به عالم عقلی سخن گفته است. سپس، در فصلی با عنوان «ایقاز عقلي»، از لزوم اقامه برهان صحیح و کشف صریح برای علم الهی سخن گفته است. در ادامه، مطالب اصلی کتاب را در یک «مساق» و دو «نزعة» تدوین کرده و هر نزعة را نیز به فصول مختلفی تقسیم کرده است. نویسنده محتوای هر نزعة و فصول آن را به اختصار معرفی کرده است. به باور وی، میرداماد در این کتاب بیش از سایر تألیفات خود به سخنان حکماء پیشین و آیات و روایات استناد کرده است. او در ادامه، درباره برخی مطالب الصراط المستقیم و دیدگاه‌های میرداماد توضیحاتی ارائه کرده است. این مطالب عبارت‌اند از: علم حق تعالی؛ ادراک

صفات الهی؛ وحدت حمل؛ تقدّم سرمدی و دهری؛ نفی قدم عالم. وی در پایان، برخی اشکالات و محاسن تصحیح علی اوجبی را برشمرده است. به اعتقاد نویسنده، حروفچینی و ویراستاری کم‌اشکال، دقت مصحح در گزینش عبارات و معرفی کامل نسخه‌های استفاده‌شده، از محاسن این تصحیح بوده؛ و ذکر نکردن مآخذ برخی اقوال و ناسازگاری برخی نقل قول‌ها (عبارات ابن سینا) با متن میرداماد، از جمله کاستی‌های آن است. اطلاعات نشر: آینه میراث (مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب)، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۷۴-۱۸۲.

۲،۳،۱۲. مقدمه تحلیلی قبسات

نگارنده: سید علی موسوی بهبهانی

معرفی: قصد نویسنده در این مقاله، ارائه فهرستی اجمالی از مطالب کتاب القبسات است. او ابتدا ویژگی‌های چاپ حروفی القبسات را برشمرده و از دقت مصححان در تصحیح و نقطه‌گذاری متن کتاب سخن گفته است. همچنین، با اشاره به دشواری فصل‌بندی و فهرست کردن مطالب القبسات، تذکر داده که در فهرست خود، تنها شماره عناوین اصلی (قبس) و فرعی (ومضة) [و] وميض) و موضوع هریک از آن‌ها را بیان کرده است.

نگارنده پیش از ارائه فهرست، درباره نظریه حدوث دهری - که موضوع کتاب القبسات است - سخن گفته و به وجه تسمیه کتاب اشاره کرده است. وی با این مقدمه، فهرستی از مطالب فصول کتاب القبسات تدوین کرده است.

اطلاعات نشر: القبسات، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] سید ابراهیم دیباجی، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل، ۱۳۵۶ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ش)، مقدمه، صص شصت و چهار - هفتاد و نه.

۲،۳،۱۳. مقدمه قبسات

نگارنده: مهدی محقق

معرفی: نگارنده ابتدا شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و سپس، کتاب القبسات را معرفی کرده است. او بعد از توضیح معنای «قبس»، «ومضة» و «ومیض»، انتخاب این عناوین را حاکی از التفات ویژه میرداماد به سهوردی و مکتب اشراق دانسته است. به‌باور نویسنده، اسامی دیگر کتب میرداماد - از جمله جذوات، الأفق المبین، الإیماضات و التشریقات، مشرق الأنوار - و ختم کتاب القبسات با دعای نور، شواهد دیگری از این التفات و توجه هستند.

وی در ادامه، موضوع هر قبس از کتاب را به اختصار بیان کرده و درباره مسئله حدوث عالم و چگونگی صدور جهان از حضرت حق سخن گفته است. نویسنده با اشاره به تعبیرات و اصطلاحات دشوار کتاب القبسات، شرح سیداحمد علوی (شاگرد میرداماد) و شرح محمد بن علی رضا آقاجانی (شاگرد ملاصدرا) بر القبسات را معرفی کرده است. او در پایان، به نسخه‌های خطی استفاده‌شده در این تصحیح اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: القبسات، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] سید ابراهیم دیباجی، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل، ۱۳۵۶ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ش)، مقدمه، صص سه-بیست.

۲،۳،۱۴. میرداماد و آموزه‌های حکمت یمانی

نگارنده: زهرا طاهری اخوان

معرفی: این مقاله به نقد و بررسی کتاب میرداماد، نوشته علی اوجبی، اختصاص دارد. نویسنده در بخش «معرفی کتاب»، خلاصه‌ای از موضوعات هر فصل کتاب ارائه داده است. ترتیب مطالب این بخش چنین است: شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در دوران حیات میرداماد (فصل اول)؛ شرح حال و بیان جزئیات زندگی میرداماد (فصل دوم: از تولد تا ظهور)؛ دیدگاه و نظر شاگردان میرداماد - از جمله قطب‌الدین اشکوری، میرسیداحمد علوی، ملاصدرا، زلالی خوانساری و فیاض لاهیجی - درباره استاد (فصل سوم: میرداماد از نگاه دیگران)؛ اندیشه‌های فلسفی میرداماد (فصل چهارم: آراء و اندیشه‌های فلسفی)؛ تحلیل سبک نگارش و ویژگی‌های روحی و شاعرانگی میرداماد (فصل پنجم: دیگر ویژگی‌های میرداماد)؛ ارائه فهرست تفصیلی آثار میرداماد و معرفی چاپ‌ها و نسخه‌های هریک (فصل ششم: آثار و نوشته‌ها).

نگارنده در ادامه، خاطر نشان کرده که کتاب میرداماد در شمار معدود کتاب‌های جامع و کامل در معرفی میرداماد و حکمت یمانی است. به باور او، استفاده از منابع معتبر و موثق در تألیف کتاب و ارائه فهرست کامل از آثار میرداماد، محاسن اصلی این اثر به شمار می‌روند. نویسنده در پایان، نقدهایی بر این اثر وارد کرده که بیشتر آن‌ها به ادغام و جابه‌جایی فصول و مطالب کتاب مربوط اند. اطلاعات نشر: کتاب ماه فلسفه (مؤسسه خانه کتاب)، شماره ۴۷، مرداد ۱۳۹۰ش، صص ۶۶-۶۹.

۲،۳،۱۵. میرداماد و رسالهٔ أربعة آیام

نگارنده: رضا استادی

معرفی: این مقاله، باز نشر مقدمه نویسنده بر رسالهٔ أربعة آیام میرداماد است. وی این مقاله را با شرح حال میرداماد آغاز کرده و دربارهٔ مطالبی همچون تاریخ تولد و وفات میرداماد، والدین وی، وجه تلقیب میر به «داماد»، دوران تحصیل و استادان او، شاگردان میرداماد، بستگان او، تألیفات میر و مدفن وی سخن گفته است. سپس، رسالهٔ أربعة آیام را معرفی کرده و با استناد به برخی عبارات محدث قی در کتاب مفاتیح الجنان خاطر نشان کرده است که محدث قی و حاجی میرزا حسین نوری، نسخه‌هایی از این اثر را در اختیار داشته‌اند.

نگارنده در ادامه، نسخه‌های خطی رسالهٔ أربعة آیام را معرفی کرده و با توجه به مطالب فهارس، نکته‌های مفیدی دربارهٔ محتوای این رساله بیان کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد رسالهٔ مذکور را در فضیلت و شرافت چهار روز شریف - یعنی دحوالأرض، عید غدیر، روز ولادت پیامبر اکرم ﷺ و روز مبعث آن حضرت - تألیف کرده و آن را به شاه‌صنی صفوی تقدیم کرده است. مؤلف با بررسی فهارس نسخ خطی، به این نتیجه رسیده است که برخی از این نسخه‌ها در واقع، مجموعه

دعای میر عبدالحسین علوی عاملی (نواده دختر میرداماد) هستند که به سبب تشابه مطالب، با نام «أربعة أیام» فهرست شده‌اند. او در پایان، ویژگی‌های رساله أربعة أیام را در قالب ده نکته بیان کرده و مقاله خود را با نقل مطلبی از رساله شارع النجاة میرداماد به پایان برده است. اطلاعات نشر: بیست مقاله، رضا استادی، چ، ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۴ ش، صص ۲۱۷-۲۴۵.

+ باز نشر:

۱. أربعة أیام، سید محمد باقرین محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: رضا استادی، منتشر شده در: میراث اسلامی ایران، چ، ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، صص ۶۳۷-۶۵۶.
۲. أربعة أیام، سید محمد باقرین محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: رضا استادی، به ضمیمه: مزار (آقا جمال خوانساری)، چ، ۱، قم: انتشارات کنگره آقاحسین خوانساری، ۱۳۷۷ ش، بخش دوم، صص ۵-۳۲.
۳. نوزده ستاره و یک ماه، رضا استادی، چ، ۱، قم: نشر قدس، ۱۳۸۲ ش، صص ۴۷-۷۰.
۴. دائرة المعارف یا مجموعه آثار، رضا استادی، به کوشش: کاظم استادی، چ، ۱، قم: تولید و بخش کتاب ارزشمند، ۱۳۹۸ ش، ج ۱۵، صص ۵۲۷-۵۴۴.

۲،۳،۱۶. نقد دیوان میرداماد

نگارنده: حامد ناجی اصفهانی

معرفی: دیوان میرداماد برای نخستین بار در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی، به همت میرزا محمود شفیع خوانساری تصحیح و چاپ شد. تصحیح دوم آن در سال ۱۳۷۹ هجری شمسی، با تصحیح احمد کرمی و از سوی انتشارات «ما» منتشر شد. این مقاله به نقد و بررسی تصحیح دوم از دیوان میرداماد اختصاص دارد. نگارنده ابتدا به جایگاه رفیع میرداماد در علوم عقلی و نقلی اشاره کرده و سپس، با نقل عبارتی از تذکره خلاصة الأشعار، درباره شاعرانگی وی سخن گفته است. به باور نویسنده، شعرسرای میرداماد بیشتر از روی تفنّن است؛ زیرا او فیلسوف بوده و اشعارش از ظرافت‌های ادبی دور است. علاوه بر این، دشواری و پیچیدگی معمول در آثار میرداماد، در اشعارش به چشم نمی‌خورد.

نگارنده با اشاره به دشواری‌های تصحیح متون منظوم، تصحیح نخست دیوان میرداماد را معرفی کرده است. از نظر وی، تصحیح میرزا محمود شفیع از نظر صحت ضبط، بر تصحیح احمد کرمی ترجیح دارد؛ زیرا تصحیح کرمی، فاقد مقدمه‌ای با اصول تحقیق بوده و نسخه اساس آن مجهول است. علاوه بر این، متن اشعار نیز بر اساس شیوه‌های متداول تصحیح متون تنظیم نشده‌اند. نگارنده در ادامه، نمونه‌هایی از نقایص و اشتباهات تصحیح احمد کرمی از دیوان میرداماد ارائه داده است.

اطلاعات نشر: آینه میراث (مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب)، سال ۴، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، تابستان ۱۳۸۰ ش، صص ۱۲-۱۴.

۲/۳/۱۷. نگاهی به التعليقة على الكافي میرداماد

نگارنده: قاسم جوادی

معرفی: این مقاله به معرفي التعليقة على كتاب الكافي، از آثار میرداماد، اختصاص دارد. نویسنده پس از اشاره به مشخصات چاپ این اثر، خاطرنشان کرده است که تعلیقات میرداماد تنها کتاب‌های «العقل و الجهل»، «فضل العلم»، «التوحيد» و «الحجة» از کتاب الكافي را در بر می‌گیرند. وی در ادامه، به برخی مباحث مطرح شده در این تعلیقات - همچون بحث‌های لغوی، بحث‌های تفسیری، تصحیفات در الفاظ روایات، بحث‌های رجالی، شرح و تفسیر روایات و استفاده از روایات سایر کتب روایی - اشاره کرده است. سپس، نمونه‌هایی از عبارات میرداماد - از جمله در حاشیه «باب حدوث العالم و إثبات المحدث» - ارائه داده و آن‌ها را بررسی کرده است. اطلاعات نشر: علوم حدیث (پژوهشگاه قرآن و حدیث)، شماره ۱۵، بهار ۱۳۷۹ ش، صص ۱۸۶-۱۹۶.

۲/۳/۱۸. نگاهی به کتاب السبع الشداد میرداماد

نگارنده: محمد انصار

معرفی: این مقاله به معرفي كتاب السبع الشداد و بررسی محتوای آن اختصاص دارد. بنا بر گزارش نویسنده، این اثر شامل هفت «مقاله» است که در پاسخ به هفت مسئله مشکل فقهی و به درخواست شاگردان میرداماد نگاشته شده است. نگارنده پس از اشاره به تاریخ نگارش السبع الشداد و وجه تسمیه آن، محتوای هفت مقاله کتاب را بررسی کرده است. او خاطرنشان کرده است که میرداماد در السبع الشداد بیش از سایر کتب فقهی خود، از مباحث عقلی و فلسفی سخن گفته و عمده مطالب او در این کتاب، دقیق و پیچیده‌اند. نویسنده در ادامه به دو چاپ السبع الشداد در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ هجری قمری اشاره کرده و از حواشی میرداماد بر این کتاب یاد کرده است. او در پایان، دیدگاه میرداماد را در دو مسئله «تعریف علم فقه» و «دلیل عقلی»، بر بنیاد متن سبع الشداد بررسی کرده است.

اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۷ ش، صص ۲۹-۳۵.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «بررسی نظرات فقهی میرداماد» (۱/۵/۱).

۲/۳/۱۹. نگاهی به کتاب شارع النجاة میرداماد

نگارنده: محمد انصار

معرفی: کتاب شارع النجاة، رساله عملی میرداماد است که به زبان فارسی و به درخواست محمدرضا چلبی تبریزی نگاشته شده است و این مقاله به معرفي آن اختصاص دارد. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد قصد داشته این کتاب را در یک «مقدمه»، پنج «کتاب» و یک «تختم» تدوین کند؛ اما ظاهراً تنها مقدمه و یک کتاب از آن را نگاشته است. نگارنده در ادامه، با معرفي ابواب این اثر، خاطرنشان کرده است که شارع النجاة مانند سایر آثار فقهی از باب طهارت آغاز شده؛ اما ترتیب ابواب کتاب و میزان اهمیت آن‌ها با رویه رایج در رسائل فقهی/ عملی، متفاوت است. او سپس، سه ویژگی و امتیاز برای این اثر برشمرده است؛ از جمله: نثر روان و ساده، دربرداشتن آراء

خاص میرداماد در فقه، استدلالی و تحقیقی بودن مطالب کتاب.

نگارنده در قسمت بعدی مقاله، برخی فتاوی مهم میرداماد را که در این کتاب ذکر شده‌اند، بررسی و تحلیل کرده است. از جمله این فتاواها دو مسئله از فروعات غسل‌های واجب است که محل اختلاف میرداماد با سایر فقهاء به شمار می‌روند. نویسنده با بررسی دیدگاه میرداماد درباره مسائلی همچون مشروعیت عبادت کودک، شرط طهارت در صحت روزه، حکم ریش‌تراشی و تجزیه در اجتهاد، فتاوی او را با سایر فقهاء - از جمله شهید ثانی - مقایسه کرده است. اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، سال ۳، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۷ش، صص ۱۹-۳۰.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «بررسی نظرات فقهی میرداماد» (۱،۵،۱).

۲،۳،۲۰. نگاهی به کتاب ضوابط الرضاع میرداماد

نگارنده: محمد انصار

معرفی: این مقاله به معرفی و بررسی محتوای کتاب ضوابط الرضاع میرداماد اختصاص دارد. نویسنده ابتدا به جایگاه فقه‌ای میرداماد، تسلط وی بر علوم نقلی و حجیت فتاوی او برای معاصران اشاره کرده است. سپس، از موضوع ضوابط الرضاع - یعنی بررسی شروط و آثار تحقق محرمیت رضاعی و فروعات فقهی آن - و وجه تسمیه آن سخن گفته است. بنا بر گزارش نگارنده، این کتاب شامل یک «مقدمه»، سه «استبانه»، یک «تختمه» و یک «خاتمه» است.

وی در ادامه، با استناد به عبارات آقابزرگ طهرانی در الذریعة، سخنان قطب‌الدین اشکوری در محبوب‌القلوب و اطلاعات فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار، درباره اهمیت و جایگاه ضوابط الرضاع سخن گفته است. سپس، پنج ویژگی برای ساختار و محتوای این کتاب برشمرده و به چاپ‌های مختلف آن اشاره کرده است. نویسنده در پایان، با بررسی دیدگاه میرداماد درباره شروط ایجاد محرمیت رضاعی - یعنی تعداد دفعات شیرخوردن و سن شیرخوار - فتاوی وی را با سایر فقهاء شیعه و سنی مقایسه کرده است.

اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، شماره ۳، بهار ۱۳۹۵ش، صص ۵۳-۵۹. + مستخرج از پایان‌نامه: «بررسی نظرات فقهی میرداماد» (۱،۵،۱).

۲،۴. زندگی‌نامه و تراجم

۲،۴،۱. آشنایی با دانشوران: زندگی‌نامه مرحوم میرداماد

نگارنده: سید حمید میرخندان

معرفی: نویسنده گفتار خود را با نام و نسب و ولادت میرداماد آغاز کرده و سپس، به حکایتی درباره ازدواج سید محمد داماد (پدر میر) با دختر محقق کرکی اشاره کرده است. وی در ادامه، از تحصیلات و اساتید میرداماد و مهاجرت وی به اصفهان سخن گفته است. او مطالبی درباره ظهور سلسله صفویه، جایگاه علماء شیعه در حکومت صفویان و همچنین جایگاه حکمت و فلسفه در حوزه اصفهان بیان کرده و تذکر داده که در زمان میرداماد، حوزه اصفهان خاستگاه حکمت

بوده است. نگارنده برخی علماء شهیر معاصر با میرداماد - از جمله شیخ بهایی و میرفندرسکی - را معرّفی کرده و ضمن برشمردن تعدادی از آثار آن‌ها، به دوستی صمیمانه و نزدیک میرداماد با شیخ بهایی اشاره کرده است.

نویسنده در ادامه، با اشاره به لقب «معلّم ثالث»، استناد به عباراتی از فاضل تونی و همچنین، مدح و ستایش‌های ملاًصدرا از استاد خویش، به بررسی جایگاه علمی میرداماد پرداخته است. وی برخی آراء میرداماد را در حکمت بیان کرده و از توجّه میرداماد به علوم طبیعی و همچنین شاعرانگی او سخن گفته است. نگارنده ابیاتی از سروده‌های میرداماد نقل کرده و به حالات عرفانی وی - از جمله خلع بدن - اشاره کرده است. او همچنین، برخی شاگردان میرداماد - از جمله ملاًصدرا، ملاًعبدالرزاق لاهیجی، ملاًمحسن فیض کاشانی، قطب الدین لاهیجی و سیداحمد علوی - را معرّفی کرده و ضمن ارائه فهرستی از تألیفات میرداماد، از اسلوب دشوار او در نگارش سخن گفته است. نویسنده در پایان و پیش از بیان تاریخ وفات و مدفن میرداماد، متذکر شده که میر علاوه بر اینکه در حکمت نظری یگانه عصر خویش بوده، در حکمت عملی و اخلاق نیز جایگاه والایی داشته است.

اطلاعات نشر: مشکوة (بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی)، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۷۳ش، صص ۹۲-۱۲۰.

۲،۴،۲. از میان نامه‌های رسیده: میرداماد و میرفندرسکی

نگارنده: سیدجلال الدین آشتیانی

معرّفی: نویسنده بر این باور است که ملاًصدرا به هیچ وجه شاگرد میرفندرسکی نبوده و تنها مجذوب قدرت علمی میرداماد بوده و از محضر وی بهره برده است. وی بر اساس عبارات تذکره‌نویسان در شرح حال این دو حکیم - از جمله تقی الدین اوحدی در تذکره عرفات العاشقین و تقی الدین کاشانی در تذکره خلاصة الأشعار - درباره حیات و مقام علمی ایشان سخن گفته است. نگارنده خاطر نشان کرده که میرفندرسکی متن الشفاء را نزد میرداماد فرا گرفته است؛ گرچه جمع بسیاری از دانشمندان در درس میرفندرسکی حضور داشته‌اند. به باور وی، هیچ یک از آثار و نگاشته‌های میرفندرسکی را نمی‌توان با آثار میرداماد مقایسه کرد؛ زیرا هرچه میرداماد در آثار متعدد خود به سبک حکماء مشاء نوشته، دقیق و پرمعنا و مفید است. نویسنده همچنین، به نظریه «حدوث دهری» میرداماد اشاره کرده و متذکر شده که حدوث دهری معنای صحیحی ندارد و نظریه میرداماد مشکل حدوث عالم را حل نمی‌کند. وی سپس، به دیدگاه آقاعلی مدرّس در باب این نظریه، به اختصار اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۱۱، بهار ۱۳۷۷ش، صص ۸۶-۸۸.

۲،۴،۳. اساتید و مشایخ اجازه میرداماد

نگارنده: امیر بارانی بیرانوند

معرّفی: نویسنده با اشاره به جایگاه اجازه‌نویسی و چگونگی تأیید صلاحیت شاگردان در فرهنگ

اسلامی، مقاله خود را به معرفی هفت تن از مشایخ اجازه میرداماد اختصاص داده و متن برخی از اجازه‌نامه‌های ایشان را ذکر کرده است. وی خاطرنشان کرده است که از اساتید میرداماد در دوران تحصیلات اولیه، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما به احتمال قوی، میرداماد تحصیلات ابتدایی را نزد پدر خود گذارنیده و سپس، جهت تکمیل دانش خود، از اساتید دیگر بهره گرفته است. اساتید و مشایخی که نگارنده به معرفی آن‌ها پرداخته، عبارت‌اند از:

۱. شیخ عبدالعالی کرکی (دایی میرداماد): میرداماد در سیزده سالگی از شیخ اجازه روایت دریافت کرده است. نویسنده تذکر داده که ملاصدرا در اسناد اجازه خود، به شاگردی میرداماد نزد شیخ عبدالعالی تصریح کرده است.
 ۲. سید نورالدین جبعی عاملی (شاگرد شهید ثانی): میرداماد در مشهد نزد وی شاگردی کرده و از او اجازه روایت اخذ کرده است.
 ۳. شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی): نگارنده احتمال داده که میرداماد در دوران اقامت شیخ عزالدین در مشهد، در محضر وی تلمذ کرده و از وی اجازه روایت دریافت کرده است.
 ۴. فخرالدین محمد سماکی استرآبادی (محمد فخری): مؤلف وی را مهم‌ترین استاد میرداماد در علوم عقلی دانسته و متذکر شده که میرداماد آن هنگام که از مشهد به قزوین مهاجرت کرده، در اردوی شاهی نزد این استاد شاگردی کرده است.
 ۵. عبدالعلی خادم جابلقی.
 ۶. تاج‌الدین حسین طوسی.
 ۷. سید حسین کرکی عاملی: نویسنده اشاره کرده که صاحب روضات الجنات، کرکی را از اساتید میرداماد دانسته؛ اما طبق اسناد تاریخی، سید حسین کرکی عاملی (شیخ حسین مفتی) در زمره شاگردان میرداماد بوده است.
- اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، سال ۵، شماره ۲۲، بهار ۱۴۰۰ش، صص ۱۴-۴.

۲/۴/۴. پاسداران رسالت نبوی و ولایت علوی در عصر صفویه

نگارنده: علی اکبر حسنی

معرفی: این نوشتار، معرفی کوتاهی است از علماء شهر شیعه در دوران صفوی که به دفاع از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام همت گماشته‌اند؛ افرادی همچون شیخ حرّ عاملی، میرداماد، میرفندرسکی و ملاصدرا. نویسنده در معرفی میرداماد، وی را متولد اصفهان و از مردم استرآباد دانسته و به لقب «داماد» که از پدر به وی منتقل شده، اشاره کرده است. او همچنین، خاطرنشان کرده که بنابر نقلی، میرداماد این لقب را به سبب دامادی شاه عباس یکم دریافت کرده است. مؤلف در ادامه، به جامعیت میرداماد در علوم مختلف و شاگردی او نزد شیخ حسین عاملی اشاره کرده است. بنا بر گزارش نگارنده، میرداماد بیش از پنجاه اثر به زبان عربی و فارسی تألیف کرده است؛ آثاری همچون: حاشیه بر الکافی، سدره‌المنتهی در تفسیر قرآن، حاشیه بر صحیفه سجاده، الحبل المتین،

تشریق الحق، الرواشح السماویة، خلصة الملکوت، جذوات و مواقیت (که برای شاه عباس صفوی تألیف شده) و مثنوی «مشرق الأنوار».

اطلاعات نشر: درس‌هایی از مکتب اسلام (مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام)، سال ۴۲، شماره ۸، آبان ۱۳۸۱ ش، صص ۲۵-۲۸.

۲/۴/۵. تکبر علمی میرداماد

نگارنده: محمد انصار

معرفی: میرداماد بیشتر با عنوان مؤسس مکتب فلسفی اصفهان و مبدع نظریات بدیعی مانند «حدوث دهری» شناخته می‌شود؛ اما نویسنده این مقاله، تکبر علمی میرداماد را در دو بخش بررسی کرده است. در بخش نخست، تمجید و تحسین‌های میرداماد از خود را مرور کرده و در بخش دوم، رفتار وی را با معاصرانش بررسی کرده است. نگارنده معتقد است که میرداماد خود را برتر از ابن سینا و هم‌تراز با فارابی دانسته است. میر به سبب اعتماد به نفس فراوان، خود را در اشعارش، خواجه فضل و استاد دانایی معرفی کرده است. در حوزه دانش فقه نیز، از بزرگانی مانند شیخ طوسی و علامه حلی به شدت انتقاد کرده است.

نویسنده در بخش دوم به نمونه‌هایی از مناقشات و انتقادات میرداماد در مواجهه با برخی معاصران خود - از جمله شیخ بهایی، ملا عبدالله شوشتری و فاضل تونی - اشاره کرده است. از نظر مؤلف، میرداماد حکیمی جامع بوده و بر علوم مختلف اشراف داشته است؛ از این رو، شاید نتوان بر محتوای ایرادات و انتقادات وی خرده گرفت؛ اما لحن اعتراضات او نشان می‌دهد که میرداماد فردی تندخو بوده و ابتهاج فراوانی به علم و فضل داشته است. نویسنده در انتها متذکر شده که تکبر علمی میرداماد، احتمالاً عوامل و دلایل متعددی داشته است.

اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، سال ۴، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۸ ش، صص ۹۶-۱۰۱.

۲/۴/۶. جایگاه علمی دانشمندان گرگان و استرآباد

نگارنده: محمد باقر مقدم

معرفی: نویسنده در دو بخش «جایگاه علمی دانشمندان به ترتیب قرون اسلامی» و «جایگاه علمی دانشمندان بر اساس موضوع» به معرفی شخصیت علمی میرداماد پرداخته است. در بخش نخست با اشاره به تأثیر حکومت صفویان در شکوفایی دانش، هنر، صنعت و تجارت در سراسر ایران، از استرآباد و جرجان به عنوان یکی از مراکز مهم شیعی در شمال کشور یاد کرده و تذکر داده است که اندیشه‌مندان مشهوری از اهالی استرآباد - همچون میرداماد و میرفندرسکی - نقش چشمگیری در توسعه علوم عقلی و حکمت اسلامی در قرن یازدهم داشته‌اند. وی با اشاره به جایگاه برجسته میرداماد در احیاء دوباره حکمت و اندیشه اسلامی، ویژگی‌های شخصیت علمی وی را چنین برشمرده است:

۱. توانمندی و موفقیت میرداماد در جمع بین فقه و کلام و فلسفه. نگارنده معتقد است که میرداماد با پیوند آموزه‌های دینی و مباحث کلامی و حکمی توانست بر خصوصیت پیشینیان مهر پایان بزند.
۲. برپایی دوباره و رونق دادن به کرسی‌های تدریس فلسفه در حوزه‌های علمیّه بعد از چهار قرن افول.

۳. ایجاد کرسی تدریس فلسفه و پایه‌گذاری مکتب فلسفی در شهر اصفهان. نویسنده بر این باور است که میرداماد با حضور خود در شهر اصفهان، حوزه آن شهر را غناء و وسعت بخشیده است. وی در ادامه مهم‌ترین شاگردان میرداماد را نام برده و به آثار ایشان و موضوعات گسترده آن‌ها - یعنی فقه، اصول فقه، درایه، منطق، کلام، فلسفه، حکمت، عرفان، ریاضیات، حدیث، رجال، تفسیر، دعا، ادب و شعر - اشاره کرده است. همچنین، از تلاش میرداماد برای پایان بخشیدن به نزاع فلاسفه و متکلمان در مسئله حدوث عالم، با ابداع نظریه «حدوث دهری» سخن گفته است. نگارنده به برخی کتب فقهی میرداماد، حواشی وی بر آثار فقهی پیشینیان و تلاش برای حل برخی معضلات فقهی اشاره کرده است. از نظر او، این آثار از وسعت تسلط میرداماد بر علم فقه خبر می‌دهند. وی در ادامه، به تبخیر میرداماد در علم پزشکی و داروسازی اشاره کرده است. مؤلف در بخش دوم، جایگاه میرداماد را در میان حکماء علوم عقلی که در قرن یازدهم می‌زیسته‌اند، به جایگاه خورشید در میان ستارگان تشبیه کرده و لقب «معلم ثالث» را بهترین توصیف برای میر و بهترین گواه برای هم‌پایگی وی با ابن‌سینا و فارابی دانسته است. اطلاعات نشر: گلستانه (مجموعه مقالات مربوط به جرجان و استرآباد)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: رحمت‌الله رجائی، چ ۱، گرگان: پیک ریحان، ۱۳۸۸ش، صص ۲۳۵-۳۴۰.

۲/۴/۷. درآمدی بر مشارکت علماء در ساختار حکومت صفوی: تعامل خاندان کرکی و دولت صفوی نگارنده: رسول جعفریان

معرفی: این مقاله، تحقیق درباره خاندان محقق کرکی و حضور و نفوذ چشمگیر این دودمان در عرصه علم و سیاست در دوره صفوی است. نویسنده درباره شرح حال و جایگاه اجتماعی، علمی و سیاسی محقق کرکی، فرزندان، نوادگان پسری و نوادگان دختری وی سخن گفته است. او در این بخش، از پدر میرداماد، میرشمس‌الدین محمد حسینی استرآبادی - که داماد محقق کرکی بوده - یاد کرده است. نگارنده ذیل مدخل «میرداماد»، ابتدا از شخصیت پرنفوذ و تأثیرگذار وی در زمینه‌های علمی و دینی سخن گفته و سپس، به جایگاه سیاسی میر پرداخته است. او به رابطه شاه عباس با میرداماد و استفتاء شاه درباره لزوم جنگ با عثمانی و پاسخ میرداماد به این استفتاء اشاره کرده است. نویسنده تأکید کرده که میرداماد در روی کار آمدن شاه صفی نقش مهمی داشته است. وی همچنین، در معرفی سیداحمد علوی عاملی، از نوادگان دختری محقق کرکی و شاگرد میرداماد، به ارادات و علاقه علوی به میرداماد و تعصب وی بر عقاید استاد اشاره کرده است. اطلاعات نشر: حکومت اسلامی (مجلس خبرگان رهبری)، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۲ش، صص ۱۲۲-۱۹۴.

+ باز نشر:

۱. مقالات تاریخی، رسول جعفریان، چ ۱، قم: دلیل ما، ۱۳۸۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۷ش)، ج ۱۲، صص ۱۸۸-۲۵۴.

۱. حسب اطلاع ما، این مقاله در مجموعه جدید آثار استاد رسول جعفریان، مقالات و رسالات تاریخی، نیز منتشر شده است؛ اما تا زمان نگارش این مدخل، دسترسی ما به این مجموعه فراهم نشد.

۲. نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی، رسول جعفریان، چ ۱، تهران: علم، ۱۳۸۷ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۹ش)، صص ۳۶۳-۴۲۲.

۲، ۴، ۸. شخصیت علمی و افکار سیاسی / اجتماعی میرداماد

نگارنده: نجف لکزایی

معرفی: حضور میرداماد در عرصه سیاست و تأثیر اندیشه‌های سیاسی وی در تفکرات ملاًصدر، دو عاملی هستند که نویسنده به عنوان عوامل اصلی پرداختن به جنبه سیاسی میرداماد برشمرده است. بعد از اشاره به زندگی میرداماد - از زمان تولد تا مرگ - و بیان ارادت ملاًصدر نسبت به استاد خود، برخی آثار میرداماد که به زعم نویسنده با موضوع مقاله ارتباط بیشتری دارند، معرفی شده است. این آثار نامه‌هایی هستند که توسط میرداماد مکتوب شده و نویسنده آن‌ها را مؤیداتی برای عمل و اندیشه سیاسی وی قلمداد کرده است.

بررسی نظام فلسفی میرداماد در حکمت یمانی و تأثیر ایشان بر حکماء پس از خود، به ویژه ملاًصدر، همچنین اشاره به نشر متکلف و پیچیده میرداماد از جمله مباحث مطرح شده در این نوشتار هستند. نگارنده با بیان دیدگاه میرداماد درباره مسئله جبر و اختیار، زعامت فقیه و التفات به مکتوباتی از وی - از جمله نامه به سعدالدین معلّم، نامه‌ای خطاب به شاه عباس، نامه به شریف مگه، نامه به علماء بغداد، پاسخ به استفتای شاه عباس - به بررسی آراء سیاسی میرداماد و حضور او در امور سیاسی پرداخته است. مؤلف همچنین، معتقد است آنچه میرداماد در باب تقیه و مبارزات سیاسی بیان کرده، حاکی از نگرش سیاسی اوست. اطلاعات نشر: علوم سیاسی (دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام)، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۰ش، صص ۴۵-۶۳.

۲، ۴، ۹. شرح احوال و آثار میرداماد استرآبادی

نگارنده: اغناطیوس الصیصی

معرفی: نویسنده این مقاله را با هدف مروری بر کلیات زندگی نامه میرداماد نگاشته است. وی با استناد به عبارتی از کتاب جذوات و سند حرزی از میرداماد، نام او را «محمدباقر» دانسته و سپس به القاب میر - از جمله «برهان الدین»، «داماد»، «سیدالحکماء»، «سیدالفلاسفة» و «معلم ثالث» اشاره کرده است. در ادامه، از تخلص شعری میرداماد یاد کرده و درباره واژه «اشراق»، توضیحات لغوی و اصطلاحی مفیدی ارائه داده است. نگارنده همچنین، درباره شهرت‌های میرداماد - از جمله «استرآبادی»، «اصفهانی» و «حسینی» - سخن گفته است. وی پس از اشاره‌ای مختصر به هویت والدین میرداماد، به اختلاف نظر مورّخان و نویسندگان درباره تاریخ ولادت و وفات وی پرداخته است. سپس، از تحصیلات میرداماد سخن گفته و با استناد به منابع تاریخی و رجالی، نام پنج تن از اساتید میرداماد را ذکر کرده است که از این قرارند: میرفخرالدین سّماکی استرآبادی؛ شیخ تاج‌الدین ابو محمد عبدالعالی؛ شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد؛ سید نورالدین علی بن حسن موسوی عاملی، سید حسین بن حیدر کرکی عاملی.

اطلاعات نشر: معارف اسلامی (سازمان اوقاف و امور خیریه)، شماره ۸، فروردین ۱۳۴۸ش، صص ۱۰۰-۱۰۵.

+ مستخرج از رساله: «مقدمه و شرح و تصحیح و تحشیۀ کتاب جذواتِ میرداماد استرآبادی» (۱۳۸/۸).

۲/۴/۱۰. شیخ بهایی و میرداماد

نگارنده: غلامرضا کیوان سمیعی

معرفی: نویسنده در این مقاله، برخی کنایه‌ها و تعریض‌های میرداماد را به شیخ بهایی، بر اساس کتاب الرواشح السماویة بررسی کرده است. وی اشاره کرده که میرداماد در هیچ‌یک از این تعریضات، از طرف نزاع خود نام نبرده؛ اما بر اهل فن پوشیده نیست که مراد او شیخ بهایی بوده است. از جمله مطالبی که نویسنده به آن‌ها اشاره کرده، دو تعریض از راشحه سی و هفتم الرواشح السماویة است. میرداماد در بخشی از این راشحه، نظر شیخ بهایی درباره روایت حسن بن راشد و قرائت شیخ را از این روایت، نقد کرده است. نگارنده بر این باور است که نظر شیخ بهایی صحیح بوده و نقد میرداماد وارد نیست.

از نظر نویسنده، مناقشات علمی دامن‌داری میان میرداماد و شیخ بهایی در جریان بوده و لحن میر در انتقاد از شیخ، شایسته و برازنده مقام علمی دانشمندی همچون شیخ بهایی نیست. با این همه، نمی‌توان انکار کرد که این دو دانشمند بزرگ، معاشرت و دوستی عمیق با یکدیگر داشته‌اند؛ چنان‌که برخی مورخان - همچون مؤلف روضات‌الجبّات - به این مطلب اشاره کرده‌اند. نگارنده در پایان مقاله، متن نامه میرداماد به ملا عبدالله شوشتری و پاسخ ملا عبدالله را به میرداماد آورده است.

اطلاعات نشر: اوراق پراکنده (یا فرائد و فوائد گوناگون)، غلامرضا کیوان سمیعی، چ ۱، تهران: نشر زوّار، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، صص ۲۵۳-۲۶۵.

۲/۴/۱۱. میرداماد: فلسفه و شرح حال و نقد آثار او

نگارنده: سیدعلی موسوی بهبهانی

معرفی: این نوشتار خلاصه‌ای از رسالۀ دکتری نویسنده است. وی در تألیف این مقاله، بیش از آنکه بر مراجع تاریخی متکی باشد، به مصنفات میرداماد مراجعه کرده است. نگارنده بحث خود را با بررسی اوضاع سیاسی در دوران حیات میرداماد آغاز کرده است. سپس، به بیان شرح حال وی - و مطالبی همچون نام و نسب و خانواده، شیوۀ تعلیم و تربیت مرسوم در دوران کودکی، تحصیلات و اخلاق و منش میرداماد - پرداخته و پس از آن، استادان و شاگردان میرداماد را معرفی کرده است.

نویسنده در ادامه، درباره سبک نگارش میرداماد و جایگاه علمی و اجتماعی وی سخن گفته و سپس، آثار میرداماد را فهرست کرده است. او تمام نگاهشته‌های میر را به ترتیب حروف الفباء نام برده و آن‌ها را در موضوعات فلسفه و کلام، ریاضیات، فقه، درایه و اجازات، ادبیات و منشآت و نامه‌ها، منطق، تفسیر و علوم قرآن، اصول فقه، احادیث و اخبار دسته‌بندی کرده است. در ادامه، فهرست الفبایی آثار چاپ‌شده میرداماد را آورده و از نگاهشته‌های فارسی وی نام برده است. نگارنده هشت عنوان از آثار میرداماد (أربعة أیام، الأفق المبین، الإیقاضات، الخلسات و الخلعیات،

خلصة الملکوت، عرش التقدیس، عیون المسائل و القبسات) را به اختصار بررسی کرده است. او در بخش پایانی مقاله، نظریه «حدوث دهری» و مسئله «بداء» را از منظر میرداماد تبیین کرده است. اطلاعات نشر: مقالات و بررسی‌ها (دانشگاه تهران/ دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۴۹ش، صص ۱۸-۵۹.

+ مستخرج از رساله: «شرح حال و آثار و عقاید میرداماد» (۱/۴۱)

۲/۴/۱۲. نام پُراوازه میرداماد: برگ زرینی در تاریخ فرهنگ اسلامی

نگارنده: عبدالحسین توگلی طرقي

معرفی: این مقاله، شرح حال مختصری از میرداماد است. نویسنده مباحث خود را از تحصیلات ابتدایی میرداماد در شهر مشهد و اجازه‌نامه‌های وی از شیخ عبدالعالی کرکی و شیخ حسین بن عبدالصمد آغاز کرده است. سپس، از مهاجرت میرداماد به شهرهای قزوین و کاشان و اقامت دائم وی در اصفهان سخن گفته است. پس از آن، به تبیین تلاش‌های میرداماد در تطبیق و هماهنگی اندیشه‌های فلسفی با آموزه‌های دینی و نیز، تبخرویی در تفسیر و تأویل آیات و روایات و آمیختن آن‌ها با عبارات فلسفی پرداخته است. نگارنده با اشاره به تخلص شعری میرداماد و عناوین برخی آثار وی، بر این باور است که میر از سهروردی و تعالیم فلسفه اشراقی بسیار متأثر بوده است. وی در ادامه، از نظریه حدوث دهری میرداماد سخن گفته و موضوع و محتوای برخی آثار میرداماد - همچون الصراط المستقیم، نبراس الضیاء، الإیقاظات، تقویم‌الایمان، جذوات و مواقیت و القبسات - را به اختصار بررسی کرده است. او درباره چاپ‌های مختلف این آثار نیز اطلاعات مفیدی ارائه داده است.

اطلاعات نشر: کیهان فرهنگی (مؤسسه کیهان)، شماره ۳۵۰ و ۳۵۱، بهمن و اسفند ۱۳۹۴ش، صص ۴۴-۴۷.

۲/۴/۱۲. نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ قسمت سوم: صدرا و میرداماد

نگارنده: سید محمد خامنه‌ای

معرفی: نویسنده در مجموعه‌ای از مقالات، به زندگی‌نامه ملاًصدرا، اندیشه‌های وی و رابطه او با حکماء معاصر خود پرداخته است. چهار قسمت از این مجموعه به شرح تحصیلات صدرالمتألهین در محضر میرداماد و ارتباط وی با استاد اختصاص دارد.

نگارنده در این مقاله، زندگی‌نامه میرداماد را از کودکی تا بزرگسالی بررسی کرده است. وی با اشاره به جایگاه اجتماعی و علمی خاندان پدری و مادری میرداماد، از حافظه و استعداد فوق‌العاده وی در فراگیری علوم مختلف از همان دوران نوجوانی سخن گفته است. سپس، از اساتید میر - همچون میرفخرالدین استرآبادی - نام برده و به چگونگی راهیابی وی به دربار پادشاهان صفوی اشاره کرده است. مؤلف در این بخش، عباراتی از کتب برخی مورخان در بیان فضل و دانش میرداماد نقل کرده؛ از جمله عبارات سیدعلی خان در کتاب سلافة العصر که با تعبیری مانند «باقرالعلم» از میر یاد کرده است. او همچنین، به نامه‌ای از ملاًصدرا اشاره کرده که در آن، میرداماد را «حلال مشکلات حقایق» و «کشاف معضلات دقایق» خوانده است.

نویسنده در ادامه، از جایگاه فقهی میرداماد و اساتید وی در فقاہت سخن گفته است. بنا بر گزارش او، در زمان حضور میرداماد در اصفهان و حوزه فلسفی این شهر، بسیاری دانش‌پژوهان برای بهره‌مندی از محضر میر به اصفهان سفر می‌کردند. پیوند نزدیک و محبت‌آمیز میرداماد با شیخ بهایی و برخی نامه‌نگاری‌های این دو حکیم با یکدیگر، از جمله مطالبی است که در این نوشتار به آن‌ها اشاره شده است.

مؤلف با اشاره به برخی تعابیر که میرداماد درباره خود به کار برده - از جمله «معلم ثالث» - خاطرنشان کرده که این القاب، نشان‌دهنده جامعیت میرداماد در علوم مختلف است. وی همچنین، از توانایی‌های میرداماد در تحلیل مسائل فقهی، حل معضلات فلسفی و تسلط وی بر ریاضیات و ادبیات عرب سخن گفته است. به‌باور نگارنده، میرداماد بیش از آنکه به فلسفه مشاء متمایل باشد، به مکتب اشراقی سهروردی و تعلیمات عرفانی ابن عربی گرایش داشته است. او در پایان، از مقبولیت اجتماعی میرداماد و دلایل آن سخن گفته است.

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۳، بهار ۱۳۷۵ ش، صص ۳۲-۳۹.

+ باز نشر:

۱. ملاًصدرا: زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، صص ۷۵-۹۳.
۲. میرداماد، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۴ ش، صص ۱-۲۵.

۲/۴/۱۴. نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ قسمت چهارم: صدرا و میرداماد نگارنده: سید محمد خامنه‌ای

معرفی: نویسنده در این مقاله، ابتدا اندیشه‌مندان را به سه گروه تقسیم کرده و ملاًصدرا و میرداماد را در دسته سوم جای داده است؛ کسانی که به یافته‌های پیشینیان بسنده نکرده و خود در پی کشف حقیقت و پایه‌ریزی نظام فکری برآمده‌اند. وی خاطرنشان کرده که براساس شواهد موجود، ملاًصدرا شیفته و مرید استاد خود، میرداماد، بوده و او را الگوی عمل و اندیشه خود می‌دانسته است؛ چنان‌که زندگی ملاًصدرا، از تأثیر فراوان استاد بر حیات علمی و عملی وی حکایت می‌کند. بر این اساس، نگارنده معتقد است که شناخت میرداماد، در آشنایی با ملاًصدرا و اندیشه‌های او تأثیر فراوانی دارد.

او در ادامه، ویژگی‌های مهم اندیشه و روش میرداماد (دیدگاه چندوجهی در پژوهش و بینش در آموزش، توجه فراوان به قرآن و حدیث، تکیه بر ابداع و تأسیس، سیر و سلوک و اشراق، ذوق ادبی) را برشمرده و از تأثیر آن‌ها بر تفکر ملاًصدرا سخن گفته است. مؤلف بر این باور است که مکاتبات ملاًصدرا با میرداماد، نشان‌دهنده میزان ارادات و شیفتگی و وابستگی روحی ملاًصدرا به میرداماد است و همچنین، اطلاعات مهمی از اوضاع اجتماعی و محیط زندگی این دو حکیم در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ از این رو، به تحلیل و تفسیر نامه‌های ملاًصدرا به میرداماد پرداخته است.

نکات مستفاد از نامه‌ها، به اختصار از این قرارند: میرداماد علاوه بر کرسی تدریس و تحقیق، مرجع حل مشکلات و معضلات فلسفی و فقهی علماء و شاگردان خود نیز بوده است؛ وی نقش بسزایی در ترویج و تفسیر و تقویت قرآن و حدیث در جایگاه دو منبع الهام بخش تفکر فلسفی داشته است؛ میرداماد علاوه بر تسلط بر علوم رایج زمان خود، در علوم خفیه نیز تبخّر داشته است؛ میرداماد در معرض حسد دیگران و حتی سوء قصد شاه عباس بوده است؛ میر در سیر و سلوک و ریاضت‌های شرعی نیز صاحب مقام بوده است؛ وی با وجود خصائل مانند عزلت و گوشه‌نشینی و ترک دنیا، در میان مردم حضور داشته و بر مستند قضاوت تکیه داشته است. اطلاعات نشر: خردنامه صدر (بنیاد حکمت اسلامی صدر)، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۵ ش، صص ۴۱-۳۳.

+ باز نشر:

۱. ملامصدر: زندگی، شخصیت و مکتب صدر المتألهین، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، صص ۹۳-۱۲۴.
۲. میرداماد، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۴ ش، صص ۲۵-۶۱.

۲/۴/۱۵. نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدر المتألهین؛ قسمت پنجم: صدر و میرداماد نگارنده: سید محمد خامنه‌ای

معرفی: نویسنده در ادامه قسمت پیشین، متن دو نامه دیگر از ملامصدر به میرداماد را نقل کرده و سپس، به تحلیل آن‌ها پرداخته است. وی خاطرنشان کرده است که ستایش میرداماد و القابی که ملامصدر برای توصیف استاد به کار برده - همچون لقب «مجدد علوم اسلامی» - علاوه بر نشان دادن احترام و ارادت او به استاد، از ویژگی‌های علمی میرداماد نیز حکایت می‌کنند. مؤلف معتقد است که میرداماد مرجع صدر در مسائل و مشکلات علمی بوده است. همچنین، خاطرنشان کرده که شاید برخی آراء مشهور و خاص ملامصدر برگرفته از مایه‌های فکری میرداماد باشند که صدر آن‌ها را به شکلی مستدل ارائه کرده است.

وی در ادامه، اوضاع تاریخی و اجتماعی و سیاسی حکومت صفوی را در عصر میرداماد و ملامصدر تحلیل کرده است. بنا بر تحلیل نگارنده، مخالفت‌ها و حسادت‌های برخی علماء - یا به تعبیر وی: عالم‌نمایان - با نظریات میرداماد و ملامصدر، باعث شد تا ملامصدر به تبعید و افسردگی دچار شود و میرداماد نیز خلوت و انزوا پیشه کند. نویسنده، این رویارویی را سرآغاز نزاع و پیکار ستمکارانه علم با علم در این دوره نامیده است. وی به منظور نشان دادن آزار علماء و بزرگان و توطئه علیه ایشان در دربار صفوی، عبارتی از مقدمه کتاب الصراط المستقیم و رساله «عیون المسائل» نقل کرده و این دو را بیانیه‌ای رسمی علیه سیاست زمان و آگاه‌سازی همگان از شرایط نابسامان آن دوره، دانسته است.

اطلاعات نشر: خردنامه صدر (بنیاد حکمت اسلامی صدر)، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ ش، صص ۴۱-۳۳.

+ باز نشر:

۱. ملاًصدرا: زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، صص ۱۲۴-۱۶۷.
۲. میرداماد، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۴ ش، صص ۶۵-۱۱۵.

۲/۴/۱۶. نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ قسمت ششم: فلسفه میرداماد نگارنده: سید محمد خامنه‌ای

معرفی: نویسنده بعد از بیان زندگی‌نامه میرداماد در قسمت سوم و تحلیل نامه‌های ملاًصدرا به میرداماد در قسمت‌های چهارم و پنجم، در این قسمت به بررسی نظام فکری و آراء فلسفی میرداماد پرداخته است. نظریه «حدوث دهری»، اصالت ماهیت و اعتباریت وجود، حقیق بودن حرکت قطعیه (در مقابل ذهنی بودن حرکت توسّطیه) از جمله مسائلی هستند که در این مقاله تبیین شده‌اند. نگارنده همچنین، بعد از بیان دیدگاه میرداماد درباره هریک از این مسائل، به تسلّط وی بر علم حروف و علم اعداد اشاره کرده است. بنا بر گزارش او، میرداماد رساله تأویل المقطعات و سدره المنتهی را به بحث حروف و اعداد اختصاص داده و در برخی آثار دیگر خود - مانند رساله نبراس الضیاء - از آموزه‌های علوم غریبه نیز بهره برده است. مؤلف معتقد است که میرداماد به آموزه‌های وحیانی و روایی پایبند بوده و در حلّ مسائل مختلف عقلی و حکمی، آن‌ها را اصل قرار داده؛ در عین حال به مشرب‌های مشائی و اشراقی و مضامین عرفانی نیز، توجه خاصی داشته است.

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۸ و ۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۶ ش، صص ۲۳-۴۶.

+ باز نشر:

۱. ملاًصدرا: زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، صص ۱۶۸-۲۲۲.
۲. میرداماد، سید محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۴ ش، صص ۱۱۶-۱۷۸.

۲/۴/۱۷. یادى از محمد شریف کشمیری: از علمای قرن یازدهم، شاگرد میرداماد

نگارنده: علی اکبر صفری

معرفی: این مقاله به معرفی محمد شریف کشمیری و سه رساله از او اختصاص دارد. نویسنده خاطر نشان کرده است که کشمیری از اندیشه‌مندان قرن یازدهم و در زمره شاگردان میرداماد بوده؛ اما اطلاعات چندانی درباره او در دست نیست. وی در این نوشتار، بر بنیاد محتویات نسخه‌های خطی، اطلاعات تاریخی و علمی مفیدی درباره محمد شریف کشمیری ارائه داده است. او ابتدا سه رساله از کشمیری و نسخه‌های موجود از آن‌ها را معرفی کرده است: ۱. رساله در علم خداوند؛ ۲. آداب المطالعه؛ ۳. مقاله شریفیه.

بنا بر گزارش مؤلف، کشمیری در رساله سوم، با اشاره به شاگردی خود در محضر میرداماد،

از او چنین یاد کرده است: «الأستاذ العلامة، قدوة المحققين، سلطان المتألهين، ناسخ الحكمة اليونانية، واضع الحكمة الإيمانية، هو المعلم الثالث في الأولى والأول في الأخرى، لازل كاسمه الشريف باقراً لمشكلات الحقائق وكاشفاً عن المعضلات الدقائق». کشمیری در این رساله، عبارتی از الأفق المبين میرداماد نقل کرده و آن را توضیح داده است.

اطلاعات نشر: کتاب شیعه (مؤسسه کتاب شناسی شیعه)، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰ش، صص ۶۳-۶۵.

۲.۵. تصحیح و ترجمه متون

۲.۵.۱. تفسیر سورة الإخلاص (ثواب «قُلْ هُوَ اللَّهُ»)

نگارنده (مصحح): سید محمدباقر موسویان

معرفی: در این مقاله متن رساله میرداماد در تفسیر سورة «اخلاص» تصحیح شده است. مصحح در مقدمه خود، شرح حال کوتاهی از میرداماد ارائه داده و درباره تولد، نسب، دوران تحصیل و اساتید میرداماد، القاب میر و اجازات روایی وی سخن گفته است. در ادامه، به تسلط میرداماد بر علوم عقلی و نقلی، علم لغت و ادبیات عرب اشاره کرده و برخی تألیفات وی را برشمرده است. نویسنده در پایان این بخش، از شرایط اجتماعی و سیاسی دوران حیات میرداماد و منزلت وی نزد شاه عباس صفوی سخن گفته و با اشاره به سال وفات و مدفن میرداماد، شرح حال وی را به پایان رسانده است.

مصحح در ادامه، رساله تفسیر سورة الإخلاص را معرفی کرده است. به باور وی، میرداماد همواره در تلاش بوده است تا با تلفیق امور عقلی و نقلی، هماهنگی و سازگاری بین عقل و فلسفه را نشان دهد؛ این رساله نیز یکی از نتایج این تلاش هاست. بنا بر گزارش مصحح، میرداماد با استفاده از روایات و مباحث عقلی، منزلت حضرت علی (ع) را تبیین کرده است. وی حضرت امیرالمؤمنین (ع) را قرآن ناطق و سورة اخلاص در کتاب عالم و آینه اسرار آیات الهی دانسته است؛ همان طور که پیامبر اکرم (ص) چنین است. نگارنده پس از این مقدمه، متن رساله را بر اساس نسخه کتابخانه ملک ارائه داده است.

اطلاعات نشر: آفاق نور (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع))، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش، صص ۵۱-۶۲.

۲.۵.۲. خطاب و عتاب میرداماد به ملا عبدالله شوشتری

نگارنده (مصحح): احمد گلچین معانی

معرفی: نگارنده در این مقاله، تصحیحی از نامه عتاب آمیز میرداماد به ملا عبدالله شوشتری ارائه داده است. وی متن نامه را بر اساس نسخه خطی سفینه نظم و نشر که به شماره ۶۴۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود، تصحیح کرده است. به باور مصحح، متن نامه از این جهت حائز اهمیت است که جدال دو اندیشه مند را که هر دو در زمره نوادر روزگار خود بوده اند، حکایت می کند. وی در ادامه، شرح حالی مختصر از میرداماد و ملا عبدالله شوشتری ارائه کرده است. شرح حال میرداماد ترجمه ای است از عبارات میر تقی الدین کاشی در تذکره خلاصة الأشعار و شرح حال ملا عبدالله ترجمه صفحاتی از کتاب نجوم السماء است. نویسنده پس از این مقدمه،

متن نامه میرداماد به ملاعبدالله شوشتری را آورده است.
اطلاعات نشر: وحید، شماره ۶۵، اردیبهشت ۱۳۴۸ ش، صص ۳۶۲-۳۶۸.

۲،۵،۳. دو نامه فارسی از صدرالدین شیرازی

نگارنده (مصحح): محمدتقی دانش‌پژوه

معرفی: در این مقاله دو نامه ملاصدرا به میرداماد تصحیح و ارائه شده است. نگارنده متن این دو نامه را بر اساس مجموعه خطی نصیرالدین محمد رضوی (شاگرد آقا حسین خوانساری) که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، تصحیح کرده است. وی در مقدمه تصحیح، اشاره کرده که این دو نامه، حاوی عبارات و اصطلاحات عربی فراوان و مملو از ستایش‌های اغراق‌آمیز ملاصدرا از میرداماد است. از جمله نکات تاریخی این نامه‌ها، اشاره ملاصدرا به مخالفان و معارضانی است که موجب آزار میرداماد شده‌اند. ظاهراً حضور همین مخالفان سبب شده تا ملاصدرا آراء فلسفی خویش را با ایماء و اشارت برای استاد بنویسد. مصحح بر این باور است که ملاصدرا به ضمیمه نامه دوم پرسش‌هایی برای میرداماد فرستاده و پاسخ آن‌ها را طلب کرده است؛ پرسش‌هایی که هم‌اکنون در دسترس ما نیستند.
اطلاعات نشر: فرهنگ ایران زمین (ایرج افشار)، شماره ۱۳، ۱۳۴۴ ش، صص ۸۴-۱۰۰.

۲،۵،۴. رساله «تصحیفات» میرداماد

نگارنده (مصحح): جویا جهانبخش

معرفی: تصحیح رساله «تصحیفات» میرداماد موضوع این مقاله است. مصحح در مقدمه خود، ابتدا به اهمیت مقوله «تصحیف» و جایگاه آن نزد حدیث‌شناسان اشاره کرده و از برخی تک‌نگاری‌ها در این باره - مانند کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف، نوشته حمزه اصفهانی - نام برده است. سپس، «رسالة التصحیفات» میرداماد را - که «رسالة فی الأغالیط» نیز نامیده می‌شود - معرفی کرده است. از نظر نویسنده، اهمیت رساله «تصحیفات» میرداماد، هم از جهت موضوع آن و هم از جهت نقش آن در بازنمایی فرهنگ و ارتباط علماء در عصر صفوی است. به اعتقاد برخی محققان، این رساله شامل اعتراضات تحقیرآمیز و انتقادات گزنده میرداماد به شیخ بهایی است. نگارنده با ارائه نمونه‌هایی از کنایاتی میرداماد به شیخ بهایی و مشی کریمانه شیخ بهایی در مقابل میرداماد، ارتباط این دو اندیشه‌مند را بررسی کرده است. او پس از این مقدمه، متن رساله «التصحیفات» را بر اساس نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه ارائه داده است.
اطلاعات نشر: میراث شهاب (کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه)، شماره ۵۹، بهار ۱۳۸۹ ش، صص ۳۱-۶۶.

+ بازنشر: معلم ثالث، جویا جهانبخش، چ ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹ ش، صص ۲۴۵-۳۱۰.

۲،۵،۵. رساله «جبر و اختیار» میرداماد

نگارنده (مصحح/ مترجم): رضا برنجکار

معرفی: این مقاله به تصحیح و ترجمه رساله «خلق الأعمال» میرداماد اختصاص دارد. نویسنده

ابتدا درباره موضوع این رساله - یعنی مسئله «جبر و اختیار» - توضیحاتی بیان کرده است. سپس، با توجه به اقوال مورخان و دانش پژوهان، از نسبت این رساله با رساله «الإيقاظات» سخن گفته است. برخی محققان - مانند نویسنده کتاب حکیم استرآباد: میرداماد - به یگانگی این دو رساله باور دارند و برخی دیگر - مانند صاحب الذریعة - این دو را غیر از هم دانسته اند. نگارنده بر این باور است که این دو رساله، دو اثر مستقل هستند که برای دو شخص نوشته شده اند. میرداماد محتوای هر دو رساله را در قبس دهم از کتاب القبسات، تکرار کرده است. وی در ادامه، درباره روش و نسخه های این تصحیح سخن گفته است. مصحح، متن رساله خلق الأعمال را بر اساس سه نسخه خطی تصحیح کرده و علاوه بر ترجمه متن آن به پارسی، برخی دیدگاه های خود را ذیل عنوان «یادداشت های انتقادی» در پایان تصحیح عرضه کرده است. اطلاعات نشر: کیهان اندیشه (مؤسسه کیهان)، شماره ۶۵، فروردین و اریهشت ۱۳۷۵ ش، صص ۱۵۷-۱۶۶.

۲،۵،۶. سه گزارش از «شبهه استلزام» ابن کمونه

نگارنده (مترجم): علی اوجی

معرفی: شبهه استلزام یکی از اشکالاتی است که به ابن کمونه منسوب شده است. تقریرهای متفاوتی از این شبهه ارائه شده؛ اما مفاد مشترک آن ها چنین است: «اگر چیزی از لوازم چیز دیگری (موضوع) باشد، نقیض آن از لوازم آن چیز دیگر نخواهد بود؛ و اگر عدم آن از لوازم آن چیز دیگر باشد، دیگر وجودش از لوازم آن نخواهد بود». برخی اندیشه مندان مسلمان آثار کوتاه و بلندی در رد و ابطال این شبهه نگاشته اند. میرداماد در سه رساله کوتاه، راه حل و پاسخ شبهه مذکور را بیان کرده است. این مقاله، به ترجمه فارسی این سه رساله کوتاه از میرداماد اختصاص دارد. نگارنده رساله های میرداماد را ذیل سه عنوان ترجمه کرده است: «گزارش اول: جست و جوی پژوهش مدار (حل مغالطه استلزام)»؛ «گزارش دوم: بازخوانی خوانش ابن کمونه از شبهه استلزام»؛ «گزارش سوم: رهیافتی برای حل مغالطه ابن کمونه».

اطلاعات نشر: کتاب ماه فلسفه (مؤسسه خانه کتاب)، شماره ۱۴، آبان ۱۳۸۷ ش، صص ۱۲۷-۱۳۲.

۲،۵،۷. صدرالمتألهین: نامه او به میرداماد، گفتار میرداماد درباره او

نگارنده (مصحح): مهدی ولّائی

معرفی: در این مقاله نامه ای عربی از ملاصدرا به میرداماد تصحیح شده است. نگارنده در مقدمه تصحیح، با نگاهی به تاریخ فلسفه، دکارت را در اروپا و ملاصدرا را ایران، پایه گذار روش نوین در فلسفه معرفی کرده است. او پس از اشاره به اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر صفوی، خاطرنشان کرده که ملاصدرا عمده تحصیلات فلسفی خود را نزد میرداماد گذرانده است. مؤلف پس از توصیف روش فکری ملاصدرا و اشاره به برخی آراء مشهور وی، با استناد یک رباعی از میرداماد، درباره مقام علمی ملاصدرا سخن گفته است. او پس از این مقدمه، متن نامه ملاصدرا را آورده است. صدرا در این نامه، بعد از ستایش و تمجید از استاد خود، شبهه ای درباره علیت جسم برای جسم و هیولی برای هیولی و جوهر برای جوهر مطرح کرده است.

اطلاعات نشر: نامه آستان قدس (کتابخانه آستان قدس رضوی)، شماره ۹، آذر ۱۳۴۰ش، صص ۵۶-۶۲.

۲،۵،۸. گزیده شارع النجاة في أبواب العبادات نگارنده (مصّح): سیدمهدی طباطبائی

معرفی: این نوشتار به تصحیح بخشی از کتاب شارع النجاة اختصاص دارد. نویسنده نخست فهرستی از ویژگی‌ها و امتیازات این رساله عملی میرداماد ارائه کرده و ده ویژگی برای آن برشمرده است؛ از جمله: برخورداری از نثر روان و ساده دوره صفوی، رعایت نکته‌های ادبی و نگارشی بر اساس ادبیات عصر مؤلف، حواشی توضیحی مؤلف، اشتمال بر نظریات بدیع میرداماد (همچون بحث از معنای کراهت و اتباع از مجتهد میّت)، استدلالی بودن و تحقیق بودن مباحث کتاب و استناد به آراء فقهاء بزرگ (مانند محقق کرکی و شهید اول)، درج مقدمه‌ای دقیق و علمی درباره اعتقادات شیعی و ارائه برخی مبانی و آراء فلسفی و کلامی درباره حدوث دهری، معاد جسمانی و روحانی و... نویسنده در ادامه، به نسخه‌های خطی تحقیق و روش خود در تصحیح رساله اشاره کرده و بخش‌هایی از متن رساله شارع النجاة را ارائه داده است.

اطلاعات نشر: فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) (مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام))، سال ۷، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۰ش، صص ۲۲۰-۲۶۷.

+ بازنشر (به صورت کامل): شارع النجاة في أحكام العبادات، سیدمحمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: سیدمهدی طباطبائی [و] سیدمحمدجواد جلالی، رساله‌های خطی فقهی، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۴۲۶ق، صص ۳۳۹-۳۸۴.

۲،۵،۹. مسئله حضانت و شروط آن: نگاهی به نظر فقهی میرداماد استرآبادی نگارنده (مترجم): محمد انصار

معرفی: نویسنده در این مقاله، با هدف بررسی سبک اجتهاد و ویژگی‌های آثار فقهی میرداماد، مسئله سوم از خاتمه کتاب ضوابط الرضاع را که به مسئله حضانت و شروط نگهداری کودک اختصاص دارد، ترجمه کرده است. وی ابتدا درباره موضوع کتاب مذکور و اطلاعات نشر آن سخن گفته است. سپس، خاطرنشان کرده که ترجمه او، تحریری آزاد و روان از متن میرداماد است. در ادامه، توضیحات مختصری درباره مسئله حضانت و دیدگاه‌های گوناگون درباره آن ارائه داده است. پس از این مقدمه، نگارنده ترجمه‌ای از مطالب بخش «الحضانة و شروطها» از خاتمه کتاب ضوابط الرضاع ارائه داده است.

اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، سال ۲، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۶ش، صص ۹۸-۱۰۱.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «بررسی نظرات فقهی میرداماد» (۱،۵،۱).

۲،۵،۱۰. نامه‌ای از میرداماد

نگارنده (مصحح): ابوالفضل حافظیان بابل

معرفی: موضوع این مقاله تصحیح نامه‌ای از میرداماد به علماء بغداد است. نویسنده در مقدمه تصحیح، درباره جایگاه علمی میرداماد و نفوذ سیاسی و اجتماعی وی سخن گفته است. به باور او، شاه عباس از جایگاه اجتماعی میر در هراس بوده؛ چنان‌که مدت‌ها اندیشه سوء قصد به جان میر را در سر می‌پرورانده است. مؤلف در ادامه، خاطر نشان کرده که نامه پیش‌رو، برای شناخت اندیشه سیاسی علماء و نقش ایشان در مسائل سیاسی و اجتماعی عهد صفوی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مخاطب این نامه، علماء بغداد هستند و موضوع آن، گزارشی از تلاش‌های میرداماد برای منع عثمانیان از جنگ با بغداد است. بنا بر گزارش نگارنده، هنگامی که عثمانیان بغداد را محاصره کردند، میرداماد در سفر حج بود و به واسطه افرادی که از بغداد گریخته بودند، از وضعیت این شهر مطلع شد؛ از این‌رو، تصمیم گرفت با بزرگان عثمانی مکاتبه کند و آن‌ها را از این جنگ باز دارد. نویسنده در ادامه، متن این نامه را بر اساس نسخه کتابخانه آیه الله گلپایگانی رحمته الله علیه ارائه کرده است.

اطلاعات نشر: حکومت اسلامی (مجلس خبرگان رهبری)، سال ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۵ ش، صص ۲۴۶-۲۴۸.

۲،۵،۱۱. نامه‌ای فارسی از ملاصدرا

نگارنده (مصحح): محمدتقی دانش‌پژوه

معرفی: این مقاله به تصحیح نامه‌ای فارسی از ملاصدرا به میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه تصحیح، با اشاره به اوضاع عصر صفویه، متذکر شده که در این دوران، فلسفه و عرفان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و شیوه اخباری‌گری بر محافل علمی حاکم بود؛ از این‌رو، ملاصدرا در این نامه، از سختی‌ها و جفاهای روزگار به استاد خود شکایت کرده است. بنا بر گزارش نگارنده، ملاصدرا این نامه را در ایام پیری نگاشته و آن را از شیراز برای میرداماد روانه کرده است. ملاصدرا در انتهای نامه آورده است که به سبب لطف و بخشایش حضرت حق، سختی‌ها را از یاد برده، در خلوت به آرامش رسیده و از طریق کشف به فهم مطالب علمی و حکمی دست یافته است؛ فهمی که معمولاً از طریق برهان و بحث حاصل نمی‌شود. نویسنده پس از این مقدمه، متن نامه ملاصدرا را نقل کرده است.

اطلاعات نشر: راهنمای کتاب، شماره ۸ و ۹، آبان و آذر ۱۳۴۱ ش، صص ۷۵۷-۷۶۵.

۲،۶. ادبیات فارسی

۲،۶،۱. آتش عشق در خرمن عقل

نگارنده: سهیلا صلاحی مقدم

معرفی: نویسنده در این مقاله با نگاهی اجمالی به دیوان اشعار میرداماد و بررسی یکی از غزلیات او، به تبیین جنبه عرفانی شخصیت میرداماد و توانایی وی در سرودن اشعار در قالب‌های متنوع پرداخته است. اشعار میرداماد مملوّ از مفاهیم عرفانی است و نگارنده با بررسی برخی از آن‌ها

- همچون «آتش»، «عشق»، «زلف پریشان» و «ابرو» - در سروده‌های میر و برخی شاعران دیگر - همچون حافظ، شبستری، مولوی و عراقی - دربارهٔ سلوک عارفانه و عاشقانهٔ میرداماد سخن گفته است. به اعتقاد مؤلف، انتخاب تخلص «اشراق»، نشان‌دهندهٔ باور میرداماد به ریاضت و مجاهدت نفسانی در کنار بهره‌مندی از دین و فلسفه است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعهٔ مقالات و گفتارها)، مجموعهٔ مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ، ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۴۲۱-۴۲۹.

۲،۶،۲. آفاق فلسفه و عرفان در شعر میرداماد

نگارنده: محمدحسن شفیعیان

معرفی: بازتاب تعالیم فلسفی و عرفانی در اشعار میرداماد، موضوع اصلی این مقاله است. نویسنده ابتدا دو ویژگی برای شخصیت علمی میرداماد بیان کرده است: فهم دقیق آراء و افکار فیلسوفان پیشین و تلاش برای ایجاد هماهنگی میان عقل و نقل (فلسفه و دین). او سپس، با استناد به عبارات تقی‌الدین حسینی کاشانی در کتاب خلاصهٔ الأشعار، دربارهٔ شاعرانگی میرداماد و اشعار او سخن گفته است. در ادامه، نمونه‌هایی از ابیات میرداماد نقل و بررسی کرده است.

مؤلف بر این باور است که انتخاب تخلص «اشراق» از سوی میرداماد، هیچ ارتباطی با تأثر او از حکمت اشراقی ندارد؛ بلکه از این‌روست که میرداماد شعر را جلوهٔ نور عقل و اشراق عقلانی می‌دانسته است. بنا بر تحلیل وی، دو موضوع «توحید» و «انسان کامل»، در همهٔ اشعار میرداماد به شکلی محوری مطرح و تکرار شده‌اند. نگارنده در ادامه، تجلی برخی آموزه‌های فلسفی و عرفانی (همچون قاعدهٔ «لا مؤثر فی الوجود إلا الله» و آموزهٔ «وجودك ذنب لایقاس به ذنب») را در اشعار میرداماد بررسی کرده است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعهٔ مقالات و گفتارها)، مجموعهٔ مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ، ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۴۰۱-۴۱۹.

۲،۶،۳. تعامل ادبیات و فلسفه در مکتب اصفهان عصر صفوی

نگارندگان: موسی پرنیان؛ شهرزاد بهمنی

معرفی: قصد نویسندگان در این مقاله، ردّ مدّعی افول ادبیات و شعر در عصر صفوی است؛ از این‌رو، آثار علماء و اندیشه‌مندان عصر صفوی - مانند میرداماد، شیخ بهایی، میرفندرسکی، ملاصدرا، آقاحسین خوانساری، آقاجمال خوانساری، ملاحسین فیض کاشانی و ابن‌طیفور بسطامی - را بررسی کرده و برای اثبات پیوند ادبیات با فلسفه در این دوران، نمونه‌هایی از آثار منظوم و منثور این بزرگان در قالب‌های گوناگون شعری - همچون مثنوی، قطعه، رباعی، قصیده، مخمس و مستزاد - ارائه کرده‌اند.

از جمله نمونه‌های ارائه‌شده، یک قصیده، یک غزل و یک رباعی از میرداماد است. نگارندگان خاطر نشان کرده‌اند که میرداماد علاوه بر توانایی کم‌نظیر در عرصهٔ حکمت و اندیشه، دارای ذوق

و قریحۀ لطیفی در سرودن شعر بوده و مجموعه شعری باقی مانده از او، حدود ۱۴۰۰ تا ۱۴۵۰ بیت بوده که شامل یک مثنوی، دو قصیده، ۹ مَلَمَع، ۳۶ غزل و ۳۳۸ رباعی هستند. به باور نویسندگان، دو مسئله «توحید» و «انسان کامل»، محور اساسی اشعار میرداماد به شمار می‌روند. اطلاعات نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی زاده اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، ج ۲، صص ۷۹-۹۹.

۲،۶،۴. حافظ از نظر میرداماد

نگارنده: حسن رزم‌دوست

معرفی: نوشتار پیش‌رو برگرفته از گفت‌وگوهای میرداماد با مَلّاصدرا است که نویسنده آن‌ها را از کتاب مَلّاصدرا نوشته هنری کرین (با ترجمۀ ذبیح‌الله منصوری) نقل کرده است. وی در ابتدا تذکر داده است که روایت مترجم از گفت‌وگوهای میرداماد با مَلّاصدرا، هیچ شاهد تاریخی ندارد. بنا بر نقل نگارنده، میرداماد در خطاب با مَلّاصدرا، از لغزش حافظ در دورۀ جوانی و اعتقادات نادرست وی سخن گفته و به ایبائی از خواجه استشهد کرده است. میرداماد دلیل لغزش حافظ را علم بدون عمل دانسته و تذکر داده که خواجه اهل تحصیل حکمت بوده است؛ اما از هوای نفس پیروی می‌کرده و به حکمت عملی مزین نبوده؛ ازاین‌رو به لغزش و خطا گرفتار شده است. میرداماد بر این باور است که حافظ در زمرۀ عارفان فرقه ملامتیه بوده است؛ ازاین‌رو، برخی غزل‌های او را که به تظاهر و خودپرستی آلوده‌اند، مربوط به دوران جوانی و جاهلی وی دانسته است. نویسنده با نقل این گفت‌وگو، اهمیت تحصیل حکمت عملی در کنار حکمت نظری و پیروی نکردن از هوای نفس را نزد میرداماد نشان داده است. اطلاعات نشر: ماهنامه حافظ (دایرة‌المعارف ایران‌شناسی)، شماره ۶۷، اسفند ۱۳۸۸ ش، صص ۵۰-۵۱.

۲،۶،۵. شعر میرداماد

نگارنده: محمد ایرانفر

معرفی: نویسنده در این مقاله، اوزان برخی قصاید و غزلیات میرداماد و آرایه‌های لفظی و معنوی به‌کاررفته در آن‌ها را بررسی کرده است. وی متذکر شده که با وجود رواج سبک هندی در محافل ادبی ایران و هند در عصر صفوی، میرداماد عمده اشعار خود را در سبک عراقی سروده است. بنا بر گزارش او، سروده‌های میرداماد چیزی در حدود ۱۴۰۰ تا ۱۴۵۰ بیت بوده و بیشترین ابیات از این تعداد، به رباعیات میرداماد اختصاص دارند که حدود ۶۷۶ بیت از کل دیوان اشراق را تشکیل می‌دهند. پس از رباعیات، بیشترین تعداد ابیات به‌ترتیب مربوط به مثنویات، غزلیات و قصاید است. میرداماد در قالب‌های گوناگون - همچون قصیده، غزل، مَلَمَع، مثنوی و رباعی - شعر سروده که همه آن‌ها حاوی مضامین و اصطلاحات فلسفی، کلامی، عرفانی و سایر علوم رایج در عصر او هستند.

مؤلف در ادامه، نمونه‌هایی از اشعار میرداماد ارائه داده و نکات نهفته در آن‌ها را بررسی کرده

است. مباحث مطرح شده در این بخش، عبارت‌اند از: اصطلاحات دشوار و واژگان متروک و کهن؛ مقام علمی شاعر؛ زندگی ساده و درویشانه میرداماد؛ انتقاد از زهد ریایی و عوام‌فریبی؛ صور خیال؛ و اصطلاحات نجومی. او همچنین، دو قصیده از میرداماد ذکر کرده و آرایه‌های لفظی و معنوی این قصاید - از جمله تشبیه، استعاره، مراعات نظیر، لَف و نشر، غلو، مجاز، سجع، ایهام تناسب، جناس، موازنه، تلمیح - را برشمرده است. نگارنده در پایان، گلچینی از بیت‌الغزل‌های میرداماد ذکر کرده و آرایه‌های لفظی و معنوی آن‌ها را بررسی کرده است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۳۷۹-۳۹۹.

۲۶۶. مروری بر آثار میرداماد استرآبادی: میرداماد شاعر

نگارنده: علی دانشور

معرفی: این مقاله به معرفی شخصیت شاعرانه میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در ابتدا به جایگاه میرداماد در عرصه حکمت و فلسفه و القاب او به اختصار اشاره کرده و سپس، متذکر شده است که بسیاری از تذکره‌نگاران، استعداد میرداماد را در شاعری - به ویژه سرودن قصیده و مثنوی - ستوده‌اند. بنا بر گزارش نگارنده، اشعار میرداماد پس از وفاتش، به دستور شاه صفی و به دست میرسیداحمد علوی عاملی گردآوری شده است. همچنین، بیشترین ابیات در دیوان میرداماد به رباعیات اختصاص دارند. مؤلف با اشاره به بسامد اصطلاحات پزشکی، ریاضی، نجوم و موسیقی در اشعار میرداماد - به ویژه رباعیات - تصریح کرده که سرودن شعر برای میرداماد جنبه تفنّن و سرگرمی نداشته؛ بلکه شعر برای او، ظهور لفظی شعور، عقل و دانش بوده است. به باور نویسنده، انتخاب تخلص «اشراق» مؤید این مدّعاست؛ یعنی میرداماد شعر را جلوه نور عقل و حاصل اشراق عقلانی می‌دانسته است.

نگارنده در ادامه، از معروف‌ترین اثر منظوم میرداماد، یعنی مثنوی «مشرق الأنوار»، نام برده و به سبک‌های اشعار وی اشاره کرده است. او میرداماد را در سرودن قصیده پیرو سبک خراسانی، در سرودن غزلیات پیرو سبک عراقی و در سرودن رباعیات پیرو شاعرانی مانند سنایی غزنوی و عطارنیشابوری دانسته است. همچنین، خاطرنشان کرده که مضمون بیشتر غزلیات میرداماد، عرفانی است؛ گرچه ارادت وی به حضرت رسول ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، در همه اشعارش هویداست. مؤلف این مقاله را با غزلی از میرداماد به اتمام رسانده است.

اطلاعات نشر: میرداماد (مؤسسه فرهنگی میرداماد/ گرگان)، سال ۳، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۷ش، صص ۵۴-۵۸.

۲۶۷. مقایسه اصطلاحات فلسفی و عرفانی در اشعار میرداماد، ملاصدرا و شیخ بهایی، با

تکیه بر پربسامدترین واژه‌ها در اشعار سه شاعر

نگارندگان: نادیا سامانی؛ حبیب جدیدالاسلامی؛ بهروز رومیانی

معرفی: نویسندگان در این مقاله، با هدف شناخت جنبه‌های فکری و درک پارادایم ذهنی

میرداماد، شیخ بهایی و ملاصدرا، شباهت‌ها و تفاوت‌های لغات، ترکیبات و اصطلاحات را در دیوان این سه شاعر معاصر بررسی کرده‌اند. نگارندگان پس از بیان اهمیت و ضرورت تحقیق، چند کلیدواژه مشترک از اشعار میرداماد، شیخ بهایی و ملاصدرا برگزیده و بسامد آن‌ها را در دیوان ایشان بررسی و مقایسه کرده‌اند. این واژگان عبارت‌اند از: بخت، پیاله، جام، شراب، ساقی، باده، مستی، جهان، دهر، دنیا، فلک، چرخ، خاک، آفتاب، دوست، دین، روح، زاهد، شعله، عشق، عقل، عاقل، عقول، قضاء، کعبه، گل و آتش.

نویسندگان در پایان مقاله، واژگان پربسامد در دیوان هریک از این سه شاعر را ارائه داده‌اند. به‌باور ایشان، تکرار و بسامد این واژه‌ها، دارای معناست. در بخش نتیجه‌گیری نیز اشاره کرده‌اند که بسیاری از لغات و ترکیبات در دیوان هر سه شاعر به کار رفته و از نظر معنا و کاربرد با یکدیگر شباهت دارند. مؤلفان خاطر نشان کرده‌اند که کاربرد لغات در اشعار میرداماد و ملاصدرا بیشتر برای ارائه مضامین فلسفی و لغوی بوده است؛ با این تفاوت که در اشعار میرداماد، لغات به صورت استعاره و همراه با آرایه‌های ادبی به کار رفته‌اند و در اشعار ملاصدرا، به معنای لغوی نزدیک‌تراند. این واژگان در اشعار شیخ بهایی رنگ و بوی صوفیانه و عرفانی گرفته و در مضامین عاشقانه و عارفانه متبلور شده‌اند.

بنا بر گزارش نگارندگان، لغات، ترکیبات و اصطلاحات دینی/عرفانی در اشعار میرداماد بسامد بیشتری داشته و او در اشعار خود، به موضوعات فلسفی - مانند وجود و ماهیت - التفات زیادی داشته است. ایشان اشعار میرداماد را فلسفی‌تر از اشعار شیخ بهایی و ملاصدرا دانسته و اشعار شیخ بهایی را عرفانی‌تر دو شاعر دیگر ارزیابی کرده‌اند. از نظر نویسندگان، اشعار ملاصدرا در برزخی میانه اشعار شیخ بهایی و میرداماد قرار دارند.

اطلاعات نشر: سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (امید مجد)، دوره ۱۴، شماره ۶۰، اردیبهشت ۱۴۰۰، صص ۷۸-۵۵.

۲،۶،۸. نگاهی تطبیقی به مشرق‌الأنوار میرداماد و مخزن‌الأسرار نظامی

نگارندگان: فرزاد بالو؛ مهدی خبازی‌کناری

معرفی: میرداماد مثنوی مشرق‌الأنوار را در جواب و شرح مخزن‌الأسرار نظامی سروده است، نویسندگان با ذکر این نکته، مقاله خود را به بررسی تطبیقی این دو اثر اختصاص داده‌اند. ایشان بر این باورند که با مقایسه ساختار شعری و سبک ادبی مشرق‌الأنوار (از جمله انتخاب موضوع، موسیقی، ترکیبات زبانی، استعاره‌ها و...) و همچنین، محتوا و سبک فکری (مانند اشارات و اصطلاحات فلسفی و عرفانی و...) با مخزن‌الأسرار، می‌توان چهره ادبی میرداماد را بهتر شناسایی کرد.

نگارندگان با بررسی ابیات مشرق‌الأنوار، از اهتمام و التفات میرداماد به سبک عراقی سخن گفته و خاطر نشان کرده‌اند که از اشعار و عبارات میرداماد که شعرسرایی نزد او، نوعی تفتن بوده است. ایشان در ادامه، به بررسی ساختار شعری مشرق‌الأنوار و مخزن‌الأسرار بر اساس مطالعات سبک‌شناختی پرداخته‌اند و در توصیف سبک زبانی میرداماد آورده‌اند که برخلاف نثر پیچیده و دشوار وی در مکتوبات فلسفی، اشعار میرداماد زبانی روان و ساده دارند. در بررسی سبک

فکری این دو شاعر نیز خاطر نشان کرده‌اند که در مخزن الأسرار، عنصر بیان برجسته است و در مشرق الأنوار عنصر اندیشه غالب است. مؤلفان برای اثبات مدّعی خود، کاربرد اصطلاحات کلامی و فلسفی و واژگان علمی (به‌ویژه نجوم) را در این دو اثر با هم مقایسه کرده‌اند. ایشان در ادامه، سبک ادبی این دو اثر را مقایسه کرده و نمونه‌هایی از کاربرد تشبیه و تلمیح و سجع در ابیات میرداماد و نظامی ارائه کرده‌اند. سپس، متذکر شده‌اند که میرداماد در مشرق الأنوار سروده خویش را ستوده و از آن تمجید کرده است؛ چنان‌که نظامی مخزن الأسرار خود را با حقیقة الحقیقه‌ی سنایی مقایسه کرده و سروده خود را برتر از آن دانسته است.

نتیجه این بررسی تطبیقی آن است که هر دو اثر هم در فرم و هم در محتوا، دارای مؤلفه‌های سبکی مشترک هستند؛ اما مخزن الأسرار در فرم شعری برتر از مشرق الأنوار است. این در حالی است که غنای اندیشه در مشرق الأنوار نمود بیشتری دارد. به اعتقاد نگارندگان، میرداماد در پیوند عاطفه با اندیشه موفق‌تر از نظامی عمل کرده است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی زاده اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، صص ۸۷-۱۰۴.

۲/۷. علوم حدیث

۲/۷/۱. اجازات روایی صحیفه سجّادیّه در قرن یازدهم

نگارنده: سید جعفر حسینی اشکوری

معرفی: اعتبار سندی و متنی صحیفه سجّادیّه همواره برای محدّثان شیعی مهم بوده است. نویسندگان در این مقاله با استناد به نسخ خطی صحیفه سجّادیّه، متن چهارده اجازه روایی از عالمان قرن یازدهم هجری قمری - از جمله ملا محمد تقی صوفی قزوینی، ملا محمد تقی مجلسی، شیخ صالح بحرانی، آقا حسین خوانساری، سید نعمت‌الله جزایری و میرداماد - را به ترتیب تاریخی نقل کرده است. وی در این نوشتار، دو اجازه از میرداماد آورده است: یکی اجازه وی به قاری نسخه‌ای از صحیفه سجّادیّه (نسخه شماره ۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) و دیگری اجازه میر به شاهرخ بیگی وزیر (نسخه شماره ۳۸۰ کتابخانه آستان قدس رضوی).

اطلاعات نشر: سفینه (مؤسسه فرهنگی نبأ امین)، شماره ۹، زمستان ۱۳۸۴ ش، صص ۱۱۹-۱۴۲.

۲/۷/۲. برخی نوآوری‌های میرداماد در الرواشح السماویّة

نگارندگان: محسن قاسم‌پور؛ محمد سلامی راوندی

معرفی: این مقاله به بررسی نوآوری‌ها و دقت‌های میرداماد در علم رجال و درایة الحدیث، بر اساس متن کتاب الرواشح السماویّة اختصاص دارد. نویسندگان ابتدا شرحی مختصر از زندگی میرداماد (تاریخ ولادت، اساتید و دوران تحصیل وی، آثار میرداماد و ارتباط او با شیخ بهایی) و شهرت وی در حکمت و فلسفه ارائه داده و پس از این مقدمه مختصر، به بازخوانی آراء حدیثی میرداماد پرداخته‌اند.

مؤلفان در ادامه به اصطلاح «قوی»، کاربرد آن در علم الحدیث و نظر میرداماد درباره احادیث

«قوی» و «مؤتی» اشاره کرده‌اند. سپس، دیدگاه وی را دربارهٔ صحت احادیث ابواسحاق ابراهیم بن هاشم بررسی کرده‌اند. پس از آن، با توجه به راشحهٔ هفدهم کتاب الرواشح السماویة، نظر میرداماد را دربارهٔ شیوهٔ نجاشی در کتاب رجال مرور کرده‌اند. در ادامه، اصطلاحاتی مانند «مشیخه» و «مشیخه» و برخی مشتقات آن را بر اساس به راشحهٔ بیستم کتاب تحلیل کرده‌اند. نویسندگان در توضیح دو اصطلاح «تخریج» و «تخرّج»، خاطرنشان کرده‌اند که میرداماد برای نخستین بار، معنای این دو اصطلاح را از یکدیگر تفکیک کرده است. ایشان سپس، دیدگاه میرداماد را دربارهٔ دو اصطلاح «مستفیض» و «مشهور»، دو اصطلاح «مبهم» و «مستبهم» و چپستی «حدیث محرف» و «حدیث معضل» تبیین کرده و به تقسیم‌بندی بدیع میر از «احادیث مصحف» اشاره کرده‌اند. مؤلفان بر این باورند که اصطلاح «غریب الفقه» نیز برای نخستین بار از سوی میرداماد استفاده شده است.

نگارندگان در بخش پایانی و نتیجه‌گیری مقاله، به دقت فراوان میرداماد در تتبع کتب متقدم و اشکال بر آراء گذشتگان اشاره کرده‌اند. به‌باور ایشان، میرداماد در کتاب الرواشح السماویة تلاش کرده است تا آراء و نوآوری‌های خود را از طریق عقل، رجوع به متون قدماء و میراث حدیثی اهل سنت، مستدل و تقویت کند. اطلاعات نشر: حدیث‌پژوهی (دانشگاه کاشان)، شمارهٔ ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش، صص ۱۷۹-۱۹۸.

۲،۷،۳. تحقیقی در روات کتاب الرواشح السماویة

نگارنده: سیدمجتبی میردامادی

معرفی: نویسنده بعد از بیان شرح حال مختصری از میرداماد و اشاره به مقام وی در تاریخ اندیشهٔ اسلامی، به معرفی کتاب الرواشح السماویة و جایگاه میرداماد در علوم نقلی پرداخته است. به‌باور وی، کتاب الرواشح السماویة که اثری دقیق و فنی در علم رجال و درایة الحدیث به شمار می‌رود، سندی آشکار بر تسلط میرداماد بر علوم نقلی است. نگارنده با این مقدمه، محتوای الرواشح السماویة را به اختصار مرور کرده است. صحت احادیث ثعلبة بن میمون، ترجمهٔ عبدالله بن بکیر، توضیحی دربارهٔ فرقهٔ فطحیه یا الأفطحیه و بررسی سقم و صحت روایاتی که از ایشان نقل شده، احادیث منقول از ابوعیسی و زاق و توثیق سکونی، از جمله مطالبی است که در این مقاله بررسی شده‌اند. اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعهٔ مقالات و گفتارها)، مجموعهٔ مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۳۴۹-۳۶۱.

۲،۷،۴. صحیفهٔ سجدایه و مضامین آن از دیدگاه عالمان شیعهٔ قرن یازدهم تا چهاردهم

نگارنده: محمد مهدی سلمان‌پور

معرفی: نویسنده بعد از بیان مقدمات و کلیاتی دربارهٔ صحیفهٔ سجدایه - از جمله: روایت و اجازات در نقل دعاها، صحیفه، کتابت نسخه‌های صحیفه، شروح و ترجمه‌ها و استدراکات صحیفه - به ارائهٔ دیدگاه بیست‌وسه تن از عالمان بزرگ شیعه - از جمله: میرداماد، علامه محمدتقی مجلسی، شیخ حرعاملی، علامه محمدباقر مجلسی، شیخ علی کاشف الغطاء، شیخ محمدحسن نجفی

(صاحب جواهر)، سید محسن امین عاملی، آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و... - درباره صحیفه کریمه سجّادیّه پرداخته است. نخستین بخش در این مقاله، به دیدگاه میرداماد اختصاص دارد. نگارنده در این بخش، عباراتی از شرح مستقل میرداماد بر صحیفه سجّادیّه نقل و ترجمه کرده است.

اطلاعات نشر: سفینه (مؤسسه فرهنگی نبأ امین)، سال ۱۸، شماره ۷۰ (ویژه کتاب‌شناخت متون امامیه)، بهار ۱۴۰۰ش، صص ۴۹-۷۳.

۲،۷،۵. علوم حدیث و میرداماد

نگارنده: زین العابدین قربانی

معرفی: نویسنده ابتدا درباره جایگاه حدیث و مقام محدّثان سخن گفته و سپس، با اشاره به چگونگی راه‌یابی اخبار مجعول به فرهنگ و مکتوبات دینی، کیفیت پیدایش علوم حدیث را برای شناخت احادیث جعلی تبیین کرده است. وی در ادامه، با استناد به عبارات آقابزرگ طهرانی در الذریعة، کتاب الرواشح السماویة را معرفی کرده و توضیح مختصری از راشحه اول آن ارائه داده است. بنا بر گزارش نگارنده، از مقدمه کتاب بر می‌آید که میرداماد قصد داشته است شرحی مفصل بر کتاب الکافی بنویسد؛ اما پس از شرح مقدمه الکافی، مسائل مختلف علوم حدیث و درایه را در ۳۹ «راشحه» تحلیل و بررسی کرده است. وی در ادامه، مطالب راشحه اول از الرواشح السماویة - از جمله اقسام پنج‌گانه خبر واحد (صحیح، حسن، موثق، قوی و ضعیف) را مرور کرده و در نهایت، خاطرنشان کرده است که تقسیم خبر به این اقسام، معیار مهمی برای عمل به اخبار هستند.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سید مصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۳۴۱-۳۴۸.

۲،۷،۶. نقد اندیشه رجالی ارسال روایات بی واسطه حرّیز از امام صادق علیه السلام

نگارنده: مصطفی همدانی

معرفی: حرّیز بن عبدالله سجستانی، راوی، محدّث و فقیه شیعی قرن دوم هجری است که برخی روایات را بی واسطه از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است. رجالیان و فقیهان در صحت اسناد بی واسطه این روایات به امام صادق علیه السلام، نظرات مختلفی بیان کرده‌اند. نویسنده در این مقاله، با هدف بررسی این آراء و اقوال، ابتدا به تلاش‌های فقهاء و اندیشه‌مندان برای تصحیح سند روایات مرسل اشاره کرده و میرداماد را در زمره کسانی قرار داده است که با پذیرش ارسال برخی احادیث، کوشیده‌اند تا اثبات کنند ارسال این احادیث، آن‌ها را از اعتبار ساقط نمی‌کند.

نگارنده با تکیه بر آراء میرداماد در کتاب الرواشح السماویة و راشحه‌ای که به طبقه‌بندی اصحاب امام صادق علیه السلام در رجال شیخ طوسی اختصاص دارد، به تبیین دیدگاه وی درباره ارسال و حجّیت روایات حرّیز پرداخته است. مؤلف بر این باور است که راهکار میرداماد در تقسیم‌بندی اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام و جای دادن حرّیز در زمره اصحابی که امام را ندیده و با واسطه

اصحاب، از ایشان روایات کرده‌اند، به سه اشکال اساسی دچار است.
اطلاعات نشر: مطالعات فهم حدیث (دانشگاه بین‌المللی امام خمینی رحمته‌الله)، سال ۴، شماره ۸، بهار
و تابستان ۱۳۹۷ش، صص ۱۳۱-۱۵۳.

۲/۷/۷. نوادر حکیم میرداماد در علم الحدیث

نگارنده: سید مجتبی میردامادی

معرفی: این مقاله به بررسی نظریات نادر میرداماد در علم رجال، حدیث و درایه - از جمله دیدگاه وی دربارهٔ تعدیل راویان - اختصاص دارد. نویسنده بر اساس عبارات میرداماد و مقایسهٔ آن‌ها با اقوال برخی محدثان و فقهاء، دیدگاه‌های خاص میرداماد را در این مباحث بررسی و تبیین کرده است: «مجهول» لغوی و اصطلاحی؛ «صحیح» و «صحی»؛ تعارض میان «جرح» و «تعدیل»؛ «ابهام» و «استبهام»؛ صحت روایات ابو عیسیٰ الوریاق؛ صحت روایت عبدالله بن بکیر؛ انقسام راویان به «اصحاب الروایة» و «اصحاب اللقاء»؛ آداب نجاشی در نقل و نحوهٔ مواجههٔ میرداماد با آن.

نگارنده سپس، خاطرنشان کرده که آنچه از مجموع آراء میرداماد به دست می‌آید، تمایل وی به تعدیل راویان است. به باوری وی، نظریه تعدیل راویان تأثیر فراوانی در آراء فقهی و حدیثی میرداماد داشته است. مؤلف در ادامه، به تبیین و بررسی تأثیر صحت قول در توثیق مخبر، أصالة الصّحّة در فعل مسلم، و تفاوت روایت با فتوا از دیدگاه میرداماد پرداخته است.
اطلاعات نشر: علوم حدیث (پژوهشگاه قرآن و حدیث)، شماره ۵۶، تابستان ۱۳۸۹ش، صص ۲۰-۳۲.

۲/۸. فقه و اصول

۲/۸/۱. تحقیق در یک مسئلهٔ فقهی: ریش تراشی

نگارنده: رضا استادی

معرفی: این مقاله، پاسخی است به کتاب در اسلام هیچ دلیلی بر حرمت ریش تراشی وجود ندارد، اثر دکتر سید حسن صفوی. نگارنده در این نوشتار، تعدادی از احادیث فقهی دربارهٔ حرمت ریش تراشی را از جوامع روایی اهل سنت و شیعیان نقل کرده است. همچنین، فتاویٰ بیش از بیست و پنج تن از فقهاء شیعی (از شهید اول تا محدث قی) را در این باره بررسی است. وی در بخش مربوط به میرداماد، با نقل هفت «مسئله» از رسالهٔ شارح النجاة، خاطرنشان کرده که حرمت ریش تراشی نزد میر، از مسلمات فقهی بوده است.

نویسنده در پایان، ضمیمه‌ای دربارهٔ رسالهٔ شارح النجاة آورده است. او در این ضمیمه، ابتدا به معرفی مختصر رساله و چهار نسخه خطی آن پرداخته و خاطرنشان کرده که این اثر از تألیفات فقهی میرداماد به زبان فارسی است. به باور نگارنده، نسخه‌ای از شارح النجاة که آقابزرگ طهرانی آن را دیده و در الذریعة بدان اشاره کرده، تنها شامل بخشی از کتاب طهارت (مباحث عبادات از طهارت تا امر به معروف و نهی از منکر) بوده است. همین امر باعث شده تا برخی گمان کنند رسالهٔ شارح النجاة شامل مباحث طهارت تا امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ اما از بررسی این چهار نسخه به دست می‌آید که میرداماد موفق نشده مطلبی بیش از مباحث طهارت بنگارد.

مؤلف در ادامه، با استناد به عباراتی از الذریعة متذکر شده که نظر آقابزرگ طهرانی دربارهٔ

موضوع این رساله صحیح است و آنچه محدث نوری در الکلمة الطیبة و به تبع ایشان محدث قسّی در سفینه البحار و منتهی الآمال و دیگران بیان کرده اند، خطاست. با این توضیح، موضوع رساله شارع النجاة، اصول دین، بحثی درباره تقلید و اجتهاد و بیان چهارده حدیث در باب نماز است، نه تبیین حرمت ریش تراشی. نگارنده در ادامه و تحت عنوان «تنبیه»، نکاتی درباره رساله شارع النجاة بیان کرده است.

اطلاعات نشر: ده مقاله، رضا استادی، چ، ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۰ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۰ش) ج، ۱، صص ۲۰۳-۲۲۸. + باز نشر: چهل مقاله، رضا استادی، چ، ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش، صص ۱۳۶-۱۴۳.

۲،۸،۲. حرام بودن یا جواز نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام «محمد»: بررسی دو دیدگاه حکیم میرداماد و شیخ حرّعاملی

نگارنده: سید مجتبی میردامادی

معرفی: بنا بر نظر میرداماد در رساله شرعة التسمیة، نام بردن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اسم خاص «محمد»، حرام است. وی برای اثبات مدّعی خود به بیست روایت استناد کرده و آن‌ها را به تفصیل بررسی کرده است. از طرف دیگر، شیخ حرّعاملی در کتاب کشف التعمیة با استناد به صد روایت صحیح و متواتر، رأی میرداماد را نقد کرده و آن را مردود دانسته است. نویسنده در این مقاله، ابتدا دیدگاه میرداماد و مستندات روایی آن را بررسی کرده است. وی این روایات را به چهار گروه، تقسیم کرده است: دسته اول، روایاتی هستند که حرمت تسمیه را تا هنگام ظهور مقید کرده اند؛ دسته دوم، روایاتی هستند که حرمت تسمیه را مطلق و بدون قید بیان کرده اند؛ دسته سوم به روایاتی اختصاص دارد که نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شکل رمز بیان کرده اند؛ دسته چهارم نیز روایاتی در قالب ادعیه هستند که نام «محمد» در آن‌ها نام محمد ذکر نشده؛ بلکه القابی مانند «حجة بن الحسن» و «القائم المنتظر المهدی» و... آمده است.

نگارنده سپس، دیدگاه شیخ حرّعاملی و مستندات روایی آن را بررسی کرده است. وی در نهایت، متذکر شده که روایات صحیحی که میرداماد به آن‌ها استناد کرده، همه بر تحریم تصریح به نام خاص حضرت تأکید دارند؛ در حالی که در مستندات روایی شیخ حرّعاملی، به نام «محمد» تصریح شده است. از نظر نویسنده وجه جمع میان این دو دسته روایات، آن است که جواز تصریح به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با توجه به قرائنی همچون خوف و تقیه، مطلق نیست و شامل همه زمان‌ها نمی‌شود. از سوی دیگر، حرمت تسمیه نیز به محذوراتی وابسته بوده و علاوه بر زمان حضور امام، دوران غیبت را نیز در بر می‌گیرد.

اطلاعات نشر: مشرق موعود (مؤسسه آینده روشن/ پژوهشکده مهدویت)، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۳ش، صص ۷۳-۸۶.

۱. این باز نشر، تنها ضمیمه مربوط به شارع النجاة است، نه تمام مقاله.

۲/۸/۳. سبک‌شناسی فقهی میرداماد

نگارنده: سیدمجتبی نورمفیدی

معرفی: این مقاله، به بررسی سبک فقهی و روش استنباطی / اجتهادی میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای مقاله، از عوامل شکل‌گیری متدهای فقهی سخن گفته و به این عناوین اشاره کرده است: نوع رویکرد به منابع استنباط، منابع متخذ در علم اصول و نوع نگرش فقیه به اموری مانند احتیاط، میزان استفاده از قواعد اصولی در فقه، کیفیت توجه به عنصر «مصلحت»، میزان توجه به تقیّه و... سپس، از مکاتب فقهی دوران حیات میرداماد سخن گفته و میر را در گروه تعقل‌گرایان - در مقابل جریان اخباری‌گری - جای داده است.

مؤلف در ادامه، سبک فقهی میرداماد و رویکرد وی را به منابع استنباط بررسی کرده است. بدین منظور، مبانی اصولی میرداماد را در چهار موضوع «مفهوم شرط»، «مفهوم غایت»، «دلالت نهی بر فساد» و «شهرت و تجزّی در اجتهاد» بررسی کرده است. سپس، به آراء میرداماد درباره مسائلی همچون نقش احتیاط در استنباط، تأثیر توجه به عرف در استنباط، تأثیر گرایش رجالی در استنباط، نقش تتبع در استنباط، تأثیر توجه به نظریات عامّه در استنباط، تأثیر تقیّه در استنباط، اثر نگرش اجتماعی در استنباط و بهره‌گیری از قواعد فلسفی در استنباط پرداخته است. نگارنده در پایان، ذکر جنبه‌های عرفانی در مسائل فقهی و تبیین فلسفه احکام را از اختصاصات متد فقهی میرداماد معرفی کرده است. همچنین، طرح مسائل اعتقادی را به زبان فارسی در کتاب شارع‌النجاة، حاکی از اهتمام میر به روح افعال و اعمال مکلفان دانسته است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۲۸۷-۳۲۲.

+ بازنشر: ضوابط الرضاع، سیدمحمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: حجت منگنه چی، چ ۱، قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، مقدمه، صص ۷-۴۸.

۲/۸/۴. عموم‌المنزلة

نگارنده: ابوالقاسم گرجی

معرفی: نویسنده در این مقاله، دیدگاه فقهی میرداماد را درباره مسئله رضاع و محرمات رضاعی بررسی کرده است. وی متذکر شده که در زمان نگارش این مقاله، رساله ضوابط الرضاع میرداماد را در اختیار نداشته؛ از این رو، مطالب خود را بر اساس منابع دیگر فقهی سامان داده است. وی اشاره کرده که مسئله نشر محرمیت از طریق رضاع با نظر به دلیل آن، به نظریه «عموم‌المنزلة» مشهور است. سپس، با بیان مقدمه‌ای درباره اقسام محرمیت (سبی، نسبی و اقسام آن‌ها) به دیدگاه‌های گوناگون درباره دایره نشر محرمیت از طریق رضاع پرداخته و توضیح مختصری درباره دیدگاه میرداماد ارائه داده است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۳۳۳-۳۳۹.

۲/۸/۵. متفردات فقهی میرداماد

نگارنده: سید مجتبی میردامادی

معرفی: نویسنده ضمن بررسی اجمالی روش فقهی میرداماد، هفت رأی خاص وی را - صرف نظر از صحت آن‌ها - بررسی کرده و سپس، دلیل مخالفت این آراء را با دیدگاه‌های مشهور تبیین کرده است. وی تذکر داده که میرداماد از دیدگاه‌های خاص خود با اصطلاح «تفرد» یاد کرده و غالباً دلایل و مستندات برای آن‌ها ارائه نکرده است. مؤلف نخست واژه «تفرد» را در لغت و اصطلاح بیان کرده و در ادامه، از متدولوژی و انضباط فقهی میرداماد سخن گفته است. وی سه مؤلفه (جایگاه در منابع استنباط، مقاصد و اهداف شریعت، جامع‌نگری و توجه به اقتضائات زمانه) برای شناخت متد هر فقیه بیان کرده است. سپس، با توضیح این مؤلفه‌ها و بررسی آثار فقهی میرداماد، کوشیده است تا ویژگی‌های اصلی روش فقهی وی را تبیین کند.

نگارنده در بخش بعدی مقاله، آراء متفرد میرداماد را در فقه بررسی کرده است. این متفردات عبارت‌اند از: قاعده عموم منزلت در محرمات رضاعی برقرار است؛ تجزئ در اجتهاد کافی نیست؛ یک تیمم بدل از غسل و وضو کافی است؛ تطهیر به نجاست و همیه و عینیه مربوط است؛ طهارت، شرط کمال و رجحان روزه است، نه شرط صحت آن؛ ترتیب بین اعضاء در غسل جنابت واجب نیست؛ تیمم مستقل است و بدل از وضو نیست. نویسنده در پایان، خاطرنشان کرده است که در میان آراء تأسیسی میرداماد، دو رأی بیش از بقیه با مقاصد شریعت و جامع‌نگری هماهنگی دارند: باور به عموم منزلت و عدم تجزئ در اجتهاد.

اطلاعات نشر: فقه (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)، شماره ۴ (پیاپی ۱۰۴)، سال ۲۷، زمستان ۱۳۹۹ ش، صص ۲۰۱-۲۲۷.

۲/۹. مطالعات میان‌رشته‌ای

۲/۹/۱. بررسی تأثیر اندیشه‌های فلسفی دوران میرداماد بر معماری و شهرسازی صفویه

نگارندگان: آیدین ولی؛ امین‌الله احدی

معرفی: در این مقاله ارکان تفکر فلسفی میرداماد و تأثیر آن در معماری و شهرسازی دوران صفویه، بررسی شده است. نگارندگان در مقدمه مقاله، توضیحات مختصری درباره شخصیت و زندگی‌نامه میرداماد ارائه کرده‌اند. همچنین، خاطرنشان کرده‌اند که امنیت و رونق اقتصادی در دوران صفویه سبب اعتلای هنر ایرانی/اسلامی و نظام شهرسازی شد.

مؤلفان ذیل عنوان «مبانی نظری تحقیق»، درباره اهمیت «شهر» از بُعد فلسفی و فرهنگی سخن گفته و خاطرنشان کرده‌اند که نظام شهرسازی در دوران صفویه، از جهان‌بینی فلسفه اسلامی متأثر بوده است. در ادامه، به بررسی ارکان فلسفی حکمت یمانی میرداماد (حکمت مسأئی، حکمت اشراقی و آموزه‌های دینی و شیعی) پرداخته و برخی آراء خاص وی (همچون اوعیه سه‌گانه سرمد، دهر و زمان و نظریه «حدوث دهری») را به اختصار تبیین کرده‌اند.

نگارندگان در بخش دوم مقاله، به این مسائل پرداخته‌اند: «ارتباط میان زمان و دهر و سرمد

در معماری و شهرسازی از بُعد فلسفی میرداماد»، «اصل سیر از ظاهر به باطن؛ نشانه و نماد در دوره صفوی»، «اصالت ماهیت و وجود از بُعد معماری و شهرسازی»، «اصل پرهیز از تظاهر و صورت مادی در معماری صفویه (سیر آفاقی و انفسی)». ایشان تأثیر باور به سه مرتبه وجودی زمان، دهر و حدوث، سرمد را بر معماری بررسی کرده و مثال‌هایی (از معماری مدرسه چهارباغ اصفهان، مسجد امام خمینی رحمته الله علیه و مسجد شیخ لطف الله) برای آن ارائه داده‌اند. اطلاعات نشر: مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در علوم مهندسی و مدیریت، نشر الکترونیک، تابستان ۱۴۰۱ ش، ج ۱، صص ۱۱۴-۱۲۴.

۲،۹،۲. بررسی نظریه تفسیری/تأویلی در نظام فکری میرداماد

نگارنده: محمد سلطانی رنایی

معرفی: در این نوشتار، نظام تفسیری/تأویلی میرداماد با هدف بومی‌سازی مباحث هرمنوتیک فلسفی، تحلیل و بررسی شده است. نویسنده با اشاره به تسلط میرداماد بر علوم مختلف - از جمله فقه، حدیث، عرفان و فلسفه - بررسی نظام تفسیری/تأویلی وی را در شناخت تفاوت‌های نخله‌های تفسیری/تأویلی موجود در میان حکماء مسلمان مؤثر دانسته است. او سه رویکرد متفاوت میرداماد در فهم متن را برشمرده و با ارائه نمونه‌هایی از تفسیر متن در آثار فقهی، حدیثی و فلسفی میرداماد، این سه رویکرد را تبیین کرده است. نگارنده خاطر نشان کرده است که میرداماد در رویکردهای تفسیری/تأویلی، با وفاداری به سنت تفسیری فقهاء و محدثان در فهم متن، تفاسیر خود را ابتدا از بررسی لغات و واژه‌ها آغاز کرده و سپس، در چهارچوب نظام استدلالی و فلسفی - به ویژه فلسفه مشاء - و با تکیه بر ذوق فلسفی و آموزه‌های عرفانی، نظام فکری و عقیدتی اسلامی را تشریح کرده است. اطلاعات نشر: الهیات تطبیقی (دانشگاه اصفهان)، سال ۹، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش، صص ۱۵-۲۸.

۲،۹،۳. سایه فلسفه بر هنر: بررسی شاخصه‌های تأثیر معماری از مکتب فلسفی اصفهان

نگارنده: یزدان سلطانی

معرفی: در این مقاله، تأثیر دیدگاه‌های حکماء مکتب اصفهان بر معماری و شهرسازی عصر صفوی (شهر اصفهان) بررسی شده است. نگارنده ابتدا دیدگاه‌های چهار تن از فلاسفه مکتب اصفهان (میرداماد، میرفندرسکی، شیخ‌بهای و ملارجبعلی تبریزی) را تبیین کرده و سپس، با معرفی شاخصه‌های مکتب معماری اصفهان، میزان اثرپذیری این مکتب معماری را از مکتب فلسفی اصفهان تحلیل کرده است. وی با معرفی میرداماد در جایگاه مؤسس مکتب فلسفی اصفهان، به تلاش‌های او در تقریب دین و فلسفه اشاره کرده است. مؤلف تفسیر متافیزیکی میرداماد را از اصطلاح «دهر»، از شاهکارهای فلسفی وی برشمرده و توضیحات مختصری درباره مراتب سه‌گانه زمان، دهر و سرمد بیان کرده است. پس از معرفی سه اندیشه‌مند دیگر و بیان خصوصیات کلی مکتب فلسفی اصفهان، درباره مکتب معماری اصفهان و شاخصه‌های کالبدی آن سخن گفته است. در ادامه، تأثیر آراء فلسفی چهار حکیم مذکور را بر معماری اصفهان بررسی کرده است. نویسنده در این بخش، به تأثیر دیدگاه‌های میرداماد بر معماری مسجد امام خمینی رحمته الله علیه اشاره

کرده است. وی بر این باور است که بنای این مسجد تحت تأثیر نظر میرداماد درباره زمان، دهر و سرمد، طراحی شده است. در نظر میرداماد، زمان، دهر و سرمد سلسله طولی عالم را تشکیل می‌دهند و همواره عالم بالاتر بر عالم پایین‌تر محیط است. بنای مسجد امام خمینی رحمته الله علیه نیز به گونه‌ای ساخته شده است که از ابتدای ورود، نمی‌توان به فضای اصلی مسجد دسترسی داشت؛ بلکه باید سلسله‌مراتبی را از پایین به بالا و از جزء به کل پشت سر گذاشت و سپس، به فضای عبادت وارد شد.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی زاده اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، ج ۳، صص ۱۱۳-۱۵۶.

۲.۹.۴. نظریه فلسفی «زمان» و تأثیر آن بر حوزه مباحث فقهی از نظر میرداماد

نگارنده: مصطفی بروجردی

معرفی: نویسنده بر این باور است که نظریه‌پردازی‌های میرداماد در سایر علوم، تحت تأثیر ذهن فلسفی وی صورت گرفته‌اند. او با این پیش‌فرض، تأثیر نظریه فلسفی زمان را بر حل مسائل فقهی، از دیدگاه میرداماد بررسی کرده است. نگارنده در ابتدا، به اساتید میرداماد در علوم نقلی و جایگاه علم فقه در نظام فکری او اشاره کرده است. سپس، از تلاش‌های فلسفی میر در حل مسائل فلسفی مربوط به زمان یاد کرده است. بنا بر گزارش مؤلف، تقسیم‌بندی سه‌گانه میرداماد از امور زمانی از این قرار است: اموری که در ظرف زمان واقع‌اند و دفعی‌الحصول هستند؛ امور تدریجی‌الوجود؛ زمانیات‌التحقق یا اموری که نه دفعی هستند و نه تدریجی.

نگارنده در ادامه، خاطرنشان کرده که میرداماد از این تقسیم‌بندی سه‌گانه و نتایج عقلی آن، مسائل فقهی مربوط به معاملات در فقه استفاده کرده است. وی عبارتی از ضوابط الرضاع میرداماد درباره عقد و ایقاع و تحقق آثار آن نقل کرده و سپس، به تحلیل آن پرداخته است. مؤلف در این بخش، دیدگاه میرداماد و دیگر فقهاء را درباره تحقق معاملات بررسی و مقایسه کرده است. اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سید مصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۳۲۳-۳۳۱.

۲.۱۰. عرفان و اخلاق

۲.۱۰.۱. اخلاق عملی و مکتب اصفهان: نگاهی به پاره‌ای از علل پویایی حوزه اصفهان و

نمونه‌های عملی آن

نگارنده: علی کرباسی زاده اصفهانی

معرفی: گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که حکیمان و اندیشه‌مندان، علاوه بر علم و دانش و مباحث نظری، در عرصه سلوک عملی و اخلاقی، تزکیه نفس و رعایت موازین شرعی و دینی نیز همواره در تلاش و جهاد بوده‌اند. این مقاله به بررسی جنبه معنوی حیات عالمان حوزه فقهی/فلسفی اصفهان در عصر صفوی اختصاص دارد. با توجه به اینکه میرداماد یکی از چهره‌های

برجسته این دوران است، نویسنده در بخشی از مقاله، به ویژگی‌های اخلاقی و سلوک عملی وی پرداخته است. نگارنده با استناد به عبارات تاریخ عالم‌آرای عباسی، تذکره خلاصه‌الشعار و حدائق‌المقربین و همچنین عبارات ملا اسماعیل خواجه‌وی، میرداماد را فیلسوفی مقید به شریعت نبوی و دستورات انبیاء علیهم‌السلام و اوصیاء و متخلق به آداب و اخلاق اسلامی معرفی کرده که همواره در راه تزکیه نفس گام برداشته است.

اطلاعات نشر: نعیم (جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیة / شعبه اصفهان)، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۷ش، صص ۸۲-۱۳۴.

+ باز نشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش‌پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌وش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۲۳۵-۲۸۶.

۲.۱۰.۲. اندیشه‌های عرفانی میرداماد

نگارنده: سید علی اصغر میرباقری فرد

معرفی: این مقاله با هدف بازنمایی جنبه عرفانی شخصیت میرداماد، ویژگی‌های مشرب فکری و کیفیت و ماهیت دریافت‌های شهودی و تجارب عرفانی وی نگاشته شده است. نویسنده با استناد به سخن هنری کرین، خاطر نشان کرده که آشنایی با خصایص مشرب حکمی میرداماد، درگرو تبیین خصایص و دقایق مکتب عرفانی ابن عربی است؛ از این رو، پس از ارائه مقدمه‌ای درباره سیر عرفان اسلامی، متذکر شده که میرداماد دیدگاه‌های عقلی و برهانی خود را بر پایه اندیشه‌های ابن سینا و شیخ اشراق و با بهره‌گیری از دریافت‌های شهودی و متناسب با معتقدات شیعی، استوار کرده است. پیوند بین این مشرب‌ها، علاوه بر نهضت فکری میرداماد، در تفکر فلسفی ملا صدرا نیز تجلی یافته و بر این اساس، عرفان اسلامی در مقصد و فایده گسترش یافته است. دیدگاه‌های میرداماد درباره اوصاف حکیم و عارف نیز، از جمله موضوعاتی است که نگارنده در این نوشتار به تبیین آن‌ها پرداخته است.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سید مصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۲۶۷-۲۸۵.

۲.۱۰.۳. سیر تاریخی عرفان و تصوف در دوره صفوی

نگارنده: جلیل مشیدی

معرفی: این مقاله به بررسی تصوف و عرفان، احوال صوفیه و جریان‌های خانقاهی در دوران صوفیه اختصاص دارد. نگارنده پس از بررسی اوضاع صوفیه و صوفی‌نمایان در بستر تاریخی دویست و پنجاه ساله حکومت صفویان، اشاره کرده که روح تصوف با تأکید بر دو جنبه زهد و جنبه عرفانی / ذوقی تعالیم صوفیه دارای حیات بوده است؛ چنان‌که برخی فقهاء و متشرعان با اظهار زهد و لوازم مربوط به آن (مانند ترک مراوده با حاکمان)، حیاتی صوفیانه برگزیدند. برخی حکماء نیز به جنبه ذوقی تعلیمات صوفیه و آراء ایشان در باب مسائل مانند وحدت وجود، شهود و توحید متمایل شدند. نویسنده برای تبیین عرفان و تصوف در عصر صفوی، به معرفی برخی

حکیمانِ تصوّف‌گرایِ این دوره - از جمله میرداماد - پرداخته است. به نظر مؤلف، میرداماد در حکمت عملی به روش اشراقیان متمایل بوده و اندیشه‌های عرفانی وی از آموزه‌های محی‌الدین و غزالی متأثر است؛ چنان‌که در نظام فلسفی خود، حکمت مشائی را با ذوق اشراقی تلفیق کرده است. اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، مجموعه مؤلفان، گردآوری: مرتضی دهقان‌نژاد، چ ۱، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۶ش)، ج ۱، صص ۵۱۴-۴۹۷.

۲،۱۱. منطق

۲،۱۱،۱. برخی از ملاحظات منطقی میرداماد

نگارنده: سعید احمدی

معرفی: نویسنده مقاله بر این باور است که میرداماد در تاریخ منطق، حلقه وصل منطق مشائی و منطق صدرایی به شمار می‌رود. او با این پیش‌فرض، به بررسی آراء میرداماد خاص میرداماد در برخی مسائل علم منطق پرداخته است. وی ابتدا، دیدگاه میرداماد را درباره موضوع منطق تبیین کرده و پس از اشاره به نظرات ابن‌سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیرالدین طوسی، خاطرنشان کرده است که معقولات ثانی فلسفی و منطقی، تا پیش از میرداماد از هم تفکیک نشده بودند و تمایز این دو، حاصل تلاش اوست.

نگارنده در ادامه، از دیدگاه میرداماد درباره «مطلب‌هل» و تقسیم آن به دو نوع «حقیقی» و «مشهوری» سخن گفته و خاطرنشان کرده که این تقسیم‌بندی حاصل باور به اصالت ماهیت است. وی سپس، به تبیین ابتکار میرداماد در تقسیم وجود به سه نوع وجود نفسی، وجود رابط و وجود رابطی پرداخته و توضیحاتی درباره اهمیت و پیشینه این مسئله ارائه داده است. بعد از آن، دیدگاه میرداماد را درباره اعم بودن موضوع سالبه از موجه و دفع پارادوکس مطرح شده در آن و جریان برهان لم و إنّ در قیاسات استثنایی تحلیل کرده است. اطلاعات نشر: آیین حکمت (دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام)، شماره ۸ و ۹، تابستان و پاییز ۱۳۹۰ش، صص ۷-۳۹.

+ مستخرج از پایان‌نامه: «آراء منطقی میرداماد» (۱،۶،۱).

۲،۱۱،۲. نقد و بررسی تقسیم سه‌گانه حمل نزد میرداماد

نگارنده: محمود زراعت‌پیشه

معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه میرداماد درباره تقسیم‌بندی حمل اختصاص دارد. این تقسیم‌بندی از آن جهت درخور توجه است که میرداماد «حمل شیء بر خود» را قسمی در عرض حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی در نظر گرفته است. این دیدگاه با آراء منطق دانان متأخر سازگاری ندارد؛ زیرا از نظر آنان، «حمل شیء بر خود» یکی از اقسام حمل اولی ذاتی به شمار می‌رود.

نگارنده ابتدا مؤلفه‌های تغایر مفهومی را در حمل را بررسی کرده و تذکر داده است که نگرش خاص سید سند در این باره و اصلاحات محقق دوانی در آن، سبب شده تا میرداماد «حمل شیء

بر خود» را قسمی مستقل از انواع حمل در نظر بگیرد. مؤلف در ادامه، بر اساس گزارش‌های مدرّس زنوزی، انتقاد سیّد سند را بر مؤلفه تغایر تبیین کرده است. پس از بررسی اصلاحات محقق دوانی بر سخن سیّد سند، داوری میرداماد را میان آراء سیّد سند و محقق دوانی تبیین کرده است. نویسنده بر این باور است که میرداماد در کتاب الأفق المبین با ردّ تقریر سیّد سند از حمل شیء بر خود و پذیرش دیدگاه دوانی در این باره، تقریری جدید از مسئله ارائه داده است. مؤلف پس از تبیین دیدگاه میرداماد، به نقد و داوری آن پرداخته و بدین منظور سیر تاریخی مسئله تفکیک اقسام حمل را با توجه به آراء ابن سینا، فخر رازی و سهروردی بررسی کرده است.

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی زاده اصفهانی، چ، ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، صص ۱۵۳-۱۷۰.

۲.۱۲. ادبیات عربی

۲.۱۲.۱. تأثیر وزن شعر فارسی بر اشعار عربی میرداماد

نگارندگان: علی اصغر قهرمانی مقبل؛ سیّد حسین مرعشی

معرفی: نویسندگان در این مقاله، ابتدا به شکل‌گیری نهضت ادبی زبان عربی در دوران شاه عباس اشاره کرده‌اند. به باور ایشان، با مهاجرت علماء لبنان و بحرین به ایران، دانشمندان ایرانی زبان و ادبیات عربی را از ایشان فرا گرفتند و به نوشتن کتب ادبی و سرودن اشعار به زبان عربی مبادرت ورزیدند. از نظر نگارندگان، میرداماد در سرودن اشعار عربی، بیش از دیگران از موسیقی شعر فارسی اثر پذیرفته است؛ از این رو، بررسی اشعار عربی وی، تأثیر موسیقی شعر فارسی بر شعر عربی را به خوبی آشکار می‌کند.

مؤلفان در ادامه، گزارش مختصری از زندگی و آثار میرداماد ارائه داده و خاطر نشان کرده‌اند که پنجاه و سه بیت از دیوان دیوان اشراق (دیوان میرداماد) به سروده‌های عربی اختصاص دارد. سپس، با نقل عبارتی از شیخ حرّ عاملی درباره ذوق و توانایی ادبی میرداماد، به بررسی اوزان اشعار عربی وی پرداخته‌اند. از نظر نویسندگان، اوزان اشعار عربی میرداماد، بر سه گونه است: وزن‌های خاص شعر فارسی؛ وزن‌های مشترک میان شعر عربی و شعر فارسی؛ وزن‌های خاص شعر عربی. نگارندگان با نقل نمونه‌هایی از اشعار عربی میرداماد، بسآمد این سه قسم وزن را در اشعار عربی وی بررسی کرده‌اند. ایشان سپس، به میزان تأثیرپذیری میرداماد از اوزان شعر فارسی پرداخته و اشعار عربی وی را از لحاظ جوازها و ضرورت‌های وزنی بررسی کرده‌اند. نویسندگان در نتیجه‌گیری مقاله، خاطر نشان کرده‌اند که زندگی و تحصیل در ایران و آشنایی با اشعار شاعران فارسی زبان تأثیر بسزایی بر شعرسرایی میرداماد داشته است؛ تا بدان جا که او در سرودن اشعار عربی، از قالب‌های وزنی و ویژگی‌های شعر فارسی - مانند وزن‌های دوری، جوازهای وزنی فارسی و ... - بهره برده است.

اطلاعات نشر: پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی (دانشگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه)، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰ ش، صص ۱۵۵-۱۷۰.

۲،۱۳. طب

۲،۱۳/۱. پزشکی: جنبه‌ای ناشناخته از زندگی میرداماد

نگارنده: حسن تاج‌بخش

معرفی: نویسنده در این مقاله با استناد به کتاب قراپادین کبیر (مجمع الجوامع)، اثر محمدحسین عقیلی شیرازی، دو ترکیب دارویی از میرداماد نقل کرده است. یکی از این ترکیب‌ها که «دوغ‌الصحة» یا «معجون تندرستی» نام دارد، ترکیبی از سی داروی گیاهی و حیوانی و معدنی است که برای درمان درد مفاصل، از بین بردن سم و... استفاده می‌شود. ترکیب دوم، «دوغ‌المشيب» نام دارد که میرداماد آن را به جای معجون «انقردیای کبیر» ابداع کرده و نسخه آن را برای قطب‌شاه، والی حیدرآباد دکن، ارسال کرده است.

نگارنده در ادامه، خاطرنشان کرده که عقیلی شیرازی نسخه‌های دارویی میرداماد را از کتاب میزان‌الطبایع قطب‌شاهی نقل کرده است. این کتاب را تقی‌الدین محمد بن صدرالدین، برای سلطان محمدقلی قطب‌شاه در سال ۱۰۰۰ هجری قمری به زبان فارسی تألیف کرده است. وی پس از معرفی سلسله قطب‌شاهیان و توجه ویژه آن‌ها به فرهنگ و تمدن ایرانی، درباره نخستین پزشک ایرانی قطب‌شاه، حکیم محمد مؤمن استرآبادی، سخن گفته است. در ادامه اشاره کرده که طبیبی تبریزی به نام محمدباقر مدّتی در قزوین شاگرد میرداماد بوده و پس از آن، به هندوستان مهاجرت کرده است. وی پس از هجرت به حیدرآباد، به طبابت محمدقلی قطب‌شاه منسوب شده و کتابی با نام شیافت و مراهم تألیف کرده است. پسر او، جبرئیل، نیز به طبابت در دربار قطب‌شاه مشغول بوده است. مؤلف بر این باور است که مرآده علمی میرداماد و دربار قطب‌شاه به واسطه این سه شخص رخ داده است. به عقیده وی، میرداماد به قدری با دانش طب آشنا بوده که توانسته شاگردانی در این حوزه پرورش دهد و ترکیبات دارویی جدیدی عرضه کند.

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۴۳۱-۴۳۳.

۲،۱۴. ضمیمه مقالات

این بخش به معرفی مقالاتی اختصاص دارد که ارتباط کامل و مستقّلی با شخصیت، زندگی، آراء و آثار میرداماد ندارند؛ اما سرنخ‌ها و اشارات مفیدی در حوزه میردامادشناسی به دست می‌دهند. جهت پرهیز از تکرار مطالب، به ذکر عنوان، نام نگارنده (نگارندگان) و اطلاعات نشر مقالات بسنده کرده و از معرفی تفصیلی آن‌ها چشم پوشیده‌ایم.

۲،۱۴/۱. اصالت وجود در فلسفه سبزواری

نگارنده: همایون همتی

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان: دو مکتب فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدعلی اصغر میرباقری فرد [و] فاطمه بستان شیرین، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش، صص ۵۱۵-۵۵۵.

۲،۱۴،۲. اصالت وجود یا اصالت ماهیت: نزاعی لفظی یا معنوی؟

نگارندگان: سردار کامی؛ محمد سعیدی مهر؛ رضا اکبریان
اطلاعات نشر: آینه معرفت (دانشگاه شهید بهشتی / دانشکده الهیات و ادیان)، سال ۱۸، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۹۷ ش، صص ۱-۲۸.

۲،۱۴،۳. اعتباریت علم مفهومی در حکم کاشفیت حقیقی و ارجمندی علم حصولی

نگارندگان: هادی ملک زاده؛ ابوالفضل کیاشمشکی
اطلاعات نشر: پژوهش نامه حکمت و فلسفه اسلامی (جامعه المصطفی ﷺ العالمیه)، سال ۷، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش، صص ۶۱-۸۶.

۲،۱۴،۴. الاهیات سلبی و ایجابی در مدرسه فکری اصفهان

نگارندگان: رضا برنجکار؛ سید مسیح شاه چراغ
اطلاعات نشر: تحقیقات کلامی (انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه)، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۶ ش، صص ۴۷-۶۶.

۲،۱۴،۵. اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی زادگاه میرداماد و میرفندرسکی

نگارنده: اسدالله معطوفی
اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۹-۳۵.

۲،۱۴،۶. بررسی تأثیر آراء رواقیان بر مکتب اشراقی سهروردی

نگارندگان: سعید انواری؛ حامده راستایی جهرمی
اطلاعات نشر: حکمت و فلسفه (دانشگاه علامه طباطبائی رحمه الله)، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶ ش، صص ۷-۳۲.
+ مستخرج از پایان نامه: «بررسی آراء منتسب به رواقیان در فلسفه اسلامی و ریشه یابی آن» (۱،۸،۴).

۲،۱۴،۷. بررسی رویکرد حکمای طبقه بعد از ملاًصدرا به مسئله اصالت وجود (با محوریت

آرای حکیم لاهیجی و رجبعلی تبریزی)

نگارندگان: غلامحسین خدری؛ محمد هادی توکلی
اطلاعات نشر: حکمت معاصر (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش، صص ۳۵-۵۲.

۲،۱۴،۸. بررسی مقایسه ای / تطبیقی معنای «مرکز» در آراء مکتب اصفهان و اندیشه های دیگر

نگارندگان: پروین پرتوی؛ محمدباقر صابریان
اطلاعات نشر: باغ نظر (پژوهشگاه هنر، معماری و شهرسازی نظر)، سال ۱۴، شماره ۴۸، خرداد

۱۳۹۶ش، صص ۱۷-۳۰.

۲/۱۴/۹. پژوهشی در حرکت توسّطیّه و قطعیه

نگارنده: محمدعلی اسماعیلی

اطلاعات نشر: معرفت (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه)، شماره ۱۸۸، مرداد ۱۳۹۳ش، صص ۹۹-۱۱۶.

۲/۱۴/۱۰. پژوهشی در یادداشت علامه رفیعی قزوینی پیرامون حقیقت غایت مطلوب در ایجاد عالم

نگارنده: امیر شیرزاد

اطلاعات نشر: آینه معرفت (دانشگاه شهید بهشتی / دانشکده الهیات و ادیان)، پاییز ۱۳۸۷ش، صص ۳۲-۴۷.

۲/۱۴/۱۱. تأملی بر دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق در اصالت وجود یا ماهیت

نگارندگان: مجید احسن؛ حسن معلّی

اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه)، شماره ۳، بهار ۱۳۸۹ش، صص ۱۱-۳۶.

۲/۱۴/۱۲. تأملی در تبیین فیلسوفان اسلامی از تلازم بین ماده و صورت

نگارندگان: محمد مهدی کمالی؛ حسین غفاری

اطلاعات نشر: تأملات فلسفی (دانشگاه زنجان)، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۷ش، صص ۱۱-۴۰.

۲/۱۴/۱۳. تحلیل سندی و متنی دو روایت «لَا تَسْبُوا الدَّهْرَ» و «يَا دَهْرُ أَفْ لَكَ» و حلّ تعارض آن دو

نگارنده: سید محمد رضا حسینی نیا

اطلاعات نشر: مطالعات فهم حدیث (دانشگاه بین‌المللی امام خمینی رحمته الله علیه)، سال ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش، صص ۸۵-۱۰۵.

۲/۱۴/۱۴. تحلیل مسئله شرّ با تأکید بر آرای فلسفی و کلامی امام خمینی رحمته الله علیه

نگارنده: مسلم محمدی

اطلاعات نشر: اندیشه نوین دینی (دانشگاه معارف اسلامی)، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۷ش، صص ۷۳-۹۴.

۲/۱۴/۱۵. تحلیلی درباره جفر و جامعه: دو منبع علم امام

نگارندگان: احمد شجاعی؛ محمد فرضی پوریان

اطلاعات نشر: کلام اسلامی (آیه الله جعفر سبحانی)، شماره ۱۰۳، تابستان ۱۳۹۶ش، صص ۷۷-۹۸.

۲/۱۴/۱۶. تضارب آرای رجالی امام خمینی و آیت الله خویی درباره محمد بن اسماعیل: استاد

کلینی

نگارنده: مهدی بیات مختاری

اطلاعات نشر: علوم حدیث (پژوهشگاه قرآن و حدیث)، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱ ش، صص ۱۳۹-۱۴۵.

۲، ۱۴، ۱۷. تمایز وجود و ماهیت نزد ابن سینا: ذهنی یا خارجی

نگارنده: مصطفی زالی

اطلاعات نشر: آینه معرفت (دانشگاه شهید بهشتی / دانشکده الهیات و ادیان)، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۹۷ ش، صص ۲۹-۵۰.

۲، ۱۴، ۱۸. جایگاه سیاست در حکمت متعالیه

نگارنده: نجف لک زایی

اطلاعات نشر: علوم سیاسی (دانشگاه باقر العلوم علیهم السلام)، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۸ ش، صص ۲۱۸-۲۵۳.

۲، ۱۴، ۱۹. جهانگیرخان و احیاء حکمت متعالیه

نگارنده: اعلی تورانی

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۰ ش، صص ۵۱-۶۴.

۲، ۱۴، ۲۰. چپستی دهر و سرمد و نسبت آن دو با زمان

نگارندگان: علیرضا کهنسال؛ معصومه عارفی

اطلاعات نشر: آموزه‌های فلسفه اسلامی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش، صص ۱۳۵-۱۴۸.

۲، ۱۴، ۲۱. حکمت در نگاه مفسران قرآن و فیلسوفان

نگارنده: عبدالعلی شکر

اطلاعات نشر: آینه معرفت (دانشگاه شهید بهشتی / دانشکده الهیات و ادیان)، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۱ ش، صص ۲۷-۴۶.

۲، ۱۴، ۲۲. سهروردی و اندیشمندان پس از وی

نگارنده: محمد بقائی ماکان

اطلاعات نشر: عرفان اسلامی (دانشگاه آزاد اسلامی / واحد زنجان)، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۵ ش، صص ۵۱-۷۱.

۲، ۱۴، ۲۳. سیر تفکر سیاسی در اصفهان عصر صفوی

نگارنده: فتحعلی اکبری

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، مجموعه مؤلفان، گردآوری: مرتضی دهقان نژاد، چ ۱، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۶ ش)، ج ۲، صص ۳۶-۲۵.

۲/۱۴/۲۴. شمسای گیلانی و مکتب فلسفی اصفهان

نگارنده: علی اوجی

اطلاعات نشر: آینه میراث (مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب)، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ ش، صص ۱۰۱-۱۲۹.

۲/۱۴/۲۵. عرفان در دوره صفوی

نگارنده: علی اکبر افراسیاب پور

اطلاعات نشر: ادیان و عرفان (دانشگاه تهران/ دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۵ ش، صص ۱۳-۳۷.

۲/۱۴/۲۶. علل و انگیزه‌های دینی ملارجعلی تبریزی و قاضی سعید قمی در انکار اصالت

وجود صدرایی

نگارندگان: سیدصدرالدین طاهری؛ محسن مروی نام

اطلاعات نشر: پژوهش نامه فلسفه دین/ نامه حکمت (دانشگاه امام صادق علیه السلام)، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ ش، صص ۸۳-۹۴.

۲/۱۴/۲۷. قرطبه و اصفهان و دو مکتب فلسفی و فلاسفه آن

نگارنده: علی دوانی

اطلاعات نشر: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان: دو مکتب فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدعلی اصغر میرباقری فرد [و] فاطمه بستان شیرین، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش، صص ۱۸۵-۲۵۲.

۲/۱۴/۲۸. مدرسه کلامی اصفهان

نگارندگان: محمدتقی سبحانی؛ محمدجعفر رضایی

اطلاعات نشر: تاریخ فلسفه (انجمن علمی تاریخ فلسفه)، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۱ ش، صص ۱۱۱-۱۳۸.

+ باز نشر: مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: علی کرباسی زاده اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، ج ۲، صص ۱۶۷-۱۹۴.

۲/۱۴/۲۹. مقارنه دیدگاه فیلسوفان و قرآن کریم در بحث زمان، دهر و سرمد

نگارندگان: عبدالله میراحمدی؛ نرگس السادات روح‌الامین

اطلاعات نشر: آموزه‌های فلسفه اسلامی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، دوره شانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ش، صص ۲۸۹-۳۱۳.

۲/۱۴/۳۰. مکتب اصفهان و پیوست آن به مکتب تهران

نگارنده: اعلی تورانی

اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۷۵-۸۴.

۲، ۱۴، ۳۱. میزان تأثیرگذاری آموزه‌های عرفانی در تحلیل چگونگی حدوث عالم

نگارنده: سعید نظری توکلی

اطلاعات نشر: خردنامه صدرا (بنیاد حکمت اسلامی صدرا)، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۸ش، صص ۵۲-۷۰.

۲، ۱۴، ۳۲. نبوت و امامت در اندیشه ملا صدرا

نگارنده: مجید اسکندری

اطلاعات نشر: معرفت سیاسی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه)، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش، صص ۹۵-۱۲۰.

۲، ۱۴، ۳۳. نقد و بررسی آرای میرزا ابوالحسن جلوه در مسئله «ربط حادث به قدیم»

نگارندگان: بهزاد محمدی، مهدی دهباشی

اطلاعات نشر: حکمت صدرایی (دانشگاه پیام نور/ واحد تهران)، سال ۴، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش، صص ۱۲۹-۱۴۳.

۲، ۱۴، ۳۴. نگاهی به مکتب فلسفی اصفهان و بنیان‌گذاران آن

نگارنده: مهدی دهباشی

اطلاعات نشر: فرهنگ اصفهان (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان)، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۴ش، صص ۱۵-۲۲.

+ باز نشر: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش‌پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۱۰۵-۱۱۹.

۲، ۱۴، ۳۵. وجود ذهنی از دیدگاه فیلسوفان مکتب شیراز

نگارندگان: قاسم کاکایی، عزت مقصودی

اطلاعات نشر: معرفت فلسفی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه)، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۷ش، صص ۴۳-۷۰.

۳. بخش سوم: پیوست‌ها

۳، ۱. مداخل دایرة المعارفی

۳، ۱، ۱. مدخل «میرداماد: سید محمد باقر، فرزند سید محمد داماد حسینی استرآبادی» در

اثرافرینان: زندگی‌نامه نام‌آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی

نگارنده: پی‌نا

معرفی: نویسنده در این مدخل مختصر، به کلیاتی از حیات میرداماد اشاره کرده است. وی میر را ساکن اصفهان و اصالتاً استرآبادی معرفی کرده است. همچنین، از اتصال نسبی وی با محقق ثانی، رابطه صمیمانه‌اش با شیخ بهایی و تقرب او به دربار صفویان سخن گفته است. وی خاطرنشان کرده که میرداماد در علوم نقلی از شاگردان سیدنورالدین علی بن ابی‌الحسن موسوی، شیخ حسین جبل عاملی و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن علی کرکی، بوده و از ایشان اجازه دریافت کرده است. میر در علوم عقلی نیز از محضر امیر فخرالدین سَمَکی بهره برده است. نگارنده در ادامه، به شاگردان میرداماد اشاره کرده و برخی از آن‌ها (قطب‌الدین اشکوری، صدرالدین شیرازی، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی) را نام برده است.

به باور مؤلف، میرداماد حکیمی اشراقی و نماینده کامل فیلسوف شیعی است و رگه‌های اشراقی و عرفانی در نظام فکری و فلسفی وی پررنگ هستند. او پس از اشاره به وفات و مدفن میرداماد، نام برخی آثار مهم وی را به همراه موضوعات آن‌ها ذکر کرده است. اطلاعات نشر: اثر آفرینان: زندگی‌نامه نام‌آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، ج ۵، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: محمدرضا نصیری [و] حسین محدث‌زاده [و] حبیب‌الله عباسی، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۴ش)، صص ۳۲۵-۳۲۶.

۳، ۱، ۲. مدخل «میرداماد: شهرت: میرمحمدباقر بن میرشمس‌الدین محمد فندرسکی» در بزرگان فلسفه

نگارنده: هنری توماس؛ مترجم: فریدون بدره‌ای

معرفی: این اثر، دایرة‌المعارفی دربارهٔ چهره‌های برجسته در فلسفه غربی و شرقی است. نویسنده مدخل کوتاهی را به میرداماد اختصاص داده و در آن، دربارهٔ نسب و اجداد میر، تحصیلات ابتدایی او در خراسان، عزیمت میرداماد به اصفهان، تقرب او به دربار صفویان و وفات وی در سفر عتبات عراق سخن گفته است. وی از شهرت میرداماد به «معلم ثالث» یاد کرده و خاطرنشان کرده که این لقب، نشان‌دهنده شخصیت والای میرداماد در جایگاه حکیمی ایرانی در اعصار جدید است. به باور مؤلف، میرداماد آراء و آثار ابن‌سینا را به‌طور کامل می‌شناخت؛ اما از آنجا که تحت تأثیر تعالیم سهروردی، تصوف و آموزه‌های ایران باستان بود، عقل و فراست او با جست‌وجویی عارفانه همراه شد و تأثیرات اشراقی و عرفانی بسیاری در افکار و آثارش برجای نهاد. در اندیشه‌های برخی شاگردان وی - مانند ملاصدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی - این تأثیر را می‌توان مشاهده کرد. نگارنده در انتها، عنوان برخی آثار میرداماد را همراه با موضوع آن‌ها ذکر کرده است. اطلاعات نشر: بزرگان فلسفه، هنری توماس، ترجمه: فریدون بدره‌ای، چ ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸ش (تجدید چاپ تا نوبت هفتم، ۱۳۹۶ش)، صص ۴۰۰-۴۰۱.

۳، ۱، ۳. مدخل «میرمحمدباقر داماد حسینی» در تعلیم و تربیت در عصر صفویان

نگارنده: محمد درخشانی

معرفی: این اثر به توصیف کم‌وکیف نظام تعلیم و تربیت در دوران حکومت صفویان اختصاص

دارد. نویسنده در فصل چهارم این اثر، با رویکردی دایرةالمعارفی، علماء برجسته عصر صفوی را معرفی کرده است. وی در این فصل، مدخلی با نام «میرداماد» گشوده و او را به اختصار معرفی کرده است. او این مدخل را با ذکر نام و لقب میرداماد آغاز کرده و تذکر داده است که تبخّر میرداماد در علوم معقول و منقول، او را در زمره عالمان طراز اوّل عهد خویش قرار داده؛ چنان که توانایی او در طبقه‌بندی و تنظیم علوم سنتی از دیدگاه شیعی، سبب شده تا به لقب «معلم ثالث» شهرت یابد. وی در ادامه، به دو لقب دیگر میرداماد، «سیدالحکماء» و «سیدالفلاسفة»، اشاره کرده و از سال ولادت، محلّ تحصیل، استادان و شاگردان وی سخن گفته است. نگارنده با ارائه نمونه‌هایی از اشعار میرداماد، خاطرنشان کرده است که بیشتر سروده‌های وی، به نعت پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی علیه السلام اختصاص دارند.

مؤلف بر این باور است که تعصّب مذهبی میرداماد، مسیر وی را در احیاء حکمت سینی و اشراقی، تحت تأثیر قرار داده است. از نظر او، فهم مقاصد و عبارات میرداماد برای کسانی ممکن و میسر است که با سنت فلسفی اسلامی انس داشته و علاوه بر متن خوانی، به تمرین و تعلیم شفاهی پرداخته باشند. نگارنده در ادامه، به آثار میرداماد اشاره کرده و برخی از آن‌ها را معرفی کرده است. وی تذکر داده که آخرین اثر میرداماد، احتمالاً به دست شاگردش، سیداحمد علوی، کامل یا نوشته شده است.

نویسنده در بخش بعدی، به شخصیت علمی و معنوی میرداماد پرداخته است. به باور او، میر احیاءکننده فلسفه ابن سینا در قرائتی اشراقی است؛ از این رو فلسفه خود را حکمت «یعنی» نامیده است. اصطلاح «یعنی» رمزی از منبع اشراق وحی، نور و روحانیت است که نشان می‌دهد اندیشه میرداماد، تداوم فلسفه مشائی اسلامی نیست؛ بلکه مکتبی است که در آن، اشراق با عقلانیت تلفیق یافته و ماوراءالطبیعه ابن سینا از شکل تفکر تجریدی به صورت حقیقت روحانی عینی درآمده است. مؤلف نمونه‌ای از رؤیاها و خلسه‌های ملکوتی میرداماد را نقل کرده و وقوع آن‌ها را نشانه حیات روحانی در کنار فعالیت‌های مذهبی و فلسفی دانسته است. وی پس از اشاره‌ای مختصر به نظریه «حدوث دهری» و جایگاه آن در منظومه فکری میرداماد، از شاگردان مشهور او نام برده و خاطرنشان کرده که تلفیق و ترکیب عناصر سینی و اشراقی علاوه بر آثار میرداماد، در آثار مبلغان صادق وی نیز کاملاً مشهود است. نگارنده پس از اشاره به روابط دوستانه میرداماد با شیخ بهایی و منزلت آن‌ها نزد شاه عباس صفوی، با ذکر تاریخ وفات میرداماد و مدفن وی، این مدخل را به پایان برده است.

اطلاعات نشر: تعلیم و تربیت در عصر صفویان، محمد درخشانی، چ ۱، تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۹ش، صص ۲۱۹-۲۲۵.

۳/۱/۴. مدخل «میرداماد، م: ۱۰۴۱ق» در چهره‌های درخشان از نگاه سیدجلال الدین آشتیانی
نگارنده: حسن جمشیدی

معرفی: این اثر، به گردآوری دیدگاه‌های استاد سیدجلال الدین آشتیانی درباره شخصیت‌های برجسته جهان اسلام اختصاص دارد. نگارنده آثار گوناگون استاد آشتیانی را مرور کرده و پس از

دسته‌بندی آن‌ها، این مجموعه مفید را فراهم کرده است. نویسندگان در مدخل «میرداماد»، از خلال سخنان ملاحظه‌شده و برخی منابع تاریخی، شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده است. او در ابتدا، نمونه‌ای از عبارات صدرالمؤمنین در وصف میرداماد نقل کرده، به مجلس پروتوق میر در فقه و اصول اشاره کرده و برخی شاگردان مشهور وی را نام برده است. در ادامه، به عناوین برخی آثار مهم میرداماد اشاره کرده و از حواشی شاگردانش بر کتاب القبسات یاد کرده است. به باور مؤلف، مشرب میرداماد با ملاحظه مباین بوده؛ اما صدرالمؤمنین همواره از استاد خود با عظمت و احترام یاد کرده و او را در ردیف اولیاء و انبیاء علیهم‌السلام و تالی عصمت در علم و عمل قرار داده است. نگارنده پس از اشاره به تاریخ وفات و مدفن میرداماد، درباره شرح آقاجانی بر کتاب القبسات، به اختصار توضیح داده و این مدخل را به پایان رسانده است. اطلاعات نشر: چهره‌های درخشان از نگاه سیدجلال‌الدین آشتیانی، حسن جمشیدی، چ ۱، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۴ ش، صص ۱۵۴-۱۶۰.

۳/۱/۵. مدخل «محمدباقر میرداماد، دانشمند مشهور قرن یازدهم هجری» در دانشمندان ایرانی: از کهن‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجار
نگارنده: عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

معرفی: نویسنده در ابتدای این مدخل، میرداماد را در زمره حکمت‌شناسان بزرگ عصر صفوی معرفی کرده است. سپس، با اشاره به نسب و اجداد میر، از برخی جزئیات زندگی‌نامه وی یاد کرده است. در ادامه، به عناوین برخی آثار میرداماد اشاره کرده و درباره استادان و شاگردان مشهور و برخی کرامات وی - از جمله رؤیت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام - سخن گفته است. به باور مؤلف، تلاش میرداماد در هماهنگی و تلفیق فلسفه و دین، کار تازه‌ای نبوده؛ گرچه تلاش‌های او در این راستا و همچنین، ارائه تفسیری اشرافی از حکمت مشاء، بسیار درخور توجه است. وی پس از اشاره‌ای مختصر به دیدگاه میرداماد درباره نظریه «حدوث دهری» و اصالت ماهیت، خاطرنشان کرده که ملاحظه‌شده و برخی حکیمان متأخر، با این دیدگاه‌های میرداماد مخالفت کرده‌اند. نویسنده در این بخش، برخی دیدگاه‌های منتقدان میرداماد را نقل کرده است.

وی در ادامه، به استناد و ارجاع فراوان میرداماد به آثار پیشینیان اشاره کرده و از علاقه او به حکمت طبیعی سخن گفته است. نگارنده خاطرنشان کرده است که میرداماد گاهی ادعاهایی مطرح می‌کرده که با موازین عقل و منطق سازگار نیستند؛ از جمله ادعای رؤیت عقول عشره در خواب یا خلع روح از بدن. وی در پایان بر اساس عبارات میرداماد در کتاب القبسات، تقریری مختصر از نظریه حدوث دهری ارائه داده و سخن خود را با نقل شعری از نیمایوشیج درباره میرداماد به اتمام رسانده است.

اطلاعات نشر: دانشمندان ایرانی: از کهن‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجار، عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، چ ۱، تهران: کومش، ۱۳۸۹ ش، صص ۴۵۶-۴۶۰.

۳/۱/۶. مدخل «میرمحمدباقر داماد» در دانشمندان و بزرگان اصفهان
نگارنده: مصلح‌الدین مهدوی

معرفی: مؤلف پس از اشاره به تخلص شعری میر و وجه تلیق او به «داماد»، وی را استاد مسلم علوم منقول و معقول و معرفی کرده است. در ادامه، برخی آثار میرداماد را نام برده و به سال و محل وفات وی اشاره کرده است. نویسنده تذکر داده است که ماده تاریخ‌های «الرضی» و «الراضی» که سال وفات میر را ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ هجری قمری ثبت کرده‌اند، اشتباه بوده و ماده تاریخ صحیح، «عروس علم دین را مرده داماد» است. بنا بر گزارش نگارنده، وفات میرداماد در سال ۱۰۴۰ هجری قمری، در منزلی بین کربلا و نجف رخ داده و پیکر وی را در نجف اشرف به خاک سپرده‌اند. اطلاعات نشر: دانشمندان و بزرگان اصفهان، مصلح‌الدین مهدوی، تصحیح: رحیم قاسمی [و] محمدرضا نیلفروشان، چ ۱، اصفهان: نشر گلدسته، ۱۳۸۴ش، ص ۳۶۴.

۳،۱،۷. مدخل «تسلسل» در دانش‌نامه جهان اسلام

نگارندگان: عباس عارفی؛ فاطمه فنا

معرفی: نویسندگان برای بازشناسی مفهوم «تسلسل» و شروط استحاله آن، به آثار برخی حکماء و متکلمان مسلمان - از جمله تقویم‌الایمان و القبسات میرداماد - مراجعه کرده‌اند. ایشان استدلال‌های حکماء را بر استحاله تسلسل (برهان وسط و طرف، برهان تطبیق، برهان تضایف، برهان حیثیات، برهان ترتب، برهان اسد و اخصر) تبیین کرده‌اند. سپس، در بررسی اشکالات برهان «تطبیق»، خاطرنشان کرده‌اند که میرداماد این برهان را تمام ندانسته و آن را «تدلیس مغالطی» خوانده است. ایشان در ادامه، علاوه بر تشریح نظر میرداماد، اشاره کرده‌اند که اشکال میرداماد در تحقق ابعاد و مقادیر جسم و همچنین درباره سلسله علل وجودی و فاعلی، وارد نیست. مؤلفان در پایان، تقریر میرداماد را از برهان «اسد و اخصر» نقل کرده و خاطرنشان کرده‌اند که علامه طباطبایی با نظر میرداماد در خصوص دو برهان «وسط و طرف» و «اسد و اخصر»، مخالفت کرده است. اطلاعات نشر: دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۷، مجموعه مؤلفان، زیرنظر: غلام‌علی حدادعادل، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۲ش، صص ۳۱۰-۳۱۵.

۳،۱،۸. مدخل «تقدم و تأخر (یا سبق و لاحق)» در دانش‌نامه جهان اسلام

نگارنده: حسن سیدعرب

معرفی: نویسنده در این مدخل، ابتدا درباره معنا و اقسام تقدم و تأخر (زمانی، بالطبع، بالعلیه، بالماهیة (بالتجوهر)، بالرتبة، بالشرف) در نظام اصطلاحات فلسفی سخن گفته است. وی در ادامه، خاطرنشان کرده است که میرداماد و ملاصدرا سه قسم دیگر به اقسام پیشین تقدم و تأخر افزوده‌اند: تقدم و تأخر دهری؛ تقدم و تأخر بالحق؛ تقدم و تأخر بالحقیقة. نگارنده در بخش مربوط به تقدم و تأخر دهری، نظر میرداماد را به تفصیل بیان کرده است. او در پایان، به مفهوم «معیت» و اقسام آن - از جمله معیت دهری - اشاره کرده است. اطلاعات نشر: دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۷، مجموعه مؤلفان، زیرنظر: غلام‌علی حدادعادل، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۲ش، صص ۷۶۴-۷۶۸.

۳/۱/۹. مدخل «تقویم‌الایمان» در دانش‌نامه جهان اسلام

نگارنده: علی اوجبی

معرفی: نگارنده تقویم‌الایمان را از آثار فلسفی کلیدی میرداماد دانسته و به نام‌های دیگر این کتاب (التصحیحات و التقویات، تقویم‌الایمان و تتمیم‌العرفان، تقویم‌الحکمة الإیمانیة) اشاره کرده است. بنا بر گزارش نگارنده، متن باقی‌مانده از تقویم‌الایمان، «الرصد الأول» نامیده دارد. این عنوان حاکی از آن است که میرداماد قصد داشته رصدهای دیگری به آن بیفزاید؛ اما بنا به دلایل نامعلوم، این اتفاق رخ نداده است. میر در مقدمه کتاب اشاره کرده که این اثر شامل مباحث آغازشناسی و انجام‌شناسی است؛ اما تنها بخش آغازشناسی آن (الهیات به معنای اخص و الهیات به معنای اعم) به دست ما رسیده است. مؤلف پس از مرور دقیق مقدمه تقویم‌الایمان، موضوع هر فصل از کتاب را نام برده و به نظرات مبتکرانه میرداماد در این کتاب (از جمله «حدوث دهری» و اشتراط وحدت حمل در تناقض) اشاره کرده است. وی ویژگی‌های تقویم‌الایمان را چنین برشمرده است:

۱. این کتاب مانند القبسات، الإیماضات و التقدیسات در زمره کتب درسی میرداماد بوده است.
۲. در تقویم‌الایمان تقریری نو از آراء ابتکاری میرداماد - همچون حدوث دهری، انحصار مقولات در دو مقوله و اشتراط وحدت حمل در تناقض) و ادله جدیدی برای برخی از آن‌ها ذکر شده است.

۳. این اثر مشتمل بر دوره کامل و مختصر آراء میرداماد است و رؤس نظام فلسفی او را به خوبی ترسیم می‌کند.

نگارنده در انتها به شرح‌های تقویم‌الایمان اشاره کرده است: شرح تقدمه تقویم‌الایمان یا المعلقات از خود میرداماد؛ کشف الحقایق از میرسیداحمد علوی (عمیق‌ترین و مهم‌ترین شرح)؛ عرش‌الایقان نوشته میرعبدالحسیب علوی؛ شرح ملاشمسای گیلانی.
اطلاعات نشر: دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۷، مجموعه مؤلفان، زیرنظر: غلام‌علی حدّادعادل، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۳ ش، صص ۸۹۹-۸۶۷.

۳/۱/۱۰. مدخل «ثابت و متغیر» در دانش‌نامه جهان اسلام

نگارنده: منیره پلنگی

معرفی: نویسنده در این مدخل، به تعریف اصطلاحات «ثابت» و «متغیر»، مصادیق آن‌ها و مسائل فلسفی مربوط به آن‌ها پرداخته است. وی در بخشی از نوشتار خود، نظر فیلسوفان مسلمان را درباره ارتباط امور ثابت با متغیر و اقسام آن (سرمد، دهر و سرمد) بیان کرده است. او در این بخش خاطر نشان کرده که مراد میرداماد از «نسبت» در تعریف اوعیه سه‌گانه زمان، دهر و سرمد، معیت (باهم بودن) و قبلیت (مقدم بودن) است. نگارنده همچنین، در تبیین آراء مربوط به نسبت ثابت با متغیر، به دیدگاه میرداماد اشاره کرده و تذکر داده است که از نظر او، همه چیز غیر از خداوند - خواه ثابت یا متغیر - حادث دهری هستند.

مؤلف در ادامه، شبهه ربط حادث به قدیم و پاسخ‌های حکماء را به آن برشمرده است. وی در این بخش خاطر نشان کرده که در نظام فلسفی میرداماد و بنابر نظریه «حدوث دهری»، شبهه ربط

ثابت به متغیر و ربط حادث به قدیم اساساً منتفی است. نگارنده در ادامه این مدخل، تقریرهای میرداماد را از شبهه مذکور و پاسخ وی را نقل کرده است.

اطلاعات نشر: دانش نامه جهان اسلام، ج ۹، مجموعه مؤلفان، زیرنظر: غلام علی حداد عادل، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۴ ش، صص ۳۷-۳۱.

۳/۱/۱۱. مدخل «جذوات و مواقیت» در دانش نامه جهان اسلام

نگارنده: علی اوجی

معرفی: نگارنده جذوات و مواقیت را مهم ترین اثر فلسفی میرداماد به زبان فارسی دانسته و در این مدخل، آن را معرفی کرده است. وی بر این باور است که این کتاب، حاصل اندیشه شخصی میرداماد نیست؛ بلکه از الهام غیبی نشئت گرفته است. جذوات و مواقیت از دوازده جزوه و سی و پنج میقات تشکیل شده است. نویسنده علاوه بر اشاره به محتوای این بخش ها، خاطرنشان کرده که میرداماد در این کتاب، طرح کاملی از اندیشه های مابعدالطبیعی خود را با استشهاد به آیات قرآنی و احادیث ارائه داده است.

بنا بر گزارش مؤلف، میرداماد در جذوات برای نقش تمثیلی حروف و اعداد اهمیت فراوانی قائل شده و نظرات فیثاغوریان و صوفیان نخستین را در این باب بازگو کرده است. همچنین، به تحلیل آراء دو گروه از فلاسفه پرداخته است: فلاسفه یونان (فیثاغورس، اَبَرَقْلُس، اَرخوُطُس، ارسطو، افلاطون، اَنکسیمانس، اومیرُس، رواقیان، سقراط و نيقوماخُس)؛ حکماء مسلمان (فارابی، ابن سینا، ابن تَرکه، شمس الدین محمد خفری و ابوالفتح محمد شهرستانی). وی نشر جذوات و مواقیت را مانند سایر مکتوبات میرداماد، پیچیده دانسته؛ اما ویژگی های دیگری برای این کتاب برشمرده است: ملّغ نویسی و استفاده از نشر ترکیبی عربی/فارسی؛ تقدیم فعل بر فاعل؛ تطابق صفت و موصوف طبق قواعد زبان عربی؛ درازگویی و استفاده از جملات معترضه؛ تشبیهات پیاپی و استفاده از واژه های مترادف. نگارنده در پایان، حواشی جذوات را برشمرده که عبارت اند از: حواشی ملاعلی نوری (عمیق ترین و مفیدترین حواشی)؛ حواشی مؤلف، حواشی شماری از کاتبان. اطلاعات نشر: دانش نامه جهان اسلام، ج ۹، مجموعه مؤلفان، زیرنظر: غلام علی حداد عادل، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۴ ش، صص ۷۸۰-۷۸۲.

۳/۱/۱۲. مدخل «جعل» در دانش نامه جهان اسلام

نگارنده: انسیه برخواه

معرفی: نویسنده در این مدخل، به مبحث فلسفی/کلامی «جعل» پرداخته است. او پس از بیان معنای اصطلاحی جعل و تاریخچه ای از تحولات آن، اقوال گوناگون حکماء را در این باره بررسی کرده است. وی متذکر شده که مسئله اصلی در جعل، تحلیل فعل علّت است. او در ادامه، به اقسام جعل و دیدگاه دانشمندان در این باره اشاره کرده و سه پاسخ اصلی به این مسئله را چنین دسته بندی کرده است: مجعولیت ماهیت؛ مجعولیت وجود؛ مجعولیت اتّصاف. وی در توضیح نظریه مجعولیت ماهیت، میرداماد را از طرفداران آن برشمرده و خاطرنشان کرده که میر در این مبحث، تا حدّ زیادی تحت تأثیر اندیشه دوانی بوده است. مؤلف در ادامه، اشکالات دیدگاه

میرداماد را بررسی کرده و سپس، به تبیین نظریهٔ مجعولیت وجود و مجعولیت اتصاف پرداخته است. اطلاعات نشر: دانش نامهٔ جهان اسلام، ج ۱۰، مجموعهٔ مؤلفان، زیرنظر: غلام علی حدّاد عادل، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۵ ش، صص ۴۴۶-۴۵۲.

۳/۱/۱۳. مدخل «حدوث و قدم» در دانش نامهٔ جهان اسلام/ بخش اول: حدوث و قدم در فلسفه نگارنده: احسان کرمانشاهانی

معرفی: نویسندهٔ این مدخل پس از بیان معنای دو اصطلاح «حدوث» و «قدم»، ریشه‌های تاریخی این مبحث را نزد فلاسفهٔ یونان - همچون افلاطون، ارسطو، فلوپین و پروکلس - بررسی کرده است. در ادامه، به سیر تحوّل آن در فلسفهٔ اسلامی پرداخته و آراء شخصیت‌هایی همچون فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی را مرور کرده است. نگارنده در این بخش، به اشکالات متکلمان بر دیدگاه فلاسفه، پاسخ‌های فلاسفه به این اشکالات و نظریهٔ «زمان موهوم» نیز اشاره کرده است. مؤلف پس از تبیین دو نظریهٔ «حدوث زمانی» و «حدوث ذاتی»، از نظریهٔ «حدوث دهری» سخن گفته است. بنا بر گزارش وی، میرداماد حدوث ذاتی و حدوث زمانی را نقد کرده و خود نوع دیگری از حدوث، یعنی حدوث دهری، را بنا نهاده است. نگارنده با اشاره به برخی مقدمات - از جمله مراتب سه‌گانهٔ زمان، دهر و سرمد - تقریری مختصر از نظریهٔ میرداماد ارائه داده است. سپس، به حدوث زمانی ملاصدرا و حدوث اسمی حکیم سبزواری پرداخته است.

اطلاعات نشر: دانش نامهٔ جهان اسلام، ج ۱۲، مجموعهٔ مؤلفان، زیرنظر: غلام علی حدّاد عادل، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۷ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۹ ش)، صص ۷۰۳-۷۰۷.

۳/۱/۱۴. مدخل «سمّاکي استرآبادي (فخرالدین سمّاکي استرآبادي)» در دانش نامهٔ گلستان (جرجان و استرآباد)

نگارنده: جعفر مقدّم

معرفی: این مدخل به معرفی و شرح حال فخرالدین سمّاکي استرآبادي اختصاص دارد. نویسنده خاطر نشان کرده که وی استاد و معاصر میرداماد بوده است. بنا بر گزارش او، میرداماد در زمان حیات سمّاکي سنّ کمی داشته است و نمی‌توان رابطهٔ بین آن دو را در جایگاه استاد و شاگرد پذیرفت؛ بلکه می‌توان گفت: میرداماد به دلیل اشتیاق به معرفت‌اندوزی و کسب علم و دانش، از مجلس درس سمّاکي بهره برده و گاهی با او مباحثه کرده است.

اطلاعات نشر: دانش نامهٔ گلستان (جرجان و استرآباد)، ج ۲، مجموعهٔ مؤلفان، زیرنظر: رحمت‌الله رجائی، چ ۱، گرگان: انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی میرداماد [و] نشر بنام، ۱۳۹۵ ش، صص ۱۹۱-۱۹۹.

۳/۱/۱۵. مدخل «میرداماد» در دانش نامهٔ گلستان (جرجان و استرآباد)

نگارنده: محمّد حکیمی

معرفی: نویسنده پس از اشاره به نسب و لقب میرداماد، تذکر داده است که برخی نویسندگان - همچون دهخدا - او را به اشتباه داماد شاه‌عبّاس صفوی دانسته و لقب «داماد» را به این

نسبت استناد داده‌اند. وی دوران زندگی میرداماد را مقارن با اوج حکومت صفوی دانسته و بعد از اشاره به وفات او در سال ۱۰۴۰ هجری قمری، در تأیید مدّعی خود، ماده تاریخ «عروس علم و دین را مرده داماد» را نقل کرده است. نگارنده همچنین از دو فرزند میرداماد، میرزاصدرا و دخترش که همسر میرسیداحمد علوی بوده، یاد کرده و به القاب میرداماد در تاریخ فلسفه اسلامی (استادالبشر، السیدالسند و سیدالافاضل) اشاره کرده است. مؤلف در این بخش، درباره مطالبی همچون تحصیلات میرداماد در مشهد مقدّس، قوّت حافظه وی، کمالات روحی و معنوی او سخن گفته و برخی استادان و شاگردان مشهور میرداماد را نام برده است. سپس، بیست و نه عنوان از آثار وی را به اختصار معرفی کرده است.

نگارنده در ادامه، بر اساس آثار دکتر سیدحسین نصر، توضیحاتی درباره حکمت یمانی ارائه کرده و برخی آراء فلسفی میرداماد را با این ترتیب مرور کرده است: ۱. نظریه «حدوث دهری» که محور مباحث حکمت یمانی و کشف مهمّ فلسفی میرداماد است. ۲. اشتراط وحدت حمل در تناقض؛ ۳. اصالت عقل و رابطه عقل و وحی، ۴. اصالت ماهیت؛ ۵. انحصار مقولات در دو مقوله؛ ۶. عینیت حرکت قطعیه؛ ۷. تقریر جدید از مسئله «بداء».

مؤلف به پیروی از دکتر نصر بر این باور است که آثار میرداماد، از دو ویژگی مهمّ برخوردارند: ۱. نظم و نسق آثار فلسفی میرداماد که برخلاف دیگران، مباحث خود را به ترتیب منطق، طبیعیات و مابعدالطبیعه ارائه نکرده است؛ ۲. توجه ویژه میر به مباحث حدوث، زمان و حرکت. او در پایان، با نقل پاسخ میرداماد به یکی از اشکالات فخرالدین رازی، توانایی و قدرت تحلیل فلسفی میرداماد را به نمایش گذاشته است.

اطلاعات نشر: دانش نامه گلستان (جرجان و استرآباد)، ج ۲، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: رحمت الله رجائی، چ ۱، گرگان: انتشارات مؤسسه فرهنگی میرداماد [و] نشر بنام، ۱۳۹۵ ش، صص ۲۶۶-۲۸۲.

۳/۱/۱۶. مدخل «محمّدباقر میرداماد» در دانش نامه مشاهیر استان گلستان

نگارندگان: اشکان فروتن؛ شهناز بیگی بروجنی

معرفی: مؤلفان میرداماد را فقیه، محدث، متکلم، فیلسوف، حکیم، مفسّر قرآن، طبیب، عارف، ریاضی دان، ادیب و شاعر قرن دهم و یازدهم هجری معرفی کرده و تولّد وی را در سال ۹۶۹ یا ۹۷۰ هجری قمری در شهر گرگان ثبت کرده‌اند. ایشان در ادامه، به وجه تلقیب میر به «داماد» و رابطه دوستانه او با شیخ بهایی و تقرّیبش به دربار صفوی اشاره کرده و از اساتید و شاگردان مشهور میرداماد یاد کرده‌اند. به باور نویسندگان، میرداماد حکیمی اشرافی و نموداری کامل از فیلسوف شیعی است که علو مرتبه او در حکمت، سبب شده است تا به «معلم ثالث» ملقب شود. ایشان درباره تسلط کامل میرداماد بر فلسفه مشاء و رگه‌های اشرافی و عرفانی در افکار فلسفی وی سخن گفته‌اند. حسب گزارش نگارندگان، میرداماد در سن ۷۱ یا ۷۲ سالگی، میان راه کربلا و نجف درگذشته و در جوار مرقد حضرت علی (ع) مدفون شده است. ایشان در پایان، با اشاره به اینکه تعداد تألیفات میر بالغ بر ۱۳۲ عنوان است، ۴۵ عنوان از آثار مهمّ وی را نام برده‌اند.

اطلاعات نشر: دانش نامه مشاهیر استان گلستان، اشکان فروتن؛ شهناز بیگی بروجنی، چ ۱، تهران:

رسانش نوین، ۱۳۹۱ش، صص ۱۹۳-۱۹۵.

۳/۱/۱۷. مدخل «الإعضالات العویصات» در دایرة المعارف تشیع

نگارنده: بی‌نا

معرفی: در این مدخل بسیار کوتاه، کتاب الإعضالات میرداماد معرفی شده است. نویسنده علاوه بر اطلاعات نشر کتاب، توضیحاتی درباره موضوع (چنددانشی)، زبان (عربی) و ساختار آن نیز ارائه داده است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشیع، ج ۲، مجموعه مؤلفان، زیرنظر: احمد صدرحاج سیدجوادی [و] کامران فانی [و] بهاء‌الدین خرّم‌شاهی، ج ۱، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ش (تجدید چاپ تا نوبت ششم، ۱۳۸۵ش)، ص ۲۷۷.

۳/۱/۱۸. مدخل «حدوث دهري» در دایرة المعارف تشیع

نگارنده: محمد کریمی زنجانی اصل؛ سیده‌آمنه حسینی

معرفی: این مدخل، مروری خلاصه و در عین حال دقیق بر نظریه «حدوث دهري» میرداماد است. نویسندگان با تأکید بر توجه میرداماد به آراء فلاسفه پیشین درباره حدوث عالم، خاطرنشان کرده‌اند که وی با ویرایش بسیاری از مفاهیم فلسفی، نظریه‌ای نادر و اصالتاً فلسفی ارائه کرده است. در ادامه، درباره طرح نظریه حدوث ذاتی و افول آن به دنبال نوآوری‌های کلامی خواجه نصیرالدین طوسی توضیح داده‌اند.

مؤلفان خاطرنشان کرده‌اند که علی‌رغم تأثیر میرداماد از آراء شیخ اشراق، شیوه تفسیر او از آراء ابن سینا درباره مسئله حدوث عالم، از یک سو بر بسط و تفصیل و گاهی تصدیق برخی اقوال بوعلی و از سوی دیگر بر مخالفت با تعارض‌ها و ناسازگاری‌های اقوال دیگر مبتنی است. ایشان در ادامه، تفسیر میرداماد از سه مفهوم «سرمد»، «دهر» و «زمان» و استدلال‌های وی را در اثبات نظریه حدوث دهري بررسی و تبیین کرده‌اند. نگارندگان خاطرنشان کرده‌اند که میرداماد در ارائه و اثبات نظریه حدوث دهري، ظاهراً هدفی کلامی و دینی داشته و درصدد پاسخ به ایرادات عثمانیان بر حکمت شیعی درباره قول به قدم عالم بوده؛ از این رو، از بررسی پیامدهای این نظریه در مسائلی مانند علیّت، حرکت و... باز مانده است.

نویسندگان در ادامه اشاره کرده‌اند که رأی میرداماد اعتراض علماء اهل سنت را برانگیخت و ایشان، نظریه حدوث دهري را مخالف با فحوای قرآن قلمداد کردند. همین امر سبب شد تا ملاًصداً نظریه حدوث زمانی را بر اساس حرکت جوهری مطرح کند. ایشان همچنین، از مخالفت ملاًعبداًلله زنوزی و حاج ملاًهادی سبزواری با نظریه حدوث دهري و موافقت علامه میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی با آن یاد کرده‌اند. مؤلفان ضمن اشاره به التفات هنری کربن و توشی هیکو ایزوتسو به این نظریه، خاطرنشان کرده‌اند که استاد سید جلال‌الدین آشتیانی نظریه میرداماد را متکلفانه و ناکافی دانسته است. فضل‌الرحمان نیز در مقاله‌ای ضمن پاسخ به اشکالات استاد آشتیانی، برداشت کلی میرداماد را از مفهوم حدوث دهري، با نظر ابن سینا هماهنگ دانسته است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشیع، ج ۶، مجموعه مؤلفان، زیرنظر: احمد صدرحاج سیدجوادی

[و] کامران فانی [و] بهاء الدین خرّمشاهی [و] حسن یوسفی اشکوری، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۷۶ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۸۱ش)، صص ۱۲۹-۱۳۲.

۳/۱/۱۹. مدخل «ربط الحادّث بالقديّم» در دایرة المعارف تشييع

نگارنده: محمّد کریمی زنجانی اصل

معرفی: این مدخل، به معرفي رساله ربط الحادّث بالقديّم، اثر ميرزا ابوالحسن جلوه، اختصاص دارد. نگارنده خاطر نشان کرده که در این رساله چشم اندازی تلفیقي از مسئله ربط حادث به قديم ارائه شده است. ميرزا ابوالحسن جلوه، آراء این سینا، میرداماد و ملا صدرا را در باب موضوع مذکور بررسی کرده و درباره نظریات میرداماد به کتاب های الصراط المستقیم و القبسات استناد کرده است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشييع، ج ۸، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادى [و] کامران فانی [و] بهاء الدین خرّمشاهی، چ ۱، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۹ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۳ش)، ص ۱۴۰.

۳/۱/۲۰. مدخل «الرواشح السماویة في شرح الأحادیث الإمامیة» در دایرة المعارف تشييع

نگارنده: محمّد کریمی زنجانی اصل

معرفی: نگارنده در این مدخل، کتاب الرواشح السماویة را معرفي کرده است. این اثر رساله ای ناتمام به زبان عربی است که در شرح کتاب الکافی شیخ کلینی تألیف شده است. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد علاوه بر شرح برخی احادیث کتاب های «عقل و جهل» و «توحید»، مباحث مهمی در حیطة علم رجال و درایة الحديث مطرح کرده است.

مؤلف در ادامه، به سخن میرداماد درباره حذف ادات تقید در لفظ و اعتبار آن در نیت اشاره کرده و تذکر داده که وی در جذوة هفتم از کتاب جذوات و مواقیت، ترجمه گونه ای به فارسی از این مطلب ارائه کرده است. او پس از بررسی ساختار کتاب الرواشح السماویة و اشاره به برخی مطالب آن، خاطر نشان کرده که عمق نظرات میرداماد در این اثر، نشان دهنده مدافئه او در آثار اصیل کلامی و روایی امامیه - همچون الشافی سید مرتضی و کمال الدین و إتمام النعمه شیخ صدوق - است. نویسنده در پایان اشاره کرده که این اثر، نمادی از تلفیق و پیوند شریعت و تفلسف در دوران صفوی است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشييع، ج ۸، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادى [و] کامران فانی [و] بهاء الدین خرّمشاهی، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۹۱ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۳ش)، ص ۳۳۴.

۳/۱/۲۱. مدخل «الصراط المستقیم» در دایرة المعارف تشييع

نگارنده: بهاء الدین خرّمشاهی

معرفی: نویسنده در این مدخل، کتاب الصراط المستقیم میرداماد را اثری فلسفی - یا توسعاً: کلامی - معرفي کرده است. وی خاطر نشان کرده که موضوع این کتاب، بررسی چگونگی ربط حادث به

قدیم است. وی با توجه به مقدمه علی اوجی بر این اثر، درباره مطالب آن - همچون سنخیت بین علت و معلول و چگونگی ربط علّة العلل (خداوند) و معلول (جهان هستی و ماسوی الله) - سخن گفته است. بنا بر گزارش نگارنده، میرداماد این مسئله را بر اساس مبانی حکمت یانی و نظریه «حدوث دهری» تبیین کرده است. وی در پایان، به پیچیدگی و دشواری زبان فلسفی میرداماد در این اثر اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشیع، ج ۱۰، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: احمد صدرحاج سیدجوادی [و] کامران فانی [و] بهاء الدین خرّمشاهی، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۸۳ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۳ ش)، صص ۳۲۵-۳۲۶.

۳/۱/۲۲. مدخل «شمسایلیانی» در دایرة المعارف تشیع

نگارنده: عبدالحسین شهیدی صالحی

معرفی: این مدخل به معرفت شمس الدین محمد گیلانی اختصاص دارد. نگارنده خاطر نشان کرده که وی از جمله شاگردان میرداماد بوده و بنا بر گزارش استاد آشتیانی در مقدمه کتاب مسالک الیقین، در فلسفه و حکمت از طریقه میرداماد - که حکمت به سبک مشائیان باشد - پیروی کرده است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشیع، ج ۱۰، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: احمد صدرحاج سیدجوادی [و] کامران فانی [و] بهاء الدین خرّمشاهی [و] ابراهیم طاهری، چ ۱، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۳ ش، صص ۵۲-۵۳.

۳/۱/۲۳. مدخل «قبسات» در دایرة المعارف تشیع

نگارنده: آزاده عباسی

معرفی: به باور نویسنده، کتاب قبسات حقّ الیقین فی حدوث العالم، برجسته‌ترین اثر میرداماد در اثبات حدوث جهان و چگونگی صدور عالم از خداوند است. وی به تقسیم‌بندی کتاب به ده «قبس» و هر قبس به چند «ومضة» و «ومیس» و معنای این عناوین اشاره کرده است. او بر این باور است که ارتباط این مفاهیم با نور، آتش و درخشش، نشان‌دهنده توجه میرداماد به سهروردی و تعالیم اشراقی است. مؤلف در ادامه، درباره انگیزه میرداماد از تألیف القبسات و موضوعات هر قبس از کتاب سخن گفته است. وی خاطر نشان کرده که میرداماد در نگارش این اثر، به آثار ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی توجه محوری داشته است؛ گرچه به اقوال شیخ اشراق، ابوالبرکات بغدادی، بهمنیار، فخر رازی و کتاب اثولوجیانیز استناد کرده و آراء فیلسوفان یونانی را درباره حدوث عالم نقد کرده است. او در پایان، به شروح و حواشی القبسات اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشیع، ج ۱۳، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: احمد صدرحاج سیدجوادی [و] کامران فانی [و] بهاء الدین خرّمشاهی [و] ابراهیم طاهری، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۹۰ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۲ ش)، صص ۱۴-۱۵.

۳،۱،۲۴. مدخل «میرداماد، محمدباقر» در دایرة المعارف تشیع

نگارنده: حمیرا انقطاع

معرفی: نویسنده پس از اشاره به کلیاتی از حیات میرداماد (القاب، تخلص شعری و تحصیلات ابتدایی)، درباره نقش وی در پایه‌گذاری مکتب اصفهان به همراه شیخ بهایی و میرفندرسکی سخن گفته است. بنا بر گزارش او، به دلیل شمار آثار فلسفی و تقدّم زمانی حضور میرداماد در اصفهان نسبت به شیخ بهایی و میرفندرسکی، او را مؤسس مکتب فلسفی اصفهان دانسته‌اند.

مؤلف در ادامه، به تبخّر میرداماد در علوم نقلی و جایگاه وی در میان فقهاء هم عصر خود اشاره کرده است. همچنین، درباره لقب «معلم ثالث» و زبان پیچیده و دشوار میرداماد در طرح مباحث فلسفی سخن گفته است. نگارنده با اشاره به اینکه مهم‌ترین نوآوری میرداماد، نظریه «حدوث دهری» است، تقریر مختصری از این نظریه ارائه داده است. پس از آن، از تلاش میرداماد در پیوند و ساحت دین و فلسفه و برقراری ارتباط نزدیک میان عقل و شرع سخن گفته است. به‌باور نویسنده، نتیجه این تلاش‌ها، اهمیت یافتن محوری عقل نزد فیلسوفان بعد از میرداماد است. وی در ادامه، از استادان و شاگردان مشهور میرداماد یاد کرده و فهرستی از آثار وی به همراه موضوعات آن‌ها ارائه داده است. نگارنده با اشاره به وفات میرداماد در سال ۱۰۴۱ هجری قمری و و تدفین وی در نجف اشرف، این مدخل را به پایان رسانده است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف تشیع، ج ۱۰، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: احمد صدرحاج سیدجوادى [و] کامران فانی [و] بهاء‌الدین خرّم‌شاهی [و] حسین خندق‌آبادی، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۹۴ ش، صص ۵۷۳-۵۷۴.

۳،۱،۲۵. مدخل «میرداماد» در دایرة المعارف فارسی

نگارنده: بی‌نا

معرفی: دایرة المعارف فارسی بر پایه دایرة المعارف کلمبیا گردآمده است. نویسنده در این مدخل بسیار کوتاه، درباره کلیاتی از حیات میرداماد (همچون تقرب به حکومت صفویان، تخلص شعری و القاب وی) سخن گفته و برخی از آثار او را معرفی کرده است.

اطلاعات نشر: دایرة المعارف فارسی، ج ۲، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: غلامحسین مصاحب، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی (وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر)، ۱۳۵۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت چهارم، ۱۳۸۸ ش)، ص ۲۹۵۳.

۳،۱،۲۶. مدخل «میرداماد، محمدباقر» در دائرة المعارف یا مجموعه آثار

نگارنده: رضا استادی

معرفی: این نوشتار شامل دو بخش است: در بخش نخست آن، شرح حال میرداماد ارائه شده و در بخش دوم، دو رساله اربعه‌ایام و شرعة التسمیة معرفی شده‌اند. مطالب این مدخل برگرفته از مقالات قدیمی نگارنده‌اند که پیش‌تر در مداخل شماره ۲۳،۱۰ و ۲۳،۱۵ در این شناخت‌نامه معرفی شده‌اند؛ لذا و برای پرهیز از تکرار مطالب، از معرفی مجدد آن‌ها چشم پوشیدیم.

اطلاعات نشر: دائرة المعارف یا مجموعه آثار، ج ۱۵، رضا استادی، به‌کوشش: کاظم استادی، چ ۱،

قم: تولید و پخش کتاب ارزشمند، ۱۳۹۸ ش، صص ۵۲۷-۵۵۵.

۳/۱، ۲۷. مدخل «میرداماد» در دیدار با فیلسوفان سپاهان: فرهنگ فیلسوفان اصفهان از

دوران باستان تا این روزگاران

نگارنده: محمدرضا زاده‌هوش

معرفی: این اثر درخشان، دایرةالمعارفی تاریخی و شخصیت محور است که فیلسوفان شهر اصفهان را به تفصیل و دقت معرفی کرده است. نویسنده در مدخل «میرداماد»، ابتدا به لقب، تخلص، نسب، محل تحصیل (مشهد، قزوین و کاشان)، و اساتید میرداماد (شیخ عبدالعالی کرکی (دایی او)، میرفخرالدین سماکی استرآبادی، سیدنورالدین علی عاملی، تاج‌الدین حسین صاعدی، سیدابوالحسن موسوی عاملی، سیدحسین کرکی، شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی) و شیخ عبدالعلی جابلقی اشاره کرده و تذکر داده که میرداماد پیش از بیست سالگی به اجتهاد در علوم ریاضی و فلسفی رسیده است.

او در ادامه، درباره واژه «حکمت» سخن گفته و استعمال آن را به جای واژه «فلسفه»، عملی هوشمندانه از سوی خردپژوهان مسلمان قلمداد کرده است. همچنین، از محبوب نبودن فلسفه و گرفتاری آن به طعن و لعن در زمان میرداماد سخن گفته و خاطرنشان کرده است که میرداماد برای حل این مشکل و مواجهه با ظاهرگرایان تندرو، مباحث فلسفی و عقلی را با آیات و روایات، مستند و مدلل کرد و نظام فلسفی خود را بر اساس حدیثی نبوی، «حکمت یانی» نامید.

مؤلف در ادامه، به برخی آراء فلسفی میرداماد از جمله نظریه «حدوث دهری» اشاره کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد در قبس چهارم از القبسات و در دو اثر دیگر خود، الأفق المبین و الصراط المستقیم، به تبیین این نظریه پرداخته است. او تقسیم‌بندی مراتب جهان را به سه مقوله زمان، دهر و سرمد، انقسامی هستی‌شناختی دانسته و بر این باور است که میرداماد این نظریه را زیسته است. علاوه بر این، میرداماد برای نخستین بار، «وجود رابط» و «وجود رابطی» را در عرض مفهوم «وجود محمولی» مطرح کرده است. نگارنده سخنان تازه میرداماد را گواهی بر پایان دوره تاریک و پرتکرار پیش از او قلمداد کرده و میر را تطهیردهنده فلسفه و عامل محبوبیت دوباره فلاسفه دانسته است. به باور مؤلف، میرداماد با جذب عناصر مختلف، اندیشه‌هایی را که مقابل یکدیگر بودند، در کنار هم قرار داده و نظامی واحد تدوین کرده است که در آن، تفکر برهانی و احوال عرفانی در هماهنگی با هم قرار گرفته‌اند.

نگارنده خاطرنشان کرده که میرداماد پژوهش‌های عقلی و معرفت تجربی را در مقام استدلال ناکافی می‌دانسته و برای وصول به علم یقینی، از درک و دریافت شهودی بهره فراوان برده است. وی در ادامه، آراء خاص میرداماد را به سه دسته تقسیم کرده و فهرستی از آن‌ها عرضه کرده است: الف) آراء ابداعی و ابتکاری؛ مانند حدوث دهری.

ب) راه‌حل‌هایی که برای برخی مشکلات فلسفی و منطقی ارائه شده‌اند؛ مانند مسئله بداء، اصالت ماهیت، پیدایش کثرت از وحدت، اقلیم هشتم یا «هورقلیا»، اشتراط وحدت حمل در تناقض و....

ج) اقوال نادر؛ مانند انحصار مقولات در دو مقوله جوهر و عرض.

نویسنده با اشاره به شاگردان میرداماد، خاطرنشان کرده که سی تن از آن‌ها به درجه اجتهاد نائل شده‌اند. سپس، به آثار میرداماد پرداخته و آورده است که او بیش از صدوسی کتاب و رساله به زبان‌های عربی و فارسی نگاشته که دشواری اسلوب و تکلفات واژگانی، موجب دشواری فهم آن‌ها شده است. نگارنده دشواری میرداماد را مانعی برای تکفیر او و نیز مانعی برای رشد حکمت یمانی دانسته است. وی در ادامه، برخی از آثار مشهور میرداماد را نام برده و به موضوع و اطلاعات نشر آن‌ها اشاره کرده است. مؤلف در پایان، با تحقیق در اقوال مختلف، مطالب بسیار مفیدی درباره تاریخ وفات میرداماد، مدفن او و اوضاع کنونی مزار وی ارائه داده است. اطلاعات نشر: دیدار با فیلسوفان سپاهان: فرهنگ فیلسوفان اصفهان از دوران باستان تا این روزگاران، محمدرضا زاده‌هوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۹۱-۱۰۴.

۳/۱/۲۸. مدخل «میرمحمدباقر داماد» در رجال اصفهان در علم و عرفان و ادب و هنر

نگارنده: سید محمدباقر کتابی

معرفی: نویسنده پس از اشاره به تخلص شعری و نسب میرداماد، وی را عالمی جامع در علوم معقول و منقول و استاد فلسفه، فقه، ادب، ریاضی، تفسیر و سایر معارف اسلامی معرفی کرده است. از اساتید میر، به شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی) و شیخ عبدالعالی کرکی (پسر محقق کرکی) اشاره کرده و در ادامه، عباراتی از سلافة العصر و أمل الآمل درباره میرداماد آورده است. بنا بر گزارش مؤلف، میرداماد در استرآباد زاده شده و پس از اقامت در مشهد، قزوین و اصفهان، در سال ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ هجری قمری، در سفر عتبات عراق چشم از جهان فرو بسته است. نگارنده در ادامه، به رابطه صمیمانه میرداماد با شیخ بهایی و تقرب وی به دربار صفویان اشاره کرده و سپس، ماجرای مشاعره میرداماد را با شیخ بهایی، از روضات الجنات نقل کرده است. از زهد و تقوای میرداماد یاد کرده و از کتاب حدائق المقرّبین، نگاشته محمد صالح خاتون آبادی، نقل کرده است که میرداماد هر شب پانزده جزء از قرآن را تلاوت می‌کرده است. وی همچنین، خاطرنشان کرده که پس از وفات شیخ بهایی، میرداماد شیخ‌الاسلامی و امامت جمعه اصفهان را بر عهده گرفته است. مؤلف در ادامه، برخی تألیفات میرداماد را نام برده و با نقل دو رباعی از دیوان اشعار او، این مدخل را به پایان برده است.

اطلاعات نشر: رجال اصفهان در علم و عرفان و ادب و هنر، سید محمدباقر کتابی، چ ۱، اصفهان: انتشارات شهرداری اصفهان [و] نشر گله‌ها، ۱۳۷۵ش، ج ۱، صص ۲۸۵-۲۸۸.

۳/۱/۲۹. مدخل «اشراق استرآبادی» در رواق اشراق

نگارنده: محمدعلی مجاهدی (پروانه)

معرفی: این مدخل، بخشی از مجموعه‌ای سه جلدی است که به شرح حال شاعران عالم، حکیم و روحانی اختصاص دارد. نویسنده ذیل مدخل «اشراق استرآبادی»، به شرح حال میرداماد اشاره کرده است. او در این بخش، درباره نسب و اجداد میر، القاب وی - همچون «داماد»، «معلم ثالث» و «استادالبشر» - و تلاش‌های او در تأسیس مکتب فلسفی اصفهان سخن گفته است. نگارنده با استناد به اشعار میرداماد، به مقام علمی وی و علاقه‌اش به ملاحضه اشاره کرده است.

در ادامه، تعدادی از تألیفات میرداماد را برشمرده و تاریخ ولادت و وفات وی (۹۷۰-۱۰۴۰ هجری قمری) را ثبت کرده است. نویسنده در پایان، نمونه‌هایی از اشعار میرداماد نقل کرده؛ از جمله رباعیات او در مناقب ائمه علیهم‌السلام، رباعی او به پیروی از شیخ ابوسعید ابوالخیر و مثنوی «مشرق الأنوار» که در جواب مخزن الأسرار نظامی سروده است.

اطلاعات نشر: رواق اشراق، محمدعلی مجاهدی (پروانه)، چ ۱، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۵ش، ج ۱، صص ۵۱۴-۵۳۸.

۳/۱/۳۰. مدخل «میرداماد (وفات: ۱۰۴۰ ه. ق)» در زندگی‌نامه یکصدوده تن از شاعران،

نویسندگان و دانشمندان

نگارنده: مصطفی رحیمی‌نیا

معرفی: مؤلف در این مدخل، شرح حال کوتاهی از میرداماد ارائه داده و درباره موضوعاتی همچون تخلص شعری و القاب میر، منزلت وی نزد شاه‌عباس صفوی و استادان و شاگردان مشهور او سخن گفته است. او خاطرنشان کرده که مطابق با گزارش مورخان و تذکره‌نویسان، میرداماد مردی عابد بوده و در خواندن قرآن بسیار مداومت می‌کرده است. نویسنده همچنین، به تلاش میرداماد در استحکام بخشیدن به رابطه دین و فلسفه و ارائه تفسیری اشراقی از حکمت مشائی اشاره کرده است. در ادامه متذکر شده که میرداماد در کتاب الأفق المبین از تناهی زمان، نظریه «حدوث دهری» و اصالت ماهیت سخن گفته است. این در حالی است که ملاصدرا برخلاف استاد خود، نظریه اصالت وجود را برگزیده است و حکماء دیگر نیز اندیشه‌های میر را درباره زمان، مردود دانستند. نگارنده برخی آثار میرداماد را نام برده و در پایان، نمونه‌هایی از سروده‌های وی را نقل کرده است.

اطلاعات نشر: زندگی‌نامه یکصدوده تن از شاعران، نویسندگان و دانشمندان، مصطفی رحیمی‌نیا، چ ۱، تهران: نشر جهان آرا، ۱۳۸۵ش، صص ۵۵۵-۵۵۷.

۳/۱/۳۱. مدخل «میرداماد» در شرح حال رجال و مشاهیر نامی ایران

نگارنده: مصطفی صدرالدین صدری

معرفی: مؤلف با ذکر این نکته که تاریخ تولد میرداماد مشخص نیست، از نسب و لقب وی سخن گفته و به مطالبی همچون ذوق او در حکمت طبیعی و احترام و نفوذش در دربار شاه‌عباس صفوی اشاره کرده است. وی در ادامه، از شاگردان مشهور میرداماد (ملاصدرا، عبدالرزاق لاهیجی و ملامحسن فیض‌کاشانی) نام برده و خاطرنشان کرده است که تعالیم اشراقی و عرفانی در فلسفه میرداماد تأثیر فراوان داشته‌اند. نویسنده برخی ادعاهای میرداماد (همچون رؤیت عقول دهگانه در خواب و مفارقت روح از جسد) را غیرمعقول دانسته است. وی در ادامه، ماجرای رؤیای مشهور ملاصدرا را درباره سبک نگارش میرداماد، نقل کرده و در پایان، برخی آثار مشهور میرداماد را نام برده است.

اطلاعات نشر: شرح حال رجال و مشاهیر نامی ایران، چ ۱، تهران: آبنوس، ۱۳۷۴ش، صص ۳۶۵-۳۶۸.

۳۱،۳۲. مدخل «میرمحمدباقر داماد» در عرفان و ادب در عصر صفوی

نگارنده: احمد تمیم‌داری

معرفی: این اثر، مجموعه‌ای تاریخی و دایرةالمعارفی درباره ادبیات فارسی و عرفان در عصر صفوی است. نویسنده در مدخل مربوط به میرداماد، وی را در شمار عالمان و حکیمان و متکلمان عصر صفوی و معاصر با شیخ بهایی معرفی کرده است. او پس از اشاره به تحصیلات ابتدایی میرداماد در مشهد و هجرت وی به قزوین و اصفهان، از رابطه صمیمانه او با شیخ بهایی سخن گفته و خاطرنشان کرده است که هرگاه شاه‌عباس در گلگشت به تفرج می‌پرداخت، هر دو را با خود همراه می‌کرد. نگارنده در ادامه، به اجازات میرداماد، شخصیت معنوی و تجارب عرفانی و تاریخ وفات وی اشاره کرده است. سپس، برخی آثار میرداماد را نام برده و نثر فارسی و عربی او را پیچیده و مشکل ارزیابی کرده است. به‌باور مؤلف، میر در مقایسه با سایر نویسندگان عصر صفوی، متانت و ادب و وقار را رعایت کرده است.

بنا بر گزارش نگارنده، میرداماد در اشعار خود از اصطلاحات فلسفی و دینی فراوانی استفاده کرده است. وی مفاخره منظوم میرداماد را نقل کرده و درباره انگیزه سرایش آن توضیح داده است. او خاطرنشان کرده که مثنوی مشرق‌الأنوار میرداماد کاملاً تحت تأثیر مخزن‌الأسرار نظامی سروده شده است. نویسنده برای تأیید این مدعا، برخی مضامین مشترک این دو مثنوی را مرور کرده است. همچنین، برای نشان دادن مضامین عرفانی و دینی در شعر میرداماد، برخی غزل‌های وی را نقل کرده و متذکر شده که برخلاف بیان پیچیده و دشوار میرداماد در حکمت، شعر او از سادگی و روانی برخوردار است. مؤلف در ادامه، به بررسی مفهوم «عشق» در اشعار میر پرداخته و خاطرنشان کرده که او در غزل‌های خود، بیش از هر مضمونی به عشق توجه داشته است. سپس، نمونه‌هایی از غزلیات میرداماد نقل کرده است که این مضامین را در بر دارند: حیران عشق، همت عشق، جوی غم عشق، دولت عشق، آتش عشق، سامان عشق، درد عشق و جان خسته و.... نویسنده این مدخل را با نقل رباعی میر در وصف شاگردش، ملاصدرا، به پایان برده است. اطلاعات نشر: عرفان و ادب در عصر صفوی، احمد تمیم‌داری، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۹۰ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ ش)، صص ۴۹۱-۵۰۲.

۳۱،۳۳. مدخل «مرحوم میرداماد = ۱۰۴۱ نجف اشرف» در علمای بزرگ شیعه: از گلینی تا خمینی

نگارنده: محمد جرفادقانی (گلپایگانی)

معرفی: در این کتاب، مراجع و علماء شیعه در هر قرن (از شیخ گلینی رحمته‌الله‌علیه تا امام خمینی رحمته‌الله‌علیه) به اختصار معرفی شده‌اند. نود و دومین مدخل در این کتاب، به شرح حال میرداماد اختصاص دارد. نگارنده خاطرنشان کرده است که همه مورخان و صاحبان تذکره‌ها میرداماد را حکیمی دانشمند و جامع علوم عقلی و نقلی دانسته‌اند. میرداماد در مسیر کسب کمالات علمی و معنوی، رنج‌های فراوانی متحمل شده و از این رهگذر به مقامات و فیوضاتی دست یافته که کمتر کسی به آن‌ها رسیده است. مؤلف در ادامه، درباره پدر میرداماد و اتصال وی به محقق ثانی و همچنین، مراحل تحصیلات و استادان میر سخن گفته است. او همچنین، فهرستی از آثار مهم میرداماد ارائه

داده که از این قرار است: الصراط المستقیم، الحبل المتین و القبسات که کتب مشکل در حکمت هستند؛ شارع النجاة در فقه و حواشی بر کتب الکافی، الفقیه و المختلف؛ سدرۃ المنتهی در تفسیر؛ خلصة الملکوت، رفع شبهه، جذوات و الأفق المبین در کمال و ترقی معنوی و عرفانی؛ عیون المسائل، رساله «زیارات» و اشعار فارسی و عربی.

نویسنده با نقل عبارتی از سلافة العصر، میرداماد را خطیبی جامع و ماهر در فصاحت و بلاغت معرفی کرده که بر جمعه و جماعت مواظبت کامل داشته است. سپس، از ارتباط میر با شیخ بهایی و نقش ایشان در حفاظت و ترقی مذهب تشیع سخن گفته است. او بعد از گزارش وفات میرداماد در سال ۱۰۴۱ هجری قمری و دفن او در نجف اشرف، خاطرنشان کرده که پس از میر زعامت و مرجعیت شیعیان و کرسی درس فقهاء و محدثان در شهر اصفهان، به ترتیب در اختیار این عالمان بوده است: محمدتقی مجلسی، محقق خوانساری، محمدباقر مجلسی، آقا جمال خوانساری، فاضل هندی، صدرالدین قمی و علامه خواجه‌ی.

اطلاعات نشر: علمای بزرگ شیعه: از گلینی تا خنینی، محمد جرفادقانی (گلپایگانی)، چ ۱، قم: انتشارات معارف اسلامی، ۱۳۶۴ ش، صص ۱۳۰-۱۳۲.

۳/۱/۳۴. مدخل «تقویم الإیمان» در فرهنگ آثار ایرانی / اسلامی: معرفی آثار مکتوب از روزگار

کهن تا عصر حاضر

نگارنده: علی اوجبی

معرفی: مطالب این مدخل، با مدخل شماره ۳/۱/۸ «تقویم الإیمان» در دانش‌نامه جهان اسلام) عیناً مطابق است؛ لذا و برای پرهیز از تکرار مطالب، از معرفی مفصل آن چشم پوشیدیم. اطلاعات نشر: فرهنگ آثار ایرانی / اسلامی: معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر، ج ۲، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: سید علی آل داود [و] احمد سمیعی گیلانی [و] رضا سید حسینی، چ ۱، تهران: نشر سروش، ۱۳۸۸ ش، صص ۴۳۵-۴۳۶.

۳/۱/۳۵. مدخل «میرداماد» در فرهنگ ادبیات فارسی

نگارنده: زهرا خانلری (کیا)

معرفی: نویسنده پس از اشاره به لقب، محل تولد، محل تحصیل، محل اقامت میرداماد و توجه ویژه شاه عباس به او، خاطرنشان کرده است که تألیفات متعدد فلسفی و دینی میرداماد، همه به زبان عربی هستند. وی از الصراط المستقیم و القبسات در مسائل حکمت، کشف الحقایق با موضوع حکمی و دینی و مثنوی مشرق الأنوار نام برده است.

اطلاعات نشر: فرهنگ ادبیات فارسی، زهرا خانلری (کیا)، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ ش (تجدید چاپ تا نوبت ششم، ۱۳۸۵ ش)، ص ۴۹۵.

۳/۱/۳۶. مدخل «میرداماد» در فرهنگ اعلام سخن

نگارنده: بی‌نا

معرفی: نویسنده در این مدخل، بعد از اشاره به تخلص شعری میرداماد، او را فقیه، عارف، حکیم،

ریاضی دان و شاعر ایرانی عصر صفوی معرفی کرده است. همچنین، درباره لقب «داماد»، تقریباً میر به دربار شاه عباس اول و شاه صفی و نیز، دوستی نزدیک او با شیخ بهایی سخن گفته است. مؤلف چند تن از اساتید و شاگردان مشهور میرداماد و تعدادی از آثار او را معرفی کرده است. به باور وی، میرداماد بر فلسفه منشاء و آثار ابن سینا تسلط کامل داشته، تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صوفیه را درک کرده و در تألیفات خود به آثار فارابی، ابن سینا، شیخ اشراق و فخر رازی استناد کرده است.

اطلاعات نشر: فرهنگ اعلام سخن، ج ۳، مجموعه مؤلفان، زیر نظر: حسن انوری، چ ۱، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۸۷ ش)، ص ۲۱۲۶.

۳،۱،۳۷. مدخل «میرداماد، محمدباقر بن محمد» در فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی

نگارنده: بی نا

معرفی: در این مدخل بسیار کوتاه، توضیحات مختصری درباره القاب میرداماد، تسلط وی بر علوم مختلف، استادان وی (شیخ عبدالعالی کرکی، میرفرخالدین محمد سماکی استرآبادی (محقق فخری)، شیخ حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ بهایی)، سید نورالدین عاملی، تاج الدین حسین صاعدطوسی) و شاگردانش (فیض کاشانی، فیاض لاهیجی، ملاصدرا) به چشم می خورد. نویسنده در پایان مدخل، فهرست نسبتاً کاملی از آثار میرداماد ارائه داده است.

اطلاعات نشر: فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی، ج ۴، جمعی از پژوهشگران مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی (وابسته به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه)، چ ۱، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۹ ش، صص ۵۰۳-۵۰۲.

۳،۱،۳۸. مدخل «محمدباقر - میرداماد» در فرهنگ بزرگان اسلام و ایران

نگارندگان: آذر تفضلی؛ مهین فضایی جوان

معرفی: در این مدخل، معرفی کوتاهی از میرداماد و شرح حال وی ارائه شده است. نویسندگان به مطالبی همچون جامعیت میر در علوم معقول و منقول، تسلط او بر کلام و ادبیات و القاب وی - همچون «داماد» - اشاره کرده اند. همچنین، از اساتید میرداماد (شیخ عبدالعالی کرکی، میرفرخالدین محمد سماکی استرآبادی، شیخ حسین بن عبدالصمد) و شاگردان او (ملاصدرا) و رابطه دوستانه وی با شیخ بهایی سخن گفته اند. مؤلفان این مدخل را با اشاره به عناوین برخی آثار میرداماد (القبسات، عیون المسائل، مرآة الزمان، حبل المتین و دیوان اشعار) به پایان برده اند.

اطلاعات نشر: فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی؛ مهین فضایی جوان، چ ۱، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۷۳.

۳،۱،۳۹. مدخل «اشراق اصفهانی» در فرهنگ شاعران زبان پارسی: از آغاز تا امروز

نگارنده: عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

معرفی: نگارنده در این مدخل کوتاه، توضیحات مختصری درباره زندگانی میرداماد، مشرب عرفانی و تخلص شعری او ارائه داده است. او همچنین، از برخی آثار میرداماد - از جمله مثنوی

«مشرق‌الأنوار» که در برابر مخزن الأسرار سروده شده - نام برده و در پایان، اییاتی از سروده‌های میرداماد نقل کرده است.

اطلاعات نشر: فرهنگ شاعران زبان پارسی: از آغاز تا امروز، چ ۱، تهران: کومش، ۱۳۶۸ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۸ش)، ج ۱، ص ۴۴.

۳،۱،۴۰. مدخل «میرداماد» در فرهنگ فارسی

نگارنده: محمد معین

معرفی: نویسنده به توجه مخصوص شاه‌عبّاس صفوی به میرداماد اشاره کرده و او را اهل استرآباد معرفی کرده که تحصیلات خود را در مشهد و بیشتر عمرش را در اصفهان سپری کرده است. مؤلف از شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی در مقام اساتید میرداماد و ملاصدرای شیرازی در جایگاه شاگرد او نام برده و بعد از ذکر عنوان برخی آثار و تألیفات وی (الصراط‌المستقیم، القبسات، أنموذج‌العلوم، التقدیسات) به مثنوی مشرق‌الأنوار میرداماد و تخلص شعری او (اشراق) اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: فرهنگ فارسی، بخش سوم (اعلام)، ج ۲، محمد معین، چ ۱، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۳ش (تجدید چاپ تا نوبت بیست‌وهفتم، ۱۳۹۱ش)، ص ۱۲۵.

۳،۱،۴۱. مدخل «میرداماد» در فرهنگ نامه فارسی واژگان و اعلام

نگارنده: بی‌نا

معرفی: نویسنده در این مدخل کوتاه، میرداماد را با عنوان حکیم و متکلم ایرانی و از مردم گرگان معرفی کرده است. از آثار میرداماد نیز به سدره‌المنتهی در تفسیر قرآن و القبسات در حکمت اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: فرهنگ نامه فارسی واژگان و اعلام، ج ۳، غلامحسین صدری افشاری؛ نسرین حکمی؛ نسترن حکمی، چ ۱، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۰ش)، ص ۲۶۷۳.

۳،۱،۴۲. مدخل «اشراق» در فرهنگ نامه مفاخر استرآباد و جرجان (استان گلستان): شعرا

نگارنده: میرتیق حسینی خواه

معرفی: این مجموعه به معرفی شاعران استان گلستان اختصاص دارد. نویسنده در مدخل «اشراق» درباره میرداماد سخن گفته و با استناد به منابعی همچون تاریخ عالم‌آرای عبّاسی، قصص‌العلماء و تذکره نصرآبادی، توضیحاتی درباره دوران تحصیل میر و مباحثات وی با فخرالدین سَمَکِی استرآبادی، شخصیت علمی و معنوی میرداماد و آثار او ارائه داده است. وی در ادامه نمونه‌هایی از اشعار میرداماد نقل کرده؛ از جمله مستزادی که در تضمین رباعی ابن‌سینا سروده شده است. میرزا عبدالله افندی اصفهانی در تعلیقه أمل‌الأمّل تخلص میرداماد را «استرآبادی» ثبت کرده؛ اما نگارنده با ردّ این ادّعا، خاطرنشان کرده که تخلص شعری میرداماد «اشراق» است.

اطلاعات نشر: فرهنگ نامه مفاخر استرآباد و جرجان (استان گلستان): شعرا، میرتیق حسینی خواه،

چ ۱، گرگان: پیک ریحان، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، صص ۱۰۵-۱۱۰.

۳/۱/۴۳. مدخل «میرداماد» در فهرست مشاهیر ایران، از آغاز دوران های افسانه ای تا زمان حاضر نگارنده: ابوالفتح حکیمیان

معرفی: نویسنده در این مدخل، اطلاعات مختصری درباره میرداماد (همچون تخلص شعری وی، نسبت اش با محقق کرکی و تقریب وی به دربار صفویان) بیان کرده است. در ادامه، فهرست نسبتاً کاملی از نودوهفت اثر میرداماد ارائه داده و موضوع آن ها را ذکر کرده است. مؤلف مطابق با ماده تاریخی «عروس علم و دین را مرده داماد»، وفات میر را در سال ۱۰۴۰ هجری قمری (۱۰۰۹ هجری شمسی و ۱۶۳۰ میلادی) ثبت کرده و آرامگاه وی را در منزلی بین کربلا و نجف دانسته است. اطلاعات نشر: فهرست مشاهیر ایران از آغاز دوران های افسانه ای تا زمان (در شرح آثار، یادگارها، خدمات انسانی، و زندگی نامه مردان و زنان ایرانی با سنوات تطبیق)، ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷ ش، صص ۵۲۲-۵۲۷.

۳/۱/۴۴. مدخل «میرداماد» در کتاب شناسی منتخب فلاسفه اسلامی

نگارنده: غلامحسین بنی آدم

معرفی: این منبع کتاب شناختی، فهرستی از ۱۱۴۰ عنوان کتاب و مقاله را در بر دارد و در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست به فهرست کتب و مقالاتی اختصاص دارد که موضوع آن ها، کلیات فلسفه اسلامی است و بخش دوم، شامل کتاب شناسی فلاسفه اسلامی است. در این بخش، ابتدا آثار هر فیلسوف و سپس، کتاب ها و مقالاتی که درباره حیات و آراء او نگاشته شده، معرفی شده اند.

نویسنده در بخش دوم و ذیل نام میرداماد، کتاب های السبع الشداد، الإعضالات العویصة، جذوات و مواقیت و القبسات و چاپ های گوناگون آن ها را معرفی کرده است. همچنین، به چهار مقاله درباره میرداماد اشاره کرده است: «حدوث دهری میرداماد» از مصطفی ستاریان؛ «شرح احوال و آثار میرداماد استرآبادی» از اغناطیوس الصیسی؛ «میرداماد یا معلم ثالث» (مکتب الهی اصفهان) از هنری کرین؛ «میرداماد، فلسفه و شرح حال و نقد آثار او» از سیدعلی موسوی بهبهانی. اطلاعات نشر: کتاب شناسی منتخب فلاسفه اسلامی، غلامحسین بنی آدم، چ ۱، تهران: انتشارات مرکز اسناد و مدارک علمی، ۱۳۶۵ ش، صص ۱۶۲-۱۶۳.

۳/۱/۴۵. مدخل «میرداماد» در معارف و معاریف: دایرةالمعارف جامع اسلامی

نگارنده: سیدمصطفی حسینی دشتی

معرفی: نویسنده در این مدخل کوتاه، میرداماد را از علماء مشهور عصر صفوی و داماد شاه عباس صفوی معرفی کرده است. وی در ادامه، عنوان برخی آثار مشهور میرداماد را ذکر کرده و پس از اشاره به همراهی او با کاروان شاهی در سفر عتبات، درباره وفات و مدفن او سخن گفته است. اطلاعات نشر: معارف و معاریف: دایرةالمعارف جامع اسلامی، سیدمصطفی حسینی دشتی، چ ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵ ش، ج ۵، ص ۶۴۴.

۳/۱/۴۶. مدخل «میرداماد» در مفاخر اسلام

نگارنده: علی رجبی دوانی

معرفی: نویسنده معرفی میرداماد را با نقل عبارات اسکندریک منشی از کتاب عالم‌آرای عباسی آغاز کرده است. اسکندریک درباره نسب و اجداد میرداماد، مراحل تحصیل وی، جایگاه اجتماعی و علمی و برخی آثار او سخن گفته است. مؤلف در ادامه، عباراتی از سلافة العصر درباره جایگاه علمی و معنوی میرداماد نقل کرده است. او در پایان مدخل، دو قصیده از فتیاض لاهیجی در مدح میرداماد نقل کرده است.

اطلاعات نشر: مفاخر اسلام، ج ۷، علی رجبی دوانی، چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی قبله، ۱۳۷۲ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۷۵ ش)، صص ۹۹-۱۰۵.

۳/۱/۴۷. مدخل «میرداماد» در منابع منطقی و فلسفی شیعه

نگارنده: محمد کاشی زاده

معرفی: فصل هشتم این کتاب به میرداماد و آثار و آراء او اختصاص یافته است. نویسنده پس از اشاره به مشخصات میرداماد (نام، لقب، نسب، تخلص شعری و والدین) تاریخ ولادت وی را سال ۹۶۹ هجری قمری ثبت کرده است. سپس، به حیات علمی میر پرداخته و خاطرنشان کرده که او فلسفه و ریاضیات را در دوران حضورش در خراسان آموخته است. در ادامه، از سبک خاص میرداماد یاد کرده و او را دشوارنویس‌ترین فیلسوف مسلمان دانسته است. سپس، از آراء ابتکاری و نظام فلسفی میرداماد، حکمت یانی، سخن گفته و آن را به اختصار معرفی کرده است. به‌باور نگارنده، اندیشه میرداماد بر برهان و شهود مبتنی است و او در ادراک معارف فلسفی و عرفانی، عقل رها شده از وهم را فاعل شناسا می‌داند.

مؤلف در ادامه، به تأثیر میرداماد بر آراء ملاصدرا اشاره کرده و عبارات محترمانه ملاصدرا را درباره استاد، نقل کرده است. به باور وی، ملاصدرا بن‌مایه‌های معرفتی حکمت متعالیه را از اندیشه‌های استاد خود برگرفته است. همچنین، متذکر شده است که مهجوریت میرداماد و آثار وی در تاریخ فلسفه اسلامی، دو عامل عمده دارد: ۱. عمق و پیچیدگی اندیشه‌های میرداماد؛ ۲. تکلف و دشواری زبان و نثر نوشتارهای وی. نویسنده سپس، پنج اثر مهم میرداماد را نام برده و توضیحاتی درباره ساختار، موضوع، شروح، حواشی و چاپ‌های هریک از آن‌ها ارائه کرده است. آثار معرفی شده عبارت‌اند از: القبسات، الصراط المستقیم، التقدیسات، جذوات و مواقیت و تقویم‌الإیمان. اطلاعات نشر: منابع منطقی و فلسفی شیعه، محمد کاشی زاده، چ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۹۷ ش، صص ۱۲۷-۱۳۵.

۳/۱/۴۸. مدخل «سید محمد باقر بن شمس‌الدین محمد حسینی استرآبادی اصفهانی:

میرداماد» در مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، از آغاز چاپ تاکنون

نگارنده: خان بابا مشار

معرفی: نویسنده با استناد به کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی به تحصیلات ابتدایی میرداماد و حضورش در شهر مشهد اشاره کرده و سپس، از مهاجرت وی به اصفهان و مصاحبت او با علماء

و اندیشه‌مندانی مانند فخرالدین سَمَکِی سخن گفته است. او میرداماد را در علوم معقول و منقول، سرآمد روزگار خود دانسته و دربارهٔ ویژگی‌های معنوی و علمی شخصیت او - از جمله زهد و جامعیت - توضیح داده است. وی در پایان اشاره کرده است که فقهاء هم عصر میر، فتاوی شرعی را با تأیید او معتبر می‌شمردند. هدف نگارنده در این اثر، معرفی همهٔ مؤلفان و مترجمان کتاب‌های فارسی و عربی از آغاز صنعت چاپ تا زمان انتشار کتاب حاضر بوده است؛ لذا، در پایان این مدخل یازده اثر میرداماد را نام برده و اطلاعات نشر آن‌ها را ذکر کرده است.

اطلاعات نشر: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، از آغاز چاپ تاکنون، ج ۲، خان بابا مُشار، چ ۱، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۰ش، صص ۷۳-۷۵.

۳/۱/۴۹. مدخل «میرداماد» در نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران

نگارنده: علی اکبر ولایتی

معرفی: نویسنده در بخش معرفی علماء شیعه در عصر صفوی، مدخلی به نام «میرداماد» گشوده و او را به اختصار معرفی کرده است. او ابتدا از شهرت و القاب میرداماد - از جمله «سید الأفاضل» و «معلم ثالث» - و تحصیلات ابتدایی وی سخن گفته و سپس، متذکر شده که او همراه برخی علماء - مانند شیخ بهایی و میرفندرسکی - مکتب اصفهان را پایه‌گذاری کرده است. نگارنده مشهورترین استاد میر را شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی) و شاگردان برجستهٔ او را ملاصدرا، ملاخلیل قزوینی و قطب‌الدین اشکوری دانسته است.

مؤلف حوزهٔ فلسفی اصفهان را نمایان‌گر نوعی از تفکر و اندیشه می‌داند که با آموزه‌های دینی و آیات و روایات هماهنگی بسیار داشته و به ظهور «حکمت معنوی تشیع» انجامیده است. به‌باور وی، جوهرهٔ مکتب اصفهان عبارت است از تلاش و مجاهدت برای گردآوری جریان‌های متعدد، مختلف و گاه متضاد در وحدتی برخوردار از هماهنگی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی بر اساس تعالیم و آموزه‌های مذهب شیعی. نویسنده در ادامه، به نظریهٔ «حدوث دهری» اشاره کرده و تقریر مختصری از آن ارائه داده است. به اعتقاد او، میرداماد با ابداع این نظریه توانست میان متکلم و فیلسوف - یا به عبارت دیگر: میان شرع و عقل - توافق و پیوند ایجاد کند. وی در پایان، پنج عنوان از آثار مهم میرداماد را نام برده و به موضوعات آن‌ها اشاره کرده است.

اطلاعات نشر: نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹ش (تجدید چاپ تا نوبت دهم، ۱۳۹۱ش)، صص ۱۰۱-۱۰۳.

۳/۱/۵۰. مدخل «میرداماد» در نوزده ستاره و یک ماه

نگارنده: رضا استادی

معرفی: این نوشتار شامل دو بخش است: در بخش نخست آن، شرح حال میرداماد ارائه شده و در بخش دوم، دو رسالهٔ اربعه‌ایام و شرعة التسمیة معرفی شده‌اند. مطالب این مدخل برگرفته از مقالات قدیمی نگارنده‌اند که پیش‌تر در مداخل شمارهٔ ۲۳/۱۰ و ۲۳/۱۵ در این شناخت‌نامه معرفی شده‌اند؛ لذا و برای پرهیز از تکرار مطالب، از معرفی مجدد آن‌ها چشم پوشیدیم.

اطلاعات نشر: نوزده ستاره و یک ماه، رضا استادی، چ ۱، قم: نشر قدس، ۱۳۸۲ش، صص ۴۷-۸۴.

۳،۲. سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها

۳،۲،۱. در باب زمانِ بی‌زمانی

مصاحبه‌شونده: مهدی محقق؛ مصاحبه‌کننده: حامد زارع
اطلاعات نشر: مهرنامه، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۹۰ش، صص ۲۰۰-۲۰۱.

۳،۲،۲. دو کتاب با یک عنوان از دو حکیم اصفهان

ارائه‌دهنده: محمدحسن شفیعیان
اطلاعات نشر: مجموعه سخنرانی‌های نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان، گردآوری: علی کرباسی زاده اصفهانی [و] فریده کوهزنگ بهشتی، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۵ش، صص ۸۳-۸۸.

۳،۲،۳. سهم میرداماد در فلسفه

مصاحبه‌شونده: سیدیحیی یثربی؛ مصاحبه‌کننده: م. شریفی
اطلاعات نشر: روزنامه خراسان، چهارشنبه، ۳۱ فروردین ۱۳۸۴ش، شماره ۱۶۱۰۶، ص ۷.

۳،۲،۴. شخصیت میرفندرسکی

ارائه‌دهنده: غلامحسین ابراهیمی دینانی
اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۶۱-۶۸.

۳،۲،۵. فیلسوف داده‌های و حیانی

مصاحبه‌شونده: سیدمصطفی محقق داماد؛ مصاحبه‌کننده: حامد زارع
اطلاعات نشر: مهرنامه، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۹۰ش، صص ۱۹۸-۱۹۹.
+ بازنشر: آفاق حقیقت در سپهر شریعت (گفت‌وگوی حامد زارع با سیدمصطفی محقق داماد)، چ ۱، تهران: ققنوس، ۱۴۰۰ش، صص ۱۳۷-۱۴۱.

۳،۲،۶. مقام میرداماد در تاریخ فلسفه اسلامی

ارائه‌دهنده: رضا داوری اردکانی
اطلاعات نشر: جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۶۹-۷۴.
+ بازنشر:

۱. نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی، رضا داوری اردکانی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ش، صص ۱۰۳-۱۰۶.
۲. ما و تاریخ فلسفه اسلامی، رضا داوری اردکانی، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش، صص ۳۵۵-۳۶۱.

۳،۲،۷. میرداماد

مصاحبه شونده: سیدعلی موسوی بهبهانی؛ مصاحبه کننده: عبدالله نصری
اطلاعات نشر: حدیث اندیشه (گفت وگوهای در باب تاریخ فلسفه اسلامی)، گردآوری: عبدالله نصری، چ ۱، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۹ش، صص ۴۹۷-۵۱۷.

۳،۲،۸. میرداماد فیلسوف مؤسس است

مصاحبه شونده: سیدمجتبی نورمفیدی؛ مصاحبه کننده: حامد زارع
اطلاعات نشر: مهرنامه، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۹۰ش، صص ۲۰۲-۲۰۳.

۳،۲. جراید

۳،۲،۱. آشنایی با مشاهیر مازندران: میرمحمدباقر استرآبادی مشهور به «میرداماد»

نگارنده: گلبرار رئیسی
اطلاعات نشر: روزنامه جمهوری اسلامی (ویژه استان مازندران)، یکشنبه، ۸ آذر ۱۳۷۱ش، سال ۱۴، شماره ۳۹۱۰، ص ۸.

۳،۲،۲. افکار فلسفی: درباره حکیم بزرگ، میرداماد

نگارنده: محسن جهانگیری
اطلاعات نشر: روزنامه اطلاعات (ضمیمه فرهنگی)، چهارشنبه، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ش، شماره ۲۶۷۱۵ (نسخه الکترونیک).

۳،۲،۳. این دیر بلا را سرآبادی نیست: نگاهی به یک رساله فلسفی از «معلم ثالث»

نگارنده: بی نا
اطلاعات نشر: روزنامه کیهان، دوشنبه، ۱۱ آبان ۱۳۶۰ش.

۳،۲،۴. بررسی اندیشه های متفکرین اسلامی: حکیم نظام ساز

نگارنده: عبدالحسین خسروپناه
اطلاعات نشر: روزنامه همشهری، یکشنبه، ۴ بهمن ۱۳۸۳ش، سال ۱۳، شماره ۳۶۲۱، ص ۹.

۳،۲،۵. پیرتر ز خرد: مروری بر احوال و افکار میرداماد حسینی، «معلم ثالث» (بخش اول)

نگارنده: رضا بابایی
اطلاعات نشر: روزنامه کیهان، سه شنبه، ۲۵ خرداد ۱۳۷۲ش، شماره ۱۴۷۹۱، ص ۶.

۳،۲،۶. پیرتر ز خرد: مروری بر احوال و افکار میرداماد حسینی، «معلم ثالث» (بخش دوم)

نگارنده: رضا بابایی
اطلاعات نشر: روزنامه کیهان، چهارشنبه، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲ش، شماره ۱۴۷۹۲، ص ۶.

۳،۳،۷. پیوند عقل و دین در حکمت یمانی میرداماد

نگارنده: علی اوجبی

اطلاعات نشر: وقف: میراث جاویدان (سازمان اوقاف و امور خیریه)، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۷ش، صص ۶۴-۶۷.

+ بازنشر: روزنامه اطلاعات، شنبه، ۵ تیر ۱۳۷۸ش، شماره ۲۱۶۵۵، ص ۱۱.

۳،۳،۸. ترجمه قبسات میرداماد به فارسی برای نخستین بار

نگارنده: بی‌نا

اطلاعات نشر: روزنامه شرق، یکشنبه، ۲۲ آذر ۱۳۹۴ش، سال ۱۳، شماره ۲۴۶۸، ص ۱۰.

۳،۳،۹. جذوات و مواقیت: اثری عرفانی و فلسفی از میرداماد

نگارنده: حسین منوچهری

اطلاعات نشر: نشر دانش (مرکز نشر دانشگاهی)، پاییز ۱۳۸۰ش، شماره ۱۰۱، صص ۴۶-۴۸.

۳،۳،۱۰. جمع میان فلسفه سینایی و حکمت اشراق: نظری به مقام و موقع میرداماد در تاریخ

فلسفه اسلامی

نگارنده: رضا داوری اردکانی

اطلاعات نشر: مهرنامه، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۷.

۳،۳،۱۱. حکمت ایمانیان: درباره میرداماد، معلّم ثالث

نگارنده: علی اوجبی

اطلاعات نشر: روزنامه جام جم، دوشنبه، ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ش، سال ۷، شماره ۱۷۳۸، ص ۱۱.

۳،۳،۱۲. حکیم حکمت یمانی: نگاهی به شخصیت و دانش میرداماد

نگارنده: حامد زارع

اطلاعات نشر: مهرنامه، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۶.

۳،۳،۱۳. درنگی در زندگی حکیم میرداماد (به مناسبت چهارصدمین سال مرگ معلّم ثالث)

نگارنده: سیدمجتبی میردامادی

اطلاعات نشر: فرهیختگان، یکشنبه، ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ش، شماره ۳۱۰۰، ص ۱۵.

۳،۳،۱۴. دو فیلسوف، یک فلسفه: در باب میرداماد و میرفندرسکی

نگارنده: غلامحسین ابراهیمی دینانی

اطلاعات نشر: مهرنامه، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۹۰ش، ص ۳۰۴.

۳،۳،۱۵. شیوه سلوکی میرداماد

نگارنده: بی‌نا

اطلاعات نشر: روزنامه کیهان، سه شنبه، ۲۵ اسفند ۱۳۹۴ ش، شماره ۲۱۳۰۵، ص ۸.

۳،۳،۱۶. فیلسوف بزرگ: حکیم میرداماد

نگارنده: محسن جهانگیری

اطلاعات نشر: روزنامه اطلاعات (ضمیمه فرهنگی)، چهارشنبه، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ ش، شماره ۲۶۷۰۹، نسخه الکترونیک.

۳،۳،۱۷. فیلسوف مشهور، اما گمنام

نگارنده: پی نا

اطلاعات نشر: روزنامه ایران، پنجشنبه، ۲۳ خرداد ۱۳۹۲ ش، شماره ۵۳۸۸، ص ۱۳.

۳،۳،۱۸. گفتاری درباره فلسفه و حکمت ایرانی: در باب میرداماد (بخش اول)

نگارنده: کاظم حسینیان

اطلاعات نشر: روزنامه اطلاعات، چهارشنبه، ۵ مهر ۱۳۹۶ ش، سال ۹۲، شماره ۲۶۸۴۹، ص ۷.

۳،۳،۱۹. گفتاری درباره فلسفه و حکمت ایرانی: در باب میرداماد (بخش دوم)

نگارنده: کاظم حسینیان

اطلاعات نشر: روزنامه اطلاعات، چهارشنبه، ۱۲ مهر ۱۳۹۶ ش، سال ۹۲، شماره ۲۶۸۳۳، ص ۷.

۳،۳،۲۰. مکتب اصفهان

نگارنده: هوشنگ شکری

اطلاعات نشر: روزنامه ایران، چهارشنبه، ۱۵ دی ۱۳۸۹ ش، سال ۱۶، شماره ۴۶۹۱، ص ۲۲.

۳،۳،۲۱. میرداماد

نگارنده: اسدالله ربانی

اطلاعات نشر: مسجد، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶ ش، شماره ۲۳، صص ۹۸-۱۰۹.

۳،۳،۲۲. میرداماد: ستاره پُرفروغ آسمان علم و ادب ایران

نگارنده: پی نا

اطلاعات نشر: روزنامه کیهان، دوشنبه، ۲۵ تیر ۱۳۶۹ ش، شماره ۱۳۹۵۰، ص ۶.

۳،۳،۲۳. میرداماد: فیلسوف حکمت یمانی

نگارنده: عبدالرحمان میرزایی

اطلاعات نشر: روزنامه رسالت، یکشنبه، ۲۹ آبان ۱۳۹۰ ش، شماره ۷۴۱۵، ص ۱۸.

۳،۳،۲۴. میرداماد: فیلسوف مکتب اصفهان

نگارنده: سکینه نعمتی

اطلاعات نشر: روزنامه رسالت، سه شنبه، ۱۳ دی ۱۳۸۴ ش، شماره ۵۱۰۲، ص ۱۷.

۳،۳،۲۵. میرداماد و حکمت معنوی تشیع

نگارنده: بی‌نا

اطلاعات نشر: روزنامه حزب الله، یکشنبه، ۱۸ شهریور ۱۳۸۶ ش.

۳،۳،۲۶. میرداماد و ملاصدرا در مکتب اصفهان

نگارنده: بی‌نا

اطلاعات نشر: روزنامه کیهان، سه‌شنبه، ۲۹ فروردین ۱۳۸۵ ش، شماره ۱۸۴۹۴، ص ۹.

ضمائم

[تصویر شماره ۱]

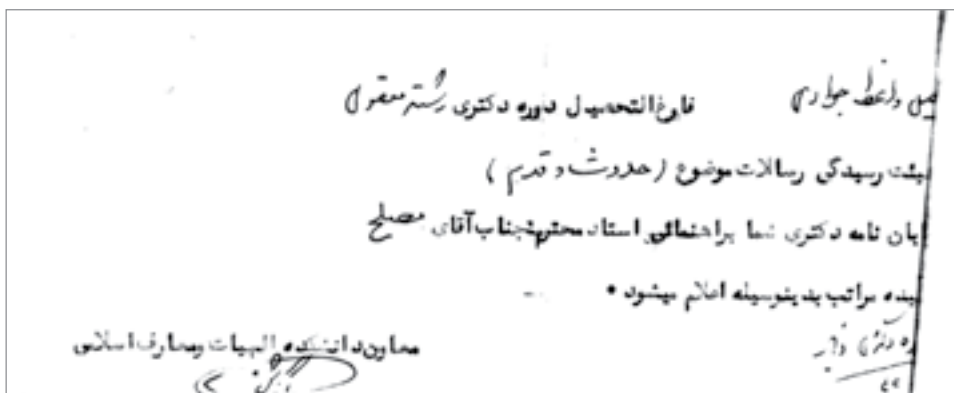


اغناطیوس الصیسی، کشیش فقید لبنانی

نگارنده نخستین تحقیق فارسی درباره میرداماد:

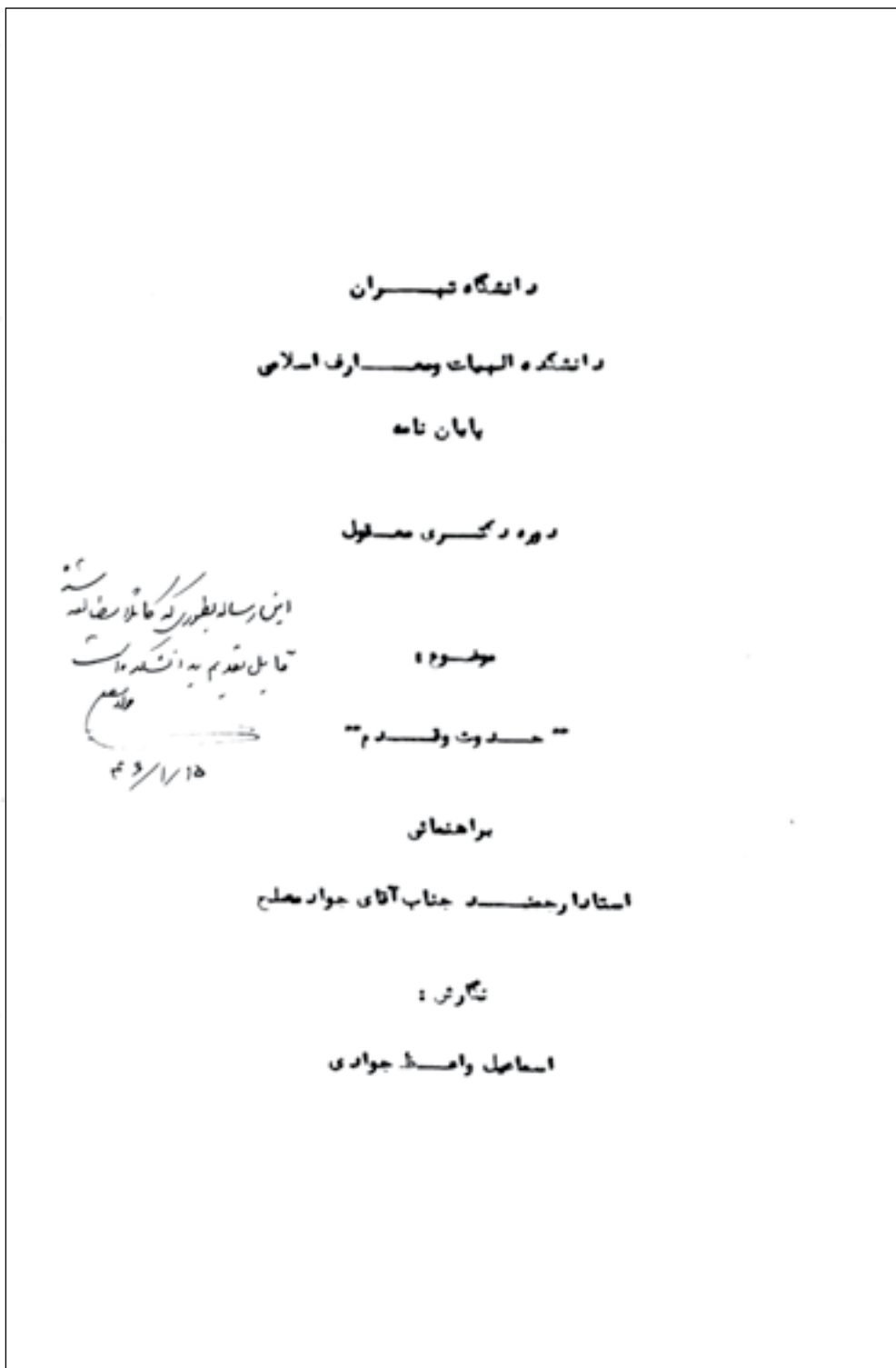
«مقدمه و شرح و تصحیح و تحشیۀ کتاب جذوات میرداماد استرآبادی» (۱،۲،۸)

[تصویر شماره ۲]



تأییدیه نگارش رساله «حدوث و قدم» (۱،۱،۲۳)

[تصویر شماره ۳]



صفحه عنوان رساله «حدوث و قدم» (۱،۱،۲۳)
(نوشته کنار صفحه، به خط دکتر جواد مصلح است.)

[تصویر شماره ۴]

دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه تحصیلی دوره دکتری فلسفه

مکان و زمان

براهمنائی :

استاد اجل جناب آقای دکتر سید حسین نصر

نگارش :

مصطفی ستاریان

سال تحصیلی ۴۷ - ۴۸

صفحه عنوان (الف) رساله «مکان و زمان» (۱،۱،۳۶)

[تصویر شماره ۵]

پایان نامه تحصیلی دوره دکتری فلسفه
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

مکان و زمان

از نظرار، علو و تأثیر آن در حکمای مشایخ اسلام
و اخوان الصفا، ناصر خسرو، شهاب الدین سهروردی،
خواجه نصیر الدین طوسی و متکلمان اسلامی، میرداماد،
و ملامت را با بحث و شد هری میرداماد و حرکت جوهری ملاصدرا

براهمنائسی

استاد اجل جناب آقای دکتر مسیح حسین نصیر

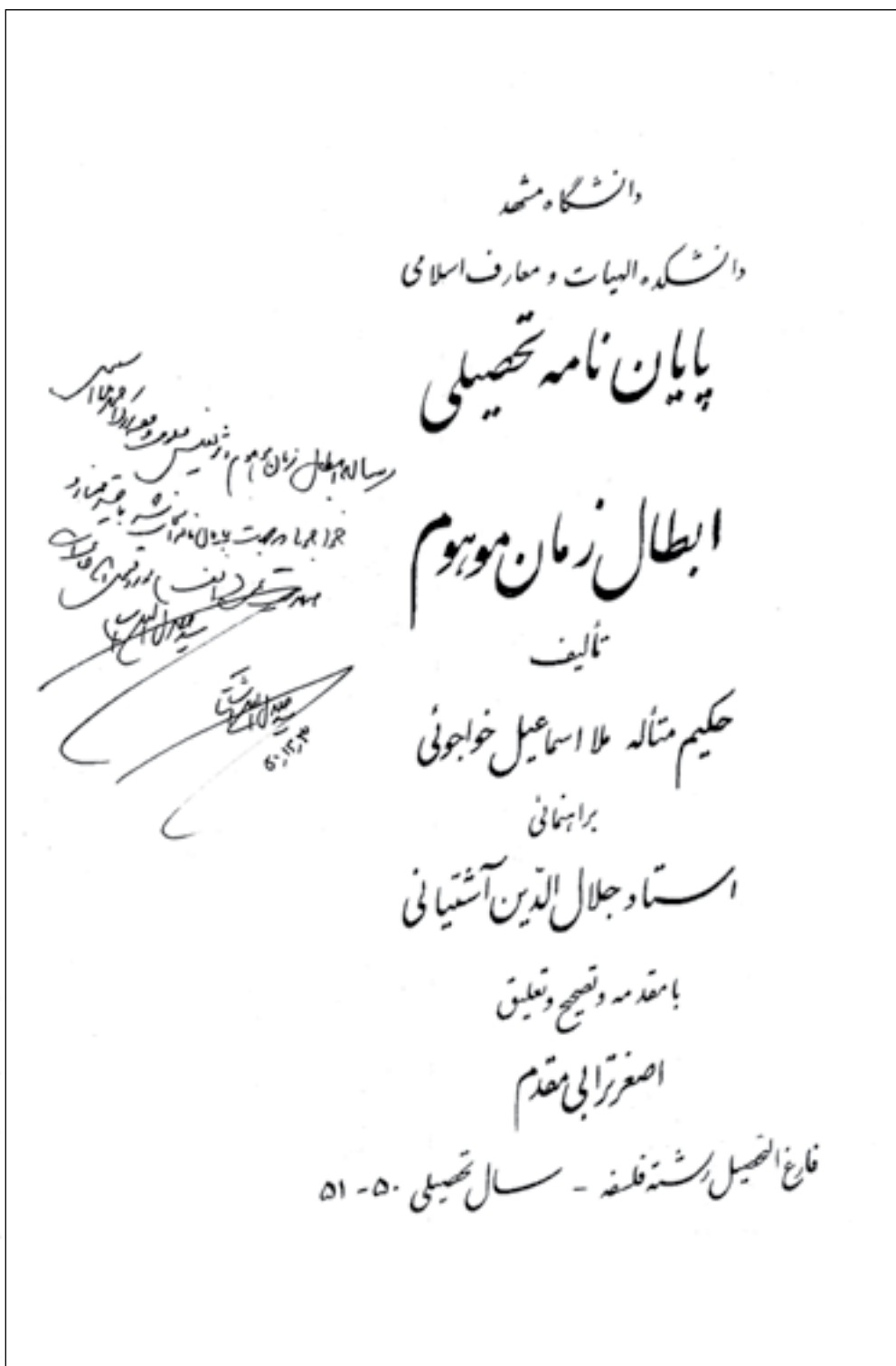
تألیف

مصطفی - ستاریان

مهرماه ۱۳۴۷

صفحه عنوان (ب) رساله «مکان و زمان» (۱،۳۶)

[تصویر شماره ۶]



صفحه عنوان پایان نامه «ابطال زمان موهوم» (۱،۲،۱)
(نوشته کنار صفحه، به خط استاد سید جلال الدین آشتیانی است.)

[تصویر شماره ۷]

بسم الله الرحمن الرحيم دهدا کلیم

ز سائر فرق ایانی

مصدوع : تصحیح کتاب تقدیم الایمان

نوشته : مرحوم میرداماد

است. راجعاً : آگای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

است. تیسر مرتبه : آگای دکتر داری

۲: آگای دکتر جوهری

تتبع کننده : روح الله عالی

تاریخ : ۱۳۶۷، ۶، ۲۲

صفحه عنوان پایان نامه «تصحیح کتاب تقویم الایمان» (۱،۲،۳)

[تصویر شماره ۸]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الا مستغنی عن العزیز الیلیم و اللہ لدی العظیم تقدست یا من الافرار
تلاک و تجددت یا من الذوات اقدت سنت اشدت فیه و جفت الکریم و
فتت الوجود و النعمی لجدک العظیم لا استلج فی حمد مجدک سبیل الی
اذا و حق و لا احصی للثناء علی بیاک سلقاً فی اناء ستمتد ملوکت التامات
علی (کشف) (۱-ب) التامات محمد صفی الاصفیا اکرمین و قهرم الانبیا
و المرسلین و عشرته (الاصفیاء) (۲-ب) الایمین قادة الامم الیوم الکریم و
سادة الخلق اجمعین.

اما بعد. فان احدث المتأثرین الی الله (الف) (۳-ب) محمد باقر الداماد
الحسینی ختم الله له بالحنی بقدر ماشر و داد الخلق آتی قد التیث الکریم کتاباً من
کتاب الدین و (احییت علیکم) (۴-ب) مهمینه من صف الیقین لوانکم و عیتوه
و احسیتوه لا لستم فیه مقتر حکم علی و متفاکم متی معیار (العائیر) (۵-ب) فی
تصیح العقاید و میزان المیزانین فی قدیم الا بیان دان حد الا مع الشکر الربوبی من
آلی القدم الذی صعد علم الانوار العظیمة و البراهیر القدسیة و قد بلغ من تمام (التصیح) (۶-ب)

صفحه نخست پایان نامه «تصحیح کتاب تقویم ایمان» (۱،۲،۳)

[تصویر شماره ۹]

بسم الله الرحمن الرحيم

رساله فوق لسانی

موضوع: تصحیح کتاب تقدیم الایمان (تألیف: میرداماد)

استاد راهنما: آقای دکتر ملا حسین ابراهیمی دنیانی

اساتید مشاور: آقایان دکتر محسن حبائیری
و دکتر رضا داوری

تهیه کننده: مرضی سیاه قری

تاریخ:

صفحه عنوان پایان نامه «تصحیح کتاب تقویم ایمان» (۱،۲،۴)

[تصویر شماره ۱۰]

نیمه دوم متن تصحیح سده تفهیم الایمان

اولات الهیه لیس معنی الوحدة فیها بعینه ۱، سلب اللفظ (۱۰۰) ... بل
 کلدی مہیة مانّ الوحدة مطلقہ فیہ منی وجودی تریب یلحق ذاته و یدخل علی
 مہیة من لوازم سلب اللفظ کما الایقہ فیہ امر تریب دخیل علی مہیة السناد
 بنسب جوهری من جناب الیاعل و بوجدنا من وحدته و ایضا معنی الوحدة فیہ ال
 مہیة ما بہ بصیر جلد معان تعددہ طبیعة ۳، متاخذہ ثم تک الطبیعة التاخذہ
 مینا و احداً بالشخصیة غیر مشارک فی ذاته للمتخصص ۴، من جهة ما یفقد من الوجود
 التفتش السناد من تلقاء الوجود ۵، الواحد الشخص بنسب ذاته فاذن کل
 مالہ مہیة انما هو واحد بوحدة وجودیة دخیلہ علی ذاته ہی جهة تأخذہ وتوجده
 اولاً ۶، تلك مشکلة ۷، الوحدة التعذیه ۸، فاما الوجود الی الواحد وحدة حقہ
 فالنوم من وحدته انہ لا یتقسم فی ذاته ولا یقلع ذاته بحیثیة وحشیة لا یلتزم
 من ذاته حیثیة ورا نفس ذاته اصلاً ولا یتصور لسمیہ له من حقیقہ ۱۰، ولا یظہر له
 فی کماله ولا وجود فی رقبته وجودہ ۱۱، فہو وجود تحت سلب مہیة کل لفظ وشکل
 وازدواج من مہیة وایقہ ووجود ووجوب وسم حقیقہ انہ لا اسم له یدل بہ

صفحه نخست پایان نامه «تصحیح کتاب تفهیم الایمان» (۱،۲،۴)

[تصویر شماره ۱۱]

باسمه تعالی
دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه فلسفه
نیمسال دوم سال تحصیلی (۱۳۹۷)

پایان نامه دوره فوق لیسانس

مقابلہ و تصحیح کتاب

الضراط المستقیم

تألیف مرحوم محمدتقی آخوندی (میرداماد)

(ستاد راهنما : دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی)

دانشجو: احمد خالیدی

صفحه عنوان پایان نامه «مقابلہ و تصحیح کتاب الضراط المستقیم» (۱۳۹۷)

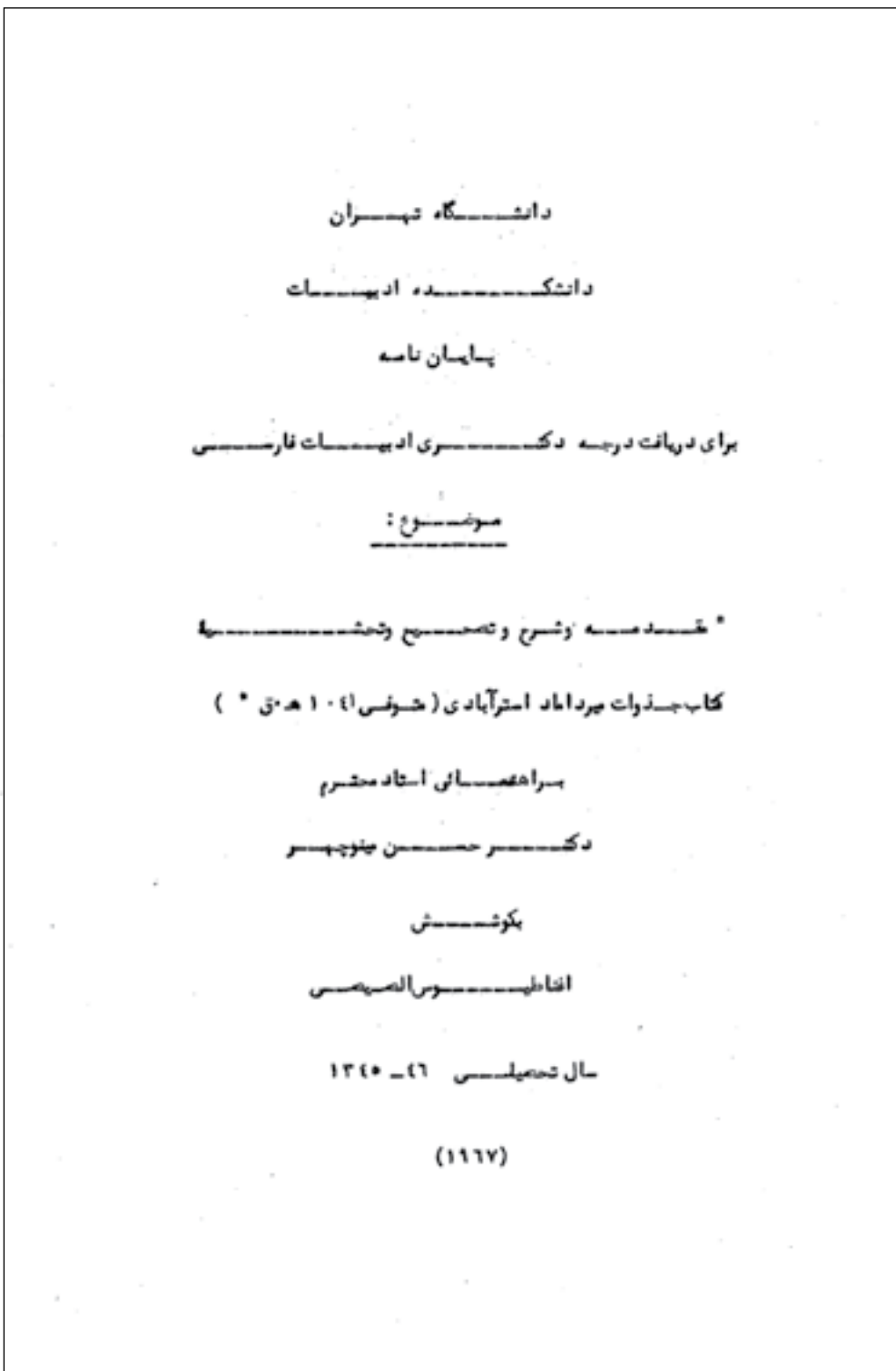
[تصویر شماره ۱۳]

بسم الله الرحمن الرحيم
 البقاء دون انق عِزك وجلالك ، اللهم والثناء وراةسراق
 قدسك وكمالک . يا اَوَّلَ الاَوَّلِ لِجَلَّةِ العِللِ القِدمِ حريم لجبروت
 ربو بيتک ، فأشر بعقولنا ليلاً من ادنى قاع المحدث الى الاقصى
 من ساحة جنا به الذي باركت حوله والعدم غريم لذقة مربو بيتنا
 فذل نفوسنا ضحى على تجارة لن تبور من محوصماء المعهوم
 مع صحو فضاء العلوم بفيض فضلك الذي لا يوازي الحمد طوله
 نبهنا من رقدة الطبيعة فى غسق ليل الخلق بفلق صبح الامر

۱- يا اَوَّلَ الاَوَّلِ لِجَلَّةِ العِللِ (ص)

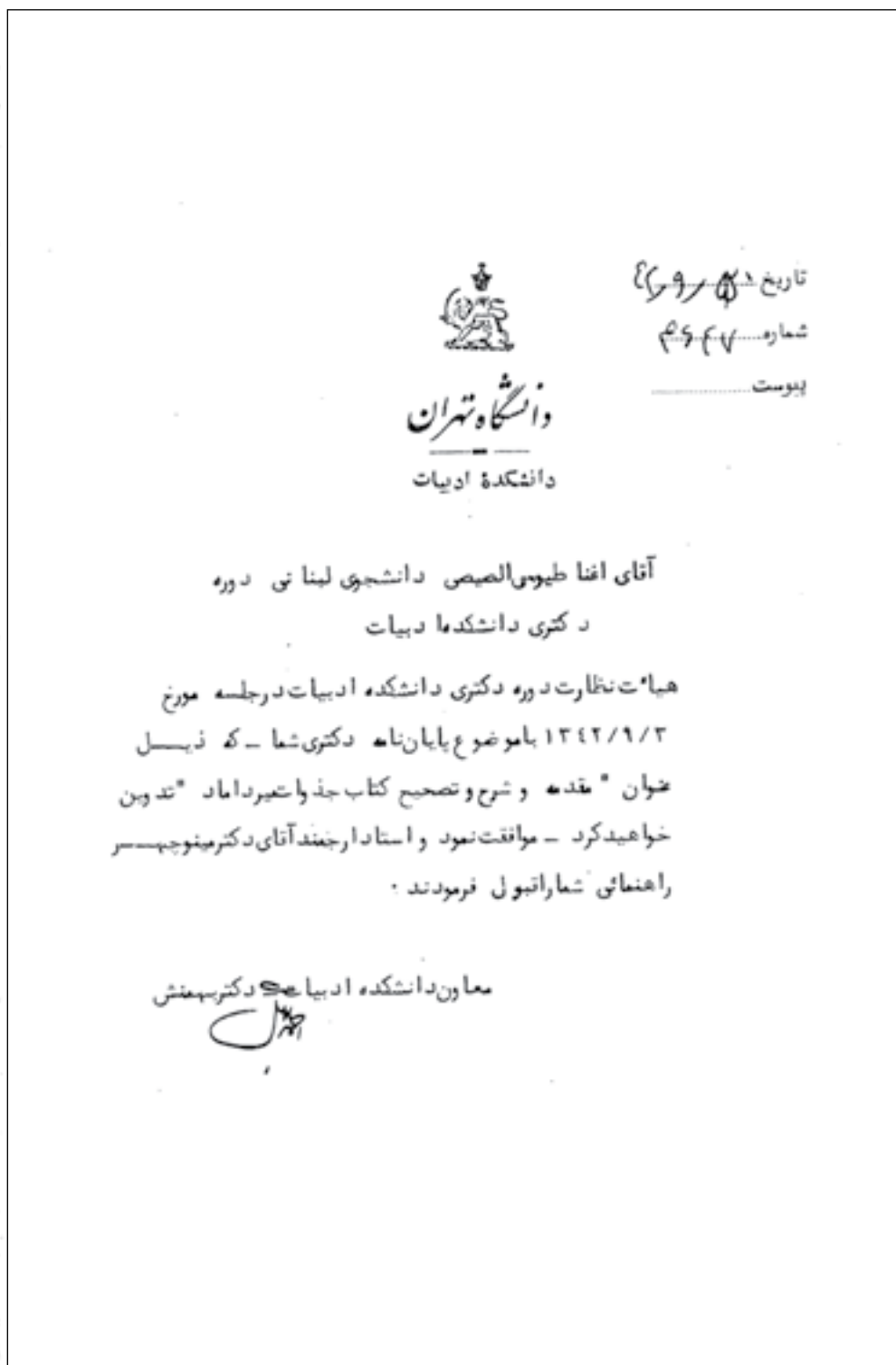
صفحه نخست پایان نامه «مقابله و تصحیح کتاب الصراط المستقیم» (۱،۲،۷)

[تصویر شماره ۱۳]



صفحه عنوان رساله «مقدمه و شرح و تصحیح و تحشیۀ کتاب جزوات میرداماد استرآبادی» (۱،۳،۸)

[تصویر شماره ۱۴]



کتاب‌گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه‌نامه میرداماد (پاره ششم)

تأییدیۀ نگارش رسالۀ «مقدمه و شرح و تصحیح و تحشیۀ کتاب جذوات میرداماد استرآبادی» (۱۳۸۸)

[تصویر شماره ۱۶]

دانشگاه تهران
 دانشکده الهیات و معارف اسلامی
 (معقول و منقول)
 رساله پایان تحصیلی دوره دکتری
 رشته معقول
 موضوع
 شرح حال و آثار و عقاید میرداماد
 پراهنمایی
 استاد محترم جناب آقای دکتر غلامحسین صدیقی
 تألیف
 سید طوسی مدرس موسسوی
 سال ۱۳۶۷-۱۳۶۸

صفحه عنوان رساله «شرح حال و آثار و عقاید میرداماد» (۱/۴۱)

[تصویر شماره ۱۷]

پایان نامه تحصیلی
 دانشگاه مشهد
 دانشکده الهیات و معارف اسلامی
 شرح حال و افکار حکیم فارابی
 حکیم فارابی، شیخ ابن سینا، معقل و وحشی
 سید الحکماء میرداماد
 از: روزیات الهیات فی احوال العلماء والصلوات
 تألیف: علامه میرزا معتمد باقر غوثی
 به اهتمام: ...
 انتشار دانشگاه مشهد
 جناب آقای زین الدین جعفر زاهدی
 ترجمه و نگارش:
 حسین قرنی الحنفی
 فارغ التحصیل رشته حکمت و فلسفه اسلامی
 سال تحصیلی ۱۳۵۰ - ۱۳۴۹

صفحه عنوان پایان نامه «شرح حال و افکار حکیم فارابی، شیخ ابن سینا، محقق دوانی، سیدالحکماء میرداماد» (۱، ۴۳)
 (نوشته کنار صفحه، به خط دکتر زین الدین جعفر زاهدی است.)

شناخت‌نامه

میرداماد در حدیث دیگران

(معرفی آثار غیرپارسی: از آغاز تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی)

سعید مهاجر*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد)

مقدمه

-۱-

درآمد

میرداماد (درگذشته ۱۰۴۰ هجری قمری) یکی از چهره‌های درخشان تاریخ اندیشه اسلامی است. او با تأسیس مکتب فلسفی اصفهان و ایجاد هماهنگی میان حکمت و شریعت، فصلی جدید در تاریخ تفکر شیعی گشود. علاوه بر این، او یکی از فقهاء نامدار و صاحب‌فتوا در روزگار صفوی بود که در میان عموم مردم و خواص اهل علم و سیاست، جایگاهی ویژه داشت. شخصیت علمی و معنوی میرداماد علاوه بر پژوهشگران ایرانی، توجه محققان خارجی را نیز به خود جلب کرده است. نخستین آشنایی غربیان با نام و اندیشه میرداماد، به مقاله هنری کرین با عنوان «خلسه‌های وجدآمیز میرداماد: استاد الهیات اصفهان»^۱ بازمی‌گردد که در سال ۱۹۵۶ میلادی، در یادنامه لویی ماسینیون^۲ به انتشار رسید. کرین در این مقاله و دیگر نگاشته‌های خود، برای نخستین بار از اصطلاح «مکتب اصفهان»^۳ برای یادکرد از نهضت فلسفی اسلامی/ ایرانی در روزگار صفوی استفاده کرد. با ترجمه آثار کرین به دیگر زبان‌ها و حمایت دیگر دانشمندان - همچون دکتر سید حسین نصر - از نظریات او، اندک‌اندک توجه دیگر محققان نیز به مکتب فلسفی اصفهان و شخصیت میرداماد جلب شد. بذری که امثال هنری کرین در آن روزها بر بستر تحقیقات دانشگاهی افشاندند، هم‌اکنون به ثمر نهشته و بیشتر پژوهشگران، تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی را بدون توجه به مکتب اصفهان و شخصیت میرداماد، کوششی ناقص قلمداد می‌کنند. در کنار کرین و پس از او، چهره‌هایی از سراسر جهان، با

* رایانامه: mahbaskhak69@gmail.com

1. "Confessions extatiques de Mir Dāmād: maître de théologie à Ispahan".

2. *Mélanges Louis Massignon*.

3. L'École d'Ispahan.

زبان‌ها و ملیت‌های مختلف، به عرصه میردامادشناسی وارد شدند و آثار ارزشمندی در این حوزه به یادگار نهادند. از میان ایشان، سیدحسین نصر، فضل‌الرحمن ملک و توشی‌هیکو ایزوتسو، در زمره پیشگامان این مسیر هستند؛ و چهره‌هایی همچون کیون الکساندر براون، متیو تریه، سیدسجاد رضوی و یانیس اشوتس، در زمره میرداماد شناسان معاصر به شمار می‌روند.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های خارجی درباره میرداماد آهنگی شتابان یافته و شمار آن‌ها درخور توجه است. با این‌همه، پژوهش‌های غیرپارسی در تحقیقات ایرانی جایگاه چشمگیری ندارند. این کاستی، انگیزه اصلی نگارنده در تدوین مجموعه حاضر بوده است؛ شناخت‌نامه‌ای که به معرفی تحقیقات مربوط به میرداماد در زبان‌های غیرپارسی اختصاص دارد.

-۲-

میردامادشناسان غیرایرانی

پیش از پرداختن به کم‌وکیف معرفی منابع در این مجموعه، بایسته است درباره برخی چهره‌های برجسته غربی و شرقی در حوزه میردامادشناسی سخن بگوییم. هریک از این محققان، در پیش‌برد مطالعات مربوط به میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان سهمی بسزا داشته‌اند. فهرست زیر، نام دانشمندانی را در بر می‌گیرد که در زمره پیشگامان میردامادشناسی بوده یا بیش از دو اثر درباره میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان تألیف کرده‌اند.

۲.۱. هنری کربن (Henry Corbin)

هنری کربن (درگذشته ۱۹۷۸ میلادی) فیلسوف، اسلام‌شناس و مستشرق شهیر فرانسوی است که یکی از شخصیت‌های مؤثر در معرفی تفکر شیعی به محافل علمی مغرب‌زمین به شمار می‌رود. وی سال‌ها کرسی شیعه‌شناسی را در دانشگاه سوربن^۱ در اختیار داشت و پس از بازنشستگی، با جمعی از دانشمندان اروپایی، دانشگاه سنت ژان اورشلیم^۲ را پایه نهاد. کربن با مدّعی افول فلسفه اسلامی پس از ابن‌رشد، به شدت مخالف بود؛ از این رو، در مجموعه تحقیقات خود کوشید تا خط رشد و تعالی فلسفه اسلامی را در دوران متأخر نشان دهد. او در درجه نخست، سهروردی‌شناسی پرشور بود که جریان اشراقی را در دوره اسلامی به دقت رصد می‌کرد. تعلق خاطر کربن به فلسفه اشراقی، بر تمام نگاشته‌های او سایه افکنده است؛ چنان‌که در نخستین نگاشته‌اش درباره میرداماد، بر وجوه اشراقی شخصیت میر و مواجید عرفانی او تکیه کرده است. باری، چنان‌که در بخش پیشین گذشت، فضل تقدّم و تقدّم فضل در مطالعات میردامادشناسی، از آن هنری کربن است. او همچنین، با پیش‌برد طرح مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران و همکاری با استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، از پیشگامان تدوین تاریخ فلسفه متن‌محور در اروپا به شمار می‌رود. علاوه بر این، نگاشته‌های کربن به طیف وسیعی از زبان‌های شرقی و غربی ترجمه شده و اندک‌اندک به مراجع موثق در اسلام‌شناسی تبدیل شده‌اند.

1. Sorbonne Université.

2. Université Saint-Jean de Jérusalem.

۲،۲. سید حسین نصر (S. Hossein Nasr)

سید حسین نصر، دانشمند سنت‌گرای ایرانی و استاد بازنشسته دانشگاه جرج واشنگتن^۱، یکی از چهره‌های مشهور در حوزه اسلام‌شناسی و تفکر شیعی است. دکتر نصر یکی از طرفداران جدی سنت‌گرایی، تصوف و نگرش دینی به علوم تجربی است. آثار و تحقیقات او در حوزه تاریخ‌نگاری اندیشه اسلامی، همواره از منابع اصلی در تحقیقات پژوهشگران غربی بوده‌اند. دکتر نصر با هنری کربن در تدوین کتاب تاریخ فلسفه اسلامی همکاری داشته و یکی از بنیان‌گذاران نظریه «مکتب اصفهان» است. دکتر نصر میرداماد را «مفسر اشرافی فلسفه سینوی» معرفی کرده و بر این باور است که او با بازگشت به فلسفه و روش سینوی و نیز، تأکید بر تعالیم شیعی و نظریات عرفانی، آغاز دوره‌ای جدید را در تاریخ فکر شیعی رقم زده است.

۲،۳. توشی‌هیکو ایزوتسو (Toshihiko Izutsu || 井筒俊彦)

توشی‌هیکو ایزوتسو (درگذشته ۱۹۹۳ میلادی)، فیلسوف و اسلام‌پژوه شهیر ژاپنی است. او یکی از واسطه‌های مهم در انتقال و معرفی تفکر ایرانی/اسلامی به محافل علمی ژاپن است. ایزوتسو بیشتر به سبب تحقیقاتش درباره وحدت جوهره ادیان شرقی شهرت دارد؛ اما به فلسفه اسلامی نیز دلبستگی فراوانی داشته است. او علاوه بر تدریس متن‌ال‌اشارات و التنبیهات در انجمن فلسفه و حکمت ایران و ترجمه رساله‌المشاعر ملاحدرا به زبان ژاپنی، تک‌نگاری مفصلی درباره حکیم سبزواری تألیف کرده است. ایزوتسو همچنین، در تصحیح متن القبسات شرکت داشته و مقدمه‌ای به زبان انگلیسی بر آن نگاشته است. اهتمام ایزوتسو در عرضه تقریری دقیق و عمیق از نظریه «حدوث دهری»، موجب شده است تا مقدمه او بر القبسات، به زبان‌های گوناگون ترجمه شود.

۲،۴. فضل الرحمن ملک (Fazlur Rahman Malik)

فضل الرحمن ملک (درگذشته ۱۹۸۸ میلادی) اندیشه‌مند نوگرای پاکستانی است که تحقیقات گوناگونی در حوزه تفسیر قرآن، اسلام و مدرنیته و فلسفه اسلامی انجام داده است. او پس از اتمام تحصیلات خود در دانشگاه آکسفورد^۲ و ارائه رساله‌ای درباره اندیشه فلسفی ابن‌سینا، به کشور خویش بازگشت؛ اما به سبب اختلاف نظرهایش با دانشمندان سنت‌گرای پاکستان، در تنگنا قرار گرفت و به آمریکا هجرت کرد. او کرسی استادی در مطالعات اسلامی را در دانشگاه شیکاگو^۳ در اختیار گرفت و آثار گوناگونی درباره اندیشه اسلامی تألیف کرد. عمده شهرت فضل الرحمن در گرو تحقیقات هرمنوتیکی و مخالفت‌هایش با تفسیر سنتی قرآن است. با این همه، او یکی از محققان برجسته در فلسفه اسلامی است. مقاله دقیق و مفصل او درباره میرداماد و نظریه «حدوث دهری»، یکی از مراجع مهم میردامادشناسی بوده و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است.

1. George Washington University.
2. University of Oxford.
3. University of Chicago.

۲،۵. کیون الکساندر براون (Keven Alexander Brown)

کیون الکساندر براون یکی از چهره‌های برجسته - و در عین حال مهجور - در میان میردامادشناسان آمریکایی است. رساله دکتری وی که در دانشگاه کالیفرنیا^۱ و با راهنمایی مرحوم دکتر حسین ضیایی تألیف شده، تحلیلی دقیق از نظریه «حدوث دهری» بر مبنای کتاب القبسات است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را شرح انگلیسی القبسات قلمداد کرد. براون در جریان نگارش این رساله و برای تأمین نقل قول‌های تحقیق خود، بخش‌های فراوانی از القبسات را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. بعدها این ترجمه را به اتمام رساند و بدین ترتیب، برگردان انگلیسی یکی از متون دشوار تاریخ فلسفه اسلامی را به چاپ سپرد. او در این ایام، به ترجمه انگلیسی برخی رساله‌های ابن سینا اشتغال دارد.

۲،۶. متیو تریه (Mathieu Terrier)

متیو تریه، مدیر دپارتمان تاریخ فلسفه اسلامی در مرکز مطالعات علمی فرانسه (پاریس)^۲، یکی از میردامادشناسان پُرکار فرانسوی است. او دوره دکتری مطالعات اسلامی را در دانشگاه سوربن^۳ گذرانده و به واسطه شاگردی کریستین ژامبه، به جریان فکری هنری کربن متصل می‌شود. او رساله خود را درباره کتاب محبوب القلوب قطب الدین اشکوری، شاگرد میرداماد، تألیف کرده و به واسطه متن این کتاب، به حوزه میردامادشناسی وارد شده است. تریه در بازخوانی متون فلسفه اسلامی - به ویژه آثار میرداماد - با اثرپذیری از هنری کربن، روشی دقیق و همه‌جانبه به کار بسته است. علاوه بر این، متیو تریه بیشترین تعداد مقاله مرتبط با میرداماد را در کارنامه دارد. چنان‌که در بخش آثار فرانسوی خواهیم دید، او یکی از واسطه‌های اصلی در آشنایی مخاطبان فرانسوی با اندیشه‌های میرداماد است.

۲،۷. سیدسجاد رضوی (S. Sajjad Rizvi)

سیدسجاد رضوی، دانشمند پاکستانی و استاد دانشگاه اکستر^۴ در دپارتمان مطالعات اسلامی است. تخصص او تاریخ‌نگاری اندیشه عقلی در جهان اسلام و فلسفه اسلامی است؛ از این رو، آثار و مقالات فراوانی درباره فلسفه اسلامی - به ویژه تفکر فیلسوفان شیعه - تألیف کرده است. او همچنین، به تحقیق درباره اندیشه حکماء مکتب فلسفی اصفهان علاقه دارد و یکی از شارحان انگلیسی‌زبان نظریات میرداماد و ملاصدراست. علاوه بر این، تعلق رضوی به شبه‌قاره هندوستان باعث شده است تا او تأثیر اندیشه میرداماد را بر محافل علمی آن سرزمین رصد کند؛ موضوع مهمی که بیشتر پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی از آن غفلت کرده‌اند.

1. University of California.
2. Centre national de la recherche scientifique (CNRS).
3. Sorbonne Université.
4. University of Exeter.

۲،۸. یانیس اشوتس (Янис Эшотс || Jānis Ešots)

یانیس اشوتس (درگذشته ۲۰۲۱ میلادی)، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات اسماعیلی (لندن)^۱ بود. اشوتس که در اصل لتونیایی بود، دوره دکتری را در دانشگاه تالین (استونی)^۲ و با تألیف رساله‌ای درباره اندیشه فلسفی ملاصدرا پشت سر گذاشت. او به سبب آشنایی با زبان‌های گوناگون، به طیف وسیعی از منابع مراجعه می‌کرد و با تأکید بر عرضه سخنان تازه، از تکرار مکررات پرهیز می‌کرد. سهم اشوتس در تحقیقات میردامادشناسی درخور اعتناست. او تعدادی مقاله تحقیقی درباره اندیشه فلسفی میرداماد تألیف کرده؛ چنان‌که با ترجمه برخی متون میرداماد به زبان روسی، سهم بسزایی در آشنایی محققان روسیه و آسیای میانه با این فیلسوف شهر داشته است. هنگامی که نگارنده تدوین این شناخت‌نامه را آغاز کرد، به‌اشارت یانیس اشوتس، به برخی منابع انگلیسی، فرانسوی و روسی دست یافت؛ اما دریغ که به‌وقت نگارش این مقدمه، این محقق نیک‌نهاد در میان ما نیست و روی در خاک دارد.

۲،۹. ایمن عبدالخالق المصري

أبو حسین ایمن عبدالخالق المصري، دانشمند مصری و بنیان‌گذار «آکادمی حکمت عقلی»^۳ در قم است. وی دانش آموخته پزشکی در دانشگاه قاهره است و دوره تخصص در بیماری‌های داخلی را در دانشگاه بن آلمان گذرانده است. روحیه حقیقت‌جویی ایمن عبدالخالق او را به رشته فلسفه اسلامی کشاند و بعدها با نگارش رساله‌ای درباره اصالت وجود و اصالت ماهیت، دکتری فلسفه را از دانشگاه آمریکایی لندن دریافت کرد. وی از طرفداران جدی نظریه اصالت ماهیت است و مقالات گوناگونی در دفاع از گرایش میرداماد به اصالت ماهیت تألیف کرده است. امتیاز ایمن عبدالخالق در میان میردامادشناسان خارجی، اتصال او به سنت حوزوی در جهان تشیع است. همین امر باعث شد تا در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ هجری شمسی، بخش‌هایی از متن الأفق المبین را به زبان عربی تدریس کند. او همچنین، راهنمایی برخی رساله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با میرداماد را بر عهده داشته است.

۲،۱۰. متیو ملوین کوشکی (Matthew Melvin-Koushki)

متیو ملوین کوشکی، استاد دانشکده تاریخ در دانشگاه کارولینای جنوبی^۴ است. حوزه تخصص او، مطالعه شعب علوم غریبه و غیب‌گرایی در جهان اسلام است. او همچنین، تحقیقات فراوانی درباره اندیشه فلاسفه ایرانی انجام داده که بازخوانی دیدگاه‌های میرداماد در علوم غریبه و تأثر او از تعالیم فیثاغورثیان، در زمره آن‌هاست.

1. Institute of Ismaili Studies.

2. Tallinna Ülikool.

۳. أكاديمية الحكمة العقلية.

4. Universität Bonn.

5. The American International University (London).

6. University of South Carolina.

۲،۱۱. محمد نسیم دُرو (Mehmet Nesim DORU)

محمد نسیم دُرو، استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه علوم اجتماعی آنکارا^۱ است. او در حوزه تاریخ اندیشه و تصوّف اسلامی فعالیت دارد و آثار گوناگونی درباره شیخ اشراق، مولوی و دیگر اندیشه‌مندان ترک و ایرانی نگاشته است. او یکی از واسطه‌های آشنایی مخاطبان ترک‌زبان با شخصیت و تفکر میرداماد است؛ چنان‌که مقالات مهمی درباره او تألیف کرده و برخی مقالات انگلیسی را به زبان ترکی استانبولی ترجمه کرده است.

۲،۱۲. نورالدین یاکیشان (Nurettin YAKIŞAN)

نورالدین یاکیشان، استاد دانشگاه بینگول^۲ در رشته مطالعات اسلامی است. وی رساله دکتری خود را درباره میرداماد و نظریه «حدوث دهری» نگاشته و آثار دیگری درباره مکتب اصفهان و شخصیت میرداماد تألیف کرده است.

-۳-

درباره مجموعه حاضر

مجموعه پیش‌رو، شناخت‌نامه‌ای توصیفی از تحقیقات غیرپارسی درباره میرداماد، زندگی و اندیشه‌های اوست. نگارنده از مدّت‌ها قبل، برخی نگاشته‌های انگلیسی را در این باره دنبال می‌کرد؛ اما پس از بررسی و جست‌وجوی دقیق، دریافت که شمار تحقیقات غیرپارسی - اعم از انگلیسی، عربی، فرانسوی، ترکی استانبولی، آلمانی و روسی - درباره میرداماد، بیش از چیزی است که در ابتدا به نظر می‌رسد. انتشار ویژه‌نامه میرداماد بهانه‌ای شد تا با یاری برخی دوستان، مشخصات این تحقیقات پراکنده را گردآوری کرده و در مجموعه‌ای مستقل، به محضر خوانندگان فاضل پیشکش کنیم. هدف اصلی از تدوین این مجموعه، آشنایی پژوهشگران ایرانی با جریان میردامادشناسی در اروپا، آمریکا، آسیای میانه و جهان عرب است. همچنین، مترجمان و محققان اهل فضل فرصتی خواهند یافت تا با آثار ترجمه‌نشده در این حوزه آشنا شوند.

نگارنده برای تنظیم مداخل این شناخت‌نامه، ابتدا مشخصات تحقیقات میردامادشناسی را از منابع مکتوب - همچون راهنمای مختصر کتاب‌شناختی درباره فلسفه و الهیات اسلامی در قرون وسطی^۳ و دایرة‌المعارف کتاب‌شناختی فلسفه اسلامی^۴ - و پایگاه‌های برخط - همچون «JSTOR»، «ResearchGate»، «Academia»، «Google Scholar»، «المستودع الرقي العراقي»، «اتحاد مكتبات الجامعات المصريّة» و... - گردآوری کرد. سپس، با تعقیب ارجاعات این

1. Ankara Sosyal Bilimler Üniversitesi.

2. Bingöl Üniversitesi.

3. *Brief Bibliographical Guide in Medieval Islamic Philosophy and Theology* (1998-2002), Thérèse-Anne Druart, CreateSpace, 2017.

4. *The Biographical Encyclopedia of Islamic Philosophy*, Oliver Leaman, London: Bloomsbury Academic, 2015.

تحقیقات و نیز، ارتباط با برخی پژوهشگران خارجی - همچون کیون براون و یانیس اشوتس - اطلاعات مداخل شناخت‌نامه را تکمیل کرد.^۱ درباره شیوه نگارنده در دسته‌بندی مداخل و تنظیم شناخت‌نامه، توجه به چند نکته بایسته است:

۱. پس از بررسی تک‌تک مداخل، به این نتیجه رسیدیم که بهترین راه برای عرضه اطلاعات آن‌ها، استفاده از طبقه‌بندی زبانی است؛ از این رو، تحقیقات میردامادشناسی را در شش دسته «آثار انگلیسی»، «آثار عربی»، «آثار فرانسوی»، «آثار ترکی استانبولی»، «آثار آلمانی» و «آثار روسی» جای داده و این دسته‌بندی را به حسب تعداد آثار در هر زبان مرتب کردیم. ذکر این نکته بایسته است که ملیت نویسندگان، در این طبقه‌بندی نقشی نداشته است؛ زیرا برخی دانشمندان ایرانی - همچون دکتر مهدی محقق و دکتر داود حسینی - مقالاتی به زبان انگلیسی نگاشته و عده‌ای از نویسندگان غیرایرانی - همچون متیو تریه، یانیس اشوتس و نورالدین یاکیشان - تحقیقات خود را به دو زبان ارائه داده‌اند.

۲. هر کدام از بخش‌های پیش‌گفته، به چند بخش کوچک‌تر با عنوان «کتاب‌ها»، «پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی»، «مقالات» و «مداخل دایرةالمعارفی» تقسیم شده‌اند. مداخل شناخت‌نامه پس از تفکیک به حسب زبان و ساختار، به ترتیب حروف الفبا ذیل این بخش‌های چهارگانه جای گرفته‌اند.

۳. در بخش‌های «آثار انگلیسی»، «آثار فرانسوی» و «آثار ترکی استانبولی»، ضمیمه‌ای برای معرفی مقالات فرعی در نظر گرفته شده است.

۴. هر مدخل با ذکر عنوان اثر و نویسنده آن آغاز شده و شامل چکیده‌ای از محتوای اثر ذیل عنوان «معرفی» است. در پایان نیز، اطلاعات نشر و بازنشر اثر ذکر شده است.

۵. برای آشنایی خوانندگان محترم با ترجمه مداخل به زبان‌های دیگر، اطلاعات ترجمه یا ترجمه‌های هر مدخل را پس از اطلاعات نشر ذکر کرده‌ایم. مشخصات ترجمه در مداخلی که بیش از یک بار یا به بیش از یک زبان ترجمه شده‌اند، به حسب تاریخ انتشار مرتب شده است.

۶. ذیل هریک از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی، مشخصات مقاله یا مقالات مستخرج از آن‌ها را درج کرده‌ایم.

۷. بیشتر مداخل دایرةالمعارفی در زبان عربی، به منابع تراجم و رجال اختصاص دارند. با عنایت به اینکه شناخت‌نامه مفصل دیگری درباره این دست منابع در ویژه‌نامه میرداماد عرضه شده است، برای پرهیز از تکرار مطالب، عنوان «مداخل دایرةالمعارفی» را از بخش «آثار عربی» حذف کرده‌ایم.

۸. حجم «معرفی» در هریک از مداخل، تابع ارتباط محتوای آن با میرداماد، شخصیت و آراء اوست. بدین جهت، حجم مداخل این شناخت‌نامه یکسان نیست.

۱. در جریان گردآوری مواد خام این مجموعه، دریافتیم که دست‌اندرکاران دانشگاه «ماهاراجه سایاجیرو» (The Maharaja Sayajirao University of Baroda) (گجرات هندوستان) در برنامه درسی کارشناسی ارشد هنر ایرانی، سرفصلی مستقل به آراء و آثار میرداماد اختصاص داده‌اند. تصویر برگی از این برنامه درسی در بخش «ضمائم» درج شده است.

۹. جهت پرهیز از اطناب، تا حد امکان از نقد و داوری درباره محتوای مداخل پرهیز کرده‌ایم. راقم سطور نیک آگاه است که تعداد پژوهش‌های مربوط به میرداماد در زبان‌های خارجی، بیش از چیزی است که در این شناخت‌نامه عرضه شده است. قوانین حقوق معنوی در برخی کشورها، دسترسی نگارنده را به نسخه‌های دیجیتال کتب خارجی محدود کرد؛ اما به مقتضای «ما لایدرک کله لایت‌رک کله»، به معرفی مقدار فراهم آمده اکتفا کرده‌ایم. امید که خوانندگان محترم و محققان ارجمند، نگارنده را در تکمیل مداخل این شناخت‌نامه و رفع کاستی‌های آن یاری کنند.

-۴-

آمار و پراکندگی

در مجموعه پیش‌رو، ۱۲۶ اثر معرفی شده‌اند که قدیمی‌ترین آن‌ها، مدخل «محمدباقر بن محمد الداماد» در دایرةالمعارف تاریخ ادبیات عربی (۵،۳،۱)، اثر کارل بروکلمان، است که در سال ۱۹۳۸ میلادی به انتشار رسیده است. چنان‌که پیش‌تر گذشت، نخستین مقاله تحقیق درباره میرداماد، «خلسه‌های وجدآمیز میرداماد: استاد الهیات اصفهان» (۳،۳،۲)، نگاشته هنری کربن، است که در سال ۱۹۵۶ میلادی به جامعه علمی عرضه شده است. جدیدترین تحقیق میردامادشناسی نیز، بازنشر رساله میرداماد و نظریه «حدوث دهری» (۴،۲،۱)، نگاشته نورالدین یاکیشان، در قالب کتاب است که در روزهای پایانی سال ۲۰۲۲ میلادی به چاپ رسیده است.

از میان محققان خارجی، متیو تریه، سجاد رضوی و کیون الکساندر براون، به ترتیب با نگارش یازده، نه و هفت اثر، بیشترین سهم را در تحقیقات میردامادشناسی به زبان‌های غیرپارسی به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، کتاب تاریخ فلسفه اسلامی (۳،۱،۲)، اثر هنری کربن، به هفت زبان دیگر برگردانده شده و بیشترین تنوع زبانی را در ترجمه داراست. جدیدترین برگردان فارسی نیز، ترجمه سعید شفیعی از کتاب فلسفه اسلامی: از الف تا ی (۱،۱،۳)، اثر پیتر اس. گراف، است. پراکندگی منابع معرفی شده در شناخت‌نامه حاضر، از این قرار است:

۱. برای نمونه، علی‌رغم تلاش‌های فراوان، دسترسی نگارنده به دو عنوان زیر فراهم نشد:

- *Iranische Philosophie Von Zarathustra Bis Sabzewari*, Abdolamir Johardelvari.

- *Histoire de la sagesse et philosophie Shī'ite*, Mathieu Terrier.

2. *Geschichte Der Arabischen Litteratur* (GAL).

3. "Confessions extatiques de Mīr Dāmād: maître de théologie à Ispahan".

4. *Mīr Dāmād ve Dehrî Hudûs Teorisi*.

5. *Histoire de la philosophie islamique*.

6. *Islamic Philosophy A-Z*.

زبان	نوع اثر	انگلیسی	عربی	فرانسوی	ترکی استانبولی	آلمانی	روسی
کتاب‌ها		۹	۵	۳	۱	۲	۲
پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی		۴	۱۱	-	۲	-	-
مقالات		۳۳	۱۷	۱۲	۶	۲	۱
مداخل دایرةالمعارفی		۹	-	-	۵	۲	-
جمع آثار		۵۵	۳۳	۱۵	۱۴	۶	۳

-۵-

سپاسگزاری

اطلاعات مداخل این شناخت‌نامه با یاری دوستانی گردآوری شده که سپاسگزاری از ایشان بایسته است:

۱. دکتر زید السلامی و دکتر یانیس اشوتس دسترس‌ی نگارنده را به برخی منابع انگلیسی، فرانسوی و روسی تسهیل کردند.
۲. دکتر محمد وورال (Mehmet VURAL)، سخاوتمندانه برخی مقالات و مداخل ترکی استانبولی را در اختیار این جانب قرار داد.
۳. دکتر محمد مهدی منتصری دسترس‌ی نگارنده را به برخی منابع کتاب‌شناختی درباره تاریخ فلسفه اسلامی و مکتب اصفهان تسهیل کرد.
۴. استادان و دوستان ارجمند، جناب حجة الإسلام والمسلمین امین‌اله زرگریان (زبان فرانسوی)، آقای محمد خدابنده‌لو (زبان ترکی استانبولی) و سرکار خانم ریحانه باقری (زبان آلمانی)، در معرفی و ترجمه برخی مداخل مدد رسان ما بوده‌اند.
۵. این مجموعه به پیشنهاد، راهنمایی و نظارت برادر عزیزم، آقای حسین نجفی، نگاشته شده است. وی در تمام مراحل تدوین شناخت‌نامه، صبورانه، صمیمانه و بدون توقع در کنار نگارنده بود.

۱. بخش نخست: آثار انگلیسی (English)

۱،۱. کتاب‌ها

1.1.1. *A Socio-Intellectual History of the Isnā 'Ashari Shī'is in India, Vol. 2: 16th to 19th century A.D., Saiyid Athar Abbas Rizvi.¹*

معرفی: این کتاب یکی از منابع کلیدی دربارهٔ حیات اجتماعی و معنوی شیعیان در هند است. نویسنده در دو مجلد، با بررسی دقیق تاریخ تشیع در هند، نقش شیعیان را در شکل‌گیری تمدن عظیم هند بازخوانی و بسیاری از عالمان ناشناخته از شیعیان هند را معرفی کرده است. مجلد دوم این مجموعه، به بازهٔ تاریخی قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی اختصاص دارد. نویسنده در فصل سوم این مجلد، دربارهٔ سهم شیعیان در پیشرفت و توسعهٔ فلسفه، علم و ادبیات در شبه‌قارهٔ هندوستان سخن گفته است. بخشی از این فصل (صفحات ۲۱۳ تا ۲۱۶) به بررسی تأثیر شخصیت میرداماد بر محافل علمی هند اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، توضیحاتی دربارهٔ حیات و آثار میرداماد ارائه داده است. سپس، به کتاب الأفق المبین و جایگاه آن در هند پرداخته است. بنا بر گزارش او، این کتاب در محافل علمی اهل سنت جایگاهی ویژه یافت و افرادی همچون فضل‌حق خیرآبادی و عبدالعلی لکهنوی به شرح و تحشیهٔ آن همت گماردند. رضوی در ادامه، تأثیر میرداماد را بر دانشمندان هندی، در مباحثی همچون «حدوث دهری»، متافیزیک ماهوی، علم الهی و عالم برزخ، بررسی کرده است.

اطلاعات نشر:

Canberra: Marifat Publishing House, 1986.

+ ترجمه:

- فارسی: شیعه در هند، سیداطهرعباس رضوی، ترجمه: گروه مترجمان، چ، ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه، ۱۳۷۶ ش.
- فارسی: تاریخ اجتماعی / فکری شیعهٔ اثناعشری در هند، سیداطهرعباس رضوی، ترجمه: منصور معتمدی [و] عبدالحسین بینش، چ، ۱، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ۱۳۹۷ ش.

1.1.2. *An Anthology of philosophy in Persia, Vol. 5: from the School of Shiraz to the Twentieth Century, Edited by: Seyyed Hossein Nasr [& Mehdi Aminrazavi.²*

معرفی: در این مجموعه، گزیده‌هایی از متون فلسفهٔ ایرانی، از دوران زرتشت و پیش از اسلام تا قرن بیستم میلادی، در قالب پنج مجلد ارائه شده است. مداخل این مجموعه شخصیت محور بوده

۱. تاریخ اجتماعی / فکری شیعهٔ اثناعشری در هند، جلد دوم: قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی، سیداطهرعباس رضوی.
 ۲. منتخبی از آثار فلسفی در ایران، جلد پنجم: از مدرسهٔ شیراز تا قرن بیستم میلادی، مجموعهٔ مؤلفان و مترجمان، تحت نظر: سیدحسین نصر [و] مهدی امین‌رضوی.

و هریک به قلم یک یا چند نویسنده تألیف شده است. بخش دوم از مجلد پنجم این مجموعه، به مکتب فلسفی اصفهان اختصاص دارد. در این بخش، ابتدا مقدمه‌ای به قلم سیدحسین نصر به چشم می‌خورد (صفحات ۱۱۹ تا ۱۳۶). وی در این مقدمه، ابتدا از محققان معاصر که سهمی در معرفی مکتب اصفهان داشته‌اند، نام برده است؛ چهره‌هایی همچون دکتر مهدی محقق، توشی هیکو ایزوتسو و استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی. دکتر نصر در ادامه، دربارهٔ زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور مکتب اصفهان سخن گفته و به عواملی همچون تأثیر علم کلام، عرفان عملی و نظری و هجرت علماء جبل عامل به ایران اشاره کرده است. دکتر نصر در ادامه، به جایگاه میرداماد در مکتب فلسفی اصفهان پرداخته و نظریهٔ «حدوث دهری» را به اختصار تقریر کرده است. وی در این مقدمه، دربارهٔ دیگر شخصیت‌های مکتب اصفهان - همچون شیخ بهایی، ملارجبعلی تبریزی، ملامحسن فیض‌کاشانی و... - نیز سخن گفته و مباحث خود را با اشاره‌ای مختصر به تأثیر حکماء اصفهان بر جریان‌های فکری متأخر به پایان برده است.

پس از مقدمهٔ دکتر نصر، مدخل کوتاهی دربارهٔ میرداماد و آراء وی، به قلم مهدی امین‌رضوی آمده است (صفحات ۱۲۷ تا ۱۲۸). به باور امین‌رضوی، میرداماد فیلسوفی برآمده از دو مکتب اشراق و مشاء است که هدف وی، تقریب آراء این دو مکتب با آموزه‌های کلامی اسلام بوده است. وی در این مدخل، نظریهٔ حدوث دهری را مهم‌ترین اندیشهٔ فلسفی میرداماد دانسته و توضیحاتی کوتاه دربارهٔ تقسیم هستی به مراتب سه‌گانهٔ سرمد، دهر و زمان ارائه داده است. پس از این مدخل، ترجمهٔ انگلیسی قبس اول از کتاب القبسات، با ترجمهٔ کیون الکساندر براون (Keven Alexander Brown) آمده است (صفحات ۱۲۹ تا ۱۴۵).^۱

اطلاعات نشر:

London: I. B. Tauris [&] the Institute of Ismaili Studies, 2014.

1.1.3. *Islamic Philosophy A-Z*, Peter S. Groff.²

معرفی: این کتاب کوچک، دست‌نامه‌ای است که با هدف آشنایی خوانندگان با مباحث و شخصیت‌های اصلی فلسفهٔ اسلامی تألیف شده است. مدخل صدوششم از این اثر به معرفی میرداماد و اندیشه‌های او اختصاص دارد (صفحات ۱۳۹ تا ۱۴۱). گراف پس از ارائهٔ گزارش مختصری از زندگی میرداماد، دربارهٔ مکتب اصفهان و جایگاه میر در این مکتب سخن گفته است. سپس، به ویژگی‌های شخصیت علمی میرداماد - از جمله جامعیت وی - پرداخته است. نویسنده با مراجعه به متن کتاب القبسات، توضیحات کوتاهی دربارهٔ نظریهٔ «حدوث دهری» و برخی مبادی و نتایج آن ارائه داده است. او این مدخل را با اشاره به ادبیات آثار میرداماد و دشوارنویسی وی به پایان برده است.

اطلاعات نشر:

Edinburgh: Edinburgh University press, 2007.

۱. این ترجمه، گزیده‌ای از ترجمهٔ انگلیسی القبسات است که در ادامه معرفی خواهد شد.

۲. فلسفهٔ اسلامی: از الف تا ی، پیتر اس. گراف.

+ ترجمه:

- فارسی: فلسفه اسلامی: از الف تا ی، پیتراس. گراف، ترجمه: سعید شفیعی، چ ۱، تهران: نشر مولی، ۱۳۹۸ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۴۰۰ش).

1.1.4. Islamic Philosophy from its Origin to the Present: Philosophy in the Land of Prophecy, Seyyed Hossein Nasr.¹

معرفی: این کتاب شامل پانزده فصل است و فصل یازدهم از آن (صفحات ۲۱۲ تا ۲۱۶)، به میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان اختصاص دارد. سیدحسین نصر میرداماد را مؤسس مکتب اصفهان معرفی کرده و این مکتب را دستآمد آمیختگی آموزه‌های اسلامی و نظام‌های فلسفی مشائی و اشراقی دانسته است. در ادامه، دربارهٔ بستر اجتماعی و سیاسی ظهور این مکتب و چهره‌های شاخص آن سخن گفته است. به‌باور دکتر نصر، مکتب فلسفی اصفهان، رنسانس فلسفی ایران اسلامی است. وی در ادامهٔ این بخش، شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و دربارهٔ جایگاه او در تاریخ علوم اسلامی سخن گفته است. به‌باور وی، میرداماد نخستین متفکری است که در کنار تلاش‌های فلسفی فراوان، برخلاف پیشینیان خود، به جای علوم طبیعی به کلام و فقه روی آورده است. سپس، آثار میر و موضوعات آن‌ها را برشمرده و به تبیین روش فلسفی او پرداخته است. دکتر نصر از میان آراء میرداماد، نظریهٔ «حدوث دهری» را برگزیده و تقریر مختصری از آن ارائه داده است.

اطلاعات نشر:

New York: State University of New York Press, 2006.²

+ ترجمه:

- فارسی: تاریخ فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز، سیدحسین نصر، ترجمه: مهدی نجفی افرا، چ ۱، تهران: جامی، ۱۳۹۴ش.

- فارسی: فلسفه در سرزمین نبوت: فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز، سیدحسین نصر، ترجمه: بیت‌الله ندرلو، چ ۱، تهران: انتشارات ترجمان، ۱۳۹۶ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۷ش).

1.1.5. Kitāb Al-Qabasāt: The Book of Blazing Brands, Mīr Dāmād, Translated By: Keven Alexander Brown.³

معرفی: ترجمهٔ انگلیسی کیون الکساندر براون از القبسات، مهم‌ترین و درخشان‌ترین تحقیق خارجی در حوزهٔ میردامادشناسی به شمار می‌رود. براون در زمان نگارش رسالهٔ دکتری خود و برای تأمین نقل قول‌های مستقیم از القبسات، بخش‌های فراوانی از این کتاب را ترجمه کرد. بعدها

۱. فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز: فلسفه در سرزمین نبوت، سیدحسین نصر.

2. Republish:

- Lahore: Suhail Academy, 2007.

۳. [ترجمهٔ انگلیسی] کتاب القبسات: کتاب اخگرها، میرداماد، مترجم: کیون الکساندر براون.

۴. این رساله در ادامه معرفی خواهد شد.

با ترجمه بخش‌های باقی‌مانده از کتاب، برگردان انگلیسی این اثر را تکمیل کرد. ترجمه انگلیسی القبسات، با مقدمه‌ای برگرفته از رساله دکتری براون همراه است (صفحات IX تا XIX). وی در این مقدمه، درباره سنت‌های عقلی پساسینوی، مدرسه فلسفی اصفهان، زندگی‌نامه میرداماد، ساختار القبسات و جایگاه آن در میان آثار میرداماد و نیز روش خود در ترجمه انگلیسی این کتاب سخن گفته است. ویژگی‌های برجسته ترجمه انگلیسی القبسات عبارت‌اند از:

۱. مترجم بیشتر مراجع متن میرداماد را استخراج کرده است؛ نکته مهمی که در تصحیح انتقادی القبسات مغفول مانده است.

۲. فصول اصلی (قبس‌ها) و فرعی (ومضه‌ها و ومیض‌ها) در متن انگلیسی به دقت شماره‌گذاری شده‌اند.

۳. تعداد زیادی از حواشی میرسیداحمد علوی عاملی بر القبسات نیز ترجمه و در پاورقی صفحات گزارش شده‌اند.

۴. مترجم در پانویس برخی صفحات، نکات توضیحی و تحقیقی مفیدی اضافه کرده است. اطلاعات نشر؛

New York: Global Scholarly Publications, 2009.

1.1.6. *Muslim Philosophy, Science and Mysticism*, Hamid Naseem Rafiabadi.²

معرفی: این اثر به بررسی تحولات علوم عقلی در عالم اسلام اختصاص دارد. نویسنده با نگرشی وسیع در حوزه تاریخ و جغرافیا، برخی نقاط عطف این تحولات را گزارش داده است. روایت او با بررسی علوم عقلی در قرون نخست ظهور اسلام آغاز شده و به صورت شخصیت محور ادامه یافته است. وی در این راستا، تعالیم عقلانی شخصیت‌هایی همچون کندی، فارابی، ابن سینا، غزالی و ابن تیمیّه را طی نه فصل بررسی کرده است. رفیع‌آبادی در این فصول، تمرکز ویژه‌ای بر گزارش کشمکش‌های فلاسفه و متکلمان داشته است. وی در فصل دهم، به تأثیر فلسفه اسلامی در قرون وسطی بر جریان‌های مدرسی شبه‌قاره هندوستان پرداخته و در فصل‌های یازدهم و دوازدهم، درباره فلسفه اجتماعی دکتر علی شریعتی و ارتباط علوم زبان‌شناختی با تفسیر قرآن سخن گفته است. این کتاب دارای چهار پیوست در موضوعات زیر است: منابع اندیشه اقبال لاهوری؛ غزالی و علوم طبیعی؛ روابط ایرانی/ هندی در حوزه علوم عقلی؛ تصوّف در کشمیر. نویسنده در دو موضع از این کتاب درباره میرداماد سخن گفته است: در فصل دهم (صفحات ۲۶۸ تا ۲۸۴)، درباره انتقال آراء و آثار میرداماد به شبه‌قاره و واسطه‌های این انتقال به اختصار سخن گفته و در پیوست سوم (صفحات ۳۲۰ تا ۳۲۴)، این نکات را بسط داده است. رفیع‌آبادی در این دو بخش، درباره شارحان و ناقدان میرداماد و تأثیر تألیفات وی - به ویژه الصراط المستقیم و القبسات - در هندوستان، نکات مهم و مفیدی ارائه داده است.

۱. حسب اطلاع ما، انتشارات بریل (Brill) به زودی ویراست جدید این ترجمه را عرضه خواهد کرد.

۲. فلسفه، علم و عرفان در جهان اسلام، حامد نسیم رفیع‌آبادی.

New Delhi: Sarup & Sons, 2001.

+ بازنشر:

Saints and Saviours of Islam, Hamid Naseem Rafiabadi, New Delhi: Sarup & Sons, 2005, pp. 267-297.

1.1.7. *Patterns of Wisdom in Safavid Iran: the Philosophical school of Isfahan and the Gnostic of Shiraz*, Jānis Ešots.¹

معرفی: این اثر نخستین و آخرین کتاب یانیس اشوتس است. او پس از سال‌ها تحقیق درباره تاریخ فلسفه اسلامی - به ویژه مکتب فلسفی اصفهان - و تألیف مقالات متعدد، این کتاب را به رشته نگارش درآورد؛ اما پیش از انتشار آن، از جهان تردید و تحقیق روی گرفت و جانش را به جهان حقیقت سپرد.

اشوتس در این کتاب، درباره چهره‌های برجسته مکتب فلسفی اصفهان و مکتب عرفانی شیراز (به ریاست ملاصدرا) سخن گفته است. مقدمه کتاب (صفحات ۱ تا ۱۴)، به تبارشناسی اصطلاح «مکتب اصفهان» اختصاص دارد. برای اولین بار، هنری کربن در یادنامه لویی ماسینیون این اصطلاح را برای نهضت فلسفی در اصفهان عصر صفوی به کار برده است. اشوتس در این بخش، حدود و ثغور این مکتب را تعیین کرده و درباره آراء و شخصیت‌های برجسته آن، با تکیه بر پژوهش‌های تاریخی - از هنری کربن تا پژوهش‌های متأخر - سخن گفته است. نویسنده بر این باور است که مکتب فلسفی اصفهان، دو شاخه اصلی دارد: نخست، حکمت یانی به رهبری میرداماد؛ و دیگری، حکمت سلبی یا تنزیهی به نمایندگی ملارجبعلی تبریزی. در این میان، ملاصدرا به دلیل تمایز آشکار افکارش با این دو مدرسه فکری، به هیچ‌یک از این دو شاخه تعلق ندارد و باید وی را سرمنشأ مکتبی فلسفی/ عرفانی دانست که بیشتر در شهر شیراز مستقر بوده است. بر این اساس، در فصل‌های بعدی کتاب، مکتب اصفهان در قالب دو مدرسه فلسفی میرداماد و ملارجبعلی تبریزی بررسی شده است.

در بخش دوم کتاب (صفحات ۱۵ تا ۶۷)، زندگی و زمانه میرداماد با جزئیاتی نو توصیف شده‌اند. اشوتس قصد داشته میرداماد را در مقام فیلسوفی فقیه و عارف مشرب معرفی کند؛ لذا، با بهره‌گیری از تحقیقات متیو تریه (Mathieu Terrier)، به آراء و آثار میرداماد در حوزه فقه و اصول فقه اشاره کرده است. نگارنده در بخش مربوط به شاگردان میرداماد، سعی کرده است تا حلقه نخست از شاگردان وی را معرفی کند. از دیدگاه وی، شواهدی مبنی بر حضور ملاصدرا در جمع این شاگردان در دست نیست. نکته جالب در این بخش، اشاره به کتاب‌هایی است که در مجلس درس میرداماد تدریس می‌شده‌اند. نویسنده تألیفات میرداماد را در سه دسته آثار «فلسفی و کلامی»، «فقهی و اصولی» و «عرفانی» دسته‌بندی کرده و درباره محتوای هریک از آن‌ها، توضیحات مختصری ارائه داده است.

۱. انگاره‌های فلسفی در ایران عصر صفوی: مدرسه فلسفی اصفهان و [مدرسه] عرفانی شیراز، یانیس اشوتس.

اشوتس در فصل مربوط به اندیشه‌های فلسفی میرداماد، با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آراء وی با سایر فلاسفه، چهار دیدگاه اساسی میر را مرور کرده است. او ابتدا از آموزه «اصالت ماهیت» سخن گفته و چگونگی ایجاد ماهیات امکانی و معنای اصطلاحی «ماهیت» را از منظر میرداماد تبیین کرده است. نکته درخور توجه در این بخش، تأکید نویسنده بر مشابهت دیدگاه میرداماد با نظر دوانی است که با شواهد متنی از آثار این دو اندیشه‌مند همراه است. مبحث دوم، نظریه «حدوث دهری» است که نگارنده با رویکردی تحلیلی و تاریخی بدان پرداخته است. وی درباره چیستی و استدلال‌های این نظریه و نتایج کلامی آن در مسائلی نظیر «قضاء و قدر» سخن گفته است. سومین مسئله که به فلسفه طبیعی تعلق دارد، رابطه زمان با حرکت و نحوه تحقق آن دو در تناظر با عالم دهر است. مبحث چهارم، به بررسی دیدگاه میر در مباحث نفس‌شناختی و معادشناختی اختصاص دارد. نقل و بررسی تجربه‌های عرفانی میرداماد، جایگاه نفوس با توجه به مراتب آن‌ها و دیدگاه میر درباره نبوت و وحی، مطالبی هستند که در این بخش مطرح شده‌اند. اشوتس در نتیجه‌گیری بخش مربوط به میرداماد، او را فیلسوفی افلاطونی / مشائی معرفی کرده و ارجاعات فراوان میرداماد را به کتاب اثولوجیا، شاهی بر این مدعا دانسته است.

دو بخش بعدی این کتاب (صفحات ۶۹ تا ۱۶۸ و صفحات ۱۶۹ تا ۱۹۶)، به بازخوانی زندگی و اندیشه‌های ملاصدرا و ملارجبعلی تبریزی اختصاص دارند؛ لذا، از معرفی و مرور آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. آخرین بخش کتاب (صفحات ۱۹۷ تا ۲۲۹)، شامل مطالعه‌ای تطبیقی میان آراء این سه اندیشه‌مند است. نخستین مبحث در این بخش، مسئله «اصالت ماهیت یا وجود» است که یکی از اختلافات مشهور میرداماد با ملاصدر به شمار می‌رود. اشوتس این اختلاف را غیرواقعی می‌داند؛ زیرا تا پیش از ملاصدر چنین دوگانه‌ای در تاریخ فکر فلسفی مطرح نبوده است. او در ادامه، نظر میرداماد را درباره «تقرّر» و «جعل ماهیت» بیان کرده است. تعلق جعل بسیط به ماهیت از جمله مسائلی است که میرداماد و ملارجبعلی تبریزی درباره آن اتفاق نظر دارند. البته، میرداماد با دقت و تمرکز بیشتری به این مبحث پرداخته است. «ارتباط ذات با شیئیت» و «انفکاک علت از معلول» نیز، دیگر مسائلی هستند که از نظر میرداماد و ملارجبعلی تبریزی - در مقام دو شخصیت محوری مکتب اصفهان - بررسی شده‌اند.

قلم تحلیلی و بیان دقیق اشوتس و توجه او به جنبه‌های مختلف مسائل فلسفی، پیچیدگی خاصی به متن کتاب داده است. او در برخی مواضع، در مقام داوری صاحب نظر وارد شده و نظر خود را در نفی یا اثبات آراء فیلسوفان نامبرده، ابراز کرده است؛ چنان‌که ملاصدر را از شاخه‌های مکتب اصفهان جدا کرده و او را مؤسس مکتبی عرفانی در شیراز دانسته است. نکته دیگر در روش اشوتس، مراجعه دقیق و کامل وی به آخرین مقالات و کتاب‌های فارسی در ارتباط با موضوع کتاب است؛ مطلبی که در شیوه بسیاری از نویسندگان غربی به چشم نمی‌خورد. به هرروی، این کتاب همه ابعاد مکتب فلسفی اصفهان - و حتی همه ابعاد کوشش‌های نمایندگان برجسته آن - را بررسی نمی‌کند؛ اما نظرگاهی کلی و دقیق درباره مؤسسان این مکتب و مسائل فلسفی آن‌ها در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

London: I. B. Tauris [&] the Institute of Ismaili Studies, 2021.

1.1.8. *Suhrawardi and the School of Illumination*, Mehdi Aminrazavi.²

معرفی: موضوع اصلی این اثر، بررسی حیات، آثار و اندیشه‌های شهاب‌الدین سهروردی است. نویسنده در خلال این مباحث و در فصل پنجم کتاب، درباره تأثیر سهروردی بر اندیشه‌مندان متأخر نیز سخن گفته است. وی در بخش نخست از این فصل، به اثرپذیری حکماء مکتب اصفهان از اندیشه‌های شیخ اشراق پرداخته است (صفحات ۱۳۴ تا ۱۳۸). امین‌رضوی بر این باور است که میرداماد حکمت یمانی را متفاوت با فلسفه یونانی می‌دانسته است؛ چنان‌که شیخ اشراق نیز به تفاوت فلسفه غربی با حکمت مشرقی باور داشته است. همچنین، اعتقاد میرداماد به آموزه «اصالت ماهیت» نیز تحت تأثیر اندیشه‌های سهروردی شکل گرفته است. نویسنده در پایان این بخش، آثار اشراقی میرداماد را برشمرده و برخی از شاگردان نامدار او را که در ترویج حکمت اشراقی سهم داشته‌اند، نام برده است.

اطلاعات نشر:

Richmond: Curzon, 1997.³

+ ترجمه:

- فارسی: سهروردی و مکتب اشراق، مهدی امین‌رضوی، ترجمه: مجالدین کیوانی، چ ۱، تهران: نشر مرکز ۱۳۷۷ ش (تجدید چاپ تا نوبت هشتم، ۱۳۹۷ ش).

1.1.9. *The Development of Arabic Logic*, Khāled El-Rouayheb.⁴

معرفی: این کتاب - چنان‌که از عنوانش بر می‌آید - به بازخوانی تاریخ شکل‌گیری و گسترش مباحث منطقی در جهان عربی اختصاص دارد. کتاب به تفکیک غرب و شرق جهان اسلام و سپس، قرون مختلف فصل‌بندی شده است. نگارنده در بخش بررسی منطق در ایران، گزارش مختصری از فعالیت‌های فکری میرداماد در حوزه منطق ارائه داده است (صفحات ۱۴۸ تا ۱۵۱). بر اساس گزارش خالد الرویهب، در برخی تذکرها ردپای اثری نیمه‌تمام از میرداماد در منطق با نام «تشریق الحق» دیده می‌شود. رساله دیگر میرداماد که به تبیین «کیفیت انتاج» اختصاص داشته نیز در طول تاریخ مفقود شده است. نویسنده در ادامه، به برخی آراء منطقی میرداماد اشاره کرده و تذکر داده است که وی بیشترین مباحث منطق را در کتاب الأفق المبین و در خلال برخی مباحث فلسفی مطرح کرده است. نویسنده در ادامه، برخی مباحث منطق الأفق المبین را مرور کرده و تفاوت آن‌ها را با دیدگاه چهره‌هایی نظیر دوانی و دشتکی تبیین کرده است. او همچنین، درباره

۱. برگردان فارسی این اثر با ترجمه دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی، به‌زودی منتشر خواهد شد.

۲. سهروردی و مکتب اشراق، مهدی امین‌رضوی.

3. Republish:

- New York: Routledge, 2013 (Kindle Edition, 2014).

۴. سیر پیشرفت منطق عربی، خالد الرویهب.

کاربرد مفاهیم منطقی نزد میرداماد و تفاوت آن با سنت پساسینوی سخن گفته است. به عقیده خالد الرویهب، میرداماد مفاهیمی همچون «هل بسیطة»، «حمل اولى» و... را با تغییر مفهومی در قیاس با سنت پساسینوی در آثار خود به کار برده است. تأثیر این تغییرات در نسل بعدی از متفکران منطقی، به ویژه فیلسوفان شبه قاره هند، نیرومند و آشکار است.

اطلاعات نشر:

Basel: Schwabe Verlag, 2019.

1.1.10. *The Incipience of the Cosmos (Hudūth al-Ālam)*, Mullā Shamsā Gilānī, Edited by: Alireza Asghari [&] Gholamreza Dadkhah, English introduction by: Sajjad Rizvi.¹

معرفی: این اثر، تصحیحی از رساله حدوث العالم ملاشمسای گیلانی، شاگرد میرداماد، است. گیلانی در این رساله، کوشیده است تا بیانی روشن از نظریه «حدوث دهری» و استدلال‌های آن ارائه کند؛ از این رو، سیدسجاد رضوی در مقدمه انگلیسی این اثر، ضمن معرفی میرداماد در مقام استاد ملاشمسا، اثرپذیری‌های شاگرد را از استاد باز نموده است. وی در این مقدمه، ابتدا شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و سپس، درباره ملاشمسای گیلانی و آثار او سخن گفته است. رضوی در ادامه، به سیر تاریخی مسئله «حدوث عالم» پرداخته و پس از گزارش دیدگاه فیلسوفان یونانی همچون آنکساگوراس، افلاطون، ارسطو و یحیی نحوی درباره پیدایش جهان، تحولات این مبحث را در جهان اسلام دنبال کرده است. وی در این بخش، درباره آراء جریان‌های معتزلی، مشائی و اشراقی سخن گفته و دیدگاه چهره‌هایی همچون نظام، کندی، ابن سینا، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، سهروردی و غیاث‌الدین دشتکی را به اختصار گزارش کرده است. نویسنده در ادامه این بخش، نظریه «حدوث دهری» را به نحوی مفصل و همراه با نقل قول‌های مستقیم بررسی کرده است. او در فصل بعدی، به کتاب القبسات میرداماد پرداخته و سپس، درباره رساله حدوث العالم ملاشمسا، محتوا و سبک نگارش آن سخن گفته و روابط بینامتنی میان دو اثر را بررسی کرده است.

اطلاعات نشر:

California: Mazda publishers, 2015.

+ باز نشر به صورت مقاله:

“Mullā Shamsā Gilānī on the Incipience of the cosmos”, Sajjad Rizvi, *Ishraq: Islamic Philosophy Yearbook (Ишрақ: ежегодник исламской философии)* (Russian Academy of Sciences), № 6, 2015, pp. 40-70.

۱. [رساله] حدوث العالم، ملاشمسای گیلانی، تصحیح: علیرضا اصغری [و] غلامرضا دادخواه، مقدمه انگلیسی: سجاد رضوی.

۱،۲. پایان نامه ها و رساله های تحصیلی

1.2.1. *The Fundamentality of Quiddity or Existence between Mīr Dāmād and his student Mullā Ṣadrā*, By: Ayman A. Khāliq, Supervisors: Prof. Ja'far Al-Hāji [&] Prof. Richard C. Stone.¹

معرفی: نویسنده در این رساله، نظریه اصالت وجود یا ماهیت را با تکیه بر آراء و آثار میرداماد و ملاصدرا بازخوانی کرده است. در مقدمه رساله، توضیحاتی درباره ماهیت فلسفه اسلامی و تفاوت های آن با فلسفه یونانی به چشم می خورد. نویسنده در این بخش، رویکرد مستشرقان را به فلسفه اسلامی نقد کرده است.

آئین عبدالحالق در فصل نخست، اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر صفوی را بررسی کرده و درباره مسائلی همچون رسمیت مذهب شیعه، جایگاه رفیع علماء در جامعه ایران، تفویض امور اداری به ایشان و توسعه اندیشه اسلامی/ شیعی در سراسر ایران سخن گفته است. وی در ادامه، شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و بن مایه های نظام فلسفی وی - یعنی «حکمت یانی» - را برشمرده است. به باور نویسنده، حکمت یانی بر سه قائمه استوار است: فلسفه مشاء، حکمت اشراقی و تعالیم شیعی. وی در ادامه، فهرستی از ابداعات فلسفی، منطقی و کلامی میرداماد عرضه کرده است. بخش بعدی در همین فصل، به شرح حال، گزارش آثار و کلیات فلسفه ملاصدرا اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، به مطالبی همچون زندگی ملاصدرا در اصفهان، شاگردی او نزد بزرگان فقه و فلسفه و سپس، تبعید وی به روستای کهک اشاره کرده و درباره اصول سه گانه حکمت متعالیه - یعنی قرآن، برهان و عرفان - سخن گفته است. پایان این بخش نیز به بازشماری آراء اختصاصی ملاصدرا - همچون حرکت جوهری و تشکیک در وجود - اختصاص دارد.

فصل دوم این رساله، به بررسی ریشه های تاریخی دوگانه «اصالت وجود یا ماهیت» اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، به تحلیل دو مسئله پرداخته است:

مسئله نخست، مواضع استعمال «وجود» و «ماهیت» در نظر فلاسفه پیش از میلاد تا زمان ملاصدراست. نویسنده بر این باور است که از زمان باستان تا دوران مکتب اصفهان، این دو لفظ در همین معانی رایج استعمال شده اند. وی با رد انتساب اصالت وجود به بزرگان فلسفه، تمام آن ها را اصالت ماهوی دانسته است. به عقیده او، لفظ «وجود» در آثار دانشمندان پیشین، همواره در معنایی اعتباری و مطابق با اصطلاح قائلان به اصالت ماهیت به کار رفته است و ملاصدرا نخستین کسی است که «وجود» را برای دلالت بر اصل و حقیقت اشیاء به کار برده است. از نظر نویسنده، اعتقاد ملاصدرا به آموزه عرفانی «وحدت وجود»، به ارائه نظریه «اصالت وجود» منجر شده است. مسئله دوم، بررسی دیدگاه تعدادی از فلاسفه غربی درباره مسئله «اصالت» است. نگارنده

۱. [نزع] اصالت ماهیت یا وجود میان میرداماد و شاگرد او، ملاصدرا، آئین عبدالحالق، استادان راهنما: جعفر الحاجی [و] ریچارد سی. استون.

اصل این رساله به زبان عربی و با عنوان «أصالة الماهية أو الوجود: بين السيد الداماد و تلميذه الملا صدرا» نگاشته شده و سپس، برای ارائه به دانشگاه، به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

افرادى همچون قدیس آگوستین، فرانسیس بیکن و هگل را پیرو مکتب اصالت ماهیت دانسته و باور به اصالت وجود را به مکتب اگزیستانسیالیسم نسبت داده است.

فصل سوم رساله، به بررسی دیدگاه میرداماد دربارهٔ اصالت ماهیت اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای این فصل، با استشهاد به عبارات میرداماد در مباحث مختلفی همچون جعل بسیط ماهیت، تقدّم ماهیت بر وجود در نفس الامر، انحفاظ ماهیات، تشخیص ماهیت و...، وی را معتقد به اصالت ماهیت دانسته است. به باور وی، میرداماد دربارهٔ تقدّم وجود بر ماهیت سخن نگفته است؛ بلکه در رساله‌ای به نام «مفهوم الوجود و الماهیة»، بر اصالت ماهیت استدلال کرده است. مفاد استدلال میر چنین است که اصالت وجود در ممکن، مستلزم بازگشت به ضرورت وجود است و این امر، وجوب تمام ممکنات را در بر خواهد داشت.

نویسنده در فصل بعدی، ادلهٔ اصالت و معقولیت وجود را بررسی و نقد کرده است. این بازخوانی بر اساس ترتیب استدلال‌ها در کتاب المشاعر تنظیم شده است. نکتهٔ درخور توجه این است که برخی از این دلایل، به طور مستقیم و برخی دیگر، از طریق ردّ مبانی و نتایج اصالت ماهیت، در پی اثبات مدّعا هستند. آخرین بحث در این فصل، پاسخ به اشکالات ملاحظه‌شده بر اصالت ماهیت است. اکثر این اشکالات نیز از کتاب المشاعر نقل شده‌اند.

فصل پنجم رساله، به داوری میان دو نظریهٔ «اصالت ماهیت» و «اصالت وجود» اختصاص دارد. نویسنده ابتدا مبادی تصویری - همچون مفاهیم «وجود»، «ماهیت»، «اعتبار» و «اصالت» - را بررسی کرده است. در نظریهٔ ماهیت انسان، اعتبار انسان «من حیث هوهو» است و وجودش، اعتبار انسان «من حیث هو فی الأعیان» است. «اصالت» به معنای تحقق در اعیان است و عین یا واقع، به نفس همین اشیاء متحقق است، نه اینکه ظرفی برای تحقق اشیاء باشد. «اعتباریت» نیز همان عدم تحقق در اعیان است. نویسنده در ادامه، به مبادی تصدیق بحث پرداخته و این مسائل را بررسی کرده است: مراتب واقع و نفس الامر؛ اصناف قضایای حملیه؛ جهت قضایا و اقسام ضرورت و انحاء حمل. وی سپس، به تحریر محلّ نزاع - یعنی عالم ممکنات - پرداخته است. بخش بعدی در این فصل، به داوری میان دو نظریهٔ مذکور اختصاص دارد. نویسنده ابتدا، ادّعای طرفین نزاع را بر مبنای طبیعت وجود و ماهیت نقد کرده و بعد از نقل عباراتی از فلاسفهٔ مختلف، ماهیت را اصیل و وجود را اعتباری دانسته است. او در گام بعد، اشکالات وارد شده بر این دو نظریه را بررسی کرده است. وی ابتدا جواب ملاحظه‌شده را به استدلال میرداماد نقل کرده و در ردّ آن آورده است: اگر وجود ممکن عین ذاتش باشد و ذاتش - به ضرورت ذاتی - واجب باشد، معنا ندارد که وجود معلول و محتاج به غیر باشد. نویسنده در ادامه، اشکالات ملاحظه‌شده را بر طرفداران اصالت ماهیت نقل و ردّ کرده است. وی در پایان خاطر نشان کرده است که باور به اصالت وجود، نتیجهٔ فلسفی پیروی از دیدگاه متصوّفه دربارهٔ وجود است؛ دیدگاهی که بر مبنای آن، تنها خداوند دارای وجود اصیل است.

فصل آخرین رساله، به بررسی ثمرات و نتایج هریک از دو نظریهٔ مذکور در چهار حوزهٔ معرفت‌شناختی، فلسفی، دینی و اخلاقی اختصاص دارد که بحثی جدید و شایستهٔ اعتناست. نویسنده در خاتمهٔ این بخش، توصیه‌هایی برای محققان در تاریخ اندیشهٔ فلسفی در جهان اسلام

ارائه کرده است.

این رساله - صرف نظر از درستی یا نادرستی مدّعی نویسنده و نقدهای وارد بر استدلال‌ها و برداشت‌های او از اقوال فلاسفه پیشین - در زمره تحقیقات اصیل و جدّی درباره اندیشه فلسفی میرداماد است؛ پژوهشی که دور از تقلید و تکرار و شجاعانه به مصاف انگاره‌های رایج در تاریخ فلسفه اسلامی درباره وجود و ماهیت رفته است. نظم و دقّت در چیدمان مقدمات و فصول و نوآوری‌های نویسنده - به‌ویژه در فصل آخر - از دیگر امتیازات این رساله است که آن را به پژوهشی شایسته بحث و ارزیابی تبدیل کرده است.

اطلاعات ثبت:

PhD. Thesis, The American International University (London), Department of Philosophy, 2006.

+ باز نشر به صورت کتاب (ترجمه عربی): الأنظار العالية في نقض الحكمة المتعالية، أمين عبدالحالِق، ج ۱، بغداد [و] بیروت: ومضات للترجمة و النشر، ۲۰۲۰ م.

+ مقاله مستخرج: «سلسلة المحاكمات العقلية في الفصل بين أصالة الماهية وأصالة الوجود (قسم الأول: الجذور التاريخية للمسألة)» (۲۰۳۹).

1.2.2. *The Philosophical Discourse of Mir Dāmād: A Comparative Study of Perpetual Creation and Transubstantial Motion*, Zaid Al-Salāmī, Supervisors: Prof. Neal Robinson [&] Dr. Kirill Nourzhanov, Advisor: Prof. Jeremy Shearmur.¹

معرفی: این رساله، پژوهشی تطبیق درباره نظریه پیدایش عالم در حکمت یمانی و حکمت متعالیه است. نویسنده در مقدمه رساله، گزارش مختصری از رویکرد سنت کلامی ادیان ابراهیمی و فلاسفه شرق و غرب به مسئله «حدوث عالم» ارائه داده است تا خواننده از این رهگذر، با سابقه و گستره تاریخی/جغرافیایی این مبحث آشنا شود. وی در ادامه، از آراء دانشمندان علوم تجربی درباره پیدایش جهان سخن گفته است. زید السلامی در بخش دیگری از مقدمه، تاریخ مسئله حدوث عالم را با رویکردی درون دینی بررسی کرده است. وی در این بخش، نظرات متکلمان شیعه (از جمله مرتضی علم الهدی، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی) و متکلمان اهل سنت (از جمله فخرالدین رازی، تاج الدین شهرستانی، غزالی و آمدی) را مرور کرده است.

فصل نخست رساله، به زندگی نامه علمی میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در بخش نخست، درباره اهتمام حکومت صفوی به بزرگداشت علم و عالمان سخن گفته و اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر شاه عباس را به اختصار شرح داده است. وی در بخش دوم، به زندگی شخصی و علمی میرداماد پرداخته و به این مناسبت، نکاتی درباره مکتب فلسفی اصفهان، حکمت یمانی و نوآوری‌های میرداماد در منطق، کلام و فلسفه بیان کرده است. به‌باور او، نظریه «حدوث دهری»

۱. گفتمان فلسفی میرداماد: مطالعه‌ای تطبیقی درباره حدوث دهری و حرکت جوهری، زید السلامی، استادان راهنما: نیل رابینسون [و] کیریل نورژانوف، استاد مشاور: جرمی شرمور.

مهم‌ترین ابتکار فلسفی میرداماد است.

نویسنده در فصل دوم، برخی اصطلاحات و مفاهیم مربوط به نظریه «حدوث دهری» - همچون «حدوث»، «قدم»، «تقدّم»، «تأخّر»، «زمان»، «دهر» و «سرمد» - را بر اساس آثار میرداماد بررسی و بازخوانی کرده است.

فصل سوم با بیان تاریخچه نظریه «حدوث دهری» آغاز شده است. نویسنده پس از اشاره به عوالم سه‌گانه هستی و انواع حدوث، چهار استدلال میرداماد را بر حدوث دهری تبیین کرده است. این استدلال‌ها به ترتیب از این قرارند:

۱. استدلال بر مبنای نازمان‌مندی حدوث (زیرا زمان خود حادث است)؛

۲. استدلال بر مبنای تقدّم و تأخّر؛

۳. استدلال از طریق امکان استعدادی؛

۴. استدلال با تبیین رابطه علّت فعال با معلولاتش.

نویسنده بعد از تقریر این ادله، درباره تأثیر دیدگاه میرداماد در هستی‌شناسی مسئله «حدوث» سخن گفته و نتایج آن را با نظریه‌های پیشین مقایسه کرده است.

فصل چهارم رساله، به بازخوانی اندیشه ملاًصدرا درباره مسئله حدوث اختصاص دارد. اسلامی در ابتدای این فصل، گزارشی از احوال شخصی و اجتماعی ملاًصدرا و آثار وی ارائه داده است. وی اصالت وجود، وحدت و تشکیک وجود و حرکت جوهری را از اصول فکری/فلسفی ملاًصدرا دانسته و هریک از این مباحث را به اختصار توضیح داده است. بخش بعدی به تبیین حدوث عالم از دیدگاه ملاًصدرا - که همان حدوث زمانی است - اختصاص یافته است. نویسنده در این بخش، علاوه بر تبیین نظر ملاًصدرا، درباره علّت سکوت وی در مواجهه با نظریه میرداماد نیز سخن گفته است. اسلامی پس از بررسی مفاهیم و مبانی بحث در نظر ملاًصدرا و اشاره به مدّعی او درباره اجماع ادیان الهی بر حدوث زمانی عالم، دو استدلال وی را نقل کرده است:

۱. استدلال بر مبنای حرکت جوهری که مفاد آن مسبوقیت اشیاء به عدم در هر آن است.

۲. استدلال بر مبنای غایت‌مندی آفرینش که طبق آن، تغیر و حرکت ذاتی ممکنات اجتناب‌ناپذیر بوده و مستلزم مسبوقیت متناوب به عدم زمانی است.

نویسنده در ادامه، نظریه حدوث دهری را از نگاه دیگر شاگردان میرداماد و فلاسفه متأخّر بررسی کرده است. او همچنین، از نقش قرآن و سنت در جهت‌دهی به دیدگاه فلاسفه و متکلمان درباره حدوث عالم سخن گفته است. اسلامی در بخش نتیجه‌گیری، مقام رفیع میرداماد را ستوده و نظریه حدوث دهری را طرحی پیچیده و دارای ابعاد گوناگون معرفی کرده است. وی ضمن مرور گام به گام تحقیق خود، نظریه میرداماد را برگزیده و دیدگاه ملاًصدرا را در پاسخ به مسئله حدوث عالم، ناکافی دانسته است.

از امتیازات این رساله، تسلّط نگارنده بر سه زبان انگلیسی، عربی و فارسی است که امکان استفاده حداکثری از منابع را برای وی فراهم ساخته است. توجه به دیدگاه‌های کلامی درباره حدوث عالم نیز از دیگر ویژگی‌های این رساله است. با این همه، نویسنده در فصل پایانی رساله، تنها دیدگاه‌های میرداماد و ملاًصدرا را تشریح کرده و توضیح چندانی درباره علّت ترجیح نظریه

حدوث دهری بر حدوث زمانی ملاًصدرا ارائه نداده است.
اطلاعات ثبت:

PhD. Thesis, Australian National University (ANU) (Canberra), Department of Philosophy, 2017.

1.2.3. *Time, Perpetuity, and Eternity: Mīr Dāmād's Theory of Perpetual creation and The Trifold Division of Existence: An Analysis of Kitāb Al-Qabasāt: The book of Blazing Brands, Keven Alexander Brown, Supervisor: Prof. Hossein Ziai.*¹

معرفی: این رساله یکی از تحقیقات مفصل خارجی درباره میرداماد است. کیون براون در حجمی بالغ بر پانصد صفحه، به بازخوانی و تحلیل نظریه «حدوث دهری» و مراتب سه‌گانه وجود بر اساس کتاب القبسات پرداخته است. وی در مقدمه رساله، گزارشی تاریخی درباره جریان‌های چهارگانه مشائی، اشراقی، کلامی و عرفانی پیش از میرداماد، مکتب فلسفی اصفهان و زندگی‌نامه میرداماد ارائه داده است. به‌باور وی، میرداماد فیلسوفی مشائی/نوافلاطونی است که در سنت فکری ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی جای می‌گیرد و در تاریخ فلسفه، جایگاهی یکسان با شاگرد برجسته خود، ملاًصدرا، قرار دارد.

کیون براون در فصل نخست رساله، ابتدا درباره هدف میرداماد از نگارش کتاب القبسات سخن گفته است. سپس، با پیگیری برخی عبارات میرداماد در این مقدمه، به بازخوانی استدلال‌های اصلی دو گروه طرفدارن حدوث و قدم عالم پرداخته است. در این فصل، چهار استدلال به نفع حدوث عالم بر اساس اقوال قدما (همچون یحیی نحوی، اتمیان و...) و هشت استدلال بر قدم عالم (از طریق تحلیل مفهوم امکان، طبیعت ماده، زمان و حرکت، ثبات علت عالم و...) تقریر شده است.

فصل دوم رساله، به تبیین دلیل نخست نظریه حدوث دهری اختصاص دارد. این استدلال بر اساس تحلیل اقسام سه‌گانه حدوث و عدم (زمانی، ذاتی و دهری) و سه ساحت مرتبه وجود (زمان، دهر و سرمد) اقامه شده است. نویسنده ابتدا مبادی تصویری بحث را به دقت بررسی کرده و درباره مباحثی همچون طبیعت دهر در فلسفه ارسطویی، وجود چندبعدی اشیاء، عدم ذاتی، ارتباط ماهیت اشیاء با علم الهی، امکان ذاتی و امکان استعدادی، اقسام سه‌گانه حدوث زمانی، تحریر محل نزاع در حدوث عالم سخن گفته و سپس، استدلال میرداماد را تقریر کرده است. نویسنده در پایان این فصل، نقد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی را بر استدلال میرداماد نقل کرده و به آن پاسخ داده است.

در فصل سوم رساله، استدلال دیگری به نفع نظریه حدوث دهری بر اساس تحلیل وجود و ماهیت ممکنات و اقسام تقدم ذاتی تقریر شده است. نویسنده در این فصل، درباره مطالبی همچون تمایز وجود بر ماهیت، تقدم ماهیت بر وجود، نزاع اصالت وجود با ماهیت، اعتبارات ماهیت، صدور و تکوین، اقسام تقدم و تأخر، دیدگاه میرداماد درباره تشکیک در ذاتیات، تغایر

۱. زمان، دهر و سرمد: میرداماد و نظریه حدوث دهری و تقسیم سه‌گانه هستی: [روایتی] تحلیلی از کتاب القبسات، کیون الکساندر براون، استاد راهنما: حسین ضیایی.

واقعی و انتزاعی و تفاوت وجود خالق با وجود مخلوقات سخن گفته و سپس، تأخر انفکاکِ عالم از واجب‌الوجود را بر مبنای میرداماد تقریر کرده است.

فصل چهارم رساله، به تبیین سومین استدلال میرداماد اختصاص دارد که از طریق تحلیل اقسام دوگانه تأخر انفکاکِی، حدوث دهری ممکنات را اثبات می‌کند. نویسنده در این فصل، دربارهٔ زمان، مکان و حرکت، تعالی خالق از زمان و دهر، اقسام دوگانه تأخر انفکاکِی (زمانی و دهری)، تفاوت‌ها و شباهت‌های تأخر زمانی با تأخر دهری، معیت دهری، نقد نظر سهروردی دربارهٔ تقدّم زمانی، نقد نظریّه «زمان موهوم»، روابط میان موجودات، اختصاص انفکاک زمانی به اشیاء زمانی، نقد نظر فخرالدین رازی دربارهٔ تقدّم واجب بر عالم، ناسازگاری طبیعت امکان با ازلیّت و استشهاد به قول ارسطو و نظام دربارهٔ وجود دهری ممکنات، سخن گفته و استدلال میرداماد را تقریر کرده است.

کیون براون در فصل پنجم رساله، استشادهای میرداماد را به منابع نقلی، در جایگاه چهارمین استدلال وی بررسی کرده است. او ابتدا تفسیر میر را از آیات سورة «لقمان» سورة «الحديد» و نیز، دو اصطلاح قرآنی «لوح» و «قلم» تقریر کرده و در ادامه، به تفسیر میرداماد از روایات مربوط به آموزه «خلق از عدم» پرداخته است.

فصل ششم رساله، به تقریر پنجمین استدلال میرداماد به نفع حدوث دهری اختصاص دارد که بر مبنای وجود طبایع مرسله اقامه شده است. نویسنده در این فصل، از مطالبی همچون اختلاف ارسطو با افلاطون در نظریّه «مُثُل»، معانی مختلف «طبیعت»، عوارض ذاتی و غیرذاتی ماهیت، وجوه چهارگانه طبایع مرسله در لحاظ ذهنی، وحدد عددی طبایع مرسله، انحاف طبایع مرسله در انحاء گوناگون وجود، ملاک فردیت، تفسیر میرداماد از دیدگاه افلاطون دربارهٔ طبایع مرسله، پاسخ میرداماد به نقد ابن‌سینا بر افلاطون، فارابی و جمع نظر ارسطو با افلاطون دربارهٔ نظریّه مُثُل و تفسیر نظریّه مُثُل به وجود دهری طبایع مرسله سخن گفته است.

در فصل هفتم رساله، ششمین استدلال میرداماد تقریر شده است که بر تحلیل پیوستگی زمان، حرکت و تناهی ابعاد مبتنا دارد. نویسنده در این فصل، دربارهٔ مباحثی همچون اقسام گسستگی و پیوستگی، احتیاج متغیّرات به ماده، تحقق هستی به منزله «شخص واحد»، ماده‌الموادّ در عالم کون و فساد، حرکت توسطیّه و حرکت قطعیّه، حدوث دهری زمان و حرکت، حدوث دهری عقول، تلازم حدوث دهری با حدوث زمانی در عالم طبیعت، وجود دهری ممکنات در عالم دهر، دلایل پنج‌گانه تناهی ابعاد و امکان وقوع تسلسل در سلسله تنازل سخن گفته و در پایان این فصل، تقریری روشن و دقیق از نظریّه حدوث دهری ارائه داده است.

فصل هشتم رساله، به بررسی اشکالات حدوث دهری و پاسخ میرداماد به این اشکالات اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، با اشاره به اشکالات فلسفی در مبادی، استدلال‌ها و نتایج نظریّه حدوث دهری، پاسخ‌های میرداماد به این اشکالات را به تفصیل بررسی کرده است. فصل نهم رساله نیز به بررسی برخی نتایج حدوث دهری در حوزه‌های گوناگون الهیات اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، دیدگاه میرداماد را دربارهٔ مباحثی همچون مسئله اراده و قدرت خداوند، کیفیت آفرینش و نسبت مخلوقات با خالق، مراحل سه‌گانه علیّت صدوری،

قاعده «امکان اشرف»، نقش عقول در آفرینش و ترتب عوالم، صدور واحد از کثیر، تعداد عقول، قوس صعود و نزول، جایگاه نفس ناطقه انسانی در قوس صعود و... بررسی کرده است. نگارنده در پایان تصریح کرده است که میرداماد در ارائه تبیین عقلی از نظریه حدوث دهری موفق بوده؛ اما نتوانسته است وجود ماده اولیه عالم را اثبات کند.

چنان که گذشت، این رساله در نه فصل و طبق ترتیب مطالب کتاب القبسات سامان یافته است. نویسنده گام به گام با میرداماد در پیچ و خم ادله اثبات حدوث دهری پیش رفته و مطالب وی را به اختصار شرح داده است. او در نگارش بخش های گوناگون این رساله، از شرح سیداحمد علوی عاملی بر القبسات نیز بسیار بهره برده است. بر این اساس، می توان رساله براون را شرحی انگلیسی بر کتاب القبسات قلمداد کرد. به نظر می رسد که او در تحلیل جزئیات استدلال های نظریه حدوث دهری و ارائه صورتی روشن از این نظریه موفق بوده است. یکی از امتیازات این رساله، دقت نظر نویسنده در تحلیل جزئیات استدلال های میرداماد و تشخیص منابع فکری او در مباحث گوناگون است. او در نگارش این اثر، رویکردی تطبیقی اتخاذ کرده و در مواضع گوناگون، به آراء ارسطو و نظریات فیزیک جدید اشاره کرده است.

اطلاعات ثبت:

PhD. Dissertation, University of California (Los Angeles), Department of Philosophy, 2006 (UMI Dissertation Publishing 2007).

+ مقالات مستخرج:

“An Analytical Summary of the First Qabas of Mīr Dāmād’s *Kitābu āl-Qabasāt*” (1.3.2).

“An Analytical Summary of the the Second and Third Qabas of Mīr Dāmād’s *Kitābu āl-Qabasāt*” (1.3.3).

“An Analytical Summary of the the Fourth and Fifth Qabas of Mīr Dāmād’s *Kitābu āl-Qabasāt*” (1.3.4).

“An Analytical Summary of the the Sixth Qabas of Mīr Dāmād’s *Kitābu āl-Qabasāt*” (1.3.5).

“An Analytical Summary of the the Seventh Qabas of Mīr Dāmād’s *Kitābu āl-Qabasāt*” (1.3.6).

۱.۳. مقالات

1.3.1. “A Hitherto unknown work ascribed to Mīr Dāmād”, Saiyad Nizamuddin Ahmad.¹

معرفی: این مقاله کوتاه، به معرفی نسخه ای ناشناخته از شرح دعای صباح اختصاص دارد که به میرداماد منسوب شده است. نظام الدین احمد ابتدا توضیحات مختصری درباره زندگانی و آثار

۱. «اثری ناشناخته، منسوب به میرداماد»، سید نظام الدین احمد.

میرداماد ارائه داده است و سپس، درباره شرح مذکور سخن گفته است. بنا بر گزارش او، این اثر ضمن نسخه‌ای با شماره ۱۴۷ در کتابخانه مرکز بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی (ایستاک) در مالزی نگهداری می‌شود. در ابتدای این نسخه، عباراتی مبنی بر انتساب شرح دعای صباح به میرداماد وجود دارد. نویسنده بر این باور است که شرح ادعیه، از روش و مرام میرداماد دور نیست؛ چنان‌که صحیفه سجّادیه و الحجة الواقیة را شرح داده است. محتوای شرح دعای صباح نیز احتمال انتساب آن به میراتقویت می‌کند؛ زیرا اصطلاحات فلسفی و معرفتی فراوانی در آن به چشم می‌خورد. علاوه بر این نکته، باید توجه کرد که آثاری ناشناخته از میرداماد وجود دارند که هنوز منتشر نشده‌اند. اطلاعات نشر:

Al-Shajarah (International Institute of Islamic Thought and Civilization: ISTAC), Vol. 6, No 2, 2001, pp. 281-289.

1.3.2. "An Analytical Summary of the First Qabas of Mīr Dāmād's *Kitābu āl-Qabasāt*", Keven Brown.^۱

معرفی: این مقاله، نخستین بخش از سلسله نوشتارهای مؤلف در تلخیص و تحلیل متن القبسات است. او در مقدمه مقاله، درباره میرداماد و جایگاه القبسات در میان آثار وی سخن گفته است. به باور براون، میرداماد فیلسوفی از تبار مشائیان و پیروان فارابی و ابن سینا به شمار می‌رود؛ اما تفاوت عمده او با پیشینیان خود، دیدگاه خاصش درباره خلقت و آفرینش است. نویسنده در ادامه، درباره ساختار و محتوای القبسات سخن گفته و خاطرنشان کرده است که میرداماد نظریه «حدوث دهری» را بر هشت اصل مقدماتی استوار ساخته است. وی در شش قبس نخست کتاب، با تبیین این اصول، استدلال‌ها و شواهد گوناگونی به نفع نظریه «حدوث دهری» ارائه داده است، در قبس هفتم به اشکالات این آموزه و دفاع از آن پرداخته و در قبس‌های هشتم تا دهم، برخی نتایج فلسفی این نظریه را بررسی کرده است.

براون در ادامه، اشاره کرده است که میرداماد در قبس نخست کتاب، دو اصل از اصول هشتگانه - یعنی «معرفت مراتب سه‌گانه وجود» و «شناخت انواع سه‌گانه حدوث» - را تبیین کرده است. وی پس از این مقدمه، خلاصه‌ای دقیق و کامل از قبس نخست القبسات ارائه داده است. وی در تلخیص و ترجمه متن کتاب، از حواشی سیداحمد علوی عاملی نیز بهره برده است. او در پایان مقاله خاطرنشان کرده است که میرداماد در قبس نخست کتاب، در تبیین و تحلیل دیدگاه خود موفق بوده است؛ اگرچه توضیحات او درباره «خلق از عدم»، کامل و کافی نیست. اطلاعات نشر:

International Journal of Shī'ī Studies (Global Scholarly Publications), Vol. 3, No 1, 2005, pp. 11-52.

+ مستخرج از رساله:

Time, Perpetuity, and Eternity. Mīr Dāmād's Theory of Perpetual creation and

۱. «خلاصه‌ای تحلیلی از قبس نخست از کتاب القبسات میرداماد»، کیون براون.

The Trifold Division of Existence: An Analysis of Kitāb Al-Qabasāt: The book of Blazing Brands (1.2.3).

1.3.3. "An Analytical Summary of the the Second and Third Qabas of Mīr Dāmād's *Kitābu āl-Qabasāt*", Keven Brown.¹

معرفی: این مقاله، دومین بخش از سلسله نوشتارهای مؤلف در تلخیص و تحلیل متن القبسات است که به بازخوانی قبس‌های دوم و سوم کتاب اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه اشاره کرده است که میرداماد در قبس‌های دوم و سوم، چهار اصل از اصول هشتگانه - یعنی «آگاهی از تمایز وجود و ماهیت در ممکنات و عینیت آن‌ها در واجب‌الوجود»، «شناخت اقسام سه‌گانه تقدم بالذات و خواص آن‌ها»، «شناخت اقسام دوگانه تقدم انفکاکي» و «معرفت نسبت مقداری و ابدی» - را تبیین کرده است. او سپس، قبس دوم و سوم القبسات را با همان روش معهود تلخیص و ترجمه کرده است.

اطلاعات نشر:

International Journal of Shī'ī Studies (Global Scholarly Publications), Vol. 3, No 2, 2005, pp. 11-74.

+ مستخرج از رساله:

Time, Perpetuity, and Eternity: Mīr Dāmād's Theory of Perpetual creation and The Trifold Division of Existence: An Analysis of Kitāb Al-Qabasāt: The book of Blazing Brands (1.2.3).

1.3.4. "An Analytical Summary of the the Fourth and Fifth Qabas of Mīr Dāmād's *Kitābu āl-Qabasāt*", Keven Brown.²

معرفی: این مقاله، سومین بخش از سلسله نوشتارهای مؤلف در تلخیص و تحلیل متن القبسات است که به بازخوانی قبس‌های چهارم و پنجم کتاب اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه خاطرنشان کرده است که میرداماد در قبس چهارم، به بررسی شواهد نقلی به نفع نظریه حدوث دهری - اعم از آیات و روایات - پرداخته است. قبس پنجم نیز به اثبات حدوث دهری از طریق نحوه وجود طبایع مرسله - یعنی اصل هفتم از اصول هشتگانه - اختصاص دارد. نویسنده پس از مقدمه‌ای کوتاه، قبس چهارم و پنجم القبسات را به شیوه سابق تلخیص و ترجمه کرده است.

اطلاعات نشر:

International Journal of Shī'ī Studies (Global Scholarly Publications), Vol. 5, No 1, 2007, pp. 37-111.

+ مستخرج از رساله:

Time, Perpetuity, and Eternity: Mīr Dāmād's Theory of Perpetual creation and The Trifold Division of Existence: An Analysis of Kitāb Al-Qabasāt: The book of

۱. «خلاصه‌ای تحلیلی از قبس دوم و سوم از کتاب القبسات میرداماد»، کیون براون.

۲. «خلاصه‌ای تحلیلی از قبس چهارم و پنجم از کتاب القبسات میرداماد»، کیون براون.

Blazing Brands (1.2.3).

1.3.5. "An Analytical Summary of the the Sixth Qabas of Mīr Dāmād's *Kitābu āl-Qabasāt*", Keven Brown.¹

معرفی: این مقاله، چهارمین بخش از سلسله نوشتارهای مؤلف در تلخیص و تحلیل متن القبسات است که به بازخوانی قبس ششم کتاب اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه آورده است که میرداماد در قبس ششم، اصل هشتم از اصول هشتگانه پیش گفته را بررسی کرده و درباره ارتباط و اتصال حرکت و زمان و فروعات آن سخن گفته است. میر در این قبس، درباره حرکت، تعریف و اقسام آن، زمان و ارتباط آن با دهر و سرمد به تفصیل سخن گفته است. نویسنده بر این باور است که این بخش از کتاب، در تقریر صحیح نظریه «حدوث دهری» نقشی محوری دارد؛ از این رو، با اتمام این قبس، وعده میرداماد مبنی بر حصول یقین درباره آفرینش، محقق می شود. او پس از این مقدمه، قبس ششم القبسات را تلخیص و ترجمه کرده است.

اطلاعات نشر:

International Journal of Shī'ī Studies (Global Scholarly Publications), Vol. 4, N^o 1, 2006, pp. 113-188.

+ مستخرج از رساله:

Time, Perpetuity, and Eternity: Mīr Dāmād's Theory of Perpetual creation and The Trifold Division of Existence: An Analysis of Kitāb Al-Qabasāt: The book of Blazing Brands (1.2.3).

1.3.6. "An Analytical Summary of the the Seventh Qabas of Mīr Dāmād's *Kitābu āl-Qabasāt*", Keven Brown.²

معرفی: این مقاله، پنجمین و آخرین بخش از سلسله نوشتارهای مؤلف در تلخیص و تحلیل متن القبسات است که به بازخوانی قبس هفتم کتاب اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه اشاره کرده است که میرداماد پس از تحکیم مبانی نظریه حدوث دهری در قبس های اول تا ششم کتاب، در قبس هفتم، اشکالات وارد بر این نظریه را پاسخ داده است. اشکالات مطرح شده در این قبس، تنها متوجه نظریه و استدلال های میرداماد نیستند؛ بلکه برخی مبادی آن - همچون زمان، حرکت، وجوب و امکان و... - را نیز در بر می گیرند. براون پس از این مقدمه، قبس هفتم القبسات را تلخیص و ترجمه کرده است.

اطلاعات نشر:

International Journal of Shī'ī Studies (Global Scholarly Publications), Vol. 4, N^o 2, 2006, pp. 21-69.

+ مستخرج از رساله:

۱. «خلاصه ای تحلیلی از قبس ششم از کتاب القبسات میرداماد»، کیون براون.

۲. «خلاصه ای تحلیلی از قبس هفتم از کتاب القبسات میرداماد»، کیون براون.

Time, Perpetuity, and Eternity: Mīr Dāmād's Theory of Perpetual creation and The Trifold Division of Existence: An Analysis of Kitāb Al-Qabasāt: The book of Blazing Brands (1.2.3).

1.3.7. "Between Time and Eternity: Mīr Dāmād on God's Creative Agency", Sajjad Rizvi.¹

معرفی: این مقاله به بررسی زمینه تاریخی نظریه حدوث دهری و انگیزه میرداماد از طرح آن اختصاص دارد. رضوی ابتدا درباره تاریخ نگرش فلسفی به مفهوم «زمان» پرداخته و به دیدگاه‌های متفکران جدید و قدیم در این باره اشاره کرده است. سپس، درباره تحول نگرش فلسفی به زمان در عصر صفوی سخن گفته است. به باور او، اندیشه‌مندان شیعی در عصر صفوی، علاوه بر رویکرد فیزیکی به زمان، از زاویه متافیزیکی نیز به این مفهوم نگریسته‌اند و بدین ترتیب، «ارتباط زمان با وجود» به یکی از مسائل اساسی ایشان تبدیل شده است.

او پس از این مقدمه، توضیحات کوتاهی درباره حیات میرداماد، آثار و شاگردان وی ارائه داده و به مسئله اصلی مقاله، یعنی ماهیت زمان و نقش آن در تفسیر آفرینش، پرداخته است. نویسنده با اشاره به تعریف زمان و ارتباط آن با مسائل گوناگون فلسفی، مباحث خود به بازخوانی دیدگاه میرداماد معطوف کرده است. به باور او، میرداماد میان اصرار متکلمان بر حدوث زمانی عالم و باور به خداوند قادر مبرید و اعتقاد فلاسفه به حدوث ذاتی و خداوند خیر بالذات، راهی میانه در پیش گرفت که همانا نظریه «حدوث دهری» است. رضوی با اشاره به مراتب سه‌گانه هستی (سرمد، دهر و زمان)، تأثیر میرداماد را از ابن سینا در این طبقه‌بندی، به تفصیل بررسی کرده است. او ارجاعات میر را به متونی همچون التعليقات، الشفاء، عیون الحکمة، الإشارات و التنبيهات و النجاة، بررسی کرده و در نهایت، تفاوت نظر او را با ابن سینا تشریح کرده است. نویسنده پس از ارائه تقریر مختصری از نظریه حدوث دهری، به برخی لوازم و نتایج آن - به ویژه در تفسیر آموزه «بداء» - اشاره کرده است. اطلاعات نشر:

Journal of Islamic Studies (Oxford Centre for Islamic Studies), Vol. 17, N° 2, May 2006, pp. 158-176.

+ ترجمه:

- عربی: «المیرداماد و الحدوث الدهري للعالم»، سجاد رضوی، ترجمه: محمود یونس، المحجة، العدد ۲۰، شتاء و ربیع ۲۰۱۰م، صص ۴۹-۶۵.

1.3.8. "Existence as a first-order predicate: Themes from Mīr Dāmād", Davood Hosseini.²

معرفی: این مقاله به مطالعه یکی از نظریات فلسفی میرداماد در چهارچوب فلسفه تحلیلی اختصاص دارد. بازخوانی سنت‌های گوناگون فلسفی در ادبیات فلسفه تحلیلی، سال‌هاست که درباره برخی

۱. «در میانه زمان و سرمد: میرداماد و فاعلیت خلاق خداوند»، سجاد رضوی.

۲. «وجود به مثابه محمول درجه اول: مضامینی از میرداماد»، داود حسینی.

جریان‌های فلسفه غربی - همچون سنت آگوستینی و هگلی - انجام می‌شود؛ اما در مواجهه با سنت‌های فلسفه اسلامی، پیشرفت چندانی نداشته است. داود حسینی در این مقاله، نظریه میرداماد را درباره وجود، در ادبیات فلسفه تحلیلی بازسازی کرده است. بدین منظور، او دیدگاه‌های پراکنده میرداماد را در حیطه‌های مختلف - همچون سمنتیک، گرامر، منطق و متافیزیک - گردآورده و نظریه میرداماد را درباره «صدق» تبیین کرده است. به باور وی، میرداماد این مقدمات را تدوین کرده است تا از نظریه نهایی خود دفاع کند: اینکه «وجود» در زمره محمول‌های درجه نخست است؛ اما فاقد متافیزیک است؛ یعنی در خارج، چیزی به نام وجود - نه به صورت وصفی و نه موصوفی - محقق نیست. وی در ادامه، خاطرنشان کرده است که مبانی نظریه میرداماد را می‌توان در رقابت با برخی نظریات امروزی تبیین کرد؛ چنان‌که برخی از چهره‌های معاصر فلسفه تحلیلی، به نظریه‌ای مشابه با دیدگاه میرداماد باور دارند. به هرروی، دیدگاه میرداماد درباره وجود، نظریه‌ای زنده و پویا در ساختار فلسفه تحلیلی به شمار می‌رود.

اطلاعات نشر:

Asian Philosophy (British Philosophical Association), Vol. 31, No 4, 2021, pp. 353-367.

1.3.9. "Four Conceptions of *Creatio ex Nihilo* and the Compatibility Questions", Pirooz Fatoorchi.¹

معرفی: این مقاله که فصل هفتم از کتاب خلقت و خدای ابراهیم است، به بررسی چهار برداشت کلی از آموزه «خلقت از عدم» و میزان سازگاری آن‌ها اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه مقاله، درباره اهمیت آموزه خلقت از عدم (*Creatio ex Nihilo*) در ادیان ابراهیمی سخن گفته و صورت اختصاری «CEN» را برای آن تعریف کرده است. در ادامه، پنج پرسش را ذیل عنوان «سؤالات سازگاری» مطرح کرده که از این قرارند:

- سؤال ۱: آیا تفسیر «خلقت از عدم» با ازلیت عالم سازگار است؟
 - سؤال ۲: آیا تفسیر «خلقت از عدم» با حوادث بی‌آغاز و بی‌نهایت در زمان گذشته سازگار است؟
 - سؤال ۳: آیا تفسیر «خلقت از عدم» با آغاز زمانی جهان در لحظه‌ای خاص سازگار است؟
 - سؤال ۴: آیا تفسیر «خلقت از عدم» با حوادثی متناهی در زمان گذشته، بدون نقطه آغاز سازگار است؟
 - سؤال ۵: آیا تفسیر «خلقت از عدم» با خلقت ابدی پروردگار سازگار است؟
- او در بخش نخست مقاله، چهار دیدگاه الهیاتی را درباره خلقت از عدم بازخوانی کرده و با این سؤالات سنجدیده است. دیدگاه‌های معهود عبارت‌اند از: نظریه «حدوث زمانی» (TH)؛ نظریه «حدوث ذاتی» (ENT)؛ نظریه «حدوث دهری» (OMT)؛ حدوث بر مبنای نظریه «حرکت جوهری» (STNH). نظریه میرداماد در مواجهه با سؤالات سازگاری، به سؤال نخست، دوم و سوم

۱. «چهار برداشت از [آموزه] «خلقت از عدم» و سؤالات سازگاری»، پیروز فتورچی.

پاسخ منفی داده و به سؤالات چهارم و پنجم، پاسخ مثبت می‌دهد.

نویسنده در بخش دوم، نظریه خلقت از عدم را در چهارچوب تفاسیر فیزیکی از پدیده «انفجار بزرگ» بررسی کرده است. هدف او در این بخش، تبیین سازگاری یا ناسازگاری چهار نظریه پیش‌گفته با این نظریه فیزیکی است. نگارنده ابتدا، تفاسیر «انفجار بزرگ» را به دو دسته «تفاسیر قوی (موافق با خلقت از عدم) (SIB)» و «تفاسیر ضعیف (مخالف با خلقت از عدم) (WIB)» تقسیم کرده و آن‌ها را در برابر سؤالات سازگاری قرار داده است:

- سؤال ۶: آیا تفسیر «خلقت از عدم» با «تفاسیر قوی» از انفجار بزرگ سازگار است؟
 - سؤال ۷: آیا تفسیر «خلقت از عدم» با «تفاسیر ضعیف» از انفجار بزرگ سازگار است؟
- نتیجه اینکه نظریه حدود ذاتی به سؤال ششم پاسخ مثبت می‌دهد و در این چهارچوب توجیه‌پذیر است؛ اما نظریات حدود ذاتی، حدود دهری و خلقت بر اساس حرکت جوهری، به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند. پاسخ این نظریات در برابر سؤال هفتم نیز برعکس است.^۱
- اطلاعات نشر:

Creation and the God of Abraham, Edited by: David B. Burrell [&] Carlo Cogliati [&] Janet M. Soskice [&] William R. Stoeger, Cambridge: Cambridge University Press, 2010 (2nd Edition, 2013), pp. 91-106 (Chapter 7).

1.3.10. "Mīr Dāmād and the debate on *Hudūt-i dahrī* in India", Sajjad Rizvi.²

معرفی: سجاد رضوی در این مقاله، سیر تاریخی فکر فلسفی را در هندوستان به اجمال بررسی کرده است. مبدأ تاریخی تحقیق وی، دوره حکومت مغولان است؛ زیرا در این دوره، با رواج برنامه «درس نظامی»، فعالیت‌های فلسفی در محافل علمی شبه‌قاره به اوج خود رسیده است. وی پس از ارائه توضیحاتی درباره مؤسسه این برنامه درسی و صورت و محتوای آن، خاطرنشان کرده است که در پایان دوران مغول، دیدگاه‌های فلسفی میرداماد و ملاصدرا - بر پایه دو کتاب الأفق المبین و شرح الهدایة - در هندوستان رواج یافته و واکنش‌های گوناگونی به دنبال داشته است. نویسنده با این مقدمه، بحث خود را به جایگاه آراء و آثار میرداماد در هندوستان معطوف ساخته است. او ابتدا کلیاتی درباره زندگی نامه میرداماد و آثار او مطرح کرده و سپس، درباره نظریه «حدوث دهری»، زمینه‌های معرفتی و تاریخی آن (از یونان باستان تا ابن سینا) و استدلال‌های میرداماد به نفع این آموزه سخن گفته است. رضوی در ادامه، با اشاره به اشکالات استدلال میرداماد، نظریه حدوث دهری را مدّعی مشابه با حدوث زمانی بر پایه حرکت جوهری (دیدگاه ملاصدرا) قلمداد کرده است.

ادامه مقاله، به بررسی واکنش‌های دانشمندان هندی به نظریه حدوث دهری اختصاص دارد. بنا بر گزارش رضوی، با ورود کتاب الأفق المبین به هندوستان، این نظریه نیز در میان دانشمندان آن سرزمین به شکلی جدی مطرح شده است. نخستین دانشمندی که درباره نظریه

۱. نویسنده خلاصه پاسخ‌ها به سؤالات سازگاری را در جدولی ارائه داده است که در تصویر آن در بخش «ضمائم» خواهد آمد.

۲. «میرداماد در هند: سنت‌های فلسفی اسلامی و مسئله حدوث»، سجاد رضوی.

حدوث دهری اظهار نظر کرده، ملامحود جونپوری، از شاگردان میرفندرسکی و مؤلف کتاب مشهور الشمس البازغة، است. رضوی ابتدا سه اشکال جونپوری را بر نظریه حدوث دهری نقل کرده و سپس، به تشابه آن‌ها با نقدهای استاد سیدجلال الدین آشتیانی بر نظریه میرداماد اشاره کرده است. نویسنده در ادامه، شاخه‌های برآمده از حکمت یمانی در هندوستان را چنین دسته‌بندی کرده است:

۱. اندیشه‌مندانی که از کتاب الأفق المبین تأثیر پذیرفته‌اند و بیشتر مطالب خود را در شروح و حواشی شرح‌الهدایه‌ی ملامصدرا بیان کرده‌اند.

۲. چهره‌هایی که شروح و حواشی مستقلی بر الأفق المبین نگاشته و بیشتر به حوزه علمی خیرآباد تعلق دارند.

۳. افرادی که از طریق شروح و حواشی شمس البازغة تحت تأثیر اندیشه‌های میرداماد قرار گرفته‌اند. رضوی در آخرین بخش مقاله، به اوضاع مطالعات مربوط به حکمت یمانی در هند پرداخته و کم‌وکیف این تحقیقات را ناکافی دانسته است. این مقاله گزارشی بدیع از حضور معنوی میرداماد در هندوستان است؛ اما از قوت فلسفی چندی برخوردار نیست. نویسنده تمام استدلال‌ها و اشکالات نظریه حدوث دهری را به اجمال نقل کرده و آگاهی‌پیشین از رئوس حکمت یمانی را نزد خواننده مفروض گرفته است.

اطلاعات نشر:

Muslim Cultures in the Indo-Iranian World during the Early-Modern and Modern Periods, Edited by: Fabrizio Speziale [&] Denis Hermann, Berlin: Klaus Schwarz Verlag, 2010, pp. 449-473.

+ باز نشر:

“Mīr Dāmād in India: Islamic philosophical Traditions and the Problem of Creation”, Sajjad Rizvi, *Journal of the American Oriental Society (JAOS)* (the American Oriental Society), Vol. 131, № 1, January-March 2011, pp. 9-23.

1.3.11. “Mīr Dāmād and the founding of the School of Iṣfahān”, Hamid Dabashi.¹

معرفی: این مقاله، فصل سی و چهارم از مجموعه پنج جلدی تاریخ فلسفه اسلامی است که زیر نظر سید حسین نصر و الیور لیمن تدوین شده است. حمید دباشی در این مقاله، با نگاهی اجمالی به جنبه‌های گوناگون حیات میرداماد، درباره مسائل هم‌چون تاریخ فکر شیعی در عصر صفوی و معاصران میرداماد سخن گفته است. وی بر این باور است که پرداختن به فلسفه در عصر صفوی، نه از باب مساعدت شرایط و ضوابط اجتماعی و فرهنگی، که از جهت نیاز دربار به تدوین رئوس مسائل سیاسی، پزشکی و نجومی بوده است. دباشی در ادامه، شاگردان میرداماد و برخی آثار وی - همچون جذوات و مواقیت و القبسات - را معرفی کرده است. او همچنین، به آموزه‌های

۱. «میرداماد و تأسیس مکتب اصفهان»، حمید دباشی.

اصلی در هستی‌شناسی میرداماد - همچون حدوث، قوس صعود و نزول و نقش انسان در دایره هستی - اشاره کرده است. به‌باور نویسنده، عرفان و تعالیم شیعی، روح اندیشه‌های میرداماد را تشکیل می‌دهند. وی در ادامه به سایر ویژگی‌های میرداماد - مانند نگارش مغلق او و تسلطش بر فقه و ادبیات - نیز اشاره کرده است.

بخش پایانی این مقاله، به تحلیل تاریخی مکتب اصفهان و اندیشه‌های بزرگان آن اختصاص دارد. دباشی هدف این مکتب را ایجاد ترکیبی از آورده‌های عرفانی و عقلانی گذشتگان در ساینه معارف شیعی می‌داند. به‌باور وی، میرداماد در جایگاه مؤسس این مکتب، رویکرد مشائی را با عرفان عملی اشراقی همراه کرده است. این مقاله با تبیین نقش ملاصدرا در مکتب اصفهان و شاگردان او به پایان می‌رسد.

اطلاعات نشر:

History of Islamic Philosophy (Routledge History of World Philosophies), Seyyed Hossein Nasr [&] Oliver Leaman, London: Routledge, 1997 (7th Edition, 2013), Vol. 3, pp. 1061-1124 (Chapter 34).

+ ترجمه:

- فارسی: تاریخ فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، تحت نظر: سیدحسین نصر [و] الیور لیمن، ترجمه: حسن فتحی، تهران: حکمت، ۱۳۸۸ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۳ش)، ج ۳، صص ۱۲۰-۱۷۴ (فصل ۳۴).

- فارسی: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش‌پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، ترجمه: حسن فتحی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۵۲-۱۰۴.

- ترکی استانبولی:

"Mîr Dâmâd ve İsfahan Okulu'nun Kuruluşu", Hamid Debaşı, Çevirmen: Şamil ÖÇAL [ve] Hasan Tuncay BAŞOĞLU, *İslâm Felsefesi Tarihi*, İstanbul: Açılım Kitap, 2007, Cilt 1, ss. 261-300 (Bölüm 34).

1.3.12. "Mîr Dāmād and his Philosophy", Toshihiko Izutsu.¹

معرفی: این مقاله، مقدمه توشی‌هیکو ایزوتسو بر چاپ حروفی القیسات است که به تبیین منابع معرفتی میرداماد و دو نظریه مهم او اختصاص دارد. نویسنده در ابتدا، توضیحاتی دقیق درباره نظام فلسفی میرداماد و سرچشمه‌های معرفتی آن ارائه داده و حکمت یمانی را تلفیق حساب‌شده‌ای از عرفان و برهان دانسته است. ایزوتسو، نظریه‌های میرداماد را درباره اصالت ماهیت و زمان، به‌منزله دو ستون نظام فلسفی وی دانسته و این مقاله را به تبیین این دو مسئله اختصاص داده است. تبیین ایزوتسو از مراتب سه‌گانه هستی (یعنی سرمد، دهر و زمان) در نظر میرداماد، متفاوت و جالب است. به‌باور وی، هریک از این مراتب از آن جهت که جایگاه موجودات خاصی در

۱. «میرداماد و فلسفه او»، توشی‌هیکو ایزوتسو.

نظام هستی‌اند، ایستا بوده و از آن جهت که حامل نسبت‌های خاصی میان موجودات هستند، مراتبی پویا به شمار می‌روند. او پس از این مقدمه، نظریه «حدوث دهری» را به اختصار تقریر کرده و درباره برخی مبادی و نتایج آن سخن گفته است.

نویسنده در بخش دیگری از مقاله، به دیدگاه میرداماد درباره اصالت ماهیت پرداخته است. به نظر او، میرداماد به تبع شیخ اشراق به اصالت ماهیت و اعتباریت وجود تمایل یافته است. او در ادامه، با اشاره به دو مبحث «زیادت وجود بر ماهیت» و «کیفیت انتزاع»، نظریه اصالت ماهیت و اعتباریت وجود و دیدگاه میرداماد را در این باره تقریر کرده است. او در پایان، درباره نظریه اصالت وجود و اختلاف نظر ملاصدرا و میرداماد سخن گفته و برخی رگه‌های عرفانی این نظریه را بازشناسانده است.

مقاله ایزوتسو یکی از آثار پیشرو و جریان‌ساز درباره میرداماد و مکتب اصفهان به شمار می‌رود. او کوشیده است تا با نگاهی اصیل و متن‌محور به آثار میرداماد، تقریر روشنی از دو دیدگاه اساسی وی - که موجب شهرت میر در تاریخ فلسفه نیز هستند - ارائه دهد. اطلاعات نشر: القبسات، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی‌هیکو ایزوتسو [و] ابراهیم دیباجی [و] سید علی موسوی بهبهانی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ ش)، صص ۱-۱۵ (ضمیمه‌های انگلیسی).

+ ترجمه:

- فارسی: «فلسفه میرداماد»، توشی‌هیکو ایزوتسو، ترجمه: بهاء‌الدین خرّمشاهی، شیعه در حدیث دیگران، گردآوری: مهدی محقق، چ ۱، تهران: انتشارات دایرة المعارف تشیع [و] بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۳ ش، صص ۱۶۷-۱۸۱.

- فارسی: «فلسفه میرداماد»، توشی‌هیکو ایزوتسو، ترجمه: بهاء‌الدین خرّمشاهی، القبسات، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی‌هیکو ایزوتسو [و] ابراهیم دیباجی [و] سید علی موسوی بهبهانی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ ش)، صص صد و هفت - صد و بیست.

- عربی: «المدخل إلى فلسفة الميرداماد»، توشیهیکو ایزوتسو، ترجمه: محمد ثائر القدسی، المحجّة، العدد ۱۳، كانون الأول ۲۰۰۴ م، صص ۱۹۳-۲۰۶.

- عربی: «الميرداماد محمدباقر الحسيني و ميتافيزيقاه»، توشیهیکو ایزوتسو، ترجمه: عادل محمود بدر، مفهوم الحدوث الدهري في ميتافيزيقيا الوجود عند الميرداماد، ط ۱، اللاذقية: دارالحوار، ۲۰۰۸، صص ۱۳۹-۱۵۶ (الملحقات).

- ترکی استانبولی:

“Mîr Dâmâd ve Metafizigi”, Toshihiko Izutsu, Çevirmen: Mehmet Nesim DORU, *Eskiyei*, Sayı 30, Bahar 2015, ss. 175-184.

1.3.13. "Mīr Dāmād on Essence, Existence and Priority", Davood Hosseini.¹

معرفی: این مقاله به بازخوانی نظریه وجود در فلسفه میرداماد اختصاص دارد. نگارنده بر این باور است که دیدگاه میرداماد درباره وجود و ماهیت و نسبت آن‌ها با حقیقت عینی، در بستری تاریخی و مبتنی بر نزاع‌های تفسیری بر سر آثار ابن‌سینا شکل گرفته است. بر این اساس، او بخش نخست مقاله را به تبیین پیشینه تاریخی بحث از ابن‌سینا تا میرداماد اختصاص داده است. نویسنده در این بخش، نشان داده است که اختلاف دانشمندان در تفسیر عبارات ابن‌سینا درباره وجود و ماهیت - به‌ویژه در مبحث «زیادت» - نزاع گسترده‌ای در تاریخ فلسفه ایجاد کرده است. میرداماد نیز دیدگاه خود را در چهارچوب همین جدال‌های علمی ارائه داده است. نویسنده در بخش دوم و سوم مقاله، دیدگاه میرداماد را درباره مسائلی همچون «اشتقاق موجود»، «هل مرگب و هل بسیطه»، «تقدم» و... بررسی کرده و تقریری روشن از نظریه او درباره وجود ارائه داده است. جالب اینکه نویسنده نظریه میرداماد را در تناظر با دیدگاه برخی چهره‌های برجسته تاریخ فلسفه - همچون ابن‌سینا و سهروردی - تفسیر کرده است. به‌باور او، نظریه میرداماد بر سه رکن استوار است: نخست، وجود وصف حقیقی نیست؛ دوم، وجود چیزی جز «موجودبودن» نیست؛ و سوم، ذات بر وجود مقدم است.

اطلاعات نشر:

The International Journal of Humanities (Tarbiat Modares University), Vol. 28, No 1, pp. 1-11.

1.3.14. "Mīr Dāmād's *Al-Qabasāt*: The Problem of the Eternity of the Cosmos", Sajjad Rizvi.²

معرفی: این مقاله، فصل بیستم از دست‌نامه فلسفه اسلامی آکسفورد است. سجاد رضوی در این نوشتار، دیدگاه میرداماد را درباره حدوث عالم، بر اساس متن کتاب القبسات بازخوانی کرده است. وی ابتدا درباره زندگانی میرداماد، اساتید و شاگردان او و آثارش سخن گفته و به تأثیرات او بر حکماء متأخر اشاره کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد دیدگاه‌های دانشمندان پیشین - به‌ویژه فلاسفه یونانی - را درباره حدوث عالم مطرح کرده و در نهایت، نظریات و استدلال‌های آن‌ها را بر پایه اصول حکمت یمانی تکیل و اصلاح کرده است. نویسنده بر این باور است که حکمت یمانی، فلسفه استدلالی محض نیست؛ بلکه بحث، ذوق و کشف، از دیگر منابع معرفتی آن محسوب می‌شوند.

به عقیده نویسنده، مسئله اصلی میرداماد، چگونگی پیدایش عالم است؛ چنان‌که در تمام آثار معقول و برخی نگاشته‌های خود در علوم منقول - همچون الرواشح السماویة - به اهمیت این مسئله اشاره کرده است. او با اشاره به زمینه‌های تاریخی و معرفتی نظریه حدوث دهری، برخی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه میرداماد را با نظریات نمایندگانی مانند مکتب شیراز - همچون دشتکی و

۱. «ذات، وجود و تقدم نزد میرداماد»، داود حسینی.

۲. «کتاب القبسات میرداماد: مسئله ازلت عالم»، سجاد رضوی.

دوانی - تبیین کرده است. رضوی خاطر نشان کرده که یکی از فروع مسئله حدوث عالم، آفرینش بر مبنای قدرت و اراده الهی است که نزاع‌های فراوانی میان متکلمان و فلاسفه ایجاد کرده است. او با اشاره به تأثیر میرداماد از سنت سینی، آموزه‌های کلامی و نیز آراء سهروردی، تصریح کرده است که کتاب القبسات، یکی از پنج اثر کلیدی درباره مسئله حدوث عالم به شمار می‌رود. به باور نویسنده، میرداماد در القبسات وجوه گوناگون نظریه حدوث دهری را تبیین کرده است؛ آموزه‌ای که راهکاری میانه بین دو نظریه حدوث زمانی و حدوث ذاتی به شمار می‌رود و از نواقص آن‌ها پیراسته است. وی در ادامه، درباره فصول القبسات و مسائل مطرح شده در هر کدام از آن‌ها توضیحاتی ارائه داده است. رضوی با بررسی هشت اصل اساسی در استدلال بر حدوث دهری - که در شرح علوی عاملی بر القبسات ذکر شده‌اند - نشان داده است که میرداماد در استدلال‌های خود، رویکردی سینی اتخاذ کرده است. نویسنده همچنین، از عبارت میرداماد در تبیین مراتب سه گانه هستی، پنج نکته مهم در فهم نظریه حدوث دهری استنباط کرده است. رضوی در ادامه، نتایج نظریه میرداماد را در مباحثی همچون «بداء» و «جبر و اختیار» - بر مبنای دو کتاب نبراس الضیاء و الإیقاظات - بررسی کرده است. او مقاله خود را با اشاره‌ای مختصر به تأثیر میرداماد بر اندیشه‌مندان متأخر - از جمله شخصیت‌های هندی - به پایان برده است.

اطلاعات نشر:

The Oxford Handbook of Islamic Philosophy, Edited by: Khaled El-Rouayheb
[&] Sabine Schmidtke, Oxford: Oxford University Press, 2017, pp. 438-464
(Chapter 20).

+ ترجمه:

- ترکی استانبولی:

“Mîr Dâmâd'ın *El-Kabesât*'ı (Korlar): Evrenin Ezeliği Sorunu”, Sajjad Rizvi,
Çevirmen: Mustafa YALÇINKAYA, *İslam Felsefesi: Filozoflar ve Eserler*, İstanbul:
Litera Yayıncılık, 2021, ss. 609-645 (Bölüm 20).

1.3.15. “Mîr Dāmād's Concept of *Ḥudūth Dahrī*: A Contribution to the Study of God-World Relationship Theories in Safavid Iran”, Fazlur Rahman.¹

معرفی: فضل الرحمن در این مقاله - که یکی از نخستین گام‌های میردامادشناسی معاصر در میان غیرایرانیان به شمار می‌رود - چهار تحلیل میرداماد را درباره وعاء دهر و حدوث دهری بررسی کرده است. امتیاز این مقاله، دقت نویسنده در تحلیل تاریخی مسئله و شکل‌گیری مفهوم «دهر» در فلسفه میرداماد است. به باور نویسنده، این مفهوم پیش‌تر در آثار ابن سینا مطرح شده و میرداماد با تفصیل عبارات شیخ رئیس و رفع کاستی‌های نظرات گذشتگان، این مفهوم را در قالبی بدیع عرضه کرده است. چهار تحلیل بررسی شده در مقاله، از این قرارند:

۱. «حدوث دهری میرداماد: تلاشی در بازخوانی نظریات درباره رابطه خداوند با عالم در ایران عصر صفوی»، فضل الرحمن.

الف) «حدوث» به معنای مسبوقیت به عدم است و وجود و عدم در این مفهوم، متناقض یکدیگر هستند. از طرف دیگر، می‌دانیم که یکی از شروط تحقق تناقض، وحدت در زمان است که در حدوث زمانی محقق نمی‌شود. بر این اساس، تحقق این رابطه به مرتبه‌ای فارغ از امتداد و کشش نیاز دارد که میرداماد آن را «زمان مطلق» یا «دهر» نامیده است.

ب) با توجه به تعلق ذاتی ماهیات ممکن به حق تعالی و همچنین، وجود خارجی و عینی موجوداتی مثل عقول کلی و اجرام سماوی، دو نحوه حدوث متصور است: یکی حدوث تبعی ماهیات و دیگری حدوث استقلال آن‌ها در نسبت با ذات واجب الوجود. به نظر میرداماد، حدوث اصلی و حقیقی، نحوه دوم حدوث است. بر این اساس، تحقق حدوث استقلالی در مرتبه سرمد - که به حق متعال اختصاص دارد - ممکن نیست؛ لذا، باید مرتبه نازل‌تری (دهر) باشد تا این‌گونه موجودات در آن متحقق شوند.

ج) بنا بر نظر ابن سینا، برخی موجودات قدیم و ازلی - مثل عقول کلی - به عدم صریح مسبوق نیستند؛ درحالی‌که بعضی دیگر - مانند اجرام سماوی و نفوس کلی آن‌ها - بعد از عدم صریح متحقق می‌شوند. به نظر نویسنده، حدوث دسته دوم سبب شکل‌گیری اندیشه اثبات دهر در ذهن میرداماد شده است. البته، میرداماد با فراتر گذاشته و حدوث دهری را به تمام مصادیق حادث ذاتی تعمیم داده است.

د) تقدّم و تأخّر ذاتی بر سه گونه است: بالطبع، بالعلیّة، بالمرتبة العقلیّة. لازم است که همه انحاء این تقدّم و تأخّر، علاوه بر ذهن در عین نیز مصداق داشته باشند. از نظر میرداماد تمام این اقسام به تقدّم و تأخّر انفکاک‌ی دهری بازمی‌گردند و تقدّم ذاتی حق تعالی نیز به تقدّم سرمدی‌اش منتسب است.

فضل الرحمن در پایان مقاله، حدوث دهری را نظریه‌ای اصیل و وثیق دانسته است. البته، او بر این باور است که تمرکز میرداماد بر اثبات وعاء دهر، او را از بررسی همه‌جانبه نتایج نظریه‌اش در مباحث گوناگون فلسفی بازداشته است. این مقاله به جهت عمق و اشتغال بر تحلیل‌های بکر، یکی از مقالات اصیل و جریان‌ساز در ساحت میردامادشناسی معاصر به شمار می‌رود.

اطلاعات نشر:

Journal of Near Eastern Studies (University of Chicago), Vol. 39, No 2, April 1980, pp. 139-151.

+ بازنشر: القبسات، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] ابراهیم دیباجی [و] سیدعلی موسوی بهبهانی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ش)، صص ۱۶-۲۸ (ضمیمه‌های انگلیسی).

+ ترجمه:

- فارسی: «حدوث دهری میرداماد»، فضل الرحمن، ترجمه: کامران فانی، شیعه در حدیث دیگران، گردآوری: مهدی محقق، چ ۱، تهران: انتشارات دایرة المعارف تشیع [و] بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۲ش، صص ۱۸۳-۲۰۵.

- فارسی: «حدوث دهری میرداماد»، فضل الرحمن، ترجمه: کامران فانی، القبسات، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] ابراهیم دیباجی [و] سید علی موسوی بهبهانی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ش)، صص صد و بیست و یک - صد و چهل و سه.

- ترکی استانبولی:

“Mîr Damad'ın Hudûs-i Dehrî Kavramı: Safevîler Dönemi İran'da Tanrı-Âlem İlişkisi İle İlgili Çalışmalara Bir Katkı”, Fazlurrahman, Çevirmen: Mehmet Nesim DORU, *İstanbul Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, Sayı 27, 2012, ss. 231-146.

1.3.16. “Mîr Dāmād's Concept of Time”, Mehdi Aminrazavi.¹

معرفی: این مقاله که بخشی از فصل دوم کتاب زمان و زمانمندی در فلسفه اسلامی و پدیدارشناخت زندگی است، به بررسی مفهوم زمان در کتاب القبسات اختصاص دارد. نگارنده پس از ارائه گزارش مختصری از زندگی میرداماد، عنوان قبس‌های ده‌گانه کتاب را ذکر کرده است. به‌باور نویسنده، میرداماد معنای «زمان» را تعمیم داده است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر زمان مصطلح در عالم طبیعت، عوالم دهر و سرمد را نیز در بر می‌گیرد. او پس از ذکر این مطلب، به بررسی اختلاف نظر میرداماد و ابن سینا در این ابعاد سه‌گانه (زمان، دهر و سرمد) پرداخته است. اشکال میرداماد بر شیخ رئیس آن است که اکتفا به نظریه «حدوث ذاتی»، تفاوت خداوند با مخلوقات را به تفاوتی انتزاعی و غیرواقعی تقلیل می‌دهد. بر این اساس، میرداماد برای حفظ حریم الهی در مراتب هستی، نظریه «حدوث دهری» را پیشنهاد داده است که مستلزم تأخر انفکاک و واقعی ممکنات از حق متعال است.

نویسنده در ادامه، کوشیده است تا تصویر روشنی از نظریه میرداماد بر اساس انفکاک مراتب سه‌گانه سرمد، دهر و زمان ارائه دهد. او با تأکید بر مفهوم «دهر» در جایگاه هسته مرکزی استدلال‌های میرداماد بر حدوث دهری، خاطر نشان کرده است که نظریه حدوث دهری، بازتعریفی از نظریه حدوث ذاتی است؛ چنان‌که استاد سید جلال‌الدین آشتیانی نیز بر این نکته تصریح کرده است. از نظر امین‌رضوی، دیدگاه میرداماد درباره سلب تقدّم و تأخر در مرتبه دهر، حدوث دهری را به حدوثی مفهومی و انتزاعی تبدیل می‌کند. به بیان دیگر، میرداماد در تبیین انفکاک میان دهر و سرمد، ناموفق بوده است و این ناکامی نه به ضعف استدلال، که به مبانی فلسفی میرداماد - همچون قاعده «الواحد» - باز می‌گردد. از نظر نویسنده، ابن سینا و میرداماد در استدلال‌های خود، به ویژگی‌های عدم در مفهوم «مسبوقیت وجود به عدم» نپرداخته‌اند؛ درحالی‌که ابهام در مفهوم «عدم» و ویژگی‌های آن، موجب ابهام در نظریات ایشان می‌شود.

اطلاعات نشر:

Timing and Temporality in Islamic Philosophy and Phenomenology of Life, Edited by: Anna-Teresa Tymieniecka, Dordrecht: Springer, 2007, pp. 159-165.

۱. «میرداماد و مفهوم زمان»، مهدی امین‌رضوی.

1.3.17. "Mīr Dāmād's Wisdom of the Right Side (*al-ḥikma al-yamāniyya*)", Jānis Ešots.¹

معرفی: این مقاله به بررسی بن‌مایه‌ها و اصول اصلی حکمت یمانی میرداماد، جایگاه و وجوه تمایز و اشتراک آن با دیگر مکاتب فلسفی اختصاص دارد. نویسنده ابتدا اشاره کرده است که متافیزیک میرداماد بر دو آموزه اساسی استوار است: نظریه «جعل بسیط ماهیت» و نظریه «حدوث دهری». او در بخش نخست مقاله، دیدگاه میرداماد را درباره جعل بسیط ماهیت، به تفصیل شرح داده و درباره مطالبی همچون مراتب ماهیت در دیدگاه میرداماد و تأثرویی از ابن‌سینا سخن گفته است. اشوتس در این بخش، با نقل عباراتی از آثار جلال‌الدین دوانی، نشان داده است که میرداماد در طرح دیدگاه خود، از دوانی نیز اثر پذیرفته است. بخش دوم مقاله، به بازخوانی نظریه حدوث دهری اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، با بیان برخی مقدمات - همچون مراتب سه‌گانه وجود - و با ارجاع به برخی پژوهش‌های پیشین، تقریری از نظریه میرداماد ارائه داده و لوازم آن را - به ویژه در مبحث «قضاء و قدر» - بررسی کرده است. او همچنین، به تأثرات میرداماد از دانشمندان پیشین - همچون ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و جلال‌الدین دوانی اشاره کرده است. نویسنده در پایان مقاله، اشاره کرده است که به نظر میرداماد، دو جایگاه وجودی می‌توان برای خداوند ترسیم کرد: ۱. خالق عقول و موجودات دهری ثابت؛ ۲. خالق تجلی زمانی موجودات دهری. اگر از این منظر به فلسفه میرداماد بنگریم، او در درجه نخست فیلسوفی افلاطونی و در درجه دوم، حکیمی سینوی خواهد بود.

اطلاعات نشر:

The Renaissance of Shī'i Islam: Facets of Thought and Practice, Edited by: Farhad Daftary [&] Jānis Ešots, London: I. B. Tauris [&] the Institute of Ismaili Studies, 2022, pp. 305-321.

1.3.18. "Mīr Dāmād's Yemenī Wisdom: A Variety of Platonism?", Jānis Ešots.²

معرفی: اشوتس در این مقاله دو اصل کلیدی حکمت یمانی را بررسی کرده است: ۱. نظریه «جعل بسیط ماهیت»؛ ۲. نظریه «حدوث دهری». به باور او، رگه‌هایی از فلسفه «شدن» در حکمت یمانی وجود دارد؛ زیرا بر اساس دیدگاه میرداماد، موجودات دهری علاوه بر وجود حقیقی در عالم دهر، دارای تجلیات و شیخ‌هایی در حال تغییر و تبدل نیز هستند. با این تبیین، هم فلسفه «بودن» و هم

۱. «حکمت یمانی میرداماد»، یانیس اشوتس.

نسخه ابتدایی این مقاله در همایش «رנסانس اسلام شیعی در قرون ۱۵ تا ۱۷ میلادی»، با مشخصات زیر ارائه شده است:

"Mīr Dāmād's Yemenī Wisdom", Jānis Ešots, *The Renaissance of Shī'i Islam in the 15th-17th Centuries Conference*, The Institute of Ismaili Studies (Aga Khan Centre), London, October 2018.

۲. «آیا حکمت یمانی میرداماد شاخه‌ای از فلسفه افلاطون است؟»، یانیس اشوتس.

فلسفه «شدن» در اندیشه میرداماد حضور دارند و می‌توان او را فیلسوفی افلاطونی دانست. نویسنده در ادامه، دربارهٔ مراتب سه‌گانه هستی و تبارشناسی مفهوم «دهر» سخن گفته و تقریر مختصری از نظریهٔ حدوث دهری ارائه داده است. او همچنین، به جعل بسیط ماهیت و اعتباریت مفهوم مصدري وجود در نگاه میرداماد پرداخته و این پرسش را برای خواننده مطرح کرده است: آیا این نظریات برگرفته از آراء ابن‌سینا و دوانی هستند؟ اشوتس در بخش دیگری از مقاله، تفاوت‌های آراء میرداماد و افلاطون را بررسی کرده است. به گزارش او، مُثُل در نظر افلاطون وجود عینی ندارند؛ در حالی که طبق دیدگاه میرداماد، مُثُل در مرتبهٔ قضاء الهی که همان دهر است، وجود عینی دارند. با توجه به اینکه دهر، رابطهٔ ثابت و متغیر است، رابطهٔ «بودن» و «شدن» را در فلسفهٔ میرداماد شکل می‌دهد. از سوی دیگر، هر رابطه‌ای بر دو طرف مبتنی است؛ یعنی «بودن» به «شدن» نیازمند است و بدین ترتیب، وجود عینی مُثُل در دهر، تنها با در نظر گرفتن مصادیق خارجی ممکن خواهد بود.

نویسنده در ادامه، دو مفهوم «قضاء» و «قدر» را بر اساس نظریهٔ حدوث دهری تبیین کرده است. به باور او، دیدگاه میرداماد در این باره، تحت تأثیر نظرات خواجه نصیرالدین طوسی و با هدف تقریب فلسفه و کلام شکل گرفته؛ اما با اشکالاتی مواجه است؛ زیرا رابطهٔ قضاء با قدر، اجمال و تفصیل است؛ در حالی که رابطهٔ دهر با زمان این‌گونه نیست. اشوتس در پایان مقاله، به تفسیر خلقت بر مبنای حرکت توسّطیه و حرکت قطعیه پرداخته است. به نظر او، خلق عالم عقول و دهر به نحو قطعی و خلق عالم ماده به نحو توسّطی بوده است. بدین ترتیب میرداماد از یک سو فیلسوفی افلاطونی و از سوی دیگر اندیشه‌مندی مثنّائی به شمار می‌آید.

اطلاعات نشر:

Ishraq: Islamic Philosophy Yearbook (Ишрак: ежегодник исламской философии) (Russian Academy of Sciences), № 8, 2017, pp. 34-46.

1.3.19. "Mullā Ṣadrā's teaching on the World of Command and Mīr Dāmād's Theory of Meta-temporal Origination (*ḥudūth dahri*)", Jānis Ešots.¹

معرفی: این مقاله، به مطالعه‌ای تطبیقی میان برخی آراء میرداماد و ملاصدرا اختصاص دارد. مسئلهٔ اصلی نگارنده، دلیل سکوت ملاصدرا در برابر نظریهٔ «حدوث دهری» است. آیا این سکوت به معنای مخالفت ملاصدرا با میرداماد است؟ نویسنده برای پاسخ به این سؤال، چند مطلب را بررسی کرده است. مطلب نخست، سابقهٔ تاریخیِ باور به عالم دهر در جایگاه واسطه‌ای میان موجودات مادی و پروردگار است. به باور نویسنده، فیلسوفانی همچون پروکلس و ابن‌سینا به این نحو واسطه اعتقاد داشته‌اند؛ زیرا اجسام سماوی و زمان در نظر پروکلس و ارباب انواع در دیدگاه ابن‌سینا، موجوداتی دهری هستند. میرداماد در ادامهٔ همین سنت، جواهر عقلی (اعم از عقول طولی و عرضی) را مهم‌ترین موجودات دهری دانسته است.

مطلب دیگر، نظریهٔ تعلق جعل بسیط به ماهیت است. نگارنده با توضیح دیدگاه میرداماد،

۱. «عالم امر در فلسفهٔ ملاصدرا و نظریهٔ حدوث دهری میرداماد»، یانیس اشوتس.

خاطر نشان کرده است که نظریه او در مبحث جعل، با نظریه حدوث دهری متلازم است؛ زیرا حوادث دهری، همان ماهیات اشیاء هستند که به عدم واقعی مسبوق اند. میرداماد با تبعیت از سهروردی، وقوع تشکیک را در ماهیت این اشیاء جایز دانسته است؛ این در حالی است که ملاصدرا ضمن مخالفت با استاد، به نظریه جعل بسیط وجود قائل شده و تشکیک را در حریم وجود اشیاء جاری کرده است. بر این اساس، تمایل ملاصدرا به اصالت وجود، مانع از پذیرش نظریه حدوث دهری است؛ زیرا ماهیات اشیاء در نظر او، تنها از اعیان خارجی حکایت می کنند و خود حظی از وجود ندارند. به بیان دیگر، در هستی شناسی ملاصدرا نمی توان مرزی میان عوالم قائل شد؛ چنان که مرز نفس و بدن در وجود انسان مشخص نیست. از سوی دیگر، آموزه «عالم امر» در حکمت متعالیه، برخی کارکردهای نظریه حدوث دهری میرداماد را تأمین می کند. اشوتس مقاله را با بررسی مباحثی همچون نحوه صدور کثرت از واحد، وجود افلاک و اختلاف عقول در نظر میرداماد و ملاصدرا پی گرفته و ارتباط آن ها را با دو نظریه حدوث دهری و عالم امر نشان داده است. در نظر او، مخالفت ملاصدرا با حدوث دهری، به معنای انکار مرتبه دهر نیست.

اطلاعات نشر:

Transcendent Philosophy (London Academy of Iranian Studies: LAIS), vol. 6, 2005, pp. 109-128.

1.3.20. "Philosophical Lettrism in Safavid Iran: Mir Dāmād and His Sources", Matthew Melvin-Koushki.¹

معرفی: این مقاله به بازخوانی دیدگاه های حروفی میرداماد اختصاص دارد. نویسنده بر این باور است که هرگونه تحقیق درباره آراء فلسفی و هستی شناختی میرداماد، بدون توجه به دیدگاه های او در علم الحروف، ناکافی و ناقص خواهد بود؛ زیرا از قرن پانزدهم میلادی، علوم غریبه یکی از منابع اصلی معرفت در نظر دانشمندان ایرانی بوده اند. به اعتقاد او، ابن ترکه یکی از ارکان اصلی ترویج و پیشرفت علم الحروف در ایران بوده است و راهی که او در این عرصه پیمود، بعدها توسط افرادی همچون ملاحسین واعظ کاشفی به خوبی دنبال شد. نویسنده همچنین، به نوسانات علوم غریبه در عصر صفوی اشاره کرده و تمایل بزرگان مکتب شیراز - همچون دوانی و دشتکی - به علم الحروف و بی توجهی ملاصدرا به این رشته را گواه مدعی خود گرفته است. به باور او، آراء میرداماد در علم الحروف، تحت تأثیر دیدگاه های ابن سینا و ابن ترکه شکل گرفته اند؛ چنان که بعدها، ملاعلی نوری با توجه ویژه به آثار حروفی ابن ترکه و میرداماد، به شرح و تحشیه آن ها همت گمارد. نویسنده در این مقاله، با معرفی سه اثر حروفی میرداماد، جذوات و موافقت، نبراس الضیاء و أسرار الحروف المقطعة، کوشیده است تا علاوه بر تبیین رؤس آراء میر در علم الحروف، تأثرویی را از ابن سینا و ابن ترکه نشان دهد.

اطلاعات ارائه:

۱. «علم الحروف فلسفی در ایران عصر صفوی: میرداماد و منابع فکری او»، متیو ملوین کوشکی.

این مقاله در زمره مقالات همایشی است و تا زمان نگارش این مدخل، نسخه کاملی از متن آن فراهم نشد؛ لذا، مقاله را بر اساس چکیده آن معرفی کرده ایم.

10th Biennial Iranian Studies Conference, International Society for Iranian Studies (AIS), Montreal, August 2014.

1.3.21. "Platonism in Safavid Persia: Mīr Dāmād and Āqājānī on the Platonic Forms", Nariman Aavani.¹

معرفی: این مقاله به مطالعه تطبیقی دیدگاه میرداماد و محمدبن علی رضا آقاجانی درباره نظریه «مُثل افلاطونی» اختصاص دارد. منبع اصلی نویسنده، عبارات میرداماد در قبس پنجم از کتاب القبسات و شرح آقاجانی بر این عبارات است. میرداماد در این قبس، چهار تفسیر برای مُثل افلاطونی برشمرده است: ماهیات مرسله؛ معلومات الهی؛ ارباب انواع؛ صور معلقه. او از این میان، تفسیر نخست را رد کرده، تفسیر سوم را پذیرفته و دو تفسیر دیگر را طبق مبانی حکمت یمانی ارائه داده است. نگارنده پیش از تبیین این تفاسیر، به برخی مقدمات مفهومی - همچون «اعتبارات ماهیت» - پرداخته است. اعوانی در ادامه، سه استدلال میرداماد را در رد تفسیر مشهور از مُثل افلاطونی تقریر کرده است. سپس، درباره دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق درباره مُثل افلاطونی سخن گفته و نقدهای میرداماد را بر مواضع ایشان، نقل کرده است. نویسنده سپس، دیدگاه میرداماد را درباره تفسیر دوم و چهارم از مُثل افلاطونی تبیین کرده است. بر مبنای عبارات میرداماد در القبسات، مُثل افلاطونی در مرتبه دهر حضور دارند.

نویسنده در بخش بعدی، به اشکالات آقاجانی بر تفسیر میرداماد از مُثل افلاطونی پرداخته است. یکی از این اشکالات آن است که دیدگاه میر، مستلزم خدشه بر لوازم اصل علیت است؛ زیرا بر مبنای تفسیر او، باید فرض کنیم که خداوند (علت)، بدون تحقق ماهیت ممکنات (معالیل)، تحقق یافته است. نویسنده خاطر نشان کرده است که این اشکال، از تفاوت مبنای آقاجانی و میرداماد در مباحث هستی شناختی ناشی شده است. بر مبنای دیدگاه میرداماد، مرتبه سرمد مختص ذات واجب الوجود است و هیچ معلولی در آن مرتبه موجود نیست؛ بلکه رد پای معالیل را باید در دو مرتبه دهر و زمان جست و جو کرد. نگارنده در پایان مقاله، پرسشی درباره ارتباط تفسیر میرداماد از مُثل افلاطونی با نظریه او درباره جعل بسیط ماهیت مطرح کرده و آن را مسئله ای مناسب برای تحقیق در فلسفه میرداماد دانسته است.

اطلاعات نشر:

Ishraq: Islamic Philosophy Yearbook (Ишрак: ежегодник исламской философии) (Russian Academy of Sciences), № 8, 2017, pp. 112-136.

1.3.22. "Revival of Islamic Philosophy in the Safavid Period with Special Reference to Mīr Dāmād", Mehdi Mohaghegh.²

معرفی: این مقاله، صورت نوشتاری از سخنرانی دکتر محقق در گردهمایی «مواجهه اسلام و مدرنیسم» است که در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی در کوالالامپور برگزار شده است. وی در این

۱. «فلسفه افلاطونی در ایران عصر صفوی: دیدگاه میرداماد و آقاجانی درباره مُثل افلاطونی»، نریمان اعوانی.

۲. «تجدید حیات فلسفه اسلامی در عصر صفوی با ارجاع خاص به میرداماد»، مهدی محقق.

نوشتار، ابتدا درباره دلایل افول فلسفه در جهان اسلام - به ویژه در میان اهل سنت - سخن گفته است. به باور وی، نخستین عامل انزوای فلسفه یونانی در جهان اسلام، مترجمان مسیحی آثار یونانی بودند که نه با ادبیات عربی به خوبی آشنا بودند و نه تخصصی در موضوعات فلسفی داشتند و علاوه بر این، با فضای جامعه اسلامی نیز هم‌نوا نبودند. دومین عامل نیز نگرارش کتاب تهافت الفلاسفه و هجمه طاق‌فرسای غزالی به ابن‌سینا و جریان فلسفی در جهان اسلام بوده است. تأثیر این طرز فکر چندان قوی و پابرجا بود که تلاش‌های افرادی همچون ابن‌رشد، ناصر خسرو قبادیانی و سهروردی در رفع آن به نتیجه نرسید؛ چنان‌که تا سال‌ها فلسفه در نوعی ضدیت با دین تعریف می‌شد.

نویسنده پس از این مقدمه، خاطرنشان کرده است که ظهور فلاسفه شیعی در عصر صفوی، این نزاع دیرین را تا حد زیادی فیصله داده است. گام نخست این فلاسفه، جایگزین کردن اصطلاح قرآنی «حکمت» با «فلسفه» بود. ایشان نظام واژگانی دینی را با برخی اصطلاحات یونانی جایگزین کردند و بدین ترتیب، اثرات مخرب نخستین عامل پیش‌گفته را قدری ترمیم کردند. گام دوم ایشان، نشان دادن اتصال علمی فلاسفه یونانی به انبیاء الهی، از طریق تدوین شجره‌نامه‌های حکمی/ تاریخی بود. گام اصلی و سوم، استشهاد حکماء به آیات قرآنی و میراث روایی در تأیید مباحث و استدلال‌های خود بوده است.

نویسنده در ادامه، خلاصه‌ای از کوشش‌های میرداماد در هماهنگ‌سازی دین و فلسفه ارائه کرده است. مطلب نخست، استشادهای فراوان میرداماد به قرآن و احادیث است؛ چنان‌که قبس چهارم از کتاب القبسات را به شواهد قرآنی و حدیثی نظریه «حدوث دهری» اختصاص داده است. مطلب دوم، دفاع جدی میرداماد از بزرگان فلسفه - همچون فارابی و ابن‌سینا - در برابر حملات غزالی و فخر رازی است. نویسنده در پایان، تلخیصی از نظریه حدوث دهری برمبنای تقریر حکیم سبزواری ارائه داده است.

اطلاعات نشر:

Islam and the Challenge of Modernity (Proceedings of the Inaugural Symposium on Islam and the Challenge of Modernity), Edited by: Sharifah Shifa Al-Attas, Kuala Lumpur: Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC), 1996, pp. 7-19.

+ باز نشر: شرح القبسات، سیداحمد بن زین‌العابدین علوی عاملی، تصحیح: حامد ناجی اصفهانی، چ ۱، تهران: نشر میراث مکتوب [و] انتشارات مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش، صص ۷-۱۹ (ضمیمه‌های انگلیسی).

+ ترجمه:

- ترکی استانبولی:

“Mîr Dâmâd’a Özel Referanslarla Safeviler Devrinde İslâm Felsefesinin İhyâsı”, Mehdî Muhakkık, Çevirmen: Nurettin YAKIŞAN, *Bingöl Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, Sayı 3, 2014, ss. 239-247.

1.3.23. "Some Aspects of Islamic Cosmology and the Current State of Physics", Shahidan Radiman.¹

معرفی: این مقاله به بررسی تطبیقی زمان از نظرگاه میرداماد و فیزیک جدید اختصاص دارد. نویسندگان پس از توضیح درباره نقش زمان در تبیین الهیاتی آفرینش، تفاوت نگرش متکلمان و فلاسفه را به این مسئله تبیین کرده است. به باور او، میرداماد با عدول از برخی اصول مقبول نزد الهی دانان مسلمان یا توسعه آن‌ها، مراتب سه‌گانه سرمد، دهر و زمان را برای موجودات ترسیم کرده است. نویسندگان تقریر مختصری از نظریه «حدوث دهری» بر مبنای دیدگاه فضل‌الرحمن ارائه داده و نتیجه گرفته است که مرتبه دهر، ساحت زمان ناب است و ذوات قبل از وجود اثباتی خود، نزد خدا وجود دارند؛ اما در مرتبه‌ای فروتر از ساحت سرمد. میرداماد از این معنا با تعبیر «تقدم انفکاک» یاد کرده است.

نویسندگان در بخش دوم مقاله، گزارشی از نظریات فیزیک دانان درباره پدیده «انفجار بزرگ» ارائه داده و خاطرنشان کرده است که بر اساس مدل مارتین بوجوالد، می‌توان از «زمان پیش از انفجار بزرگ» سخن گفت. نویسندگان با تأکید بر این گزاره و تعقیب آموزه‌های پلانک درباره زمان، به این نتیجه رسیده است که در مقیاس پلانک، هیچ متغیر زمانی عینی وجود ندارد. نویسندگان در پایان، امتداد ناب زمانی پیش از خلقت را بر مفهوم «دهر» در فلسفه میرداماد تطبیق داده است. اطلاعات ارائه:

International Conference on Mathematical Sciences (ICMS), Bangi-Putrajaya, November, 2007.

1.3.24. "Spiritual Movements Philosophy and Theology in the Safavid Period", Seyyed Hossein Nasr.²

معرفی: این مقاله، فصل سوم از جلد ششم مجموعه تاریخ ایران کمبریج است. دکتر نصر در بخشی از این نوشتار، به اندیشه میرداماد پرداخته است. او ابتدا درباره حیات میرداماد و هویت استادان او به اختصار سخن گفته و سپس، به آثار میرداماد، تعداد و موضوعات آن‌ها اشاره کرده است. به باور وی، میرداماد در پی ارائه تفسیری اشرافی از متافیزیک سینوی بوده است؛ از این رو، نظام فلسفی جدیدی با عنوان «حکمت یمانی» بنا نهاده و آن را از فلسفه عتیق یونان تفکیک کرده است. دکتر نصر در ادامه، به خلسه‌های ملکوتی میرداماد اشاره کرده و آن‌ها را شاهدهی بر تمایل او به ممارست‌های صوفیانه دانسته است. او همچنین، درباره نظریه «حدوث دهری» و جایگاه آن سخن گفته و تقریر مختصری از این نظریه ارائه کرده است. نویسندگان در پایان بخش مربوط به میرداماد، به برخی شاگردان وی و آثار مشهور آن‌ها اشاره کرده است.

۱. «برخی جنبه‌های جهان‌شناسی اسلامی و وضعیت کنونی فیزیک»، شهیدان رادیمان.

این مقاله در زمره مقالات همایشی است و تا زمان نگارش این مدخل، نسخه کاملی از متن آن فراهم نشد؛ لذا، مقاله را بر اساس چکیده آن معرفی کرده‌ایم.

۲. «جریان‌های معنوی فلسفه و کلام در عصر صفوی»، سیدحسین نصر.

اطلاعات نشر:

The Cambridge History of Iran, Vol. 6: The Timurid and Safavid Periods, Edited by: Laurence Lockhart [&] Peter Jackson, Cambridge: Cambridge University Press, 1986, pp. 656-697 (Chapter 3).

+ ترجمه:

- فارسی: تاریخ ایران کمبریج (دوره صفوی)، مجموعه مؤلفان، با اشراف: پیتر جکسون [و] لارنس لاکهارت، ترجمه: تیمور قادری، ج ۱، تهران: نشر مهتاب، ۱۳۸۸ش (تجدید چاپ تا نوبت چهارم، ۱۳۹۶ش).

1.3.25. "Suhrawardī's Heir? The Ishrāqī Philosophy of Mīr Dāmād", Ian Richard Netton.¹

معرفی: این مقاله فصلی از بخش چهارم از جلد سوم مجموعه میراث تصوف است. نویسنده در این مقاله، پس از تبیین اصول کلی حکمت اشراقی بر مبنای آثار سهروردی، میزان انطباق اندیشه میرداماد را با این اصول کلی بررسی کرده است. او بخش نخست مقاله را به حیات و آثار سهروردی اختصاص داده و پس از ارائه شرح حال مختصری از شیخ اشراق، معرفی آثار او، درباره اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر سهروردی سخن گفته است. بخش دوم مقاله نیز به شرح حال میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، توضیحاتی درباره حیات میرداماد و آثار وی ارائه داده است. او در انتهای این بخش، با تحلیلی درخور توجه، اوضاع سیاسی عصر حیات میرداماد را با دوران سهروردی مقایسه کرده است. نویسنده در بخش سوم مقاله، منابع اصلی اندیشه سهروردی را تبیین کرده است. به باور او، ارکان حکمت اشراقی سهروردی عبارت‌اند از: اندیشه‌های افلاطونی (اعم از آثار افلاطون و تفاسیر افلاطونیان متأخر)؛ اندیشه‌های ارسطویی (در قرائتی متفاوت با میراث سینیوی)؛ اندیشه‌های نوافلاطونی.

بخش چهارم مقاله به تبیین منابع اصلی تفکر میرداماد اختصاص دارد. نویسنده با بررسی جایگاه سه منبع پیش گفته در حکمت یمانی، خاطرنشان کرده است که میرداماد نیز از اندیشه‌های افلاطون (در باور به نظریه «مثل») و فلسفه ارسطو (در قرائت سینیوی آن) بسیار متأثر بوده است. همچنین، رگه‌های نوافلاطونی نیز در اندیشه‌های میرداماد آشکار و نیرومند هستند. نویسنده بر این باور است که ساحت دهر در اندیشه میرداماد، با عالم مثال در اندیشه سهروردی متناظر است. بخش پنجم به معرفی ساختار و محتوای القبسات اختصاص دارد. نویسنده در این بخش تصریح کرده است که میرداماد بیشتر واژگان فلسفی خود را از نظام اصطلاحات سهروردی وام گرفته است. او در بخش بعدی، درباره مراتب سه‌گانه وجود و نظریه «حدوث دهری» سخن گفته و پیشینه تاریخی دیدگاه میرداماد را تبیین کرده است. نویسنده در بخش هفتم مقاله، با تحلیل مطالب بخش‌های پیشین، خاطرنشان کرده است که میرداماد میراث دار حکمت اشراقی سهروردی است؛ اگرچه با دیدگاه خاص خود درباره زمان و حدوث، برخی ساختارهای حکمت اشراقی را تغییر داده است.^۲

۱. «وارث سهروردی؟ فلسفه اشراقی میرداماد»، ایان ریچارد نتون.

۲. نویسنده در این مقاله، ترجمه‌های گوناگون از اصطلاحات «سرمد»، «دهر» و «زمان» را در جدولی گزارش

The Heritage of Sufism, Vol. 3: Late Classical Persianate Sufism (1501-1750), Edited by: Leonard Lewisohn [&] David Morgan, Oxford: Oneworld Publications, 1999 (2nd Edition, 2007)¹, pp. 225-264.

1.3.26. "The Effect of al-Fārābī Philosophy on Mīr Dāmād's Creation Thought", Nurettin YAKIŞAN.²

معرفی: نویسنده بر این باور است که یکی از مسائل مهم و مغفول در عرصه فارابی‌شناسی، بررسی تأثیرات او بر اندیشه‌مندان متأخر است؛ از این رو در این مقاله، تأثیرات میرداماد را از فارابی در طرح نظریه «حدوث دهری» بررسی کرده است. او ابتدا به نحوه یادکرد میرداماد از فارابی - به ویژه اصطلاح «شریک در تعلیم» - اشاره کرده و سپس، خاطرنشان کرده است که میرداماد علی‌رغم احترام فراوانی که برای فارابی قائل است، نظریه او را در توجیه آفرینش (حدوث ذاتی) کافی ندانسته است. میرداماد بر این باور است که فارابی در تبیین اختلاف واجب با ممکن در ساختار مفهومی «ذات/وجود» بسیار موفق بوده؛ اما به لوازم برهانی این تمایز در مبحث «حدوث عالم»، توجه نکرده است. نگارنده بر این باور است که با اندکی مسامحه، می‌توان میرداماد را فیلسوفی متعلق به مدرسه فارابی دانست. اطلاعات ارائه:

10th Al-Farabi International Conference on Social Sciences, Malatya, November 2021.

1.3.27. "The Meta-Temporal Origination", Hamed Naji Isfahani, Translated by: Jānis Ešots.³

معرفی: این مقاله، تلخیصی از مقدمه فارسی دکتر حامد ناجی اصفهانی بر شرح القیسات سیداحمد علوی عاملی است. او در آغاز این مقاله، توضیحاتی مختصر درباره نظریه حدوث دهری و تأثیر آن بر اندیشه حکماء متأخر ارائه داده است. سپس، درباره اقسام حدوث سخن گفته و دو قسم «حدوث اضافی» و «حدوث اسمی» را از محل بحث خارج کرده است. نویسنده در ادامه، با تأکید بر سه قسم «حدوث ذاتی»، «حدوث دهری» و «حدوث سرمدی»، به بررسی دیدگاه میرداماد پرداخته است. ناجی اصفهانی پس از ارائه دو مقدمه درباره معانی حدوث و اقسام امتدادها و مراتب وجود، نظریه میرداماد را بر اساس دیدگاه حکیم سبزواری در شرح المنظومه تقریر کرده است. نویسنده در ادامه، دو استدلال میرداماد را به نفع نظریه حدوث دهری تقریر

داده است که تصویر آن در بخش «ضمائم» خواهد آمد.

1. Republish:

- Lahore: Suhail Academy, 2005.

۲. «تأثیر فلسفه فارابی بر دیدگاه میرداماد درباره آفرینش»، نورالدین پاکیشان.

این مقاله در زمره مقالات همایشی است و تا زمان نگارش این مدخل، نسخه کاملی از متن آن فراهم نشد؛ لذا، مقاله را بر اساس چکیده آن معرفی کرده‌ایم.

۳. «حدوث فرازمانی (دهری)»، حامد ناجی اصفهانی، ترجمه: یانیس اشوتس.

کرده است: نخست، استدلال از طریق تقدّم واجب بر عالم زمانی؛ دوم، استدلال از طریق تحلیل امکان استعدادی.

بخش پایانی مقاله به بررسی برخی لوازم و نتایج نظریّه حدوث دهری اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، با استناد به عبارات میرداماد، دیدگاه وی را درباره دو مسئله «علم الهی به جزئیات» و «ربط حادث به قدیم» تبیین کرده و نشان داده است که حلّ این معضلات در حکمت یمانی، با اعتقاد به حدوث دهری ممکنات پیوند خورده است.

اطلاعات نشر:

Ishraq: Islamic Philosophy Yearbook (Ишрак: ежегодник исламской философии) (Russian Academy of Sciences), № 5, 2014, pp. 190-198.

1.3.28. "The School of Iṣfahān", Seyyed Hossein Nasr.¹

معرفی: این مقاله، فصل چهل و هفتم از کتاب تاریخ فلسفه در جهان اسلام است که با نظارت میان محمد شریف، در مؤسسه فرهنگ اسلامی لاهور و در دو مجلد تدوین شده است. دکتر سید حسین نصر در این مقاله، درباره جایگاه مکتب اصفهان در سیر اندیشه اسلامی سخن گفته و نمایندگان برجسته این مکتب را معرفی کرده است. وی ابتدا گزارشی کوتاه از تاریخ فکر فلسفی تا عصر صفوی - که آن را «رنسانس فلسفی» نامیده - ارائه داده است. سپس، درباره فضای علمی مناسبی که در این عصر برای رشد علوم اسلامی ایجاد شد، سخن گفته است. وی در ادامه و پس از اشاره به عناوین شخصیت‌ها و کتاب‌های مهم این دوره، به سه چهره اصلی مکتب اصفهان، یعنی شیخ بهایی، میرداماد و میرفندرسکی پرداخته است. دکتر نصر پس از ارائه مطالبی درباره شخصیت بی‌بدیل و جامع شیخ بهایی، اهم اندیشه‌های میرداماد را در دو مبحث «حدوث و قدم» و «زمان» بررسی کرده است. تأکید وی در این مقاله، بیشتر بر کتاب جذوات و مواقیت است؛ از این رو، ابتدا تذکر داده است که میرداماد در این اثر، هستی‌شناسی خود را با نظام واژگانی خاصی بیان کرده که برگرفته از آموزه‌های دینی و عرفانی است. سپس، ضمن چند صفحه، خلاصه‌ای از اندیشه‌های میرداماد را از کتاب جذوات و مواقیت نقل کرده و اصطلاحات آن را شرح داده است.

اطلاعات نشر:

A History of Muslim Philosophy, Edited by: M. M Sharif, Kempten: Otto Harrassowitz, 1963², Vol. 2, pp. 904-932 (Chapter 47).

+ بازنشر:

The Islamic Intellectual Tradition in Persia, Seyyed Hossein Nasr, Edited by:

۱. «مکتب فلسفی اصفهان»، سید حسین نصر.

2. Republish:

- New Delhi: Adam Publishers & Distributors, 2007.
- Karachi: Royal Book Company, 2007.
- Petaling Jaya: IBT Books, 2016.

Mehdi Aminrazavi, New York: Routledge, 2013 (3rd edition, 2018), pp. 239-270.

+ ترجمه:

- فارسی: تاریخ فلسفه در اسلام، مجموعه مؤلفان، تحت نظر: میان محمد شریف، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، چ ۱، تهران: ستاد انقلاب فرهنگی [و] مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۲ش)، ج ۲، صص ۴۴۳-۴۵۷.
- فارسی: مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۳۱۵-۳۵۳.

1.3.29. "The use of the Qur'ān in Mīr Dāmād's Conception of Time and Eternity", Sayed Zaidi.¹

معرفی: این مقاله به بررسی اثرپذیری میرداماد از ادبیات قرآنی در تبیین برخی مقدمات نظریه «حدوث دهری» اختصاص دارد. نویسنده بر این باور است که میرداماد در کتاب القبسات - به ویژه در قبس چهارم - نمادهای قرآنی را با جهان‌شناسی تشیع دوازده امامی درآمیخته و با استعمال آن‌ها در ساختاری نوافلاطونی، راهی جدید برای تقرّب وجودات انسانی به ساحت الهی ترسیم کرده است. او همچنین، خاطر نشان کرده است که رویکرد میرداماد در کاریست مفاهیم «زمان»، «دهر» و «سرمه» و میزان بهره‌گیری او از آیات قرآنی، با حکماء پیشین بسیار متفاوت است. به بیان دیگر، میرداماد تلقی خود را از زمان و مکان، در چهارچوب نوافلاطونی ارائه داده است؛ اما استفاده او از ادبیات قرآنی، نشان می‌دهد که به ساختار جهان‌شناختی تشیع دوازده امامی، عمیقاً باور دارد.

اطلاعات ارائه:

2022 North American Meeting, International Qur'anic Studies Association (IQSA), Denver, November 2022.

1.3.30. "The Wisdom of God and the Tragedy of History: The concept of Appearance (*badā*) in Mīr Dāmād's *Lantern of Brightness*", Mathieu Terrier.²

معرفی: این مقاله، فصل چهارم از کتاب حیات عقلی و فلسفی در اسلام شیعی است که به بازخوانی دقیق دیدگاه میرداماد درباره آموزه «بداء» بر اساس متن رساله نبراس الضیاء اختصاص دارد. متیو تریه در مقدمه مقاله، درباره اصطلاح کلامی «بداء» و معنای آن در الیهات شیعی و نیز رساله نبراس الضیاء و جایگاه آن در میان آثار میرداماد، به اختصار سخن گفته است. بخش

۱. «کاریست قرآن در تلقی میرداماد از زمان و دهر»، سید زیدی.

این مقاله در زمره مقالات همایشی است و تا زمان نگارش این مدخل، نسخه کاملی از متن آن فراهم نشد؛ لذا، مقاله را بر اساس چکیده آن معرفی کرده‌ام.

۲. «حکمت الهی و تراژدی تاریخ: مفهوم «بداء» در نبراس الضیاء میرداماد»، متیو تریه.

نخست مقاله، به بررسی ظهور و تحوّل آموزهٔ بداء در کلام شیعی اختصاص دارد. نویسندگان در این بخش، تاریخچهٔ این آموزه را از زمان حیات امامان شیعه علیهم السلام بررسی کرده و با نقل احادیثی از منابع روایی، خاطرنشان کرده است که بداء، حکمی غیرمنتظره نیست؛ بلکه گونه‌ای علم الهی است که حتی انبیاء و برگزیدگان بر آن وقوف ندارند. تریه در ادامه، دربارهٔ ارتباط آموزهٔ بداء با برخی تعالیم شیعی - همچون امامت امام کاظم علیه السلام و مهدویت - بر اساس آثار متکلمانی همچون شیخ طوسی سخن گفته است. او همچنین، به نقدهای کلامی اهل سنت بر آموزهٔ بداء اشاره کرده و از این رهگذر، تلاش تاریخی شیعیان را در دفاع از این آموزه تبیین کرده است. به باور نگارنده، متکلمان متقدم شیعی در اقناع اهل سنت و دفع اشکالات ایشان، چندان موفق نبوده‌اند.

متیو تریه در بخش دوم این مقاله، رسالهٔ نبراس الضیاء را به تفصیل بررسی کرده است. او در ابتدای این بخش، کلیاتی دربارهٔ حیات میرداماد و جایگاه او در تاریخ فلسفهٔ اسلامی بیان کرده است. به باور وی، میرداماد با تکیه بر فلسفهٔ ابن سینا که در نظام فکری سهروردی و ابن عربی اصلاح شده بود، نخستین سنتز مدرن را در میان جریان‌های گوناگون فلسفی در جهان اسلام برقرار کرد. نویسنده پس از توصیف ساختار و محتوای نبراس الضیاء، چهار رویکرد میرداماد را به مسئلهٔ «بداء» به تفصیل و دقت بررسی کرده است که به ترتیب عبارت‌اند از: رویکرد کلامی و قرآنی؛ رویکرد تاریخ‌نگاشتی؛ رویکرد فلسفی و جهان‌شناختی؛ رویکرد غیبی و باطنی. او در پایان این نوشتار درازدامن، علاوه بر اشاره به تأثیر رسالهٔ نبراس الضیاء بر متفکران متأخر، خاطرنشان کرده است که میرداماد با نگارش این رساله، «بداء» را به مفهومی فلسفی تبدیل کرد و راه را برای تدوین فلسفهٔ تاریخ شیعی هموار ساخت.

اطلاعات نشر:

Philosophy and the Intellectual Life in Shī'ah Islam, Edited by: Sajjad Rizvi [&]
Saiyad Nizamuddin Ahmad, London: Shī'ah Institute Press, 2017, pp. 94-134
(Chapter 4).

1.3.31. "Time and Creation: The Contribution of Some Safavid Philosophies", Sajjad Rizvi.¹

معرفی: نویسنده در این مقاله، دیدگاه سه تن از حکماء عصر صفوی - یعنی میرداماد، ملاصدرا و قاضی سعید قمی - را دربارهٔ زمان و حدوث بررسی کرده است. با توجه به وابستگی نظرات این شخصیت‌ها به متون ابن سینا، نویسنده در ابتدای مقاله، مباحثی همچون مراتب سه‌گانه هستی (سرمد، دهر و زمان)، حدوث و زمان را بر مبنای آثار ابن سینا تبیین کرده است. سپس، به نظریهٔ «حدوث دهری» پرداخته و بنیادهای این آموزه را در تفسیر میرداماد از متون شیخ رئیس باز نموده است. او در این راستا، ارجاعات میرداماد را به متونی همچون التعليقات، الشفاء، النجاة و عیون الحکمة به دقت رصد کرده است. رضوی در ادامه، تقریری روشن از نظریهٔ حدوث دهری ارائه داده و برخی لوازم آن - همچون نظریهٔ «بداء» - را بررسی کرده است. نویسنده در ادامه، به بررسی دیدگاه ملاصدرا دربارهٔ پیدایش جهان پرداخته است. او پس

۱. «زمان و حدوث: سهم برخی نظام‌های فلسفی عصر صفوی»، سجاد رضوی.

از تبیین مفاهیمی همچون «امکان فقری» و «حرکت جوهری»، تقریری از نظریه ملاصدرا ارائه داده است. به نظر او، دیدگاه ملاصدرا با مدّعی وی درخصوص حدوث زمانی عالم، سازگار نیست. بخش سوم مقاله نیز به بازخوانی دیدگاه قاضی سعید قی، از شاگردان ملارجبعلی تبریزی، اختصاص دارد. بنا بر گزارش نویسنده، قی با تأکید محوری بر عالم مثال، آموزه‌ای به نام «زمان مثالی» مطرح کرده و حدوث عالم را بر پایه آن تبیین کرده است. نویسنده در پایان، افتراقات و اشتراکات هریک از دیدگاه‌های پیش‌گفته را با رویکردی تطبیقی بررسی کرده است.

اطلاعات نشر:

Revista Portuguesa de Filosofia (Catholic University of Portugal), Vol. 62, Nº 1, 2006, pp. 713-737.

1.3.32. "What Was the Legacy of Mīr Dāmād in Muslim India?", Asad Ahmed.¹

معرفی: نویسنده در این مقاله، بازتاب آراء و آثار میرداماد را در شبه‌قاره هندوستان بررسی کرده است. وی بر این باور است که تأثیر میرداماد بر چهره‌ها و محافل علمی هندوستان، تاکنون به درستی کاویده نشده است؛ از این رو، با بررسی طیف گسترده‌ای از متون و نسخه‌های خطی، نشان داده است که از میان آثار و آراء میرداماد، کتاب *الأفق المبين* و نظریه «حدوث دهری»، بیشترین بازتاب را در میان علماء هندی داشته‌اند. او همچنین، درباره مدارس و طبقات علمی گوناگونی که به دیدگاه‌ها و متون میرداماد واکنش نشان داده‌اند - اعم از مدافعان و ناقدان - سخن گفته است.

اطلاعات ارائه:

The Renaissance of Shi'i Islam in the 15th-17th Centuries Conference, The Institute of Ismaili Studies (Aga Khan Centre), London, October 2018.

1.3.33. "World as (Arabic) Text: Mīr Dāmād and the Neopythagoreanization of Philosophy in Safavid Iran", Matthew Melvin-Koushki.²

معرفی: این نوشتار، صورت ویراسته مقاله‌ای است که نویسنده پیش‌تر در نخستین گردهمایی سالانه تشیع ارائه داده است.³ کوشکی در این مقاله، تأثیر علوم غریبه را بر تحول نوفیثاغورثی

۱. «میراث میرداماد در هند مسلمان چه بوده است؟»، اسد احمد.

این مقاله در زمره مقالات همایشی است و تا زمان نگارش این مدخل، نسخه کاملی از متن آن فراهم نشد؛ لذا، مقاله را بر اساس چکیده آن معرفی کرده‌ایم. حسب اطلاع ما، نویسنده این مقاله را پیش‌تر در همایشی دیگر ارائه داده است:

"Mīr Dāmād in India Reconsidered", Asad Ahmed, International Workshop on the Post-Classical Islamic Philosophy, Finnish Institute, Rome, December 2017.

۲. «جهان به منزله متن (عربی): میرداماد و [تحول] نوفیثاغورثی فلسفه در ایران عصر صفوی»، متیو ملوین کوشکی.

3. "Mīr Dāmād and the Neopythagoreanization of Philosophy in Safavid Iran", Mat-

فلسفه در عصر صفوی، از نظرگاهی تاریخی گزارش داده است. این مقاله با مقدمه‌ای درباره جایگاه علوم غریبه در فلسفه اسلامی آغاز می‌شود. نویسنده در این مقدمه درباره آراء افرادی همچون ابن سینا، ابن عربی، ابن‌تُرکه، دوانی، دشتکی و شمس‌الدین خفّری درباره علوم غریبه و ارتباط آن با متافیزیک سخن گفته است. وی بر این باور است که زمینه‌های افلاطونی و نوافلاطونی فلسفه اسلامی در عصر صفوی، تا حدّ زیادی بررسی شده‌اند؛ اما وجوه فیثاغورثی و نوفیثاغورثی آن، همچنان مغفول مانده‌اند. بر این اساس، عمده محققان به این نکته توجه نکرده‌اند که تحولات نوفیثاغورثی فلسفه در عصر صفوی، رابطه‌ای تنگاتنگ با نظرات فیلسوفان آن عصر در علوم غریبه - همچون علم الحروف، کیمیا، رمل و طالع‌بینی - داشته است؛ لذا، آثار این فیلسوفان در حیطه علوم غریبه، معمولاً متونی نوافلاطونی قلمداد شده‌اند. به نظر نویسنده، این نکته هنگامی اهمیت می‌یابد که توجه کنیم مؤسسان مکتب اصفهان - یعنی میرداماد، شیخ بهایی و میرفندرسکی - هر سه در زمره بزرگان علوم غریبه در عصر خویش بوده‌اند.

کوشکی در ادامه، با بررسی آثار حروفی میرداماد، نشان داده است که توجه به آراء وی در علوم غریبه - به ویژه علم الحروف - در فهم تمایلات نوفیثاغورثی و باستانی در فلسفه عصر صفوی، تأثیری فراوان دارد. به باور نویسنده، میرداماد با پیگیری نظرات افرادی همچون ابن سینا، ابن عربی و ابن‌تُرکه در حوزه علم الحروف، قرائتی شیعیانه از تلازم علم الحروف با متافیزیک ارائه داده است؛ قرائتی که یکی از عوامل شکل‌گیری آموزه «تشکیک وجود» به شمار می‌رود. او همچنین، به تأثیر علوم غریبه در عرصه سیاست و مملکت‌داری اشاره کرده و نمونه‌هایی از آن - از جمله دعای میرداماد در برابر لشکر عثمانی - ذکر کرده است. نویسنده در پایان این مقاله، منابع معرفتی میرداماد را در کتاب جذوات و مواقیت دسته‌بندی کرده که آثار پروتاگوراس، دوانی و ابن‌تُرکه از جمله آن‌ها هستند.

اطلاعات نشر:

Studia Islamica (Brill), Vol. 115, No 1, 2020, pp. 378-431.

۱.۴. مدخل دایرة المعارفی

1.4.1. "Dāmād, Mīr (-e), Sayyed Moḥammad Bāqer", *Encyclopedia Iranica*, Andrew J. Newman.¹

معرفی: این مدخل معرفتی کوتاهی از میرداماد در جایگاه فیلسوف و فقیهی برجسته است. نویسنده ابتدا درباره کلیات حیات میر سخن گفته و سپس، به آراء و آثار او پرداخته است. نیومن با تمرکز بر کتاب القبسات و نظریه «حدوث دهری»، خاطرنشان کرده است که میرداماد نظریه «حدوث ذاتی» را برای تبیین آفرینش کافی نمی‌دانسته؛ از این رو، در کتاب القبسات برخی اصطلاحات

thew Melvin-Koushki, 1st Annual Shi'ah Symposium, Warburg Institute, London, September 2015.

۱. «میرداماد، سید محمدباقر»، دایرة المعارف ایرانیکا، آندرو جی. نیومن.

سینوی را تهذیب و توسعه داده و نظریه‌ای جدید مطرح کرده است. بر اساس دیدگاه میرداماد، خداوند ممکنات را در مرتبه میانی وجود، یعنی «دهر»، خلق می‌کند. نویسنده در ادامه، درباره کتاب‌های جذوات و موافیت، تقویم‌الایمان، الصراط‌المستقیم و نیز، خلسه‌های ملکوتی میرداماد سخن گفته است. نویسنده در ادامه، به فقاہت میرداماد اشاره کرده و برخی آثار او در علوم نقلی - همچون شارع‌النجاه و السبع‌الشداد - را معرفی کرده است. وی با اشاره به جایگاه سیاسی و اجتماعی میرداماد، این مدخل را به پایان برده است.

اطلاعات نشر:

Encyclopedia Iranica, Edited by: Ehsan Yarshater, New York: Routledge & Kegan Paul, 2007, Vol. 6, pp. 623-626.

1.4.2. "Isfahan School of Philosophy", *Encyclopedia Iranica*, Sajjad Rizvi.¹

معرفی: این مدخل به بررسی اصطلاح «مکتب فلسفی اصفهان»، سابقه وضع و استعمال و نیز مصداق تاریخی آن اختصاص دارد. به گزارش نویسنده، هنری کربن و سیدحسین نصر برای نخستین بار این اصلاح را برای تکاپوی فلسفی در ایران عصر صفوی به کار برده‌اند. در این عصر با حمایت‌های معنوی و مادی شاه عباس صفوی و در سایه امنیت اجتماعی، محافل و مباحث فلسفی، رونق یافتند و آثار فراوانی در این حیطه تألیف شد. نویسنده پس از این مقدمه، با ارجاع به آثار کربن و نصر، حیطه تاریخی و ویژگی‌های مکتب اصفهان را تبیین کرده است. به باور نویسنده، تعریف خاص کربن و نصر از متافیزیک اسلامی در کنار هرمنوتیک جاری در آثار ایشان، از بسترهای جعل اصطلاح «مکتب فلسفی اصفهان» بوده‌اند. رضوی در پایان، نقدهای دیمتری گوتاس، حسین ضیایی، جان والبریج و دیگران را بر کاربست این اصطلاح نقل کرده است.

اطلاعات نشر:

Encyclopedia Iranica, Edited by: Ehsan Yarshater, New York: Routledge & Kegan Paul, 2007, Vol. 14, pp. 119-125.

1.4.3. "Isfahan, School of", *The Oxford Encyclopedia of Philosophy, Science, and Technology in Islam*, Ahab Bdaiwi.²

معرفی: این مدخل به معرفی مکتب فلسفی اصفهان و چهره‌های برجسته آن اختصاص دارد. نویسنده ابتدا درباره اصطلاح «مکتب اصفهان» و بنیان‌گذاران آن (هنری کربن و سیدحسین نصر) سخن گفته و این مکتب را آمیزه‌ای از فلسفه مشائی، عرفان ابن عربی و تعالیم شیعی دانسته که در دوران حکومت شاه عباس کبیر به اوج شکوفایی خود رسیده است. او در ادامه، میرداماد را مؤسس و چهره اصلی این مکتب معرفی کرده و درباره آراء و آثار او سخن گفته است. نگارنده

۱. «مکتب فلسفی اصفهان»، دایرةالمعارف ایرانیکا، سجاد رضوی.

۲. «مدرسه اصفهان»، دایرةالمعارف فلسفه، علم و فناوری در اسلام آکسفورد، ایهاب بدیوی.

در این بخش، با اشاره به آثار فلسفی میرداماد، توضیح مختصری دربارهٔ نظریهٔ «حدوث دهری» و فرآیند خلقت در حکمت یمانی ارائه داده است. او در ادامه، دربارهٔ میرفندرسکی و شیخ بهایی در جایگاه دیگر مؤسسان مکتب اصفهان سخن گفته و این مدخل را با معرفی ملاصدرا به پایان برده است.

اطلاعات نشر:

The Oxford Encyclopedia of Philosophy, Science, and Technology in Islam, Edited by: Ibrahim Kalin, Oxford: Oxford University Press, 2014, pp. 405-409.

1.4.4. "Mir Dāmād (1561-1631)", *The Princeton Encyclopedia of Islamic Political Thought*, Sajjad Rizvi.¹

معرفی: این مدخل بسیار کوتاه، به معرفی میرداماد در جایگاه شخصیتی سیاسی اختصاص دارند. نگارنده پس از اشاره به زندگی‌نامهٔ میرداماد و تأکید بر اتصال نسبی او با محقق کرکی، دربارهٔ ارتباط او با حکومت صفویان سخن گفته است؛ برای نمونه، به مطالبی همچون حمایت میرداماد از سپاه صفویان، اقامهٔ جمعه و جماعت در پایتخت و خطبه‌خوانی در مراسم تاج‌گذاری شاه صفی اشاره کرده است. از دیدگاه نویسنده، فعالیت‌های سیاسی میرداماد را در سه محور کلی محور می‌توان رصد کرد:

۱. حاشیه‌نگاری بر کتب حدیثی شیعه - از جمله کتب اربعه و صحیفهٔ سجّادیّه - به منظور تحکیم بنیادهای معرفتی حکومت صفوی.
۲. تألیف آثار فقهی گوناگون - خصوصاً دربارهٔ نماز جمعه و جهاد - که مرجعیت سیاسی روحانیان را در عصر صفوی تقویت می‌کرد.
۳. نگارش نامه‌های رسمی دربار صفوی که به دربار حاکمان مسلمان - همچون امپراطور عثمانی - ارسال می‌شدند.

اطلاعات نشر:

The Princeton Encyclopedia of Islamic Political Thought, Edited by: Gerhard Bowering, New Jersey [&] Oxford: Princeton University Press, 2013, p. 348.

1.4.5. "Mir Dāmād, Moḥammad Bāqer (d. 1631)", *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Hamid Dabashi.²

معرفی: نویسنده در این مدخل، میرداماد و فلسفهٔ او را در چهار بخش معرفی کرده است. در مقدمهٔ مدخل، دربارهٔ شخصیت فلسفی میرداماد به اختصار سخن گفته و او را فیلسوفی عارف مسلک و متأثر از آموزه‌های نوافلاطونی قلمداد کرده است. بخش دوم این مدخل، به حیات میرداماد و مروری بر متافیزیک او اختصاص دارد. نویسنده پس از مرور زندگی‌نامهٔ میرداماد، اشاره کرده است که او عالمی جامع بوده و بر بیشتر علوم زمانهٔ خود تسلط داشته؛ چنان‌که از جایگاه سیاسی

۱. «میرداماد»، دایرةالمعارف تفکر سیاسی اسلامی پرینستون، سجّاد رضوی.

۲. «میرداماد، محمدباقر»، دایرةالمعارف فلسفی راتلج، حمید دباشی.

متمنازی هم برخوردار بوده است. نویسنده در ادامه، با ارجاع به متن القبسات، درباره برخی مبادی نظریه «حدوث دهری» - همچون مباحث «تقدم و تأخر»، «زمان» و «حرکت» - سخن گفته است. بخش سوم این مدخل، به تقریر نظریه حدوث دهری و بررسی تفاوت آن با نظریه «حدوث ذاتی» اختصاص دارد. نویسنده در بخش پایانی این مدخل، درباره سبک نگارش میرداماد و علل اختیار این سبک سخن گفته است.

اطلاعات نشر:

Routledge Encyclopedia of Philosophy, Vol. 6: Luther - Nifo, London [&] New York: Taylor & Francis Routledge, 1998.

+ بازنشر (به صورت خلاصه):

Concise Routledge Encyclopedia of Philosophy, London [&] New York: Taylor & Francis Routledge, 2000, p. 582.

1.4.6. "Mīr Dāmād, Muhammad Bāqir", *Encyclopedia of Renaissance Philosophy*, Jari Kaukua.¹

معرفی: نویسنده در این مدخل، شخصیت علمی میرداماد را به اختصار معرفی کرده است. او ابتدا گزیده‌ای از زندگی‌نامه میرارائه داده و اهم آثار وی را برشمرده است. سپس، درباره آراء خاص میرداماد در فلسفه و ارتباط او با سنت پیشینیان سخن گفته است. او در این بخش، دو نظریه «حدوث دهری» و «اصالت ماهیت» را به تفصیل بررسی کرده و به پیشینه تاریخی و معرفتی آن‌ها اشاره کرده است. نویسنده در پایان مدخل، توضیح کوتاهی درباره میراث میرداماد و تأثیر او بر شاگردانش ارائه داده است.

اطلاعات نشر:

Encyclopedia of Renaissance Philosophy, Edited by: Marco Sgarbi, Cham: Springer, 2015 (4th Edition, 2022).

1.4.7. "Mīr Dāmād", *Medieval Islamic Civilization: An Encyclopedia*, Sajjad Rizvi.²

معرفی: سجاد رضوی در این مدخل کوتاه، میرداماد را در آینه آراء و آثارش معرفی کرده است. او پس از اشاره به ولادت و تحصیلات ابتدایی میر و جایگاه سیاسی و اجتماعی او، آثاری همچون الحاشیه علی الصحیفة السجادیة و الرواشح السماویة را به اجمال معرفی کرده است. او در ادامه، به توضیح برخی آراء خاص میرداماد پرداخته است. نخست دیدگاه وی را درباره آموزه «بداء» بر اساس رساله نبراس الضیاء تقریر کرده است و سپس، درباره کتاب القبسات و نظریه «حدوث دهری» سخن گفته است. نگارنده در پایان، اشاره کرده است که نظریه میرداماد به سبب دشواری و تکلف آن، بعدها به فراموشی سپرده شد.

۱. «میرداماد، محمدباقر»، دایرة المعارف فلسفه عصر رنسانس، یاری کائوکوا.

۲. «میرداماد»، دانش‌نامه تمدن اسلامی در سده‌های میانه، سجاد رضوی.

اطلاعات نشر:

Medieval Islamic Civilization: An Encyclopedia, Edited by: Josef W. Meri, London: Routledge, 2006, pp. 505-506.

1.4.8. "Mīr Dāmād", *The Biographical Encyclopedia of Islamic Philosophy*, Oliver Leaman.¹

معرفی: نگارنده در ابتدای این مدخل مختصر، درباره میرداماد و تأثیر او در تاریخ فلسفه اسلامی سخن گفته و به نقش محوری او در تأسیس مکتب اصفهان اشاره کرده است. او در ادامه، به جایگاه سیاسی میرداماد پرداخته و برخی شاگردان وی را برشمرده است. نویسنده در ادامه این مدخل دیدگاه میرداماد را درباره آفرینش و ربط حادث به قدیم بررسی کرده و تقریری مختصر از نظریه «حدوث دهری» ارائه داده است. او در پایان خاطر نشان کرده است که یکی از عوامل مهم در ظهور فلسفه میرداماد، پشتیبانی حکومت صفوی از او بوده است؛ چنان که فلسفه ملاصدرا به سبب فقدان این حمایت، سال ها در محاق و انزوا فرو رفت.

اطلاعات نشر:

The Biographical Encyclopedia of Islamic Philosophy, Edited by: Oliver Leaman, London [&] New York: Bloomsbury Publishing, 2006 (2nd Edition, 2015), pp. 321-323.

1.4.9. "Philosophy in Safavid Persia", *Encyclopedia of Renaissance Philosophy*, Jari Kaukua.²

معرفی: این مدخل به معرفی جریان های فلسفی ایران در عصر صفوی اختصاص دارد. نویسنده ابتدا درباره مکتب شیراز و نمایندگان آن - همچون دوانی و دشتکی - سخن گفته و سپس، به مکتب اصفهان و چهره های برجسته آن پرداخته است. او میرداماد را مؤسس مکتب اصفهان و در شمار یکی از چهره های مؤثر در ادامه حیات فلسفه ایرانی قلمداد کرده است. او همچنین، درباره دغدغه های فلسفی میرداماد و دو نظریه «حدوث دهری» و «اصالت ماهیت» سخن گفته است. در ادامه، جریان های دیگر فلسفه عصر صفوی، همچون مدرسه میرفندرسکی، ملارجبعلی تبریزی و ملاصدرا را نیز معرفی کرده است.

اطلاعات نشر:

Encyclopedia of Renaissance Philosophy, Edited by: Marco Sgarbi, Cham: Springer, 2015 (4th Edition, 2022).

۱.۵. ضمیمه آثار انگلیسی

مقالات این بخش، ارتباط مستقلى با شخصیت، زندگی، آراء و آثار میرداماد ندارند؛ اما اطلاعات

۱. «میرداماد»، دایرة المعارف زیست نگاشتی فلسفه اسلامی، الیور لیمن.

۲. «فلسفه در ایران عصر صفوی»، دایرة المعارف فلسفه عصر رنسانس، یاری کائوکوا.

مفیدی در اختیار خواننده قرار می‌دهند. جهت پرهیز از تکرار مطالب، به ذکر عنوان، نام نگارنده و اطلاعات نشر مقالات بسنده کرده‌ایم.

1.5.1. "An Eastern Renaissance? Greek Philosophy under the Safavids (16th-18th centuries AD)", Reza Pourjavady [&] Sabine Schmidtke.¹

اطلاعات نشر:

Intellectual History of the Islamicate World (Brill), Vol. 3, 2015, pp. 240-290.

1.5.2. "Apprehension and Existence, Appearance and Reality: The Reception of *Nafs al-amr* Debates after the 13th Century", Murat KAŞ.²

اطلاعات نشر:

İlahiyat Studies (Bursa İlahiyat Foundation), Vol. 12, N° 1, Winter-Spring 2021, pp. 7-39.

1.5.3. "History of Development of Azerbaijan Theology (XVI-XVII Centuries)", Guliyev Ibrahim Zohrab.³

اطلاعات نشر:

Hileya: Scientific Bulletin (Гілея: науковий вісник) (National Pedagogical Dragomanov University), Vol. 147, N° 8, pp. 28-33.

1.5.4. "Jalāl ad-Dīn ad-Dawānī's Solution to the *Liar Paradox* and Its reception in Qāḍī Mubārak and Mullā Mubīn", Hassan John Rezakhany.⁴

اطلاعات نشر:

Journal of South Asian Intellectual History (SAIH) (Brill), Vol. 1, 2018, pp. 183-220.

1.5.5. "New Sociopolitical Formations and the 'Renaissance' of Philosophy", Sajjad Rizvi.⁵

اطلاعات نشر:

The Wiley Blackwell History of Islam, Edited by: Armando Salvatore [&] Rob-

۱. «رنسانس شرق؟ فلسفه یونان در عصر صفویان (قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی)»، رضاپورجواد؛ زابیته اشمیتکه.

۲. «ارادک و هستی، تجلی و واقعیت: تلقی‌های گوناگون از «نفس‌الأمر» پس از قرن سیزدهم میلادی»، مراد کاش.

۳. «تاریخ توسعه الهیات در آذربایجان (قرن‌های ۱۶ تا ۱۷ میلادی)»، گلیم ابراهیم زهراب.

۴. «راه‌حل دوانی برای پارادوکس دروغگو و بازتاب آن در [آثار] قاضی مبارک و ملامین»، حسن جان رضاخانی.

۵. «شکل‌گیری‌های اجتماعی / سیاسی جدید و «رنسانس» فلسفه»، سجاد رضوی.

erto Tottoli [&] Babak Rahimi, New Jersey: Wiley Blackwell, 2018, pp. 393-412 (Chapter 19).

1.5.6. "Primacy of Existence Versus Primacy of Essence: What Is the Debate About?", Mansooreh Khalilizand.¹

اطلاعات نشر:

Women's Contemporary Readings of Medieval (and Modern) Arabic Philosophy, Edited by: Saloua Chatti, Cham: Springer, 2022, pp. 163-181 (Chapter 8).

1.5.7. "Shi'i Educational Traditions and Systems in Early Modern Iraq and Iran", Zackery Mirza Heern.²

اطلاعات نشر:

Education beyond Europe: Models and Traditions before Modernities, Edited by: Cristiano Casalini [&] Edward Choi [&] Ayenachew A. Woldegiyorgis, Leiden: Brill, 2021, pp. 152-178 (Chapter 7).

1.5.8. "Sufi Hierarchies of the Worlds or Levels of Existence: *Mulk, Malakūt, Jabarūt*, and Related Concepts", Mathieu Terrier.³

اطلاعات نشر:

Handbook of Oriental Studies, Vol. 1: The Near and Middle East, Edited by: Alexander Knysh [&] Marcia K. Hermansen [&] Christian Lange [&] Bilal Orfali [&] Alexandre Papa, Leiden: Brill, 2020, pp. 277-298 (Chapter 13).

1.5.9. "*Tahqīq* vs. *Taqlīd* in the Renaissances of Western Early Modernity", Matthew Melvin-Koushki.⁴

اطلاعات نشر:

Philological Encounters (Brill), Vol. 3, 2018, pp. 193-249.

1.5.10. "The "Clerical Notables" and the Final Emergence of a Shi'ite Hierarchy in Iran", Saïd Amir Arjomand.⁵

اطلاعات نشر:

The Shadow of God and the Hidden Imam: Religion, Political Order, and Societal

۱. «اصالت وجود در برابر اصالت ماهیت: نزاع بر سر چیست؟»، منصوره خلیلی زند.

۲. «سنت ها و نظام های آموزشی شیعی در نخستین روزگار مدرن عراق و ایران»، زکریا میرزا هیرن.

۳. «سلسله طبقات عالم یا مراتب وجود نزد صوفیه: مُلک، ملکوت و جبروت و مفاهیم مرتبط با آن ها»، متیو تریه.

۴. «تحقیق در برابر تقلید در رنسانس مدرنیته غربی»، متیو ملوین کوشکی.

۵. «روحانیان سرشناس و ظهور آخرین حکومت روحانی در ایران»، سعیدامیر ارجمند.

Change in Shi'ite Iran from the Beginning to 1890, Saïd Amir Arjomand, Chicago [&] London: The University of Chicago Press, 1984, pp. 122-159 (Chapter 5).

1.5.11. "The Philosophy of Time and Time Telling Devices in the Early Islamic World", Thomas Zimmermann.¹

اطلاعات نشر:

Time and Astronomy in Past Cultures, Edited by: Arkadiusz Soltysiak, New Jersey: Gorgias Press, 2009, pp. 63-73.

1.5.12. "The Safavid Curriculum: Conflicting Visions, Contested Triumphs", Maryam Moazzen.²

اطلاعات نشر:

Formation of a Religious Landscape: Shi'i Higher Learning in Safavid Iran, Maryam Moazzen, Leiden: Brill, 2018, pp. 126-162 (Chapter 4).

۲. بخش دوم: آثار عربی (العربیّة)

۲/۱. کتاب‌ها

۲/۱/۱. تاریخ الفلسفة فی ایران، رؤوف سبهانی.^۲

معرفی: این کتاب یکی از آثار نسبتاً جدید عربی درباره تاریخ فلسفه اسلامی است. نویسنده در این اثر، گزارشی شخصیت محور از تاریخ فلسفه اسلامی در ایران ارائه داده است. این گزارش از ابن سینا آغاز شده و تا چهره‌های معاصر فلسفی در ایران ادامه یافته است. او در مدخل مربوط به میرداماد (صفحات ۲۹۳ تا ۳۲۲)، ابتدا زندگی‌نامه میرداماد را بر اساس برخی منابع تاریخی - همچون أمل الآمل، قصص العلماء و روضات الجنّات - روایت کرده است. او در این بخش درباره اجداد، نسب و تاریخ ولادت میرداماد سخن گفته است.

نویسنده در بخش بعدی، به تحصیلات میر و نبوغ و استداد ویژه‌اش پرداخته است. در ادامه، درباره تاریخ و مکان رحلت میرداماد و محتوای وصیت‌نامه او سخن گفته است. در بخش بعدی، به هویت استادان میرداماد پرداخته و پنج تن از ایشان را نام برده است. در ادامه، از شاگردان میرداماد سخن گفته، پنج نفر از مشاهیر آن‌ها را به تفصیل معرفی کرده و پانزده تن دیگر را نام برده است. بخش بعدی این مدخل به معرفی آثار میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، شصت و دو عنوان از آثار میر را در رشته‌های گوناگون معرفی کرده و به وضعیت انتشار آن‌ها نیز اشاره کرده است. در پایان این مدخل، گزارشی از جایگاه علمی و سیاسی میرداماد ارائه شده است. این کتاب از حیث تمرکز بر چهره‌های ایرانی درخور توجه است؛ اما بیشتر حجم آن به گزارش زندگی‌نامه اعلام فلسفی

۱. «فلسفه زمان و ابزارهای زمان‌سنجی در دوران نخستین جهان اسلام»، توماس زیمرمان.

۲. «برنامه درسی صفوی: دیدگاه‌های متضاد، غلبه‌های متضاد»، مریم مؤذن.

۳. تاریخ فلسفه در ایران، رؤوف سبهانی.

اختصاص دارد و به نحوی شگفت‌انگیز از «تاریخ فلسفه» تهی است.
اطلاعات نشر: بیروت: مکتبه زین الحوقیة و الأدبیة، ۲۰۱۱ م.

۲،۱،۲. حکماء مدرسه اصفهان و دراسة خلق العالم من العدم، سعید نظری توکلی^۱

معرفی: این کتاب شامل مقدمه و سه «باب» است. نویسنده در مقدمه، درباره ساختار و محتوای کتاب و اهداف نگارش آن سخن گفته است. فصل نخست از باب نخست کتاب، به سیر تحولات فلسفه در جهان اسلام اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، درباره مطالبی همچون ورود فلسفه به جهان اسلام، معارضه متکلمان با فلسفه، تبدیل اصطلاح «فلسفه» به «حکمت»، کشف مصادر دینی فلسفه و ارتباط فلاسفه عتیق با انبیاء الهی علیهم‌السلام سخن گفته است. در فصل دوم نیز، به مدرسه اصفهان، زمینه‌های شکل‌گیری آن و جایگاه میرداماد در این مدرسه پرداخته است. او همچنین، درباره زندگی‌نامه میرداماد و مطالبی همچون حیات علمی و سیاسی میر، آثار و شاگردان وی و نظام حکمت یمانی به تفصیل سخن گفته است. نویسنده در فصل سوم، ده مسئله فلسفی را در جایگاه ایده‌های اساسی میرداماد بررسی کرده است که به ترتیب عبارت‌اند از: حدوث دهری؛ اصالت ماهیت؛ وجود رابط و رابطی؛ کیفیت صدور کثرت از وحدت؛ اصالت حرکت قطعیته؛ اقلیم ثامن (عالم مثال)؛ تفسیر آموزه بداء؛ جبر و اختیار؛ شمار مقولات عشر؛ اشتراط وحدت حمل در تناقض. باب دوم کتاب، به بررسی دقیق و مفصل نظریه «حدوث دهری»، مبانی و نتایج آن اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای این باب، مفاهیم دخیل در بحث - همچون «حدوث»، «زمان» و... - را به دقت بررسی کرده است. سپس، درباره نظریه «حدوث زمانی»، مبانی آن و قرائت‌های مختلف از این نظریه سخن گفته است. نویسنده در فصل بعدی، به نظریه «حدوث ذاتی»، مبادی و نتایج آن پرداخته و دیدگاه میرداماد را در تبیین فلسفی این نظریه نقل کرده است. فصل سوم این باب، به تقریر نظریه حدوث دهری اختصاص دارد. نویسنده ابتدا به مبادی تصویری بحث - همچون «دهر»، «سرمد» و «تقدم و تأخر» - اشاره کرده و سپس، درباره تفاوت دهر و سرمد در دیدگاه میرداماد و فلاسفه پیشین سخن گفته است. در ادامه، استدلال‌های میرداماد را به نفع نظریه حدوث دهری تقریر کرده است. نویسنده در فصل پنجم، به مسئله «قدم عالم» از دیدگاه میرداماد پرداخته است. او ابتدا مفاهیمی همچون «قدم»، «ازلیت» و «سرمدیت» را تبیین کرده و درباره برخی زوایای این مباحث همچون ارتباط آن‌ها با امکان، حرکت، زمان و... سخن گفته است. در ادامه، به دیدگاه میرداماد درباره ابدیت و ازلیت و نیز ارتباط زمان با دهر و سرمد پرداخته است.

باب سوم کتاب به تبیین دیدگاه صدرالمتهلین درباره حدوث عالم اختصاص دارد. نویسنده در فصل نخست، پس از اشاره به مقدمات بحث - همچون «امکان وجودی»، «قوه و فعل»، «حرکت جوهری» - حدوث طبعی در نظر ملاصدرا را تبیین کرده است. در فصل دوم نیز به فروع نظریه ملاصدرا و تفاوت‌های آن با دیگر نظریات مرتبط با آفرینش جهان پرداخته است. نویسنده در خاتمه این باب، به بررسی نگرش عرفانی حکیم سبزواری به حدوث عالم و نظریه «حدوث اسمی» پرداخته است. او همچنین، نظریه «حدوث فعلی» حکیم قمشه‌ای و «حدوث

۱. حکماء مکتب اصفهان و نظریه آفرینش جهان از عدم، سعید نظری توکلی.

بالحق» علامه طباطبائی را تبیین کرده و وجوه تمایز و تشابه آن‌ها را برشمرده است. این کتاب یکی از آثار کامل و منظم درباره نظریات مربوط به حدوث عالم در جهان اسلام به شمار می‌رود؛ اثری که سیر تحوّل این مسئله را در میان اندیشه‌مندان اسلامی به خوبی تبیین کرده است. نویسنده به طور خاص، در توضیح آراء حکماء مکتب اصفهان، از هیچ نکته‌ای فروگذار نکرده است.

اطلاعات نشر: طهران: مجموعة الهدی للنشر و التوزيع الدولي، ۲۰۱۶م.

۲،۱،۳. فلاسفة الشيعة: حياتهم و آرائهم، عبد الله نعمة^۱.

معرفی: این کتاب یکی از منابع مشهور عربی درباره حیات و آثار فلاسفه شیعی است. نویسنده محتوای کتاب را در دو بخش کلی سامان داده است: گزارش تاریخ فلسفه و گرایش‌های فلسفی در جهان اسلام؛ شرح حال فیلسوفان شیعه به ترتیب الفبائی. مدخل مربوط به میرداماد، ذیل حرف «میم» (صفحات ۴۴۱-۴۴۵) تدوین شده است. نویسنده در این مدخل کوتاه، به نقش میرداماد در احیاء تفکر فلسفی در جهان اسلام اشاره کرده و با مراجعه به برخی متون تاریخی - همچون أمل الأمل و روضات الجنّات - درباره شخصیت علمی و سیاسی میرداماد سخن گفته است. او پس از اشاره به نام برخی شاگردان مشهور میرداماد، خاطرنشان کرده است که فیلسوفی اشراقی مذهب و دانشمندی عرفانی مسلک بوده است. نویسنده مدخل میرداماد را با فهرستی مختصر از آثار وی به پایان برده است.

اطلاعات نشر: بیروت: دارالفکر اللبناني، ۱۹۸۷م.

+ ترجمه:

- فارسی: فلاسفه شیعه، عبدالله نعمة، ترجمه: سیدجعفر غضبان، چ ۱، تهران: نشر فرانکلین، ۱۳۴۷ش.

- فارسی: فلاسفه شیعه، عبدالله نعمة، ترجمه: سیدجعفر غضبان، چ ۱، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷ش.

۲،۱،۴. مشاهير فلاسفة المسلمين: دراسة شاملة عن مشاهير علماء الفلسفة الإسلامية و أفكارهم و آثارهم، رؤوف سبهاني^۲.

معرفی: نویسنده در این کتاب، پس از ارائه مقدمه‌ای درباره ماهیت فلسفه و چگونگی ورود آن به جهان اسلام، گزارشی شخصیت محور از تاریخ فلاسفه اسلامی عرضه کرده است. او در این اثر، درباره افرادی همچون کندی، ابن سینا، غزالی، ابن باجه، فارابی، ابوبکر رازی، ابن طفیل، ابن رشد، شیخ اشراق، علامه حلی، ابواسحاق نوبختی، جابر بن حیان، شریف مرتضی، حکیم

۱. زندگی و اندیشه فلاسفه شیعه، عبدالله نعمة.

۲. إعادة النشر:

- بیروت: دارالبلاغه، ۲۰۱۵م.

۳. مشاهير فلاسفة مسلمان: مطالعة‌ای گسترده درباره مشاهير فلاسفة اسلامی و افکار و آثار ایشان، رؤوف سبهانی.

سبزواری، ملامهدی نراقی، ابن عربی و... سخن گفته است. یکی از مداخل این کتاب، به میرداماد اختصاص دارد (صفحات ۴۸۰ تا ۴۸۳). نویسنده در این مدخل مختصر، ابتدا مختصری از زندگی نامه میرداماد بیان کرده و درباره نسب و اجداد وی، استادان و شاگردانش و نیز جایگاه اجتماعی و علمی میر سخن گفته است. در ادامه، نظرات تنی چند از بزرگان و مورخان را درباره میرداماد نقل کرده و اهم آثار وی را برشمرده است.

اطلاعات نشر: لندن: مؤسسه البلاغ (مرکز الدراسات الفلسفیه)، ۲۰۰۷ م.

۲/۱/۵. مفهوم الحدوث الدهري في ميتافيزيقيا الوجود عند الميرداماد محمداً باقر الداماد الحسيني، عادل محمود بدر.^۱

معرفی: این اثر، تک‌نگاری مختصری درباره نظریه «حدوث دهری» است. نویسنده در مقدمه کتاب به برخی مباحث تاریخی همچون طبقه‌بندی جریان‌های گوناگون فلسفی در جهان اسلام و جایگاه میرداماد در این طبقه‌بندی پرداخته است. نویسنده در فصل نخست کتاب، درباره حیات و آثار میرداماد سخن گفته و پس از اشاره به مراحل تحصیل، استادان و شاگردان و سوانح حیات میرداماد، تعدادی از آثار وی را به اختصار معرفی کرده است. وی پس از این مقدمات، نظریه حدوث دهری را در چهار گام کلی بررسی کرده است.

گام نخست به بازخوانی دیدگاه فلاسفه و متکلمان درباره حدوث عالم اختصاص دارد. نویسنده در پایان این فصل، آراء ابن سینا را درباره اکوان ثلاثه (سرمد، دهر و زمان)، به مثابه یکی از مقدمات نظریه حدوث دهری، به تفصیل بررسی کرده است. او در گام دوم، نظریه حدوث دهری را بر اساس متن شرح المنظومه و دیدگاه حکیم سبزواری تقریر کرده است.

گام سوم به بررسی چهار استدلال به نفع نظریه حدوث دهری اختصاص دارد: استدلال بر مبنای نازمانمندی حدوث (بما هو حدوث)؛ استدلال بر اساس تحلیل دو مفهوم تقدّم و تأخّر؛ استدلال با استفاده از مفهوم امکان استعدادی؛ استدلال از طریق رابطه علت فاعلی با معالیل.

نویسنده در گام چهارم، درباره زمان (به معنای عام؛ یعنی ظرف وجودی) و جایگاه آن در هستی‌شناسی وجود و ترتیب عوالم سخن گفته است. او در این فصل، نظر میرداماد را درباره اوعیه وجود (سرمد، دهر و زمان) به تفصیل بررسی کرده است. به باور نویسنده، میرداماد دیدگاه خود را درباره مراتب وجود، بر اساس چهار آموزه فلسفی سامان داده است: قاعده الواحد؛ قاعده امکان اشرف؛ مفهوم قوه و فعل؛ رابطه ذاتی میان خداوند و عقول. نویسنده در ادامه، درباره این اصول توضیحات مختصری ارائه داده؛ اگرچه ارتباط آن‌ها را با اندیشه میرداماد به روشنی تبیین نکرده است. آخرین فصل کتاب که «خاتمه» نام دارد، به تبیین شش نتیجه برآمده از نظریه حدوث دهری اختصاص یافته است. یکی از مباحث مهم در این فصل، بررسی تفاوت دیدگاه میرداماد با ملاصدرا درباره حدوث عالم است. علاوه بر این، نویسنده به وجوه تمایز نظریه حدوث دهری با نظریه حدوث اسمی حکیم سبزواری اشاره کرده است. در بخش «ملحقات» کتاب نیز، ترجمه عربی نویسنده از مقدمه انگلیسی توشی هیکو ایزوتسو بر کتاب القیسات آمده است.

۱. مفهوم حدوث دهری در مابعدالطبیعه وجود نزد میرداماد، عادل محمود بدر.

این کتاب به شرح و تحلیل نظریه حدوث دهری و گردآوری مباحث مربوط به آن اختصاص دارد؛ اما نوآوری خاصی در محتوای کتاب و شیوه نویسنده در ارائه مطلب دیده نمی‌شود. اطلاعات نشر: اللاذقية: دارالحوار، ۲۰۰۸ م.

۲،۲. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی

۲،۲،۱. ابراهیم الحلبي المداري و كتابه «اللمعة»، مُنذر شيخ حسن، الأستاذ المشرف: يوسف شوقي يافوز.^۱

معرفی: این رساله به تصحیح انتقادی رساله اللمة فی حدوث و القدم و القضاء و القدر و تحقیق التکلیف، اثر ابراهیم حلبي مداری، اختصاص دارد. نویسنده این رساله را در سه بخش کلی تدوین کرده است. بخش نخست به منزله مقدمه تصحیح است که به معرفی نویسنده و رساله اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، درباره ابراهیم حلبي مداری، زندگی‌نامه و آثار او به تفصیل و دقت فراوان سخن گفته است. او پس از اشاره به جزئیات زندگانی این اندیشه‌مند ترک، فهرستی از آثار او به همراه اطلاعات نشر و پراکندگی نسخ خطی این آثار فراهم آورده است.

بخش دوم به معرفی و تحلیل محتوای رساله اللمة اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، پس از اشاره به مشخصات رساله، موضوع، تاریخ و سبب تألیف آن، محتوای اللمة را ضمن چهار باب به تفصیل بررسی کرده است. عناوین این ابواب به ترتیب عبارت‌اند از: «اقسام موجود خارجی»، «حدوث عالم»، «قضاء و قدر و مؤثر در فعل اختیاری عبد»، «حقیقت تکلیف و شبهات آن». حلبي مداری یکی از مدافعان نظریه «حدوث دهری» است؛ از این رو، نویسنده در باب دوم، دیدگاه میرداماد را در فصلی جداگانه (صفحات ۱۵۳ تا ۱۷۲) بررسی کرده است. وی در ابتدای این فصل، به دیدگاه میرداماد درباره محل نزاع در مسئله حدوث اشاره کرده و پس از آن، به معنای اصطلاحی «دهر» و «حدوث دهری» پرداخته است. نگارنده در ادامه، اشاره کرده است که تقریر صحیح نظریه حدوث دهری، درگرو آگاهی از اقسام تقدم و تأخر نزد میرداماد است؛ لذا، این مبحث را با مراجعه به عبارات میرتبیین کرده است. او در گام بعدی، سه استدلال میرداماد را بر حدوث دهری تقریر کرده است. نگارنده در پایان این فصل، به مدافعان و منتقدان نظریه حدوث دهری اشاره کرده و انتقادات ملاحمود جونپوری بر نظریه میرداماد را به تفصیل بررسی کرده است. او در باب سوم (صفحات ۱۸۵ تا ۱۹۴)، به دیدگاه میرداماد در مسئله «جبر و اختیار» و متابعت حلبي مداری از او نیز اشاره کرده است. بخش سوم رساله نیز به تصحیح انتقادی رساله اللمة بر مبنای چهار نسخه خطی اختصاص دارد. ذکر این نکته بایسته است که حلبي مداری در رساله خود، جدول‌هایی برای تبیین نسبت مفاهیم و مصادیق انواع حدوث با یکدیگر ترسیم کرده است. مصحح نیز این جداول را در متن رساله نقل کرده است.^۲

اطلاعات ثبت: أطروحة دكتوراه، جامعة مرمرة (إسطنبول)، كلية العلوم الاجتماعية (قسم العلوم الإسلامية/ الكلام)، ۲۰۲۲ م.

۱. ابراهیم حلبي مداری و کتاب اللمة، مُنذر شيخ حسن، استاد راهنما: يوسف شوقي يافوز.

۲. نمونه‌ای از این جداول در بخش «ضمائم» خواهد آمد.

+ مقاله مستخرج: «نظریهٔ «الحدوث الدهری» و الانتقادات علیها: ملّا محمود الجونفوری الفاروفی فی کتابه الشمس البازغة نموذجاً» (۱۵، ۳، ۲).

۲، ۲، ۲. أصالة الماهیة بین السید الداماد و کانط: دراسة مقارنة، نقد و تحلیل، السید سعد شریف سعد البُخاتی، الأستاذ المشرف: أيمن المصري، الأستاذ السماعد: محمد رضا بور.^۱ معرّفی: نویسنده در این رساله، با رویکردی تطبیقی به مطالعهٔ آموزهٔ اصالت ماهیت در اندیشهٔ میرداماد و فلسفهٔ ایمانوئل کانت پرداخته است. وی در مقدمهٔ رساله، دربارهٔ هدف و روش خود از این تحقیق سخن گفته و گزارشی از سوابق پژوهشی در این باره ارائه داده است. فصل نخست رساله، به مباحث مقدماتی اختصاص دارد. نویسنده مطالب این فصل را در چهار «مبحث» سامان داده است. وی در مبحث نخست، ابتدا به گزارش مختصر تاریخ فلسفهٔ اسلامی و غربی و انشعابات آن‌ها تا میرداماد و کانت پرداخته و سپس، خلاصه‌ای از زندگی‌نامهٔ این دو فیلسوف بزرگ ارائه داده است. در مبحث دوم، به مفاهیم کلیدی رساله - همچون «اصالت» و «ماهیت» - پرداخته و معانی لغوی و اصطلاحی آن‌ها را تبیین کرده است. مبحث سوم نیز به بررسیِ تقریرات مختلف از نظریهٔ «اصالت ماهیت» اختصاص دارد. نویسنده در مبحث چهارم، اقوال مختلف را دربارهٔ تاریخ مسئلهٔ «اصالت ماهیت یا وجود» بررسی و نقد کرده است.

نویسنده در فصل دوم رساله، دیدگاه میرداماد را دربارهٔ اصالت ماهیت ضمن پنج مبحث تقریر کرده است. مبحث نخست به مبادی این دیدگاه اختصاص دارد و مطالبی همچون «حمل»، «حیثیات موضوع»، «مطالب علمی»، «مراتب اتّصاف ماهیت»، «تفاوت عروض با حمل»، «معقول اولی و ثانی فلسفی» و «مراتب جعل» در آن بررسی شده‌اند. نویسنده در مبحث دوم، به دیدگاه میرداماد دربارهٔ رابطهٔ وجود و ماهیت پرداخته و مسائلی همچون «تقدّم ماهیت بر وجود»، «قاعدهٔ فرعیّت» و «حقیقت وجود در واجب و ممکن» را به تفصیل بررسی کرده است. او مبحث سوم این فصل را به تقریر نظریهٔ اصالت ماهیت در فلسفهٔ میرداماد اختصاص داده و دربارهٔ مطالبی همچون «اعتبارات موضوع در حمل»، «حیثیات‌های موضوع (تقییدیه، تعلیلیه و اطلاقیه)»، «ظرف انعقاد و ظرف اتّصاف»، «تفاوت حکم با حمل» و «مراتب نفس الامر» سخن گفته است. مبحث چهارم این فصل، به بازخوانی ادلهٔ اصالت ماهیت اختصاص دارد. نویسنده با تقسیم این ادله به دو قسم «استدلال‌های مستقیم» و «استدلال‌های غیرمستقیم»، در مجموع هشت دلیل را تقریر کرده است. نویسنده در مبحث پایانی این فصل، به نتایج اصالت ماهیت در فلسفهٔ میرداماد پرداخته و تأثیر آن را در مباحثی همچون «مراتب اتّصاف ماهیت»، «جعل بسیط» و «حدوث دهری» رصد کرده است.

نویسنده در فصل سوم و ضمن هفت مبحث، دیدگاه کانت را دربارهٔ اصالت ماهیت بررسی کرده است. مبحث نخست این فصل به تفسیر مقولات و جایگاه آن‌ها در فلسفهٔ استعلایی اختصاص دارد. نویسنده در این مبحث، دیدگاه کانت را دربارهٔ مطالبی همچون «ماهیت

۱. نقد و بررسی تحلیلی و مقارن اصالت ماهیت در نظر میرداماد و کانت، سعد شریف سعد علی البُخاتی، استاد راهنما: ایمن المصري، استاد مشاور: محمد رضا بور (عنوان پایان‌نامه در صفحهٔ فارسی به همین صورت ترجمه شده است).

مقولات»، «موضوع علم منطق»، «اقسام مقولات»، «مقولات ریاضی و دینامیکی»، «ارتباط مقولات با عالم خارج»، «ماهیت معرفت»، «تقسیم قضایا به تحلیلی و ترکیبی» و «معرفت فلسفی و ارتباط آن با مقولات»، به تفصیل بررسی کرده است. مبحث دوم به «وجود» و جایگاه آن در فلسفه کانت اختصاص دارد. مباحث سوم و چهارم به ترتیب به بررسی رابطه وجود با ماهیت در فلسفه کانت و شواهد اعتقاد او به اصالت ماهیت اختصاص دارند. نویسنده در مبحث پنجم، ریشه‌های اعتقاد کانت به اصالت ماهیت را در مباحثی همچون «حمل»، «وجود»، «معقولات اولی و ثانوی» رصد کرده است. در مباحث ششم و هفتم نیز، به ترتیب درباره تأثیرات قول به اصالت ماهیت در فلسفه کانت و جایگاه او در تحول مسیر فلسفه غربی (از فلسفه وجودی به فلسفه ماهوی) سخن گفته است.

فصل چهارم این رساله، به تطبیق دیدگاه‌های میرداماد و کانت اختصاص دارد. نویسنده در این فصل وجوه تشابه و تمایز نظریه میرداماد و دیدگاه کانت را از حیث مبادی و نتایج بررسی کرده است. نویسنده بر این باور است که میرداماد همانند پیشینیان مشائی و اشراقی خود، نظریه اصالت ماهیت را حق و صواب می‌دانسته است؛ چنان‌که ایمانوئل کانت نیز به همین باور متمایل است. البته، در هیچ‌یک از آثار وی اشاره مستقیمی به مفهوم «اصالت ماهیت» وجود ندارد و این برداشت، از خلال تفسیر منسجم متون او به دست می‌آید. نویسنده خاطرنشان کرده است که بر اساس نظریه اصالت ماهیت، آنچه در خارج تحقق می‌یابد، ماهیت است که منشأ آثار خارجی بوده و مفهوم وجود از آن منتزع می‌شود. در نگاه میرداماد و کانت، ارتباط ماهیت با وجود - به دلیل اعتباریت یکی از آن‌ها - ذهنی است. بر این اساس، حمل یکی بر دیگری، از قبیل اتحاد موضوع با محمول است؛ با این تفاوت که این اتحاد نزد کانت صدق محمول بر موضوع است؛ اما در نظر میرداماد، عبارت است از عینیت محمول با موضوع.

اطلاعات ثبت: أطروحة دكتوراه، جامعة المصطفى ﷺ العالمية (قم)، كلية الدراسات العليا الإمام الخميني ﷺ (قسم الفلسفة الإسلامية)، العام الدراسي ۱۳۹۷-۱۳۹۸ ش (الموافق ۱۴۴۰-۱۴۴۱ ق).
+ مقاله مستخرج: «الدليل الأنطولوجي بين الحكمة اليمانية والفلسفة الترانسندنتالية» (۲، ۳).

۲، ۲/۳. بحوث استدلالیة حول کتاب «ضوابط الرضاع» للسید محمد باقر الداماد، السید مجتبی الميردامادي، الأستاذ المشرف: محسن الفقيهی^۱

معرفی: این رساله حوزوی به بازخوانی دیدگاه میرداماد درباره احکام و فروع «رضاع» و قاعده «عموم المنزلة» بر اساس کتاب ضوابط الرضاع اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه رساله، به اهمیت این بحث و جایگاه فقهی آن پرداخته و درباره تعداد رساله‌های «رضاعیة»، حیات و آثار میرداماد، «رضاع» و «نسب» در لغت و اصطلاح، قاعده «عموم المنزله» و ادله آن، مرجع در حل شبهات حکمی و موضوعی و اسباب تحريم نکاح سخن گفته است.

نویسنده در فصل نخست رساله، به ارکان رضاع (مرضعه، مرتضع و فحل) پرداخته و حکم هریک را به طور مستقل بررسی کرده است. در فصل دوم نیز، شروط «رضاع محرم» - یعنی

۱. بحث‌هایی استدلالی درباره کتاب ضوابط الرضاع میرداماد، سید مجتبی میرداماد، استاد راهنما: محسن فقهی.

«مشروعیت مبدأ شیر»، «مباشرت رضیع با پستان»، «کمیت شیرخوردن از حیث تعداد و زمان»، «اشترط مدّت دو سال»، «اتّحاد فحل»، «حیات مرضعه» و «حیات طفل» - را بر اساس دیدگاه میرداماد و دیگر فقهاء تقریر کرده است. نویسنده در فصل سوم رساله، دیدگاه میرداماد را دربارهٔ رضاع و فروعات فقهی آن، بر اساس ترتیب مسائل در کتاب ضوابط الرضاع و ضمن یازده «مسئله» به تفصیل بررسی کرده است. او در این فصل، به مناسب‌های مختلف از نظرات دیگر فقهاء - همچون علامه حلی، ابن زهره، محقق کرکی، ملا مهدی نراقی، آیه الله خویی و آیه الله حکیم - نیز یاد کرده است.

فصل چهارم رساله، به بررسی تأثیر روحی رضاع اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، دربارهٔ اهمیت شیرخوردن کودک از مادر و خصوصیات شیر مادر سخن گفته است. او در فصل پنجم رساله، به مبحث مهم «حضانة» پرداخته و مسائل مربوط به این مسئله فقهی را در پنج «باب» سامان داده است که به ترتیب از این قرارند: حکم حضانة و ادله آن؛ اولویت مادر برای حضانة در دوران شیردهی؛ بذل اجرت؛ شروط فرد مستحق حضانة (هشت شرط).

فصل ششم این رساله نیز به پدیدهٔ نوظهور «لقاح مصنوعی» و احکام فقهی آن اختصاص یافته است. نویسنده با بررسی مباحثی همچون «تاریخچهٔ لقاح مصنوعی»، «انواع لقاح مصنوعی»، «لقاح مصنوعی مشروع و نامشروع»، «حرمت تلقیح به نطفهٔ فرد دیگری غیر از زوج»، «لقاح مصنوعی در نظر فقهاء»، نظر خویش را در این باره ارائه داده و رساله را به پایان برده است. این رساله از حیث نظم و جامعیت مباحث و نیز تأکید بر شخصیت فقهی میرداماد، کم نظیر و درخور توجه است.

اطلاعات ثبت: رسالهٔ المستوي الرابع في الحوزة العلمیة (الدکتوراه)، المدرسة الفیضیة (قم)، العام الدراسي ۱۳۸۸-۱۳۸۹ ش (الموافق ۱۴۳۰-۱۴۳۱ ق).^۱

۲، ۲، ۴. حدود العالم بین السید الداماد و ابن سینا و الغزالی، السید عبداللطیف مواق، الأستاذ المشرف: ایمن عبدالخالق، الأستاذ المساعد: حمید رضانیا.^۲

معرفی: این پایان نامه در مطالعه تطبیقی دیدگاه سه اندیشه مند نامدار جهان اسلام - یعنی ابن سینا، غزالی و میرداماد - دربارهٔ حدوث عالم نگاشته شده است. نویسنده در فصل نخست، به مباحث کلی پرداخته و پس از تبیین ضرورت و اهداف این تحقیق، دربارهٔ اهمیت مسئلهٔ آفرینش در دین اسلام و نزاع‌های شکل گرفته بر سر تبیین آن سخن گفته است. همچنین، با اشاره به اصطلاحاتی همچون «حدوث و قدم»، «تقدّم و تأخّر»، «دهر»، «ربط حادث به قدیم»، مبادی تصویری بحث

۱. لازم به ذکر است که بخش‌های فراوانی از این رساله، در مقدمه و حواشی تصحیح نگارنده از کتاب ضوابط الرضاع تکرار شده‌اند. مشخصات نشر اثر از این قرار است:

- ضوابط الرضاع، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: سید مجتبی میردامادی، چ ۱، قم: مرکز المصطفی ﷺ للترجمة والنشر، ۱۳۹۳ ش.

۲. حدود عالم از دیدگاه میرداماد، ابن سینا و غزالی، سید عبداللطیف مواق، استاد راهنما: ایمن عبدالخالق، استاد راهنما: حمید رضانیا.

را تبیین کرده است. او در ادامه، گزارشی مختصر از حیات و آثار ابن سینا، غزالی و میرداماد ارائه داده است. فصل دوم پایان‌نامه، به بررسی دیدگاه ابن سینا و نظریه «حدوث ذاتی» اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، ابتدا مفهوم «حدوث» و «اقسام تقدّم و تأخّر» را در نظر ابن سینا تبیین کرده و سپس، نظریه وی را تقریر کرده است. در ادامه، با اشاره به ماهیت زمان در نظر شیخ رئیس، دیدگاه وی را درباره حدوث زمانی بیان کرده است. نویسنده با نقل پنج اشکال از ابن سینا، خاطرنشان کرده است که در نظریه وی، «حدوث زمانی» نظریه‌ای متناقض و ناکافی است؛ از این رو به قدم زمانی موجودات طبیعی گرایش یافته است. نویسنده پس از اشاره به ادله ابن سینا بر قدم زمانی برخی ممکنات، اشکالات این قول را برشمرده است. او در پایان این فصل، به دیدگاه ابن سینا در مسئله «ربط حادث به قدیم» اشاره کرده است.

نویسنده در فصل سوم، به دیدگاه ابو حامد غزالی درباره حدوث عالم پرداخته است. وی در این فصل پس از اشاره به اقسام حدوث نزد غزالی، چهار دلیل او را در اثبات حدوث زمانی عالم تقریر کرده است. وی در ادامه، اشکالات غزالی را بر دیدگاه ابن سینا، به تفصیل بررسی کرده و استشهادات قرآنی و روایی او را نقل کرده است. فصل چهارم به بازخوانی دیدگاه میرداماد و نظریه «حدوث دهری» اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، پس از اشاره به انگیزه میرداماد از طرح این نظریه، دیدگاه وی را درباره زمان، ماده و حرکت تبیین کرده است. سپس، ادله حدوث دهری را در دو دسته «براهین عقلی» و «ادله نقلی» تقریر کرده است. وی در ادامه، به اشکالات دیدگاه میرداماد و پاسخ آن‌ها پرداخته است.

فصل پنجم این پایان‌نامه، به داوری میان نظریات سه اندیشه‌مند پیش‌گفته اختصاص دارد. نویسنده با تحقیق تاریخی و معرفت‌شناختی، به نقد غزالی پرداخته و خاطرنشان کرده است که تقابل وی با نظرات فلاسفه، از انگیزه‌های سیاسی و داعیه دفاع از دین نشئت گرفته است. او در ادامه، پس از مقایسه دیدگاه ابن سینا و میرداماد در حدوث عالم، نظریه حدوث دهری را بر نظریه حدوث ذاتی ترجیح داده است. او در پایان این بخش، برخی نتایج فلسفی نظریه حدوث دهری - همچون تفسیر آموزه «بداء»، ربط حادث به قدیم و قضاء و قدر - را به اختصار بررسی کرده است.

اطلاعات ثبت: رساله الماجستير، جامعة المصطفى ﷺ العالمية (قم)، كلية الدراسات العليا الإمام الخميني ﷺ (قسم الفلسفة الإسلامية)، العام الدراسي ۱۳۸۹-۱۳۹۰ ش (الموافق ۱۴۴۰-۱۴۴۱ق).

۲،۲،۵. السيد الداماد وآرؤه الحديثية، هديل عزيز عبود الطالقاني، الأستاذ المشرف: علي خضير حجي^۱.

معرفی: نویسنده این پایان‌نامه را به قصد بازخوانی آراء حدیثی میرداماد، در یک تمهید و دو فصل کلی سامان داده است. او در تمهید پایان‌نامه، گزارشی تاریخی/تحلیلی درباره تحولات علوم حدیثی از دوران «نص» تا زمان میرداماد ارائه داده است. نویسنده فصل نخست پایان‌نامه را به معرفی

۱. میرداماد و آراء حدیثی او، هديل عزيز عبود الطالقاني، استاد راهنما: علي خضير حجي.

۲. دسترسی به متن و محتوای این رساله، تا زمان نگارش این مدخل فراهم نشد. معرفی رساله، برگرفته از چکیده و فهرستی است که در وبگاه مخزن دیجیتال عراقی (المستودع الرقمي العراقي) بارگذاری شده است.

میرداماد و شرح احوال و آثار او اختصاص داده و مطالب آن را ضمن سه مبحث تنظیم کرده است. مبحث نخست به عصر میرداماد اختصاص یافته است و مطالبی همچون اوضاع سیاسی / اجتماعی دوران او و حاکمان معاصر با میر را در بر دارد. فصل دوم به زندگی شخصی میرداماد مربوط است و شامل مباحثی همچون ولادت، نام و نسب میرداماد و نیز جایگاه او در میان علماء شیعه است. نویسندگان همچنین، درباره زهد و تقوای میرداماد، مکاشفات او و ارتباطش با شیخ بهایی سخن گفته است. مبحث سوم از این فصل، به حیات علمی میرداماد اختصاص دارد. نویسندگان در این مبحث، پس از اشاره به دوران تحصیلات ابتدایی میرداماد و استادان او، به آثار و شاگردان او پرداخته است.

نویسندگان در فصل دوم پایان نامه، دیدگاه‌های میرداماد را در علم درایه مرور کرده است. مباحث این فصل عبارت‌اند از: تقسیم چهارگانه احادیث؛ اقسام حدیث از حیث سند و متن؛ مصطلح الحدیث (مطالعه‌ای تطبیقی میان میرداماد و برخی معاصران او).

فصل سوم پایان نامه نیز به بازخوانی آراء حدیثی میرداماد اختصاص دارد. مباحث این فصل عبارت‌اند از: آراء میرداماد در علم رجال؛ ابزارهای توثیق و تضعیف؛ دلالت الفاظ جرح و تعدیل؛ ابزارهای تقویم راوی (عدالت و ضبط)؛ مسائل پراکنده رجالی.

اطلاعات ثبت: رساله الماجستير، جامعة الكوفة، كلية الفقه (قسم الشريعة والعلوم الإسلامية)، ۲۰۱۱م. + مقاله مستخرج: «وسائل التوثيق والتضعيف عند السيد الداماد» (۲/۳، ۱۷).

۲، ۲۶. حدوث العالم بين الميرداماد و الملاصدرا، السيد عبداللطيف مواق، الأستاذ المشرف: أحمد العابدی، الأستاذ المساعد: محمد رضا پور.

معرفی: این رساله، به مطالعه تطبیقی دیدگاه میرداماد و ملاصدرا در مسئله «حدوث عالم» اختصاص دارد. نویسندگان در فصل نخست، ابتدا به اهداف، ضرورت و شیوه تحقیق اشاره کرده و سپس، به مفاهیم و مبادی تصویری پرداخته است. او در این فصل، مباحثی همچون «تقدم و تأخر» و اقسام آن‌ها، «معیت» و اطلاقات آن، معنای لغوی و اصطلاحی «حدوث»، «دهر» در لغت و فلسفه و دیدگاه میرداماد درباره دهر را به تفصیل بررسی کرده است. نویسندگان در پایان این فصل، گزارشی مختصر از سیر تحوّل نظریات مربوط به حدوث عالم در ادیان ابراهیمی و عرفان اسلامی ارائه داده است.

نگارنده در فصل دوم، بنیان‌های فلسفی مسئله حدوث را در اندیشه میرداماد و صدرا احصاء کرده و جزئیات آن را به تفصیل پیش‌روی خوانندگان قرار داده است. او ابتدا به دیدگاه میرداماد درباره «اصالت ماهیت» اشاره کرده و درباره مطالبی همچون سیر تاریخی نزاع، اطلاقات «وجود» و «ماهیت»، معنای لغوی و اصطلاحی «اصالت» و «اعتباری» و ادله میرداماد به نفع اصالت ماهیت سخن گفته است. در ادامه، به دیدگاه میرداماد در مسائلی همچون «جعل»، «اقسام تقدم و تأخر»، «تقدم ذاتی»، «انحاء عدم»، «تشکیک» و «کون و فساد» پرداخته است. گام بعدی

۱. حدوث عالم از دیدگاه میرداماد و ملاصدرا، سید عبداللطیف مواق، استاد راهنما: احمد عابدی، استاد راهنما: محمد رضا پور.

نویسنده، تبیین مبانی فلسفی صدرا در مسئله حدوث است که مطالبی همچون «اصالت وجود»، «جعل»، «تشکیک»، «حرکت جوهری» را در بر می‌گیرد. نویسنده در پایان این فصل، پس از اشاره به جهات اشتراک و افتراق در دیدگاه میرداماد و ملاصدرا، شواهدی بر تمایل میرداماد به نظریه اصالت وجود ارائه داده و پژوهشگران را به تحقیق در این شواهد فراخوانده است. به باور نویسنده، جعل به ماهیت تعلّق می‌گیرد؛ زیرا وجود عین ربط به واجب بوده و درخور اشاره استقلالی نیست.

فصل سوم این رساله به بررسی انواع حدوث در اندیشه میرداماد و صدرا اختصاص دارد. اولین مبحث این فصل، تحقیق در نظریه «حدوث دهری» و مبادی آن است. نویسنده پیشینه این آموزه را در فلسفه افلوطین و آثار حکماء مشائی و اشراقی بررسی کرده است. او در ادامه، مراتب سه‌گانه وجود (سرمد، دهر و زمان)، مفهوم «حدوث دهری» و ادله عقلی و نقلی نظریه میرداماد را به تفصیل بررسی کرده است. بخش دوم این فصل، به بررسی دیدگاه ملاصدرا درباره حدوث زمانی و ذاتی اختصاص دارد. نویسنده پس از تبیین مصادر عرفانی و فلسفی دیدگاه صدر المتألهین، ادله عقلی و نقلی او را به نفع حدوث زمانی دما دم، تقریر کرده است. نویسنده در پایان این فصل، با ترجیح دیدگاه ملاصدرا، برخی اشکالات حدوث دهری را دفاع‌ناپذیر دانسته است.

نویسنده در فصل چهارم، اشکالات نظریه حدوث دهری میرداماد و حدوث زمانی ملاصدرا را بررسی کرده است. وی پس از نقل و دسته‌بندی پاسخ‌های این اشکالات، نتایج فلسفی باور به هریک از این دو نظریه را به تفصیل تبیین کرده است. او در نتایج حدوث دهری، به مسائلی همچون آموزه «بداء»، تفسیر «مثل افلاطونی»، «قضاء و قدر» و «ربط حادث به قدیم» اشاره کرده و از میان نتایج دیدگاه ملاصدرا، «دوام فیض»، «ابطال نظریه «زمان موهوم» و «ربط حادث به قدیم» را بر شمرده است. او در بخش پایانی رساله، نتیجه مقایسه میان این دو نظریه را در قالب دوازده نکته بیان کرده و پس از آن، شرح حال میرداماد و ملاصدرا را به اختصار گزارش داده است. اطلاعات ثبت: أطروحة دكتوراه، جامعة المصطفى ﷺ العالمية (قم)، كلية الدراسات العليا الإمام الخميني ﷺ (قسم الفلسفة الإسلامية)، العام الدراسي ۱۳۹۶-۱۳۹۷ ش (الموافق ۱۴۳۹-۱۴۴۰ ق). + مقاله مستخرج: «حدوث العالم: قراءة في نظريتي الداماد والملاصدرا» (۲، ۳، ۷).

۲، ۲، ۷. الفكر الفلسفي عند الميرداماد الأستربادي، رؤوف سبهاني، الأستاذ المشرف: سعاد الحكيم. معرّفی: این رساله حجیم‌ترین تحقیق عربی درباره میرداماد به شمار می‌رود. محتوای رساله در یک مقدمه و سه «باب» سامان یافته است. نویسنده در مقدمه، درباره روش خود در تنظیم و تألیف رساله سخن گفته و به اهمیت میرداماد در تاریخ فکر فلسفی و جایگاه او در مکتب اصفهان اشاره کرده است.

باب نخست رساله به زندگی‌نامه میرداماد و اوضاع سیاسی/اجتماعی عصر حیات او اختصاص دارد. نویسنده در فصل نخست این باب، درباره برخی مباحث مقدّماتی همچون حکومت صفویان، مسیحیت در عصر صفوی، صفویان و تصوّف، تشیع در استرآباد و جایگاه

۱. تفکر فلسفی نزد میرداماد استرآبادی، رؤوف سبهانی، استاد راهنما: سعاد الحكيم.

استرآبادیان در دولت صفوی سخن گفته است. در فصل دوم، به زندگی نامه میرداماد پرداخته و به نام و نسب میر، تحصیلات، اساتید و شاگردان وی و جایگاه سیاسی و اجتماعی او اشاره کرده است. فصل سوم نیز به مروری کوتاه بر تاریخ مدرسه علمی اصفهان اختصاص دارد. سبہانی در باب دوم رساله، افکار فلسفی میرداماد را ضمن چهار فصل بررسی کرده است. مطالب این فصول به ترتیب عبارت‌اند از: حکمت یانی و ماهیت آن؛ بداء؛ اصالت ماهیت؛ جبر و اختیار. نویسنده در هریک از این فصول، با ذکر مقدمات لغوی، تاریخی و فلسفی، دیدگاه میرداماد را به تفصیل مرور کرده است.

باب سوم رساله به نظریه «حدوث دهری» اختصاص یافته است. نویسنده در سه فصل، مبادی و استدلال‌های نظریه میرداماد را تبیین کرده است. در فصل نخست، درباره تقدّم و تأخّر سخن گفته و در فصل دوم، به استدلال‌های عقلی و شواهد تاریخی و نقلی این نظریه پرداخته است و برخی نتایج فلسفی آن را به تفصیل بررسی کرده است. فصل سوم این بخش - که ظاهراً با دو فصل قبل ارتباطی ندارد - به شعر و ادب نزد میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در پایان این باب، مکاتبات اجازه‌نامه‌ها و اسناد مربوط به میرداماد را در قالب «خاتمه» ای عرضه کرده است. مطالب این رساله برای خوانندگان عرب زبان تازگی دارند و همت نویسنده در تتبع و مراجعه گسترده به متون تاریخی و فلسفی، ستودنی است. نکته درخور توجه آن است که عمده مطالب این اثر، برگرفته از منابع تاریخ فلسفه یا تکنگاری‌های فارسی درباره میرداماد است؛ چنان‌که نویسنده در بیشتر مواضع، تحلیل و توضیح خاصی از جانب خود عرضه نکرده است. علاوه بر این، رساله در برخی مباحث - به ویژه باب مربوط به حدوث دهری - به آشفتگی و بی‌نظمی دچار است؛ زیرا نویسنده تفصیل‌ها و تلخیص‌های خود را بدون نتیجه‌گیری رها کرده است و ارتباط فصول هر باب با یکدیگر، برای خواننده چندان روشن نیست.

اطلاعات ثبت: أطروحة دكتوراه، الجامعة الإسلامية (بيروت)، كلية الدراسات الإسلامية، ۲۰۱۰ م.
+ بازنشر به صورت کتاب: الفكر الفلسفي عند الميرداماد الأسترآبادي، رؤوف سبہاني، بيروت: دار المؤرخ العربي، ۲۰۱۱ م.

+ مقاله مستخرج: «میرداماد: فیلسوف الحکمة الیمانیة» (۲/۳، ۱۳).

۲، ۲/۸. القدم والحدوث عند المتکلمين و الفلاسفة: دراسة و نقد، إبراهيم علي، الأستاذ المشرف: بيوك علي زاده^۱.

معرفی: این پایان‌نامه به بازخوانی چهار دیدگاه کلی درباره حدوث عالم اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه پایان‌نامه، به مباحث مقدماتی پرداخته است. وی پس از اشاره به سابقه تاریخی مسئله حدوث و قدم، معنای اصطلاحی مفاهیمی همچون «حدوث و قدم»، «تقدّم و تأخّر»، «عدم» و «عالم» را بررسی کرده و اقسام حدوث را برشمرده است.

فصل دوم به تبیین دیدگاه متکلمان و نظریه «حدوث زمانی» اختصاص دارد. نویسنده در این

۱. تحلیل آراء اندیشه‌مندان مسلمان در مسئله حدوث و قدم عالم، ابراهیم علی، استاد راهنما: بیوک علیزاده (عنوان پایان‌نامه در صفحه فارسی به همین صورت ترجمه شده است).

بخش، ابتدا محل نزاع را در مسئله حدوث عالم بر مبنای متکلمان تحریر کرده و سپس، شش دلیل ایشان را به نفع نظریه حدوث زمانی تقریر کرده است. او در ادامه، پس از نقل اشکالات فلاسفه‌ای همچون ابن سینا، میرداماد و فیض کاشانی بر نظریه متکلمان، خاطرنشان کرده است که نظریه حدوث زمانی به اشکالات فراوانی دچار بوده و در تبیین عقلانی آفرینش، کافی و موفق نیست.

نویسنده فصل سوم پایان‌نامه را به دیدگاه حکماء مشائی و نظریه «حدوث ذاتی» اختصاص داده است. وی در این فصل، پس از اشاره به تلقی مشائیان مسلمان از محل نزاع، چهار استدلال ایشان را بر نظریه حدوث ذاتی نقل کرده است. در ادامه، به نقد این نظریه پرداخته و اشکالات شخصیت‌هایی همچون غزالی، ابن رشد، شهرستانی، فخرالدین رازی، ابن حزم اندلسی را بر این دیدگاه به تفصیل تبیین کرده است. به باور نویسنده، دیدگاه مشائیان از توابع باور به نظریه «فیض» است که در نهایت، قدم زمانی عالم را در بر دارد.

فصل چهارم این پایان‌نامه، به نظریه «حدوث دهری» میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای این فصل، درباره انگیزه میرداماد از طرح این نظریه سخن گفته و سپس، برخی مبادی تصویری بحث - همچون معنای «حدوث دهری»، «انفکاک» و «عدم دهری» - را تبیین کرده است. او در ادامه، نظریه میرداماد را بر اساس متن شرح المنظومه تقریر کرده و به تفاوت‌های آن با دیگر اقسام حدوث سخن گفته است. نویسنده علاوه بر تقریر دو استدلال میرداماد به نفع حدوث دهری - یعنی «استدلال از طریق تقدّم پروردگار بر عالم زمانی»، «استدلال از طریق تحلیل امکان استعدادی» - به شواهد قرآنی و نقلی آن نیز اشاره کرده است. نویسنده بر این باور است که آنچه میرداماد با عنوان «عدم واقعی» در مرتبه دهر تعریف کرده، در واقع نوعی «عدم اضافی» است که نظریه میرداماد را به تقریری از نظریه حدوث ذاتی فرو می‌کاهد.

فصل پنجم و پایانی این نوشتار، به تبیین نظریه ملاصدرا درباره حدوث عالم اختصاص دارد. نویسنده طبق شیوه سابق خود، ابتدا درباره برخی مبادی تصویری - همچون «حرکت» و «زمان» - سخن گفته و اقسام حرکت را بر شمرده است. او در ادامه، به نظریه «حرکت جوهری» و ادله آن پرداخته و نظریه حدوث ملاصدرا را تابعی از دیدگاه او درباره وقوع حرکت در مقوله جوهر دانسته است. او پس از تقریر مفصل نظریه ملاصدرا، خاطرنشان کرده است که نظریه ملاصدرا موفق‌تر از دیگر دیدگاه‌های مطرح‌شده در تاریخ فلسفه اسلامی است؛ اما باز هم در اثبات «حدوث زمانی» کامروا نیست.

نویسنده در این پایان‌نامه گزارشی کامل از نظریات مربوط به حدوث عالم در جهان اسلام ارائه داده است؛ اما تحلیل فلسفی جدیدی در آن به چشم نمی‌خورد. وی بر این باور است که در واقع، متکلمان و فلاسفه نزاعی درباره حدوث ندارند؛ بلکه اختلاف دیدگاه آن‌ها درباره مصادیق «حادث» و گستره آن است. شگفت آنکه او در پایان نگاشته خود، خاطرنشان کرده است که پرداختن به مسائلی همچون حدوث و قدم، نوعی اتلاف عمر بوده و انسان را از توجه به موضوعات اساسی‌تر باز می‌دارد!

اطلاعات ثبت: رساله الماجستير، جامعة الإمام الصادق (طهران)، كلية الدراسات الإسلامية (قسم الفلسفة والكلام الإسلامي)، العام الدراسي ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش (الموافق ۱۴۳۱-۱۴۳۲ ق).

۲۶۹. مسأله حدوث: دراسة مقارنة بين الميرداماد و السبزواري، طه محمد جواد، الأستاذ المشرف: ستار جبر الأعرجي.^۱

معرفی: ^۲ این رساله، مطالعه‌ای تطبیقی میان دیدگاه میرداماد و حکیم سبزواری درباره مسئله «حدوث و قدم عالم» است. نویسنده در تمهید رساله، درباره حکمت یانی، حکمت متعالیه و مبانی آن‌ها سخن گفته است. مباحث این تمهید عبارت‌اند از: میرداماد، آراء و آثار او؛ فلسفه میرداماد و روش او؛ ابداعات فلسفی میرداماد؛ حکیم سبزواری، آراء و آثار او؛ فلسفه سبزواری و روش او؛ وحدت حقیقت وجود و کثرت آن؛ اصالت وجود یا ماهیت (سیر تاریخی مسئله، اقوال و ادله آن‌ها و نتایج معرفتی و هستی‌شناختی مسئله).

فصل دوم رساله، به نظریه «حدوث دهري» میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، ابتدا درباره حرکت، زمان و ماهیت آن‌ها از دیدگاه میرداماد سخن گفته و سپس، نقدهای او را بر «حرکت جوهری» تبیین کرده است. وی در ادامه، پس از توضیح دیدگاه میرداماد درباره مراتب سه‌گانه وجود (سرمد، دهر و زمان)، نه استدلال و استشهاد میرداماد را به نفع نظریه حدوث دهري، به تفصیل مرور کرده است.

نویسنده در فصل سوم، به نظریه «حدوث اسمی» حکیم سبزواری پرداخته است. وی ابتدا مباحثی همچون دیدگاه عرفاء درباره خلقت، «اسم» در اصطلاح عرفانی، حقیقت اسماء الهی، رابطه اسماء با صفات، اعیان ثابته و اقسام آن‌ها و علم الهی به اشیاء قبل از ایجاد را به منزله مقدمات نظریه سبزواری بررسی کرده و سپس، دیدگاه او را تقریر کرده است.

فصل چهارم رساله نیز به بررسی نتایج دو نظریه حدوث دهري و حدوث اسمی و نیز، اشکالات آن‌ها اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، تبعات معرفتی و هستی‌شناختی این دو نظریه را به تفصیل بررسی کرده و از نقدهای محقق خوانساری، و ملاحمد نراقی بر دیدگاه میرداماد یاد کرده است. اطلاعات ثبت: أطروحة دكتوراه، جامعة الكوفة، كلية الآداب (قسم الفلسفة)، ۲۰۱۵م. + مقاله مستخرج: «السید الميرداماد و إبداعاته الفلسفية و المنطقية» (۲/۳، ۴).

۲۷۰. میتافیزیکیا الحدود بین الاتجاهین الماهوي و الوجودي فی الفلسفة الإسلامية: الميرداماد و الشيرازي نموذجاً، هشام أحمد محمد إبراهيم سعید، الأستاذ المشرف: عادل محمود عمر بدر.^۲

معرفی: ^۳ این رساله به بازخوانی دیدگاه میرداماد و ملاصدرا در مسئله «حدوث عالم» در جایگاه دو

۱. مسئله «حدوث»: مطالعه‌ای تطبیقی میان میرداماد و سبزواری، طه محمد جواد، استاد راهنما: ستار جبر الأعرجی

۲. دسترسی به متن و محتوای این رساله، تا زمان نگارش این مدخل فراهم نشد. معرفت رساله، برگرفته از چکیده و فهرستی است که در وبگاه مخزن دیجیتال عراقی (المستودع الرقمي العراقي) بارگذاری شده است.

۳. متافیزیک حدوث و دو نگرش وجودی و ماهوی در فلسفه اسلامی: میرداماد و [ملاصدرا] شیرازی به مثابه نمونه، هشام احمد محمد ابراهیم سعید، استاد راهنما: عادل محمود عمر بدر.

۴. دسترسی به متن و محتوای این رساله، تا زمان نگارش این مدخل فراهم نشد. معرفت رساله، برگرفته از

نماینده برجسته فلسفه ماهوی و فلسفه وجودی در جهان اسلام اختصاص دارد. نگارنده در مقدمه رساله، خاطر نشان کرده است که چهره‌های برجسته فلسفه اسلامی، معضلات و مسائل قدیمی را با رویکردی جدید بررسی و حل و فصل کرده‌اند. یکی از این مسائل مهم که پس از انتقال از فلسفه یونان به جهان اسلام، شکلی جدید به خود گرفت، مسئله حدوث عالم است. این رساله در سه فصل کلی سامان یافته است. نویسنده در فصل نخست، به دیدگاه‌های کلی اندیشه‌مندان اسلامی به مسئله حدوث و قدم پرداخته است. به باور او، متفکران اسلامی در مواجهه با این مسئله، دو جهت‌گیری کلی اتخاذ کرده‌اند: گروهی با اعتقاد به نظریه «فیض»، به قدم زمانی عالم گرویده‌اند و گروهی دیگر، با تأکید بر نصوص دینی، به حدوث واقعی عالم متمایل شده‌اند. نویسنده در ادامه، نظریات گوناگون فلسفی را در جهان اسلام - از ابن سینا تا ملاصدرا - مرور کرده است. وی در این راستا، مقدمات مفهومی و تصویری هریک از این نظریات - همچون «امکان ماهوی»، «حرکت جوهری» و... - را نیز بررسی کرده است.

فصل دوم رساله، به بازخوانی تحلیلی نظریه «حدوث دهری» اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، به انگیزه و ادله میرداماد در طرح این نظریه بررسی کرده و چهار استدلال وی را تقریر کرده است. در ادامه، به نگرش متافیزیکی میرداماد به مراتب هستی (سرمد، دهر و زمان) اشاره کرده و تفاوت دیدگاه وی را با اندیشه‌مندانی همچون ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی تبیین کرده است. فصل سوم رساله نیز به معانی امکان و ارتباط آن با ماهیت اختصاص دارد. نویسنده بر این باور است که نگرش گوناگون اندیشه‌مندان به ماهیت و امکان - خصوصاً در نزاع اصالت وجود یا ماهیت - دلیل اصلی در اختلاف تفاسیر ایشان از حدوث عالم است؛ لذا در این فصل، امکان و حدوث را از دو نگرش وجودی و ماهوی بررسی کرده و نظریات پیش گفته را به داوری نهشته است. اطلاعات ثبت: أطروحة دكتوراه، جامعة المنصورة، كلية الآداب (قسم الفلسفة)، ۲۰۰۸ م.

۲/۲۰۱۱. میتافیزیکیا الوجود و الماهیة بین المیرداماد الأسترآبادی ومرتضى المطهری: دراسة تحليلیة نقدیة مقارنة، ماجدة رمضان مصطفى محمود، الأستاذ المشرف: عباس محمد حسن سلیمان^۱.

معرفی: نویسنده در این رساله، دیدگاه میرداماد و شهید مطهری را درباره اصالت وجود یا ماهیت بررسی کرده است. وی در مقدمه رساله، درباره ضرورت و روش تحقیق، اهمیت مسئله «اصالت» در تاریخ فلسفه اسلامی و علت گزینش میرداماد و مطهری سخن گفته است. وی در فصل نخست، جزئیات حیات علمی این دو اندیشه‌مند را بررسی کرده و به مطالبی همچون اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر میرداماد و مطهری، استادان، شاگردان و آثار آنها و آراء خاص ایشان

چکیده و فهرستی است که در پایگاه جامع کتابخانه‌های دانشگاهی مصر (اتحاد مكتبات الجامعات المصرية) بارگذاری شده است.

۱. متافیزیک وجود و ماهیت از دیدگاه میرداماد و مرتضی مطهری: مطالعه‌ای تطبیقی و انتقادی، ماجده رمضان مصطفى محمود، استاد راهنما: عباس محمد حسن سلیمان.

۲. دسترسی به متن و محتوای این رساله، تا زمان نگارش این مدخل فراهم نشد. معرفی رساله، برگرفته از چکیده و فهرستی است که در پایگاه جامع کتابخانه‌های دانشگاهی مصر (اتحاد مكتبات الجامعات المصرية) بارگذاری شده است.

در فلسفه اشاره کرده است.

فصل دوم رساله، به بازخوانی تاریخ متافیزیک وجود و ماهوی اختصاص دارد. نویسندگان پس از تبیین مفردات بحث - همچون «وجود»، «ماهیت»، «متافیزیک» و معانی آنها - گزارش خود را در چهار بخش کلی تنظیم کرده است: در بخش نخست دیدگاه فلاسفه یونانی - همچون پارمنیدس، سقراط، افلاطون و ارسطو - را بررسی کرده و بخش دوم را به نظرات فلاسفه قرون وسطی - همچون توماس آکویناس، کندی، فارابی، ابن سینا و ابن رشد - اختصاص داده است. بخش سوم و چهارم نیز به نظرات متکلمان و عرفاء مربوط هستند.

نویسندگان در فصل سوم رساله، دیدگاه میرداماد و شهید مطهری را درباره اصل وجود یا ماهیت بررسی کرده است. وی پس از اشاره به معانی «وجود»، «ماهیت» و «اصل» در دیدگاه این دو اندیشه مند، هفت استدلال از میرداماد به نفع اصل ماهیت و نه استدلال از شهید مطهری در تأیید اصل وجود تقریر کرده است.

فصل چهارم رساله به بررسی «وجوب» و «امکان» و ارتباط آنها با وجود از نظر میرداماد و مطهری اختصاص یافته است. نویسندگان پس از طرح مباحث مقدماتی و بررسی معنای اصطلاحی «وجوب»، «امکان» و «امتناع» و اقسام آنها، دیدگاه این دو فیلسوف را درباره «وجود واجب»، «نسبت وجوب با ماهیت» و «نسبت امکان با ماهیت» به تفصیل بررسی کرده است. وی در «خاتمه»ی رساله، نتایج تحقیق خود را ضمن چند نکته عرضه کرده است.

اطلاعات ثبت: أطروحة دكتوراه، جامعة الإسكندرية، كلية الآداب (قسم الفلسفة)، ۲۰۲۰ م.

۲.۳. مقالات

۲.۳.۱. «الحدوث الدهري عند الداماد»، عبد الجواد عبد الرزاق جواد الحسيني^۱

معرفی: این مقاله به بازخوانی نظریه «حدوث دهري» میرداماد اختصاص دارد. نویسندگان پس از ارائه توضیحات کوتاهی درباره زندگانی و اندیشه میرداماد، درباره مباحثی همچون اهمیت بحث از حدوث و قدم در فرهنگ اسلامی، دیدگاه متکلمان درباره حدوث زمانی و مخالفت فلاسفه با ایشان، اقسام مشهور تقدم و تأخر، پیشینه نظریه حدوث دهري و موافقان و مخالفان این آموزه سخن گفته است. او پس از این مقدمه، نظریه حدوث دهري را بر اساس تقریر حکیم سبزواری روایت کرده است. نگارنده در ادامه با رصد آثار فلاسفه متأخر، انتقادات ایشان را بر نظریه میرداماد بررسی کرده است. او در این راستا، دیدگاه‌های افرادی همچون فیض کاشانی، ملامهدی نراقی، سید هبه‌الدین شهرستانی، علامه طباطبائی، محقق اصفهانی، شهید مطهری و آیه الله مصباح یزدی را مرور کرده است.

نویسندگان با اشاره به دیدگاه میرزامهدی آشتیانی و حکیم رفیعی قزوینی، خاطرنشان کرده است که تقریر سبزواری از حدوث دهري، با عبارات میرداماد چندان مطابق نیست. او برای تبیین گسست‌های روایت سبزواری، مبادی و استدلال‌های نظریه حدوث دهري را بر اساس عبارات میرداماد تبیین کرده است. او پس از اشاره به معنای مفاهیمی همچون «عدم»، «دهر»، «زمان»

۱. «حدوث دهري نزد میرداماد»، عبد الجواد عبد الرزاق جواد الحسيني.

و... در فلسفه میرداماد، دو استدلال وی را به نفع حدوث دهری نقل کرده است. نویسنده در ادامه اشکالات عبدالرزاق لاهیجی، محمدجعفر استرآبادی و آقاجمال خوانساری را بر دیدگاه میرداماد نقل کرده و به آن‌ها پاسخ داده است.

اطلاعات نشر: مجله لارک للفلسفة و اللسانیات و العلوم الاجتماعية (جامعة واسط / كلية الآداب)، المجلد ۳، العدد ۴۴، ۲۰۲۱ م، صص ۱۰۶۱-۱۰۸۰.

۲،۳،۲. «الداماد: الفيلسوف المغمور»، موسی الموسوی^۱

معرفی: نویسنده در این مقاله مختصر، به جایگاه میرداماد در تاریخ فکر شیعی و دلیل ناشناختگی نسبی او در میان اهالی فلسفه و حکمت پرداخته است. از نظر او، سبک نگارش ثقیل و پیچیده میرداماد، مهم‌ترین عامل مهجوریت او میان دانشمندان متأخر است. با این همه، نمی‌توان انکار کرد که میرداماد رکن اصلی مکتب اصفهان و یکی از چهره‌های اشرافی در عصر صفوی است. نویسنده پس از این مقدمه، شرح حال کوتاهی از میرداماد ارائه داده و دیدگاه‌های او را در دو مسئله «قضاء و قدر» و «اقسام حدوث» بررسی کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد با استفاده از نظریه «حدوث دهری»، برخی معضلات الهیات - همچون آموزه «بداء» - را حل و فصل کرده است.

اطلاعات نشر: مجله البلاغ (الجمعية الإسلامية للخدمات الثقافية / الكاظمية)، السنة ۴، العدد ۴، ۱۳۹۳ ق، صص ۳۷-۴۳.

۲،۳،۳. «الدلیل الأنطولوجی بین الحکمة الیمانیة و الفلسفة الترانسندنتالیة»، السید سعد شریف سعد البُخاتی^۲

معرفی: نگارنده در این مقاله، برهان وجودی را از دیدگاه دو فیلسوف برجسته غرب و شرق، یعنی میرداماد و کانت، بررسی کرده است. «برهان وجودی» دلیلی است با صرف تصور و تحلیل مفهوم «خداوند»، وجود خارجی آن را اثبات می‌کند. برای نخستین بار در جهان غرب، این برهان را آنسلم قدیس مطرح کرده؛ چنان‌که برخی فلاسفه متقدم اسلامی نیز در اثبات وجود خداوند از آن بهره برده‌اند. نویسنده پس از این مقدمه تاریخی، سه اصطلاح «برهان وجودی»، «فلسفه استعلایی» و «حکمت یمانی» را تبیین کرده است.

بخش نخست مقاله به بررسی دیدگاه میرداماد اختصاص دارد. نویسنده پس از اشاره به دیدگاه میرداماد درباره «اصالت ماهیت و اعتباریت وجود، خاطرنشان کرده است که میرداماد برهان وجودی را به شکلی عمیق و دقیق در حکمت یمانی مطرح کرده و آن را برهان «امکان و وجوب» نام نهاده است. به‌باور نگارنده این برهان یکی از تقریرهای برهان وجودی است؛ زیرا با تحلیل معنای وجود واجب، ضرورت تحقق خارجی آن را اثبات می‌کند. وی در ادامه، با اشاره به شباهتی درباره مفهوم وجود و نسبت آن با خداوند و ممکنات، پاسخ‌های میرداماد به این شباهت را نقل کرده است. نویسنده در بخش دوم مقاله برهان وجودی را در فلسفه استعلایی کانت بررسی کرده است. وی ابتدا به مفهوم «وجود» در فلسفه استعلایی پرداخته و خاطرنشان کرده است که کانت وجود

۱. «میرداماد: فیلسوف ناشناخته»، موسی الموسوی.

۲. «برهان وجودی در حکمت یمانی و فلسفه استعلایی»، سیدسعد شریف سعد البُخاتی.

را در دو معنا به کار برده است: وجود شیء به معنای نفس تحقق شیء در خارج؛ وجود خاص به معنای مفهوم ذهنی منتزع از امور خارجی. سپس، با ذکر عباراتی از کانت، تفاوت‌ها و احکام این دو قسم را تشریح کرده است. در ادامه، برهان وجودی آنسلم را به تقریر دکارت نقل کرده و اشکالات کانت را بر این تقریر برشمرده است. به باور نگارنده، کانت وجود را امری انتزاعی قلمداد کرده و کمال موجودات خارجی نمی‌داند؛ از این رو، با ردّ این برهان، کمالیت وجود را برای خداوند نفی کرده است، نه وجود خداوند را. وی در پایان مقاله، گزارشی کوتاه از مقایسه نظر میرداماد با کانت درباره برهان وجودی عرضه کرده است.

اطلاعات نشر: الدلیل (العتبة العلویة المقدسة/ النجف)، السنة ۳، العدد ۷، ۲۰۲۰م، صص ۲۰۷-۲۲۹.
+ مستخرج از رساله: أصالة الماهیة بین السید الداماد و کانت: دراسة مقارنة، نقد و تحلیل (۲۰۲۲).

۲،۳/۴. «السید المیرداماد و إبداعاته الفلسفیة والمنطقیة»، طه محمد جواد.^۱

معرفی: نویسنده در این مقاله، ابداعات میرداماد را در حوزه فلسفه و منطق بررسی کرده است. وی در بخش نخست، درباره حیات و آثار میرداماد به اختصار سخن گفته و در بخش دوم، به ماهیت حکمت یمانی پرداخته است. به باور نویسنده، حکمت یمانی ساختاری مشائی دارد؛ اما تفاوت اصلی آن یا حکمت سینوی و فلسفه ارسطویی، توجه اساسی میرداماد به تعالیم قرآنی و حدیثی و اثرپذیری او از آموزه‌های عرفانی است. بخش سوم این مقاله، به بررسی ابداعات منطقی و فلسفی میرداماد اختصاص دارد. نویسنده ابتدا به نظرات خاص منطقی وی در مباحثی همچون «حمل»، «معقولات ثانی منطقی»، «تصدیق»، «نسبت حکمیّه» اشاره کرده و سپس، ابداعات فلسفی او را برشمرده است. بنا بر گزارش نویسنده، نظرات خاص میرداماد در فلسفه، عبارت‌اند از: ۱. نفی حرکت جوهری و اثبات حرکت قطعی با استفاده از ثبوت دهری؛ ۲. نفی تشکیک در وجود؛ ۳. عدمیت ماهیت و حقیقت شرّ؛ ۴. حدوث دهری؛ ۵. عروض امتناع بر برخی انحاء وجود؛ ۶. علّت احتیاج ممکن به واجب؛ تفسیر «امکان» و «تقرّر»؛ ۷. تقسیم حادث زمانی به سه قسم تدریجی، دفعی و زمانی.

نگارنده در آخرین بخش این مقاله، به روش عرفانی میرداماد پرداخته و با مراجعه به عبارات وی، تأثیر عرفان را در اندیشه‌های فلسفی او - از جمله آموزه «وحدت شخصی وجود» - تبیین کرده است. این مقاله از معدود آثار عربی است که با پرهیز از تکرار مکررات، دیدگاه‌های خاص میرداماد را در زمینه منطق، فلسفه و عرفان گزارش کرده است.

اطلاعات نشر: حولیة المنتدی للدراسات الإنسانية (المنتدی الوطني لأبحاث الفكر والثقافة/ النجف)، العدد ۲۳، تشرین الأول ۲۰۱۵م، صص ۳۶۹-۴۰۳.

+ مستخرج از رساله: مسألة الحدوث: دراسة مقارنة بین المیرداماد و السبزواری (۲۰۲۹).

۲،۳/۵. «السید محمدباقر الداماد»، زکی المیلاد.^۲

معرفی: این مقاله شامل شامل سه بخش جداگانه است. نویسنده در بخش نخست، به جایگاه

۱. «ابداعات فلسفی و منطقی میرداماد»، طه محمد جواد.

۲. «سید محمدباقر داماد»، زکی المیلاد.

میرداماد در تاریخ فکر شیعی پرداخته است. به باور او، عوامل گوناگونی در تعالی و برجستگی شخصیت میرداماد نقش داشته‌اند؛ از جمله: نقش تأسیسی وی در مکتب اصفهان؛ ارتباط مستحکم او با دربار صفوی؛ ارتباط با شاگردش، ملاصدرا؛ شیرازی. بخش دوم از این فصل، به اساتید، شاگردان و آثار میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، پنج تن از استادان میرداماد و نه نفر از شاگردان او را معرفی کرده و سپس، بیست و پنج عنوان از آثار میرا بر شمرده است. او در بخش سوم، به آراء فلسفی میرداماد پرداخته است. او پس از ارائه توضیحاتی درباره حکمت یمانی و اصول اندیشه میرداماد بر اساس آثار دکتر دینانی و توشی هیکو ایزوتسو، درباره دو نظریه «حدوث دهری» و «اصالت ماهیت» به تفصیل سخن گفته است. بخش چهارم و پایانی این فصل، رابطه میرداماد با ملاصدرا و فلسفه او اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، توضیحاتی درباره علل سکوت ملاصدرا در مواجهه با نظریه حدوث دهری ارائه داده است.

اطلاعات نشر: التحولات الفكرية في العالم الإسلامي: أعلام و حركات و أفكار من القرن العاشر إلى الثاني عشر الهجري، تحرير: عليان الجالودي، عمان: المعهد العالمي للفكر الإسلامي، ۲۰۱۴م، صص ۱۳۹-۱۴۸ (الفصل الثامن).

+ باز نشر: الفكر والاجتهاد: دراسات في الفكر الإسلامي الشيعي، زكي الميلاد، بيروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي، ۲۰۱۶م، صص ۵۷-۷۴ (الفصل الثالث).

۲،۳/۶. «تعليقة على رجالي الطوسي و النجاشي»، السيد محمد باقر بن محمد الداماد الحسيني الأسترآبادي، تحقيق: السيد جعفر الإشكوري^۱.

معرفی: این مقاله به تصحیح انتقادی تعلیقات میرداماد بر دو کتاب رجال شیخ طوسی و رجال نجاشی اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه، درباره نسخه اساس، مشخصات آن و شیوه خود در تصحیح به اختصار سخن گفته و پس از آن، متن تعلیقات میرداماد را بر بنیاد نسخه شماره ۴۰۵ کتابخانه مدرسه علمیّه مروی (تهران) عرضه کرده است.

اطلاعات نشر: دراسات علميّة (المدرسة العلميّة الآخوند الصغری/ النجف)، العدد ۱۴، صفر ۱۴۴۰ق، صص ۲۸۰-۳۴۴.

۲،۳/۷. «حدوث العالم: قراءة في نظريتي الداماد و الملاصدرا»، أحمد عابدي؛ السيد عبد اللطيف موابق^۲.

معرفی: این مقاله به بررسی تطبیقی دیدگاه میرداماد و ملاصدرا درباره حدوث عالم اختصاص دارد. نویسندگان در بخش نخست، معنای لغوی و اصطلاحی «حدوث» و «تقدم و تأخر» و اقسام آن‌ها را تبیین کرده‌اند. در بخش دوم، به مبانی نظریه «حدوث دهری» پرداخته و خاطرنشان کرده‌اند که دو آموزه «اصالت ماهیت و اعتباریت وجود» و «انفکاک عینی میان واجب الوجود و عالم امکان»، ارکان نظریه میرداماد را تشکیل می‌دهند. بنا بر گزارش نویسندگان در بخش سوم مقاله، مبانی نظریه ملاصدرا درباره حدوث عالم عبارت‌اند از: «اصالت وجود» و «حرکت

۱. «تعليقة بر رجال طوسی و رجال نجاشی»، میرداماد، تصحیح: سید جعفر اشکوری.

۲. «حدوث عالم: بازخوانی نظریه میرداماد و ملاصدرا»، احمد عابدی؛ سید عبد اللطیف موابق.

جوهری». بخش چهارم مقاله به تقریر نظریه حدوث دهری اختصاص دارد. نویسندگان در این بخش، با اشاره به کاستی‌های دو نظریه «حدوث ذاتی» و «حدوث زمانی» در نظر میرداماد، تقریری از نظریه حدوث دهری عرضه کرده‌اند. ایشان در ادامه، براهین عقلی و ادله نقلی میرداماد را به تفصیل بررسی کرده‌اند. بخش پنجم مقاله به بازخوانی نظریه حدوث زمانی بر مبنای حکمت متعالیه اختصاص دارد. نویسندگان پس از تبیین مراد ملاصدرا از «حدوث زمانی»، ادله عقلی و نقلی وی را بررسی کرده‌اند. از نظر ایشان، ملاصدرا در تبیین آفرینش جهان، از حیث استدلال و نیز استیفاء مقاصد شرعی، از میرداماد موفق‌تر بوده است.

اطلاعات نشر: نصوص معاصرة (مركز البحوث المعاصرة/ بیروت)، السنة ۱۵، العدد ۶۰، خریف ۲۰۲۰م، صص ۱۹۳-۲۱۱.

+ مستخرج از رساله: حدوث العالم بین المیرداماد و الملاصدرا (۲/۲۶).

۲/۳۸. «رأی المیرداماد و الملاصدرا في مسألة حدوث العالم و قدمه»، السید علی الموسوی

البهبهانی

معرفی: این مقاله به بررسی دیدگاه میرداماد و ملاصدرا درباره حدوث و قدم عالم اختصاص دارد. نویسنده ابتدا معانی «حدوث» و «قدم» را بر اساس دو کتاب أنوار الهدایة و دستور العلماء بیان کرده و سپس، به تبیین رأی میرداماد در این باره پرداخته است. او پس از اشاره به معنای اصطلاحی «زمان»، «دهر» و «سرمد» بر اساس عبارات میرداماد، نظریه «حدوث دهری» را بر اساس دیدگاه حکیم سبزواری تقریر کرده است. نویسنده در ادامه، به دیدگاه ملاصدرا درباره حدوث عالم پرداخته و پس بیان چند مقدمه - از جمله نظریه «حرکت جوهری» - نظریه وی را تقریر کرده است. نویسنده در بخش بعدی خاطرنشان کرده است که علی‌رغم اختلاف نظر میرداماد و ملاصدرا درباره مسئله حدوث جهان، دیدگاه‌های ایشان بسیار مشابه و در جهات اساسی، یکسان هستند. به‌باور نگارنده، اختلاف آراء میرداماد و ملاصدرا به اختلاف ایشان در تعبیر و اصطلاح باز می‌گردد. وی در پایان برخی انتقادات و اشکالات وارد شده بر دیدگاه این دو اندیشه‌مند را مرور کرده است.

اطلاعات نشر: الفكر الإسلامي (مجمع الفكر الإسلامي/ قم)، العدد ۳۱ و ۳۲، ۱۳۵۵ش، صص ۶۳-۷۴.
+ ترجمه:

- فارسی: «نظر میرداماد و ملاصدرا در مسئله حدوث و قدم عالم»، سید علی موسوی بهبهانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران/ دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، سال ۲۳، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۵۵ش، صص ۲۳۱-۲۴۵.

۲/۳۹. «سلسلة المحاکمات العقلية في الفصل بين أصالة الماهية وأصالة الوجود (قسم الأول: الجذور التاريخية للمسألة)»، أيمن عبد الخالق^۱

معرفی: این مقاله، بخش نخست از سلسله مباحث نویسنده درباره دیدگاه میرداماد و ملاصدرا

۱. «مجموعه بررسی‌های عقلی در تفاوت اصالت ماهیت و اصالت وجود (بخش اول: ریشه‌های تاریخی مسئله)»، ایمن عبد الخالق.

در مسئله اصالت وجود یا ماهیت است.^۱ وی در این مقاله کوشیده است تا مبانی و ریشه‌های تاریخی این نزاع را تبیین کند. او ابتدا به اهمیت مسئله و ضرورت پرداختن به آن در عصر کنونی اشاره کرده و سپس، امتیازات نگاشته خود را در قیاس با تحقیقات پیشین، ضمن شش نکته بیان کرده است. مبحث اول این مقاله به بیان معانی اصطلاحی ماهیت و وجود نزد فیلسوفان مشهور اختصاص دارد. قصد نویسنده از این تمهید، علاوه بر تبیین مفردات بحث، آن است که نشان دهد نزاع اصالت وجود یا ماهیت، نزاعی لفظی نیست. او بدین منظور، عبارات اندیشه‌مندانی همچون فارابی، ابن سینا، بهمنیار، فخرالدین رازی، سهروردی و علامه حلی را به تفصیل بررسی کرده است. نویسنده در مبحث دوم، موضع فلاسفه متقدم را در این نزاع بررسی کرده است. او ابتدا معنای اصطلاحی «اصالت» و «اعتباریت» را تبیین کرده و پس از آن، با بازخوانی عبارات ابن سینا، ابن رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، سهروردی، شهرزوری، ایچی و تفتازانی، نشان داده است که تمام فلاسفه متکلمان از فارابی تا میرداماد، به اصالت ماهیت قائل بوده و مدعی حکیم سبزواری در انتساب نظریه اصالت وجود به مشائیان، صحیح نیست. بر این اساس، ملاصدرا نخستین فیلسوف قائل به اصالت وجود است. مبحث سوم این مقاله به بررسی مسئله اصالت در مکاتب فلسفه غربی اختصاص دارد. نویسنده با بررسی دیدگاه‌های هگل و هایدگر درباره وجود و ماهیت، خاطرنشان کرده است که وجودگرایی اگزیستانس با اصالت وجود صدرایی بسیار متفاوت است و نباید این دو را با هم یکسان انگاشت.

اطلاعات نشر: المعرفة العقلية (أكاديمية الحكمة العقلية/ قم)، السنة ۲، العدد ۲، ۲۰۱۵ م، صص ۱۳-۶۲.

+ مستخرج از رساله:

The Fundamentality of Quiddity or Existence between Mīr Dāmād and his student Mullā Ṣadrā (1.2.1).

۲۰۲۱/۱۰. «عرض و نقد لأول کتاب بالعربیة فی فکر المعلم الثالث»، أسعد التميمي.^۲

معرفی: این مقاله در معرفی و نقد کتاب فکر الفلسفی عند الميرداماد الأستریادی، اثر رؤوف سبهانی، نگاشته شده است. نگارنده در بخش نخست مقاله، درباره زندگی، تحصیلات و آثار دکتر رؤوف سبهانی سخن گفته و پس از آن، کتاب را به تفصیل معرفی کرده است. بخش دوم مقاله نیز به نقد ساختار و محتوای کتاب اختصاص دارد. نویسنده در این بخش خاطرنشان کرده است که گزارش سبهانی از حیات علمی میرداماد در باب نخست، تحلیلی و دقیق نیست؛ برای نمونه، او مبانی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت علمی میرداماد را به نحو جامع نکاویده؛ چنان‌که به لقب «معلم ثالث» و وجه تلقیب میر به این عنوان نیز اشاره نکرده است.

تمیمی در ادامه اشاره کرده است که برخی عناوین مذکور در آراء فلسفی میرداماد - همچون «بداء» و «جبر و اختیار» - در واقع مباحثی کلامی هستند و حجم بسیاری از باب دوم را به خود اختصاص داده‌اند. او همچنین، خاطرنشان کرده است که سبهانی در بازشماری خصائص حکمت

۱. حسب اطلاع ما، تنها همین مقاله از سلسله مباحث مذکور منتشر شده است.

۲. «معرفی و نقد نخستین کتاب عربی درباره تفکر معلم ثالث»، أسعد التميمي.

یمانی، برخی مباحث - همچون «جمع دین با فلسفه» - را در زمره «ابداعات میرداماد» برشمرده؛ اما توضیح کافی و مناسبی درباره وجه ابداعی آن‌ها ارائه نکرده است.

باب سوم کتاب الفکر الفلسفی عند المیرداماد الأسترآبادی، به نظریه «حدوث دهری» اختصاص دارد. به باور تیمی، برخی مباحث مطرح شده در این باب - همچون «ادب و شعر نزد میرداماد» یا «شخصیت طبی میرداماد» - با عنوان آن سازگار نیستند. البته از نظر نویسنده، سببانی نظریه حدوث دهری را کامل و دقیق تبیین کرده است. تیمی در خاتمه مقاله اشاره کرده است که این کتاب در تبیین جامع فکر فلسفی میرداماد ناموفق است؛ زیرا نویسنده برخی وجوه شخصیت فلسفی میرداماد - همچون دیدگاه میر درباره معرفت، ابداعات وی در حوزه منطق و زبان رمزی میرداماد - را به کلی از قلم انداخته است.

اطلاعات نشر: المعرفة العقلية (أكاديمية الحكمة العقلية/ قم)، السنة ۲، العدد ۲، ۲۰۱۵م، صص ۳۹۱-۳۰۵.

۲/۳، ۱۱. «ماهية الحركة و كیفیة وقوعها في العالم العيني: دراسة مقارنة بين حکماء مدرستي إصفهان و طهران»، سعید نظری توکلی^۱.

معرفی: این مقاله، مطالعه‌ای تطبیقی در آراء حکماء دو مدرسه اصفهان و تهران درباره مفهوم فلسفی «حرکت»، اقسام و کیفیت تحقق آن در خارج است. نویسنده برای بررسی دقیق‌ترین دیدگاه‌ها، در بخش نخست با مراجعه به آثار ابن سینا، فخرالدین رازی، سهروردی و میرداماد، معانی و اقسام حرکت را تبیین کرده است. فصل دوم مقاله به بررسی دیدگاه ملاصدرا در تعریف حرکت و جریان حرکت در مقوله جوهر اختصاص دارد. نویسنده در فصل سوم، به دیدگاه‌های گوناگون درباره وجود حرکت پرداخته است. بنا بر گزارش نویسنده، درباره کیفیت تحقق حرکت در عالم خارج، چهار دیدگاه کلی در عالم اسلام وجود دارد: ۱. وجود خارجی حرکت قطعی؛ ۲. وجود خارجی حرکت توسّطی؛ ۳. وجود هر دو حرکت توسّطی و قطعی در خارج؛ ۴. وجود اعتباری هر دو قسم حرکت. میرداماد نخستین فیلسوفی است که از نظریه سوم پشتیبانی کرده؛ چنان‌که شاگردش، ملاصدرا، نیز به همین دیدگاه متمایل است. در مقابل، علامه طباطبائی - که از حلقه‌های متأخر مدرسه طهران است - از نظریه چهارم دفاع کرده است. او همچنین، خاطرنشان کرده است که حکماء مدرسه طهران از تعریف مشهور حرکت عدول کرده‌اند؛ از این رو، دیدگاه علامه طباطبائی درباره تحقق عینی حرکت، از حیث مفهومی و نظری با دیدگاه میرداماد و ملاصدرا تفاوت دارد. اطلاعات نشر: دراسات في العلوم الإنسانية (جامعة تربیت مدرّس / طهران)، المجلد ۲۳، العدد ۳، ۲۰۱۶م، صص ۵۳-۷۰.

۲/۳، ۱۲. «محمّد باقر الداماد و آراؤه في الإلهیات»، ریاض شحیب روضان^۲.

معرفی: نویسنده در این مقاله آراء فلسفی/ کلامی میرداماد را بررسی کرده است. وی پس از ارائه مقدمه‌ای کوتاه درباره هدف و ضرورت این تحقیق، مباحث خود را در چهار فصل مجزا دنبال کرده

۱. «ماهیت حرکت و چگونگی وجود آن در خارج: مطالعه‌ای تطبیقی در دیدگاه‌های حکماء دو مدرسه فلسفی اصفهان و تهران»، سعید نظری توکلی.

۲. «دیدگاه‌های میرداماد در الهیات»، ریاض شحیب روضان.

است. فصل نخست مقاله به زندگی‌نامه علمی میرداماد اختصاص دارد. نگارنده در این فصل، درباره مطالبی همچون نام و نسب، ولادت، وفات، استادان، شاگردان، سبک نگارش و جایگاه میرداماد در تاریخ فکر اسلامی سخن گفته است. او در پایان این فصل، فهرستی از آثار میرداماد به تفکیک موضوع ارائه داده است. نویسندگان در فصل دوم مقاله، دیدگاه میرداماد را درباره اصول دین، ذیل پنج عنوان «توحید»، «عدل»، «نبوت»، «امامت» و «معاد»، بر اساس متن آثار وی تبیین کرده است.

فصل سوم مقاله، به بررسی تأثیر دیدگاه‌های متافیزیکی میرداماد در علم کلام اختصاص دارد. نویسندگان با تأکید بر پیرنگ کلامی حکمت یمانی، آراء میرداماد را در مباحثی همچون «اثبات واجب الوجود»، «معرفت خداوند»، «صفات خداوند» به تفصیل بررسی کرده است. نویسندگان در فصل چهارم، به دیدگاه‌های عرفانی میرداماد پرداخته و موضع او را در جدال نگرش وحدت‌گرا و کثرت‌گرا معین کرده است. او در این فصل مباحثی همچون «موضوع علم الهی»، «ماهیت وجود»، «واجب وجود و ممکن»، «وجود بالقوه و بالفعل»، «جوهر و عرض»، «علت و معلول» را بررسی کرده است. وی در خاتمه مقاله، خلاصه یافته‌های خود را ضمن هشت نکته عرضه کرده است.

اطلاعات نشر: دراسات فلسفیه (بیت الحکمة / بغداد)، العدد ۴۷، ۲۰۲۱ م، صص ۴۵-۷۱.

۲،۳،۱۳. «میرداماد: فیلسوف الحکمة الیمانیة»، رؤوف سبهانی^۱

معرفی: این مقاله معرفتی مختصری از میرداماد و حکمت یمانی اوست. نویسندگان پس از اشاره به جایگاه تاریخی حکمت یمانی و وجه تسمیه آن، درباره بن‌مایه‌های اندیشه میرداماد سخن گفته و منابع معرفتی وی را به چهار دسته تقسیم کرده است: حکمت مشاء؛ حکمت اشراق؛ معارف شیعی؛ افکار فلاسفه یونان. نگارنده اثرپذیری میرداماد را از این منابع، در چهار بخش جداگانه به اختصار گزارش کرده است.

اطلاعات نشر: فصلیه ایران و العرب (مرکز الأبحاث العلمیة والدراسات الإستراتيجية للشرق الأوسط / طهران)، العدد ۲۷، ربیع ۲۰۱۱ م، صص ۹۷-۱۰۴.

+ مستخرج از رساله: الفكر الفلسفي عند الميرداماد الأستربادي (۲،۳،۷).

+ ترجمه:

- فارسی: «میرداماد: فیلسوف حکمت یمانی»، رؤوف سبهانی، ترجمه: حسین نجفی، حکمت رضوی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی / مشهد)، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش، صص ۹۸-۱۳۲.

۲،۳،۱۴. «نظریة الجبر و الاختیار» عند الميرداماد: نقد و تعلیق»، رضا برنجکار^۲

معرفی: این مقاله به تصحیح متن رساله خلق الأعمال میرداماد و بازخوانی دیدگاه او در مسئله «جبر و اختیار» اختصاص دارد. نویسندگان ابتدا درباره اهمیت مسئله «جبر و اختیار» در جهان اسلام به اختصار سخن گفته و سپس، تفاوت‌های دو رساله الإیقاظات و خلق الأعمال

۱. «میرداماد: فیلسوف حکمت یمانی»، رؤوف سبهانی.

۲. «نظریة الجبر و اختیار» نزد میرداماد: نقد و تعلیق»، رضا برنجکار.

را بر شمرده است. پس از این مقدمه، متن رساله را بر اساس سه نسخه خطی از کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه تصحیح کرده است. او در بخش پایانی مقاله و ذیل عنوان «نظریه المیرداماد: وقفات و ملاحظات»، مبانی و نتایج دیدگاه میرداماد را ضمن پنج نکته بررسی کرده و درباره مسائلی همچون «نقش اراده در فعل انسانی»، «فعل حق تعالی»، «رابطه قصد و اراده» و «وقوع شرور در نظام هستی» سخن گفته است.

اطلاعات نشر: نصوص معاصرة (مركز البحوث المعاصرة/ بیروت)، السنة ۲، العدد ۸، خریف ۲۰۰۶ م، صص ۲۷۳-۲۸۸.

۲۰۳/۱۵. «نظریه الحدوث الدهري» و الانتقادات عليها: ملّا محمود الجونفوري الفاروفي في كتابه الشمس البازغة نموذجاً، مُنذر شيخ حسن.^۱

معرفی: نویسنده در این مقاله، نظریه «حدوث دهری» و اشکالات ملّا محمود جونپوری را بر این آموزه روایت کرده است. او در مدخل مقاله، پس از اشاره به انگیزه میرداماد از طرح نظریه حدوث دهری، مباحثی همچون «معنای دهر و حدوث دهری» و «محل نزاع در حدوث عالم» را از دیدگاه وی تبیین کرده است. او در فصل دوم مقاله، به تبیین مقدماتی همچون «اقسام تقدّم و تأخر» و «عینیت ماهیت حق تعالی با وجود او» پرداخته و در فصل سوم، سه استدلال میرداماد را به نفع حدوث دهری تقریر کرده است. فصل چهارم مقاله به معرفی منتقدان نظریه میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، با تأکید بر دیدگاه‌های ملّا محمود جونپوری و کتاب الشمس البازغة، انتقادات وی را بر حدوث دهری مرور کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، محور تمام اشکالات جونپوری این است که قبلیت و بعدیت مطلق با یکدیگر جمع نمی‌شوند؛ بلکه تصوّر آن‌ها همواره بر وجود امتدادی واقعی یا موهوم متوقف است؛ زیرا در امری که امتداد ندارد، تحقق وجود پس از عدم و هرگونه قبلیت و بعدیتی ممکن نیست. نویسنده بر این باور است که میرداماد به برخی اشکالات جونپوری ملتفت بوده و به آن‌ها پاسخ داده است؛ اما این پاسخ‌ها، اشکالات جونپوری را دفع نمی‌کنند.

اطلاعات نشر:

Islam Tetkikleri Dergisi (İstanbul Üniversitesi), Clit. 12, Say.2, 2022, ss. 805-825.
+ مستخرج از رساله: إبراهيم الحلي المداري و كتابه «اللمعة» (۲۰۲۱).

۲۰۳/۱۶. «نظریه الكمون» بین ابراهیم بن سيار النظام و الميرداماد الأستربادي، ماجدة رمضان مصطفى محمود.^۲

معرفی: این مقاله به مطالعه تطبیقی نظریه «کمون و بروز» در اندیشه نظام معتزلی و میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در بخش نخست، معانی مختلف «کمون» را بر شمرده و تفاوت آن را با «ظهور» و «وحدت وجود (به معنای همه‌خدایی)» تبیین کرده است. او در ادامه، سیر

۱. «نظریه حدوث دهری» و نقدهای آن: ملّا محمود جونپوری فاروقی و کتاب الشمس البازغة به مثابه نمونه»، مُنذر شيخ حسن.

۲. «بررسی تطبیقی نظریه «کمون» در اندیشه ابراهیم بن سيار نظام و میرداماد استرآبادی»، ماجدة رمضان مصطفى محمود.

تاریخی نظریه کمون را از یونان باستان تا زمان میرداماد مرور کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، آناکساگوراس اولین متفکری است که مسئله کمون را در یونان باستان مطرح کرده است. نظام معتزلی نیز نخستین فردی است که در جهان اسلام به این مسئله پرداخته است. انگیزه نظام از ارائه این نظریه، اثبات توحید حق تعالی و یگانگی او در خلقت و قدرت بوده است. نویسنده برای تبیین نظریه کمون، از مثال آتش استفاده کرده است. همان گونه که آتش در چوب کامن و پنهان است، عناصر اولیه اشیا نیز در یکدیگر پنهان شده اند. لازمه این نظریه در الهیات آن است که خداوند تمام اشیا را یکباره آفریده و تدریج در فرآیند خلقت راه ندارد.

گزاره اخیر، وجه پیوند دیدگاه نظام با حکمت یمانی است. میرداماد نظریه کمون و بروز را از سطح ابتدایی خود - که منتقدان بسیاری داشته - ارتقا داده است. او نظریه نظام را به خلق یکباره ممکنات در وعاء دهر تفسیر کرده است. نویسنده پس از اشاره به این مطلب، برای آشنایی بیشتر خواننده با دیدگاه میرداماد، تقریر مختصری از نظریه «حدوث دهری» و مراتب سه گانه هستی در نظر او عرضه کرده است. نویسنده بر این باور است که میرداماد با ارائه قرائتی جدید از کمون و بروز، این نظریه را از اشکالات منتقدان رها کرده است.

اطلاعات نشر: مجله کلیه الآداب (جامعة الإسكندرية/ کلیة الآداب)، المجلد ۶۸، العدد ۹۱، يناير ۲۰۱۸ م، صص ۴۲۷-۴۴۷.

۲،۳/۱۷. «وسائل التوثيق والتضعیف عند السيد الداماد»، هديل عزيز الطالقاني^۱

معرفی: نویسنده در این مقاله، دیدگاه میرداماد را درباره ابزارهای توثیق و تضعیف بررسی کرده است. او در مقدمه، شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و کتاب الرواشح السماویة را معرفی کرده است. سپس، در بخش نخست مقاله، به ابزارهای توثیق پرداخته است. وی با تفکیک توثیق به دو قسم «عام» و «خاص»، خاطرنشان کرده است که میرداماد در آراء رجالی خود به توثیقات عام و خاص اعتماد کرده است. برخی از توثیقات میرداماد عبارت اند از: توثیق مشایخ علماء با اعتماد بر توثیقات عام؛ توثیق حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام بر اساس توثیق خاص؛ توثیق ابو عیسی و زراق با اعتماد بر مدح ابن داود؛ اعتبار «اجماع بر وثاقت» به منزله توثیق؛ اعتماد به «الأصول الأربعمئة» در جایگاه رکن تصحیح روایت؛ اعتبار «وکالت امام معصوم» به منزله توثیق راوی. بخش دوم مقاله به قرائن تضعیف در نظر میرداماد اختصاص دارد. بنا بر گزارش نویسنده، این قرائن عبارت اند از: فسق؛ کذب؛ وضع؛ جهالت اصطلاحی. وی خاطرنشان کرده است که میرداماد «فساد مذهب» را از دایره قرائن تضعیف خارج کرده؛ چنان که «روایت از ضعفاء» را موجب قدح روایت دانسته است، نه قدح راوی. نویسنده در پایان مقاله، خلاصه یافته های خود را ضمن شش نکته عرضه کرده است.

اطلاعات نشر: مجله کلیه الشیخ الطوسی (کلیة الشیخ الطوسی رحمته الله علیه العامة/ النجف)، السنة ۱، العدد ۲، شعبان و رمضان ۱۴۳۷ ق، صص ۳۶۹-۳۰۰.

+ مستخرج از پایان نامه: السيد الداماد و آرووه الحديثية (۲،۳/۵).

۱. «ابزارهای توثیق و تضعیف نزد سید داماد»، هديل عزيز الطالقاني.

۳. بخش سوم: آثار فرانسوی (Français)

۳،۱. کتاب‌ها

3.1.1. *Anthologie des philosophes iraniens: depuis le XVII^e siècle jusqu'à nos jours*, Textes persans et arabes choisis et présentés par: Sayyed Jalâloddîn Ashtiyânî, Introduction analytique par: Henry Corbin.^۱

معرفی: مجموعهٔ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، یکی از همکاری‌های درخشان در تاریخ‌نگاری جریان فکر فلسفی در ایران است. این مجموعه به سفارش و نظارت هنری کربن و گزینش و گزارش استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی گردآوری شده است. ترتیب کار چنین بوده که پس از اتمام گردآوری هر مجلد، کربن یادداشت‌هایی تحلیلی تدوین می‌کرد و آن‌ها را در قالب مقدمه‌های فرانسوی بر آن می‌افزود.^۲ وی در مقدمهٔ جلد نخست این مجموعه، فصل مستقلی به میرداماد اختصاص داده است (صفحات ۱۵ تا ۳۰). وی با تبعیت از محتوای فراهم‌آوردهٔ استاد آشتیانی، مقدمهٔ خود را در چهار موضوع اصلی سامان داده است: ۱. حدوث دهری؛ ۲. رابطهٔ وجود با ماهیت؛ ۳. علم الهی؛ ۴. عالم برزخ.

کربن در تقریر نظریهٔ «حدوث دهری» ابتدا به ریشه‌شناسی واژهٔ «حدوث» و تعریف اصطلاحی آن پرداخته و نظر میرداماد را راه‌حلی استادانه دانسته است؛ نظری که از طریق آن می‌توان به دیدگاه ادیان صاحب کتاب در حدوث عالم پی برد. به‌باور وی، متکلمان در بحث حدوث، زحمت پرداختن به پیچیدگی‌های فلسفی را به خود نداده و مسئله را با نظریهٔ «زمان موهوم» پاسخ داده‌اند. وی در ادامه، معادل‌های یونانی بحث میرداماد را دربارهٔ زمان، دهر و سرمد کاویده و سلسله مراتب طولی عالم را بر مبنای اشراقیان بررسی کرده است. وی در موضعی یکسان با استاد آشتیانی، حدوث دهری میرداماد را نتیجهٔ اصلاح و توسعهٔ دیدگاه ابن‌سینا معرفی کرده است. وی بحث از نظریهٔ حدوث دهری میرداماد را با اشاره به نقدهای آقا جمال خوانساری، پاسخ ملا اسماعیل خواجه‌ویی به او، چالش سیدجعفر کشفی با این نظریات و نظریهٔ قاضی سعید قمی دربارهٔ زمان‌های «متراکم»، «لطیف» و «الطف» در ارتباط با شیوه‌های بروز و حضور هستی خاتمه داده است.

کربن در بخش مربوط به اصالت ماهیت، با تکیه بر تحلیل‌های استاد آشتیانی دربارهٔ جایگاه این بحث در فلسفه‌های پیشین، رویکرد ملا صدرا را فرجامی انقلابی برای این بحث تاریخی معرفی کرده و با نقد اصالت ماهیت، از اصالت وجود دفاع کرده است. وی در مسئلهٔ علم الهی، بحث را با اشاره به نگاه مشائیان، افلاطونیان و اشراقیان آغاز کرده است. کربن در این موضع نیز از رویکرد صدرا در برابر رویکرد میرداماد دفاع کرده است.

۱. گزیده‌هایی از آثار فیلسوفان ایرانی: از قرن هفدهم میلادی تا امروز گزینش و عرضهٔ متون عربی و فارسی:

سیدجلال‌الدین آشتیانی، مقدمهٔ تحلیلی: هنری کربن.

۲. شگفت آنکه مقدمات فرانسوی کربن بر جلد نخست منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران در بازنشر آن از سوی انتشارات بوستان کتاب (قم)، به‌کلی حذف شده‌اند.

بلندترین بحث این مقدمه دربارهٔ برزخ است. کربن بر پایهٔ کتب مَلّاصدرا، لاهیجی و دیگر متفکرانی که به طور مبسوط به این بحث پرداخته‌اند، دیدگاه میرداماد را دربارهٔ عالم برزخ بررسی کرده است. به باور کربن، شیخ اشراق نخستین کسی است که به اهمیت عالم برزخ در هستی‌شناسی توجه کرده است. دیدگاه میرداماد را در این باره، در کتاب جذوات و مواقیت می‌توان یافت. نحوهٔ بحث او به روشنی نشان می‌دهد که با اختلاف نظرات در این باره کاملاً آشنا بوده است؛ با این حال، نتوانسته است برای عالم برزخ وجودی مستقل قائل اثبات کند. کربن پس از تطبیق و تحلیل عرفانی نظر میرداماد با آراء سهروردی و ابن عربی، عالم خیال را از منظر میرداماد بررسی کرده و در توافق با سیدجلال‌الدین آشتیانی، دیدگاه میرداماد را در ردّ عالم خیال، با مشائیان و پیروان ارسطو یکسان دانسته است.

اطلاعات نشر:

Paris: Adrien-Maisonneuve, 1972.

3.1.2. *Histoire de la philosophie islamique*, Henry Corbin, Avec la collaboration de Seyyed Hossein Nasr [et] Osman Yahya.¹

معرفی: این کتاب یکی از آثار مشهور و پیشگام دربارهٔ تاریخ فلسفهٔ اسلامی در زبان فرانسوی است. هنری کربن در این اثر، تاریخ فکر فلسفی را به دو دوران پیش از ابن رشد و پس از او تقسیم کرده است. او در فصلی با عنوان «اندیشهٔ شیعی» در بخش دوم کتاب، به میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان پرداخته است (صفحات ۴۶۳ تا ۴۶۷). به باور کربن، مکتب اصفهان مجموعهٔ مشرب‌های گوناگون فلسفی در ایران عصر صفوی را در بر می‌گیرد؛ مشرب‌هایی که علی‌رغم اختلاف در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، در تأثر از الهیات شیعی و عرفان نظری متفق هستند. وی با تأکید بر جنبه‌های اشراقی فکر میرداماد، تصریح کرده است که او بیشتر در جایگاه فیلسوفی مشائی شاخته شده است؛ اما آثارش آکنده از جلوه‌های اشراقی و مواجید معنوی‌اند.

کربن پس از معرفی برخی آثار میرداماد، اشاره کرده است که شهرت آثار و آراء مَلّاصدرا یکی از عوامل مهجوریت میرداماد در تاریخ فکر شیعی بوده است. وی در ادامه، تقریری مختصر از نظریهٔ «حدوث دهری» ارائه داده و چهار تن از شاگردان میرداماد (سیداحمد علوی عاملی، محمدبن‌علی رضا آقاجانی، مَلّاشمسای گیلانی و قطب‌الدین اشکوری) را معرفی کرده است.

اطلاعات نشر:

Paris: Gallimard, 1964 (Réédition, 1969).²

+ ترجمه:

- فارسی: تاریخ فلسفهٔ اسلامی، هنری کربن، ترجمه: اسدالله مبشری (دو جلد)، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲ش (تجدید چاپ تا نوبت ششم، ۱۳۹۶ش).

۱. تاریخ فلسفهٔ اسلامی، هنری کربن، با همکاری سیدحسین نصر و عثمان یحیی.

2. Republier:

- Paris: Folio essais, 1999.

- بوسنیایی:

Historija islamske filozofije, Henry Corbin, Preveo: Hasan SUŠIĆ, Sarajevo: Veselin Maslesa, 1977.

- ترکی استانبولی:

İslam Felsefesi Tarihi, Henry Corbin, Çevirmen: Hüseyin Hatemi, İstanbul: İletişim Yayınları, 1986 (5. baskı, 2004).

- انگلیسی:

History of Islamic Philosophy, Henry Corbin, Translated by: Liadain Sherrard [&] Phillip Sherrard, London: Kegan Paul International, 1993 (2nd Edition, 2001).

- عربی: تاریخ الفلسفة الإسلامية، هنری کوربان، ترجمة: نصیر مروء [و] حسن قبیسی؛ مقدمة: السید موسی الصدر، ط ۱، بیروت: عویدات للنشر و الطباعة، ۱۹۹۶م (الطبعة الثانية، ۱۹۹۸م).
- فارسی: تاریخ فلسفه اسلامی، هنری کربن، ترجمه: سیدجواد طباطبائی (ویراست نخست/ یک جلد)، چ ۱، تهران: نشر کویر، ۱۳۷۷ش.

- لهستانی:

Historia Filozofi j Muzulmanskiej, Henry Corbin, Przetłumaczone przez: Katarzyna Pachniak, Warszawa: Dialog, 2005.

- روسی:

История исламской философии, Анри Корбен, Переведено: А.А. Кузнецов, Москва: Прогресс-Традиция, 2010 (2-е издание, 2017).

- فارسی: تاریخ فلسفه اسلامی، هنری کربن، ترجمه: سیدجواد طباطبائی (ویراست دوم/ یک جلد)، چ ۱، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۶ش).

3.1.3. *Philosophie iranienne et philosophie comparée*, Henry Corbin.^۱

معرفی: این اثر مجموعه چهار سخنرانی از هنری کربن است که با اشراف او به صورت مکتوب درآمده‌اند. بخش دوم از این مجموعه، به معرفی سه جریان مکتب فلسفی اصفهان - یعنی مدارس میرداماد، ملارجبعلی تبریزی و ملاصدرا - اختصاص دارد. کربن در بازشناسی مدرسه میرداماد (صفحات ۶۳ تا ۶۸)، دو تن از شاگردان وی را به تفصیل معرفی کرده است. او ابتدا به زندگانی و شرح حال میرسید علوی عاملی پرداخته و برخی آراء وی را بر اساس متن مفتاح الشفاء مرور کرده است. سپس، از آثار بین‌الدیانی علوی (لطائف غیبیه، مصقل صفا، لوامع ربانی و صواعق الرحمان) یاد کرده و آن‌ها را به تفصیل معرفی کرده است. کربن در ادامه، محمدبن علی رضا آقاچانی و شرح سترگ وی بر القبسات را معرفی کرده است.

اطلاعات نشر:

Paris: Buchet-chastel, 1977 (Réédition, 1985).

۱. فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، هنری کربن.

+ ترجمه:

- فارسی: فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، هنری کربن، ترجمه: سیدجواد طباطبایی (ویراست نخست)، چ ۱، تهران: نشر توس، ۱۳۶۹ ش.
- فارسی: فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، هنری کربن، ترجمه: سیدجواد طباطبایی (ویراست دوم)، چ ۱، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۶ ش).

۳.۲. مقالات

3.2.1. "Aspects d'une lecture philosophique du Coran dans l'oeuvre de Mīr Dāmād", Mathieu Terrier.¹

معرفی: نویسنده در این مقاله، دیدگاه‌های تفسیری و تأویلی میرداماد را در مواجهه با قرآن کریم روایت کرده است. میرداماد در مقام یکی از معماران اصلی تفکر فلسفی در عهد صفوی، رساله‌ها و آثار مهمی در علوم مختلف عقلی و نقلی نگاشته؛ اما برخلاف شاگردش ملاصدرا، از او تفسیری مستقل بر قرآن برجای نمانده است. با این همه، آثار فلسفی او نقل‌های فراوانی از آیات قرآن دربردارند و نحوه تکرار و هماهنگی کاربرد آن‌ها، تفسیر فلسفی وی را از قرآن کریم پیش روی ما می‌نهد. بنا بر گزارش متیو تریه، مسائل فلسفی که میرداماد در ارتباط با آیات قرآنی به آن‌ها توجه داشته است عبارت‌اند از: رابطه وحدت و کثرت؛ رابطه ابدیت و زمان؛ ساختار هستی‌شناختی واقعیت؛ مسئله نفس آدمی. میرداماد این مسائل را در ارتباط با توصیف‌های نمادین قرآنی تحلیل و بررسی کرده است.

به باور نویسنده، برخلاف «زمان» که اصطلاحی فارسی و ایرانی است، اصطلاحات «دهر» و «سرمد» از جمله مفاهیمی هستند که هم در فلسفه میرداماد یافت می‌شوند و هم در قرآن ذکر شده‌اند. در احادیث اسلامی هم «دهریه» اصطلاحی است برای اشاره به برخی مادی‌گرایان با گرایش‌های پیشااسلامی که بر تسلط زمان‌های بی‌شمار بر جهان باور دارند. ویژگی کار میرداماد آن است که از بازنمایی و بازتولید این مفاهیم پیشااسلامی برای ارائه تأویل صحیح قرآن بهره گرفته و در نهایت، نظامی فلسفی بنا نهاده است که با نقل قول‌های قرآنی تأیید می‌شود.

بخش مهمی از مسائل و مفاهیم فلسفه میرداماد از سنت افلاطونی عربی و به ویژه اثولوجیا و آثار ابن سینا اخذ شده‌اند؛ اما آنچه حکمت یانی را ممتاز می‌کند، دغدغه میرداماد در هماهنگ کردن یافته‌های فلسفی با متن قرآن است. این مقاله در پی روشن کردن رویکرد میر به متن مقدس، با پیگیری توالی آثار او در زبان عربی به نگارش درآمده است: الأفق المبین؛ الإیماضات و التشریقات؛ خلصة الملکوت؛ سدرة المنتهی؛ القبسات. تریه با بررسی ارجاعات قرآنی پراکنده در این آثار، نشان داده است که میرداماد چگونه مباحث مرتبط با الهیات، معاد و نبوت شناخت قرآنی را بررسی و تفسیر کرده است. او همچنین، تفسیر فلسفی میرداماد را از مفاهیم قرآنی «قضاء»، «قدر»، «ام الکتاب» و «لوح محفوظ» را تحلیل کرده و نشان داده است که میرداماد فعل الهی را همچون مسئله‌ای فلسفی در نظر می‌گیرد تا نحوه عبور از سطوح «انزال» و «تنزیل» را به بحث بگذارد

۱. «ابعاد خوانش فلسفی قرآن در مصنفات میرداماد»، متیو تریه.

و تفسیری فلسفی از مکاشفه نبوی ارائه کند که در عین حال تأویلی خاص از آیات قرآنی است.
اطلاعات نشر:

Mélanges de l'Université Saint-Joseph (Université Saint-Joseph), Tome 64, 2012, pp. 101-126.

3.2.2. "Confessions extatiques de Mīr Dāmād: maître de théologie à Ispahan", Henry Corbin.¹

معرفی: این اثر مشهور، نخستین نگاشته تحقیقی درباره میرداماد به زبان‌های اروپایی است. هنری کربن با نگارش این مقاله، نخستین گام را در معرفی میرداماد و اندیشه او به جهان غرب برداشته است. حسب جست‌وجوی ما، این نخستین باری است که اصطلاح «مکتب اصفهان»² در ادبیات تاریخ‌نگاری اندیشه اسلامی به کار می‌رود. کربن این مقاله را در سه بخش تدوین کرده است. در بخش نخست، پس از اشاره به اهمیت شهر اصفهان در جغرافیای تاریخی ایران، درباره اصطلاح «مکتب اصفهان» و اهمیت حکماء آن در تاریخ فکر شیعی سخن گفته است. او خاطرنشان کرده است که افلاطونیان ایران با افلاطونیان کمبریج معاصر بوده‌اند؛ اما جالب است که در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی، اثری از ملاقات آن‌ها با حکماء مکتب اصفهان به چشم نمی‌خورد.

کربن در ادامه، اشاره کرده است که فلسفه سینی لاتینی در قرائت ابن‌رشدی آن با شکست و افول مواجه شد؛ اما حکماء مکتب اصفهان با پیگیری فلسفه ناب سینی، آن را توسعه و تعالی دادند. او همچنین، با اشاره به ظرفیت عظیم تعالیم ائمه اطهار (علیهم‌السلام) برای تأملات فلسفی، از شروحاتی که حکماء مکتب اصفهان بر منابع حدیثی شیعه نگاشته‌اند، یاد کرده است. کربن علاوه بر تعالیم حدیثی و فلسفه سینی، التزام به عرفان نظری و معنویت ولایت را ضلع سوم مکتب اصفهان معرفی کرده است. او سپس، به شخصیت فلسفی میرداماد پرداخته و به علل تلقیب او به «معلم ثالث» اشاره کرده است. کربن تصریح کرده است که آراء فلسفی ملاصدرا، میرداماد و ملارجبعلی تبریزی، تفاوت‌های چشمگیری دارند؛ اما التزام ایشان به تشیع، عرفان و فلسفه عملی، آن‌ها را ذیل عنوان واحد «مکتب اصفهان» قرار می‌دهد؛ چنان‌که خلسه‌های وجدآمیز میرداماد گواه این مدعاست. کربن در ادامه، به شرح حال میرداماد پرداخته و درباره خانواده، استادان، شاگردان و آثار میرداماد به تفصیل سخن گفته است.

بخش دوم این مقاله، به روایت و تحلیل خلسه میرداماد در سال ۱۰۱۱ هجری قمری اختصاص دارد. کربن در این بخش با تأکید بر شخصیت معنوی میر، اشاره کرده است که خلسه‌های او پیرنگی اشراقی و شیعیانه داشته و نشان می‌دهند که میرداماد شخصیتی صرفاً مشائی نبوده است. او همچنین، با اشاره به عبارات میرداماد در پایان کتاب ضوابط‌الرضاع، دیدگاه او را درباره تشابه نظام کل با انسان تبیین کرده است. کربن در ادامه، خلسه میرداماد را بر اساس گزارش قطب‌الدین اشکوری در محبوب‌القلوب روایت و تحلیل کرده است.

۱. «خلسه‌های وجدآمیز میرداماد: استاد الهیات [مکتب] اصفهان»، هنری کربن.

2. L'École d'Ispahan.

کربن در بخش سوم مقاله، دومین خلسه میرداماد را بررسی و تحلیل کرده است. بنا بر گزارش او، این خلسه در پانزدهم شعبان سال ۱۰۲۳ هجری قمری و در هنگام اشتغال میرداماد به ذکر «یا غنی یا مغنی» رخ داده است. کربن پس اشاره به اهمیت شب پانزدهم شعبان در میراث باطنی و اسماعیلی، متن عربی این خلسه را نقل کرده است.

بخش چهارم مقاله، به تحلیل دیدگاه میرداماد درباره «خلع بدن» و ریشه‌های تاریخی آن اختصاص دارد. کربن در این بخش، با اشاره به تناظر خلسه میرداماد با برخی تعالیم نوافلاطونی در کتاب اثولوجیا، تفاوت‌های خلسه میرداماد را با مکاشفات فلوطین و سهروردی، به تفصیل بیان کرده است.

اطلاعات نشر:

Mélanges Louis Massignon, Paris: Institut français de Damas, 1956, Tome 1, pp. 331-378.

+ بازنشر:

En Islam Iranien: Aspects spirituels et philosophiques, Tome 4: L'Ecole d'Ispahan - L'Ecole Shaykhie, Henry Corbin, Paris: Gallimard, 1973 (Réédition, 1991), pp. 9-53.¹

+ ترجمه:

- فارسی: «حکمت الهی شیعه در عصر صفویه»، هنری کربن، ترجمه: ضیاءالدین دهشیری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران/ دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، سال ۶، شماره ۱، مهر ۱۳۳۷ش، صص ۵۸-۶۳.

- آلمانی:

“Mīr Dāmād und die isphahaner Schule der Theologie im 17. Jahrhundert”, Henry Corbin, Übersetzt von: Hermann Landolt, *Antaios*, Band 3, 1962, ss. 497-521.

- فارسی: «میرداماد یا معلّم ثالث: مکتب الهی اصفهان»، هنری کربن، ترجمه: عیسی سپهبدی، القبسات، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] سیدابراهیم دیباجی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۵ش)، مقدمه، صص هشتادویک - صدوشش.

۱. مجموعه اسلام ایرانی: چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی یکی از آثار درازدامن کربن در تاریخ‌نگاری اندیشه اسلامی است که به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است:

- بوسنیایی:

Islam u Iranu, Henry Corbin, Preveo: Resid Hafizovic, Sarajevo: Bemust, 2000.

- فارسی: اسلام ایرانی: چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی، هنری کربن، ترجمه: انشاءالله رحمتی، چ ۱، تهران: نشر سوفیا، ۱۳۹۸ش.

- فارسی: اسلام در سرزمین ایران: چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی، هنری کربن، ترجمه: رضا کوهکن، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۰ش.

- فارسی: «میرداماد یا معلّم ثالث: مکتب الهی اصفهان»، هنری کرین، ترجمه: عیسی سپهبدی، مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زاده‌هوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش، صص ۲۸۷-۳۱۴.

3.2.3. "De l'unité divine transcendante à la pluralité des créatures : Achard de Saint-Victor et Mir Dāmād", Mohammad Ilkhani.¹

معرفی: این مقاله به بررسی تطبیقی دیدگاه آشار دو سنت و یکتور و میرداماد درباره نحوه صدور کثرت از علّت واحد اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه مقاله اشاره کرده است که متفکران مسیحی کوشیده‌اند این مسئله را با تکیه بر آموزه «ثلیث» و انتشاء لوگوس - که شامل مثل اشیاء است - تبیین کنند. افلاطون‌گرایان میانه، لوگوس را با خداوندگار کیهانی - یعنی دوم شخص صادر از واحد اعلی که شامل مثل افلاطونی است - یکسان پنداشتند؛ ولی اصحاب ادیان، علم الهی را دربردارنده مثل دانسته‌اند. سنت آگوستین به خلقت مستقیم و بدون واسطه عالم کثرات معتقد بوده است؛ در حالی که مشائیان مسلمان با تکیه بر قاعده «الواحد»، صدور کثرت را در الگوی پلکانی ترسیم کرده‌اند.

بنا بر گزارش نویسنده، آشار دو سنت و یکتور به کثرت حقیقی در ذات خداوند باور داشته است. منظور از «کثرت حقیقی»، تکرار واحد اعلی بدون لحاظ غیریت است. او از کثرت حقیقی به کثرت عقول یا صور قدیمه - که در «کلمه» وجود دارد و اندیشه الهی را تشکیل می‌دهد - می‌رسد و این آموزه‌ای مشابه با مثل افلاطونی است. در نظر آشار، عقول بر سه گونه‌اند: عقل اوّل اعلی، عقل دوم صوری و عقلی که کیفیت بسط و شکل‌دهی معلول‌ها را به عهده دارد. این عقول می‌توانند در یکی تقلیل یابند. آشار برای حفظ تعالی و فاصله پروردگار با زمانیات، به کثرت میانی قائل شده است. در نظر او، میان خداوند و موجودات زمانی، موجودی واسطه است که با هریک اشتراکاتی داشته و صور عقلی و مثل افلاطونی را دربرگرفته است. این صور در خدا هستند؛ چون معقول اویند و درعین حال، در او نیستند؛ چون با خداوند هم جوهر نیستند.

نویسنده در ادامه، به دیدگاه میرداماد درباره صدور کثرت از وحدت پرداخته است. به باور او، میرداماد با فاصله‌گرفتن از نظریه صدور مشائی، تفسیری جدید از خلقت ارائه کرد. او مفاهیمی مانند «دهر» را از ابن سینا وام گرفته و در قالب نظریه‌ای جدید عرضه کرده است. میرداماد سه مفهوم «زمان»، «دهر» و «سرمد» را در تناظر با سه مرتبه هستی‌شناختی مطرح کرده است. در نظر او، سرمد ازلیتی مطلق و مخصوص خداست، دهر جایگاه خلقت ازلی ممکنات است و زمان نیز جایگاه موجودات زمان‌مند و طبیعی است. بر اساس نظریه میرداماد، مرتبه دهر عالمی واسطه میان خداوند و ممکنات است که باور به آن، مستلزم اذعان به تأخر وجودی ممکنات از پروردگار است. البته، باید توجه کرد که فهم کامل نظریه میرداماد، در گرو توجه به دیدگاه او درباره تقدّم ذات بر وجود یا «اصالت ماهیت» است.

نویسنده در پایان مقاله، وجوه اشتراک و افتراق نظریه آشار دو سنت و یکتور و میرداماد را

۱. «وحدت متعالی خداوند و کثرت موجودات: آشار دو سنت و یکتور و میرداماد»، محمد ایلخانی.

برشمرده است. از نظر وی، هر دو متفکر نام برده، عالم زمانیات را پایین ترین مرتبه نظام وجود دانسته و به عالمی واسطه میان خداوند و زمانیات قائل هستند. نقطه افتراق بین این دو متفکر نیز آن است که میرداماد با اعتقاد به تقدّم ماهیت بر وجود، واقعیت را به ذوات دهری نسبت داده و موجودات زمانی را تجلّی آن ذوات قلمداد کرده است؛ درحالی که آشکار همین موجودات زمانی را ذوات حقیقی و واقعی دانسته است، نه صور عقلی و مُثل را.

اطلاعات نشر:

Mais raconte-moi en détail... (Αλλ' ευ μοι κατάλεξον...), Dirigé par: Michèle Broze [et] Baudouin Decharneux [et] Sylvain Delcomminette, Paris [et] Bruxelles, Vrin [et] Ousia, 2008, pp. 581-593.

3.2.4. “De l’ésotérisme shi’ite à la philosophie shi’ite: Mullā Ṣadrā, Mīr Dāmād et la question du *badā*”, Mathieu Terrier.¹

معرفی: این مقاله، مطالعه‌ای تطبیقی درباره رویکرد میرداماد و ملاحدرا به آموزه «بداء» است. متیو تریه در مقدمه، درباره معنای لغوی و اصطلاحی «بداء»، جایگاه آن در اعتقادات شیعی سخن گفته است. به عقیده او، میرداماد با نگارش رساله نبراس الضیاء، این آموزه را به مثابه مسئله‌ای فلسفی در عصر صفوی مطرح کرد. وی در این اثر، مسئله بداء را با سه رویکرد تاریخی، متافیزیکی و علم الحروفی بررسی کرده است. ملاحدرا نیز در کتاب الأسفار الأربعة و شرح خود بر اصول کافی، درباره این آموزه به تفصیل سخن گفته است.

نویسنده در این مقاله، هفده روایت از امامان شیعه علیهم السلام نقل کرده و تفسیر ملاحدرا بر آن‌ها را به تفصیل مرور کرده است. ملاحدرا در تفسیر روایات نخست، ابتدا معنای لغوی بداء را بررسی کرده و سپس، تعریف اصطلاحی آن را از شهرستانی نقل کرده است. او در ادامه، به نزاع فخرالدین رازی و خواجه نصیرالدین طوسی بر سر بداء اشاره کرده و دفاع خواجه را ناکافی دانسته است. ملاحدرا سپس، تلقی شیخ صدوق از بداء را نقل کرده و با تمسک به عباراتی از رساله نبراس الضیاء، آن را نقد کرده است. تریه در اینجا تذکر داده است که ملاحدرا در برخی مبانی فلسفی بداء، با میرداماد موافق است؛ اما در نهایت، تشبیه بداء به نسخ - و به طور کلی تسری حکم تکوین به تشریع - را نپذیرفته است. نویسنده در ادامه، تبیین فلسفی ملاحدرا از فرآیند «دعا» و تفسیر وی از آموزه حدیثی «تردد» را مرور کرده و اثرپذیری او را از میرداماد نشان داده است. نتیجه اینکه ملاحدرا در تفسیر فلسفی روایات مربوط به بداء، با تمسک به جهان‌شناسی خاص خود و برخی تعالیم عرفان نظری - همچون آموزه «انسان کامل» - از تفسیر میرداماد فاصله گرفته است.

اطلاعات نشر:

Raison et quête de la sagesse (Hommage à Christian Jambet), Dirigé par: Mohammad Ali Amir-Moezzi, Turnhout: Brepols Publishers, 2020, pp. 507-550.

۱. «از باطنی‌گرایی شیعی تا فلسفه شیعی: ملاحدرا، میرداماد و مسئله بداء»، متیو تریه.

3.2.5. “De l'éternité ou de la nouveauté du monde: Parcours d'un problème philosophique d'Athènes à Ispahan”, Mathieu Terrier.¹

معرفی: این مقاله مفصل، گزارشی تاریخی و جذاب درباره سیر تحولات مسئله «حدوث یا قدم جهان» است. نویسنده ابتدا درباره اهمیت این موضوع در یونان باستان، عصر رنسانس غربی و جهان اسلام سخن گفته است. به باور او، تحولات این مسئله در جهان غرب و جهان اسلام، از جهاتی مشابه‌اند؛ اما سرنوشت آن‌ها بسیار متفاوت است. سیر غربی مسئله به نوعی ندامت‌گرایی ختم می‌شود که در کتاب نقد عقل محض کانت به اوج خود رسیده است؛ اما در جهان اسلام، این میرداماد است که در عصر صفوی، با تکیه بر نوعی اثبات‌گرایی متافیزیکی، نظریه جدیدی برای حل این معضل ارائه داده است. به عقیده تریه، این قسم نوآوری‌ها در عصر صفوی، نشان می‌دهد که مدعی افول فلسفه در جهان اسلام پس از ابن رشد، پذیرفتی نیست؛ بلکه فلسفه اسلامی در دوران متأخر - به‌ویژه در عصر صفوی - به شکوفایی و تعالی رسیده است. نویسنده خاطر نشان کرده است که درک صحیح زمینه‌های نظریه میرداماد و دیگر حکماء مکتب اصفهان، درگرو آگاهی از سه مطلب است: جریان بازنویسی تاریخ فلسفه یونان در تناظر با تاریخ انبیاء علیهم‌السلام؛ تفسیر منابع یونانی و قرآنی در نزاع میان ظاهرگرایی و تأویل؛ نزاع‌های مفهومی و استدلالی فلاسفه بزرگ درباره مسئله حدوث و قدم.

تریه در ادامه و برای تبیین این سه مقدمه، مباحث خود را از تولد مسئله «پیدایش جهان» در یونان و توسعه آن در اسکندریه آغاز کرده است. وی در این بخش، آراء افلاطون را درباره حدوث عالم بر اساس رساله تیمائوس تبیین کرده و به اختلاف مفسران در شرح این متن اشاره کرده است. در ادامه، به دیدگاه ارسطو درباره «قدم عالم» و نظرات مفسران مسیحی وی پرداخته است. بخش دوم مقاله، به بررسی منابع مسلمان در مواجهه با نظریات یونانی / اسکندرانی درباره خلقت اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، از منابعی همچون اثولوجیا، رساله «قدم زمانی» (منسوب به پروکلس) و آراء الفلاسفة (منسوب به آمونیوس) یاد کرده و درباره نحوه ورود و تثبیت آن‌ها در جهان اسلام سخن گفته است. وی در ادامه، به بازتاب این منابع یونانی در آثار فلاسفه متقدم اسلامی پرداخته و متونی همچون الجمع بین رأی الحکیمین (اثر فارابی)، الأمد علی الأبد (اثر عامری نیشابوری) را بررسی کرده است. بخش سوم مقاله، به پاسخ‌های قرون وسطایی به مسئله خلقت اختصاص دارد. نویسنده نظریه حدوث ذاتی ابن سینا را تقریر کرده و به نقدهای غزالی و پاسخ‌های ابن رشد اشاره کرده است. او در ادامه، راه حل سنت آگوستین را به معضل خلقت تقریر کرده و این بخش را با بررسی دیدگاه تاج‌الدین شهرستانی به پایان برده است.

بخش چهارم مقاله، به بررسی مسئله حدوث در مکتب اصفهان اختصاص دارد. نویسنده پس از اشاره کوتاهی به زمینه‌های تاریخی مکتب اصفهان و رویکرد میرداماد و ملاصدرا به مسئله حدوث، به دریافت ایشان از آراء یونانی در این باره پرداخته است. تریه بر این باور است که میرداماد و ملاصدرا تحت تأثیر آموزه‌های فارابی، اختلاف ارسطو و افلاطون را در مسئله حدوث عالم، انکار کرده‌اند؛ چنان‌که با پیروی از آراء عامری نیشابوری، برخی حکماء یونان باستان را

۱. «حدوث یا قدم هستی: تحول مسئله‌ای فلسفی از آتن تا اصفهان»، متیو تریه.

شاگردان پیامبران الهی علیهم السلام قلمداد کرده‌اند. ایشان همچنین، بر این باورند که حکماء یونان باستان، سخنان خود را در زبان رمز و تمثیل بیان کرده‌اند. تریه پس از این مقدمه، در حجمی بالغ بر ده صفحه، نظریه «حدوث دهری» میرداماد را تقریر کرده است. وی ابتدا به پیشینه تاریخی اصطلاحات «زمان»، «دهر» و «سرمد» در آثار حکماء پرداخته و تلقی میرداماد را از این مفاهیم تبیین کرده است. او پس از تبیین روابط سطوح سه‌گانه هستی در نظر میرداماد، فرآیند خلقت در مرتبه دهر را تبیین کرده است. تریه در ادامه، تفسیرها و تأویل‌های میرداماد از آیات قرآن، احادیث شیعی و عبارات حکماء گذشته را به تفصیل بررسی کرده است. فصل بعدی، به بررسی دیدگاه ملاًصدرا دربارهٔ حدوث عالم اختصاص دارد. تریه خاطر نشان کرده است که ملاًصدرا بیش از استاد خود به ظاهر قرآن و روایات وفادار بوده؛ از این رو، قرائتی خاص از حدوث دما دم اشیاء ارائه کرده است. وی پس از تبیین نظریه حرکت جوهری و الهامات ملاًصدرا از منابع نقلی، نظریه او را به تفصیل تقریر کرده است. نویسنده در پایان مقاله، نظریه میرداماد و ملاًصدرا را به اختصار مقایسه کرده است.

اطلاعات نشر:

Journal Asiatique (la Société Asiatique), Tome 299, Numéro 1, 2011, pp. 369-421.

3.2.6. "La défense philosophique de la prière votive (*du'ā'*) et de la visite pieuse (*ziyāra*): d'Ibn Sīnā à la renaissance safavide (XI^e/XVII^e siècle)", Mathieu Terrier.¹

معرفی: این مقاله، گزارشی تاریخی از نگرش فلسفی دانشمندان اسلامی به دو آموزه «دعا» و «زیارت» است. متیو تریه در مقدمه مقاله، با اشاره به اهمیت دعا و زیارت در فرهنگ شیعی و آداب تصوّف، دربارهٔ ناسازگاری ظاهری این دو آموزه با «مشیت الهی» و «علیت» سخن گفته است.

بخش نخست مقاله، به بررسی مواجهه فلسفی ابن سینا با دعا و زیارت اختصاص دارد. نویسنده با مراجعه به متونی همچون التعليقات، النجاة و الشفاء، و رسالة في أسباب استجابة الدعاء و كيفية زيارة القبور، خاطر نشان کرده است که فهم دیدگاه ابن سینا، بر آگاهی از نظرات وی دربارهٔ «علیت»، «مشیت الهی»، «مراتب هستی»، «نفس شناسی» و «نظام احسن» و نیز آشنایی با ساختار هیئت بطلمیوسی مبتنی است. بنا بر گزارش تریه، ابن سینا از طریق تبیین تأثیر انسان در خود و بیرون از خود، نسبت و ارتباط مسئله دعا را با نظام علی و مشیت الهی تبیین و تحلیل کرده است. وی قدرت انسان را سبب تأثیر دعا در جهان هستی می‌داند؛ یعنی نفس انسان در اثر کمال و اتصال به مبادی عالیه، به یکی از علل و عوامل تأثیرگذار تبدیل شده و می‌تواند مانند آن مبادی عمل کند. بر این اساس، استجابات دعا و تأثیرگذاری نفس در موجودات، در چارچوب نظام علی و با اقتضاء مشیت الهی تفسیر می‌شوند؛ چنان‌که رخدادها و پدیده‌ها نیز به جهت تأثیر و تأثر قوای فعال و منفعل زمینی با قوای فعال آسمانی حاصل می‌شوند. ابن سینا دربارهٔ زیارت نیز، رویایی دو نفس را تصویر می‌کند: نفس زائر که به بدن متصل است؛ نفس مزور که به سبب کمال، هم‌مرتبه با عقول مجرّد است. در

۱. «دفاع فلسفی از «دعا» و «زیارت»: از ابن سینا تا نوزایی عصر صفوی (قرن ۱۱ هجری قمری / ۱۷ میلادی)»، متیو تریه.

این رویایی، نفس مزور به سبب قوت و علو، در نفس و بدن زائر اثر می‌گذارد. البته در این تأثیر و تأثر، اوضاع جسمانی و حالت روانی زائر نیز دخیل هستند.

تریه در بخش دوم مقاله، دیدگاه میرداماد را بررسی کرده است. بنا بر گزارش او، میرداماد دعا و زیارت را در ساختار فلسفی «قضاء و قدر» تبیین کرده است. میرداماد قضاء و قدر را به دو قسم علمی و عینی تقسیم کرده و دعا را از علل وجودی در قدر الهی دانسته است؛ زیرا در قدر، موجودات به حسب تحقق اسباب، موجود می‌شوند. البته در قضاء الهی، تمام اسباب، علل و معالیل مشخص و معین هستند. قدر عینی نیز، مجرای محو و اثبات و دگرگونی وقایع است. فرآیند دعا در نظر میرداماد، یکی از اجزاء علل در ساحت قدر عینی است. میرداماد فرآیند زیارت را نیز بر اساس تحلیل ارتباط صوری و مادی نفوس با ابدان تفسیر کرده است.

بخش سوم مقاله، به بازخوانی دیدگاه حکیم قائی درباره دعا و زیارت بر اساس رساله أسرار العبادات اختصاص دارد. نقطه شروع قائی - در تقابل با ابن سینا و میرداماد - ارائه تفسیری انسان‌شناختی از دین به مثابه واقعیتی اجتماعی است. بر اساس این تفسیر، برای انسان ممکن نیست که در تنهایی به کمال برسد؛ بلکه باید بکوشد در الفت با دیگر افراد انسانی، کمال خویش را اکتساب کند. قائی با تعریف غایتی اخلاقی و اجتماعی برای دعا و نماز، بر هویت جمعی عبادات در فرهنگ اسلامی تأکید کرده است. قائی در دفاع فلسفی از زیارت نیز نظری مشابه با ابن سینا و میرداماد عرضه کرده است.

تریه در بخش چهارم این مقاله، روایتی از محبوب القلوب اشکوری نقل کرده است که طبق آن، پس از مرگ ارسطو، شاگردان و پیروان او بر سر مزارش گرد هم آمده، به مباحثه علمی می‌پرداختند؛ زیرا عقیده داشتند حضور در جوار قبر ارسطو، روح ایشان را برای پذیرش حقایق آماده می‌کند. تریه در ادامه، تفسیر فلسفی اشکوری را از این حکایت نقل کرده است.

اطلاعات نشر:

Studia Islamica (Brill), Vol. 116, No 2, 2021, pp. 304-345.

3.2.7. "La figure de Pythagore comme maître d'ésotérisme et de théologie monothéiste dans la philosophie islamique du XI^e/XVII^e siècle", Mathieu Terrier.¹

معرفی: متیو تریه در این مقاله، اثرپذیری حکماء عصر صفوی - به ویژه میرداماد، ملاصدرا و قطب الدین اشکوری - را از آراء فیثاغورث بررسی کرده است. وی در مقدمه اشاره کرده است که آراء فیثاغورثی و نوفیثاغورثی از طریق جریان‌های نوافلاطونی به محافل علمی عصر صفوی راه یافته و بر توسعه و تعالی فلسفه شیعی، اثری شگرف نهادند. نویسنده در بخش نخست، درباره نگرش حکماء اسلامی به شخصیت فیثاغورث سخن گفته است.

وی در فصل نخست، خاطرنشان کرده است که بنا بر روایت سنتی در جهان اسلام، فیثاغورث

۱. «فیثاغورث به مثابه استاد باطنی‌گرایی و الهیات توحیدی در فلسفه اسلامی قرن ۱۱ هجری قمری / ۱۷ میلادی»، متیو تریه.

یکی از «اساطین حکمت» است که دانش خود را از مشکات نبوی اخذ کرده است. افرادی همچون عامری نیشابوری، شهرستانی، شهرزوری، میرداماد، ملاحصدرا و قطب‌الدین اشکوری از این تلقی حمایت کرده‌اند. به شکل خاص، میرداماد در کتاب جذوات و مواقیت، به ارتباط فیثاغورث با سلیمان نبی علیه السلام اشاره کرده و شاگردان وی، اشکوری و ملاحصدرا، نیز از استاد پیروی کرده‌اند. وی در فصل دوم، به خلسه مشهور فیثاغورث و توانایی وی بر خلع بدن پرداخته است. این آموزه بر حکماء متأخر جهان اسلام، آشکارا تأثیر نهاده است؛ تا بدان جا که میرداماد حصول ملکه خلع بدن را یکی از شروط حکمت دانسته است. فصل سوم این بخش، به بازخوانی تعالیم باطنی فیثاغورث اختصاص دارد. تریه در این فصل، به نقل از اشکوری آورده است که فیثاغورث ادبیاتی تمثیلی و رمزآلود داشته است و برخی جملات وی، در زمره نصایح طلایی فلسفی به شمار می‌رود؛ از جمله این مضمون که بر نگین انگشتی او حک شده بود: «بدی بی دوام از خوبی بی دوام بهتر است». نویسنده در فصل چهارم و پنجم، شیوه زندگی، تعالیم عملی و مرگ شهادت‌گونه فیثاغورث را بر اساس متن محبوب القلوب روایت کرده است.

بخش دوم این مقاله، به رصد تعالیم فیثاغورثی در آثار حکماء مکتب اصفهان اختصاص دارد. تریه در فصل نخست، دیدگاه میرداماد را درباره توحید الهی، بررسی کرده و رگه‌های فیثاغورثی آن را بازنموده است. به باور وی، در مبحث توحید، میرداماد بیش از هر حکیم مسلمان دیگر از فیثاغورث متأثر است. میرداماد در آثاری همچون تقویم‌الایمان و جذوات و مواقیت، تفاوت وحدت ذاتی با وحدت عدی و نیز، اقسام وحدت مطلق را بر اساس آراء فیثاغورث تبیین کرده است. نویسنده در فصل دوم، به آراء تنزیهی حکماء اصفهان و مبانی فیثاغورثی آن‌ها پرداخته است و در فصل سوم، آراء عددی میرداماد را در کتاب جذوات و مواقیت مرور کرده است. به نظر تریه، میرداماد با تأثر از آراء فیثاغورثی، «دو» را نخستین عدد دانسته و برخی احادیث شیعی را تفسیر کرده است. فصل چهارم، به بازخوانی آموزه «انسان کبیر» در آثار حکماء اصفهان اختصاص دارد. نویسنده در این فصل اشاره کرده است که تطابق نظام هستی با انسان، یکی از مشهورترین عقاید فیثاغورثی در میان حکیمان اصفهان است؛ آموزه‌ای که میرداماد و اشکوری به تفصیل از آن حمایت کرده‌اند.

اطلاعات نشر:

Revue de l'histoire des religions (RHR) (Collège de France), Tome 236, Numéro 4, 2019, pp. 731-766.

3.2.8. "La philosophie shi'ite face au problème du mal: essais de théodicée chez Mir Dāmād (m. 1040/1631) et deux de ses élèves", Mathieu Terrier.¹

معرفی: متیو تریه در این مقاله، رویکرد میرداماد، ملاشمسای گیلانی و قطب‌الدین اشکوری را به مسئله «شر» بررسی کرده است. او در مقدمه مقاله، درباره «تئودیه» (استدلالی الهیاتی که تبیین

۱. «فلسفه شیعه در مواجهه با مسئله «شر»: مواجهه «تئودیه» با میرداماد (درگذشته ۱۰۴۰ هجری قمری/ ۱۶۳۱ میلادی) و دو تن از شاگردانش»، متیو تریه.

می‌کند چرا خداوند اجازه داده است شرور در هستی پدیدار شوند.) و اهمیت آن در الهیات شیعی سخن گفته است. در نگاه نخست، نفی فاعلیت شرور از پروردگار، با برخی آموزه‌های کلامی شیعه - به ویژه درباره صفات الهی - سازگاری ندارد؛ چنان‌که تطبیق آن با نظریه «صدور» و خدای «خیر مطلق» نوافلاطونی نیز دشوار است. علاوه بر این، مسئله شرور از سویی با تفسیر قرآن کریم و از سوی دیگر، با مسئله آزادی و اراده انسان مرتبط است. با توجه به این نکات، مواجهه فیلسوفان عصر صفوی با مسئله شرور، سرزندگی و توسعه فلسفه اسلامی را در پی داشته است. تریه در بخش نخست مقاله، با گردآوری عبارات پراکنده میرداماد درباره مسئله شرور، دیدگاه وی را در پنج محور بررسی کرده است:

۱. شرور متافیزیکی (همچون نقص یا محرومیت): تریه با بررسی تلقی میرداماد از مفهوم «حکمت الهی» در مقدمه شارع النجاة، خاطرنشان کرده است که در نظر او، شرور متافیزیکی به صورت بالعرض و برای تحفظ منافع برتر در مشیت الهی وارد می‌شوند.
۲. شرور اخلاقی (همچون ارتکاب ظلم): نویسنده با اشاره به تلازم دیدگاه میرداماد درباره جبر و اختیار با کیفیت وقوع شرور اخلاقی، دیدگاه او را بر اساس رساله الإیقاظات بررسی کرده است. مطابق متن این اثر، میرداماد میان انسان (در جایگاه فاعل مباشر) و خداوند (در جایگاه وجودبخش همه ممکنات) تمایز نهاده است؛ تمایزی که بر مراتب سه‌گانه هستی و نظریه حدوث دهری مبتنی است. در این تلقی، اراده انسان آخرین حلقه از زنجیره اسبابی است که به فعل منتهی می‌شوند.
۳. شرور آخرت شناختی (همچون مجازات ظالمان و انتقام از دشمنان ائمه علیهم‌السلام): بنا بر نظر میرداماد، شرور اخروی، توابع و لوازم باطنی اعمال ارادی انسان هستند؛ از این رو، خداوند فاعل مباشر و علت آن‌ها نیست. به بیان دیگر، خداوند شرور اخروی را بالذات اراده نکرده؛ بلکه آن‌ها بالعرض و همراه با خیرات بی‌شمار در مشیت او داخل شده‌اند.
۴. شرور جسمی (همچون رنج، بیماری و مرگ): میرداماد در تبعیت از ابن‌سینا بر این باور است که شرور جسمی، همواره به نوعی عدم و فقدان - همچون فقدان اعتدال در مزاج یا فقدان اتصال اعضا - رجوع می‌کنند؛ از این رو، نیازمند علت نیستند. البته، برخی از این امور، به صورت نسبی - و نه مطلق - شر محسوب می‌شوند؛ برای مثال، فقدان اتصال اعضا که از اصابت چاقو ناشی شده، برای انسان شر است؛ اما برای چاقو، خیر متافیزیکی به شمار می‌رود. این تحلیل در آموزه «انسان کبیر» ریشه دارد. عالم هستی در نظر میرداماد همچون انسانی واحد است که در خلقت یکباره و جمعی آن، شری تصور نمی‌شود.
۵. شرور تاریخی (همچون ظلمی که بر ائمه اطهار علیهم‌السلام و شیعیان آن‌ها رفته است): تریه با مراجعه به رساله نبراس الضیاء، اشاره کرده است که میرداماد تمام شرور تاریخی را با آموزه «بداء» توجیه و تفسیر کرده است؛ بدون اینکه در حکمت و خیرخواهی مطلق خداوند خدش‌های وارد شود. بخش دوم مقاله، به بررسی دیدگاه شاگردان میرداماد درباره شرور اختصاص دارد. تریه در فصل نخست، نظر ملاشمسای گیلانی را بر اساس رساله إظهار الکمال روایت کرده است. ملاشمسا در این اثر، با تکیه بر آموزه «نظام احسن»، قرائتی روشن از دیدگاه استاد خود ارائه داده است؛ با

این تفاوت که او شرور اخلاقی را همسنگ با شرور طبیعی قلمداد کرده است. نویسندگان در فصل دوم این بخش، دیدگاه قطب‌الدین اشکوری را بر اساس کتاب محبوب القلوب تبیین کرده است. اشکوری در جلد نخست این کتاب، با پاسخ به شبهه «ثنویتی»، انتساب آن را به زرتشت رد کرده است. به عقیده اشکوری، مراد زرتشتیان باستان، انتساب هردو منبع خیر و شر به مبدأ واحد بوده است. او با تکیه بر موضع استاد خود، اشاره کرده است که ظلمت و تاریکی امری عدمی است و به نحو بالذات در اراده الهی داخل نمی‌شود.

اطلاعات نشر:

Oriens (Brill), Vol. 49, Issue 3-4, November 2021, pp. 370-397.

3.2.9. "La question du fondement de l'étant: du Raffermissement de la croyance (*Taqwīm al-īmān*) de Mīr Dāmād aux Clés de l'invisible (*Mafātih al-ghayb*) de Mullā Ṣadrā", Christian Jambet.¹

معرفی: نویسنده در این مقاله کوتاه - که گزارشی از برخی ارائه‌های اوست - ریشه‌های بحث از مسئله اصالت ماهیت یا وجود را در دو کتاب تقویم‌الایمان و مفاتیح‌الغیب بررسی کرده است. او ابتدا خاطرنشان کرده است که مسئله اساسی در میان متفکران مکتب اصفهان، تقدم یا تأخر وجود از ماهیت و تأثیر آن در هستی‌شناسی خلقت بوده است. سپس، با اشاره به اهمیت و امتیاز تقویم‌الایمان در میان آثار میرداماد، ساختار و محتوای آن را معرفی کرده است. به باور ژامبه، میرداماد در تصویر مراتب سه‌گانه زمان، دهر و سرمد، تحت تأثیر برخی عناصر الهیاتی در آراء پروکلس بوده؛ اگرچه در تثبیت هستی‌شناختی این نظریه، ناکام مانده است. به باور ژامبه، میرداماد در تقویم‌الایمان، به دنبال پی‌ریزی نظامی است که بر آراء سینوی، هستی‌شناسی نوافلاطونی، آموزه‌های اشراقی و تعالیم کلامی شیعه مبتنا دارد. او با تأکید بر دیدگاه‌های خاص میرداماد درباره موضوع متافیزیک و ضرورت فلسفی نبوت و معاد، پیرنگ کلامی و شیعی اندیشه او را آشکار ساخته است.

نویسنده در ادامه، کتاب مفاتیح‌الغیب را به اختصار معرفی کرده و تذکر داده است که با مقایسه متن این اثر با کتاب تقویم‌الایمان، می‌توان به تفاوت دیدگاه‌های میرداماد و ملاصدرا را درباره وجود پی برد. به باور وی، میرداماد و ملاصدرا به دو معنای متفاوت از «وجود» باور دارند. میرداماد در پیروی از سهروردی، بر این باور است که وجود چیزی جز تحقق ذات اشیاء نیست و خلقت، ایجاد ذوات اشیاء است؛ اما ملاصدرا ذوات اشیاء را سایه‌ای از وجود آن‌ها دانسته و خلقت را با وجود اشیاء پیوند زده است. نویسنده با اشاره به ارتباط سه‌گانه زمان، دهر و سرمد با مبحث جعل و تنزیه پروردگار، خاطرنشان کرده است که فلسفه میرداماد برای تبیین آموزه‌های کلامی شیعه، مجهزتر از حکمت متعالیه است.

اطلاعات نشر:

Annuaire de l'École pratique des hautes études (EPHE) (l'École pratique des hautes études), Tome 122 (Résumés des conférences et travaux), 2015, pp. 177-182.

۱. «مسئله اصالت وجود: از تقویم‌الایمان میرداماد تا مفاتیح‌الغیب ملاصدرا»، کریستین ژامبه.

3.2.10. "La représentation de la sagesse grecque comme discours et mode de vie chez les philosophes šī'ites de l' Iran safavide (XI^e/XVII^e siècle)", Mathieu Terrier.¹

معرفی: متیو تریه در این مقاله مفصل، با بررسی ارجاعات آثار میرداماد، ملاصدرا و قطب‌الدین اشکوری به فیثاغورث، امپدوکلس، سقراط، افلاطون، ارسطو و دیوجانس نشان داده است این اندیشه‌مندان ایرانی، فلسفه باستانی یونان را روشی برای زندگی عقلانی و منبعی برای خردورزی‌هایی می‌دانستند که در ارتباط با انوار مشکات نبوت، وجوه نظری متنوعی را در عرصه‌های تعلیمی، الهیات، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و معادشناسی طی کرده است. ایشان بر اساس این تلقی، می‌کوشیدند تا آراء فیلسوفان یونانی را با احادیث امامان شیعی سازگار جلوه دهند. بنا بر مقدمه این مقاله، امتیاز تفکر شیعی در نظرگاهی است که درباره تأویل باطنی قرآن، سر دانش مقدس و حاملان آن ارائه می‌کند. فعالیت فلسفی متفکران ایرانی در سده یازدهم هجری قمری نیز در راستای بازآفرینی این آموزه‌ها در قالبی فلسفی و در ارتباط با تصویری خاص از حکمت یونانی شکل گرفت. تریه خاطرنشان کرده است که روش ارجاع به میراث فیلسوفان یونانی در آثار متفکران یاد شده، متأثر از جهت‌گیری‌های معنوی ایشان است. آن‌ها به حکمت باستانی به مثابه گفتمانی برای روش زندگی پرداخته‌اند که با دیدگاه‌های معاصر و جدید درباره تاریخ فلسفه یونانی همخوانی ندارد؛ اما در روزگار خود، فرصتی برای پرورش اندیشه فلسفی و پرداختن به تعلیمات معنوی امامان شیعه علیهم‌السلام محسوب می‌شد. به بیان دیگر، فلسفه یونانی برای فیلسوفان شیعی سده یازدهم هجری قمری، حکمتی در پناه وحی به شمار می‌رفت.

بخش نخست مقاله، به بازخوانی نگرش حکماء اثر صفوی به فلسفه یونان باستان اختصاص دارد. بنا بر روایت سنتی، امپدوکلس، فیثاغورث، تالس و اناکسیمانس، حکمت خویش را از مشکات نبوت اخذ کرده‌اند. امپدوکلس شاگرد لقمان حکیم بوده است؛ چنان‌که فیثاغورث یاران سلیمان نبی علیهم‌السلام را در مصر ملاقات کرده و از ایشان هندسه و الهیات فرا گرفته بود. تالس نیز طبیعیات را از مصریان آموخته بود. مشعل حکمت نبوی از فیثاغورث به سقراط و از سقراط به افلاطون رسیده است. افلاطون نیز با تلفیق آموزه‌های فیثاغورثی و سقراطی، این میراث را به ارسطو سپرده است؛ همو که به «عقل مجسم» شهرت دارد. به‌باور تریه، تثبیت این روایت سنتی، دو نتیجه عمده داشته است: الف) رویکرد حکماء باستان به هستی و خدا، با نگرش وحیانی در تناقض نیست؛ چنان‌که با آموزه‌های تأویلی امامان شیعه علیهم‌السلام از قرآن نیز ناسازگار نخواهد بود؛ ب) نظریات حکماء باستان با یکدیگر تضادی ندارند.

تریه در بخش دوم مقاله، حکمت یونان باستان را به مثابه گفتمانی نظری بررسی کرده است. در نظر حکیمان مسلمان، فلاسفه یونانی برای صیانت از اسرار الهی، زبانی رمزی و تمثیلی به کار برده‌اند؛ ادبیاتی که فهم آن، به روش‌های تأویلی و هرمنوتیکی خاصی مبتنی است. ظاهراً میرداماد نیز تحت تأثیر همین باور، به مشکل‌نویسی روی آورده است. نویسنده پس از این مقدمه،

۱. «بازنود حکمت یونانی به مثابه گفتمان و روش زندگی در میان فیلسوفان شیعی در ایران عصر صفوی (قرن

۱۱ هجری قمری / ۱۷ میلادی)»، متیو تریه.

اثربرداری حکماء عصر صفوی را از فلسفه یونان، در پنج محور الهیات، تنزیه و شناخت‌پذیری خداوند، هستی‌شناسی و معاد بررسی کرده است. وی تأکید کرده است که نگرش میرداماد به توحید، به نحوی شگفت‌انگیز با آراء فیثاغورثیان درباره «واحد» و «موند» قرابت دارد؛ چنان‌که دیدگاه او درباره مراتب هستی، در آموزه‌های افلاطونی ریشه دارد.

بخش سوم مقاله، به بررسی حکمت یونان باستان به مثابه منش زندگی اختصاص دارد. تریه در این بخش، با اشاره به تلازم اخلاق با معادشناسی، خاطر نشان کرده است که بیشتر فلاسفه باستانی افرادی زاهد و متخلّق به اخلاق خدایان بوده‌اند. ایشان زندگی دنیوی را طرد کرده و به حیات جاودانه اخروی تمایل داشته‌اند. حکماء اصفهان نیز این جهت، تحت تأثیر آموزه‌های دینی و تعالیم اخلاقی فلاسفه یونانی بوده‌اند. شیوه پرداختن آن‌ها به فلسفه یونانی و تلاش برای نشان دادن وحدت رویه حکیمان باستانی در شیوه زندگی و درک جهان، در زندگی ایشان نیز نمود آشکاری داشت؛ چنان‌که میرداماد و شاگردش ملاصدرا - همچون افلاطون و ارسطو - در برخورد با امر سیاسی، پاسخ‌های متفاوتی داشتند: اولی همچون حکیمی در خدمت شاه و دربار بود و دومی با فاصله گرفتن از مرکز قدرت، پیش از بازگشت به شیراز و تربیت شاگردانش، به روستای کهک پناه بُرد.

اطلاعات نشر:

Studia graeco-arabica (ERC project Greek into Arabic), Vol. 5, 2015, pp. 299-320.

3.2.11. "Mīr Dāmād (m. 1041/1631), philosophe et mujtahid: Autorité spirituelle et autorité juridique en Iran safavide shī'ite", Mathieu Terrier.¹

معرفی: متیو تریه در مقدمه مقاله، درباره شخصیت‌های اصلی مکتب اصفهان و مشی سیاسی آن‌ها، تاریخ اجتهاد و تقلید در تشیع و تقابل اصولیان و اخباریان، به اختصار سخن گفته است. به باور او، میرداماد یکی از فقهاء اصولی مشرب و دانشمندان جامع در روزگار صفوی است؛ اما پژوهشگران غربی بیشتر به وجوه معرفتی در شخصیت او (اعم از فلسفه، کلام، عرفان و علوم غریبه) توجه کرده و از چهره فقه‌اقتی او غافل مانده‌اند. با توجه به این نقیصه، تریه در این مقاله جامعیت میرداماد و مقام فقهی و فلسفی او را بررسی کرده است.

بخش نخست مقاله، به بازخوانی شرح حال میرداماد از منابع تراجم و شرح احوال اختصاص دارد. نویسنده در این بخش، با مراجعه به متونی همچون ریحانة الأدب، سلافة العصر، تاریخ عالم‌آرای عباسی، گزارشی از حیات علمی میرداماد فراهم آورده است. تریه خاطر نشان کرده است که مورخان در انتساب دو ویژگی به میرداماد متفق بوده‌اند: نخست، دستیابی زود هنگام او به ملکه اجتهاد؛ دوم، جامعیت او و تسلطش بر علوم نقلی و عقلی.

تریه در بخش دوم مقاله، برخی آثار فقهی میرداماد را معرفی و بررسی کرده است. وی در فصل نخست که به آثار فتوایی میر اختصاص یافته، رساله شارع النجاة را به تفصیل معرفی کرده است. او پس از اشاره به ساختار، محتوا و زبان این رساله، خاطر نشان کرده است که در این اثر و دیگر

۱. «میرداماد (درگذشته ۱۰۴۰ هجری قمری/۱۶۳۱ میلادی)، فیلسوف و مجتهد: مرجع فقهی و معنوی در عصر

صفوی»، متیو تریه.

متون فقهی میرداماد - از جمله عیون المسائل - برخی فوائد فلسفی و عرفانی نیز به چشم می‌خورند؛ از جمله اشاره به تفاوت وضو و نماز عارف با سالک. تریه در ادامه، به رساله عیون المسائل پرداخته و پس از مرور محتوای آن، تصریح کرده است که میرداماد در جای جای این رساله، از آموزه‌های فلسفی و آراء خود در متافیزیک بهره برده است. به باور تریه، این آمیختگی‌ها نشان می‌دهند که در نظر میرداماد، میان فقاہت و تفلسف، تلازم و ارتباط برقرار است. او تأکید کرده است که بسیاری از معاصران میرداماد، وی را «مجتهد و فقیه» نامیده‌اند. این شهرت در کنار یقین فلسفی میر، در مرجعیت بلامنازع او در جامعه و دربار صفوی بسیار مؤثر بوده است. فصل دوم این بخش، به فتاوی سیاسی میرداماد اختصاص دارند که به عقیده نویسنده، فصل جدیدی در تاریخ سیاست شیعی رقم زده‌اند. این فتاوا عبارت‌اند از: حکم اقامه نماز جمعه و جهاد در عصر غیبت. تریه خاطر نشان کرده است که معاصران میرداماد با استفتاء از وی، او در جایگاه «فقیه جامع الشرایط» قرار داده‌اند؛ چنان‌که میرداماد با افتاء به جواز جهاد و وجوب اقامه نماز جمعه در عصر غیبت، باب جدیدی در مرجعیت سیاسی فقیهان شیعی گشوده است.

بخش سوم مقاله، به بررسی شرح حال میرداماد در محبوب القلوب اختصاص دارد. تریه پس از اشاره به شرح حال قطب الدین اشکوری و معرفی کتاب محبوب القلوب، خاطر نشان کرده است که گزارش او از شخصیت میرداماد، بسیار منسجم است؛ به گونه‌ای که امکان شناخت شخصیت جامع میرداماد را برای خواننده فراهم می‌کند. اشکوری قطعاتی از آثار گوناگون میرداماد را در اثناء شرح حال او نقل کرده است. تریه با مرور این قطعات و عبارات، نشان داده است که قصد اشکوری، نمایاندن شخصیت عرفانی و فقاہتی استاد خود و تأکید بر تلازم فقاہت و معرفت بوده است؛ چنان‌که هیچ اثری از نظریه «حدوث دهری» در این عبارات و قطعات به چشم نمی‌خورد. اطلاعات نشر:

Studia Islamica (Brill), Vol. 113, N° 2, 2018, pp. 121-165.

3.2.12. "Mir Dāmād "lecteur" de Platon: Le créationnisme et l'idéalisme platoniciens revisités", Mathieu Terrier.¹

معرفی: این مقاله به بررسی برخی وجوه تأثیر میرداماد از افلاطون اختصاص دارد. نویسنده خاطر نشان کرده است که علی‌رغم انتشار کمتر آثار افلاطون در مقایسه با آثار ارسطو در سرزمین‌های اسلامی، افلاطون تأثیری همسان با بر تفکر میرداماد به جای نهاده است. وی در این نوشتار، تلاش کرده است تا نشان دهد که میرداماد چگونه افلاطون‌گرایی را بازسازی کرده و در اندیشه خود نمود داده است. بنا بر گزارش متیو تریه، آثار میرداماد آکنده از ارجاع به فیثاغورث و افلاطون است. البته، همه این ارجاعات با واسطه است. میرداماد با ارسطو هم به واسطه ابن سینا آشنا شده و تنها کتاب اثولوجیا را به طور مستقیم و بی‌واسطه قرائت کرده است. بر این اساس، میرداماد شناختی واسطه‌مند و جزئی از افلاطون و اندیشه او داشته است. میرداماد خود را متمم تفکر گذشتگان دانسته و با ایجاد هماهنگی میان فکر فلسفی و وحی نبوی، حکمت یمانی

۱. «میرداماد در مقام خواننده افلاطون: بازبینی در خلقت‌گرایی و مثل‌گرایی افلاطونی»، متیو تریه.

را پایه نهاده است. بنا بر تعریف میرداماد، حکمت یمانی ترکیبی دقیق از حکمت یونانی و حکمت ایمانی به شمار می‌رود؛ از این‌روست که میرداماد را «ناسخ فلسفه یونانی» خوانده‌اند؛ زیرا او در حرکتی هگلی، با حذف و حفظ توأمان فلسفه یونان، از آن عبور کرده است. نگرش میرداماد به افلاطون نیز در همین بستر شکل گرفته است. منابع افلاطونی اندیشه میر، همگی دست‌دوم و فرامتنی بودند؛ لذا، وی نه بر اساس روش نقد تاریخی، بلکه با اتکا بر تأملات فلسفی خویش برخی رئوس اندیشه افلاطونی را در حکمت یمانی بازتولید کرده است. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد در چهار مسئله فلسفی به آراء افلاطون توجه کرده است:

الف) تقدّم ماهیت بر وجود: بنا بر گزارش میرداماد، افلاطون معتقد است که وجود محسوس چیزی جز سایه ماهیت معقول نیست و ماهیت هر معلول بر وجود آن مقدّم است. میرداماد از این دو آموزه حمایت کرده است؛ اگرچه اختلاف‌هایی نیز با افلاطون دارد.

ب) طبیعت و حقیقت زمان: میرداماد در همه آثار خود، از زمان و دهر و رابطه حادث با قدیم و زمان‌مند با ثابت سخن گفته است. او اقوال گوناگون را درباره ماهیت زمان، در نه دسته طبقه‌بندی کرده است. او خود طرفدار نگرش ارسطویی به ماهیت زمان است؛ اما تذکر داده که برخی چهره‌های متقدّم - همچون فخرالدین رازی - نظر افلاطون را به درستی فهم و تقریر نکرده‌اند. میرداماد خود دیدگاه منسوب به افلاطون را بر مراتب دهر و سرمد تطبیق می‌دهد. ج) خلقت عالم: مشهورترین ایده فلسفی میرداماد، نظریه «حدوث دهری» است. او در طرح نظریه حدوث دهری، کوشیده است تا علاوه بر ایجاد آشتی میان ارسطو و افلاطون، تصویر صحیحی از محل نزاع به دست بدهد. میرداماد خاطر نشان کرده است که اختلاف ارسطو و افلاطون نه در حدوث ذاتی و نه در حدوث زمانی است؛ بلکه ایشان در حدوث دهری ممکنات با یکدیگر اختلاف دارند. بنا بر گزارش میرداماد، افلاطون به حدوث دهری جمیع ممکنات - اعم از مکونات و ممکنات - باور داشته است؛ دیدگاهی که خود میر نیز طرفدار آن است.

د) حقیقت «مثل افلاطونی» و علم الهی: میرداماد بر این باور است که نمی‌توان از تفسیر مثل افلاطونی به فرد معقول مجرّد از ماده، به نحوی برهانی دفاع کرد. با این همه، او مثل افلاطونی را به وجود دهری طبایع مرسله تفسیر می‌کند. وی بر اساس همین تفسیر، علم الهی به جزئیات را تبیین کرده است.

اطلاعات نشر:

Ishraq: Islamic Philosophy Yearbook (Ишрак: ежегодник исламской философии) (Académie des sciences de Russie), № 8, 2017, pp. 81-111.

۳.۳. ضمیمه آثار فرانسوی

مقالات این بخش، ارتباط مستقّلی با شخصیت، زندگی، آراء و آثار میرداماد ندارند؛ اما اطلاعات مفیدی در اختیار خواننده قرار می‌دهند. جهت پرهیز از تکرار مطالب، به ذکر عنوان، نام نگارنده و اطلاعات نشر مقالات بسنده کرده‌ایم.

3.3.1. "L'instauration du chiisme comme religion nationale en Iran (XVI^e et XVII^e siècles): déterritorialisations et reterritorialisations", Mathieu Terrier.¹

اطلاعات نشر:

Religions et frontières, Édité par: Aurélien Fauches [et] Ftiha Kaouès [et] Chrystal Vanel [et] Vincent Vilmain, Paris: CNRS, 2012, pp. 25-35.

3.3.2. "Les modèles du gouvernement divin", Christian Jambet.²

اطلاعات نشر:

Le gouvernement divin, Christian Jambet, Paris: CNRS, 2016, pp. 23-73.

3.3.3. "L'Omnipotence divine et la liberté humaine selon les philosophes de l'Iran safavide (XVII^e siècle)", Christian Jambet.³

اطلاعات نشر:

Annuaire de l'École pratique des hautes études (EPHE) (l'École pratique des hautes études), Tome 120 (Résumés des conférences et travaux), 2013, pp. 75-80.

3.3.4. "Philosophie en islam", Christian Jambet.⁴

اطلاعات نشر:

Annuaire de l'École pratique des hautes études (EPHE) (l'École pratique des hautes études), Tome 127 (Résumés des conférences et travaux), 2020, pp. 530-538.

۴. بخش چهارم: آثار ترکی استانبولی (Türkçe)

۴.۱. کتاب‌ها

4.1.1. *İslam Felsefesi Tarihi: İslam Düşüncesinin Tarihsel Seyri*, Mehmet VURAL.⁵

معرفی^۶: این کتاب، مجموعه‌ای یک جلدی در تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی است که سیر تاریخ اندیشه را در جهان اسلام، به تفکیک دوره‌های سیاسی بررسی کرده است. نویسنده در پایان هر فصل، تحول شاخه‌های گوناگون علوم فلسفی را نیز بررسی کرده است. او پس از اوضاع فکری در صدر اسلام و روزگار خلفاء راشدین، فصل نخست کتاب را به دوره امویان اختصاص داده و

۱. «استقرار تشیع در جایگاه مذهب ملی ایران (قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی): قلمروزدایی و قلمروسازی»، متیو تریه.

۲. «الگوهای حکومت الهی»، کریستین ژامبه.

۳. «قدرت الهی و آزادی بشر از دیدگاه فیلسوفان عصر صفوی (قرن ۱۷ میلادی)»، کریستین ژامبه.

۴. «فلسفه و اسلام»، کریستین ژامبه.

۵. تاریخ فلسفه سلامی: سیر تاریخی اندیشه اسلامی، محمد وورال.

۶. این کتاب را به دلیل تفاوت ساختار آن با دیگر منابع تاریخ فلسفه، به تفصیل معرفی کرده‌ایم.

اوضاع تعلیم و تعلّم در محافل علمی مسلمانان و تحولات مدارس اسکندریه و انطاکیه را گزارش کرده است. فصل دوم به عصر عباسیان اختصاص دارد. نویسنده پس از گزارش فعالیت‌های فرهنگی حکومت بنی‌عبّاس و انشعابات گوناگون در مدارس و محافل علمی مسلمانان، دربارهٔ «بیت‌الحکمة» و نقش آن در انتقال علوم یونانی/ اسکندرانی به جهان اسلام سخن گفته است. وی پس از اشاره به نخستین مدارس فلسفی در دوران آل‌بویه، در فصل‌هایی مستقل به شخصیت و اندیشهٔ کندی، فارابی، ابن‌سینا، بیرونی و دیگر چهره‌های فلسفی آن عصر پرداخته است.

فصل سوم به دولت فاطمیان، مدرسهٔ «الأزهر» و چهره‌های برجستهٔ آن اختصاص دارد. در فصل چهارم نیز سیر تاریخی اندیشه در عصر سلجوقیان بررسی شده است. نویسنده در این فصل، با تأکید بر تعامل فلسفه با عرفان، دربارهٔ شخصیت‌هایی همچون قونوی، یونس امره و مولانا سخن گفته است. وی فصل پنجم به دانشمندان عصر ممالیک پرداخته و اندیشهٔ چهره‌هایی مانند ابن تیمیّه را بررسی کرده است. فصل ششم به اندیشهٔ اسلامی در شمال آفریقا و امویان اندلس اختصاص یافته است. نویسنده در این فصل، آراء فلسفی ابن‌رشد، ابن‌عربی و ابن‌سبعین را روایت کرده است. فصل هفتم کتاب، به صورت مستقل به تاریخ فلسفه در جغرافیای ایران اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، چهره‌های فلسفی را بر اساس تعلق آن‌ها به مدارس گوناگون فلسفی طبقه‌بندی کرده است. بخش هشتم از این فصل، به «مکتب اصفهان» اختصاص دارد. نویسنده در مدخلی جداگانه (از صفحات ۳۲۱ تا ۳۲۳) به شخصیت میرداماد پرداخته است. او ابتدا به شرح حال و زندگانی میرداماد پرداخته و سپس، دربارهٔ نقش کلیدی او در تأسیس و تدام مکتب فلسفی اصفهان سخن گفته است. او پس از اشاره به دیدگاه‌های میرداماد دربارهٔ «حدوث دهری» و «اصالت ماهیت» و نیز، سبک نوشتار او، برخی از آثار فلسفی میرداماد را معرفی کرده است.

فصل هشتم کتاب، به گزارش سیر تاریخی فلسفه در جغرافیای عثمانی اختصاص دارد. مطالب این فصل، کامل و دقیق است و برای خوانندگان ایرانی تازگی دارد. نویسنده در فصل نهم کتاب، به اندیشهٔ معاصر اسلامی پرداخته و فیلسوفان مسلمان را در سراسر دنیا معرفی کرده است. فصل پایانی کتاب نیز به نتیجه‌گیری و دیدگاه نویسنده دربارهٔ اصالت فلسفهٔ اسلامی اختصاص دارد. او در پایان، گاهشماری از سیر تاریخی اندیشهٔ اسلامی بر اساس مطالب کتاب ارائه داده است.^۱

اطلاعات نشر:

Ankara: Elis, 2016 (4. baskı, 2019).

۴.۲. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی

4.2.1. *Mîr Dâmâd ve Dehrî Hudûs Teorisi*, Nurettin YAKIŞAN, Tez Yöneticisi: İbrahim Hakkı AYDIN.²

معرفی: حسب جست‌وجوی ما، این رساله تنها پژوهش دانشگاهی جامع دربارهٔ میرداماد به زبان ترکی استانبولی است. نویسنده در مقدمهٔ رساله اشاره کرده است که میرداماد با ارائهٔ نظریهٔ

۱. تصویر برگی از این گاهشمار در بخش «ضمائم» خواهد آمد.

۲. میرداماد و نظریهٔ «حدوث دهری»، نورالدین یاکیشان، استاد راهنما: ابراهیم حقّ آیدین.

«حدوث دهری»، راهی میانه در جدال متکلمان و فلاسفه در پیش گرفته است. او این نظریه را در سه گام اساسی طرح کرده است: نقد نظریات پیشین؛ تدوین مبنایی جدید برای دیدگاه خود؛ ارائه نظریه حدوث دهری و استدلال بر آن. نویسنده با قصد معرفی میرداماد و بررسی این سه مرحله، رساله خود را در چهار فصل سامان داده است.

فصل نخست رساله، به میرداماد و شخصیت فکری او اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای این فصل، به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در زمان میرداماد پرداخته و سپس، گزارش کوتاهی از شرح حال وی ارائه داده است. وی در ادامه، آثار میر را در دو دسته «آثار منتشر شده (سی و هشت عنوان)» و «آثار منتشر نشده (شش عنوان)» طبقه بندی کرده و آن‌ها را به اختصار معرفی کرده است. وی پس از اشاره به شاگردان میرداماد، منابع اندیشه او را به تفصیل بررسی کرده است. به باور وی، میر در تفکر فلسفی خود، از فلسفه یونانی / اسکندرانی، حکمت مشائی، حکمت اشراقی و آموزه‌های دینی و کلامی تأثیر پذیرفته است. نگارنده در ادامه این فصل، چگونگی و میزان تأثیر این عوامل را در شکل‌گیری «حکمت میانی» بررسی کرده است. بخش پایانی این فصل نیز به تأثیر میرداماد بر جریان‌های فلسفی متأخر اختصاص دارد. نویسنده ابتدا اثرپذیری شاگردان میر - همچون ملاصدرا، علوی عاملی، ملاشمس‌گیلانی و ملاخلیل قزوینی - را از استاد روایت کرده و سپس، به چهره‌های متأخر - همچون ملاعلی نوری و ملاهادی سبزواری - پرداخته است. نکته جالب در این بخش، توجه نویسنده به منتقدان و مدافعان هندی میرداماد - از جمله ملامحمود جونیوری و انورالدین حسینی - است.

نویسنده در فصل دوم رساله، مبادی تصویری نظریه حدوث دهری را با رویکردی تاریخی تبیین کرده است. او معنای لغوی و اصطلاحی «زمان»، «دهر»، «سرمد» را تبیین کرده و برخی انتقادات میرداماد را بر نظر پیشینیان روایت کرده است. در ادامه، درباره «عدم» و اقسام آن، تفاوت عدم دهری با عدم زمانی و عدم در سلسله طولی سخن گفته است. بخش‌های دیگر این فصل، به تبیین مطالبی همچون «امکان» و اقسام آن، «قدم» و اقسام آن، «دوام»، «بقاء»، «ازل»، «ابد»، «سرمدیت»، انحاء وجود بخشی، حرکت و اقسام آن بر اساس عبارات میرداماد اختصاص دارد.

فصل سوم رساله، به بررسی تقدّم و اقسام آن - به مثابه مقدمه تاریخی نظریه حدوث دهری - اختصاص یافته است. نگارنده ابتدا به دیدگاه حکماء درباره «تقدّم و تأخر غیرذاتی (زمانی، سرمدی، دهری، رُتبی و بالشرف)» و «تقدّم و تأخر ذاتی (بالماهیة، بالطبع و بالعلیة)» پرداخته و در ادامه، دیدگاه شخصی میرداماد را در این باره تبیین کرده است. او همچنین، نقدهای میرداماد را بر دیدگاه ابن سینا، سهروردی و خواجه نصیرالدین طوسی در مبحث تقدّم و تأخر، روایت کرده است. فصل چهارم و پایانی رساله نیز به تقریر و تحلیل نظریه حدوث دهری اختصاص دارد. نویسنده ابتدا دیدگاه میرداماد را درباره دو نظریه «حدوث زمانی» و «حدوث ذاتی» روایت کرده و سپس، «تقدّم انفکاکي خداوند بر جهان»، «مسبوقیت به عدم صریح دهری»، «ملاک حاجت به علت» و «ارتباط حادث با قدیم» را بر مبنای آموزه‌های فلسفی او تبیین کرده است. بخش دیگر این فصل، به دلایل حدوث دهری اختصاص دارد. نویسنده با تفکیک ادله حدوث

دهری به دو قسم «استدلال‌های عقلی (نه دلیل)» و «شواهد نقلی (سه شاهد)»، استدلال‌های میرداماد را به تفصیل بررسی کرده است. وی در نتیجه‌گیری رساله خاطر نشان کرده است که نظریه حدوث دهری، یکی از نظریات جذّاب، دقیق و جسورانه در تاریخ فکر اسلامی است؛ اگرچه هنوز وجوه ناشناخته و مبهمی دارد. این رساله از حیث تنوّع زبانی منابع و نیز، اشتمال بر نمودارهای مفهومی، جالب و کم‌نظیر است.^۱

اطلاعات ثبت:

Doktora Tezi, Atatürk Üniversitesi (Erzurum), Sosyal Bilimler Enstitüsü (Felsefe ve Din Bilimleri AnaBilim Dalı), 2020.

+ باز نشر به صورت کتاب:

Mîr Dâmâd ve Dehrî Hudûs Teorisi (Âlemin Ezelîliği-Zamansal Yaratılmışlığı Tartışmalarına Bir Ara-Formül), Nurettin YAKIŞAN, Editör: Sadi YILMAZ, Ankara: Fecr, 2022.

+ مقاله مستخرج:

“Mîr Dâmâd ve İsfahan Okulu” (4.3.3).

4.2.2. *Safevi döneminden günümüze İran düşüncesi (felsefe, kelam, tasavvuf)*, Cenk KELEŞ, Danışman: Fazıl KARAHAN.²

معرفی: این پایان‌نامه، به بررسی تحولات تفکر ایرانی در دوران تاریخی پس از روزگار صفوی اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه پایان‌نامه، پس از ارائه گزارشی مختصر از جریان‌های گوناگون فکری در جغرافیای ایران، عصر صفوی را نقطه عطفی در تاریخ تعالی و تکامل این جریان‌ها معرفی کرده است. او با مراجعه به برخی منابع فارسی و ترکی، گزارشی مختصر از تحولات این جریان‌های فکری در سه حوزه فلسفه، کلام و تصوّف فراهم کرده است.

فصل نخست این پایان‌نامه، به مکتب شیراز اختصاص یافته است. نویسنده در این فصل، شرح حال جلال‌الدین دوانی، صدرالدین دشتکی و غیاث‌الدین دشتکی را ارائه داده و آراء ایشان را در حوزه متافیزیک و اخلاق بررسی کرده است. به باور نویسنده، جدال‌های علمی دوانی با خاندان دشتکی، تعالی و رشد فلسفه را در این دوران به همراه داشت؛ جدال‌هایی که بر محور متون سنی فلسفه و کلام شکل گرفت و در نهایت، به تلفیق آموزه‌های مشائی و اشراقی با قرائتی خاص از نظریه «وحدت وجود» منجر شد.

نویسنده در فصل دوم، به مکتب اصفهان و چهره‌های برجسته آن پرداخته است. او در بخش نخست این فصل (صفحات ۲۸ تا ۳۳)، درباره میرداماد و جایگاه او در تاریخ اندیشه اسلامی سخن گفته است. نگارنده ابتدا درباره نام، نسب و اجداد میرداماد سخن گفته و از تلقیب او به «معلم ثالث» یاد کرده است. در ادامه، به نظام «حکمت یمانی» پرداخته و حکمت مشائی،

۱. نمونه‌هایی از این نمودارها در بخش «ضمائم» درج شده‌اند.

۲. تفکر ایرانی از عصر صفویه تا امروز (فلسفه، کلام و تصوّف)، چنگ کیلش، استاد مشاور: فاضل کاراهان.

حکمت اشراقی و عرفان نظری را سه رکن اصلی آن دانسته است. به باور وی، مهم‌ترین آموزه در حکمت یمانی میرداماد، نظریه «حدوث دهری» است. نویسنده پیش از تقریر این نظریه، درباره اهمیت مسئله حدوث و قدم در الهیات اسلامی و نزاع‌های شکل گرفته بر سر آن سخن گفته است. در ادامه، نظریه حدوث میرداماد و مبانی آن را بر اساس دیدگاه‌های توشی هیکو ایزوتسو و فضل الرحمن تبیین کرده است. نویسنده در بخش دوم این فصل، اندیشه ملاصدرا را بررسی کرده و درباره مطالبی همچون ساختار حکمت متعالیه، نظریه «اصالت وجود»، نظریه «حرکت جوهری» و نگرش ملاصدرا به کلام و تصوّف سخن گفته است. بخش سوم این فصل نیز به روایت سرنوشت مکتب اصفهان در دوران پساصدرایی اختصاص یافته است.

نویسنده در فصل سوم این پایان‌نامه، تحولات اندیشه ایرانی را در عصر قاجار بررسی کرده است. وی پس از بررسی شرح حال و آراء حکیم سبزواری، به مدرسه تهران و چهره‌های فلسفی معاصر پرداخته است. وی در این بخش درباره آراء حکیم محمدرضا قمشه‌ای و آقاعلی مدرّس سخن گفته و مواجهه ایرانیان را با فلسفه غرب، در اندیشه علامه طباطبائی، شهید مطهری و دکتر مهدی حائری یزدی رصد کرده است. وی با گزارشی کوتاه از وضعیت کنونی فلسفه در ایران، این فصل را به پایان برده است. وی در نتیجه‌گیری پایان‌نامه خاطرنشان کرده است که دانشمندان ایرانی تحت تأثیر خواجه نصیرالدین طوسی، کوشیدند تا میان روش‌های گوناگون فلسفی و تعالیم دینی، هماهنگی و آشتی ایجاد کنند. اندیشه‌مندان مکتب شیراز گام‌های بلندی در این مسیر برداشتند؛ اما نتوانستند نظامی واحد و یکپارچه ایجاد کنند. این تکاپو در مکتب فلسفی اصفهان و به دست میرداماد و ملاصدرا به نتیجه رسید.

اطلاعات ثبت:

Yüksek Lisans Tezi, Pamukkale Üniversitesi (Denizli), Sosyal Bilimler Enstitüsü (Felsefe Anabilim Dalı), 2021.

۴.۳. مقالات

4.3.1. "İbn Sînâ, Sühreverdî ve İbn Arabî Arasında Mîr Dâmâd", Mehmet Nesim DORU.^۱

معرفی: نگارنده در این مقاله کوشیده است تا نشان دهد حکمت یمانی میرداماد، تلفیقی دقیق از آموزه‌های سینوی، حکمت اشراقی و اندیشه «وحدت وجود» در عرفان ابن عربی است. وی در مقدمه مقاله، اشاره کرده است که ساختار و زبان فلسفه میرداماد، در امتداد سنت سینوی قرار دارد؛ اما مفهوم «حکمت یمانی» و برخی عناوین آثار میرداماد، نشان می‌دهند که او به سهروردی و حکمت اشراقی نیز دلبستگی فراوانی داشته است. به باور نویسنده، میرداماد با الهام از منابع حدیثی شیعه و نیز ارائه قرائتی خاص از نظریه «وحدت وجود»، نظامی جدید در ساحت اندیشه عرضه کرده است.

نویسنده در فصل نخست، تحوّل نظریه «حدوث ذاتی» به «حدوث دهری» را در فلسفه

۱. «میرداماد در میانه ابن سینا، سهروردی و ابن عربی»، محمد نسیم درو.

میرداماد بررسی کرده است. او ابتدا درباره اهمیت بحث از حدوث و قدم در جهان اسلام سخن گفته و سپس، نشان داده است که میرداماد با توسعه و تغییر در برخی مبانی حکمت سینوی - از جمله اختصاص مفاهیم «سرمَد»، «دهر» و «زمان» به مراتب واقعیت - راه را برای طرح نظریه خود هموار ساخته است. او در ادامه، با تبیین کاستی‌های نظریه ابن‌سینا نزد میرداماد و توضیح روابط این مراتب سه‌گانه در نظر او، نظریه حدوث دهری را تقریر کرده است. وی در پایان، با اشاره به برخی نتایج این آموزه، تفاوت‌های آن را با دیدگاه ابن‌سینا بر شمرده است.

فصل دوم مقاله به بررسی مراتب موجودات از دیدگاه میرداماد اختصاص دارد. نویسندگان تأکید بر اثرپذیری میرداماد از سهرودی در این باره، خاطر نشان کرده است که او در ترسیم ساختار دایروی و باور به مراتب پنج‌گانه در هریک از دو سلسله بدو و عود، تا حد زیادی تحت تأثیر آراء سهرودی بوده است؛ اگرچه میرداماد در تفسیر مثل افلاطونی و باور به عالم مثال، با شیخ اشراق اختلاف داشته است.

نویسندگان در فصل سوم مقاله، به مسئله «اصالت وجود یا ماهیت» در فلسفه میرداماد پرداخته است. او با بررسی زمینه‌های تاریخی این مسئله و ارتباط آن با مسئله «زیادت وجود بر ماهیت»، نشان داده است که میرداماد با فاصله گرفتن از موضع سینوی و پذیرش قول شیخ اشراق، به نظریه اصالت ماهیت باور داشته است. البته، او خداوند را تنها «موجود» دانسته است و قرائتی خاص از نظریه وحدت وجود پیش نهاده است. وی در پایان مقاله، تصریح کرده است که میرداماد با وفاداری به سنت‌های فکری پیش از خود، فلسفه اسلامی را در مسیر پاسخ به مسائلی خاص توسعه داد. او در این مسیر، از میراث روایی شیعی و آیات قرآنی بهره فراوان برده است.

اطلاعات نشر:

Osmanlı ve İran'da İşrak Felsefesi, Editör: Ömer BOZKURT [ve] Kamuran GÖK-DAĞ [ve] Mehmet Nesim DORU [ve] Mehmet Fatih KILIÇ, İstanbul: Divan Kitap, 2018, ss. 237-260.

4.3.2. "Mîr Dâmâd ve Emânet-i İlahî Risalesi", Naim DÖNER.¹

معرفی: این مقاله، شرح و توضیحی مفصل بر رساله «امانت الهیه»، اثر میرداماد، است. نویسندگان در مقدمه مقاله، اشاره کرده است که ماهیت حکمت اسلامی با فلسفه یونانی تفاوت دارد؛ زیرا حکماء اسلامی در پناه قرآن و حدیث، مسائل فلسفی را توسعه داده، راه حل‌های جدیدی برای معضله‌های معرفتی عرضه کردند. به باور نویسندگان، یکی از نقاط عطف تاریخی در ارتباط حکمت با شریعت، ظهور مکتب فلسفی اصفهان است. وی در ادامه، درباره زمینه‌های ظهور و مؤسسان مکتب اصفهان سخن گفته است.

فصل نخست مقاله، به معرفی میرداماد اختصاص دارد. مؤلف در این ابتدای این بخش، درباره تولد، نام و نسب، تحصیلات و استادان میر سخن گفته و سپس، آثار وی را معرفی کرده است. وی در ادامه، به شخصیت علمی میرداماد و جایگاه او در تاریخ اندیشه فلسفی پرداخته است. وی با اشاره به تمجید معاصران میرداماد از او، وجه تلقیب وی را به «معلم ثالث» تبیین کرده

۱. «میرداماد و رساله امانت الهی»، نعیم دونر.

و از جامعیت میر در علوم عقلی و نقلی سخن گفته است. نویسنده در بخش بعدی، شاگردان مشهور میرداماد را نام برده و با اشاره به تاریخ و محل وفات وی، این فصل را به پایان برده است. فصل دوم مقاله، به معرفی رساله «امانت الهیة» اختصاص دارد. نویسنده برای تبیین مبادی تصویری بحث، معنای لغوی «امانت» را بررسی کرده و نشان داده است که مفهوم امانت در آیه مذکور، با حوزه‌های گوناگون اخلاق، شریعت و عرفان در ارتباط است. وی در ادامه، اشاره کرده است که رساله «امانت الهیة» اثری کوتاه به زبان فارسی است که در تفسیر آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»^۱ تألیف شده است. وی در ادامه، خاطرنشان کرده است که این رساله، علی‌رغم حجم اندک، بر معانی بلند و دشوار اشتمال دارد. نویسنده سپس، متن رساله را مرور کرده و دیدگاه میرداماد را درباره معنای لغوی «امانت» و ارتباط آن با «معرفه الله»، «تکلیف»، «حمد» روایت کرده است. وی در ادامه، به ارتباط امانت الهی با مراتب وجود سخن گفته و خلاصه مدعای میرداماد را در نموداری ارائه کرده است.^۲ وی در ادامه، دیدگاه میر را درباره جایگاه نفوس پیامبران و عارفان در این مراتب تبیین کرده است. او پس از تبیین این مقدمات، خاطرنشان کرده است که امانت الهی در نظر میرداماد عبارت است از معرفت توحیدی که انسان با سیر در قوس صعود، آن را به حق متعال تسلیم می‌کند. در میان مخلوقات و ممکنات، این توانایی و امکان تنها برای انسان فراهم است.

اطلاعات نشر:

Düzce Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi (DÜİFAD) (Düzce Üniversitesi),
Sayı 18, Cilt 1, 2016, ss. 51-79.

4.3.3. “Mîr Dâmâd ve İsfahan Okulu”, Nurettin YAKIŞAN.³

معرفی: یکی از مدعاهای مقبول در میان مستشرقان، افول فلسفه اسلامی با مرگ ابن رشد است. نگارنده در این مقاله، با بررسی جایگاه میرداماد در مکتب اصفهان، این مدعا را نقد کرده است. فصل نخست مقاله، به بررسی اصطلاح «مکتب اصفهان» و تاریخچه وضع و استعمال آن اختصاص دارد. نویسنده با اشاره به اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر صفوی - به‌ویژه تقابل صفویان با حکومت عثمانی - برخی ویژگی‌های کلی این مکتب فلسفی را بر اساس دیدگاه‌های هنری کربن تبیین کرده است. او در ادامه، برخی چهره‌های برجسته مکتب اصفهان را به اختصار معرفی کرده و آراء و آثار ایشان را برشمرده است. این شخصیت‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: شیخ بهایی؛ میرفندرسکی؛ ملا محسن فیض کاشانی؛ قاضی سعید قمی.

فصل دوم مقاله، به معرفی مفصل میرداماد اختصاص دارد. نویسنده ابتدا شرح حال مختصری از میر ارائه داده و آثار او را به تفکیک موضوع، فهرست کرده است. سپس، به منابع فکری میرداماد پرداخته و خاطرنشان کرده است که او در اندیشه فلسفی خود، از آثار فلاسفه یونانی / اسکندرانی (به‌ویژه

۱. الأحزاب/۷۲.

۲. تصویر این نمودار در بخش «ضمائم» خواهد آمد.

۳. «میرداماد و مکتب اصفهان»، نورالدین یاکیشان.

کتاب اثولوجیا، حکمت مشائی (مدرسه فارابی و ابن سینا)، حکمت اشرافی و تعالیم دین اسلام بهره برده است. او در ادامه، شواهدی برای اثرپذیری میرداماد از این منابع ارائه داده است. بخش چهارم این فصل، به اصالت تفکر میرداماد و ماهیت حکمت یمانی اختصاص دارد. نگارنده با تأکید بر سبک نوشتاری میرداماد، ابتکارات فلسفی او و نظریه ویژه‌اش در حل معضل حدوث عالم، وی را حکیمی مؤسس معرفی کرده است. سپس، به توضیح ماهیت حکمت یمانی بر اساس متن حدیث نبوی پرداخته است. وی در ادامه، با اشاره به وجوه معنوی شخصیت میرداماد، خلسه‌های ملکوتی او را نقل کرده است. بخش پایانی این فصل، به تأثیر میرداماد بر اندیشه‌مندان متأخر اختصاص دارد. نویسنده ابتدا اثرپذیری شاگردان میر - همچون ملاصدرا، علوی عاملی، ملاشمس‌گیلانی و ملاخلیل قزوینی - را از استاد روایت کرده و سپس، به چهره‌های متأخر - همچون آقاجمال خوانساری و ملامحمد اسماعیل خواجه‌وی - پرداخته است. او همچنین، به رواج آثار میرداماد در هندوستان و منتقدان و مدافعان وی در آن سرزمین - از جمله ملامحمد جونیوری و انورالدین حسینی - اشاره کرده است.

اطلاعات نشر:

Doğul dan Batı'ya Düşüncenin Serüveni, Cilt 7: Endelus Ve Felsefenin İşraqlığı (İleşmesi) ği, Editör: Bayram Ali ÇETİNKAYA, İstanbul: İnsan Yayınları, 2015, ss. 1083-1107.

+ مستخرج از رساله:

Mîr Dâmâd ve Dehrî Hudûs Teorisi (4.2.1).

4.3.4. "Mîr Dâmâd'ın Düşünce Sistemi", Mehmet Nesim DORU.¹

معرفی: نگارنده در این مقاله، رئوس آراء فلسفی میرداماد را بررسی کرده است. او در مقدمه، دربارهٔ مکتب فلسفی اصفهان و چهره‌های برجسته آن سخن گفته و خاطر نشان کرده است که در این مکتب، اندیشه‌های ابن سینا، سهروردی و ابن عربی برای نخستین بار به صورتی منسجم تلفیق شدند. وی با اشاره به جایگاه محوری میرداماد در مکتب اصفهان، آراء وی را در سه فصل روایت کرده است.

فصل نخست به بررسی دیدگاه میرداماد دربارهٔ وجود و ماهیت اختصاص دارد. نویسنده با اشاره به تاریخ مسئله زیادت وجود بر ماهیت در جهان اسلام، خاطر نشان کرده است که مسئله اصالت وجود یا ماهیت برای نخستین بار در آثار میرداماد مطرح شده است. نویسنده زمینه تاریخی این مسئله را در فلسفه یونانی و مسئله «نسبت هویت با واقعیت» جست‌وجو کرده است. وی پس روایت دیدگاه افلاطون و ارسطو دربارهٔ عامل واقعیت بخش به اشیاء، اشاره کرده است که فارابی برای نخستین بار مسئله تمایز وجود از ماهیت را در متافیزیک مطرح کرده است. پس از فارابی، ابن سینا با طرح این سؤال که کدام یک از وجود و ماهیت بر دیگری مقدم است، این مسئله را پی گرفت. او با گرایش به تقدم ماهیت بر وجود، نشان داد که ماهیت تنها در ممکنات بر وجود عاض است، نه در خداوند. مسئله زیادت، موجب بروز پرسش مهم‌تری در تاریخ فلسفه شد: آیا وجود اصیل است یا ماهیت؟ به گزارش نویسنده، این پرسش با سه پاسخ

۱. «نظام فکری میرداماد»، محمد نسیم درو.

عمده مواجه شده است: اصالت ماهیت و اعتباریت وجود که موضع سهروردی و میرداماد است؛ اصالت ماهیت که دیدگاه ملاصدرا و پیروان اوست؛ اصالت وجود و ماهیت که دیدگاه شیخ احمد احسائی است. نویسندگان در ادامه، دیدگاه سهروردی و میرداماد را به اختصار تقریر کرده است. نویسندگان در فصل دوم، دیدگاه میرداماد را درباره زنجیره موجودات بررسی کرده است. وی با اشاره به اعتقاد عمیق میرداماد به نظریه نوافلاطونی صدور و قاعده «الواحد»، دیدگاه وی را در مراتب دوگانه سلسله بدو و عود به اختصار تقریر کرده است.

فصل سوم به نظریه «حدوث دهری» اختصاص یافته است. نگارنده در این فصل، با اشاره به نزاع متکلمان و فلاسفه درباره حدوث عالم، تصریح کرده است که میرداماد با طرح نظریه حدوث دهری، راهی میانه در این نزاع در پیش گرفت. او پس از روایت دیدگاه میرداماد درباره اقسام تقدّم و تأخّر، اقسام حدوث و مراتب سه گانه هستی (سرمد، دهر و زمان)، نظریه حدوث دهری را به اختصار تقریر کرده است.

اطلاعات نشر:

Doğul dan Batı'ya Düşüncenin Serüveni, Cilt 7: Endelus ve Felsefenin İshraqiliği (leşmesi) ği, Editör: Bayram Ali ÇETİNKAYA, İstanbul: İnsan Yayınları, 2015, ss. 1109-1127.

4.3.5. "Mîr Dâmâd'ın Hudûs Konusunda İbn Sîna ya Yönelttiği Eleştiriler ve Hudûs u Dehrî Görüşü", Mehmet Nesim DORU.¹

معرفی: نگارنده در مقدمه مقاله، درباره نزاع متکلمان و فلاسفه در مسئله حدوث جهان سخن گفته است. به باور او، دو نظریه «حدوث ذاتی» ابن سینا و «حدوث دهری» میرداماد، دو گام اساسی در جهت فیصله دادن به این نزاع به شمار می روند؛ اما علی رغم تلاشی که پژوهشگران برای بازشناسی دیدگاه ابن سینا صرف کرده اند، نظریه میرداماد همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. وی در بخش نخست مقاله، درباره شرح حال میرداماد، اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر وی و جایگاه او در مکتب فلسفی اصفهان سخن گفته است. فصل دوم مقاله، به مقدمات مفهومی نظریه حدوث دهری اختصاص دارد. نویسندگان در این فصل، اصطلاحات فلسفی «زمان»، «دهر»، «سرمد»، «خلق»، «ابداع»، «تکوین» را بر اساس نظر میرداماد تبیین کرده و تفاوت دیدگاه او را با ابن سینا توضیح داده است. وی در ادامه، به تقسیم بندی حدوث پرداخته است. بنا بر گزارش او، ابن سینا تنها به دو قسم حدوث ذاتی و حدوث زمانی باور داشته است؛ اما میرداماد با توسعه اقسام تقدّم و تأخّر، قسم دیگری با نام حدوث دهری بر اقسام پیشین افزوده است.

نویسندگان در فصل سوم مقاله، نظریه حدوث ذاتی را بر اساس دیدگاه ابن سینا تقریر کرده است. فصل چهارم مقاله نیز به بازخوانی نقدهای میرداماد بر دیدگاه ابن سینا اختصاص دارد. به باور نویسندگان، انتقادات میر بر شیخ، همگی به معیت علت و معلول در نظریه ابن سینا باز می گردند؛ زیرا ابن سینا با غفلت از وجه تنزیهی خلقت، فاصله و انفکاک روشنی میان حادث و قدیم ترسیم نکرده است. میرداماد

۱. «نقدهای میرداماد بر دیدگاه ابن سینا درباره حدوث و نظریه حدوث دهری»، محمد نسیم دورو.

با تأکید بر همین نکته، «واقعیت داشتن» را مقوم مفهوم حدوث دانسته است. نویسنده فصل پنجم مقاله را به بازخوانی نظریه میرداماد اختصاص داده است. وی ابتدا به تقسیم‌بندی سه‌لایه هستی در نظر میرداماد اشاره کرده و پس از تبیین نسبت این مراتب با یکدیگر، نظریه حدوث دهری را بر اساس متن القبسات تقریر کرده است. نویسنده در بخش نتیجه‌گیری، خاطرنشان کرده است که حدوث عالم و اقسام آن در فلسفه میرداماد، با دیدگاه ابن‌سینا به کلی متفاوت است. به بیان دیگر، میرداماد با رفع کاستی‌هایی که در نظریه ابن‌سینا می‌دید، راهی میانه در نزاع متکلمان و فلاسفه پیش گرفت.

اطلاعات نشر:

Felsefe Dünyası (Türk Felsefe Derneği), Sayı 56, Cilt 2, 2012, ss. 149-273.

4.3.6. "XVII. Asırda Felsefî Tenkit: Muhammed Bâkır Mîr Dâmâd'ın Eleştirel Yaklaşım", Ersan TÜRKMEN.^۱

معرفی: نگارنده در این مقاله، رویکرد انتقادی میرداماد را در مواجهه با آثار و آراء فلاسفه پیشین روایت کرده است. وی در مقدمه، با ارائه تاریخچه مختصری از نقد فلسفی در یونان باستان، خاطرنشان کرده است که ظهور رویکرد انتقادی در جهان اسلام، متفکران را در دو دسته جای داد: نخست، منتقدان فلسفه (همچون غزالی و ابن‌تیمیه)؛ و دوم، مدافعان فلسفه (همچون ابن‌رشد و خواجه نصیرالدین طوسی). به باور نویسنده، فعالیت‌های فکری گروه دوم، یکی از عوامل اصلی تعالی و غنای فلسفه اسلامی بوده است؛ گروهی که میرداماد یکی از نمایندگان برجسته آن به شمار می‌رود.

نویسنده در فصل نخست مقاله، نقدهای میرداماد را بر دیدگاه‌های فلاسفه پیشین مرور کرده است. انتقادات فلسفی میرداماد به روایت نویسنده عبارت‌اند از: نقد تفسیر فارابی از دیدگاه ارسطو درباره حدوث عالم؛ نقد نظر ابن‌سینا درباره حدوث و اقسام آن؛ نقد اشکال غزالی بر فلاسفه درباره علم الهی به جزئیات؛ نقد نظر ابوالبرکات بغدادی درباره ماهیت زمان؛ نقد اشکال فخرالدین رازی بر فلاسفه (با تأکید بر اشکالات او بر قاعده «الواحد»).

فصل دوم مقاله به بررسی روش نقد میرداماد و منابع فکری او اختصاص دارد. نویسنده خاطرنشان کرده است که میرداماد علی‌رغم وفاداری به حکمت سینوی و ساختار اصطلاحی آن، در مواضع گوناگون نظرات بزرگانی همچون ابن‌سینا و خواجه طوسی را به نقد کشیده است. در عین حال، او کوشیده است تا با استعمال القاب احترام‌آمیز، قرابت خود را با ایشان حفظ کند. در برابر این رویکرد، مواجهه خشن و سبک شمارانه میرداماد با متکلمان همچون غزالی و فخرالدین رازی قرار دارد. نویسنده در پایان اشاره کرده است که میرداماد در مواضع نقد، عبارات خصم را به صورت کامل نقل کرده و سپس، کاستی‌های آن را بررسی کرده است.

اطلاعات نشر:

İslâm Düşüncesinde Eleştiri Kültürü ve Tahammül Ahlâkı- III (M. XII.-XIX. Yüzyıl Arası), Editör: Teceli KARASU [ve] Mahsuni AYTEPE, İstanbul: İlbey Matbaa, 2021, ss. 409-423.

۱. «نقد فلسفی در قرن ۱۷ میلادی: رویکرد انتقادی میرداماد»، آرسان ترکمن.

۴/۴. مداخل دایرة المعارفی

4.4.1. "DÂMÂD, Muhammed Bâkır", *Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi*, Mustafa ÖZ.¹

معرفی: نویسنده در ابتدای این مدخل، به نسب، اجداد و القاب میرداماد - از جمله «معلم ثالث» - اشاره کرده است. او در ادامه، به تحصیلات ابتدایی میرداماد و استادان او پرداخته و با استناد به تاریخ عالم‌آرای عباسی، از هوش و استعداد سرشار میر در عنفوان جوانی سخن گفته است. او پس از اشاره به مدح میرداماد در اشعار ژلالی خوانساری، تعدادی از شاگردان نامدار وی - همچون ملاصدرا، قطب‌الدین اشکوری و ملاحسن فیض کاشانی - را نام برده است. نویسنده در ادامه، بیست و هفت عنوان از آثار میرداماد را در شش دسته تفسیر، حدیث، فقه، کلام، فلسفه و ادبیات طبقه‌بندی و معرفی کرده است.

اطلاعات نشر:

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi, Cilt 8: Cilve - Darünnedve, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı (TDV), 1993, ss. 435-436.

4.4.2. "Hudûs-i Dehrî", *İslâm Felsefesi Sözlüğü*, Mehmet VURAL.²

معرفی: نویسنده در این مدخل نظریه «حدوث دهری» را به اختصار روایت کرده است. بنا بر گزارش او، میرداماد با طرح این نظریه، راهی سوم در عرض نظریه «حدوث زمانی» متکلمان و نظریه «حدوث ذاتی» فلاسفه ترسیم کرده است. او ضمن تقسیم مراتب واقعیت به سه ساحت سرمد، دهر و زمان، تصریح کرده است که خداوند بدون آلودگی به کشش، زمان و مقدار، همه ممکنات را در ساحت دهر خلق می‌کند. بنا بر ادعای میرداماد، نظریه حدوث دهری نخستین پاسخ برهانی به مسئله حدوث و قدم جهان است.

اطلاعات نشر:

İslâm Felsefesi Sözlüğü, Mehmet VURAL, Ankara: Elis, 2003 (4. baskı, 2020), ss. 316-317.

4.4.3. "İsfahân Okulu", *İslâm Felsefesi Sözlüğü*, Mehmet VURAL.³

معرفی: این مدخل کوتاه به معرفی «مکتب فلسفی اصفهان» اختصاص دارد. نویسنده با اشاره به ارتباط وثیق این مکتب با مکتب شیراز، ارکان مکتب فلسفی را بدین ترتیب برشمرده است: فلسفه مشائی؛ عرفان ابن عربی و آثار ابن ترکیه؛ حکمت اشراقی سهروردی؛ تعالیم حدیثی و روایی شیعه. وی در ادامه، به مؤسسان و نمایندگان برجسته مکتب اصفهان - از جمله میرداماد، میرفندرسکی، شیخ بهایی و ملاصدرا - اشاره کرده است.

۱. «داماد، محمدباقر»، دایرة المعارف اسلام دیوان وقف ترکیه، مصطفی اوز.

۲. «حدوث دهری»، فرهنگ‌نامه فلسفه اسلامی، محمد وورال.

۳. «مکتب اصفهان»، فرهنگ‌نامه فلسفه اسلامی، محمد وورال.

اطلاعات نشر:

İslâm Felsefesi Sözlüğü, Mehmet VURAL, Ankara: Elis, 2003 (4. baskı, 2020), s. 406.

4.4.4. "MÎR DÂMÂD (1631)", *İslam Medeniyetinde Bilim Öncüleri*, Mehmet Nesim DORU.¹

معرفی: نویسنده در این مدخل کوتاه، شخصیت علمی میرداماد را با تأکید بر جایگاه او در تاریخ اندیشه معرفی کرده است. وی در بخش نخست، دربارهٔ حیات و شرح حال میرداماد سخن گفته و در بخش دوم، به رئوس آراء و آثار فلسفی او پرداخته است. نویسنده بخش سوم را به نقش میرداماد در تمدن اسلامی اختصاص داده و خاطرنشان کرده است که او با تلفیق دقیق اندیشه‌های مکاتب پیشین - از جمله حکمت سینوی، حکمت اشراقی و عرفان ابن عربی - با تعالیم حدیثی شیعه، روشی جدید در کسب معرفت عقلانی عرضه کرده است. نویسنده نظریهٔ «حدوث دهری» را شاهدی بر مدعای خود دانسته و تصریح کرده است که میرداماد ضمن پابندی به نظام‌های معرفتی پیشین، قرائتی جدید از فرآیند «خلقت» مطرح کرده است.

اطلاعات نشر:

İslam Medeniyetinde Bilim Öncüleri, Cilt 3: Felsefe, Editör: Mehmet AZİMLİ [ve] Fatih TOKTAŞ, İstanbul: Mana Yayınları, 2021, ss. 236-238.

4.4.5. "Mîr Dâmâd, Muhammed Bâkır", *İslâm Felsefesi Sözlüğü*, Mehmet VURAL.²

معرفی: این مدخل کوتاه، به معرفی میرداماد اختصاص دارد. نویسنده با اشاره به نسب و اجداد میرداماد، گزارش کوتاهی از زندگانی او ارائه داده است. همچنین، با اشاره به وجه تقلیب میرداماد به «معلم ثالث»، برخی آثار مشهور وی را در علوم عقلی - همچون القبسات، جذوات و مواقیت و الأفق المبین - را نام برده است.

اطلاعات نشر:

İslâm Felsefesi Sözlüğü, Mehmet VURAL, Ankara: Elis, 2003 (4. baskı, 2020), ss. 515-516.

۴.۵. ضمیمهٔ آثار ترکی استانبولی

مقالات این بخش، ارتباط مستقلی با شخصیت، زندگی، آراء و آثار میرداماد ندارند؛ اما اطلاعات مفیدی در اختیار خواننده قرار می‌دهند. جهت پرهیز از تکرار مطالب، به ذکر عنوان، نام نگارنده و اطلاعات نشر مقالات بسنده کرده‌ایم.

۱. «میرداماد (درگذشتهٔ ۱۶۳۱ میلادی)»، پیشگامان علم در تمدن اسلامی، محمد نسیم درو.

۲. «میرداماد، محمدباقر»، فرهنگ‌نامهٔ فلسفهٔ اسلامی، محمد وورال.

4.5.1. "İran ve Anadolu Medreselerinde Felsefî İlimlerin Yeri", Nurettin YAKIŞAN.¹

اطلاعات نشر:

Medrese ve İlahiyat Kavşağında İslâmî İlimler (Uluslararası Sempozyum),
 Editör: İsmail NARİN, Bingöl: Bingöl Üniversitesi Yayınları, 2013, ss. 485-502.

4.5.2. "Molla Sadrâ'nın Hudûs Yorumu", Mahmut MEÇİN [ve] Ali ÇAK-SU.²

اطلاعات نشر:

Kader (Mehmet BULĞEN), Sayı 2, Cilt 17, 2019, ss. 474-495.

۵. بخش پنجم: آثار آلمانی (Deutsch)

۵.۱. کتاب‌ها

5.1.1. *Einführung in die islamische Philosophie: Eine Geschichte des Denkens von den Anfängen bis zur Gegenwart*, Hamid Reza Yousefi.³

معرفی: نویسنده در این کتاب، تاریخ اندیشه فلسفی را در جهان اسلام به اختصار روایت کرده است. وی در فصل نخست به چستی فلسفه پرداخته و با روشی جذاب درباره ماهیت تفکر (Denken)، زبان به مثابه ابزار اندیشه و ریشه‌های کهن فلسفه اسلامی سخن گفته است. فصل دوم کتاب نیز مقدمه‌ای مفید برای فهم سیر تحول تفکر فلسفی در جهان اسلام است. نویسنده در این فصل، درباره تفکر در مشرق زمین، فلسفه، کلام عرفان و تفاوت آن‌ها و نیز، مواجهه مسلمانان با فلسفه یونانی بحث کرده است. فصل سوم که مفصل‌ترین بخش کتاب است، به روایت تاریخ فلسفه اسلامی ضمن دو بخش کلی پرداخته است. بخش نخست که «دوران شکوفایی اولیه» نام دارد، شامل ۱۴ فصل است. این فصل‌ها به ترتیب به روایت اندیشه جریان اعتزال، خوارزمی، کندی، زکریای رازی، فارابی، اخوان الصفا، ابن مسکویه رازی، ابن سینا، ابوریحان بیرونی، غزالی، ابن رشد، سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی و غیاث‌الدین دشتکی اختصاص دارند. بخش دوم «دوران نوزایی چندبُعدی» نام داشته و شامل مداخلی برای این شخصیت‌هاست: ابن خلدون؛ میرداماد؛ ملاصدرا؛ فیض کاشانی؛ ملا احمد نراقی؛ ملاهادی سبزواری. بخش سوم نیز با عنوان «دوران انتقادی معاصر»، دربردارنده مداخلی درباره میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف تبریزی، محمدعلی فروغی، علامه طباطبائی، مهدی حائری یزدی، عبدالجواد فلاطوری، محمد ارکون، محمد عابد الجابری، کرم خلیلا، سیدحسین نصر و رضا داوری اردکانی است.

نویسنده مدخل دوم از بخش دوم (صفحات ۱۳۸ تا ۱۴۰) را به میرداماد و دیدگاه او درباره رابطه

۱. «جایگاه علوم فلسفی در مدارس ایران و آناتولی»، نورالدین یاکیشان.

۲. «دیدگاه ملاصدرا درباره حدوث»، محمود مجین؛ علی چاکسو.

۳. درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی: سیر تاریخی اندیشه از آغاز تا امروز حمیدرضا یوسفی.

انسان با خدا اختصاص داده است. وی در این مدخل، ابتدا درباره جایگاه میرداماد در تاریخ اندیشه و شهرت او به «معلم ثالث» سخن گفته است. در ادامه، با اشاره به اوضاع اروپا در قرن هفدهم میلادی، خاطرنشان کرده است که در آن روزگار، جنگ‌های مذهبی تلخی در انگلستان و فرانسه در جریان بوده است. در همان دوران، گالیله دیده به جهان گشود و فرانسیس بیکن روش‌شناسی علمی مدرن را پایه نهاد. در سوی دیگر جهان اما، مکتب فلسفی اصفهان ظهور کرده بود. میرداماد در جایگاه مؤسس این مکتب، روش‌های معرفتی‌مثنائی کلام شیعی را با یکدیگر تلفیق کرده و در سایه تعالیم عرفانی، خوانشی جدید از سنت فلسفه اسلامی عرضه می‌کرد. به باور نویسنده، میرداماد زبان تمثیلی خود را از حکمت اشراقی وام گرفته و ادبیاتی جدید در فلسفه به کار برده است. او در ادامه، خاطرنشان کرده است که مسئله اساسی در فلسفه میرداماد، رابطه موجودات با خداوند و تفسیر عقلانی فرآیند «خلقت» است. نویسنده با گزارشی کوتاه از مراتب هستی در نظر میرداماد و نظریه «حدوث دهری»، پاسخ او را به این مسئله تبیین کرده است. به باور نگارنده، در متافیزیک میرداماد، نخستین مسئله فلسفی، مواجهه انسان با خداست؛ مسئله‌ای که پس از میرداماد نیز جایگاه خود را در اندیشه حکماء مکتب اصفهان حفظ کرد.

اطلاعات نشر:

Paderborn: Wilhelm Fink, 2014.

5.1.2. *Islamische Philosophie: Von den Anfängen bis zur Gegenwart*, Ulrich Rudolph.¹

معرفی: این کتاب، مجموعه‌ای یک جلدی و مختصر درباره تاریخ فلسفه اسلامی است. نویسنده طی پانزده فصل، تحولات کلی اندیشه فلسفی را در جهان اسلام بررسی کرده است. وی مباحث خود را از ورود فلسفه به جهان اسلام آغاز کرده و فصول کتاب را به ترتیب، به کندی، ابوبکر رازی، فارابی، ابن سینا، غزالی، ابن باجه، ابن طفیل، ابن رشد، سهروردی اختصاص داده و دوران پساسینوی، مکتب اصفهان و مواجهه ایرانیان با فلسفه اروپایی را در فصل‌های جداگانه‌ای روایت کرده است. فصل چهاردهم از این کتاب (صفحات ۹۹ تا ۱۰۴)، به ملامت‌درا و مکتب اصفهان اختصاص دارد. نویسنده در این فصل، با اشاره به جایگاه مکتب اصفهان در تاریخ فکر شیعی، نمایندگان برجسته و مؤسسان آن را معرفی کرده است. به باور وی، مکتب اصفهان طلیعه نوآوری‌ها و نگرش‌های جدید به مسائل فلسفی است. فلاسفه ایرانی در عصر صفوی، با استفاده از تعالیم حکماء پیشین و نیز الهام از الهیات شیعی و آموزه‌های عرفانی، دیدگاه‌های جدیدی در حوزه معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی عرضه کرده‌اند.

نویسنده در ادامه، خاطرنشان کرده است که میرداماد در مقام بنیان‌گذار این مکتب، علاوه بر وفاداری به سنت مثنائی، در اندیشه خود از فلسفه سهروردی و عرفان ابن عربی نیز اثر پذیرفته است. او با اشاره به شخصیت معنوی میرداماد و خلسه‌های ملکوتی او، اهمیت شهود و مکاشفه را در نظر وی تبیین کرده است. نویسنده در ادامه، از اهمیت مسئله حدوث و قدم در الهیات اسلامی

۱. تاریخ فلسفه اسلامی: از آغاز تا امروز، اولریش رودولف.

و نزاع سخت متکلمان با فلاسفه در این مبحث (به ویژه نقدهای غزالی بر ابن سینا) سخن گفته و به دیدگاه میرداماد درباره خلقت پرداخته است. نویسنده پس از تبیین دیدگاه میرداماد درباره مراتب سه گانه «زمان»، «دهر» و «سرمد»، نظریه «حدوث دهری» را به اختصار تقریر کرده است. او در ادامه این فصل، به شخصیت ملاصدرا پرداخته و دیدگاه های فلسفی او را مرور کرده است.^۱

اطلاعات نشر:

München: C. H. Beck, 2004 (4. Auflage, 2018).

+ ترجمه:

- ایتالیایی:

La filosofia islamica, Ulrich Rudolph, Tradotto da: Carmela Baffioni, Bologna: Il Mulino, 2006.

- فرانسوی:

La philosophie islamique: Des commencements à nos jours, Ulrich Rudolph, Traduit par: Véronique Decaix, Paris: Vrin, 2014.

۵.۲. مقالات

5.2.1. “Die Wiederbelebung der Philosophie im Iran (Ein Überblick): Mir Dāmād”, Abdolamir Johardelvari.²

معرفی: نویسنده در ابتدای مقاله، زندگی، آثار و شاگردان میرداماد را به اختصار مرور کرده و پس از بررسی هستی شناختی نظریات فیلسوفان مسلمان درباره مفهوم وجود، به سراغ آراء میرداماد رفته است. از نظر وی، نظریه «حدوث دهری» محور اصلی فلسفه میرداماد و فصلی نو در تحول مباحث فلسفی در جهان اسلام به شمار می رود. میرداماد با طرح این نظریه، علیت و فرآیند خلقت را از منظر تازه ای بررسی کرده است. به نظر نویسنده، میرداماد در القیاسات با رویکردی عرفانی به مفهوم «وجود» پرداخته و رابطه طولی سرمد با دهر و دهر با زمان را به رابطه نفس با بدن تشبیه کرده است. او از این طریق، مراتب هستی شناختی جهان معقول را بر فراز جهان مادی تبیین کرده است. نگارنده در ادامه، به مرتبه سرمد و جایگاه آن در متافیزیک میرداماد پرداخته است. به باور او، نسبت سرمد با جهان ما همچون تصویر ماه است که در جریان آب رودخانه افتاده است. در این صورت بندی، عالم دهر به مثابه واسطه ای فرازمانی در میان این دو جهان ثابت و متغیر قرار گرفته است.

نویسنده در بخش بعدی، به مراتب طولی و عرضی وجود پرداخته و خاطر نشان کرده است که در نظر میرداماد، زنجیره عرضی زمان مند و زنجیره طولی که با عالم ربوبی مرتبط است، در پنج سطح - از عقل محض یا نورالأنوار تا هیولای ارسطویی - امتداد یافته اند. نویسنده همچنین، بر

۱. حسب اطلاع ما، دکتر رودولف و همکاران او، مدخلی مفصل از مجموعه جدید فلسفه در جهان اسلام (*Philosophie in der islamischen Welt*) را به میرداماد اختصاص داده اند. این مدخل ضمن مجلد

مربوط به تاریخ فلسفه اسلامی در قرن هفدهم میلادی، به زودی منتشر خواهد شد.

۲. «احیاء فلسفه در ایران (مروری کلی): میرداماد»، عبدالامیر جوهردلوازی.

اثرپذیری میرداماد از سوره مبارکه «النور» و توحید ذاتی تأکید کرده است. وی در بخش بعدی، مسئله وجود و ماهیت را در اندیشه میرداماد بررسی کرده است. او ابتدا اقوال فیلسوفان اصالت وجودی مانند ابن سینا، ملاصدرا و سبزواری را نقل کرده و سپس، مقابله میرداماد را با این نظریه، بر اساس متن کتاب القبسات گزارش کرده است.

نگارنده در ادامه مقاله، به دیدگاه کیهان‌شناختی / انسان‌شناختی میرداماد در تقسیم جهان به عالم اکبر (جهان هستی) و عالم اصغر (انسان) پرداخته و او را فیلسوفی با گرایش‌های افلاطونی معرفی کرده است. سپس، با مراجعه به کتاب جذوات و مواقیت، مخالفت میرداماد را با «عالم برزخ» نشان داده و این دیدگاه را با گرایش‌های مثانی وی مرتبط دانسته است. نگارنده خاطرنشان کرده است که تلاش میر در تطبیق پدیده‌های تکوینی بر حروف و اعداد، نشانی آشکار از تأثیر آموزه‌های فیثاغورثی بر نظام اندیشه اوست.^۱

اطلاعات نشر:

Die Wiederbelebung der Philosophie im Iran, Berlin: Peter Lang AG, 1994, Teil 1, ss. 23-40.

5.2.2. "Mir Dāmād und die Schule von Isfahan: Einheit und Differenz von Philosophie, Kalām und Überlieferung", Sedigheh Khansari Mousavi.²

معرفی: این مقاله به بازخوانی دیدگاه میرداماد درباره جبر و اختیار بر اساس رساله الإیقاظات اختصاص دارد. نویسنده ابتدا به رسمیت یافتن مذهب تشیع در عصر صفوی اشاره کرده و آن را زمینه‌ای مهم برای ظهور مکتب اصفهان دانسته است. وی در ادامه، به مکتب اصفهان و ویژگی‌های آن پرداخته و تذکر داده است که نباید مکتب اصفهان را به مدرسه‌ای فلسفی تقلیل داد. این جریان آشکارا در خدمت الهیات شیعی بوده و بدین جهت، می‌توان آن را «مکتب کلامی اصفهان» نیز نامید. نگارنده بر این باور است که سه جریان عمده در مکتب کلامی اصفهان حضور داشته‌اند: جریان حدیث‌گرایی سنتی، جریان فلسفی در امتداد مکتب شیراز، جریان کلامی در امتداد مدرسه حله. او میرداماد را یکی از چهره‌های درخشان جریان سوم دانسته و روش او را تلفیقی از کلام، عرفان و فلسفه معرفی کرده است.

نگارنده، رساله الإیقاظات را نمونه‌ای گویا از روش کلامی / فلسفی میرداماد دانسته و محتوای آن را بررسی کرده است. او ابتدا درباره اهمیت این موضوع در اندیشه اسلامی سخن گفته و تاریخچه‌ای از نزاع جبرگرایان و تفویض‌گرایان ارائه داده است. سپس، خاطرنشان کرده است که متن الإیقاظات، ترکیبی از سه رویکرد متفاوت در مکتب اصفهان است: بخشی از آن به احادیث،

۱. حسب بررسی ما، نویسنده بخشی از رساله دکتری خود را که بعدها با عنوان فلسفه ایرانی از زرتشت تا سبزواری (*Iranische Philosophie Von Zarathustra Bis Sabzewari*) منتشر شده، به میرداماد و مکتب اصفهان اختصاص داده است. دسترسی به این کتاب تا زمان نگارش این مدخل فراهم نشد.

۲. «میرداماد و مکتب اصفهان: وحدت و تفاوت فلسفه، کلام و عرفان»، صدیقه خوانساری موسوی.

بخشی دیگر به کلام شیعی و بخشی نیز به اصطلاحات فلسفی اختصاص دارد. وی در ادامه، تلخیصی شرح‌گونه از مقدمه و شش فصل این رساله ارائه داده است. وی در هر بخش، عبارات میرداماد را به شکلی ساده بیان کرده و رویکرد او را نشان داده است. بنا بر گزارش نویسنده، رویکرد میرداماد در ایقاظ‌های اول، دوم، سوم و ششم، کلامی / فلسفی است؛ اما او در ایقاظ چهارم، نودودو روایت را دربارهٔ اختیار انسان از منابع شیعی نقل کرده و در ایقاظ پنجم، نتیجهٔ قرائت خود را از این روایات عرضه کرده است. به عقیدهٔ نگارنده، رسالهٔ ایقاظات، نشان‌دهندهٔ وفاداری میرداماد به دو سنت عقلی و نقلی در اندیشهٔ اسلامی است. او با این روش، علاوه بر مخالفان فلسفه، با اخباریان مخالف اجتهاد نیز مقابله کرده است.

اطلاعات نشر:

The Turn (Al-Mustafa Institut - Berlin), Ausgabe 2 (Sprache und Zeichen),
Dezember 2019, ss. 95-109.

۵.۳. مداخل دایرة المعارفی

5.3.1. "M. Bāqir b. M. al-Dāmād", *Geschichte Der Arabischen Litteratur* (GAL), Carl Brockelmann.¹

معرفی: این اثر یکی از مراجع قدیمی و مشهور در حوزهٔ کتاب‌شناسی آثار عربی است که علی‌رغم گذر زمان، هنوز دقیق، تازه و کامل است. بروکلمان در مدخل مربوط به میرداماد، فهرستی کامل و دقیق از آثار او در حوزهٔ علوم عقلی و نقلی فراهم آورده است. او همچنین، برخی شروح، حواشی و جوابیه‌های آثار میر را معرفی کرده است. امتیاز کار بروکلمان، توجه او به نسخه‌های خطی و چاپ‌سنگی این آثار است. وی در ارائهٔ اطلاعات نسخه‌شناختی، از فهرس کتابخانه‌های هندوستان و ترکیه بسیار بهره برده است.

اطلاعات نشر:

Geschichte Der Arabischen Litteratur (GAL), Carl Brockelmann, Leiden: Brill,
1938, Supplementband 2, ss. 579-580.

5.3.2. "Mīr Dāmād", *Der Eine und das Andere*, Josef van Ess.²

معرفی: نویسنده در این مدخل مختصر، شخصیت علمی میرداماد را معرفی کرده است. او پس از اشاره به ولادت، پدر و مادر و تحصیلات ابتدایی میرداماد، خاطرنشان کرده است که او به واسطهٔ شاگردی فخرالدین سَمَکِی استرآبادی، به مکتب شیراز و جریان دشتکی مرتبط می‌شود. او همچنین، با اشاره به اتصال نسبی میرداماد به محقق کرکی، دربارهٔ جایگاه اجتماعی و سیاسی او سخن گفته است. او با اشاره به دیدگاه میر دربارهٔ تشیع و حدیث «فرقهٔ ناجیه»، این مدخل را به پایان برده است.

اطلاعات نشر:

۱. «محمدباقر بن محمد الداماد»، تاریخ ادبیات عربی، کارل بروکلمان.

۲. «میرداماد»، یکی و دیگری، جوزف فان‌اِس.

Der Eine und das Andere: Beobachtungen an islamischen häresiographischen Texten, Josef van Ess, Berlin: De Gruyter, 2011, Band 1, ss. 1137-1138.

۶. بخش ششم: آثار روسی (Русский)

۶.۱. کتاب‌ها

6.1.1. *История арабо-мусульманской философии: Учебник*, Смирнов Андрей Вадимович.^۱

معرفی: این کتاب که نتیجه همکاری تعدادی از اسلام‌شناسان روسی با اسمیرنوف آندری وادیموویچ است، یکی از معدود متون درسی درباره تاریخ فلسفه اسلامی به زبان روسی است. کتاب در پنج بخش کلی تدوین شده و هر بخش شامل فصل‌هایی است. نویسندگان در پایان هر فصل، سؤالاتی برای تمرین و خودآزمایی دانشجویان طرح کرده‌اند. نویسندگان بخش نخست کتاب را به کلیات تفکر عقلانی در بستر اسلامی اختصاص داده و در دو فصل، درباره موضوعاتی همچون رابطه مفاهیم «اسلام» با «فرهنگ عربی/اسلامی»، رسالت نبوی و ظهور اسلام، شیعه و اهل سنت، قرآن و سنت، شریعت و فقه، اخلاق اسلامی، زبان عربی و تصویر جهان، ورود علوم فلسفی به جهان اسلام و فلسفه و ایمان اسلامی سخن گفته‌اند. بخش دوم کتاب به فلسفه کلاسیک در جهان اسلام اختصاص دارد. نویسندگان در این بخش، ضمن پنج فصل، سیر تفکر اسلامی را بدین ترتیب بررسی کرده‌اند: اعتزال (ظهور اعتزال، تقابل معزلیان با اشاعره، تعالی علم کلام، شناخت ذات و صفات الهی، اطمینان مسلمان، مسئله «شر» و «حسن و قبح»؛ فلسفه مشائی (هستی‌شناسی مشائی، ادبیات فلسفی، مفهوم «علم» و نفس و تجرّد آن؛ فلسفه اشراقی (سهروردی، حیات و آثار او، هستی‌شناسی اشراقی، ادبیات فلسفی، نگرش اشراقیان به مدارس دیگر و اشراقیان متأخر؛ اسماعیلیه (منابع فکری اسماعیلیان، شناخت خدا و صفات او، هستی‌شناسی اسماعیلی و نگرش اسماعیلیان به اخلاق و تاریخ)؛ تصوف (منشأ تصوف، پیدایش سنت عرفانی در جهان اسلام، تصوف اعتقادی، ابن عربی و تعالیم او). نویسندگان بخش سوم کتاب را به دوران متأخر فلسفه اسلامی اختصاص داده و ضمن دو فصل، به تفکر اجتماعی ابن خلدون و فلسفه اسلامی در عصر صفوی (میرداماد و ملاصدرا) پرداخته‌اند. بخش چهارم کتاب نیز به فلسفه اسلامی در جهان معاصر اختصاص دارد. نویسندگان در سه فصل، درباره فلسفه علم، انسان‌شناسی و آینده فلسفه اسلامی سخن گفته‌اند. چنان‌که گذشت، فصل دوم از بخش سوم کتاب، به مکتب فلسفی اصفهان اختصاص دارد. تدوین این فصل از کتاب، بر عهده یانس اشوتس بوده است. او در مدخل مربوط به میرداماد (صفحات ۲۰۶ تا ۲۰۹)، ابتدا درباره کلیات زندگی علمی و اجتماعی میرداماد (نسب، ولادت، تحصیلات و استادان) سخن گفته و سپس، به حکمت یمانی، رئوس و مبانی آن پرداخته است. نویسنده پس از معرفی برخی آثار میرداماد، نظریه «حدوث دهری» را به اختصار تفسیر کرده است. او علاوه بر تبیین هستی‌شناسی سه‌لایه میرداماد، تفاوت دیدگاه او را با این سینا مشخص کرده است. اشوتس تأکید کرده است که میرداماد با ارائه نظریه حدوث دهری، نوعی موضع

۱. تاریخ فلسفه عربی/اسلامی: کتاب درسی، اسمیرنوف آندری وادیموویچ.

آشتی جویانه میان فلسفه مشائی و کلام سنتی اتخاذ کرده است.
اطلاعات نشر:

Москва: Академический Проект, 2013.

6.1.2. *История арабо-мусульманской философии: Антология*, Смирнов Андрей Вадимович.¹

معرفی: این اثر به منزله مجلد تکمیلی کتاب پیشین است. نویسندگان برای آشنایی مخاطبان با متون فلسفه اسلامی و با الهام از منتخباتی از آثار حکماء الهی ایران - که اثر مشترک هنری کرین و سید جلال الدین آشتیانی است - مجموعه‌ای از متون کلیدی اندیشه اسلامی را در این مجلد گردآورده و به زبان روسی ترجمه کرده‌اند. بخش بندی ساختار کتاب، دقیقاً متناظر و مطابق با کتاب درسی پیش گفته است. بر این اساس، فصل دوم از بخش سوم کتاب، به مکتب فلسفی اصفهان اختصاص یافته است. متون این فصل را یانیس اشوتس گزینش و ترجمه کرده است. او برای آشنایی خواننده با زبان و اندیشه فلسفی میرداماد - به ویژه در تدوین نظریه «حدوث دهری» - بخش‌هایی از کتاب الإیماضات میرداماد را ترجمه کرده است. موضوعات این گزیده‌ها عبارت‌اند از: زمان و مکان؛ زمان، دهر و سرمد؛ نسبت وجود زمانی با وجود هری؛ نسبت دهر با سرمد.
اطلاعات نشر:

Москва: Академический Проект, 2013.

+ باز نشر:

دو کتاب پیش گفته، در مجلدی واحد با این مشخصات باز نشر شده‌اند:

История арабо-мусульманской философии: Учебник и Антология,
Смирнов Андрей Вадимович, Москва: Сафра, 2020.

۶.۲. مقالات

6.2.1. “Несколько слов о Мир Дамаде: Проблески (Имадāt)”, Янис Эшотс.²

معرفی: این مقاله، بخشی از مطالعات نویسنده درباره مکتب اصفهان در دوران پیش از ملاحصدراست که به ترجمه بخش‌هایی از کتاب الإیماضات به زبان روسی اختصاص دارد. اشوتس در بخش نخست این مقاله، شرح حالی مختصر از میرداماد ارائه داده است. وی نخست درباره ولادت و تحصیلات اولیه میر سخن گفته و در ادامه، استادان او را در علوم عقلی و نقلی نام برده است. بنا بر گزارش او، میرداماد به واسطه شاگردی فخرالدین سّماکی استرآبادی، به مکتب شیراز اتصال می‌یابد. نویسنده در ادامه، به جایگاه سیاسی و اجتماعی میرداماد پرداخته و خاطر نشان کرده است که او به سبب جایگاه رفیعش در فقهت و نیز خویشاوندی با محقق کرکی، یکی از چهره‌های مؤثر در سیاست

۱. تاریخ فلسفه عربی / اسلامی: گزیده‌ای از متون، اسمیرنوف آندری وادیموویچ.

۲. «کلماتی چند درباره میرداماد: [کتاب] الإیماضات»، یانیس اشوتس.

عصر صفوی بوده؛ چنان‌که منصب شیخ‌الاسلامی را پس از وفات شیخ بهایی بر عهده گرفته است. اشوتس در بخش بعدی، تنی چند از شاگردان میرداماد - همچون ملاصدرا، سیداحمد علوی عاملی، ملاشمسای گیلانی و قطب‌الدین اشکوری - را معرفی کرده و شش عنوان از آثار مشهور وی را نام برده است. او در ادامه، به نظریه «حدوث دهری» پرداخته و پس از اشاره به معنای اصطلاحی «سرمد»، «دهر» و «زمان»، تقریری مختصر از این نظریه ارائه داده است. به‌باور اشوتس، میرداماد در تدوین نظریه حدوث دهری، تحت‌تأثیر آموزه‌های ابن‌سیناست؛ اما مفاهیم و ساختار حکمت سینوی را در خدمت نظریه خود توسعه داده است. به‌باور نویسنده، دیدگاه میرداماد راهی میانه در نزاع متکلمان و فلاسفه در نزاع حدوث و قدم عالم است. او در بخش دیگر مقاله، کتاب الإیماضات میرداماد را معرفی کرده و دو «سقایه»ی اول و دوم آن را به زبان روسی برگردانده است.

اطلاعات نشر:

Ишрак: ежегодник исламской философии (Российская академия наук), № 5, 2014, сс. 137-189.

ضمائم

[تصویر شماره ۱]

		The Maharaja Sayajirao University of Baroda Faculty of Arts Department of Persian, Arabic & Urdu Bhasha Sahitya Bhavan, Nr.D.N.Hall, Vadodara-390 002		ACADEMIC YEAR 2016-2017	
Master of Arts (Persian) : Regular					
YEAR	I	CORE - 07 Persian Scholars During Sefavid and Qachar Period Paper Code- PAU2202		CREDIT	3
Semester	II			HOURS	45
OBJECTIVES:					
1. This will bring proficiency of Persian language among the students. 2. This will help the students in acquiring the knowledge of Persian language and literature					
COURSE CONTENT/ SYLLABUS					
UNIT-I		Title:			12 hrs.
		(1) General Survey of the Literary activities During the Safavid and Qachar period Major Scholars of the Period:- (2) Life and Works of Shaikh Bahai (3) Life and Works of Ghayyusuddin Khand Mir			
UNIT-II		Title:			11 hrs.
		(4) Life and Works of Iskander Munshi (5) Life and Works of Mir Muhammad Baqar known as Mir Damsad (6) Life and Works of Sadruddin Muhammad Shirazi Known as Mulla Sadra			
UNIT-III		Title:			11 hrs.
		(7) Life and Works of Mullah Mohsin Faiz Kashani (8) Life and Works of Abul Qasim Firdariski			
UNIT-IV		Title:			11 hrs.
		(9) Life and Works of Raza Quli Khan Tabristani (10) Life and Works of Mir Baqir Majlisi (11) Life and Works of Rafiuddin Muhammad waiz Qazvini			
REFERENCES					
1		Raza Zadeh Shafiq, Tarikh-i-Adabiyat-i-Iran, Translated (into Urdu) by Syed Mahabuddin Rafat, Darul Masannefeen, Delhi, 1982			
2		E.G.Browne, A Literary History of Persia, Vol.III, Cambridge University Press, Cambridge			
3		Karl Jahn (Editor), History of Iranian Literatures (Jan Rypka), D. Reidal Publishing Company, Dordrecht, Holland, 1968			
4		Shibli Naumani, Shairul Ajam, Vol.III, Azam Gharh (U.P.), 1920			

آراء و آثار میرداماد در برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته «هنر ایرانی» دانشگاه «ماهاراجه سایاجیرو» (The Maharaja Sayajirao University of Baroda) (گجرات هندوستان)

[تصویر شماره ۳]

Mīr Dāmād

**Kitāb al-Qabasāt:
The Book of Blazing Brands**

کتاب القبسات

A Provisional English Translation, Introduction, and Notes.
Including Selections from Sayyed Aḥmad ‘Alawī’s
Sharḥ Kitāb al-Qabasāt

by

Keven Brown

Global Scholarly Publications
New York

صفحه عنوان ترجمه انگلیسی کتاب القبسات
(*Kitāb Al-Qabasāt: The Book of Blazing Brands*) (1.1.5)

[تصویر شماره ۳]

Patterns of Wisdom
in Safavid Iran

*The Philosophical School of Isfahan
and the Gnostic of Shiraz*

Janis Esots

I.B. TAURIS
in association with
The Institute of Ismaili Studies
LONDON, 2021

صفحه عنوان کتاب انگاره‌های فلسفی در ایران عصر صفوی
(*Patterns of Wisdom in Safavid Iran*) (1.1.7)

[تصویر شماره ۴]

بِسْمِ اللَّهِ

THE FUNDAMENTALITY OF QUIDDITY OR EXISTENCE BETWEEN
MĪR DĀMĀD AND HIS STUDENT MŪLLĀ ṢADRĀ

By: Ayman A. Khāliq

Under the Supervision of

Prof. Ja'far A. Ḥājī

Prof. Richard C. Stone

[Translated by Zaid Alsalami]

Thesis submitted as a partial fulfillment for PhD. in Philosophy

The American International University in London

May 2006

صفحه عنوان رساله اصالت ماهیت یا وجود میان میرداماد و شاگرد او، ملاًصدرا

(*The Fundamentality of Quiddity or Existence*

between Mīr Dāmād and his student Mullā Ṣadrā) (1.2.1)

[تصویر شماره ۵]

**The Philosophical Discourse of Mīr Dāmād: A
Comparative Study of Meta-Temporal Origination and
Mullā Ṣadrā's Origination by Renewal**

Zaid Alsalami

2021

A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy at the
Australian National University

Zaid Alsalami

All Rights Reserved

صفحه عنوان رساله گفتمان فلسفی میرداماد: مطالعه‌ای تطبیقی دربارهٔ حدوث دهری و حرکت جوهری
(*The Philosophical Discourse of Mīr Dāmād: A Comparative Study of Perpetual
Creation and Transubstantial Motion*) (1.2.2)

[تصویر شماره ۶]

UNIVERSITY OF CALIFORNIA

Los Angeles

Time, Perpetuity, and Eternity

Mir Dāmād's Theory of Perpetual Creation and
the Trifold Division of Existence: An Analysis of
Kitāb Al-Qabasāt: The Book of Blazing Brands

A dissertation submitted in partial satisfaction of the
requirements for the degree Doctor of Philosophy
in Near Eastern Languages and Cultures

by

Keven Alexander Brown

2006

صفحه عنوان رساله زمان، دهر و سرمد: میرداماد و نظریه حدوث دهری و تقسیم سه گانه هستی...
(*Time, Perpetuity, and Eternity: Mir Dāmād's Theory of Perpetual creation and The
Trifold Division of Existence: An Analysis of Kitāb Al-Qabasāt*) (1.2.3)

[تصویر شماره ۷]

Table 1 Responses to the compatibility questions							
Compatibility questions	CQ.1	CQ.2	CQ.3	CQ.4	CQ.5	CQ.6	CQ.7
Conceptions of CEN							
TH	No	No	Yes	No	No	Yes	Yes
ENT	Yes	Yes	No	No	Yes	No	Yes
OMT	No	No	No	Yes	Yes	No	Yes
STNH	No	Yes	Yes/ No	No	Yes	No	Yes

جدول سازگاری در نظریات «خلقت از عدم»
 برگرفته از مقاله «چهار برداشت از [آموزه] «خلقت از عدم» و سؤالات سازگاری»
 (1.3.9) ("Four Conceptions of Creatio ex Nihilo and the Compatibility Questions")

[تصویر شماره ۸]

Table 1: Zamān, Dahr and Sarmad			
	Zamān	Dahr	Sarmad
Nasr	time	eternity	eternity
Dabashi	temporality	atemporality	everlasting
Izutsu	Time	Meta-Time	No-Time
Corbin	<i>le temps</i>	<i>perpétuité</i>	<i>éternité</i>
Wehr	time, fate, destiny	time, epoch, eternity, fate, destiny	endless duration, eternity
Böwering	a long time having beginning and end (= Gk <i>chrónos</i>)	time from the beginning of the world to its end (= Gk <i>aión</i>)	incessant continuance
Afnan	time	eternal duration	absolutely fixed time, perpetuity
Koran	Non-Koranic	K. 45: 24	K. 28:71

جدول معانی «زمان»، «دهر» و «سرمد»
 برگرفته از مقاله «وارث سهروردی؟ فلسفه اشراقی میرداماد»
 (1.3.25) ("Suhrawardī's Heir? The Ishrāqī Philosophy of Mīr Dāmād")

[تصویر شماره ۹]



حکماء مدرسه اصفهان ودراسة خلق العالم من العدم

المؤلف: الدكتور سعيد نظري توکلي

جامعة طهران



مجموعه الهدى للنشر و التوزيع الدولي
۲۰۱۶

صفحة عنوان كتاب حکماء مدرسه اصفهان و دراسة خلق العالم من العدم (۲، ۱، ۳)

[تصوير شماره ١٠]

د. عادل محمود بدر

مفهوم الحدوث الدهري في ميتافيزيقا الوجود

عند

الميرداماد / محمد باقر الداماد الحسيني

دار الحوار

صفحة عنوان كتاب

مفهوم الحدوث الدهري في ميتافيزيقيا الوجود عند الميرداماد محمدباقر الداماد الحسيني (٢٠١٥)

كتاب گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه ميرداماد (پاره ششم)

[تصاویر شماره ۱۱ و ۱۳]

جدول رقم: (۱) صور النسبة بين أقسام الحدوث والقدم (المفاهيم المصدرية)^{۱۱}

الجدول رقم: (۱)					
صور النسبة بين أقسام الحدوث والقدم					
المفاهيم المصدرية (۱۵) كلها تباین					
حدوث ذاتي	حدوث دهری	حدوث زماني	قدم ذاتي	قدم دهری	قدم زماني
حدوث دهری	حدوث زماني	قدم ذاتي	قدم دهری	قدم زماني	
حدوث زماني	قدم ذاتي	قدم دهری	قدم زماني		
قدم ذاتي	قدم دهری	قدم زماني			
قدم دهری	قدم زماني				
قدم زماني					

جدول رقم: (۲) صور النسبة بين أقسام الحادث والقديم (المفاهيم الاشتقاقية على الإطلاق)^{۱۲}

جدول رقم: (۳) صور النسبة بين أقسام الحادث والقديم (المفاهيم الاشتقاقية مع بيان الأعم والأخص)

الجدول رقم: (۳)		
صور النسبة بين أقسام الحادث والقديم (المفاهيم الاشتقاقية) مع بيان الأعم والأخص		
۸ تباین - ۶ عموم وخصوص مطلق - ۱ عموم وخصوص من وجه		
التباین ۸	عموم وخصوص مطلق ۶ (القسم الأول أعم والقسم الثاني أخص)	عموم وخصوص من وجه ۱
قديم ذاتي مع قديم زماني	حادث ذاتي مع حادث دهری	قديم دهری مع حادث ذاتي
قديم ذاتي مع حادث ذاتي	حادث ذاتي مع حادث زماني	
قديم ذاتي مع حادث دهری	حادث ذاتي مع قديم زماني	
قديم ذاتي مع حادث زماني	قديم دهری مع قديم ذاتي	
قديم دهری مع حادث دهری	قديم دهری مع قديم زماني	
قديم دهری مع حادث زماني	حادث دهری مع حادث زماني	
قديم زماني مع حادث دهری		
قديم زماني مع حادث زماني		

نمونه‌هایی از نمودارهای مربوط به نظریهٔ «حدوث دهری»
برگرفته از رسالهٔ ابراهیم الحلی المداری و کتابه «اللمعة» (۲،۲،۱)

[تصوير شماره ۱۳]



صفحه عنوان رساله أصالة الماهية بين السيد الداماد و كانت: دراسة مقارنة، نقد و تحليل (۲،۲،۲)

[تصویر شماره ۱۴]

بحوث استدلالیة حول کتاب ضوابط الرضاع

للسید محمد باقر الداماد المعروف بالمیر داماد
و
الملقب بالمعلّم الثالث.

السید مجتبی المیر دامادی

صفحه عنوان رساله بحوث استدلالیة حول کتاب «ضوابط الرضاع» للسید محمدباقر الداماد (۲/۳، ۳)

[تصوير شماره ١٥]



وزارة التعليم العالي والبحث العلمي
جامعة الكوفة
كلية الفقه

السيد الداماد وآرؤه الحديثية

رسالة قدمت إلى مجلس كلية الفقه / جامعة الكوفة

وهي جزء من متطلبات درجة الماجستير في الشريعة والعلوم الإسلامية

تقدمت بها الطالبة

هديل عزيز عبود الطالقاني

صفحه عنوان پايان نامه السيد الداماد و آرؤه الحديثية (٢٠٢٥)

[تصویر شماره ۱۶]



مجتمع آموزشی امام خمینی (ره)

رساله علمی سطح دکتری رشته ... فلسفه اسلامی.
تکرایش .. فلسفه.

عنوان: حدوث العالم بین میرداماد و ملاصدرا

استاد راهنما

آیت الله دکتر احمد عابدی

استاد مشاور

دکتر محمد رضا پور

طلبه

سید عبداللطیف مواب

کد کمیوتر ۳۶۶/۲۳

تاریخ دفاع:

۱۳۹۷،۰۴،۱۰

صفحه عنوان رساله حدوث العالم بین المیرداماد و الملاصدرا (۲،۳،۶)

[تصویر شماره ۱۷]

رسائل جامعیه
۴

الفکر الفلسفی عند المیرداماد الاسترآبادی

تألیف
الدکتور رفوف سبهایی

دار المورخ العربی
بهران

صفحه عنوان کتاب فکر الفلسفی عند المیرداماد الاسترآبادی
بازنشر رساله شماره ۲،۳،۷

کتاب گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه میرداماد (پاره ششم)

[تصوير شماره ١٨]



وزارة التعليم العالي والبحث العلمي
جامعة الكوفة - كلية الآداب - قسم الفلسفة

مسألة الحدوث دراسة مقارنة بين الميرداماد والسبزواري

رسالة قديمها

طه محمد جواد

إلى مجلس كلية الآداب - جامعة الكوفة - قسم الفلسفة
وهي من متطلبات درجة الدكتوراه فلسفة في الفلسفة

بإشراف الأستاذ المساعد الدكتور

ستار جبر الأعرجي

٢٠١٥ م

١٤٣٦ هـ

صفحة عنوان رسالة مسألة الحدوث : دراسة مقارنة بين الميرداماد و السبزواري (٣٣٩)

[تصوير شماره ١٩]



جامعة المنصورة
كلية الآداب
قسم الفلسفة

**ميتافيزيقا الحدوث بين الاتجاهين
الماهوي والوجودي في الفلسفة الإسلامية
(الميرداماد والشيرازي نموذجاً)
دراسة نقدية مقارنة**

Metaphysics of contingency between
The Essential and existential systems
In Islamic Philosophy: Mirdamad and
Mulla Sadra as an example

رسالة دكتوراة مقدمه من

الباحث / هشام أحمد محمد إبراهيم السعيد

المدرس المساعد بقسم الفلسفة كلية الآداب - جامعة المنصورة
لتل درجة الدكتوراه في الفلسفة - الفلسفة الإسلامية والتصوف

تحت إشراف

أ.د/ عادل محمود عمر بدر

أستاذ الفلسفة الإسلامية وتاريخها
ورئيس قسم الفلسفة
كلية الآداب - جامعة المنصورة

٢٠٠٨

كتاب كزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه ميرداماد (پاره ششم)

صفحه عنوان رساله ميتافيزيقيا الحدوث بين الاتجاهين الماهوي والوجودي
في الفلسفة الإسلامية: الميرداماد والشيرازي نموذجاً (٢٠١٠م)

[تصوير شماره ٢٠]

كلية الآداب



كلية الآداب
قسم الفلسفة

ميتافيزيقا الوجود والماهية بين الميرداماد الأسترآبادي ومرتضى

المطهرى

"دراسة تحليلية نقدية مقارنة"

Metaphysics of the Existence and Essence between
Al – Mir Damad Al – Astarabadi and Murtadha
Mutahhari

" A Comparative Critical Analytic Study "

رسالة مقدمة لاستكمال متطلبات الحصول على درجة دكتوراه الفلسفة في الفلسفة
(شعبة الفلسفة الإسلامية) (ببرنامج الساعات المعتمدة)

إعداد

ماجدة رمضان مصطفى محمود

مدرس مساعد - قسم الفلسفة
كلية الآداب - جامعة الإسكندرية

لجنة الإشراف:

الأستاذ الدكتور

عباس محمد حسن سليمان

أستاذ الفلسفة الإسلامية وتاريخ العلوم عند العرب وعميد الكلية السابق

كلية الآداب - جامعة الإسكندرية

1441هـ / 2020م

صفحة عنوان رساله ميتافيزيقيا الوجود و الماهية بين الميرداماد الأسترآبادي و مرتضى المطهرى (٢٠٢١، ٢٠٢٢)

[تصویر شماره ۳۱]

INSTITUT FRANÇAIS DE DAMAS

MÉLANGES
LOUIS MASSIGNON

*Publiés sous le Patronage de
l'Institut d'Études Islamiques de l'Université de Paris
et de l'Institut Français de Damas*

TOME I

DAMAS
1956

صفحه عنوان یادنامه لویی ماسینیون (*Mélanges Louis Massignon*)
دربردارنده نخستین مقاله خارجی درباره میرداماد

کتاب‌گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه‌نامه میرداماد (پاره ششم)

[تصویر شماره ۲۲]

CONFESSIONS EXTATIQUES DE MĪR DĀMĀD

MAÎTRE DE THÉOLOGIE A ISPAHAN (ob. 1041/1631-1632)

PAR

HENRY CORBIN

1. L'École d'Ispahan. — 2. Deux récits d'extase. — 3. Texte arabe de la *Risālat al-Hal'iya*. — 4. Traduction et commentaire.

1. — *L'École d'Ispahan*. — Les deux textes présentés ici et la personnalité de leur auteur nous seront tout d'abord l'occasion d'insister sur un des paradoxes qui affligent la situation de nos études philosophiques en général, leur indigence dans le domaine de l'Islam en particulier. Plus d'un «pèlerin passionné» s'est enchanté du site d'Ispahan, a égaré ses rêves parmi ses jardins à l'ombre de ses vertes coupoles. Historiens de l'art et archéologues ont su pourvoir à la valorisation de l'héritage des Safavides, et maintenir «au présent» la signification de la ville d'art de l'Iran islamique. André Godard a décrit en termes émouvants la magnificence du spectacle qui, dans la douce lumière déclinante d'une soirée d'automne, s'offre au promeneur méditatif, lorsque celui-ci, ayant gravi les premières pentes de la montagne au sud, se retourne pour faire face à l'immense vallée bordée de déserts, mais qui d'une rive à l'autre est un lac de verdure d'où émergent les coupoles et les tours émaillées. Ispahan «isolée dans ses déserts, secrète, merveilleusement ornée, chargée d'histoire, est plus exactement encore que Tolède ou Aranjuez, une image de l'exaltation dans la solitude.

صفحه نخست مقاله «خلسه‌های وجدآمیز میرداماد: استاد الهیات [مکتب] اصفهان»

(3.2.2) ("Confessions extatiques de Mīr Dāmād: maître de théologie à Ispahan")

نخستین مقاله خارجی درباره میرداماد

[تصویر شماره ۲۳]

534

İslâm Felsefesi Tarihi

Sadreddinzâde Mehmed Emin Şîrvânî	Mehmed Emin b. Mollâ Sadreddîn Şîrvânî	(Azerbeycan-Şîrvân, ...-İstanbul, 15 Ağustos 1627)
Azîz Mahmûd Hüdâyî	Azîz Mahmûd Hüdâyî	(Koçhisar, 1541-İstanbul, 1628)
Ankaravî, İsmâîl Rusûhî	İsmâîl b. Ahmed	(Ankara, ...-İstanbul, 1631)
Mîr Dâmâd, Muhammed Bâkır	Mîr Muhammed Bâkır Esterâbâdî	(Esterâbad, 1561-Necef, 1631)
Ahmed-i Rûmî Akhîsârî	Ahmed b. Muhammed er-Rûmî el-Akhîsârî	(Kûbns, ...-Akhîsâr, 1632)
Allâmek Muhammed Efendi	Muhammed b. Mûsâ el-Bosnevî	(Saraybosna, 1595-İstanbul, 1637)
Emîr Çelebî	Seyyid Emîr Mehmed Çelebî	(Mihalıççık, ...-İstanbul, 1638)
Koçî Bey/Göriceli Mustafa	Göriceli Mustafa	(Bosna, ...-Görice, 1640)
Mîr Fındıriskî	Mîr Ebû'l-Kâsım b. Mîrzâ Fındıriskî Hüseynî Esterâbâdî	(Fındırisk, 1560-İsfahân, 1640)
Mollâ Sadrâ	Mollâ Sadrüddîn Muhammed b. İbrâhîm b. Yahyâ Kavâmî Şîrâzî	(Şîrâz, 1571-Basra, 1640)
Kanpûrî, Mollâ Mahmûd	Mollâ Mahmûd b. Muhammed b. Şâh Muhammed el-Kanpûrî	(Hindistan, Cumpur, 1603-Cumpur, 1652)
Abdullah Bosnevî	Abdullah b. Muhammed Bosnevî	(Bosna, 1584-Konya, 1644)
Mollâ Çelebî el-Âmîdî	Muhammed b. Ali el-Âmîdî	(Diyarbakır, ...-Dimaşk, 1656)
Siyâlkûtî, Mollâ Abdülhakîm	Abdülhakîm b. Şemsiddîn Muhammed es-Siyâlkûtî	(Hindistan-Siyâlkût, 1580-Siyâlkût, 4 Ocak 1657)
Kâtîp Çelebî/Hacı Halîfe	Mustafa b. Abdullah	(İstanbul, 1609-İstanbul, 1657)
Dârâ Şûkûh	Muhammed Dârâ b. Şâh Cihân	(Ecmîr, 20 Mart 1615-Delhi, 30 Ağustos 1659-ıdam edildi)
Sarı Abdullah Efendi	Abdullah b. Seyyid Muhammed	(İstanbul, 1584-İstanbul, 1 Mart 1660)
Lâhicî	Abdürrezzâk b. Ali b. el-Hüseyn el-Lâhicî el-Gilânî	(Lâhicân, ...-Kum, 1661)
Üstûvânî Mehmed Efendi	Üstûvânî Mehmed Efendi	(Dimaşk, 3 Mayıs 1608-Dimaşk, 11 Eylül 1661)

برگی از گاهشمار فلسفه اسلامی
برگرفته از کتاب تاریخ فلسفه اسلامی
(İslâm Felsefesi Tarihi) (4.1.1)

[تصویر شماره ۲۴]

Fecr Yayınları: 630

MÎR DÂMÂD VE DEHRÎ HUDÛS TEORİSİ
Âlemin Ezeliliği-Zamansal Yaratılmışlığı Tartışmalarına Bir Ara-Formül

Nurettin YAKIŞAN

© FCR YAYIN REKLAM BİLGİSAYAR SAN. ve TİC. LTD. ŞTİ.
(Sertifika no: 13178)

Mizanpaj ve Kapak
FCR

Editör
Dr. Sadi YILMAZ

Baskı ve Cilt
NY MATBAACILIK YAYINCILIK
KAĞITÇILIK TİC. VE SAN. LTD. ŞTİ.
Ostim OSB Mh. 1250 Cd. No: 24 Yenimahalle/ANKARA
Tel: (0533) 591 86 17 (Sertifika no: 50732)

1. Baskı: Aralık 2022

ISBN: 978-625-8304-77-0

صفحه عنوان کتاب «Mîr Dâmâd ve Dehrî Hudûs Teorisi»

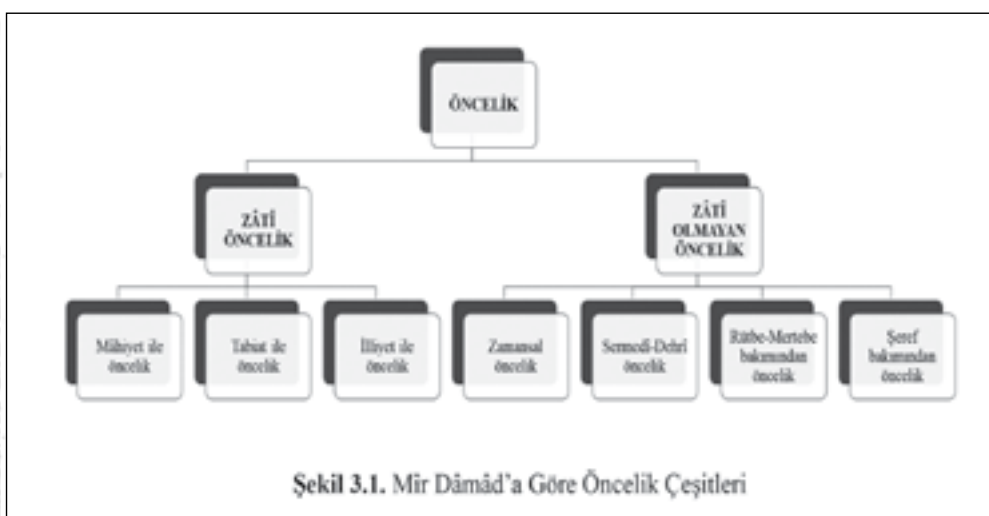
بازنشر رساله شماره ۴۳۱

[تصویر شماره ۳۵]



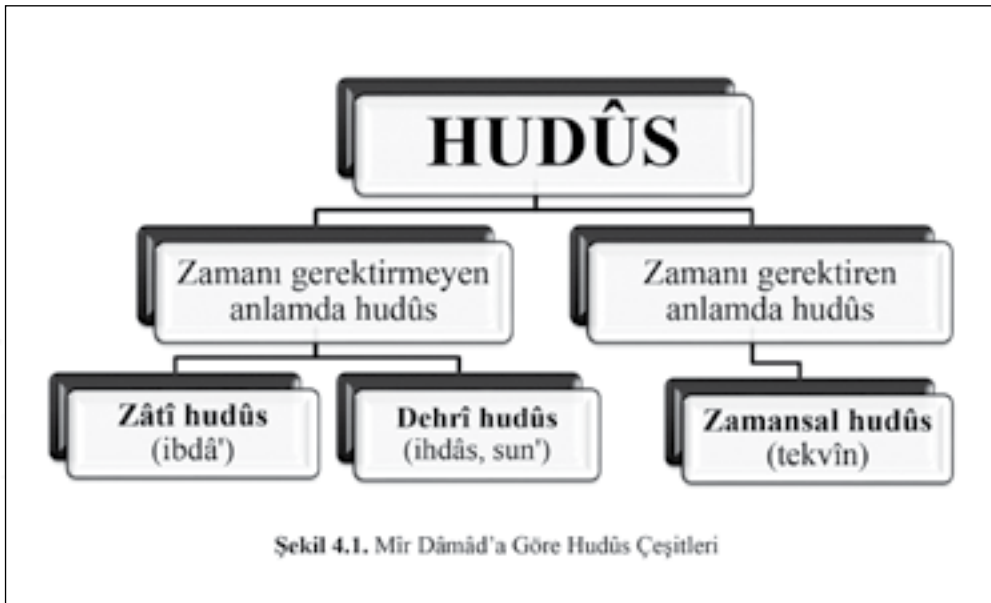
نمونه‌ای از نمودارهای مربوط به نظریهٔ «حدوث دهری»
برگرفته از رسالهٔ میرداماد و نظریهٔ حدوث دهری
(*Mîr Dâmâd ve Dehrî Hudûs Teorisi*) (4.2.1)

[تصویر شماره ۳۶]

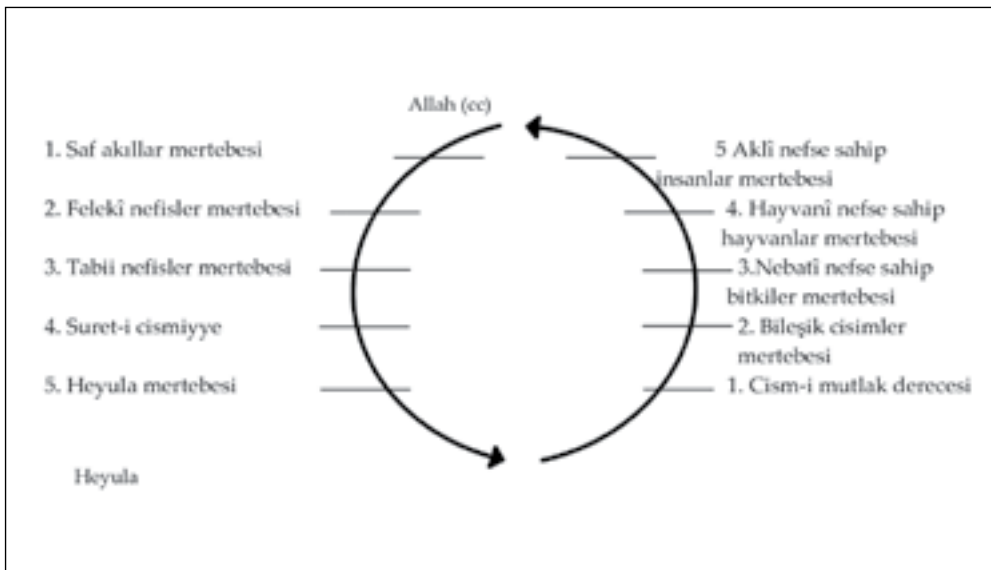


نمونه‌ای از نمودارهای مربوط به نظریهٔ «حدوث دهری»
برگرفته از رسالهٔ میرداماد و نظریهٔ حدوث دهری
(*Mîr Dâmâd ve Dehrî Hudûs Teorisi*) (4.2.1)

[تصاویر شماره ۲۷ و ۲۸]



نمونه‌ای از نمودارهای مربوط به نظریهٔ «حدوث دهری»
برگرفته از رسالهٔ میرداماد و نظریهٔ حدوث دهری
(4.2.1) (*Mîr Dâmâd ve Dehrî Hudûs Teorisi*)



نمودار مراتب وجود از دیدگاه میرداماد
برگرفته از مقالهٔ «میرداماد و رسالهٔ امانت الهی»
(4.3.2) (*Mîr Dâmâd ve Emânet-i İlahî Risalesi*)

[تصویر شماره ۳۹]

2.2 Mir Damad und das Mensch-Kosmos-Verhältnis



Mir Mohammad Baqer Esterabadi (andere Schreibweise: Mirdamad), genannt Mir Damad (1561-1630), ist in Persien geboren. Von seinen Schülern wird er nach Aristoteles und Farabi als »dritter Lehrer« angesehen. Auch hier ist zu beachten, dass es sich nicht um einen Kommentator der vorhandenen Wissensvorräte handelt. Mir Damad ist der Begründer einer neuen Schule des Denkens, die eine ganze Generation prägt.

Mir Damad beherrscht neben Logik und Weisheitslehre auch Bereiche der Gnosis und der islamischen Rechtswissenschaften. Er gilt als Gründer des größten Zusammenschlusses von Wissenschaftlern

صفحه نخست مدخل «میرداماد» در کتاب درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی
(Einführung in die islamische Philosophie) (5.1.1)

рых приходится на эпоху правления Аббаса I (1588 – 1629). Философское наследие каждого из них мы рассмотрим подробнее.

§ 1. МЙР ДĀMĀD

Мйр Бурхāн ад-Дйн Мухаммад Бāкир ибн Шамс ад-Дйн Мухаммад Хусайни Астарāбāдй (Мйр Дāмāд) (1560/61 – 1630/31) был выдающимся философом и факихом сефевидского Ирана и второй по величине фигурой исфаханской школы (уступая как философ лишь своему ученику Мулле Садрā). Основным его философским достижением считается разработка теории т. н. «метавременного (или «зонового») возникновения» (*хурус сахрийй*).

Отец Мйр Дāмāда был родом из Астарабада (современный Гурган) на севере Ирана, но сам мыслитель, очевидно, родился в Мешхеде¹, где провел детство и раннюю молодость. В Мешхеде Мйр Дāмāд получил превосходное по стандартам своего времени образование, изучая фикх и шиитские хадисы с отцом шейха Бахā'й² Изз ад-Дйном ал-'Амили (ум. 1576), а философию — с занимавшим в ту пору пост шайх ал-ислāма³ в расположенном недалеко от Мешхеда Сабзиваре Амиром Фахр ад-Дйном ас-Саммāкй (ум. 1576), учеником Гийāс ад-Дйна ад-Даштакй. Предание гласит, что еще в свою бытность в Мешхеде Мйр Дāмāд начал составлять комментарии к «Исцелению» (*Шифй*) и «Указаниям и наставлениям» (*ал-Ишдāрт ва ат-танбихāt*) Ибн Сины.

Усвоив основы наук в Мешхеде, для завершения образования и (возможно) получения государственной должности, еще при жизни шаха Тахмаспа (ум. 1576) Мйр Дāмāд отправился в тогдашнюю столицу Ирана Казвин, где провел больше двадцати лет, покинув его около 1598 г., когда ему вслед за шахским двором и правительством пришлось переехать в ставший постоянной резиденцией Аббаса I (правившего в 1587 – 1629 гг.) Исфахан.

Нет сомнения в том, что Мйр Дāмāд был востребован своей эпохой и прославился среди своих современников в первую очередь как прекрасный знаток шиитского религиозного права (фикха). Именно в этом качестве он понадобился и шаху Аббасу, назначившему его после смерти шейха Бахā'й в 1621 г. на пост шайх ал-ислāма своей новой столицы — Исфахана (эту должность Мйр Дāмāд занимал вплоть до своей смерти). В качестве шайх ал-ислāма Мйр Дāмāд руководил пятничной молитвой в главной мечети столицы и 28 января 1629 г. возвел на престол преемника Аббаса, его внука Сафи (правившего в 1629 – 1642 гг.).

Мйр Дāмāд скорпостижно скончался в селении Ба'ир Меджнун между Кербелой и Неджефом, сопровождая шаха Сафи в путешествии по святым местам Ирака, и был похоронен в Неджефе в гробнице имама 'Алй в склепе своего деда 'Алй ал-Каракй.

Как философ, Мйр Дāмāд оставил после себя несколько известных учеников, самым выдающимся из которых был Садр ад-Дйн аш-Шйрāзй

¹ По другим сведениям — все же в Астарабаде.

² Мухаммад б. Хусайн Бахā' ад-Дйн ал-'Амили (953/1547 – 1030/1621), прозванный «шейхом Бахā'й», был крупным ученым, факихом и поэтом, близким другом Мйр Дāмāда. Вместе с отцом он прибыл в Иран около 966/1558 г. из Джабал 'Амил (местность на территории современного Ливана, населенная шиитами).

³ Шайх ал-ислām обладал правом принятия окончательного решения по вопросам религиозного права, которое выносилось в виде особого вердикта (фетвы).

یادمان‌ها (۳): بلوار میرداماد/ تهران



مشهورترین یادمان حکیم استرآباد، بلوار میرداماد در شهر تهران است. این خیابان در دوران حکومت شاهنشاهی، ابتدا «پهلوی» نام داشت و پس از انقلاب سفید محمد رضا شاه، «ششم بهمن» نام گرفت؛ اما در اوان انقلاب اسلامی (در فاصلهٔ اردیبهشت ۱۳۵۸ هجری شمسی تا آبان ۱۳۵۹ هجری شمسی) به «میرداماد» تغییر نام یافت و افزون بر چهار دهه است که به نام این دانشمند شهیر عصر صفوی خوانده می‌شود. بلوار میرداماد، خیابانی شرقی/ غربی است که در محلهٔ داودیه و منطقهٔ ۳ شهرداری تهران قرار دارد. این بلوار که هم‌اکنون خیابان‌های دکتر شریعتی و ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف را به یکدیگر متصل می‌کند، در گذشته، مسیر اصلی آبادی‌هایی چون چالهرز، دَرّوس و ضرابخانه به «ده ونک» بوده است.

[معرفی: علی بایزیدی]



سیاه‌مشق نستعلیق، رقم میرعماد
موزه سلطنتی بریتانیا (لندن)

شناخت‌نامه

میرداماد در آینه تک‌نگاری‌ها

(معرفی انتقادی آثار پارسی: از آغاز تا پایان پاییز سال ۱۴۰۱ هجری شمسی)

سیدسعید موسوی*

دانش‌آموخته کارشناسی فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد)

مقدمه

-۱-

درآمد

سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی، ملقب به «میرداماد» و «معلم ثالث»، یکی از چهره‌های برجسته علمی ایران، به‌ویژه در عرصه فلسفه اسلامی است. جایگاه او در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی چنان رفیع است که صدر حکماء الهی ایران، ملاصدرای شیرازی، به شاگردی میر مباحثات کرده و او را در معارف دینی، فقه جعفری، حکمت بحثی و عرفان عملی، از شخصیت‌های کم‌نظیر تاریخ قلمداد می‌کرده است. علاوه بر این، ملاصدرا در تدوین نظام فلسفی خود، تا حد زیادی وامدار استاد خود بوده و گزاف نیست اگر حکمت یمانی میرداماد را از علل قوام حکمت متعالیه بدانیم. میرداماد در فقاہت و علوم نقلی نیز مرتبه‌ای بس بلند داشته است؛ چنان‌که فتوای فقهی بدون تصحیح و تأیید او، فاقد اعتبار و استحکام بوده‌اند.^۱ او همچنین، یکی از شخصیت‌های بانفوذ در پهنه سیاست و اجتماع به شمار می‌رفته؛ تا بدان جا که شاه عباس کبیر از جانب او بیمناک بوده و همواره بر احوال و اعمال وی مواظبت کافی داشته است.^۲

میرداماد تنها کسی بود که در زمان حیاتش با لقب «معلم ثالث» شهرت یافت؛ برخلاف شخصیت‌های دیگر - همچون ابن مسکویه رازی، ابن سینا و غیاث‌الدین منصور دشتکی - که سال‌ها پس از وفات خود به این لقب شهرت یافته‌اند.^۳ به‌باور بسیاری محققان، میرداماد مؤسس

* رایانامه: saeidmousavi44@gmail.com

۱. نگر: تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲. نگر: سلافة العصر في محاسن أهل العصر، ج ۲، ص ۷۷۵.

۳. نگر: أعيان الشيعة، ج ۳، ص ۱۵۸؛ ریحانة الأدب في تراجم المعروفين بالكنية أو اللقب، ج ۵، ص ۳۴۵؛ تجارب

مکتب فلسفی اصفهان بوده است؛^۱ مکتبی که بیشترین تأثیر را در رشد و تعالی فلسفه اسلامی داشته است. با این همه، شخصیت علمی میرداماد چنان‌که شایسته اوست، شناخته و شناسانده نشده است. این امر علل گوناگونی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. سبک خاص نگارش میرداماد در آثار فلسفی‌اش که از عمده علل بی‌توجهی به آثار اوست؛
۲. ظهور صدرالمتألهین و حکمت متعالیه، باعث شد که حکمت یمانی - و بلکه تمام جریان‌های فلسفی دیگر در ایران - به حاشیه رانده شده و مغفول بمانند.
۳. میرداماد برآن بود تا نظام فلسفی جدیدی ذیل عنوان «حکمت یمانی» تدوین کند. فارغ از دقت‌های فراوان میرداماد و گام‌های بزرگی که در مسیر تهذیب و تکمیل فلسفه سینوی برداشته است، تلاش او به کمال نهایی خود نرسید، اکثر آثار فلسفی میرداماد ناقص ماند و در نتیجه، سرنوشت بسیاری از مسائل فلسفی در حکمت یمانی در ابهام باقی ماند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که دانشمندان شبه قاره هندوستان، به اندیشه فلسفی میرداماد توجهی ویژه داشته و شروح و حواشی فراوانی بر آثار وی تألیف کرده‌اند.^۲ خوشبختانه در ایران معاصر تحقیقات فراوان و متنوعی درباره زندگی و شرح حال و آراء و آثار میرداماد انجام گرفته؛ چنان‌که برخی آثار وی نیز به صورت انتقادی تصحیح و منتشر شده‌اند تا شناخت شخصیت میرداماد و بررسی نظرات او برای علاقه‌مندان به حکمت یمانی و تاریخ فلسفه اسلامی تسهیل شود. بخش درخور توجهی از این تحقیقات، آثاری هستند که در قالب تک‌نگاری منتشر شده‌اند.

-۲-

درباره مجموعه حاضر

در مجموعه پیش‌رو کوشیده‌ایم شناخت‌نامه‌ای توصیفی/انتقادی از تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد فراهم کنیم. مراد ما از «تک‌نگاری» در این مقام، آثاری است که به نحو مستقل به شخصیت میرداماد، شرح حال، آثار و آراء او اختصاص یافته و در قالب کتاب و به زبان پارسی منتشر شده‌اند؛ فارغ از اینکه تمام حجم این کتاب به میرداماد اختصاص داشته باشد یا خیر. با توجه به این توضیح، تحقیقاتی که در قالب پایان‌نامه و رساله تحصیلی، مقاله و مداخل دایرةالمعارفی نگاشته شده‌اند، از دایرة این شناخت‌نامه خارج خواهند بود، چنان‌که تصحیح‌های انتقادی از آثار میرداماد و مقدمه‌های مصححان نیز در این حیطه نمی‌گنجند.

تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد را از حیث محتوا می‌توان در دو دسته کلی جای داد: تک‌نگاری‌های اقتباسی و غیراقتباسی؛ چنان‌که می‌توان این آثار را از حیث موضوع به دو دسته تک‌نگاری‌های فلسفی و تک‌نگاری‌های تذکری (زیست‌نگاشتی) تقسیم کرد.^۳ تک‌نگاری‌های اقتباسی آثاری هستند که برای نوجوانان و جوانان کم‌اطلاع از فلسفه نگاشته شده و تحقیق

الأهم، ج ۱، ص ۲۲؛ نقد حال، ص ۱۷۹؛ خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۲۹۶.

۱. نگر: تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۱.

۲. نگر: الأفق المبین، صص ۴۷ و ۴۸ - چهار (مقدمه مصحح).

۳. این تقسیم‌بندی با قدری مسامحه همراه است.

جدیدی در بر ندارند. عمده مطالب این تک‌نگاری‌ها از منابع پیشین اقتباس شده و هدف نویسندگان آن‌ها معرفتی کلی و اجمالی شخصیت میرداماد است. در طرف دیگر، تک‌نگاری‌های غیراقتباسی قرار دارند که برای مخاطب متخصص نگاشته شده و تحقیقات فراوانی در آن‌ها مشاهده می‌شود. نویسندگان این تک‌نگاری‌ها بر اساس اهداف خود، جنبه‌های مختلفی از زندگی و آراء میرداماد را بررسی کرده‌اند. برخی از این آثار صرفاً بر آراء علمی میر متمرکز شده‌اند؛ برای مثال، سعید نظری توکلی در کتاب نظریه پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه، نظریه «حدوث دهری»، مبادی، مقدمات و نتایج آن را به طور مفصل بررسی کرده است. این اثر و کتاب بررسی و نقد نظریه حدوث دهری، اثر روح‌الله شاکری زواردهی، تنها تک‌نگاری‌هایی هستند که با هدف بازخوانی و تحلیل آراء فلسفی میرداماد نگاشته شده‌اند. فارغ موقوفیت یا ناکامی این دو اثر در تبیین دیدگاه‌های میرداماد، نگارش این دست تک‌نگاری‌ها یکی از اقدامات ضروری و مغتنم در عرصه میردامادشناسی است؛ زیرا بسیاری از نظریات میرداماد به صورت صحیح و کامل تقریر و تبیین نشده‌اند؛ چنان‌که هنوز زوایای فراوانی از زندگانی میرداماد مجهول مانده است. به هر روی، فرصت‌های فراوانی در عرصه میردامادشناسی - چه در عرصه تحقیقات فلسفی و چه در حیطه مطالعات تاریخی - وجود دارد که در مداخل این مجموعه، به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

اهداف نگارنده از بررسی این تک‌نگاری‌ها از این قرار است:

۱. ارائه گزارشی کوتاه و نسبتاً جامع و روشمند از وضعیت تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد و سهم آن‌ها در مطالعات معاصر؛
۲. معرفتی برخی منابع غیرمشهور و کمتر شناخته شده؛
۳. شناسایی جنبه‌های مغفول از شخصیت میرداماد و فلسفه او و معرفتی فرصت‌های تحقیق در حوزه میردامادشناسی؛
۴. بیان اجمالی^۱ ضعف و قوت هریک از این تک‌نگاری‌ها و ارزیابی کیفیت آن‌ها از جنبه‌های مختلف.

خواننده محترم با مطالعه این نوشتار، قادر خواهد بود تا متناسب با هدف خود، تک‌نگاری مطلوب را برگزیده و به آن مراجعه کند. البته، این شناخت‌نامه به نحوی تدوین شده است که برای آشنایان با تک‌نگاری‌ها نیز مفید خواهد بود؛ اگرچه هدف ما، بررسی مفصل و سطر به سطر منابع نبوده است. مداخل این مجموعه با ترتیب تاریخی تنظیم شده و ملاک ما برای این ترتیب، نخستین چاپ تک‌نگاری‌ها بوده است.

لازم به ذکر است که آقای محمد انصار، پیش‌تر در مقاله‌ای مستقل^۲، برخی از تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد را معرفتی کرده است. وی برخی تصحیح‌های آثار میرداماد - همچون مصنفات میرداماد، تصحیح مرحوم عبدالله نورانی، و اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، گردآورده حسین نجفی - را تک‌نگاری دانسته است. علاوه بر این، در تحلیل و نقد تک‌نگاری‌ها، به ذکر اطلاعات

۱. در این شناخت‌نامه، تک‌نگاری‌های تذکره‌ای بیشتر از نگاشته‌های فلسفی نقد شده‌اند.

۲. «تک‌نگاری‌های میرداماد»، میرداماد، سال ۳، شماره ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش، صص ۶۷-۷۴.

چاپ و معرفی نویسنده‌گان اکتفا کرده و از بررسی محتوای منابع، به صورتی که اهداف پیش‌گفته را محقق سازد، چشم پوشیده است؛ لذا، بررسی دوباره و نسبتاً کامل تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد ضروری می‌نمود.

نگارنده سطور پیشاپیش برای داوری‌های خود در این شناخت‌نامه، به خداوند رحمان پناه برده و در کمال تواضع، از اساتید فن و نویسندگان این تک‌نگاری‌ها پوزش می‌طلبد. ناگفته پیداست که نقد منصفانه آثار علمی، به هیچ وجه به معنای قدح تلاش‌های نویسندگان آن‌ها نیست. هدف این کمترین، صرفاً بحث علمی بوده و تلاش کرده‌ام بدون تعصب، صحیح را از خطا جدا کرده و قدمی هرچند ناچیز در راه ارتقاء علم بردارم. اگر قوتی در این نوشتار باشد، از فیض خداوند متان است و چنانچه ضعیفی در آن پیداست، از قصور بنده است.

در پایان لازم است از دوست مشوق و برادر محقق، جناب آقای حسین نجفی، که تهیه این نوشتار با راهنمایی‌های مفید او تسهیل شد، سپاسگزاری کرده و توفیق روزافزون وی را از خداوند رزاق درخواست کنم؛ آمین.

-۳-

اهداء

مجموعه حاضر را به روح پاک علامه فقید، کتاب‌شناس مدقق و تاریخ‌نگار محقق، مرحوم آیه الله سید محمدعلی روضاتی - حشره الله مع اولیائه - تقدیم می‌کنم.

۱. شرح حال میرداماد و میرفندرسکی / اکبر هادی حسین آبادی

معرفی و نقد: این کتاب نخستین تک‌نگاری درباره میرداماد و میرفندرسکی است. بنا بر تاریخ درج‌شده در پایان مقدمه مؤلف و نیز تقریظ مرحوم دکتر ضیاءالدین سجادی بر کتاب^۱، این اثر در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی نگاشته شده؛ اما به سبب برخی مشکلات - از جمله فقدان حامی و ناشر - با نوزده سال تأخیر و در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی به انتشار رسیده است. کتاب شرح حال میرداماد و میرفندرسکی هم از لحاظ زمان تألیف و هم زمان انتشار، بر کتاب حکیم استرآباد: میرداماد، اثر زنده‌یاد موسوی بهبهانی، مقدم است؛ اما چنان که خواهیم دید، اثر استاد موسوی بهبهانی از این کتاب - و بلکه تمام تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد - برتر است.

نویسنده در این اثر، شرح حال دو شخصیت مشهور عصر صفوی، یعنی میرداماد و میرفندرسکی، را بررسی کرده و پس از روایت زندگانی این دو حکیم، اشعار به جای مانده از ایشان را نقل کرده است. محتوای کتاب در هشت بخش تنظیم شده است: ۱. میرمحمدباقر داماد؛ ۲. میرابوالقاسم فندرسکی؛ ۳. دیوان میرداماد؛ ۴. غزلیات؛ ۵. اشعار عربی؛ ۶. رباعیات؛ ۷. معانی اشعار عربی؛ ۸. فرهنگ لغات. عمده توجه ما در نقد و بررسی این کتاب، بر شرح حال میرداماد معطوف است و به مطالب بخش‌های دیگر کتاب، به قدر ضرورت اشاره خواهیم کرد.

۱. نگر: شرح حال میرداماد و میرفندرسکی، ص ۱۸۶.

پس از مقدمه، شروع مطالب کتاب با بحثی دو صفحه‌ای دربارهٔ سرزمین استرآباد است. شایسته - و بلکه ضروری - بود که مؤلف به ضبط صحیح کلمه «استرآباد» نیز اشاره می‌کرد؛ خصوصاً که منابع لغت و شهرشناسی در ضبط این کلمه - به فتح یا کسر الف - اختلاف دارند.^۱ نگارنده کوشیده است تا مطالب کتاب را با ترتیبی تاریخی تنظیم کند؛ لذا، پس از مباحث مقدماتی، به ولادت میرداماد پرداخته و خاطر نشان کرده که به تاریخ دقیق تولد وی دست نیافته است. او در ادامه، گزارشی کوتاه از اوضاع دولت صفوی در عصر میرداماد ارائه کرده است. نکتهٔ جالب در این بخش، نقل وقف‌نامهٔ نگاشته شده بر سردر مدرسه «مریم بیگم» در اصفهان است:

«... و باید کتاب‌های علوم و همیه - یعنی همین علوم شکوک و شبهات که به علوم عقلیه و حکمت مشهور و معروف است - مثل شفاء و اشارات و حکمة العین و شرح هدایه و امثال ذلك به شبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند».^۲

فارغ از ضدیت صریح این وقف‌نامه با علوم عقلی، از متن آن به دست می‌آید که در آن روزگار علاوه بر شرح‌الإشارات خواجه نصیرالدین طوسی^۳ و الشفاء ابن سینا، دو کتاب حکمة العین نجم‌الدین کاتبی قزوینی و شرح میبیدی بر هدایة الحکمة ی اثیرالدین ابهری نیز در حوزه‌های درسی اصفهان متداول بوده و حکماء مکتب اصفهان - همانند بزرگان مکتب شیراز - به دو کتاب اخیر توجهی ویژه داشته‌اند.

نویسنده در صفحهٔ ۲۱ به نسب میرداماد و آباء و اجداد وی پرداخته؛ چنان‌که در صفحهٔ ۱۸۸، تصویر شجره‌نامهٔ اولاد و احفاد میر را آورده است. در ادامه، از تحصیلات و اساتید میر و سپس، دربارهٔ علماء معاصر و مرتبط با میر سخن گفته است. اکبر هادی در این کتاب صرفاً مطالب را جمع‌آوری نکرده؛ بلکه گاه به داوری دربارهٔ صحت و سقم مطالب نیز پرداخته است؛ مثلاً در صفحهٔ ۲۸ داستانی از کتاب قصص العلماء، اثر محمد بن سلیمان تنکابنی، نقل کرده که از این قرار است:

«نماز جمعه را در اصفهان میرداماد می‌کرد. روزی سلطان به نماز جمعه آمد و میر محمد باقر داماد دیر کرده بود. ترسیدند که نماز جمعه فوت شود. سلطان به شیخ بهایی امر کرد که نماز جمعه کند. چون شیخ مشغول شد و شروع کرد، میر در رسید و با عصا اشاره کرد که پس بایست! شیخ به عقب رفت و میر نماز جمعه را ادا کرد؛ پس تعریضی که شیخ در رسالهٔ «نان و حلوا» دارد، بالنسبة به میرداماد است».^۴

به نظر نویسنده، این داستان با شخصیت اخلاقی و زاهدانهٔ میرداماد و همچنین رابطهٔ صمیمانهٔ او با شیخ بهایی، سازگار نیست؛ چنان‌که میرزا محمد تنکابنی هم با دیدهٔ تردید به این حکایت نگریسته است.

۱. نمونه را نگر: معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۷۴؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳، ص ۲۵۵؛ ترجمان اللغة، ج ۱، ص ۷۲۵.

۲. شرح حال میرداماد و میرفندرسکی، ص ۱۷. سنج: قصص العلماء، ص ۲۳۹.

۳. البته، در متن وقف‌نامه به شرح‌الإشارات تصریح نشده؛ اما از برخی قرائن بر می‌آید که همین اثر مراد واقف بوده است.

۴. قصص العلماء، ص ۲۹۷.

اکبر هادی در بخش بعد، پنج تن از شاگردان میرداماد را به اختصار معرفی کرده است: ملاصدرای شیرازی؛ شمس‌الدین جیلانی؛ امیرمحمد لوحی، معروف به «میرلوحی»؛ قطب‌الدین اشکوری؛ زلالی خوانساری. همان‌طور که نویسنده نیز اشاره کرده، تعداد شاگردان میرداماد بیش از این است. شاید بهتر بود که نویسنده به این مقدار اکتفا نمی‌کرد و برخی چهره‌های دیگر را به این فهرست می‌افزود؛ از جمله: سید احمد علوی عاملی، داماد، پسر خاله، وصی و شاگرد ارشد میرداماد؛ ملاعبد الغفار گیلانی؛ شیخ محمد گنابادی؛ نظام‌الدین احمد گیلانی؛ و بنا بر قولی، جناب میرفندرسکی.

نویسنده در بخش بعدی کتاب خاطرنشان کرده است که میرداماد در سال ۱۰۴۱ هجری قمری درگذشته است. البته، این قول اشتباه بوده و سال ۱۰۴۰ صحیح است.^۱ نویسنده در ادامه و در حجمی بالغ بر سه صفحه، دربارهٔ سبک نگارش میر سخن گفته است. این بخش از کتاب حائز اهمیت و ویژه است؛ زیرا نخستین مدخل مستقلی است که دربارهٔ زبان و سبک نگارش میرداماد نگاشته شده است. علاوه بر این، استاد موسوی بهبهانی در کتاب حکیم استرآباد: میرداماد، توجه کمتری به این موضوع داشته و تنها یک صفحه را به روش خاص میرداماد در نگارش اختصاص داده است.

نویسنده در بخش بعد، به معرفی آثار میرداماد پرداخته است. با توجه به سال تألیف کتاب و فقدان امکانات تحقیق گسترده در آن روزگار، نباید انتظار فراوانی از این تحقیق داشت. با این همه، نویسنده کوشیده است تا فهرست نسبتاً کاملی از آثار میرداماد فراهم آورد. او همچنین، برخی آثار منتشرشدهٔ میرداماد را - که عمدتاً به صورت چاپ‌سنگی بوده‌اند - معرفی کرده است. نویسنده در تدوین فهرست آثار میرداماد، به تکرارها و اشتباهات جزئی دچار شده؛ برای مثال، در صفحه ۴۵، کتاب شرح نجات را به اشتباه از میرداماد دانسته که احتمالاً با شارح النجاة خلط شده است. همچنین، در صفحه ۴۴، اثولوجیا را به ارسطو نسبت داده، شرح آن را از آثار میر بر شمرده و کتاب را دارای ۱۰ «میم» دانسته که هر سه غلط است؛ زیرا اولاً اثولوجیا از آثار افلوطین است، ثانیاً میرداماد شرحی بر اثولوجیا ندارد و ثالثاً واژه «میمر» صحیح است، نه «میم».

آقای اکبر هادی در صفحه ۴۶ و ۴۷، برخی اشعار زیبا و خواندنی زلالی خوانساری را در مدح میرداماد نقل کرده است که از امتیازات این اثر محسوب می‌شود؛ زیرا توجه به مدایح و نظرات دیگران دربارهٔ شخصیت‌های تاریخی - خصوصاً از سوی معاصران ایشان - برای آگاهی از وجوه مختلف این شخصیت‌ها و سوانح حیات ایشان بسیار راه‌گشاست. وی در ادامه و به قصد تیمن، یکی از غزلیات میرداماد را شرح داده که در نوع خود جالب و کم‌نظیر است.

مؤلف در صفحه ۸۱، از برخی بزرگان استرآبادی که با میرداماد معاصر بوده‌اند، نام برده است. این فصل در بخش مربوط به شرح حال میرفندرسکی آمده است و بهتر بود که در بخش نخست کتاب قرار می‌گرفت. او همچنین، در صفحه ۸۳ و در قالب یک فصل، معنای کلمه «میر» را بررسی کرده است. این بخش از دقت‌های خاص مؤلف است که نشان می‌دهد او تمام تلاش خود را برای ارائه جامع مطالب مرتبط با میرداماد و میرفندرسکی به کار بسته است.

۱. دربارهٔ تاریخ صحیح وفات میرداماد، نگر: اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، ص ۳۴۷، پانویس ۱.

نویسنده بخش سوم کتاب را به دیوان میرداماد اختصاص داده و در صفحات ۸۷ و ۸۸ مقدمه‌ای مختصر درباره شعرسرایی میرداماد و همچنین، سبب و نحوه گردآوری اشعار وی نگاشته است. او خاطر نشان کرده که اشعار میر را از تصحیح میرزا محمود شفیعی از دیوان اشراق که در سال ۱۳۵۰ هجری قمری چاپ شده، جمع‌آوری کرده است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، مؤلف اشعار میر را در چهار بخش تنظیم کرده است: قصاید و مدایح؛ غزلیات؛ اشعار عربی؛ رباعیات. او همچنین، ترجمه بعضی لغات دشوار را در پاورقی آورده است. نویسنده در این بخش به اشتباهاتی دچار شده است؛ برای مثال، در صفحه ۱۲۷ - که ابتدای بخش اشعار عربی است - به اشتباه چند رباعی فارسی آورده است. همچنین، در انتهای صفحه ۱۶۲ - در بخش رباعیات - سه رباعی عربی آورده که باید در بخش اشعار عربی قرار می‌گرفتند. اکبر هادی در صفحات ۱۶۷ تا ۱۷۰، تمام اشعار عربی را که در بخش چهارم ذکر شده‌اند، به نحوی مقبول ترجمه کرده که برای خواننده ناآشنا با زبان عربی، مغنم است. البته، ایاتی که به اشتباه در میان اشعار فارسی قرار گرفته، ترجمه نشده‌اند. نویسنده برای تألیف این کتاب، از برخی مراجع تاریخی و تذکره‌نگاشتی استفاده کرده که فهرست آن‌ها در صفحه ۱۸۵ به چشم می‌خورد؛ هرچند امکان مراجعه به منابع بیشتر نیز برای او فراهم بوده است. در انتهای کتاب تصاویری ضمیمه شده‌اند؛ از جمله تقریظ دکتر ضیاء الدین سجادی بر کتاب (ص ۱۸۶) و تصویر ناقصی از شجره‌نامه میرداماد و نوادگان او (ص ۱۸۸). در صفحه پایانی و همچنین پشت جلد کتاب، مطلع قصیده «یائیه»ی میرفندرسکی به صورت خوشنویسی درج شده است.

به عقیده ما، این کتاب به دوکاستی بارز دچار است: نخست فقدان ارجاع دقیق به منابع تاریخی؛ و دوم، اغلاط حروف نگاشتی فراوان در جای جای کتاب که موجب ملال و گاهی سوءفهم خواننده می‌شود. شایسته بود نویسنده محترم اهتمام بیشتری در رفع این کاستی‌ها مبذول می‌داشت. با صرف نظر از این کاستی‌ها و اشکالاتی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، این اثر اولین تحقیق مستقل درباره شرح حال و ذکر آثار میرداماد و میرفندرسکی است و مؤلف با امکانات و منابعی که در دسترس داشته، کوشیده است تا به جنبه‌های مختلف شخصیت این دو حکیم بپردازد. نویسندگان تک‌نگاری‌های بعدی، با دقت و تفصیل بیشتری به جنبه‌های گوناگون شخصیت میرداماد پرداخته‌اند. البته، مشخص نیست که آیا نویسندگان متأخر، کتاب شرح حال میرداماد و میرفندرسکی را دیده و از آن تاثیر پذیرفته‌اند یا خیر؛ اما به هر حال، این کتاب در قیاس با آثار دیگر دارای فضل تقدّم بوده و از این حیث درخور ستایش است.

اطلاعات نشر:

- ۱، چ، اصفهان: انتشارات میثم تمار، ۱۳۶۳ ش.^۱

۲. حکیم استرآباد: میرداماد / سید علی موسوی مدرّس بهبهانی

معرفی و نقد: این کتاب باز نشر رساله دکتری زنده‌یاد موسوی بهبهانی است که در سال تحصیلی ۱۳۴۶-۴۷، با راهنمایی مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی

۱. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع: وزیری / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۱۹۱.

دانشگاه تهران^۱ تدوین و دفاع شده و پس از ۲۳ سال به چاپ رسیده است. کتاب حکیم استرآباد: میرداماد در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی نگاشته شده است. در آن زمان، از میان آثار میرداماد تنها کتاب القیسات به همت دکتر مهدی محقق به صورت انتقادی تصحیح و منتشر شده بود و دیگر آثار میر به صورت خطی یا چاپ‌سنگی در دسترس بودند. با این حال، کتاب حکیم استرآباد بر بسیاری از تحقیقات مربوط به میرداماد سایه افکنده و نقطه عطفی در تحقیقات میردامادشناسی به شمار می‌رود. این واقعیت، نشان‌دهنده توفیق نویسنده در تألیف اثری جامع و کامل و نیز، جایگاه رفیع این کتاب در میان تک‌نگاری‌های مرتبط با میرداماد است. استاد موسوی‌بهبهانی درباره دشواری کار خود نوشته است:

«همواره دسترسی به منابع و وسائل و اسباب اصلی تحقیق در این زمینه‌ها بی‌نهایت مشکل - بلکه غیرممکن - است. بسیاری از این کتب و رسائل به چاپ نرسیده و اغلب اوقات دسترسی بدان‌ها کاری آسان نیست. برخی دیگر از آن‌ها به طبع درآمده؛ ولی چون چاپ آن‌ها سنگی، ناقص و ناخوانا و فاقد فهرس اعلام و جداول نیز است، متتبع بینوا وقتی با این‌گونه آثار سرو کار پیدا می‌کند خود را محبوس در جنگلی سحرآمیز می‌بیند و یک‌باره جهت‌یابی و تشخیص صراط مستقیم برایش ناممکن می‌گردد. خلاصه کلام آنکه ضروری‌ترین و عاجل‌ترین وظایف، تجدید چاپ و تدارک منابع و مآخذ است که باید به مدد و معاونت مشترک فلاسفه و شرق‌شناسان و نسل جدیدی از فیلسوفان ایرانی انجام گردد و عالمی معنوی را که قدر و ارج و بشارت آن منزلت و مقامی لایزال دارد، در دنیای عصر ما به مرحله استحصال رساند»^۲.

با وجود این دشواری‌ها، حکیم استرآباد، پس از گذشت سه دهه، هنوز شامل نکات بکر و مواد پژوهشی فراوان است؛ از این رو، می‌توان گفت: اگر حکیم استرآباد مهم‌ترین تک‌نگاری در شرح حال میرداماد نباشد، قطعاً در زمره آثار اصلی در این حوزه است؛ چنان‌که با وجود تقدّمش، مفصل‌ترین اثر میردامادشناسی نیز به شمار می‌رود.

کتاب حکیم استرآباد شامل مقدمه و پنج بخش کلی و ملحقات است که شرح اجمالی آن‌ها از این قرار است:

مقدمه کتاب شامل چهل و سه صفحه است که از این میان، حدود سه صفحه به روش و نحوه مواجهه مؤلف با زندگانی، آثار و آراء میرداماد اختصاص دارد و چهل صفحه دیگر، به اوضاع فرهنگی و سیاسی عصر صفوی و اشاراتی به زمینه‌های تأسیس مکتب اصفهان مربوط است. بخش‌های فراوانی از مطالب این مقدمه، برگرفته از کتاب زندگانی شاه‌عباس اول، نوشته نصرالله فلسفی، است.

بخش اول شامل بیست و پنج صفحه در شرح حال و زندگی میرداماد است. یکی از ویژگی‌های جالب این بخش، اختصاص فصلی مجزا به دستخط میرداماد است؛ خصوصاً که در دهه ۴۰

۱. این دانشکده در آن روزگار، با عنوان «دانشکده علوم معقول و منقول» مشهور بوده است.

۲. حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۵۱.

هجری شمسی، تحقیقاتی در این سبک و سیاق، چندان متداول و مرسوم نبوده است. آقای حسین نجفی در فصلی مجزا و مفصل از کتاب اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، دستخط میرداماد و کتابت‌های وی را بررسی کرده است. او در ابتدای این فصل خاطرنشان کرده است که مطالب آن، بسط اشارات دکتر موسوی بهبهانی در کتاب حکیم استرآباد است.^۱

بخش دوم در حجمی بالغ بر سی و پنج صفحه به بررسی سیر تفکر فلسفی از آغاز تا عصر میرداماد اختصاص یافته است.

بخش سوم کتاب، دربردارنده فهرست اجمالی آثار میر به صورت الفبایی است. نویسنده پس از این فهرست اجمالی، ساختار و محتوای هریک از آثار میرداماد را به تفصیل معرفی کرده است. وی در این بخش با مراجعه به منابع کتاب‌شناختی و نسخه‌شناختی - همچون الذریعة و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران - دست‌نوشته‌های این آثار را نیز فهرست کرده است. این بخش از کتاب حکیم استرآباد - که حدود هفتاد صفحه از حجم کتاب را در بر می‌گیرد - مهم‌ترین بخش آن است؛ زیرا بر بیشتر تک‌نگاری‌های متأخر درباره میرداماد تأثیر گذاشته است؛ چنان‌که برخی نگارندگان مطالب این بخش از کتاب حکیم استرآباد را با اندک تغییری در آثار خود منعکس کرده‌اند.^۲

بخش چهارم کتاب به بازخوانی عقاید و آراء فلسفی میرداماد - از جمله «حدوث دهری»، «اصالت ماهیت»، «جبر و اختیار» و «بداء» - اختصاص یافته است.

نویسنده در بخش پنجم و پایانی کتاب، به تحلیل و بررسی برخی آثار میرداماد - از جمله القبسات، جذوات و مواقیت، خلق الأعمال، الإیقاظات و شارح النجاة - پرداخته است. در پایان کتاب نیز برخی حواشی و تعلیقات نویسنده در حدود چهل صفحه آمده است.

همان‌طور که به اجمال اشاره شد، دکتر موسوی بهبهانی در این کتاب، بعضی کاستی‌های پژوهشی را درباره میرداماد، به تصریح یا تلویح به خواننده نشان داده است. جالب است که علی‌رغم گذر زمان، برخی از این اشارات همچنان بدیع و مفیدند؛ برای مثال، نویسنده در صفحه ۵۳، شاگردان میرداماد بر اساس شهرت ایشان به سه دسته تقسیم کرده است. او ابتدا شاگردان مشهور میر - مانند ملاصدرا و ملاخلیل قزوینی - و سپس شاگردان نیمه‌مشهور - از جمله سیداحمد علوی و ملاشمسای گیلانی - را معرفی کرده است. در پایان نیز از شاگردان مغفول و مجهول - مانند عبدالغفار گیلانی و میرمنصور گیلانی - نام برده است. هدف نویسنده از این تقسیم‌بندی، صرفاً ارائه منظم مطلب نبوده؛ بلکه او به تلویح تذکر داده است که درباره چهره‌هایی که در دسته اول جای ندارند، امکان پژوهش فراوان وجود دارد؛ برای نمونه، سیداحمد علوی عاملی - که وارث علمی و شارح آثار میرداماد بوده و آثاری در علوم مختلف به جای نهاده است - آن‌طور که شایسته مقام اوست، به محافل علمی معرفی نشده است. بررسی علت یا علل ناشناختگی این شاگردان، خود مسئله‌ای پژوهشی است و نگارش تک‌نگاری درباره حال ایشان، موضوع تحقیقی دیگر

۱. نگر: اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، ص ۴۹.

۲. نمونه را نگر: میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی، صص ۱۶۵-۲۰۹؛ معلم ثالث، صص ۱۶۴-۱۹۱. سنج: حکیم استرآباد: میرداماد، صص ۱۱۳-۱۷۵.

و احیاء آثار آن‌ها نیز به همین صورت. کیفیت رابطه این شاگردان با میرداماد، نحوه مواجهه آن‌ها با مکاتب فکری دیگر، نقش آن‌ها در بسط آراء استاد یا نقد و رد آن‌ها و بسیاری موضوعات پژوهشی دیگر، همگی از این دسته‌بندی استخراج می‌شوند.

به طور کلی نظرات علمی فلاسفه را با سه رویکرد عمده می‌توان بررسی کرد:

۱. پیشینه دیدگاه‌ها و نظرات علمی آن‌ها در آثار گذشتگان؛ برای مثال، مبحث «اصالت وجود» به صورت مسئله‌ای مستقل، در کلام حکماء قبل از صدرالمتهلین وجود نداشته؛ اما رگه‌هایی از آن را حتی در رساله الحروف فارابی می‌توان جست‌وجو کرد.^۱
۲. تأثیر نظریات علمی ایشان بر اندیشه خودشان؛ مثلاً در اکثر آراء فلسفی ملاصدرا رد پای «اصالت وجود» را می‌توان مشاهده کرد.
۳. تأثیر این دیدگاه‌ها بر دانشمندان متأخر. دیدگاه‌های علمی علاوه بر پیشینه، پسینه‌ای هم دارند که می‌توان آن را در کلمات شارحان و ناقدان هر فیلسوف پیگیری کرد؛ چنان‌که برخی از آن‌ها به دفاع از اندیشه‌های آن فیلسوف برخاسته و آن‌ها را تکمیل و اصلاح کرده و برخی دیگر، آن اندیشه‌ها را نقد و رد کرده‌اند.

استاد بهبهانی در صفحه ۵۷ از کتاب، به ردیه‌های نگاشته شده بر نظرات میرداماد به اختصار اشاره کرده است. البته، این اشاره مختصر، قابلیت بسط و تحقیق در حد رساله دکتري را داراست؛ زیرا میرداماد در منطق، فلسفه، اصول فقه، حدیث، رجال و علوم دیگر، دیدگاه‌های خاصی داشته است که پس از او، عده‌ای این نظرات را نقد کرده برخی دیگر، از آن‌ها دفاع کرده‌اند. دو مواجهه همدلانه و منتقدانه با آراء میرداماد، به جغرافیای ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه در حوزه حکومت عثمانی و در شبه‌قاره هندوستان نیز مباحث دامنه‌داری درباره آراء میرداماد در جریان بوده است.^۲ تاکنون درباره این مسائل تحقیق شایسته و درخوری انجام نشده است؛ درحالی‌که قابلیت‌های پژوهشی بسیاری در این زمینه وجود دارد. باری، با گذشت حدود سی سال از انتشار کتاب حکیم استرآباد، هنوز هم سرنخ‌های پژوهشی فراوانی - همچون نمونه‌های پیش‌گفته - از مطالب این کتاب به دست می‌آید.

چنان‌که پیش‌تر گذشت، در میان تک‌نگاری‌های مرتبط با میرداماد، کتاب حکیم استرآباد مفصل‌ترین کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی را در بر دارد. ویژگی‌های این کتاب‌شناسی مفصل از این قرارند:

۱. نویسنده علاوه بر ذکر عنوان، محتوای کتاب‌ها را بررسی کرده و معرفی مختصری از آن‌ها ارائه داده است. او حتی امکان به نسخه‌های خطی آثار نیز مستقیماً مراجعه کرده است.
۲. او درباره هویت آثار میرداماد حدس‌ها و گمان‌هایی مطرح کرده که برخی از آن‌ها صحیح‌اند؛ مثلاً اینکه رساله «خلق الأعمال» تحریر دیگری از کتاب الإیقاظات است.
۳. استاد موسوی بهبهانی کوشیده تا همه آثار میر را برشمرده و عنوانی از قلم نیندازد؛ برای مثال،

۱. نگر: کتاب الحروف، صص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. نگر: فیلسوف شیرازی در هند، صص ۷۲-۷۳؛ شرح القبسات، ص ۲ (مقدمه مصحح)؛ الأفق المبین، ص ۴۹ (مقدمه مصحح).

در صفحه ۱۴۳، از رساله‌ای در «اثبات واجب تعالی از طریق حرکت» یاد کرده که در حال حاضر نسخه‌ای از آن در دسترس نیست.

۴. وی ذیل معرفتی برخی آثار، از شروح و حواشی آن‌ها نیز یاد کرده است. این اهتمام، جنبه‌ای از رویکرد سوم در شناخت شخصیت فلاسفه است که پیش‌تر به آن اشاره شد.

۵. نویسنده در بررسی نسخه‌های خطی، طیف وسیعی از اطلاعات نسخه‌شناختی ارائه داده است. او در این بخش، توصیه‌ها و راهنمایی‌های درخوری ذکر کرده که برخی از آن‌ها تا به امروز مغفول مانده‌اند؛ برای مثال، در صفحه ۱۶۷، درباره حواشی میرداماد بر کتاب القبسات نوشته است:

«گویا این حاشیه‌ها در یک جا گردآوری و تدوین نشده است»^۱.

این سخن بسیار بجا و دقیق است؛ زیرا حسب اسناد تاریخی، میرداماد برخی آثار خود را تدریس کرده و به شکل کتبی و شفاهی حاشیه‌های مهمی بر آن‌ها افزوده است. یکی از این آثار، کتاب القبسات است. تصحیح دکتر مهدی محقق از القبسات که در سال ۱۳۵۶ هجری قمری از سوی انتشارات دانشگاه تهران عرضه شده، حواشی میرداماد را در بر ندارد که کاستی بزرگی برای این تحقیق به شمار می‌رود؛ زیرا حاشیه نویسندگان - به ویژه فلاسفه - بر آثار خود، گاه از اصل متن مهم‌تر و دقیق‌تر است؛ مانند حواشی حاج ملاهادی سبزواری بر شرح المنظومه که در اواخر حیات خود نگاشته است. البته، برخی از حواشی میرداماد بر القبسات، در نسخه چاپ‌سنگی این کتاب نقل شده؛ اما کامل نیستند.

ناگفته نماند که مباحث کتاب‌شناختی و نسخه‌شناختی در کتاب حکیم استرآباد، خالی از کاستی و خلل نیست؛ برای نمونه، در صفحه ۱۴۶، رساله‌ای از سیداحمد علوی عاملی به اشتباه از میرداماد دانسته شده است. باید توجه کرد که دکتر موسوی‌بهبهانی اولین و دشوارترین قدم را برای معرفتی میرداماد برداشته است؛ لذا، نباید انتظار داشت که تمام مطالب کتاب، از ابتدا تا انتها، بی خلل و کاستی و دربردارنده سخن نهایی باشند. این وظیفه دیگر میردامادشناسان است که تحقیقات پیشین را تنقیح و تکمیل کنند. نمونه این اهتمام، جرح و تعدیلی است که آقای اوجبی در کتاب‌شناسی آثار میرداماد انجام داده و به خوبی از عهده آن برآمده است؛ اگرچه کتاب‌شناسی آثار میرداماد هنوز محتاج تحقیق و بررسی بیشتر است.

بخش چهارم کتاب، گزارشی از آراء و عقاید میرداماد است. این بخش که مطابق با شأن تک‌نگاری نگاشته شده، دورنمایی کلی از برخی آراء میرداماد است که تمام گزاره‌های آن، لزوماً مستدل و مستند نیستند. نویسنده پنج مسئله مهم فلسفی از حکمت یمانی برگزیده و آن‌ها را به صورت تطبیقی و بعضاً تاریخی شرح داده است. نویسنده این بخش را با «وجود دهری» آغاز کرده و سپس، به نظرات مختلف در باب زمان - از جمله نظر افلاطون - پرداخته است. در ادامه نیز معانی حدوث و قدم را به نقل از کتاب انوارالهدایه ذکر کرده است. مسئله بعدی، «خلق اعمال» یا همان «جبر و اختیار» است. نویسنده ابتدا سیر تاریخی مسئله را روایت کرده و سپس،

۱. حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۶۷.

به تبیین جبر در فلسفهٔ جدید پرداخته و در نهایت استدلال‌های طرفین نزاع - از جمله فلاسفه و متکلمان - را طرح و بررسی کرده است. سه مسئلهٔ دیگر نیز به ترتیب، «بداء»، «اصالت ماهیت» و «نحوهٔ حدوث عالم» هستند.

بخش پنجم کتاب نیز به مرور برخی آثار میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در این بخش کوشیده است تا با گزینش سنجیدهٔ آثار میر، نمونه‌های مفیدی از سبک نگارش ادبی، فلسفی و فقهاتی او ارائه کند. او مطالب خود را با معرّفی القبسات - که آخرین، مشهورترین و پخته‌ترین اثر فلسفی میرداماد است - آغاز کرده و آن را به نحوی شایسته معرّفی کرده است.^۱ وی در در صفحهٔ ۲۵۶، شروح، حواشی و ردود بر القبسات را معرّفی کرده و علاوه بر آن، از نسخ خطی و چاپی این اثر نام برده است. البته، در مطالب این بخش، نکته‌ای افزون بر مدخل القبسات در بخش سوم به چشم نمی‌خورد.

نویسنده در ادامه، کتاب جذوات و مواقیت را - که تنها اثر فلسفی میرداماد به زبان فارسی است - معرّفی کرده. سپس، به رسالهٔ «خلق الأعمال» - که اثری مختصر اما دقیق دربارهٔ جبر و اختیار است - و بسط مطالب آن در کتاب الإیقاظات پرداخته است. آخرین اثر معرّفی شده، شارع النجاة است که رسالهٔ عملی میرداماد به شمار می‌رود. گزینش آثار در این بخش، کامل و دقیق انجام شده است؛ چنان‌که نگاشته‌های فلسفی، کلامی و فقهی میرداماد را به دو زبان عربی و فارسی در بر می‌گیرد و در نهایت، امکان آشنایی با ابعاد مختلف شخصیت میرداماد را برای مخاطب فراهم می‌کند. علاوه بر این، آثار معرّفی شده در این بخش، با مباحث بخش پیشین تناظر و تناسب دارند. توجه به این نکته، موجب استواری و یکدستی محتوای کتاب شده است. همچنین، نباید فراموش کرد که بررسی آثار میر در این بخش، با تفصیل مناسبی صورت گرفته است؛ چنان‌که خواننده درمی‌یابد کتاب القبسات یا جذوات و مواقیت از چنان اهمیت و عمق برخوردارند که می‌توان به نحو مستوفی به آن‌ها پرداخت. دکتر موسوی بهبهانی مقاله‌ای دربارهٔ حواشی میرداماد بر کتاب الاستبصار شیخ طوسی به رشتهٔ تحریر درآورده است.^۲ منهج وی در این مقاله نیز همانند کتاب حکیم استرآباد، تحقیقی و عمیق است.

برخی مطالب کتاب حکیم استرآباد در تک‌نگاری‌های متأخر تکمیل یا اصلاح شده‌اند؛ برای مثال، در کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی، اثر علی اوجبی، و کتاب اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، گردآوردهٔ حسین نجفی، این امر به خوبی انجام شده است؛ اما این باعث نمی‌شود که حکیم استرآباد جایگاه خاص خود را در میان تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد از دست بدهد. با توجه به محدودیت امکانات در دههٔ ۴۰ تا دههٔ ۷۰ هجری شمسی، تتبع دکتر بهبهانی به ویژه از نظر مراجعه به نسخ خطی و منابع تراجم، حیرت‌انگیز و درس‌آموز است؛ چنان‌که برخی مصححان آثار میرداماد، همچون حامد ناجی اصفهانی و رضا استادی، در مقدمهٔ تصحیح‌های

۱. این قسمت با اندکی ویرایش، زیر عنوان «مقدمهٔ تحلیلی قبسات» در مقدمهٔ چاپ انتقادی القبسات درج شده است. نگر: القبسات، صص هفتاد - هفتادونه.

۲. این مقاله با عنوان «تعليقهُ میرداماد بر استبصار شیخ طوسی»، در مجلد سوم از یادنامهٔ شیخ طوسی (صفحات ۷۴۰ تا ۷۴۸) منتشر شده است.

خود تذکر داده‌اند که کتاب حکیم استرآباد، در بررسی و تحقیق درباره ابعاد مختلف شخصیت میرداماد، فصل الخطاب است.^۱

باری، کتاب حکیم استرآباد درخشان‌ترین اثر در میان تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد بوده و از عهده معرفتی شخصیت میر و آثار او به‌خوبی برآمده است. مطالعه این کتاب، هم برای مبتدی و هم برای محقق، بسیار مفید خواهد بود. در بیان جایگاه این کتاب همین بس که اگر امروز تحقیق درباره میرداماد انجام شود و نویسندۀ آن از کتاب حکیم استرآباد استفاده نکرده باشد، ارزش علمی آن تحقیق محل سؤال و مناقشه جدی خواهد بود.

اطلاعات نشر:

- ۱، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.^۲
- ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.^۳
- + بازنشر (به صورت گزیده): «میرداماد: فلسفه و شرح حال و نقد آثار او»، سیدعلی موسوی بهبهانی، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۴۹ ش، صص ۵۹-۱۸.
- + نقد: «حکیم استرآباد»، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ماجرا در ماجرا (سیر عقل و نقل در پانزده قرن هجری)، ۱، تهران، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۱ ش، صص ۳۹۵-۳۹۶.

۳. سایه اشراق / عباس عبیری

معرفی و نقد: در میان تک‌نگاری‌های مستقل و غیراقتباسی با محور میرداماد، کتاب سایه اشراق با ۱۳۶ صفحه، کم‌حجم‌ترین اثر است؛ با این حال، مؤلف گزارش مناسبی از زندگانی میرداماد ارائه داده است. این کتاب در میان تک‌نگاری‌های مرتبط با میرداماد ممتاز است؛ زیرا برخلاف نویسندگان تک‌نگاری‌های دیگر که در بخش‌های مجزا، زندگانی، احوال، آثار و نظریات میر را گزارش کرده‌اند، مؤلف سایه اشراق همه مطالب را در میان وقایع زندگی میرداماد گنجانده و با زبانی داستان‌گونه آن‌ها را روایت کرده است؛ با این استثناء که در بخش پنجم و پایانی کتاب، تمام آثار میرداماد را که در بخش‌های پیشین به‌نحو پراکنده معرفی شده‌اند، به صورت کامل فهرست کرده است. زنده‌یاد عبیری در ثبت و ضبط وقایع تاریخی و حفظ ترتیب آن‌ها دقتی درخور تحسین به کار بسته است؛ برای مثال، در مواضع اختلافی، مانند تاریخ وفات شیخ بهایی و میرداماد، مؤلف صورت صحیح را ذکر کرده که به ترتیب، ۱۰۳۰ و ۱۰۴۰ هجری قمری هستند. از دیگر ویژگی‌های بارز این کتاب، قلم زیبا و ادیبانه مؤلف است که از تصنع پیراسته بوده و خواننده را به وجد می‌آورد. برای آشنایی خوانندگان محترم با سبک نگارش نویسنده، بخشی از متن کتاب را نقل می‌کنیم:

«شهرت و اعتبار سرور استادان سپاهان روزبه‌روز فزونی می‌یافت. شاه عباس که در اندیشه جذب نخبگان معنوی به سر می‌برد، بر آن بود او را به دربار نزدیک سازد؛

۱. نگر: نبراس الضیاء، ص هشتاد و چهار (مقدمه مصحح)؛ شرعة التسمية، ص ۶ (مقدمه مصحح).

۲. شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه / قطع: وزیری / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۳۸۳.

۳. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع: وزیری / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۳۸۳.

۴. ما در معرفتی و نقد کتاب حکیم استرآباد، از این مقاله کوتاه بهره برده‌ایم.

ولی حکیم آزاده استرآباد روشن‌بین‌تر از آن می‌نمود که دل به خوان ناپایدار گیتی سپارد. میر برهان‌الدین نه تنها خود از حرم زرنگار شاهان دوری می‌جست؛ بلکه دیگران را نیز از این کار باز می‌داشت. او گاه لب به اندرز می‌گشاد و چنین می‌سرود:

از خوان فلک قرص جوی بیش مخور انگشت عسل مخواه و صد نیش مخور
از نعمت السوان شهان دست بدار خون دل صدهزار درویش مخور^۱

نویسنده برای هر بخش از کتاب، عنوانی خاص و زیبا انتخاب کرده است. چنان‌که گذشت، او تلاش کرده است تا وقایع مربوط به زندگی میرداماد را به صورت داستانی و به هم پیوسته بیان کند. این سبک که روشی خاص و متمایز در زندگی‌نامه‌نویسی به شمار می‌رود، بر جذابیت مطالب نویسنده افزوده است.

یکی از وجوه تمایز این کتاب با سایر تک‌نگاری‌ها، این است که مؤلف، نقطه‌های عطف حیات میرداماد را در خلال روایت داستانی خود ذکر کرده است؛ از جمله وفات دایی میر (شیخ عبدالعالی بن علی کرکی)، وفات پسرخاله میر (سید حسین حسینی کرکی) و وفات شیخ بهایی. ذکر این وقایع حاکی از آن است که مؤلف نگاهی گاه‌شمارانه به زندگانی میر داشته و توانسته است آن را به نحوی مناسب به خواننده منتقل کند.

مؤلف کتاب، متن اجازه‌های استادان میرداماد به او را به فارسی ترجمه کرده و از کاربرت عبارات عربی در متن کتاب پرهیز کرده است. وی متن اصلی اجازه‌نامه‌ها و همچنین، دیگر عبارات عربی را به پاورقی منتقل کرده است. آقای عبیری در آغاز هریک از بخش‌های پنج‌گانه کتاب، ابیاتی از سروده‌های میرداماد ذکر کرده که بر زیبایی مطالب کتاب افزوده است. نویسنده همچنین، اکثر حکایات مشهور درباره میرداماد را نقل کرده است. البته این موضوع، صحت محتوای کتاب و اتقان آن را خدشه دار کرده است؛ زیرا اولاً، بسیاری از حکایات تاریخی اساساً اثبات‌پذیر نیستند؛ و ثانیاً، برخی حکایات این کتاب، از منابعی نقل شده‌اند که در باب خرافه‌گویی و ذکر مطالب گراف و سست مشهورند؛ مانند قصص العلماء، نوشته مرحوم محمد بن سلیمان تنکابنی، و صدرالدین شیرازی، ملاًصدرا: متفکر بزرگ اسلامی، ترجمه ذبیح‌الله منصوری از نگاشته فرانسوی هنری کرین.^۲

نویسنده در انتهای کتاب، شعری که نیما یوشیج درباره میرداماد و به قصد طعن او سروده، نقل کرده است. دو نقص در این قسمت مشاهده می‌شود: اول اینکه نام سراینده شعر ذکر نشده

۱. سایه اشراق، ص ۴۴.

۲. میان کتاب‌شناسان مسلم است که ذبیح‌الله منصوری در ترجمه امانت‌دار نبوده و مطالب بسیاری از جانب خود بر متن اصلی می‌افزوده است. نگر: از پست و بلند ترجمه، ص ۷۴. درباره قصص العلماء نیز ذکر این نکته ضروری است که هدف اصلی نویسنده فاضل آن، جمع‌آوری حکایات مشهور در میان مردم و منابع تذکره بوده و اهتمام چندانی در تنقیح مطالب و بررسی سقم و صحت حکایات نداشته است؛ از این رو، داستان‌های غیرواقعی فراوانی در این کتاب وجود دارد که در تحقیقات تاریخی، نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد. نگر: أَسْرار الحكم، ص ۱۸؛ جرعه‌ای از دریا، ج ۳، ص ۷۲۹؛ حکایت عمر، ۷۷.

و دوم اینکه بیت سوم شعر از قلم افتاده است. بیت سوم چنین است:

«میر بگشاد دو چشم بینا آمد از روی فضیلت به سخن»^۱

مرحوم عباس عبیری با رویکردی نسبتاً جامع به منابع تاریخی و تذکره‌نگاشتی، به نگارش این کتاب مبادرت ورزیده و نتیجه کار او، متنی است مختصر همراه با نثری یکدست، جذاب و دلنشین. متأسفانه این کتاب با وجود تیراژ دوهزار نسخه‌ای، بسیار کمیاب و گمنام است و در اکثر تحقیقات مربوط به شرح حال میرداماد، اشاره و ارجاعی به آن وجود ندارد. امید است که سایه اشراق مجدداً منتشر شده و در دسترس خوانندگان قرار بگیرد.

اطلاعات نشر:

- چ ۱، قم: انتشارات پیک گرگان، ۱۳۷۶ ش.^۲

۴. میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی / علی اوجبی

معرفی و نقد: آقای علی اوجبی تعدادی از آثار میرداماد - همچون تقویم‌الایمان، الصراط‌المستقیم و جذوات و مواقیت - را تصحیح کرده است. از این میان، کتاب تقویم‌الایمان که به همراه شرح سیداحمد علوی عاملی (موسوم به کشف الحقائق) و تعلیقات ملاعلی نوری منتشر شده، اهمیت بیشتری دارد.^۳ آقای اوجبی در ابتدای این کتاب، مقدمه‌ای مفصل و تحقیقی درباره شرح حال، آراء فلسفی و آثار میرداماد نگاشته که از جهات گوناگون حائز اهمیت است. این مقدمه بعدها به صورت مستقل و با عنوان میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی منتشر شده است. در این چاپ مستقل، تغییرات اندکی در محتوا و نحوه چینش مطالب صورت گرفته است که در ادامه ذکر خواهد شد.

کتاب در شش فصل اصلی تنظیم شده است. عنوان فصل نخست، «دورنمایی از فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر میرداماد» است. بنا بر تصریح نویسنده در پاورقی‌ها، عمده مطالب این فصل، برگرفته از منابع مشهور تاریخی است.

فصل دوم که «از تولد تا حضور» نام دارد، به زندگانی، دوران تحصیل میرداماد و فرزندان وی اختصاص یافته است. همان‌طور که نویسنده در مقدمه متذکر شده، این کتاب به منزله مدخل و مقدمه‌ای برای ورود به عرصه میردامادشناسی است و هدف از نگارش آن، ارائه مواد خام پژوهشی به محققان بوده است؛ از این رو، نگارنده تمام آراء و نظرات اختلافی مانند تاریخ ولادت، تاریخ وفات، نام و تعداد فرزندان میرداماد را بدون ترجیح قوی بر قول دیگر، ذکر کرده است؛ برای

۱. مجموعه اشعار نیمایوشیج، ص ۱۶۰.

۲. شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۱۳۶.

۳. این کتاب ابتدا در سال ۱۳۷۶ هجری شمسی، از سوی انتشارات مرکز مطالعات اسلامی و مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی (ایستاک) منتشر شد. چاپ دوم و سوم کتاب نیز، به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵ هجری شمسی از سوی مرکز نشر میراث مکتوب عرضه شد. این کتاب در دی ماه ۱۳۸۷ هجری شمسی، در دومین جشنواره بین‌المللی فارابی عنوان اثر برگزیده را به خود اختصاص داد.

مثال، نویسنده در صفحه ۳۷، به فرزند ذکور میرداماد اشاره کرده است؛ درحالی که دربارهٔ این مسئله اختلاف نظر وجود دارد و قول مشهور آن است که میر فرزند پسر نداشته است.^۱ قسمت دوم از فصل دوم کتاب (از صفحه ۳۹ تا ۶۵) نیز به نقل شرح حال میرداماد از محبوب القلوب قطب الدین اشکوری اختصاص دارد.^۲

آقای اوجی در فصل سوم که «میرداماد از نگاه دیگران» نام دارد، مدایح منظوم و عبارات منشور برخی چهره‌های تاریخی را دربارهٔ میرداماد گردآوری کرده است. توجه به نظرات دیگران دربارهٔ میرداماد، تقریباً بی سابقه و بسیار ارزشمند است؛ زیرا یکی از راه‌های دقیق شناخت وجوه گوناگون شخصیت‌های تاریخی و جزئیات حیات ایشان، مراجعه به سخنان دیگر چهره‌ها - به ویژه استادان، شاگردان و معاصران آن شخصیت‌ها - دربارهٔ ایشان است. چنان که گذشته، آقای اکبر هادی حدود دو صفحه از کتاب شرح حال میرداماد و میرفندرسکی را به این مبحث اختصاص داده^۳؛ اما حق آن است که با تفصیل بیشتری به این مسئله پرداخته شود.

اوجی ابتدا به نزدیک‌ترین شاگرد میرداماد، سیداحمد علوی عاملی، پرداخته و عبارات او را دربارهٔ استادش، از شروح وی بر آثار میرداماد - همچون شرح القیسات و کشف الحقائق فی شرح تقویم الإیمان - نقل کرده است. سپس، بخش‌هایی از مکاتبات ملاصدرا با میرداماد و متن اجازهٔ میر به صدرالمتهلین^۴ را نقل کرده است. البته، شایسته بود که نگارنده در این بخش، از هر چهار نامهٔ ملاصدرا به میرداماد یاد می‌کرد. وی در پایان این بخش، مدایح منظوم و زیبای ملاعبدالرزاق لاهیجی و حکیم زلالی خوانساری را در دربارهٔ میرداماد آورده است. دربارهٔ این مدایح منظوم و شیوهٔ نقل آن‌ها، توجه به دو نکته بایسته است:

۱. نویسنده برخلاف شیوهٔ خود در بخش‌های دیگر کتاب، مأخذ روشنی برای مدایح منظوم

۱. نگر: یادنامهٔ فقیه اهل البیت (علیه السلام)، عارف الهی آیه الله سیدبحرالعلوم میردامادی، صص ۲۳-۲۴.

۲. آنچه در کتاب نقل شده، ترجمهٔ سیداحمد بن محمد حسینی اردکانی از محبوب القلوب است. ترجمهٔ اردکانی از محبوب القلوب با تصحیح آقای اوجی از سوی انتشارات مولی در سه جلد چاپ و روانهٔ بازار شده است. پیش از آن، متن اصلی محبوب القلوب - که به زبان عربی است - با تصحیح آقایان سیدابراهیم دیباجی و حامد صدقی از سوی انتشارات میراث مکتوب منتشر شده بود. متأسفانه جلد سوم متن اصلی محبوب القلوب که شامل شرح حال حکماء متأخر - از جمله میرداماد - است، تاکنون به انتشار نرسیده است. البته، بخش مربوط به میرداماد از کتاب محبوب القلوب، در مقدمهٔ چاپ حروفی القیسات نقل شده است. نگر: القیسات، صص سی و یک - پنجاه و سه.

۳. نگر: شرح حال میرداماد و میرفندرسکی، صص ۴۶-۴۷.

۴. عبارتی که با عنوان «اجازه نامهٔ ملاصدرا از میرداماد» در کتاب آمده، در واقع عبارت خود صدرالمتهلین در کتاب شرح أصول الکافی است. ملاصدرا پیش از نقل یکی از احادیث، مشیخهٔ روایی خود را ذکر کرده که نخستین فرد در میان آن‌ها، میرداماد است. او به این مناسبت، استاد را با القابی زیبا و احترام‌آمیز ستوده است. اگر فرضاً این متن بخشی از اجازه نامهٔ میرداماد باشد، اولاً، مجال و وجهی برای مدح و ستایش میر در آن نیست و ثانیاً، نقل آن در فصل «میرداماد از نگاه دیگران» بی مناسبت خواهد بود. مؤلف محترم که گویا به این کاستی آگاه بوده، در تحریر دوم کتاب (۱۳۸۹ هجری شمسی)، توضیحی در پاورقی صفحه ۷۶ اضافه کرده است که اشکال مذکور را چندان برطرف نمی‌کند.

زلالی خوانساری ذکر نکرده است. در زمان نگارش نخستین تحریر کتاب (۱۳۸۲ هجری شمسی)، مجموعه اشعار زلالی خوانساری به صورت انتقادی تصحیح نشده بود؛ لذا، احتمال دارد که مؤلف این ابیات را از نسخه‌های خطی یا برخی منابع تاریخی نقل کرده باشد. با این همه، تصحیح دکتر سعید شفیعیون از کلیات زلالی خوانساری، در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی و از سوی انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به بازار نشر عرضه شد. شایسته - و بلکه بایسته - بود که مؤلف محترم در تحریر جدید کتاب، علاوه بر عرضه ابیات زلالی خوانساری بر چاپ انتقادی، مرجع این سروده‌ها را نیز در پانویس صفحات درج کند.

۲. تعداد مدایح زلالی خوانساری از میرداماد، بیش از آن است که در این بخش به چشم می‌خورد. چنان‌که دکتر شفیعیون در مقدمه تصحیح خود از کلیات زلالی خوانساری ذکر کرده است، زلالی پس از اهل بیت علیهم‌السلام، بیش از همه میرداماد را مدح و ستایش کرده است؛ بنابراین، شایسته بود ابیات بیشتری از او نقل می‌شد.

۳. در صفحات ۹۱ تا ۹۳، دو غزل از زلالی خوانساری نقل شده‌اند که علی‌رغم زیبایی، ارتباطی با میرداماد و مدح او ندارند و ذکر آن‌ها، لغو و بی‌مناسبت است.

فصل چهارم کتاب، به «آراء و اندیشه‌های فلسفی» میرداماد اختصاص دارد. نویسنده در ابتدای این فصل، فیلسوفان را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. فیلسوف شارح: فیلسوفی که مقهور و مغلوب گذشتگان خود بوده و جز شرح و حاشیه بر آثار آن‌ها کاری از پیش نبرده است.

۲. فیلسوف گزاره‌ای: فیلسوفی که حداکثر چند مسئله و گزاره به مباحث فلسفی اضافه کرده است.

۳. فیلسوف مؤسس: فیلسوفی که نظام فلسفی مستقلی تأسیس کرده و بر اساس آموزه‌های این نظام فکری، راه‌حل‌های جدیدی برای مسائل فلسفی ارائه داده است.

به نظر او، میرداماد از فلاسفه دسته سوم به شمار می‌رود که نظام فکری جدیدی با عنوان «حکمت یمانی» تأسیس کرده است. ذکر این نکته ضروری است که حکمت یمانی، نظام معرفتی مستقل و کاملی در عرض حکمت متعالیه، حکمت اشراق و حکمت مشاء به شمار نمی‌رود. در عین حال، می‌دانیم که میرداماد مقلد یا شارح شیخ رئیس یا شیخ اشراق نبوده و کوشیده است تا نظام هستی‌شناختی مستقلی ارائه کند؛ لذا، می‌توان او را حکیمی «شبه‌مؤسس» قلمداد کرد.

نویسنده در ادامه، خاطر نشان کرده است که حکمت یمانی بر سه پایه استوار است: ۱. حکمت مشاء؛ ۲. حکمت اشراق؛ ۳. آموزه‌های شیعی. پرسش مهمی که در این مقام مطرح می‌شود، آن است که آیا حکمت یمانی نتیجه التقاط این سه رکن است یا اینکه میرداماد با تأسیس حکمت یمانی هدف دیگری داشته و تحصیل آن هدف، بر تقریب این سه رکن متوقف بوده است؟ شایسته بود که مؤلف محترم در این بخش، مرز میان اقتباس و التقاط را در حکمت یمانی مشخص کند؛ زیرا مؤسس بودن میرداماد، در گرو پرهیز او از التقاط است؛ به گونه‌ای که مثلاً استفاده از آموزه‌های تشیع، فلسفه او را به کلام مبدل نکند.

۱. نگر: کلیات زلالی خوانساری، ص سی و پنج (مقدمه مصحح).

نویسنده بر این باور است که تَخْلَص شعری میرداماد (اشراق) و عناوین برخی آثار او - همچون «القبسات»، «جذوات»، «الإیماضات» و... - که با مفهوم نور و روشنایی پیوند دارند، نشان‌دهنده تأثر او از سهروردی هستند؛ چنان‌که توجه میرداماد به سلوک عارفانه و بهره‌گیری از آن در تفکر فلسفی، شاهد دیگری بر این مدعاست. به نظر می‌آید که نگارنده در طرح این مدعا چندان مصیب نیست؛ زیرا اولاً، واژه‌های «قبسات» و «جذوات» اصطلاحاتی قرآنی هستند، نه اشراقی؛ ثانیاً، تشابه در عناوین لزوماً به معنای هماهنگی محتوا نیست؛ ثالثاً، میرداماد در مواجهه با شیخ اشراق و فلسفه او، رویکردی انتقادی دارد^۲؛ از این رو، نمی‌توان او را به معنای خاص کلمه، اشراقی دانست؛ خصوصاً که نظام واژگانی میرداماد، کاملاً مشتائی بوده و با اصطلاحات فلسفه اشراقی فاصله دارد. با توجه به این نکات، می‌توان گفت: عناوین اشراقی آثار میرداماد و توجه او به سلوک عرفانی، بدین معناست که میر به معنای عام کلمه اشراقی است؛ یعنی به الهامات غیبی و وحیانی توجه داشته و اعمال اختیاری انسان را در ادراک او از هستی مؤثر دانسته است.

مؤلف در ادامه، ادعای بحث برانگیز دیگری مطرح کرده است. او با استناد به عبارتی از کتاب جذوات و مواقیت، تصریح کرده که میرداماد نظام حکمت مشاء را نامستوی و عقیم می‌دانسته است. عبارت منقول از جذوات چنین است:

«ما که - بفضل الله النعم - مزاج خام فلسفه نامستوی را نُضج استوا داده‌ایم، تشنیه قسمت ذاتی کرده، جوهر و عرض را دو جنس عالی مقولاتِ جواهر و اعراض گرفته...»^۳.

این عبارت، بخشی از «میقات» دوم کتاب است که موضوع آن شمارش مقولات و اجناس عالیّه است. میرداماد پس از نامستوی خواندن فلسفه پیشین، نظر ابداعی خود (جنسیت عرض) را در این باره مطرح کرده است. با توجه به اینکه تقسیم دهگانه مقولات از ابتکارات ارسطو است، به احتمال قوی مراد میر از «فلسفه نامستوی»، فلسفه یونانی است، نه فلسفه مشتائی سینی. به هر روی، نامستوی و عقیم بودن نظام فلسفی، به معنای وجود اشکالات فراوان در مبادی، ساختار و نتایج آن است و میرداماد - هرچند گاه اشکالاتی بر فلسفه سینی وارد کرده - تابع ساختار حکمت مشاء به معنای خاص (یعنی سینی) بوده و نقصان‌های آن را برطرف کرده است؛ بنابراین، عبارت منقول از جذوات به تنهایی مدعای آقای اوجی را اثبات نمی‌کند.

نویسنده در ادامه، به برخی آراء و اندیشه‌های میرداماد پرداخته است؛ از جمله: نظریه «حدوث دهری»، تفسیر آموزه «بداء»، «جبر و اختیار»، «اصالت ماهیت»، «تشنیه مقولات»،

۱. «إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَىٰ النَّارِ هَذِي» (طه/۱۰)؛ «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» (القصص/۲۹).

۲. نمونه را نگر: القبسات، ص ۴۶۱؛ الأفق المبين، ص ۵۹۳.

۳. جذوات و مواقیت، ص ۱۶۰.

۴. گروهی از دانشمندان - از جمله ملا عبد الرزاق لاهیجی - معتقدند که میرداماد به اصالت ماهیت قائل نبوده است؛ بلکه ملاحظه مجموع عبارات او نشان می‌دهد که میرداماد نیز مانند شاگردش، ملا صدرا، به اصالت

نظریهٔ «وحدت حمل»^۱ و تبیین «پیدایش کثرت از وحدت». البته، این فهرست ناقص است و می‌توان مباحث بیشتری - به‌ویژه از آراء منطقی میرداماد - به آن افزود؛ برای مثال، تقسیم «هل بسیط» به دو قسم حقیقی و مشهوری^۲، تدقیق در موضوع علم منطق^۳، تمایز بین وجود رابط و رابطی^۴، نگاه استقلالی به حمل شیء بر خود^۵، نگاهی تازه به اعتبارات ماهیت^۶ و... .

فصل پنجم کتاب که «دیگر ویژگی‌های میرداماد» نام دارد، در صفحه ۱۳۷ آغاز شده است. نویسنده در این فصل کوشیده است تا ابعاد گوناگون شخصیت میرداماد را به نحوی منسجم و یکپارچه عرضه کند. وی ابتدا دربارهٔ نثر و شیوهٔ نگارش میرداماد سخن گفته و تذکر داده است که او برخلاف عده‌ای از دانشمندان، «مغلق نویس» - به معنای عاجز از ساده‌نویسی - نیست؛ بلکه میرداماد «زیبانویس» بوده و قلمی ادیبانه و منشیانه دارد؛ چنان‌که خواننده با قدری انس و ممارست، مقاصد میرداماد را درمی‌یابد.

نویسنده در ادامه، به صفای باطنی و کمالات نفسانی میرداماد پرداخته و خلسه‌های او را روایت کرده است. سپس، دربارهٔ جامعیت میرداماد، حضور و نفوذ سیاسی او و قریحهٔ شاعرانه‌اش سخن گفته است. البته، مبحث جامعیت میرداماد، قابلیت بسط و تفصیل بیشتر دارد؛ چنان‌که مطالب مربوط به شعرسرایی میر، بعدها در کتاب معلم ثالث، اثر آقای جویا جهانبخش، با تفصیل و دقتی کم‌نظیر مطرح شده‌اند.

فصل پایانی کتاب که حجیم‌ترین بخش آن است، به معرفی آثار میرداماد اختصاص یافته است. آقای اوجبی در این بخش، کتاب حکیم استرآباد: میرداماد را اساس کار خود قرار داده و مطالب آن را جرح و تعدیل کرده است. این فصل در مقایسه با بخش‌های دیگر کتاب، دقیق‌ترین و استوارترین بخش است؛ چنان‌که نسبت به تحقیقات دیگر دربارهٔ کتاب‌شناسی آثار میرداماد نیز از قوت بیشتری برخوردار است. نویسنده در ابتدای این فصل آورده است:

«ارائهٔ فهرست کامل و دقیق از آثار متعدّد و متنوّع مصنّف (میرداماد) بدون

وجود گرایش داشته و نزاع این دو حکیم، صرفاً لفظی است. عده‌ای دیگر بر این باورند که تمام فلاسفه به اصالت وجود باور دارند؛ هرچند خلاف آن را تصریح کرده باشند؛ زیرا فیلسوف که در جست‌وجوی حقیقت است، نمی‌تواند موضوع علم شناخت واقع را اعتباری بداند. آقای اوجبی نیز در صفحه ۱۲۷ از کتاب، عباراتی از میرداماد نقل کرده که مؤید همین معناست. برای اطلاع بیشتر، نگر: الكلمة الطیبة، صص ۱۳۳-۱۳۶؛ النظرة الدقیقة فی قاعدة بسیط الحقیقة، ص ۵۳.

۱. به نظر می‌آید که میرداماد مبدع نظریهٔ اشتراط وحدت حمل در تناقض نیست. چنان‌که استاد ناجی اصفهانی نیز اشاره کرده است، سیاق عبارات میرداماد به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد این نظریه پیش از او متداول بوده است. نگر: الأفق المبین، ص پنجاه و شش، پانویس ۱ (مقدمهٔ مصحح).

۲. نگر: القیسات، ص ۳۸.

۳. نگر: الأفق المبین، صص ۵۲-۵۳؛ تقویم الإیمان و شرحه کشف الحقائق، ص ۲۷۵.

۴. نگر: الأفق المبین، ص ۱۱۴.

۵. نگر: همان، ص ۶۳.

۶. نگر: مصتفات میرداماد، ج ۱، صص ۱۲۶-۱۲۷.

در اختیار داشتن تمامی نسخه‌های موجود، میسر نیست؛ از این رو، آنچه در اینجا با استناد به فهرس نسخه‌های خطی، کتاب‌های مرجع، منابع تراجم و آثار چاپی او معرفی شده، مصون از نقص، خطا و لغزش نیست»^۱.

توجه به مباحث نسخه‌شناختی و مراجعه مستقیم به دست‌نوشته‌ها در تدوین فهرست آثار اعلام تاریخی، حائز اهمیت فراوان بوده و مراجعه به فهرس نسخ خطی به‌تنهایی کافی نیست. در میان مؤلفان تک‌نگاری‌ها، تنها دکتر موسوی‌بهبهانی در حکیم استرآباد مستقیماً به نسخ خطی مراجعه کرده است. آقای اوجی نیز علی‌رغم صرف نظر از مراجعه به نسخ خطی، فهرست آثار میرداماد را در کتاب حکیم استرآباد، به‌خوبی تقویت و اصلاح کرده است. او هنگام معرفی آثار میر، حتی‌الامکان اطلاعات کتاب‌شناختی و نسخه‌شناختی هر اثر و مشخصات نشر آن را ذکر کرده است.

نکته پایانی اینکه کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی پس از انتشار در سال ۱۳۸۳ هجری شمسی، با عناوین گوناگون و از سوی ناشران مختلف باز نشر شده است^۲؛ چنان‌که نویسنده محترم، برخی مطالب کتاب را در قالب مقالات گوناگون، به‌کرات ارائه داده است که هیچ‌یک مطلبی افزون بر محتوای این اثر ندارند.^۳ درباره باز نشر این اثر و مطالب آن، ذکر چند نکته بایسته است: ۱. این کتاب مجموعاً سه مرتبه و در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ هجری شمسی منتشر شده است. تنها تغییر در مطالب کتاب، این است که در تحریر دوم (۱۳۸۹ هجری شمسی) برخی عبارات عربی تحریر نخست (۱۳۸۲ هجری شمسی) به فارسی ترجمه شده و تعداد انگشت شماری پاورقی توضیحی به صفحات کتاب اضافه شده است. این در حالی است که در این بازه دوازده‌ساله، مطالب جدیدی در حوزه میردامادشناسی عرضه شده و دسترسی محققان به منابع

۱. میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی، ص ۱۶۶.

۲. مشخصات چاپ‌های گوناگون این اثر، در پایان مدخل ذکر خواهد شد.

۳. مقالات مذکور از این قرارند:

- «پیوند عقل و دین در حکمت یمانی میرداماد»، وقف: میراث جاویدان، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۷ش، صص ۶۴-۶۷ (بازنشر: روزنامه اطلاعات، شنبه، ۵ تیر ۱۳۷۸ش، شماره ۲۱۶۵۵، ص ۱۱).

- «دورنگایی از اندیشه‌ها و نظریات فلسفی میرداماد»، خردنامه صدرا، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۷ش، صص ۶۴-۷۰.

- «حکمت یمانی و نوآوری‌های فلسفی میرداماد»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان: دو مکتب فلسفه اسلامی، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدعلی اصغر میرباقری فرد [و] فاطمه بستان شیرین، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ش، صص ۲۱-۴۸.

- «میرداماد فیلسوف مشهور و گمنام»، آینه میراث، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳ش، صص ۵۸-۶۴ (بازنشر: روزنامه ایران، پنج‌شنبه، ۲۳ خرداد ۱۳۹۲ش، شماره ۵۳۸۸).

- «ماهیت و بن‌مایه‌های معرفتی حکمت یمانی»، جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقالات و گفتارها)، مجموعه مؤلفان، گردآوری: سیدمصطفی محقق داماد، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش، صص ۸۷-۹۵.

- «حکمت ایمانیان»، روزنامه جام‌جم، دوشنبه، ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ش، سال ۷، شماره ۱۷۳۸، ص ۱۱.

تاریخی، کتاب‌شناختی و نسخه‌های خطی تسهیل شده است. با عنایت به این گشایش‌ها، شایسته بود که نگارنده محترم، در هر نوبت از چاپ کتاب، محتوای آن را ویرایش کرده و کاستی‌های آن را می‌زدود؛ خصوصاً که در بخشی از پیشگفتار تحریر نخست، تدوین فصل هفتم کتاب را درباره «شاگردان مشهور میرداماد»، وعده داده است.

۲. نویسنده در سه نوبت چاپ کتاب، از سه عنوان مختلف («میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی»، «میرداماد» و «میرداماد: مؤسس حکمت یمانی») استفاده کرده است. فارغ از بحث‌های حقوقی و قانونی، از اختلاف عناوین چنین متبادر می‌شود که تغییر عنوان، بر تغییر محتوا دلالت دارد؛ وگرنه در صورت یکسانی محتوا، تغییر عنوان لغو و بی‌مناسبت خواهد بود.

۳. انتشار مقالات مستخرج از تحقیقات گسترده، یکی از شیوه‌های مرسوم و مفید برای عرضه مطالب به خوانندگان مجلات علمی و مخاطبان همایش‌هاست؛ اما اگر به تکرار مکررات منجر شود، نقصان اعتبار نویسنده را در بر خواهد داشت. شایسته بود آقای علی اوجبی - که در زمره محققان زبده و پرکار ایرانی است - از تکرار محتوای این اثر در نگاشته‌های گوناگون پرهیز می‌کرد. به هر روی، کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی، علی‌رغم کاستی‌ها و اشتباهاتی که در آن وجود دارد، در زمره تک‌نگاری‌های اصلی و درخشان درباره میرداماد است. تجدید چاپ این اثر و ارجاع نویسندگان تک‌نگاری‌ها و مقالات به مطالب آن، نشان‌دهنده جایگاه رفیع این کتاب در میان اهل علم و تحقیق است. هدف نویسنده از نگارش کتاب این بوده است که درباره شخصیت میرداماد، آراء و آثار او مدخلی فراروی محققان بگشاید. به نظر نگارنده سطور، این هدف تا حد زیادی فراهم آمده و امید است که در چاپ‌های آینده، نواقص و اشکالات کتاب نیز رفع شود.

اطلاعات نشر (با عناوین مختلف):

- میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی، چ ۱، تهران: نشر ساحت، ۱۳۸۲ ش.^۲
- میرداماد، چ ۱، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ ش.^۳
- میرداماد: مؤسس حکمت یمانی (مجله ۱ از مجموعه «مشاهیر»)، چ ۱، تهران: نشر وایا، ۱۳۹۴ ش.^۴

۵. میرداماد/ سید محمد خامنه‌ای

معرفی و نقد: استاد سید محمد خامنه‌ای در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶ هجری شمسی، سلسله مقالاتی با عنوان «نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین» در نشریه خردنامه صدرا منتشر کرده است. وی بعدها مجموعه این مقالات را با بسط و تفصیل بیشتر، در کتابی دوجلدی با همین نام به چاپ سپرده است. او همچنین، شماره سوم تا هفتم فروست پیش‌گفته را - که با

۱. مانند آقای جويا جهانبخش در کتاب معلم ثالث و دکتر علی اکبر ولایتی در کتاب میرداماد (ج).

۲. شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۲۵۲.

۳. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: سخت / تعداد صفحات: ۳۵۰.

۴. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۳۵۰.

عنوان فرعی «صدرا و میرداماد» به چاپ رسیده‌اند.^۱ به همراه تلخیص مقاله‌ای دیگر دربارهٔ نظریهٔ «حدوث دهری»^۲، در قالب کتابی مستقل با نام «میرداماد» منتشر کرده که موضوع بحث کنونی ماست.

این کتاب در پنج فصل اصلی تنظیم شده است: زندگی میرداماد؛ اساتید و معاصران؛ ویژگی‌های میرداماد؛ عصر میرداماد؛ فلسفهٔ میرداماد. مهم‌ترین ویژگی این اثر، توجه خاص نویسنده به دو جنبه از زندگی میرداماد است:

۱. ارتباط میر با شاگردش، ملاصدرا: نویسنده در بخش «مکاتبات میرداماد» - که زیرمجموعهٔ فصل «ویژگی‌های میرداماد» است - ضمن بررسی دقیق و مفصل نامه‌های ملاصدرا به میرداماد، نکات جالب و باارزشی دربارهٔ ارتباط این دو حکیم بزرگ با یکدیگر استخراج کرده است.

۲. اندیشه‌های فلسفی میرداماد: حدود هفتاد صفحه از این کتاب به بازخوانی نظریات علمی میرداماد اختصاص دارد که با محاسبهٔ نسبت این بخش با حجم کل کتاب (حدود یک سوم)، در میان تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد بی‌سابقه است. توجه محوری نویسنده بر فلسفهٔ میرداماد، بر دیگر بخش‌های کتاب نیز تأثیر نهاده است.

ویژگی دیگر نویسنده، روحیهٔ تحقیق و اجتهاد در مباحث مختلف است که در بخش‌های گوناگون این اثر - همچون مباحث تاریخی مربوط به ولادت و وفات میرداماد، حکایات زندگی او و بازخوانی نظریات فلسفی اش - ظهور یافته است. البته، برخی سخنان مؤلف ادعاهایی هستند که ظاهراً استدلالی به نفع آن‌ها وجود ندارد؛ مانند این عبارات که در ابتدای فصل سوم آمده است: «وی (میرداماد) ... در علوم ادبی نیز تفوق خود را اثبات کرده و تسلط وی به لغت عربی تا به اندازه‌ای است که جاحظ و ابن مقفع و اصمعی را به خاطر می‌آورد و به مراتب بیش از آگاهی دانشمندان عرب زبان است»^۳.

مسلم است که میرداماد بر شاخه‌های مختلف ادبیات فارسی و عربی - به ویژه علم لغت و

۱. مشخصات مقالات مذکور از این قرار است:

- «نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ قسمت سوم: صدرا و میرداماد»، خردنامهٔ صدرا، شمارهٔ ۳، بهار ۱۳۷۵ش، صص ۳۲-۳۹.

- «نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ قسمت چهارم: صدرا و میرداماد»، خردنامهٔ صدرا، شمارهٔ ۴، تابستان ۱۳۷۵ش، صص ۲۳-۴۱.

- «نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ قسمت پنجم: صدرا و میرداماد»، خردنامهٔ صدرا، شمارهٔ ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ش، صص ۲۳-۴۱.

- «نگاهی به زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ قسمت ششم: فلسفهٔ میرداماد»، خردنامهٔ صدرا، شمارهٔ ۸ و ۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۶ش، صص ۲۳-۴۶.

۲. «حدوث دهری و حکمت متعالیهٔ ملاصدرا»، خردنامهٔ صدرا، شمارهٔ ۳۹، بهار ۱۳۸۴ش، صص ۵-۱۲.

۳. میرداماد (ب)، ص ۲۲.

بلاغت - تسلط فراوانی داشته است؛ اما اینکه او ادیبی کامل^۱ و متفوق بر ادیبان شهر عرب باشد، ادعایی صرف است که به سادگی نمی‌توان آن را اثبات کرد. نویسنده در ادامه، آورده است: «یکی از حقایق پنهانی که در زندگی فلسفی میرداماد وجود دارد، بی‌اعتقادی او به فلسفه منشاء و گرایش او به حکمت اشراق و عرفان محیی‌الدین است... برخی او را شارح فلسفه منشاء و مفسر فلسفه سینوی معرفی نموده‌اند؛ اما حقیقت آن است که وی مکتب اشراق سهروردی و عرفان محیی‌الدین را در هم آمیخته و همچون پایگاه خود در فلسفه به کار می‌برده است»^۲.

این مدعا نیز چندان پذیرفتنی نیست؛ زیرا اولاً، فلسفه میرداماد بر ساختار و نظام واژگانی حکمت سینوی استوار است و او کوشیده است تا نواقص آراء شیخ رئیس را برطرف کند. علاوه بر این، میرداماد در تعلیم و ریاست فلسفه اسلامی خود را با فارابی و ابن‌سینا شریک دانسته و از آن دو با عناوین «شریکنا فی التعلیم» و «شریکنا فی الریاسة» یاد کرده است؛ اما در مواجهه با شیخ اشراق، بیانی کنایه‌آمیز و البته محترمانه دارد.^۳ البته، اگر مراد از «اشراق»، معنای عام آن - یعنی توجه به جنبه‌های عرفانی و اتکا به الهامات غیبی و اشراقات وحیانی - باشد، می‌توان فلسفه میرداماد نوعی از حکمت اشراقی دانست؛ اما این ویژگی در میرداماد منحصر نیست. بیشتر حکماء اسلامی بر این باورند که افعال اختیاری انسان در نحوه ادراک او از هستی تأثیر دارند. به این معنا، حتی ابن‌سینا نیز اشراقی محسوب می‌شود؛ زیرا در سیره او منقول است که برای حل برخی معضلات علمی خود، به نماز و دعا در پیشگاه حق متعال روی می‌آورده است.^۴ البته، این مطلب در آثار میرداماد به نحوی جدی و پررنگ مطرح شده؛ اما واضح است که مراد آقای خامنه‌ای، معنای عام «اشراق» نبوده است.

علاوه بر این، ادعای گرایش میرداماد به عرفان ابن‌عربی نیز پذیرفته نیست. پوشیده نیست که برخی آراء میر، مانند نظریه «حدوث دهری» یا احاطه وعاء سرمد بر وعاء دهر و وعاء زمان، با برخی آموزه‌های عرفانی مطابقت دارند؛ چنان‌که دیدگاه‌های میرداماد در علم الحروف با برخی نظرات ابن‌عربی و ابن‌ترکه هماهنگ است؛ اما اینکه نظام فلسفی و معرفتی میرداماد متأثر از ابن‌عربی باشد، ادعایی متفاوت است که نمی‌توان از آن دفاع کرد. برخی معاصران و شاگردان میرداماد - همچون شیخ بهایی، میرفندسکی، سیداحمد علوی عاملی و ملاصدرا - از آراء ابن‌عربی متأثر بوده و به نگاشته‌های وی ارجاع داده‌اند؛ اما در آثار میرداماد اشاره‌ای به نام ابن‌عربی یا ارجاعی به آثار او دیده نمی‌شود. او تنها یک مرتبه در کتاب الصراط‌المستقیم به نام داود قیصری

۱. ادیب کامل کسی است که بر تمام شاخه‌های اصلی و فرعی ادبیات عربی تسلط کامل داشته باشد. شعب اصلی و فرعی ادبیات عربی از این قرارند: لغت؛ صرف؛ اشتقاق؛ نحو؛ معانی؛ بیان؛ بدیع؛ عروض؛ قافیه؛ خط؛ قرض الشعر؛ انشاء؛ محاضرات؛ امثال؛ تاریخ‌الأدب؛ دواوین. نگر: شرح النظام علی الشافیه، صص ۴-۵؛ الإصباح فی شرح تلخیص المفتاح، ج ۱، ص ۸.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. نمونه را نگر: القیسات، ص ۴۶۱؛ الأفق المبین، ص ۵۹۳.

۴. نگر: ابن‌سینا: زندگی، آثار و افکار حکیم ایرانی، صص ۳۸۸-۳۸۹.

اشاره کرده و دیدگاه او را درباره مفهوم «ازل» نقد کرده است.^۱

با اندکی مسامحه، می‌توان کتاب میرداماد را در زمره منابع تاریخ فلسفه جای داد؛ زیرا نویسنده آن، به نحوی خاص و دقیق به تأثیرگذاری حکمت یمانی بر حکمت متعالیه توجه کرده است. وی در بخشی از فصل پنجم کتاب (صفحه ۱۵۶)، به مسئله‌ای مهم در تاریخ فلسفه اشاره کرده است: عقیده ملاصدرا و پیروانش درباره نظریه «حدوث دهری» چیست؟ منشأ ظهور این مسئله، آن است که ملاصدرا در هیچ‌یک از آثار خود - نفیاً یا اثباتاً - سخنی درباره نظریه استاد نگفته و با سکوتی معنادار از کنار آن عبور کرده است.

عده‌ای مانند شهید مطهری^۲ و دکتر ابراهیمی دینانی^۳، معتقدند که سکوت ملاصدرا، به معنای مخالفت او با نظریه استاد است و ملاصدرا به سبب احترام فراوانی که برای میرداماد قائل بوده، این نظریه را نقد نکرده است. به نظر می‌رسد که این برداشت صحیح نیست؛ زیرا اولاً، ملاصدرا در مباحث بسیاری - مانند اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، اراده انسانی و حرکت توسطیه و قطعیه - دیدگاه میرداماد را نقد کرده است. با توجه به این نکته، تخصیص شیوه ملاصدرا به مواجهه‌اش با نظریه «حدوث دهری»، وجهی ندارد؛ ثانیاً، مقام فلسفه‌ورزی و حقیقت‌جویی، فراتر از احکام وهمی و عاطفی است، نه آنکه فیلسوفی - خصوصاً ملاصدرا که صدر حکماء الهی ایران است - به سبب رابطه استادی و شاگردی، از نقد یا رد آراء دیگران خودداری کند.

دیدگاه دوم در پاسخ به مسئله مذکور، آن است که ملاصدرا از تمسک به نظریه حدوث دهری بی‌نیاز بوده است، نه اینکه با آن مخالفت داشته باشد؛ زیرا اولاً، حدوث دهری دیدگاهی ذات‌انگارانه است که بیشتر با نظریه اصالت ماهیت سازگار است؛ ثانیاً، ملاصدرا با اثبات حدوث طبعی - که حاصل باور به نظریه «حرکت جوهری» است - نوع خاصی از حدوث دما دم ممکنات را تبیین کرده است. با اثبات این حدوث، عملاً جایی برای حدوث دهری در فلسفه ملاصدرا باقی نمی‌ماند.^۴

دیدگاه سوم نیز، جمع مبانی حکمت متعالیه با نظریه حدوث دهری است. افرادی همچون حکیم سبزواری در شرح المنظومه^۵ و شرح دعاء الجوشن الکبیر^۶ و آقای خامنه‌ای در همین کتاب^۷، به این دیدگاه گرایش دارند. این گروه قرائتی از نظریه حدوث دهری ارائه می‌دهند که با مبانی حکمت متعالیه سازگار است. به نظر نویسنده کتاب، ملاصدرا نظریه حرکت جوهری را از حدوث دهری اخذ کرده و میرداماد نیز به حرکت جوهری ملتزم و معتقد بوده است. این مدعا صد البته حاجتمند بررسی و تدقیق بیشتر است؛ اما اینکه مؤلف محترم به این مسئله مهم توجه کرده و

۱. نگر: الصراط المستقیم، ص ۱۱۳.

۲. نگر: مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۰ (شرح مبسوط منظومه)، ص ۳۳۷.

۳. نگر: ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۱۲.

۴. نگر: «جایگاه حدوث دهری و حرکت جوهری در دو نظام متفاوت فلسفی»، صص ۳۱-۳۳.

۵. نگر: شرح المنظومه، ج ۱، صص ۳۱۱-۳۱۶.

۶. نگر: شرح الأسماء (شرح دعاء الجوشن الکبیر)، ص ۷۶.

۷. نگر: میرداماد (ب)، صص ۱۵۶-۱۵۹.

پاسخی متفاوت ارائه داده، امری درخور تحسین است.

یکی دیگر از ویژگی‌های خاص این کتاب، اشتغال آن بر تصاویر برخی اسناد تاریخی و دست‌خط‌های میرداماد است؛ برای مثال، در صفحه ۱۹ تصویر نسخه اصل اجازه‌نامه میرداماد به سلطان‌العلماء^۱ و در صفحات ۱۰۷ و ۱۰۹، تصویر صفحاتی از نسخه کتابت‌کرده ملاصدرا از کتاب الصراط‌المستقیم درج شده است. البته، این قابلیت وجود داشت که تصاویر بیشتری در میان صفحات کتاب قرار می‌گرفت و نویسنده و به همین دو نمونه اکتفا نمی‌کرد.

تک‌نگاری استاد خامنه‌ای درباره میرداماد، اثری مفید و کاربردی است. این کتاب از حیث بررسی مباحث تاریخی و تذکره‌ای، به مرتبه آثاری همچون معلم ثالث و حکیم استرآباد نمی‌رسد؛ اما از جهت دقت در بازخوانی نظرات فلسفی میرداماد و نیز، تأثیر اندیشه او بر حکمت متعالیه، نگاشته‌ای کم‌نظیر و مفصل به شمار می‌رود. چنان‌که پیش‌تر گذشت، برخی دیدگاه‌های مؤلف درباره نظریات علمی میرداماد و اوضاع تاریخی عصر او، حاجتمند بحث و تأمل است که از حوصله این نوشتار خارج است.

اطلاعات نشر:

- ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۴ ش.^۲

۶. نظریه پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه / سعید نظری توکلی

معرفی و نقد: این کتاب یکی از آثار مفصل درباره میرداماد و نظریه «حدوث دهری» است. اگر از فهرست‌های فنی صرف‌نظر کنیم، کتاب نظریه پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه، حجمی بالغ بر ۵۲۳ صفحه دارد که از این مقدار، ۳۶۱ صفحه به شخصیت میرداماد و نظریه حدوث دهری اختصاص یافته است. در میان تک‌نگاری‌های مرتبط با میرداماد، اثری سراغ نداریم که با این تفصیل به نظریه حدوث دهری، مقدمات و نتایج آن پرداخته باشد. نویسنده برای نگارش این کتاب، با تتبعی حیرت‌انگیز، تمام منابع منتشرشده تا سال ۱۳۸۹ هجری شمسی را از نظر‌گذرانده است.^۳ دکتر نظری برای تقریر نظر میرداماد، به نگاشته‌های کوتاه و بلند او مستقیماً مراجعه کرده و تنها به آثار اصلی میر - همچون القیسات، تقویم‌الایمان و الأفق‌المبین - اکتفا نکرده است. گستردگی تتبع و اصالت ارجاعات، یکی از ویژگی‌های اصلی و چشمگیر این کتاب است.

کتاب از چهار بخش اصلی یا چهار «گفتار» تشکیل شده است. گفتار اول با عنوان «سیر تحولات فلسفه در جهان اسلام» متشکل از دو فصل است. مؤلف در فصل اول از این بخش، درباره مسلمانان و فلسفه اسلامی و نزاع متکلمان با فلاسفه سخن گفته؛ و در فصل دوم به رشد مکتب فلسفی اصفهان و جایگاه میرداماد در آن پرداخته است. نویسنده در این فصل و فصل سوم، حجمی بالغ بر ۶۴ صفحه را به میرداماد و شرح حال او اختصاص داده است. او برای نگارش این بخش، به آثار میرداماد، منابع تاریخی، تذکره‌ها و دیگر تک‌نگاری‌ها به نحوی کامل

۱. این تصویر، فاقد هرگونه توضیح است که موجب سردرگمی مخاطب عام می‌شود.

۲. شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قطع: وزیری / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۱۸۴.

۳. فهرست منابع و مآخذ این کتاب، دربردارنده ۳۷۹ عنوان کتاب و مقاله است.

مراجعة کرده و از آن‌ها به خوبی بهره برده است.

خانم شهناز شایان‌فر در مقاله‌ای با عنوان «حکمت یمانی در دام اقتباس»^۱ فصل سوم این کتاب را نقد کرده است. به باور او، آقای نظری علاوه بر مطالب این فصل، ساختار اصلی کار خود را نیز از مقدمهٔ آقای اوجبی بر تقویم‌الایمان اخذ کرده؛ اما در بیشتر مواضع به این منبع اشاره نکرده است. او همچنین، برخی تحلیل‌ها و برداشت‌های آقای نظری را از منابع تاریخی و فلسفی نقد کرده است. در این مختصر، مجال داوری دقیق دربارهٔ این اشکالات فراهم نیست؛ اما به اجمال می‌توان گفت:

- اولاً، دکتر نظری توکلی در مقدمهٔ کتاب تصریح کرده است که هدف اصلی او، بررسی نظریهٔ حدوث دهری و حدوث طبعی است؛^۲ لذا، حتی اگر تمام مطالب فصل سوم از آثار دیگر مقتبس باشد، اشکال خاصی متوجه نویسنده نیست. در معرفی کتاب حکیم استرآباد: میرداماد گذشت که نویسنده بخشی از مقدمهٔ خود را از کتاب زندگانی شاه‌عباس اول، نوشتهٔ نصرالله فلسفی، اقتباس کرده و اشکالی بر او وارد نیست؛ زیرا هدف او، نگارش اثری مستقل دربارهٔ تاریخ عصر صفوی نبوده است تا به تکرار مکررات متهم شود. این دست نقدهای محتوایی هنگامی وارد هستند که مؤلف در تحصیل هدف اصلی خود مرتکب خطا شده باشد، نه در حواشی و مطالبی که در فرض نبودشان، تفاوت‌چندانی در محتوای کتاب ایجاد نمی‌شود.
- ثانیاً، نویسنده در جای جای فصل سوم - به ویژه در ابتدای آن - خواننده را به مقدمهٔ تقویم‌الایمان، کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی و منابع دیگر، ارجاع داده است.
- ثالثاً، با مقایسهٔ محتوای فصل سوم این کتاب با بخش مربوط به آراء و نظرات فلسفی میرداماد در مقدمهٔ تقویم‌الایمان، به دست می‌آید که بخش‌های فراوانی از مطالب دکتر نظری توکلی، از آثار آقای اوجبی مأخوذ نیست.
- رابعاً، برخی منابعی که نویسنده در این فصل به آن‌ها ارجاع داده، پس از تقویم‌الایمان و میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی منتشر شده‌اند؛ مانند کتاب میرداماد (اثر استاد خامنه‌ای)، الأفق المبین (با تصحیح دکتر ناجی اصفهانی) و ...
- خامساً، خانم شایان‌فر در مقالهٔ خود، تنها فصل سوم کتاب نظریهٔ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه را بررسی کرده است. این فصل، تنها یک بیستم از حجم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد؛ اما عنوان مقاله و برخی تعابیری که در آن به کار رفته است، این معنا را القاء می‌کنند که بیشتر مطالب کتاب اقتباسی بوده و امتیاز خاصی ندارد. اگر قرار است اثری را نقد کرده و عیوبش را آشکار کنیم، انصاف نیست که ویژگی‌های برجسته و امتیازات آن را مخفی کرده یا اظهار نکنیم. در ادامه نشان خواهیم داد که قوت کتاب نظریهٔ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه و دقت تحقیق مؤلف (حداقل از نظر روش بحثی) بیش از آن است که امثال این نقدها - بر فرض صحت‌شان - خللی در اعتبار کتاب ایجاد کنند.

۱. «حکمت یمانی در دام اقتباس: نقدی بر کتاب نظریهٔ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه»،

کتاب ماه فلسفه، شمارهٔ ۴۷، مرداد ۱۳۹۰ ش، صص ۷۰-۷۵.

۲. نگر: نظریهٔ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه، ص ۱۳.

گفتار دوم کتاب که در صفحه ۱۰۹ آغاز شده و تا صفحه ۳۶۱ ادامه یافته است، به تقریر نظریه حدوث دهری، مبادی و نتایج آن اختصاص دارد. تلاش مؤلف در ارائه منظم و منسجم مباحث علمی، در این بخش و دیگر بخش‌های کتاب کاملاً مشهود است. او ابتدا مبادی و مفاهیم مرتبط با بحث را توضیح داده و حیطه مفهومی مسئله را مشخص کرده و سپس، محل نزاع را در مسئله حدوث عالم تعیین کرده است. وی در ادامه، به نظریات مختلف در این باره پرداخته و استدلال هر گروه را تقریر کرده است. سپس، با دقتی مطلوب لوازم هر استدلال را تبیین کرده و بعضاً در پاورقی‌ها به سازگاری یا ناسازگاری لوازم با مبانی اشاره کرده است.

نویسنده گاه به مباحث تاریخی و حاشیه‌ای مرتبط با بحث نیز اشاره کرده است؛ برای مثال، به این مسئله پرداخته است که آیا پیش از میرداماد نیز کسانی به حدوث دهری قائل بوده‌اند یا اینکه میرداماد مبدع این نظریه است؟^۱ فارغ از صحت و سقم پاسخ نویسنده به این مسئله، باید اذعان کرد که او ویژگی‌های تحقیق روشمند و صحیح را به خوبی احراز کرده است. دکتر نظری توکلی به تأثیر نظریه حدوث دهری بر اندیشه‌مندان متأخر نیز توجه کرده و آراء موافقان این دیدگاه - همچون سیداحمد علوی عاملی، ملاشمسای گیلانی، ملااسماعیل خواجه‌ی، علیقلی بن قرچغای خان، شیخ حسین تنکابنی، ملامحمد مهدی نراقی، ملاهادی سبزواری، علامه سیدابوالحسن رفیعی قزوینی - و مخالفان آن - همچون ملاعبدالرزاق لاهیجی، ملامحسن فیض کاشانی، محمدزمان کاشانی، محمدبن علی رضا آقاجانی، آقا جمال خوانساری، استاد سید جلال الدین آشتیانی - را به تفصیل بررسی کرده است.^۲

دیگر ویژگی تحقیق دکتر نظری توکلی، دقت او در تبیین مبانی میرداماد است. وی کوشیده است تا مبادی و مفاهیم مقدماتی نظریه حدوث دهری - نظیر «حدوث و قدم»، «حرکت»، «زمان»، «دهر»، «سرد» و... - را از منظر میرداماد تبیین کرده و تفاوت‌های آن‌ها را با دیدگاه دیگر حکماء مشخص کند. دقت در این امر، در تحقیقات فلسفی بسیار ضروری است؛ زیرا سوء برداشت از تلقی میرداماد از مفهومی خاص یا تقریر اشتباه استدلال‌های او، تغییر در لوازم مبحث را به دنبال خواهد داشت و نهایتاً بر داور محقق درباره سازگاری یا ناسازگاری لوازم با مبانی، تأثیر خواهد گذاشت.

برخی منتقدان نظریه حدوث دهری، این مرحله را به درستی طی نکرده و نتایج غیرعلمی و نامطمئن به دست داده‌اند؛ برای مثال، آقای روح‌الله شاکری در کتاب نقد و بررسی حدوث دهری میرداماد، مفاهیم مقدماتی را بر اساس عبارات میر تبیین کرده؛ اما نظریه حدوث دهری را بر

۱. آقای حسین نجفی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «پیشینه‌های تاریخی و معرفتی نظریه حدوث و قدم دهری» که در سال ۱۳۹۷ هجری شمسی در دانشگاه علوم اسلامی رضوی دفاع شده است، به نحو مفصل و مستند به این مسئله پرداخته و اثبات کرده است که حدوث دهری، نظریه ابتکاری میرداماد بوده و در میان حکماء متقدم، کسی به این نظریه قائل نبوده است.

۲. البته، مخالفان و موافقان نظریه حدوث دهری به این تعداد محدود نیستند. بسیاری از شارحان و منتقدان میرداماد تا به امروز ناشناخته مانده‌اند؛ چنان‌که برخی از آن‌ها، از جغرافیای شبه‌قاره هندوستان و حکومت عثمانی برخاسته‌اند.

اساس تقریر حکیم سبزواری بررسی کرده است.^۱ او بدون اینکه به آثار میرداماد مستقیماً مراجعه کند یا اینکه از مطابقت تقریر حکیم سبزواری با مقصود میرداماد اطمینان حاصل کند، نظریه حدوث دهری را نقد کرده است. بر این اساس، نقدهای او - اگر فی نفسه صحیح باشند - متوجه حکیم سبزواری خواهند بود، نه میرداماد.

هدف دکتر نظری توکلی از نگارش این کتاب تقریر صحیح و جامع نظریه حدوث دهری است؛ اما او به اندازه کافی و حتی بیش از دیگران، به جوانب بحث - حتی جوانب بی‌اثر در نتیجه تحقیق - توجه کرده است؛ برای مثال، در صفحات ۱۱۱ تا ۱۳۲ به اقسام تقدّم و تأخّر، نحوه استحصال آن‌ها و اختلاف میرداماد با مشائیان پرداخته و نظرات دیگران را در این باره نقل کرده است. وی در ادامه، اصطلاح «حدوث»، اقسام آن و برداشت‌های مختلف از این اصطلاح را بررسی کرده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نویسنده برای فهم مقاصد میرداماد، از طیف وسیعی از آثار او - همچون القبسات، الأفق المبین، تقویم الایمان، خلصة الملکوت، رسالة فی الحدوث، الإیماضات و... - بهره برده است. او همچنین، از دیدگاه‌های شارحان میرداماد و نوادگان او - همچون سید احمد علوی عاملی و سید عبدالحسیب علوی عاملی - نیز استفاده کرده است.

نویسنده در فصل دوم، به «دهر» و «سرمد» و تفاوت تفسیر میرداماد از این دو اصطلاح با دیگر حکماء پرداخته است. مطلب مهمی که مؤلف آن را به صورت مسئله‌ای فلسفی/تاریخی مطرح کرده، آن است که دو اصطلاح دهر و سرمد به معنای «نسبت ثابت با متغیر» و «نسبت ثابت با ثابت»، چه رابطه‌ای با دهر و سرمد به معنای «ظرف خاص وجودی» دارند؟ آیا مشترک لفظی هستند یا مشترک معنوی؟ اگر اشتراک آن‌ها معنوی است وجه تحویل هریک به دیگری چیست و اساساً چگونه ممکن است که نسبت، ظرف واقع شود؟

نویسنده در ادامه، به دلایل اثبات حدوث دهری پرداخته و پیش از طرح استدلال‌های فلسفی میرداماد، استشهادهای وی را به منابع نقلی (آیات و روایات) بررسی کرده است. توجه به این نکته ضروری است که استشهاد به منابع نقلی، باعث نمی‌شود که فلسفه میرداماد به نوعی کلام تقلیل یابد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های فلسفه اسلامی، اخذ موضوع و غایت از منابع معرفتی نقلی است. فلاسفه مسلمان در موضوعاتی همچون «حدوث عالم»، «معاد جسمانی»، «ارواح مهیم» و... پس از اخذ موضوع یا گزاره‌هایی خاص از متون مقدّس، به تبیین و تحلیل برهانی این مباحث بر اساس مبانی هستی‌شناختی خود پرداخته‌اند.^۲ روشن است که ایشان - برخلاف متکلمان - در مقام دفاع از متون مقدّس یا توجیه آموزه‌های دینی نیستند. از این روست که گاهی در اقامه برهان بر موضوعات مأخوذ از دین ناکام می‌مانند؛ همچون شیخ رئیس که از اثبات برهانی معاد جسمانی باز مانده است.^۳ بر این اساس، وجود استشادات نقلی در آثار میرداماد، بدین معناست که او تلاش کرده تا کلیات مأخوذ از آیات و روایات را درباره حدوث عالم، در ساختار نظریه‌ای فلسفی و برهان‌پذیر ارائه دهد.

۱. نگر: نقد و بررسی حدوث دهری میرداماد، ص ۷۴.

۲. نگر: آیین و اندیشه، صص ۱۳-۱۵.

۳. نگر: الشفاء، ج ۱۰ (الإلهیات)، ص ۴۶۰؛ النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، ص ۶۸۱.

دکتر نظری توگلی در ادامه، به طرح و بررسی دلایل عقلی حدوث دهری پرداخته است. وی در مجموع نه استدلال را تحلیل کرده که از این میان، هفت استدلال، حلی بوده و دو استدلال، نقضی است. او سپس، اشکالات نظریه حدوث دهری و پاسخ‌های میرداماد و دیگر مدافعان را بررسی کرده است. نویسندگان در این بخش، پاسخ پنج اشکال را از میرداماد و پاسخ ده اشکال دیگر را از افرادی مانند سیداحمد علوی عاملی، علیقلی بن قرچغای خان و ملامهدی نراقی نقل کرده است. مؤلف کوشیده است تا در نقد نظریه میرداماد، انصاف علمی را رعایت کند؛ برای مثال، در بخشی از این عبارات آمده است:

«استاد فرزانه ما، مرحوم سیدجلال‌الدین آشتیانی، ضمن آنکه با بی‌انصافی، طرح نظریه حدوث دهری از سوی میرداماد را ناشی از اشتغال وی به علوم آلی همچون فقه و حدیث و تفسیر می‌دانند؛ در مقام نقد حدوث دهری می‌نویسند:»^۱

از این عبارت بر می‌آید که نویسندگان از محضر استاد آشتیانی بهره برده و به او ارادت داشته است؛ اما این نسبت و ارادت را مانع از نقد نظرات استاد و دفاع از حق نمی‌داند.

نویسندگان در ادامه، از پیشینه تاریخی نظریه حدوث دهری در متون گذشتگان سخن گفته است. سپس، ذیل عنوان «برداشت‌های مختلف از حدوث دهری»، به تفسیرهای گوناگون نظریه میرداماد پرداخته است. ملا اسماعیل خواجوی، ملاهادی سبزواری، علامه رفیعی قزوینی، حکیم علیقلی بن قرچغای خان از جمله افرادی هستند که به حدوث دهری باور دارند؛ اما تفسیرهای متفاوتی از آن عرضه کرده‌اند. باید توجه کرد که علیقلی بن قرچغای خان و محمد اسماعیل خاتون‌آبادی از شاگردان ملا رجبعلی تبریزی هستند و علی‌رغم اختلاف مشرب استاد خود با میرداماد، از مدافعان نظریه حدوث دهری به شمار می‌روند.

دکتر نظری توگلی در ادامه، نتایج حدوث دهری را بیان کرده و به انگیزه اصلی میرداماد از طرح این نظریه اشاره کرده است. ثمرات این نظریه بنا بر گزارش نویسندگان عبارت‌اند از: علم حق تعالی به جزئیات؛ مراتب علم الهی؛ بداء در علم الهی؛ حدوث و آفرینش ممکنات از عدم؛ ارتباط حادث با قدیم.

نویسندگان در فصل ششم، به «قدم دهری» پرداخته است. او پس از تعریف «قدم» و ذکر اقسام آن، شاخصه‌های قدم را بیان کرده است که به ترتیب عبارت‌اند از: ازلیت، ابدیت و سرمدیت. او ابتدا به ازلیت پرداخته و جوانب مختلف آن را بررسی کرده و سپس، ماهیت زمان و دلایل ازلیت آن را تبیین کرده است. نویسندگان در ادامه، دیدگاه میرداماد را درباره تناهی زمان تقریر کرده است. او همچنین، درباره ازلیت عالم و دلایل موافقان و مخالفان آن سخن گفته و برخی نتایج ازلیت عالم - همچون سازگاری یا ناسازگاری با اختیار انسان - را بررسی کرده است. دکتر نظری توگلی در تلاش بوده تا همه زوایای بحث را تبیین کرده و از هیچ نکته مفیدی فروگذار نکند. وی در بررسی ابدیت عالم، ابدیت زمان و مفهوم سرمدیت نیز به همین شیوه عمل کرده است. منابعی که مؤلف در نگارش کتاب از آن‌ها بهره برده، متنوع و گسترده‌اند؛ چنان‌که روش او در

۱. نظریه پیدایش جهان در حکمت یمنی و حکمت متعالیه، ص ۲۳۴.

تحلیل و تبیین مطالب نیز دقیق و مفصل است. البته، او تنها به تقریر مطالب و نظرات میرداماد اکتفا نکرده؛ بلکه میان آراء مختلف داوری کرده و گاهی در پانویس‌ها نظرات میرداماد را نیز به نقد کشیده است. اگر این کتاب بهترین و جامع‌ترین تحقیق دربارهٔ حدوث و قدم دهری و نتایج آن نباشد، بی‌شک در زمرهٔ منابع اصلی در این باره به شمار می‌رود و شایسته است که نمونه و الگویی برای تحقیقات پس از خود واقع شود.

اطلاعات نشر:

- ۱، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۰ش).^۱
- + نقد: «حکمت یمانی در دام اقتباس: نقدی بر کتاب نظریهٔ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه»، شهناز شایان‌فر، کتاب ماه فلسفه، شمارهٔ ۴۷، مرداد ۱۳۹۰ش، صص ۷۰-۷۵.

۷. معلّم ثالث/ جویا جهانبخش

معرفی و نقد: این کتاب ترکیبی از دو اثر پیشین نویسنده است: یکی مقدمهٔ مفصل او بر تصحیح خانم پوستین‌دوز از دیوان اشراق^۲ و دیگری، تصحیح رسالهٔ «التصحیفات» میرداماد.^۳ ویژگی بارز مقدمهٔ آقای جهانبخش بر دیوان اشراق آن است که به اقتضاء ذی‌المقدمه، علاوه بر بررسی زندگی، آثار، شاگردان و زمانهٔ میرداماد، برای اولین بار به جنبهٔ شاعری او به‌نحوی ویژه توجه کرده و سبک و ویژگی‌های اشعار میر را بررسی کرده است.

نخستین ویژگی کتاب معلّم ثالث که نظر خواننده را جلب می‌کند، نگارش خاص نویسنده است که از زیبایی و اصالت خاصی برخوردار است. به‌کارگیری واژگان اصیل و ادیبانه در جای جای کتاب نمایان است و همین امر، سبب می‌شود که خواننده مطالب کتاب را - هرچند خارج از حیطهٔ علایق او باشد - با اشتیاق دنبال کند. همچنین، حرکت‌گذاری‌هایی که بر متن کتاب صورت گرفته، نشانگر این است که نویسنده از دشواری خوانش سبک خود به‌خوبی آگاه بوده است. به نظر نگارندهٔ این سطور، این سبک نوشتار و دقت در حرکت‌گذاری کلمات از دو جهت مغتنم است:

۱. چنان‌که گذشت، به‌واسطهٔ این سبک نگارش، خواننده با محتوای کتاب ارتباط بیشتری برقرار کرده و از مطالعهٔ آن لذت می‌برد؛
۲. آگاهی‌های ادبی خواننده از طریق مطالعهٔ کتاب افزایش می‌یابد و در این آشفته‌بازار جرح زبان پارسی، جرعه‌ای از جام نگارش اصیل و شیرین - که یادگار گذشتگان ماست - می‌چشد. پوشیده نیست که نگارش زندگی‌نامهٔ معتبر و متقن، درگرو تتبع و تحقیق گسترده است. علاوه بر

۱. شمارگان (در نوبت اول و دوم): ۱۰۰۰ نسخه/ قطع: وزیری/ جلد: نرم/ تعداد صفحات: ۵۲۳.

۲. این تصحیح از دیوان اشراق، در سال ۱۳۸۵ هجری شمسی از سوی انتشارات میراث مکتوب به بازار کتاب عرضه شده است.

۳. این رساله پیش‌تر در قالب مقاله منتشر شده و مشخصات آن از این قرار است:

- «رسالهٔ تصحیفات میرداماد»، میراث شهاب، شمارهٔ ۵۹، بهار ۱۳۸۹ش، صص ۳۱-۶۶.

این، لازم است که محقق جایگاه خود را در سیر پیشرفت علم لحاظ کند و ضمن آگاهی از سوابق تحقیقاتی، به کاستی‌ها و ابهامات موضوع پژوهش واقف باشد. آقای جهانبخش در تألیف معلم ثالث این اصل را به نحو احسن مدنظر داشته است. اشارات ارزشمند او در متن اثر، پاورقی‌های مفصل تحقیقی و توضیحی که در جای جای کتاب به چشم می‌خورند و نیز، فهرست مفصل منابع و مآخذ، همگی شواهد این مدعا هستند. نویسنده کوشیده است تا از تمام تحقیقات پیشین درباره میرداماد استفاده کند. اثر این اهتمام، در زندگی‌نامه میر و همچنین بخش مربوط به آراء و آثار وی کاملاً نمایان است. ناگفته نماند که نویسنده در مواضع فراوانی به جرح و تعدیل اقوال تاریخی پرداخته و کوشیده است تا از این رهگذر، ابهامات زندگی‌نامه میرداماد را برطرف کند؛ برای مثال، درباره تاریخ وفات او، با بررسی نظرات گوناگون به این نتیجه دست‌یافته است که ضبط صحیح، سال ۱۰۴۰ هجری قمری است. او همچنین، سرنخ‌های پژوهشی فراوانی در کتاب ارائه کرده که برای پژوهشگران بسیار مغتنم است؛ مثلاً، در صفحات ۱۴۶ تا ۱۵۰، این پرسش را مطرح کرده است که آیا میرداماد تحت تأثیر آموزه‌های نقطویان و حروفیه بوده است یا خیر؟ همچنین، در پاورقی اول از صفحه ۱۹۱، به وصیت‌نامه منسوب به میرداماد و اشکالات این انتساب اشاره کرده است.

از دیگر نکات درخور توجه در کتاب معلم ثالث، پرهیز نگارنده از تبیین نظریه «حدوث دهری» است. او برخلاف نویسندگان آثاری همچون حکیم استرآباد، میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی و میرداماد (ب) که به این مبحث توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند، با اشاراتی گذرا از کنار نظریه مشهور میرداماد عبور کرده است. به نظر می‌آید که همین مواجهه گذرا با هدف نگارنده سازگار است؛ زیرا بررسی دقیق و تفصیلی نظرات علمی، با مقام تراجم‌نگاری و شرح حال نویسی مناسب ندارد. آقای جهانبخش کوشیده است تا وجوه گوناگون شخصیت میرداماد را معرفی کند؛ از این رو، کتاب معلم ثالث از نظر جامعیت مطالب، از تک‌نگاری‌های دیگر غنی‌تر است. نویسنده شخصیت میرداماد را از سه وجه بررسی کرده است: ۱. معنوی و اخلاقی؛ ۲. علمی و فقهاتی؛ ۳. اجتماعی و سیاسی. عمده مطالب در فصل «میر و دستگاه صفویان»، برگرفته از آثار استاد رسول جعفریان است که به دست مؤلف، به نحوی منسجم جمع‌آوری شده است.

از دیگر ویژگی‌های مهم و ممتاز کتاب معلم ثالث آن است که نویسنده در هر دو بخش کتاب، یعنی زندگی‌نامه میر و مقدمه رساله «التصحیفات»، به رابطه میر با معاصرانش به نحوی خاص توجه کرده است. می‌دانیم که اصفهان عصر صفوی یکی از پایتخت‌های علمی در جهان اسلام به شمار می‌رفته و شخصیت‌های بزرگی در آن پرورش یافته‌اند. میرداماد نیز یکی از نمایندگان برجسته حوزه درسی اصفهان است که با دیگر چهره‌های معاصر خود، مراوده داشته است. مواجهه میرداماد با نظرات علمی دانشمندان آن روزگار، گاه همدلانه و گاه منتقدانه بوده است. نویسنده در این کتاب، به خصوص در فصل «با معاصران نامور»، به این موضوع پرداخته و خاطرنشان کرده است که میان میرداماد و شیخ بهایی در علوم منقول، همچون فقه، اصول فقه، رجال و فقه الحدیث، نزاع و تقابل وجود داشته است. او با استشهاد به برخی عبارات میرداماد، بر این باور است که برخی طعن‌ها و نقدهای وی در آثار رجالی و حدیثی خود - مانند حواشی بر اختیار معرفة الرجال و التعلیقة علی کتاب الکافی و همچنین شرح الصحيفة الکاملة السجادیة -

مستقیماً متوجه شیخ بهایی است. فارغ از درستی یا نادرستی این ادعا - که خود مسئله‌ای درخور بررسی است - نفس توجه به این مطلب، امری بکر، تازه و شایسته تحسین است. واکنش‌های میرداماد - خصوصاً نقدها و اشکالات او - به نظرات علمی دیگر دانشمندان آن عصر، صرفاً از نوع مواجههٔ عادی شخصیت‌های علمی با یکدیگر نیست؛ بلکه تقابل دو یا چند جریان فکری است که در آثار نمایندگان آن‌ها ظهور یافته است. توجه به این مطلب - که محققان معاصر کمتر به آن پرداخته‌اند - جنبه‌های تازه‌ای از فرهنگ عالمانه و مناسبات علماء و جریان‌های فکری در دوران باشکوه صفوی را آشکار خواهد کرد.

نویسندهٔ معلّم ثالث کوشیده است تا علاوه بر تبخّر میرداماد در علوم عقلی، تسلّط و سیادت وی در علوم نقلی و نیز نفوذ سیاسی و اجتماعی او را نیز روایت کند؛ لذا، به مناسبت‌های گوناگون مطالبی از آثار حدیثی و رجالِ میر و همچنین، منابع تاریخی و تذکرها نقل کرده است. او همچنین، دربارهٔ تجارب عرفانی میرداماد و نیز، مواجههٔ او و شاگردانش با ابومسلم‌نامه‌ها سخن گفته است. آقای جهانبخش در بخش «زبان و قلم و قلمیّات»، پس از اشاره‌ای مختصر به شیوهٔ نگارش میرداماد، فهرست آثار او را ذکر کرده است.^۱ وی به سبب مراجعهٔ دقیق و کامل به منابع تاریخی و کتاب‌شناختی، اصلاحاتی در فهرست آثار میرداماد اعمال کرده است؛ هرچند این اصلاحات بیشتر به ترتیب و تنظیم فهرست مذکور مربوط می‌شوند و تقدّم فضل در تهذیب این فهرست، همچنان از آن آقای علی اوجبی است.

مهم‌ترین بخش کتاب، فصل «میرداماد و شاعری» است که حدود پنجاه صفحه از حجم آن را در بر می‌گیرد. تخصّص نویسنده در ادبیّات فارسی و شعرشناسی، در این بخش نمایان است. این فصل با نقل قولی از خلاصهٔ الأشعارِ میرزاتقی‌الدین کاشانی دربارهٔ میرداماد آغاز شده است. آقای جهانبخش در ادامه، مقدمه‌ای مفصّل در باب شاعری، آداب آن و نیز سیر تاریخی شعر فارسی در عصر صفوی نگاشته است. پس از آن، به معرفی شاعران شاخص آن دوره پرداخته و در صفحهٔ ۲۰۶، بر شاعرانگی میرداماد متمرکز شده است. یکی از امتیازات این بخش، تحلیل نویسنده از تأثیر خودآگاه و ناخودآگاه میرداماد از شاعران نامدار فارسی - مانند نظامی، حافظ، سعدی، مولوی و... - است. در هیچ‌یک از آثار مربوط به شرح حال میرداماد، چنین تحقیق مفصّل و بدیعی دیده نمی‌شود. نویسنده با تأکید بر معاصرت میرداماد و شیخ بهایی، مشاعره‌های منظوم این دو حکیم بزرگ را نقل کرده و در ادامه، به اختصار از زلالی خوانساری و ارادت او به میرداماد سخن گفته است. نکتهٔ مهمّ دیگر در این بخش، توجه نویسنده به فواید تاریخی اشعار میرداماد است؛ برای نمونه، او در صفحهٔ ۲۰۹ خاطرنشان کرده است که تخلص «اشراق» در اشعار متقدّم میرداماد نیز به چشم می‌خورد؛ از این رو، می‌توان گفت که او از دوران جوانی همین تخلص را به کار می‌برده است.

نویسنده در ادامهٔ این فصل، آرایه‌های ادبی به‌کاررفته در اشعار میرداماد را بررسی کرده و نمونه‌های زیبایی از تلمیح‌ها و تضمین‌های وی ارائه داده است. او کوشیده است تا تمام فواید

۱. در باب دشوارنویسی میرداماد، پاورقی صفحهٔ ۱۶۳ معلّم ثالث مفید و خواندنی است.

این اشعار را استخراج کرده و از آن‌ها در معرفی شخصیت میرداماد استفاده کند؛ فوایدی همچون افتخار میر به سیادتش تا اشعاری که درباره پیش‌نمازی خود سروده است. در بخشی از این فصل می‌خوانیم:

«پاره‌ای از اشعار او (میرداماد) تصویرهایی مکمل از احوال شخصی میر و عصر او و از برای جزئیات زیست‌نگاشتی وی و پیرامونیانش به دست می‌دهند».^۱

نویسنده در ادامه، ابیات زیبایی از سروده‌های میرداماد گزینش و گزارش کرده که نتیجه آن، خواندنی و درخور تحسین است. همه این تلاش‌ها نشان‌دهنده نکته‌سنجی، دقت و ذوق آقای جهانبخش هستند. او در این کتاب، میرداماد را از زوایای معرفی کرده که دیگران - اعم از نویسندگان متقدم و متأخر - به آن توجه نکرده‌اند. معلم ثالث در میان تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد، متفاوت‌ترین اثر از نظر ساختار است. این ساختارشکنی‌ها در عرصه تحقیق و تألیف، موجب روشن شدن بسیاری از زوایای تاریک تاریخ تمدن و فرهنگ در ایران اسلامی خواهد بود. بخش دوم کتاب که به رساله «التصحیفات» اختصاص دارد، از صفحه ۲۴۳ آغاز می‌شود. نویسنده در حدود سی و دو صفحه، مقدمه‌ای درباره چیستی «تصحیف»، انگیزه مصحفان، تأثیرات و نمونه‌های تصحیف در احادیث نگاشته است. بنا بر گزارش نویسنده، میرداماد علاوه بر این رساله، در برخی آثار دیگر خود نیز درباره تصحیف سخن گفته است. این مقدمه از حیث آشنایی با شخصیت فقهاتی میرداماد بسیار مفید و حائز اهمیت است. نویسنده پس از این مقدمه، متن رساله «التصحیفات» را با برخی اصلاحات و اضافات ارائه داده است.

اطلاعات نشر:

- ۱، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۵ ش.^۲

۸. دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد / محمدرضا دوستی دیلمی

معرفی و نقد: این کتاب به مناسبت همایش «دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد» در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی منتشر شده و در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی، با تجدیدنظر و اضافات مجدداً به چاپ رسیده است. حدود صد و چهل صفحه از نیمه نخست کتاب به شرح حال میرداماد اختصاص دارد که در این مدخل بررسی خواهد شد.

مؤلف پیش از پرداختن به شخصیت میرداماد، جغرافیای استان گلستان و شهر گرگان را - که همان استرآباد قدیم است - از منظر تاریخی، اجتماعی و سیاسی بررسی کرده است. او همچنین، درباره نقش دانشمندان این منطقه در شکل‌گیری و تداوم دولت صفویه سخن گفته است. وی شرح حال میرداماد را با اشاره به نام و نسب او آغاز کرده و خاطرنشان کرده است که میر از از نسل علویان طبرستان است. نویسنده در پاورقی صفحه ۳۶، به نوادگان مشهور میرداماد در میان شخصیت‌های معاصر اشاره کرده و در کمال تعجب، از حضرت آیه‌الله سیدعلی سیستانی - که از نوادگان پسری میرداماد به شمار می‌رود - نامی نبرده است. وی در صفحه ۳۸، بدون استناد به

۱. معلم ثالث، ص ۲۲۷.

۲. شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: سخت / تعداد صفحات: ۳۴۶.

منبع خاصی، ولادت میرداماد را در سال ۹۶۰ هجری قمری ضبط کرده که مدّعی است عجیب و مخالف با قول مشهور.

متن این کتاب، با پاورقی‌های توضیحی و تحقیقی گوناگونی همراه است که در مجموع، انتظار خواننده را برآورده می‌کند؛ اما شایسته بود که نویسنده، تمام مطالب کتاب را به منابع معتبر تاریخی و برخی نسخه‌های خطی مستند می‌ساخت. علاوه بر این، در برخی پاورقی‌های کتاب اشتباهاتی به چشم می‌خورند که اصلاح آن‌ها بایسته بود؛ برای مثال، بنا بر ارجاع نویسنده در پاورقی دوم از صفحه ۳۹، آقای سید محمود میردامادی در مقدمهٔ خود بر شرعة التسمیة اشاره کرده است که مدّعی مصاهرت میرداماد با شاه‌عبّاس کبیر، از سوی برخی افراد بی‌اطلاع یا مغرض مطرح شده است. مدّعی مذکور در مقدمهٔ شرعة التسمیة آمده است؛ اما مؤلف این مقدمه، آیه‌الله رضا استادی است، نه حجة الاسلام والمسلمین میردامادی.^۱ نکتهٔ دیگر اینکه آقای دوستی دیلمی برخی اقوال ضعیف تاریخی را مسلم انگاشته و بدون اشاره به اختلاف و تردید مورّخان، آن‌ها را به طور قطعی نقل کرده است؛ برای نمونه، در صفحه ۴۰ آمده که میرداماد در مدرسهٔ عمادیّه استرآباد تحصیل می‌کرده؛ در حالی که حسب بررسی ما، این قول در هیچ‌یک از منابع تاریخی نقل نشده است. آنچه در برخی نسخ خطی - در حدّ خبری واحد - نقل شده، مسافرت گهگاه میرداماد و میرفندرسکی به مازندران و طبرستان است.^۲ این نکته وقتی اهمیّت می‌یابد که بدانیم میرداماد نیز هرگز خود را «استرآبادی» نخوانده است.

نویسنده در ادامه، به اساتید میرداماد پرداخته و برخی اجازه‌های ایشان - همچون شیخ عبدالعالی بن علی کرکی و شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی - را در حقّ میر همراه با ترجمه نقل کرده است. او همچنین، به تردید برخی مورّخان دربارهٔ شاگردی میرداماد نزد فخرالدین سماکی استرآبادی اشاره کرده است. سپس، به حوزهٔ اصفهان و تأثیر آن در تداوم دولت صفوی و تعالی فرهنگ اسلامی پرداخته است. حاجت به تذکر نیست که از جملهٔ وجوه اتقان هر کتاب، یکدستی قلم نویسنده است؛ به این معنی که نظام واژگانی در ذهن مؤلف هماهنگ و سازگار باشد و به همان صورت به متن کتاب انتقال یابد. بر این اساس، انتظار از متن کتب تحقیقی آن است که مؤلف واژگان را به صورتی یکنواخت به کار ببرد و اگر برخی اصطلاحات را در معنایی خاص و غیر معمول استفاده کرد، به نوعی خواننده را مطلع کند. یکی از کاستی‌های کتاب دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد، نایکدستی قلم نویسنده است؛ برای مثال، او در صفحه ۴۹، از «حوزهٔ فلسفی اصفهان» سخن گفته و در صفحه ۵۴، از اصطلاح «مکتب فلسفی اصفهان» استفاده کرده است. پوشیده نیست که «مکتب» و «حوزه» از جهات مختلف تفاوت دارند و استعمال آن‌ها به جای یکدیگر صحیح نیست. نویسنده در صفحه ۵۸، از عنوان «حکماء متعالیهٔ اصفهان» استفاده کرده که ترکیبی نامأنوس و غیرمرتبط با مبحث است. او همچنین، در معرفّی مروجان حکمت متعالیه در مکتب اصفهان، به درستی عمل نکرده و پس از ملاحظهٔ

۱. نگر: شرعة التسمیة، ص ۶ (مقدمهٔ مصحح).

۲. نگر: «نسخه خوانی (۹)»، ص ۵۲.

از جهانگیرخان قشقایی نام برده است. بسیار عجیب است که سخن از تاریخ ترویج و تثبیت حکمت متعالیه باشد و نام افرادی همچون آقا محمد بیدآبادی و آخوند ملاعلی نوری در صدر مروجان ذکر نشود. به عقیده برخی محققان، آخوند نوری نزدیک به هفتاد سال به تدریس حکمت متعالیه اشتغال داشته است.^۱ علاوه بر این، او با پرورش شاگردان نامداری همچون ملاعبدالله زُنوزی و حاج ملاهادی سبزواری، در تبدیل تهران و سبزواری به دو مدرسه فلسفی در ایران عصر قاجار، نقشی مؤثر داشته است. به جرئت می‌توان گفت: اگر آخوند نوری نبود، حکمت متعالیه از شهرت و رونق کنونی خود باز می‌ماند.

بخش‌هایی از کتاب نیز برگرفته از تک‌نگاری‌های پیشین است؛ اما نویسنده در ارجاع به آن‌ها، روش یکدستی اتخاذ نکرده است؛ برای مثال، معرفی حکمت یمانی در صفحه ۵۹، بازشماری آراء فلسفی و منطقی میرداماد در صفحه ۶۲ و برخی مطالب در دنباله آن‌ها تا صفحه ۶۷، همگی از مقدمه آقای علی اوجبی بر تقویم‌الایمان اقتباس و نقل شده‌اند؛ اما نویسنده در صفحه ۶۱ به اثر آقای اوجبی ارجاع داده است، در صفحات ۶۲ و ۶۳ ارجاعی به این منبع وجود ندارد و ارجاعات صفحات ۶۳ تا ۶۷ به گونه‌ای است که گویا نویسنده خود به منابع مقدمه آقای اوجبی مراجعه کرده است.

مؤلف کوشیده است تا کتاب از جامعیت برخوردار باشد؛ اما گاه به تکرار مطالب دچار شده است؛ برای نمونه، در صفحه ۶۲، آراء ابداعی میرداماد را ذکر کرده و در صفحات ۷۰ تا ۷۴ همان مطالب را با اندکی تغییر، تکرار کرده است. کاملاً واضح است که هریک از این دو بخش، از دو منبع متفاوت اخذ شده و مؤلف برای تنقیح و ویرایش آن‌ها، وقت کافی صرف نکرده است.

نویسنده در ادامه، به آراء فلسفی، منطقی و کلامی میرداماد همچون نظریه «حدوث دهری» و نتایج آن، نظریه «کُمون و بروز»، «اصالت ماهیت»، «بداء»، «جبر و اختیار»، «مقولات عشر» و «وحدت حمل» پرداخته است. او این آموزه‌ها را با مراجعه به منابع متقدم - همچون مقدمه آقای علی اوجبی بر تقویم‌الایمان و مقدمه دکتر حامد ناجی اصفهانی بر نبراس الضیاء - تبیین و تقریر کرده است. نویسنده در ادامه، به علم الحروف در آثار میرداماد پرداخته و علاوه بر ذکر برخی مباحث تاریخی، پاورقی‌های مفیدی بر مطالب این بخش افزوده است. البته، شایسته بود که به ارتباط احتمالی میرداماد با نهضت حروفیان و نقطویان نیز اشاره می‌کرد؛ زیرا این مسئله، یکی از ابهامات جدی در زندگی‌نامه علمی میرداماد است.

نویسنده در بخش بعدی کتاب، دیدگاه‌های فقهی میرداماد را به اختصار بررسی کرده است. عجیب است که این فصل در میان مباحث فلسفی و معرفتی قرار دارد؛ چنان‌که پس از آن، قاعده «امکان اشرف» مطرح شده است. علاوه بر این، دو کاستی دیگر در این بخش از کتاب مشاهده می‌شود: نخست اینکه اختصاص دادن تنها سه صفحه به این موضوع، کافی نیست و شایسته بود نویسنده محترم به آراء فقهی میرداماد بیش از این توجه کند؛ خصوصاً که نفوذ سیاسی و اجتماعی میرداماد بیش از جنبه فلسفی، معلول جنبه فقهی شخصیت او بوده است. اشکال دوم اینکه

۱. نگر: منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۴، صص ۶۱۰-۶۱۱.

منابع این فصل به درستی مشخص نیستند و نویسنده مرجع روشنی برای مطالب خود ارائه نکرده است. لازم به ذکر است که یکی از عوامل افزایش حجم ویراست دوم کتاب، استفادهٔ مؤلف از مجموعهٔ مقالاتی است که تحت عنوان «جستاری در آراء میرداماد و میرفندرسکی» در همایش مذکور منتشر شده است. نویسنده در ادامه، فصلی مجزا به ملاحظه اختصا ص داده است. وجه تخصیص صدرالمتهلین به این معرفی مستقل برای ما روشن نشد. او همچنین، برخی حکایات منقول دربارهٔ میرداماد را از کتب مختلف جمع‌آوری و ذکر کرده است. سپس، دربارهٔ اندیشه‌های عرفانی و برخی مکاشفات میر سخن گفته است.

بخش بعدی کتاب به معرفی شاگردان میرداماد اختصاص دارد. بنا بر تصریح آقای دوستی دیلمی در ابتدای این بخش، میرداماد شاگردان بی‌شماری داشته است. این مدعا شگفت‌انگیز و صدالبته فاقد سند است. او معرفی شاگردان میر را با ملاحظه آغاز کرده که تکراری آشکار است. نویسنده ملا محسن فیض‌کاشانی و عبدالرزاق لاهیجی را در عداد شاگردان میرداماد دانسته است؛ در حالی که شاگردی ایشان نزد میر، مسلم نیست. نویسنده در ادامه، به سید احمد علوی عاملی اشاره کرده است. به نظر می‌آید که جایگاه علوی عاملی در این فهرست مناسب نیست و باید در صدر آن قرار می‌گرفت؛ زیرا او نزدیک‌ترین و وفادارترین شاگرد میرداماد به شمار می‌رود. نویسنده محمد بن علی رضا آقاجانی را شاگرد میرداماد قلمداد کرده؛ در حالی که او از شاگردان گمنام ملاحظه‌راست.

بخش بعدی کتاب، به اشعار میرداماد اختصاص دارد که مطالب آن - همانند بسیاری از بخش‌های پیشین - عیناً از منابع دیگر اخذ شده است. نویسنده در ادامه، برخی کلمات قصار میرداماد را نقل کرده و در پایان آن‌ها نوشته است:

«هذه الكلمات نقلته عن خطه الشريف»^۱.

با صرف نظر از اشکال ادبی این عبارت، مراد نویسنده از آن به درستی مشخص نیست؛ زیرا تمام عبارات کتاب به جز نقل قول‌ها، به زبان فارسی نگاشته شده است. آیا این عبارت عربی بخشی از نقل قول است؟ اگر بله، منبع آن چیست؟ نگارندهٔ سطور احتمال می‌دهد که این کلمات قصار، از بخش پایانی مجموعهٔ عکسی اثنی عشر رسالهٔ نقل شده‌اند.^۲ همچنین، باید توجه کرد که تمام این کلمات قصار به خط میرداماد نیستند. نویسنده در صفحهٔ ۱۵۷، متن وصیت‌نامهٔ میرداماد را از کتاب حکیم استرآباد: میرداماد نقل کرده است. او در نقل این متن، برخلاف شیوهٔ خود در بخش‌های دیگر کتاب، تنها ترجمهٔ فارسی وصیت‌نامه را آورده و از متن عربی آن چشم پوشیده است. نویسنده در همین صفحه، تاریخ وفات میرداماد را به صورت قطعی در سال ۱۰۴۱ هجری قمری ذکر کرده و در صفحهٔ بعد، تاریخ درگذشت میر را محل اختلاف مورخان دانسته است. این آشفتگی در سیر منطقی مطالب، نشان می‌دهد که کتاب پیش از انتشار، به درستی ویرایش نشده است.

فصل بعدی کتاب به اخلاف و بازماندگان میرداماد اختصاص دارد که مطالب آن، تکرار

۱. دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد، ص ۱۵۶.

۲. نگر: اثنی عشر رساله، بخش دوازدهم.

پاورقی صفحات ۳۶ و ۳۷ است. نویسنده در ادامه، شصت و نه عنوان از آثار میرداماد را در فصلی مستقل معرفی کرده است. او شرح حال میرداماد را با نقل سخنرانی رهبر انقلاب در جمع کارگزاران همایش دو حکیم استرآباد و سپس، ذکر شجره‌نامه میرداماد به پایان برده است. باید اذعان کرد که حروف چینی و صفحه‌آرایی کتاب اصلاً مناسب نیست و علاوه بر کاهش زیبایی، موجب سردرگمی خواننده می‌شود؛ برای مثال، در ابتدای شجره‌نامه میرداماد آمده است: «اسماعیل جاجرمی، عضو مجمع شعرای مؤسسه فرهنگی میرداماد»^۱.

این عبارت مربوط به شعری است که در صفحه قبل، پس از متن سخنرانی رهبر انقلاب آمده و به اشتباه در این صفحه قرار گرفته است. در پایان شرح حال میرداماد، تصویری بی‌کیفیت از شجره‌نامه و همچنین، نمونه‌ای از دستخط او درج شده است. عجیب آنکه که تصویر اخیر، علی‌رغم اشتغال بر اسماء جلاله، بر جلد کتاب نیز نقش بسته است.

باری، کتاب دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد، علی‌رغم حجم فراوانش، اثری میان‌مایه در میان تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد محسوب می‌شود. نویسنده، هر دو ویراست کتاب را با عجله و بدون دقت تهیه کرده و عمده مطالب خود را از منابع دیگر اخذ و اقتباس کرده است. کتاب فاقد نظم منطقی و منهج تحقیقی است؛ چنان‌که مشحون از تکرارهای بی‌فایده و اغلاط تاریخی عجیب است. البته، مطالب تازه‌ای - خصوصاً در پاورقی‌های کتاب - به چشم می‌خورند؛ اما حجم و شمار آن‌ها به قدری نیست که بتوان این اثر را تحقیق جدیدی درباره میرداماد به شمار آورد.

اطلاعات نشر:

۱. ویراست نخست، چ، ۱، گرگان: پیک ریحان، ۱۳۸۴ ش.^۲
۲. ویراست دوم، چ، ۱، گرگان: پیک ریحان، ۱۳۹۱ ش.^۳
- + نقد: «نقدی به کتاب دو حکیم استرآباد»، محمد انصار، استرآباد، شماره ۱۹۸، فروردین ۱۳۹۷، ص ۳۰۴.

۹. میرداماد/ علی اکبر ولایتی

معرفی و نقد: این کتابچه، مجلد شصت و پنجم از مجموعه صدوده‌جلدی آفرینندگان فرهنگ و تمدن اسلام و بوم ایران (آفتاب) است. آقای جويا جهانبخش پیش‌تر در مقاله‌ای دقیق و جامع، درباره مجلد مربوط به سعدی (مجلد نهم) از این مجموعه سخن گفته و اشکالات متعددی بر

۱. دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد، ص ۱۷۶.
۲. شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه / قطع: وزیری / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۱۰۰.
۳. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع: وزیری / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۳۱۱.
۴. آقای انصار در این مقاله کوتاه، انتقاداتی درباره کتاب دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد مطرح کرده که در بعضی مواضع، با مطالب ما مشترک است. ناگفته نماند که آقای دوستی دیلمی در پاسخ اشکالات آقای انصار، جوابیه‌ای منتشر کرده که در آدرس الکترونیکی زیر در دسترس است:

<http://estabad.blogfa.com/post/294>

۵. «کاری نه خورای نام سعدی»، آینه پژوهش، شماره ۱۴۷، مرداد و شهریور ۱۳۹۳ ش، صص ۳۷-۵۲.

ساختار و محتوای کتاب وارد کرده است. بخشی از این اشکالات دربارهٔ مجلّد مربوط به میرداماد نیز صادق‌اند.

این کتاب در خوشبینانه‌ترین حالت، چکیده‌ای منظم و اقتباسی یکدست از سه کتاب حکیم استرآباد: میرداماد، میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی و معلّم ثالث است. با توجه به سطح و کیفیت مطالب کتاب آقای ولایتی، به نظر می‌رسد که مخاطب این مجموعه، خوانندگان عادی هستند؛ یعنی نوجوانان و کسانی که با تاریخ و شخصیت‌های تاریخی ناآشنا هستند.

در این کتاب - جز در یک یا دو موضع - مطلب جدیدی در مقایسه با سه کتاب پیش‌گفته مشاهده نمی‌شود. نویسنده حتی صحت و سقم مطالب اقتباسی را بررسی نکرده است؛ برای مثال، در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«میرداماد با بررسی و تحقیق بر روی حکمت اشراق، به عمده‌ترین کاستی‌ها و امتیازات آن پی برد و دانست که حکمت اشراق نیز، همچون حکمت مشاء فلسفه‌ای خام است»^۱.

این سخن، همان مدّعی آقای اوجبی در کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی است که پیش‌تر آن را بررسی کردیم. ساختار کلی، دسته‌بندی مطالب، محتوای فصول و حتی قلم‌نگارش کتاب، از نگاشتهٔ آقای اوجبی تبعیت می‌کنند. البته، نویسنده در مواضع نقل‌قول از کتاب معلّم ثالث، عبارات را اندکی تغییر داده تا تناسب و یکدستی متن اثر خویش را حفظ کند.

یکی از اشکالات محتوایی و اخلاقی کتاب، آن است که نویسنده در بخش‌هایی خاص، از منابع پیشین - که منابع تحقیقی فراوانی در آن‌ها ذکر شده - استفاده کرده؛ اما به جای اینکه تنها به همان منبع استفاده شده ارجاع دهد، به منابع و مآخذ آن کتاب نیز ارجاع داده است؛ برای نمونه، نویسنده در صفحه ۲۸، در حدود یک سطر از مطالب را به معلّم ثالث ارجاع داده و مابقی را به کتاب‌های دیگر - از جمله مقالات تاریخی (رسول جعفریان)، ماجرا در ماجرا (علیرضا ذکاوتی قراگزلو) و سنت عقلانی در فلسفه اسلامی (سید حسین نصر) - مستند کرده است؛ اما همهٔ این عبارات و منابع، در همان بخش از کتاب معلّم ثالث ذکر شده‌اند. اعمال این شیوه غیر اخلاقی در استناد، ظاهراً با هدف القاء این معنی بوده که در نگارش کتاب میرداماد، تحقیق کافی و مطالعهٔ وافیه به عمل آمده است؛ اما این کاستی‌ها از دید خوانندگان تیزبین مخفی نمی‌مانند. حقیقت تلخ آن است که حتی یک بند در کتاب میرداماد مشاهده نمی‌شود که مطالبش به طور کامل از آثار پیشین اقتباس نشده باشد.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، ساختار و محتوای مباحث این کتاب، بر اساس کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی تدوین شده است؛ لذا، معرفی و بررسی تفصیلی بخش‌های کتاب، تکرار مکرات و بی‌فایده خواهد بود. البته در این میان، مطالب اندکی هم وجود دارند که از کتاب آقای اوجبی اخذ نشده‌اند؛ برای مثال، نویسنده در صفحه ۳۶، شجره‌نامهٔ میرداماد را نقل کرده که از کتاب یادنامهٔ فقیه اهل البیت علیه السلام، عارف الهی آیه الله سید بحر العلوم میردامادی (سید مصلح الدین مهدوی)

۱. میرداماد (ج)، ص ۷۷.

مأخوذ است. در صفحه ۷۳، بخشی از اشعار ژلالی خوانساری در مدح میرداماد، با استناد به کتاب آقای اوجی درج شده است؛ درحالی‌که برای حفظ اصالت منابع، باید به کلیات ژلالی خوانساری ارجاع داده می‌شد. در صفحه ۹۲ نیز، برخی ردیه‌های آثار میرداماد معرفی شده‌اند که تمام مطالب آن، از کتاب حکیم استرآباد: میرداماد اخذ شده است. اغلاط و ایرایشی عجیبی در متن این کتاب به چشم می‌خورند که ارتکاب آن‌ها هم از نویسندگان و هم از انتشارات امیرکبیر بعید است؛ برای نمونه، در صفحه ۱۰۶، «ملاشمسا»، به صورت «ملت شمسا» نوشته شده است.

در پایان باید گفت که این کتاب را نمی‌توان «تألیف» نامید و حاصل این مجموعه صدوده جلدی - دست‌کم درباره میرداماد - چندان درخشان نیست. همان‌طور که آقای جهانبخش در ابتدای مقاله خود متذکر شده‌اند، نگارش صدوده اثر درباره شخصیت‌های مختلف، علاوه بر جامعیت و چیرگی در علوم و فنون مختلف، نیازمند صرف وقت و دقت فراوان است. با توجه به این نکته، واسپاری این پروژه عظیم به یک مؤلف، فاقد توجیه منطقی است. با توجه به اینکه تک‌نگاری‌های دیگر درباره میرداماد بسیار پربارتر بوده و در بازار نیز موجودند، واقعاً چه حاجتی در میان بود که همان مطالب پیشین با اقتباس و تلخیص و حتی مقداری تدلیس، گردآوری و منتشر شوند؟ آیا بهتر نبود این هزینه و وقت، برای انجام تحقیق جدیدی درباره میرداماد یا شارحان او صرف می‌شد؟ متأسفانه این کتاب، کاری نه شایسته مقام میرداماد است، نه نام آقای دکتر ولایتی و نه نشان انتشارات امیرکبیر.

اطلاعات نشر:

- ۱، چ، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.

۱۰. انفاس رحمانی بر حکمت یمانی / منوچهر پزشکی

معرفی و نقد: این کتاب یکی از مجلدات مجموعه پنجاه جلدی «اندیشه‌مندان ایران و اسلام» است که از سوی انتشارات همشهری به چاپ رسیده است. هدف از انتشار این مجموعه، بازخوانی ابعاد گوناگون از زندگی دانشمندان در جهان اسلام است که مجلداتی از آن درباره زندگی فارابی، ابن سینا، شهاب‌الدین سهروردی، ملاصدرا و برخی دیگر منتشر شده است. آثار این مجموعه به طور کلی از کیفیت مناسبی برخوردارند و مطالعه آن‌ها مفید و شورانگیز است.

در ابتدا باید تذکر داد که کتاب انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، چه از حیث محتوا و چه از حیث روش، تحقیقی جدید به شمار می‌رود. معنای این سخن، تازگی تمام مطالب کتاب نیست؛ زیرا چنین چیزی در امر تک‌نگاری تقریباً غیرممکن است. نویسنده برای نگارش تک‌نگاری، ناچار است از منابع گوناگون و تحقیقات مستقل و غیرمستقل پیشین بهره گیرد. معنای جدید بودن تک‌نگاری این است که اولاً، قالب و روش تحقیق در آن، با آثار دیگر متفاوت باشد؛ و ثانیاً، محتوای کتاب بر تحقیقات و تحلیل‌های بدیع مشتمل باشد.

کتاب انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، متشکل از سه بخش کلی است:

۱. شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قطع: جیبی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۱۶۸.

۲. مجلد مربوط به ملاصدرا، «ژرفای اندیشه» نام دارد که اثر همین نویسنده است.

۱. روزگار میرداماد: شامل شرح حال میرداماد از تولّد تا وفات وی. نویسنده در خلال این بخش، به پادشاهان صفوی و دوران حکومت هریک از آن‌ها اشاره کرده است؛
 ۲. آثار میرداماد: شامل معرّفی نگاشته‌های میر و تأمل، تحلیل و درنگ در برخی از آن‌ها؛
 ۳. نواندیش مکتب اصفهان: نگاهی به جنبه فلسفی شخصیت میرداماد و بررسی آراء او.
- نویسنده در دیباچه کتاب، توضیحاتی درباره نحوه آشنایی و مواجهه‌اش با میرداماد ارائه داده و با تحلیل اصطلاح «مکتب»، حوزه فلسفی اصفهان را مکتبی فلسفی قلمداد کرده است. البته، صحت یا سقم استفاده از اصطلاح «مکتب» برای حوزه فلسفی اصفهان، نیازمند تحقیق جداگانه است تا ادله موافقان و مخالفان به طور کامل تحلیل و تدقیق شود.

نکته دیگر در این بخش، تاریخ انتشار دو کتاب آقای منوچهر پزشک است. وی در پاورقی صفحه ۱۶، اشاره کرده است که در زمان نگارش مقدمه انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، کتاب ژرفای اندیشه در دست انتشار بوده است. علاوه بر این، از سبک و سیاق این مقدمه بر می‌آید که برخلاف روئے مرسوم، پیش از بخش‌های دیگر کتاب نگاشته شده است. از مقایسه تاریخ انتشار ژرفای اندیشه و انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، به دست می‌آید که نگارش کتاب انفاس رحمانی، بیش از دو سال به طول انجامیده است. شایسته تحسین است که نویسنده با پرهیز از شتابزدگی، کیفیت و دقت کتاب را بر سرعت انتشار آن ترجیح داده است. چه بسا نویسندگانی که تألیف اثر خاص را در مدت کوتاهی به اتمام رسانده و آن را به سرعت منتشر می‌کنند؛ غافل از اینکه این شتابزدگی، موجب بروز اشکالات روشی، نگارشی و ویرایشی در اثر آن‌ها می‌شود.

نویسنده در ابتدای بخش نخست، در اقدامی جالب و وظیفه‌شناسانه، درباره منابع این اثر و اعتبارسنجی آن‌ها سخن گفته است. آقای پزشک این منابع را به دو دسته کلی تقسیم کرده است:

۱. منابع دست‌اول که اساس کار نویسنده بوده‌اند؛
۲. منابع فرعی که تنها در حدّ مراجعه جزئی از آن‌ها استفاده شده است.

البته، منابعی که برای نگارش تحقیق مستقل درباره میرداماد می‌توان از آن‌ها بهره برد، بیش از این‌هاست؛ اما با توجه به اینکه نویسنده هدف خود را معرّفی میرداماد به مخاطبان جوان و دانشجو قرار داده، همین مقدار کافی به نظر می‌رسد. به هر حال، اقدام نویسنده در معرّفی و دسته‌بندی منابع تحقیق خود، یکی از امتیازات این اثر در قیاس با سایر تک‌نگاری‌ها محسوب می‌شود. این رویکرد، الگویی برای پژوهشگران جوان و افرادی است که قصد ورود به حوزه تحقیقات تاریخی را دارند.

نویسنده در فصل زندگی‌نامه میرداماد، به دو اشتباه دچار شده است: نخست، ذکر وفات میرداماد در سال ۱۰۴۱ هجری قمری و دوم، استدلالی که برای ترجیح این تاریخ اقامه کرده است. وی اشاره کرده است که میان منابع دست‌اول تاریخی و تذکره‌نگاشتی، در ضبط وفات میرداماد در سال ۱۰۴۱ هجری قمری اتفاق وجود دارد و تاریخ‌های مذکور در کتب دیگر، به سبب ضعف منبع، نامعتبر هستند. باید توجه کرد که اولاً، وثاقت منابع به معنای صحت تمام محتوای آن‌ها نیست؛ بلکه به این معناست که نویسندگان این منابع، پیوند خاصی - همچون معاصرت - با وقایع و شخصیت‌های تاریخی داشته، وقایع و داده‌های تاریخی را با دقت و امانت‌داری ضبط کرده‌اند.

بر این اساس، اتفاق این منابع در موضوعی خاص، برای پذیرش آن کافی نیست. البته، درباره تاریخ وفات میرداماد چنین اتفاقی وجود ندارد؛ ثانیاً، برخی از منابع که در دسته نخست جای گرفته‌اند - همچون مانند قصص العلماء - چندان متقن و معتبر نیستند. به هرروی، یکی از وظایف محققان و نویسندگان تک‌نگاری‌ها، بررسی صحت نقل‌های تاریخی است؛ حتی اگر این منقولات از شهرت بسیاری برخوردار باشند.^۱ نکته جالب آن است که نویسنده در ادامه، سه صفحه از کتاب را به استدلال‌ها و نتایج تحقیقات خود درباره تاریخ ولادت میرداماد اختصاص داده است. آقای پزشک در ادامه، پس از توضیحات کوتاهی درباره تاریخ و جغرافیای استرآباد، پدر میرداماد را معرفی کرده است. او در این بخش، برخی مطالب را از کتاب تاریخ رویان، اثر سید ظهیرالدین مرعشی، نقل کرده است. این کتاب یکی از منابع مهم تاریخی به شمار می‌رود که در تک‌نگاری‌های دیگر از آن استفاده نشده است. نویسنده در ادامه، به جایگاه سیاسی / اجتماعی میرداماد پرداخته و پس از اشاره به ارتباط محقق کرکی و خاندان او با دربار صفوی، جایگاه میرداماد را در این مناسبات مشخص کرده است. وی همچنین، رؤیای محقق کرکی را درباره ولادت میرداماد روایت کرده و نظر استاد سید محمد خامنه‌ای را در نقد آن، پذیرفته است.^۲ آقای پزشک در این کتاب، همانند دیگر نگاشته‌های خود، به حفظ روش علمی ملتزم بوده و از توقف و بحث در مسائل اثبات‌ناپذیر تا حد امکان پرهیز کرده؛ چنان‌که درباره حکایت‌های مربوط به ولادت میرداماد نوشته است:

«ما به عنوان بیان‌کننده سرگذشت و عقاید فلسفی یک فیلسوف، به کلی صلاحیت رسیدگی به چنین موضوعی را از خود سلب می‌کنیم؛ چراکه خود را فاقد چنین توانایی می‌دانیم؛ اما اگر از دیدگاه انسانی به آن بنگریم، نه می‌توانیم آن را رد کنیم و نه می‌توانیم آن را اثبات کنیم».^۳

نویسنده در بخش بعدی، درباره حکومت صفوی و ارکان آن سخن گفته و به شیوه‌ای متفاوت، دقیق‌تر و طولانی‌تر از تک‌نگاری‌های دیگر، به این مطلب پرداخته است. او همچنین، به تأثیر شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر صوفیان قزلباش - که رکن معنوی و سیاسی حکومت صفویه بودند - اشاره کرده و رابطه فکری آن‌ها را با اسماعیلیان بررسی کرده است. او در ادامه، گزارشی کوتاه از سلطنت پادشاهان صفوی - از شاه اسماعیل تا شاه عباس کبیر - و اوضاع اجتماعی و سیاسی آن روزگار ارائه داده است. فصل بعدی کتاب نیز به معرفی مکتب اصفهان و زمینه‌های تاریخی آن اختصاص دارد.

چنان‌که از مداخل پیشین به دست می‌آید، در بیشتر تک‌نگاری‌ها یا بررسی جنبه فقهاتی میرداماد غلبه داشته (مانند کتاب معلم ثالث) یا جنبه فلسفی شخصیت او غالب بوده است (مانند کتاب حکیم استرآباد: میرداماد). آقای پزشک به خوبی از این مسئله آگاه بوده و کوشیده

۱. درباره تاریخ صحیح وفات میرداماد، نگر: اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، ص ۳۴۷، پانویس ۱.

۲. چنان‌که مشهور است: «رب شهرة لا أصل لها».

۳. نگر: انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، ص ۳۸. سنج: میرداماد، صص ۶-۷.

۴. نگر: انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، صص ۳۹-۴۰.

است تا با حفظ توازن، جنبه‌های گوناگون شخصیت میرداماد را به صورت جداگانه و کامل روایت کند؛ از این رو، معرفی میرداماد را در دو بخش سامان داده است: یکی در مقام فقیه و مرجع دینی و دیگری در مقام فیلسوف نواندیش و متفکر برجسته. او در بررسی آثار و اندیشه‌های فلسفی میرداماد، تا حدی از آقای اوجی متأثر است و در پاورقی صفحه ۱۰ نیز از او به بزرگی یاد کرده است. مؤلف در بخشی از کتاب، نظر آقای اوجی را مبنی بر اشرافی بودن میرداماد و باور وی به نقصان حکمت مشاء، نقل کرده و تاحدی آن را تعدیل و اصلاح کرده است.^۱

نویسنده در ادامه، با اشاره‌ای کوتاه به تاریخ اندیشه فلسفی از ابن سینا تا میرداماد، جایگاه میر را در این سیر تاریخی نشان داده است. عبارت پردازی‌ها، تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های نویسنده با دیگران متفاوت است؛ برای مثال، در صفحات ۸۸ و ۸۹، به جوهی از شخصیت سیاسی میرداماد اشاره کرده که در دیگر آثار مشاهده نمی‌شود. وی در ادامه، دربارهٔ استادان میرداماد سخن گفته و آورده است:

«نمی‌دانیم که میر در کجا به حلقهٔ درس شیخ حسین بن عبدالصمد پیوسته؛ شاید در قزوین یا در مشهد و شاید هم در اصفهان. نکتهٔ دیگری که در این خبر به چشم می‌خورد، این است که درس در محضر این استاد به زبان عربی بوده؛ زیرا وی از مهاجران جبل عامل به ایران بود و زبان فارسی نمی‌دانست».^۲

البته، دلیلی که نویسنده ارائه کرده، برای اثبات مدعا کافی نیست و به شواهد دیگری نیز احتیاج دارد. وی در ادامه، به ابهامات تاریخی دربارهٔ اساتید میرداماد در علوم عقلی اشاره کرده و تنها فخرالدین سَمَکی استرآبادی را - با قدری تردید - استاد میر در معقول معرفی کرده است. او سپس، برخی شاگردان میرداماد را به اختصار نام برده و در آخرین فصل از بخش نخست کتاب، دربارهٔ وفات میرداماد سخن گفته است. در صفحهٔ پایانی این بخش می‌خوانیم:

«میرداماد بنیان‌گذار حکمتی بود که در خدمت مذهب تشیع و استحکام مبانی و گسترش احکام آن بود».^۳

اگر این مدعا صحت داشته باشد، میرداماد از دایرهٔ فلاسفه خارج می‌شود و باید او را متکلم دانست؛ مگر اینکه عبارت را برخلاف ظاهر تفسیر کنیم. حسن ختام این بخش از کتاب چنین است:

«به نظر از نوادر می‌آید که کسی همهٔ عمر به خاکی و صاحب آن خاک عشق بورزد و چون خود به زیارت آن برود، در همان جا به محبوب خود ملحق گردد».^۴

بخش دوم کتاب - که از دو بخش دیگر کوتاه‌تر است - با اشاره‌ای به شیوهٔ نگارش میرداماد آغاز شده است. به نظر مؤلف، میرداماد این شیوهٔ خاص نگارش را از روی مصلحت‌اندیشی برگزیده است. پیش از بررسی صحت این مدعا، ذکر این نکته ضروری است که استفاده از

۱. نگر: همان، صص ۸۱-۸۲.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. همان، ص ۹۶.

۴. همان.

عناوین سوگیرانه که پیش از خواندن مطالب، نتیجه خاصی به خواننده القاء می‌کنند، با اصول روش تحقیق سازگار نیست. این درحالی است که نویسنده برای فصل اول از بخش دوم، عنوان «شیوه نگارش، مصلحت‌اندیشی» را برگزیده و نتیجه بحث را در عنوان آن ذکر کرده است.

علاوه بر این، باید توجه کرد که مصلحت‌اندیشی تنها یکی از انگیزه‌های میرداماد برای انتخاب این شیوه نگارش بوده؛ اما نمی‌توان آن را انگیزه اصلی به حساب آورد؛ زیرا اولاً، چنان‌که در مداخل پیشین گذشت، میرداماد دشوارنویس نیست؛ بلکه نویسنده‌ای زیبانویس است که از نظام واژگانی خاص و دقیقی بهره می‌برد و خواننده نیز پس از مدتی انس با قلم میرداماد، در فهم مقاصد وی مشکلی نخواهد داشت؛^۱ ثانیاً، اگر انگیزه اصلی میرداماد را خوف از دستیابی نامحرم‌ان به مقاصد وی بدانیم، دیگر وجهی برای دقت‌های وی در کتابت آثار خویش و حفظ صحت ضبط آن‌ها وجود نخواهد داشت. توضیح اینکه دستخط میرداماد در نگارش آثار خویش، دقیق و حوصله‌مندانه است؛ چنان‌که نقطه‌ها و حرکات حروف را به دقت مشخص کرده و واژگان نامأنوس را به شکلی واضح و خوانا نگاشته است.

به هرروی، آقای پزشک بر این باور است که میرداماد در عین توانایی بر ساده‌نویسی، دشوارنویسی را اختیار کرده و علت این امر نیز خوف از حسادت و سعایت بداندیشان بوده است، نه خوف از ضرر جانی. چنان‌که نویسنده در فصل آخر از بخش دوم اشاره کرده، شهرت میرداماد در عصر حیاتش - به ویژه در میان عوام - بیشتر به سبب مقام فقهاتی وی بوده، نه وجه فلسفی شخصیت او. حتی مراجعه شاه‌عباس صفوی به میرداماد نیز از باب استفتاء فقهی بوده است. نویسنده همچنین، اشاره کرده که دشوارنویسی میرداماد، بیشتر در خطبه‌های آثارش - که با اظهار فضل‌های ادیبانه همراه است - هویدا است؛ اما در متن این آثار، از شدت این دشوارنویسی کاسته می‌شود.

وی در ادامه این بخش، میرداماد را «نویسنده‌ای پرکار» معرفی کرده است.^۲ به نظر می‌آید که این سخن چندان پذیرفتنی نیست؛ زیرا میر بیشتر بر تدریس و شاگردپروری تمرکز داشته و تعداد آثار وی در مقایسه با معاصرانش - همانند شیخ بهایی، ملاصدرا، فیض‌کاشانی، فیاض‌لایجی، مجلسی اول و مجلسی دوم - بسیار کمتر است. نویسنده در ادامه، آورده است:

«روش او (میرداماد) نزدیک ساختن دیدگاه‌ها به هم است»^۳.

این ادعا نیز مبهم است؛ زیرا ناخواسته نوعی تمایل به التقاط و تقریب غیرموجه را به میرداماد نسبت می‌دهد. آری، میر با تأثر از فارابی، گاهی میان آراء افلاطون و ارسطو جمع کرده و برخی دیدگاه‌های تاریخی را به سود نظریات خود تفسیر کرده است؛ اما شیوه فلسفی او، روش تقریبی و جمع نیست؛ زیرا میرداماد علاوه بر تأکید بر ابداعات فلسفی خویش، همواره فاصله خود را با جریان‌های دیگر - همچون عرفان ابن عربی و فلسفه اشراقی^۴ - حفظ کرده است. نویسنده در

۱. نگر: معلم ثالث، ص ۱۶۳، پانویس ۱.

۲. نگر: انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، ص ۹۷.

۳. همان، ص ۱۰۲.

۴. چنان‌که پیش‌تر گذشت، هیچ اثری از ارجاع به ابن عربی و شارحان او در آثار میرداماد به چشم نمی‌خورد.

ادامه، درباره برخی حسادت‌های احتمالی به میرداماد، اعتماد به نفس او و شاعرانگی‌اش سخن گفته است. نکته درخور توجه آن است که نویسنده در نگارش بخش اخیر، از کتاب معلّم ثالث استفاده نکرده است.

بخش بعدی به فهرست آثار میرداماد اختصاص دارد. آقای پزشک در این بخش، به فهرس پیشین از آثار میرداماد - همچون فهرست مرحوم دکتر موسوی بهبهانی در کتاب حکیم استرآباد: میرداماد و فهرست آقای اوجبی در کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی - اشاره کرده است. وی فهرست آثار میرداماد را بر اساس ترتیب فراهم آورده آقای اوجبی تنظیم کرده و در برخی مواضع، اصلاحات و توضیحات مختصری بر آن افزوده است. قصد او ارائه فهرستی مختصر از آثار اصلی میرداماد بوده و بدین جهت، از ذکر عنوان آثار مختصر وی چشم پوشیده است. نویسنده همچنین، اشاره کرده که فهرست آثار میرداماد هنوز قطعی و کامل نبوده و حاجت به تکمیل و تنقیح آن همچنان باقی است.^۱

آقای پزشک در اقدامی شایسته تحسین، خوانندگان اثر خود را از برخی فرصت‌های پژوهشی درباره میرداماد مطلع کرده است؛ برای نمونه، در پاورقی صفحه ۱۱۸، دو موضوع تحقیق برای دو مقطع مختلف پیشنهاد کرده است: یکی کتاب‌شناسی توصیفی و کامل از آثار میرداماد که برای پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد مناسب است و دیگری، تحلیل و بررسی دقیق آثار مهم و مؤثر میرداماد در رشته‌های گوناگون علمی در قالب رساله دکتری. این دست پیشنهادها و راهنمایی‌ها حقیقتاً مغتنم هستند؛ زیرا جای تحقیقات دقیق کتاب‌شناختی و زیست‌نگاشتی درباره میرداماد، همچنان خالی است.

نویسنده در فصل بعدی، برخی فتاواهای فقهی میرداماد را بر اساس پاسخ‌های او به استفتائات گوناگون و مکاتباتش با دیگران مرور کرده است. او در ادامه، فصلی با عنوان «نوشته‌های کوتاه و آثار متفرقه» گشوده و با استناد به مجلد نخست از مجموعه مصنفات میرداماد، تصحیح مرحوم عبدالله نورانی، درباره نگاشته‌های مختصر و پراکنده میر سخن گفته است. آقای پزشک در فصل بعد، با الهام از دو کتاب حکیم استرآباد: میرداماد و میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی - برخی آثار میر در علوم عقلی - همچون تقویم‌الایمان، نبراس الضیاء، الصراط المستقیم، جذوات و مواقیت، القبسات، الإیماضات، التقدیسات، خلصة الملکوت و الأفق المبین - را به اختصار معرفی کرده است. به طور کلی، شیوه مؤلف در طرح مطالب این بخش از کتاب و نیز استفاده او از منابع گوناگون، با تک‌نگاری‌های دیگر متفاوت است. البته، محتوای این بخش با مطالب تک‌نگاری‌های پیشین اشتراکاتی دارد که طبیعی و ناگزیر است و به هیچ‌روی، از ارزش تحقیقی و عمق کتاب انفاس رحمانی بر حکمت یمانی نمی‌کاهد.

بخش سوم کتاب به اندیشه‌های فلسفی میرداماد اختصاص یافته است. نویسنده در مقدمه این بخش اشاره کرده که در سیر تاریخی اندیشه اسلامی - خصوصاً در مکتب اصفهان - واژه

شیوه مواجهه او با شیخ اشراق نیز همدلانه نیست. نمونه را نگر: القبسات، ص ۴۶۱؛ الأفق المبین، ص ۵۹۳.

۱. یکی از راه‌های تهذیب و تکمیل این فهرست، مراجعه مستقیم به نسخه‌های خطی آثار میرداماد است.

«فلسفه» اندک‌اندک جای خود را به اصطلاح قرآنی «حکمت» داده است. لازم به ذکر است که این تحوّل، صرف تغییر در اصطلاح نیست؛ بلکه به دنبال گذار از فلسفه به حکمت، برخی لوازم و آداب فلسفه‌ورزی نیز تغییر می‌کنند؛ همچون توجّه محوری به قرآن و روایات در جایگاه منبع مستقل معرفتی و تأثیر افعال اختیاری انسان در ادراک او از نظام هستی. میرداماد نیز با آگاهی کامل از این مسائل، در کتاب جذوات و مواقیت تصریح کرده است که تکالیف دینی و ریاضت‌های شرعی، انسان را از غلبه قوّه واهمه مصون می‌دارند.^۱ علاوه بر این، میر به اشراق ربّانی و تعلیم وحیانی اعتقادی راسخ داشته است. این نکات حاکی از آن است که اصطلاح «حکمت» در آثار میرداماد، آگاهانه و دقیق به کار رفته است. آقای پزشک نیز بر این باور است که صورت نهایی و کامل گذار از فلسفه به حکمت، در حکمت یمانی میرداماد صورت گرفته است؛ هرچند برخی حکماء متقدّم - همچون ابن سینا و سهروردی - نیز از اصطلاح «حکمت» استفاده کرده‌اند.

آقای پزشک در معرفّی حکمت یمانی، آورده است که تلاش میر، به جمع تعالیم فلسفی با تعالیم دینی معطوف بوده است.^۲ این سخن اندکی مبهم است. زیرا این معنا را در ذهن خواننده تداعی می‌کند که میرداماد آموزه‌های دینی و فلسفی را بدون پایبندی به ساختار مناسب معرفتی، در کنار یکدیگر جای داده و به التقاط دچار شده است. بی‌تردید مؤلف چنین قصدی نداشته است؛ اما بهتر بود مطلب را طوری بیان کند که خواننده دریابد میرداماد از آموزه‌های دینی در جایگاه منبع معرفتی الهام گرفته و برخی مباحث هستی‌شناختی دینی را در قالب مسائل فلسفی بررسی کرده است. چنان‌که پیش‌تر گذشت، این مشکل در کتاب میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی نیز وجود دارد و آقای اوجبی مرز روشنی میان التقاط و ترکیب با توسعه در منابع معرفتی مشخص نکرده است. آقای پزشک در ادامه، به وجه تسمیه «حکمت یمانی» پرداخته و به احادیثی همچون «الإيمان يمانِي والحكمة يمانِيَّة»^۳ و «إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ قِبَلِ الْيَمَنِ»^۴ اشاره کرده که در قیاس با تک‌نگاری‌های دیگر، بدیع و جالب است.

مؤلف در فصل بعدی، نظریّه «حدوث دهری» را بررسی کرده است. عملکرد او، هم در روش تحلیل و هم در استفاده از منابع، با آثار دیگر متفاوت است؛ برای مثال، وی از کتاب‌های خلصة الملکوت، الصراط المستقیم، جذوات و مواقیت و الإیماضات استفاده کرده که حاکی از اهتمام او در مراجعه مستقیم به منابع دست‌اول است. وی کوشیده است تا تقریری منسجم از نظریّه حدوث دهری ارائه دهد؛ در عین حال اذعان کرده است که کتاب انفاس رحمانی، گنجایش بررسی کامل و همه‌جانبه این نظریّه را ندارد. وی پیشنهاد کرده که پژوهشی در قالب رساله‌دکتری به بررسی مبانی، استدلال‌ها و نتایج این نظریّه اختصاص یابد.^۵ نویسنده همچنین، اشاره کرده است

۱. نگر: جذوات و مواقیت، صص ۸۴-۸۵.

۲. نگر: انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، ص ۱۴۹.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۷۰ (ح ۲۷).

۴. کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۶۱.

۵. دکتر سعید نظری‌توگلی در کتاب نظریّه پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه، این هدف را به خوبی محقق کرده است.

که اصل و ریشه نظریه حدوث دهری در آثار ابن سینا مطرح شده است. این مدعا نیز حاجتمند تحقیق دقیق در مبانی حدوث دهری و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه او با ابن سیناست. اینکه آیا آموزه‌های فلسفه سینوی بدون توسعه‌ها و تهذیب‌های میرداماد، به حدوث دهری منجر می‌شود یا خیر، مسئله‌ای است که باید در قالبی غیر از تک‌نگاری بررسی شود.

نویسنده در بخش بعدی به آموزه «بداء» و تفسیر میرداماد از آن پرداخته است. او ابتدا تاریخچه کوتاه و جامعی از این مسئله همراه با واژه‌شناسی آن ارائه کرده و سپس، درباره مسئله «جبر و اختیار» و ارتباط آن با بداء سخن گفته و در پایان، دیدگاه میرداماد را تقریر کرده است. مؤلف در بخش بعدی، درباره وجود و ماهیت و دیدگاه میرداماد در این باره توضیح داده است. او بر این باور است که نمی‌توان میرداماد و دیگر فلاسفه پیش از ملاصدرا را به معنای دقیق کلمه، اصالت ماهوی یا اصالت وجودی دانست؛ زیرا این مسئله، پیش از ملاصدرا به نحوی دقیق و روشن مطرح نبوده است. او این بخش را با اشاره‌ای مختصر به مبحث صدور کثرت از وحدت به پایان برده است. آقای پزشک در فصل آخر کتاب که «سخن پایانی» نام دارد، نکاتی درباره جایگاه میرداماد و فلسفه او در تاریخ و فرهنگ ایران اسلامی ارائه داده است که بسیار خواندنی و مفیدند.

تألیف تک‌نگاری در حوزه میردامادشناسی، با کتاب حکیم استرآباد: میرداماد آغازی درخشان و قوی داشته و پس از افت و خیزهایی، به کتاب انفاس رحمانی بر حکمت یمانی رسیده است. این کتاب از حیث دقت، عمق و تازگی با نقطه آغاز این تک‌نگاری‌ها متناسب است. آقای منوچهر پزشک به آثار دیگران در این باره کاملاً اشراف داشته و کاستی‌های آن‌ها را در اثر خود برطرف کرده است. او همچنین، برخی ظرفیت‌های تحقیقاتی درباره زندگانی میرداماد، آراء و آثار او را به خواننده معرفی کرده است. روش کار وی در این کتاب متفاوت و دقیق است؛ چنان‌که در نگارش مطالب، از منابعی استفاده کرده که کمتر بدان‌ها توجه شده است. بخش‌بندی‌ها و مداخل کتاب، بعضاً بدیع و نو هستند. نویسنده همچنین، احساسات شخصی و منقولات مشهور تاریخی در تحقیق خود داخل نکرده است؛ با این حال، مطالب تاریخی را به نحوی دسته‌بندی و ارائه کرده که هم برای مخاطبان عادی و هم پژوهشگران مفید باشد. نویسنده تا حد امکان از کاربرست اصطلاحات پیچیده و تخصصی پرهیز کرده تا فایده کتاب برای خواننده عادی از بین نرود. یکپارچگی و انسجام قلم و ادبیات مؤلف نشان می‌دهد که مطالب کتاب اقتباسی و تقلیدی نیستند. علاوه بر این، کتاب با دقتی فراوان ویراستاری شده و از جمیع جهات، اثری قوی و مطلوب است.

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۹۲ ش.

۱۱. میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی / یوسف افتخاری

معرفی و نقد: این کتاب در معرفی مختصر سه شخصیت نامدار عصر صفوی تألیف شده است و بخش نخست آن، به میرداماد اختصاص دارد. کاستی عجیبی که در ابتدا مشاهده می‌شود، این است که کتاب، فاقد فهرست مطالب و مقدمه است. ضرورت و اهمیت درج فهرست مطالب

و مقدمه، بر اهل فن پوشیده نیست. این ضرورت در کار تک‌نگاری دو چندان می‌شود؛ زیرا لازم است که نویسنده پیش از آغاز مطالب کتاب، خواننده را از غرض، روش و حیطه تحقیق خود آگاه کند. در این کتاب به سبب فقدان مقدمه، علاوه بر غرض و روش نویسنده، برخی مطالب دیگر نیز در ابهام قرار دارند؛ برای مثال به درستی معلوم نیست که چرا نویسنده از میان شخصیت‌های عصر صفوی، میرداماد، ملاصدرا و شیخ بهایی را برگزیده و به چهره‌های دیگری همچون میرفندرسکی و ملارجبعلی تبریزی نپرداخته است یا اینکه دلیل اتخاذ این ترتیب چیست و چرا ملاصدرا بر شیخ بهایی مقدم شده است.

نگارنده بخش مربوط به میرداماد را با شرح حال وی آغاز کرده است. او با استفاده از منابعی همچون تاریخ عالم‌آرای عباسی، درباره نام، نسب و ولادت میرداماد سخن گفته و در ادامه، به تحصیلات ابتدایی او پرداخته است. او در این بخش آورده است که میر در هرات به محضر پدر شیخ بهایی رسیده است. شاگردی میرداماد نزد شیخ حسین بن عبدالصمد، از مسلمات است؛ اما اینکه میر در شهر هرات وی را ملاقات کرده باشد، مطلب جدیدی است که در منابع تاریخی به چشم نمی‌خورد. نویسنده در ادامه، بدون اشاره به اقامت میرداماد در شهر قزوین، از مهاجرت وی به اصفهان سخن گفته است.

وی در ادامه این بخش، گزارشی مختصر از وضعیت حوزه اصفهان در عصر صفوی، ارتباط صفویان با صوفیان قزلباش، جایگاه علوم معقول و منقول در حوزه اصفهان ارائه داده و برخی معاصران میرداماد را معرفی کرده است. او در انتهای این بخش، به کتاب صدرالدین شیرازی، ملاصدرا: متفکر بزرگ اسلامی، ترجمه ذبیح‌الله منصوری از نگاشته فرانسوی هنری کربن، ارجاع داده است. ذکر این نکته ضروری است که حجم متن فرانسوی این اثر، نزدیک به یک سوم ترجمه فارسی است و مترجم بدون اینکه خواننده را آگاه کند، مطالب فراوانی از جانب خود بر آن افزوده است. با توجه به این نکته، ارجاع به ترجمه ذبیح‌الله منصوری از اثر مذکور، ارزش تحقیقی کتاب را تنزل داده است.

نویسنده در ادامه، به جایگاه علمی میرداماد پرداخته است. نکته درخور توجه در این قسمت، استفاده مؤلف از منبع مهمی است که در اکثر آثار پیشین به آن توجه نشده است: منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، اثر استاد مرحوم، سید جلال‌الدین آشتیانی. مؤلف کتاب در خوانش مطالب منابع تاریخی، گاه دچار سوء برداشت شده؛ برای نمونه، درباره ارتباط میرداماد با برخی معاصران خود، به نقل از قصص العلماء آورده است:

«کلام مرحوم فاضل تونی برای درک جایگاه بلند و شأن والای علمی میرداماد، کلامی گویاست. مرحوم فاضل تونی گفته بود: امروز بر علما فخر کن و بگو کلام میر را فهمیدم»^۱.

در حالی که متن قصص العلماء چنین است:

«در وقتی از اوقات، ملا عبدالله به دیدن میرداماد رفته و میان ایشان مباحثه و

۱. میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی، ص ۱۶.

گفت‌وگویی اتفاق افتاده. چون ملاعبدالله خواست که از مجلس بیرون رفته باشد، میرداماد فرمود که: ای آخوند ملاعبدالله! چون از اینجا بیرون رفتی، مبادا که بگویی: با میرداماد مناظره نمودم؛ بلکه بر علماء فخر کن که امروز کلام میرداماد را فهمیدم^۱. به هرروی، نویسنده در تدوین این کتاب، از قصص العلماء بهره فراوان برده و جالب است که از هیچ‌یک از تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد - همچون حکیم استرآباد: میرداماد، میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی و معلّم ثالث - استفاده نکرده است.

آقای افتخاری در ادامه، درباره مطالبی همچون علاقه میرداماد به علوم طبیعی و شاعرانگی وی پرداخته است. در صفحه ۳۲، یکی از اشعار مشهور میرداماد به صورت نشر حروف چینی شده که اشتباهی فاحش است. وی سپس، به حالات روحانی میرداماد اشاره کرده و شش تن از شاگردان وی را به اختصار معرفی کرده است. فصل بعدی این بخش، به معرفی فهرست وار هشتادوپنج عنوان از آثار میرداماد اختصاص یافته که به خط‌های چندگانه‌ای دچار است؛ برای مثال، نویسنده موضوع رساله «أربعة أیام» را اثبات وجود ذهنی دانسته^۲، شرح تقدمة تقویم الإیمان را به خطا تقدمة تقویم الإیمان معرفی کرده و نام کتاب الحجة الواقية را به صورت «الحجة الواقعة» درج کرده و آن را از میرداماد دانسته؛ درحالی‌که این اثر، از نگاشته‌های کفعمی است. نویسنده همچنین، عنوان کلی «جنگ» را در فهرست آثار میر آورده که احتمالاً مراد او جنگ ادعیه میرداماد بوده است. علاوه بر این، اغلاط املائی فراوانی در این فهرست به چشم می‌خورند که تصحیح آن‌ها ضروری است؛ برای مثال، عناوین کتاب‌های من لایحضره الفقیه، سدرۃالمنتهی و شرعة التسمیة، به صورت «من لایحضره الفیه»، «صدرۃالمنتهی» و «شرعة التسعیة» ضبط شده‌اند. نویسنده در ادامه، حکایت مشهور گفت‌وگوی ملاصدرا و میرداماد را درباره تکفیر و دشواری نویسی، نقل کرده است. همچنین، به برخی صفات اخلاقی میرداماد - همچون زهد، تقوا و دوری از حسادت - اشاره کرده است. بخش‌های فراوانی از مطالب این بخش، برگرفته از ترجمه ذبیح‌الله منصوری از مقاله هنری کرین است. نویسنده در بخش پایانی کتاب، وفات میرداماد را به نقل از الفوائد الرضویة، در سال ۱۰۴۱ هجری شمسی ثبت کرده است.

تقریباً تمام منابع نویسنده در تدوین بخش مربوط به میرداماد، آثاری عمومی، رجالی و تاریخی هستند که شخصیت میرداماد محور آن‌ها نیست. نگارندگان تک‌نگاری‌های شخصیت محور و تذکره‌ای باید به آثاری مراجعه کنند که بر محور شخصیت مدنظر آن‌ها نگاشته شده است (اعم از منابع قدیمی و تک‌نگاری‌های جدید). بی‌اعتنایی به این ضرورت و اکتفا به منابع عمومی، موجب می‌شود که مطالب مشهور و مشکوک به تک‌نگاری نویسنده راه یابند و از اعتبار و دقت آن بکاهند. علاوه بر این، با توجه به مطالب مفصل نویسنده درباره جایگاه حکمت در حوزه اصفهان، شایسته بود که او درباره مقام میرداماد در مقام مؤسس این حوزه نیز سخن می‌گفت. به هرروی، این کتاب برای آشنایی اجمالی مخاطب عام با زندگی و شخصیت میرداماد نسبتاً

۱. قصص العلماء، ص ۳۳۴.

۲. این رساله درباره اعمال مخصوص چهار روز مهم دینی (دحوالأرض، عید غدیر، ولادت رسول اکرم ﷺ و عید مبعث) تألیف شده است.

مناسب است؛ هرچند دو کتاب آقای رزّاقی و ولایتی در این زمینه بهتر هستند.
اطلاعات نشر:

- ۱، تهران: آواژه ابریشمی، ۱۳۹۴ ش.

۱۲. میرداماد/ علی رزّاقی شانی

معرفی و نقد: این کتاب پنجاه و هفتمین مجلد از مجموعه «مشاهیر ایرانی» است که از سوی انتشارات تیرگان منتشر شده است. کتاب میرداماد همانند برخی آثار پیشین، برای مخاطب عادی تدوین شده و مطالب و ساختار آن اقتباسی، مختصر و سطحی است.

نویسنده در ابتدا، زندگانی میرداماد را از ولادت تا وفات، به اختصار مرور کرده و سپس، به اختلاف مورخان در ضبط تاریخ درگذشت وی اشاره کرده و قول صحیح (۱۰۴۰ هجری قمری) را برگزیده است. وی در ادامه، درباره خانواده میرداماد، اتصال نسبی او با محقق کرکی و ویژگی‌های اخلاقی میر سخن گفته است. نویسنده در حجمی حدود دو صفحه، پادشاهان صفوی معاصر با میرداماد را معرفی کرده است. او در این بخش، خط زمانی حیات میرداماد را با دوران سلطنت هریک از این پادشاهان تطبیق داده که در نوع خود، بدیع و جذاب است.

رزّاقی در ادامه، به مطالبی همچون القاب میرداماد، استادان وی و رابطه او با شیخ بهایی اشاره کرده و تحت تأثیر نظرات آقای جهانبخش، از تقابل علمی این دو اندیشه‌مند نامدار عصر صفوی یاد کرده است. وی سپس، فهرستی از آثار میرداماد فراهم کرده و سی و سه عنوان از نگاشته‌های او را معرفی کرده است. نویسنده پس از ارائه توضیحاتی درباره قلم و شیوه نگارش میرداماد، برخی شاگردان وی را به اجمال معرفی کرده است. او مآلصدر را مهم‌ترین شاگرد میرداماد دانسته و در بخشی مستقل درباره ارتباط او با استاد سخن گفته است. نویسنده در بخش بعدی، به زهد و سلوک میر پرداخته و سپس، شخصیت شاعرانه وی را بررسی کرده است. عمده مطالب نویسنده در این بخش‌ها، برگرفته از مقدمه آقای جهانبخش بر دیوان اشراق است. با این همه، جالب است که او در بخش بعدی - که به معرفی شخصیت فلسفی میرداماد اختصاص یافته است - به هیچ‌یک از تک‌نگاری‌های مشهور پیشین - همچون حکیم استرآباد: میرداماد و میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی - ارجاع نداده است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نویسنده در این کتاب تحقیق خاصی انجام نداده؛ اما در ارجاع به منابع مختلف و مناسب و همچنین، دسته‌بندی مباحث و ارائه آن‌ها به شکل منسجم، تا حد زیادی موفق بوده است؛ برای نمونه، به نحوی مطلوب از منابع تاریخ فلسفه استفاده کرده؛ چنان‌که برای تبیین جایگاه فلسفی و علمی میرداماد، از تاریخ فلاسفه ایرانی، نوشته علی اصغر حلبی، فلاسفه شیعه، نوشته عبدالله نعمه، ما و تاریخ فلسفه اسلامی، نوشته دکتر رضا داوری اردکانی، تاریخ ادبیات ایران، نوشته دکتر ذبیح‌الله صفا و کتاب دو صدرالدین، نوشته محمد خواجه‌ای، بهره برده است. بخش پایانی کتاب نیز به نقل اشعار از میرداماد بر اساس تصحیح خانم پوستین‌دوز از دیوان اشراق اختصاص دارد.

یکی از ویژگی‌های این کتاب، شیوه نگارش اصیل و غیراقتباسی نویسنده است؛ اگرچه عمده محتوای آن، از منابع پیشین اخذ شده است. پیش‌تر گذشت که در دو کتاب میرداماد (ب) و دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد، نحوه بیان مطالب با متن تک‌نگاری‌های پیشین - خصوصاً میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی - یکسان و مشابه است. این کاستی در کتاب آقای رزاقی‌شانی به چشم نمی‌خورد و تلاش او در بازنویسی منسجم و مستقل مطالب، کتاب را از تصنع و گرته‌برداری دور نگاه داشته است. از سوی دیگر، اقتباس مطالب از آثار پیشین و اعتماد مؤلف به آن‌ها، موجب سرایت برخی اشتباهات به این کتاب شده؛ برای نمونه، نویسنده در صفحه ۴۰، محمدبن علی رضا آقاجانی را از شاگردان میرداماد دانسته که خطاست.

علاوه بر این، برخی اغلاط نگارشی و ویرایشی در متن کتاب به چشم می‌خورند که اصلاح آن‌ها بایسته است؛ برای نمونه، فهرست آثار میرداماد، برخی عناوین به صورت «خلسه‌الملکوت»، «جزوات»، «تشویق الحق»، «محبة الاستقامة» درج شده که شکل صحیح آن‌ها «خلصة الملكوت»، «جذوات»، «تشريق الحق» و «محبة الاستقامة» است. در صفحه ۱۱ نیز، نام کتاب القبسات به صورت «تبسات» نگاشته شده است. نویسنده همچنین، برخی آثار میرداماد را که به دو نام شهرت دارند، در فهرست خود تکرار کرده؛ برای نمونه، الدرّة البيضاء همان الأربعة الأیام یا الأیام الأربعة است که دو مرتبه معرفی شده و تشريق الحق نیز احتمالاً همان اثری است که با عنوان «رسالة في المنطق» معرفی شده است.^۱

کتاب میرداماد اثری مقبول و مطلوب برای معرفی میرداماد به مخاطب عام است. کتاب آقای ولایتی در مقایسه با کتاب آقای رزاقی - از حیث نام نویسنده و ناشر - از شهرت بیشتری برخوردار است؛ اما کتاب آقای رزاقی از حیث رعایت اخلاق علمی و استقلال ساختار و نحوه بیان مطالب، بر کتاب آقای ولایتی ترجیح دارد. اطلاعات نشر (با عناوین مختلف):

- میرداماد (جلد ۵۷ از مجموعه «مشاهیر ایرانی»)، چ ۱، تهران: تیرگان، ۱۳۹۴ ش.^۲
- آشنایی با میرداماد (جلد ۴۸ از مجموعه «شناخت چهره‌ها»)، چ ۱، تهران: تیرگان، ۱۳۹۹ ش.^۳

۱۳. نقد و بررسی حدوث دهری میرداماد / روح‌الله شاکری زواردهی

معرفی و نقد: این اثر محصول بسط و تفصیل مقاله مستقلی است که نگارنده پیش‌تر در نقد و بررسی نظریه «حدوث دهری» نگاشته است.^۴ این کتاب از پنج بخش اصلی و نتیجه‌گیری مختصری تشکیل شده است. فصل اول که «کلیات» نام دارد، به زندگی‌نامه و آراء و آثار میرداماد اختصاص یافته است. محتوای این فصل در مقایسه با آثار دیگری که به شرح حال میرداماد پرداخته‌اند، مطلب جدیدی ندارد. البته هدف نویسنده از تدوین این بخش، ارائه تمهیدی تاریخی

۱. تاکنون نسخه‌ای از این کتاب به دست نیامده است.

۲. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۷۲.

۳. شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۷۲.

۴. «تأملی در نظریه حدوث دهری»، اندیشه نوین دینی، سال ۴، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۷ ش، صص ۱۴۹-۱۶۹.

درباره شخصیت میرداماد بوده و از این رو، اشکال چندانی متوجه عملکرد او نیست. در عین حال، اعتماد نویسنده به منابع پیشین و شتابزدگی احتمالی وی، منجر به ورود برخی اشتباهات در این فصل شده است؛ برای نمونه، در فهرست آثار میرداماد، عناوینی همچون «الحبل المتین»^۱، «تشریق الحق»^۲، «شرعة التسمیة» و «الإغصالات»^۳، به صورت «الحبل المتین»^۴، «تشریق الحق»^۵، «شرح التسمیة» و «الإغصالات»^۶ درج شده‌اند که اصلاح آن‌ها ضروری است. نویسنده همچنین، آقاحسین خوانساری را در شمار شاگردان میرداماد بر شمرده که مدّعی بدون سند است. نام میرزاشاهرخ بیگا نیز به صورت «میرزاشاهرخ بیگار» ضبط شده است.

این کتاب در زمره تک‌نگاری‌های متأخر درباره میرداماد به شمار می‌رود و امکان مراجعه دقیق و کامل به منابع تاریخی و تک‌نگاری‌های پیشین، برای نگارنده وجود داشته است؛ لذا، وجود این دست اغلاط در آن، نقص مهمی به شمار می‌رود. علاوه بر این، لازم بود که نویسنده به برخی مطالب همچون جامعیت و شخصیت سیاسی میرداماد نیز بپردازد و مطالب این فصل را با تفصیل بیشتری ارائه کند.

نویسنده در فصل دوم کتاب، به طرح هدف و غرض خود از این تحقیق پرداخته و سؤالاتی درباره حدوث دهری مطرح کرده تا با پاسخ به آن‌ها، مدّعی خود را اثبات کند. شاکری زواردی در بیان فرضیه تحقیق خود آورده است:

«آنچه میرداماد به عنوان حدوث دهری مطرح کرده یک سخن بدیع و تازه نیست و اگر از الفاظ و اصطلاحات پیچیده و پرطمطراق آن صرف نظر شود، بیش از حدوث ذاتی که فلاسفه آن را مطرح کردند، چیز دیگری نخواهد بود»^۷.

این فرضیه به گونه‌ای مطرح شده که شائبه مصادره به مطلوب را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. گویا نویسنده از ابتدا نتیجه‌گیری تحقیق را انجام داده و شواهدی که در ادامه خواهد می‌آورد، صرفاً برای دفاع از این مدّعا و توجیه آن است، نه اثبات آن. اصل ادّعی نویسنده نیز مطلب تازه‌ای نیست و محققانی همچون دکتر ابراهیمی دینانی و استاد سید جلال الدین آشتیانی معتقدند که حدوث دهری میرداماد، در واقع همان نظریه حدوث ذاتی است که در قالبی جدید ارائه شده است. نویسنده در ادامه، به پیشینه تاریخی مسئله «حدوث و قدم» - به ویژه نظریه حدوث دهری - پرداخته؛ اما درباره انگیزه اصلی میرداماد از طرح این نظریه خاص، توضیح چندانی ارائه نداده است. این در حالی است که میر در اکثر آثار فلسفی خود، این نظریه را به نحو مفصل تبیین کرده و درباره کاستی‌های نظریات رقیب سخن گفته است.

فصل سوم که «تقریر حدوث دهری و دلائل آن» نام دارد؛ مفصل‌ترین فصل کتاب است. نویسنده ابتدا به مقدمات بحث - همچون تعریف حدوث و قدم، اقسام سبق و لحوق، اقسام حدوث و قدم و تعریف حدوث و قدم ذاتی و زمانی - اشاره کرده و سپس به نظریه میرداماد پرداخته است. او در این بخش آورده است:

۱. انتساب این اثر به میرداماد با تردید جدی مواجه است.

۲. نقد و بررسی حدوث دهری میرداماد، ص ۳۷.

«میرداماد در القبسات سه اشکال را در حدوث عالم، متذکر شده است»^۱.

با توجه به اینکه حدوث و قدم دارای اقسامی است که نویسندگان در صفحات پیشین به آن‌ها اشاره کرده، باید در این مقام تصریح می‌کرد که میرداماد بر کدام یک از اقسام حدوث و قدم اشکال کرده است. علاوه بر این، او منبع اشکالات میرداماد را کتاب القبسات معرفی کرده؛ اما شمارهٔ صفحهٔ مدنظر خود را ذکر نکرده است. این اهمال در ارجاع، موجب سردرگمی خواننده‌ای می‌شود که مایل است این بحث را در القبسات پیگیری کند.

نویسنده در صفحهٔ ۶۲، عنوان «تعریف حدوث و قدم ده‌ری» را آورده است؛ اما ذیل این عنوان، تعریفی دیده نمی‌شود. او سپس، به معنای دهر پرداخته و تفاوت نگاه میرداماد را به دهر و زمان و سرمد، با دیگران بیان کرده است. در ادامه، اهمیت نظریهٔ دهر در حکمت یمانی را تبیین کرده و از سه مرتبهٔ رابطهٔ سرمد، دهر و زمان و ارتباطشان با یکدیگر سخن گفته است. همان‌طور که اشاره شد، این مباحث، با عنوان درج شده در ابتدای بخش تناسب ندارند؛ برای مثال، تعریف حدوث ده‌ری (به مثابهٔ مفهومی مرکب)، به راحتی از عبارات کتاب به دست نمی‌آید و لایه‌لای مطالب دیگر مخفی شده است.

نویسنده در ادامه، به نظریهٔ حدوث ده‌ری پرداخته و برای تقریر آن سه مقدمه ذکر کرده است. عجیب است که او در مباحث قبل، به دفعات از القبسات میرداماد استفاده کرده و عبارات آن را نقل کرده است؛ اما در مهم‌ترین مبحث این کتاب - که تقریر و تحلیل نظریهٔ حدوث ده‌ری است - به شرح منظومهٔ ملاهادی سبزواری ارجاع داده و آثار میرداماد را کنار گذاشته است. یکی از ارکان تحقیق دقیق و جامع، این است که محقق به منابع دست‌اول مراجعه کرده و نظریات فلسفی را از مجرای شارح یا ناقدی خاص ملاحظه نکند. مدعای نویسنده آن است که نظریهٔ حدوث ده‌ری آموزهٔ جدیدی نبوده و همان نظریهٔ حدوث ذاتی است. با توجه به اعتماد وی بر تقریر حکیم سبزواری، بدون مطالعهٔ ادامهٔ کتاب می‌توان گفت که اگر ادعای مؤلف صحیح بوده و حدوث ده‌ری نظریه‌ای ابداعی نباشد، این اشکال بر تقریر حاجی سبزواری از حدوث ده‌ری وارد است، نه بر تقریر میرداماد. برای مقابله با این اشکال باید اثبات شود که تقریر حکیم سبزواری از حدوث ده‌ری، همان تقریر میرداماد است^۲؛ و این امر میسر نمی‌شود مگر با مراجعه به متن آثار میرداماد و تطبیق تقریر حکیم سبزواری با آن.

اهمیت این نکته وقتی دوچندان می‌شود که توجه کنیم تلاش برخی چهره‌های فلسفی - همچون حکیم سبزواری - در تطبیق نظریهٔ حدوث ده‌ری بر مبانی حکمت متعالیه، با چالشی اساس روبه‌روست: نظام فلسفی ملاصدرا با اندیشهٔ استادش، میرداماد، بسیار متفاوت است. علاوه بر این، اگر قرار باشد که تقریر نظریهٔ حدوث ده‌ری از شارحی خاص اخذ شود، باید به آثار میرسیداحمد علوی عاملی مراجعه کرد؛ زیرا او وفادارترین شاگرد و شارح میرداماد بوده و بیشترین قرابت فکری را با استادش داشته است. میرسیداحمد فهم نظریهٔ حدوث ده‌ری را بر

۱. همان، ۶۱.

۲. مرحوم علامه سیدابوالحسن رفیعی قزوینی تصریح کرده که مراد میرداماد از حدوث ده‌ری، با تقریر حاجی سبزواری تفاوت دارد. نگر: القبسات، ص صد و پنجاه و نه (مقدمه).

هشت مقدمه متوقف دانسته^۱، نه سه مقدمه. آقای شاکری در ادامه، نتایج نظریه دهر و حدوث دهری را در حکمت یمانی بررسی کرده است. تمام مطالب این بخش از مقاله خانم زهرا مصطفوی^۲ اقتباس شده و مطلب جدیدی در آن دیده نمی‌شود.

فصل چهارم کتاب «نقد و بررسی حدوث دهری» نام دارد. وقتی خواننده با این عنوان مواجه می‌شود، طبعاً انتظار دارد که محتوای این فصل شامل نظر نویسنده درباره حدوث دهری و اشکالات آن باشد؛ اما با کمال تعجب، این فصل با توضیحاتی درباره موافقان حدوث دهری آغاز شده، با بیان آراء مخالفان این نظریه ادامه یافته و به طرح اشکالات حدوث دهری ختم شده است. حق آن بود که نظرات موافقان حدوث دهری - که بعضاً تقریرهای مختلفی از این نظریه دارند - در فصل پیشین گنجانده می‌شد. به هر روی، نویسنده در این بخش، از برخی موافقان نظریه حدوث دهری نام برده است که عبارت‌اند از: ملا اسماعیل خواجه‌نوی، ملا محمد مهدی نراقی؛ ملاهادی سبزواری؛ علامه رفیعی قزوینی، ملاشمسای گیلانی و پروفیسور فضل الرحمن.

چنان‌که پیش‌تر گذشت، نویسنده در برخی مواضع از مراجعه مستقیم به منابع چشم پوشیده است. این کاستی در فصل چهارم نیز به چشم می‌خورد؛ برای مثال، او به هیچ‌یک از آثار ملاشمسای گیلانی ارجاع نداده؛ در حالی که ملاشمسا اثری مستقل درباره حدوث دهری با نام «حدوث العالم» نگاشته است. اشکال دیگر اینکه فهرست مدافعان نظریه حدوث دهری ناقص است و نویسنده نام دو مدافع مهم حدوث دهری، یعنی سید احمد علوی عاملی و علیقلی بن قرچغای خان^۳، را از قلم انداخته است؛ چنان‌که به مدافعان حدوث دهری در دوره معاصر - همچون استاد علی عابدی شاهرودی و آقای غلامرضا فیاضی - اشاره‌ای نکرده است. نویسنده در ادامه، به مخالفان نظریه حدوث دهری پرداخته و ملاصدرا را در زمره ایشان قلمداد کرده است. طبق توضیحی که در بخش مدخل کتاب میرداماد (خامنه‌ای) گذشت، نمی‌توان ملاصدرا را از مخالفان قطعی نظریه حدوث دهری دانست. نویسنده نیز استدلال جدیدی برای این ادعا ارائه نکرده و صرفاً سخنان پیشینیان - مانند شهید مطهری - را تکرار کرده است.^۴ طبق گزارش او، مخالفان نظریه میرداماد عبارت‌اند از: ملاصدرای شیرازی، محمد بن علی رضا آقاچانی، ملاعبدالرزاق لاهیجی، آقا جمال خوانساری، محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای، آقاعلی مدرّس زنوزی، ملامحمد نوش آبادی کاشانی.

شاکری زواردی در ادامه، به نقد نظریه حدوث دهری پرداخته و خاطرنشان کرده است که این نظریه با اشکالات فراوانی مواجه بوده و میرداماد به برخی از آن‌ها پاسخ داده است. برای خواننده این سؤال ایجاد می‌شود که اشکالات مذکور از طرف چه فرد یا افرادی مطرح شده است؟ متأسفانه

۱. نگر: شرح القیسات، ص ۳۹۵.

۲. «آثار نظریه دهر و حدوث دهری در حکمت یمانی میرداماد»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۶ ش، صص ۴۱-۴۰.

۳. او یکی از مدافعان بزرگ حدوث دهری است که در کتاب مشهور خود، احیای حکمت، به اشکالات این نظریه پاسخ داده است. نگر: احیای حکمت، ج ۲، صص ۴۹۸-۵۳۲.

۴. نگر: مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۰ (شرح مبسوط منظومه)، ص ۳۳۷.

نویسنده هیچ پاسخی برای این سؤال ندارد. عمدهٔ مطالب مؤلف در این بخش و نتیجه‌گیری کتاب، برگرفته از آراء استاد مرحوم، سید جلال‌الدین آشتیانی است و ابتکار و ابداع خاصی در این دو بخش دیده نمی‌شود. وی در بخش پایانی کتاب نتیجه گرفته است که استدلال‌های حدوث دهری چیزی بیش از حدوث ذاتی را اثبات نمی‌کنند. به باور او، عبارات میرداماد در این باره، در چند سطر خلاصه می‌شوند و غالب بیانات این حکیم، تکرار مکررات است.

با توجه به نکات پیش‌گفته، می‌توان چند سؤال دربارهٔ کتاب نقد و بررسی حدوث دهری میرداماد مطرح کرد:

۱. آیا تقریر میرداماد از حدوث دهری با تقریری که از ملاهادی سبزواری در این کتاب نقل شده، یکسان است؟

۲. در فرض یکسانی این دو تقریر، چرا اشاره‌ای به این مطلب نشده است؟ بایسته بود که نویسنده برای تقریر حدوث دهری از عبارات خود میرداماد استفاده کند یا دست‌کم تقریر حکیم سبزواری را بر عبارات میرداماد عرضه کند.

۳. میرداماد در برخی مواضع از آثار خود تصریح کرده است که نظریهٔ حدوث دهری با حدوث ذاتی متفاوت است.^۱ چرا نویسنده نفیاً یا اثباتاً به این بحث نپرداخته است؟

۴. علت غفلت نویسنده از نظرات سیداحمد علوی عاملی در مقام مهم‌ترین شارح میرداماد چه بوده است؟

در سراسر این کتاب، مطلبی که شایستهٔ نام «تحقیق» باشد، به چشم نمی‌خورد و عمدهٔ مطالب آن از آثار دیگران مأخوذ است. نویسنده در همین مراجعه و اقتباس نیز اهمال کرده است. او می‌توانست به منابع مهم و مفصلی همچون نظریهٔ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه، نوشتهٔ دکتر سعید نظری‌توگلی، مراجعه کند. اگر کسی به دنبال فهم نظریهٔ حدوث دهری و اشکالات آن باشد و دو کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران و نظریهٔ پیدایش جهان را مطالعه کند، از عمدهٔ مطالب کتاب نقد و بررسی حدوث دهری میرداماد بی‌نیاز خواهد بود؛ لذا، تعبیر «تکرار مکررات» بیشتر بر این اثر صدق می‌کند تا بیانات میرداماد. باری، اگر نظریهٔ حدوث دهری همان حدوث ذاتی باشد، اثبات آن از طریق تحقیق روشمند و منظم میسر خواهد شد. اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۶ش.^۲

۱۴. میرداماد/ احمد علامه فلسفی

معرفی و نقد: این کتاب یکی از منشورات نشر فراروان‌شناسی دربارهٔ شخصیت‌های فلسفی است که به شرح حال میرداماد اختصاص دارد. نویسنده ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در معرفی شخصیت میر ارائه داده و تاریخ وفات وی را به اشتباه در سال ۱۰۴۱ هجری قمری ثبت کرده است. او پس از اشاره به برخی القاب میرداماد، دربارهٔ شخصیت علمی و جامعیت او سخن گفته و دیدگاه‌های شهید

۱. نمونه را نگر: القیسات، ص ۲۶؛ صص ۱۷۳.

۲. شمارگان: ۵۰۰ نسخه / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۱۲۴.

مطهری و توشی هیکو ایزوتسو را در این باره نقل کرده است. تنها امتیاز این تک‌نگاری در قیاس با دیگر آثار، توجه نویسنده به اقوال و آراء دیگران درباره میرداماد است.

مؤلف در فصل بعدی، استادان و شاگردان میرداماد را نام برده و با استناد به آثار شیخ آقابزرگ طهرانی، فهرستی از آثار میر فراهم آورده است. این فهرست بسیار ناقص است و نویسنده نام برخی آثار مهم میرداماد - مانند الصراط المستقیم، شرح الصحيفة الكاملة السجّادیّة، شرعة التسمیة، شارع النجاة و عیون المسائل - را از قلم انداخته است. وی در ادامه، برخی آثار میر را به اجمال معرفی کرده و در معرفی القبسات، توضیحاتی درباره نویسنده آن (میرداماد) آورده است. گویا این بخش برگرفته از منبع دیگری است که بدون ویرایش و هماهنگ‌سازی با دیگر بخش‌های کتاب، عیناً نقل شده است. نویسنده در ادامه، گزارشی از محتوای القبسات ارائه داده و به شروح و حواشی آن اشاره کرده است. سپس به تقویم‌الایمان پرداخته و در کمال تعجب، باز هم مؤلف کتاب، یعنی میرداماد، را معرفی کرده است. وی در ادامه، درباره اهمیت تقویم‌الایمان، محتوا و نسخه‌های خطی آن، نثر و شیوه نگارش میرداماد سخن گفته و دو کتاب شرح مقدمه تقویم‌الایمان و عرش الإیقان فی شرح تقویم‌الایمان (نوشته سید عبدالحسین علوی عاملی، پسر سید احمد و نوه میرداماد) را معرفی کرده است. تمام مطالب این بخش از مقدمه علی‌اوجی بر تقویم‌الایمان اخذ شده است. البته، مطالب مربوط به ادبیات و قلم میرداماد، باید در فصل جداگانه‌ای ذکر می‌شد تا خواننده گمان نکند که نثر میر تنها در تقویم‌الایمان خاص و ممتاز است. نویسنده مطالب این بخش را با معرفی اجمالی الرواشح السماویة به پایان برده است.

فصل بعدی کتاب «توصیف اجمالی میرداماد» نام دارد که به بازخوانی شخصیت میرداماد و نسب او اختصاص یافته است. این بخش نیز به تکرار برخی مطالب دچار بوده و عمده محتوای آن، از مقاله سید حمید میرخندان درباره میرداماد^۱ اخذ شده است. نکته عجیب این است که نویسنده در صفحه ۳۶، تاریخ ولادت میر را سال ۹۶۰ هجری قمری دانسته؛ اما در صفحه ۶، سال ۹۶۹ هجری قمری را ثبت کرده است. این آشفتگی در محتوا و چینش مباحث و همچنین، تکرار غیرموجه مطالب، نشان می‌دهد که عمده محتوای کتاب از مطالب دیگران اقتباس شده و نویسنده با شتاب‌زدگی آن‌ها را کنار یکدیگر قرار داده است. او در ادامه، از اساتید میرداماد نام برده و حکایت معروف رؤیای محقق کرکی را درباره ولادت میرداماد نقل کرده است.

نویسنده فصل بعدی را «تحصیل میرداماد در هرات» نامیده؛ در حالی که حضور میر در هرات جزء متشابهات است و گزارش موثق درباره آن در دست نیست. وی در ادامه، از مهاجرت میر به اصفهان و ارتباط او با دربار صفوی سخن گفته و به مختصات حوزه اصفهان و جایگاه علوم عقلی و نقلی در آن اشاره کرده است. او در فصل بعدی، معاصران میرداماد - همچون شیخ بهایی و میرفندرسکی - را معرفی کرده است. نویسنده در فصل بعدی که «جایگاه علمی میرداماد» نام دارد، برخی عبارات کتاب میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی را بدون بررسی و دقت نقل کرده و

۱. «آشنایی با دانشوران: زندگی‌نامه مرحوم میرداماد»، مشکوة، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۷۳ ش، صص ۹۲-۱۲۰.

اشتباه یوسف افتخاری در فهم عبارت قصص العلماء، به متن او نیز سرایت کرده است.^۱ وی در ادامه، برخی داستان‌های مشهور درباره میرداماد را نقل کرده است.

احمد علامه فلسفی در بخش بعدی، به حکمت یانی و ساختار آن پرداخته و درباره نظریه «حدوث دهری» به اجمال سخن گفته است. سپس، ذیل عنوان «علوم طبیعی»، حکایت درخواست شاه عباس از میرداماد را مبنی بر کشف نحوه غسل‌سازی زنبور، از کتاب قصص العلماء نقل کرده است. طبیعتاً از طریق ذکر حکایت - آن هم از منبعی که مشهورات عوام را گردآورده - نمی‌توان به جایگاه علمی میر در علوم طبیعی پی برد. نویسندگان در فصل بعد، گزیده‌ای از اشعار میرداماد نقل کرده و به حالات معنوی او اشاره کرده است. در صفحه ۷۴، دوباره به معرفی شاگردان میرداماد پرداخته و تألیفات میر را - البته این بار به نحوی مفصل - معرفی کرده است. در ادامه، ویژگی‌های آثار و شخصیت میرداماد را بر شمرده که به طور کامل از کتاب میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی اخذ شده است.

نویسنده در فصل بعدی، حکایت مشهور انگشت‌سوزی میرداماد را نقل کرده است. مطابق این روایت، یکی از دختران شاه عباس صفوی از حرمسرای شاهی گریخته و به حجره میرداماد - که طلبه جوانی بوده - پناه می‌برد. میر نیز از سر جوانمردی به شاهدخت اذن اقامت داده و برای غلبه بر نفس اماره، تا سحرگاه سر انگشتان خویش را بر آتش گرفته و می‌سازند. هنگامی که شاه صفوی از حکایت پاکدامنی میرداماد شد، دختر خود را به عقد او درآورد. این حکایت سند و مأخذ صحیحی ندارد؛ زیرا اولاً، میرداماد داماد شاه عباس نبوده؛ ثانیاً، این حکایت درباره برخی چهره‌های مسیحی پیش از اسلام نیز نقل شده است و ارتباطی با میرداماد ندارد؛ ثالثاً، خودداری از تعرض به میهمانی که - بنا بر نقل حکایت - صاحب قدرت بوده و جلادان از او فرمان می‌برده‌اند، فضیلت خاصی محسوب نمی‌شود و نیازی به انگشت‌سوزی ندارد. نویسنده در بخش پایانی کتاب، به رحلت میرداماد و مدفن او اشاره کرده است. این کتاب مجموعه‌ای مکررات بی‌اصول و بی‌ثمر بوده و ترتیب مطالب آن به هیچ وجه روشمند و مقبول نیست. نویسنده از منابع ضعیفی مانند کتاب صدرالدین شیرازی، ملاصدرا: متفکر بزرگ اسلامی، به وفور استفاده کرده و نتیجه کار او به طرزی عجیب، پر از تکرار و زیاده‌گویی است. برخی جملات کتاب با تغییری اندک، بارها تکرار شده‌اند؛ برای نمونه، نویسنده در سه موضع از مقدمه کتاب اشاره کرده که میرداماد به فارسی و عربی شعر می‌سروده و تخلص شعری اش «اشراق» بوده است. این جمله در ادامه - مثلاً در صفحه ۶ - دوباره تکرار شده است. این تکرارها نشانه شتابزدگی نویسنده در گردآوری کتاب است. قلم نویسنده یکدست نیست و مطلب و تحقیق جدیدی در این کتاب دیده نمی‌شود. چنان‌که دیدیم، او در نقل مطالب اقتباسی نیز دقت و حوصله کافی به خرج نداده و برخی حکایات را که محتوای آن‌ها بر سستی‌شان دلالت دارد، مسلم‌انگاشته است. به گمان ما، کتاب میرداماد، اثر احمد علامه فلسفی، که آخرین اثر مستقل درباره میرداماد است، کم‌فایده‌ترین تک‌نگاری بوده و در مقایسه با تک‌نگاری‌های اقتباسی دیگر،

۱. میرداماد (الف)، ۶۱. سنح: میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی، ص ۱۶.

۲. نگر: «از «تنهایی لیلا» تا روایت پالادیوس» (نسخه الکترونیک).

حتی برای خواننده عادی نیز فایده چندانى ندارد.
اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات فراروان شناسی، ۱۳۹۹ ش.^۱

۱۵. فلسفه عقل (جلد دوم: نقد عقل در مدارس حدیثی میرداماد و صدرالمتهلین) / محمدعلی اردستانی

معرفی و نقد: این کتاب، جلد دوم از مجموعه «فلسفه عقل»، اثر محقق ارجمند، محمدعلی اردستانی است که مجلدات بعدی آن نیز در آینده منتشر خواهند شد. پیش از پرداختن به معرفی و نقد این اثر، توجه به نکته‌ای ضروری است: بخش اندکی از محتوای این کتاب به میرداماد و دیدگاه‌های او اختصاص دارد که عملاً قابلیت نشر مستقل را نداشته و احتمالاً از دایره تک‌نگاری‌های مربوط به میر خارج است. در عین حال، این تحقیق در قالب کتاب منتشر شده و شامل رویکردی جدید به دیدگاه‌های علمی میرداماد است؛ لذا، شایسته دیدیم که این کتاب را در مجموعه حاضر، به اختصار معرفی کنیم تا علاوه بر اداء شرط اتمام و اکمال، محققان نیز از این اثر و محتوای آن آگاهی پیدا کنند. در عنوان این اثر، از تعبیر «نقد عقل در مدارس حدیثی» استفاده شده است. باید توجه کرد که مقصود نویسنده از این تعبیر، معنای متبادر آن - یعنی مکاتب حدیثی یا علوم حدیث مانند درایة‌الحديث یا رجال - نیست؛ بلکه مراد او، نحوه مواجهه حکماء با احادیثی است که درباره شأن و منزلت عقل صادر شده‌اند. مراد از «نقد عقل» نیز برخلاف معنای متبادر آن، تعیین ارزش عقل و حیطة حجّیت و اطلاعات مختلف آن است. با توجه به این نکات، شایسته بود که نویسنده محترم عنوانی مناسب و دور از ابهام برای این کتاب برمی‌گزید. البته، اگر کسی مقدمه تحقیق را به اجمال از نظر بگذراند، مراد نویسنده را از تعبیرهای مذکور در خواهد یافت. علاوه بر این، شایسته بود که نویسنده پیش از ورود به تفاسیر و تأویلات میرداماد و ملاصدرا از این احادیث درباره مبانی حدیثی و تفسیری این دو حکیم بزرگ سخن می‌گفت. اینکه شروط اعتبار احادیث نزد میرداماد و صدرالمتهلین چیست و روش و هدف ایشان در تفسیر آیات و احادیث چگونه است، از مسائلی هستند که توجه به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

مطالب این کتاب متشکل از مقدمه، دو فصل و نتیجه‌گیری کلی است. هریک از فصول نیز شامل چند گفتار است. نویسنده در پایان هر فصل، تلخیص و نتیجه آن را ذیل عنوان «رهاورد فصل» آورده است. فصل اول این کتاب که درباره میرداماد است، حاوی دو گفتار و یک رهاورد است که مجموعاً سی و هفت صفحه از حجم کتاب را در بر می‌گیرد. فصل دوم کتاب نیز از هشت گفتار و یک رهاورد تشکیل شده و به بررسی آراء ملاصدرا اختصاص دارد.

نویسنده در مقدمه، درباره هدف تحقیق، روش کار خود و ساختار کتاب سخن گفته و هدف پژوهش خود را ضمن چند پرسش ترسیم کرده است:

۱. شمارگان: نامعلوم / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۱۳۸.

دسترسی به نسخه چاپی این کتاب برای نگارنده فراهم نشد و ارجاعات این مدخل، بر اساس نسخه الکترونیکی کتاب در سایت «طاقچه» تنظیم شده است.

«پرسش اصلی این پژوهش این است که عقل در مدارس حدیثی میرداماد و صدرالمتهلین چه اطلاقاتی دارد؟ پرسش‌های فرعی این پژوهش که شناسایی اطلاقات عقل را به‌گونه استنباطی در مدارس حدیثی میرداماد و صدرالمتهلین منظور داشته، این است: پایه اطلاق عقل در مدرسه حدیثی میرداماد کدام است؟ گستره اطلاق عقل در مدرسه حدیثی میرداماد چیست؟ فرایند استنباط حدیثی میرداماد در این زمینه چگونه است؟ نتایج استنباط حدیثی میرداماد در این زمینه چیست؟»^۱.
وی در ادامه آورده است:

«میرداماد در مدرسه حدیثی خود، پایه اطلاق عقل را «جوهر عقل مجرد انسانی» قرار داده و در کمال قوه نظری و عملی به کار برده است»^۲.

نویسنده بر این اساس، دو گفتار فصل مربوط با میرداماد را ذیل عنوان‌های «جوهر عقل مجرد انسانی» و «کمال قوه نظری و عملی» سامان داده است. وی کتاب خود را هم در موضوع تحقیق و هم در نتیجه آن، اثری بدیع شمرده و آن را حائز نوآوری‌های گوناگونی دانسته است. وی در ادامه، منابع اصلی و حیطة تحقیق خود را تعیین کرده است. تعلیقه میرداماد و شرح ملاصدرا بر اصول الکافی، دو منبع محوری نویسنده برای این تحقیق به شمار می‌روند؛ هرچند او از دیگر آثار این دو حکیم در علوم منقول و معقول - همچون الرواشح السماویة، السبع الشداد، تفسیر القرآن الکریم، القبسات، جذوات و مواقیت، الأسفار الأربعة، مفاتیح الغیب و... - نیز بهره برده است. نویسنده در ادامه، گزارشی کوتاه از شرح حال میرداماد، آثار و شاگردان او نقل کرده است. شاید بارزترین ویژگی محتوایی این اثر، توجه به شخصیت فقهی میرداماد و تسلط او بر علوم نقلی است. عمده مطالبی که درباره میرداماد در قالب‌های مختلف (کتاب، مقاله، مداخل دایرةالمعارفی و...) نگاشته شده‌اند، به معرفی و بررسی وجه فلسفی شخصیت میرداماد اختصاص دارند. البته، منابع انگشت‌شماری نیز به شخصیت فقهی، حدیثی و ادبی میرداماد پرداخته‌اند که در مداخل سابق به آن‌ها اشاره شد. نویسنده در این کتاب، رویکرد میرداماد را به مآثورات حدیثی، با نگاهی بدیع بررسی کرده است. اهمیت این مطلب هنگامی روشن می‌شود که توجه کنیم میرداماد پایه‌گذار رویکردی جدید به احادیث و آیات قرآن در جایگاه منبع خاص و مستقل معرفتی (خصوصاً در کشف موضوعات و مسائل جدید) بوده است. تلاش‌های صدرالمتهلین و دیگر حکماء متأخر در تفسیر و تأویل آیات و روایات، همگی بی‌واسطه یا باواسطه و امدار تلاش‌های میرداماد است. فارغ از صحت و سقم برداشت‌ها و استدلال‌های نویسنده در این باره، اقدام او برای معرفی این وجه از شخصیت میرداماد، ستودنی و شایسته تحسین است.

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۱ ش.^۳

۱. فلسفه عقل، ج ۲، صص ۱۹-۲۰.

نویسنده در ادامه همین پرسش‌ها را درباره صدرالمتهلین مطرح کرده است.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. شمارگان: ۱۰۰۰ / قطع: رقعی / جلد: نرم / تعداد صفحات: ۳۳۲.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- قرآن کریم.
- ابن سینا: زندگی، آثار و افکار حکیم ایرانی، سعید نفیسی، چ ۳، تهران: بنگاه کتاب پارسه، ۱۳۹۳ ش.
- اثنی عشر رساله، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، گردآوری: سید جمال‌الدین میردامادی، چ ۱، تهران: مکتب السید الداماد، ۱۳۹۷ ق.
- احیای حکمت، علیقلی بن قرقچای خان، تصحیح: فاطمه فنا، مقدمه: غلامحسین ابراهیمی دینانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب [و] نشر احیاء کتاب، ۱۳۷۷ ش.
- از پست و بلند ترجمه (هفت مقاله)، کریم امامی، چ ۱، تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۷۲ ش.
- أسرار الحكم، ملاهادی بن مهدی سبزواری، مقدمه: ابوالحسن شعرانی، تصحیح: سید ابراهیم میانجی، چ ۳، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
- الإصباح فی شرح تلخیص المفتاح (المعروف بالمطول)، سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی، تصحیح: محمدزکی جعفری (ادیب دره صوفی)، چ ۱، قم: مؤسسه دارالحجّة، ۱۴۳۵ ق.
- أعيان الشيعة، سید محسن امین، تصحیح: سید حسن امین، چ ۱، بیروت: مطبعة الانصاف، ۱۳۷۸ ق.
- الأفق المبين، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: حامد ناجی اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۱ ش.
- انفاس رحمانی بر حکمت یمانی، منوچهر پزشک، چ ۱، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۹۲ ش.
- اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح و گردآوری: حسین نجفی، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۶ ش.
- آیین و اندیشه: بررسی مبانی و دیدگاه‌های مکتب تفکیک، سید محمد موسوی، چ ۱، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۸۲ ش.
- تاج العروس من جواهر القاموس، سید محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی، تصحیح: علی شیری، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندربیک منشی (ترکمان)، تصحیح: ایرج افشار، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰ ش.
- تاریخ فلسفه اسلامی، هنری کربن، ترجمه: سید جواد طباطبائی، چ ۱، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲ ش.
- تجارب الأمم، أحمد بن محمد بن مسکویه رازی، تصحیح: ابوالقاسم امامی، چ ۱، تهران: دار سروش للطباعة و النشر، ۱۴۰۷ ق.
- ترجمان اللغة، محمدیحیی بن محمد شفیع قزوینی، چ ۱، تهران: نشر شمس الضحی، ۱۳۸۷ ش.
- تقویم الإیمان و شرحه کشف الحقائق، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)؛

- سیداحمد بن زین العابدین علوی عاملی، تصحیح: علی اوجی، چ ۱، تهران: مؤسسهٔ مطالعات اسلامی دانشگاه تهران [و] مؤسسهٔ بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی [و] مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
- جذوات و مواقیت، سیدمحمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تعلیق: ملاعلی نوری، تصحیح: علی اوجی، چ ۱، تهران: مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۰ ش.
 - جرعه‌ای از دریا، ج ۳، سیدموسی شبیری زنجانی، چ ۳، قم: مؤسسهٔ کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۷ ش.
 - حکایت عمر (گزیدهٔ یادداشت‌ها و خاطرات آیه الله سیدابوالحسن مولانا رحمته الله علیه)، سیدمحمدجواد آل مولانا، چ ۱، تبریز: نشر نور ولایت، ۱۳۹۴ ش.
 - حکیم استرآباد: میرداماد، سیدعلی مدرّس موسوی بهبهانی، چ ۱، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.
 - خلاصة التواریخ، قاضی احمد بن شرف‌الدین منشی قمی، تصحیح: احسان اشراقی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
 - دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد، محمدرضا دوستی دیلمی، چ ۲، گرگان: نشر پیک ریحان، ۱۳۹۱ ش.
 - ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب (کنی و ألقاب)، محمدعلی مدرّس خیابانی تبریزی، چ ۲، تبریز: چاپخانهٔ شفق، ۱۳۴۷ ش.
 - سایهٔ اشراق، عباس عبیری، چ ۱، قم: مؤسسهٔ فرهنگی انتشاراتی گرگان، ۱۳۷۶ ش.
 - سلافة العصر فی محاسن أهل العصر، سیدعلی بن احمد حسینی دشتکی (سیدعلی خان مدنی)، تحقیق: محمودخلف البادی، چ ۱، دمشق: دارکنان، ۲۰۰۹ م.
 - شرح الصحيفة السجّادیة الكاملة، سیدمحمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: سیدمهدی رجایی، چ ۱، اصفهان: انتشارات مهدیهٔ میرداماد، ۱۴۰۶ ق.
 - شرح القبسات، سیداحمد بن زین العابدین علوی عاملی، تصحیح: حامد ناجی اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسهٔ مطالعات اسلامی [و] مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
 - شرح المنظومة، ملاهادی بن مهدی سبزواری، تصحیح: محسن بیدارفر، چ ۳، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۹۳ ش.
 - شرح النظام علی الشافیه، ابو محمد نظام‌الدین حسن بن محمد، تصحیح: محمدزکی جعفری (ادیب درّه صوفی)، چ ۱، قم: مؤسسهٔ دارالحجّة عالمیه، ۱۴۲۸ ق.
 - شرح الأسماء (شرح دعاء الجوشن الکبیر)، ملاهادی بن مهدی سبزواری، تصحیح: نجفقلی حبیبی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
 - شرح حال میرداماد و میرفندرسکی، اکبرهادی حسین آبادی، چ ۱، اصفهان: میثم‌تار، ۱۳۶۳ ش.
 - شرعة التسمیة (حول حرمة تسمیة صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف باسمه الاصلی فی زمان الغیبة)، سیدمحمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: رضا استادی، چ ۱، اصفهان: انتشارات مهدیهٔ میرداماد، ۱۴۰۹ ق.

- الشفاء (الإلهیات / الرياضیات / الطبيعیات / المنطق)، ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، تصحیح: جورج قنواقی [و] سعید زاید [و] عبدالحمید صبرة [و] عبدالحمید لطیفی مظهر [و] محمدرضا مدور [و] إمام إبراهيم أحمد [و] محمود قاسم [و] عبدالحلیم منتصر [و] عبدالله اسماعیل [و] محمود الخضیری [و] أحمد فؤاد الأهواني [و] أبو العلا عفیفی، تصدیق و مراجعه: ابراهیم بیومی مدکور، چ ۱ (افست از: چاپ قاهره، ۱۳۹۵ق)، قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴-۱۴۰۵ق.
- الصراط المستقیم، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: علی اوجبی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب [و] انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- فلسفه عقل، ج ۲ (نقد عقل در مدارس حدیثی میرداماد و صدرالمتهلین)، محمدعلی اردستانی، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۱ش.
- فیلسوف شیرازی در هند، اکبر ثبوت، چ ۱، تهران: مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها [و] نشر هرمس، ۱۳۸۰ش.
- القبسات، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] سیدعلی موسوی بهبهانی [و] توشی هیکو ایزوتسو [و] ابراهیم دیباجی، چ ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ش.
- قصص العلماء، میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، چ ۱، تهران: انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- کتاب الحروف، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان فارابی، تصحیح: محسن مهدی، چ ۱، بیروت: دارالمشرق، ۱۹۷۰م.
- كشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، علی بن عیسی اربلی، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، چ ۱، تبریز: نشر بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- الكلمة الطيبة، عبدالرزاق بن علی لاهیجی (فتیاض لاهیجی) تصحیح: حمید عطائی نظری، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲ش.
- الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری [و] محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۲ق.
- ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، چ ۲، تهران: نشر طرح نو، ۱۳۷۷ش.
- مجموعه اشعار نیما یوشیج، علی اسفندیاری (نیما یوشیج)، تصحیح: عبدالعلی عظیمی، چ ۴، تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۹۵ش.
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۰ (شرح مبسوط منظومه)، مرتضی مطهری، چ ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ش.
- مصنفات میرداماد، ج ۱، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
- معجم البلدان، شهاب‌الدین یاقوت بن عبدالله حموی، چ ۲، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵م.

- معلّم ثالث (زندگی‌نامهٔ میرداماد به همراه رسالهٔ تصحیفات وی)، جو یا جهانبخش، چ ۱، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۹ ش.
- منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر)، سیّد جلال الدین آشتیانی، چ ۲، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- میرداماد: بنیان‌گذار حکمت یمانی، علی اوجی، چ ۱، تهران: نشر ساحت، ۱۳۸۳ ش.
- میرداماد (الف)، احمد علامه فلسفی، چ ۱، تهران: انتشارات فراروان‌شناسی، ۱۳۹۹ ش.
- میرداماد (ب)، سیّد محمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۴ ش.
- میرداماد (ج)، علی اکبر ولایتی، چ ۱، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.
- میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی، یوسف افتخاری، چ ۱، تهران: آواژه ابریشمی، ۱۳۹۴ ش.
- نبراس الضیاء و تسواء السواء فی شرح باب البداء و إثبات جدوی الدعاء، سیّد محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: حامد ناجی اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب [و] نشر هجرت، ۱۳۷۶ ش.
- النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، أبو علی حسین بن عبدالله بن سینا، تصحیح: محمد تقی دانش‌پژوه، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش.
- النظرة الدقيقة فی قاعدة بسیط الحقيقة، میرزا محمود شهابی خراسانی، تصحیح: محمد امین شاهجویی، چ ۲، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۷ ش.
- نظریهٔ پیدایش جهان در حکمت یمانی و حکمت متعالیه، سعید نظری توگلی، چ ۲، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ ش.
- نقد حال، مجتبی مینوی، چ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱ ش.
- نقد و بررسی حدوث دهری میرداماد، روح‌الله شاکری زوردهی، چ ۱، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۶ ش.
- یادنامهٔ فقیه اهل البيت (علیه السلام)، عارف الهی آیه الله سیّد بحر العلوم میردامادی (همراه بارسالهٔ سیرو سلوک معظم له)، سیّد مصلح الدین مهدوی، چ ۱، اصفهان: انتشارات مهدیهٔ میرداماد، ۱۴۱۲ ق.

مقالات:

- «جایگاه حدوث دهری و حرکت جوهری در دو نظام متفاوت فلسفی»، مقصود محمدی، خردنامهٔ صدرا، شمارهٔ ۱۶، تابستان ۱۳۷۸ ش، صص ۳۳-۲۸.
- «نسخه خوانی (۹)»، رسول جعفریان، آینهٔ پژوهش، سال ۲۸، شمارهٔ ۵ و ۶، آذر تا اسفند ۱۳۹۶ ش، صص ۵۵-۵۲.

منابع الکترونیک:

- «از «تنهایی لیلا» تا روایت پالادیوس»، علی عادل زاده؛ محمد قندهاری، منتشر شده در وبلاگ «آثار»، موجود در پیوند زیر:

<https://alasar.blog.ir/1398/12/11/mirdamad>



چلیپای نستعلیق، رقم علی رضا عباسی
موزه هنرهای تربیتی اصفهان

یادمان‌ها (۴): رسانه مجازی میرداماد



وبگاهی که با عنوان «رسانه مجازی میرداماد» با آدرس اینترنتی www.Mirdamad.info در دسترس است، نتیجه پرورش ایده کوچکی است که در سال ۱۳۹۳ هجری شمسی در مواجهه با کمبودها و دشواری‌های مطالعات شخصیت محور در ایران به وجود آمد. در جریان بررسی حیات و اندیشه میرداماد، به وضوح مشخص شد که علی‌رغم شهرت و آوازه این حکیم بزرگ، رؤس آراء و نظریات وی آن‌طور که شایسته است به جامعه علمی شناسانده نشده؛ از این رو، پس از سنجش نیازهای علمی پژوهشگران، جمع‌آوری بانک داده‌های مرتبط با میرداماد آغاز شد و این وبگاه در خرداد ماه ۱۳۹۴ هجری شمسی، فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. این وبگاه که به صورت شخصی و مستقل اداره می‌شود نخستین رسانه جامع شخصیت محور در حوزه اندیشه اسلامی است. دسته‌بندی و جایگاه داده‌های رسانه مجازی میرداماد از این قرار است:

- زندگینامه مختصر میرداماد و گزارشی از آثار او، در برگه «زندگی و شرح حال» در دسترس است.
- یادداشت‌های مدیر رسانه و سایر نوشتارهای پراکنده در فضای مجازی، در «وبلاگ» رسانه منتشر می‌شوند.
- فیلم و صوت همایش‌ها و نشست‌های مرتبط با میرداماد و نیز سلسله جلسات تدریس آثار وی، در بخش «چند رسانه‌ای» قرار دارند.
- آثار میرداماد، شروح و حواشی این آثار و تک‌نگاری‌های مربوط به میرداماد و مکتب اصفهان در بخش «معرفی کتاب» ارائه می‌شوند.
- مقالات منتشر شده به دو زبان فارسی و انگلیسی و نیز مجموعه مقالات ارائه شده در کنگره‌ها و همایش‌ها در بخش «مقالات» عرضه می‌شوند.
- پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی مرتبط با میرداماد، به تفکیک مقطع در قسمت «پایان‌نامه‌ها» معرفی می‌شوند.
- تصویر اسناد علمی، اجازه‌نامه‌ها و تقریظات میرداماد، در بخش «اسناد و مخطوطات» این رسانه در دسترس هستند.
- نامه‌نگاری‌ها و مراسلات میرداماد، در بخش «مکاتبات» معرفی شده‌اند.
- ستون‌ها و صفحات مرتبط با موضوع سایت که از روزنامه‌ها و نشریات گوناگون گزینش شده‌اند، در برگه «جراید» در دسترس هستند.

[معرفی: علی بایزیدی]

شناخت‌نامه

میرداماد در آینه منابع تاریخ فلسفه

(معرفی آثار فارسی: از آغاز تا پایان پاییز سال ۱۴۰۱ هجری شمسی)

مریم مهدوی‌مژده*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (تهران)

مقدمه

-۱-

درآمد

بی‌تردید میرداماد در زمره حکماء بزرگ اسلامی است و فلاسفه پس از او، از ساختار فکری / فلسفی وی بسیار تأثیر پذیرفته‌اند. او با تأسیس مکتب فلسفی اصفهان، نقشی انکارناپذیر در سیر تاریخ فلسفه اسلامی داشته است؛ اما تاکنون، آن‌گونه که شایسته این متفکر جهان تشیع است، به او توجه نشده و وجوه بسیاری از شخصیت وی ناشناخته مانده است. بنا به دلایل مختلفی، از جمله ثقل و دشواری نوشتار میرداماد، نگاشته‌های او در میان دانشجویان و پژوهشگران فلسفه مهجور مانده است و کمتر کسی به تفحص و کاوش در آثار و آراء وی می‌پردازد. با این همه، نمی‌توان انکار کرد نهضتی که با حضور میرداماد در اصفهان عصر صفوی آغاز شد، یکی از نقاط عطف مهم در تاریخ فلسفه اسلامی و اندیشه شیعی است؛ از این رو، نمی‌توان جایگاه تاریخی وی را نادیده گرفت.

محقق که قصد مطالعه و پژوهش درباره میرداماد دارد، در وهله اول باید بداند تاکنون چه پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است و آثاری که در این باره منتشر شده‌اند، به کدام یک از ابعاد شخصیت علمی و فلسفی میرداماد پرداخته‌اند. باید توجه کرد که فقدان کتاب‌شناسی توصیفی در حوزه تاریخ فلسفه، موازی‌کاری و تکرار مکررات را در پی خواهد داشت. همچنین، بی‌اطلاعی از منابع پیشین، گاهی باعث انتساب نادرست مطالب و به تبع آن، فهم اشتباه نظرات فلسفی می‌شود و به‌طور کلی، محققان و خوانندگان را حیران و سرگردان می‌کند؛ از این رو، یکی از

* رایانامه: mahdavi71@yahoo.com

مهم‌ترین لوازم گام‌نهادن در این مسیر، آگاهی از پیشینه تحقیقات و به‌دست‌آوردن سرنخ‌های پژوهشی با استفاده از شناخت‌نامه‌های توصیفی است.

هدف از تنظیم شناخت‌نامه پیش‌رو، نخست معرفتی کتبی است که در حوزه تاریخ فلسفه اسلامی، به میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان پرداخته‌اند؛ سپس، تبیین اینکه هر نویسنده در اثر خود، چه رویکردی درباره میرداماد اتخاذ کرده و به چه نحو و میزان از شخصیت فلسفی او سخن گفته است. چنان‌که خواهیم دید، برخی مؤلفان میرداماد را با نگاه انتقادی به نظریات وی معرفتی کرده‌اند، بعضی صرفاً آراء مشهور او را تحلیل و بازخوانی کرده‌اند، عده‌ای دیگر، تقریری گزارش‌گونه از سبک زندگی و آراء وی نگاشته‌اند؛ و برخی نویسندگان، برای میرداماد هویتی اعتباری در تاریخ فلسفه اسلامی قائل شده و او را در سایه ملامت‌درا معرفتی کرده‌اند. سعی ما بر این است که ضمن معرفتی هر اثر، از رویکرد مؤلف آن به میرداماد نیز سخن بگوییم تا خوانندگان محترم با آگاهی بیشتر و ذهنی روشن به سراغ هر کدام از این منابع بروند.

-۳-

روش تدوین شناخت‌نامه

درباره شیوه نگارش مداخل و معرفتی آثار در این شناخت‌نامه، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. شناخت‌نامه حاضر به معرفتی منابع تاریخ فلسفه اسلامی اختصاص دارد. در جریان گردآوری مطالب این کتاب‌شناسی، علاوه بر منابع مستقل در این حوزه، با آثاری مواجه شدیم که تمام یا بخشی از آن‌ها، رویکرد تاریخ فلسفی دارند؛ همچون منابع تاریخ ادبیات فارسی و مقدمه تاریخی محققان بر آثار فلسفی. این دست منابع را نیز حتی‌الامکان معرفتی کرده‌ایم. حاجت به تذکار نیست که در شناخت‌نامه پیش‌رو، تنها آثاری معرفتی شده‌اند که حاوی مطالبی درباره میرداماد یا مکتب فلسفی اصفهان باشند.

۲. برای شناسایی اولیه منابع تاریخ فلسفه اسلامی، از مقاله مبسوط دکتر سعید انواری با عنوان «کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ فلسفه‌های اسلامی» بسیار بهره برده‌ایم.

۳. مصححان آثار میرداماد در مقدمه‌های خود - همچون مصنفات میرداماد^۱، القیسات^۲، الأفق المبین^۳، جذوات و مواقیت^۴ و تقویم‌الایمان^۵ - درباره شرح حال و سرگذشت میرداماد، آراء فلسفی وی، مکتوبات، اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران حیات میر، اساتید و شاگردان وی سخن گفته‌اند. همچنین، در منابع تاریخی و تذکره‌های عمومی و تخصصی نیز مطالب فراوانی درباره حیات، آثار و آراء میرداماد به چشم می‌خورد؛ اما با توجه به اینکه هدف ما بررسی منابع تاریخ فلسفه است، مقدمه‌های مصححان آثار میرداماد، پایان‌نامه‌ها و مقالات دانشگاهی،

۱. نگر: مصنفات میرداماد، ج ۱، صص ۲۵-۲۶ (مقدمه مصحح)؛ ج ۲، صص ۳۳-۵۴ (مقدمه مصحح).

۲. نگر: القیسات، پیشگفتار، صص بیست و پنج - صد و چهل و چهار (مقدمه‌های تحقیقی).

۳. نگر: الأفق المبین، صص چهل و یک - شصت و شش (مقدمه مصحح).

۴. نگر: جذوات و مواقیت، مقدمه، صص هفده - پنجاه و هشت (مقدمه مصحح).

۵. نگر: تقویم‌الایمان و شرحه کشف الحقائق، صص ۱۹-۱۵۶ (مقدمه مصحح).

- کتاب‌های تاریخی و تذکره‌ها از دایره این شناخت‌نامه خارج شده‌اند.
۴. با توجه به حیطه گسترده منابع تاریخ فلسفه در زبان‌های اروپایی و زبان عربی، در این شناخت‌نامه به معرفی منابع فارسی و آثاری که به زبان فارسی ترجمه شده‌اند، اکتفا کرده‌ایم.
 ۵. در هرمدخل، نخست توضیحات مختصری درباره ساختار و کلیات منبع ارائه داده و پس از آن، درباره رویکرد نویسنده به میرداماد و جایگاه او در تاریخ فلسفه اسلامی سخن گفته‌ایم. برای آشنایی بیشتر با سبک نوشتار و متن منابع، بخشی از مطالب آن‌ها را در قالب نقل قول مستقیم درج کرده و در پایان هر مدخل، اطلاعات نشر آثار را ذکر کرده‌ایم.
 ۶. در جریان بازخوانی منابع، دریافتیم که در برخی آثار، جملات و عباراتی مشابه با متن آثار پیشین وجود دارد یا برخی نویسندگان در دو اثر خود، مطالب یکسانی ذکر کرده‌اند؛ بنابراین و جهت بازنمود اقتباس‌ها و تأثیر آثار بر یکدیگر، منابع بر اساس تاریخ اولین انتشارشان فهرست شده‌اند.
 ۷. منابعی که از زبان‌های خارجی ترجمه شده‌اند، بر اساس سال انتشار نخستین ترجمه پارسی آن‌ها مرتب شده‌اند. عنوان هر منبع خارجی و نخستین سال انتشار آن در زبان اصلی، در پانویس مداخل درج شده است.
 ۸. تقریباً در همه منابع تاریخ فلسفه، ابتدا زندگی‌نامه، نسب، ویژگی‌های شخصیتی، شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر دوران میرداماد و بسیاری مطالب تاریخی و تذکره‌ای، با ادبیاتی متفاوت و محتوایی یکسان بیان شده‌اند. جهت جلوگیری از اطناب، از ذکر مکرر این مطالب خودداری کردیم.
 ۹. حجم مداخل این شناخت‌نامه، تابع فشردگی یا گسترده‌گی مطالب مربوط به میرداماد در منابع بررسی شده است؛ از این رو حجم مطالب در نوشتار پیش رو یکدست نیست.
 ۱۰. با توجه به ساختار توصیفی این نوشتار، با بهره‌گیری از ادبیات دایره‌المعارفی و زبان معیار، حتی‌الامکان از کاربرست آرایه‌ها و صنایع ادبی پرهیز کرده‌ایم.
 ۱۱. اضافات توضیحی مؤلف این شناخت‌نامه، در میان دو کمان در نقل قول‌ها مشخص شده‌اند.

- ۳ -

مروری کوتاه بر مداخل

شناخت‌نامه پیش رو با معرفی مقدمه استاد سید جلال الدین آشتیانی بر الشواهد الربوبیة آغاز شده است. مدخل پایانی نیز به کتاب فلسفه اسلامی: از الف تا ی، اثر پیتراس. گراف، اختصاص دارد. در میان منابع بررسی شده، کتاب درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی مفصل‌ترین توضیحات را درباره میرداماد عرضه کرده است. کتاب تاریخ ادبیات در ایران، اثر ذبیح‌الله صفا، نیز کوتاه‌ترین مدخل تاریخی مربوط به میر را در خود جای داده است. در میان نویسندگان، غلامحسین ابراهیمی‌دینانی در ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام و سید محمد خامنه‌ای در کتاب ملاصدرا (زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین)، به نحوی مبسوط، مستقل و تحلیلی درباره آراء و مسلک فلسفی میرداماد سخن گفته‌اند.

در تمام منابع بررسی شده، توضیحاتی درباره نظریه «حدوث دهری» به چشم می خورد. برخی نویسندگان این نظریه را به تفصیل تقریر کرده و عده ای با توضیح مختصر از آن عبور کرده اند. در این میان، سیدجلال الدین آشتیانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، رویکردی انتقادی در مواجهه با این نظریه در پیش گرفته^۱ و علی امیری در کتاب خرد آواره، توضیحات مفیدی درباره زمینه تاریخی طرح این نظریه بیان کرده است.

لازم به ذکر است که سیدحسین نصر در آثار خود میرداماد را «مفسر اشراقی مابعدالطبیعه سینوی» نامیده است.^۲ چنان که خواهیم دید، این تعبیر در بیشتر منابع متأخر تاریخ فلسفه راه یافته و تکرار شده است؛ اما هیچ توضیح دقیقی درباره آن به چشم نمی خورد؛ برای مثال، نمی دانیم که تفسیر اشراقی از آموزه های سینوی تابع چه اصول و قواعدی است یا اینکه آیا استفاده از این تعبیر، ارائه تصویری التقاطی از فلسفه میرداماد را در پی خواهد داشت یا خیر.

همچنین، باید توجه کرد که در برخی ترجمه های فارسی از منابع اروپایی، اغلاطی در ضبط اسامی خاص به چشم می خورند که اصلاح آن ها ضروری است؛ برای مثال، در ترجمه سیدجواد طباطبائی از کتاب فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، نام اثر معروف سیداحمد علوی عاملی به صورت «مصقال الصفاء» درج شده^۳؛ در حالی که صورت صحیح آن، «مصل صفا» است. همچنین، تیمور قادری در ترجمه خود از تاریخ ایران کمبریج (عصر صفوی)، نام کتاب های جذوات و القبسات میرداماد را به شکل «جزوات» و «قصبات» ضبط کرده است.^۴

-۴-

سیاسگزاری و تقدیم

مداخل فراوانی از این شناخت نامه در دوران همه گیری بیماری کرونا و تعطیلی کتابخانه ها تدوین شد. در آن وضعیت، دسترسی نویسنده به برخی منابع، به لطف سرکار خانم طیبه حاج باقریان، کتابدار و کتاب شناس کتابخانه آیه الله بروجردی، فراهم شد. در پایان از همکاری و لطف ایشان سپاسگزاری می کنم. همچنین، به پاس همراهی های مشفقانه مادر مهربان و پدر عزیزم که لطف و محبت بی پایان شان را توان پاسخگویی و جبران نیست، اثر حاضر را به این دو چراغ زندگی ام تقدیم می کنم. عمرشان دراز باد!

۱. ظاهراً آشتیانی میرداماد را در حاشیه تاریخ فلسفه اسلامی می دیده و شأن و جایگاه مستقلی برای وی قائل نبوده؛ چنان که نوشته است:

«در جلالت قدر او (میرداماد) همین بس است که استاد صدر المتألهین است» (منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر)، ج ۱، ص ۲۹).

۲. نمونه را نگر: تاریخ ایران کمبریج، ج ۶، ص ۱۲۱؛ فلسفه در سرزمین نبوت: فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز، ص ۲۵۵.

۳. نگر: فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، صص ۱۰۵-۱۰۶.

۴. نگر: تاریخ ایران کمبریج، ج ۶، ص ۱۲۰؛ ص ۱۲۴.

۱. بخش نخست: میرداماد در منابع تاریخ فلسفه

در این بخش، منابع اصلی مرتبط با میرداماد در حوزه تاریخ فلسفه اسلامی، به تفصیل مرور خواهند شد. برای آشنایی خواننده با سبک نوشتار هر نویسنده، نقل قول‌هایی از هر منبع در میان مداخل آورده‌ایم.

۱.۱. مقدمه «الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية» / سید جلال الدین آشتیانی
استاد سید جلال الدین آشتیانی در نگارش مقدمه خود بر الشواهد الربوبية ملاحظه‌ای رویکردی تاریخی اتخاذ کرده است. وی ضمن طبقه‌بندی اجمالی فلاسفه متأخر، مدخلی با عنوان «شرح حال میرداماد و دانشمندان متأله و حکمای طبقه مقدم بر ملاحظه و اساتید ملاحظه» گشوده و درباره میرداماد به اختصار سخن گفته است. بیشتر مطالب این بخش مربوط به ارتباط میرداماد با ملاحظه است. از جمله این مطالب، نقل قولی از شرح اصول الکافی ملاحظه است که طبق آن، وی میرداماد را علاوه بر علوم عقلی، در علوم نقلی نیز استاد خود دانسته است. آشتیانی سپس، به برخی شاگردان و معاصران میرداماد، از جمله شیخ بهایی و میرفندرسکی - که ملاحظه در مکتب آن‌ها نیز حاضر بوده - اشاره کرده است. وی درباره تبخیر میرداماد در علوم مختلف، نوشته است:

«میرداماد تألیفات زیادی در علوم عقلی و نقلی با سبک و روش مخصوص خود، از خود باقی گذاشته است. همه آثار او پرمغز و باارزش و تحقیقی است. میرداماد در جمیع شعب عقلی، از علم الهی و هیئت و ریاضی و طبیعیات، استاد ماهر و در علوم نقلی، از فقه و اصول و حدیث و رجال، از محققان به شمار می‌رود. در ادبیات عرب متبحر و مسلط بوده است»^۱.

عبارت وی درباره اختلاف مشرب ملاحظه با استاد خویش چنین است:
«مشرب فلسفی ملاحظه با طریقه استاد خود میرداماد، به کلی متفاوت است؛ و این تفاوت و اختلاف مشرب، در اوایل جوانی ملاحظه وجود داشته است و اغلب آثار خود را در زمان حیات استاد تألیف نموده است. بینونت مشربی آن‌ها از همان شروع به تحصیل ظاهر شده و این معنی مشهود میرداماد نیز بوده است»^۲.
آشتیانی در پایان، اشاره کرده است که ملاحظه در آثار خود از میرداماد به بزرگی و عظمت یاد کرده است. میرداماد نیز به وجود شاگردی چون ملاحظه افتخار کرده و او را بر همه فلاسفه اسلام ترجیح می‌داده است.^۳
اطلاعات نشر:

۱. ویراست نخست، چ ۱، مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶ ش.
۲. ویراست دوم، چ ۱، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰ ش.

۱. الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية، ص ۷۳ (مقدمه مصحح).

۲. همان، ص ۷۴.

۳. نگر: همان، صص ۷۱-۷۶.

۳. ویراست سوم، چ ۱، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۲ ش (تجدید چاپ تا نوبت دهم، ۱۳۹۸ ش).

۱، ۲. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر) / سید جلال الدین آشتیانی

سید جلال الدین آشتیانی این اثر را به قصد ترسیم سیر حکمت و فلسفه در چهار قرن اخیر در ایران، با رویکردی متن محور نگاشته است. وی علاوه بر معرفی و تصحیح برخی متون ناشناخته، در جای جای این اثر، تحقیقات و انتقادات خود را در قالب پاورقی های متعدد بیان کرده است. مطالب مربوط به میرداماد در جلد آغازین این مجموعه چهارجلدی آمده است.

مؤلف، نخست شرح حال مختصری از میرداماد ارائه داده و سپس دیدگاه وی را درباره چند مسئله فلسفی، با رویکرد تحلیلی/ انتقادی بررسی کرده است. اولین مبحث، نظریه «حدوث دهری» است که مرحوم آشتیانی آن را نپذیرفته و اشکالاتی بر آن وارد ساخته است. وی ابتدا توضیحاتی درباره اوعیه سه گانه موجودات (سرمد، دهر و زمان) ارائه داده و وجود حق تعالی را صرف وجود و دیگر موجودات را مسبوق به عدم دهری یا سرمدی قلمداد کرده است. وی معتقد است:

«میرداماد همین مطلب را به عبارات مختلفه در مسفورات خود بیان نموده است و حدوث را منحصر در زمانی و ذاتی ندانسته و تقدّم و تأخّر را تقسیم به تأخّر و تقدّم دهری و ذاتی و زمانی نموده است؛ و قسمت مهم کتاب قیسات را اختصاص به بیان و تحقیق حدوث دهری داده است؛ و در اکثر کتب خویش از حدوث دهری سخن گفته است؛ ولی آنچه را که می خواسته است، نتیجه نگرفته است؛ چه آنکه ممکن است معلولی به اعتبار تعلق به غیر، ازلی باشد و مع ذلك در مقام و مرتبه وجود علت معدوم باشد»^۱.

آشتیانی سپس، به نظر متکلمان و حکماء مشاء در باب حدوث عالم اشاره کرده و آن ها را به نقد کشیده است. وی در ادامه، با استناد به سخنان میرداماد و نقل قول از آثارش، موضع وی را در این مسئله تبیین کرده است. میرداماد در خلال بیانات خود برای اثبات نظریه حدوث دهری، به عبارات ابن سینا نیز استناد کرده است. آشتیانی بر این باور است که سخنان ابن سینا مؤید حدوث دهری نیست؛ بلکه مراد شیخ رئیس نظریه حدوث ذاتی است و او کلمه «دهر» را صرفاً برای معرفی وعاء عقول مجزّه به کار برده است. او در نهایت نوشته است:

«اگر میرداماد می خواهد اثبات نماید توقف عالم زمان را بر دهر و توقف دهر را بر سرمد و معلولیت عالم کبیر را نسبت به حق، کسی منکر این معنا نیست؛ و اگر بخواهد رفع قدم از وجود ماسوی الله بنماید، رفع قدم زمانی که محال است؛ پس، از اثبات حدوث زمانی باید دست کشید و یک نوع حدوثی که ملازم با معلولیت و محتاج بودن عالم به حق و توقف وجودی حقایق به وجود اصیل باشد و با قدم فیض حق سازش داشته باشد، معتقد شد تا انفکاک معلول از علت و انقطاع فیض لازم نیاید.

۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر)، ج ۱، ص ۶.

این همان حدوث ذاتی یا امری شبیه به آن است، به اسم دیگر. این تلاش دائمی میر که در بیداری و رؤیا دم از این حدوث زده است، ارزش ندارد؛ لذا، تلمیذ اعظم او صدرالحکماء اسمی هم از این حدوث نمی‌برد؛ و همین حال را دارد حدوث اسمی محقق سبزواری - اعلی الله مقامه -، فالمرجع إلى ما حققه صدرالحکماء في الحدوث الزماني^۱. وی در ادامه، سه اشکال حدوث دهری را که میرداماد در آثارش ذکر کرده و به آن‌ها پاسخ داده، بیان کرده است. البته، مؤلف به هریک از پاسخ‌های میرداماد ایراداتی وارد کرده و سخن خود را با این جمله به پایان برده است:

«میرداماد در صدد جواب از این سه اشکال - و به قول او: از این اعضالات - برآمده است و در چند کتاب خود، مفصل با عباراتی پیچیده از سه اشکال جواب داده است؛ ولی این جواب‌ها با آنکه سر و صورت علمی دارد، محصلی ندارد و به ریسمان بازی ملایی شبیه‌تر است تا حل مشکل»^۲.

یکی دیگر از مباحثی که آشتیانی در این اثر مطرح کرده و موضع میرداماد را درباره آن مشخص کرده است، نحوه اتصاف ماهیت به وجود است. موضع‌گیری مؤلف درباره دیدگاه میرداماد چنین است:

«میرداماد همان طوری که از کلماتش لایح و ظاهر می‌شود - بلکه مکرراً تصریح نموده است - وجود را امری زائد بر ماهیت در اعیان نمی‌داند؛ بلکه وجود هر شیء نفس تحقق خارجی و یا ذهنی آن شیء می‌باشد. ما در این جهت با او موافقیم؛ ولی اینکه می‌گوید وجود حقیقی ماوراء مفهوم مصدري ندارد و امری اعتباری و انتزاعی صرف است، مورد اشکال ماست»^۳.

در باب علم حق تعالی، موضع میرداماد و ملاصدرا یکسان است و هردو در دفاع از ابن‌سینا به اشکالات حکماء و متکلمان بر نظر شیخ رئیس، پاسخ داده‌اند. به نظر ابن‌سینا، ملاک علم تفصیلی حق تعالی به اشیاء، صور مرتسمه است. مؤلف پاسخ‌های ملاصدرا را به اشکالات شیخ اشراق بر این نظریه، برگرفته از آثار میرداماد می‌داند.

در بحث عالم برزخ و خیال منفصل، آشتیانی میرداماد را پیرو حکماء منشاء دانسته که وجود عالمی میان عالم ماده و عالم مجرد را منکرند. وی تفصیل مطلب را به مقدمه خود بر شرح فصوص قیصری ارجاع داده است که در آن، اشکالات ملاصدرا را بر موضع میرداماد، به شکل مبسوط شرح داده است. وی که خود پیرو حکمت متعالیه است، در رد دیدگاه میرداماد نوشته است:

«بنا بر جواز تشکیک در ذاتیات و وجود تشکیک در مراتب وجودی که متفرع بر اصالت و وحدت وجود است، می‌شود طبیعتی دارای افراد مختلف باشد از فرد مادی و برزخی و عقلی. انکار میرداماد و سایر اتباع منشاء صور مثالیّه را ناشی از انکار اصالت وجود و نفی تشکیک خاصّی است. چرا جائز نباشد وجود صور جسمانی قائم به

۱. همان، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۴۳.

ذات بدون حلول در ماده در حالتی که ماده مقوم اصل و حقیقت اشیاء نمی باشد و امری عدمی لازم یکی از انحاء مراتب وجود است؛ لذا عالم مثال قائم به ماده جسمانی نمی باشد؛ بلکه صور معلقه است»^۱.

آشتیانی در توضیح دیدگاه میرداماد به جذوات و مواقیت استناد کرده و ادله او را بر انکار وجود عالم برزخ شرح داده است.^۲

اطلاعات نشر:

- ویراست نخست، چ، تهران [و] پاریس، انتشارات انستیتو ایران و فرانسه، ۱۳۵۱-۱۳۵۷ ش.
- ویراست دوم، چ، ۱، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۶۳ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۳ ش).

۱.۳. تاریخ فلسفه اسلامی / هنری کرین

هنری کرین تاریخ فلسفه اسلامی را در دو بخش «از آغاز تا مرگ ابن رشد» و «از مرگ ابن رشد تا کنون» نگاشته است. او هر بخش را به فصولی تقسیم کرده و در آن ها مکاتب مختلف فکری و مشخصات افراد برجسته را به تفکیک دوره های تاریخی معرفی کرده است.

کرین مطالب مربوط به میرداماد را در فصل «اندیشه شیعه» مطرح کرده است. وی در این بخش، برای نخستین بار عنوان «مکتب فلسفی اصفهان» را برای اندیشه مندان ایران عصر صفوی به کار برده است. وی معتقد است که متفکران این مکتب از یافته های فکری پیشینیان خود بسیار بهره برده اند؛ با این تفاوت که به جهت اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر صفویه، تعالیم تشیع بیشتر در دسترس آن ها قرار گرفته و الهام بخش نظریات آن ها بوده است. با تأمل در اندیشه ها و آثار فلاسفه این عصر، نمی توان مرزبندی مشخصی بین پیروان حکمت مشاء و حکمت اشراق تعیین کرد؛ برای مثال، میرداماد اغلب در جایگاه فیلسوفی مشایی معرفی شده؛ اما در آثارش تجربه های معنوی و خلسه های خویش را - که حالاتی اشراقی اند - نقل کرده است.

کرین درباره آثار میرداماد نوشته است:

«از میرداماد حدود چهل اثر به فارسی و عربی باقی مانده که به غموض معروف بوده و به طور عمده به چاپ نرسیده اند. گویی که آثار شاگرد پرآوازه او ملاحظه را، سایه بر آن نوشته ها افکنده است»^۳.

وی سپس، از میان آراء میرداماد به نظریه «حدوث دهری» اشاره کرده و در توصیف تلاش میرداماد در حل مناقشه حدوث یا قدم جهان آورده است:

«میرداماد میان عالمی قدیم و حادث، به دنبال راه حلی در مفهوم حدوث دهری است؛ مفهومی که برای حوادث تاریخ قدسی دارای اهمیت بوده و مفهوم «زمان

۱. همان، ص ۵۸.

۲. نگر: همان، صص ۹-۶۱.

3. *Histoire de la philosophie islamique*, Paris: Gallimard, 1986.

۴. تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۳۱.

مثالی» را به وجود می‌آورد که مشاجرات سختی را به دنبال داشته است»^۱.

او سپس، چهار شاگرد برجسته میرداماد - به جز ملاصدرا - را به اختصار معرفی کرده است. این شاگردان عبارت‌اند از: سیداحمد علوی عاملی، محمدبن علی رضا آقاجانی، قطب‌الدین اشکوری (شریف‌الاهیجی) و ملاشمسای گیلانی^۲.

اطلاعات نشر:

۱. با ترجمه اسدالله مبشری (در دو جلد)، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲ش (تجدید چاپ تا نوبت ششم، ۱۳۹۶ش).

۲. با ترجمه سیدجواد طباطبائی (ویراست نخست/ در یک جلد)، چ ۱، تهران: نشر کویر، ۱۳۷۷ش.

۳. با ترجمه سیدجواد طباطبائی (ویراست دوم/ در یک جلد)، چ ۱، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۶ش).

۱/۴. خدمات متقابل اسلام و ایران/ مرتضی مطهری

این اثر مشتمل بر سه بخش است: ۱. اسلام و مسئله ملیت؛ ۲. خدمات اسلام به ایران؛ ۳. خدمات ایران به اسلام. استاد مطهری در این اثر به معرفی طبقات فلاسفه اسلامی پرداخته؛ زیرا معتقد است:

«تحقیق در سیر فلسفه در اسلام، بدون شناخت طبقات فلاسفه از نظر زمانی، میسر نیست»^۳.

وی در طبقه بیست و یکم از بخش سوم و ذیل عنوان «فلسفه و حکمت»، به طور مختصر میرداماد، شیخ بهایی و میرفندرسکی را معرفی کرده است. وی در این بخش درباره حوزه شیراز نوشته است:

«متأسفانه حوزه شیراز فوق‌العاده خصلت جدلی دارد. در طول تقریباً دو قرن و نیم، بیشتر کوشش‌ها صرف مجادلات می‌شده است؛ بر گفته‌های یکدیگر شرح و حاشیه می‌نوشته‌اند و بر آن حاشیه‌ها نیز حواشی دیگر و همچنین حاشیه بر حاشیه... در عین حال، دوره شیراز، «دوره آمادگی» بوده است»^۴.

وی بر این باور است که در دوران شاه‌عباس صفوی، با حضور افرادی همچون میرداماد، شیخ بهایی و میرفندرسکی، اصفهان به مرکز علوم عقلی تبدیل شد و افرادی همچون ملاصدرا، برای کسب علم از شیراز به اصفهان مهاجرت می‌کنند؛ چنان‌که با مهاجرت برخی فقهاء جبل عاملی، حوزه فقهی گرمی در اصفهان تشکیل شده بود. استاد مطهری بر این باور است که:

«از مشخصات حوزه فلسفی اصفهان این است که دیگر از آن بحث و جدل‌ها که

۱. همان، ص ۴۲۲.

۲. نگر: همان، صص ۴۲۰-۴۲۳.

۳. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴.

۴. همان، ص ۵۰۳.

غالباً کم فایده بود، خبری نیست»^۱.

وی سپس، میرداماد را - با قدری تردید - از حکماء طراز اوّل یا دوم در عالم اسلام دانسته و به ابهام در هویت اساتید او در علوم معقول اشاره کرده و استادان وی را در علوم نقلی نام برده است.^۲ لازم به ذکر است که شاگردان میرداماد، در طبقه بیست و دوم از این مجموعه، معرفی شده‌اند.^۳ اطلاعات نشر:

- چ، ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۷ ش (تجدید چاپ تا نوبت شصتم، ۱۳۹۹ ش).

۱.۵. مقدمه «ترجمه مفاتیح الغیب» / علی عابدی شاهرودی

استاد عابدی شاهرودی در این مقدمه، پس از اشاره به عظمت و اهمیت کتاب مفاتیح الغیب ملاًصدرا، چهار مفهوم «فلسفه به معنای اعم»، «فلسفه به معنای خاص»، «فلسفه به معنای اخص» و «فلسفه به معنای اعلی» را ذیل عنوان «پیدایش فلسفه» تبیین کرده است. سپس، مباحث تاریخ فلسفه را با رویکرد «اجمالی از تطوّر فلسفه‌ها از گذشته دور تا عصر صدرالمتألهین به روشی نو»^۴ در دسترس خواننده قرار داده است. وی در این بخش، تاریخ فلسفه را به دو بخش «یونانی» و «ایرانی» تقسیم کرده است. در بخش فلسفه یونانی، دوره پیش از سقراط و پس از آن را - به منزله دوره‌ای مستقل و پردوام - بررسی کرده و در بخش مربوط به ایران، سیر فلسفه ایرانی را در دوران پس از اسلام روایت کرده است. از میان فلاسفه یونانی، اصول و کلیات فلسفه سقراط، افلاطون، ارسطو و فلوطین به تفصیل بررسی و تحلیل شده‌اند.

نویسنده در قسمت «فلسفه اسلامی»، ابتدا به ظهور اسلام در ایران و نقش ایرانیان در گسترش علوم پرداخته و توصیفی از فلسفه اسلامی ارائه داده است. وی در این بخش، فارابی را آغازگر «فلسفه اسلامی به مفهوم فنی آن» دانسته^۵ و سپس، به ترتیب فلسفه مشاء، حکمت اشراق (با زمینه حکمت ایران باستان) و حکمت متعالیه را معرفی کرده است. وی در توصیف هر کدام از این نظام‌های فلسفی، نخست متد و روش فلسفی و سپس اصول و رؤس آن فلسفه را بررسی کرده و سرانجام به نقد آن متد و فلسفه پرداخته است.^۶ مطالب مرتبط با میرداماد در بخش «حکمت متعالیه» ذکر شده‌اند.

نگارنده پس از بیان اصول و عناصر حکمت متعالیه و نقد روش آن، مسئله حدوث عالم را تبیین و بررسی کرده است. وی بر این باور است که حدوث عالم در زمره مسائل مهم حکمت متعالیه قرار دارد. این مسئله یکی از مباحث پرمناقشه است؛ چنان‌که اهل کلام علت احتیاج عالم به خداوند را حدوث آن دانسته و فلاسفه آنچه فعل را به فاعل وابسته می‌کند، امکان آن قلمداد

۱. همان.

۲. نگر: همان، صص ۵۰۳-۵۰۴.

۳. نگر: همان، صص ۵۰۵-۵۰۸.

۴. نگر: ترجمه مفاتیح الغیب، ص ۲۵ (مقدمه استاد عابدی شاهرودی).

۵. نگر: همان، ص ۴۶.

۶. نگر: همان، ص ۴۷.

کرده‌اند. به عقیده عابدی شاهرودی، برخی فلاسفه از جمله صدرالمتألهین، حدوث زمانی عالم را پذیرفته‌اند. غیر از حدوث زمانی، حدوث اقسام دیگری هم دارد که عبارت‌اند از: حدوث ذاتی، حدوث دهری و حدوث اسمی. در این میان حدوث دهری از ابداعات میرداماد به شمار می‌رود که نویسنده درباره آن آورده است:

«حدوث دهری مسبوقیت حادث است به عدم صریح دهری که تقدّم دارد بر وجود آن در خود جهان واقع و متن اعیان خارج؛ و ذاتاً از سنخ اندازه و کمیت بیرون است. نمی‌شود در آن آغاز و انجامی یافت، گذشته و اکنون و آینده ندارد؛ پس اگر موجودی باشد که عدم پیشین آن عدم صریح دهری باشد، این موجود از جمله حوادث دهریه است»^۱.

وی سپس، ویژگی‌های عدم دهری را بدین ترتیب بیان کرده است: عدم دهری هیچ‌گونه رسم و اثری از وجود در خود ندارد؛ عدم دهری هرگز همراه و مجامع با وجود نیست و پس از انقضاء آن، وجود تقرّر می‌یابد؛ عدم دهری در فرض وجود، انتفاء تامّ و تمام می‌یابد؛ عدم دهری کمیت‌ناپذیر است؛ عدم دهری برای همه ممکنات ضروری است.

عابدی شاهرودی برای تفسیر حدوث دهری ابتدا مختصات سه وعاء «زمان»، «دهر» و «سرمد» را تبیین کرده و سپس، با استناد به کتاب القبسات نوشته است:

«وجود ازلی برای ماهیت ممکن بالذات امکان ندارد، نه اینکه امکان دارد؛ اما به وی افاضه نشده است، بخل و امساک و تعطیل از طرف قیوم حقیقی محال است. ذات او تمامی متمّمات و شرایط ایجاد اشیاء را به ذات اتمّ انور خویش داراست. این ممکن است که قامتش رسای پوشش سرمدی نیست؛ پس ضرورتاً ممکن از وجود علّت اولی تخلف دارد. این تخلف در متن واقع محقق است نه در مرتبه ماهیت. در زمینه این تخلف و جدایی و انفکاک، چیزی جز عدم نیست و ماهیت ممکنه به صراحت و خلوص تمام، معدوم و منتفی است»^۲.

وی سپس، با بیان این مقدمه که همه موجودات به جز خداوند «ممکن الوجود» هستند، نظر میرداماد را درباره حدوث دهری را چنین تبیین کرده است:

«سراسر جهان از خرد نخست و مفارقات طولی و عرضی تا انوار اسفهبديه و برازخ علویه و سفلیه و صیصیات گیتی تاریک تا دیجور اعظم و ظلمت اوّل، همگی مسبوق به نیستی و نابودی دهری‌اند؛ بلکه مجموعه عالم از سر تا به بن به نظر میرداماد یک واحد جملی است که دفعه واحده به جعل و ایجاد واجب الوجود در متن واقع پس از عدم دهری موجود شده است. متن خارج اذهان عبارت از دهر عینی ثابت برای همه جهان و کلّ شبکه جایگاهی‌ست. رویدادها هرچند نظر به امتداد زمان پیاپی و به تدریج آمده و طلوع هریک از افق منحنی زمان، مقارن غروب دیگری در خم

۱. همان، صص ۹۶-۹۷.

۲. همان، ص ۱۰۱.

روزگار است؛ اما نسبت به مفارقات ثابت و وجود سرمدی حق و از حیث دهر صریح نادگرگون، هیچ‌گونه تدریج و تغییری ندارند. هرکدام در لحظه مخصوص بر حسب حصول دهری ثابت و متحقق است. این است که برای خدا گذشته و آینده متصور نیست. حصول برای همه عالم یک باره رخ داده است؛ به این نحو که کل عالم به یک باره از پس عدم صریح به وجود آمده است»^۱.

البته، نویسنده معتقد است که تحلیل دقیق نظریه حدوث دهری میرداماد، نیازمند بحث و تدقیق بیشتری است و تقریر رایج از این نظریه، تحت تأثیر تفسیر ملاحادی سبزواری شکل گرفته و با عبارات میرداماد چندان مطابق نیست. چون این مطالب در مقدمه اثر ملاحدا ننگاشته شده، جایی برای تفصیل بیشتر این مبحث وجود نداشته است. پس از تفسیر و توضیح حدوث دهری، وی به حدوث زمانی از دیدگاه متکلمان و ملاحدا پرداخته و مبادی نظریه حدوث در حکمت متعالیه را تبیین کرده است.

اطلاعات نشر:

۱. به ضمیمه ترجمه مفتاح الغیب، چ ۱، تهران: نشر مولی، ۱۳۶۳ ش (تجدید چاپ تا نوبت هفتم، ۱۳۹۷ ش)^۲.

۲. به ضمیمه لوامع العارفین فی أحوال صدر المتألهین، چ ۱، تهران: نشر مولی، ۱۳۶۶ ش.

۱.۶. تاریخ فلسفه در اسلام^۳ / میان محمد شریف [و] سید حسین نصر

این اثر با نظارت میان محمد شریف در مؤسسه فرهنگ اسلامی لاهور تدوین شده است. این مجموعه دوجلدی، در قالب ۸۳ مدخل و با مشارکت بیش از ۵۰ تن از دانشمندان معاصر، تاریخ فلسفه اسلامی را از آغاز تاکنون روایت کرده است. هر جلد شامل چند باب و هر باب مشتمل بر چند مقاله است. عناوین ابواب جلد نخست از این قرارند: باب اول: «تفکر فلسفی پیش از اسلام»؛ باب دوم: «ظهور اسلام، تعالیم بنیادی قرآن»؛ باب سوم: «قرون نخستین». مجلد دوم شامل یک باب است: باب چهارم: «قرون متأخر». باب پنجم و ششم نیز در مجلد سوم آمده‌اند: باب پنجم: «دانش‌های دیگر» که به ادبیات، هنر، جغرافیا، طب و علوم دیگر اختصاص دارد؛ باب ششم که درباره «تأثیر تفکر اسلامی» در دوران مختلف است. مطالب جلد چهارم نیز در دو باب بیان شده‌اند: باب هفتم با عنوان «عصر تاریکی» به انحطاط و افول اندیشه در عالم اسلامی اختصاص دارد؛ و باب هشتم با عنوان «رنسانس جدید»، سیر احیاء اندیشه را پس از افول روایت کرده است.

فصل چهل و هفتم از باب دوم این اثر، به مکتب فلسفی اصفهان اختصاص دارد که نگاشته دکتر سید حسین نصر است. وی توضیحات خود را با ترسیم چگونگی شکل‌گیری سلسله

۱. همان، صص ۱۰۲-۱۰۳.

۲. چاپ چهارم تا هفتم این اثر، با عنوان «ترجمه مفتاح الغیب: کلید رازهای قرآن» منتشر شده است.

3. A History of Muslim Philosophy, Kempton: Otto Harrassowitz, 1963.

۴. ترجمه این اثر، در قالب چهار مجلد تدوین شده است.

صفویّه، گرایش مردم به تشیع و حیات عقلی شیعی در آن دوران آغاز کرده و فضای آن زمان را زمینه مناسبی برای شکوفایی حکمت، اشراق، فلسفه و علم دانسته است. او درباره حکمت عصر صفوی نوشته است:

«آن صورت از معرفت که با نام حکمت تا به امروز در عالم تشیع بر جای مانده است، نه عیناً همان است که معمولاً در غرب «فلسفه» می‌خوانند، نه «تئوزوفی» است که متأسفانه در دنیای انگلیسی به جنبش‌های شبه‌روحانی اطلاق می‌شود؛ و نه علم کلام است. حکمت که در روزگار صفویان روی به تکامل گزارد و تا به عصر ما تداوم یافته، آمیزه‌ای از چندین رشته است که بر چارچوب تشیع بر هم بافته شده است. مهم‌ترین عناصر حکمت عبارت‌اند از: تعالیم باطنی ائمه علیهم‌السلام، به خصوص مطاوی نهج البلاغه‌ی امام نخست، علی علیه‌السلام؛ حکمت اشراقی سهروردی که حاوی جنبه‌هایی از نظریات ایران باستان و آراء هرمسی [است]؛ تعالیم صوفیان نخستین به خصوص آراء عرفانی ابن عربی و میراث فیلسوفان یونانی است؛ از این رو، جای شگفتی نیست اگر که بسیاری از رسالات حکمی بحث را با منطق آغاز می‌کنند و با جذبه‌های عارفانه در پرتو تجرید و اشراق عقل پایان می‌برند. این رسالات به قدری که رفع حاجت کنند، حاوی مقدماتی از منطق هستند و این مقدمات، مشترک میان اشراقیان و مشائیان است؛ اما به جای آنکه در این رسالات دست و پای خود را با عقل ببندند، از منطق همچون تخته پرشی برای پرواز در هوای عرفان استفاده می‌برند»^۱.

دکتر نصر نام بسیاری از افراد شاخص مکتب اصفهان در علوم مختلف را ذکر کرده و پس از معرفی شیخ بهایی در جایگاه یکی از چهره‌های شاخص مکتب فلسفی اصفهان، به معرفی میرداماد پرداخته است. وی نخست زندگی‌نامه مختصری از میرداماد بیان کرده و سپس، اساتید و شاگردان وی را بر شمرده است. در این بخش می‌خوانیم:

«میرداماد بیش از هر کس دیگر در احیای فلسفه بوعلی و حکمت اشراقی در زمینه تشیع و آماده ساختن موجبات برای اثر جاودان ملاصدرا نقش داشته است. میرداماد در قوام بخشیدن آنچه خود با «فلسفه یمانی» یا «حکمت انبیاء» از آن یاد کرده، در برابر فلسفه یونانی - که اتکاء آن عمدتاً بر عقل است - جهد بلیغ روا داشته است. پس از ارسطو و فارابی، عنوان «معلم ثالث» را بر میرداماد اطلاق کرده‌اند»^۲.

دکتر نصر در ادامه، به سراغ آثار میرداماد رفته با اشاره به قلم دشوار وی، عنوان نگاشته‌های میر را در موضوعات کلام، فقه، حکمت، تفسیر قرآن، عرفان و ادبیات، بر شمرده است. دکتر نصر دو خصیصه افکار و آثار میرداماد را چنین بر شمرده است: یکی چگونگی نظم و نسق آثار او است که با ساختار کتاب‌های سنتی که آغاز آن‌ها با منطق بوده و سپس به طبیعیات و ریاضیات و الهیات پرداخته‌اند، تفاوت دارد؛ و دیگری اندیشه او درباره زمان و حدوث دهری است. میرداماد

۱. تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. همان، ص ۴۵۲.

با تفکیک واقعیت به سه مرتبه زمان، دهر و سرمد، راه حل جدیدی برای رفع نزاع میان فیلسوفان و متکلمان بر سر حدوث یا قدم جهان ارائه داده و در نهایت تمام ممکنات را حادث به حدوث دهری دانسته است. بیان دکتر نصر درباره دیدگاه میرداماد چنین است:

«ذات یا جوهر الهی وراء همه تمایزها و کیفیت‌ها و منشأ اسماء و صفات اوست. این دو، هم از ذات باری جدا و هم با آن یگانه‌اند؛ این رابطه پایدار میان ذات و صفات را که از هیچ‌سو تغییر نمی‌پذیرد و صفاتی که بالضرورة لازمه تعیین ذات هستند، میرداماد «سرمد» می‌نامد. سرمد، قدمی در معنای مطلق کلمه و ورای همه خلق و حدوث‌هاست. اسماء و صفات که همانا صور نوعیه، مثل افلاطونی - یا به اصطلاح اشراقیون: رب النوع - باشد، منشأ عالم تغییر است. رب النوع‌ها عقول ثابت این عالم‌اند و هر نوعی در این عالم طلسم رب النوع خود است. رابطه میان صور نوعیه و عالم تغییر مانند انعکاس ماه در جوی آب است که تصویر ماه ثابت می‌ماند؛ اما ماده‌ای که نور ماه در آن انعکاس یافته - که همان آب باشد - پیوسته در جریان است. میرداماد این رابطه میان ثابت و متغیر را «دهر» می‌نامد و رابطه میان یک تغییر و تغییر دیگر را «زمان» خواند. زمان به معنایی که ارسطو هم وصف کرده، کمیت و سنجش حرکات است؛ بنابراین، چون این عالم به واسطه رب النوع‌ها حادث شده است، حدوث آن دهری است، نه زمانی»^۱.

وی سپس، به کتاب جذوات و مواقیت اشاره کرده که مشتمل بر افکار مابعدالطبیعی میرداماد است. بر اساس متن این اثر، نظام هستی دارای دو سلسله است: یکی سلسله بدو (تجلی از ذات متعال) و دیگری سلسله عود (به ذات متعال). هریک از این دو سلسله، شامل پنج مرتبه‌اند که دکتر نصر، به تفصیل از آن‌ها نام برده است. وی در اشاره به عالم مجرّدات و اجسام نوشته است: «جوهر ذات انسان چنان از هردو عالم معجون شده که او کلّ عالم را در خویشتن دارد. او عالم صغیر و جهان عالم کبیر است... مراد از دو سلسله بدو و عود، پدید آمدن انسان است که هردو سلسله را در خود دارد و از این رو، می‌تواند تا به افلاک عروج کند؛ همان‌طور که می‌تواند به اعماق سافل وجود تنزل کند»^۲.

پس از آن، مراتب عالم کبیر را به اندام انسانی تشبیه کرده و در پایان نوشته است:

«کلیات مراتب عالم کبیر و صغیر با هم، کتاب خداوند است که هر موجودی کلمه - یا بهتر است بگوییم: حرفی - از آن کتاب است. حروف و کلمات این کتاب با قلم الهی - که تمثیلی از عقل است - نقش شده است. قلم، حقیقت امور را که نور اسپهبدی نام دارد، بر نفس انسان نقش می‌کند»^۳.

دکتر نصر در ادامه بحث درباره دیدگاه‌های میرداماد، به نظر او درباره توحید و نحوه صدور کثرت از وحدت پرداخته است. در نظری وی، میر همه موجودات را مصداق موجود نمی‌داند و

۱. همان، ص ۴۵۳.

۲. همان، ص ۴۵۵.

۳. همان.

معتقد است وجود الهی با وحدت ذاتی خود همه چیز را فرا گرفته است. دکتر نصر همچنین، دیدگاه میرداماد را دربارهٔ عالم خیال متصل یا برزخ این گونه وصف کرده است:

«این عالم بی آنکه در جایگاه خاصی واقع شده باشد، شامل صورت‌ها یا مُثُل افلاطونی همهٔ اجسام مادی است. شهرهای افسانه‌ای جابلقا و جابلسا در همین عالم‌اند. معاد جسمانی در قیامت، معجزات و طی کردن مسافت‌های دراز در زمان کوتاه، همه در این عالم تحقق می‌گیرد و به منزلهٔ پلی است که پیش از رسیدن به عالم معنوی، باید از آن گذشت»^۱.

میرداماد برای نقش تمثیلی اعداد و حروف اهمیت بسیاری قائل است. به بیان دکتر نصر، میر بر این باور است که با ادراک تمثیلی حروف و اعداد و به کمک معانی باطنی قرآن، می‌توان به راز مابعدالطبیعه و کیهان‌شناسی پی برد.^۲

اطلاعات نشر:

۱. با ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ، چ ۱، تهران: ستاد انقلاب فرهنگی [و] مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۲ ش).
۲. با ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ (به صورت مقاله‌ای مستقل)، مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش‌پژوهان، مجموعهٔ مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زادحوش، چ ۱، تهران: مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، صص ۳۱۵-۳۵۳.

۱.۷. تاریخ ادبیات در ایران (از آغاز سدهٔ دهم تا میانهٔ سدهٔ دوازدهم هجری) / ذبیح‌الله صفا
این اثر دربارهٔ تاریخ ادبیات ایران است؛ اما نویسندهٔ آن هنگام معرفی میرداماد در زمرهٔ شاعران سدهٔ یازدهم هجری قمری، به وجوه فلسفی شخصیت وی نیز اشاره کرده است. ذبیح‌الله صفا در بخش نخست از جلد پنجم این کتاب، شخصیت علمی و ادبی میرداماد را معرفی کرده است. وی ابتدا گزارش مختصری از زندگی میر ارائه داده و آثار، اساتید و شاگردان وی را نام برده است. همچنین، به خصایص اخلاقی و کرامات معنوی او اشاره کرده است. صفا دربارهٔ نقش میرداماد در فلسفهٔ اسلامی آورده است:

«کار اساسی میرداماد در نزدیک ساختن فلسفه و دین، بی‌گمان گامی نو نیست که او در این راه برداشته باشد. این کاری است که از دوران کوشایی معتزلیان و اشعریان و مشائیان آغاز یافت و در محیط تشیع عصر صفوی بر شدت آن بسی افزوده شد. با این همه، کوشش‌های میرداماد در این راه و همچنین، در آوردن حکمت مشاء به رنگ اشراقی آن قابل توجه است»^۳.

مؤلف در ادامه، به سه نظریهٔ بدیع میرداماد، یعنی حدوث دهری، اصالت ماهیت و دلالت ذاتی الفاظ، به نحو گذرا اشاره کرده است. همچنین، نظرات مخالفان حدوث دهری را به اجمال بیان

۱. همان، ص ۴۵۶.

۲. نگر: همان، صص ۴۴۳-۴۵۷.

۳. تاریخ ادبیات در ایران (از آغاز سدهٔ دهم تا میانهٔ سدهٔ دوازدهم هجری)، ج ۵، ص ۳۰۷.

کرده است. وی در پایان، به شاعرانگی میرداماد پرداخته و نمونه‌هایی از سروده‌های وی را نقل کرده است.^۱
اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: نشر فردوس، ۱۳۶۶ش (تجدید چاپ تا نوبت چهاردهم، ۱۳۹۰ش)^۲.

۱.۸. فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی^۳ / هنری کربن

این اثر، متن چهار سخنرانی علمی از هنری کربن است که با اشراف خود او، به صورت نوشتاری شامل بر چهار بخش در آمده است. کربن در بخش اول از اهمیت فلسفه تطبیقی سخن گفته و ویژگی‌های آن را توضیح داده است. در بخش دوم، سه جریان فلسفی در مکتب اصفهان - یعنی جریان‌های میرداماد، ملاصدرا و رجبعلی تبریزی - را معرفی کرده است. در بخش سوم به بررسی اندیشه و فلسفه سهروردی، ودود تبریزی و رجبعلی تبریزی پرداخته است. بخش چهارم نیز پاسخ به کسانی است که گمان کرده‌اند فلسفه اسلامی پس از مرگ ابن رشد به پایان رسیده است. مؤلف ذیل عنوان «جریان میرداماد» در بخش دوم، دو تن از شاگردان میر را معرفی کرده و برخی آثار و آراء آن‌ها را بر شمرده است. ابتدا سیداحمد علوی عاملی، شاگرد و داماد میر را معرفی کرده و از اثر او، مفتاح الشفاء که شرح مفصلی بر الشفاء ابن سینا است، نام برده است. کربن در ادامه، سه نکته مهم درباره مفتاح الشفاء بیان کرده است:

«نخست، عنوان کتاب: سیداحمد شرح خود را «مفتاح الشفاء» نامیده است. او می‌داند که این کلید را در حکمت مشرقی ابن سینا می‌توان یافت که دست‌نوشته آن در غارت اصفهان از میان رفت؛ و فقراتی از آن در حاشیه تعلیقات شیخ بر اثولوجیا به دست ما رسیده است... دومین نکته مهم، اخطار روشن‌بینانه سیداحمد به خلط فاجعه‌آمیز و رایج در باب موضوع اصلی فلسفه وجود - یعنی خلط میان وحدت وجود و وحدت موجود - مربوط می‌شود... سومین نکته... به صفحاتی مربوط می‌شود که شرحی بر آخرین سطور الهیات شفاء است و در آن ابن سینا اندیشه امام به مثابه انسان کامل و سلطان معنوی جهان را بیان می‌کند»^۴.

کربن در ادامه، از چهار اثر فارسی علوی عاملی نام برده است: یکی لطائف غیبیه که مقدمه‌ای بر تأویل عرفانی قرآن است؛ دیگری مصقل صفاء که پاسخی مؤدبانه به نوشته یکی از پدران مسیحی است؛ سوم و چهارم، لوامع ربانی و صواعق الرحمان است که کربن نسخه‌ای از آن‌ها نیافته است.

پس از سیداحمد علوی عاملی، کربن از شارح میرداماد و شاگرد ملاصدرا، محمدبن علی رضا

۱. نگر: همان، صص ۳۰۶-۳۰۹.

۲. لازم به ذکر است که این کتاب، قبلاً با عنوان «تاریخ ادبیات در ایران» از سوی ناشران مختلف منتشر شده است.

3. Philosophie iranienne et philosophie comparée, Paris: Buchet-Chastel, 1985.

۴. فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، صص ۱۰۳-۱۰۴.

آقاجانی نام برده است؛ فردی که نامش کمتر شنیده شده و آگاهی چندانی از وی در دست نیست؛ اما شرح مهمتی که او بر القبسات نگاشته، نامش را آشکار کرده است. آقاجانی در شرح خود، تصریح کرده است که «طبایع مُرسله» و «جواهر مُرسله» از اصطلاحات میرداماد است که برای «مثل افلاطونیة نوریّه» وضع شده است. کربن با نگرشی واژه‌شناختی درباره این اصطلاح آورده است:

«معنای «مُرسَل»، فرستاده و یکی از مفاهیم اساسی پیامبرشناسی است که مفهوم کلیدی آن «نبی مُرسَل» است. از همان آغاز از ما دعوت می‌شود که «مُثل افلاطونی» را به صورت پیامبران مُرسَل این جهان درک کنیم. بدین سان، حکمت افلاطونی ایرانی در «حکمت نبوی» به اوج خود می‌رسد و این امر، به نظر من، دارای اهمیت بسیاری است. در واقع، پیامبران و امامان عالی‌ترین مظاهر و آینه‌های الوهیت‌اند»^۱.

کربن در ادامه به جریان ملاصدرای شیرازی پرداخته است.^۲

اطلاعات نشر:

۱. با ترجمه سیدجواد طباطبایی (ویراست نخست)، چ ۱، تهران: نشر توس، ۱۳۶۹ ش.
۲. با ترجمه سیدجواد طباطبایی (ویراست دوم)، چ ۱، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۳ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۶ ش).

۱/۹. تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواری) / عبدالرفیع حقیقت (رفیع) بخش عمده‌ای از مطالب مربوط به میرداماد در این اثر، همان جملات و عبارات کتاب تاریخ ادبیات ایران نوشته ذبیح‌الله صفا است. البته نویسنده، ارجاعات و اقتباسات خود را از منابع تاریخی و تذکره‌ای، از جمله همین اثر، مشخص کرده است. آنچه عبدالرفیع حقیقت بیش از ذبیح‌الله صفا به آن اشاره کرده، علاقه میرداماد به تحقیق در علوم طبیعی و همچنین نوآوری وی درباره حدوث دهری عقول مجزّد است. البته، وی در این باره توضیحاتی ارائه نداده و به ذکر عناوین و نقل حکایات اکتفا کرده است.^۳

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: کومش، ۱۳۷۲ ش.

۱/۱۰. تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلام / علی اصغر حلبی

مؤلف در ابتدای کتاب، به معرفی فلسفه اسلامی پرداخته و درباره مبادی و مسائل و اقسام آن توضیحاتی ارائه کرده است. سپس، مطالب باقی‌مانده را به دو بخش «فلسفه در شرق اسلامی» و «فلسفه در غرب اسلامی» تقسیم کرده و در بخش اول، هفده فیلسوف و در بخش دوم، چهار فیلسوف را معرفی کرده است.

مؤلف در فصل چهاردهم از بخش نخست این کتاب، پیش از پرداختن به میرداماد و فلسفه

۱. همان، ص ۱۰۹.

۲. نگر: همان، صص ۱۰۲-۱۰۹.

۳. تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواری)، صص ۷۴۰-۷۴۴.

او، مقدمه‌ای با عنوان «وضع حکمت و فلسفه در روزگار صفویان و پس از آن» نگاشته است. در این مقدمه، تصویر جامعه‌ای ترسیم شده که در آن، قدرت در دست فقیهان متعصب بوده و مقلدان بی‌چون و چرای آن‌ها، زمانه را بر اهل اندیشه و حکمت تنگ کرده‌اند. در چنین روزگاری نباید تعجب کرد که:

«برخی... مانند سید داماد از ترس گروه غوغا و عالم‌نمایان دروغین، مقاصد خود را در عباراتی پیچیده و با بیانی ویژه خواص گفته‌اند تا از فهم غیر اهل حکمت به دور باشد و آنان نتوانند غیرت بیاورند و جهان پر بلا کنند»^۱.

وی در انتهای این مقدمه، نام حکماء برجسته متأخر را به تفکیک قرن‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم هجری قمری ذکر کرده است. حلبی بزرگ‌ترین حکیم عهد صفوی را ملاًصدرا دانسته و خاطرنشان کرده است که توجه علماء این عصر بیشتر به شرح و تدریس آراء فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی معطوف بوده است. وی معتقد است کسانی مانند شیخ بهایی، میرفندرسکی و میرداماد هیچ‌یک مقام و اهمیت عالمان پیش از صفویه را ندارند.

وی در فصل چهاردهم، نخست شرح حال مختصری از میرداماد آورده و حکایاتی از قصص العلماء تنکابنی نقل کرده است. یکی از این حکایات ماجرای گفت‌وگوی ملاًصدرا با تاجری بر سر برتری میرداماد بر حکماء گذشته است. حلبی میرداماد را متأثر از عرفان و اشراق دانسته و درباره تجربیات عرفانی وی - که برخی از آن‌ها را در آثار خود نقل کرده - نوشته است:

«میرداماد برخی اوقات ادعاهایی می‌کرده که با موازین عقل و منطق جور در نمی‌آید؛ مثلاً، میان برخی از فاضلان معروف است که می‌گفته: من عقول عشره را به خواب دیدم؛ و یا اینکه در برخی از رسالات خویش می‌گوید: بسیار اتفاق افتاده که روح وی جسد جسمانی را ترک کرده و به سیر در معارج ملکوت پرداخته و سپس، با کراحت به جسم خود پیوسته است»^۲.

نویسنده در بخش بعد، بیست‌وسه عنوان از آثار میرداماد را در موضوعات فلسفه، اشراق، کلام، هندسه، شریعت، تفسیر و حدیث معرفی کرده و توضیح کوتاهی درباره برخی از آن‌ها ارائه داده است. وی در نهایت به تبیین برخی نظرات فلسفی میرداماد پرداخته است. مسئله نخست، دلالت ذاتی الفاظ است که مؤلف درباره آن نوشته است:

«معروف است که میرداماد دلالت الفاظ را ذاتی می‌دانسته است؛ یعنی برخلاف بسیاری از دانشوران که دلالت لفظ بر معنی را وضعی و قراردادی می‌شمارند و معتقدند که با مرور زمان و انتخاب مردمان، فلان لفظ بر فلان معنی دلالت می‌کند، میر معتقد بوده است که دلالت لفظ خاصی بر یک معنی خاص - و نه معنی دیگر - ذاتی و طبیعی است و به وضع و قرارداد و مرور زمان مربوط نیست»^۳.

مسئله دوم، نظریه «حدوث دهری» است که مؤلف در توضیح آن، نخست عبارتی از القبسات

۱. تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلام، ص ۴۵۵.

۲. همان، ص ۴۶۴.

۳. همان، ص ۴۶۶.

آورده و آن را چنین ترجمه کرده است:

«همه موجودات از جمله عقول و نفوس، چون یک باره به افاضه جاعل پدید آمده‌اند؛ لذا به نسبت با ذات او مجعول دهری هستند؛ یعنی پس از عدم در دهر یا زمان پدید آمده‌اند. هریک از این موجودات، به اعتبار ذات خود حادث دهری‌اند؛ ولی به نسبت یکدیگر و به اعتبار حوادث، حادث زمانی‌اند. ضمناً باید در نظر داشت که دهری غیر از زمانی است؛ چه بنا بر تقسیم میر، موجودات به ترتیب، سرمدی، دهری و زمانی‌اند»^۱.

حلی پس از این نقل قول، با بیانی ساده‌تر، نظریه میرداماد را تبیین و تفسیر کرده است.^۲
اطلاعات نشر:

- ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۸۶ش).

۱.۱۱. سهروردی و مکتب اشراق / مهدی امین‌رضوی

این کتاب در اصل، درباره سهروردی، آثار، اندیشه‌های وی و همچنین تأثیری است که بر متفکران پس از خود، به خصوص در مکتب اصفهان، به جای نهاده است. مطالب مربوط به میرداماد ذیل فصلی با عنوان «تأثیر سهروردی بر فلسفه اسلامی» و بخش مربوط به «مکتب اصفهان» ذکر شده است. نویسنده نخست به مشی فکری مؤسس مکتب اصفهان اشاره کرده و با اقتباس از آثار دکتر سیدحسین نصر، درباره میرداماد نوشته است:

«میرداماد تلاش می‌کرد تا فلسفه ابن سینا و سهروردی را احیاء کند و آن‌ها را آشتی دهد. او برای نیروبخشیدن به فعالیت‌های فلسفی، در موضعی استثنایی قرار داشت؛ زیرا هم مورد احترام زیاد فقهاء بود، هم درباره او را از فقیهان قشری که به وی اتهام بدعت می‌زدند، محفوظ نگه می‌داشت. می‌توان او را شارح اشراقی مشرب فلسفه مابعدالطبیعه ابن سینا در عالم روحانی تشیع به شمار آورد»^۳.

مؤلف بر این باور است که میرداماد به تفاوت میان فلسفه یمانی (اشراقی) و فلسفه یونانی (فلسفه بحثی یونانیان) قائل بوده است؛ چنان‌که سهروردی میان فلسفه غربی و حکمت شرقی تمایز و تباین می‌دید. وی در ادامه به مقایسه دیدگاه سهروردی و میرداماد درباره اصالت ماهیت و حدوث و قدم عالم پرداخته است. در نظر او، این دو حکیم در مسئله اصالت ماهیت هم‌رأی هستند؛ اما در موضوع حدوث و قدم، سهروردی به حدوث ذاتی تمایل داشته و میرداماد به حدوث دهری عالم قائل است.

امین‌رضوی با اشاره به عبارات میرداماد در القبسات، دیدگاه وی را درباره اصالت ماهیت شبیه به دیدگاه سهروردی دانسته و با اقتباس از عبارات استاد آشتیانی در کتاب منتخباتی از آثار

۱. همان، ص ۴۶۶.

۲. نگر: همان، صص ۴۵۱-۴۶۷.

3. Suhrawardi and the School of Illumination, Richmond: Curzon, 1997.

۴. سهروردی و مکتب اشراق، صص ۱۹۶-۱۹۷.

حکمای الهی ایران، نوشته است:

«بدیهی است که یک موجود نه تنها به سبب وجود خود؛ بلکه به علت ماهیت خود نیز موجود است. حال، در ترتیب آفرینش، یا ماهیت مقدم بر وجود است یا برعکس. در هریک از دو صورت، ترتیب مذکور نمی تواند فقط یک ترتیب نظری در ذهن ما یا نظمی اتفاقی باشد که به منظور راحتی کار ملحوظ شده باشد؛ بلکه این ترتیب باید ذاتی و فطری ساختار وجودی عالم هستی باشد. میرداماد از این بحث نتیجه می گیرد که ماهیت یک موجود باید عنصر اصلی باشد؛ زیرا قابل تصور نیست که موجودی داشته باشیم که از وجود خالص و بدون هیچ ماهیتی ساخته شده باشد. سهم بی نظیر میرداماد در فلسفه اسلامی وارد کردن مفهوم زمان در ارتباط با تقدم اصالت ماهیت بر وجود است که شاید مهم ترین و غامض ترین قسمت فلسفه میرداماد باشد»^۱.

وی در پایان از آثار اشراقی میرداماد نام برده و عمده موفقیت وی را در تربیت شاگردانی دانسته که به سبب تدریس و تألیفات خود، نقشی مهم در تداوم حکمت اشراقی سهرودی ایفاء کرده اند؛ شخصیت هایی همچون سیداحمد علوی عاملی، قطب الدین اشکوری لاهیجی و ملاخلیل غازی قزوینی.^۲

اطلاعات نشر:

- با ترجمه مجالدین کیوانی، چ ۱، تهران: نشر مرکز ۱۳۷۷ ش (تجدید چاپ تا نوبت هشتم، ۱۳۹۷ ش).

۱.۱۲. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام / غلامحسین ابراهیمی دینانی

این اثر، دوره ای سه جلدی درباره سیر تفکر در جهان اسلام، از آغاز تا کنون، همراه با نگاهی تحلیلی و انتقادی است. دکتر دینانی سخنان خود را درباره میرداماد، در مجلد دوم و ذیل فصلی با عنوان «میرداماد و حکمت معنوی تشیع» بیان کرده است. دلیل استفاده از تعبیر «حکمت معنوی تشیع» این است که متفکران آن دوره، هم نگاهی عرفانی به مسائل معرفتی داشته و هم از احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) بسیار بهره برده اند. دکتر دینانی به سیادت میرداماد در علوم عقلی و فلسفی و همچنین فقه و حدیث اشاره کرده و پنج تن از اساتید وی را نام برده است. وی خاطرنشان کرده است که در میان اساتید میرداماد چهره فلسفی مشهوری به چشم نمی آید. او پیوند فلسفه و اشراق و احادیث ائمه (علیهم السلام) را از ویژگی های فلسفه میرداماد برشمرده و کتاب الرواشح السماویة را شاهد این مدعا دانسته است؛ اثری که میرداماد در آن، ضمن شرح روایات، مسائل مهم و اساسی فلسفه را نیز تبیین کرده است.

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. نسبت میرداماد با سهروردی در این مسئله، در مدخل «درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی» (۱، ۳۳) در همین نوشتار، به نحو واضح تر بیان شده است.

۳. نگر: همان، صص ۱۹۶-۱۹۹.

مؤلف در این اثر صرفاً آن دسته از مسائل فلسفی را طرح کرده است که میرداماد مدّعی ابداع آن‌هاست، البته با این توضیح که:

«ابداع و ابتکار در حوزه مسائل فلسفی کار چندان آسانی نیست و کمتر کسی می‌تواند از اندیشه‌های بدیع و بی‌سابقه در زمینه مباحث فلسفی سخن بگوید. البته، از این مسئله نیز نباید غفلت داشت که بدیع و بی‌سابقه بودن تنها به این معنی نیست که یک اندیشه یا یک شیء از کتم عدم و نیستی به صحنه وجود و هستی درآید؛ بلکه اندیشه کهن و فکر گذشته نیز وقتی به صورت تازه و در چهره جدید مطرح شود، می‌تواند به عنوان یک امر بدیع مورد ارزیابی قرار گیرد»^۱.

دکتر دینانی به ابتکار و حسن سلیقه میرداماد در نام‌گذاری آثار خود اشاره کرده و معتقد است که برخی از این اسامی - همچون الأفق المبین، الإیماضات و مشرق الأنوار و... - با مفاهیم نور و روشنایی پیوند واضحی دارند؛ چنان‌که تخلص میرداماد به «اشراق» نیز از انس و قرب او با سهروردی خبر می‌دهد.

وی تأمل و تفکر در روایات معصومان (علیهم‌السلام) را از ویژگی‌های ممتاز میرداماد و شاگردانش - و به طور کلی، سبک فکری مکتب فلسفی اصفهان - قلمداد کرده و در این باره نوشته است:

«وابستگان به حوزه فلسفی اصفهان، اندیشه‌های خود را در قالب سخنان ابن سینا و پیکر عبارات سهروردی ابراز داشته و از بیانات بدیع ابن عربی نیز غافل نبوده‌اند. آنچه در حوزه فلسفی اصفهان انجام پذیرفت، التقاط و تلفیق نبود؛ بلکه انس و الفت با روایات و آشنایی با معارف اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، افق از معرفت برابر چشم اندیشه‌مندان این حوزه فلسفی گشود که می‌توانستند بین ابن سینا و سهروردی نوعی هماهنگی مشاهده نمایند. این افق جدید فکری آن چنان وسیع و گسترده بود که در آن، عقل با وحی الهی نیز سازگار می‌گشت و اختلاف میان حکمت و دین، جای خود را به نوعی صلح و هماهنگی می‌سپرد»^۲.

میرداماد مؤسس حوزه فلسفی اصفهان است که درباره مباحث بسیاری در زمینه‌های فلسفه و کلام، دیدگاه‌ها و تقریرهای بدیعی دارد؛ اما در میان آن‌ها، «حدوث دهری» از همه مشهورتر است. دکتر دینانی در توضیح مسئله حدوث دهری ابتدا نظر متکلمان را بیان کرده است. در نظر آنان اگر زمان را حقیقی از این عالم در نظر بگیریم، پیش از حدوث عالم نباید زمانی وجود داشته باشد؛ و اگر زمان موجود باشد، امری موهوم خواهد بود. فلاسفه نظری مخالف متکلمان داشته و اساساً حدوث زمانی را درباره عالم هستی نپذیرفته‌اند. از جمله ایراداتی که بر نظر متکلمان وارد شده، این است که:

«تقدّم زمان موهوم بر پیدایش جهان، جز یک امر موهوم، چیز دیگری نیست؛ و با امر موهوم نمی‌توان به توجیه و تفسیر معقول جهان پرداخت»^۳.

۱. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۲، صص ۳۰۳-۳۰۴.

۲. همان، ص ۳۰۵.

۳. همان، ص ۳۰۷.

اشکال دیگر نظر متکلمان آن است که اگر فاصله‌ای زمانی میان مبدأ آفرینش و آغاز جهان وجود داشته باشد، مستلزم تخلّف معلول از علّت تامّه بوده و محبوب امساک فیض از جانب مبدأ فیاض خواهد شد؛ بنابراین، فلاسفه برای حلّ این مسئله، نظریّه حدوث ذاتی عالم را برگزیده‌اند؛ به این معنی که:

«جهان بالذات معدوم شناخته می‌شود و بر اثر ارتباط با مبدأ آفرینش یک موجود به شمار می‌آید... و آنچه در مورد حادث ذاتی تحت عنوان «سبق عدم» مطرح می‌گردد، از سنخ عدم فکّی نیست؛ بلکه این عدم نوعی از عدم به شمار می‌رود که می‌توان آن را «عدم مجامع» نامید. عدم مجامع به معنی این است که در سبق عدم بر وجود، فاصله زمانی و امتداد انفکاک‌کی صورت نمی‌پذیرد، بلکه عدم یک امر حادث، با وجود آن، همواره همراه است و تنها در مقام ذات و به حسب تحلیل عقلی است که می‌توان عدم یک امر حادث را بر وجود آن مقدّم و سابق به شمار آورد»^۱.

میرداماد برای حلّ اختلاف متکلمان و فلاسفه در مسئله حدوث عالم، راه سومی منطبق با برهان عقلی و شریعت ارائه داده و آن را «حدوث دهری» نامیده است. دکتر دینانی به پیروی از حکیم سبزواری، پس از طرح سه مقدّمه، نظریّه حدوث دهری را تقریر کرده است. مقدّمه اول آن است که «زمان» ظرف موجودات متحرّک و سیّال، «دهر» ظرف موجودات مجرّد مانند عقول و «سرمد» به منزله ظرف برای اسماء و صفات حقّ تعالی است. سرمد، روح دهر است و دهر، روح زمان. مقدّمه دوم آنکه برای وجود، دو سلسله طولی و عرضی متصوّر است که:

«سلسله طولیه از مبدأ المبادی آغاز می‌شود و به عالم ناسوت که جهان طبیعت و هیولاست پایان می‌پذیرد... سلسله عرضیه به عالم اجسام مربوط می‌گردد که هریک از آن‌ها در عرض دیگری قرار گرفته و بین موجودات جسمانی از جهت مرتبه وجودی، هیچ‌گونه برتری و تفوّق وجود ندارد»^۲.

مقدّمه سوم آنکه عدم در احکام و اقسام خود تابع وجود است و به عدم زمانی، عدم دهری و عدم سرمدی تقسیم می‌شود. دکتر دینانی پس از طرح این سه مقدّمه، به سراغ تقریر نظریّه حدوث دهری رفته و چنین نوشته است:

«وقتی او (میرداماد) جهان را حادث به حدوث دهری می‌شناسد، منظورش این است که این جهان مسبوق به وجود عالم ملکوت است؛ و عالم ملکوت در وعاء دهر - که به منزله ظرف آن شناخته می‌شود - قرار دارد؛ به این ترتیب، سبق و تقدّم عالم ملکوت بر این جهان که عالم ناسوت شناخته می‌شود، از نوع سبق و تقدّم دهری به شمار می‌آید... همان‌گونه که در سلسله عرضیه، عدم تحقّق یک موجود در مرتبه یک موجود دیگر، یک عدم واقعی و فکّی به شمار می‌آید، در سلسله طولیه نیز عدم تحقّق مرتبه مادون در مقام و مرتبه مافوق یک عدم واقعی و فکّی شناخته می‌شود»^۳.

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۱۰.

۳. همان، ص ۳۱۱.

دکتر دینانی پس از تقریر کلیات نظریه حدوث دهری، از مخالفان این دیدگاه - همچون آقا جمال خوانساری، ملا محسن فیض کاشانی و استاد سید جلال الدین آشتیانی - یاد کرده است. در پایان نیز سکوت ملا صدرا را در قبال حدوث دهری، نوعی انکار و بی‌اعتنایی به دیدگاه استادش دانسته است.

مبحث دیگری که میرداماد به تفصیل بدان پرداخته بحث «اصالت ماهیت» است. البته، پیش از او، سهروردی نیز این موضع را اتخاذ کرده است. اهمیت بحث از اصالت وجود یا ماهیت تا حدی بوده که حوزه فلسفی اصفهان را به دو جریان تقسیم کرده است. کسانی مانند ملا رجبعلی تبریزی در موافقت با نظر میرداماد، به اصالت ماهیت معتقد شده؛ و عده‌ای دیگر به پیروی از ملا صدرا، اصالت وجود را برگزیده‌اند.

مسئله دیگری که دکتر دینانی به آن اشاره کرده، اعتقاد میرداماد به احسن بودن نظام وجود است:

«او (میرداماد) مجموع عالم را یک واحد شخصی دانسته و معتقد است این واحد شخصی با نسبت واحد دهری، به حق تبارک و تعالی منسوب است. بر اساس همین نظریه است که میرداماد مرگ اخترامی اشخاص و حرکت قسری و هرگونه امر اتفاقی را مربوط به نوعی مقایسه درباره امور جزئی دانسته و معتقد است همه این امور در مقام مقایسه با نظام کلی آفرینش، طبیعی خواهند بود. در نظام کلی و جمعی عالم، هیچ امر غیرطبیعی لازم نیست. لازمه قول میرداماد در این باب این است که ارتباط میان عوالم یک ارتباط ضروری و معقول شناخته می‌شود»^۱.

استاد دینانی در این کتاب، نظر میرداماد را در انکار وجود عالم مثال نیز شرح داده و به تناقض این دیدگاه میر با اعتقاد او به رابطه ضروری میان وجود عوالم طولی اشاره کرده است. میرداماد معتقد است موجودات یا مجرّدند یا مادی. وی حالتی سوم برای موجودات نیمه مجرّد و عالم خیال منفصل را معقول ندانسته است. انتقاد مؤلف متوجه موضع دوگانه میرداماد است؛ زیرا او در اثبات برخی عوالم طولی از قاعده امکان اشرف بهره برده؛ ولی عالم مثال را از این قاعده مستثنی کرده است. دکتر دینانی بر این باور است که میرداماد در این باب، به روش حکماء مشائی استدلال کرده؛ در حالی که در بسیاری از مسائل دیگر، شیوه او به سبک اشراقی نزدیک تر است. همان‌طور که پیش از این هم اشاره شد، یکی از مهم‌ترین تأثیرات میرداماد بر سیر تاریخی فلسفه اسلامی، پیوند دادن دین و فلسفه است. لازمه این امر، اشراف بر علوم نقلی و عقلی و اثبات هماهنگی آن‌هاست. میرداماد در بسیاری از مباحث دینی با استفاده از برهان و عقل، موضعی عقلانی برگزیده و معتقد است که نقل، اعتبار خود را از عقل می‌گیرد. دکتر دینانی در این باره نوشته است:

«عقل، سالک عالم قدس و راهبر دیار مرسلات است. عقل گوهری است که کلیات و طبایع مرسله را به ذات خود درمی‌یابد و از طریق استخدام مشاعر و حواس

ظاهری، به درک جزئیات و امور شخصیّه نیز می‌پردازد. به همین جهت است که خطاب الهی به عقل متوجّه شده و ثواب و عقاب نیز بر اساس عقل و به میزان خرد داده می‌شود»^۱.

مؤلف برای تبیین بهتر جایگاه عقل نزد میرداماد، به دیدگاه‌های او دربارهٔ نبوّت اشاره کرده است. یکی از ویژگی‌هایی که میر برای نبی لازم شمرده، نوعی ادراک است که آن را عقل قدسی یا قوهٔ قدسیّه می‌نامد؛ با این توضیح که حقایق عقلی و برهانی برای پیامبر با تعلیم یا تقلید حاصل نمی‌شوند؛ بلکه به صورت دفعی و با افاضهٔ حقّ تعالی در نفس وی تحقّق می‌یابند.^۲

اطلاعات نشر:

- چ، ۱، تهران: طرح نو، ۱۳۷۷ش (تجدید چاپ تا نوبت پنجم، ۱۳۹۹ش).

۱، ۱۳. مَلّاصدرا (زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین) / سید محمد خامنه‌ای
این کتاب باز نشر مجموعهٔ مقالاتی است که با همین عنوان در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۹ هجری شمسی در نشریهٔ خردنامهٔ صدرا منتشر شده‌اند. همان‌طور که از نام کتاب پیداست، با هدف بررسی حیات و اندیشهٔ مَلّاصدرا تألیف شده؛ اما به جهت تأثیر فراوان میرداماد بر زندگی و آراء فلسفی مَلّاصدرا، استاد سید محمد خامنه‌ای بخش مفصلی از این اثر را به معرفی میرداماد، نقش وی در نوآوری‌ها و سیر تکامل اندیشهٔ مَلّاصدرا و جایگاه او در تاریخ فلسفهٔ اسلامی اختصاص داده است؛ البته با این توضیح که:

«باید دانست که نمی‌توان میرداماد را با این مختصر، شناخت (اگر نگوئیم که او را هرگز نمی‌توان شناخت) و چون خواست اصلی، شرح زندگی صدرالمتألهین است، باید شرط ایجاز را رعایت کرد و قلم را فروکشید و همین اندازه بسنده کرد»^۳.

مؤلف این اثر، در دو بخش به میرداماد پرداخته است: نخست در فصلی با عنوان «صدرا و میرداماد»، ضمن ارائهٔ زندگی‌نامهٔ مختصری از میرداماد، مطالبی دربارهٔ شرایط سیاسی و اجتماعی دوران صفویه، دوران تحصیل میرداماد در مشهد و قزوین تا حضورش در دربار شاه‌عبّاس صفوی بیان کرده است. همچنین، اساتید میرداماد را در فقه و فلسفه معرفی کرده و از ویژگی‌های سبک و خلق و خوی او سخن گفته است. وی متن مکاتبات صدرا را با میرداماد نقل کرده و به تحلیل محتوای آن‌ها پرداخته است.

استاد خامنه‌ای در فصل دیگری با عنوان «فلسفهٔ میرداماد»، نظریات مشهور وی را به اختصار بازخوانی کرده است. وی در ابتدا به نظریهٔ «حدوث دهری» اشاره کرده و مانند دیگر مؤلفان، از اختلاف قدما در مسئلهٔ حدوث و قدم عالم سخن گفته است. در نظر وی، اشکال اساسی در این مبحث، مسئلهٔ رابطهٔ متغیّر با ثابت است که خود بر قاعدهٔ سنخیت علّت و معلول مبتنا دارد؛ زیرا اگر موجودات عالم حادث باشند، علّت آن‌ها نیز باید حادث باشد؛ یا اگر علّت قدیم است،

۱. همان، ص ۳۱۶.

۲. همان، صص ۳۰۰-۳۱۹.

۳. مَلّاصدرا: زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین، ج ۱، ص ۱۶۸.

معلولات نیز قدیم باشند که هردو فرض محال است. مؤلف پس از اشاره به پاسخ حکماء مَشَاء در حلّ این معضل، نوشته است:

«میرداماد راه دیگری را برگزیده که آن نظریّه «حدوث دهری» است. وی برای رفع اشکال معروف ربط حادث به قدیم و متغیّر به ثابت، در میان این جهان - که جهان زمانیّات و متغیّرات مادی است - با مقام معنوی الوهیت که ازلی و ثابت و سرمدی و ثبات محض و قدیم است، جهان واسطه را در این میان قرار می‌دهد که نام آن «دهر» است»^۱.

مؤلف نیز مانند دکتر دینانی، سکوت مَلّاصدرا را در قبال دیدگاه میرداماد، به معنای ردّ مؤدّبانه نظر استاد دانسته است؛ اما باید توجه کرد که مَلّاصدرا در مسئله اصالت ماهیت یا وجود، اصالت وجود را برگزیده و نظری مخالف با دیدگاه استادش ابراز کرده است؛ لذا، نمی‌توان سکوت وی را در قبال نظریّه «حدوث دهری»، از باب احترام شاگرد به استاد دانست. شاید در پس سکوت مَلّاصدرا، مطلب دیگری در میان است؛ برای مثال، می‌توان احتمال داد که نظام جهان‌شناختی حکمت متعالیه با ابتدا بر حرکت جوهری و حدوث دمامد اشیاء مادی، عملاً از قول به حدوث دهری بی‌نیاز است و روشن است که استغناء سخنی غیر از ردّ و انکار است.

استاد خامنه‌ای در ادامه، به تقریر نظریّه حدوث دهری پرداخته و همچون میرداماد، این نگره را براساس عبارات حکماء گذشته توضیح داده است. وی پس از اشاره به تقسیم دوگانه حدوث و اقتباس‌های میرداماد از ابن‌سینا، نوشته است:

«میرداماد معتقد است که در کنار این دو گونه حدوث، نوعی دیگر حدوث نیز برای اشیاء وجود دارد که نه وابسته به زمان است و نه ذات؛ بلکه به وضعیّت خاصّ آن نسبت به «عدم صریح غیرزمانی» بستگی دارد. اگر نوح - مثلاً - نسبت به آدم حادث است، به دلیل آن است که در راستا و محور زمان «دیر»تر پدید آمده است و اگرچه از جهت زمانی در طول نیای خود قرار دارد؛ ولی در واقع هم‌عرض و هم‌ارز آن در رتبه و درجه وجود است؛ اما درجه وجودی موجود مادی، با موجود دهری هم‌عرض و در یک امتداد نیست؛ بلکه در طول آن است و رابطه آن دو، یک خط عمودی است، نه افقی»^۲.

وی در ادامه، برای تبیین بهتر نظریّه میرداماد، مباحثی همچون اقسام سبق و لحوق، اقسام عدم و عدم فکّی را به تفصیل توضیح داده و در انتها نوشته است:

«علاوه بر مسئله ربط حادث به قدیم و اثبات حدوث عالم که هم ارسطو و هم ابن‌سینا و برخی دیگر آن را غیر قابل اثبات و به تعبیری «جدلی‌الطرفین» می‌دانستند - که هردو طرف آن بدون دلیل عقلی و برهانی است - و میرداماد به خوبی آن را برهانی می‌کند، می‌توان از کنار این نظریّه، مسائلی دیگر را در دستگاه فلسفی میرداماد

۱. همان، ص ۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۷۵.

حل شده دانست»^۱.

وی سپس، نتایج متافیزیکی نظریه حدوث دهری را به تفصیل بررسی کرده است که ما در اینجا به ذکر عناوین آن‌ها اکتفا می‌کنیم: تفسیر نظریه کمون و بروز؛ آموزه بداء، قول به اصالت حرکت قطعیّه و مسئله علم باری تعالی به جزئیات.

جالب است که استاد خامنه‌ای از نظر ملاصدرا درباره حدوث دهری به تفصیل سخن گفته است. وی معتقد است که میرداماد نیز به نحوی به وقوع حرکت در جوهر برخی ممکنات قائل بوده و از این رو:

«بعید به نظر می‌رسد که ملاصدرا در حرکت جوهری و اصالت حرکت قطعیّه با استاد خود موافق باشد؛ ولی بالازم قهری آن، یعنی حدوث در وعاء دهر موافقت نکند»^۲. وی در ادامه مباحث، به دیدگاه میرداماد درباره اصالت ماهیت اشاره کرده است. البته استاد خامنه‌ای برخلاف شهید مطهری معتقد است که این مسئله هیچ‌گاه به صراحتی که در آثار ملاصدرا دیده می‌شود، در آثار میرداماد مطرح نشده است. وی پس از نقل عبارات میرداماد درباره اصالت ماهیت و جعل بسیط ماهیت، نوشته است:

«با تمام این‌ها، در عبارات میرداماد گاهی تعبیریاتی دیده می‌شود که اصالت وجود از آن می‌تراود»^۳.

وی بر این باور است که میل میرداماد به اصالت ماهیت و اعتباریت وجود، تنها در موضوع جعل و علیت است و او ملاک تشخیص را قوام ماهیت می‌دانسته است؛ در حالی که ملاصدرا آن را با وجود خارجی برابر می‌داند؛ از این رو:

«شاید... بتوان به دست آورد که در عقیده میرداماد از نظر وجودشناسی (انتولوجی) چیزی جز وجود، چه به صورت مبدعات و مختصرات و چه مکونات و مصنوعات، در خارج وجود ندارد. عملاً نیز در کتب میرداماد به اصالت ماهیت در تمام مراتب و مباحث اصراری نورزیده و برخلاف ملاصدرا، این مسئله یکی از مسائل ثابت در تمام مباحث دیگر فلسفی وی نیست؛ و گویی صدرالمتألهین نیز در این مسئله، رودرویی با استاد خود را احساس نمی‌کرده است»^۴.

بحث پایانی در این بخش از کتاب، درباره اهتمام میرداماد به علم الحروف و الاعداد است. در نظر مؤلف کتاب، میرداماد در این مباحث، از فیثاغورث، فرهنگ آریایی و آموزه‌های نوافلاطونی و از سوی دیگر، از آموزه‌های معصومان (علیهم‌السلام) و عرفاء شیعه بسیار متأثر بوده است:

«همچنان که فیثاغورث اصل جهان را «عدد» می‌دانست (و این اختصاص به وی نداشته؛ بلکه به نام وی معروف شده است)، میرداماد نیز اصل را عدد و حروف را مظاهر آن می‌داند و از آن به «جسد» و از عدد به «روح» تعبیر می‌کند... سپس، به

۱. همان، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۲۰۸.

۴. همان، صص ۳۱۰-۳۱۱.

تعریف حروف ابجد می‌پردازد و چون برای هر حرف درجه و مزاج و روحانیت و خواص دیگر قائلند، هریک را جداگانه... تعریف می‌کند...؛ ولی اصل و مبنای آن، مذکر و مؤنث بودن اعداد فرد... می‌باشد که در نتیجه زناشویی آنان که به «تناکح» معروف است - و میرداماد از آن به «ازدواجات» تعبیر کرده بود - تمام موجودات در بطن یک انسان کبیر متولد می‌شوند؛ اگرچه به سبب تکرار نامتناهی تجلیات و تناکحات، موجودات نامتناهی به هستی در می‌آیند»^۱.

استاد سید محمد خامنه‌ای، بخش مربوط به میرداماد را با شرح برخی ابیات حروفی وی به پایان برده است.^۲

اطلاعات نشر:

۱. چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۷۹ ش.
۲. باز نشر به صورت کتابی مستقل: میرداماد، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۴ ش.

۱/۱۴. تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز/ علی اصغر حلبی

دکتر علی اصغر حلبی در این اثر، شرح مختصری از احوال و افکار چهل و پنج فیلسوف ایرانی ارائه داده است. وی این کتاب را اثری مناسب و مفید برای عموم معرفی کرده^۲ و در متن آن، از بیان نظریات فلسفی حکماء صرف نظر کرده است. فصل سی و پنجم این کتاب به معرفی میرداماد اختصاص دارد. مطالب این بخش، به طور کامل، از اثر سابق مؤلف، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، مأخوذ است؛ با این تفاوت که در این کتاب، سخنی از قول میرداماد به «دلالت ذاتی الفاظ بر معانی» و نظریه «حدوث دهری» - که در زمره آراء خاص میرداماد هستند - در میان نیست.^۳

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: زوار، ۱۳۸۱ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۲ ش).

۱/۱۵. تاریخ فلسفه اسلامی/ سید اسحاق حسینی کوهساری

مؤلف این کتاب، فلاسفه جهان اسلام را در سی و یک طبقه و به تفکیک دوره زمانی معرفی کرده است؛ به این صورت که حکماء هر طبقه، اساتید طبقه بعدی و شاگردان طبقه قبل به شمار می‌روند. وی در معرفی فلاسفه، به مذهب، خصوصیات اخلاقی، شخصیت علمی و فلسفی و تألیفات آن‌ها اشاره کرده است.

حسینی کوهساری در طبقه بیست و یکم، نخست شخص میرداماد را معرفی کرده و از اساتید و شاگردان وی نام برده است. او سپس، ویژگی‌های عصر صفویه را بر شمرده و خاطرنشان کرده

۱. همان، صص ۲۲۰-۲۲۲.

۲. نگر: همان، صص ۷۵-۲۲۲.

۳. نگر: تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز، ص ۱۶.

۴. نگر: همان، صص ۶۳۴-۶۳۹.

است که در این دوران، حکمت و فلسفه از جایگاه خاصی برخوردار بوده است و حوزه علمیّه اصفهان بر حوزه‌های نیشابور و بخارا و هرات برتری داشته است. وی در ادامه، با اشاره به ثقل قلم میرداماد و دشواری عبارات او، بیست و سه عنوان از آثار وی را نام برده است. نویسنده ذیل عنوان «عقاید میرداماد»، هفت دیدگاه خاصّ میر را در فلسفه تبیین کرده که به اختصار از این قرارند:

(۱) اصالت وجود: در نظر نویسنده، میرداماد نخستین فیلسوفی است که مسئله اصالت وجود یا ماهیت را به نحو دورانی مطرح کرده و خود به اصالت ماهیت گرایش داشته است.

(۲) حدوث دهری: مؤلف پیش از تبیین «حدوث دهری»، از نظریه حدوث ذاتی سخن گفته و تصریح کرده است که میرداماد در صدد اثبات عدم دهری در سلسله طولی برای ممکنات بوده است. وی پس از توضیح دو سلسله طولی و عرضی و نیز، معنای عدم واقعی و عدم اعتباری، نوشته است:

«اینکه زید در مرتبه وجود پیشین نیست، عدم اعتباری می‌شود؛ ولی در سلسله طولیه نوعی سبقت واقعی است؛ و چون ظرف وجود سلسله طولیه را دهر می‌گویند، به همین جهت این حدوث را «حدوث دهری» می‌گویند. در این صورت، مسبوقیت وجود شیء به عدم خودش، در اینجا مصداق دارد؛ یعنی وجود زید در ظرف وجود عقل فعال نیست؛ بنابراین، حادث است؛ اما البته حادث دهری؛ و چون این عالم به واسطه رب النوع‌ها حادث شده‌اند، حدوث آن دهری است»^۱.

(۳) حرکت: میرداماد حرکت توسطیه را امری اعتباری و حرکت قطعیه را امری خارجی و حقیقی قلمداد کرده است؛ لذا، مؤلف در این بخش، معنای حرکت توسطیه و قطعیه را بیان کرده و سپس، دیدگاه میرداماد را درباره معنای تدریج در حرکت قطعیه چنین تقریر کرده است:

«تدریجی الوجود به این معنی است که آن شیء، یک وجود کش دار و ممتد دارد و ابتدا و انتهای شیء متدرج الوجود، «آن» است، نه زمان؛ و چون ضعیف الوجود می‌باشند، وجود و عدم مراتب آن‌ها با یکدیگر توأم است. هر مرتبه وجود آن‌ها عدم مرتبه دیگری را به همراه دارد»^۲.

(۴) وجود رابط و رابطی: مؤلف در این بخش، تنها به ذکر این نکته اکتفا کرده است که بنا بر اشاره حکیم سبزواری، تمایز میان دو اصطلاح «وجود رابط» و «وجود رابطی» در آثار ملاصدرا، از بیانات میرداماد در الأفق المبین مأخوذ است.

(۵) أوّل ماصدر: میرداماد سخن حکماء را که می‌گویند: اولین صادر عقل است، نپذیرفته و معتقد است:

«صادر اوّل باید موجودی باشد که کلّ اشیاء باشد و نمی‌تواند موجودی باشد در طول موجودات دیگر. در واقع میرداماد در اینجا به عرفاء گرایش پیدا می‌کند»^۳.

(۶) مراتب وجود: هستی از نظر میرداماد دارای دو سلسله «تجلی» (از ذات حق تا هیولا) و «عود»

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۱۹.

۳. همان.

(از هیولا تا مبدأ) است. حسینی کوهساری با اشاره به مراتب پنج‌گانه هریک از این دو سلسله، بیان کرده است که در نظر میرداماد، انسان ترکیبی از عالم صغیر و عالم کبیر است؛ چنان‌که کلیت این دو عالم، کتاب خداوند است که هر موجود، کلمه یا حرفی از آن به شمار می‌رود. (۷) میرداماد منکر عالم برزخ بوده و پس از ذکر نظر افلاطونیان و اشراقیان درباره اثبات عالم برزخ گفته است:

«ما در کتاب أفق المبین و سایر صحف خود به آن رسیده‌ایم که بر منهج برهان، اثبات آن مشکل است و امر معاد جسمانی و مواعید ثواب و عقاب جسمانی و تصحیح منامات و خرق عادات و ما اشبه ذلك، موقوف به اثبات آن نیست»^۱.

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر)، ۱۳۸۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم با عنوان تاریخ فلسفه اسلامی با توجه به طبقات فلاسفه اسلامی، ۱۳۸۸ش).

۱،۱۶. سنت عقلانی اسلامی در ایران / سید حسین نصر

کتاب حاضر، مجموعه مقالات دکتر سید حسین نصر درباره سنت عقلانی اسلامی در ایران است که به همت یکی از شاگردان وی گردآوری شده است. این مقالات در پنج بخش و عنوان تنظیم شده که به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. تفکر اسلامی و فرهنگ ایرانی؛ ۲. فلسفه متقدم اسلامی (مؤسسان فلسفه اسلامی در ایران)؛ ۳. سهروردی و مکتب اشراق؛ ۴. فیلسوف، شاعر، دانشمندان (متفکران مستقل)؛ ۵. فلسفه متأخر اسلامی (عصر طلایی فعالیت‌های فلسفی).

آنچه دکتر نصر در این اثر درباره میرداماد بیان کرده، دقیقاً همان مطالبی است که در کتاب تاریخ فلسفه در اسلام ذیل عنوان «میرداماد» آورده است.^۲ تنها تفاوت‌های جزئی در برخی کلمات وجود دارد که احتمالاً به اختلاف سلیقه مترجمان مربوط می‌شود. بر این اساس، از نقل و تکرار مطالب پیش‌گفته، پرهیز کرده‌ایم.

اطلاعات نشر:

- با ترجمه سعید دهقانی، چ ۱، تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۳ش (تجدید چاپ تا نوبت چهارم، ۱۳۹۶ش).

۱،۱۷. مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام / رضا اکبریان

مؤلف در این اثر به بررسی امکان اسلامیّت فلسفه پرداخته و مطالب کتاب را در هفت عنوان تقسیم کرده است: معرفی پیشگامان فلسفه؛ پیدایش حکمت مشائی در جهان اسلام؛ فلسفه در

۱. همان، ص ۲۴۰.

۲. نگر: همان، صص ۲۱۵-۲۴۰.

3. The Islamic intellectual Tradition in Persia, Richmond: Curzon, 1996.

۴. نگر: سنت عقلانی اسلامی در ایران، صص ۳۷۱-۳۷۷.

غرب اسلامی؛ پیدایش حکمت اشراقی و عرفان نظری؛ توسعه و تعامل مکتب‌های مختلف فکری / فلسفی؛ ملاًصدرا و حکمت متعالیه؛ علامه طباطبائی و فلسفه الهی.

اکبریان در مواضع مختلف این کتاب و به مناسبت‌های مختلف، به آراء و عبارات میرداماد اشاره کرده است؛ اما فصل مستقلی با عنوان «میرداماد و تلاش وی برای اعطای صورت جدیدی به حکمت پیشینیان با تکیه بر تعالیم شیعی» گشوده و برخی نظرات فلسفی وی را بررسی کرده است. وی در این بخش، شخصیت میرداماد، اساتید و برخی آثار او را به اجمال معرفی کرده است. باقی مطالب نویسنده، خلاصه‌ای است از آنچه دکتر سیدحسین نصر در کتاب تاریخ فلسفه در اسلام بیان کرده است؛^۱ البته مؤلف هردو اثر ارجاعاتی به آثار میرداماد داده‌اند که دقیقاً یکسان هستند. این میزان شباهت در دو اثر، این گمان را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که اثر دوم، اقتباسی از اثر پیشین است؛ هرچند تفاوت‌های اندکی در طول و تفصیل مباحث یا جابه‌جایی جملات وجود دارد. با توجه به این نکته و جهت پرهیز از اطناب، تنها عنوان مباحث را نام برده و از توضیح مجدد آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم؛ مباحث طرح‌شده در اثر دکتر اکبریان عبارت‌اند از: دو خصیصه افکار میرداماد؛ حدوث دهری؛ چگونگی وحدت ذات الهی؛ مقایسه نظر میرداماد با ابن‌سینا در باب پیدایش کثرت از وحدت؛ خیال منفصل و عالم مثال؛ جایگاه تمثیلی حروف و اعداد در اندیشه میرداماد.

نویسنده در پایان، سه تن از شاگردان میرداماد را نام برده و آثار برجسته آنان را ذکر کرده است. این شاگردان عبارت‌اند از: قطب‌الدین اشکوری لاهیجی، سیداحمد علوی عاملی و محمدبن علی رضا آقاجانی.

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ش.

۱/۱۸. تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان از آغاز قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

این اثر مجموعه‌ای چهار جلدی است که هر جلد آن شامل چند بخش است. تقسیم‌های تاریخی مجلدات کتاب مذکور، از این قرارند:

- جلد اول: از آغاز تاریخ تا پایان قرن ششم هجری قمری (از زرتشت تا سهروردی)
- جلد دوم: از آغاز قرن هفتم تا پایان قرن نهم هجری قمری (از مولوی تا جامی)
- جلد سوم: از آغاز قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری قمری (از دشتکی تا نراقی)
- جلد چهارم: دوره قاجاریه (از ملاعلی نوری تا ادیب‌الممالک فراهانی)

مؤلف در بخش مربوط به اندیشه‌مندان قرن یازدهم هجری قمری، شخصیت علمی میرداماد را معرفی کرده است. وی پس از اشاره مختصر به زندگی‌نامه، نسب، اساتید و شاگردان میرداماد، تعدادی از آثار مشهور وی را نام برده است. عبدالرفیع حقیقت معتقد است که ماندگارترین ویژگی میرداماد تلاش فکری او در جهت نزدیک ساختن فلسفه و دین و ارائه تفسیری اشراقی از حکمت

۱. نگر: مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام، صص ۵۲۶-۵۳۱. سنج: تاریخ فلسفه در اسلام، صص ۴۴۳-۴۵۷.

مثنائی بوده است؛ البته، این رویکرد جدید، از آن میرداماد نیست و پیش از او، معتزله در راه نزدیک ساختن دین و فلسفه قدم برداشته‌اند و میرداماد در بستر حکومت صفوی این مسیر را قاطعانه‌تر پیموده است.

وی در ادامه، آراء خاص میرداماد را بیان کرده و به ذکر نوآوری وی در نظریه «حدوث دهری»، «تناهی زمان» و موضع او درباره «اصالت ماهیت» بسنده کرده است. سپس به اختصار، مواضع برخی مخالفان میرداماد در بحث حدوث دهری را بر شمرده و در پایان این بخش آورده است: «میرداماد مبحثی خاص درباره زمان در قرن یازدهم هجری گشود که پس از او مدّت‌ها باز ماند»^۱.

وی در ادامه، چیزی در حدود دو صفحه از مطالب خود را به نقل حکایاتی درباره میرداماد اختصاص داده است. مطالب این صفحات، عیناً همان حکایاتی است که علی اصغر حلبی در دو اثری که پیش از این معرفی شد، ذکر کرده است. برخی عبارات عبدالرفیع حقیقت درباره میرداماد - از جمله مدّعی مشاهده عقول عشره در خواب - دقیقاً همان عبارات کتاب تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلام است.^۲ گویا نویسنده این اثر، بخش‌های فراوانی از مطالب خود را از آثار علی اصغر حلبی اقتباس کرده است.

نویسنده در پایان، با اشاره به نظر میرداماد درباره حدوث دهری مجرّادات، نوشته است: «در کتاب القیسات در باب حدوث و قدم، عالم معقولات مجرّده را به خلاف حکمای مثنائی و اشراقی، «حادث دهری» می‌داند. در این کتاب، وقتی که مسئله حدوث دهری را بیان می‌کند، به صراحت می‌نویسد ابوالبرکات بغدادی نیز به قول ما رفته بوده و سخن وی در این باره - یعنی قدم و حدوث - مؤید قول ماست»^۳.

اطلاعات نشر:

- ۱، چ، تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۶ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۳ ش).

۱/۱۹. نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی / رضا داوری اردکانی

این کتاب، مجموعه یادداشت‌ها و سخنرانی‌های دکتر داوری اردکانی درباره تاریخ فلسفه اسلامی است. بخش مربوط به میرداماد که ذیل عنوان «معلم ثالث» آمده، در واقع متن سخنرانی دکتر داوری در همایش «دو حکیم استرآباد» است که در سال ۱۳۸۵ هجری شمسی در گرگان برگزار شده است.^۴ وی در این بخش، طبقه‌بندی و القاب فلاسفه اسلامی را از دیدگاه میرداماد مرور کرده و نوشته است:

۱. تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان از آغاز قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری (از دشتکی تا نراقی)، بخش دوم، ص ۱۳۳۸.

۲. نگر: همان، صص ۱۳۳۸-۱۳۴۱. سنج: تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلام، صص ۴۵۱-۴۶۷.

۳. همان، صص ۱۳۴۰-۱۳۴۱.

۴. نگر: همان، صص ۱۳۳۶-۱۳۴۱.

۵. نگر: «مقام میرداماد در فلسفه اسلامی»، صص ۶۹-۷۴.

«میرداماد که فقیه بود، اهل فلسفه را به مجتهد و مقلد تقسیم می‌کرد؛ برای مثال، او در جایی که از فاضل خفری نقل کرده، او را مرئوس و مقلد فلاسفه دانسته است؛ اما ابن سینا و فارابی را شریک خود در ریاست و تعلیم می‌خوانده است»^۱.

نویسنده خاطرنشان کرده که دیگران القاب «شیخ رئیس» و «معلم ثانی» را شایسته ابن سینا و فارابی دانسته‌اند؛ اما میرداماد خود را در مقام ریاست ابن سینا و معلمی فارابی شریک می‌داند؛ اما رتبه‌بندی فلاسفه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، امری غیرعادی است و در ظاهر امر، بی‌وجه به نظر می‌رسد.

دکتر داوری ابتدا وجه تلقیب فارابی و ابن سینا را به «معلم» و «رئیس» توضیح داده و و یادآور شده است که فارابی به سبب بنیان‌گذاری فلسفه اسلامی و ابن سینا به جهت تدوین نظام فلسفی و صورت‌بندی استدلالی مسائل، «معلم ثانی» و «رئیس فلاسفه اسلام» خوانده شده‌اند. دکتر داوری معتقد است که نباید از القاب و عناوینی که میرداماد درباره دیگران به کار برده، به سادگی عبور کرد؛ زیرا:

«میرداماد بدون اینکه به صراحت اهل فلسفه را درجه‌بندی کند، با عناوینی که به اشخاص می‌دهد، نظر خود را در باب مقام آن‌ها نیز اظهار می‌دارد»^۲.

وی سپس به تعابیر «مقلد»، «مصحح» و «محصل» در مخاطب میرداماد با دیگران اشاره کرده و این پرسش را مطرح می‌کند که:

«میرداماد نه مثل فارابی بنای تازه در فلسفه گذاشته و نه همچون ابن سینا به تدوین تفصیلی مباحث و مسائل فلسفه پرداخته است»^۳؛ پس وجه اتصاف او به لقب «معلم ثالث» چیست؟ وی در پاسخ به این سؤال، دو وجه بیان کرده است: نخست اینکه میرداماد با تنقیح مباحث وجود، ماهیت و جعل و نیز، طرح نظریه حدوث دهری، بحث حدوث را چنان موجه کرده است که اشکال امثال غزالی دیگر بر آن وارد نیست؛ دوم اینکه میرداماد با تلاش فراوان در اثبات هماهنگی دین و عقل، مظهر جمع فلسفه و شریعت بوده است.^۴

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.

۱. تاریخ ایران کمبریج (دوره صفوی) / سید حسین نصر؛ با اشراف: پیتر جکسون [و]

۱. نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. نگر: همان، صص ۱۰۳-۱۰۶.

5. The Cambridge History of Iran, Cambridge: Cambridge University Press, 1968.

لارنس لاکهارت

مجموعه تاریخ ایران کمبریج دوره‌ای هفت جلدی درباره تاریخ ایران است. هر مجلد از این مجموعه شامل چند بخش است که هریک اثر نویسنده‌ای خاص بوده و به معرفی فضای علمی، دینی، فلسفی، ادبی و هنری دوره‌های مختلف تاریخی در اختصاص دارد.

مجلد ششم این مجموعه به تاریخ عصر صفوی اختصاص دارد. بخش سوم از این مجلد، درباره «جنبش‌های مذهبی، فلسفه و الهیات» است که به قلم دکتر سیدحسین نصر نگاشته شده است. در توضیحات مربوط به میرداماد، مؤلف ابتدا به اختصار از زندگی وی سخن گفته و نام اساتید میر را ذکر کرده است. دکتر نصر خاطرنشان کرده است که:

«شور و اشتیاق مذهبی میرداماد به قدری شدید بود که بعضی مواقع به خاطر احیای حکمت و خرد ابن سینا و سهروردی مورد انتقاد قرار می‌گرفت. به این عامل، باید پیچیدگی نوشته‌هایش را هم بیفزاییم؛ نوشته‌هایی که درک معنای آن‌ها از چشم مبتدیان سخت بود و استقرار و اهتزاز پرچم حکمت را بدون هیچ‌گونه مخالفتی از جانب علماء ممکن می‌ساخت. تاکنون هیچ فیلسوف و حکیم مسلمانی با چنین سبک مشکل و پیچیده‌ای کتاب ننوشته است تا دسترسی به آثارش را برای همه تا به این حد غیرممکن سازد»^۱.

دکتر نصر در ادامه، تعداد نگاشته‌های میرداماد را حدود پنجاه اثر دانسته و تعدادی از آن‌ها را نام برده است. وی پس از اشاره به تلاش میرداماد در ایجاد هماهنگی میان فلسفه با آموزه‌های دینی، او را مفسر اشراقی مابعدالطبیعه سینیوی قلمداد کرده است. دکتر نصر معتقد است که میرداماد نظام فکری خویش - یعنی «حکمت یانی» - را از فلسفه یونانی تفکیک کرده است. حکمت یانی خردی نشئت گرفته از اشراق و وحی است که:

«در آن الهام با استدلال درآمیخته بود و ماوراءالطبیعه ابن سینایی از نظام انتزاعی تفکر به واقعیت معنوی محسوسی تبدیل می‌شد که منظور و مقصود الهام و واقعیت روحانی و معنوی بود»^۲.

دکتر نصر در ادامه به خلسه‌های ملکوتی میرداماد اشاره کرده است. اولین خلسه در مسجدی در شهر قم بعد از نماز عصر در سال ۱۰۱۱ هجری قمری رخ داده؛ و دیگری، دوازده سال بعد در شامگاه نیمه شعبان سال ۱۰۲۳ هجری قمری در اصفهان، پس از ذکر که در خلوت داشته، بر وی حادث شده است. دکتر نصر درباره مواجید معنوی میرداماد نوشته است:

«دو تجربه‌ای که خود میرداماد شرح کرده است، تنها گواهانی هستند که ما در مورد جنبه روحانی زندگی‌اش در دست داریم؛ زندگی‌ای که به جز این دو مورد، در فعالیت فلسفی و مذهبی گذشت؛ اما این واقعیت که او می‌توانست چنین الهاماتی را تجربه کند، حضور مداوم حیات روحانی و ممارستی را نشان می‌دهد که به مانند تصوف، کلی‌ترین

۱. تاریخ ایران کمبریج، ج ۶، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۲۱.

نمود خود بود؛ و به شیوه‌ها و سلوک معنوی صوفیانه، هیچ عملی بیش از ذکر و خلوت نزدیک نیست»^۱.

نویسنده در ادامه، اشاره کرده است که توجه میرداماد به موضوع زمان و رابطه تغییر و بقاء با حدوث و قدم - که مدت‌های طولانی محل نزاع فلاسفه و متکلمان بود - باعث شد تا وی راه حلی در این باره ابداع کند که همان نظریه «حدوث دهری» است. وی بر اساس آثار و عبارات میرداماد، این نظریه را به اختصار شرح داده است. او نخست توضیحاتی درباره سه ظرف وجود ارائه داده و خاطرنشان کرده است که سرمد مخصوص ذات باری تعالی بوده که قائم به ذات و تغییرناپذیر است. دهر سرمد، دهر است که پیوند دهنده تغییرناپذیر و متغیر است. دکتر نصر درباره دهر افزوده است:

«این جهان مستقیماً آفریده ذات نیست و از الگوهای اولیه و تغییرناپذیر یا ارباب الأنواع به وجود آمده است و دهر دقیقاً نمایان‌گر رابطه بین الگوهای اولیه و تغییرناپذیر و جهان متغیر است»^۲.

دو دهر نیز زمان است که رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد. میرداماد پدیده آفرینش را با نظریه حدوث دهری تبیین کرده و خلقت را به گونه ابداع و اختراع - و نه تکوین - قلمداد کرده است. مؤلف در پایان بخش مربوط به میرداماد، اسامی برخی شاگردان میر و آثار برجسته آن‌ها را ذکر کرده است.^۳

اطلاعات نشر:

- با ترجمه تیمور قادری، چ ۱، تهران: نشر مهتاب، ۱۳۸۸ ش (تجدید چاپ تا نوبت چهارم، ۱۳۹۶ ش).

۱، ۲۱. تاریخ فلسفه اسلامی (مجموعه آشنایی با فلسفه اسلامی) / حمید دباشی؛ با

اشراف: سید حسین نصر [و] الیور لیمن

مجموعه پنج جلدی تاریخ فلسفه اسلامی مشتمل بر مداخلی است که هریک اثر نویسنده یا نویسندگانی خاص بوده و به ترتیب تاریخی تنظیم شده‌اند. در این مداخل، درباره زندگی، زمانه و اندیشه هریک از فلاسفه اسلامی مطالبی بیان شده است. نویسندگان ضمن اشاره به نظریات و مفاهیم کاربردی در اندیشه هر فیلسوف، درباره فرهنگ و اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار آن‌ها نیز سخن گفته‌اند.

در ابتدای فصل سی و چهارم در مجلد سوم این مجموعه، فصلی با عنوان «میرداماد و تأسیس مکتب اصفهان» گشوده شده است. نویسنده این مدخل، ابتدا توضیحات مفصّلی درباره اوضاع

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۱۲۳.

۳. همان، صص ۱۱۸-۱۲۴.

4. *History of Islamic Philosophy (Routledge History of World Philosophies)*, London: Routledge, 1997.

سیاسی و اجتماعی عصر صفوی - همچون ارتباط شهریاران صفوی با فقهاء شیعه، مخالفت برخی دانشمندان با تعلیم و تعلّم فلسفه و شرح حال فعالان علوم عقلی در آن دوران - ارائه داده و سپس، در حدود سه صفحه، زندگی‌نامه میرداماد را به اختصار بیان کرده است.

مؤلف در ادامه و ذیل عنوان «مقام فلسفی میرداماد»، به تسلط او بر علوم فقه، فلسفه، منطق، عرفان، کلام، تفسیر، حدیث اشاره کرده و از فضائل اخلاقی و مقام معنوی وی سخن گفته است. به اعتقاد او:

«میرداماد به رغم مقام برجسته‌اش در هر دو عرصه عرفان و فقه - یعنی ترکیب ناهم‌رنگی که او با ویژگی‌های خاصی برای «مکتب اصفهان» میسور کرد - چنان‌که در بسیاری از اشعار خودستایانه‌اش ملاحظه می‌کنیم، عمدتاً خود را یک فیلسوف می‌داند و از این جهت به تجلیل و تمجید از خویش می‌پردازد»^۱.

وی بر این باور است که روح حاکم بر فلسفه میرداماد، اساساً عرفانی است؛ فلسفه‌ای که پیش از ملاًصدرا، برای هماهنگی سنت‌های رقیب در گرایش‌های عقلانی مسلمانان تدوین شد و به خوبی در تار و پود اصول ایمان شیعی ریشه دواند. این فلسفه، سنگ بنای مکتب فلسفی اصفهان بوده است.

نویسنده در ادامه و تحت عنوان «معاصران میرداماد»، از اساتید میرداماد نام برده و با اشاره به ارتباط او با دانشمندان معاصر خویش - همچون شیخ بهایی و میرفندرسکی - حکایت‌های گوناگونی در این باره نقل کرده است. در انتهای این بخش، توضیحاتی درباره ملاًصدرا و شاگردان کم‌آوازه میرداماد - همچون قطب‌الدین اشکوری، ملاًشمس‌ای گیلانی و زلالی خوانساری - ارائه شده است.

حمید دباشی ذیل عنوان بعدی که «آثار میرداماد» نام دارد، به معرفی تصنیفات میر پرداخته و کتاب‌شناسی مختصر - و عین حال دقیق - از آثار عقلی و نقلی او ارائه داده است. وی به نگارش دشوار میرداماد و ساختار مغلق آثار او اشاره کرده است. به عقیده نویسنده، استفاده از این روش در روزگاری که متشرعان فضا را بر فلاسفه تنگ کرده بودند، در حکم پناهگاهی امن برای اهل فلسفه بود.

نویسنده سپس، دو کتاب القبسات و جذوات و مواقیت را به صورت مفصل و مجزاً معرفی کرده است. عمده مطالب این بخش، از مقدمه‌های مصححان آثار میرداماد مأخوذ است. نویسنده ابتدا، ساختار القبسات را بررسی کرده و گام به گام همراه با میرداماد، توضیح مختصری درباره مطالب هر فصل از کتاب بیان کرده است. نخست به موضع فیلسوفان - یعنی باور به حدوث ذاتی ممکنات - اشاره کرده و پس از آن، سه وعاء زمان، دهر و سرمد را تبیین کرده است. به تبع آن، این سه ظرف وجودی را در طول یکدیگر دانسته و دیدگاه نهایی میرداماد را چنین گزارش داده است: «میرداماد به این نتیجه می‌رسد که معدوم بودن موجودات مجرد عالم دهر در مرتبه وجود سرمدی، عدمیت نفس‌الأمری و واقعی است؛ بنابراین، همه مخلوقات و همه

۱. تاریخ فلسفه اسلامی (مجموعه آشنایی با فلسفه اسلامی)، ج ۳، ص ۱۳۱.

مجردات متناظر با آن‌ها مسبوق به عدم واقعی و نفس‌الامری هستند. حدوث آن‌ها از نوع دهری است و نه حدوث زمانی چنان‌که متکلمان می‌گویند... آنچه میرداماد از راه این تمایز منظم میان سه مرتبه هستی بدان دست می‌یابد، عبارت است از قراردادن خداوند در رأس سلسله طولی، یعنی جایی که بتواند عالم را ابداع و ابقاء کند و در عین حال، مسبوق به فساد زمانی - که محسوسات را گریزی از آن نیست - نباشد^۱. لازم به ذکر است که نویسنده در این بخش، به شروح و حواشی القیسات - همچون حاشیه ملاشمسای گیلانی و شرح محمدبن علی رضا آقاچانی - اشاره کرده است. همچنین، در معرفی جذوات و مواقیت، به مراتب قوس صعود و نزول در نظر میرداماد اشاره کرده و یک‌یک این مراتب را بر شمرده است.

او ذیل عنوان «هستی‌شناسی»، به چند آموزه مهم در فلسفه میرداماد اشاره کرده که نخستین آن‌ها، دیدگاه میر درباره طبقه‌بندی عوالم وجود است:

«هستی از نظر میرداماد به سان یک دایره کامل است که در ضمن یک قوس نزول از حضرت حق تا عالم مادی صدور می‌یابد و سپس به آن حضرت بازمی‌گردد. در ضمن سلسله‌ای از صدورها، عالم مادی به تدریج از حضرت خداوندی صادر می‌شود. از «نورالأنوار» ابتدا «انوار قاهره» و در رأس آن‌ها «عقل کل» صادر می‌شوند. از این مرتبه، «نفوس فلکیه» یا «انوار مدبره» صادر می‌شوند که «نفس کل» نخستین مرتبه آن است. سپس، «نفوس منطبعه» از نفس کل نشئت می‌گیرند. صورت‌های نوعیه افلاک، نباتات، عناصر، مرکبات، طبایع چهارگانه بدین ترتیب پدید می‌آیند. آخرین مرحله این جریان صدور هستی‌شناختی، عبارت است از آفرینش ماده از این مبادی صوری. پس از این سلسله صدور، نوبت به سلسله عود می‌رسد که طی آن، ماده به سوی نور تعالی می‌یابد. در جریان عود، «جسم مطلق» به مرتبه معدنی مرکبات صعود می‌کند. سپس معدنیات به مرتبه نباتی و بعد از آن، به مرتبه حیوانی عود می‌کنند. مرتبه نوع انسان، آخرین مرتبه در این حرکت صعودی پیش از پیوستن دوباره ماده مطلق به نورالأنوار است... انسان در مرکز این سلسله نزولی / صعودی قرار دارد»^۲.

نویسنده سپس، به دیدگاه میرداماد درباره «اصالت ماهیت» اشاره کرده و آن را در قالب نقل قول‌هایی کوتاه از آثار میرداماد و ملاصدرا روایت کرده است. سپس، بحث دیگری با عنوان «خلسه روح / خلع بدن» طرح کرده و ذیل آن، تجربه خلع بدن میرداماد را نمونه‌ای از سیر در سلسله صعودی بر اساس آموزه‌های فرامعرفت‌شناسی میرداماد دانسته است. نویسنده در ادامه و ذیل عنوان «نثر میرداماد»، به دشوارنویسی میرداماد، دلایل انتخاب این شیوه و تفاوت نثر میرداماد با ملاصدرا پرداخته است. به نظر او:

«اگر حمایت‌های موردی پادشاهان مقتدری همچون شاه عباس نبود، فیلسوفان

۱. همان، صص ۱۴۵-۱۴۶.

۲. همان، صص ۱۴۷-۱۴۸.

- که دانش تنجیمی و طبّی آن‌ها همیشه برای دربار سلطنتی سودمند بود - حتی از آزادی محدودی که در بحث و پژوهش فلسفی در اختیار داشتند، محروم می‌شدند. پوشانیدن عقاید فلسفی یا عرفانی در لفافه بیان دشوار و مبهم، یک راه بسیار مؤثر برای محدود کردن حلقه تفسیری‌ای بود که به صورتی مشروع پیرامون متون فلسفی به فعالیت می‌افتد»^۱.

دباشی در بخش «شعر میرداماد»، به شاعرانگی او و ویژگی‌های سروده‌هایش اشاره کرده است. به باور وی، درست به همان اندازه که نثر فلسفی میرداماد مقعد و پیچیده است، نظم او کاملاً روان و نسبتاً زیباست. او در این بخش، علاوه بر اشاره به تمجید تقی‌الدین کاشانی از میرداماد و اشعار او، محتوای مثنوی «مشرق‌الأنوار» میرداماد را بررسی کرده است.

بخش پایانی این مدخل، «مکتب اصفهان» نام دارد. نگارنده در این بخش از ویژگی‌ها، زمینه‌ها، مؤسسان، مدرّسان و تاریخ مکتب فلسفی اصفهان سخن گفته است. از نظر وی، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تأسیس این مکتب، رابطه دوستانه مؤسسان آن با دربار و شخص شاه عباس صفوی و حمایت شاه از آنان بوده است. وی معتقد است که نباید مکتب فلسفی اصفهان را جدا از مدرسه فلسفی شیراز مطالعه کرد؛ زیرا پیوندهای تاریخی و فکری فراوانی بین این دو مدرسه فلسفی وجود دارد. از نظر او:

«آنچه جوهره «مکتب اصفهان» را تشکیل می‌دهد، کوششی است برای گردآوردن جریان‌های متنوع و متضاد تاریخی / عقلانی اسلام در یک وحدت برخوردار از هماهنگی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی. پیش از آنکه شاهد اوج این نهضت در مآلصدر باشیم، باید کوشش‌های نسل میرداماد را به عنوان زمینه‌ساز این وضع مدّ نظر قرار بدهیم»^۲.

نویسنده با عقب‌گردی تاریخی، سابقه مشرب تلفیق و جمع را در آثار عقیلی‌رستمداری، قاضی میبدی، غیاث‌الدین منصور دشتکی روایت کرده است؛ اما اوج توفیق و تثبیت آن را در آثار بزرگان مکتب اصفهان - همچون میرداماد، میرفندرسکی و مآلصدر - دانسته است. او در پایان این بخش، به تلاش فیلسوفان مکتب اصفهان در طرد صوفیان ظاهری از مکتب خود اشاره کرده و از مشرب مآلصدر در تلفیق فلسفه و عرفان ابن عربی، به اختصار سخن گفته است.^۳

اطلاعات نشر:

۱. با ترجمه حسن فتحی، چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۸۸ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۳۹۳ ش).
۲. با ترجمه حسن فتحی (به صورت مقاله‌ای مستقل)، مکتب فلسفی اصفهان از نگاه دانش پژوهان، مجموعه مؤلفان، گردآوری: محمدرضا زادحوش، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش، صص ۵۲-۱۰۴.

۱. همان، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۶۱، با اصلاح یک لفظ.

۳. نگر: همان، صص ۱۲۰-۱۷۴.

۱،۲۲. عرفان اسلامی / اسماعیل منصوری لاریجانی

چنان که از عنوان این اثر مشخص است، مؤلف آن به ابعاد عرفانی شخصیت های اسلامی پرداخته است. وی در بخش مربوط به عارفان عصر صفوی، توضیحات مختصری درباره بُعد عرفانی شخصیت میرداماد ارائه داده است. او میر را از جمله افرادی دانسته که در عصر صفویه در صدد تلفیق تصوف و تشیع بوده اند. به نظر مؤلف:

«آن ها به رغم اظهار مخالفتی که با صوفیه عصر می کردند، تا حدودی عقاید و تعالیم قدمای صوفیه را پذیرفته بودند و صوفیه را به علت عدم توغل در حکمت، شایسته حیثیت روحانی و علمی نمی دیدند و بدین جهت اقوال آن ها را نقد می کردند و آن ها را به قصور فهم و عدم دقت در مسائل منسوب می دانستند و در عین حال، خود از نفوذ حکمت عرفانی به شدت متأثر بودند»^۱.

از نظر استاد لاریجانی، راه و روش میرداماد در برخی مواضع با نظریات عرفاء یگانگی یافته است و این یگانگی از قبیل وحدت غایت است، نه اتحاد در مراحل میانه و طرز سلوک. از نظر وی، میرداماد در حکمت نظری، مثنایی مسلک بوده و در حکمت عملی، مرامی اشراقی دارد. به باور نویسنده، میرداماد این دو مسلک را در مکتب اصفهان با یکدیگر آمیخته است و شرط رسیدن به مقام حکمت در نظر او، از این قرار است:

«نیل به تجربه خلع بدن که از شیخ یونانی، فلوطین، منقول است و شیخ اشراق آن را به افلاطون نسبت می دهد و خود وی در جذوات آن را از فیثاغورث هم نقل می کند، در نزد میرداماد - چنان که از قبسات برمی آید - شرط اصلی وصول به مقام حکمت تلقی می شود»^۲.

نگارنده در پایان، با استناد به مطالبی در آثار میرداماد، وی را از میراث ابن عربی و غزالی متأثر دانسته است.^۳

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۸ش
تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۱ش).

۱،۲۳. تاریخ تحلیلی/انتقادی فلسفه اسلامی (به ضمیمه نقد محتوایی کتاب) / سیدیحیی یثربی

نویسنده در این اثر، تطوّر تاریخی برخی مسائل در فلسفه اسلامی را روایت کرده است. وی در ابتدا مطالب مقدماتی و کلیات فلسفه را - که شامل مسائلی مانند تعریف فلسفه از دید فلاسفه اسلامی و غربی، نقد و ارزیابی فلسفه اسلامی، تعریف مسئله اصالت وجود یا ماهیت و مابعدالطبیعه است - مطرح کرده و سپس، در قسمت های بعدی کتاب مباحثی همچون علیّت،

۱. عرفان اسلامی، ص ۸۳.

۲. همان.

۳. نگر: همان، صص ۸۳-۸۴.

خدا، آفرینش جهان و انسان‌شناسی را از دید فلاسفه یونان و ایران بررسی کرده است. کتاب چهارم این اثر، درباره آفرینش جهان است که در دو بخش «دیدگاه‌ها و مبانی» و «نقد و نظر» تنظیم شده است. مؤلف در بخش نخست، ابتدا مفهوم آفرینش را توضیح داده و پس از آن، نظرات متکلمان ادیان مختلف، عرفاء، فلاسفه یونانی و حکماء اسلامی را در خصوص پیدایش جهان تبیین کرده است. وی در فصل دوم از بخش «بیان دیدگاه‌ها» با اشاره به «مبانی ابن سینا و نقد اهل کلام» خاطرنشان کرده است:

«ابن سینا حدوث زمانی جهان را قابل توجیه نمی‌داند و از قدیم زمانی بودن آن دفاع می‌کند»^۱.

مؤلف سپس، با اشاره به مباحثی همچون «ملاک نیاز معلول به علت»، «نیازمندی هر پدیده به زمان و زمینه»، «حدوث ذاتی»، «رابطه ضروری علت و معلول» و «قاعده الواحد»، دیدگاه ابن سینا و نقدهای او بر موضع متکلمان را به تفصیل شرح داده است. وی در اثنای بازخوانی اشکالات متکلمان بر دیدگاه ابن سینا، نوشته است:

«به نظر من، تلاش میرداماد بر طرح حدوث دهری، تلاشی است در راستای عینی کردن مسئله حدوث. میرداماد به این نتیجه می‌رسد که مسئله حدوث ذاتی ابن سینا، جنبه ذهنی داشته و با واقعیت هستی تطبیق نمی‌کند؛ بنابراین، اگر ذهن گروهی از متفکران را نتواند راضی کند، جای شگفتی نیست»^۲.

دکتر یثربی به همین مناسبت، گزارش مختصری از نظریه «حدوث دهری» ارائه داده است. او ابتدا تقسیم‌بندی موجودات جهان را در سه مرتبه سرمد، دهر و زمان از نگاه میرداماد تبیین کرده و چهار مقدمه به شرح ذیل آورده است:

۱. حدوث ذاتی، امری ذهنی است؛ زیرا «عدم مقابل» در این نظریه، در واقعیت و خارج از ذهن مطرح نمی‌شود؛ بلکه تنها جنبه تحلیل ذهنی دارد. سلب وجود از ماهیت در مقام لحاظ «بشرط لا»ی آن، با موجودیت در متن واقع، تقابل ندارد.
۲. میرداماد برای ایجاد این تقابل واقعی، ظرف «دهر» را پیشنهاد داده است. در دهر، هیچ‌گونه امتداد و انقسامی تصور نمی‌شود؛ لذا، حد عدم صریح دهری از حد وجود خارجی جدا نیست و با بطلان عقد سلب دهری، عقد ایجاب ثابت دهری در جایگاه آن قرار می‌گیرد.
۳. میرداماد وجود دهر را از طریق تحریر محل نزاع حدوث درباره زمان، علت و راسم آن و نیز، کیفیت حدوث صادر اول اثبات کرده است. او همچنین، از بیانات عرفاء و حکماء درباره خلقت دفعی و یک‌باره عالم نیز در این راستا بهره برده است.
۴. میرداماد تفاوت تقدم و تأخر زمانی و دهری را از جهات مختلف تبیین کرده است؛ برای نمونه، او قائل است که: اولاً، انفکاک در تقدم دهری بر اساس متن واقعیت است؛ اما در تقدم زمانی بر اساس امتداد زمانی است؛ ثانیاً، برخلاف تقدم دهری، تقدم و تأخر زمانی شدت و

۱. تاریخ تحلیلی / انتقادی فلسفه اسلامی (به ضمیمه نقد محتوایی کتاب)، ص ۵۸۵.

۲. همان، ص ۵۹۲.

ضعف می‌پذیرد؛ ثالثاً، در تقدّم و تأخّر دهری، وجود و عدم در حیّز یکدیگر واقع می‌شوند، به خلاف تقدّم و تأخّر زمانی؛ رابعاً، در تأخّر زمانی ممکن است امر متأخّر وجود باشد یا عدم؛ اما متأخّر دهری جز وجود نخواهد بود؛ زیرا انقطاع وجود در دهر ممکن نیست. پس از این مقدمات، نویسنده نظریّه حدوث دهری را چنین تقریر کرده است:

«حادث‌هایی که در زمان حادث‌اند؛ یعنی موجودات زمانی هستند که وجودشان بر اساس گذشت زمان، بعد از عدم آن‌ها قرار گرفته است؛ اما مبدعات - مانند افلاک، خود زمان و مجرّرات - نه در زمان، بلکه در دهر مسبوق به عدم‌اند؛ اما در سرمد، سبق عدم امکان ندارد؛ بنابراین، سرمد به خداوند اختصاص دارد و هیچ موجود ممکن به آنجا راه ندارد؛ اما مجرّرات و حتّی متغیّرات نیز نه به صورت متغیّر، بلکه به صورت ثابت در دهر موجودند... بنابراین، همه مبدعات (مجرّرات) و کائنات (زمان و فلک و مادّة‌الموادّ) نیز همانند موجودات زمانی، از ذات حقّ تأخّر دارند»^۱. نویسنده در پایان، علاوه بر تمجید از راه حلّ میرداماد، معتقد است که این نظریّه با اشکالات مختلفی مواجه است؛ از جمله دشواری اثبات جایگاه‌های سرمد و دهر.^۲

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.

۱، ۲۴. ما و تاریخ فلسفه اسلامی / رضا داوری اردکانی

این اثر مجموعه گفتارها و نوشته‌های پراکنده‌ای است که در طول سالیان متمادی ارائه شده‌اند. بخش دوم این کتاب که «گزارش مختصر تاریخ فلسفه اسلامی» نام دارد، شامل مداخلی درباره فلسفه مسلمان، از کندی تا شهید مطهری است. نویسنده در بخشی با عنوان «میرداماد: معلّم ثالث» به شخصیت فلسفی میرداماد پرداخته است.

مطالب این بخش، متن سخنرانی دکتر داوری در همایش «دو حکیم استرآباد» است که در سال ۱۳۸۵ هجری شمسی در گرگان برگزار شد.^۳ این مطالب عیناً در کتاب نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی - که پیش‌تر بررسی شد - آمده است؛ از این رو از تکرار آن‌ها خودداری کردیم.^۴

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۰ ش).

۱. همان، ص ۵۹۶.

۲. نگر: همان، صص ۵۹۳-۵۹۶.

۳. نگر: «مقام میرداماد در فلسفه اسلامی»، صص ۶۹-۷۴.

۴. نگر: ما و تاریخ فلسفه اسلامی، صص ۳۵۵-۳۶۱.

۱،۲۵. مکتب فلسفی اصفهان (الف) / سید محمد علی مدرّس مطلق

مؤلف در این اثر، چهره‌های شاخص مکتب فلسفی اصفهان و پیروان آن‌ها را در سه بخش «تأسیس مکتب»، «دوران نُضج مکتب» و «احیای مجدد و ادامه مکتب تا کنون» معرفی کرده است. نخستین شخصیتی که نویسنده در بخش اول و در جایگاه مؤسس مکتب به او پرداخته، میرداماد است.

مؤلف در ابتدا، توضیحات نسبتاً مفصّلی درباره شرح حال میرداماد و ویژگی‌های شخصیت علمی او، از ولادت تا وفات، ارائه کرده است. سپس به تألیفات میرداماد اشاره کرده و تعداد آن‌ها را بالغ بر صدوسی کتاب و رساله در علوم و فنون مختلف دانسته است. وی در ادامه، ذیل عنوان «میر و طرح بعضی از واقعات» به تجارب عرفانی میرداماد اشاره کرده و تذکر داده است که توانایی خلع بدن، یکی از شروط اشراقی برای نیل به مقام حکمت است؛ لذا، میرداماد در این باره تحت تأثیر آموزه‌های اشراقی بوده است. جالب آنکه نویسنده درباره یکی از ویژگی‌های قلم تألیف میرداماد، موضع متفاوتی اتخاذ کرده و نوشته است:

«اینکه میرداماد شیخ‌الرئیس را در برخی از آثار خویش، انباز خود شمرده یا از بهمنیار به عنوان «تلمیذ» یاد کرده، حکایت از خُلُق مطایبه‌آمیزی دارد که میر داشته و ظاهراً وابسته است به آب‌وهوای خاص اصفهان و شوخ طبعی مردمان آن»^۱.

نویسنده در ادامه، درباره «حوزه درسی میر» سخن گفته است. از نظر وی، بسیاری از شاگردان میرداماد از سرزمین‌های هند، بحرین، قطیف، عراق و احساء در مجلس درس وی حاضر شده بودند و میرداماد صرفاً مدرّس علوم عقلی نبوده؛ چنان‌که نویسنده از مرجعیت و فتاوی او یاد کرده و نوشته است:

«مرجعیت فقهی بدون حوزه درسی که در آن فقه استدلالی مطرح شود و مجتهد، مبانی و طرق استنباط خود، مرا احکام فرعیّه را بیان کند، معنا ندارد»^۲.

نویسنده در بخش بعدی، به «مشی تقریب» در فلسفه میرداماد اشاره کرده است. از نظر او، میرآشتی‌دهنده دین و فلسفه است و هیچ‌یک از فلاسفه پیش از او، به اندازه میرداماد در این امر مهم کامیاب نبوده‌اند. مدرّس مطلق در این باره نوشته است:

«میرداماد در مقام یک فیلسوف و با مبانی و روش فلسفی، درصدد رفع موانعی برآمد که آشتی دین (و نه فقط دین مبین اسلام که حاوی هیچ باور غیرعقلانی‌ای نیست) و فلسفه را ناممکن می‌ساخت؛ و باب جدیدی باز کرد که به سان سنت حسنه‌ای از او به یادگار ماند؛ و راهی نشان داد که از آن پس، توسط فلاسفه اسلامی پیروی شد»^۳.

نویسنده در ادامه این بخش، با اشاره به اتحادی بودن - و نه انضمامی بودن - ترکیب «فلسفه اسلامی»، بیان کرده است که «اسلامیت» در «فلسفه اسلامی» وصف است، نه اضافه. او با

۱. مکتب فلسفی اصفهان (الف)، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. همان.

این تحلیل، نهضت فلسفی میرداماد را در رشد فلسفه اسلامی بسیار مؤثر می‌داند. او مسئله معاد جسمانی را شاهی بر مدّعی خود دانسته است؛ مسئله‌ای که ابن‌سینا آن را به تعبّد پذیرفته و عقل را از ورود به آن عاجز دانسته است؛ درحالی‌که ملاصدرا با تعقیب مشی میرداماد و تأثر از تعالیم دینی، معاد جسمانی را با براهین عقلی به اثبات رسانده است.

مؤلف در بخش بعدی، نظریه «حدوث دهری» را به تفصیل شرح داده است. وی نیز مانند دیگر نویسندگان حوزه تاریخ فلسفه، ابتدا به اختلاف نظر فلاسفه و متکلمان در این موضوع اشاره کرده است. سپس با اشاره به کاستی‌های هر دو موضع، بیان کرده است که میرداماد در وضعیتی قرار داشت که ابتدا می‌بایست حکمت برهانی را احیاء می‌کرد و سپس، آن را به متن عقاید حقه شیعی نزدیک می‌ساخت تا فلسفه اسلامی از بن‌بست انزوا و افسردگی خارج شود. او در پی همین قصد، نظریه حدوث دهری را طرح کرده است. نویسنده در ادامه، معانی دهر، سرمد و زمان را از دیدگاه شیخ رئیس توضیح داده است. وی معتقد است آنچه میرداماد را به سمت ارائه معنای جدیدی از دهر سوق داده، بیان جلال‌الدین دوانی است که:

«چون می‌خواهد علیّت را به تشنّ برگرداند، ناچار می‌شود تمامی امور زمانی را (از گذشته و حال و آینده) به صورت مجموعه‌ای واحد اعتبار کند تا از تغییر و تعاقب منزّه شود و بتواند به طور ثابت و واحد، شأنی از شئون علت قلمداد گردد. البته، محقق دوانی نامی از دهر نبرده؛ اما آنچه میر برای آن واقعیّت قائل است و ظرف حدوث عالم و دیگر موجودات دهری می‌داند، بسیار به آنچه دوانی اعتبار می‌کند، شباهت دارد... لیکن حقیقت این است که نظریه حدوث دهری از ابداعات خود اوست و هیچ‌یک از حکمای سلف از این زاویه به دهر نپرداخته است»^۱.

در نظر میرداماد، همچنان که عالم زمان ظرف حدوث موجودات متغیّر زمانی است، عالم دهر نیز ظرف حدوث موجودات ثابت دهری است؛ پس همچنان که حدوث موجودات زمانی به معنای مسبوقیّت آن‌ها به عدم زمانی است، حدوث دهری موجودات ثابت نیز به معنای مسبوقیّت آن‌ها به عدم دهری است. وی سه عالم زمان، دهر و سرمد را در طول یکدیگر دانسته و تنها سرمد را از هر لحاظ قدیم محسوب کرده است:

«عالم، چون در کلیّت خود ثابت است، از موجودات دهری محسوب شده و مسبوق به عدم دهری است. این عدم، عدمی مقابل، صریح و واقعی است... ذات حق تعالی و اسماء و صفات او، سرمدی است؛ و جز او - که فی الواقع فعل اویند - به مراتب خود هریک به نوعی مسبوق به عدم و حادث هستند؛ آن هم نه فقط حادث به حدوث ذاتی - که صرفاً مُشعر به تقدّم علیّ باشد - بلکه حادث به حدوث‌هایی که ذکر شد که بیانگر مسبوقیّت محدث به عدم فکّی، صریح و واقعی است»^۲.

وی پس از شرح نظریه حدوث دهری، به انتقاداتی که درباره این آموزه بیان شده، اشاره کرده

۱. همان، ص ۳۰.

۲. همان، صص ۳۰-۳۱.

است. از نظر او، این انتقادات به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست، ایراداتی که طرفدارانِ نظریهٔ زمان موهوم - همچون آقا جمال خوانساری - بر دیدگاه میرداماد وارد کرده‌اند؛ و دوم، ایراداتی که پیروان حکمت متعالیه دربارهٔ نظریهٔ حدوث دهری مطرح کرده‌اند. برخی پیروان ملاًصدرا معتقدند که سکوت ملاًصدرا در قبال نظریهٔ استاد خویش، نشانهٔ مخالف او با این دیدگاه است. آنان حدوث دهری میرداماد را متکلفانه قلمداد کرده‌اند و آن را به حدوث ذاتی بازگشت می‌دهند.^۱

مؤلف در پاسخ به این تلقی نوشته است:

«حدوث ذاتی به معنایی که حکمای قبل از صدرالمتألهین اراده می‌کردند، مورد قبول صدرالحکماء هم نیست؛ و اما سکوت وی به این دلیل بوده که با مبانی‌ای که او اختیار کرده و مدلی که از نظام عالم هستی ارائه نموده، دیگر نیازی به طرح حدوث دهری نبوده؛ زیرا وی به طرح اصالت وجود و ارائهٔ معنی دیگری از امکان (که همان معنای امکان فقری باشد) و قائل شدن به وجود ربطی برای موجودات عالم امکان و نظریهٔ مراتب تشکیکی وجود، طرحی نو در انداخته و با کنار نهادن اصالت ماهیت و هر آنچه نهال این شوره‌زار ذهنیت‌گرا بوده - از قبیل امکان ذاتی و جعل ماهیت - تصویر جدیدی از جهان هستی پرداخته که مخاطب خود را مواجه با عالمی پویا و در حرکت کند که لحظه به لحظه، با عنایت ربّانی حدوث می‌یابد و دم به دم از ناحیهٔ او در وجود می‌آید و فقر و نداری ذاتی‌اش، آن به آن با غنای ذاتی او جبران می‌شود. این فیض بخشی‌ای است که در فلسفهٔ صدرالمتألهین ازل و ابد نمی‌شناسد؛ از این سو، اصلاً ذاتی نیست که ظرف تحقّق بخواد»^۲.

نویسنده در ادامه، برخی اشکالات استاد آشتیانی و دکتر دینانی را بر نظریهٔ حدوث دهری بر شمرده و ضمن پاسخ مختصر به آن‌ها، معتقد است که این اشکالات به مبانی فلسفهٔ میرداماد بازگشته و مستقیماً بر حدوث دهری وارد نمی‌شوند.^۳

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: مؤسسهٔ تألیف و ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ۱۳۸۹ ش.

۱۲۶. نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران / علی اکبر ولایتی

دکتر علی اکبر ولایتی در این اثر تلاش کرده تا نقش شیعیان و تفکر شیعی را در تدوین و شکل‌گیری تمدن اسلام و ایران توصیف و تبیین کند. وی نخست دربارهٔ مدارس و حوزه‌های علمیهٔ شیعه، به تفکیک جغرافیا سخن گفته و سپس، دربارهٔ برنامه‌ها، موادّ درسی و منابع علوم مختلف در این حوزه‌ها بحث کرده است. وی در ذیل فصل مربوط به حوزه‌های فلسفی، از میرداماد در جایگاه بنیان‌گذار مدرسهٔ اصفهان یاد کرده است.

۱. احتمالاً مراد نویسنده، موضع‌گیری استاد آشتیانی در مواجهه با نظریهٔ حدوث دهری است. نگر: منتخباتی از

آثار حکمای الهی ایران (از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر)، ج ۱، ص ۱۵.

۲. همان، صص ۳۱-۳۲.

۳. نگر: نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، صص ۱۰۱-۱۰۳.

وی پس از اشاره مختصر به زندگی نامه، تحصیلات، اساتید و شاگردان میرداماد، مشی فلسفی وی را تلفیقی بجا از روش های فلسفی، عرفانی و شیعی دانسته و به پیروی از دکتر دینانی در کتاب ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، با عنوان «حکمت معنوی شیعی» از آن یاد کرده است. دکتر ولایتی از میان نظریات فلسفی میرداماد، به حدوث دهری اشاره کرده و با تعریف و نسبت سه وعاء زمان، دهر و سرمد، آن را به اختصار تقریر کرده است. وی در پایان، برخی آثار مهم میرداماد را نام برده است.^۱

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹ ش (تجدید چاپ تا نوبت دهم، ۱۳۹۱ ش).

۱.۲۷. اندیشه سیاسی متفکران مسلمان / نجف لک زایی؛ با اشراف: علی اکبر علی خانی
این اثر، مجموعه ای نوزده جلدی درباره اندیشه سیاسی دانشمندان جهان اسلام است که هرمدخل آن، اثر نویسنده ای خاص است. در هر مدخل، نخست شرح حال و آثار دانشمندان و سپس نظرات آن ها در حوزه سیاست و حکومت تبیین شده است. مطالب مربوط به میرداماد، در مجلد ششم این مجموعه قرار دارد.

مؤلف پس از ارائه گزارش مختصری از زندگی و تحصیلات میرداماد، به برخی نامه های سیاسی وی - همچون نامه به شاه عباس، نامه به علماء بغداد و پاسخ به استفتاء دربار صفوی درباره پیکار با عثمانی - یاد کرده است. سپس از نظام فلسفی میرداماد که به «حکمت یانی» معروف است، سخن گفته و ساختار آن را ترکیبی از حکمت مشاء، حکمت اشراق، عرفان و کلام دانسته است؛ عناصری که در این نظام فلسفی، با آموزه های شیعی هماهنگی و مطابقت یافته اند.

نویسنده از تسلط میرداماد بر حکمت مشاء یاد کرده و بر این باور است که میر پس از سال ها مطالعه و تحقیق در آثار شیخ رئیس، توانست به خوبی از ویژگی های مثبت آن بهره گیرد و کاستی های آن را مرتفع سازد. میرداماد با استفاده از آموزه های اندیشه مندان پیشین و با تکیه بر احاطه ای که بر متون دینی داشت، در انطباق نظام فلسفی خویش با مضامین شیعی و ایجاد هماهنگی میان عقل و شرع، توفیق بسیار یافت. وی معتقد است که میرداماد در این مسیر، از ابن سینا متأثر بوده است:

«گرچه ابن سینا از جمله فیلسوفان عقل گرا به شمار می آید؛ اما تفاوت او با فیلسوفان پیشین عقل گرای خود در این بود که به این شیوه خویش، صبغه دینی داد. او معتقد بود که عقل در محدوده ای که با نصوص شرعی تعارضی نداشته باشد، حاکم علی الإطلاق است؛ و در موارد تعارض نیز گرچه در ابتدا این ظواهر نصوص است که کنار گذاشته می شود؛ اما با تأویل آن ها در پرتو قوانین علوم تفسیر - و نه با استناد به اجتهادات شخصی - مضامینی که در باطن شان قرار دارد، نمودار می شود و همان مضامین نهفته - که بی شک با عقل هم نوایی دارند - ملاک عمل قرار می گیرند. وی عقیده داشت از آنجا که در شرع، عقل در کنار رسول ظاهری، به عنوان رسول باطنی

معرفی شده است؛ بنابراین، هیچ‌گاه شارع مقدس حکمی مخالف عقل نخواهد داشت؛ در نتیجه، در تعارض ابتدایی، قطعاً شارع ظاهر را اراده نکرده؛ بلکه معنای دیگری را قصد کرده است که در باطن آن ظاهر نهفته است و به کمک قوانین لفظی و ضوابط قطعی عقلی، بر ما مکشوف می‌شود»^۱.

نویسنده در ادامه، به شیوه خاص میرداماد در نگارش و تدوین آثار خود اشاره کرده است. او معتقد است شیوه دشوارنویسی، میرداماد را تا حدی از هجمه اهل ظاهر مصون نگاه داشت؛ در عین حال، باعث شد تا او در تاریخ فلسفه اسلامی مهجور و گمنام بماند.

لک زایی در ادامه، فصلی با عنوان «جبر و اختیار» گشوده است؛ زیرا یکی از مباحث مرتبط با سیاست، آزادی و از جمله مبانی فلسفی آزادی، مفهوم جبر و اختیار است. وی دیدگاه میرداماد را در این باره، در کنار دیدگاه متکلمان اشعری، معتزلی و شیعی، عرفاء و ملاصدرا، چنین تبیین کرده است:

«میرداماد معتقد است هر فعلی یک فاعل مباشر تام دارد و یک جاعل. فاعل مباشر جزء اخیر علت تامه فعل و مصداق حقیقی، عرفی و لغوی فاعل بالاختیار است؛ اما جاعل تام بالاختیار نیست. جاعل موجودی است که وجود و تمامی شئون وجودی یک پدیده را آن به آن افاضه می‌کند. جاعل تام حقیقی منحصر در ذات باری است... بنابراین، هیچ تهاقی میان اراده و اختیار آدمی و خالق هستی نیست؛ چه آدمی فاعل افعال اختیاری و حق تعالی جاعل آن است؛ از سویی، فاعل در طول جاعل است و در هر آن نیازمند به جاعل»^۲.

نویسنده در فصل بعدی که «تشویق به حضور در سیاست» نام دارد، به فعالیت‌های سیاسی میرداماد اشاره کرده است. وی معتقد است که میرداماد در صحنه‌های سیاسی / اجتماعی جامعه خویش حضور جدی داشت. حتی گاه پا را فراتر گذاشته و در قبال سرنوشت دیگر مسلمانان نیز حساسیت نشان داده است؛ برای نمونه، در نامه‌ای به علماء بغداد، آنان را به حضور بیشتر در صحنه اجتماع و جهت دهی به تصمیمات حاکمان ترغیب کرده است. وی همچنین به حضور میرداماد در دربار صفوی و استفتاء شاه از وی اشاره کرده است. وی در ادامه، بخش‌هایی از متن نامه شکایت‌آمیز میرداماد به شاه عباس را آورده است.

فصل بعدی، «زعامت فقیه از دیدگاه میرداماد» نام دارد. نویسنده در این فصل، با استناد به پاسخ میرداماد به استفتائی درباره نماز جمعه، وی را معتقد به زعامت فقیه در عصر غیبت دانسته و چنین نوشته است:

«دقیقاً نمی‌توانیم بگوییم که دیدگاه ایشان ولایت فقیه در حد امور حسبه است یا در حد امور عامه و تشکیل حکومت؛ ولی آنچه مسلم است کلام ایشان بر اعتقاد وی به نیابت فقیه جامع‌الشرایط از معصوم - که سلطان عادل است - حکایت می‌کند»^۳.

۱. اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، ج ۶، ص ۱۶۷.

۲. همان، صص ۱۷۰-۱۷۱.

۳. همان، ص ۱۷۴.

نویسنده فصل بعدی را «تقیّه و مبارزات سیاسی» نام داده و در آن از دیدگاه میرداماد درباره تقیه سخن گفته است. به باور میرداماد، پیشوایان شیعه در اظهار مرتبه و اعلان درجه خود، در مقابل احدی تقیه نکرده‌اند؛ اما پرهیز آنان از قیام علیه حاکمان ظالم، چند دلیل دارد: فقدان اعوان و انصار؛ رضایت به آنچه قلم قضاء الهی بدان جاری شده بود؛ تسلیم به آنچه قدر بدان منتهی شده؛ عمل به وصیت پیامبر.^۱

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ ش.

۱۶۲۸. سیر تحوّل مکتب فلسفی اصفهان، از ابن سینا تا ملاصدرا/ سید مهدی امامی جمعه نویسنده این اثر، سیر تحولات مکتب فلسفی اصفهان را از دوران حضور ابن سینا در این شهر تا عصر حیات ملاصدرا به تفصیل بررسی کرده است. وی در دو بخش مجزا به معرفی شخصیت، آراء و آثار «بنیان‌گذاران حوزه فلسفی اصفهان» پرداخته است. بخش نخست مختصّ شیخ بهایی و بخش دوم درباره میرفندرسکی و میرداماد است. بخش مربوط به میرداماد، مانند دیگر کتاب‌های تاریخی، با اشاره‌ای گذرا به زندگی‌نامه وی آغاز شده است. نویسنده در این بخش، به اساتید میرداماد و جایگاه فقهی وی در عصر صفوی اشاره کرده است.

فصل نخست این بخش، «میرداماد، ملاصدرا و مکتب فلسفی اصفهان» نام دارد. نگارنده در این فصل به نظر هنری کرین اشاره کرده است که عنوان «مکتب فلسفی اصفهان» را تنها شایسته حکمت و فلسفه میرداماد و ملاصدرا دانسته است؛ زیرا فقط این دو فیلسوف مبدع نظریات خلاّقانه و جدید و در پی ایجاد نظام فکری منسجم بوده‌اند. مؤلف بر این باور است که:

«حکمت متعالیه ملاصدرا و فلسفه و حکمت میرداماد... به لحاظ محتوایی پیوندهای ناگسستگی دارند و حکمت متعالیه ملاصدرا ادامه همان راهی است که میرداماد در فلسفه پویید... هر دو حکیم، استاد و شاگرد، کاملاً دل در گرو یکدیگر دارند و هر دو، همدیگر را به عنوان حکماء الهی و صدرنشین، به رسمیت شناخته‌اند».^۲

مؤلف از فلسفه میرداماد با عنوان «حکمت یمانی اصلاح شده» یاد کرده؛ زیرا آن را حاصل دو فرآیند نقد و تأسیس در رویکرد میرداماد به فلسفه قبل از خودش قلمداد کرده است. آنچه موجب شد میر در جایگاه مؤسس این مکتب فلسفی شناخته شود، جسارت او در تأسیس و نقادی بوده است. دکتر امامی جمعه در ادامه و در قالب چند فصل، مختصات شخصیت فلسفی میرداماد و حکمت یمانی میرداماد را بیان کرده است.

فصل نخست به ویژگی «جسارت در تأسیس، تند و تیزی در نقد و نقادی» اختصاص دارد. نویسنده در این بخش اشاره کرده است که میرداماد فضای فکر فلسفی را در حوزه اصفهان، بسیار تأسیسی و انتقادی کرد. به باور وی، میرداماد در تاریخ فلسفه اسلامی در نقد و تأسیس نظری ندارد؛ مگر ملاصدرا. وی سپس نظرات مختلف را درباره چپستی «حکمت یمانی» روایت کرده و

۱. نگر: همان، صص ۱۶۳-۱۷۸.

۲. سیر تحوّل مکتب فلسفی اصفهان، از ابن سینا تا ملاصدرا، صص ۱۷۸-۱۷۹.

پس از بررسی متن آثار میرداماد در این باره، نظر خود را چنین بیان کرده است:

«میرداماد حکمت یمانی ایمانی را آن حکمتی می‌داند که در جهان اسلام شکل گرفته است و حاوی روش‌های گوناگون - بلکه متضاد و متقابل - و شامل نظریه‌ها و دیدگاه‌های درست و غلط است که محتاج تیغ جراحی و نقد از یک طرف و نیز، محتاج اصلاح و تکمیل و ترمیم از طرف دیگر است. پس از نظر میرداماد، می‌توان گفت که آنچه حاصل این نقد و اصلاح است، «حکمت یمانی اصلاح‌شده» است»^۱.

لازم به ذکر است که میرداماد حکمت یمانی را در غیریت با فلسفه یونانی تعریف کرده؛ اما مخالفت چندانی هم با فلسفه یونانی نشان نداده است. وی حتی به ارتباط فلسفه یونانی با مشکلات نبوت باور دارد. ویژگی متمایزی که نظام فکری میرداماد را با گذشتگان متفاوت ساخته، نگاه عالمانه و منصفانه او در نقد آراء و نظریات قدماء است که در نظام فلسفی خود، آن‌ها را تکمیل و اصلاح کرده است. وی در کنار این بازسازی، ابداعات و نوآوری‌های خود را نیز بیان کرده است.

فصل دوم، به «وجودشناسی در حکمت یمانی اصلاح‌شده» اختصاص دارد. نویسندگان در این فصل، نشان داده است که هستی‌شناسی حکمت یمانی، از آیات قرآن کریم و آموزه‌های روایی پیشوایان شیعه متأثر است. به باور وی، اعتقاد به تمایز وجود از ماهیت، آموزه‌ای است که میرداماد از ابن سینا وام گرفته و هستی‌شناسی حکمت یمانی را بر آن استوار ساخته است. نویسندگان معتقد است که:

«خداوند این ترکیب و زوجیت بین وجود و ماهیت را در ذات و سرشت صادر اول قرار داده و از آن مقام و مرتبه، به همه معالیل در همه عوالم وجود - که مادون صادر اول قرار دارند - سرایت داده است. از همین رو است که هر شیء مخلوقی از جهت ذاتش عین بطلان و هلاکت است و دارای لیسیت ذاتیه است؛ اما به حسب استناد شیء به حق تعالی، واجد حقیقت و ایسیت است»^۲.

دکتر امامی جمعه در ادامه، به دو نوآوری میرداماد در حوزه وجودشناسی اشاره کرده است: یکی نظریه اصالت یا اعتباریت وجود و ماهیت به شکل دورانی؛ و دیگری، باور به اصالت ماهیت و در عین حال گرایش به وحدت شخصی وجود. نویسندگان به پیروی از شهید مطهری، بر این باور است که مسئله اصالت ماهیت یا وجود، برای نخستین بار در آثار میرداماد به شکل دورانی مطرح شده است. وی همچنین، درباره دومین نوآوری میرداماد معتقد است که دیدگاه وی، در مقابل اصالت وجود ملاصدرا قرار نمی‌گیرد؛ زیرا:

«میرداماد در باب ذات باری تعالی قائل به اصالت وجود و در عالم امکان معتقد به اصالت ماهیت است؛ اما اصالت ماهیت میرداماد جز این معنا ندارد که ممکنات، وجود حقیقی ندارند و چیزی جز اضافه به حق تعالی نیستند... او هر شیء ممکن را یک زوج

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۱۸۷.

ترکیبی می‌داند که از وجه ارتباطش به حق تعالی، وجود و انیت انتزاع می‌شود و ماهیتش چیزی جز هلاکت و بطلان ذاتی نیست و همین جاست که او در عالم ربوبی، قائل به اصالت وجود و در عالم امکانی، قائل به اصالت ماهیت می‌شود و اصالت ماهیت میرداماد چیزی جز اصالت بطلان و هلاکت و فقر ذاتی در اشیاء نیست»^۱.

نویسنده در فصل بعدی، به مبحث «وحدت سنخی وجود و کمالات وجود به لحاظ قواعد فلسفی» پرداخته است. وی معتقد است که دیدگاه میرداماد درباره وحدت سنخی وجود، نقطه افتراق فلسفه او با اندیشه میفندرسکی و ملارجعلی تبریزی است. به باور میرداماد، هر کمالی در ذات خداوند به صورت بالذات و علی‌الإطلاق وجود دارد و دیگر موجودات به سبب فیض و بخشندگی او به آن صفات متصف می‌شوند. به بیان دیگر:

«در دار وجود ضرورتاً باید وجود بالذاتی موجود باشد. همین طور در حیطه علم، باید علم بالذاتی و در اراده و اختیار، اراده و اختیار بالذاتی موجود باشد؛ همچنین، در قدرت و حیات و سمع و بصر و به طور کلی در هر کمالی به صورت علی‌الإطلاق»^۲.
نویسنده با اشاره به این آموزه مهم توحیدی در فلسفه میرداماد، معتقد است که:
«الهیات میرداماد، از حیث اصل کمالات، تشبیهی است؛ و به لحاظ حد و حدود کمالات، تنزیهی است؛ و این است طریقه جمع تشبیه و تنزیه در صراط مستقیم خداشناسی»^۳.

میرداماد با استفاده از این اصل فلسفی، مطالبی همچون رابطه انسان با اسماء حسناى الهی، تفسیر «کلمه الله»، تفاوت نفوس در برخورداری از کمالات وجود و تشبیه به اخلاق الهی را تبیین کرده است. وی کمال انسانی را در تشبیه و تخلّق به اخلاق و صفات الهی دانسته و برای تأیید دیدگاه خود، به روایات استشهاد کرده است. از نظر میرداماد، هراندازه این تشبیه و تخلّق قوی تر باشد، انسان از تکامل بیشتری برخوردار است؛ لذا، همه موجودات به حسب درجه و مرتبه‌ای که از وجود و کمالات وجود برخوردارند، کلمات الله و اسماء الله به شمار رفته و بر ذات و صفات الهی دلالت دارند. نویسنده در فصل بعدی، درباره «وحدت سنخی وجود در پرتو وحدت شخصی» در آراء میرداماد سخن گفته است. در نظر میر، همان طور که موجودات سایه‌ای از وجود حق هستند، کمالات آن‌ها نیز سایه‌ای از کمالات الهی هستند و میان کمالات ممکنات و کمالات الهی دوگانگی وجود ندارد:

«نه وجود دومی غیر از وجود حق و نه علم دومی غیر از علم حق و به طور کلی، نه کمال دومی غیر از کمال حق و اساساً هیچ ثانی و دومی در کار نیست؛ بلکه وجود حق است و استناد به وجود حق، علم و قدرت و حیات و اراده حق است و استناد به آن‌ها. پس وجود او، وجود اشیاء و علم او نیز علم اشیاء است و همچنین، سایر صفات و کمالات»^۴.

۱. همان، صص ۱۹۱-۱۹۳.

۲. همان، ص ۱۹۴.

۳. همان، ص ۱۹۵.

۴. همان، ص ۱۹۸.

نویسنده این تفسیر را از وحدت وجود، با استناد به آثار میرداماد تبیین کرده است. بر اساس تحلیل او، مسیری که میرداماد از اصالت ماهیت طی کرده تا به وحدت وجود رسیده، با راهی که ملاصدرا از اصالت وجود آغاز کرده است، تفاوت چندانی ندارد و گویا حقیقتی واحد، به دو گونه متفاوت ابراز شده است.

نویسنده در فصل «عالم امکان یا یک شخص واحد»، بیان کرده است که میرداماد با اتکا به وحدت شخصی وجود و کمالات وجودی - که توضیح آن گذشت - کل عالم امکان را نظامی واحد و پیوسته قلمداد کرده که وحدت آن، از سنخ وحدت اعتباری یا مجموعه‌ای نیست؛ بلکه دارای وحدت شخصی و مرتبط و مستند به وجود حق تعالی است.

نویسنده در ادامه، مباحث «حدوث دهری» و «اصالت حرکت قطعیه» را از ابداعات میرداماد به شمار آورده و به ذکر عناوین آن‌ها اکتفا کرده است؛ زیرا در منابع دیگر، درباره آن‌ها بسیار بحث شده است.

دکتر امامی جمعه در فصل بعدی، درباره «غیرت عقلانیت در حکمت یمانی میرداماد» سخن گفته است. از نظر او، میرداماد با وجود اعتقاد به طریق شهود عرفانی، به جد مدافع عقل و برهان بوده است؛ از این رو، هر نوع تحقیر عقل و عقلانیت را بدون ملاحظه و رعایت شئون فرد - هرچند از بزرگان باشد - به خودش بر می‌گرداند. وی در ادامه، پاسخ منظوم میرداماد را به ابیاتی از مثنوی مولوی، نقل کرده است.^۱

آخرین نظر خاص میرداماد، درباره «انوار طولی و عرضی» است. وی وجود عالم واسطه میان عالم ماده و عالم مجرد را - که صورت‌ها در آن، نه ماده و نه محل داشته باشند - نپذیرفته است؛ اما عالم مثل معلقه را به این صورت می‌پذیرد که صورت در آن، واجد ماده مثالی - در برابر ماده حسی - است. به عبارت دیگر، میرداماد تفسیری متفاوت از مثل افلاطونی ارائه داده و منکر کلیت آن نیست.

نویسنده در ادامه، درباره «ملاصدرا و نسبتش با حکمت ایمانی شیخ بهایی و حکمت یمانی میرداماد» بحث کرده است. وی بر این باور است که مرام شیخ بهایی و میرداماد در نگرش به مقوله عرفان و شهود و نیز جهت‌گیری در تدریس حکمت و علوم نقلی، با یکدیگر تفاوت داشته است؛ اما ملاصدرا با شاگردی همزمان در محضر این دو عالم بزرگ، رویکرد معتدلی با ترکیب مشی دو استاد خود اتخاذ کرده است؛ رویکردی که ثمره‌اش، نظام فلسفی حکمت متعالیه است.^۲

۱. بیت نخست سروده مولوی از این قرار است:

«پای استدلالیان چوبین بود

میرداماد نیز پاسخ خود را چنین آغاز کرده است:

«ای که گفتی پای چوبین شد دلیل

فخررازی نیست جز مرد شکوک

پای چوبین سخت بی‌تمکین بود»

ورنه بودی فخررازی بی‌بدیل

گر تو مردی از نصیرالدین بگوک»

(نگر: دیوان اشراق، ص ۷۷).

۲. نگر: همان، صص ۱۱۷-۲۱۹.

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۵ش).

۱،۲۹. مکتب فلسفی اصفهان (ب) / محمد علی مدرّس مطلق

اثری با همین عنوان و از همین مؤلف در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی به همت انتشارات فرهنگستان هنر منتشر شده است؛ اما باید توجه کرد که محتویات این دو کتاب با هم متفاوت اند؛ چنان که نویسنده در مقدمه اثر دوم، آن را تکمله‌ای بر کتاب نخست قلمداد کرده و در موضعی از آن، خواننده را به اثر سابق خود ارجاع داده است. همچنین، مطالب مربوط به شخصیت و آثار میرداماد در این کتاب، موجزتر از اثر سابق است.

نویسنده در فصل موسوم به «سه فیلسوف مؤسس»، ابتدا درباره میرداماد سخن گفته و درباره مشی فلسفی نوشته است:

«ایشان بی تردید، به سان نقطه عطفی در تاریخ فلسفه اسلامی است. با وی سنت حاشیه نویسی - که مورد علاقه حکمای شیراز بود - به حاشیه رفت و به شیوه حکمای سلف، به خلق آثار مستقل پرداخت... به لحاظ فرم و صورت، سبک مثانی را پذیرفته و به لحاظ ماده و محتوا، متأثر از حکمای اشراقی و رواقی اسلام است؛ لیکن روح غالب و حیات ساری فلسفه او، همانا معارف اهل بیت معصوم پیامبر ﷺ است. منظور از حکمت یمانی هم همین است»^۱.

وی در ادامه نکاتی درباره مبانی و نتایج نظریه «حدوث دهری» مطرح کرده است. گویا برخی افراد با استناد به آثار حکماء پیش از میرداماد و رصد استفاده آنان از اصطلاح «دهر»، بیان کرده اند که میرداماد مبدع این نظریه نبوده و باور به آن، پیش از او نیز رواج داشته است. مؤلف با تعقیب این معنا در آثار افرادی همچون ابوالعبّاس ایرانشهری، ابن مسکویه رازی و جلال الدین دوانی، تذکر می دهد که:

«سخن از دهر گفتن، غیر از نظریه حدوث دهری است؛ هر چند مقدمه آن باشد؛ بنابراین، حدوث دهری که مُشعر به مسبوقیت عالم و موجودات آن به عدمی صریح و واقعی است، مختص به خود میر است»^۲.

وی در ادامه، برخی ویژگی های کتاب القیسات را بر شمرده و از حواشی سیداحمد علوی عاملی و ملاشمسای گیلانی بر این کتاب یاد کرده است. نویسنده در این بخش به سلسله تاریخی منتقدان و مدافعان میرداماد، به اختصار اشاره کرده است. از میان مخالفان نظریه حدوث دهری، ملا محمد طاهر قی، آقا جمال خوانساری، محمد بن محمد زمان کاشانی و آقا علی مدرّس را نام برده و در میان مدافعان، به ملا عبدالغفار گیلانی و ملا محمد اسماعیل خواجویی اشاره کرده است. همچنین، زنجیره شارحان آثار میرداماد را با محمد بن علی رضا آقاجانی و سید محمد اشرف بن عبدالحسیب

۱. مکتب فلسفی اصفهان (ب)، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۲۴.

علوی عاملی دنبال کرده است.^۱

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش.

۱.۳۰. خرد آواره (ظهور و زوال عقلانیت در جهان اسلام) / علی امیری

نویسنده این کتاب، با قصد ترسیم سیر انحطاط و احیاء عقل‌گرایی، سیر تحولاتی را که در جریان عقلانیت و خردگرایی در جهان اسلام رخ داده، در سه فصل «کوشش‌های فلسفی»، «گذار از فلسفه به نبوت» و «شامگاه تفکر» بررسی کرده است. امیری در فصل دوم، به مسائلی پرداخته است که در حاشیه مناسبات فلسفه و دیانت در جهان اسلام پدید آمده‌اند. وی در این فصل، در بخشی با عنوان «میان‌پرده حدوث دهری»، از دیدگاه میرداماد درباره تعارض فلسفه یونانی با تعالیم اسلامی سخن گفته است.

مؤلف بر این باور است که میرداماد ارسطویی‌ترین فیلسوف دوران متأخر بوده که میراث ارسطو را از طریق ابن‌سینا دریافت کرده است. نظریه «حدوث دهری» نیز پروژه‌ای در راستای بازگشت به تعالیم ارسطو بوده است؛ اگرچه در فضای آن روزگار، سخنی خلاف عادت بود و چونان ندایی گنگ و مبهم، به فراموشی سپرده شد.

مؤلف در فصل «نسبت فیزیک و متافیزیک در سنت فلسفی اسلامی»، اشاره کرده است که سرآغاز فلسفه در اسلام، ترجمه آثار یونانی به زبان عربی بوده است. ورود تفکر یونانی با توجه به اقتضائات تمدن و فرهنگ سرزمین‌های اسلامی، موجب بروز تغییراتی شد که مهم‌ترین آن‌ها گسست فیزیک از متافیزیک بود؛ درحالی‌که:

«متافیزیک ارسطو بر گرده فیزیک او استوار است. «متافیزیک» اصول و بنیادهای فیزیک است. درست به همین دلیل است که ارسطو متافیزیک را فلسفه اولی و علم اصول نخستین می‌نامد»^۲.

اما این یگانگی، در تفکر اسلامی متفرق شد و شکافی جدی میان فیزیک و متافیزیک ایجاد کرد؛ شکافی که پُر کردن آن به مسئله‌ای اساسی در مابعدالطبیعه اسلامی تبدیل شد. این مسئله در صورت‌های مختلفی همچون «نسبت الهیات با طبیعیات»، «نسبت جهان با خدا» و «نسبت حادث با قدیم» همواره در جهان اسلامی مطرح بوده است.

مؤلف پس از طرح این مسئله، درباره «حدوث ذاتی و قدم زمانی عالم» سخن گفته است. وی نظریه متکلمان را درباره حدوث زمانی عالم، به اختصار روایت کرده و آن را از معنای دینی «خلقت» متأثر دانسته است. فلاسفه نیز در پاسخ به مسئله نسبت خلق با پروردگار، نظریه حدوث ذاتی را پیش کشیدند. نویسنده تأکید می‌کند که این دیدگاه، در آثار ابن‌سینا و در قالب نظریه «صنع و ابداع» در عقلانی‌ترین شکل خود مطرح شد؛ اما هیچ‌یک از دو نظریه حدوث ذاتی و حدوث زمانی، در جلب نظر طرف مقابل و تقریر فراگیر فرایند «خلقت» کامیاب نبوده‌اند:

۱. نگر: همان، صص ۲۰-۲۶.

۲. خرد آواره (ظهور و زوال عقلانیت در جهان اسلام)، ص ۳۵۳.

«حدوث ذاتی خود چیزی در حدّ یک اعتبار عقلی بود و تفاوت چندانی میان خدا و جهان از نظر قدمت وجود نداشت و پذیرفتن این امر در تمدّنی که به حکم دین همه چیز را هست شده از نیست می دانست، آسان نبود. در سوی دیگر، حدوث زمانی که متکلمان و اصحاب شریعت آن را مطرح می کردند نیز از حیث استحکام استدلال و قوّت منطق و انسجام بیان، ذهن متفکّری خردگرا را خرسند نمی کرد»^۱.

امیری از همین منظر به «نظریّه حدوث دهری میرداماد» نگریسته است. در نظر او، این آموزه به جدل های متکلمان و فلاسفه پیش از میرداماد ناظر است؛ اما نمی توان کلیّت نظریّه میرداماد را به حلّ این جدال کهن تقلیل داد. او سپس، این نظریّه را بر اساس متن کتاب القبسات تقریر کرده است. نویسنده ابتدا، به تفاوت اصطلاحات «زمان»، «دهر» و «سرمد» در دیدگاه ابن سینا و میرداماد اشاره کرده است. سه مفهوم سرمد، دهر و زمان در نگاه میرداماد، دارای دو بُعد انتولوژیک (هستی شناختی) و ارتباطی هستند. مؤلف درباره بُعد انتولوژیک این مفاهیم نوشته است:

«سرمد: ظرف ذات الهی است. سرمد امر ثابت و ازلی و لایتناهی است. ذات خداوند در سرمد قرار دارد؛ بدین سان، سرمد نوعی هستی است که با اندکی مسامحه می توان گفت ظرف ذات الهی است. خداوند در مقام سرمدیت، هیچ نسبتی با امور گذران و تغییر پذیر ندارد.

دهر: دهر، مقام و ظرف وجود مسبوق به عدم صریح است که از مقدار و کمیت منزّه است. این وجودات ثابت، همان حاقّ متن واقعیت است که با زبان استعاری و به طور مسامحی، می توان گفت: در دهر مسکن گزیده است. وجودات ثابت مسبوق به عدم است و اکنون که هستی پذیرفته، بایست در ظرفی مستقرّ شود و این ظرف همان دهر است.

زمان: در مقابل وجودات ثابت، وجود و عدم دارای مقدار و سیال و پیوسته در حال تغییر را داریم که در ظرف زمان واقع است. زمان نیز امر انتولوژیکال است و با وجودات و عدم های متغیّر نسبت دارد. این متغیّرات، زمان و «در زمان» است و با وجودات و عدم های متغیّر نسبت دارد»^۲.

اما از نظر امیری، بُعد ارتباطی این سه ظرف وجودی در فهم صحیح حدوث دهری بسیار مؤثر است. میرداماد در جای جای آثار خویش، تصریح کرده است که رابطه اشیا متغیّر در بستر زمان صورت می گیرد، دهر پیونددهنده موجودات ثابت با موجودات زمانی است؛ و سرمد نیز ساحت متافیزیکی وجود مطلق است. بر این اساس:

«میر هم به رابط بودن این سه پدیده میان هستی های مختلف اشاره می کند و هم به داشتن روابط علیّ و معلولی میان این سه؛ و این گونه است که زمینه را برای طرح

۱. همان، ص ۳۵۸، با اصلاح یک لفظ.

۲. همان، ص ۳۶۰.

نظریه حدود دهری مهیا می‌کند. او در مقابل حدوث ذاتی و حدوث زمانی، از نوعی حدوث دیگر سخن می‌گوید که همان حدوث دهری باشد. شالوده این حدوث دهری، نسبت متغیر با ثابت است و این می‌تواند کوششی باشد برای پیوند مجدد فیزیک و متافیزیک در جهان اسلام»^۱.

نویسنده در فصل بعدی، به «سرنوشت نظریه حدود دهری از زمان دهر تاکنون» پرداخته و معتقد است که شارحان متأخر این نظریه، آن را به نظریه‌ای در عداد سایر نظریه‌های در امر آفرینش تقلیل داده و آن را در چهارچوب دستگاه ارسطویی فهم نکرده‌اند. وی از سکوت ملاًصدرا در قبال نظریه استادش اظهار تعجب کرده و نوشته است:

«این را می‌توان فاصله‌گیری فلسفه از دلیل‌ورزی‌های منطقی و نزدیکی آن به شهود عرفانی دانست... اگر سرگذشت بحث از آفرینش را از ابن سینا و ناصر خسرو تا ملاًصدرا در نظر بگیریم، آشکارا می‌بینیم که مسئله خلقت روزبه‌روز لاغرتر شده و شوریده‌سری‌های عرفانی، آب سردی بر عطش دلیل‌ورزی‌های منطقی ریخته و دلبستگی به تبیین عقلانی از عالم کاهش یافته است»^۲.

وی در ادامه، با اشاره به تقریر حاجی سبزواری و میرزامهدی آشتیانی از حدوث دهری، معتقد است که آنان هیچ‌گونه چالشی در برابر مبانی این نظریه قرار نداده‌اند؛ لذا، می‌توان گفت که نظریه حدود دهری در کل میراث حکمت متعالیه مغفول مانده است.

امیری در ادامه، گزارشی از مواجهه چهارتن از دانشمندان معاصر با نظریه حدود دهری ارائه داده است. وی ابتدا دیدگاه منتقدانه استاد سید جلال‌الدین آشتیانی را در این باره مطرح کرده و معتقد است که نقدهای وی، ناشی از خلط در تشخیص خاستگاه اصلی این نظریه است. او سپس به نظرات هنری کربن اشاره کرده است. امیری از تلاش بی‌وقفه کربن در ترسیم سیمای الهی و معنوی از میرداماد انتقاد کرده است؛ زیرا نتیجه این رویکرد، توجیه التقاط عرفان و فلسفه در عالم اسلام است؛ درحالی‌که چهره میرداماد در آثار خود، فیلسوفی آگاه به غث و سمین میراث فلسفی خویش است. وی درباره رویکرد کربن نوشته است:

«سرنوشت تفکری تاریخی را در عالم مثال جست‌وجو کردن، غیر فلسفی‌ترین رفتاری است که ممکن است از شخصی با داعیه فلسفه داشتن و فیلسوف بودن سرزند؛ و درست به همین دلیل، کوشش‌های کربن در پی راهه سیر می‌کند و از لحاظ تاریخی فاقد ارزش است»^۳.

امیری در ادامه، تفسیر توشی‌هیکو ایزوتسو و فضل‌الرحمن را از نظریه حدود دهری بیان کرده است. به‌باور وی، علی‌رغم تحلیل و تقریر درخشان آن‌ها از دیدگاه میرداماد، آنان نیز همانند پیشینیان خود، درک صحیحی از خاستگاه و جایگاه نظریه حدود دهری - که همان مسئله گسست فیزیک از متافیزیک در عالم اسلامی است - نداشته‌اند.

۱. همان، ص ۳۶۲.

۲. همان، ص ۳۶۳.

۳. همان، ص ۳۶۸.

با این مقدمه، نویسنده فصلی به نام «پیوند تاریخ و متافیزیک» گشوده و در آن، نظریه حدوث دهری را در زمینه تاریخی اش بررسی کرده است. وی بر این باور است که میرداماد حدوث دهری را با ارجاع به حدوث ذاتی ابن سینا مطرح کرده؛ اما حدوث ذاتی هم در حقیقت، روگرفتی اسلامی از نظریه ارسطو بوده است. در تفکر ارسطویی هیچ شکاف و رخنه‌ای میان فیزیک و متافیزیک وجود ندارد. عامل شکاف میان فیزیک و متافیزیک، مسئله خلق از عدم در تفکر دینی است که متکلمان آن را با حدوث زمانی و فلاسفه با حدوث ذاتی توضیح داده‌اند. ریشه این رخنه و شکاف با تفسیر فارابی از متافیزیک ارسطو آغاز شده است:

«در تفکر فارابی، بُعد زمانی متافیزیک، به رغم امثال آن نااندیشیده مانده بود و به موجب همین نااندیشیده ماندن آن بود که شکاف میان فیزیک و متافیزیک پدید آمد. میرداماد با نظریه حدوث دهری و پیوندی که میان ساحت متافیزیک و موجودات تجربی و طبیعی ایجاد کرد، می‌کوشید بر این شکاف فائق آید. این فائق آمدن تنها در صورتی که حدوث دهری را «تاریخی شدن» ترجمه کنیم، معنادار می‌شود. اگر قرار باشد که دامن این بحث را جمع کنیم، می‌توان گفت که حدوث دهری، به دلیل موقعیت برزخی بودن خود، می‌تواند به صورت تاریخی ترجمه شود و امکانات و ظرفیت‌های آن در راستای تاریخی شدن تفکر و الهیات به کار گرفته شود و بدین ترتیب، بار دیگر، عهد باشکوه تفکر یونانی تجدید گردد»^۱.

نویسنده فصل پایانی این بخش را «حدوث دهری: تجدید عهد با یونان» نام داده و در آن، نظریه حدوث دهری را چیزی بیشتر از اصطلاحات و نظریات فلسفی قلمداد کرده است. از نظر وی، حدوث دهری برزخی است میان سرمد و زمان و لذا، رشته‌ای است که میان فیزیک و متافیزیک پیوند برقرار می‌کند.^۲ اطلاعات نشر:

- چ، ۱، کابل: انتشارات امیری، ۱۳۹۲ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۵ش).

۱، ۳۱. حکمت، معرفت و سیاست در ایران (اندیشه سیاسی / عرفانی در ایران: از مکتب

اصفهان تا حکمای الهی معاصر) / مهدی فدایی مهربانی

این اثر به بررسی رویکرد سیاسی دانشمندان در تاریخ اندیشه ایران اسلامی اختصاص دارد. بخش مربوط به میرداماد، با اشاره به زندگی‌نامه وی و اهتمامش در سلوک عرفانی آغاز شده است. مؤلف کتاب، تفاوت حکمت یمانی میرداماد را با فلسفه یونانی، با ارجاع به کلام دکتر سیدحسین نصر تبیین کرده است. چنان‌که گذشت، مؤلف به دنبال تبیین اندیشه‌های سیاسی بوده؛ لذا از میان شاگردان میر، نام علی نقی کمره‌ای را ذکر کرده و ضمن اشاره به عناوین برخی آثار او - همچون المقاصد العالیة فی الحکمة الیمانیة و حدوث العالم - وی را «حکیم سیاسی» نامیده است؛ زیرا علاوه بر اشتغال به حکمت و عرفان، قاضی شیراز نیز بوده است.

۱. همان، ص ۳۷۳.

۲. نگر: همان، صص ۳۵۱-۳۷۵.

نویسنده به مقام فقه‌ای میرداماد اشاره کرده و برخی شاگردان وی را در علوم منقول نام برده است. وی معتقد است که:

«بررسی فقه‌ای اجتهادی در این جریان، به ما در فهم و شناسایی چگونگی ظهور اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر شریعت شیعی در ایران کمک خواهد کرد. بر همین اساس که برخی معتقدند علی بن عبدالعالی کرکی، بنیان‌گذار نظریه ولایت فقیه در ایران است»^۱.

نگارنده این اثر همچون مؤلف کتاب اندیشه سیاسی متفکران مسلمان - که ذکر آن پیش‌تر گذشت - پاسخ میرداماد را به استفتاء درباره نماز جمعه، مؤید اعتقاد وی به ولایت فقه‌اء در عصر غیبت دانسته است. وی در ادامه، از آیشخورهای اندیشه فلسفی میرداماد سخن گفته و پس از اشاره به احتمال تأثیر وی از حروفیان استرآباد، درباره ارتباط وی با اندیشه‌های سهروردی نوشته است:

«جالب است که از میرداماد نیز تجربه‌های عرفانی بسیار روایت شده که در آن‌ها ردپای بسیار روشنی از سهروردی می‌توان یافت. تخلص او به «اشراق» مؤید نظر ماست. به روشنی می‌توان دریافت که او با نور و فلسفه انوار سهروردی بسیار مانوس بوده است.... شرح‌های اشراقی میرداماد به شیوه سهروردی از شهرهایی همچون جابلقا و جابلسا که در لامکان یا عالم برزخی خیال منفصل قرار دارند، همچنین اشارات وی در کیفیت طی الأرض، اهمیت آشنایی با اسم اعظم، زمان و بی‌زمان ازلی و... همگی به گنه اشراقی این حکیم الهی برمی‌گردند»^۲.

فدایی‌مهربانی در ادامه، نظریه حدوث دهری را بر اساس آثار دکتر سیدحسین نصر، به اختصار تقریر کرده است. سپس از منتقدان و مدافعان این نظریه - همچون آقا جمال خوانساری، محمدبن محمدزمان کاشانی و محمداسماعیل خواجوی - نام برده است. وی مباحث خود را با اشاره به سبک نوشتار و قلم دشوار میرداماد به انجام رسانده است.^۳

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: نشر فی، ۱۳۹۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۵ش).

۱.۳۲. فلسفه در سرزمین نبوت: فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز / سیدحسین نصر

این اثر، حاصل تأملات پنجاه‌ساله دکتر سیدحسین نصر درباره فلسفه اسلامی و ارتباط آن با وحی و نبوت است. کتاب شامل چهار بخش کلی با عناوین «فلسفه اسلامی و مطالعه آن»، «مسائل فلسفی»، «فلسفه اسلامی در تاریخ» و «وضعیت کنونی» است. دکتر نصر در بخش

۱. حکمت، معرفت و سیاست در ایران (اندیشه سیاسی) / عرفانی در ایران: از مکتب اصفهان تا حکمای الهی (معاصر)، صص ۱۶۶-۱۶۷.

۲. همان، ص ۱۶۷.

۳. نگر: همان، صص ۱۶۵-۱۶۹.

4. *Islamic Philosophy from Its Origin to the Present: Philosophy in the Land of Prophecy*, New York: State University of New York Press, 2006.

دوم کتاب، مسئله «وجود و ماهیت» را محوری ترین چالش تاریخ فکر فلسفی در جهان اسلام دانسته است.^۱ از نظر او، میرداماد یکی از طرف‌های اصلی نزاع در این مسئله است که به اصالت ماهیت باور دارد.^۲

بخش دوم کتاب، به معرفی مفصل چهره‌ها و مکاتب فلسفی جهان اسلام اختصاص دارد. یازدهمین فصل از این بخش، «بازبینی مکتب اصفهان» نام دارد. دکتر نصر پس از ارائه درآمدی مختصر، مدخلی به نام میرداماد گشوده و در آغاز آن آورده است:

«مکتب فلسفی‌ای که میرداماد در قرن دهم / شانزدهم در اصفهان بنیان‌گذاری کرد، از دو جهت حائز اهمیت خاص است: یکی از این جهت که تألیفی است از نزدیک به هزار سال تفکر؛ و دیگر اینکه واپسین مکتب سنتی در تفکر اسلامی است؛ مکتبی که طی چهار قرن گذشته، تأثیر خود را بر ایران و عراق و بخش‌های مسلمان‌نشین شبه‌قاره هند نهاده است»^۳.

وی پس از ارائه زندگی‌نامه مختصری از میرداماد، ذکر القاب و برشماری آثار وی، به اجمال از دیدگاه‌های فلسفی میر سخن گفته است:

«میرداماد در اصل فیلسوفی مشایی بود که تفسیری اشرافی از برخی اندیشه‌های مشایی داشت؛ اما او صرفاً به تفسیر دوباره آرای حکمای پیشین خرسند نبود. وی در چندین حوزه دارای آرای مشخص است که با نام او پیوند خورده‌اند. این آراء عبارت‌اند از: تفسیرهایی نواز مسئله «جبر و اختیار»، ساختار و معنای «عالم خیال» و مسئله «بداء» (تغییر ظاهری در اراده الهی بنا بر نص کلام الله مجید). فضل تقدّم دیگر میرداماد این است که او نخستین فیلسوفی است که در تاریخ فلسفه اسلامی، بحث اصالت وجود و اصالت ماهیت را به صورت یک بحث فلسفی کلاسیک طرح کرده است»^۴.

دکتر نصر در ادامه، دغدغه اصلی میرداماد را «نسبت زمان و ابدیت» و مسئله «حدوث و قدم» برشمرده است. در نظر او، این دغدغه، در تأثیر مستقیم از آموزه‌های وحیانی در سنت ادیان ابراهیمی شکل گرفته است؛ سنتی که با تعالیم فلسفه یونانی، از اساس متفاوت است. او سپس، تقریر بسیار مختصری از نظریه «حدوث دهری» ارائه داده و با اشاره مجدد به ارتباط میرداماد با سیر و هدف اصلی کتاب، این مدخل را به پایان برده است.^۵

اطلاعات نشر:

۱. با ترجمه مهدی نجفی افرا، چ ۱، تهران: جامی، ۱۳۹۴ ش.
۲. با ترجمه بیت‌الله ندرلو، چ ۱، تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۶ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۷ ش).

۱. نگر: فلسفه در سرزمین نبوت: فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز، ص ۸۵.

۲. نگر: همان، ص ۱۰۳.

۳. همان، ص ۲۵۲.

۴. همان، ص ۲۵۵.

۵. نگر: همان، صص ۲۵۲-۲۵۷.

۱۳۳. درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی / گروه مؤلفان؛ زیر نظر: محمد فنایی اشکوری در مجموعه سه جلدی درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی، مکاتب و جریان‌های فلسفی، عرفانی، کلامی و منطقی در جهان اسلامی به شیوه تحلیلی / انتقادی و بدون جانب‌داری از گرایش‌های مختلف فکری و عقیدتی، معرفی شده‌اند. بخش مربوط به مکتب فلسفی اصفهان و چهره‌های شاخص آن، در جلد سوم این مجموعه آمده است.

نویسنده در ابتدا، به زمینه‌های تاریخی مکتب فلسفی اصفهان اشاره کرده و از اتصال آن به مکتب شیراز سخن گفته است. سپس مؤسسان این مکتب را به تفصیل معرفی کرده است. او ابتدا به شخصیت شیخ بهایی و میرفندرسکی پرداخته و پس از آن‌ها، درباره میرداماد سخن گفته است. وی در معرفی میرداماد، ابتدا به رویدادهای مهم زندگی او و مراحل تحصیل وی در مشهد، قزوین، کاشان و اصفهان پرداخته، سپس درباره جایگاه میر در سیاست و حکومت و نیز ارتباط او با پادشاهان صفوی و معاصران خود - از جمله شیخ بهایی - توضیحاتی ارائه داده است. وی پس از اشاره به متن مکاتبات میرداماد با دربار صفوی، آورده است:

«با تأمل در فضای حاکم بر این قبیل نامه‌هایی که بین سلاطین صفوی و حکمای شیعه عصر صفوی تبادل می‌شده، این نکته به دست می‌آید که نه تنها علمای شیعه - همانند شیخ بهایی، میرداماد، مجلسی - درباری سلاطین به معنای رایج مذموم آن نبوده‌اند، کاملاً برعکس بوده است. در آن زمان، سلاطین درباری علمای شیعه و گوش به فرمان ایشان و نیازمند هدایت‌ها و حکایت‌های آنان بوده‌اند»^۱.

وی در ادامه تصریح کرده است که یکی از انگیزه‌های میرداماد برای طرح نظریه «حدوث دهری» و تألیف کتاب القیسات، دفاع از اتهام باور قدم عالم بود که از سوی دربار عثمانی درباره تشیع مطرح شده بود. وی در ادامه، به مقام معنوی میرداماد و تقید او به زهد و شریعت اشاره کرده و متن یکی از خلسه‌های او را نقل کرده است.

نویسنده در بخش بعدی، از «مقام علمی» میرداماد سخن گفته است. وی در این بخش با مراجعه به منابع تاریخی و تذکره‌ها - همچون لؤلؤة البحرین، تذکره نصرآبادی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قصص العلماء و الکنی و الألقاب - درباره ویژگی‌های شخصیت میرداماد، همچون نبوغ ذاتی وی، مراحل تحصیلات و اساتیدش، سبک نوشتار وی و تبحرش در علوم عقلی و نقلی و ادبیات سخن گفته است.

وی در معرفی «شاگردان» میرداماد، تصریح کرده است که:

«بی‌شک هیچ‌یک از شاگردان میرداماد، نه در مرتبه علمی و نه شهرت در میان عام و خاص، هم‌اورد ملاًصدرا نیستند. بین این استاد و شاگرد، شیفتگی یا جذب و انجذاب ویژه برقرار بوده است»^۲.

وی پس از اشاره به نام ملاًصدرا و سید احمد علوی عاملی، نام بیست و پنج تن از شاگردان

۱. درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی، ج ۳، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۲۱۱.

میرداماد را فهرست کرده است.

نویسنده در فصل بعدی، «آثار علمی» میرداماد را معرفی کرده است. وی آثار میر را به تفکیک علوم عقلی و نقلی فهرست کرده است. ابتدا از بیست اثر فلسفی وی نام برده و سپس، دوازده عنوان از آثار وی در علوم نقلی را فهرست کرده است. وی در ادامه، کتاب نبراس الضیاء را به تفصیل معرفی کرده و درباره آموزه‌های میر در این کتاب نوشته است:

«هرگاه حکمی منسوخ می‌شود و در جایی بدائی حاصل می‌آید، در آنجا حکم تشریعی و امر تکوینی می‌پذیرد؛ چراکه مصلحت تشریع حکم و افاضه امر تکوینی پایان می‌یابد و چنان‌که می‌دانیم، حکم الهی و افاضه ربوبی، تابع مصالح و مفاسد است؛ پس چنین نیست که در نسخ، حکمی وجود داشته باشد و برداشته شود و یا در بداء، امر تکوینی از میان برود»^۱.

وی در پایان این بخش، به سبک نوشتار میرداماد اشاره کرده و در توجیه دشواری‌های وی نوشته است:

«گفته‌اند: او این سبک را برای درامان ماندن از تعرض مخالفان فلسفه و فلسفه‌ستیزان برگزیده است. وجه دیگر هم می‌تواند این باشد که وی می‌خواسته با دشواری‌های فلسفه را از دسترس کسانی که قادر به فهم درست آن نیستند، دور نگاه دارد. این احتمال نیز بعید نیست که هرچه مطلب علمی از سطح معمول فاصله گرفته و به ژرفا گراییده، به دلیل تناسب بین لفظ و معنا، واژگان استخدای میرداماد نیز از سادگی به دشواری رفته است»^۲.

نگارنده در ادامه، ذیل عنوان «آراء و اندیشه‌ها» به تبیین نظریات فلسفی میرداماد پرداخته است. وی برخی دیدگاه‌های خاص میر را به اختصار معرفی کرده و تنها به نقل قولی از وی درباره آن‌ها اکتفا کرده و برخی را به تفصیل تقریر کرده است. فهرست آراء بررسی شده از این قرار است:

۱. میرداماد مقولات را به دو مقوله «جوهر» و «عرض» فروکاسته است.
۲. وی «عالم مثال» را نپذیرفته و آن را غیربرهانی می‌داند.
۳. او «وحدت» و «کثرت» را در معنای عام، از مقولات ثانی فلسفی بر شمرده است.
۴. میرداماد علم واجب تعالی را به موجودات، از نوع «علم حضوری» می‌داند.
۵. میرداماد به تفاوت «حمل اولی ذاتی» با «حمل شایع صناعی» متفطن بوده و در آثار خود به این مطلب اشاره کرده است. البته، برخی این دیدگاه را به ملاحظه نسبت داده‌اند؛ ولی حقیقت آن است که تفاوت دوگونه حمل، پیش از ملاحظه و میرداماد مطرح بوده است؛ چنان‌که جلال الدین دوانی در نوشته‌های خود بدان تصریح کرده است.
۶. مشهور است که میرداماد دلالت الفاظ را بر معانی، ذاتی می‌دانسته است؛ اما نویسنده خاطرنشان کرده است که در میان آثار میرداماد مؤیدی برای این انتساب یافت نمی‌شود.

۱. همان، ص ۳۱۸.

۲. همان، ص ۳۳۰.

۷. «نفس الأمر» در نظر میرداماد، مطلق وعاء حصول است. مراتب نفس الأمر از نظر میرداماد عبارت است از: وجود عینی، وجود ذهنی و وجود اعتباری حقیقی (لا بتعمّل العقل).

۸. میرداماد به نظریه «حدوث دهری» قائل است. نویسنده توضیحات خود را با سخنی از حکیم سبزواری آغاز کرده که صراحتاً میرداماد را مُبدع این نظریه معرفی کرده است. وی در ادامه با استناد به بخشی از مطالب نورالهدایه‌ی جلال‌الدین دوانی و همچنین سخنی از ملامهدی نراقی، معتقد است میرداماد به لحاظ کم‌وکیف، بیش از دیگران درباره‌ی این نظریه سخن گفته است؛ اما نمی‌توان او را مبتکر اصلی آن دانست. وی در ادامه، درباره‌ی انگیزه میرداماد در طرح این نظریه نوشته است:

«میرداماد در اثبات حدوث دهری عالم، تقریب بین فلاسفه، متکلمان و متدینان را دنبال می‌کرده است. وی به بیان فلسفی به فلاسفه رساند که مسئله حدوث عالم اثبات‌پذیر است و مسئله‌ای جدلی‌الطرفین نیست؛ و نیز، به متکلمان و متدینان به بیان علمی و زبان دیانت فهماند که دلیلی ندارد حدوثی را که از احادیث و روایات مستفاد می‌شود، به حدوث زمانی فروکاهیم و حتی این را ملاک نیاز معلول به علت تلقی کنیم؛ بلکه می‌توانیم آن را به حدوث دهری تفسیر یا تأویل کنیم»^۱.

وی در ادامه، از منتقدان و مدافعان این نظریه - همچون آقاجمال خوانساری، محمدبن محمدزمان کاشانی و محمداسماعیل خواجوی - نام برده است. سپس، تقریر حکیم سبزواری را از حدوث دهری نقل کرده و «حدوث اسمی» سبزواری و «حدوث جوهری» ملاصدرا را به انواع حدوث زمانی، ذاتی و دهری افزوده است. نویسنده در پایان این بخش، دلیل سکوت ملاصدرا درمواجه با نظریه استاد را از قول شهید مطهری نقل کرده است.

۹. میرداماد برای نخستین بار مسئله اصالت وجود یا ماهیت را به نحو دورانی مطرح کرده و خود اصالت ماهیت را برگزیده است. برخی همچون استاد آشتیانی، معتقدند که سهروردی برای اولین بار این دوگانه را در تاریخ فلسفه اسلامی مطرح کرده است. برخی دیگر میرداماد و عده‌ای ملاصدرا را آغازگر این پرسش فلسفی می‌دانند. نویسنده با ترجیح نظر شهید مطهری، نوشته است:

«به‌صرف اینکه شیخ اشراق قائل به اصالت ماهیت بوده، نمی‌توان او را طراح این بحث دانست؛ چراکه طرح یک مسئله فراتر از گرایش فکری به گزینه‌ای از یک راه‌حل مسئله است. به همین لحاظ است که فخر رازی را طراح مسئله وجود ذهنی دانسته‌اند؛ گرچه ابن‌سینا و دیگران پیش از او به این مسئله تفتّن داشته‌اند. پس نمی‌توان شیخ اشراق را طراح مسئله اصالت وجود یا ماهیت دانست؛ زیرا تا آنجا که ما می‌دانیم، او در نوشته‌های خود چنین مسئله‌ای را طرح نکرده است»^۲.

نویسنده در ادامه، خاطرنشان کرده است که غرض اصلی میرداماد از پرداختن به این بحث،

۱. همان، ص ۲۳۲.

۲. همان، ص ۲۴۰.

اصیل شمردن وجود یا ماهیت نیست؛ بلکه پاسخ به این سؤال است که آیا ماهیات موجود در خارج، وجود دارند و وجود امری انتزاعی است یا بالعکس؟ میرداماد در پاسخ به این پرسش، وجود را انتزاعی و ماهیت را اصیل دانسته است.

۱۰. میرداماد معتقد است که در تصوّرات - نه در قضیه‌ها و تصدیقات - فرآیند مطابقت مطرح نیست. گفتنی است که این مسئله در هیچ‌یک از آثاری که پیش از این معرفی کردیم، مطرح نشده است. نویسنده توضیح این مطلب را با پرسشی آغاز کرده است: اگر تصوّرات از نوع علم حصولی هستند، چرا در آن‌ها صدق و کذب و مطابقت مطرح نیست؟ وی پاسخ این پرسش را از زبان میرداماد نقل کرده است:

«تصوّرات، شأنیّت اتّصاف به وصف «مطابق» و «عدم مطابق» را ندارند؛ زیرا تصوّرات غیرقضیه‌ای صرفاً صورت‌های ذهنی‌اند که در آن‌ها اعتبار تحقق و عدم تحقق مصادیق‌شان در خارج نشده است. به تعبیر دیگر... در باب تصوّر نه می‌توان گفت که مطابق با خارج است و نه می‌توان گفت با خارج نیست؛ زیرا تصوّر، درباره‌ی خارج - یعنی واقع و نفس‌الامر - چیزی نمی‌گوید تا ما درباره‌ی مطابقت یا عدم مطابقت آن با خارج داوری کنیم»^۱.

۱۱. میرداماد برای مسئله «پارادوکس دروغگو» یا «جذر اَصَم» پاسخ خاصی پیش نهاده و تلاش پیشینیان خود را در حلّ این مسئله بی‌نتیجه دانسته است. خلاصه‌ی نظر میر چنین است: «مشکل از نفس‌القضیه نیست؛ زیرا حکم در قضیه به نفس‌الطبیعه ساری و ناظر بر افراد تعلّق می‌گیرد و این امر مشکل‌زا نیست؛ چراکه استلزام صدق و کذب، ناشی از خصوصیت موردی است که این طبیعت در آن تحقیق یافته و قضیه فی حدّ نفسها مشکلی ندارد؛ و این تفکیک است که می‌تواند ما را از مغالطه دروغگو رهایی بخشد»^۲. نویسنده در پایان بخش مربوط به میرداماد، فصلی با عنوان «میرداماد: حکیمی مشائی یا اشراقی؟» گشوده و دیدگاه برخی صاحب‌نظران - از جمله هنری کربن، مهدی محقق، حامد ناجی اصفهانی، ذبیح‌الله صفا و سید جلال‌الدین آشتیانی - را درباره‌ی مسلک فلسفی میرداماد نقل کرده و در نهایت نوشته است:

«میرداماد فیلسوفی است که در طریق پیوند دادن فلسفه مشائی و اشراقی با عرفان گام برمی‌داشته و بعضی ابزار برای این تلفیق را فراهم ساخته است... می‌توان گفت: حکمت یمانی میرداماد سرچشمه حکمت متعالیه صدرایی است و حکمت متعالیه صدرایی، مرتبه تکامل یافته حکمت یمانی میرداماد است»^{۳، ۴}.

اطلاعات نشر:

- چ ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) [و] قم: مؤسسه

۱. همان، ص ۲۴۳.

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. همان، صص ۲۵۱-۲۵۲.

۴. نگر: همان، صص ۱۹۸-۲۶۰.

آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۴ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۵ ش).

۱.۳۴. چشم‌اندازهای فلسفی و معنوی: اسلام ایرانی / هنری کربن

این اثر در چهار مجلد تدوین شده که به ترتیب از این قرارند:

- جلد اول: تشیع دوازده امامی
- جلد دوم: سهروردی و افلاطونیان پارس
- جلد سوم: اهل محبت، تشیع و تصوّف
- جلد چهارم: اسلام ایرانی (مکتب اصفهان، مکتب شیخیه)

هنری کربن فصل نخست مربوط به مکتب اصفهان را «اعتراف‌های جذبه‌آمیز میرداماد» نام نهاده و در آن، درباره شخصیت فلسفی و معنوی میر سخن گفته است. وی در ابتدا از ناشناختگی مکتب اصفهان در جهان غرب گلایه کرده و به تطبیق زمانی مکاتب فلسفی در شرق و غرب پرداخته است. در ادامه، میرداماد را اولین شخص مکتب فلسفی اصفهان دانسته و او را استاد اندیشه‌های چندین نسل از فیلسوفان نامیده است. کربن همچنین، درباره جنبه‌های عرفانی شخصیت میرداماد و مکاشفات وی سخن گفته و سیمای معنوی او را این گونه توصیف کرده است:

«به گواهی دو اعتراف‌نامه جذبه‌آمیز وی... او شخصیتی کاملاً متفاوت [با فیلسوف محض] بوده است. آن اعتراف‌نامه‌ها از سر تجربه غایی وی در قلّه نفسش پرده بر می‌گیرند. اگر او فیلسوف کامل بوده است، به دلیل آن است که فلسفه‌اش به تجربه جذبه‌آمیز ختم شده است؛ و اگر او عارف کامل بوده است، به دلیل آن است که به یاری تجربه‌اش، نوعی مابعدالطبیعه جذبه را تقریر کرده است و این هردو مدعا با آموزه خاص وی کاملاً هماهنگ است»^۲.

کربن در ادامه اشاره می‌کند که مغلق‌نویسی و سبک خاص نوشتار میرداماد، به هیچ وجه معلول ناتوانی او از ساده‌نویسی و بیان روشن مقاصدش نبوده است؛ بلکه:

«این را باید شیوه‌ای اساسی و بی‌مانند برای حفظ و صیانت خویش در برابر مصائب و معضلاتی دانست که هیچ‌یک از فیلسوفان ما یا شاگردان شان از آن در امان نبوده‌اند»^۳.

وی سپس به نکته مهمی درباره مواجهه علامه مجلسی با میرداماد اشاره کرده است. می‌دانیم که محمدباقر مجلسی در شمار مخالفان سرسخت فلسفه و تصوّف در عصر صفوی است؛ در عین حال، در جای جای کتاب بحارالأنوار از نظرات حدیثی و تفسیری میرداماد بهره برده و با احترام تمام از او یاد کرده است. حتی متن یکی از خلسه‌های میر را نیز نقل کرده است. کربن معتقد است که این امر به جایگاه فقه‌ای میرداماد از سویی و به تفاوت «عرفان» و «تصوّف» از سوی دیگر، وابسته است.

۱. *En Islam Iranien: Aspects spirituels et philosophiques*, Paris: Gallimard, 1991.

۲. چشم‌اندازهای فلسفی و معنوی: اسلام ایرانی، ج ۴، ص ۱۸۱.

۳. همان، ص ۱۸۲.

او سپس، زندگی‌نامه مختصری از میرداماد ارائه داده و درباره نسب، تحصیلات و برخی آثار مهم وی به زبان عربی و فارسی سخن گفته است. وی در وصف میرداماد نوشته است:

«او متفکری ژرف‌اندیش، با توان کاری بسیار بالا و شور و حرارت فراوان و در حق خویش تا حد ریاضت سختگیر بوده است. شاگردانی داشته است که سخت دلداۀ آثارش بوده‌اند تا آنجا که سالیان سال از عمر خویش را مصروف شرح و تفسیر آن‌ها کرده‌اند... این شخصیت به مدت چهار سده از طریق شاگردانش و شاگردان شاگردانش، بر فلسفۀ دینی ایران زمین سیطره داشته است»^۱.

کربن پس از اشاره به اهم شاگردان میرداماد - همچون سیداحمد علوی عاملی، ملاخلیل غازی قزوینی، ملاصدرای شیرازی و محمدبن علی رضا آقاجانی - و عناوین آثار آن‌ها، اشاره کرده است و اندیشه، آثار و مجموع تحقیقاتی که درباره آثار میرداماد خلق شده را «مکتب سینیایی شیعی» نامیده و آن را تالاق مکتب سینوی و مذهب تشیع دانسته است. وی در توضیح این اصطلاح نوشته است:

«میرداماد فیلسوف، به لوازم واقعیت عالم مکاشفات، کاملاً واقف است. یک فیلسوف سینیایی که فلسفۀ شخصی‌اش ختم می‌شود به مکاشفه‌ای از آن قسم که در دومین اعتراف‌نامه جذبه‌آمیز نقل شده از وی... آمده است در حقیقت یک فیلسوف سینیایی است که در مکتب سهروردی پرورش یافته است. یک فیلسوف سینیایی که تجربه عرفانی‌اش به همان‌سان که در حکایت مکاشفۀ میرداماد در مسجد قم دیده می‌شود، به مکاشفۀ حضور پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام می‌انجامد، در حقیقت یک فیلسوف سینیایی شیعه است؛ ولی این مکاشفه، منوط به تربیت روحانی [مکتب] اشراق است»^۲.

کربن در ادامه، به فقرات عرفانی و باطنی در آثار میرداماد در علوم نقلی اشاره کرده و به تفسیر دو عبارت پرداخته است: یکی خاتمۀ ضوابط الرضاع و دیگری، مقدمۀ الرواشح السماویة. میرداماد در هردو عبارت مذکور، با تکیه بر آموزه‌های باطنی، دستیابی به «خلع بدن» را از شرایط حکمت بر شمرده است. وی با اشاره به دو تجربه عرفانی میرداماد که قطب‌الدین اشکوری در محبوب القلوب آن‌ها را نقل کرده، نوشته است:

«طنین دو حکایت متفاوت است. در حقیقت اگرچه پیوستگی تجربی خاصی میان هردو واقعه وجود دارد، شمایل‌نگاری نفسانی‌شان متفاوت است. در حکایت نخست، کل جهان درونی یک شیعه دلداۀ ظهور دفعی شخصیت‌های محبوب و مکرم در سر قلب، بر آینه فروزان‌شده جان روایت شده است. در حکایت دوم، از تحقق جهان‌شناخت سینیایی در مقام تجربه و تا حد فروزندگی مکاشفه، خبر می‌دهد»^۳.

کربن جلسه‌های میرداماد را به تفصیل شرح داده است. او معتقد است که جلسه نخست

۱. همان، صص ۱۸۸-۱۸۹.

۲. همان، صص ۱۹۵-۱۹۶.

۳. همان، ص ۳۰۴.

گونه‌ای نیایش غیبی در محضر ائمه شیعه علیهم‌السلام و در ذات خود، دریافتی هرمسی است. مکاشفه دوم نیز در شب نیمه شعبان اتفاق افتاده است؛ شبی که در آموزه‌های روایی شیعی اعمال و فضیلت فراوانی داشته و در آموزه‌های باطنی اسماعیلیه نیز، شامل تأویل و معنای بلندی است.^۱ او در پایان، به تطبیق تحلیلی خلسه‌های میرداماد با مکاشفه‌های معروف ارسطو، فلوطین و سهروردی پرداخته و با تکیه بر آموزه‌های تمثیلی - خصوصاً نکات مذکور در رساله الطیر ابن سینا - تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را بیان کرده است.^۲

اطلاعات نشر:

۱. با ترجمه انشاء الله رحمتی، چ ۱، تهران: سوفیا، ۱۳۹۸ ش.
۲. با ترجمه رضا کوهکن، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۰ ش.

۱۳۵. فلسفه اسلامی: از الف تا ی / پیتر اس. گراف

این اثر یکی از چند کتاب فشرده فلسفی است که تحت نظر الیور لیمن، در دانشگاه ادینبرگ تألیف شده‌اند. کتاب فلسفه اسلامی: از الف تا ی، شامل یکصد و سیزده مدخل درباره موضوعات و شخصیت‌های گوناگون با رویکردی تاریخی است. مدخل صد و ششم این اثر، به میرداماد اختصاص دارد. نویسنده پس از بیان کلیاتی از زندگی نامه میرداماد، از نقش او در تأسیس مکتب فلسفی اصفهان سخن گفته است. به باور وی، مکتب اصفهان ارائه‌دهنده نوعی فلسفه مرگب از آموزه‌های مکاتب مشاء، اشراق، عرفان صوفیانه و کلام شیعی است؛ فلسفه‌ای که بر تفکر معاصر اسلامی در سرتاسر ایران، عراق و بخش‌هایی از جنوب آسیا حکم فرماست.

پیتر گراف در ادامه، به ویژگی‌های شخصیت علمی میرداماد پرداخته و نوشته است:

«گذشته از جایگاه تاریخی مؤثر و توانایی خلاق میرداماد برای ترکیب و فراروی بینش و تفکر از این جنبش‌های فکری گوناگون، چیزی که او را از فیلسوفان اسلامی پیشین ممتاز می‌سازد، آشنایی عمیق و گسترده او با دانش‌های سنتی (العلوم النقلیة) در کنار دانش‌های عقلی (العلوم العقلیة) است».^۴

او سپس، درباره کتاب القبسات و نظریه حدوث دهری سخن گفته است. به باور نویسنده، میرداماد برای جمع مسائل عقلی در هر دو مکتب حدوث و قدم، کیهان‌شناسی پیچیده‌ای مبتنی بر تفاوت سه جانبه سرمد و دهر و زمان مطرح کرده است. محور اصلی در این نظام هستی‌شناختی، وعاء دهر است:

«میرداماد با مطرح کردن دهر همچون نوعی حلقه واسطه بین سرمد و زمان، تنش

۱. البته، برخی پژوهشگران بر این باورند که این خلسه در شب شانزدهم ماه شعبان سال ۱۰۲۳ هجری قمری رخ داده و کرین در نقل تاریخ آن اشتباه کرده است؛ از این رو، باید تفسیر وی را تعدیل کرد. نگر: تاریخ فلسفه اسلامی (مجموعه آشنایی با فلسفه اسلامی)، ج ۳، ص ۱۵۱.

۲. نگر: چشم‌اندازهای فلسفی و معنوی: اسلام ایرانی، ج ۴، صص ۱۶۷-۲۲۸.

3. *Islamic Philosophy: A-Z*, Edinburgh: Edinburgh University press, 2007.

۴. فلسفه اسلامی: از الف تا ی، ص ۱۶۶.

بین دو دیدگاه ازلیت جهان (و در واقع خدادانستن آن) یا سرایت دادن تغییر به خدا (و در نتیجه، نفی الوهیت او) را آرام کرد»^۱.

گراف در ادامه، از برخی دیدگاه‌های خاص میرداماد - همچون بداء، جبر و اختیار و اصالت ماهیت - یاد کرده و به اختلاف ملاصدرا با او - به ویژه در مسئله اصالت وجود یا ماهیت - اشاره کرده است. وی بر این باور است که علاوه بر محتوای نظریات فلسفی، ملاصدرا بر سر شیوه بیان آن‌ها نیز با استاد اختلاف داشته است؛ چنان‌که شیوه بیان میرداماد، فشرده، سنگین و نسبتاً دشواریاب است؛ اما ملاصدرا مباحث فلسفی را با نگارشی خوش ساخت و روشن ارائه داده است. ظاهراً همین تفاوت در سبک نگارش فلسفی بود که میرداماد را از آزارهای علماء ظاهرگرا مصون نگاه داشت و ملاصدرا را به زحمت و گرفتاری فراوان دچار کرد. پیتزگراف مدخل میرداماد را با این سؤال به پایان می‌رساند که آیا دشواری نویسی آگاهانه میرداماد معلول پنهان کاری و تقیّه سیاسی است یا اینکه با نکته‌سنجی‌ها و نوآوری‌های فلسفی وی مرتبط است؟^۲

اطلاعات نشر:

- با ترجمه سعید شفيعی، چ ۱، تهران: نشر مولی، ۱۳۹۸ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، ۱۴۰۰ ش).

۲. بخش دوم: منابع فرعی

چنان‌که در مقدمه ذکر شد، هدف از تدوین این شناخت‌نامه، معرفی منابعی است که با رویکرد تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی، درباره میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان سخن گفته‌اند تا شاید از این رهگذر، کار علاقه‌مندان تحقیق در این حوزه، تسهیل شود. در جریان گردآوری و بازخوانی این منابع، به آثاری برخوردیم که درباره بُعد فلسفی شخصیت میرداماد، مطالب چندانی ارائه نکرده و به ذکر مطالب تاریخی و تذکره‌ای درباره او اکتفا کرده‌اند. جهت تکمیل کار معرفی آثار، این منابع فرعی را در بخش دوم معرفی می‌کنیم.

۲،۱. تاریخ ادبیات ایران / صادق رضا زاده شفق

نویسنده این اثر، توضیحات بسیار کوتاهی درباره میرداماد ارائه کرده است. وی به شاگردی ملاصدرا نزد وی اشاره کرده و از دو اثر فلسفی میرداماد نام برده است.^۳

اطلاعات نشر:

- ویراست نخست، چ ۱، شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۵ ش.

- ویراست دوم، چ ۱، تهران: نشر آهنگ، ۱۳۶۹ ش.

۲،۲. تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر) / ادوارد براون

نویسنده در دو موضع از این اثر درباره میرداماد سخن گفته است. نخست در میان شاعران دوره تاریخی ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی (۱۰۰۸ تا ۱۱۱۱ هجری قمری)، مدخلی به نام «میرمحمدباقر داماد»

۱. همان، ص ۱۶۷.

۲. نگر: همان، صص ۱۶۶-۱۶۷.

۳. نگر: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۰۷.

گشوده و درباره نسب، تاریخ ولادت و وفات، و تسلط او بر علوم مختلف، توضیحات مختصری ارائه داده است. دیگر بار، در برشماری «علمای دوران صفویه و بعد از آن»، به میرداماد اشاره کرده و از کتاب الصراط المستقیم وی یاد کرده است.^۱
اطلاعات نشر:

- با ترجمه بهرام مقدادی، چ، ۱، تهران: مروارید، ۱۳۶۹ ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۷۵ ش).

۲،۳. فلسفه از آغاز تا مطهری (فلسفه موضوع محور تطبیقی) / سید حسن اسعدی
نویسنده این اثر، در ترتیب تاریخی فلاسفه اسلامی، مدخلی به نام «میرمحمدباقر داماد» گشوده و به اختصار درباره او سخن گفته است؛ از جمله رد پای تعالیم اشرافی در آموزه ها و خلسه های وی و جامعیت شخصیت علمی او.^۲
اطلاعات نشر:

- چ، ۱، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، ۱۳۸۷ ش.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب ها:

- الأفق المبین، سید محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: حامد ناجی اصفهانی، چ، ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۱ ش.
- اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، گروه مؤلفان، زیر نظر: علی اکبر علی خانی، چ، ۱، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ ش.
- تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)، ادوارد براون، ترجمه: بهرام مقدادی، چ، ۲، تهران: مروارید، ۱۳۷۵ ش.
- تاریخ ادبیات ایران، صادق رضازاده شفق، چ، ۱، تهران: نشر آهنگ، ۱۳۶۹ ش.
- تاریخ ادبیات در ایران (از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری)، ذبیح الله صفا، چ، ۱، تهران: نشر فردوس، ۱۳۶۶ ش.
- تاریخ ایران کمبریج (دوره صفوی)، گروه مؤلفان، زیر نظر: پیتر جکسون [و] لارنس لاکهارت، ترجمه: تیمور قادری، چ، ۴، تهران: نشر مهتاب، ۱۳۹۶ ش.
- تاریخ تحلیلی / انتقادی فلسفه اسلامی (به ضمیمه نقد محتوایی کتاب)، سیدیحیی یثربی، چ، ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواری)، عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، چ، ۱، تهران: کومش، ۱۳۷۲ ش.
- تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز، علی اصغر حلبی، چ، ۳، تهران: زوار، ۱۳۹۲ ش.

۱. نگر: تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)، ص ۳۳۸-۳۵۴. صص ۳۵۳-۳۵۴.

۲. نگر: فلسفه از آغاز تا مطهری (فلسفه موضوع محور تطبیقی)، ص ۱۹۸.

- تاریخ فلسفه اسلامی (مجموعه آشنایی با فلسفه اسلامی)، گروه مؤلفان، زیر نظر: سید حسین نصر [و] الیور لیمن، چ ۳، تهران: حکمت، ۱۳۹۳ ش.
- تاریخ فلسفه اسلامی، سید اسحاق حسینی کوهساری، چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر)، ۱۳۸۳ ش.
- تاریخ فلسفه اسلامی، هنری کربن، ترجمه: سید جواد طباطبائی، چ ۱، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲ ش.
- تاریخ فلسفه در اسلام، میان محمد شریف [و] سید حسین نصر، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۲ ش.
- تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلام، علی اصغر حلبی، چ ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶ ش.
- تاریخ نهضت های فکری ایرانیان از آغاز قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری، عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، چ ۲، تهران: نشر پیکان، ۱۳۹۳ ش.
- تقویم ایمان و شرحه کشف الحقائق، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)؛ سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی، تصحیح: علی اوجبی، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران [و] مؤسسه بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی [و] مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
- جذوات و مواقیت، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: علی اوجبی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۰ ش.
- چشم اندازهای فلسفی و معنوی: اسلام ایرانی، هنری کربن، ترجمه: انشاء الله رحمتی، چ ۱، تهران: سوفیا، ۱۳۹۸ ش.
- حکمت، معرفت و سیاست در ایران (اندیشه سیاسی / عرفانی در ایران: از مکتب اصفهان تا حکمای الهی معاصر)، مهدی فدایی مهربانی، چ ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵ ش.
- خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، چ ۵۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ ش.
- خرد آواره (ظهور و زوال عقلانیت در جهان اسلام)، علی امیری، چ ۱، کابل: انتشارات امیری، ۱۳۹۳ ش.
- درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی، گروه مؤلفان، زیر نظر: محمد فنانی اشکوری، چ ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) [و] قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۴ ش.
- دیوان اشراق، سید محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: سمیرا پوستین دوز، چ ۱، تهران: مؤسسه میراث مکتوب، ۱۳۸۵ ش.
- سنت عقلانی اسلامی در ایران، سید حسین نصر، ترجمه: سعید دهقانی، چ ۴، تهران: قصیده سرا، ۱۳۹۶ ش.
- سهروردی و مکتب اشراق، مهدی امین رضوی، ترجمه: مجتهدالدین کیوانی، چ ۱، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷ ش.
- سیر تحول مکتب فلسفی اصفهان، از ابن سینا تا ملا صدرا، سید مهدی امامی جمعه، چ ۲، تهران:

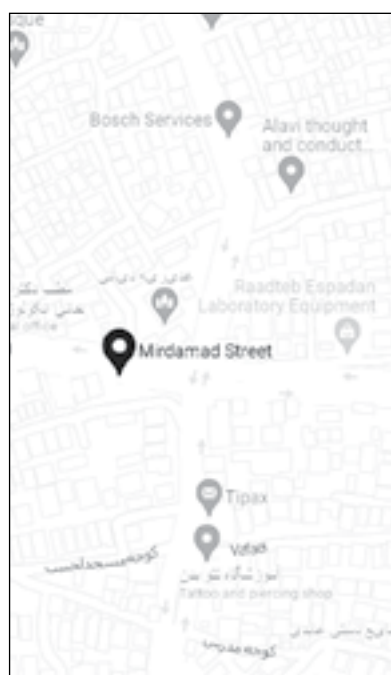
- مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۵ ش.
- الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية، صدرالدین محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی (ملاصدرا)، تحشیه: ملاهادی بن مهدی سبزواری، تصحیح: سیدجلال‌الدین آشتیانی، چ ۱، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
- عرفان اسلامی، اسماعیل منصوری لاریجانی، چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۸ ش.
- فلسفه از آغاز تا مطهری (فلسفه موضوع محور تطبیقی)، سیدحسن اسعدی، ویرایش: بهاء‌الدین خرّم‌شاهی، چ ۱، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، ۱۳۸۷ ش.
- فلسفه اسلامی: از الف تا ی، پیتراس. گراف، ترجمه: سعید شفیعی، چ ۳، تهران: نشر مولی، ۱۴۰۰ ش.
- فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، هنری کربن، ترجمه: سیدجواد طباطبائی، چ ۲، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۶ ش.
- فلسفه در سرزمین نبوت: فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز، سیدحسین نصر، ترجمه: بیت‌الله ندرلو، چ ۲، تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۷ ش.
- القیسات، سیدمحمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: مهدی محقق [و] سیدعلی موسوی بهبهانی [و] توشی‌هیکو ایزوتسو [و] ابراهیم دیباجی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ما و تاریخ فلسفه اسلامی، رضا داوری اردکانی، چ ۲، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، چ ۴، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹ ش.
- مصنفات میرداماد، سیدمحمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی (میرداماد)، تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱-۱۳۸۵ ش.
- مفاتیح‌الغیب، صدرالدین محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی (ملاصدرا)، ترجمه: محمد خواجهوی، مقدمه: علی عابدی‌شاهرودی، چ ۱، تهران: نشر مولی، ۱۳۶۳ ش.
- مکتب فلسفی اصفهان (الف)، سیدمحمدعلی مدرّس مطلق، چ ۱، تهران: مؤسسه تألیف و ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ۱۳۸۹ ش.
- مکتب فلسفی اصفهان (ب)، محمدعلی مدرّس مطلق، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱ ش.
- ملاصدرا (زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین)، سیدمحمد خامنه‌ای، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۹ ش.
- مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام، رضا اکبریان، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر)، سیدجلال‌الدین آشتیانی، چ ۳، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳ ش.

- نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، چ ۶، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰ ش.
- نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی، رضا داوری اردکانی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.

مقالات:

- «کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ فلسفه‌های اسلامی»، سعید انواری، فصلنامه تاریخ فلسفه، سال ۲، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۰ ش، صص ۱۴۷-۱۸۰.
- «مقام میرداماد در تاریخ فلسفه اسلامی»، رضا داوری اردکانی، جستاری در آراء و افکار میرداماد و میرفندرسکی (مجموعه مقاله و گفتار)، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵ ش، صص ۶۹-۷۴.

یادمان‌ها (۵): خیابان و سردیس میرداماد/ اصفهان



خیابان میرداماد اصفهان که در منطقه ۱ شهرداری این شهر واقع است، از میانه خیابان طیب آغاز می‌شود و ناروند و محله‌نورا به یکدیگر پیوند می‌دهد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴ هجری شمسی، با همکاری سازمان زیباسازی و شهرداری منطقه ۱ شهر اصفهان، سردیس میرداماد به دست استاد ملک دادیار گروسیان ساخته و در ابتدای این خیابان نصب شد. این سردیس نفیس، از جنس فایبرگلاس بوده که بر پایه‌ای سنگی به ارتفاع ۲٫۱ متر قرار گرفته است.

[عکس برداری: محمد مسعود خداوردی / معرفی: علی بایزیدی]

فهرست

فهرست کتاب‌های چاپ سنگی از آثار میرداماد

مجید غلامی جلیسه *

نسخه‌شناس و فهرست‌نگار، پژوهشگر تاریخ چاپ و کتاب‌پردازی (قم)

مقدمه

-۱-

درآمد

در گاهواره^۲ چاپ ایران، شاهد تکثیر و انتشار حدود یکصد عنوان اثر با سرمایه‌گذاری‌های حکام و تاجران وابسته به دربار هستیم که عمدتاً آثار عمومی مذهبی مانند عین‌الحیات^۳، قرآن^۴، زادالمعاده^۵ و غیرمذهبی مانند گلستان سعدی^۶، مآثرسلطانیته^۷ و... هستند. با گذشت زمان در همین گاهواره، در ظلّ عنایت و توجه صاحب‌منصبانی چون منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (درگذشته ۱۲۶۳ هجری قمری)، کم‌کم انتشار کتاب‌های تخصصی آغاز شده است. از جمله این آثار، کتاب إشارات‌الأصول^۸ محمدابراهیم کرباسی اصفهانی (درگذشته ۱۲۶۳ هجری قمری) است که در جایگاه متن درسی حوزوی، رسماً پای کتاب‌های چاپی تخصصی را به درس و بحث مدارس علمیه باز کرده است؛ اما تعداد این نوع آثار تخصصی حوزوی در این گاهواره، بسیار اندک است.

* رایانامه: majidjalise@gmail.com

۲. «اینکانبولا» از واژه «Cunae» به معنای «گاهواره» گرفته شده و مقصود از آن، دوره نوپایی صنعت چاپ در ایران است. این دوره با انتشار کتاب رساله جهادیه در سال ۱۲۳۳ هجری قمری به شیوه چاپ سربی در شهر تبریز، آغاز شده است.

۳. تهران: ۱۲۴۰ هجری قمری (سربی).

۴. تهران: ۱۲۴۲ هجری قمری (سربی).

۵. تهران: ۱۲۴۲ هجری قمری (سربی).

۶. تبریز: ۱۲۳۶ هجری قمری (سربی).

۷. تبریز: ۱۲۴۱ هجری قمری (سربی).

۸. تهران: ۱۲۴۵ هجری قمری (سربی).

تا پیش از ورود چاپ‌سنگی در گاهواره چاپ، توجه چاپخانه‌داران و مصححان و بانیان نشر بیشتر به کتاب‌های چاپی مذهبی عمومی معطوف بود؛ اما چاپ‌سنگی، امکان تکثیر ارزان و سریع آثار علماء سلف و معاصران دوره قاجار را با تنوع موضوعی فراوان، فراهم کرد. این شیوه چاپ توانست نشر کتاب را برای رفع نیاز عموم طبقات فکری و عقیدتی جامعه در اقصی نقاط ایران، به معنای واقعی فراهم کند.

اهالی نشر در دوره قاجار با استفاده از این شیوه چاپ توانستند اولاً، در تکثیر آثار معاصران گام بلندی بردارند؛ و ثانیاً، با انتشار آثار علماء سلف، نقش شایانی در تکثیر آثار گذشتگان و انتقال آن‌ها به معاصران ایفاء کنند. کم نبودند نسخه‌های خطی نفیس و ارزشمندی که در روزگار قاجار در دسترس بوده و ناشران و مصححان و بانیان نشر کتاب، با استفاده از آن‌ها، آثار گذشتگان را استنساخ کرده و به چاپ سپرده‌اند؛ نسخه‌هایی که با کمال تأسف، امروز در دست ما نیستند؛ اما به مدد چاپ‌سنگی، نسخه‌های متعددی از متن و محتوای آن‌ها در دسترس قرار گرفته‌اند.

-۲-

آغاز انتشار آثار میرداماد

اولین عنوان از آثار میرداماد، به اهتمام ناشری ایرانی به نام شیخ علی محلاتی و به شیوه چاپ‌سنگی، در هند به سال ۱۳۰۲ هجری قمری انتشار یافت؛ کتابی که از جهت محتوا نیز با محل انتشارش مناسبت دارد: جذوات که جوابیه‌ای به سؤالات دانشمندان هندی است. در صفحه عنوان این کتاب آمده است:

«الحمد لله و المنة که این کتاب مستطاب، جذوات طور سینیای حکمت و قبسات انوار ملاء اعلای معرفت که در فنون علوم حقیقیه، لب لباب - بل در تابش نور، چون آفتاب عالم تاب - است، از تصنیفات جناب مستطاب، قدوة العلماء العاملين و حکیم الفقهاء الربانیین و فقیه الحکماء الإلهیین، الغصن المثمر من دوحه النبوة و الإمامة و الثمر الجئی من شجرة الولاية، سیدنا و مولانا، محمد بن محمد یدعی باقر الداماد الحسینی، به جهت قلت نسخه، همیشه در پرده استتار و دور از دسترس اهالی و اغیار بود؛ لهذا، این احقر إجابةً لبعض إخوانی المؤمنین، امر به طبع و انتشار نسخه او دادم؛ و از این خدمت شایسته که از این احقر به ظهور رسید، یقین است که خود را در میانه علماء و حکماء و فقهاء و فضلاء مفتخر و سرافراز نمودم؛ و از همه التماس دعا دارم. و أنا العبد المفتقر إلى رحمة الله الواسعة، أقل أبناء العلماء، الحاج شیخ علی المحلاتی الحائری - دام عمره العالی - و کان آغاز طبعها فی العشر الثانی من جمادی الأول من سنة ۱۳۰۲»^۱.

پس از گذشت یک دهه، توجه عالمان و مصححان و ناشران ایرانی به آثار میرداماد جلب شد و برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ هجری قمری، دو اجازه از میرداماد، ضمن کتاب فضائل السادات

۱. جذوات و مواقیت (چاپ‌سنگی)، ص ۱.

انتشار یافت. سپس در سال ۱۳۱۵ هجری قمری، مجموعه‌ای از رسائل میرداماد به همت یکی از طلاب دینی، یعنی شیخ محمودبن صالح بروجردی (شهید در ۱۳۳۷ هجری قمری)، تصحیح و چاپ شد. متأسفانه اطلاع زیادی از زندگی بروجردی در دست نیست؛ جز آنکه می‌دانیم علوم مقدماتی را در زادگاهش، بروجرد، فراگرفته، سپس عازم تهران شده و از محضر بزرگانی چون محمدحسن آشتیانی (درگذشته ۱۳۱۹ هجری قمری) و حکیم الهی قشقه‌ای (درگذشته ۱۳۵۳ هجری شمسی) استفاده کرده است. وی در طول عمر بابرکت خویش، موفق شد قریب به بیست عنوان اثر شیعی را تصحیح و منتشر کند.^۱

بروجردی عالمی پُرکار و اخلاق‌مدار و متواضع بود که در آثارش با عباراتی چون «أخسر من في البلاد» و «ضعيف الوجود، المذنب اللائذ بعفوره» از خود یاد کرده است. اولین اثر تصحیحی شیخ محمود بروجردی، کتاب جامع السادات في موجبات النجاة نراقی است که در سال ۱۳۱۲ هجری قمری با حمایت محمد تاجرتهرانی به چاپ رسیده است. او سپس، آثاری همچون الوجیزه‌ی علامه مجلسی و الوجیزه فی علم الدرایه‌ی شیخ بهایی را در سال ۱۳۱۳ هجری قمری و کتاب مکارم الأخلاق را به همراه آثار دیگر^۲ در سال ۱۳۱۴ هجری قمری به انتشار رسانده است. کتاب نخبه‌الآداب نیز ترجمه او از خلاصة الأذکار فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۶ هجری قمری) است که در سال ۱۳۱۵ هجری قمری در تهران به شیوه چاپ‌سنگی منتشر شده است.

اما مهم‌ترین فعالیت تصحیحی این عالم شهید، انتشار آثار میرداماد است که تأثیر درخور توجهی در گسترش اندیشه و فکر میرداماد در میان فلاسفه و حکماء عصر قاجار و بعد از آن داشته است. به طور کلی، بروجردی در قالب دو مجموعه، شش عنوان از آثار مختلف و شاخص میرداماد را تصحیح و منتشر کرده است. اولین مجموعه آثار که مهم‌ترین آن‌ها کتاب شناخته‌شده القبسات است، همراه دیگر رساله‌ها به سال ۱۳۱۵ هجری قمری در تهران به چاپ رسیده است. بروجردی در انتهای کتاب القبسات نوشته است که به نسخه‌ای کم غلط دست یافته که فواید فراوان و عواید بسیار دارد. او متن القبسات را بر اساس نسخه مذکور تصحیح کرده و حواشی مؤلف با امضاء «منه»، «منه - رضوان الله علیه -»، «منه - رحمه الله -» و...، حواشی شاگرد مؤلف، شمس‌الدین گیلانی و برخی حواشی میرزاابوالحسن جلوه را به این کتاب اضافه کرده است؛ اما از قرار معلوم، پس از آنکه بروجردی این کتاب و حواشی را آماده کرده، اتفاقی رخ داده که او ناگزیر به خراسان سفر کرده و چاپ کتاب را به یکی از دوستانش در تهران سپرده است. ناشر مقیم تهران - که بروجردی نامی از وی نیاورده - متعهد شده که هر آنچه شیخ بروجردی در ضبط متن کتاب و حواشی آن در نظر داشته، در چاپ کتاب اعمال کند؛ اما مع الأسف چنین نمی‌شود و علاوه بر بروز اغلاط در متن کتاب، برخی عبارات و حواشی نیز هنگام چاپ، سهواً ریزش پیدا می‌کنند. به هرروی، بروجردی خاطرنشان می‌کند که این چاپ از القبسات صحیح‌ترین کتاب چاپ شده

۱. درباره او نگر: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۵، ص ۳۰۳، پانویس ۱.

۲. وی این کتاب را به همراه طهارة الأعراق، التحصین فی صفات العارفين، فصول فی دعوات أعقاب الفرائض و ترتیب السعادات فی علم الأخلاق، به امر حاج سیدکاظم طهرانی، معروف به «صراف»، تصحیح و منتشر کرده است.

از ابتدای شروع صنعت چاپ تاکنون به شمار می‌رود:

«مع ذلك، فهو أصح من جميع الكتب المطبوعة منذ ظهر الطباعة إلى اليوم، لايستثنى إلا ما باشرت ولابالي فيما ادعى»^۱.

بروجردی در انتهای همین صفحه بیان کرده است که بعد از زیارت امام رضا علیه السلام، به شهر استرآباد رفته و نزد یکی از علماء بزرگ آن شهر، شرحی مفصل بر القبسات که مشتمل بر هشتاد هزار بیت بوده، یافته است. بنا بر گزارش وی، این کتاب به خط یکی از شاگردان ملاصدرای شیرازی نگاشته شده است.^۲ بروجردی در پایان، اظهار امیدواری کرده که خداوند توفیق آنچه را درباره این شرح در نظر دارد، به او عطا نماید. وی احتمالاً در نظر داشته که این نسخه را نیز تصحیح و منتشر کند که از قرار معلوم، تقدیر این‌گونه رقم نخورده است.

مجموعه دیگری از آثار میرداماد که به همت بروجردی منتشر شده، کتاب السبع الشداد است که همراه اثر دیگر میرداماد، یعنی الإعضالات العویصة، به سال ۱۳۱۷ هجری قمری در تهران چاپ و منتشر شده است. وی در حاشیه این کتاب حواشی میرداماد را آورده است. همچنین حواشی تصحیحی نیز در برخی از مواضع کتاب دیده می‌شوند.

شایسته توجه است که تقریباً همه نسخه‌های چاپ‌سنگی از آثار میرداماد، در میان سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ هجری قمری منتشر شده‌اند. ای‌بسا نکته‌ای در این بازه زمانی نهفته است که در طول آن، میرداماد و آثارش در کانون توجه ناشران قرار گرفته‌اند.

فهرست کتاب‌های چاپ‌سنگی از آثار میرداماد

۱. إجازاتان لسید أحمد بن زین العابدین الحسینی العلوی العاملی (عربی)

مجاز: علوی حسینی عاملی، احمد بن زین العابدین (قرن ۱۱ هجری قمری).

مجیز: میرداماد استرآبادی، محمد باقر بن محمد (؟-۱۰۴۰ هجری قمری).

کاتب: گلپایگانی، محمد حسن بن محمد علی (قرن ۱۴ هجری قمری).

به اتمام: میرزا آقا کزازی، محمد بن محمد جعفر (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، چهار صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۴ هجری قمری.

کتاب‌شناسی: مشتمل بر دو اجازه از میرداماد برای سید احمد بن زین العابدین علوی حسینی عاملی که اولی در نیمه جمادی الاول سال ۱۰۱۷ هجری قمری و دومی در سال ۱۰۱۹ هجری قمری صادر شده است. این دو اجازه در انتهای کتاب فضائل السادات، نگاشته سید محمد اشرف بن عبدالحسیب حسینی علوی عاملی، از نوادگان سید احمد بن زین العابدین حسینی علوی عاملی - صاحب دو اجازه

۱. القبسات (چاپ‌سنگی)، ص ۳۲۴.

۲. این شرح، اثر محمد بن علی رضا آقا جانی است که شیخ آقابزرگ طهرانی گزارش آن را در الذریعة آورده و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه محدث‌ارموی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۹۰.

مذکور - کتابت شده است.^۲ پدر سیداحمد، یعنی سیدزین العابدین، از علماء بزرگ امامیه و مقیم جبل عامل بود که در محضر محقق کرکی (درگذشته ۹۴۰ هجری قمری) تلمذ کرده و پس از چندی، به دامادی وی مفتخر شده است. سیداحمد نیز خاله‌زاده، داماد و از شاگردان خاص میرداماد بوده است. از قرار معلوم، او چهار اجازه از اساتید خود دریافت کرده که سه اجازه از میرداماد و یکی از شیخ بهایی است. علامه مجلسی در بخش «اجازات» بحار الأنوار دو اجازه علوی عاملی از میرداماد و تنها اجازه او از شیخ بهایی را به طور کامل نقل کرده است.^۳

سید محمد اشرف علوی عاملی در پایان فضائل السادات، ضمن اشاره به اینکه مرحوم میرداماد جد مادری اوست، سیداحمد علوی عاملی را به اجمال معرفی کرده و از نسب و سیادت او سخن گفته است. سپس، متن دو اجازه میرداماد و اجازه شیخ بهایی به او را نقل کرده است. آغاز اجازه اول: بسملة، و الاعتصام بحبل فضله العظیم. بعد الحمد کل الحمد لربنا رب العالمات العالیه و السافلات البالیة و الصلوة صفو الصلوة منه علی سیدنا سید الصافات عن النفوس الزاکية....

انجام اجازه اول: ... یرجع الأمر کلّه. و کتب أحوج المربوبین إلى الربّ الغنی، محمد بن محمد یدعی باقر الداماد الحسینی - ختم الله له بالحسنى - فی منتصف شهر جمادی الأولى لعام ۱۰۱۷ من الهجرة المقدسة النبویة، مسئولاً حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً. و الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی رسوله و آله الطاهرین أولاً و آخراً.

آغاز اجازه دوم: بسملة، و الثقة بالعزیز العظیم. الحمد کلّه لله ربّ العالمین ذی السلطان الساطع و البرهان اللامع و العزّ النافع و المجد الناصع و الصلوة أفضلها....

انجام اجازه دوم: ... أحوج المربوبین إلى الربّ الغنی، محمد بن محمد یدعی باقر الداماد الحسینی - ختم الله له بالحسنى - حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً فی عام ۱۰۱۹ من الهجرة المقدسة المبارکة. و الحمد لله وحده.

موضوع: اجازات.

ضمائم: ۱. فضائل السادات؛ ۲. «اجازتان لسید احمد بن زین العابدین الحسینی العلوی عاملی».^۴ چاپ‌های دیگر:

الف) «الإجازة للسید احمد عاملی» (ضمن جلد بیست و پنجم بحار الأنوار، چاپ سنگی)؛ تهران: به اهتمام امین الضرب، ۱۳۱۵ ق.

ب) «الإجازة للسید احمد عاملی» (ضمن مصنفات میرداماد، ج ۱، صص ۵۸۱-۵۸۴)، تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.

۱. برای آشنایی بیشتر با میرسیداحمد علوی عاملی نگر: مدخل «علوی عاملی، میرسیداحمد» در دانش‌نامه تحت فولاد.

۲. نگر: فضائل السادات (چاپ سنگی)، صص ۴۷۸-۴۸۳.

۳. نگر: بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۱۰۶، صص ۱۵۲-۱۵۷.

۴. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۵۹؛ فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۱۱، ص ۶۷؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۱۰۶، ص ۱۵۲.

ج) «در ذکر اجازات جدّ مؤلف» (ضمن فضائل السادات (یا برتری خاندان رسالت و امامت)، ج ۲، صص ۳۹۳-۳۹۹)، تصحیح: مهدی رجایی، چ ۱، اصفهان: بهار قلوب، ۱۳۹۳ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، قم: اعتقاد ما، ۱۳۹۷ش).

مخازن: [بیاض؛ محدث ارموی؛ آستانه؛ سازمان مدارک؛ دایرة المعارف؛ مرکز تحقیقات؛ شهرداری اصفهان؛ مطهری؛ تاریخ اسلام؛ ملی؛ آستان قدس؛ مسجد اعظم].

[۳۹۰۱۰]

۲. الإعضالات العویصات فی فنون العلم و الصناعات (عربی)

عنوان فرعی: الإعضالات العشرینیّة.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

به اهتمام: شیرازی تهرانی، احمد بن محمد علی (قرن ۱۴ هجری قمری).

مصحح: بروجردی، محمود بن صالح (?-۱۳۳۷ هجری قمری).

کاتب: طالقانی، علی اکبر بن محمد علی (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، بیست و چهار صفحه، رقعی، نسخ، ۱۳۱۷ق.

کتاب‌شناسی: پاسخ بیست مسئله و اشکال از جمله مسائل مختلف ریاضی، فلسفه، کلام، منطق و اصول فقه که خطاب به «شرف آل خاتون» - شیخ محمد بن علی عاملی، خواهرزاده شیخ بهایی و معروف به «ابن خاتون» - با عباراتی ثقیل و مختصر نگاشته شده است. نگارش این کتاب در ذی‌الحجّة سال ۱۰۲۲ هجری قمری به پایان رسیده است.

آغاز: بسملة، بعد الحمد لله و الصلوة علی عباده المصطفی، فیا ولدی الروحانی و یا حبیبی العقلانی، یا شرف آل خاتون و یا من هو بقریحته الشاهقة الملکوتیة لکّل علم غامض قانون، رَقَاکَ الله إلی قُصیا المعارج....

انجام: ... إنّ سبیلہ جدّد للمسترشدين و نائله غیر مجذوذ عن المستعدين. و کتب أحوج المربوبين و أفقر المفتاقين إلی رحمة ربّه الجواد الغنی، محمد بن محمد یدعی باقر الداماد الحسینی - ختم الله له فی نشأته بالحسنى - دادی ذی الحجّة الحرام من شهور عام ۱۰۲۲ من الهجرة المقدّسة المبارکة النبویّة، حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً.

موضوعات: ریاضیات؛ فلسفه؛ کلام؛ فقه شیعه؛ منطق.

ضمائم: السبع الشداد.

چاپ‌های دیگر:

الف) الإعضالات (ضمن اثنی عشر رسالة للمعلّم الثالث)، به همت: سیّد جمال الدین میردامادی، مقدّمه: آیه الله سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله علیه، چ ۱، تهران: مکتب السیّد الداماد، ۱۳۹۷ق.

ب) الإعضالات (ضمن مصنّفات میرداماد، ج ۱، صص ۲۶۷-۲۷۹)، تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱،

۱. نگر: الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۲۳۷؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۵، ص ۱۳۷؛ فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۲، ص ۴۵؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۱۸، ص ۲۰۴.

تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.

مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ مرکز تحقیقات؛ دایرة المعارف؛ محدث ارموی؛ دانشگاه تهران؛ مجلس؛ سازمان مدارک؛ معجم المطبوعات؛ فیضیه؛ مسجد اعظم؛ ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ آیه الله بروجردی؛ شهرداری اصفهان؛ ملی].

[۳۵۸۹]

۳. الإيقاضات في خلق الأعمال و أفعال العباد (عربی)

عنوان فرعی: الجبر و التفویض؛ خلق الأعمال.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (؟-۱۰۴۰ هجری قمری).

مصحح: بروجردی، محمود بن صالح (؟-۱۳۳۷ هجری قمری).

کاتب: نوری کمرینی، ابوالقاسم بن محمد رضا (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، هشتاد و دو صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ ق.

کتاب‌شناسی: این رساله که در حاشیه کتاب القبسات منتشر شده، شامل شش «ایقاز» و مباحثی با این موضوعات است: فی بیان الأفعال الاختیارية؛ فی ترتب الثواب علی الإرادات، فی أنَّ الاستعدادات من لوازم الماهیات، تقرير الإشکال فی اللانهايات، فی أنَّ لوازم الماهیات غیر مجعولة، بیان الحق فیما اختلف فيه، فی تحقیق معنی القدريّة [کذا] فی الأمر، فی ذکر المذاهب فی أفعال العباد، إثبات المنزلة بین الجبر و القدر و... متن این رساله عربی است و تنها قسمتی از آن که نقل قول مستقیم از رساله جبر و قدر خواجه نصیرالدین طوسی است، به زبان فارسی است. آغاز: بسملة. الحمد لله رب العالمین حق حمده و الصلوة علی خیرته من خلیقته، محمد - صلی الله علیه و آله - و المعصومین من عترته. و بعد، فلقد سألتني أفاض الله تعالى عليك... انجام: ... و من سبیل حال مطلق هیئة العقديّة، بل مطلق طباع الجواز الذي تشترك فيه الممكنات جميعاً، فهذا أقصى أمد الفحص و التحقيق. و الحمد لله رب العالمین ولی الفضل و الطول حق حمده.

موضوع: کلام شیعه.

ضمائم: ۱. القبسات؛ ۲. صحيفة القدس فی خلسة الملكوت؛ ۳. رسالة فی مذهب أرسطاطاليس؛

۴. أثولوجيا و شرحه (مسیح حمصی).^۲

چاپ‌های دیگر:

الف) الإيقاضات (ضمن مصنفات میرداماد، ج ۱، صص ۲۰۷-۲۶۷)، تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱،

تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.

ب) رسالة الإيقاضات فی خلق الأعمال، تصحیح: حامد ناجی اصفهانی، چ ۱، تهران: مؤسسه

پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۳ ش.

۱. نگر: القبسات (چاپ سنگی)، صص ۶۶-۱۴۸.

۲. نگر: الذریعة، ج ۲، ص ۵۰۷؛ فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۲، ص ۳۴۷؛ حکیم استرآباد: میرداماد،

مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ معجم المطبوعات؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ محدث ارموی؛ دانشکده؛ مجلس؛ دایرة المعارف؛ آستان قدس؛ ملى؛ دایرة المعارف علوم عقلی؛ مطهری؛ مرکز تحقیقات؛ دارالحديث؛ آية الله بروجردی].

[۳۶۸۸]

۴. جذوات و مواقیت (فارسی)

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

به اهتمام: محلاتی حائری، علی بن محمد علی (قرن ۱۴ هجری قمری).

کاتب: استرآبادی، عبدالله بن عبدالرحیم (قرن ۱۴ هجری قمری).

مبئی: بی‌چا، دو یست صفحه، رقعی، نسخ، ۱۳۰۲ق.

کتاب‌شناسی: میرداماد این اثر را به دستور شاه عباس و در پاسخ به سؤال دانشمندان هندی در باره آیه شریفه «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعْقًا» نگاشته است. آن‌ها دچار این شبهه شده بودند که هنگام تجلی خداوند بر طور سینا، چرا کوه متلاشی شد؛ اما بدن حضرت موسی علیه السلام که همچون کوه جسمانی بود، نسوخت؟

این کتاب شامل مقدمه‌ای درباره انگیزه تألیف، دوازده «جذوه» و سی و پنج «میقات» است. میرداماد در جذوه‌های کتاب به این مباحث پرداخته است: مراتب طولی و عرضی موجودات، آغاز و انجام هستی، اسامی عالم مجزّات و عالم جسمانیات، نسبت عالم کبیر با عالم صغیر، کیفیت ترتیب صدور عقول، وحدت واجب، نظریه مثل، ویژگی‌های نبی، نفس و بدن، حقیقت مرگ، زهد و عبادت، جعل و ایجاد، حقیقت عدد و مراتب آن، مراتب ادراک، ارتباط میان حروف و اعداد و اعیان خارجی و مراتب حروف.

میرداماد در این کتاب آراء دو گروه از فلاسفه را تحلیل کرده است: ۱. فلاسفه یونان از جمله فیثاغورس، اَبَرُقْلُس، اَرخوْطُس، ارسطو، افلاطون، اَنکسیمانس، اومیرُس، رواقیان، سقراط و نيقوماخُس؛ ۲. متفکران مسلمان مانند فارابی، ابن سینا، ابن تَرکّه، شمس الدین محمد خفّری و ابوالفتح محمد شهرستانی.

موضوعات: فلسفه اسلامی؛ علم الحروف.^۱

چاپ‌های دیگر:

الف) جذوات (رساله فلسفی)، افست از چاپ سنگی، چ، ۱، تهران: نشر بهنام، بی‌تا.

ب) جذوات و مواقیت، تصحیح: علی اوجبی، چ، ۱، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش. مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ ابن مسکویه؛ شاهچراغ؛ مطهری؛ تربیت؛ ملک؛ مسجد اعظم؛ ولی عصر علیه السلام؛ آية الله بروجردی؛ ملى].

[۳۶۰۱]

۱. الأعراف/۱۴۳.

۲. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۵، ص ۹۳؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۲۸.

۵. حاشیه‌ی الصحیفة السجّادیة (عربی)

عنوان فرعی: تعلیقات علی الصحیفة السجّادیة؛ شرح الصحیفة الکاملة السجّادیة.

نویسنده: امام چهارم، علی بن حسین علیه السلام (۳۸-۹۴ هجری قمری).

محتسبی: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (؟-۱۰۴۰ هجری قمری).

به‌اهتمام: شیرازی تهرانی، احمد بن محمد علی (قرن ۱۴ هجری قمری).

مصحح: قمی، محمد (قرن ۱۴ هجری قمری).

کاتب: قمی، زین العابدین (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، دویست و چهل و هشت صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۷ ق.

کتاب‌شناسی: حاشیه‌ای مختصر و معروف با عناوین «قوله/ قوله» بر صحیفه کرمیه سجّادیّه که بیشتر شامل بحث‌های لغوی و فلسفی است. گاهی نیز سخن میرداماد در زمینه‌های رجال و علوم هیئت به درازا کشیده است. این شرح شامل توضیح و بیان نکات و دقایق کلمات صحیفه سجّادیّه است که میرداماد آن را بعد از کتاب دیگرش، السبع الشداد، تألیف کرده است. در چاپ حاضر، حاشیه میرداماد در هامش کتاب نورالأنوار فی شرح کلام خیرالأخبار سید نعمت‌الله جزایری (۱۰۵۰-۱۱۱۲ هجری قمری) آمده است.^۱

آغاز: بسملة، الحمد لله الذي جعل لوح الأمر و الخلق صحیفهً لکتابه و کلماته و رقیماً لسوره آیاته بمداد قضائه و قدره و قلم ابداعه. و تکوینه و الصلوة علی اکرم مصطفیه...

انجام: ... علی هذا السبیل و كذلك حيث ما ورد هذا اللفظ فی سایر الموارد. و القاصرون من أصحاب القصر عن نظائر هذه الدقایق و الأسرار من الغافلین، فاستقم کما أمرت و لاتکن من القاصرین.

موضوعات: ادعیه؛ نقد و تفسیر.

ضمائم: ۱. نورالأنوار فی شرح کلام خیرالأخبار؛ ۲. شرح الصحیفة السجّادیة (فیض کاشانی)؛

۳. الحدیقة الهلالیة من حدائق الصالحین؛ ۴. شرح متعلقات الصحیفة السجّادیة.^۲

چاپ‌های دیگر:

الف) شرح الصحیفة الکاملة السجّادیة، تصحیح: مهدی رجایی، چ ۱، اصفهان: انتشارات مهدیه میرداماد، ۱۳۶۴ ش.

ب) شرح الصحیفة الکاملة السجّادیة، تصحیح: مهدی رجایی، چ ۱، قم: مرکز ولی عصر علیه السلام [و] مؤسسه ربيع القلوب، ۱۳۸۰ ش.

مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ محدث ارموی؛ مک‌گیل؛ ولی عصر علیه السلام؛ مسجد اعظم؛ آیه‌الله بروجردی؛ مشار عربی].

[۴۵۹۳]

۱. نگر: نورالأنوار فی شرح کلام خیرالأخبار (چاپ سنگی)، صص ۲-۲۴۸.

۲. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۴۷؛ فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ص ۸؛ نسخه‌های خطی، شروح و ترجمه‌های صحیفه سجّادیّه، ص ۵۸.

۶. خلصة الملکوت و صحيفة القدس (عربی)

عنوان فرعی: خلصة الملکوت؛ صحيفة القدس.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

مصحح: بروجردی، محمود بن صالح (?-۱۳۳۷ هجری قمری).

کاتب: نوری کمرینی، ابوالقاسم بن محمد رضا (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، شصت و پنج صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ق.

کتاب‌شناسی: بحثی فلسفی و پیچیده درباره اثبات عالم دهر و حدوث دهری ممکنات است. نگارنده مدعی است در مکاشفه‌ای در شب سیزدهم شعبان سال ۱۰۱۴ هجری قمری، با عده‌ای از قدیسان به گفت‌وگو نشسته و این بحث را با آن‌ها در میان گذاشته است. میرداماد در این رساله، اقوال و نظرات برخی فلاسفه را رد کرده است. شیخ آقابزرگ طهرانی به نقل از کلمات الشعراء آورده است که محقق داماد چون خلصة الملکوت را به پایان رسانید، کتاب را نزد شاه عباس برد. در آن مجلس اعتمادالدوله حاتم‌بیگ نیز حاضر بود. شاه به او گفت که ماده تاریخی برای خلصة الملکوت بسازد. حاتم‌بیگ از محقق داماد پرسید که این کتاب در چه دانشی است؟ میر پاسخ داد: در کل علوم. پس حاتم‌بیگ به بدهت این ماده تاریخ را سرود: «کل علوم از خلصة ملکوتیه به در روده». چون عدد «جمله کل علوم = ۱۸۶» را از عدد «خلصة ملکوتیه = ۱۰۲۶» کسر کنیم، عدد ۱۰۲۰ به دست می‌آید که تاریخ تألیف کتاب است.^۱

برخی فهرست‌نگاران، این کتاب را با رساله‌های «خلصة» و «خلعیة» اشتباه گرفته‌اند. با تطبیق آغاز، انجام و تاریخ این دو رساله - که ۱۰۱۱ هجری قمری و ۱۰۲۳ هجری قمری است - و همچنین، ماده تاریخ کتاب خلصة الملکوت، مشخص می‌شود که این رساله‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. کتاب حاضر در هاشم کتاب القبسات چاپ شده است.^۲ از قرار معلوم نسخه‌ای که مصحح کتاب، شیخ محمود بروجردی، در دست داشته، ناقص بوده است؛ زیرا در پایان متن خلصة الملکوت آورده است:

«إلى هنا ظفرنا بنسخة الكتاب بعد الفحص البلیغ و نرجو الله أن یوفقنا للظفر

بتمامه، فإنه من تمام فضله وإنعامه».^۳

آغاز: بسملة، و الاستیفاء من الله العزیز الحکیم. سبحان فالتی العدم، فاطر الوجود، واهب الغرایز بالفضل و الطول، مانح افطر بالمجد و المجد و المجد....

انجام موجود: ... إذ یظنون بالفلاسفة المتهوسین فی جاهلیة الفلسفة و فجاجة الصناعاتهم یتأثلون [كذا] حیث هم فی محاولة تصحیح الحدوث الزمانی....

موضوع: فلسفه اسلامی؛ حدوث و قدم؛ زمان.

ضمائم: ۱. القبسات؛ ۲. الإیقاظات؛ ۳. رسالة فی مذهب أرسطاطالیس؛ ۴. أثولوجیا و شرحه

۱. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۲۴۰.

۲. نگر: القبسات (چاپ سنگی)، صص ۲-۶۵.

۳. همان، ص ۶۵.

(مسیح حمصی).^۱

چاپ‌های دیگر:

الف) خلصة الملکوت (ضمن مصنفات میرداماد، ج ۱، صص ۲۸۱-۳۲۸)، تصحیح: عبدالله نورانی، ج ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.
محازن: [بیاض؛ آستانه؛ دانشکده؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ مجلس؛ مرکز تحقیقات؛ دایرة المعارف؛ آستان قدس؛ ملّی؛ دایرة المعارف علوم عقلی؛ مطهری؛ تربیت؛ محدث ارموی؛ ایزوتسو؛ ملک؛ مسجد اعظم؛ آیه الله بروجردی؛ دانشگاه اصفهان].

[۵۴۶۹]

۷. خلق الأعمال (عربی)

عنوان فرعی: رساله خلق الأعمال و أفعال العباد؛ رساله فی تحقیق خلق الأعمال.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (؟-۱۰۴۰ هجری قمری).

کاتب: گلپایگانی، محمدعلی بن محمد حسن (قرن ۱۴ هجری قمری).

به‌اهتمام: میرزباقر (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، سه صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ ق.

کتاب‌شناسی: این رساله درباره یکی از مباحث مهم کلامی، یعنی مسئله جبر و اختیار، است. نویسنده کتاب حکیم استرآباد: میرداماد معتقد است که رساله خلق الأعمال همان رساله الإیقاظات بوده و در این باره از تاریخ عالم آرای عباسی نقل کرده است:

«خلق الأعمال داماد به «الإیقاظات» موسوم است و پیش از سال ۱۰۳۵ تألیف

شده است»^۲.

اما در مقابل، نویسنده الذریعة بر این باور است که خلق الأعمال اثری غیر از الإیقاظات است.^۳ با مقایسه نسخه خطی از خلق الأعمال و نسخه‌ای که در مجموعه کلمات المحققین (چاپ سنگی) درج شده با رساله الإیقاظات که در هامش کتاب القبسات (چاپ سنگی) آمده، معلوم شد که محتوای خلق الأعمال تنها در بخشی از مقدمه الإیقاظات یافت می‌شود؛ به این بیان که در الإیقاظات ابتدا مطالب خلق الأعمال، با اختلافات اندک لفظی تا مبحث «کیفر و پاداش» طرح شده است. سپس، از اواسط صفحه ۶۸، مسئله «دعا» و سپس «اشکال تسلسل اراده‌ها» بررسی شده که در خلق الأعمال دیده نمی‌شود. پس از این، ادامه رساله خلق الأعمال از صفحه ۷۲ تا ۷۵ با اضافاتی - که گاهی به حدود دوازده سطر می‌رسند - مطرح شده است. در نهایت، ایقاظات شش‌گانه - که به منزله متن اصلی الإیقاظات است - بیان شده‌اند که این قسمت نیز در

۱. نگر: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۴، ص ۲۱۶؛ فهرست

نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۵، ص ۱۱.

۲. حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۲۲؛ ص ۱۴۱.

۳. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۷، ص ۲۴۳.

۴. نگر: القبسات (چاپ سنگی)، صص ۶۶-۱۴۸.

خلق الأعمال یافت نمی‌شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد میرداماد دو رساله به نام خلق الأعمال دارد که یکی مختصر و دیگری مفصل است و میر این دو رساله را جداگانه و برای دو شخص مختلف نوشته است.^۱ رساله مختصر همان است که فاقد فصل بندی بوده و ضمن مجموعه کلمات المحققین انتشار یافته است.^۲

آغاز: بسملة، الحمد لله رب العالمين حق حمده والصلوه على خيرته من خليقته محمد وآله المعصومين من عترته، سألتني - أفاض الله عليك سبحانه فيوضات عالم القدس - عن مسألة خلق الأعمال....

انجام: ... بالعرض في القضاء لا في القدر؛ فليفقه. فهذا شطر من جزيل القول و حق البسيط فيه على ذمته ما يسرنا لله بعظيم فضله و كبير طوله.

موضوعات: فلسفه اسلامی؛ کلام شیعه؛ جبر و اختیار.^۳

چاپ‌های دیگر:

الف) «رساله جبر و اختیار میرداماد»، تصحیح و ترجمه: رضا برنجکار، کیهان اندیشه، شماره ۶۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵ ش، صص ۱۵۷-۱۶۶.

ب) خلق الأعمال (ضمن گنجینه بهارستان (حکمت ۱/)، صص ۳۱۱-۳۲۴)، تصحیح: علی اوجبی، چ ۱، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹ ش. مخازن: [بیاض؛ معجم المطبوعات؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ آستانه؛ مطهری؛ وزارت امور خارجه؛ محدث ارموی؛ تربیت؛ مک‌گیل؛ ملی؛ آستان قدس؛ مسجد اعظم؛ دایرة المعارف].

[۸۳۷۷]

۸. خلق الأعمال (عربی)

عنوان فرعی: رساله خلق الأعمال و أفعال العباد؛ رساله في تحقيق خلق الأعمال.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

به اتمام: میرزباقر (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، سه صفحه، جیبی، نسخ، ۱۳۱۵ ق.

کتاب‌شناسی: همان رساله مختصر خلق الأعمال است که ذکر آن پیش تر گذشت. این اثر در کنار ضمائم دیگر، به همراه کتاب مسار الشیعة منتشر شده است.

ضمائم: ۱. مسار الشیعة؛ ۲. توضیح المقاصد؛ ۳. الأعیان الثابتة؛ ۴. شرح حدیث «ما الحقیقة؟»؛

۵. شرح حدیث «من عرف نفسه، فقد عرف ربه»؛ ۶. تفسیر آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ»؛ ۷. کیفیّت

زیارات و استجابات دعوات؛ ۸. مختصر أعمال معتبر ایام و لیالی جمعه و ادعیه ایام هفته.

۱. نگر: «رساله جبر و اختیار میرداماد»، ص ۱۵۸.

۲. نگر: کلمات المحققین (چاپ سنگی)، صص ۶۶-۱۴۸.

۳. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۲۴۳؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۴۱، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۴، ص ۳۱.

۴. نگر: مسار الشیعة (چاپ سنگی)، صص ۸۸-۹۵.

مخازن: [بیاض؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ دایرة المعارف؛ محدث ارموی؛ مسجد اعظم؛ مطهری؛ ملى؛ معجم المطبوعات].

[۱۱۵۳۶]

۹. رساله امانت الهی در تفسیر آیه امانت (فارسی)

عنوان فرعی: تفسیر آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ»؛ امانت الهی در تفسیر آیه امانت.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (؟-۱۰۴۰ هجری قمری).

به‌اهتمام: میرزباقر (قرن ۱۴ هجری قمری).

ایران: بی‌جا، بیست و چهار صفحه، جیبی، نسخ، ۱۳۱۵ق.

کتاب‌شناسی: رساله‌ای مختصر در تفسیر آیه ۲۷ سوره «الأحزاب» که در آن فرموده: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». میرداماد در این رساله، مقصود «امانت» را در آیه مذکور با اشاره به اختلاف مفسران بیان کرده و در پایان، گفته است: زمانی که همراه اردوی سلطان در قصبه همدان بوده، این رساله را حسب استدعای نواب قورچی باشی حسینی موسوی صفوی در سال ۱۰۳۹ هجری قمری نگاشته است. این رساله ضمن کتاب مسار الشیعة همراه آثار و ضمائم دیگر انتشار یافته است.^۱ آغاز: بسملة، قال الله العظيم سبحانه و علا وتعظيم و تعالى في تنزيله الكريم و قرانه الحكيم: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»...

انجام: ... حسب الالتماس نواب خانی عالی شانی، مستجمع المآثر و المعالی، نواب قورچی باشی حسینی موسوی صفوی نسبة و نسباً و منصباً و حسباً - أئده الله سبحانه بمته و تأييده و سدده بتوفيقه و تسديده - رقم تحرير و تصوير پذيرفت. و كتب مسئولاً بيميناه الفاتر الدائر، أحوج الخلق إلى الله الحميد الغني، محمد بن محمد يدعى باقر الداماد الحسيني - ختم الله له بالحسنی - في شهر جمادي الأولى و العام تسع و ثلاثين و ألف من الهجرة المقدسة المباركة حامداً مصلياً مسلماً. موضوعات: تفسیر شیعی؛ آیه امانت.

ضمائم: ۱. مسار الشیعة؛ ۲. توضیح المقاصد؛ ۳. الأعيان الثابتة؛ ۴. شرح حديث «ما الحقيقة؟»؛ ۵. خلق الأعمال؛ ۶. شرح حديث «من عرف نفسه، فقد عرف ربه»؛ ۷. کیفیت زیارات و استجابات دعوات؛ ۸. مختصر اعمال معتبر ايام و ليالي جمعه و ادعية ايام هفته.^۲ چاپ‌های دیگر:

الف) امانت الهیه (ضمن الرسائل المختارة، صص ۹۳-۱۰۴)، تصحیح: سید احمد تویسرکانی، چ ۱، اصفهان: کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۳۶۴ش.

ب) تفسیر آیه امانت الهی (ضمن مصنفات میرداماد، ج ۱، صص ۵۴۱-۵۴۷)، تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ش.

۱. نگر: همان، صص ۹۸-۱۱۴.

۲. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲، ص ۳۴۵؛ فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۲، ص ۱۵۶.

مخازن: [بیاض؛ مشار؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ دایرة المعارف؛ مطهری؛ محدث ارموی؛ مسجد اعظم؛ آستان قدس؛ ملی].

[۱۵۳۵۵]

۱۰. رساله فی مذهب ارسطاطالیس (عربی)

عنوان فرعی: حدوث العالم؛ الجمع بین رأی الحکیمین؛ رساله فی حدوث العالم؛ مذهب ارسطاطالیس؛ التوفیق بین مذهب ارسطاطالیس و أستاذه أفلاطن الإلهی فی القول بحدوث العالم؛ رساله فی تصحیح مذهب ارسطاطالیس فی حدوث العالم؛ تصحیح مذهب ارسطاطالیس؛ تصویب ارسطاطالیس؛ إصابة ارسطاطالیس؛ الجمع و التوفیق بین رأی الحکیمین. نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

مصحح: بروجردی، محمود بن صالح (?-۱۳۳۷ هجری قمری).

کاتب: نوری کمر بنی، ابوالقاسم بن محمد رضا (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، شصت و پنج صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ق.

کتاب‌شناسی: میرداماد در این رساله کوشیده است تا میان سخنان افلاطون و ارسطو درباره حدوث عالم آشتی برقرار کند. وی بیشتر بر ارسطو خرده گرفته و همچنین از سخنان فارابی در رساله الجمع بین رأی الحکیمین انتقاد کرده است. میرداماد این رساله را به درخواست شاگردش، میرمنصور گیلانی، در سال ۱۰۲۰ هجری قمری نگاشته است. از قرار معلوم، بین کتاب‌شناسان در خصوص اینکه کتاب حدوث العالم و رساله فی مذهب ارسطاطالیس دو کتاب مختلف‌اند، اختلاف نظر وجود دارد. البته، شیخ آقابزرگ طهرانی معتقد است که این دو، یک کتاب هستند.^۱ این رساله در هامش کتاب القبسات چاپ شده است.^۲

آغاز: بسملة، أحمد الله ربّي حمداً فوق حمد الحامدين كما يليق بكرم وجهه و عزّ جلاله و أصليّ على سيّدي و مولاي سيّد المرسلين و خاتم النبيّين

انجام: ... و كتب بيمناه الدائر [مستولاً، أحوج المرجوين إلى الربّ الغني، محمد بن محمد يدعى باقر الداماد الحسيني - ختم الله بالحسنى - حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً في عام ۱۰۲۰ من الهجرة المقدسة و هو من [أ]ماجد أولاد الروحانيّة و أفارد الأصحاب الروعانيّة محفوفاً بالسعادة الأبديّة و البهجة الإلهيّة.

موضوعات: فلسفه اسلامی؛ حدوث عالم.

ضمائم: ۱. القبسات؛ ۲. صحيفة القدس في خلصة الملكوت؛ ۳. الإيقاضات في خلق الأعمال و أفعال العباد؛ ۴. أثولوجيا و شرحه (مسیح حمصی).^۳ چاپ‌های دیگر:

الف) حدوث العالم أو الجمع بین رأی للحکیمین (ضمن مصتفات میرداماد، ج ۱، صص ۵۱۳-۵۲۰)،

۱. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۵، ص ۱۳۴.

۲. نگر: القبسات (چاپ‌سنگی)، صص ۱۴۹-۱۵۸.

۳. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۳۵.

تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.
 (ب) حدوث العالم، تصحیح: هادی رستگارمقدم‌گوهری. چ ۱، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۵ ش.
 مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ دانشکده؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ مجلس؛ مرکز تحقیقات؛ دایرة المعارف؛ آستان قدس؛ ملّی؛ دایرة المعارف علوم عقلی؛ مطهری؛ تربیت؛ محدث ارموی؛ ایزوتسو؛ ملک؛ مسجد اعظم؛ آیه الله بروجردی].
 [۴۶۶۷]

۱۱. رساله مفهوم الوجود (عربی)

عنوان فرعی: مفهوم الوجود و الماهیة.
 نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقرین محمد (؟-۱۰۴۰ هجری قمری).
 تهران: بی‌چا، سه صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ ق.
 کتاب‌شناسی: رساله کوتاهی است درباره نحوه اتّصاف وجود به ماهیّت، چگونگی ترکیب آن‌ها، اشتراک معنوی وجود و مابازاء آن در خارج. این اثر همراه با رساله‌های دیگر، ضمن مجموعه کلمات المحققین انتشار یافته است.^۱
 آغاز: بسملة، اعلم أنّ لكلّ ممکن سواء کان أزلّیاً أو حادثاً یكون بالنظر إلى ذاته لاشیئاً صرفاً فإذا حصل له الشیئیة و الكون الخارجی و الحقيقة الخارجیة المتأصلة، فلا یكون ثبوت شیء من تلك الأمور....
 انجام: ... و المعبر عنه متعدّداً و قد عرفت أنّ المفهوم الواحد لا یكون له إلّا المعبر عنه الواحد، فخذ ما آتیانك و اذهب إلى ما أریناك و كن من الشاکرین.
 موضوعات: فلسفه اسلامی؛ وجود و ماهیّت.
 ضماّم: ۱. الرسالة السعدیة؛ ۲. الاعتماد فی شرح رسالة واجب الاعتقاد؛ ۳. الرسالة الفخریة فی معرفة النیة؛ ۴. رسالة المیراثیة؛ ۵. رسالة الحریریة فیما لایتم الصلاة به؛ ۶. صیغ العقود؛ ۷. الجبر و الاختیار (محقّق کرکی)؛ ۸. الجبر و الاختیار (شیخ طوسی)؛ ۹. رسالة خلق الأفعال؛ ۱۰. شرح کلمات الخمس فی حدیث فی مراتب الیقین؛ ۱۱. خلق الأعمال؛ ۱۲. الجبر و الاختیار (فیض کاشانی)؛ ۱۳. رسالة فی حقیقة الوجود؛ ۱۴. سرّ الصلوة؛ ۱۵. الأعیان الثابتة؛ ۱۶. رسالة فی تحدید الکز؛ ۱۷. رسالة فی ذبیحة أهل الكتاب؛ ۱۸. الغیبة؛ ۱۹. أحكام أهل الآخرة؛ ۲۰. مسئلة فی العصمة.^۲
 چاپ‌های دیگر:

الف) مفهوم الوجود و الماهیة (ضمن کلمات المحققین)، افسست از چاپ‌سنگی، چ ۱، قم: مکتبة المفید، ۱۴۰۲ ق.
 ب) مفهوم الوجود و الماهیة (ضمن مصتفات میرداماد، ج ۱، صص ۵۰۴-۵۰۷)، تصحیح: عبدالله نورانی، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.

۱. نگر: کلمات المحققین (چاپ‌سنگی)، صص ۱۸۸-۱۹۰.

۲. نگر: فهرست هزاروپانصد نسخه خطی، ص ۳۸۱.

ج) تحقیق مفهوم الوجود، تصحیح: هادی رستگارمقدم‌گوهری. چ ۱، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۵ش (تجدید چاپ تا نوبت دوم، ۱۳۹۶ش).
مخازن: ایاض؛ معجم المطبوعات؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ آستانه؛ مطهری؛ وزارت امور خارجه؛ محدث ارموی؛ تربیت؛ مک‌گیل؛ ملّی؛ آستان قدس؛ مسجد اعظم؛ دایرة المعارف.
[۱۳۳۱۴]

۱۲. الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة (عربی)

عنوان فرعی: شرح کتاب الکافی.

ماتن: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، مکتب به ابوجعفر (۳۲۹ هجری قمری).
شارح: میرداماد استرآبادی، محمد باقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).
کاتب: محمد حسن.

تهران: بی‌چا، دو بیست وهفده صفحه، خشتی، نسخ، ۱۳۱۱ق.
کتاب‌شناسی: میرداماد قصد داشت که شرحی بر کتاب الکافی کلینی بنویسند؛ اما تنها موفق شد بخش «کتاب العقل والجهل» و بخشی از «کتاب التوحید» را شرح بدهد. وی در مقدمه این شرح، به تفصیل در باب مسائل علم‌الحديث، درایه و رجال درسی و نه «رشحه» بحث کرده است. میرداماد شرحش را با شرح مقدمه الکافی شروع و پس از آن رواشح سی و نه‌گانه‌ای ذکر می‌کند که عناوین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. اقسام اولیّیه حدیث: صحیح، قوی، موثق، حسن و ضعیف و بیان اصطلاحاتی مانند سند، اسناد، حدیث متواتر و واحد؛ ۲. نظر اهل سنت درباره تعریف حدیث و نقد آن؛ ۳. طبقات سه‌گانه اجماع؛ ۴. درباره ابراهیم بن هاشم؛ ۵. درباره روایات عبدالعظیم حسنی علیه السلام؛ ۶. درباره ابواسحاق ثعلبیه بن میمون؛ ۷. درباره عبدالله بن بکیر؛ ۸. درباره ابوعیسی محمد بن هارون الوزّاق؛ ۹. درباره اسماعیل بن ابی‌زیاده سکونی؛ ۱۰-۱۲. جرح و تعدیل؛ ۱۳. بحث درباره اصطلاح مجهول؛ و....

در حاشیه نسخه چاپ سنگی، حواشی مؤلف با رمز «منه» و «منه - قدس سره -» به همراه حواشی دیگر چاپ شده است.

آغاز: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد لله رب العالمین حمداً ینبغی لکرم وجهه و یلیق لعزّ جلاله زنة عرشه و عدد علمه و مداد کلماته و ملأ أطباق ملکوته و الصلوة السائمة التامة علی خیرته من خلیقته....
انجام: ... فإذن لا یعقل اختلاف الاستثناء من النبی و الإثبات فی مخالفة حکم الصدر بحسب اختلاف النسبتین النفسیة و الخارجیة؛ فلیتیقن. و منها مفهوم العدد. هذا آخر ما صنف فی هذا الباب.
موضوع: احادیث شیعه؛ نقد و تفسیر.
چاپ‌های دیگر:

الف) الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، افست از چاپ سنگی، چ ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.

۱. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۵۷؛ ج ۱۴، ص ۲۷؛ فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج ۱، ص ۴۹؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۴۸.

ب) الرواشح السماویة، تصحیح: غلامحسین قیصریّه‌ها [و] نعمت‌الله جلیلی، چ ۱، قم: دارالحديث، ۱۳۸۱ ش.

مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ محدث ارموی؛ مجلس؛ مرکز تحقیقات؛ ایزوتسو؛ مسجد اعظم؛ فضل بن شاذان؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ ولی عصر عجله الله تعالی فرجه الشریف؛ آیه الله بروجردی؛ محقق طباطبائی؛ ملی].
[۲۳۱۳۲]

۱۳. السبع الشداد (عربی)

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

به‌اهتمام: شیرازی تهرانی، احمد بن محمد علی (قرن ۱۴ هجری قمری).

مصحح: بروجردی، محمود بن صالح (?-۱۳۳۷ هجری قمری).

کاتب: طالقانی، علی اکبر بن محمد علی (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، صدودوازده صفحه، رقعی، نسخ، ۱۳۱۷ ق.

کتاب‌شناسی: کتابی است در حل هفت مسئله مشکل از مسائل اصولی و فقهی که از میرداماد سؤال شده و وی پاسخ آن‌ها را در سال ۱۰۲۳ هجری قمری به پایان رسانیده است.^۱ این کتاب مشتمل بر هفت مقاله و هر مقاله در چند فصل به این شرح است: ۱. در تعریف علم فقه و موضوع آن (مشتمل بر سه فصل)؛ ۲. انحصار احکام شرعی در پنج حکم (مشتمل بر سه فصل)؛ ۳. ترک جمیع مندوبات از کبائر است (مشتمل بر دو فصل)؛ ۴. تحقیق معنای کراهت در عبادات (مشتمل بر دو فصل)؛ ۵. بطلان نماز در مکان غصبی (مشتمل بر سه فصل)؛ ۶. تحقیق قیام رکن در نماز (مشتمل بر دو فصل)؛ ۷. ترتب ثواب و عقاب بر نیت (مشتمل بر سه فصل). میرداماد در پایان کتاب «تختمه» ای در شرح حدیث «نیت المؤمن خیر من عمله» نگاشته است.

نسخه چاپ‌سنگی السبع الشداد به همراه الإعضالات العویصة (در صفحات ۱ تا ۱۱۲) چاپ شده و فهرست مطالب آن در انتهای کتاب (صفحات ۲۵ تا ۳۶) آورده شده است. این نسخه دارای حواشی تصحیحی و همچنین حواشی مؤلف بوده که با عبارت «منه» مشخص شده‌اند. آغاز: بسملة، والاستیفاق من الله العزيز العليم والاعتصام بمجل الله العلي العظيم. الحمد لله الملك المهيم الحق المبين رافع سماء العقل و ماهد مهاده اليقين و الصلوة على المصطفين من عباده....

انجام: ... و الصلوة على خيرته من خليفته محمد وعترته الطاهرين أفضل بريته. وقد بلغ نحر التحرير محله من التحليل في تحريره، عام ۱۰۲۳ الهجري المقدسي النبوي على يمين مصنفها أحوج المفتاين إلى الله سبحانه، محمدباقر الداماد الحسيني - ختم الله له بالحسنى - حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً. موضوعات: اصول فقه شيعه؛ فقه شيعه.

ضمائم: الإعضالات العويصات في فنون العلم والصناعات.^۲

۱. نسخه خطی ظاهراً به خط مؤلف در کتابخانه مجلس به شماره ۴۳۸۹ نگهداری می‌شود که تاریخ کتابت آن ۱۰۲۳

هجری قمری است. نگر: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۲، ص ۹۵.

۲. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۲۸؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۴۹.

چاپ‌های دیگر:

الف) السبع الشداد، افست از چاپ سنگی، ج ۱، قم: چاپخانه اسلام، بی تا.
 ب) السبع الشداد (ضمن اثنی عشر رسالة للمعلّم الثالث)، به همت: سید جمال الدین میردامادی، مقدمه: آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله علیه، تهران: مکتب السید الداماد، ۱۳۹۷ ق.
 مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ سازمان مدارک؛ مجلس؛ مرکز تحقیقات؛ دایرة المعارف؛ مطهری؛ تربیت؛ الغدير؛ محدث ارموی؛ دانشگاه اصفهان؛ ایزوتسو؛ مسجد اعظم؛ ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ آیه الله بروجردي؛ شهرداری اصفهان؛ معجم المطبوعات؛ ملی].

[۵۱۳۴]

۱۴. ضوابط الرضاع (عربی)

عنوان فرعی: الرضاعیة؛ رسالة الرضاعیة.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

تهران: بی چا، صدوچهل و شش صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ ق.

کتاب‌شناسی: رساله‌ای مشتمل بر اکثر اقوال علماء امامیه و اخبار راجع به رضاع که فرد را از مطالعه سایر منابع فقهی مستغنی می‌کند. میرداماد در مقدمه رساله بیان کرده که پیش‌تر رساله مختصری در رضاع نوشته؛ ولی چون جمعی از قاصران، در مطالب آن رساله مختصر اشکال کرده‌اند، بر خود لازم دانسته که رساله جدیدی شامل یک «مقدمه»، سه «استبانه» و یک «خاتمه» تألیف کند. وی در این رساله، نظر خود را درباره عموم منزلت در نشر محرمیت از طریق شیرخوردن، با مقدمات و استدلال‌های گوناگون تبیین کرده است. تاریخ تألیف در انتهای رساله، سال ۱۰۲۸ هجری قمری معین شده است.^۱ این رساله ضمن مجموعه‌ای با نام «رسائل تسع فی الرضاعیات و الخراجیات» به همراه حواشی میرداماد با عبارت «منه» و «منه - دام ظلّه -» (در صفحات ۲ تا ۱۴۶) انتشار یافته است.

آغاز: بسملة، الحمد لله رب العالمین ولی کل رشح و مهیمین کل فیض حق حمده. و الصلوة سلسالها علی سید سلاسل النبیین و إمام أفاضل المرسلین، محمد و الأصفیاء الطاهیرین....
 انجام: ...لاخوف علیهم ولاهم یحزنون. و إذ بلغ برق التوفیق بنا هذا المقام، فلنختم علیه باذن الله سبحانه بارقة الکلام. و کتب بيمينه الحانية الفانية، أحوج المربوبین إلى رحمة ربّه الحمید الغنی،

۱. در نسخه چاپ سنگی تنها سال تألیف، یعنی ۱۰۲۸ هجری قمری، ذکر شده است؛ اما شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه‌ای در دست داشته که شاگرد میرداماد، عبدالمطلب بن یحیی الطالقانی آن را از روی نسخه مؤلف کتابت کرده و تاریخ تألیف را شعبان ۱۰۲۸ هجری قمری بیان کرده است. به نظر می‌رسد نسخه اصل مؤلف، همان است که در کتابخانه خانقاه نعمت‌اللهی نگهداری می‌شود و در همین تاریخ شعبان ۱۰۲۸ هجری قمری کتابت شده است. نگر: فهرست کتابخانه نوربخش (خانقاه نعمت‌اللهی)، ج ۲، ص ۱۴۹. البته، نسخه دیگری در کتابخانه مفتی الشیعة به شماره ۷۸ موجود است که تاریخ کتابت آن، شنبه هفتم جمادی الأول ۱۰۲۴ هجری قمری ذکر شده است. آغاز و انجام نسخه نیز در دست نیست و به نظر می‌آید که این تاریخ اشتباه باشد. نگر: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مفتی الشیعة، ص ۸۳.

محمد بن محمد يدعى باقر الداماد الحسيني، ۱۰۲۸.

موضوعات: فقه شيعه؛ شير مادر.

ضمائم: ۱. رضاعية (مجلسي)؛ ۲. رضاعية (محقق كركي)؛ ۳. قاطعة اللجاج في حلّ الخراج (محقق كركي)؛ ۴. الرضاعية (قطيفي)؛ ۵. السراج الوهاج في حرمة الخراج و نقض قاطعة اللجاج (قطيفي)؛ ۶. رسالة مختصرة في مسئلة الخراج (مقدس اردبيلي)؛ ۷. رسالة في حلّ الخراج (ماجد شيباني)؛ چاپ‌های ديگر:

الف) ضوابط الرضاع (ضمن كلمات المحققين)، افست از چاپ سنگی، چ ۱، قم: مكتبة المفيد، ۱۴۰۲ق.

ب) ضوابط الرضاع، تصحيح: حجت منگنه چي؛ مقدمه: سيد مجتبي نورمفیدی، چ ۱، قم: مركز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۹۲ش.

ج) ضوابط الرضاع (دو جلد)، تصحيح: سيد مجتبي ميردامادی، چ ۱، قم: مركز بين المللي ترجمه و نشر المصطفى (ع)، ۱۳۹۳ش.

مخازن: [بياض؛ مركز تحقيقات؛ مسجد اعظم؛ آستانه؛ دانشگاه اصفهان؛ مطهری؛ دايرة المعارف؛ وزارت امور خارجه؛ مك گيل؛ محقق طباطبائي؛ عبدالعظيم (ع)].

[۱۳۱۹۱]

۱۵. القبسات (عربی)

عنوان فرعی: قبسات حقّ اليقين في حدوث العالم.

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمد باقر بن محمد (?-۱۰۴۰ هجری قمری).

مصحح: بروجردی، محمود بن صالح (?-۱۳۳۷ هجری قمری).

کاتب: نوری کمرینی، ابوالقاسم بن محمد رضا (قرن ۱۴ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، سیصد و بیست و سه صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ق.

کتاب‌شناسی: معروف‌ترین اثر فلسفی میرداماد که به خواسته یکی از یارانش برای حلّ مسئله حدوث و قدم عالم تألیف کرده است. او در این کتاب، با بیان‌ها و استدلال‌های گوناگون، دیدگاه خود را درباره حدوث دهری عالم ممکنات، تقریر کرده است. هر فصل این کتاب «قبس» نامیده شده و در هر قبس شامل «ومضه» و «ومیضات» ای است که ناظر به مباحث کوچک‌ترند. فصل‌بندی کتاب القبسات از این قرار است: القبس الأول: في انواع الحدوث و تقاسيم الوجود بحسبها؛ القبس الثاني: في تثليث أنواع السبق الذاتي؛ القبس الثالث: في ثنية البعدية الانفكاكية؛ القبس الرابع: في الاستشهاد من كتاب الله تعالى و سنة الرسول (ص)؛ القبس الخامس: في نحو وجود الطبائع المرسله؛ القبس السادس: في اتصال الزمان و الحركة؛ القبس السابع: في تعقب احتجاجات اقتضائية و مراوغات جدلية؛ القبس الثامن: في تحقيق قدرة الله سبحانه و إرادته؛ القبس التاسع: في إثبات الجواهر العقلية و مراتب الوجود؛ القبس العاشر: في سرّ القضاء و القدر؛ تختمة: في بضعة من فروع شجرة هذا القبس.

۱. نگر: الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۲۰؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۵۹، فهرست کتابخانه مدرسه

عالی سپهسالار، ج ۱، ص ۴۱۵.

میرداماد تألیف این کتاب را در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۰۳۴ هجری قمری آغاز کرده و در ۶ شعبان همان سال به پایان برده است. وی در انتهای کتاب، این ماده‌تاریخ را برای تألیف آن سروده است:

کتاب کنور بدا فی سماء حوی کل باب من العلم غامض
إذا كنت للحق تبغي سبيلاً فها طود برهانه فيه ناهض
فإن شئت وزّج على «لمح ومض» وإن شئت قل: «كوكب الحق وامض»

در بیت آخر، در عبارت «علی لمح و مض» با به‌شمار آوردن یاء «علی» و در عبارت «کوکب الحق و امض»، با حساب کردن الف «الحق» و صرف نظر از تشدید «قاف»، عدد ۱۰۳۴ و تاریخ فراغت میرداماد از تألیف القبسات به دست می‌آید.

در حاشیه نسخه چاپ‌سنگی القبسات رساله‌های دیگری از میرداماد - که به ضمیمه ذکر شده - چاپ شده‌اند. همچنین، حواشی مؤلف با امضاء «منه»، «منه - رضوان الله علیه -» و «منه - رحمه الله -»، حواشی شاگرد میرداماد، شمس‌الدین گیلانی، حواشی و مطالبی از میرزا ابوالحسن جلوه و برخی حواشی لغوی نیز در کنار صفحات کتاب چاپ شده‌اند.

آغاز: بسملة، والاستيفاق من الله العزيز الحكيم. الحمد لله الواحد الأحد الصمد المصمود، مهيمن كل وجود، جاعل كل موجود. والصلوة على من اقتفاه من زمرة الأنبياء واصطفاه من رسل الرسل، فابتعته بالذكر....

انجام: ... ولقد نجح بحمد الله سبحانه و تنجز الفراغ منه هزيعاً من ليلة الأربعاء لست مضين من شهر رسول الله، شعبان المعظم عام ۱۰۳۴ من هجرته المباركة القدسية. وقد كان الأخذ فيه يوم ميلاده - عليه السلام - في شهر ربیع‌الاول من هذا العام و ينطق بالتاريخ: «بدا كتاب القبسات» و كل ما جرى على لسان الوقت من إنشاء نظمه. موضوعات: فلسفه اسلامی؛ حدوث و قدم.

ضمائم: ۱. رساله فی حدوث العالم؛ ۲. رساله فی مذهب أرسطاطاليس؛ ۳. الإيقاضات فی خلق الأعمال و أفعال العباد؛ ۴. أثولوجيا و شرحه (مسیح حمصی)؛^۱ چاپ‌های دیگر:

الف) القبسات، تصحیح: مهدی محقق [و] سید علی موسوی بهبهانی [و] توشی‌هیکو ایزوتسو [و] ابراهیم دیباجی، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل، ۱۳۵۶ ش (تجدید چاپ تا نوبت سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳ ش).

مخازن: [بیاض؛ آستانه؛ دانشکده؛ عبدالعظیم علیه السلام؛ مجلس؛ مرکز تحقیقات؛ دایرة المعارف؛ آستان قدس؛ ملّی؛ دایرة المعارف علوم عقلی؛ مطهری؛ تربیت؛ محدث ارموی؛ ایزوتسو؛ ملک؛ مسجد اعظم؛ آیه الله بروجردی؛ معجم المطبوعات].

[۵۸۷۸]

۱. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۲؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۶۵؛ فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۲، ص ۳۸۲.

۱۶. فائده شریفه مختصرة في كيفية زيارة القبور و إجابة الدعوات (فارسی)

نویسنده: میرداماد استرآبادی، محمدباقر بن محمد (؟-۱۰۴۰ هجری قمری).

تهران: بی‌چا، یک صفحه، وزیری، نسخ، ۱۳۱۵ق.

کتاب‌شناسی: فائده مختصری از میرداماد در چند خط درباره علت زیارت قبور و چگونگی اجابت دعا است. در صفحه ۱۴۶ بعد از ضوابط الرضاع میرداماد چاپ شده است.

ضمائم: ۱. ضوابط الرضاع (میرداماد)؛ ۲. رضاءیه (مجلسی)؛ ۳. رضاءیه (محقق کرکی)؛ ۴. قاطعة اللجاج في حل الخراج (محقق کرکی)؛ ۵. الرضاءیه (قطیفی)؛ ۶. السراج الوهاج في حرمة الخراج و نقض قاطعة اللجاج (قطیفی)؛ ۷. رساله مختصرة في مسئلة الخراج (مقدس اردبیلی)؛ ۸. رساله في حل الخراج (ماجد شیبانی)؛

موضوع: فلسفه زیارت.

چاپ‌های دیگر:

الف) فائده شریفه مختصرة في كيفية زيارة القبور و إجابة الدعوات (ضمن کلمات المحققین)، افست از چاپ سنگی، چ ۱، قم: مکتبه المفید، ۱۴۰۲ق.

ب) في كيفية زيارة القبور و إجابة الدعوات (ضمن اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد، صص ۳۸۰-۳۸۱)، تصحیح و گردآوری: حسین نجفی، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۶ش.

مخازن: [بیاض؛ مرکز تحقیقات؛ مطهری؛ مسجد اعظم؛ آستانه؛ دانشگاه اصفهان؛ دایرة المعارف؛ وزارت امور خارجه؛ مک‌گیل؛ محقق طباطبائی؛ عبدالعظیم علیه السلام].

[۴۱۰۳۹]



برگ پایانی مرقع مفردات نستعلیق، رقم میرعماد حسنی

موزه ثاقب صبانچی (استانبول)

۱. نگر: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۲؛ حکیم استرآباد: میرداماد، ص ۱۶۵؛ فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۲، ص ۳۸۲.

ضمائم

[تصویر شماره ۱]



نسخه چاپ‌سنگی از القیسات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.

(صفحه آغازین القیسات و خلصة الملکوت در هامش)



نسخه چاپ سنگی از القبات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.

(صفحه پایانی خلسة الملکوت در هامش)



نسخه چاپ سنگی از القبات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
(صفحه آغازین الإیقاظات در هامش)

کتاب گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه میرداماد (پاره ششم)



نسخه چاپ سنگی از القبات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
(صفحه پایانی الإیقاظات در هامش)



نسخه چاپ سنگی از القیسات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.

(صفحه آغازین رساله فی مذهب أرسطاطالیس در هامش)



نسخه چاپ سنگی از القبات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.

(صفحه پایانی رساله فی مذهب أرسطاطاليس در هامش)



نسخه چاپ سنگی از القبات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
(صفحه آغازین اتولوجیا در هامش)



نسخه چاپ سنگی از القبات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه.ق.
(صفحه پایانی القبات و أثولوجیا در هامش)

[تصویر شماره ۹]



نسخه چاپ سنگی از القسبات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.

(یادداشت‌های مصحح القسبات، شیخ محمود بروجردی، درباره محتوا و مراحل تصحیح کتاب)





نسخه چاپ سنگی از السبع الشداد والإعضالات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه. ق.
(صفحه آغازین السبع الشداد)

[تصویر شماره ۱۳]



نسخه چاپ سنگی از السبع الشداد والإعضالات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه.ق.
(صفحه پایانی السبع الشداد)

[تصویر شماره ۱۳]



نسخه چاپ سنگی از السبع الشداد والإعضالات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه.ق.
(صفحة آغازین الإعضالات)

۲۴

رحمة ربه الجواد الغني محمد بن محمد بدعي باقر الداد المحسن
 ختم الله له في نشأته بالمحسني دادي ذي الحجة الحرام
 شهر عام ١٠٢٢ من الهجرة المقدسة المباركة النبوية
 خامدا مصليا مستلما مستغفرا

الرزين مع تكملة جليله آخره شهر آخره ليلة سبعة حجاز الزادة مطلق آخره شهر منبر
 وقد سها من الشخصين عن السبع الشدة والاعضا
 الحاسن كماء والمجهد في السبيل الذاماد
 الله من بعور الله تعالى بسعي قاهنما رجاء منسبطا
 عمدة المحققين المدققين علا من العلماء الزايد
 كهفنا الحاج والمعتمدين حاجي شيخ أحمد شيرازي
 زاد الله نوبقائه في دار الخلافة طهره رضا نفع الله
 عن الحديث سيدا فلا بناء العلماء على كبر
 ابن محمد مرفوع لا محمد علي طالقاني

اندر حرم مرقد علامه علی قلی خان
صوفی ایام اربعه کتبه شده
الاحد عشر من شهر المحرم

نسخه چاپ سنگی از السبع الشداد والإعضالات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه.ق.
(صفحه پایانی الإعضالات)

۲۵		
فهرست کتابهای چاپ سنگی از آثار میرداماد المقالة الأولى (سبع مقالات)		
ص ۳۳	المقالة الأولى (ثلاثة فصول)	فصل الأول
ص ۳۲		فصل الثاني
ص ۳۳		فصل الثالث
ص ۳۵	المقالة الثانية (فصلان)	
ص ۳۵		فصل الأول
ص ۴۱		فصل الثاني
ص ۵۱	المقالة الثالثة (فصلان)	
ص ۵۱		فصل الأول
ص ۵۶		فصل الثاني
ص ۶۰	المقالة الرابعة (ثلاثة فصول)	
ص ۶۰		فصل الأول
ص ۶۶		فصل الثاني
ص ۶۸		فصل الثالث
ص ۶۸	المقالة الخامسة (ثلاثة فصول)	

نسخه چاپ سنگی از السبع الشداد والإعضالات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه. ق.
(فهرست محتوای السبع الشداد)

۴۸	بیان القول بطلان صلوة فی مکان الفسق	الفصل الاول
۷۱	مختصر ما اشترط فی باحة المكان من العبادات	الفصل الثاني
۷۵	بیان ما قبل بطلان صلوة ما لا مکان المصنوع لوصلي فيه	الفصل الثالث
۷۸	المقالة السادسة (فصلان)	
۷۸	مختصر القول ونسب العباد الركن في الصلوة	الفصل الاول
۸۵	التنبه على نظائر المسئلة في سائر ابواب العفة	الفصل الثاني
۸۹	المقالة السابعة (ثلث فصول ونقطة)	
۸۹	بیان ما يقال ان العزم على المعصية لا يوجب العقاب	الفصل الاول
	ونسب الطاعة مستلزما للثواب	
۹۲	مختصر معنى حديث لا صغر مع الاصرار	الفصل الثاني
۹۵	في ان تصاد الذنب من الكبائر	الفصل الثالث
	التحذير	
۱۰۰	بیان معنى حديث المؤمن خير من عمله	
	وقد باشر في انجاء طبع هذه النسخة الشريفة افاض الربيع	
	الاخبار الديني الحاج الشيخ احمد	
	شيرازي صلح الله حاله	
	وختم بالخبر عفا الله عنه	

نسخه چاپ سنگی از السبع الشداد والإعضالات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه.ق.
(فهرست محتوای السبع الشداد)

۱	فهرست این کتاب	۱
۲	در بیان احوال و سیرت فیلسوفان	۲
۳	در بیان احوال و سیرت حکما	۳
۴	در بیان احوال و سیرت مشائخ	۴
۵	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۵
۶	در بیان احوال و سیرت اولیای	۶
۷	در بیان احوال و سیرت سادات	۷
۸	در بیان احوال و سیرت علما	۸
۹	در بیان احوال و سیرت فاضلان	۹
۱۰	در بیان احوال و سیرت مجتهدان	۱۰
۱۱	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۱۱
۱۲	در بیان احوال و سیرت اولیای	۱۲
۱۳	در بیان احوال و سیرت سادات	۱۳
۱۴	در بیان احوال و سیرت علما	۱۴
۱۵	در بیان احوال و سیرت فاضلان	۱۵
۱۶	در بیان احوال و سیرت مجتهدان	۱۶
۱۷	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۱۷
۱۸	در بیان احوال و سیرت اولیای	۱۸
۱۹	در بیان احوال و سیرت سادات	۱۹
۲۰	در بیان احوال و سیرت علما	۲۰
۲۱	در بیان احوال و سیرت فاضلان	۲۱
۲۲	در بیان احوال و سیرت مجتهدان	۲۲
۲۳	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۲۳
۲۴	در بیان احوال و سیرت اولیای	۲۴
۲۵	در بیان احوال و سیرت سادات	۲۵
۲۶	در بیان احوال و سیرت علما	۲۶
۲۷	در بیان احوال و سیرت فاضلان	۲۷
۲۸	در بیان احوال و سیرت مجتهدان	۲۸
۲۹	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۲۹
۳۰	در بیان احوال و سیرت اولیای	۳۰
۳۱	در بیان احوال و سیرت سادات	۳۱
۳۲	در بیان احوال و سیرت علما	۳۲
۳۳	در بیان احوال و سیرت فاضلان	۳۳
۳۴	در بیان احوال و سیرت مجتهدان	۳۴
۳۵	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۳۵
۳۶	در بیان احوال و سیرت اولیای	۳۶
۳۷	در بیان احوال و سیرت سادات	۳۷
۳۸	در بیان احوال و سیرت علما	۳۸
۳۹	در بیان احوال و سیرت فاضلان	۳۹
۴۰	در بیان احوال و سیرت مجتهدان	۴۰
۴۱	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۴۱
۴۲	در بیان احوال و سیرت اولیای	۴۲
۴۳	در بیان احوال و سیرت سادات	۴۳
۴۴	در بیان احوال و سیرت علما	۴۴
۴۵	در بیان احوال و سیرت فاضلان	۴۵
۴۶	در بیان احوال و سیرت مجتهدان	۴۶
۴۷	در بیان احوال و سیرت بزرگان	۴۷
۴۸	در بیان احوال و سیرت اولیای	۴۸
۴۹	در بیان احوال و سیرت سادات	۴۹
۵۰	در بیان احوال و سیرت علما	۵۰

نسخه چاپ سنگی از السبع الشداد والإعضالات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه. ق.
(فهرست محتوای الإعضالات)

الحمد لله والمنه که این کتاب مستطاب
جذوات طور سینای حکمت و قسماً انوار ملای اعلامی معرفت که
 در فنون علوم حقیقیه لب لباب بل در تابش نور چون افتاب
 عالم تابست از تصنیفات جناب مستطاب قدوة العلماء العاملين
 وحکیم الفقهاء الربانین وفقیه الحکماء الالهیین العن الثمر
 من دوحه النبوة والامامة والثمر الجئی من شجرة الولاية سیدنا
 ومولانا محمد بن محمد یدعی باقر الداماد الحسینی
 بجهة قلة نسخه همیشه در پرده
 استنار و دور از دست رس آنها
 و اغیار بود لهذا این احقر اجابة لبعض اخوانی
 المؤمنین امر بطبع و انتشار نسخه او دام و از این خدمت
 شایسته که از این احقر بظهور رسید یقین است که خود را در میان
 علماء و حکماء و فقهاء و فضلاء مفتخر و سرافراز نمود و از همه
 التماس دعا دارم و انا العبد المفقّر الى رحمة الله الواسعة اقل
 ابناء العلماء الحاج شیخ علی
المحلّاتی الحائری دام عمره العالی و کان اغاز طبعها
 فی العشر الثانی من جمادی الاول
 من سنة ۱۲۱۲
 کتبه عبد الله بن عبد الرحیم الاسترآبادی

جذوات للسید محمد باقر الزمان الحسینی علیه الرحمة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عینان عینان لم یکنهما قلم فی کلّ عین من العینین عینان
نونان نونان لم یکنهما قلم فی کلّ نون من النونین نونان
مقادیر قسماً انوار تسبیح و تحمید و قف حرم کبریا ناظم کارخانه ابداع
وتکوین و مقایس جذوات اسرار تقدیس و تحمید فرق قلوبا ولیا فاطر
السموات الارضین عز قدسه وجل مجده و تعاضد سلطانته و تساطع برهانه
داغ او بر تراز جبین منست شکر او پیش از فرین منست
شکر فیض تو چمن چون کندای برهیا که اگر خار و کر کل همه پرورده نشت
و مواضع مجامع تجیّت و تکریم و صلوة و تسلیم رهن سرکوی کمال سید
سکان سواد کون و مکان و شیرازة کتاب عالم امکان نظم
ختم و مل سیدانس و پرے هندوی و جای رُحل مشتری
ابخ عقل نم جوی او هر دو جهان تعبیه دو کوی او
واوصیا طاهرین و اهل بیت مطهرین او که فلک استواء یقین و عصمت
و معدل النهار دین و ملت بحالی انوار الهی و ظلت و ذای ما تاما الهی و لا یغیا



نسخه چاپ سنگی از جذوات و موافیت
منتشر شده در بمبئی، به تاریخ ۱۳۰۲ ه. ق.
(صفحه آغازین جذوات و موافیت)

چیزی داخل نیست و دود در پستان بطون نوایات چهارده گانه مضمر
و نیز ب و و که هر دو متعلق بعالم عقل و ج و د که هر دو بعالم نفس متعلق
اند بحسب اعتبار مدلول دل و م و د که حرف عالم طبیعت است من حیث
المدلول در ج که نیز بعالم طبایع متعلق است مندر چندین مقطعاً نیز بل
کریم امته و اصول عالم حروف را جامع حقایق و اسرار کتاب مبین نظام وجود
حادی آمده است در کتب احادیث از ابن عباس وارد شد ان علیاً عم کان یعرف
الفتن من جمیع فیهن و ثعلبی در تفسیر خود آورده اند ان النبی لولیت
هذه الایة عرفت الکاتبه فی وجهه فقیل یا رسول الله ما احزنک قال الخبر
ببلا یا تنزل باصتی من خسف و قد ف و نادر تحشرهم الی البر و یج تفد فیم
فی البحر و رایات متتابعه عند نزول عیسیٰ بخروج الرجال و در روایا
اصحاب روایت آمده ان الحسین بن علی عم سئل عن معنی قوله تعالی
کهی عصف فقال لو فسرته هالك تمثیت علی الماء و شینخا الصدق و عرفه
الاسلام ابو جعفر بن بابویه رض در کتاب کمال الدین و تمام النعمه تاویل
کهی عصف از مولانا الهام ابی محمد العسکری ع روایت کرده فقال ذلك
من انباء الغیب فالکاف اسم کربلا و الهاء هلاک
العترة و الیاء یزید و هو ظالم الحسین ع
و العین عطشه و الصاد صبره
تمت الكتاب بعون الملك
الوقاب فی العشر الثانی من جمادی الثانی من سنة ۳۲۲ فی معمره بمبئی

نسخه چاپ سنگی از جذوات و مواقیت
منتشر شده در بمبئی، به تاریخ ۱۳۰۲ ه. ق.
(صفحه پایانی جذوات و مواقیت)

۲۰

بسمه تبارك و تع
بر صاحبان این فن شریف حکمت
پوشید نباشد که حین اشتغال
بطبع این کتاب جذوات نسخه منحص
در یکی بود لهذا هرگاه غلطی فاحش
و غیر فاحش ملاحظه نمایند بر این
نسخه
نکته
میشود بلازیا و نقصا
مطابق با نسخه مزبور

اعلان

هر کس که طالب باشد این کتاب را یا هر کتابی
دیگر از هر علوم عرب یا فارسی طلب نماید
در معین محل چاپ و رگلی از نزد جناب آقای
شیخ علی محلاتی حایری

نسخه چاپ سنگی از جذوات و موافقت
منتشر شده در بمبئی، به تاریخ ۱۳۰۲ ه. ق.
(اعلان ناشر درباره محل فروش کتاب)



کتاب گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه میرداماد (پاره ششم)

نسخه چاپ سنگی از نور الأنوار فی شرح الصحيفة السجّادیة
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه.ق.
(صفحه عنوان)

[تصویر شماره ۲۳]



نسخه چاپ سنگی از نور الأنوار فی شرح الصحيفة السجادیة

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه.ق.

(صفحه آغازین نور الأنوار و حاشیه میرداماد بر صحیفه سجادیة در هامش)

إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ

ولا يشترط يكون بعد الاشارة
والاستغناء واما ان يكون زائدا
مؤديا ونشأ والكسوف بعينه
يكون محققا للفتق بعينه
الكسوف الجوزي فانه كسوف
وكسوف اصغر فقط والاشارة
بمعنى الانكشاف والاختفاء
والاستغناء عن كسوف كسوف
كسوف احي الكسوف قاصح
ما عدا ذلك في الغالب
كسوف الشمس واخر كسوف القمر
كما يكسوفان والاربابا بما بينهما
والاحسنة الاربعة في قسم
كسوف في الارز الاربعة الشا
في الحد بان الشمس اعتدلا
بجسافان اي بجسافان في
الحد ولا يعمونه بنوع
الشمس وشمس اذ كان في الحد
لربساف القمر على الارض
في علمه في الحد والشمس في
الحد بكمية الشمس في الحد
لها الكسوف ولا عوفا
اطلاذ في مثل هذا العلم
صفتها للحد وذكره على
بابها الشمس في حد بابها
بجسوف القمر في حد بابها
في حد بابها في حد بابها
الشمس في الحد بكمية

[illegible]

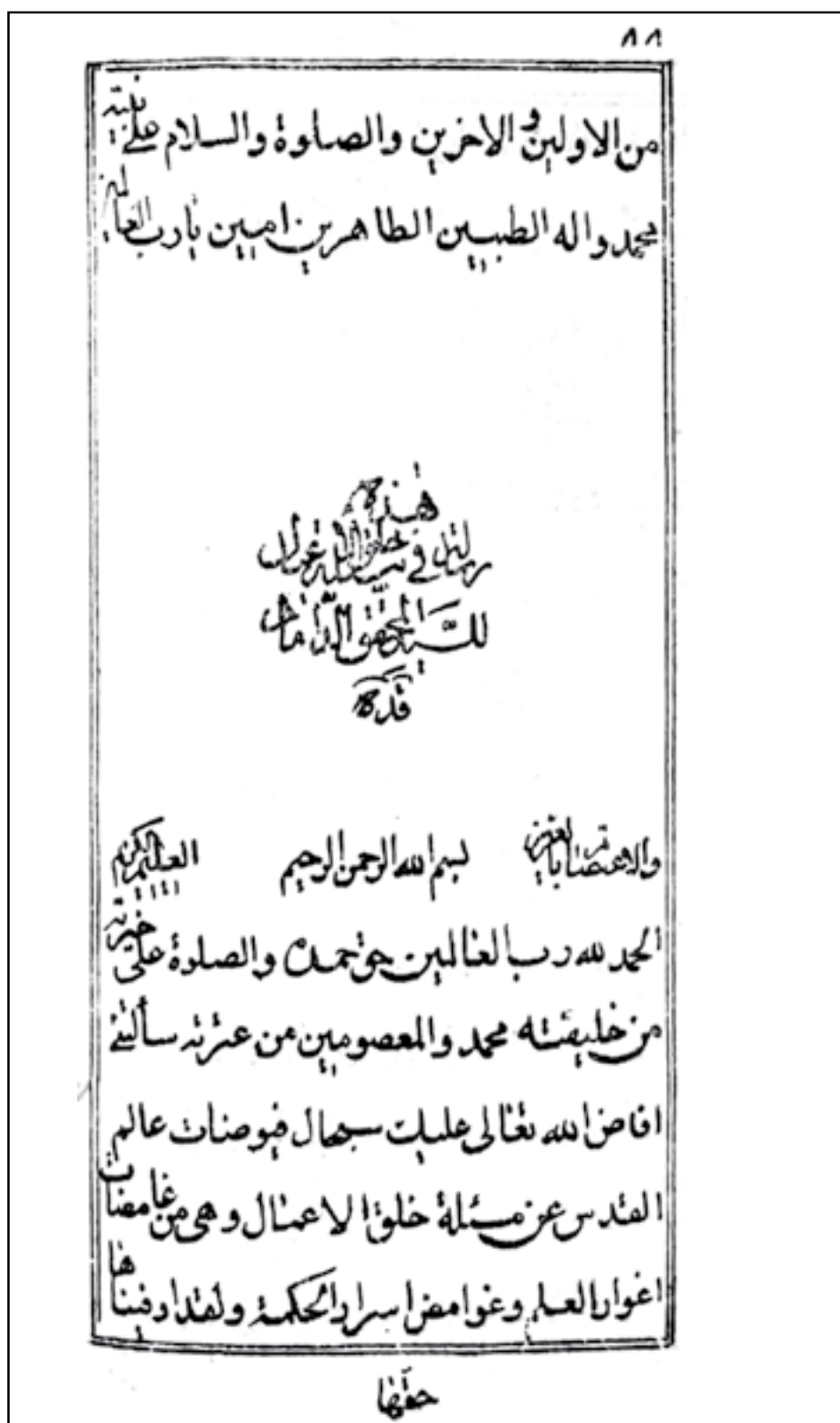
பெரிய

کتاب‌گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه میرداماد (پاره ششم)

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۷ ه.ق.

(صفحة پایانی نور الأنوار و حاشیة میرداماد بر صحیفه سجّادیّه در هامش)

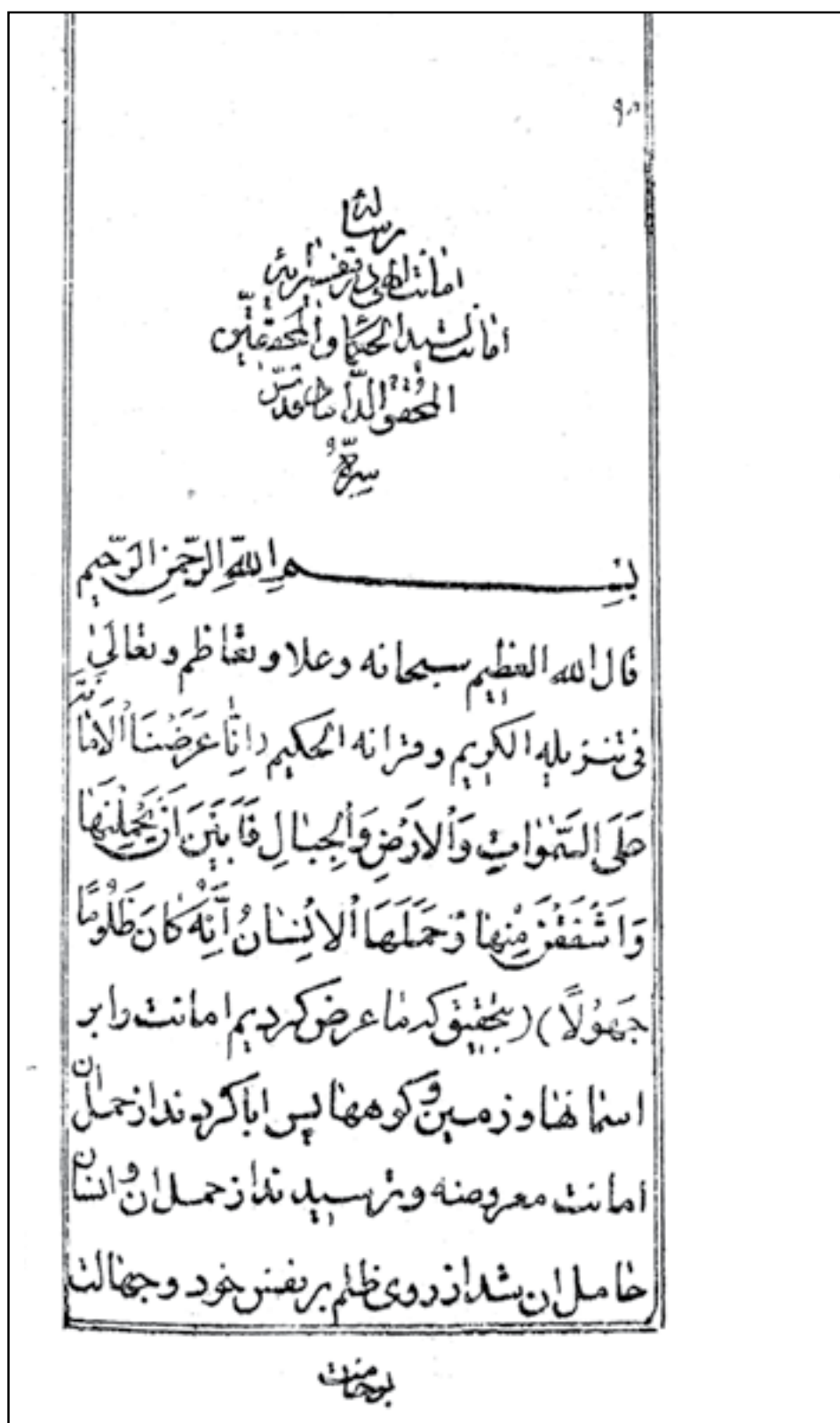
[تصویر شماره ۳۵]



نسخه چاپ سنگی از رساله فی خلق الأعمال و رساله امانت الهی
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه.ق.
(صفحه آغازین رساله فی خلق الأعمال)

۹۵
 للسید الداماد
 الی المسبینات جمیعاً لم یکن یجد فی الوجود ما یطیح ان
 یطعن علیه الشر و ینسب الیه الشره بوجوه من الوجود
 فلیستقر و لعل للوجهین ثال عزم من فائل فی ابه المذک
 سیدک الخیر (لا الاول منها فقط کما فی کلام البیضا
 حبث قال ذکر الخیر حد لانه المفضی بالذات و الشر
 مفضی بالعرض ذ لا یوجد شر جزئی ما لم یضمن خیرا
 کلیاً و مما یجب ان یعلم ان الشر و انما دخولها بالشر
 فی الفضا الا فی الفند فلیقفه فهذا شطر من حیل
 القول و حق البسط فیه علی ذمه منا
 سیرنا له الله بعظم فضله و کبر
 طوله من
 ۱۳۱۵

نسخه چاپ سنگی از رساله فی خلق الأعمال و رساله امانت الهی
 منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
 (صفحه پایانی رساله فی خلق الأعمال)



نسخه چاپ سنگی از رساله فی خلق الأعمال و رساله امانت الهی
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه.ق.
(صفحه آغازین رساله امانت الهی)

نسخه‌الداماد
۱۱۳
بَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) (و این رساله امانت
الهی و رساله مکاناً علیاً در اردوی معلا و موب
همایون نواب کل مناب سپهر و کاب اشرف از رفیع
خلد الله ملکه و عدله و ابدنصره و غره ابدان
همدان حسب الاستدعای نواب خانی عالی شاه
مستجمع المائر و العالی نواب فوزچی باشی حبیب
موسکوه مؤکنبه و نسا و حصار و منصاب ابد
الله سبحانه بمنه و تائید و سدد و توفیق
شاید رفیع محرم و تصویر پند و اندرز و کتاب
بهیناء الفائر الدائر اوج الخلق الی الله الحمید
الغنی محمد بن محمد بدعی باقر الداماد الحسینی ختم
له بالحنی فی شهر جمادی الاول العالی و شیان
الفیض المحرم المقدس الباکر حامد بلیا
مکات

نسخه چاپ سنگی از رساله فی خلق الأعمال و رساله امانت الهی
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
(صفحه پایانی رساله امانت الهی)

[تصویر شماره ۳۹]



نسخه چاپ سنگی از مجموعه الرضاعیات و الخراجیات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
(صفحه عنوان)

۱۸
 ادله جبریه

رضاعیه مخفون ما

۱۴۴

العقلانی بهیمنی بلوغ نصابه الاول حد الاستقام نعرف معارف الرب العشر السبع
السب و العود و هما نصفان نظام الوجود والمحیط هو الله سبحانه والله بكل شيء محيط و
كيفية الانتهاء الى جنابه والمصير اليه والفتاويه والبقاء به تعالى شأنه ومعاظم سلطانه
في السد والعااد ولا بعد الاثنان من الحكماء ما لم يحصل له ملكه خلع السد الظلماني و
العروج الى عالم النور الا الهی حتى يصير البدن بالنسبة كفيض بلبه ثانی وعظمه اخرى
معشرا بآء الحقیفة وحزب البیض جعلنا الله واکو من خالص ولبانه الذین لا یؤ
علیه ولا هم یضربون واذ بلغ ربی النوبین نبأ هذا المقام فلقنهم
علیه باذن الله سبحانه بارقة الكلام وكتب بهما الجوابه
الفانی راجع المریدین الى عزیز المجد
الغنی محمد بن محمد بدعی مایه
الذی ما یحیی

باعد

۱۰۳۸

فائدة
شرف مختصر
السيد لا جلا اعظم
السيد الدائم قدس سره في كيفية
زنا بقره القبول و اجابة الدعوات

بسم الله الرحمن الرحيم
نفس ناد وعلق است ببدن بکی من حيث المادة و د بکری من حيث الصور و هو
سبب قطع علق ثانی است نه اول از اجناس است اعتبار از باروت و هو
واجب و عوات تا سرینه فاذ مع و موحدا لا یخفى
الحقیقة فیما لا یشریفه

نسخه چاپ سنگی از مجموعه الرضاعیات و الخراجیات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه.ق.

(صفحه پایانی ضوابط الرضاع و فائدة مختصرة في زيارة القبور و إجابة الدعوات)



نسخه چاپ سنگی از مجموعه کلمات المحققین
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
(صفحه آغازین رساله مختصرة في خلق الأعمال)

۲۴۷

شرح نزع جبر و قدر

ع

الشارح الى السيات جميعا لم يكن يحد في الوجود ما يبعث ان يطلق عليه الشر و منسب اليه الشر
 بوجه من الوجوه فليست لعل لا وجهين قال عزيمو. فان قيل في امه الملك سيدك الخ لا الاول
 منها فلفظ كما في كلامه ايضا و حيث قال ذكر الخبر و حد لانه المقتضى بالذات والشر مبني
 بالعرض اذ لا يوجد شر جزئي ما لم ينضم خبرا كليا و بما يجب ان تعلم ان الشر و انما ادخلها
 بالعرض في الضلالة العلة فليفتنه فهذا سطر من جمل القول حتى البسيط في علمه ما
 نه الله عظيم فضله
 وكبير طوله من في السلك
 لسان في الجبر والاختيار للعلامة الرباني والعارف الصمد المحقق الملقب بالشيخ
 في الله الرحمن الرحيم

سبحان من تنزه عن الخشأ ولا يبري في مسلكه الاما شاء والصلوة على صاحب بيتنا البينا
 والله مصابيح الدجى اعلم ايها الخاضع بقوى الايمان والتحقيق ان مسئلة القدر في الافعال من الغواض
 التي تجرث فيها الافهام واضطرب فيها اراء الانام وليس لنا رخصة في افتائها بالكلية
 لكننا نقتل مذهب هب فيها علمنا الاسلام ثم نثير اللمعة بيرة من طريق اصل علمهم
 السلام فنقول هب طائفة الى ان الله تعالى وجد العباد وافادهم على بعض الافعال وقوى
 اليهم الاختيار فهدو مستقلون بايجادها على قوت مشيهم وطوب قدرهم وقصواته وان
 منهم الايمان الطاعة وكسر منهم الكفر والمعصية فالواو على هذا يظهر امور منها فان الله
 بالاولى والنزاهة فانه الواحد الوحيد ومنها استمع ان الثواب والعقاب منها تنزه الله
 عن ايجاد العباد والشر والي هي انواع الكفر والمعاصي عن ارادتها واكتفوا بخلقها واعمالها
 من اثار الشريك الله تعالى من ايجاد حقيقته ولا شبهة في انه اشنع من جعل الاصنام
 عند الله تعالى ايضا بل هو صمد ما اراد ما لئلا الملك لا يوجد ملكه وادما كرهه يكون
 موجودا فيه وذلك نفقنا شنيع في السلطة والملكوته تعالى الله عن ذلك علوا كبيرا
 وذهب طائفة اخرى الى ان لا مؤثر في الوجوه الا الله تعالى الشئ الى عن الشر والخلق والاب
 يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد لا ارادة لغيره ولا معصية له لا سبل ما يفعل وهم يشعرون
 ولا مجال للعمل في حجب الافعال بتفسيرها بالنسبة اليه بل بحجب كلنا بفعله في ملكه

في

انما اشنع الخ

نسخه چاپ سنگی از مجموعه کلمات المحققین
 منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
 (صفحه پایانی رساله مختصرة في خلق الأعمال)

رساله مفهومی وجوه

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلم ان لكل ممکن موله كان ازلها واحدا ما يكون بالنظر له ذاته لا شئاً صرفاً فاقابلها الشئ بالثبوت
الخارج والحيثية الخارجية المتناصلة فلا يكون ثبوت شئ من تلك الامور في ذاته مع قطع عن الغير
والا بل ان كان يكون اجاباً بالذات موجوداً بالذات فبذلك الانشائي هو مع بالبدئية اذا فهم هذا
قفوا لا شك ان الشئ والارض فيهما من الحجاب في الخارجية لما لو يكن باحتمال ذلك الحجاب في وجوه
خارجية فيكون جميعها اثر الجاهل في الخارج ضد اثر الجاهل في الخارج ولما لم يكن بين الحجاب والجاهل
وبين وجودها الخارجية الثبوتية خارجية لان الوجوه احوال الخارج ليس امر انضماماً كما لا تزداد والاشياء
على ما عرفت مشرقاً في حصص الحكمة في الاحتمال لان احدهما ان يكون اثر الجاهل الحجاب في الخارجية
يكون اثر الشئ اعتباراً وازادة الوجوه على المقابلة في الدهر فقط على ما قال المحقق الصمد في الخبر يدعوا لوجوه
في الشئ وانه بسطاً بخلاف ذلك حفظ الامر في ذلك في زماننا حتى التحقيق والبسط وانما ان يكون
اثر الجاهل على نفس الوجوه الخارجية والمثبت يكون امر الشئ اعتباراً على عكس ما هو التحقيق وهذا الاحتمال
لا يفرق من ان المقابلة امر شراعي والوجوه الممكن امر باصل على هذا قلنا بل ان يقول ان المقابلة التي يكون
من الانشائي اعتباراً لا يخرج من ان يكون امر شئاً في الخارج فان كان شئاً في الخارج بل من ان يتحقق الانشائية
الخارجية بين المقابلة الوجوه الخارجية فبذلك يكون الوجوه الخارجية امر انضماماً وما قد عرفت انه بل من انضماماً
كثير على ما ذكرنا في حاشية ما في البيهقي ان كان شئاً في الخارج فيكون المقابلة من الامور العامة ليس
لها محتمل في الخارج كاحدة والكثرة والامكان فيهما من الامور العامة وهي لا تكون احالة تحت مقابلة
لان الداخل في العقول لا يكون الا الانشائية المحتملة فيكون الامور المحتملة تكون احالة تحت مقابلة
هي الوجوه الخارجية دون المقابلة لوجوه الغيبة الى الوجوه الممكنة المحتملة في الخارج لا يخرج
ان يكون مشتركاً في الغيبة او معنوياً او الاول باطلاً على ما ثبت بالبرهان ان الوجوه مشتركة معنوياً واذ كان الوجوه
مشتركة معنوياً او الاول باطلاً على ما ثبت بالبرهان ان الوجوه مشتركة معنوياً واذ كان الوجوه مشتركة معنوياً بين
الوجوه المحتملة الخارجية فيكون للوجوه مفهومي وهو ظاهر عبر عنه ايضا وذلك المعبر عنه مفهومي
في الخارج كما هو المفروض وذلك الامر المحتمل لا يخرج من ان يكون كلياً طبيعياً موجوفاً في الخارج او يكون
كلياً طبيعياً بل يكون جزئياً طبيعياً منحصراً بذاته وكل واحد منها باطل اما الاول فلانه اذا كان كلياً طبيعياً

فلا بد

نسخه چاپ سنگی از مجموعه کلمات المحققین
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۵ ه. ق.
(صفحه آغازین رساله فی مفهوم الوجود)

14

[illegible]

[تصویر شماره ۳۶]



نسخه چاپ سنگی از الرواشح السماویة
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۱ ه. ق.
(صفحه آغازین)

کتاب‌گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه‌نامه میرداماد (پاره ششم)

الفاظ الظاهر ما تضمنه النسبة الخارجية بالنسبة للسانية التي هي الذكر المحكي ثم
ان منها بحث فوان ذكر لا يتاقي فيها هو العدة في ما هذا الاحكام عن الانشاء
لعدو لانه على النسبة الخارجية فليزمن ان يكون يدعي كونه الناس لا زيدا في حكم
النكوت عنه بل محكوما عليه بعد ايجاب كونه بلا خلاف قلت النسبة العقدية
الحكيبة عن فوعها او لا فوعها بالعقد النفس والذكر اللبجي من حيث هي حقة في
حدفها واقعة في نفس الامر لا بعمل واخراج من العقل بوقها النسبة الخارجية
ومن حيث خصوص ثملها في الذهن وطبع القوة العاقلة بها تطبعها اذ عاينا وان
كان ذلك الممثل المذعن الواقع في الذهن واقعا في حد نفسه لا بعمل العقل لا غير
بل اذ عا له واذ كان اياه بوقها النسبة الذهنية النفسية المطابقة لها هي هيئة نفسية
لنفسها بما هي واقعة في حد نفسها مع عزل النظر عن لحاظ العقل اياه وان لم يكن
تحققها الواقع في نفس الامر لا تحققها في العقول الا اذا كما في العقول الذهنية
فالنسبة العقدية مطابقة بالنسبة بالاعتبارين ومطابق بالكسرة لا اعتبارا
ولا تفرق وتغاير بينهما بالذات ونصوصها انحاء الوجود ملائمة في المطابقة بالفتح
والخفية في نفس الامر في انواع العقول على الاطلاق والنسبة الخارجية مطابقة في احاطة
عن خصوص اعتبار العقل ان كانت في العقل لا غير ليس صحيح خلو المستثنى عن حكم
الصدق ومقابله بحسب الامر لا ايجابا والسلب بجمعا ولا يرتفعان بانه فان
فان لا يعمل اختلا الاستثناء من النفي والاثبات في مخالفة حكم الصدق بواجب
النسبة النسبية الخارجية فليبين فيها مفهوم العدة هذا اخر ما صنف في هذا الباب

وقد ملقته من هذا الشرف عشر مع باينة الظاهر
في سنة المصون من شهر

نسخه چاپ سنگی از الرواشح السماوية
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۱ ه.ق.
(صفحه پایانی)

بِسْمِ اللَّهِ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ

کتاب جدید الطبع که طابو تقصید فی بلد است
 در ذل الخلفاء باهره انطباع میشود و بعضی انجام
 طبع یافت و بعضی قریب لاختتام است که در نوای
 مسجد شاه محلی جهنم فروش آنها معین میشود
 کتاب شرح درسیان محقق خوانین بک که در فقه مجلد
 کتاب منتهی المطلبان ابن الله علامه که در فقه مجلد
 کتابار و اشع السماوی از محقق امانی که در فقه مجلد
 کتاب جامع السعادات از مرحوم زعفرانی که در اخلاق مجلد
 کتاب مصباح کفعمی که در ادب مجلد
 کتاب مقاصد العلیه فی فوائد اللبانه شهید که شرح الفیه و نقلیه که در فقه مجلد
 رساله آغاز و انجام محفوظی در معارف و مضامین العباد از نجم الدین کبری که در معارف مجلد
 اثنا عشر باب خمس از شیخ بهائی علیه السلام که در فقه مجلد
 فی نهج شحان العظمی

نسخه چاپ سنگی از الرواشح السماویة

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۱ ه. ق.

(اعلان ناشر درباره منشورات جدید از جمله الرواشح السماویة)

نسبت مؤلفاً علیہ السلام از محققان

وصرح فيه لبرهان وذل عليه لحدوث القرآن وكفلا ومخير الله سبحانه الى اختار ما
 ووقع في البلاد والعبا ومنار ما ولو تركنا انما بهم الى الله ما يفرق على تطاول الابدان
 مضبوطة واحسانهم الى ما يفرق على تطاول الاعداء من الخلل موحدة الا في راس
 او ان تغرب في اكثر البلاد الى وطنها فتبا بها عظماء من الحياض والجبين وتساو في شدة
 بين الجبين والجبين بجزاير الدعي العلوي ولا يكون عليه تبا في الشرف فما من غار في شانهما
 ربح اليه كثر انما يفتت الظاهر المذعن توصلا بذلك الى الطعن في الله وكرمه
 فمثل لو عرفته بدا صحت النبك لتبرك براهه وضعه تحت تواضعا على عبته يا به هذا
 لعمر الله محض اللجاج والعناد الذي لا يطع لشيء علاج هذه سيئات العلوية الفارسية عن الله
 متوافرة وقابل الفاطمية الطاهرة عن الغبار من كثرة قدرا لا يصح فضا لا لهم في كل زمان
 علامون من الامم وتخص بفتح حالهم في كل وان فيها من من لا من (فهرست كبر كبر)
 بعضه من مضمون احاديث مضطرب انهم مؤثرون وما يقين توحيه بيان فمروءه انداز
 عليهم وتعلم لاحضن بوسيلة سوار سلسلة خط واما دود واما دود واما دود
 صحيفه خا طرنا طرنا من مبررنا ندك كسب شرافت قرابتا واحدا وان واعى محتر
 وسالنيما محمد صلى الله عليه وآله وائمة اطهار دين الناس من الاخيار والاشد واهلنا
 ظاهر مكمولوا من انما نحن احكاما مواقيف ومواقف قطع ان نسبت شرفا
 شان ارايشان نفوذ اند وموقفي ان استفاضه فوشنه علماء دين واقام الجهد
 وضوا ان الله تعالى عليهم جميعين انت كدربان اجازة احاديث مصنفات ووجه
 والد الداعي على عونه اندوا الفضل بخط شرفه ليشان ورحمهم الله تعالى موجودات
 انما لاجله انما عجايب والدا على سيد الجهد كسب منكم الما فحين سلا لاسلوك
 ثالث المسلمين من محمد باقر الحسيني الذي في نور الله مرقدة الله قد حشر
 حبه الجبار وانطقه في هذا الانار بومعا دك با والد الداعي سيد المحقق في
 من سيد احمد عظم الله مضجعه في هذا زاد كذا شند وروايتا نور واهل
 المحقق واهل فضاله النجاشي في هذا فلان المحقق شيخ علي بن عبد العالم كرم الله

ما من شيء الا له اربعة اركان
 اركانها هي: العلم، العمل، القول، والنية
 العلم هو ما في القلب من الحقائق
 العمل هو ما في اليد من الاعمال
 القول هو ما في اللسان من الكلام
 والنية هي ما في القلب من الارادة
 هذه الاربعة اركانها هي التي تبنى عليها
 كل عمل صالح، وكل عمل سيئ
 فمن علم ما له من الحق، وعمل به، وقوله
 ما عليه، ونية ما هو له، فقد اتم
 اركان عمله، وبنى عليه ما يشاء

نسخه چاپ سنگی از فضائل السادات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۴ ه.ق.

(توضیحات مؤلف، میرمحمد اشرف علوی عاملی، دربارهٔ جدّ مادری خود، میرداماد)

۴۷۹

۱۰۰۰ کافور از پنج صاع
 صبیبه چهل صاع
 آتش بخند و بجز بخت
 صاع ۱۰۰۰ صاع

کتاب گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه میرداماد (پاره ششم)

نسخه چاپ سنگی از فضائل السادات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۴ ه.ق.
(اجازات می‌رداماد به میرسیداحمد علوی عاملی)

صورت جابر جلد دوم

۳۸

با حقه و فی المعلوم الشریعہ کتاب الطہارۃ من کتاب قواعد الاحکام متبعاً الملائکۃ جمال
 اللہ والذین یحکم وشرعہ لبحر الامام المحقق الثمنا علیہ مقامہما وطرما من الکتاب
 الامام الفلانی الزمخشری واما شمس الشریفہ الشریفہ و موثقل هذا الاثران بقواعد
 متبعاً الحق المہدی قدس اللہ علیہ وافی اجرت له حيث استجاز فی ان یرد علی جمیع ذلک
 لمشاہد و احب متخفاً مختاراً علی مرغاة الشریط المعبر عن دار باب التداہر والوقت
 وارضیہ ولا یغوی اللہ سبحانہ وخبیرہ فی السرق العلان ان تقو العلیل عظم مقالیہ
 ناصبک لا سلباب الفیوض لہب والاسضاء بالانوار والعقلیہ والاصوات القدسیہ
 ولکن مسندہما لاسند کا و قول مولانا الصالح جعفری بحال باق صلوات اللہ وسلامتہ
 علیہما استخی من اللہ بقدر قریب منک وخصیعتہ فمددنی علیک واطفا علی الالفاظ کما
 والادکار والاکثار من ثلاثہ العزیز الکریم ولا سباً سواہ التوحید لہ منہا منہ کما
 فہر مثلاً الفریز الناطق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ صلوات اللہ التامات من کتاب
 الروح ومکانہ فہر فہر استحکک علاقہ فالعقید النبیج والبیان تریح ملکہ وفض
 النجی الجدلہ ونفق الجدلہ المہول فی دنانہا صولہ وعا لا القدس لہ منہا
 کثیر وکما فی عن خفرت وخرج عن دما فی عنہ سابق فی ووصیہ سلفہ عن
 فی کتاب القراءۃ المستقیم کل مہر لہا خلق لہ و من یان فاقم قمرہ من جہر لہ الما والاول
 وثالثاً بکرا وندکا فی صولح الدعوات الصادرہ منہ الاستجابات ومنظہ الاجابات
 واللہ سبحانہ فی الفضل والطول الہیجج الامرکہ وکتابہ وجع المہربین الی الرب
 الفنی محمد بن محمد بدعی باقر الداماد الحکیم ختم اللہ علیہ بالحق فی منصفہ من جہاد الاول
 لنامہ اما من الخیر المفیدہ النبویہ سولاً ما صلبا مسلماً مستغفر والحمد للہ رب
 العالمین والصلوۃ علی سولہ الطاہرین والاخر الاجلۃ الشانیہ ربہم اللہ العزیز
 والقدیر بالمرزہ المکرم الخیر اللہ فی العالمین فی السلطان الناطع والبرقان للامع
 والنجی النافع والمجد النافع والصلوۃ افضلها علی انسان الصادق بالربا لہ والشافع
 الماضع بالجلالہ سیدنا ونبینا محمد صفوہ المکرمن وسید المرسلین ووالہا الاکرمین

تماماً

مصحح بر سر قلم
 قد تضاف مصحح بآزری
 فاصح بمرور وقریب

نسخه چاپ سنگی از فضائل السادات
 منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۴ ه.ق.
 (اجازات میرداماد به میرسید احمد علوی عاملی)

حکایت اجازت مؤلف

۳۸۱

معاون برادر کرم و مؤلف

و ساداتنا الاطهرین من عشره الانجبین و خاصه لافترین جفایح الفضل و الرحمة
و صابغ العلم و الحکمة و بکدها انبت الابدان الموبد المقتصر النسخ العناغر الذاهر العلم
العامل العاقل الكامل الراخ الشاغل الفهامة الفخامة الکرامه افضل الاولاد و الود
واکرم العاقلین من قریه عن القلب فلیکن کید العقل نظام العلم و الحکمة و الا
والا فاضله و الحور و الحقیقه احمد الحکمة العاقله حضرت الله تعالی با نور الفضل و الا
و خصه بالعلم و العرفان قد قرأ علی فلول جفا النابه و هی فن التوفان من حکمة
المیزان من کتاب الشفاء لسهبنا السالفه و شریکها الدارج النسخ الرئیس و علی الحکمة
عبدالله بن سینا رفع الله روحه و علی منزله قرآن مجید و تحف و تدقیق و تحقیق
علم بدیع شاردن من النور و الا و قد اصطاد ما لا یأتی من التوفان و الا و قد استغادها
و ان قد اجز لکن برکته ما اخذ و ضبط و انعطفت النظمین شفاء کتبها و المیزان
کتابا حقیق عرفت حلیه لا یمکن الاملها و اذ الله و شریکها لهما علی الذکر
کینه و حقیقه و معلقان و محققان و مطالعها و مدارتها علی ما قد قرأ و تدقیق و صبح
و علی مقتضا الاولاد ما موضحا لاسر ما تارها لهما بق حقیقها و ابا عن حقیق حقیق
ساکل بقول المعلقین السبلنا فی مظهرها من مزج و رخ الحکمة الحکمة و اجمالها
الازمات العاقله و ابله المذاک الفاضله التوفان و غیره عن اشتغال التمع لما فیها
بمواق شهبها القدسیه و لا یسما فی شاهقان عقلیه من اصول الحکمة بحوضه جلاله
بحوضه عقلیه النفس شدة ارتفاعها عن مادیه الوهم و صدق من فضله ضریره النفس
و بعد ما جز بها اقلیم الطبیعه کما حش الدهر السرمه و حشد الما الرحله من بعد
الصریح فی الدهر و یسبح انواع القنده و الناصر و ترجیح النظم الاعبارا و فی المیزان
ثلث انواع الحدوث ثم ثلث انما النوع الثالث و هو الحدوث الزمان و قدس النبوة
الافضل المولود الجازل و عوام من مباحث التوحید و علم الولد الاحد الحق بکلیه
الرضیه لکن غامضا ما نل الحکمة و الما مولد لا یسما فی من صولح و عوانه الصفا
ما ان الاجابات و مطلق الاجابات و کتب مشوا لوج المیزان و الا و فی حقه

بدعی

نسخه چاپ سنگی از فضائل السادات

منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۴ ه. ق.

(اجازات میرداماد به میرسید احمد علوی عاملی)

کتاب گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه میرداماد (پاره ششم)

اجازات حبه مؤلف علیه السلام

۳۸۲

بدی نافر الداماد الحسینی ختم الله له بالحق ما مضى منها مستغفراً عما ۱۰۹ من
الحجرات المقدسة المباركة والحمد لله وحده ما كتب على بعض رضاء بنفرد حبه الله
بسم الله الرحمن الرحيم
لقد أصبح قهر العین بما فوق تحفظات هذا العلف قد وقایق قد قیانا ادا الله لنا افشاء من
السيد السند الحق المذوق المنعم من لسان اللک سنبل العلم على سنة البرهان الشاهج فبحر الحكمة
من شرب العرفان وكذا فطر المنافع من احوج المرئيين الى حمه الله المحمد الفی بحمد محمد بدی
یا قهر الداماد الحسینی ختم الله له بالحق ما مضى منها مستغفراً عما ۱۰۹ من
شیخنا البها وان شیخ المقدسین انا ارباب الحق البغین بحمد المنعم عیاه المله والی
محمد العالمی حقه الله تعالى بالرحمة که باو الدوله داعی یا غیبا انکه اصل ایشان از جبل
خامنه و طرد عالم بیکدیگر بود و اندک اجازت مسطور و مکتور در اسم الله الرحمن الرحیم
اما بعد الحمد للصلوة فقد اجزى للسند لاجل الفاضل الشیخ الرکی الذکر الضعیف الوفی الایف
الاورع شیخین سما السیادة والافان والافان وغیر سماء النفاة والنجابة والکمال سیدنا
السند کمال الدین احمد العلوی العالمی فقه الله سبحانه لا یتفاه ارفع المعارج فی العلم
والعلم ببقعه فایة المقصد المردو الامران یزید فی الاصول الاربعه الی علیها مدار
محدث الفقه الناجیه الامامیه بنحو الله علیهم اخیه الکافی لثقة الاسلام محمد بن یعقوب
والغیبة لرئیس المجتهدین محمد بن یزید القوی الهذیبی الاستبصار الشیخ الفایة محمد بن
الطوسی فلهن الله انهم داعی الخلد ازم با سائیک الحررة و کتاب الاربعین و کتاب
اصحنا العیة سلا الله علیهم اجمعین و کذا اجزى له سلمه الله بقاء ان یزید فی جمع
خامنه و فی البقا البقیة الغیبة الموسومة بالمررة الوفی و کتاب العبد المبین و کتاب
الشمس و کتاب الاربعین و کتاب مفتاح الفلاح و الرسالة الاثنی عشر و شرح
الصهیفة الکاملة و ذیة الاصول فلهن ذلک لمن له اهلته الروایة عصمتنا الله و اناه
عن اقضاء مناهج النواذ و کتب هذه الاحرف سید النجاة الفایة اقل العباد بحمد
الشهر بجا مال الذی العالمی بخا و زاهه عنه فی شهر الرابع من السنة الثامنة عشر

خامنه

نسخه چاپ سنگی از فضائل السادات
منتشر شده در طهران، به تاریخ ۱۳۱۴ ه.ق.
(اجازات میرداماد به میرسید احمد علوی عاملی)

کتاب گزار / شماره هجدهم و نوزدهم / ویژه نامه میرداماد (پاره ششم)

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- قرآن کریم.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، محمد محسن بن علی منزوی طهرانی (شیخ آقابزرگ)، تصحیح و تعلیق: علی نقی منزوی [و] احمد منزوی، چ ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- تاریخ چاپ سنگی در ایران، المپیادا پاولونا شچگلوا، ترجمه: پروین منزوی، چ ۱، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۸ ش.
- حکیم استرآباد: میرداماد، سید علی موسوی مدرّس بهبانی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (کتب خطی فارسی و عربی)، ج ۱، ضیاء الدین بن یوسف شیرازی، تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه [و] علی نقی منزوی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ ش.
- فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک (وابسته به آستان قدس رضوی)، ج ۵، ایرج افشار؛ محمدتقی دانش‌پژوه، چ ۱، تهران: انتشارات کتابخانه ملی ملک، ۱۳۵۲ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۴، سید احمد حسینی اشکوری، زیر نظر: سید محمود مرعشی نجفی، چ ۲، قم: نشر ولایت، ۱۳۶۵ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۱۸، سید احمد حسینی اشکوری، زیر نظر: سید محمود مرعشی نجفی، چ ۱، قم: چاپخانه خیام، ۱۳۶۸ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۲، سید صادق حسینی اشکوری؛ سید جعفر حسینی اشکوری، تحت نظر: سید احمد حسینی اشکوری، چ ۱، قم: انتشارات مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۵، سید صادق حسینی اشکوری؛ سید جعفر حسینی اشکوری، تحت نظر: سید احمد حسینی اشکوری، چ ۱، قم: انتشارات مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدراپی خویی، چ ۱، قم: مؤسسه دارالحديث، ۱۳۸۱-۱۳۸۸ ش.
- فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، مصطفی درایتی، چ ۱، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ ش.

مقالات:

- «رساله جبر و اختیار میرداماد»، ترجمه و تصحیح: رضا برنجکار، کیهان اندیشه، شماره ۶۵، صص ۱۵۷-۱۶۶.
- «علوی عاملی، میرسید احمد»، دانش‌نامه تحت فولاد اصفهان، گروه مؤلفان، زیر نظر: علی اصغر منتظرالقام، چ ۱، اصفهان: سازمان فرهنگی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۹ ش، ج ۳، صص ۲۴۴-۲۴۸.

یادمان‌ها (۶): تندیس میرداماد در میدان معلّم / گرگان

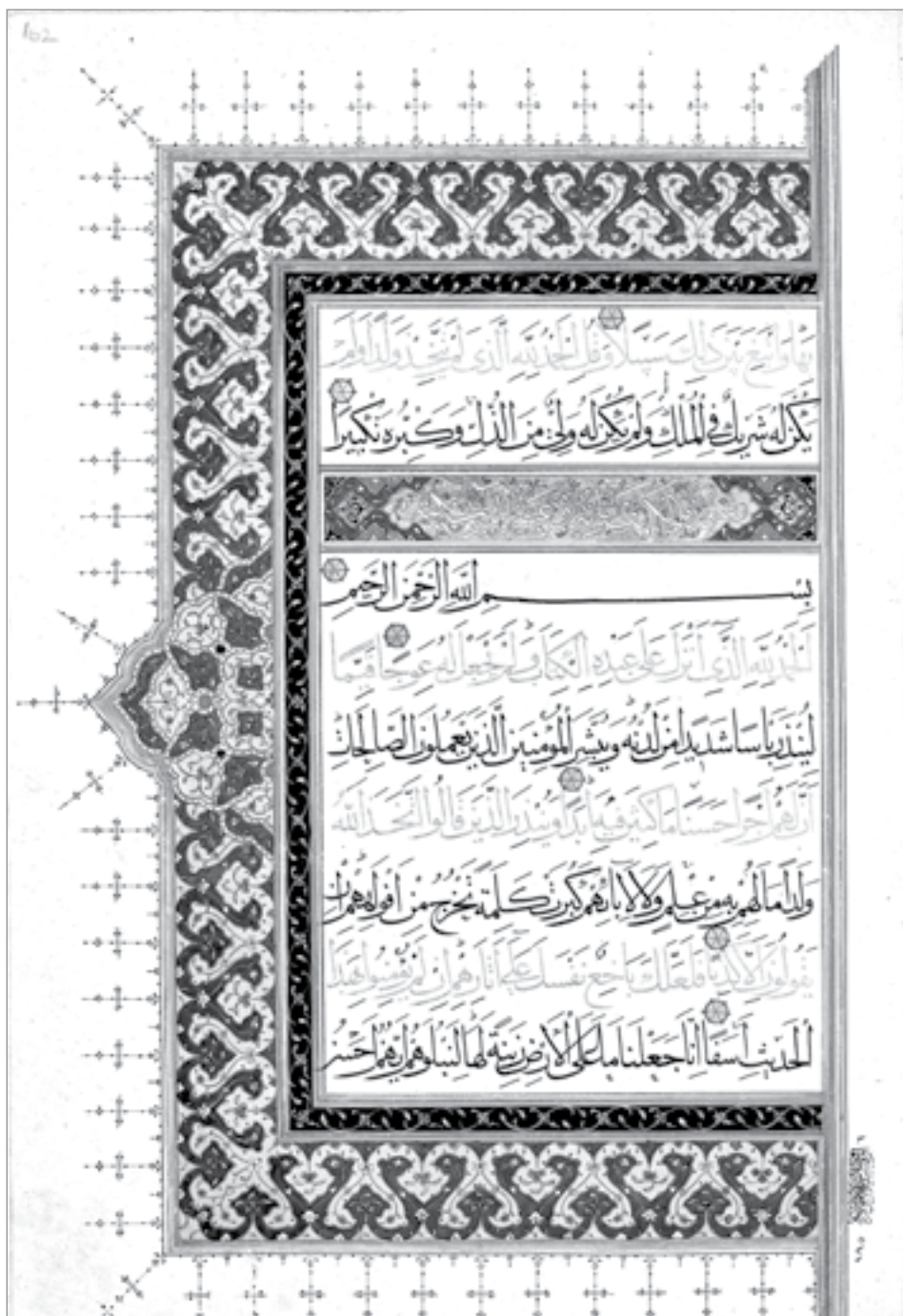


در سال ۱۳۸۳ هجری شمسی، تندیس بزرگی از میرداماد به دست استاد سعید پارسینا ساخته و در میدان معلّم گرگان نصب شد. این تندیس با ارتفاع ۵ متر بر روی سکوچه‌ای به ارتفاع ۲٫۵ متر در وسط میدان نصب شده بود؛ اما در سال ۱۳۹۳ هجری شمسی و در جریان ساخت زیرگذر در این میدان، تندیس میرداماد به صورتی جدی آسیب دید و تاکنون مرمت نشده است.

[عکس برداری و معرفی: علی بایزیدی]



قطعه نفیس نستعلیق، رقم میرعماد حسنی
موزه رضا عباسی (تهران)



برگی از قرآن کریم به خط رحمان، اثر احمد خلیلی تبریزی
موژه هنرهای ترکی و اسلامی (استانبول)